

برتری چهارده معصوم بر پیامبران

از دیدگاه قرآن و سنت

مولف:
ابن مالک

بسم الله الرحمن الرحیم

برتری چهارده معصوم علیه السلام بر پیامبران از دیدگاه قرآن و سنت

نویسنده:

عبدالرضا یوسفی پور

ناشر چاپی:

میراث ماندگار

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

برتری چهارده معصوم علیهم السلام بر پیامبران از دیدگاه قرآن و سنت

مشخصات کتاب

سرشناسه : یوسفی، عبدالرضا، ۱۳۶۲ -

عنوان و نام پدیدآور : برتری چهارده معصوم علیه السلام بر پیامبران از دیدگاه قرآن و سنت/ نویسنده عبدالرضا یوسفی(ابن مالک).

مشخصات نشر : قم: میراث ماندگار، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری : ۵۲۸ص.

شابک : ۲۸۰۰۰۰ریال: ۹۷۸-۶۰۰-۳۱۴-۲۱۳-۸

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق. -- امامت -- جنبه های قرآنی

موضوع : Ali ibn Abi-talib, Imam I, ۶۰۰-۶۶۱ -- Imamate -- Qur'anic teaching

موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق. -- امامت -- نظر اهل سنت

موضوع : Ali ibn Abi-talib, Imam I, ۶۰۰-۶۶۱ -- Imamate -- Views of sunnites

موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق. -- امامت -- نظر وهابیه

موضوع : Ali ibn Abi-talib, Imam I, ۶۰۰-۶۶۱ -- Imamate -- Views of Wahhabiyah

موضوع : وهابیه -- دفاعیه ها و ردیه ها -- جنبه های قرآنی

موضوع : Wahhabiyah -- Apologetic works -- Qur'anic teaching

رده بندی کنگره : BP۱۰۴ /ع۸ی۹ ۱۳۹۶

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۵۹

شماره کتابشناسی ملی : ۴۶۷۳۴۸۲

ص:۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحیم

برتری چهارده معصوم علیهم السلام بر پیامبران از دیدگاه قرآن و سنت

مولف: عبد الرضا یوسفی

ص:۳

نام کتاب: برتری چهارده معصوم علیهم السلام بر پیامبران از دیدگاه قرآن و سنت

نویسنده: عبدالرضا یوسفی (ابن مالک)

ناشر: میراث ماندگار

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۶

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپخانه: ولیعصر

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

شابک: ۸-۲۱۳-۳۱۴-۶۰۰-۹۷۸

مرکز پخش:

قم، خیابان ارم، پاساژ قدس، طبقه آخر، پلاک ۱۸۴

تلفن: ۳۷۷۳۰۳۶۵

ص:۴

فهرست مطالب

ص:۵

مقدمه کتاب برتری ۱۴ معصوم بر پیامبران

- کتابی که در پیش روی شماست حاصل ۳ الی ۴ جلسه تماس تلفنی و مباحثه حقیر با یکی از رسانه های ماهواره ای منسوب به وهابیت است که از شهر مدینه النبی (عربستان) پخش می شود و از حمایات مادی استکبار جهانی تغذیه می شود و تمام فرق منسوب به اسلام را خصوصاً شیعه ۱۲ امامی را تکفیر می کند یکی از شبهاتی که مطرح کردند و می کنند و حقیر در آن موضوع با آنان گفتگو و مباحثه داشتم مبحث برتری ائمه شیعه بر انبیاء و خلائق بود که در بحث تلفنی بعلت تنگی وقت و قطع کردن تماس از سوی وهابیت و همچنین گستردگی مبحث بر این شدم بلطف باری تعالی این موضوع را بصورت کتابی مفصل و مستدل از دیدگاه قرآن- تفاسیر مربوطه؛ احادیث مستند شیعه- اهل سنت و سایت های مورد قبول وهابیت برتری ائمه هدی شیعه بر انبیاء را (غیر از رسول اسلام) ثابت کنم- شبکه های وهابی ها- تنها دلیلی که برای رد مقامات ائمه طاهرین شیعه آوردند و می آورند آیه ۸۶ سوره انعام است که حقیر مفصل و مستدل در بیش از ۵۴۰ صفحه جواب علمی و قرآنی و حدیثی داده ام. امیدوارم بلطف خداوند و کرامات حضرات ۱۴ معصوم این کتاب چراغی فروزنده برای تبیین حق از باطل باشد و ذخیره ای برای روز وانفسای ما در قبر و قیامت باشد- قرآن کریم در آیات متعدد برتری های افراد اعم از اولیای الهی و غیر اولیای الهی حتی در موجودات غیر بشری به تصویر بیان کشیده وقتی خداوند در قرآن به درجات افراد و موجودات از جهت فاضل و مفضول بودن اشاره فرموده خوب است از دیدگاه نورانی قرآن- تفاسیر و روایات موقعیت ۱۴ معصوم و ائمه ۱۲ گانه شیعه برای موافق و مخالف روشن شود- قرآن در سوره رعد آیه ۴ می فرماید بعضی از میوه ها بر بعضی دیگر برتری دارند و نفضل بعضها علی بعض فی الاکل-

قرآن می فرماید بعضی از افراد در رزق و روزی بر بعضی دیگر برتری دارند(۱)؛ والله فضل بعضکم علی بعض فی الرزق(۲)- فضلنا بعضهم علی بعض- درجات افراد در آخرت و برتری بعضی بر بعضی(۳)؛

و للاخره اکبر درجات و اکبر تفضیلا-

۳۰/۰۵/۹۶ – مداح ابن مالک-

ص:۷

۱- ۱. نحل آیه ۷۱

۲- ۲. اسراء آیه ۲۱

۳- ۳. اسراء آیه ۲۱

پیش گفتار

قبل از آنکه وارد خواندن کتاب شوید؛ بدانید عده ای از علمای سرشناس اهل سنت به صراحت و روشنی نوشته اند- امیر مؤمنان علی علیه السلام و سایر ائمه ۱۲ گانه شیعه- از پیامبران و مخلوقات (غیر از رسول اسلام)- افضل و برتر می باشند- برای نمونه علامه شمس الدین ابوالمظفر یوسف بن فرغلی (معروف به سبط بن جوزی نوه دختری حافظ ابوالفرج عبدالرحمان بن جوزی در کتاب معروفش تذکره الخواص بذکر الخصائص الائمه می نویسد: اسماء بنت عمیس می گوید: سر مبارک رسول اسلام در دامن علی بود- در حالی که به آرامی با آن حضرت سخن می گفت و این حالت تا غروب خورشید ادامه یافت و نماز عصر او قضا شد- رسول خدا فرمود: خدایا این عمل علی در راه طاعت تو و پیامبر تو بود. خداوندا- خورشید را به خاطر او برگردان- اسماء می گوید: خداوند خورشید را برگردانید.... بلکه ما معتقدیم که خورشید از سیر معمولیش بازمانده است و اگر براستی دوباره بازگشته نیز جای تعجب نیست زیرا در آن صورت معجزه ای برای نبی اسلام و کرامتی برای علی خواهد بود- و به اجماع علماء- خورشید برای یوشع متوقف شد و این از دو صورت بیرون نیست یا آنکه معجزه ای بوده است برای موسی و یا کرامتی برای یوشع اگر معجزه برای موسی بوده پیامبر ما بالاتر از موسی است و اگر کرامت برای یوشع بوده است- علی بالاتر از یوشع است- پیامبر فرمود: علمای امت من چون پیامبران بنی اسرائیل هستند این سخن پیامبر درباره یکایک علماست تا چه رسد به علی- رسول خدا فرمود: صدیقین سه نفر هستند: حزقیل مؤمن آل فرعون- حبیب نجار مؤمن آل یاسین و علی که از همه افضل است و حزقیل پیامبری از انبیای بنی اسرائیل همچون یوشع بوده- پس این خود دلیل بر فضل و برتری علی از پیامبران بنی اسرائیل است شرح حال و فضائل خاندان نبوت ترجمه تذکره الخواص مترجم محمدرضا عطائی ص ۷۵- سبط بن جوزی از علمای حنفی مذهب اهل سنت الفوائد البهیه در شرح

حال حنفیه ص ۲۳۰ الکنوی هندی- الجواهر المضیه فی طبقات الحنفیه ج۲ ص ۲۳۰- شذرات الذهب ابن عماد حنبلی ج۵ ص۲۶۶ ضمن حوادث۲۶۶- امام ربانی اهل سنت حضرت شیخ احمد سرهندی متوفی ۱۰۳۱- می نویسد: و راهی است که به قرب ولایت تعلق دارد... و پیشوای واصلان این راه و سرگروه اینها و منبع فیض این بزرگواران حضرت علی مرتضی است و این منصب عظیم الشأن به ایشان تعلق دارد- انگارم که حضرت امیر قبل از نشاه عنصری نیز ملاذ و ملجاء این مقام بوده اند چنانچه بعد از نشاه عنصری این گونه اند.. (یعنی امام علی قبل از خلقت عناصر و موجودات و انبیاء مقام عظمی ولایت و امامت خاصه الهی داشته اند کتاب گزیده مکتوبات امام ربانی شیخ احمد سرهندی گردآوری و ترجمه: عبدالمجید مرادزهی خاشی ناشر فاروق اعظم زهدان خ خیام روبروی مسجد مکی- نبی اکرم فرمود: صبح روزی- جبرئیل امین بر من نازل شد در حالی که بسیار خوشحال بود به او گفتم چرا تو را اینقدر خوشحال می بینم؟ گفت: چرا خوشحال نباشم به خاطر کرامتی که خداوند به برادرت و وصیت و امام امتت داده است خداوند در شب گذشته در برابر ملائکه و حاملان عرش به امام علی مباهات کرده و فرمود: ای ملائکه من به حجت من بر بندگانم پس از پیامبر که چگونه صورت خودش را به خاک گذاشته و برای عظمت من چگونه تواضع می کند شاهد باشید که او امام کل خلائق (غیر از بر رسول اسلام) و مولی و سرپرست ایشان است

مناقب خوارزمی حنفی ح۳۲۳ ص ۳۱۹ انه امام خلقی و مولی بریتی- طبق این روایت و اقرار امام ربانی اهل سنت احمد سرهندی- مولا علی بر تمام خلائق (غیر از رسول اسلام) امام و سرور و مولی است و پیامبران غیر از رسول اسلام نمی توانند بر او امام و افضل باشند- نبی اکرم فرمود: چون و من علی- فردای قیامت از کنار پیامبران عبور کنیم- انبیاء آرزوی مقامات من و علی می کنند و علی بدنبال من است و علی یک پله پائین تر از من قرار دارد بشاره المصطفی ص۶۴ ح۳۶ و علی اسفل منی بدرجه....... نبی اکرم فرمود: کسی را با علی همپایه قرار دهید که کافر و گمراه می شوید و کسی را بر او فضیلت و برتری ندهید که مرتد می شوید بشاره المصطفی ص۱۲۸ ح۶۳ ولا تفضلوا علیه احداً فترتدوا- نبی اکرم خطاب به مولا

علی فرمود: ای علی- خداوند به من کرامتی نداده جزء آنکه مانندش را بتو عطاء کرده... فضیلت تو از فضیلت من است و فضیلت من فضیلت تو است بشاره المصطفی حدیث ۳۴۸ ص ۴۷۱ و ما اکرمنی الله بکرامه الاوقدا کرمک بمثلها..... و ان فضلک لمن فضلی لک فضل- خصائص علی ج۱ ص۱۵۶- سنن الکبری نسایی ج۵ ص۱۵۱ و ما سالت لنفسی شیئاً الاسالت لک- بیهقی در کتاب المحاسن و المساوی خود ص۱۸ می نویسد که سؤال شد از امام علی جواب داده شد از اصحاب پیامبر سؤال می کنید یا از نفس و جان پیامبر؟ علی نفس پیامبر است طبق آیه مباهله (۶۱ آل عمران) و در موقف و جایگاه پیامبر است فاین علی بن ابی طالب؟ قال یا هذا تستفتی عن اصحابه ام عن نفسه؟ قال: بل عن اصحابه قال: ان الله قل تعالوا ندع... و انفسنا و انفسکم فکیف یکون اصحابه مثل نفسه و عن عطاء قال: کان لعلی موقف من رسول الله- کمال الدین محمدبن طلحه شافعی متوفی ۶۵۲ هـ. در کتاب مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول ص ۸۱ درباره مقام بی نظیر مولا علی و برتری او بر خلائق و انبیاء بغیر از رسول اسلام ذیل آیه مباهله (۶۱ سوره آل عمران) می نویسد: منظور از انفسنا: علی مرتضی علیه السلام می باشند که نفس و جان پیامبر اکرم هستند- با این حال به این دلیل که خداوند بین نفس رسول اسلام و نفس حضرت علی- اتحاد و یگانگی ایجاد کرده است و نفس امام علی را به پیامبر خدا- نسبت داده و ضمیرش را به آن حضرت برگردانده «انفسنا» می فهمیم که براساس این حدیث هر حق و مقامی که پیامبر نسبت به مؤمنین داشتند امیرمؤمنان علی نیز دارا بوده و علی علیه السلام نیز تمام این منزلت ها و غیر آن را که همگی از لفظ مولی فهمیده می شود دارا بوده اند پس این مرتبه ای بزرگ و منزلتی والا و درجه ای بلند و جایگاهی بس رفیع و عالی برای آن حضرت به شماره می رود که بی شک مخصوص ایشان بوده و دیگران را در آن شراکت نیست والمراد نفس علی علیه السلام علی ماتقدم فان الله تعالی لما قرن بین نفس رسول الله و بین نفس علی و جمعها بضمیر مضاف الی رسول الله لنفس علی بهذا الحدیث ماهو ثابت لنفسه علی المؤمنین عموما... و کل معنی امکن اثباته مما دل علیه لفظ المولی لرسول الله فقد جعله لعلی علیه السلام و هی مرتبه سامیه و منزله سامقه و درجه علیه و مکان رفیعه خصصه

بها دون غیره... — النصوص (احمدرضا آقادادی) ص ۱۷۲ و ص ۱۷۳ ناشر دلیل ما- قم ۱۳۸۹- ابوجعفر اسکافی معتزلی ذیل حدیث منزلت می نویسد: جایگاه هارون برای موسی به اندازه ای کافی معروف و مشهور است اولین آنها این است که او در پیامبری با موسی شریک بوده است و در واقع هر دو پیامبر خدا بوده اند و دوم اینکه او برادر نسبی موسی بوده است و سوم اینکه او در نزد موسی از همه انسانها مقدم تر و نزدیک تر بوده است و این منزلت همان چیزی است که برای حضرت علی بن ابی طالب نیز واجب گشته است و الثالثه انه المقدم عند موسی علی جمیع البشر و هذه هی التی وجبت لعلی بن ابی طالب و هی منزلته من النبی المعیار و الموازنه ص ۲۱۹- (النصوص ص ۳۰۷)- این است اقرار و اعتراف علمای سرشناس اهل سنت راجع به مقامات بی نظیر مولا علی و هم پایه بودن او با نبی اسلام در فضایل و درجات عالیه معنوی و ملکوتی- ولی چشمان خفاشی و شب پره ای وهابیون خون آشام دنیاپرست و هواپرست- آفتاب جهان تاب حقانیت علوی را نمی توان درک کند و ببیند-

او کرامه لیوشع... و ان کان لیوشع فعلی افضل من یوشع قال (ص) علماء امتی کانبیاء بنی اسرائیل و هذه فی حق الاحاد فما ظنک بعلی و الدلیل علیه ایضاً... و حز قیل کان نبیا من انبیاء بنی اسرائیل مثل یوشع فدل علی فضل علی علیه السلام علی انبیاء بنی اسرائیل (۱)

محیّ الدین عربی می نویسد: هیچ مخلوقی در عالم آفرینش هم وزن و پایه اهل بیت پیامبر پدیده نیامده است آنان سزاوار سروی و سیادت هستند ← فتوحات مکیه ج۴ ص۱۳۹ : فلا تعدل باهل البیت خلقاً ... فاهل البیت هم اهل السیاده — شبروای از فقهای اهل سنت می نویسد: اهل بیت پیامبر تمامی فضائل را یکجا داشتند ← الاتحاف ص۱۷: و جمع من محاسن فضائلهم خلاصه و لبالبا- در زیارت شریف جامعه کبیره می خوانیم: هیچ کس به مقام آنان نرسد و هیچ خواهان برتری به آن راه نیابد و هیچ سبقت کننده ای به آن نرسد نه از اولین مخلوقات و نه از آخرین موجودات آنان مقامی دارنند که کسی حق توقع و اشتهاء داشتن به آن مقام را ندارد ← حیث

۱- ۱. تذکره الخواص ص ۵۵ چاپ منشورات الشریف الرضی- المطبعه: امیر قم- چاپ سال ۱۳۷۶- تذکره الخواص ص ۵۲ مکتبه نینوی- (سایت مکتبه فقاهت ج ۱ ص ۵۵)

لایلحقه لاحق و لایفوقه فائق و لایسبقه سابق و لایطمع فی ادراکه طامع ← مفاتیح الجنان ج۱ص۶۵۱ المقام الاول فی الزیارت الجامعه (الزیاره الثانیه)- امام صادق درباره برتری ۱۴ معصوم بر انبیاء فرمود: براستی نزد ما سری از اسرار خداوند و علمی از علم الهی است که نه ملك مقرب و نه نبی مرسل و نه مومن آزموده شده به ایمان توان دریافت آنرا ندارد و خداوند کسی را بدان مکلف نکرده است واحدی غیر ما؛ خداوند را بواسطه این علم پرستش ننموده است ← الکافی ج۱ ص۴۲ و ج۲ ص۳۳۳ باب فیما جاء ان حدیثهم صعب مستصعب ← ان عندنا و الله سراً من سرالله و علما من علم الله و الله مایحتمله ملك قرب و لانبی مرسل و لا مومن امتحن الله قلبه للایمان و الله ما کلف الله ذلک احداً غیرنا و لا استعبد بذلک احداً غیرنا- اوائل المقالات مفید ج۱ص۱۷۷ ← القول ۴۶: بین الائمه والانبیاء – کتاب تفضیل الائمه علی الانبیاء (علی حسینی میلانی) – کتاب تفضیل امیرالمومنین (مفید)- الرساله العلویه فی فضل امیرالمومنین علی سائر البریه (الکراجکی)- امام باقر علیه السلام درباره علت برتری مولا علی برخلائق و انبیاء غیر از رسول اسلام می فرماید: هرچه امر کند باید انجام شود و هرچه نهی کند باید ترک گردد اطاعت از علی بعد از پیامبر اسلام واجب است ... کسی که خود را برعلی مقدم بدارد مانند کسی است که خود را بر خدا و پیامبر مقدم داشته و کسی که خود را برتر از علی بداند مثل کسی است که خود را از خدا و پیامبر برتر بداند- و این مقام برای ائمه نیز یکی پس از دیگری است... مولا علی خودش فرمود: کسی برتر از من نیست مگر احمد (رسول اسلام) ← بصائر الدرجات ج۱ باب (۹) حدیث اول ← و لا یتقد منی احدالااحمد- امام صادق فرمود: اصل فضیلت از آن رسول خدا محمد است و اوست که بر همه خلایق برتری و تقدم دارد و هیچکس برایشان تقدم ندارد و امیرمومنان علی پس از ایشان تقدم دارد ← الفضل لمحمد و هو المقدم علی الخلق جمیعاً لایتقدمه احد و علی المتقدم من بعده ... و کذلک یجری للائمه بعده واحداً بعد واحد ← بصائر الدرجات ج۱ باب (۹) حدیث دوم- ترجمه محمد فربودی – امام صادق علیه السلام فرمود: برای امام علی همان برتری و فضیلتی است که برای رسول خدا، محمد صلی الله علیه و آله است ← بصائر الدرجات ج۱ باب (۹) ص۴۳۳ ح۳ ← جری له من الفضل مثل ماجری لمحمّد- دلائلی که ائمه هدی برای برتری خود و مولا علی برکل خلائق غیر از رسول اسلام بیان کرده اند به این شرح است طبق نقل متن حدیث بصائر الدرجات ← ارکان زمین هستند- واسطه فیض الهی هستند- هیچ کس راه راست هدایت نشود مگر بوسیله آنان – امینان خدا هستند- فاروق اکبر هستند- مولا علی فرمود: براستی تمام اوصیاء و انبیاء به برتری من اقرار و اعتراف خواهند نمود مانند همان اقرار و اعترافی، که نسبت به

برتری رسول خدا محمد مصطفی نموده اند ← و لقد اقرت لی جمیع الاوصیاء و الانبیاء بمثل ما اقرت به لمحمد ← بصائر الدرجات باب ۹ ص ۴۲۱ ح ۲- نبی اکرم به مولا علی فرمود:

در هفت موطن همراه من بودی موطن پنجم در شب قدر است که خداوند ما را به برکت آن مخصوص و ممتاز گردانیده است و این امتیاز برای غیر ما نیست ← بصائر الدرجات ص۴۶۴ ج۱ باب (۳) بخش۵ ← یا علی الم اشهدک معی سبعه مواطن؟ الموطن الخامس لیله القدر خصصنا ببرکتها البصائر الدرجات ص۲۲۴ باب ۱۸ ح۱۲ بخش دوم ← فقال: یا وصی محمد انا و جدنا فی کتب الانبیاء ان الاصلع وصی محمد خیر الناس... و قال علیه السلام: انا و الله ذلک یاهام- مولا علی فرمود: موجودات و اشیاء به واسطه اسم من موجود شدند و سایر پیامبران بواسطه اسم من دعا کردنند ← باسمی تکونت الکائنات و الاشیاء و باسمی دعا سائر الانبیاء ← مشارق الانوار ص۵۰۷ – مولا علی فرمود: ای سلمان هرکس از انبیاء پیامبر شد و مبعوث به رسالت بوسیله ما اهل بیت به این مقام رسیدند ← بنا شرف کل مبعوث ... مولا علی بود: خداوند به من فضائلی عطاء کرده که توصیف کنندگان و عارفان نمی توانند به آن معرفت پیدا کنند ← واعطانی مالم یصفه الواصفون و لایعرفه العارفون- من بودم (امام علی) که نوح را در کشتی حمل کردم و مونس یونس در شکم ماهی بودم من بودم که با موسی در دریا گفتگو کردم. نبوت محمد با من کامل شده ← انا حملت نوحاً فی السفینه انا صاحب یونس فی بطن الحوت ... و بی تمت نبوه محمد ← مشارق الانوار ترجمه سیف و سعید راشدی ص۵۱۰ – نبی اکرم به مولا علی فرمود تو، کل مقامات من را دارای غیر از نبوت من – و من در دنیا و آخرت از تو بی نیاز نیستم- حضرت آدم و انبیاء پیرو تو زیر لوای حمد که در دست توست در قیامت حرکت می کنند ← انت کذلک منی فی کل مقام الا النبوه و انی لا استغنی عنک فی الدنیا و لا فی الاخره – مشارق الانوار ص۶۰۵ – مولا علی فرمود: چه کسی می تواند ما را بشناسد یا می تواند به مقام ما برسد و یا منزلت ما را درک کند اهل بلاغت و خطیبان و شاعران ناتوان هستند ما را توصیف کنند شأن کسی که نقطه موجودات و قطب دائره ها و راز ممکن ها است شعاع جلال کبراء و شرافت زمین و آسمان است- مقام آل محمد بزرگتر از آن است که توصیف کنندگان بتوانند آن را توصیف کنند و این که احدی از جهانیان با آن ها مقایسه شود- چگونه در حالی که آنها نور اول هستند و کلمه ی عالی و نام روشنایی بخش و وحدانیت کبری هستند؛ چیزی که عده ای از آن روبرگردانند و پشت کردند آنها حجاب اعظم و اعلی خداوند هستند پس خوبان چگونه در کنار این ها می توانند قرار بگیرند؟ عقل ها چه جایگاهی در برابر این ها دارند؟ و چه کسی توانسته این ها را بشناسد و چه کسی را

ص:۱۳

شناخته است؟ و یا چه کسی آنها را توصیف کرده است؟ خیال کرده اند این صفات در غیر آل محمد است دروغ گفتند و قدم هایشان لغزید- گوساله را خدای خود قرار دادند و شیطان را حزب خود کردنند و همه ی این ها از روی دشمنی با خاندان برگزیده پیامبر و بیت عصمت و از روی حسادت به معدن رسالت و حکمت است شیطان اعمال آنها را برایشان زینت داد پس وای بر آنها و نابود باشند چگونه یک امام جاهل را انتخاب کردند... در حالی که امام واجب است که عالم باشد و جهل نداشته باشد و هیچ شرافتی مافوق او وجود نداشته باشد... کسی با آل محمد در مقامات بی نظیر آنان شریک و مساوی نیست ... علم و دانش پیامبران در برابر علم آل محمد و اسرار اوصیاء در برابر اسرار آنها و عزت اولیای الهی در برابر عزت و بزرگی و مقامات آنها همانند قطره در برابر دریا و مانند ذره در برابر مشت است ... پس احدی از مخلوقات با آل محمد قابل مقایسه نیست زیرا آنان خواص خداوند و خالص برای او و راز خدای دیانت و کلمه ی او و دروازه ایمان و کعبه ی ایمان و حجت خداوند و استدلال او و بزرگان هدایت و پرچم هدایت و فضل و رحمت خداوند هستند و چشمه ی یقین و حقیقت یقین و صراط حق و عصمت حق و مبداء وجود و انتهای وجود و قدرت پروردگار و مشیت او و ام الکتاب و خاتمه ی کتاب و فصل الخطاب و راهنمای آن و مخزن وحی و معدن تنزیل و امانت دار ذکر و ستارگان عالی مقام و انوار عالی تابنده از خورشید عصمت فاطمی در آسمان عصمت محمدی هستند.... و خداوند مخلوقی نیافرید مگر آنکه از او به وحدانیت و ولایت برای ذریه پاکیزه اعتراف گرفت... و عرش مستقر نشد مگر آنکه وقتی بانور برآن نوشته شد: لااله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله ← بحار الانوار ج۲۵ ص۱۷۰ ح۳۸ – مشارق الانوار الیقین ص۳۵۹ – مولا علی فرمود: امام معصوم ولی خداوند در آسمان و زمین است و خداوند برای او از همه بندگانش عهد گرفته پس هر کس بر او پیشی بگیرد به خداوند کافر شده ← مشارق الانوار ص۳۵۶ ← اخذ له بذلک العهد علی جمیع عباده فمن تقدم علیه کفر بالله من فوق عرشه- فمن ذاینال معرفتنا اوینال درجتنا او یدرک منزلتنا؛ حارث الالباب و العقول وتاهت الافهام فیما اقول؛ تصاغرت العظماء و تقاصرت العلماء وکلت الشعراء و خرست البلغاء ولکنت الخطباء و عجزت الشعراء و تواضعت الارض و السماء عن وصف شان الاولیاء و هل یعرف او یوصف او یعلم او یفهم او یدرک او یَملک شأن من هو نقطه الکائنات و قطب الدائرات و سر الممکنات و شعاع جلال الکبریاء و شرف الارض و السماء جل مقام آل محمد عن وصف الواصفین و نعت الناعتین و ان یقاس بهم احد من العالمین و کیف و هم النور الاول و الکلمه العلیاء و التسمیه البیضاء و الوحدانیه الکبری التی اعرض عنها من ادبر و تولی

و حجاب الله الاعظم الاعلی فان الخیار من هـذا؟ و أین العقول من هـذا و من ذا عرف من عرف؟ او وصف من وصف ظنوا أن ذلـک فی غیر آل محمـد کـذبوا... و هـذا کله لآل محمـد لا یشارکهم فیه مشارک... علم الأنبیاء فی علمهم و سرّ الوصیاء فی سرهم و عز الاولیاء فی عزهم کـالقطره فی البحر و الـذره فی القفر... و ان الله لم یخلق خلقاً الا و اخـذ علیه الاقرار بالوحـدانیه و الولایه للذریه الزکیه... و ان العرش لم یستقر حتی کتب علیه بالنور: لا إله الّا الله محمّد رسول الله علیّاً ولی الله-

در ضـمن وهابیت؛ دوست و دشـمن؛ مخالف و موافق بداننـد من (ابن مالک) نویسـنده کتاب- روحانی و کارشـناس زبـده مـذهبی نیسـتم ولی بـا مطـالعه فراوان و تحقیقـات شـبانه روزی و کمـک از اساتیـد فن این کتاب را تألیف کردم انشاءالله مورد مرضی پروردگار و حضرات ائمه معصومین قرار بگیرد-

- نوکر اهل بیت: ابن مالک- ذی الحجه ۱۴۳۸- ۲۲/۰۶/۱۳۹۶

شعری در فضائل اهل بیت رسالت

بُود احمد عصاره بهر عالم **** میان انبیاء او هست خاتم

به چارم چرخ او کرده است منزل **** نبوده است او از این آب و از این گِل

از او حیدر تلمذ کرده دائم **** که تا از بهر دین گردیده قائم

علی آن اسوی علم و سیاست **** امام المتقین مرد عبادت (عدالت)

ز دامانش حسن؛ سبط پیمبر **** خلیق و محسن و هم اهل منبر (بر ماست سرور).

حسین بن علی آن مرد بطحا **** نموده زنده او اموات دنیا

حیات طیبه بخشیده است او **** که تا عالم احیاء کند معنی یا هو

علی بن الحسین آن زین عُباد **** علیم و هم حلیم و بوده سجاد

محمّد باقر است احیاءگر دین **** امیر علم و عرفان میرآیین

و جعفر؛ صادق است و حافظ دین **** کلامش نافذ و بل بهتر از این.

پس از وی موسی کاظم امام است **** به کظم غیظ او فردی هِمام است

رضا فرزند پاک کاظم است او **** که زینت بهر جن و آدم است او

محمد هم تقی دادند لقب را **** کلامش بوده شیرین چون رطب را

علی بعد از پدر سالار دین است **** چو خورشیدی درخشان بر زمین است.

حسن پور علی باب است مهدی **** که در علم و شجاعت نیست حدّی

پس از او مهدی آن نور ولایت **** که عالم از وجودش شد هدایت

ز داید ظلم از دامان انسان **** بیفزاید به او نیروی ایمان

کند احیاء هم او احکام قرآن **** به یمین رحمت محبوب یزدان

خداوندا تو (حامد) رهنما باش **** که با حسرت نگوید ای کاش

شعر از استاد محقق- حاج علی اکبر قربانی

تاریخ سرایش :۱۰/۸/۱۳۹۶

هدیه کتاب

به پیشگاه مقدس ۱۴ نور مقدس الهی و ۱۲۴ هزار پیامبر و ارواح علمای ربّانی شیعه و شهدای انقلاب، جنگ تحمیلی، شهدای مدافع حرم، ارواح مؤمنین و مؤمنات، بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی رحمه الله و پدر بزرگوارم مشهدی رضا یوسفی بوشهری و غلامحسین نوری و مادربزرگم سیده مدینه هاشمی آب انباری و فاطمه تشکری و جمیع ارواح کسانی که خدمت کردند به آستان و پیشگاه منور اهل بیت علیهم السلام.

خداوندا شهادت در راه اهل بیت علیهم السلام و قرآن نصیب ما بفرما

آمین یا رب العالمین

ص:۱۶

فصل اول : آیات کلیدی برتری امامت حضرت علی علیه السلام بر پیامبران

ص:۱۷

«بسمه تعالی»

قال علی علیه السلام : اسعد الناس من عرف فضلنا

خوشبخت ترین مردم کسی است که برتری ما را بداند.(۱)

پاسخی به شبهه و مغلطه شبکه سلفی اموی وصال حق جناب محمد انصاری مدیر شبکه

در ابتدا این شبکه ماهواره ای یک فیلم و کلیپ از استاد سید حسن احمدی اصفهانی پخش کرد که ایشان داشتند برتری مولا علی علیه السلام را بر انبیاء و حضرت عیسی علیه السلام بیان می داشتند که مولا علی در خانه کعبه به دنیا آمده و خدا این اجازه را به مادر او داده ولی خداوند به مادر عیسی خطاب نموده از بیت المقدس خارج بشو اینجا عبادتگاه است نه زایشگاه و این یکی از دلائل افضلیت مولا علی بر انبیاء خصوصاً بر حضرت عیسی علیه السلام است.

ولی شبکه وهابی وصال باطل با آیه ۸۴ الی ۸۶ سوره انعام خصوصاً آنجا که قرآن می فرماید «و کلاًّ فضلنا علی العالمین» ما این پیامبران را که در این ۲ آیه ذکر کرده برتری دادیم بر کل مردم عالم. به خیال وهابی ها فضیلت مولا علی بر انبیاء را رد کرد. پس طبق این آیه چون مولاـ علی پیامبر نیست بر پیامبران هم افضل نیست و این حدیثی که جناب احمدی اصفهانی خوانده نعوذ بالله دروغه واصلاً بدنیا آمدن مولا علی در کعبه دروغه و دلیل برتری او بر پیامبران نیست؟!!!

مداح ابن مالک جواب می دهد:

۱- ۱. غررالحکم

اولاً: مولا علی علیه السلام فرمود: خوشبخترین مردم کسی است که آشنایی به برتری ما بر سایرین داشته باشد «اسعدالناس من عرف فضلنا»(۱)

حضرت مهدی علیه السلام طبق منابع اهل سنت برابر با بعضی از پیامبران و بالاتر از بعضی از آنان هست .

الفتن ابن حماد ج ۱ ص ۳۵۶ ح ۱۰۲۷ المهدی خیرا و ابوبکر و عمر قال : هوا خیر منهما و یعدل النبی – لوامع الانوار البهیه ج ۲ ص ۸۵ – قد کاد یفضل الانبیاء – تاریخ الخمیس الدیار بکری ج ۲ ص ۲۸۹ – عقد الدرر ج ۱ ص ۲۲۲ – قد کان یفضل علی بعض الانبیاء – ارشیف ملتقی اهل الحدیث ج ۵۷ ص ۳۷۱- ان المهدی المنتظر خیر من ابی بکر و عمر و جاء عن احد کبرائهم بسند صحیح انه کان یفضل علی بعض الانبیاء ... الفتن نعیم بن حماد ج ۱ ص ۳۵۸ ح ۱۰۳۶ – قد کان یفضل علی بعض الانبیاء – العرف الوردی فی اخبار المهدی (سیوطی) حدیث ۱۷۵ – الاشاعه فی اشراط الساعه (البرزنجی) باب تنبیه آخر ص ۲۱۷ مکتبه وقفیه الاسلامیه –

جاء عن ابن سیرین : ان المهدی خیر من ابی بکر و عمر قیل : یا ابابکر ؛ خیر من ابی بکر و عمر ؟! قال : قدکان یفضل علی بعض الانبیاء ... قال الشیخ علی القاری فی المشرب الوردی فی مذهب المهدی : و ممایدل علی افضلیته : ان النبی صلی الله علیه و آله و سلم : سماه : خلیفه الله و ابوبکر لایقال له الا : خلیفه رسول الله – مصنف ابن ابی شیبه ج ۷ ص ۵۱۳ ح ۳۷۶۵۰ یکون فی هذه الامه خلیفه لایفضل علیه ابوبکر و لاعمر – ابن سیرین و سیوطی و ملاعلی قاری به سند صحیح نقل کرده اند که حضرت مهدی از ابوبکر و عمر افضل تر است بلکه بالاتر از پیامبران و یا بعضی از پیامبران زیرا او خلیفه خدا می باشد – المهدی خیر من ابی و عمی قد کاد یفضل علی بعض الانبیاء و صح عنه : لایفضل علیه ابوبکر و عمر ؛

ابن حجر می نویسد : علت برتری حضرت مهدی بر بعضی و برخی از پیامبران از قول و نظر ابن سیرین بخاطر نماز خواندن عیسی پشت سر مهدی است – و کان این

۱- ۱. غررالحکم ج۱ص۲۰۶

سیرین اراد بقوله : کـاد ان یفضـل علی بعض الانبیـاء انه یوم عیسـی و للامـام فضـل ما علی الماموم من حیث التبعه – محمـدبن سیرین و لـد فی خلافه عثمان بن عفان من الفقهاء الثقات – تاریـخ بغـداد ج ۵ ص ۳۳۱ النجوم الزاهره ج ۱ ص ۲۶۸ – القول المختصـر فی علامات المهدی المنتظر – ابن حجر مکی چاپ مکتبه القرآن القاهره – (سیر اعلام النبلاء ذهبی حالات محمدبن سیرین ص ۶۰۶ ج ۴) – القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر ص ۳۴ – الاربعون : ینزل عیسی بن مریم و یصلی خلفه – نزول عیسـی و الاعتراف بامارته – الحادیه و الاربعون – ص ۳۵ – صـلاته ببیت المقدس – امامته لعیسی فی الصلاه – الرابعه و الاربعون – ص ۷۴- ص ۷۱ و ص ۷۲.

طبق نقل روایتی از کتاب عقد الدرر ج ۱ ص ۸۴ و ص ۲۳۳ – حضرت مهدی مقامش از حضرت موسی کلیم الله برتر است – حضرت موسی وقتی مقامات ملکوتی امام زمان را مشاهده کرد بخداوند عرض کرد مرا قائم آل محمد قرار بده خداوند فرمود او از ذریه محمد است (۳) بار عاجزانه از خداوند درخواست کرد که مقام مهدی آل محمد نصـیبش شود ولی جواب رد شنید – نظر موسـی فی السـفر الاول الی مایعطی قائم آل محمد فقال موسی : رب اجعلنی قائم آل محمد فقیل له : ان ذلک من ذریه احمد ... محی الدین عربی می نویسد : حضـرت مهدی در آفرینش هماننـد نبی اکرم و در اخلاق یک درجه پایین تر از اوسـت – الیواقت الجواهر ج ۲ ص ۵۶۲ – در روایات صـحیح شیعه و سنی آمده – حضرت مهدی در اخلاق و خلقت شبیه و هم رتبه پیـامبر است – و سـیخرج من صـلبه رجـل یسـمی بـاسم نبیکم یشـبهه فی الخلق و لاـ شـبهه فی الخلق – جمع الفوائـد من جامع الاصول ج ۴ ص ۱۸۵- سـنن ابی داود ح ۴۲۹۰ (صـحیح) با تحقیق محمـد محی الدین عبدالحمید – المهدی من ولدی اسـمه اسـمی و کنیته کنیتی اشبه الناس بی خلقا و خُلقا – بحارالانوار ج ۵۱ ص ۷۱ ح ۱۳- مخفی نماند اکثر صوفیان اهل سنت قائلند مقـام ولی الله بالاـتر از انبیـاء است ولی نـبی اسـلام هم ولی بوده و هم نبی و مقـام ولی بودن او بالاـتر از نبوت اوسـت – شـرح الطحاویه الراجحی ج ۱ ص ۳۷۵ – تاریخ الخمیس الدیار البکری ج ۱ ص ۱۶- روح المعانی ج ۶ ص ۱۶۷- بحرالمحیط ج ۳ ص ۱۹۰ – شرح الطحاویه

لسفر الحوالی ج ۱ ص ۱۶۹۴ و – و ذهب بعض الصوفیه الی تفضیل الاولیاء علی الانبیاء ... و یقولون : الولی افضل من النبی ... الاولیاء افضل من الانبیاء فالولایه اعلی درجه من النبوه ... ولایه نبی افضل من جهه النبوه ...

ثانیاً: جناب وهابی در منابع معتبر اهل سنت آمده حضرت مهدی علیه السلام معادل و برابر با یک پیامبر است حافظ نعیم بن حماد به استاد اسماعیل بخاریی در کتاب الفتن ص۳۵۶ح-۱۰۲۷- می نویسد: حضرت مهدی معادل یک پیامبر است-

قیل: له المهدی خیر اوابوبکر وعمرقال: هو خیرمنهما یعدل بنبی. در بعضی منابع روائی معتبراهل سنت آمده حضرت مهدی از بعضی پیامبران افضل است.

قدکان یفضل علی بعض الانبیاء. قلت: هذا اسنادصحیح: العرف الوردی فی اخبار المهدی.(۱)

ومما یدل علی افضلیّه ان النبی سماه خلیفه الله...

ثالثاً: خود علمای اهل سنت و وهابیت عده ای از افراد عادی را برابر با پیامبر می دانند؟

نویسنده وهابی: عبدالله بن جارالله در کتابش الجامع الفرید ص ۵ می نویسد:

خداوند این امام (شیخ محمدبن عبدالوهاب) را در بین اهالی نجد به مقام نبوت برگزید و او را با امرای عادل آل سعود یاری کرد

-فاقام الله هذا؛الامام فی اهل نجد مقام النبی وایده بالامراءالعادلین والائمه المهدیین من آل سعود وعلی راسهم الامام محمد بن سعود؛

بن باز مفتی سابق آل سعود می نویسد: اگر نبوت ختم نمی شد قطعاً می گفتیم ابن تیمیه؛ پیامبر است.(۲)

لولم نخبر بختام النبوه ان ابن تیمیه نبی؛

ابن کثیر مفسر معروف وهابی در البدایه و النهایه ج۶ص۲۵۹ می نویسد:

معجزه صحابه پیامبر علاء بن زیاد که درغزوه ای آب رودخانه را یخ و جامد کرد تا صحابه بتوانند از آن عبور کنند از معجزه حضرت موسی که آب را با عصاء شکافت و

۱- ۱. (سیوطی) ص۱۱۸ح۱۷۷؛الاشاعه فی اشراط الساعه ص۱۷۵البرزنجی

۲- ۲. دروس ومواقف وعبرص۳۳الامام ابن باز

کشتی نوح که بر طوفان آب قرار گرفت؛ بالاتر و افضل تر است؛ یعنی ابن کثیر وهابی این صحابه و معجزه اش را بالاتر از پیامبرانی چون نوح و موسی می داند.

ابلغ من رکوب السفینه...وابلغ من فلق البحرلموسی...

عده ای از علمای اهل سنت؛ معاویه بن ابوسفیان راازحضرت عیسی بالاتر و افضل تر میدانند؛ می گویند: وکاتب وحی پیامبربود او را با پیامبر نصاری نباید مقایسه کرد.

ایهما افضل؛معاویه ابی سفیان ام عیسی بن مریم؟فقال: لا والله ما ادری...فقال الثالث:

یاکشخان تقیس کاتب الوحی الی نبی النصاری؟(۱)

سیوطی درباره غزالی می نویسد: اگر پس از پیامبر قرار بود کسی پیامبر شود؛ غزالی بود

او کان نبی لکان الغزالی-التنبئه بمن یبعثه الله علی راس کل مائه؛(۲)

ذهبی می نویسد: احمدبن حنبل مقام پیامبران دارد و اگر در بین بنی اسرائیل بود آیت و نشانه ای برای آنان بود

قام احمد مقام الانبیاء لوکان احمد بن حنبل فی بنی اسرائیل لکان آیه(۳)

ابوزرعه الرازی و جهوده فی السنه النبویه ج۳ ص۹۸۱؛ علمای اهل سنت به سندحسن و صحیح نقل کرده اند:

اگر قرار بود بعد از رسول اسلام پیامبری بیاید؛ آن پیامبر، عمرابن الخطاب بود.

لو کان بعدی نبی لکان عمرابن الخطاب.(۴)

اهل سنت نقل کرده اند:

اگر ابراهیم فرزند رسول اسلام بعد از پیامبر زنده می ماند پیامبر می شد.

لو عاش ابراهیم لکان صدیقاً نبیا.(۵)

اهل سنت نقل کرده اند که ابوبکر همانند حضرت ابراهیم، عمر همانند حضرت موسی و عثمان همانند حضرت هارون است،

۱- ۱. الطیوریات؛ النسفی ج۱ص۱۱۳ح۹۰

۲- ۲. سیوطی ص۱۲التنبئه بمن یبعثه اللهعلی راس کل مائه

۳- ۳. سیراعلام النبلاءج ۱۱ص۲۰۲

۴- ۴. مستدرك حاکم ح-۴۵۵۱-مساله۱۷۶۳کتاب معرفه الصحابه هذاحدیث صحیح الاسناد باسنن الترمذی مساله۳۶۸۶کتاب المناقب؛فتح الباری ابن حجر کتاب فضائل الصحابه مساله۳۴۸۶

۵- ۵. الجامع الصغیرج ۲ص۴۳۳ح۷۴۵۳؛کنزالعمال ج ۱۱ص۴۶۹ینابیع الموده ج ۳ ص ۲۲۶باب ۵۶

فابوبکر نظیر ابراهیم وعمر نظیر موسی و عثمان نظیر هارون.(۱)

اهل سنت به سند صحیح نقل کرده اند: همانا خداوند بندگانی دارد که پیامبر نیستند ولی فردای قیامت پیامبران و شهداء به مقام آنان غبطه می خورند اگر آن عبادالله که پیامبران غصه، مقامات آنان را می خورند مقامشان از پیامبران کمتر بود معنا نداشت پیامبران به مقام آنان غصه بخورند.

ان الله لیسوا بانبیاء و لا شهداء یغبطهم الشهداء و النبیون لقربهم من الله: مستدرک حاکم نیشابوری ج۴ ص۱۸۸ کتاب البر و الصله ح- ۷۳۱۸ هذا حدیث صحیح، تفسیر ابن ابی حاتم ح ۶۹۱۵ ذیل آیه ۱۰۱ سوره مائده صحیح ابن حبان کتاب البر و الاحسان ح ۵۷۸ ذیل آیه ۶۲ یونس صحیح الجامع آلبانی ج۲ ص۷۹۵ ح ۴۳۱۲ صحیح الترغیب ح ۳۰۱۹ : المتحابون فی جلالی لهم منابرمن نور یغبطهم النبیون و الشهداء روایت دیگری به سند صحیح منابع اهل سنت نقل کرده اند که از آن برداشت می شود عده ای از پیامبران و فرشتگان افضل و برتر هستند نبی اکرم فرمود: عجیب ترین و با افضل ترین افراد که ایمانشان از ملائکه و انبیاء افضل و عجیب هست کسانی هستند که مرا ندیده اند و به من ایمان آورده اند و مرا تصدیق کرده اند و آنان برادران من هستند و ایمان آنها افضل از ملائکه و انبیاء است چون با ندیدن حقائق، ایمان آورده اند: اقوام یاتون من بعدی فی اصلاب الرجال فیومنون بی ولم یرونی و یجدون الورق المعلق فیعلمون بما فیه فهولاء افضل الایمان ایمانا: مستدرک حاکم رقم الحدیث ۷۰۴۴- حدیث مرفوع- صحیح الاسناد- کتاب معرفه الصحابه، ذکر فضائل القبائل، معجم اسامی شیوخ ابی بکر ح ۱۷۵، الاحادیث المختاره مقدسی ح ۳۸۲۴؛ البحر الزخار حدیث ۲۷۷۸، مسند ابی یعلی ح ۱۵۲ مسند عمر ابن الخطاب؛ در ضمن روایاتی با سند صحیح و فراوان از کتب اهل سنت و شیعه رسیده که مولاعلی و ائمه طاهرین، افضل از تمام خلائق و انبیاء هستند بغیر از بر رسول اسلام، امام حسن مجتبی فرمود: ای مردم، دیروز، مردی (امام علی) از میان

---

۱ - ۱. الفردوس الدیلمی ج ۴ص ۳۳۶ ح ۶۵۱۴،کنز العمال ج ۱۱ ص ۷۵۷ ح ۳۳۶۸۷ – ینابع الموده ح ۴ ص ۲۸ باب ۵۶- الغدیر امینی ج ۱۰ ص ۱۰۸-ریاض النضره ج ۱ص ۵۰

شما رفت که نه اولین خلائق از او سبقت و پیشی گرفتند و نه آخرین افراد پس از او- لقد فارقکم امس رجل ماسبقه الاولون و لایدرکه الاخرون: مصنف ابن ابی شیبه کوفی ج ۱۷ ص۱۱۹ و ص۱۲۰ چاپ دار القبله حدیث ۳۲۷۶۸، محقق وهابی، محمد عوامه این روایت را تحسین کرده ، علامه احمد محمد شاکر، محقق کتاب مسند احمد حنبل ج۲ ص۳۴۴، دو سند این روایت را صحیح دانسته، ناصرالدین آلبانی در سلسله الاحادیث الصحیحه آن را، قبول کرده- سلسله الاحادیث الصحیحه ج۵ ص۶۶۰ الی ص۶۶۵ التعلیقات الاحسان علی صحیح ابن حبان ج۱۰ ص۷۴ ح ۶۸۹۷، المطالب العالیه ج ۱۸ ص۲۴۲

محقق سعید بن ناصر الششری؛ مجمع الزوائد ج۹ ص۲۰۲؛ السنن الکبری نسایی ج ۷ ص۴۱۶ ح ۸۳۵۴ صحیح ابن حبان ج ۱۰ ص۷۴؛ مسند احمد ج ۳ ص۲۴۶ ح ۱۷۱۹؛ فضائل الصحابه ج ۱ ص۱۷۴؛ الذریه الطاهره النبویه دولابی ص۷۸؛ السنه الخلال ج۲ ص۳۵۳ و ... لقد فارقکم رجل بالامس لم یسبقه الاولون بعلم و لایدرکه الاخرون؛

نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: همانا خداوند پیامبران مرسل را بر فرشتگان مقرب، برتری داد و من را بر جمیع پیامبران و برتری بعد از من از آن علی ابن ابی طالب است: بحار الانوار ج۱۱ ص۱۳۹؛ نبی اکرم فرمود: علی ابن ابی طالب، بالاترین و بهترین مخلوق خداوند است بغیر از بر من

مائه منقبه دوم، - ان الله فضل انبیائه المرسلین علی الملائکه المقربین و فضلنی علی جمیع النبین و المرسلین و الفضل بعدی لک یا علی ان علی ابن طالب افضل خلق الله غیری

نبی اکرم فرمود: خداوند بر دنیا توجهی کرد، و مرا بر مردان دنیا برگزید، سپس در توجه دومش خداوند علی ابن ابی طالب را انتخاب کرد و برگزید و در توجه سوم امامانی که از فرزندان تو هستند و در مرتبه چهارم؛ فاطمه زهرا، را ینابیع الموده ج ۴ ص۱۰۲ باب ۵۶؛ موده القربی موده ۱۴، بحارالانوار- ج ۴۳ ص۲۶ ح ۲۴ ان الله اشرف علی الدنیا فاختارنی علی رجال العالمین ثم اطلع الثانیه فاختارک علی رجال العالمین ثم اطلع الثالثه فاختار الائمه من ولدک علی رجال العالمین ثم اطلع الرابعه

فاختـار فـاطمه علی نسـاء العالمین: ابن مسـعود می گویـد: ۷۰ سـوره از دهـان رسـول اسـلام ، قرائـت کردم و بقیـه قرائت را از دانـاترین و بهـترین مردم بعـد از پیـامبر، علی ابن ابی طـالب فرا، گرفتم، تاریـخ دمشق ج ۳۳ حدیث ۱۰۶۰ – منـاقب خوارزمی ح ۹۰- مجمع الزوائد ج۹ ص۲۸۸؛ اموده القربی موده ۱۵؛ ینابیع الموده ج۴ ص۱۰۶ با نبی اکرم به حضرت فاطمه فرمود: همانا خداونـد توجهی به اهل زمین نمود و پـدرت را بعنوان پیامبر خاتم برگزیـد و در نظر دوم- شوهرت علی را برگزید- یعنی مولا علی بعـد از نـبی اسـلام؛ بهـترین مخلوق خداونـد است چگونه پیـامبران، غیر از رسول اسـلام بر او برتری دارننـد. معجم الکبیر طبرانی ح ۳ ص۵۷ رقم الحدیث ۲۶۰۷ – معجم الاوسط ح ۶۷۲۸ ، معجم الکبیر باب الخاء ح ۳۹۴۲- المعجم الکبیر- من اسمه عبـدالله ح- ۱۰۹۹۳- معرفـه الصـحابه ابی نعیـم ج ۴ حـدیث ۴۹۶۲- کنزالعمـال ج۱۱ ص۶۰۵، هیثمی در مجمع الزوائـد ج ۹ ص۱۶۵ این حـدیث را نقـل کرده و فقـط به یـک روای آن، الهیثم بن حبیب، ایراد وارد کرده ولی مزی در تهـذیب الکمـال و ذهـبی در میزان الاعتـدال ج ۴ ص ۳۲۰ و ابن حبـان در الثقـات ج ۷ ص۵۷۶ ش ۱۱۵۴۷، این راوی را توثیـق کرده انـد- قرأت البقیه علی اعلم هـذه الامه بعد نبینا- علی ابن ابی طالب- ان الله عزوجل اطلع الی الارض اطلاعه فاختار منها اباک فبعث برسالته ثم اطلع اطلاعه فاختـار منهـا بعلـک وا وحی الی ان انحـک ایاه ... و وصـی خیرالا وصـیا و احبهم الی الله و هو بعلک، ثم اطلع الثـانیه فاختـار بعلـک فـاوحی الی فـانحکته و اتخـذته وصـیاً- اما ترضـین ان یکون الله اطلع الی الارض فاختار منها رجلین جعل احدهما اباک و الاخرزوجک- در روایات صـحیحی که اهل سنت درباره اوتاد الارض و ابدال نقل کرده اند آمده که قلوب و باطن آن افراد هماننـد قلب و باطن، حضـرت ابراهیم خلیل الرحمن هست در یقین و ایمان به خدا، آیا طبق این روایات صـحیح اهل سـنت درباره ابدال و اوتاد الارض، آنان ابدال و اوتاد الارض را همانند و مساوی با حضرت ابراهیم این پیامبر عظیم الشان الهی قرار نـداده انـد؟!! تاریخ دمشق ابن عساکر ج ۱، ص۳۰۴ و هم اوتـاد الارض قلوب ثلاثین منهم علی مثل یقین ابراهیم – الـدر المنثور ج۱، ص۷۶۷، نوادر الاصول ج۱ ص۲۶۲ تفسیر قرطبی ج۳ ص ۲۶۰، الاولیـاء لابن ابی الـدنیا ج۱ص۲۷ صفات الابدال و ...

ص:۲۵

در روایتی از منابع سنی ها آمده که ابوبکر و عمر و عثمان، از حضرت آدم افضل و برتر هستند ریاض النضره طبری ج۱ ص۵۱ ذکر ان ابابکر و عمر خلقا من طینه واحده – فلما عصی آدم ربه قال: رب بحرمه اولئک الاشباح الخمسه الذین فضلتهم، جالب است که در این روایت جعلی مقام ابوبکر و عمر و عثمان در ردیف مقام و رتبه نبی اکرم ذکر شده است؟!! الصواعق المحرقه علی اهل الرفض و الضلال و الزندقه، ابن حجر هیثمی ج۱ ص۲۳۷، جالب و خنده دار؛ در کتب اهل سقیفه بنی ساعده آمده که معاویه، می توانست به درجه پیامبری برسد و پیامبر مبعوث شود بخاطر علم زیاد و اعتماد و یقینش به کلام خداوند؟!! مختصر تاریخ دمشق ج۲۵ ص۶، الغدیر ج۵ ص۳۰۸ و ص۴۹۴، مدرسه امامت ۲۹۵ و ص۲۹۶ نوشته دکتر مجید حیدری فر- و کاذ ان یبعث معاویه نبیاً کثره علمه و ائتمانه علی کلام ربی- از امام صادق سوال شد، امام علی افضل هست یا پیامبران؟ امام ششم فرمود: خداوند، پیامبران اولوالعزم را بوسیله علم و دانششان بر سایر پیامبران برتری داده است و ما علم آنان را به ارث بردیم و به رسول اسلام، علومی آموخت که به سایر پیامبران نیاموخت و ما را هم به علم رسول اسلام، آگاه کرد و او تمام علوم را به ما آموخت باز شما می گوئد امام علی افضل است یا پیامبران؟

الخرائج و الجرائح راوندی ج ۲ ص۷۹۷ ان الله فضل اولی العزم من الرسل بالعلم علی الانبیاء و ورثناعلمهم و فضلنا علیهم فی فضلهم و علم رسول الله ما لایعلمون و علمنا رسول الله- الخرائج و الجرائح، ابن هبه الله الراوندی ج۲ ص۷۹۷ ح۶

امام صادق فرمود: آب های کم را می جوئید و نهرهای بزرگ را، رها می کنید؟ پرسیدند: منظورتان چیست؟ فرمود: خداوند تمام علوم پیامبران را به پیامبر اسلام وحی کرد و پیامبر هم آن را به علی سپرد، پرسیدند: علی افضل و اعلم است یا بعضی از پیامبران؟ فرمود: خدا، هرکس را بخواهد شنوای (حقائق) می کند من می گویم، رسول خدا، علوم تمام پیامبران را داشت و علاوه بر آن، خداوند، چیزهایی را به او آموخته بود که به دیگران نیاموخته بود، او هم تمام این علوم را نزد علی گذاشت باز شما می گویید، علی اعلم و افضل است یا پیامبران، ... از امام باقر روایت شده که فرمود: موسی از خضر، مساله ای را پرسید ولی او پاسخ آن را ندانست، عالم (خضر)

ص:۲۶

هم از موسی مساله ای را پرسید که موسی نتوانست پاسخ آن را بگوید من اگر آنجا حاضر بودم، پاسخ هر دو را می دادم و چیزی از آن دو می پرسیدم که از پاسخ آن عاجز بودند، عبدالله بن ولیدسمان می گوید: امام باقر از من پرسید: ای عبدالله درباره علی و موسی و عیسی چه می گویی؟ گفتم: درباره آنان چه می توانم بگویم، فرمود: او (علی) بخدا قسم از آن دو اعلم بود سپس فرمود: مگر شما نمی گویید آنچه را که پیامبر اسلام دارد علی هم دارد گفتم: آری ولی مردم انکار می کنند

الخرائج و الجرائح راوندی ج ۲ ص۷۹۶ ح ۹۶ ج ۲ ص۷۹۷ و ص۷۹۸ و ص۷۹۹- و قال علیه السلام : تمصون الرواضع و تدعون النهر العظیم؟ فقیل: ما تعنی بذلک؟ قال: ان الله اوحی الی رسول الله، علم النبیین باسره و اسره الی امیرالمومنین فقیل: علی علیه السلام اعلم او بعض الانبیاء؟ فقال: ان الله یفتح مسامع من یشاء اقول: ان رسول الله حوی علم جمیع النبیین و علمه الله مالم یعلمهم و انه جعل ذلک کله عندعلی فتقول: علی اعلم او بعض الانبیاء و تلاء: قال الذی عنده علم الکتاب – ولسالتهما مساله لم یکن عندهما جواب- قال الباقر: یا عبدالله ما تقول فی علی و موسی و عیسی؟ قلت: ما عسی ان اقول فیهم؟! قال: هو و الله اعلم منهما ثم قال: الستم تقولون ان لعلی مالرسول الله من العلم؟ قلت: نعم و الناس ینکرون ...

امام باقر علیه السلام فرمود: بخدا قسم، خداوند در آیه ۴۳ سوره رعد ما را قصد کرد و علی نخستین ما و افضل ما و بهترین ما بعد از نبی اسلام می باشد- الخرائج و الجرائح ج۲ ص۷۹۹، بحار الانوار ج۴۰ ص۲۱۱، مختصر البصائر ج۱ ص۳۰۱، مظهری از علمای اهل سنت در تفسیر مظهری ج ۴ ص۳۸۳ الی ص۳۸۴ ذیل آیه ۱۷ سوره هود می نویسد: علی علیه السلام قطب کمالات ولایت و سایر اولیاء حتی صحابه در مقام ولایت، پیروان اویند... معنی آیه این است که مراد از بینه یعنی حجت و دلیل آشکار و قاطع که مراد نبی اسلام است که آن بزرگوار از طرف خداوند دارای حجت آشکار بود که انسان یقین می کرد او پیامبر خداست و این معجزات اوست، علوم رسول الله مستند به وحی است و مراد از یتلوه شاهدمنه، علی است که در راس هرم اولیاء قرار دارد، ان علیا کان قطب کمالات الولایه و سائر الاولیاء حتی الصحابه رضوان الله علیهم اتباع له فی مقام الولایه .... و یتلوه شاهد من الله علی صدق و هو علی من شاکله اولیاء؛ علامه

ص:۲۷

صدق زهاوی (شاعر و نویسنده عراقی) می نویسد: موسس وهابیت (شیخ محمدبن الوهاب) اخبار مدعیان نبوت مانند، مسیلمه کذاب، سجاح، اسود عنسی و طلیحه و امثال آنها را مطالعه می کرد و در، درون خود ادعای نبوت داشت هرچند در ظاهر پنهان می کرد، فجر الصادق فی الرد علی منکری التوسل و الکرامات و الخوارق ص۱۱ و ص۱۲ – من ادعی النبوه کاذبا کمسیلمه الکذاب و سجاع و الاسود العنسی و طلیحه الاسدی و اضرابهم فکان یضمر فی نفسه دعوی النبوه الاانه لم یتمکن من اظهارها؛

آیا وهابیون حاضرند محمدبن عبدالوهاب را تکفیر کنند که مدعی نبوت بوده و عده ای او را پیامبر می دانستند آنها را هم خارج از اسلام بدانند؟! – نبی اکرم فرمود:

خداوند، علی را سرور و پیشوا و بزرگ گذشتگان و آیندگان و پیامبران و فرستادگان قرار داده است، علی، رکن، مقام، حوض، زمزم و مشعراعلی است، خداوند به او بتول عذراء داده که به احدی از پیامبران نداده، به او حسن و حسن داده که همانند آن دو به احدی نداده، به او پدر زنی همانند من داده که به احدی همچو او پدر زنی نداده، به او حوض کوثر و تقسیم اهل بهشت و جهنم عطاء کرد که به ملائکه این داده نشده و برادری همچون من به او داده شده است و کسی را برادری چون من نداده –(۱)

جعله سیدالاولین و الاخرین و النبیین و المرسلین و هو الرکن و المقام و الحوض و زمزم و المشعر الاعلی و اعطی له فاطمه العذراء البتول و لم یعط ذلک احداً من النبین و اعطی الحسن و الحسین و لم یعط احدا مثلهما و اعطی صهراً مثلی... برترین مردم نزد خداوند نزد خداوند کسی است که در قبرش بخوابد در حالی که شک نداشته باشد که علی و فرزندانش بهترین مردمان هستند(۲)

افضل البریه عندالله من نام فی قبره و لم یشک فی علی و ذریته انهم خیرالبریه، نبی اکرم به ابوبکر فرمود: به علی و ۱۱ فرزندش ایمان بیاور آنان همانند من هستند

ص:۲۸

۱- ۱. ینابیع الموده ج۴ ص۱۶۸ باب ۵۱-

۲- ۲. ینابیع الموده ج۴ ص۱۰۸ باب ۵۶

مگر در نبوت- یا ابابکر آمن بعلی و باحدعشر من ولده انهم مثلی الاالنبوه -(۱)

نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ۱۲ امام معصوم هم درجه و هم منزل من در بهشت هستند- معی فی درجتی(۲)

امام صادق فرمود: کمترین درجه شناخت امام این است که بدانی او هم تراز و هم رتبه با نبی اسلام است بجزء در نبوت (خاتم) (۳) ادنی معرفه الامم انه عدل النبی الادرجه النبوه و وارثه و ان طاعته طاعه الله و طاعه رسول الله- یکی از آیاتی که در قرآن اشاره به افضلیت و برتری حضرات ۱۴ معصوم بر تمام خلائق و انبیاء دارد آیه ۷۲ سوره احزاب است؛ امام صادق علیه السلام در ذیل تفسیر این آیه فرمود: خداوند ارواح را (۲) هزار سال قبل از کالبدها خلق کرد و عالی ترین و شریف ترین آنها را، ارواح نبی اسلام و علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان بعد از ایشان قرار داد... خداوند فرمود به تمام مخلوقات؛ هرکس منزلت و مقامی را که ایشان نزد من دارند به خود نسبت دهد و جایگاه بلندی را که آنان در آستان عظمت من دارند برای خود، وانمود کند او را چنان با شدتی شکنجه نمایم که احدی از جهانیان را آنچنان کیفر نکرده باشم، چون آدم و حوا در بهشت به گشت و گذار پرداختند و مقام و منزل ۱۴ معصوم را دیدند، پس گفتند: ای خدای ما، این جاه و مقام از آن کیست؟ خداوند فرمود: سرتان را سوی ساق عرش من بلند کنید؛ چون آدم و حوا، سر برداشتند، مشاهده نمودند که نام محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و بقیه امامان بعد از ایشان به نوری از انوار خداوند بر ساق عرش نوشته شده است، عرض کردنند: بارالها، صاحبان این منزلت چه بسیار گرامیند در درگاهت، خداوند فرمود: آری چنین است و اگر بخاطر ایشان نبود شما را خلق نمی کردم «خداوند به آدم و حوا فرمود: مبادا به دیده حسادت به مقام آنان نگاه کنید؛ هرکس به ۱۴ معصوم ظلم کند به نفس خود ظلم کرده و ظلم به ۱۴ معصوم این است که مدعی مقام ایشان شود... و بعد از آن همواره، پیامبران این امانت (ولایت و مقام ۱۴ معصوم) را نگهداری می نمودند و اوصیاء و

۱- ۱. الکافی ج۱ ص۵۳۳ ح۱۳

۲- ۲. حدیقه الشیعه ص۴۸۲

۳- ۳. کفایه الاثر ص۲۵۱؛ بحارج۴ ص۵۵ح۳۴

مخلصان از امت های خویش را از این امانت آگاه و با خبر می ساختند؛ پس اباء داشتند که امانت را به ناحق برداشته و به خود نسبت دهند و ترسیدند که برای خویش ادعای مقام آنان را بنمایند(۱)

ان الله خلق الارواح قبل الاجساد بالفی عام، فجعل اعلاها و اشرفها ارواح محمد و علی و فاطمه و الحسن و الحسین و الائمه بعدهم ... فمن ادعی منزلتهم منی و محلهم من عظمتی عذیته عذابا لا اعذبه به احداً من العالمین ... قالا: ربنا و من الظالمون؟ قال المدعون المنزلتهم بغیر حق ... فلم یزل انبیاء الله بعد ذلک یحفظون هذه الامانه و یخبرون بها اوصیاء هم و المخلصین من امهم فیابون حملها و یشفقون من ادعائها ... یکی دیگر از آیات قرآن که دلیل بر، برتری ۱۴ معصوم بر پیامبران دارد، آیه ۱۷۲ سوره اعراف است، علامه مجلسی در حیاه القلوب ج۲ ص۶۳۳ کتاب دوم، تاریخ پیامبر اسلام به سندهای معتبر از امام صادق روایت کرده که از نبی اسلام، سوال کردنند، به چه دلیل بر --- پیامبران سبقت گرفتی؟ و از همه برتر و افضل شدی در حالی که بعد از همه مبعوث شدی؟ فرمود: زیرا من اولین کسی بودم که به پروردگار اقرار کرد و نخستین کسی که پاسخ داد، در وقتی که خداوند، میثاق پیامبران را گرفت و ایشان را برخود، گواه گرفت و گفت: الست بربکم، آیا من خدای شما نیستم؟ همه ارواح پیامبران گفتند: بله و من اولین پیامبری بودم که پاسخ دادم بدین گونه در اقرار کردن به خدا، برایشان سبقت گرفتم، در حدیث معتبر دیگری از آن حضرت روایت شده است، چون خداوند، ارواح را آفرید، ایشان را نزد خود، سپس به آنان خطاب فرمود: خدای شما کیست؟ در این هنگام اولین کسی که حرف زد، نبی اسلام و علی و امامان از فرزندان ایشان بودند، ایشان گفتند: تویی خدای ما، آنگاه خداوند، علم و دین خود را به ایشان داد و به فرشتگان گفت: ایشان حاملان دین و علم من و امینان من در میان خلق هستند، علوم مرا باید از ایشان بپرسید، سپس به فرزندان آدم، خطاب فرمود: برای خدا به پروردگاری اقرار نمایید و برای این گروه به

۱- ۱. معانی الاخبار ج۱ ص۲۵۴ الی ص۲۶۱ باب ۴۳ باب معنی الامانه

اطاعت و ولایت و محبت، ایشان گفتند: بله، پروردگارا، اقرار کردیم، آنگاه خداوند به ملایکه فرمود: گواه باشید ملائکه گفتند: گواه هستیم سپس امام ششم فرمود: و الله ولایت ما را در میثاق روز الست بر پیامبر تاکید کردند؛ امام علی فرمود: منم بنده ی خدا و برادر رسول خدا و بسیار تصدیق کننده در روز اول همانا به او ایمان آوردم و، وی را تصدیق نمودم در هنگامی که هنوز، روح آدم به بدن او تعلق نگرفته بود... پس ماییم پیشی گیرندگان در اول و آخر، امام صادق فرمود: در روز الست؛ خداوند از ارواح پیامبران، پیمان و اقرار گرفت که به نبی اکرم ایمان بیاورید و علی امیرمومنان را یاری کنید و امت های خود را خبر بدهید به نبوت نبی اسلام که به او، ایمان بیاوردند و او، امامان از نسل او را یاری کنند- (۱)

بای شی سبقت الانبیاء و فضلت علیهم و انت بعثت آخرهم و خاتمهم قال انی کنت اول من اقر بر بی و اول من اجاب... فکنت اول نبی قال: بلی فسبقتهم الی الاقرار بالله- ثم قال لهم من ربکم فاول من نطق رسول الله و امیرالمومنین و الائمه فقالوا انت ربنا فحملهم العلم و الدین ثم قال للملائکه هولاء حمله دینی و علمی و امنائی فی خلقی و هم المسئولون... یا داود و لایتنا موکده علیهم فی المیثاق- فقال الصادق: کان المیثاق ما خوذاعلیهم لله بالربوبیه و لرسوله بالنبوه و لامیرالمومنین و الائمه بالامه فقال: الست بربکم و محمدنبیکم و علی امامکم و الائمه الهادیه ائمتکم؟ ... فاول ما اخذ الله عزوجل المیثاق علی انبیاء له بالربوبیه ... ثم اخذ بعد ذلک میثاق رسول الله علی الانبیاء بالایمان به وعلی ان ینصروا، امیرالمومنین- یکی دیگر از آیاتی که در قرآن اشاره دارد، ۱۴ معصوم از تمام پیامبران برتر هستند آیه ۸۷ سوره حجر می باشد، در این آیه خداوند خطاب نبی اسلام می فرماید: همانا، ما به تو سبع مثانی و قرآن عظیم، عطاء کردیم، مفسران سنی و شیعه گفته اند: منظور از سبع مثانی، سوره حمد هست و اهل بیت عصمت فرموده اند: منظور از سبع مثانی ما اهل بیت پیامبر هستیم، هر مسلمانی سوره حمد در نمازهای واجب و مستحب خود نخواند، نمازش باطل است و سوره حمد بزرگترین سوره ای بوده که به پیامبر نازل شده،

---

۱ - ۱. مدنیه المعاجزء ج۱ص۵۹، بحارالانوار ج۵ ص۲۳۶، علل الشرایع ج۱ ص۱۲۴؛ باب ۱۰۵، التوحید صدوق ج۱ص۳۲۰؛ باب ۴۹، تفسیر قمی ج۱ ص۲۴۶، امالی مفید ص۶

مرحوم علامه طباطبایی در المیزان ج۱۲ ص۳۸۳ ذیل این آیه می نویسد: و دراینکه فرموده، سبعامن المثانی و القرآن العظیم، تعظیمی از سوره فاتحه و همه قرآن کرده است که بر کسی مخفی نیست، اما تعظیم قرآن است برای اینکه از ناحیه ساحت عظمت و کبریایی خدای عزوجل به وصف عظیم توصیف شده و اما تعظیم فاتحه است برای اینکه نکره آوردن کلمه سبع و بدون وصف آوردن آن؛ خود دلیل بر عظمت قدر جلالت شان است و این معنا بر اهل ادب پوشیده نیست علاوه براینکه یک سوره در قبال قرآن قرار گرفته و حال آنکه خودش سوره ای از قرآن است به هیچ پیامبری از پیامبران کتابی همانند قرآن که عظیم ترین کتاب الهی و آسمانی است داده نشده و همچنین هیچ سوره ای همانند سوره حمد که آیاتی از آن در شأن ائمه طاهرین نازل شده و مخصوص به آنان است، تفضل و عطاء نشده پس اهل بیت عطای بی نظیر خداوند به امت اسلام و بشریت هستند و به این دلیل، انبیاء نمی توانند بر ۱۴ معصوم برتری و افضلیت داشته باشند امام صادق فرمود: ما سبع مثانی هستیم که خداوند ما را به پیامبر عطاء فرمود (۱)- نحن والله السبع المثانی ... نحن المثانی اعطاها الله نبینا- لم یعط الانبیاء الامحمد و هم السبعه الائمه الذین یدورعلیهم الفلک و القرآن العظیم محمد- عن الصدوق رحمه الله: انه قال قوله نحن المثانی ای نحن الذین قرننا النبی الی القرآن و اوصی بالتمسک بالقرآن و بنا قرطبی از مفسران نامی اهل سنت در ذیل فضیلت سوره حمد از نبی اکرم روایت کرده: همانند مادر قرآن که هفت آیه سوره حمد باشد در تورات و انجیل نازل نشده این سوره بزرگترین سوره قرآن و اساس قرآن است.

ما انزل الله فی التوراه و لافی الانجیل مثل ام القرآن و هی السبع المثانی .... الم تقل لاعلمنک سوره هی اعظم سوره فی القرآن؟ قال: الحمدلله رب العالمین هی السبع المثانی و القرآن العظیم الذی اوتیته ... علیک باساس القرآن فاتحه الکتاب ... و اساس الکتب القرآن و اساس القرآن الفاتحه، شوکانی مفسر وهابی در فتح القدیر ذیل آیه ۸۷ سوره حجر می نویسد: جمهور مفسران قرآن؛ اعتقاد دارنند منظور از سبع

---

۱ - ۱. – تفسیر فرات کوفی ج۱ ص۲۳۱، تفسیر عیاشی ج۲ ص۵۰ تفسیر نورالثقلین ج۳ ص۲۸، بحارالانوار ج۲۴ ص۱۱۵، سفینه البحار ج۱ ص۵۱۸

مثانی، سوره فاتحه می باشد فقال جمهور المفسرین: انها الفاتحه، نبی اکرم فرمود: فضیلت قرآن به جزء خدا، از همه چیز بالاتر است- مستدرک الوسایل ج۴ ص۲۳۶، مراه الکمال مامقانی ج۳ ص۲۸(۱) – القرآن افضل کل شیء دون الله- نبی اکرم فرمود: نماز قبول نمی شود مگر به خواندن سوره حمد- لاصلاه الابفاتحه الکتاب- تفسیر مظهری ج۱۰ ص۱۱۷، امام صادق فرمود: اگر کسی سوره حمد را ۷۰ بار بر صاحب دردی بخواند، درد او ساکت می شود- (۲)، نبی اکرم در خطبه غدیرخم فرمود: ای مردم من همان صراط مستقیم هستم که خداوند به شما امر کرده از آن پیروی کنید و بعد از من علی و سپس فرزندان من از صلب او، آنان صراط مستقیم هستند و بعد نبی اکرم سوره حمد را از اول تا پایان آن قرائت فرمود و سپس گفتند: سوره حمد در حق من و علی و ۱۱ فرزندانش نازل شده است- احتجاج طبرسی ج۱ ص۱۳۷

اثبات ولایت امیرالمومنین از قرآن و سنت ج۱ ص۱۵ الی ص۲۲ عبدالصمد ساکی، یکی از آیات قرآن اشاره دارد، ۱۴ معصوم بر تمام موجودات و انبیاء برتری دارنند آیه ۳۴ سوره بقره است، در تفسیر این آیه از امام عسکری و رسول اسلام روایت رسید، که فرموده اند: فرشتگان آدم را سجده نکردند بلکه بخاطر تعظیم انوار وجود ما که آدم حامل آن انوار بود، نبی اسلام فرمود: اگر سجده کردن برای غیر خدا، جایز بود امر می کردم که مردم، علی را سجده کنند بواسطه علم و دانشی که خداوند به او عطاء فرموده زیرا علی بهترین خلق خدا، بعد از من است- (۳)ثم ان الله تبارک و تعالی، خلق آدم فاودعنا صلبه و امر الملائکه بالسجود له تعظیما لنا و اکراما و کان سجودهم لله عزوجل عبودیه و لآدم اکراماً و طاعه لکوننا فی صلبه – ثم قال الله: فلذلک فاسجدوا لآدم لما کان مشتملا علی انوار هذه الخلائق الافضلین و لو امرت احد ان یسجد لغیر الله لامرت ضعفاً شیعتنا و سائر المکلفین من

۱- ۱. مستدرک الوسایل ج۴ ص۲۳۶، مراه الکمال مامقانی ج۳ ص۲۸

۲- ۲. تفسیر البرهان ج۱ ص۴۱، سفینه البحار ج۲ ص۴۱۷، البرهان ج۱ ص۹۸

۳- ۳. علل الشرایع ج۱ ص۴۲ الی ص۴۴، تفسیر امام عسکری ص۳۸۳ و ص۲۱۸، حیاه القلوب مجلسی ج۱ ص۶۲ الی ص۶۴.

شیعتنا ان یسجدو لمن توسط فی علوم وصی رسول الله و محض و داد خیر خلق الله علی بعد محمد رسول الله .

سیدرضا الهندی از علمای عراق می گوید: ای علی تو را با دیگران مقایسه کردنند ولی مگر ذره را با کوه می سنجند؟ چگونه تو را بـا دشـمنانت برابر داشـتند؟! مگر آنـان را می توان با کفش خادمت قنبر مقایسه کرد- (۱)، ابوالقاسم الزاهی (۳۱۸-۳۵۲) می گوید: کسی که شما را با دیگران مقایسه کند در واقع آب گوارا، را با آب کدر و آلوده قیاس کند و مانند کسی است که کوه را با سنگر یزه و دریا را با قطره قیاس کنـد- الغـدیرج۳ ص۳۹۲، مولاـ علی در نامه ای به معاویه ملعون نوشت، شـگفتا از روزگار، کسـی را همتای من می داننـد که چون من گام برنداشـته و سابقه درخشانیماننـد من نـدارد، سابقه ای که احدی نیز مـدعی آن نیست مگر آن مدعی که من او را نشـناسم و نپندارم که خدا هم او را بشـناسد- نهج البلاغه نامه ۹- در جایی دیگر می فرماید: من در روزگار نبی اسـلام؛ بسان عضوی از او بودم مردم به من مانند ستاره ای در افق آسمان نگاه می کردنند ولی روزگار، چندان از قدر من کاست که همتای فلان و فلان شدم و سـپس در کنار ۵ نفری قرار گرفتم که بهترینشان، عثمان بود و گفتم: افسوس افسوس و روزگار به این هم بسـنده نکرد و تا آنجا مرا فرود آورد که نظیر پسر هند جگر خوار(معاویه ملعون) و پسـر نـابغه (عمر و عـاص) قرار داد راسـتی کـه کودکـان حـتی شـیرخوارگان هـم دنـدان در آورده انـد-(۲)– فیـا عجباً للدهراذصـرت یقرن بی من لم یسمع بقدمی و لم تکن له کسابقتی التی لایدلی (یدنی) احد بمثلها الا ان یدعی مدع ما لا اعرفه و لاـاظن الله یعرفه...) – کنت فی ایـام رسول الله کجزء من رسول الله ینظر الی النـاس کما ینظر الی الکواکب فی افق السـماء ثم غض الـدهرمنی فقرن بی فلاـن و فلاـن ثم قرنت بخسـمه امثلهم عثمان فقلت و اذفره ثم لم یرض الـدهرلی بـذلک حتی ارذلنی فجعلنی نظیرا؛ لاـ بن هنـد و ابن النابغه لقـد استنت الفصال حتی القرعی- نبی اکرم فرمود: هرکس دیگران و سایرین را با علی، مقایسه کند به من ظلم و ستم کرده زیرا علی از من و من از علی هستم، خداوند برای من کتاب آشکارا فرستاده تا

۱- ۱. شرح الاخبار ج۲ ص۴۲۳

۲- ۲. شرح نهج البلاغه ج۲۰ص۳۲۶

احکامش را به مردم بیان کنم جزء علی،(۱)- فمن قاسه بغیره فقد جفانی و من جفانی آذانی و من آذانی فعلیه لعنه ربی... ان الله انزل علی کتابا مبینا و امرنی ان ابین للناس ما نزل الیهم ما خلا علی ابن ابی طالب فانه لم یحتج الی بیان لان الله جعل فصاحته، کفصاحتی و درایته کدرایتی- یکی از علل هایی که دکتر محمدتیجانی تونسی از اهل سنت بودن دست برداشت و به مذهب حقه تشیع مشرف شد از قول خودش این بود که کتب اهل سنت روایاتی در کوچک و خفیف شمردن مقامات عالیه اهل بیت رسالت در برابر سایرین خصوصاً کوچک شمردن مقام الهی نبی اسلام در مقابل سایر انبیاء است که به شمه ای و گوشه ای از نوشته های دکتر تیجانی شیعه شده، اشاره می کنم؛ از احادیث متناقصی که در صحاح پیدا می شود این است که در جایی رسول خدا برتمام پیامبران برتری می دهند و احادیث دیگری، حضرت موسی را آنقدر بالا می برند که از مقام نبی اسلام، نیز بالاتر می رود، اسماعیل بخاری در کتاب صحیحش کتاب التوحید باب فی المشیئه و الاراده از ابوهریره نقل کرده که نبی آدم فرمود: مرا بر حضرت موسی، تفضیل و برتری ندهید چرا که در روز قیامت مردم مدهوش می شوند، نخستین کسی که به هوش می آید من خواهم بود ولی نگاه می کنم می بینم، موسی در کنار عرش ایستاده پس نمی دانم که او هم از هوش رفته بوده و پیش از من به هوش آمده با اینکه خداوند او را از دیگران مستثنی نموده است-(۲)- لایقولن احدکم انی خیر من یونس بن متی- لاتخیر و نی علی موسی فان الناس یصعقون یوم القیامه فاصعق معهم فاکون اول من یفیق فاذا موسی باطش جانب العرش فلا ادری اکان فیمن صعق فاقاق قبلی اوکان ممن استثنی الله. و لا اقول ان احداً افضل من یونس بن متی- ماینبغی لعبدان یقول انی خیرمن یونس بن متی-

در این ۲ آیه ۸۴ الی ۸۶ سوره انعام نام ۱۷ پیامبر را، قرآن ذکر می کند بعد در پایان آیه ۸۶ می گوید {و کلاً فضلنا علی العالمین} ما آنان را بر تمام عالمیان

ص:۳۵

۱- ۱. احقاق الحق ج۴ص۵۰۲، مقتل الحسین خوارزمی ج۱ ص۱۰۰ فرائد السمطین ج۲ ص۶۸ ح۳۹۲

۲- ۲. صحیح بخاری ج۸ ص۱۹۲ و ج ۵ ص۱۹۶، ترجمه کتاب از آگاهان بپرسید ج۲ ص۲۱۱ الی ص۲۱۹ ترجمه سیدجواد مهری نوشته دکتر محمد تیجانی سماوی تونسی؛ نشر بنیاد معارف اسلامی- قم- چاپ اسفند ۱۳۹۰ – صحیح بخاری ج۳ ص۱۲۰ ح ۲۴۱۱ و ج۴ ص۱۵۹ باب قول الله تعالی و ان یونس لمن المرسلین (صافات ۱۳۹)

برتری دادیم.

آیا در این اسامی ۱۷پیامبر که می گوید برتمام مردم جهان آنان را برتری دادیم نام مقدس خاتم الانبیاء است ؟! حضرت محمد صلی الله علیه و آله که برتمام خلائق از جن و انس و ملک افضل است پس طبق این قائده این پیامبران در زمان خودشان افضل از ناس بوده اند. (ان شاءالله در صفحات بعدی اقوال مفسران اهل سنت راجع به این آیه ذکر می شود)

ابن کثیر وهابی در البدایه و النهایه ج۶، ص۲۵۹ می نویسد: معجزه صحابه پیامبر، علاء بن زیاد که در غزوه ای با آب رودخانه را جامد کرد تا صحابه بتوانند از آن عبور کنند از معجزه موسی که آب را شکافت و کشتی نوح که بر طوفان آب قرار گرفت افضل تر هست. ابلغ من رکوب السفینه... و ابلغ من فلق البحر لموسی.

قرآن در سوره بقره آیه ۲۵۳، اسراء ۵۵ می فرماید:

بعضی از پیامبران بر بعضی دیگر افضل هستند همه آنان در یک رتبه و مقام و درجه نیستند. {ولقد فضلنا بعض النبین علی بعض}

تازه آیه ادامه دارد در سوره انعام بعد از آیه ۸۶ {ومن ابائهم و ذریاتهم و اخوانهم و هدینهم الی صراط مستقیم} که ان شاء الله بعد بررسی می شود این ذریه و اخوان و هدایت شدگان بعد از پیامبر چه کسانی هستند که افضل از مردم و خلائق عالم هستند.

در منابع اهل سنت هست که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «علماء امتی کانبیاء بنی اسرائیل» یا «علماء امتی افضل من انبیاء بنی اسرائیل» که دانشمندان و عالم دین امت من همانند پیامبران بنی اسرائیل و یا بالاتر از پیامبران بنی اسرائیل هستند».(۱)

و آن عالم دین از امت پیامبر یک عالم دین معمولی نیست که افضل حضرت موسی کلیم الله و افاضل انبیاء بنی اسرائیل است بلکه او کسی است که پیامبر اکرم در شان مقام و علم او فرمود: «انا مدینه العلم و علی بابها». و انت اخی و وارثی قال: ما ارث منک یا نبی الله؟ قال: ما ورث الانبیاء قبلیی، قال: و ما ورث الانبیاء

۱- ۱. فیض القدیر مناوی ج۱ ص ۲۱، المحصول فخر رازی ج۵ص۷۱،تفسیر بیضاوی ج۳ص۱۴۹

قبلک؟ قال: کتاب الله و سنه نبیهم و انت معی فی قصری فی الجنه.(۱)

خوب است افضلیت مولی علی بر تمام پیامبران بغیر از خاتم الانبیاء از لسان شریف خودش توجه کنیم.

«صعصه بن صوحان از اصحاب مولا علی است از ایشان سؤال کرد شما افضلید یا حضرت آدم؟ «اخبرنی انت افضل ام آدم» حضرت فرمودند: «تزکیه المراء لنفسه قبیح» زشت است که مرد خود را تعریف کند «ولکن ازباب واما بنعمه ربک فحدث» نعمت هایی که خدا به شما داده ذکر کنید، می گویم: «انا افضل من آدم» من از آدم بالاتر هستم. «صعصه بن صوحان» عرض کرد: «ولم ذلک یا امیرالمومنین» به چه دلیل افضل از آدم هستی؟ حضرت علی علیه السلام فرمود: خدا در بهشت برای آدم همه نعمت ها را فراهم کرده فقط گفته بود نزدیک فلان شجره مشو، ولی خداوند مرا از خوردن گندم منع نکرده بود و من به میل و اراده خود چون دنیا را قابل توجه نمی دانستم از گندم نخوردم.

عرض کرد: «انت افضل ام نوح؟» قال علیه السلام «انا افضل من نوح» شما افضل هستید یا نوح فرمود من عرض کرد چرا؟ حضرت فرمود: نوح چون قومش او را زیاد اذیت کردند درباره آنان نفرین کرد. «رب لا تذر علی الارض من الکافرین دیارا» اما من بعد از وفات پیامبر اکرم با آن همه صدمات و اذیت های زیاد که از این امت دیدم ابداً درباره آنها نفرین نکردم و کاملاً صبر کردم. «صبرت و فی العین قذی و فی الحلق شجی»

عرض کرد «انت افضل أم ابراهیم؟» قال: «انا افضل من ابراهیم» شما بالاتر است مقامتان یا ابراهیم حضرت فرمود من. عرض کرد چگونه؟ حضرت فرمود: ابراهیم از خدا خواست زنده شدن مردگان را به او نشان دهد خداوند فرمود مگر باور نداری عرض کرد باور دارم ولی می خواهم دلم آرام گیرد. حضرت علی فرمود: ولی ایمان من به جایی رسیده که گفتم: «لو کشف الغطاء ما ازددت یقینا» اگر پرده ها بالا رود و کشف حجب شود یقین من افزوده نمی شود من به یقین و ایمان کامل رسیده ام.

۱- ۱. فضائل الصحابه احمد، ح۱۱۳۷

عرض کرد شما افضل هستید یا موسی فرمود: من افضل هستم عرض کرد به چه دلیل؟ فرمود: وقتی خداوند او را مأمور کرد به دعوت فرعون که به مصر برود عرض کرد «رب انی قتلت منهم نفساً فاخاف ان یقتلون» خدایا من از فرعونیان یک نفر را کشته ام، می ترسم مرا بکشند. اما من وقتی پیامبر از جانب خدا ماموری کرد که بروم در مکه بالای بام کعبه آیات اول سوره توبه را بر کفار قریش بخوانم با آنکه کمتر کسی از اهل مکه بود که برادر یا پدر یا عمو یا دائی یا یکی از اقارب و خویشانش به دست من در راه خدا کشته نشده باشند ولی من ابداً خوف نکردم تنها رفتم ماموریت خود را انجام دادم آیات سوره برائت را بر آنها خواندم و مراجعت کردم.

عرض کرد قال: «انت افضل ام عیسی؟» قال علیه السلام : «انا افضل من عیسی قال لم ذلک» شما افضل هستید یا عیسی؟ فرمود من عرض کرد برای چه؟ فرمود: پس از آنکه مریم بواسطه دمیدن جبرئیل در گریبان او حامله شد همین که موقع وضع حمل رسید وحی شد به مریم که «اخرجی عن البیت فان هذه بیت العباده لابیت الولاده» از خانه بیت المقدس بیرون شو زیرا که این خانه محل عبادت است نه زایشگاه فلذا از بیت المقدس بیرون رفت در میان صحرا پای نخل خشکیده عیسی به دنیا آمد اما من وقتی مادرم فاطمه بنت اسد هاشمی را درد زائیدن گرفت در حالتی که وسط مسجد الحرام بود به مستجار کعبه متمسک گردیده و عرض کرد: الهی به حق این خانه و به حق آنکسی که این خانه را بنا کرده این درد زاییدن را بر من آسان کن همان ساعت دیوار خانه شکافته شد مادرم فاطمه را با ندای غیبی دعوت به داخل نمودند که «یا فاطمه ادخلی البیت» فاطمه مادرم وارد شد و من در همان خانه کعبه به دنیا آمدم.(۱)

مولاـ علی علیه السلام با اینکه افضل از تمام پیامبران بوده غیر از حضرت محمد صلی الله علیه و آله جمیع صفات و کرامات آنان را هم دارا بوده که منابع فراوان تفسیری، روائی و تاریخی اهل سنت نقل و تاکید کرده اند. «من اراد أن ینظر الی نوح فی عزمه و الی آدم فی علمه و الی ابراهیم فی حلمه و الی موسی فی فطنه و الی عیسی فی زهده فلینظر

۱- ۱. اللمعه البیضاء التبریزی الانصاری ص ۲۲۰، انوارالنعمانیه ج۱ ص۲۷، و من الجوار اکتشفت الحقیقه هشام آل قطیط ص ۱۱۳، شب های پیشاور ص ۷۸۱،حکایات و مناظرات ص ۴۳۲

الی علی بن ابی طالب» «قال الشیخ محی الدین و کان اقرب الناس الیه فی ذلک الهباء علی بن ابی طالب رضی الله تعالی الجامع الاسرار الانبیاء اجمعین».(۱)

من اراد منکم ان ینظر الی آدم فی علمه والی نوح فی الحکمه والی ابراهیم فی حلمه فلینظر الی علی بن ابی طالب ان تنظروا الی آدم فی علمه و نوح فی همه و ابراهیم فی خلقه و موسی فی مناجاته و عیسی فی سنته و محمد فی هدیه و حلمه فانظروا الی هذا المقبل (۲)من اراد ان ینظر الی آدم فی علمه و الی نوح فی فهمه و الی موسی فی مناجاته و الی عیسی فی سمته و الی محمّد فی تمامه و کماله و جماله فلینظر الی هذا الرجل المقبل. قال: فتطاول الناس باعناقهم فاذاهم بعلی. (۳)

«من اراد أن ینظر الی آدم فی علمه و الی نوح فی فهمه و الی یحیی بن ذکریا فی زهده و الی موسی بن عمران فی بطشه فلینظر الی علی بن ابی طالب، من اراد أن ینظر الی ابراهیم فی حلمه و الی نوح فی حکمه و الی یوسف فی جماله فلینظر الی علی بن ابی طالب من اراد أن ینظر... الی محمد و خلقه فلینظر الی علی، من اراد أن ینظر الی اسرافیل فی هیبته و الی میکائیل فی رتبته و الی جبرئیل فی جلالته... والی یعقوب فی حزنه ... الی ایوب فی صبره... والی یونس فی ورعه ... فلینظر الی علی فان فیه تسعین خصله من خصال الانبیاء جمعها الله فیه و لم یجمعها أحد غیره(۴)

۱- ۱. لیواقیت و الجواهر،شعرانی ج۲ص۱۸؛ الرابع من فوائد ابی عثمان البحیری، ح۴۹؛ سایت مکتبه الاسلامیه

۲- ۲. معجم الادباء، ج۱۷، ص۲۰۰؛ التبر المذاب، حسینی شافعی، ص۳۳

۳- ۳. مناقب ابن شهرآشوب، ج۳، ص۵۷

۴- ۴. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید معتزلی ج۹ص۱۶۸،خطبه ۱۵۴، تفسیر الکبیر فخر رازی ج۸ ص۸۱، ینابیع الموده ج۱ ص۳۶۳، الفصول المهمه ابن صباغ مالکی ج۱ص۵۷۱، مطالب السوول بن طلحه شافعی ص۹۷باب۱،کفایت الطالب گنجی ص۱۲۲باب۲۳،مناقب خوارزمی ص۸۳ج۷، ریاض النضره طبری ج۳ص۱۹۶ باب۴،ذخائر العقبی طبری۹۳، شواهد التنزیل حسکانی ج۱ص۱۳۷، فرائد السمطین حموینی ج۱ ص ۱۷۰، تاریخ دمشق ابن عساکر ج ۴۲ ص۳۱۳،نورالابصارشبلنجی ص۲۰ باب۱،شرح المواقف ج۸ص۳۶۹،شرح المقاصد تفتازانی ج۵ص۲۹۶، لسان المیزان ابن حجر ج۶ص۶۹۳، موده القربی موده۸، شرح عینیه عبدالباقی عمری ص۲۷ آلوسی، میزان الاعتدال ذهبی ج۴ ص۹۹ ح۸۴۶۹، مناقب مرتضوی ص۸۱، مناقب ابن مغازلی شافعی ص۲۰۰ ح۲۵۶، مناقب ابن مردویه ص۱۴۷ الی ص۱۴۹، امالی خمیسیه ص۱۳۳ جرجانی، زین الفتی ج۱ ص۱۲۴، اللائی المصنوعه ج۱ ص۳۵۵، فضائل الخلفاء ابی نعیم ص۵۹، شرح المذاهب اهل السنه ابن شاهین ص۱۰۷، البدایه و النهایه ج۷ ص۳۹۲ باب حدیث طیر، توضیح الدلائل ص۲۳۲، الوسیله ابوحفص ص۱۶۸، نزهه المجالس ج۲ ص۲۴۰، هدایه المرتاب ص۱۴۶ سید احمد قادین)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هرکس می خواهد نظر کند به علم آدم به حکمت نوح به حلم ابراهیم به زهد یحیی به زیبایی یوسف، به حزن یعقوب، به صبر ایوب، به تقوی یونس، به خُلق حسن پیامبر اسلام، به هیبت اسرافیل و به رتبه میکائیل و جلالت جبرئیل به علی علیه السلام نظر و نگاه کند.

جابر از پیامبراکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده که فرمود:

«فان فیه تسعین خصله من خصال الانبیاء جمعها الله فیه و لم یجمعها فی احد غیره» پس به درستی ۹۰ خصلت از خصال و اخلاق پیامبران خداوند در علی جمع کرده نه در غیر او. و بعد پیامبر اکرم می فرماید: «وتعلو هذه الصفات الی اوج العلی حیث شبهها بهولاء الانبیاء المرسلین من الصفات المذکوره» بلند می کند این اوصاف حمیده علی را به منتهای درجه رفعت زیرا که پیغمبر تشبیه کرده است آن حضرت (مولا علی) را به انبیای مرسلین. مطالب (۱)

احمد حنبل می گفت: «ما جاء لاحد من الصحابه من الفضائل مثل ما لعلی بن ابی طالب»(۲) نیامده است از برای احدی از اصحاب پیامبر آن چیزی که برای علی ابن ابی طالب آمده از کثرت فضائل.

۳۰۰ آیه قرآن در شان و منقبت مولا علی از سوی خدا نازل شده چند آیه در فضل حضرت عیسی علیه السلام و سایر انبیاء در قرآن که آخرین نسخه الهی و معجزه جاوید بهترین پیامبر و بهترین مخلوق خدا است نازل شده و این دلیل فضل والای مولا علی و اولاد مطهرش می باشد. عن ابن عباس قال: «نزلت فی علی ثلاثمائه آیه» ابن عباس می گوید: ۳۰۰ آیه از قرآن کریم در شان علی نازل شده است.(۳) ما نزل فی احد

ص:۴۰

۱- ۱. السوول بن طلحه شافعی ص۹۷ باب ۱، فصل۶

۲ - ۲. کفایه الطالب ص۲۵۳ باب ۲، تاریخ دمشق ج۴۲ص۴۱۸، المستدرک حاکم ج۳ص۱۱۶، الکشف البیان ثعلبی ج۴ص۸۱صواعق المحرقه ص۱۲۰، ابن اثیر در کامل ج۳ص۳۹۹، سیره الحلبیه ج۲ص۲۰۷،تاریخ خلفاء سیوطی ص۱۶۸،شواهد التنزیل حسکانی ج۱ص۲۶، نظم دررالسمطین زرندی ص۸۰، فرائد السمطین ج۱س۳۷۹، تاریخ اسلام ذهبی ج۳۰ص۶۳۸، مطالب السوول ص۱۲۶، مناقب خوارزمی ص۳۴

۳- ۳. تاریخ مدینه دمشق ابن عساکر ج۴۲ص۳۶۴، تاریخ بغداد ج۶ص ۲۲۱ابوبکر خطیب بغدادی، صواعق المحرقه ص۱۷۷)

من کتاب الله ما نزل فی علی(۱) ما جاء لاحد من اصحاب رسول الله من الفضائل ما جاء لعلی ابن ابی طالب(۲)

ما لاحد من الصحابه من الفضائل بالاسانید الصاح مثل ما العلی(۳)

یکی از آیات محکم قرآن کریم که دلیل برتری امیرمومنان علی علیه السلام بر تمام پیامبران است آیه ۶۱ سوره آل عمران معروف به آیه مباهله است که قرآن جان و نفس مولا ـ علی را با نفس پیامبر اکرم یکی می داند. یعنی از جهات مشترکات و صفات اخلاقی و معنوی و الهی شریک و همانند هستند یعنی مولا علی از جهت معجزات، کرامات، فضائل همانند نبی اکرم است فقط رسول اکرم از جهت نبوت خاصه خاتم الانبیاء از مولا علی امتیاز دارد.انفسنا و انفسکم، و اکابر و مفسرین منصف اهل سنت هم قبول دارند شان و علت نزول این آیه در شان مولا علی نازل شده.(۴)

فضیلته فی المباهله و ان الرسول باهل بعلی و فاطمه زوجته و الحسن و الحسین و جعله منها کنفسه و جعل ... و قد ثبت انه لیس احد من خلق الله یشبه رسول الله فوجب له من الفضل ما وجب له الا ـ النبوه فهذه خصوصیه لا ـ یتقدمهم فیها احد و فضل لا یلحقهم فیه بشر و شرف لا یسبقهم الیه خلق اذ جعل نفس علی کنفسه (۵)

این ویژگی است که هیچکس در آن از اینان پیشی نمی گیرد و فضیلتی است که هیچ انسانی در آن به ایشان نمی رسد و افتخاری است که هیچ آفریده ای از آنان

---

۱ – ۱. (صواعق المحرقه ص۷۶)

۲– ۲. (مستدرک حاکم ج۳ ص۱۰۷)

۳– ۳. (مناقب احمد ص۱۶۳، استیعاب ج۳ ص ۵۱

۴ – ۴. .(تفسیر الکبیر رازی ج۸ص۸۰،الکشف والبیان ثعلبی ج۳ص۸۵، در المنثور سیوطی ج۲ص۶۹، انوار التنزیل بیضاوی ج۱ص۲۶۱، تفسیر الکشاف زمخشری ج۱ص۳۶۱، صحیح المسلم ج ۴ص ۱۸۷۱ حدیث ۳۲، مناقب ابن مغازلی ص۳۱۸ح۳۶۲، فصول المهمه ابن صباغ مالکی ج۱ص۱۲۷، فرائد السمطین ج۲ص۲۳، مناقب خوارزمی ص۱۵۹، ینابیع الموده ج۱ص۴۳، تذکره الخواص ص۲۴، مطالب السوول شافعی ص۸۰، کفایه الطالب ص۲۸۸،صواعق المحرقه ص۱۴۵،اسباب النزول واحدی ص۶۸، احکام القرآن جصاص ج۲ص۲۹۵، ترمذی جامع الصحیح ص۷۹۸،فتح الباری ج۷ص۷۴،نظم دررالسمطین ص۱۰۸،سنن الکبری بیهقی ج۷ ص۶۳، جامع الاصول ابن اثیر ج۹ص ۴۷۰، اسدالغابه ج۴ص۲۶، شبلنجی در نورالابصار ص۲۲۳، شواهد التنزیل ج۱ص۱۵۵، جامع البیان طبری ج۳ص۴۰۸،تفسیر القرآن ابن کثیر ج۱ص۳۱۹، جامع لاحکام القرآن قرطبی ج۴ص۱۰۴،فتح القدیر شوکانی ج۱ص۳۴۷، زاد المسیر ابن جوزی ج ۱ص۳۳۹، تاریخ اسلام ذهبی ص۶۲۷)

۵– ۵. (ینابیع الموده ج۱ ص۲۸۰، عیون الاخبار ج۱ ص۲۷)

جلوتر نمی باشد زیرا خداوند نفس علی را همانند نفس پیامبرش قرار داده.

قال جابر: «انفسنا و انفسکم رسول الله و علی» حاکم نیشابوری در معرفه الحدیث ص۵۰ نوع ۱۷ می نویسد: و قد تواترت الاخبار فی التفاسیر عن عبدالله ابن عباس و غیره ان رسول الله اخذ یوم المباهله بیدعلی و حسن و حسین و جعلوا فاطمه ورائهم ثم قال هولاء ابنائنا... به تواتر و زیادی تفاسیر و روایات رسیده در ذیل آیه ۶۱ سوره آل عمران معروف به آیه مباهله پیامبر اسلام در مباهله و نفرین کردن برای مسیحیان نجران گرفت دست علی و حسن و حسین و قرار داد فاطمه در پشت سرو فرمود اینها هستند زنان و فرزندان و کسی که به منزله جان و نفس من است. زمخشری در تفسیر کشاف ج۱ص۳۶۳ می نویسد «و فی دلیل لا شیء اقوی منه علی فضل اصحاب الکساء» هیچ دلیلی قوی تر از فضل ۵ تن آل عبا قوی تر و محکم تر از آیه ۶۱ سوره آل عمران معروف به آیه مباهله نیست. هیچ پیامبری همانند نفس و جان پیامبر اسلام نبود و نخواهد بود ولی آیه شریفه می گوید علی علیه السلام نفس، جان وروح پیامبر اسلام است. یعنی تمام خصائص و اشتراکات روحی که در روح، نفس و باطن پیامبر اسلام است در نفس و جان مولا علی هم وجود دارد و روایات زیادی در این باب هم از منابع روائی سُنی ها آمده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «علی منی و انا منه، علی منی و انا من علی، و لا یودی عنی الا انا اوعلی، لحمه من لحمی و دمه من دمی و هو منی بمنزله هارون من موسی هذا علی سیدالمسلمین علی منی کنفسی طاعته طاعتی و معصیته معصیتی» علی از من است و من از علی هستم. گوشت او گوشت من، خون او خون من است، علی نسبت به من چون جان من است اطاعت از او اطاعت از من و تخلف از او تخلف از دستورات من است.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به هیات ثقیف هنگامی که نزد وی آمده بودند فرمودند: سوگند به خدا یا تسلیم می شوید و یا کسی از خودم و مثل خودم را بسوی شما روانه می کنم که گردنتان را بزنند و بعد رو به علی کرد و ۲ بار فرمود: این آن مرد است. - ان رسول الله قال لتنتهین یا بنی ولیعه او لابعثن الیکم رجلاً کنفسی... فالتفت الی علی فاخذه

بیده و قال هو هذا- مرتین(۱)

عرض کردیم بیش از ۳۰۰ آیه در قرآن درباره مولاـ علی و برتری او بر تمام انبیاء غیر از پیامبر اسلام نازل شده که حتی ابن حجر مکی در ص۱۲۷باب ۹فصل ۳، مناقب ابن مردویه ص۲۱۷ح ۳۰۰، نورالابصار شبلنجی ص۱۶۴ باب ۱، سیره الحلبیه ج۲ ص۲۰۷ نقل کرده اند و حتی ابن مردویه از قول مجاهد نقل کرده در مناقب ص۲۱۷ ح۳۰۱، «مانزل من القرآن فی علی» هفتاد آیه در قرآن برای علی مخصوص و ویژه نازل شده که احدی با او در آن آیات شریک و برابر نیست. «عن مجاهد قال نزلت فی علی سبعون آیه لم یشرک فیها احد» از جمله عالمان سنی که درباره آیاتی که در قرآن درباره مولا علی نازل شده کتاب نوشته اند بطور خلاصه از این قرارند: «ما انزل من القرآن فی امیرالمومنین (محمدبن میمون قزوینی)، ما نزل من القرآن فی علی (ابوالفرج اصفهانی)، ما انزل من القرآن فی علی (حکم بن مسلم حبری)، ما نزل من القرآن فی علی (ابونعیم اصفهانی)، ما نزل من القرآن فی علی (ابوبکر شیرازی)، ما نزل من القرآن فی علی (مظفر ابن ابی بکر احمد حنفی رازی)، ما نزل من القرآن فی علی (یحیی بن احمد جلودی)، الایات النازله فی اهل بیت (حسن بن محمد مقری شافعی)، ابانه ما فی التنزیل من مناقب آل الرسول (ابو العباس طوسی)، ما نزل من القرآن فی امیر المومنین (ابوبکر بن مردویه)، ما نزل من القرآن فی علی عمر بن عبدالعزیز مجاشعی (شواهد التنزیل حاکم ابوالقاسم حسکانی).

ولایه علی مکتوبه فی صحف جمیع الانبیاء و لن یبعث الله رسولاً الا بنبوه محمّد و وصیه علی (۲)

ما خلق الله احدا من خلقه و لا بعث احد من رسله الا لیدعوهم الی ولایه محمد و

ص:۴۳

۱- ۱. .(فضائل صحابه احمد حنبل ج۲ص۵۹۳، ذخائر العقبی ص۶۴، المصنف صنعانی ج۱۱ ص۲۲۶،الاستیعاب ابن عبدالبر ج۳ص۱۱۰۹، انساب الاشراف بلاذری ص۱۲۳، السیره الحلبیه ج۲ص۷۳۳، جواهرالمطالب ابن دمشقی ج۱ص۶۰،آل محمد حسام الدین حنفی ص۱۸۴، انتها الافهام بصری ص۲۱۳،سنن ابن ماجه ج۱ص۴۴، الجامع الصحیح ترمذی ص۹۷۹ ح ۳۷۲۸، صواعق المحرقه ص۱۲۲ ح۶، مسند احمد حنبل ج۴ ص۱۶۴، مناقب ابن مغازلی ص۲۲۱ح۲۶۷) سایر مفسرین عامه که آیه ۶۱ آل عمران را در شان مولا علی ذیل انفسنا و انفسکم می دانند.(تفسیر البغوی ج۱ص ۳۱۰، تفسیرالسمعانی ج۱ص۳۲۷، تفسیر سمرقندی ج۱ص۲۴۵، تفسیر ابن حاتم ج۲ص۶۶۷، تفسیر العزبن عبدالسلام ج۱ص۲۶۵، حقائق التنزیل زمخشری ج۱ص۴۳۴، تفسیر النسفی ج۱ص۱۵۷)

۲- ۲. بحار ج۳۸ ص۴۷، تفسیر امام عسکری ص۳۷۹

علی و خلفائه، ولایتنا ولایت الله التی لم یبعث نبیاً قط الا بها(۱)

از جمله آیات دیگر قرآن کریم که افضلیت مولاـ علی بر تمام عالمیان حتی پیامبران، فرشتگان بغیر از رسول اسلام ثابت می کند و می گوید اصلاً تمام ۱۲۴ هزار پیامبر؛ ارسال رسل و انزل کتب برای شناخت توحید، نبوت و امامت علی و اولادش امجدش بوده. آیه ۴۵ سوره مبارک زخرف تاکید دارد انبیاء برای تبلیغ ولایت و امامت مولا علی آمدند. {وسئل من ارسلنا من قبلک من رسلنا} ای رسول اکرم از پیامبران دیگر سوال کن. که ثعلبی در تفسیر خود ج۴ ص۳۳۵ الکشف و البیان عن تفسیر القرآن ج۸ص۳۳۷، ابن بطریق در خصائص الوحی المبین حدیث ۱۱۶فصل ۱۱ ص۹۸،اخطب خوارزمی حنفی ح۳۵فصل۱۹ در المناقب ص۲۲۱، شرح ابن ابی الحدید در شرح علی المختار ۴۳ ج۱ ص۵۷۰، شواهد التنزیل حاکم حنفی ص۲۹۶ حدیث ۸۵۵، تنزیه الشعریه ح۷۰۳ فصل۳، مختصر تاریخ دمشق ابن منظور ج۱۷ ص۳۶۰، فرائد السمطین ج۱ ص۹۲ ح۵۲، معرفه العلوم الحدیث حاکم ص۹۶ ح۲۲۲ ص۳۱۶، ینابیع الموده ج۱ ص۲۴۳، تاریخ دمشق ج۴۲ ص۲۴۱، الدر النظیم ابن حاتم العاملی ص۷۹۴، تفسیر غرائب القرآن نظام الدین نیشابوری ج۶ ص۹۳.

فقلت: معاشر الرسل علی ماذا بعثکم ربی قبلی؟ فقالت الرسل: عن نبوتک و ولایه علی بن ابی طالب.

ابن عباس علقمه و ابن مسعود از رسول اسلام روایت کرده اند در ذیل همین آیه ۴۵ سوره زخرف که چون شب معراج مرا به آسمانها و عوالم غیب بردند خداوند ارواح پیامبران را جمع کرد و من با ایشان نشستم فرشته ای آمد و گفت خداوند می فرماید که از ارواح این پیامبران بپرس که چرا آنها را بسوی مردم فرستادم و اصلاً آنها را پیغمبر کردم پیامبر اسلام به آنها خطاب کرد که علی ما بعثتم، شما برای چه هدفی مبعوث به رسالت شدید گفتند: «علی ولایتک و ولایه علی بن ابی طالب» مابراساس ولایت و امامت تو و علی پسر ابوطالب برای هدایت بشر در دنیا رفتیم. آقای انصاری سلفی وقتی که ۱۲۴ هزار بلند گوی توحید و رجال الهی اهداف تبلیغشان رساندن، توحید، نبوت پیامبر و امامت علی علیه السلام است چگونه از مولا علی

۱- ۱. بصائر الدرجات ج۱ ص۱۵۹، بحارالانوار ج۲۶ ص۳۰۷ ح۶۹

افضل تر هستند اصلاً آنها برای تبلیغ از پیامبر اکرم و علی بسوی بشر طبق این آیه و تفسیر آیه ۴۵ سوره زخرف آمدند و رفتند آنها مفضول بودند که از فضلاء و اشرف مخلوقات حضرت محمد و حضرت علی علیه السلام اجمعین دفاع و تبلیغ کردنند چگونه بر آنان برتری و فضلیت دارند؟!!!

هم الانبیاء الذین جمعوا له لیله اسری به بیت المقدس... لما اسری بالنبی صلی خلفه تلک اللیه کل نبی کان ارسل فقیل للنبی و ارسال ... عن عبدالله بن مسعود قال قال رسول الله اتانی ملک فقال یا محمّد و اسال من ارسلنا قبلک من رسلنا علی ما بعثوا قال قلت علی ما بعثوا قال علی ولایتک و ولایه علی بن ابی طالب.

امام صادق فرمود: هیچ پیامبری منزلت پیامبری نیافت مگر پس از اینکه به حق ما معرفت یافت و برتری ما را بر غیر ما پذیرفت. ما نبی قط الا بمعرفه حقنا و بفضلنا علی من سوانا- ما من نبی نبی و لا من رسول ارسل الا ولایتنا و تفضیلنا علی من سوانا.(۱)

از جمله آیات دیگر قرآن که افضلیت و برتری مولا علی را بر انبیاء غیر از حضرت محمد صلی الله علیه و آله تاکید و اشاره دارد آیه ۷ و ۸ سوره مبارکه بینه است. {اولئک هم خیر البریه} طبق نقل و قول مفسران معتبر و شهیر اهل سنت این آیه در حق و فضیلت مولا علی و شیعیانش نازل شده.(۲) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ذیل تفسیر این آیه فرمود:

«علی خیر البریه، علی خیر البشر من ابی فقد کفر و رضی فقد شکر، علی خیر البشر فمن ابی فقد کفر، علی خیر البشر لا یشک فیه الاکافر، قالت عایشه، ذاک خیر البشر و لایشک فیه الامنافق»(۳)

علی بهترین مردم است علی بهترین بشر است هر که درباره او شک کند کافر و

۱- ۱. (بحار ج۲۶ ص۲۶۷ و ص ۲۸۱)

۲- ۲. مراجعه شود به منابع و کتابهای تفسیر در المنثور ابوبکر سیوطی ج۶ص۳۷۹، شواهد التنزیل ج۲ص۴۵۹،مناقب خوارزمی ح۱۱ فصل ۹ص۶۲، بلاذری در انساب و الاشراف ج۲ص۱۰۳، تاریخ دمشق ابن عساکر ج۲ ص۴۴۳، فرائد السمطین ج۱ ص۱۵۵، شبلنجی در نور الابصار ص۷۰، فتح القدیر شوکانی ج ۵ ص۴۷۷، النهایه ابن اثیر ج۴ص۱۰۶، کنز العمال هندی ج۱۵ ص۱۳۷ ح۳۹۸، نظم درر السمطین زرندی ص۹۲، ابن حجر در صواعق ص۱۵۹،۱۶۱و۹۶، فضائل الصحابه احمد حنبل ش۹۴۹، ح۱۱۴۶ ذاک من خیر البشر)

۳- ۳. (مناقب ابن مردویه ج۴ص۳۵۷)

منافق است. پس طبق این آیه و تفسیر منصفین از علمای اهل سنت علی بهترین بشر است بعد از پیامبر اسلام. چگونه می گویی آقای سلفی انبیاء از او افضلند؟!!!

از جمله آیات دیگر که افضلیت مولا علی علیه السلام بر تمام خلائق، انبیاء، بغیر از حضرت رسول اسلام را نشان می دهد آیه ۴۷ سوره حجر است. «اخوانا علی سرر متقابلین» برادرانه رو به روی هم روی تخت های بهشتی قرار می گیرند این قسمت آیه راجع به مولاـ علی و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است که در دنیا و آخرت برادر مخصوص دینی و معنوی بودند و هستند، که منابع تفسیری و روائی اهل سنت نقل کرده اند و حدیث مواخاه در منابع متعدد معتبر حدیثی سُنی ها آمده است(۱) در همین آیه محمد انصاری وهابی باز وقتی این آیه را در افضلیت مولا علی برایش خواندم شبهه انداخت که عبارت قبل آیه {اخوانا علی سرر متقابلین}، آیه می گوید {و نزعنا ما فی صدور هم من غل} خدا می گوید آنچه کینه و خواطر نفسانی در سینه و افکار اهل بهشت هست زودوده و پاک می کنیم آیا مگر بین پیامبر اسلام و امام علی کینه و عدواتی بوده که این آیه را جهت افضلیت آوردی ؟!!!

اولاًـ آیه تطیهر بهترین دلیل قرآنی است که نفس پیامبر و مولاـ علی از تمام رجس و پلیدی ها و آلودگی های گناه باطنی و ظاهری منزه و مبرا بوده است. «لیذهب عنکم رجس» علمای اخلاق یک نکته بسیار لطیف در این باب زدودند و پاک کردن کینه ها از دل اهل بهشت بیان می کنند اولاً قرآن در سوره شعراء ۸۸ الی ۹۰ می فرماید کسی نمی تواند لیاقت بهشتی شدن داشته باشد مگر با قلب سلیم و سالم بسوی خدا و بهشت رود(۲) علمای اخلاق می گویند بهشتی های غیر معصوم در بهشت نسبت به درجات عالیه افراد بهشتی دیگر بخاطر اینکه دچار غبطه و غصه و حسادت نشوند خدا دلهای آنان را از این خطر فکری و اندوه روحی با لطف و رحمتش مُهذب و پاک می کند وخود مولا علی علیه السلام در ازمنه و امکنه متعدد به این موضوع اخوت و برادری اش با پیامبر اکرم تصریح فرموده «انا عبدالله واخو رسول الله... لایقولها بعدی الاکذاب

---

۱ - ۱. (مسند احمد حنبل ج۳ص۱۳،شواهد التنزیل ج۱ص۴۱۹، بخاری در الرقاق باب ۴۸، تفسیر طبری ج۷ص ۵۲۰، تفسیرالقرآن العظیم ابن کثیر ج۴ ص۴۶۳، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج۱ص۴۷۴،تهذیب التهذیب ج۱ص۲۶۱)

۲- ۲. الا من اتی الله بقلب سلیم

...» حتی حضرت فرمود من برادر پیامبرم و هرکس ادعا کند او هم برادر پیامبر اسلام است دروغگوست.(۱) «مکتوب علی باب الجنه محمد رسول الله علی اخو رسول الله قبل ان یخلق الله السموات بالفی عام» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود بر در بهشت نوشته شده است محمد پیامبر خداست و علی برادر رسول خداست و این مطلب نوشته شده ۲ هزار سال قبل از خلقت آسمانهاست.(۲)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای علی تو در دنیا و آخرت برادر من هستی «انت اخی فی الدنیا والاخره»(۳) «یا علی انت اخی بمنزله هارون من موسی غیر انه لا نبی بعدی»(۴) «انت اخی وانا اخوك فان ذاکرك احد فقل انا عبدالله واخو رسول الله لا یدعیها بعدك الا کذاب»(۵) «والذی بعثنی بالحق نبیّا ما اخترتک الا لنفسی وانت منی بمنزله هارون من موسی الا انه لانبی بعدی وانت اخی و وارثی»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای علی تو برادر منی ومن هم برادر تو هستم کسی این برادری را ادعا نمی کند مگر فرد کذاب و دروغگو هیچ پیامبری این افتخار بزرگ را در دنیا و آخرت نصیبش نمی شود و نخواهد شد و نشد به جزء مولا علی که با پیامبر برادر معنوی، الهی و روحانی بوده وهست درباره حدیث مواخاه از روات عامه ۲۳ حدیث واز طریق شیعه ۵حدیث در اینکه مولاـ علی علیه السلام برادر پیامبر اسلام است از روات سُنی ها۳۸ حدیث واز شیعه ۳۴ حدیث وارد شده است

از جمله آیات دیگر که می تواند به راحتی افضلیت مولاـ علی را بر تمام خلائق غیر از رسول اسلام ثابت کند آیه ۵۶ سوره احزاب و آیه ۱۳۰ سوره صافات است در قرآن سوره مریم آیه ۳۲ عیسی بر خودش صلوات و درود می فرستد ولی خداوند در آیه ۵۶ سوره احزاب خودش و فرشتگان صلوات بر پیامبر می فرستد و پیامبر در تفسیر آیه می گوید بر آل و خانواده مطهر من هم صلوات بفرستید ودر آیه ۱۳۰ سوره

۱- ۱. (صحیح ابن ماجه ص۱۲،مستدرك حاکم ج۳ص۱۱، تاریخ طبری ج۲ص۵۶، کنز العمال هندی ج۶ص۳۹۴، ابن اثیر در اسد الغابه ج۴ص۱۸، ریاض النضره طبری ج۲ص۱۶۵)

۲- ۲. (المناقب ابن مغازلی ص۹۱، ذخائر العقبی ص۶۶)

۳- ۳. » (صحیح ترمذی ج۲ص۲۹۹)

۴- ۴. (ریاض النضره محب الدین طبری ج۲ص۲۰۱)

۵- ۵. (مسند احمد حنبل ص۴۵، مناقب احمد حنبل ج۲ص۱۶۸)

صافات بطور علنی بر آل پیامبر اکرم صلوات می فرستد خود خداوند متعال، در قرآن خداوند بر آل هیچ پیامبری درود و صلوات نفرستاده جزء اهل بیت عصمت و طهارت که مولاـ علی جزء آن است در ذیل آیه ۱۳۰صافات اکثر مفسرین علمای منصف اهل سنت تاکید دارند درباره آل و اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله است که مولا علی سرور آنان است. «عن مجاهد عن ابن عباس فی قوله تعالی (سلام علی آل یس) قال هم آل محمد وقال ابوالقاسم الفارسی نحن هم آل محمد وقال الحارثی: علی آل محمد»(۱)

از مولا علی علیه السلام سوال شد در معنای آل یاسین، حضرت فرمود که یس حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است و ما آل یاسین هستیم.(۲)

ابن حجر در کتاب صواعق المحرقه ص۱۴۶ باب۱۱ فصل۱ آیه ۲۸، از کعب بن عجزه نقل می کنند که چون آیه {ان الله و ملائکته یصلون علی النبی}(۳) نازل شد یعنی همانا خدا و فرشتگان بر پیامبر اسلام صلوات و درود می فرستند صحابه از پیامبر سوال کردند سلام را بر شما فهمیدیم چگونه صلوات بر شما بفرستیم؟ کیف نصلی علیک، پیامبر اسلام فرمود: به این طریق صلوات بفرستید «اللهم صل علی محمد وآل محمد» و در روایات دیگر، «کما صلیت علی ابراهیم و آل ابراهیم انک حمید مجید». امام فخر رازی در تفسیر الکبیر ج۲۵ص۲۲۷ نقل می نماید که از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سوال نمودند چگونه صلوات بر شما بفرستیم فرمودند بگویید: «اللهم صل علی محمد وآل محمد کما صلیت علی ابراهیم وعلی آل ابراهیم وبارک علی محمد و آل محمد کما بارکت علی ابراهیم وعلی آل ابراهیم انک حمید مجید».

شافعی می گوید: ای اهل بیت پیامبر دوستی شما را خدا در قرآن واجب نموده و در بزرگی مقام شما اهل بیت همین بس که هر کسی بر شما صلوات نفرستد نمازش باطل است. «یا اهل بیت رسول الله حبکم فرض من الله فی القرآن انزله، کفاکم من

---

۱ - ۱. شواهد التنزیل حاکم حسکانی حنفی ج۲ص۱۶۵،مناقب ابن مردویه ص۳۱۲ح۵۱۴، صواعق المحرقه ابن حجرص۱۴۸باب ۱۱فصل۱، تفسیر روح المعانی آلوسی ج۱۲ص۱۳۵،تفسیرالکبیر رازی ج۲۶ص۱۶۲،تفسیرالقرآن العظیم ابن کثیر ج۴ص۲۱، درالمنثور سیوطی ج۵ص۵۳۹، الجامع لاحکام القرآن قرطبی ج۱۵ص۱۱۹

۲- ۲. شواهدالتنزیل ج۲ص۱۶۸

۳- ۳. سوره احزاب، آیه۵۶

عظیم القدر انکم، من لم یصل علیکم لاصلاه له»(۱)

«لاتصلوا علی الصلاه البتراء، فقالوا: وماالصلاه البتراء؟ قال تقولون: اللهم صل علی محمد وتمسکون بل قالوا اللهم صل علی محمد وآل محمد» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود صلوات ناقص و بریده بر من نفرستید گفتند صلوات ناقص چیست پیامبر فرمود: اللهم صل علی محمد بلکه بگویید: اللهم صل علی محمد و آل محمد. (حتی صحیح بخاری ج۷ص۴۳۴حدیث۱۲۲۶، کتاب الدعوات باب الصلاه علی النبی، صحیح مسلم ج۱ص۳۰۵حدیث۶۵) نقل کرده اند.

عن ابی سعید الخدری فی قوله: وقفوهم انهم مسئولون قال: عن امامه علی بن ابی طالب.(۲)

قال رسول الله: اذا کان یوم القیامه اوقف انا و علی علیه السلام ، علی صراط فما یمر بنا احد الاسالناه عن ولایه علی.(۳)

از جمله آیات دیگر که افضلیت مولا علی علیه السلام را بر تمام انبیاء در قرآن نشان می دهدآیه ۲۴ سوره صافات است، {وقفوهم انهم مسئولون} در صحرای قیامت آنان را متوقف کنید که مسئولند. در منابع معتبر تفسیری اهل سنت ذکر شده است که برای ولایت و امامت مولا علی تمام خلائق را نگه می دارنند در موقف قیامت جهت بازخواست و سوال برای هیچ پیامبری از پیامبران مثل حضرت عیسی علیه السلام فردای قیامت مردم را نگه نمی دارنند و مورد سوال قرار نمی دهند جزء مولا علی وقتی علی علیه السلام اینچنین عظمت و مقام در خانه خدا دارد که برای امامت او تمام مردم را که انبیاء هم جزء آن هستند نگه می دارنند چگونه انبیاء از او نعوذ بالله افضل هستند. «عن ابی سعید الخدری عن النبی فی قوله تعالی: وقفوهم انهم مسئولون، قال عن ولایه علی بن ابی طالب.»(۴)

ص:۴۹

۱- ۱. صواعق المحرقه ابن حجر ص۱۴۶باب۱۱

۲- ۲. شواهد التنزیل ح۷۸۶

۳- ۳. شواهد التنزیل ح۷۸۹، بحر المناقب ص۱۵۵، علامه درویش برهان، الامام المهاجر ص۲۱۴ علامه عبدالله الجیانجوری

۴- ۴. شواهد التنزیل ج۲ص ۱۶۰،مناقب ابن مردویه ص۳۱۲ج۵۱۲،صواعق المحرقه ص۱۴۹باب۱۱،نظم درر السمطین زرندی ص۱۰۹

قال رسول الله فی قوله وقوفهم انهم مسئولون عن الاقرار بولایه علی.(۱)

و اولی هـذه الاـقوال ان السوال عن العقائـد و الاعمال و راس ذلک لا اله الا الله و من اجله ولایه علی کرم الله وجهه... / فلا یمر احد من خلق الله الاسالناه عن ولایه علی بن ابی طالب.(۲) قال علی:انا عم یتسالون عن ولایتی یوم القیامه-(۳)

از جمله آیات دیگر در قرآن که افضلیت مولا علی را خصوصاً بر حضرت عیسی علیه السلام نشان می دهد آیه ۲۰۷ سوره بقره معروف به آیه لیله المبیت است. زمانی که پیامبر برای حفظ جانش از مکه هجرت کرد مولا علی در بستر ایشان خوابیـد و جان شریف پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و سـلم را حفـظ و حراست کرد. «و من النـاس من یشتری نفسه ابتغاء مرضات الله» مولا علی نفس و جانش را برای رضایت خـدا فروخت و هیـچ مزدی و اجری از خدا و رسول انتظار نداشت ولی عیسـی و موسـی و ذکریا برای حفظ جانشان و هر انسان عاقل دیگر از دست دشـمن فرار کردننـد ولی مولا علی حیـدر کرار غیر فرار است. حیدر است یعنی شجاع و قوی دل.

منابع روائی و تفسیری فراوانی از اهل سنت این آیه را در شان و منقبت مولا علی می دانند.(۴)

از جمله آیات دیگر که در افضـلیت مولا علی علیه السلام بر جمیع پیامبران و خود رسول اسلام در تفسیر آن تاکید وتائید دارد که مولا علی افضل است از پیامبران آیه ۳۶ سوره نور است {فی بیوت اذن الله ان ترفع ویذکر فیها اسـمه} از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم سوال کردند این خانه ها چه خانه هایی است که خدا اجازه داد ذکر وياد او در آن بلند

۱- ۱. تاریخ بغداد ج۸ ص۹۵، تذکره الخواص ص۲۶، تاریخ اصبهان ابونعیم ج۱ ص ۲۸۱، لسان المیزان ج۴ ص ۲۱۱، الفردوس دیلمی ح۸۹، روح المعانی آلوسی ج۳ ص ۸۰

۲- ۲. بشاره المصطفی ص۴۹۲ ح۳۵۷، آل محمد ص ۲۸۲ المردی حنفی، کفایه الطالب باب ۶۲ ص۲۴۷، الامالی جرجانی ج ۱ ص۱۵۸، مناقب علی علامه عینی ص۵۷

۳- ۳. ارجح المطالب ص ۴۳

۴- ۴. معجم الکـبیر طبرانی ج۳ص۳۸۹ح۲۸۳۶،ج۱۱ص۳۲۲،اسـدالغابه ابن اثیر ج۴ص۲۵، الکشف والبیـان ثعلبی ج۲ص۱۲۵، غرائب القرآن نیشـابوری ج۲ص ۲۹۱، مسـند احمد حنبل ج۱ص۳۴۸، تفسـیر کبیر رازی ج۵ص۲۰۴، تاریخ طبری ج۲ص۱۰۰، احیـاء العلوم غزالی ج۳ص۳۷۹، سـیره النبویه ابن هشـام ج۲ص۱۲۶، درالمنثورج۳ص۳۲۷، مسـتدرک حاکم ج۳ص۵ح۴۲۶۳، فتـح البـاری ج۷ص۲۳۶،تفسـیر القرآن العظیـم ابـن کـثیر ج۲ص۲۶۳، البـــدایه والنهــایه ج۳ص۲۲۱،فتـح القـدیر شوکـانی ج۲ص۳۰۴،تاریخ دمشق ابن عساکر ج۴۲ص۶۷،نورالابصار شبلنجی ص۱۷۵و...

و رفیع شود وصبح وشام متصل ذکر الهی شود نبی اکرم فرمود خانه پیامبران است ابوبکر بلند شد صدا زد ای پیامبر آیا بیت و خانه مولا علی و مولاتی فاطمه علیهم السلام جزء این خانه های قدسی است؟ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود بله بلکه بالاتر وافضل تر، وقتی خانه مولا ـ علی وحضرت زهرا÷ از بیوت وخانه های انبیاء افضل تر باشد چگونه پیامبران از مولا علی افضل تر هستند؟!!! «عن انس بن مالك و عن بریده قالا قرأ رسول الله هذه الایه – فی بیوت اذن الله ...فقام رجل فقال ای بیوت هذه یا رسول الله؟ فقال: بیوت الانبیاء فقام الیه ابوبکر فقال: یا رسول الله هذا البیت منها لبیت علی و فاطمه قال: نعم من افضلها»(۱)

از جمله آیات دیگر در مورد افضلیت وبالاتر بودن مقام مولا علی در برابر پیامبران «خلقنی الله و اهل بیتی من نور واحد»(۲) آیه ۳۵سوره مبارکه نور است {الله نورالسموات والارض مثل نوره کمشکاه ...} که منظور مشکاه در این آیه حضرت فاطمه – مصباح امام حسن و امام حسین و فاطمه کوکب وستاره درخشنده است. نور علی نور هم به معنای امامی بعد از امامی است. {یهدی الله لنوره من یشاء} مولا ـ علی است خداوند که نور نیست خالق و آفریننده نور است ودر آیه ۷۴سوره نحل هم می فرماید {فلا تضربو الله الامثال} برای وجود وکیفیت خدا مثال نزنید ودر این آیه خداوند مثال می زند برای مردم که برای خدا در آسمانها وزمین نور است که منظور وجود نوری اهل بیت است که خداوند قبل از خلقت آدم بصورت نور آنها را آفرید ودر بعضی از روایات ۲هزار سال قبل از آفرینش آسمانها و زمین ها(۳) که از علمای اهل سنت هستند نقل کرده اند «کنت انا وعلی نوراً بین یدی الله عزوجل قبل ان یخلق آدم باربعه عشر الف عام... مکتوب علی باب الجنه لا اله الا الله محمد بن عبدالله رسول الله علی ابن ابی طالب اخو رسول الله قبل ان یخلق الله السموات والارض بالفی عام» اما آیه ۳۵ نور که ذکر شد از منابع اهل سنت(۴) نقل کرده اند یعنی اهل

---

۱ – ۱. تفسیر روح المعانی ج۹ص۳۶۷، مناقب ابن مردویه ص۲۸۴ح۴۴۷، الکشف والبیان ثعلبی ج۷ص۱۰۷، شواهد التنزیل ج۱ص۵۳۱، درالمنثور ج۵ص۹۱

۲– ۲. علل الشرایع ج۱ ص۱۳۴

۳ – ۳. ابن بطریق درالمعده ص۴۴، محب الدین طبری در ریاض النضره ج۲ص۱۶۴، اخطب خوارزمی حنفی در المناقب ص۱۷۸

۴– ۴. ابن بطریق در عمده ص۳۵۶، المناقب ابن مغازلی ص۲۶۳

بیت پیامبر خصوصاً مولا علی قبل از خلقت تمام پیامبران غیر از رسول اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بوجود آمده و بصورت نور بوده خلقت ابتدائی ایشان وپیشگام در تسبیح و تقدیس خداوند بوده اند.

درباره اشتراک خلقت نورانی مولا علی با نبی اکرم در منابع روائی اهل سنت روایاتی ذکر شده است(۱) «ان رسول الله وعلیاً من نور واحد»«خلقت انا وعلی من نور واحد» «کنت انا وعلی بن ابی طالب نوراً بین یدی الله»(۲)

و در بعضی روایات فوق و مذکور آمده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: من و علی از یک نور آفریده شدیم قبل از آنکه خلق شود عالم بمدت ۱۴ هزار سال پس از آنکه حضرت آدم آفریده شد من وعلی که بصورت نور بودیم وارد صلب و کمر او شدیم وپیوسته از صلب پیامبری به پیامبری منتقل می شدیم تا آنکه در کمر عبدالمطلب از هم جدا شدیم و در روایات شیعه آمده است که خداوند به احترام و محبت به اهل بیت عالم را آفرید از نور پیامبر عرش را آفرید از نور علی ملائکه را آفرید از نور فاطمه آسمانها وزمین را آفرید از نور حسن خورشید و ماه را آفرید واز نور حسین بهشت را آفرید.(۳)

از جمله آیات دیگر که برتری مولا علی را بر تمام پیامبران غیر رسول اسلام نشان می دهد آیه ۴۳سوره رعد است {وعنده علم الکتاب} مطلق و تمام علم، دانش و اسرار کتب آسمانی نزد امیر مومنان علی علیه السلام است که منابع تفسیری و روائی اهل سنت هم به این مطلب مهم اشاره دارند حضرت عیسی عالم به کتاب انجیل و تورات بود و هر پیامبری علمش به پایه علم نبی اسلام نمی رسد و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هم می فرماید من

---

۱ - ۱. فضائل الصحابه احمد حنبل نقل ۶۶۲ص۲، فضائل علی ابن ابی طالب الفردوس دیلمی ج۳ص۲۸۳ ح۴۸۵۱، فرائد المسمطین ج۱ص۴۲حدیث۶، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج۹ص۱۷۱خطبه۱۵۴،موده القربی همدانی موده۸، ینابیع الموده ج۸ص۳۰۸ح۸۸۱، مناقب ابن مغازلی ص۸۸ ح۱۳۰، تاریخ دمشق ابن عساکر ج۴۲ص۶۷، مناقب ابن مردویه ص۲۸۵ح۴۰۵، جواهر المطالب ابن دمشقی ص۶۱باب۱۰، مناقب خوارزمی ص۱۴۵ح۱۶۹، مقتل الحسین خوارزمی ص۸۴ح۳۸، تذکره الخواص ابن جوزی ص۵۱باب۲

۲- ۲. کفایه الطالب گنجی ص۳۱۵باب۸۷

۳- ۳. در این باب به کتاب علل شرایع صدوق ص۴۳ وتفسیر نورالثقلین ج۱ص۵۸ مراجعه شود.

شهر علم هستم ولی دروازه شهر علم من علی است.(۱) {و کل شیء احصیناه فی امام مبین}(۲) فاقبل الیه ابی فقال هو هذا الامام الذی احصی الله فیه علم کل شیء.(۳)

از جمله آیات دیگر قرآن که برتری مولا علی را بر تمام پیامبران غیر از پیامبر اسلام می رساند آیه ۱۰۹سوره کهف است {قل لوکان البحر مداداً لکلمات ربی لنفذ البحر قبل ان تنفذ کلمات ربی} قرآن در این آیه می گوید اگر دریاها مرکب شوند بخواهند کلمات پروردگار را بنویسند دریاها تمام می شود ولی کلمات پروردگار تمام نمی شود.

و در ذیل این آیه روایاتی رسیده شبیه به همین مضمون آیه که پیامبر اکرم به مولا علی فرمود اگر دریا مرکب شود و درختها قلم گردد و بنی آدم نویسنده واجنه حساب کننده نمی توانند شماره واحصاء کنند فضایل و کرامات تو را ای اباالحسن «لوان البحر مداد والریاض اقلام والانس کتاب والجن حساب ما احصوا فضائلك یا ابا الحسن»(۴) تاریخ بغداد درباره زیادی فضائل مولا علی علیه السلام می گوید «وفضائله اکثر من ان تحصر» خوبی ها و فضائل علی آنقدر زیاد است که نمی توان آنرا نوشت وابن عساکر در تاریخ دمشق ج۴۲ ص۱۴ رقم ۴۹۳۳، شبیه عبارت خطیب بغدادی را نقل کرده است

از جمله آیات دیگر قرآن که برتری و بزرگی مولا علی را بر تمام پیامبران به غیر از پیامبر اسلام می رساند آیه ۳۷ سوره بقره است زمانی که حضرت آدم ترک اولی انجام داد واز آن میوه ممنوعه خورد خداوند به آدم کلماتی را القاء وتلقین کرد که بگو تا من توبه تو را قبول کنم و آن کلمات نام ۵ تن آل عبا حضرت محمد و علی و فاطمه وحسن وحسین بوده است و مفسرین شیعه وسنی در این باب بطور اکثر اتفاق نظر دارند

۱- ۱. شواهد التنزیل ج۱ص۴۰۰، مناقب ابن مردویه ص۲۶۸ح۴۱۵، مناقب ابن مغازلی ص۳۱۳ح۳۵۸، الجامع الاحکام القرآن قرطبی ج۹ص۳۳۶، الکشف والبیان ثعلبی ج۵ص۳۰۳،الدر المنثورج۴ص۶۹،ابن بطریق در خصائص الوحی المبین ص۱۲۴و۱۵۲

۲- ۲. سوره یس آیه۱۲

۳- ۳. ینابیع الموده ج۱ ص۷۵ باب۱۴، اثبات الوصیه مسعودی ص۹۲

۴- ۴. مناقب اخطب خوارزمی حنفی ص۳۲۸ج۳۴ فصل ۱۹، ینابیع الموده ج۱ ص۳۶۴ ج۵ باب ۴۰، کفایه الطالب گنجی ص۲۵۲، موده القربی همدانی موده ۵، فرائد السمطین ج۱ص۱۶، خطیب بغدادی درج۱ص۱۳۳

وقتی که توبه انبیاء مثل آدم با توسل به مولا۔ علی و پیامبر و... قبول می شود چگونه پیامبران از مولا علی افضل هستند.(۱) «اللهم انی اسئلک بحق محمد وآل محمد لما غفرت لی» «اللهم انی اسالک بحق محمد وآل محمد سبحانک لا اله الا انت عملت سوء وظلمت نفسی فاغفرلی انک انت الغفور الرحیم فهولاء الکلمات التی تلقی آدم».

حضرت زهرا÷ فرمودند «یبتغی من فی السموات والارض الیه الوسیله ونحن وسیلته فی خلقه» تمام آنچه در آسمانها وزمین است برای تقرب به خدا دنبال وسیله هستند وما وسیله و واسطه خداوند در میان خلقش هستیم.(۲)

مرحوم علامه محمد باقر مجلسی توسل حضرت آدم به حضرات چهارده معصوم را سند معتبر و متواتر می داند – (۳)

حافظ ابن البطریق در کتابی که راجع به مناقب و فضائل امام علی به اسناد صحیح به قول خودش نوشته روایت توسل حضرت آدم به ائمه معصومین شیعه را ذکر کرده است – عمده عیون صحاح الاخبار فی مناقب امام الابرار ج ۱ ص ۳۷۹ ح ۷۴۵ ؛ بعضی از اکابر و بزرگان اهل سنت روایت توسل حضرت آدم به ۵ تن آل عباء (یعنی رسول اسلام و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام) بعنوان فضیلت نقل کرده اند -(۴) ؛ جالب است یکی از علمای اهل سنت بنام الشیخ النادی البدری روایت

۱- ۱. مسند احمد حنبل ج۱ص۴۱۹، مناقب ابن مغازلی ص۶۳، کنز العمال متقی هندی ج ۱ص۲۳۴، در المنثور سیوطی ج۱ص ۶۰، شواهد التنزیل ج۱ص۱۰۱، دلائل النبوه بیهقی ج۱ص۲۱۵، ابن عساکر علی ما تفسیر لوامع ج۲ص۲۱۵، مولی معین کاشفی در معارج النبوه ستون۲ص ۹

۲- ۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج۱۶ ص ۲۱۱، بلاغات النساء بغدادی ص۱۴

۳- ۳. حیاه القلوب ص ۷۶ و ص ۷۷ کتاب اول تاریخ انبیاء ، بحارالانوار ج ۱۱ ص ۱۷۷ ح ۲۳ و ۲۴ – حیاه القلوب ص ۸۵ و ص ۸۴- قصص الانبیاء ج ۱ ص ۵۱ ح ۲۶ قطب الدین راوندی ؛ روضه کافی کلینی . ج ۸ ص ۳۰۴ ح ۴۷۲ ،

۴- ۴. سمط النجوم العصامی ج ۱ ۲ ۹۷ ؛ ثم ابصرت الحقیقه ج ۱ ص ۱۲۶ محمد سالم الخضر ؛ نزهه المجالس و منتخب النفائس صفوری ج ۲ ص ۱۷۸ ؛ مناقب علی ؛ ابن مغازلی ج ۱ ص ۱۱۵ ح ۸۹ ؛ اتحاف السائل بمالفاطمه من المناقب و الفضائل ؛ مناوی ج ۱ ص ۷۶ و بعضی از علمای وهابی و سنی این حدیث را جعلی و موضوع تلقی کرده اند بخاطر راویان شیعه مذهب با اینکه در کتب رجال اهل سنت ؛ توثیق شده اند – تذکره الموضوعات الفتنی ج ۱ ص ۹۸ ؛ تنزیه الشریعه ابن عراق ج ۱ ص ۴۱۳ ؛ الموضوعات فی کتب التفسیر ج ۱ ص ۱۸۱ محمد ابو شهبه ، الانصاف فی حقیقه الاولیاء صنعانی ج ۱ ص ۹۷ ؛ فتح الربانی شوکانی ج ۱ ص ۲۸۸ ؛ دلیل الواعظ ج ۲ ص ۳۴ شحاته صقر ؛ الموضوعات ابن جوزی ج ۲ ص ۳ ؛ تلخیص کتاب الموضوعات ذهبی ج ۱ ص ۱۵۲ ؛ صیانه الانسان ؛ محمد بشیر ج ۱ ص ۱۲۴ ؛ اللالی المصنوعه سیوطی ج ۱ ص ۳۶۹ ؛ الفوائد المجموعه شوکانی ج ۱ ص ۳۹۴ ؛ البیان و الاشهار ج ۱ ص ۳۶۴ ؛ المنتقی من منهاج الاعتدال ذهبی ج ۱ ص ۴۳۸؛ منهاج السنه ابن تیمیه ج ۷ ص ۱۳۰

توسل حضرت آدم را تائید و قبول می کند ؛ فیلم و کلیپ ایشان در فضای آپارات و اینترنت موجود است کلیپ – توسل نبی الله آدم علیه السلام یا حمید بحق محمد یا عالی بحق علی یا فاطر بحق فاطمه یا محسن بحق الحسن و الحسین و منک الاحسان –

بحارالانوار ج ۱۰۹ ص ۸۵ ؛ الصحیح من مقتل سید الشهداء و اصحابه ، ری شهری ج ۱ ص ۱۳۸۵ اللهم انا نسالک بحث الاکرمین علیک محمد و علی و فاطمه و الحسن و الحسین و الائمه الاتبت علینا و رحمتنا – الدرالثمین حافظ رجب برسی ص ۳۴ و ص ۳۵ – حدیقه الشیعه مقدس اردبیلی ص ۷۴ به نقل از رساله حاویه (از تصانیف اهل سنت) – یکی دیگر از دلائل و براهین برتری مولا علی بر پیامبران و خلائق غیر از رسول اسلام ؛ آیه شریفه ۱۷ سوره مبارکه هود است در تفاسیر شیعه و سنی آمده منظور از ویتلوه شاهد منه ؛ امیر مومنان علی است ؛ از امام علی ؛ سوال شد بهترین فضیلت شما چیست ؟ حضرت فرمود : آیه ۱۷ سوره هود ؛ مقصود و منظور از شاهد در این آیه من هستم – احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۲۳۲ ؛ آیات الفضائل ص ۳۰۷ ح ۶ ؛ سیمای امیر مومنان در قرآن ص ۲۳۵ سید جواد رضوی – سئل امیرالمومنین عن افضل منقبه له ؛ فتلا هذه الایه و قال : انا الشاهد من رسول الله – انس بن مالک در ذیل تفسیر آیه ۱۷ سوره هود گفت منظور از شاهد منه ؛ علی ابن ابی طالب است او بخدا قسم زبان پیامبر خدا بر اهل مکه بود هنگامی که آنان پیمان خود را با رسول خدا شکستند – شواهد التنزیل ص ۱۵۸ ح ۳۸۳ – کان و الله لسان رسول الله الی اهل مکه – مدرسه امامت ص ۱۴۴ دکتر مجید حیدری فر –

به اعتقاد ما این شاهد و گواه بر نبوت پیامبر اسلام آنقدر با اهمیت است که اگر فرضاً نبی اسلام هیچ دلیل دیگری بر نبوت خویش نداشت جزء شهادت علی ابن ابی طالب کافی بود – آیات ولایت در قرآن ص ۳۲۳ آیت الله ناصر مکارم شیرازی –

تأیید بر تفسیر این آیه ؛ آیه ۴۳ سوره رعد است که مرحوم علامه مجلسی به سند صحیح در کتاب حیاه القلوب ص ۱۵۳۵ از بصائر الدرجات ص ۲۱۵ و تفسیر عیاشی ج ۲ ص ۲۲۰ نقل کرده است .

جناب وهابی یزیدی اموی مسلک ؛ مولا علی دلیل و برهان بر اثبات نبوت نبی اسلام است ؛ آیا پیامبران دیگر همانند مولا علی که قرآن در سوره هود آیه ۱۷ و سوره رعد آیه ۴۳ ؛ دلیل و شاهد و گواه محکم بر نبوت نبی اسلام بوده ؛ بوده اند چون نبوده اند پس بر مولا علی برتر نیستند – بدان ای وهابی یزیدی اموی مسلک ؛ مولا علی در نامه ای به ارباب و دائی شما معاویه ابن ابوسفیان نوشت : ای معاویه تو منکر امامت و خلافت من هستی آیا آیه ۳۳ سوره آل عمران را نخواندی که خداوند آل ابراهیم را بر عالمیان برتری داده بی شک ما آل ابراهیم و مشمول این آیه هستیم ؛ آیا خیال می کنی تو جزو عالمین نیستی و یا ما از آل ابراهیم نیستیم ؟! بحارالانوار ج۳۳ ص ۱۴۰ ح ۴۲ – وانکرت امامتی و ملکی فهل تجد فی کتاب الله قوله لآل ابراهیم : و اصطفاهم علی العالمین فهو فضلنا علی العالمین ... او تزعم انا لسنا من آل ابراهیم – مدرسه امامت ص ۱۵۶ فصل ۳ دکتر مجید حیدری فر – یعنی مولا علی با استدلال به آیه ۳۳ سوره آل عمران خود را از برتریان و بزرگ مخلوقات بعد از نبی اکرم می داند .

از جمله آیاتی که در قرآن دال بر برتری مولا علی بر انبیاء و خلائق دارد بغیر از بر نبی اسلام آیه ۸۰ سوره مبارکه اسراء است – واجعل لی من لدنک سلطنا نصیرا : ابن شهر آشوب ذیل آیه از ابن عباس روایت کرده گفت این آیه در روز فتح مکه هنگام ورود بمکه نازل شده و مراد از سلطانا نصیراً : دعای پیغمبر است که خداوند آن را اجابت فرمود و به پیغمبر علی ابن ابیطالب را عطاء نمود که سلطانی باشد و حضرتش را برای غلبه بر دشمنان یاری کند – چون انبیاء و پیامبران دیگر سلطانا نصیرا برای نبی اسلام همانند علی ابن ابی طالب نبودند پس بر مولا علی برتری و افضلیت ندارند –

مناقب آل ابی طالب ج ۱ ص ۳۴۱ – والله لقد استجاب الله لنبینا دعاء ه فاعطاه علی بن ابی طالب سلطاناً ینصره علی اعدائه – شواهد التنزیل حاکم حسکانی حنفی

ص ۱۸۹ ح ۴۷۹ ؛ یکی دیگر از آیات کریمه قرآن که برتری مولا علی بر انبیاء غیر از رسول اسلام را ترسیم می کند آیه ۶۲ سوره انفال است آیه شریفه می فرماید : اوست خدایی که تو را (نبی اسلام) با یاری خود و مومنان نیرومند گردانید و تائید نمود ؛ در تفسیر شیعه و سنی آمده منظور از مومنان که پیامبر اسلام را نصرت و تائید در نبوتش نمود ؛ مولا علی است جناب وهابی آیا پیامبران سلف همانند مولا علی وارث و وزیر نبی اکرم توانستند پیامبر را نصرت دهند و تائید کنند ؟

ابو هریره در تفسیر این آیه از نبی اکرم نقل که فرمود : شبی که مرا به معراج عروج دادند دیدم که بر عرش نوشته شده ؛ معبودی جزء من نیست و شریکی ندارم و محمد بنده و رسول من هست و او را بوسیله علی تایید کردم – شواهد التنزیل ص ۱۳۱ و ص ۱۳۲ ح ۲۹۹ و ۳۰۰ الی ۳۰۴ – رایت لیله اسری بی الی السماء علی العرش مکتوباً : لا اله الا انا وحدی لا شرک لی و محمد عبدی و رسولی ایدته بعلی فذلک قوله : (هو الذی ایدک بنصره و بالمومنین)

کترالعمال هندی ج ۱۱ ص ۶۲۴ ح ۳۳۰۴۱ – شرح الشفاء ملا علی قاری ج ۱ ص ۳۸۳ ؛ تنزیه الشریعه ج ۱ ص ۴۰۲ و ص۴۰۳ ؛ منهاج السنه ابن تیمیه ج ۷ ص ۱۹۴ ؛ سلسله الاحادیث الضعیفه آلبانی ج ۱۰ ص ۵۴۴ – العلل المتناهیه ابن جوزی ج ۱ ص ۲۳۵ ؛ تاریخ دمشق ابن عساکر ج ۴۲ ص ۳۳۶ ؛ الریاض النضره فی مناقب العشره ج ۳ ص ۱۳۱ طبری ؛ ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی ؛ طبری ج ۱ ص ۶۹ ؛ سمط النجوم ج ۳ ص ۳۹ ؛ تاریخ بغداد ج ۱۲ ص ۵۰۳ ؛ جامع الاحادیث سیوطی ج ۱۳ ص ۹۳ فتح البیان فی مقاصد القرآن ج ۵ ص ۲۰۷ ؛ مناقب ابن مغازلی ج ۱ ص ۲۶۳ ح ۸۵ ؛ تفسیر در المنثور ج ۴ ص ۱۰۰ ؛ معجم الصحابه ج ۳ ص ۲۰۲ ابن قانع ؛ در المنثور ج ۵ ص ۲۱۹ ؛ معجم الکبیر طبرانی ج ۲۲ ص ۲۰۰ ح ۵۲۶ ؛ حلیه الاولیاء ج ۳ ص ۲۷ ؛ الشفاء قاضی عیاض ج ۱ ص ۱۷۴- نزهه المجالس ج ۲ ص ۱۶۱ – شرح البخاری السفیری ج ۲ ص ۱۶۵ – از جمله آیات قرآن کریم که اشاره دارد مولا علی از تمام انبیاء برتری دارد غیر از بر رسول اسلام آیه ۶۴ سوره انفال است ؛ در تفسیر اهل بیت رسالت مذکور است که مراد از من اتبعک من المؤمنین در خصوص مولا علی است ؛ و ظاهر اخبار شاهد این

قول است که نصرتی که به تأیید الهی از مولا علی نسبت به نبی اکرم ظهور یافت از هیچ کس دیگر ظاهر نشده –

شواهد التنزیل حسکانی ح ۳۰۵ و ج ۳۰۶ ص ۱۳۳ ؛ تأویل الایات ج ۱ ص ۱۹۶ و ص ۲۴۱ – و هذه فضیله لم ینلها احد غیر امیرالمومنین – تفسیر البرهان ج ۲ ص ۷۰۹

جناب وهابی ریشه نبوت پیامبران به اقرار آنان به ولایت و امامت مولا علی بوده است ؛ امام ششم و امام یازدهم می فرمایند : حضرت آدم مستوجب این نشد که خدا او را بیافریند و از روح الهی در او بدمد و او را بیامرزد و به بهشت بازگردد مگر به اقرار نبوت نبی اسلام و مولا علی ؛ به حضرت ابراهیم ملکوت آسمان و زمین از سوی خدا ؛ ارائه داده نشده مگر به اقرار ابراهیم بولایت علی ؛ ابراهیم خلیل خداوند نشد مگر به اقرار کردن او درباره امامت مولا علی ؛ خداوند ؛ حضرت موسی را کلیم خاص خودش نکرد مگر به اقرار موسی به امامت علی ؛ حضرت عیسی آیه ای برای جهانیان بیان نکرد مگر به نبوت من و معرفت به علی بعد از من – تفسیر قمی ج ۱ ص ۲۴۳ – اصول کافی ج ۱ ص ۴۳۷ ؛ الاختصاص شیخ مفید ج ۱ ص ۲۵۰ –

و الله ما استوجب آدم ان یخلقه الله بیده و ینفخ فیه من روحه الابولایه علی علیه السلام و ما کلم الله موسی تکلیما الابولایه علی و لا اقام الله عیسی ابن مریم آیه للعالمین الا بالخضوع لعلی علیه السلام – بحار الانوار ج ۴۰ ص ۹۶ – و الذی نفسی بیده ما استوجب آدم ان یخلقه الله و ینفخ فیه من روحه و ان یتوب علیه و یرده الی جنته الا بنبوتی و الولایه لعلی بعدی و الذی نفسی بیده ما اری ابراهیم ملکوت السماوات و الارض و لا اتخذه خلیلا الا بنبوتی و الاقرار لعلی بعدی و الذی نفسی بیده ما کلم الله موسی تکلیما ... الا بنبوتی و معرفه علی بعدی ...

از جمله آیاتی که در قرآن برتری ۱۴ معصوم بر انبیاء را در تفسیرش ترسیم می کند آیه ۱۳ سوره قمر است در کتب خطی قدیمی اهل سنت و شیعه در تفسیر این آیه از نبی اکرم روایت شده که ایشان فرمود : ما اهل بیت به منزله دسر و میخ برای الواح و کشتی حضرت نوح بودیم اگر ما در صلب نوح نبودیم کشتی حرکت نمی کرد و از طوفان بزرگ سالم نمی ماند و اکثر بشریت و انبیاء بعد از آدم از صلب و نسل

نوح نبی هستند که به برکت انوار مقدس اهل بیت که در صلب نوح بودند نبود انبیاء هم از صلب و کمر نوح به عرصه وجود و عالم دنیا نمی آمدند وقتی ۱۴ معصوم سبب حفظ بشریت و انبیاء هستند . چگونه می توانند پیامبران بر ۱۴ معصوم افضل و برتر باشند –

و نحن الدسر لولانا ماسارت السفینه باهله – بحار الانوار ج ۲۶ ص ۳۳۲ ح ۱۴- الامان من اخطار الاسفار و الا زمان ج ۱ص ۱۱۸ فصل الرابع (سید ابن طاووس) – احقاق الحق و ازهاق الباطل ج ۹ ص ۲۰۵- ذیل اللالی ص ۶۸ سیوطی

به نقل از شیخ محمد نجار از بزرگان اهل حدیث در نزد همه مذاهب اسلامی که در میان روایات نبوی در ذیل کتاب تاریخ خطیب آورده – رساله ایلیا نوشته حکیم محمود سیالکوتی ترجمه سید محمد مختاری (تحت عنوان علی و پیامبران چاپ تابستان ۱۳۷۰ مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)-

کتاب علی پیشوای رو سفیدان نوشته سید فخرالدین موسوی ص ۱۵۵ باب علی در ادیان سابقه نشر محدثه – نوح علیه السلام از تنه درخت بزرگی ۱۲ تخته بنام ۱۲ امام جدا کرد ؛ نوح از جبرئیل امین پرسید آیا این دوازده نفر پیامبر هستند ؟ جبرئیل گفت : این ها اهل بیت محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم پیغمبر آخر الزمان هستند – (به نقل از کتاب داستان کشتی نوح نوشته محمد عباد زاده کرمانی قاضی دادگستری (نشر انتشارات رجبی- تهران ؛ ناصر خسرو تاریخ چاپ : ۱۳۷۰ چاپ دوم ؛ چاپخانه شعبانی)

چوب نخستین را که نوح خواست بردارد جبرئیل گفت بنام محمد چوب دوم گفت بنام علی ؛ چوب سوم بنام فاطمه تا رسید به نام حجت بن الحسن ... وقتی که خواست میخ ها را بکوبد میخ اول را که کوبید نوری آشکار شد حضرت نوح پرسید این چیست ؟ جبرئیل گفت : نور محمد است ؛ میخ دوم گفت : همین طور نور علی است تا نور چهاردهم که گفت : نور حضرت حجه بن الحسن عسکری است –

کتاب حقایقی از قرآن (تفسیر سوره قمر) شهید آیت الله دستغیب شیرازی ص ۷۳ البکاء الحسین آیت الله میر جهانی اصفهانی ص ۱۵۸ حدیث ششم –

مجله هفتگی ویکلی میرر لندن شماره ۲۸ دسامبر ۱۹۵۳- مجله استار انگلیسی

لندن کانون دوم ۱۹۵۴- روزنـامه سن لایت منچستر کانون دوم ۱۹۵۴- روزنامه ویکلی میرر تاریخ یکم شـباط ۱۹۵۴ روزنامه الهدی قاهره مصـر ۳۰ مارس ۱۹۵۳- امـام هفتم علیه السـلام فرمود : مـاییم ذریه ابراهیم و مـاییم که با حضـرت نوح در کشتی حمل شدیم – تاویل الایات ج ۱ ص ۳۰۵- البرهان ج ۳ ص ۷۲۳- و نحن المحمولون مع نوح – ممکن است وهابیون تکفیری بگوینـد این کفر است که اهل بیت عصـمت سـبب نجات کشتی نوح و به منزله و تـد و میـخ برای حفظ کشتی نوح بودند ولی خود علمای اهل سـنت اعتقاد دارند اولیاء و دوستان خدا به منزله میخ و وتد برای خیمه دنیا و حفظ عالم هستی هستند – تفسیر روح البیان (اسماعیل حقی) ج ۸ ص ۲۳۳ – اوتاد الارض فی الصوره و الاولیاء ...

کشف اصـطلاحات الفنون و العلوم ج ۱ ص ۴۶۵ التهـا نوی – فیض القـدیر مناوی ج ۳ ص ۱۶۸ ح ۳۰۳۳ – لانـ النبیاء کانوا اوتاد الارض ...

الحاوی للفتاوی سـیوطی ج ۲ ص ۳۰۲ ؛ تفسـیر در المنثـور ج ۱ ص ۷۶۷- تفسـیر قشیری ج ۲ ص ۵۰۰ ذیـل آیه ۳۱ انبیاء – مختصر تاریخ دمشق ابن منظور ج ۱ ص ۱۱۷- التبصره ابن جوزی ج ۲ ص ۱۱۳ تاریخ دمشق ج ۱ ص ۳۰۴- شرح الزرقانی ج ۷ ص ۴۸۰- الاولیـاء ابن ابی الـدنیا ج ۱ ص ۲۷ ؛ خصـائص الکـبری ج ۲ ص ۳۷۲- سـبل الهـدی و الرشاد ج ۱۰ ص ۳۷۰ ؛ مجموعه رسائل ابن رجب حنبلی ج ۳ ص ۲۲۰ الفتاوی الحدیثیه ابن حجر ج ۱ ص ۲۳۰ ؛ مجموعه الفتاوی ابن تیمیه ج ۱۱ ص ۴۴۰ و ...

یکی دیگر از ادله حـدیثی مـا در بـاب برتری و افضـلیت مولاـ علی بر انبیاء و مخلوقات (غیر از رسول اسـلام) خلیفه و جانشـین بودن امام علی است ؛ با سـند معتبر در کتب اهل سـنت آمده که نبی اکرم فرمود : ای علی همانا تو خلیفه و جانشـین من هستی یعنی خلیفـه بر کـل مومنـان بعـد از مـن – و انت خلیفـتی فی کـل مـومن من بعـدی – السـنه ج ۲ ص ۶۰۲ عمربن ابی عاصـم الضحاک الشیبانی تحقیق ناصرالدین آلبانی چاپ مکتبه الاسلامی بیروت الطبعه الاولی ۱۴۰۰ هـ .

خصائص علی ابن ابی طالب ج ۱ ص ۵۰ احمد بن شعیب نسایی – خلیفه در لغت بر کسی اطلاق می شود که به جای دیگری قرار می گیرد – خلیل بن احمد

فراهیدی می گوید : خلیفه کسی است که به جای کسی که قبل از اوست قرار گرفته و قائم مقائم او گردد –

ترتیب کتاب العین ماده خلف – روایت فوق و مذکور در منابع دیگر عامه نقل شده – نضره النعیم فی مکارم اخلاق الرسول الکریم ج ۵ ص ۱۸۲۰- ارشیف ملتقی اهل الحدیث ج ۵۳ ص ۴۳۵- غایه المقصد فی زوائد المسند ج ۳ ص ۳۶۰ نورالدین هیثمی ؛ المنتقی من منهاج الاعتدال ذهبی ج ۱ ص ۳۱۰- مسند احمد بن حنبل ج ۵ ص ۱۷۸ ح ۳۰۶۱- آلبانی وهابی در السنه ابن ابی عاصم ج ۲ ص ۵۶۵ ح ۱۱۸۸ روایت را حسن نامیده و رجال حدیثی این حدیث رجال موثق و از رجال صحیح مسلم و بخاری دانسته –

اسناده حسن و رجاله ثقات رجال الشیخین – مختصر تاریخ دمشق ابن منظور ج ۱۷ ص ۳۲۹- سنن الکبری نسایی ج ۷ ص ۴۱۷ ح ۸۳۵۵ – علمای وهابی در سند این روایت بیشتر به ابوبلج یحیی بن سلیم بن بلج ؛ ایراد وارد کرده اند که طبق کتب رجالی اهل سنت موثق است – مزی در تهذیب الکمال ج ۳۳ ص ۱۶۲ می نویسد : یحیی بن معین گفته اوثقه است ابو حاتم گفته : حدیثش صالح و در خود او اشکالی نست ؛ الکاشف ج ۲ ص ۴۱۴ رقم ۶۵۵ لسان المیزان ج ۷ ص ۴۳۲ رقم ۵۲۰۹ –

کتاب العین ج ۴ ص ۲۶۷- و الخلیفه : من استخلف مکان من قبله و یقوم مقامه – لسان العرب ابن منظور ج ۹ ص ۸۳- و استخلف فلانامن فلان : جعله مکانه – المفردات فی غریب القرآن ج ۱ ص ۲۹۴ الراغب اصفهانی – و خلف فلان فلانا قام بالامر عنه – روایت جالبی امام ابو حامد غزالی از علمای بزرگ اهل سنت در باب خلافت و امامت مولا علی نقل کرده که خدمت موافق و مخالف عرضه می شود ؛ نبی اکرم ؛ خاتم و انگشتر ؛ حضرت سلیمان (که به ارث معنوی) به او رسیده بود به مولا علی عطاء کرد و مولا علی در دست خودش قرار داد و هنگام نماز ظهر ؛ حضرت جبرئیل امین فرشته واسطه وحی که بصورت گداء وسائل بین صفوف نماز می گشت آمد در کنار مولا علی در حالتی که حضرت در حال رکوع بود ؛ مولا علی اشاره کرد بوسیله دستش و جبرئیل از دست یدالله (مولا علی) گرفت ؛ ضجه فرشتگان از روی تعجب بلند شد و جبرئیل گفت اینان (مولا علی و نبی اکرم) از اهل بیتی هستند که

خداونـد به آنـان کرامت ویژه کرده و آیه تطهیر در شان والای آنان نازل فرموده – کتاب مجموعه رسائل امام غزالی ص ۵۴۵ فصل فی اعاجیب الفنون و الاسفار از کتاب سرالعالمین چاپ مکتبه التوفقیه القاهره مصر –

حدیقه الشیعه مقدس اردبیلی ص ۵۳ انتشارات دلشاد – علم الیقین کاشانی ج ۱ ص ۳۴۹ – احقاق الحق ج ۳۳ ص ۲۴۵- ثم امرنی فنزعت خاتم سلیمان فجئتک به فاخذه رسول الله فاعطاه علیا فوضعه فی اصبعه ... فلما کانوا فی صلاه الظهر تصور جبرائیل بصوره سائل طائف بین الصفوف فبینا هم فی الرکوع اذا وقف السائل من وراء علی علیه السلام طالبا فاشار علی بیده فطار الخاتم الی السائل فضجت الملائکه تعجباً فجاء جبرائیل مهیناً و هو یقول انتم اهل بیت انعم الله علیکم – (لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا) – در روایات شیعه هم آمده آن سائل و گدایی که از مولا علی تقاضا کرد از ملائکه بود و آن ها که از ائمه اولادش سؤال و گدایی کنند از فرشتگان هستند یعنی جبرئیل و فرشتگان مقرب الهی گدای کوی ائمه هدی هستند و از کثرت فضایلی که خداوند به ۱۴ معصوم داده دچار تحیر و تعجب شده اند آیا چنین فضیلتی در سایر مخلوقات و انبیاء معظم بوده که آنان بخواهند نعوذبالله از ۱۴ معصوم برتر و بالاتر باشند ؟! –

و السائل الذی سأل امیرالمومنین من الملائکه و الذین یسالون الائمه من اولاده یکونون من الملائکه – تفسیر نورالثقلین ج ۱ ص ۶۴۳ ح ۲۵۷ – اصول کافی ج ۲ ص ۱۲ – الاربعین محقق بحرانی ج ۱ ص ۱۸۴- غایه المرام ج ۲ ص ۱۵- وسایل الشیعه ج ۶ ص ۳۳۴ و ... نبی اکرم فرمود :

ای علی ؛ فرشتگان و ملائکه خادم و خدمتگذار ما هستند – عیون الاخبار الرضا ج ۲ ص ۲۳۷ ح ۲۲ احقاق الحق ج ۵ ص ۹۱- بحار ج ۱۸ ص ۳۴۵ و ج ۲۶ ص ۲۳۵ و ج ۶۰ ص ۳۰۳- ینابیع الموده قندوزی ج ۳ ص ۳۷۷- فان الملائکه من خدا منا – من مثلک یا علی فی لیلته و جبرئیل یخدمه – ینابیع الموده ج ۱ ص ۴۲۸- ان لله ملائکه سیاحین فی الارض قد و کلو بمعانه آل محمد – ینابیع الموده ج ۲ ص ۴۶۵-

ممکن است وهابیون بگویند اگر شیعه امامیه معتقد است آیه ۵۵ مائده معروف به

آیه ولایت در شان مولا علی علیه السلام نازل شده یک روایت صحیح السند در این باب در ذیل آیه بیاورند ؟! اما جواب : ۱) شعیب نسائی از علمای بزرگ اهل سنت بنابر نقل ابن اثیر از رزین صاحب کتاب «الجمع بین الصحاح السته نقل فرموده – رزین همان رزین بن معاویه است که به امام و محدث توصیه شده است – جامع الاصول ج ۹ ص ۴۷۸- سیر اعلام النبلاء ج ۲۰ ص ۲۰۴ حاکم نیشابوری در معرفه علوم الحدیث ص ۱۰۲ با سند صحیح نقل کرده آیه ولایت را در شأن مولا علی – بررسی سند روایت ۱) محمدبن عبدالله صفار – ذهبی او را شیخ – امام – محدث و الگو توصیف کرده –

سیر اعلام النبلاء ج ۱۵ ص ۴۳۷- راوی دوم – ابن سلم – عبدالرحمن بن محمد – ذهبی این گونه او را معرفی می کند حافظ – علامه – مفسر – سیر اعلام النبلاء ج ۱۳ ص ۵۳۰- راوی سوم : یحیی بن ضریس – سیر اعلام النبلاء ج ۹ ص ۴۹۹ ش ۱۸۹- امام و حافظ و اشکالی ندارد – راوی چهارم : عیسی بن عبدالله – ابن حبان در الثقات ج ۸ ص ۴۹۲ بعنوان فردثقه ذکر شده است –

راوی پنجم : محمد بن عمر – از رجال صحاح سته به شمار می آید – تقریب التهذیب ج ۲ ص ۱۹۴- الکاشف ذهبی ج ۱ ش : ۲۹۶۴ و ج ۲ ص ۲۰۵ ش ۵۰۷۳- راوی ششم : عمر بن علی – الکاشف ج ۲ ص ۶۷ ش ۴۰۹۷- در بعضی جاها عیسی بن عبدالله – منکر الحدیث می دانند اولا ابن حیان او را ثقه دانسته اند و در این صورت مختلف فیه می شود و روایتش حسن می شود –

نصب الرایه ج ۴ ص ۱۲۱ زیعلی – و ابو معشر هذا مختلف فیه فمنهم من یضعفه و منهم من یوثقه فالحدیث من اجله حسن – ثانیاً : منکر الحدیث بودن جرح مفسر نیست (یعنی چه دلیلی داشته که حدیث او شناخته شده نبوده ؟! – الرفع و التکمیل فی الجرح و التعدیل ص ۲۹- لایقبل الجرح الامفسرا – طبری در جامع البیان ج ۶ ص ۱۸۶ با سند صحیح آیه ولایت را درباره مولا علی نقل کرده – بررسی سند روایت – اسماعیل بن اسرائیل رملی – سمعانی او را مورد وثوق دانسته و از او به صدوق تعبیر کرده – الانساب ج ۵۵ ص ۵۸۵- ایوب بن سوید : از رجال نسایی و ابن ماجه و ابی داود است و ابن حجر او را صدوق نامیده –

تقریب التهذیب ج ۱ ص ۶۹۰- عتبه بن ابی حکیم از رجال مسلم و بخاری است و ابن حجر او را صدوق نامیده – تقریب التهذیب ج ۲ ص ۴- الانساب ج ۱۳ ص ۴۲۶- تفسیر طبری ج ۹ ص ۸۷ ح ۳۶ ۱۰۲ –

اسماعیل بن اسرائیل الدلال الرملی ابو محمد ثقه من شیوخ ابن ابی حاتم تفسیر طبری ج ۱۱ ص ۱۴۵ ح ۱۲۸۶۲ تحقیق شاکر – و ایوب بن سوید الرملی ثقه متکلم فیه مضی برقم ۱۲۲۱۳- تفسیر طبری ج ۱۱ ص ۱۴۵- و عتبه ابن ابی حکیم الشعبانی الهمدانی ثم الاردنی ثقه – میزان الاعتدال ذهبی ج ۳ ص ۲۸ ش ۵۴۶۹ قال ابو حاتم : صالح ... تهذیب الکمال مزی ج ۱۹ ص ۳۰۳ – و قال ابو القاسم الطبرانی : عتبه بن ابی حکیم من ثقات المسلمین – ابن کثیر شاگرد ابن تیمیه ملعون در تفسیرش ذیل آیه ۵۵ مائده با سند صحیح آیه ولایت را درباره امام علی نقل کرده است –

تفسیر ابن کثیر ج ۳ ص ۱۲۶ ۱) ابن ابی حاتم – سیر اعلام النبلاء ج ۱۳ ص ۲۴۷ و ص ۲۴۶ ۲) ابو سعید اشج – تقریب التهذیب ج ۱ ص ۴۱۹ ۳) فضل بن دکین – تقریب التهذیب ج ۲ ص ۱۱۰ ۴) موسی بن قیس حضرمی – تقریب التهذیب ج ۲ ص ۲۸۷ ۵) سلمه بن کهیل – تقریب التهذیب ج ۱ ص ۳۱۸- سیر اعلام النبلاء الجزء الثالث عشر ص ۲۶۸- عبدالرحمن بن ابی حاتم ثقه حافظ – (سایت مکتبه اسلام ویب) –

تقریب التهذیب ج ۱ ص ۳۰۵ ش ۳۳۵۴ – عبدالله ابن سعید ابن حصین الکندی ابو سعید الاشج الکوفی ثقه – تقریب التهذیب ج ۱ ص ۴۴۶ ش ۵۴۰۱- الفضل بن دکین الکوفی ... ثقه ... و هو من کبار شیوخ البخاری – تقریب التهذیب ج ۱ ص ۵۵۳ ش ۷۰۰۳ – موسی ابن قیس الحضرمی ابو محمد الفراء الکوفی یلقب عصفور لجنه صدوق – تهذیب الکمال مزی ج ۱۱ ص ۳۱۵- سلمه بن کهیل متقن للحدیث الکوکب الدراری فی شرح صحیح البخاری – (کرمانی) ج ۱۰ ص ۷۹ من اکبار التابعین – سلمه بن کهیل راوی مسلم و بخاری است – صحیح بخاری ج ۳ ص ۱۱۶ ح ۲۳۹۰ و ۲۳۹۲ و ... صحیح مسلم ج ۳ ص ۱۳۵۰ ح ۱۷۲۳ و ... ابن حاتم رازی در تفسیرش با سند صحیح آیه ولایت را در شان مولا علی نقل فرموده –

الکاشف ذهبی ج ۱ ص ۵۵۸ – ابو سعید اشج قال ابوحاتم ثقه ... موسی بن قیس حضرمی – الکاشف ج ۲ ص ۳۰۷ – ثقه ... تفسیر ابن ابی حاتم ج ۴ ص ۱۱۶۲- ربیع بن سلیمان – تقریب التهذیب ج ۱ ص ۲۰۶ ثقه – ایوب بن سوید – تقریب التهذیب ج ۱ ص ۱۱۸- صدوق – (در برنامه آپارات اینترنت آیه ولایت و اثبات امامت بلافصل امام علی) – (فیلم اثبات ولایت امام علی آیه ی ۵۵ سوره مائده – آیت الله سید محمد قزوینی حسینی) – (نزول آیه ولایت درباره حضرت علی با سند صحیح از کتب اهل سنت)

ابن عساکر در تاریخ مدینه دمشق خود به سند صحیح و معتبر آیه ولایت را در شان مولا علی نقل کرده – تاریخ دمشق ج ۴۲ ص ۳۵۶ و ص ۳۵۷ بررسی سند : ابو علی حداد که همان حسن بن احمد بن اصفهانی است به تصریح سمعانی – عالم ؛ ثقه و صدوق است – سیر اعلام النبلاء ج ۱۹ ص ۳۰۳- ابو نعیم حافظ همان ابونعیم اصفهانی است که نزد اهل سنت احتیاج به توثیق ندارد –

سلیمان بن احمد همان طبرانی حافظ مشهور نزد اهل سنت که احتیاج به توثیق ندارد بقیه سند هم در توثیق حاکم تشریح شد – عبدالرحمن بن مسلم (ابومسلم خراسانی) – کان من اکبر ملوک فی الاسلام کان ذاشان عجیب ... (سیر اعلام النبلاء) (به نقل از امام شناسی رضوانی ص ۲۱۶ ج ۱ – سیوطی در لباب النقول فی اسباب النزول ج ۱ ص ۸۱ می نویسد :

این ها شواهدی است که برخی از آن ها برخی دیگر را تقویت می کند – مثله فهذه شواهد یقوی بعضها – در کتب شیعه آیه ولایت با سند صحیح و معتبر نیز از ائمه معصومین روایت و نقل شده است – اصول کافی ج ۱ ص ۲۸۹- عن ابی جعفر قال امرالله عزوجل رسوله بولایه علی و انزل علیه : انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا ... علامه مجلسی در مراه العقول ج ۳ ص ۲۵۰ ح ۴ این روایت را حسن و نیکو نامیده است –

بررسی سند روایت ۱) علی ابن ابراهیم بن هاشم – معجم رجال الحدیث ج ۱۲ ص ۲۱۲ رقم ۷۸۳۰- ثقه فی الحدیث ، ثبت ؛ معتمد ؛ صحیح المذهب ؛

۲) ابراهیم بن هاشم – معجم الرجال ج ۱ ص ۲۹۱ رقم ۳۳۲- محمد ابن ابی

عمیر – معجم الرجال ج ۱۵ ص ۲۹۱ – ص ۲۹۲ رقم ۱۰۰۴۳- عمر ابن اذنیه – معجم الرجال ج ۱۴ ص ۲۱ رقم ۸۷۱۴ – برید بن معاویه – معجم الرجال ج ۴ ص ۱۹۴ الی ص ۱۹۵ رقم ۱۶۸۱- عقیل بن عقل وهابی می گوید : اگر امام علی در حالت رکوع به فقیر ؛ خاتم داده رکوعش مشکل پیدا می کند زیرا یک دست از زانو برداشته و واجبه شرعیه دو دست روی زانو در حال رکوع باشد ؛ ثانیاً در باب هدیه و زکات دادن شرط قبول و ایجاب است و فقیر حق ندارد بدون اجازه امام علی ؛ انگشتر از دست مبارک حضرت خارج کند اگر بدون اجازه این کار کرده فقیر سارق است مگر این که فقیر علم غیب داشته یا منظور حضرت علی دانسته که اشاره به او کرده است ؟!!

اما جواب : سوال جناب وهابی اگر ما بخواهیم به فقیری کمک کنیم حتما باید به او بگوئیم من به شما کمک می کنم و شما قبول فرما و فقیر هم کمک ما را بپذیرد و بگوید قبول کردم آیا واقعاً این مسائل شرط است که همچنین شبهه ای بی عقلانه می افکنی ای وهابی بی عقل ؛ ثانیاً : ثابت کن این فقیر تارک الصلاه بوده اگر قائلی که این مسکین تارک نماز بوده طعن و کفر به صحابه پیامبر وارد کردی چون این فقیر ؛ پیامبر را دیده و بقول شما هر کس پیامبر را ببیند صحابی محسوب می شود و نماز امام علی نماز تطوع و مستحبی بوده است آیا باید قائل شوی این فقیر بی نماز بوده ؟!!-

بدان دو دست گذاشتن روی زانو در حالت رکوع مستحب و مندوب است نه سنت – کتاب الفقه علی المذاهب الاربعه ج ۱ ص ۲۳۵ باب مبحث شرح بعض سنن الصلاه – المالکیه قالوا : ان وضع یدیه علی رکتبه و ابعاد عضدیه عن جنبیه مندوب لاسنه – در اسلام تاکید شده صدقه بصورت مخفی باشد ثوابش بیشتر است – امام احمد حنبل در المغنی ج ۴ ص ۴ می نویسد : در معاملات و صدقه و هدیه لازم نیست ایجاب و قبولی باشد – و کذلک الحکم فی الایجاب و القبول فی الهبه و الهدیه و الصدقه و لم ینقل عن النبی ولا عن احد من اصحابه استعمال ذلک فیه – ممکن است وهابی ها بگویند منظور از ولایت در آیه ولایت دوستی است ؛ جالب است محمدبن صالح العثیمین عالم و آخوند معروف وهابی در کتاب القول المفید علی

کتاب التوحید ج ۲ ص ۱۵۷ ذیل آیه ۵۵ مائده می نویسد :

خداوند اولیائی دارد که متولی امر او هستند و دین او را اقامه می کنند – فلله اولیاء یتولون امره و یقیمون دینه و در مجموعه الفتاوی و رسائل فضیله الشیخ محمدبن صالح العثیمین ج ۳ ص ۱۳۷ ؛ دو گونه ولایت است ولایت مطلقه الهی و ولایت مفیده که مخصوص غیر خداست و منظور من کنت مولاه فعلی مولاه ولی امور است – القسم الثانی : ولایه مقیده مضافه فهذه تکون لغیرالله و لها فی اللغه معان کثیره منها الناصر و المتولی للامور ... و قال صلی الله علیه و سلم : من کنت مولاه فعلی مولاه و قال صلی الله علیه و آله : انما الولاء لمن اعتق – جناب وهابی بدان طبق روایات سنی و شیعه ؛ فقیر خودش آمد سوی مولا علی و طلب نیاز کرد و مولا علی دستش را دراز کرد و فقیر از دست حضرت بیرون آورد – شواهد التنزیل ص ۹۲ ح ۲۲۱ و ص ۹۸ ح ۲۳۵ – فا قبل نحوه فقال : یا ولی الله بالذی یصلی له ان تتصدق علی بما امکنک ... و اشاره الی السائل بنزعه فنزعه ... ممکن است وهابی ها بگویند چگونه مولا ـ علی حواسش به نمازش نبوده اما جواب : خداوند در سوره آل عمران آیه ۳۹ بوسیله ملائکه به حضرت زکریا ؛ سلام می کند در حالتی که او در نماز بوده و صدای سلام ملائکه را می شنیده راجع به بشارت فرزند اگر این بشارت مضر به نماز بوده در مورد آیه ولایت نیز چنین خواهد بود .

شریعت اسلام با معرفی مولا علی و اعلان ولایت وامامت او در روز غدیر خم تازه تکمیل و به اتمام رسید به دلیل بخشی از آیه ۳ سوره مائده {الیوم اکملت لکم دینکم} اسلام با امامت الهیه علی علیه السلام کامل می شود چگونه انبیاء غیر از رسول اسلام بر او فزونی دارند؟!!! که به بعضی از منابع تفسیری و روائی اهل سنت که اعتقاد دارند این آیه در روز غدیر خم با معرفی مولا علی وامامت او نازل شده اشاره می شود.(۱) «عن ابی سعید خدری ان النبی دعا الناس الی علی فی غدیرخم... فقم وذلک یوم الخمیس فدعا علیاًفاخذ بضبعیه فرفعهما حتی نظر الناس الی بیاض ابطی رسول الله ثم لم یتفرقوا حتی نزلت هذه الایه، الیوم اکملت لکم دینکم».

ص:۶۷

---

۱ – ۱. تذکره الخواص ص۳۷، درالمنثور ج۲ ص۴۵۷، الاتقان سیوطی ج۱ص۷۵، تفسیرالقرآن العظیم ابن کثیر ج۲ص ۱۵، شواهد التنزیل ج۱ص۲۰۷، تاریخ بغدادج۸ص ۲۹۰، فرائد السمطین ج۱ص۷۳، مناقب ابن مغازلی ص۱۹ج۲۴، مناقب خوارزمی ص۱۳۵ح۱۵۲

از جمله بالاـ بودن مقام الهی وآسمانی مولاـ علی علیه السلام بر تمام گروه شریف انبیاء عظام به غیراز رسول اسلام آیه ۶۷ سوره مائده معروف به آیه ابلاـغ است {یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک وان لم تفعل فما بلغت رسالته} ای پیامبر ابلاـغ کن آنچه که خدا به تو نازل کرده که اگر تبلیغ رسالت نکنی زحمات ۲۳ سال پیامبری تو و تبلیغ جمیع رجال الهی گذشته بر باد فناء می رود. وقتی که نرساندن امر امامت مولا علی بوسیله آخرین و بهترین پیامبر حضرت مصطفی این تهدید وخطر را برای او دارد و وقتی رسالت پیامبر اکرم قبولی و مکملش منوط و بستگی دارد به امامت الهی مولاـ علی چگونه پیامبران دیگر مثل حضرت عیسی بر او فزونی و فضل وزیادتی دارد از جمله منابع موثق علمای اهل سنت که عقیده دارند که آیه ۶۷ سوره مائده درباره مولا علی در غدیر خم نازل شده بطور اختصار به این شرح می باشد.(۱) «عن ابی سعید الخدری قال نزلت هذه الایه (یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک) علی رسول الله یوم غدیر خم فی علی ابن ابی طالب»

عن علی: ان الصراط المستقیم محبتنا اهل البیت.(۲)

از جمله ادله برای برتری مولاـ علی علیه السلام برتمام پیامبران بغیر نبی معظم اسلام آیه ۶ سوره حمد است {اهدنا الصراط المستقیم} صراط مستقیم مولا علی و اولاد اطهارش هستند وقتی که صراط دین خدا مولاعلی و۱۱فرزند معصومش هست صراط پیامبران دیگر هم تحت شعاع صراط علوی است و صراط پیامبران دیگر برای امت بغیر رسول اسلام قابل پیروی ومتابعت نیست به جزء صراط محمد وآل محمد وچون صراط وراه محمد وآل محمد بهترین راه ومسیر بسوی جنت وتقرب به خداست پس آنها افضل هستند از تمام پیامبران به غیر از رسول اسلام، پیامبر اسلام به مولا علی فرمود تو راه واضح وتو صراط مستقیم و تو یعسوب و سرور مومنان هستی «عن ابن عباس قال رسول الله لعلی بن ابی طالب: انت الطریق الواضح وانت الصراط

---

۱ – ۱. درالمنثور ج۲ص۵۲۸، تفسیرالقرآن العظیم ابن ابی حاتم رازی ج۴ص۱۱۷۲، مناقب ابن مردویه ص۲۳۹ح۳۴۵، شواهد التنزیل ج۱ص۲۵۶ح۲۴۹، فتح القدیر شوکانی ج۲ص ۶۰، الکشف والبیان ج۴ص۹۲، تفسیر الکبیر رازی ج۱۲ص۴۹، روح المعانی آلوسی ج۳ص۳۵۹، اسباب النزول واحدی ص۱۳۵، غرائب القرآن نظام الدین نیشابوری ج۶ص۱۲۹، فصول المهمه ابن صباغ ج۱ص۲۴۵، مطالب السوول بن طلحه شافعی ص۷۹باب ۱، فرائد السمطین ج۱ص۱۵۸

۲ – ۲. مناقب ابن مردویه ص۸۶

المستقیم وانت یعسوب الدین»(۱) لا- یوجز احد الصراط الا-من کتب له علی الجواز، ان علی الصراط لعقبه لا- یجوز احد الا بجواز من علی بن ابی طالب.(۲)

چون فضائل مولا- علی بسیار است و قلم ها کوتاه است در باب مناقب حضرتش قلم فرسائی کند به مناظره شیر زنی از زنان شیعه بنام حره که در مقابل حجاج بن یوسف ثقفی در مورد برتری مولا علی بر انبیاء داشته خدمت موافق ومخالف عرضه می شود. حجاج به حرّه گفت تو چگونه علی علیه السلام را برتر از پیامبرانی چون آدم، نوح، لوط، ابراهیم، موسی، داود، سلیمان وعیسی می دانی؟ حره گفت من نیستم که مولا- علی را از این پیامبران بالا-تر می دانم قرآن اشاره دارد قرآن درباره آدم در سوره طه آیه ۱۲۱ می فرماید: {وعصی آدم ربه فغوی} آدم معصیت خدا کرد واز پاداش او محروم شد ولی درباره مولا علی در سوره انسان آیه ۲۲ می گوید {وکان سعیکم مشکورا} سعی و تلاش شما مورد قدر دانی است. حجاج گفت چگونه علی را بر نوح برتر می دانی گفت به دلیل آیه ۱۰سوره تحریم که زن نوح اهل جهنم شد ولی همسر مولا علی سرور زنان اهل بهشت، برتری علی بر ابراهیم به سبب آیه ۲۶۰بقره است که ابراهیم از خدا خواست زنده شدن مردگان را ببیند ولی مولا علی فرمود اگر پرده عالم دنیا جلو چشمانم عقب رود بر یقینم افزوده نمی شود برتری مولا- علی بر موسی این است وقتی موسی اطلا-ع پیدا کرد که او را می خواهند بکشند از فرعونیان فرار کرد ولی مولا علی در بستر پیامبر در آن خطر خوابید تا ایشان هجرت کند و برتری علی بر داود در یک قضیه حکم و قضاوت خداوند فهم را به او عطاء کرد ولی علی می فرماید از من سوال کنید تا مرا از دست ندادید سلیمان از خدا ملک خواست ولی علی دنیا را ۳ طلاقه کرد وقتی غلو کنندگان عیسی را خدا دانستند ونامیدند عقوبت آنان را به قیامت واگذار کرد ولی مولا علی درباره فرقه نصیریه گروهی از آنان را که

---

۱ - ۱. الکشف والبیان ثعلبی ج۱ص ۱۲۰، شواهد التنزیل ج۱ص۷۴، مجمع الزوائد هیثمی ج۹ص۱۱۲، ابن حجر در الاصابه ج۲ص ۱۳۰، التهذیب ابن عساکر ج۲ص۸۵، المناوی در کنوز حقائق ص۲۰۲، ذخائر العقبی ص۱۸، الریاض النضره ج۲ص۲۰۹

۲- ۲. تاریخ بغداد ج ۱۰ ص۳۵۵، تاریخ دمشق ج۴۴ ص۲۵۴

درباره او غلو کرده بودند کشت.(۱)

احمد حنبل در مسندش ج۲ ص۳۴۴ نقل می کند امام حسن بعد از شهادت مولا علی فرمود: دیروز، مردی از میان شما رفت که گذشتگان در دانش بر او پیشی نگرفته و آیندگان نیز به او نخواهند رسید. لقد فارقکم رجل امس،ما سبقه الاولون بعلم و لا ـ ادرکه الاخرون، ح ۱۷۱۹، اسناده صحیح ح ۱۷۲۰، اسناده صحیح، آلبانی در سلسله الاحادیث الصحیحه روایت را صحیح اعلام کرده، و این روایت افضلیت مولا علی را بر تمام پیامبران بغیر از رسول اکرم خصوصاً در علم، ثابت می کند؛ پیامبر اکرم فرمود: ان الله فضل الانبیائه المرسلین علی الملائکه المقربین و فضلنی علی جمیع النبیین و المرسلین و الفضل بعدی لک یا علی.(۲)

فخر رازی می گوید: جزء این نیست که این روایت بر برتری علی علیه السلام بر دیگر پیامبران دلالت دارد پس فردی که از همه پیامبران غیر از پیامبر اسلام افضل است و صاحب برتری و فضل همه پیامبران می باشد چنین فردی لایق جانشینی سرور رسل می باشد، زیرا این حدیث دلالت دارد که علی از همه پیامبران جز پیامبر ما افضل است، در تایید این استدلال به آیه شریفه حدیثی است که مورد قبول موافق و مخالف است و آن سخن پیامبر: و یوید الاستدلال بهذه الایه الحدیث المقبول عند الموافق و المخالف و هو قوله علیه السلام من اراد ان یری آدم فی علمه و نوحا فی طاعته و ابراهیم فی خلقه و موسی فی هیبته و عیسی فی صفوته فلینظر الی علی ابن ابی طالب، فالحدیث دل علی انه اجتمع فیه ما کان متفرقاً فیهم و ذلک یدل علی ان علیاً رضی الله عنه افضل من جمیع الانبیاء سوی محمّد)(۳)؛ زمانی که ابوبکر، ابوعبید جراح را فرستاد دنبال مولا علی به او گفت: تو امین این امت هستی تو را دنبال کسی می فرستم که در مرتبه کسی بود که دیروز از دست دادیم (یعنی پیامبر). یا اباعبیده انت امین هذه الامه ابعثک الی من هو فی مرتبه من فقدناه بالامس.(۴) نویسنده وهابی عبدالله بن جارالله در کتابش الجامع الفرید می نویسد: خداوند این امام (محمد

۱- ۱. بحارالانوار ج۴۶ص۱۳۴

۲- ۲. بحار ج۱۱ ص۱۳۹

۳- ۳. تفسیر کبیر ذیل آیه مباهله ج۸ ص۷۲ دارالکتب العلمیه

۴- ۴. الغدیر ج۱ ص۲۹۷

بن عبدالوهاب) را در بین اهالی نجد به مقام نبوت برگزید و او را با امرای عادل آل سعود یاری کرد. فاقام الله هذا الامام فی اهل نجد مقام نبی و ایده بالامراء العادلین و الائمه العهدیین من آل سعود من راسهم الامام محمد بن سعود.

اگر نبوت ختم نمی شد قطعاً می گفتیم ابن تیمیه، پیامبر است.(۱)

یکی دیگر از آیاتی که دلیل برتری مولا علی بر انبیاء غیر از رسول اسلام است آیه ۴ سوره رعد می باشد. یا علی الناس من شجر شتی و انا و انت یا علی من شجره واحده ثم قرأ النبی: و جنات من اعناب و زرع و نخیل صفوان و غیر صفوان.(۲)

نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:ای علی مردم از درختان گوناگون آفریده شده اند ولی من وتو از یک درخت هستیم

۱- ۱. دروس و مواقف و عبر ص۳۳، الامام البن باز لو لم نخبر بختام النبوه ان ابن تیمیه نبی

۲- ۲. تفسیر در المنثور ذیل آیه، مناقب ابن مردویه، مستدرک حاکم کتاب ج۲ ص۲۶۳، التفسیر هذا حدیث صحیح ح۲۹۴۹، کنز العمال ج۱۱ ص۶۰۸ ح۳۲۹۴۴

فصل دوم: آیه مباهله

ص:۷۲

«بسم الله الرحمن الرحیم»

پاسخی به شبهه و مغلطه آقای انصاری مدیر شبکه سلفی وصال باطل

آیه مباهله(۱) فضیلت و برتری مولا علی را ثابت نمی کند به دلیل آیه ۱۲۸ سوره سوره توبه {لقد جاء کم رسول من انفسکم}

مداح و قاری قرآن ابن مالک بلطف حق پاسخ می دهد:

بیضاوی در تفسیرش می نویسد: آیه مباهله دلیل بر نبوت پیامبر و فضیلت اهل بیت پیامبر است

هو دلیل علی نبوته وفضل من اتی بهم من اهل بیته (۲)

در صحیح ترین کتاب اهل سنت صحیح مسلم نیشابوری ؛آیه مباهله در مورد امام علی و فاطمه و حسن وحسین نازل شده را نقل کرده (۳)

ولما نزلت هذه الآیه ندع ابنائنا و ابناءکم:دعا رسول الله علیا وفاطمه وحسنا وحسینا فقال: اللّهم هولاء (۴)

امام صادق از قول امام حسن فرمود: پیامبر اکرم از خود «ها» انفسنا –پدرم علی را به همراه خویش بیرون آورد و ازپسران من وبرادرم حسین را واز زنان فاطمه مادرم را، پس ماییم اهل بیت او،گوشت وخون و خود او ما از او هستیم واو از ما (۵)

فاخرج جدی معه من الانفس ابی و من البنین انا واخی الحسین و هو من النساء فاطمه امی فنحن اهله ودمه ونفسه ونحن منه و هو منا

اولاً رسول اکرم این آیه را در بخش انفسناء و انفسکم تفسیر و روشن نموده اند در قالب روایات مستند اهل سنت؛ پیامبر اکرم فرمود: علی منی و انا منه.(۶)

ص:۷۳

۱- ۱. ۶۱ آل عمران

۲- ۲. انوار التنزیل ج ۲ ص ۲۱

۳- ۳. صحیح مسلم ج ۱ص ۴۴۸ کتاب الفضائل

۴- ۴. اهلی ج ۴ ص ۱۸۷۱ ح ۳۲

۵- ۵. ینابیع الموده ج ۱ص ۳۴۶ باب۷ – امالی طوسی ج ۲ص ۱۷۷،غایت المرام ص ۳۰۴

۶- ۶. مسند احمد ج ۴ ص ۱۶۴،مناقب ابن مغازلی ص ۲۲۱ ،تاریخ اسلام ذهبی ج ۳ص ۶۳۰ ،مجمع الزوائد ج ۹ ص ۱۱۱ – مجمع الکبیر ج ۱۲ ص ۱۴ سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۴۴،الجامعه الصحیح ترمذی ص ۹۷۹ ،خصائص نسائی ص ۸۷ ،تاریخ دمشق ج ۱ص ۳۶۵ ،کفایه الطالب ص ۱۶۷ باب ۳۷ ،المواعظ العددیه ،امالی صدوق مجلس ۲۰ ح ۱ و مجلس ۹ ح۱۰ ص ۶۴

علی منی و انـا من علی – ولاـ یودی عنی الاـ انا و علی لحمه من لحمی و دمه من دمی و هو منی بمنزله هارون من موسـی هـذا علی سید المسلمین- علی منی کنفسی طاعته طاعتی و معصیته معصیتی.(۱)

ان علیا منی وانا من علی –روحه من روحی.(۲)

و در حـدیث دیگر بـا صـراحت می فرمایـد: علی هماننـد من است سـئوال؟ در چه چیزی؟ هماننـد در صـفات نفسانی باطنی از جهت خصائص عالیه انسانی و الهی و ملکوتی

نبی اکرم فرمود: ای بنی ولیعه بسوی شما مردی می فرستم که همانند من است

«ان رسول الله قال لتنتهین یا بنی ولیعه اولا بعثن الیکم رجلا کنفسی ... فالتفت الی علی فاخذه بیده و قال هو هذا مرتین»(۳)

قال رسول الله: ما من نبی الاوله نظیر فی امته و علی نظیری.(۴)

نبی اکرم فرمود: علی همانند ونظیر من است

قال رسول الله علیٌ هو نفسی و انا نفسه.(۵)

نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: علی نفس من ومن نفس او هستم

قال رسول الله علیٌ نفسی فمن رایته یقول فی نفسه شیئا.(۶)

۱- ۱. المواعظ العدیدیه امالی صدوق م ۲۰ ح ۱

۲- ۲. آل محمد اسامه الدین مردی حنفی ص۱۸۴

۳- ۳. تفسیر غرئب القرآن ج ۶ص ۳۴۲ ،المعرفه والتاریخ ج ۱ص ۱۲۱ ،تفسیر کشاف ج ۴ص ۳۶۲ ،سنن الکبری نسایی ج ۵ص ۱۲۷ ح ۸۱۳۸ ح۸۴۵۷،خصائص نسائی ج ۱ ص ۸۹ ح ۷۲ ،المصنف ابن ابی شیبه ج ۶ص ۳۶۹ ،فضائل الصحابه احمد ج ۲ص ۵۹۳ ، سنن ابن ماجه ج۱ص ۴۴، صحیح ترمزی ص ۹۷۹ ح ۳۷۲۸، معجم الوسط ج ۴ص ۱۳۳ باب العین ح ۳۹۲۳،انساب الشـراف ح ۸۱۴ – مطـالب العلیـه ج ۱۶ص ۶۸ ح ۴۰۵۳ ،مســند ابی یعلی ج ۲ ص ۱۶۵ ،تاریـخ دمشـق ج ۴۲ ص ۳۴۲ ح ۴۴۵۱۸۰،امالی جرجانی ج ۱ص ۱۸۵ ح ۵۰۰ ممسد بزار ج ۳ص ۲۵۹ ح ۱۰۵۰و ح ۹۶۲ ،المقصد العلی فی زوائد ابی یعلی ح ۱۱۹۵ ،کشـف السـتار ح ۲۴۶۲ ،نسـخه عمر بـن زراره ح ۲۹ ،اخبـار مکه للقـاکهی ح ۱۸۸۸ ،مسـتدرک حـاکم ج ۲ص ۱۳۱ صواعق المحرقه ص ۱۷۵...و فیه رجل اختلف فی تضیعه وبقیه رجاله ثقات اتحف المهره حدیث ۱۲۸۷۹

۴- ۴. ذخائرالعقبی طبری ص ۶۴

۵- ۵. مناقب خوارزمی ص ۹۰

۶- ۶. مناقب خوارزمی ح۱۷۳ اللالی المصنوعه سیوطی ج۱ ص۳۸۲

پیامبر اکرم فرمود: علی همانند نفس من است و چه کسی درباره خودش بد می گوید.ان هذا لیسا---عن النفس (۱)

قال النبی لیبعثن الله رجلاً منی او قال مثل نفسی.(۲)

قال النبی و هولاء انفسنا لعلی و نفسه.علی نفسی واخی اطیعوه —(۳)

پیامبر فرمود: منظور انفسنا من و علی هستیم.

قال رسول الله و ان علیاً منی بمنزله النفس من النفس.(۴)

پیامبر فرمود: نفس علی به منزله نفس من است.

قال علیٌ و ان الذی جعل الله نفسی نفس محمد.(۵) عن عطاء قال :کان لعلی موقف من رسول الله —المحسن والمساوی بیهقی ص ۱۸

مولا علی فرمود: من کسی هستم که خدا نفس من را همانند نفس پیامبر قرار داد.فاین علی ابن علی ابن ابی طالب قال یا هذا تستفتی من اصحابه ام عن نفسه ؟فکیف یکون اصحابه مثل نفسه

قال علی: هل فیکم احد قال له رسول الله انت کنفسی.(۶)

قاضی ایجی در شرح المواقف ج ۸ ص ۳۶۷ و ص ۳۹۹ المقصد الخامس: الفضل بعد رسول الله می نویسد: انسان نفس خودش را نمی خواند بلکه منظورنفس در آیه مباهله، علی است

لا یدعو نفسه بل المراد به علی دلت علیه الاخبار الصحیحه و الروایات الثابته عند اهل النقل انه علیه السلام ,دعا علیا الی ذالک المقام ولیس نفس علی نفس محمد حقیقه مالمراد المساواه فی الفضل والکمال ... فیساوی النبی فی کل فضیله سوی النبوه (۷)

ایها الناس انی لکم فرط و انی اوصیکم بعترتی خیرا موعدکم الحوض والذی نفسی بیده لتقیمن الصلاه و لتوتون الزکاه اولا بعثن رجلا منی او کنفسی فلیضربن اعناق مقاتلیهم ولیسبین ذراریهم قال: فرای الناس انه یعنی ابابکر وعمر فاخذ بید

۱- ۱. —کنز العمال ج ۱۳ ص ۱۴۲ ح ۳۶۴۴۶

۲- ۲. مناقب خوارزمی ح۱۵۳

۳- ۳. ینابع المده ج ۱ص ۴۲۳

۴- ۴. الموسوعه الکلمات الرسول ج۴ ص ۳۷۰

۵- ۵. فخرالنبی صدیق عربانی مجمع النورین مرندی ص ۴۵

۶- ۶. احتجاج طبرسی ج۱ ص۲۹۳
۷- ۷. مستدرک حاکم نیشابوری مساله ۱۰۶۱ ح ۲۶۰۵

علی فقال هذا هذا –حدیث صحیح الاسناد (۱)– اللهم انا او کنفسیثم اخذ بید علی – قال عبدلله ابن عمر: علی من ...

مولا علی فرمود: آیا در میان شما کسی هست که پیامبر درباره او فرموده باشد تو همانند نفس منی.

قال عبدالله ابن عمر: علی من اهل البیت لا یقاس به احد هو مع رسول الله فی درجته.(۲)

پسر عمر می گوید: علی از اهل بیت پیامبر است و کسی با او قابل قیاس نیست و او هم درجه پیامبر است.

ان الله یقول والذین آمنوا واتبعتم ذریتهم ففاطمه مع رسول الله فی درجته و علی معهما– قال النبی رجلا له عندالله منزله کمنزلتی و مقام کمقامی الا النبوه.(۳)

پیامبر فرمود: علی مردی است که درجه اش و منزلتش همانند من است الا در نبوت خاصه.

پیامبر در خطبه غدیر خم فرمود: ای مردم علی ابن ابیطالب در میان شما به منزله من در میان شماست، و هو فیکم بمنزلتی فیکم.(۴)

عن رسول الله: قال علی کنفسی لا فرق بینی و بینه الا النبوه.(۵)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: علی همچون جان من است، بین من و او جز پیامبری فرقی نیست.(۶)

قاری در المرقاه فی شرح مشکاه می نویسد: فنزله منزله نفسه لما بینهما من القرابه والاخوه.(۷)

پس پیامبر علی ابن ابیطالب را در جایگاه نفس خویش قرار داد بخاطر قرابت و اخوتی که میان ایشان بود.

۱– ۱. المصنف ابی شیبه ج ۷ص ۴۹۸ ح ۲۳ وص ۴۹۹ ح ۳۰

۲ – ۲. جواهرالمطالب ابن دمشقی ج۱ ص۲۲۴ باب۳۶– شواهدالتنزیل ج۲ ص۲۷۱، ینابیع الموده ج۲ ص۲۹۷ ح۸۵۰– موده القربی موده ۷

۳– ۳. الموسوعه کلمات رسول ج ۴ص ۳۷۰

۴– ۴. احتجاج ج۱ ص۳۳۴ ح۵۶

۵– ۵. صراط مستقیم ج۱ ص۲۵۲

۶– ۶. سیمای امیرالمومنان در قرآن (سیدجواد رضوی ص۷۲)

۷– ۷. قاری المرقاه ج۵ ص۵۸۹

قال النبی: انت منی کروحی.(۱)

پیامبر به علی فرمود: تو همانند روح من هستی.

لاـ یزال یمکن للرافضه ان یستدلوا بافضلیه علی رضی الله علی الانبیاء بل علی اولوالعزم لان النبی افضل و اکمل من الانبیاء قد سعاه الله تعالی نفس النبی و لا معنی لهذه التسمیه الا لمشهابه و المماثله التامه فاذا یکون هو افضل و اکمل من الانبیاء.(۲)

قرآن، نفس ها و باطن افراد بشر را تقسیم بندی کرده؛ نفس مطمئنه، نفس لوامه، نفس اماره.

نفس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اشرف مخلوقات از کدام نفوس مذکوره بوده، آیا معنای آیه ۱۲۸ سوره توبه این است که رسول خدا، ۳ حالت نفسانی داشته و با نفوس سایر بشر مساوی بوده؟

قرآن به نفس و جان پیامبر اکرم سوگند خورده، این نفس عظیم ونورانی در چنین مقام و رتبه ای بزرگ نزد خداست آیا به نفس کفار، مشرکین، منافقین، مجرمان، مومنین عادی هم سوگند یاد کرده و آیا جناب وهابی شما چنین نفس شریف را موازی نفوس عادی بشر قرار می دهی {لعمرك انهم لفی سکرتهم یعمهون}(۳)

ابن عباس می گوید خداوند، کسی را که از حضرت محمد صلی الله علیه و آله در نزدش گرامی تر باشد خلق نکرده و من نشنیده ام که خداوند به جان کسی جزء جان او قسم خورده باشد.(۴) قال ابن عباس: ما خلق الله و ما ذراء و ما براء نفساً اکرم علیه محمد و ما سمعت الله اقسم بحیاه احد غیره.(۵)

منظور آیه ۱۲۸ سوره توبه که می فرماید از خودتان پیامبری فرستاد منظور نوع و جنس بشری مثل خودتان در جسم، بدن، ظاهر، خوردن، آشامیدن، نکاح کردن و تمایلات و غرائز فطری و طبیعی است که خود قرآن در لابلای آیات کریمه اشاره

۱- ۱. بحارالانوار ج۳۵ ص۲۵۷

۲- ۲. تفسیر نیشابوری

۳- ۳. سوره حجر آیه ۷۲

۴- ۴. مجمع البیان ج۶ص۱۴۲

۵- ۵. مجمع الزوائد ج۷ ص۶۴

فرموده {قل انما انا بشر مثلکم}(۱) {وما جعلناهم جسداً لایاکلون الطعام و ماکانوا خالدین}(۲)

روح و نفوس افراد مومن عـادی بـا سـایر نفوس بشـر که اهـل ایمان نیسـتند مساوی و برابر نیست چگونه نفس پیامبر با دیگران مساوی باشد.(۳) {وما یسـتوی الاعمی والبصیر...ومایسـتوی الاحیاء ولا الاموات... لا یسـتوی اصحاب النار واصحاب الجنه}(۴) {افمن کان مومنا کمن کان فاسقا لایستون}(۵)

امام صادق از قول امام حسن فرمود: جـدم پیامبر اکرم از خود ما پدرم (علی) را به همراه خویش بیرون آورد و از پسـران من و برادران حسین را و از زنان فاطمه مادرم را، پس ماییم اهل بیت او با گوشت خون و خود او، ما از او هستیم و او از ما.

فاخرج جدی معه من الانفس ابی و من البنین انا و اخی الحسین و من النساء فاطمه امی، فنحن اهله و لحمه و دمه و نفسه و نحن منه و هو منا.(۶)

اگر منظور آیه ۱۲۸ سوره توبه که می فرماید از خودتان و نفس های شما پیامبری فرستاد ارواح و شخصیت باطنی ناس و مردم باشد پس باید تمام مردم با پیامبران مساوی و برابر باشند و همه مردم نیز پیامبر باشند!!! پس دیگر نیازی به پیامبران نبود؟

لکن الاجماع دل علی ان محمّد افضل من سائر الانبیاء فکذا علی علیه السلام قال: و یوکده ما یرویه المخالف و الموافق انه قال: من اراد ان یری آدم فی علمه و نوحا فی طاعته و ابراهیم فی خلقه و موسـی فی قربته و عیسی فی صفوته فلینظر الی علی ابن ابی طالب.

اجماع دلالت می کنـد که پیامبر اسـلام افضل از پیامبران است و علی هماننـد اوست و مویـد این مطلب شـباهت علی به خصال انبیاء است که موافق و مخالف نقل کرده اند.(۷)

ص:۷۸

۱- ۱. سوره کهف آیه ۱۱۰

۲- ۲. سوره انبیاء آیه ۸

۳- ۳. سوره فاطر آیات ۱۹ الی ۲۴

۴- ۴. سوره حشر، آیه ۲۰

۵- ۵. سوره سجده، آیه ۱۸

۶- ۶. ینابیع الموده ج۱ باب۷ ص۳۴۶، امالی طوسی ج۲ ص۱۷۷، غایه المرام ص۳۰۴

۷- ۷. تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان علامه نظام الدین نیشابوری ج۲ ص۱۷۹

قرآن در سوره روم آیه ۲۱ می فرماید: از نشانه های قدرت خدا این است که خلق کرد از نفس شما زوج و همسرانی آیا منظور آیه این است که زن و مرد یک روح دارنند در ۲ جسد؟ آیا زن و مرد مساوی و برابرند در خلقت و صفات اخلاقی؟ آیه می خواهد بگوید از جنس شما بشر زوج برای شما آفریده نه اینکه زن و مرد همانند یکدیگر هستند.

آقای انصاری سلفی شما که عقیده داری انفسکم در آیه ۱۲۸ سوره توبه منظور نفس مردم و نفس پیامبر اکرم است نه جنس بشری مردم و پیامبر، پیامبر رحمت للعالمین است، پیامبر معلم بشر است، پیامبر بشیر، نذیر و شاهد است، پیامبر اطاعتش برابر اطاعت خداست، قلب پیامبر مهبط و نزول وحی است، فضل عظیم خدا بر پیامبر است آیا مردم و نفوس ذاتی بشر عادی هم همین طور ذات نفوسشان است؟ {ما ارسلناك الارحمه للعالمین}(۱) {ثم تولوا عنه و قالوا معلم مجنون}(۲) {انا ارسلناك شاهداً و مبشراً و نذیراً و داعیاً الی الله باذنه و سراجاً منیراً}(۳) {و بشرالمومنین بان لهم من الله فضلًا کبیرا}(۴) {ان فضله کان علیك کبیراً}(۵) {من یطع الرسول فقد اطاع الله (نساء ۸۰) نزل به الروح الامین علی قلبك لتكون من المنذرین}(۶)

پیامبر اکرم احیاء و زنده کننده نفوس وارواح بشر هست چگونه جناب انصاری سلفی می گوئی منظور انفسکم در آیه ۱۲۸ سوره توبه، نفس و روح شریف پیامبر اسلام و نفوس سایر بشر است. سوره انفال آیه۲۴ {یا ایها الذین امنوا استجیبوا لله و الرسول اذا دعاکم لما یحییکم}

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پاک کننده نفوس و روح بشر است چگونه می گوئی نفس شریف او

۱- ۱. انبیاء ۱۰۷

۲- ۲. دخان ۱۴

۳- ۳. احزاب ۴۵و ۴۶

۴- ۴. احزاب ۴۷

۵- ۵. اسراء ۸۷

۶- ۶. شعراء ۱۹۳،۱۹۴

همانند سایر بشر است. {و یزکیهم و یعلمهم الکتاب والحکمه}(۱)

نفس، روح، جان و باطن نبی اکرم ذاتاً پاک،منوروقدسی است. (سوره طه آیه ۱) لفظ و کلمه طاها (طه) یعنی طیب و مبراء، ولی روح و ارواح مردم باید تحت فرمان فرامین قرآن و رسول اکرم قرار بگیرد تا تزکیه شود و اکثریت مردم اسیر هوای نفس هستند.

سوره جمعه آیه ۲ و سوره انعام آیه ۹ جواب می دهد به شبهه و مغلطه آقای انصاری سلفی- اوست خدائی که مبعوث کرد پیامبری در ام القری مکه که درس نخوانده بود از خود آنها یعنی از جنس و بدن بشری و از شهر و قبیله آنها {رسولاً منهم} معنایش این نیست که رسول اکرم با آنها از جهت نفس و اشتراکات روحی و باطنی مساوی است یا اینکه رسول و مردم در یک سطح و رتبه هستند و مثل همنند {ولو جعلنا ملکاً لجعلنا رجلاً وللبسنا علیهم ما یلبسون}

سوال آقای وهابی؟ قرآن که در سوره هود آیه ۵۰، ۸۴، ۶۱ می فرماید پیامبران هود، صالح، شعیب برادرشان بودند که بسوی قبیله خودشان آمدند جهت هدایت؟ آیا منظور قرآن این است که قوم هود، صالح، شعیب، برادر تنی آنها بودند یا برادر دینی آنها بودند؟ اگر بگوئی برادر تنی، به همه قوم که برادر تنی نبودند؟ اگر بگوئی برادر دینی بودنند قومشان که ایمان نداشتند!!! پس منظور این است که از قبیله خودشان بودند. و وصف هود بانه اخو عاد لانه کان من نسبهم کما یقال: یا اخا العرب ای یا عربی.(۲)

و قیل له اخوهم لانه منهم... و قیل انما قیل له اخوهم لانه من بنی ادم کما انهم من بنی آدم.(۳)

بقول مفسرین اهل سنت به چند معنا است:

۱) قائده عرب این بوده در باب نسب مثلا ای برادر عرب.

۱- ۱. سوره جمعه آیه ۲

۲- ۲. تفسیر القرآن ابن عاشور ص۹۴ مسأله الجزء الثالث عشر.

۳- ۳. تفسیر القرآن قرطبی مسأله الجزء التاسع ص۴۶، ای ارسلنا الی ثمود اخاهم صالحا: فی النسب لا فی الدین، تفسیر بغوی معنا و تفسیر آیه ۵۰، ۸۴ و ۶۱ سوره هود

۲) یعی از خود شما است از جنس بنی آدم، در دین برادر شما نیست در نسب با شما برادر است.

حال ممکن است آقای انصاری سلفی بگوید بله در آیه مباهله منظور انفسناء همان قبیله، قوم و عشیره است اولاً حقیر در پاسخ اول گفتم که پیامبر انفسنا را در ظرف احادیث معتبره تفسیر و توضیح داده ثانیاً اگر انفسناء منظور قبیله است چرا تمام قبیله را نبرد تنها علی را برای مباهله و نفرین برد آیا پیامبر طبق دستور وحی مولا علی را برد یا نه ؟اگر نه چرا برد؟

اگر انفسناء منظور قبیله و عشیره است در آیه مباهله و یا هر معناءدیگر چرا مولا علی به این آیه مباهله احتجاج کرده وخودش معنا فرموده {نشد تکم بالله} {هل فیکم احدا قرب الی رسول الله فی الرحم و من جعله رسول الله نفسه} مولا علی به اهل شورا خطاب کرد شما را به خدا قسم می دهم آیا در میان شما کسی هست که به پیامبر همانند من نزدیک باشد و پیامبر من را نفس خودش خوانده باشد.(۱)

قرآن در سوره احزاب آیه ۶ می فرماید: {النبی اولی بالمومنین من انفسهم} پیامبر از نفس های مومنان اولی، افضل و سزاوارترست و مومنان وظیفه دارند خصوصاً در میدان رزم و برای حفظ جان پیامبر، جانشان فدای او کنند، پس آقای انصاری وهابی چگونه میگوئی منظور آیه ۱۲۸ سوره توبه {لفظ انفسکم} جان مردم به جان پیامبر نسبت داده می شود و اتفاقاً این آیه ۶ سوره احزاب را پیامبر در وادی غدیر خم قرائت فرمود و بیان داشت که بعد از من علی از جانهای شما به شما اولی است و باید جان فدای علی کنید چون نفس او همانند من است در صفات، خصائص روحی و مشترکات الهی و معنوی «قال رسول الله یا ایها الناس الست اولی بکل مومن من نفسه؟ قلنا بلی یا رسول الله نحن نشهد انک اولی بکل مومن من نفسه قال فانی من کنت مولاه فهذا علی مولاه»(۲)

در ضمن آقای انصاری آیه مباهله مقام علمی، مقام اعجاز و برگزیدگی مولا علی را

۱- ۱. تاریخ مدینه دمشق ابن عساکر ج۴۲ص۴۳۲

۲ - ۲. سنن الکبری ج۵ ص۱۳۱، مسند احمد ج۴ص۲۸۱،البدایه والنهایه ج۵ص۲۲۸،سنن ابن ماجه ج۱ص۴۳،فتح القدیر ج۴ص۲۶۳

با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می رساند «فمن حاجک فیه من ما بعد ما جاء ک من علم، ثم نبتهل، فقل تعالوا»

در قضیه عزل ابی بکر و نصب مولا علی علیه السلام در ابلاغ سوره برائت براهل مکه معنای انفسانا باز روشن نمود خداوند به وسیله جبرئیل «یا رسول الله ان الله تعالی یقرئک السلام ویقول لایودی عنک الا انت او رجل منک» اداء و ابلاغ رسالت از تو احدی ننماید مگر خود یا مردی که از خودت باشد یعنی همانند خودت باشد در صفات نفسانی و عملی.(۱)

سوال دیگر که آقایان مولوی وهابی مطرح می کنند می گویند فرض بگیریم که انفسانا در آیه مباهله (۶۱ سوره ال عمران) علی علیه السلام است. انفسکم در آیه جانهای مشرکین مسیحی چه کسی بوده؟ آیا این انفسانا و انفسکم یعنی روح پیامبر یا نفس مولاـ علی با نفس مشرک برابر و قابل مقایسه است که آیه فرموده آنها با جانهای خود بیایند ای پیامبر توهم با جانت بیا برای نفرین و مباهله؟! اولاًـ وقتی ما به کل متن و خطاب آیه مباهله دقت می کنیم این مبحث مطرح است که علمای مسیحی نجران خودشان را بر حق می دانستند . خداوند می گوید که اگر واقعاً شما خود را محق می دانید با فرزندان، زنان و انفس خود بیائید. معنایش این نیست که انفس مشرکین مسیحیان نجران موازی و مساوی با نفس پیامبر اکرم است، مثل اینکه خداوند در سوره جمعه آیه ۶ و ۷ می فرماید: یهود خود را دوستان خدا می پندارند، اگر واقعاً شما یهودیان دوست خدا هستید آرزوی مرگ کنید. معنایش این نیست که آنها واقعاً دوست خدا هستند و خداوند درباره دوستی آنها با خودش دچار تردید است . در ضمن مفسران اهل سنت به سوال شما آقای انصاری جواب داده اند که انفسانا – پیامبر وانفسکم – مولا علی است. عن ابی جعفر: و انفسنا و انفسکم قال: النبی و علی.(۲)

قال جابر: فدعا هما الی الملاعنه فواعده علی الغد، فغدا رسول الله واخذ بید علی علیه السلام و فاطمه والحسن والحسین ثم ارسل الیهما فابیا ان یجیباه واقراله فقال:

ص:۸۲

۱- ۱. صحیح بخاری ج۶ص۴۰۴ح۰۸۱، سنن الکبری ج۵ص۱۱۱،صحیح ترمذی ص۸۲۰و...
۲- ۲. تفسیر ابی حاتم ج۲ ص۶۶۸ ح۳۶۱۹، دلائل النبوه ابی نعیم اصفهانی ح۲۳۷، الشریعه (الاـجری)، جامع الفضائل اهل البیت، ح۱۴۶۳، شواهد التنزیل ج۱ ص۱۸۲ ح۱۹۴

والذی بعثنی بالحق لوفعلا لامطرء الوادی علیهما ناراً قال جابر: فیهم نزلت (تعالوا ندع ابناء نا) قال جابر: (انفسنا وانفسکم) رسول الله وعلی (وابنائنا) الحسن والحسین (ونسائنا) فاطمه ثم قال صحیح.(۱)

مولا علی علیه السلام می فرماید: فکانت نفسی نفس رسول الله.(۲)

در سایر آیات کریمه قرآن کریم باز اشاره شده که وجود مقدس مولا علی وپیامبر یکی است یعنی اشتراک خلقتی هم داشته اند غیر از اینکه مشترکات معنوی والهی هم که داشته اند رسول اکرم فرمود: «خلق الناس من اشجارشتی وخلقت انا وعلی من شجره واحده» مردم از درخت های مختلف آفریده شده اند ومن وعلی از یک ریشه ودرخت آفریده شده ایم یعنی من وعلی یکی هستیم «انا وعلی من شجره والناس من اشجارشتی – الناس من شجره شتی وانا وانت من شجره واحده»(۳) تفسیر آیه ۴ سوره رعد {وفی الارض قطع متجاورات وجنات من اعناب وزرع ونخیل} علی بن سلطان محمد قاری در کتاب مرقاه المفاتیح ج۵ص۵۶۴باب مناقب علی ابن ابی طالب فصل۱در توضیح حدیث منزلت می گوید: «فیه ایماء الی انه لو کان بعده نبیاً لکان علیاً» اگر قرار بود بعد از رسول اکرم پیامبری باشد امام علی بود یعنی همانند پیامبر است رسول اکرم به مولا علی فرمود: «اما ترضی ان تکون منی بمنزله هارون من موسی الا انه لا نبی بعدی ولو کان لکنته»(۴) ای علی اگر بنا بود بعد از من پیامبری بود تو بودی یعنی نفس پیامبر وعلی یکی است.

شهاب الدین احمد بن جلال الدین الا یجی در کتاب توضیح الدلائل علی تصحیح الفضائل ص۴۱۱ می گوید: مولا علی همانند پیامبر اسلام است در اتحاد واشتراکات نفسانی که نفس وروح علی قائم مقام نفس پیامبر اسلام است چنانچه خداوند در آیه مباهله علی را به منزله نفس آن حضرت قرار داده «ونظیره فی مماثله نفسیهما وان

۱- ۱. ذهبی، تاریخ اسلام ص۶۲۷، تفسیر ابن کثیر ج۱ ص۳۷۹، فتح القدیر ج۱ ص۳۴۸ و۵۷۴، اخرج الحاکم و صححه ج۲ ص۵۵، الدرر المنثور ج۲ ص۳۹

۲- ۲. خصال صدوق ص۵۷۶ ح۱

۳- ۳. المناقب ابن مغازلی ص۳۱۶، شواهد التنزیل ج۱ ص۲۸۹، الدرالمنثور ج۴ص۴۴، تاریخ دمشق ج۱ص۱۴۲، لسان میزان ابن حجر ج۶ص۲۴۳، کنزالعمال ج۶ ص۱۵۴

۴- ۴. بغیه الوعاه سیوطی ج۲ ص۴۱۴ ح۴۷

نفسه قـامت مقام نفسه وان الله تعالی اجری نفس علی مجری نفس النبی» پیامبر اسـلام ومولا علی در خلقت نوری و ملکوتی از یک نور واحد خلق شدند ۱۴هزار سال قبل از خلقت خلائق، همانطور که در خلقت واحد بودند در صـفات معنوی هم مساوی بودنـد به جزء نبوت خاصه «کنت انا وعلی بن ابی طالب نوراً بین یدی الله من قبل ان یخلق آدم با ربعه عشـر الف عام فلما خلق الله تعـالی آدم رکب ذلـک النـور فی صـلبه فلم یزل فی نـوراً واحـدا حـتی افترقنـا فی صـلب عبـدالمطلب ففی النبوه و فی علی الخلافه»(۱) «خلقت انا وعلی من نور واحد»(۲)

در روایت دیگر نبی اکرم فرمود: به درستی که علی از من ومن از او هستم او از طینت من خلق شده.(۳)

در حـدیثی رسول اکرم فرمود: «علی منی بمنزله راسـی من بدنی» علی بمنزله سـرازبدن برای من است انسان بی سـر همان مرده است پس بطور واضح اشاره به همان نفس وجان مولا علی دارد قرآن وروایات مسـتند که جان علی همانند نبی اکرم است.(۴) رسـول اکرم به مولاـ علی فرمود: «لانـک منی کنفسـی روحـک من روحی وطینتـک من طینـتی وان الله تبـارک وتعـالی خلقنی وخلقک من نوره واصـطفانی واصطفاک»(۵) تـو روح منی وطینت تو طینت من است من وتو از نوری آفریـده شـدیم – آقـای سلفی نفس در قرآن به معـانی متعـدد آمـده است (جنس، شـخص، قبیله) در قرآن سوره انعام آیه ۵۴وسوره آل عمران آیه ۳۰ خداوند از خودش تعبیر به نفس کرده آیا نفس بمعانی قبیله وبرادر وجنس است اینجا؟! خیر

جناب آقای انصاری سلفی فرمودی که منظور انفسکم وانفسنا درآیه مباهله برادر قبیله ای یا برادر دینی است در این موضع هم شما محکوم به مغلطه وشبهه سازی

ص:۸۴

۱- ۱. مناقب ابن مغازلی ص۸۸ ح ۱۳۰

۲- ۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج۹ ص ۱۷۱، الفردوس دیلمی ج۳ص ۲۸۳ ح ۴۸۵۱، مناقب ابن مردویه ص۲۸۵ ح۴۰۵، جواهر المطالب دمشقی ص ۶۱ باب ۱۰، تاریخ دمشق ج۴۲ص۶۷، ریاض النضره ج۲ص ۱۶۴، میزان الاعتدال ج۱ص ۲۳۵

۳- ۳. مجمع الزوائد ج۹ص۱۲۸، تاریخ بغداد ج۶ص۵۸، حلیه الاولیاء ج۱ص ۸۴

۴ - ۴. تاریـخ بغـداد ج۷ ص۱۲رقم۳۴۷۵، تاریـخ دمشق ج۴۲ص۳۴۴رقم۴۹۳۳،جـامع الصغیرسیوطی ج۲ص۱۷۷ح۵۵۹۶، کنزالعمال ج۱۱ص۶۰۳ح۳۲۹۱۴، سبهل الهدی والرشاد صالحی شامی ج۱۱ص۲۹۷

۵- ۵. ینابیع الموده قندوزی حنفی ج ۱ص۱۶۷ح۵باب۷

می باشی چرا؟ جواب را از لابلای احادیث متقن و معتبر آقایان علمای اهل سنت و جماعت عنایت فرما مولا علی فرمود: «انا عبدالله واخو رسول الله لایقولها بعدی الا کذاب – مکتوب علی باب الجنه محمد رسول الله علی اخو رسول الله قبل ان یخلق الله السموات والارض بالفی عام – قال رسول الله: انت اخی فی الدنیا والاخره- یا علی انت اخی بمنزله هارون من موسی انه لا نبی بعدی – انت اخی وانا اخوک فان ذاکرک احد فقل انا عبدالله واخو رسول الله لا یدعیها بعدک الا کذاب- والذی بعثنی بالحق نبیا ما اخترتک الا لنفسی وانت بمنزله هارون من موسی الا انه لا نبی بعدی وانت اخی ووارثی»(۱) پیامبر اسلام وقتی بین گروه مهاجر وانصارعقد اخوت بست بعد بین خودش ومولا علی عقد اخوت وبرادری دینی بست- آیا مهاجر وانصار انگشت پیامبر هم می شوند؟ مگر پیامبر بر تمام مخلوقات از جن وانس وملک افضل نیست پس کسی که برادر ویژه او در دنیا وآخرت است هم پایه وهم رتبه اوست که چنین افتخاری پیدا کرده وپیامبر فرمود هرکس هم ادعا بکند که غیراز تویا علی، برادر من هست او دروغگو است اما جواب شبهه دیگر شما که گفتی چون پیامبر از طایفه قریش بوده برادر قبیله ای آنان بوده بله از جهت اینکه در قبیله قریش بوده او را همانند برادرشان می شناختند اما برادر دینی آنها ابداً نبوده، برادر خونی آنها هم نبوده و پیامبر برگزیده خدا در میان آنان بوده وهیچ سنخیت وشباهتی باطنی وظاهری با آنان نداشته است.

پیامبر اکرم فرمود: «ان الله اصطفی کنانه من اسماعیل واصطفی قریشاً من کنانه واصطفی من قریش بنی هاشم واصطفانی من بنی هاشم»(۲) خداوند کنانه را از نسل اسماعیل برگزید و قریش را از کنانه و بنی هاشم را از قریش و مرا از بنی هاشم در اباء وامهات واجداد پیامبر مشرک وفاسق نبوده همگی مومن واقعی بوده اند وهمین طور نسل واجداد مولا علی که از یک ریشه است وبعرض هم رسید مولا علی ونبی اکرم خلقت نوری مشترک باهم داشته اند ودر صلب عبدالمطلب از هم جدا شدند.

---

۱ - ۱. صحیح ابن ماجه ص۱۲، مستدرک حاکم ج۳ص۱۱، تاریخ طبری ج۲ص۵۶، کنزالعمال ج۶ص۳۹۴، اسدالغابه ج۴ص۱۸، ریاض النضره ج۲ص۱۶۵،مناقب ابن مغازلی ص۹۱، ذخائر العقبی ص۶۶، صحیح ترمذی ج۲۹۹ مسند احمد ص۴۵، مناقب احمد ج۲ص۱۶۸، معجم االکبیر ج۵ص ۲۲۱ح۵۱۶۴، درالمنثور ج۴ص۶۶۹،الثقات ابن حبان ج۱ص۱۴۱، تاریخ دمشق ج۲۱ص۴۱۵

۲- ۲. صحیح مسلم ج۷ص۵۸، سنن ترمذی ج۵ص۲۴۵

در ذیل تفسیر آیه ۲۱۹ سوره شعراء: {وتقلبک فی الساجدین} ابن عباس در تفسیر آیه مذکور فرمود: «تقلبه من اصلاب الموحدین نبی الی نبی حتی اخرجه من صلب ابیه من نکاح غیر سفاح من لدن آدم» می گردانید پیغمبر را از پشت وکمرهای اهل توحید از پشت آدم بر پشت پیغمبری بعد از پیغمبری تا آنکه بیرون آورد او را از صلب پدر او از نکاح نه به زنا – مولا علی علیه السلام فرمود: ماییم اهل بیت رسول الله که احدی را نتوان قیاس به ما نمود «نحن اهل البیت لا یقاس بنا احد»(۱) قال علی علیه السلام : «نحن شجره النبوه ومحط الرساله ومختلف الملائکه ومعادن العلم وینابیع الحکم»(۲) «ونحن الاعلون نسباً والاشدون برسول الله نوطاً» پس ثابت شد نفس وروح انبیاء وائمه هدی قابل قیاس با نفوس افراد عادی بشر نیست نفوسی قدسی است که خداوند آنها را انتخاب واختیار کرده و برگزیده جهت هدایت بشر- {واصطنعتک لنفسی}(۳) اگر در آیه ۶۱سوره آل عمران به مشرکان مسیحی خداوند می گوید با نفوستان بیائید جهت نفرین بخاطر این است که می خواهد بگوید اگر واقعاً خودتان را محق می دانید ودارای چنین نفسی وروحی هستید قدم جلو بگذارید در حقیقت تابلو تهدید نشان آنها می دهد وآنها را به گود مبارزه جهت ادعای خودشان می طلبد مثل اینکه خداوند در قرآن می فرماید ای جن وانس اگر راست می گوئید یک آیه همانند قرآن بیاورید مگر خداوند نمی داند که کل جن وانس نمی توانند یک آیه همانند قرآن بیاورند وحی بر آنها نازل نمی شود می خواهد موضع باطل بودن آنها را وحق بودن قرآن را نشان دهد جریان انفسنا وانفسکم هم همانند این مثال مذکور است.

خداوند در قرآن سوره مبارکه توبه آیه ۱۲۰ می فرماید: {ولا یرغبوا بانفسهم عن نفسه} سزاوار نیست که اهل مدینه و بادیه نشینانی که اطراف آن هستند از رسول خدا تخلف جویند و برای حفظ جان خویش از جان او چشم بپوشند، پس ای انصاری

۱- ۱. کنزالعمال هندی ج۱۲ص۱۰۴، فردوس دیلمی ج۴ص۲۸۳، ذخائر العقبی ص۱۷، کنوزالحقائق ج۲ص۲۳۲

۲- ۲. نهج البلاغه خطبه ۱۰۹ش۸، خطبه ۹۴ش۳، صفات النبی واهل بیته...عتره خیرالعتر واسرته خیر الاسر وشجرته خیرالشجر- خطبه ۱۶۲ش۱

۳- ۳. سوره طه۴۱

سلفی جان پیامبر و نفس رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با نفوس ناس و مردم برابر نیست که آیه ۱۲۸ سوره توبه را در رد آیه مباهله که در فضیلت مولا علی است می آوری. اگر انصاری بگوید علی ابن ابیطالب که به قول شما نفس پیامبر یعنی همانند پیامبر و برادر پیامبر است، چگونه پیامبر اسلام دخترش فاطمه را به برادرش داده است، جواب این است که مولا علی برادر ایمانی و معنوی پیامبر است.

قرآن در سوره حجرات آیه ۱۰ می فرماید: {ان المومنون اخوه}، مومنان برادر یکدیگرند. در صحیح بخاری ج۴ ص۲۲۷ ح۳۶۵۶ باب قول النبی لو کنت متخذاً خلیلا، از پیامبر اکرم نقل شده که فرمود: ابوبکر برادر من می باشد، اگر ابوبکر برادر پیامبر است چگونه دخترش عایشه به پیامبر که برادرش است تزویج کرده است؟! لو کنت متخذاً من امته خلیلاً لاتخذت ابابکر، ولکن اخی و صاحبی- ولکن اخوه الاسلام و موده. حدیث ۳۶۵۴.

بخاری در صحیح ج۶ ص۳۵ ح۵۰۸۱ باب ۱۱، باب تزویج الصغار من الکبار از عروه روایت کرده است که گفت: همانا پیامبر اکرم عایشه را از ابوبکر خواستگاری کرد، ابوبکر به او گفت من برادر تو می باشم، پیامبر به ابوبکر گفت: تو در دین خدا و کتاب او برادر من می باشی و او (عایشه) بر من حلال است- فقال له ابوبکر: انما انا اخوک فقال: انت اخی فی دین الله و کتابه و هی لی حلال.

پیامبر به ام ایمن فرمود: برادرم علی را بخوان، گفتم علی برادرت هست و دخترت به او دادی؟ فرمود: بله... او را به محبوبترین اهل بیتم نکاح کردم. یا ام ایمن ادعی لی اخی فقالت: هو اخوک و تنکحه... قال: نعم... فقد انکحتک احب اهل بیتی الی...(۱)

منظور آیه ۱۲۸ سوره توبه: یعنی رسولی از جنس خودتان و هم زبان خودتان برایتان فرستاد و امام صادق علیه السلام فرمود: یعنی رسولی که به ولادت جاهلیت به دنیا نیامده و در کلام مغیره آمده: خداوند رسولی از ما مبعوث کرد که از ماست، می شناسیم نسب و صفت او را. رسولاً من انفسهم ای من جنسهم و علی لغتهم کما قال ابراهیم: ربنا و ابعث فیهم رسولا منهم لقد من الله علی المومنین اذ بعث فینا رسولا منا، نعرف نسبه و صفته لقد جاءکم رسول من انفسکم قال: لم یصبه شیء

۱- ۱. مستدرک حاکم ج۳ ص۱۷۳ ح۴۷۵۲

من ولاده الجاهليه.(۱)

طبری می گوید: رسولا من انفسهم یعنی پیامبری از اهل زبان خودشان. نبیاً من اهل لسانهم.(۲)

۱- ۱. تفسیر ابن کثیر مساله الجزء الرابع

۲- ۲. مساله الجزء السابع ص۳۶۹، تفسیر القرآن ذیل آیه ۱۶۴ آل عمران.

فصل سوم:پاسخ به دروغ و مغلطه

ص:۸۹

بسم الله الرحمن الرحیم

پاسخ به دروغ و مغلطه محمد انصاری مدیر شبکه وصال نا حق

آیه ۵۷ سوره مبارکه زخرف درباره فضیلت مولا علی علیه السلام نیست درباره تشبیه اوست به حضرت عیسی علیه السلام و شبیه بودن مثل و هم رتبه او بودن نیست؟!!

مداح ابن مالک پاسخ می دهد:

و لما ضرب ابن مریم مثلا اذا قومک منه یصدون

و هنگامی که درباره فرزند مریم مثلی زده شد ناگهان قوم تو بخاطر آن داد و فریاد به راه انداختند .

اولاً مولی علی علیه السلام فرمود: این آیه درباره من نازل شده

عن عبد الرحمان بن ابی نعیم قال: قال لی علی: فی نزلت (و لما ضرب ابن مریم مثلًا)

در تفسیر این آیه دارد که مولا علی گفت: روزی در محضر پیامبر اکرم آمدم و او را نزد جمعیت انبوهی از قریش دیدم پس به من نگاه کرد و گفت: یا علی مثل تو در این امت مثل عیسی ابن مریم است گروهی او را دوست داشتند و زیاده روی کردند در محبت و گروهی با او دشمنی کردند. جمعیتی که در نزد پیامبر اسلام بودند خندیدند و گفتند: نگاه کنید که چگونه پسر عموی خودش را به عیسی مثال زد و شبیه کرد وحی نازل شد و آیه مذکور بر پیامبر فرستاده شد:

یا علی انما مثلک فی هذه الامه کمثل عیسی بن مریم احبه قوم فافرطوافیه و ابغضه قوم فافرطوافیه ... قال فضحک الملا الذین عنده ثم قالوا: انظروا کیف شبه ابن عمه بعیسی بن مریم قال: فنزل الوحی ...

سلمان فارسی می گوید: روزی نبی اکرم با اصحاب خودش نشسته بودند در این

وقت فرمودند الان شخصی بر شما وارد می شود که مانند حضرت عیسی می باشد و نظر ها درباره او به ۳ فرقه می باشد اهل افراط (غلو کنندگان)- اهل تفریط (دشمنان) و اهل اعتدال (شیعیان)- ناگهان دیدند مولا علی وارد مسجد شد، صحابه منافق ناراحت شدند و گفتند محمد صلی الله علیه و آله راضی نشد از برتری علی بر ما تا آن که او را مشابه و همانند عیسی ابن مریم گردانید به خدا قسم بت های ما که در جاهلیت می پرستیدیم بهتر از علی است که بعد از آن آیات فوق نازل شد. منابع زیادی از اهل سنت این قضیه و شان نزول را درباره مولا علی علیه السلام نقل کرده اند.(۱)

آقای انصاری سلفی در تشبیه و مشابه به، باید مشابهات و اشتراکاتی باشد که خداوند و رسول به آن تأکید فرموده اند که علی بن ابی طالب علیه السلام شباهت دارد به عیسی و حقیر از همین سوره زخرف هم برای شما ثابت می کنم که حضرت مولا علیه السلام از حضرت عیسی و تمام پیامبران غیر از رسول اسلام افضل تر و بالاتر می باشد.

یا علی مثلک فی امتی مثل المسیح عیسی بن مریم افترق قومه ثلاث فرق: فرقه مؤمنون و هم الحواریون و فرق عادوه و هم الیهود و فرقه غلوا فیه فخرجوا عن الایمان.(۲)

در منابع زیادی از کتب حدیثی تاریخی و تفسیری اهل سنت آمده است در وجود مولا علی علیه السلام صفات ممتاز تمام انبیاء جمع شده خصوصاً صفات و خصایص عالیه حضرت عیسی بن مریم علیه السلام .(۳) ذکر الاحادیث و الاخبار الوراده فی فضائل علی علیه السلام من اراد ان ینظر الی ...

والی عیسی فی زهده فلینظر الی علی ابن ابی طالب و من اراد ان عیسی فی صفوته فلینظر الی علی بن ابی طالب.(۴)

ص:۹۱

۱- ۱. مستدرک حاکم ج ۳ ص ۴۱۹ – مجمع الزوائد ج ۹ ص ۱۳۳ – تاریخ دمشق ابن عساکر ح ۷۴۷ ج ۲ ص ۲۳۴- ابن الاعرابی در معجم الشیوخ ج ۲ ص ۱۹ و ص ۱۵۲ – ابویعلی موصلی در ح ۲۷۴ از مسند علی علیه السلام به شماره ۵۳۴ – در مسند خودج ۱ ص ۳۷، ج ۱ ص ۴۰۶ – کنزالعمال متقی هندی ج ۱۵ ص ۱۱۰ باب فضائل علی شماره ۳۱۴ – تاریخ کبیر بخاری ج ۳ ص ۲۸۱ – خصائص امیر المومنین شعیب نسائی به شماره ۱۰۳ ح ۱۳۷۶ – مسند احمد حنبل ج ۱ ص ۱۶۰ – خوارزمی در ح ۳۲ فصل ۱۹ ص ۲۲۰ – کتاب مناقب – شواهد التنزیل حاکم حسکانی حنفی ص ۲۹۶ ح ۸۵۹

۲- ۲. مناقب اخطب خوارزمی حنفی ح ۳۱۸ ص ۴۶۴

۳- ۳. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۹ ص ۱۶۸ خطبه ۱۵۴

۴- ۴. تفسیر کبیر فخر رازی ج ۸ ص ۸۱ سوره آل عمران آیه ۶۱ مسئله الخامسه

من ارد ان ینظر الی عیسی فی عبادته فلینظر الی ابن ابی طالب(۱)

من اراد ان ینظر الی عیسی فی ورعه فلینظر الی علی ابن ابی طالب(۲)

شعرانی در لیواقت و الجواهر ج ۲ ص ۱۸ مبحث ۳۲ می گوید: حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام اسرار جمیع پیامبران و با خصائص آن ها را داشت

قال الشیخ محی الدین و کان اقرب الناس الیه فی ذلک الهباء علی ابن ابی طالب رضی الله تعالی عنه الجامع الاسرار الانبیاء اجمعین)

گنجی شافعی در کفایه الطالب ص ۱۲۲ باب ۲۳ می گوید: این تشبیهات می رساند که علی علیه السلام متخلق با اخلاق پیامبران و متصف به صفات اصفیاء بوده:

فکان متخلقاً باخلاق الانبیاء متصفاً بصفات الاصفیاء.

محمد بن طلحه شافعی در مطالب السوول ص ۹۷ باب ۱ فصل ۶ می گوید: بلند می کند این اوصاف حمیده علی علی السلام را به منتها درجه رفعت و علوشان، زیرا که پیغمبر تشبیه کرده است آن حضرت را به پیامبران از حیث صفات.

و تعلوا هذه الصفات الی اوجی العلی حیث شبهها بهولاء الانبیاء المرسلین من الصفات المذکوره

اما برتری مولا علی علیه السلام بر تمام انبیاء به غیر از رسول اکرم در سوره زخرف در آیه ۴۵ این سوره خداوند می فرماید:

و سئل من ارسلنا من قبلک من رسلنا = ای پیامبر سؤال کن از پیامبران گذشته

ابن عباس و ابن مسعود از نبی اسلام روایت کرده اند که فرمود: چون شب معراج مرا به آسمان بردند و پیامبران را جمع کردند ومن با ایشان نشستم فرشته ای آمد و گفت که حضرت عزت می فرماید که از این پیامبران بپرس که ایشان را به چه چیز فرستاده اند؟ رسول به آنها خطاب کرد: علی ما بعثتم: شما بر چه چیز مبعوث شدید؟ گفتند: علی ولایتک و ولایه علی بن ابی طالب: ما را بهسبب ولایت تو و علی ابن ابی طالب فرستادند.

آقای سلفی وقتی که تمام پیامبران مأمورند از طرف خدا برای معرفی و تبلیغ از رسول اسلام و شاه ولایت علی مرتضی علیه السلام چگونه حضرت عیسی و پیامبران بر او برتری

ص:۹۲

۱- ۱. شرح المواقف ج ۲ ص ۳۶۹ مرصد ۴ مقصد ۵ تفتازانی در شرح المقاصد ج ۵ ص ۲۹۶ مقصد ۶ فصل ۴ مبحث۶

۲- ۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۷ ص ۲۲۰ خطبه ۱۰۸- لسان المیزان ابن حجر ج ۶ ص ۶۹۳ رقم ۸۳۹۷

دارند. (۱)

از جمله آیه دیگر در سوره زخرف که برتری مولا ـ علی بر عیسی علیه السلام و سایر انبیاء را به وضوح نشان می دهد آیه ۶۱ سوره زخرف است {و انه لعلم للساعه }و آیه ۱۵۹ سوره نساء و ان من اهل الکتاب الا لیؤمنن به قبل موته است .

چنانچه مفسرین هم تفسیر کرده اند نزول عیسی از آسمان به زمین از علائم قیامت و شرط ساعت است و پس از ظهورش عیسی پشت سر حضرت مهدی نماز می خواند.

ابن حجر در صواعق المرقه ص۹۹ می نویسد: احادیث نماز خواندن عیسی پشت سر حضرت مهدی متواتر است

سیوطی در الحاوی للفتاوی ج ۲ ص۱۶۷ می نویسد: موضوع اقتدای عیسی به مهدی از موضوعات ثابت است

و این مطلب در صحیح مسلم ج ۱ ص۹۴- مسند احمد ج ۱ ص ۹۵ – فتح الباری ج ۶ ص ۳۵۸ و ...آمده:

کیف انتم اذا نزل فیکم ابن مریم و امامکم منکم

علامه سمهودی در جواهر العقدین ص ۲۶۲ می نویسد:

لان نزول عیسی بن مریم لقتل الدجال یکون فی زمانه و یصلی خلف المهدی کما جاءت به الاحادیث

مرحوم علامه محمد باقر مجلسی در حیات القلوب ج ۱ ص ۵۴۹ الی ص ۵۵۰ فصل ۶ می نویسد : به سند معتبر از امام حسن مجتبی روایت شده است که بعد از این هیچ یک از ما اهل بیت نخواهد بود مگر قائم که امام دوازدهم است و عیسی روح الله پشت سر او نماز می خواند ؛ در حدیث معتبر دیگر نبی اسلام فرمود : مهدی از فرزندان من خواهد بود و چون خروج کند عیسی از آسمان نازل شود برای نصرت او ؛ وی را پیش دارد و در عقب او نماز بخواند . امام باقر در حدیث معتبر دیگر فرمود : و اگر ما بهتر و برتر از پیامبران نبودیم ؛ عیسی پشت سر ما ؛ نماز نمی خواند ؛ - کمال

ص:۹۳

۱- ۱. تفسیر ثعلبی ج۴ ص ۳۳۵ - مناقب خوارزمی ح ۳۵ فصل ۱۹ ص ۲۲۱ – خصائص الوحی المبین ابن طریق ح ۱۱۶ فصل ۱۱ ص ۹۸ – شرح المختار ۴۳ از نهج البلاغه ج ۱ ص ۵۷۰ – الکشف و البین عن تفسیر القرآن ج ۸ ص ۳۳۸

الدین صدوق ج ۱ ص ۲۸۴ – و من یصلی خلفه عیسی بن مریم القائم ؛ مجمع البیان ج ۳ ص ۲۱۱ – ان عیسی بن مریم ینزل قبل یوم القیامه الی الدنیا و لایبقی اهل مله یهودی او نصرانی او غیره الا و آمن به قبل موت عیسی و یصلی خلف المهدی ؛ اعلام الوردی ج ۲ ص ۲۳۰ الا القائم الذی یصلی روح الله عیسی بن مریم خلفه – امالی صدوق ج ۱ ص ۲۸۷ و من ذریتی مهدی ؛ المهدی اذا خرج نزل عیسی بن مریم لنصرته فیقدمه و یصلی خلفه ؛ فضائل الخمسه فیروز آبادی ج ۳ ص ۴۰۱ ؛ اعیان الشیعه ج ۲ ص ۵۱ و ص ۵۳ ؛ منتخب الاثر ج ۲ ص ۳۵۷ کشف الغمه ج ۳ ص ۲۸۰ ؛ النجم الثاقب ج ۲ ص ۳۵۰ ؛ بحارالانوار ج ۱۴ ص ۳۵۰ ؛ زبده التفاسیر ج ۲ ص ۱۹۱ ؛ نهایه الارب نویری ج ۱۴ ص ۲۷۴ ؛ احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۹۸ ؛ عقد الدرر ص۲۹۲ مهدی موعود ؛ شهید آیت الله سید عبدالحسین دستغیب شیرازی ص ۹۲ و ص ۳۰ ؛ احادیث المهدی من مسند احمد حنبل ج ۱ ص ۱۱۷ – ان عیسی یصلی خلفنا و هو نبی الا و نحن افضل منه - - بحارالانوار ج ۲۴ ص ۳۲۹ ؛ یوم الخلاص ص ۳۴۶ – فیقدمه عیسی و یصلی خلفه ؛ المصنف ابن ابی شیبه کوفی (استاد اسماعیل بخاری) ج ۷ ص ۵۱۳ ح ۳۷۶۴۹ محقق کمال یوسف الحوت چاپ ۱۴۰۹ چاپ مکتبه الرشد الریاض ؛ الفتن ابن حماد ج ۱ ص ۳۷۳ ؛ سنن ابن ماجه قزوینی ج ۲ ص ۱۳۶۱ ح ۴۰۷۷ ؛ صحیح الجامع الصغیر و زیادته ؛ ناصر الدین آلبانی وهابی ج ۲ ص ۱۰۲۹ ح ۵۹۲۰ و ج ۲ ص ۸۴۱ – المهدی من هذه الامه و هو الذی یصلی یوم عیسی بن مریم – منا الذی یصلی عیسی بن مریم خلفه – ارشاد الساری ج ۵ ص ۴۱۹ قسطلانی , الحاوی للفتاوی ج ۲ ص ۷۷ و ص ۷۸ ؛ فرائد السمطین جوینی ج ۲ ص ۱۵۴ و ص ۳۱۲ – ان خلفائی و اوصیائی و حجج الله علی الخلق بعدی لاثنی عشری اولهم اخی و آخرهم ولدی ... قیل من ولدک ؟ قال : المهدی ... حتی یخرج فیه ولدی المهدی ؛ فینزل روح الله عیسی بن مریم فیصلی خلفه – ابن حجر می نویسد: تواترت احادیث می رساند که مهدی از این امت است و عیسی در پشت سر او نماز می خواند و نماز خواندن عیسی پشت سر ؛ حضرت مهدی در آخر الزمان دلالت صحیح دارد از اقوال احادیث که زمین از حجت الهی خالی نیست – فتح الباری ج ۶ ص ۴۹۴

عمده القاری ج ۱۶ ص ۴۰ ؛ تهذیب التهذیب ج ۹ ص ۱۲۹ – تواترت الاخبار المهدی من هذه الامه و ان عیسی یصلی خلفه و فی صلاه عیسی خلف رجل من هذه الامه مع کونه فی آخرالزمان دلاله للصحیح من الاقوال ان الارض لا تخلوا عن قائم لله بحجه – جلال الدین سیوطی در الحاوی للفتاوی ج ۲ ص ۲۰۲ می نویسد : خواندن نماز عیسی پشت سر حضرت مهدی ؛ ثابت است در احادیث صحیح نبی اکرم – فان صلاه عیسی خلف المهدی ثابته فی عده احادیث صحیحه باخبار الرسول ؛ بر بهاری حنبلی در شرح الحسنه ج ۱ ص ۲۷ می نویسد : عیسی از آسمان به زمین نازل می شود و پشت سر قائم آل محمد نماز می خواند – و یصلی خلف القائم من آل محمد – عیون الاخبار الرضا ج ۱ ص ۲۱۸ صدوق – اذا خرج المهدی من ولدی نزل عیسی بن مریم فصلی خلفه – بخاری و مسلم بطور سانسور شده نقل کرده اند که نبی اکرم فرمود : در چه حالی هستید که بر شما فرزند مریم (عیسی) نازل شود و امام شما از خود شما باشد – کیف انتم اذا نزل ابن مریم و امامکم منکم – صحیح البخاری ج ۴ ص ۱۶۸ ح ۳۴۴۹ باب نزول عیسی بن مریم ؛ صحیح مسلم ج ۱ ص ۱۳۷ ح ۲۴۶ و ۲۴۷ باب بیان الزمن الذی لایقبل فیه الایمان ؛ جامع الاصول ج ۱۰ ص ۳۲۷ ؛ تفسیر قرطبی ج ۴ ص ۱۰۱ ؛ الجمع بین الصحیحین ج ۳ ص ۱۰ ؛ جامع الصغیر ج ۲ ص ۳۱۵ ؛ مسند احمد حنبل ج ۱۳ ص ۱۰۸ ح ۷۶۸۰ اسناده صحیح ؛ شرح صحیح بخاری الکوکب الدراری ؛ کرمانی ج ۱۴ ص ۸۸ ح ۳۲۲۸ صواعق المحرقه ابن حجر مکی ج ۲ ص ۴۴۶ – و ذلک عند نزول المهدی لمایاتی فی احادیثه ان عیسی یصلی خلفه – اسعاف راغبین ص ۱۳۳ و ص ۱۳۴ و ص ۱۳۸ ؛ ینابیع الموده ج ۶ ص ۲۰۸ ؛ السنن الوارده فی الفتن للدانی ج ۵ ص ۱۰۸۹ ؛ عقد الدرر فی اخبار المنتظر ج ۱ ص ۳۳۹ و ۳۳۲ – و اخرج الطبرانی مرفوعاً : یلتف المهدی و قد نزل عیسی کانما یقطرمن شعر الماء فیقول المهدی : تقدم فصل بالناس فیقول عیسی : انما اقیمت الصلاه لک فیصلی خلف رجل من ولدی – و فی صحیح ابن حبان فی امامه المهدی نحوه – و صح مرفوعاً ینزل عیسی بن مریم فیقول امیرهم المهدی : تعال صل بنا فیقول : لا انما بعضکم ائمه علی بعض تکرمه من الله لهذه الامه – الفتادی الحدیثیه ابن حجر ج ۱ ص ۲۹ – ینزل عیسی بن مریم عند طلوع الفجر

ص:۹۵

ببیت المقدس ینزل علی المهدی – و جلهم ببیت المقدس و امامهم المهدی رجل صالح ... – فیضع عیسی یده بین کتفیه فیقول له تقدم فصل فانها لک اقیمت فیصلی بهم امامهم ؛ ملاعلی قاری در مرقاه المفاتیح ج ۸ ص ۳۴۹۵ می نویسد : منظور از امامکم منکم یعنی مهدی – امامکم منکم ظاهر فی ان المهدی هو الامام فینزل عیسی بن مریم فیقول امیرهم : ای المهدی – اذا نزل ابن مریم و فیکم و امامکم منکم : ای من اهل دینکم و قیل من قریش و هو المهدی – ح ۵۵۰۶ و ح ۵۵۰۷ – عقیده اهل السنه و الاثر فی المهدی المنتظر ج ۱ ص ۱۳۴ و ص ۱۳۳ ؛ – فاذا کان یوم الجمعه من صلاه الغراه و قدا قیمت الصلاه فالتفت المهدی فاذا هو بعیسی بن مریم قد نزل من السماء فی ثوبین کانما یقطر من راسه ... فیقول له الامام : تقدم فصل بالناس فیقول له عیسی : انما اقیمت الصلاه لک فیصلی عیسی خلفه (عقد الدرر ج ۱ ص ۳۳۲) المنار المنیف فی الصحیح و الضعیف ص ۱۴۷ ابن قیم – قال رسول الله : ینزل عیسی بن مریم فیقول امیرهم المهدی : تعال صل بنا فیقول : لا ان بعضهم امیربعض تکرمه الله هذه الامه : و هذا اسناده جید – القول المختصر فی علامات المهدی ص ۷۱ ابن حجر.

عیسی بن مریم، پیامبر اوالعزم و صاحب کتاب، کلمه الله، روح الله و صاحب معجزات است وقتی او اقتدا به مهدی موعود می کند معنایش آن است که او، امام و پیشوا و مقدم و افضل بر حضرت مهدی نیست و حضرت مهدی امام است و از نسل امام حسین فرزند مولا علی علیه السلام است وقتی حضرت عیسی بر فرزند مکرم مولا علی علیه السلام مفضول و ماموم می باشد چگونه بر امیرمؤمنان، نفس پیامبر و خیر البشر علی علیه السلام افضلیت و ارجعیت می تواند داشته باشد اگر بگویی منظور امامکم منکم امام از طرف شما مسلمانان است چه مسلمانی می تواند از پیامبر اوالعزم خداوند برتری پیدا کند.

در روایت دارد حضرت عیسی بر آب راه می رفت اگر ایمانش قوی تر بود بر آسمان هم راه می رفت .

اما برتری متعدد مولا علی بر حضرت عیسی از خلال آیات و روایات و دلائل نقلی و تاریخی

اول : خلقت عیسی بوسیله دمیدن روح القدس بود که ایشان بدون پدر به قدرت

کامله الهی از حضرت مریم بدنیا آمدند ولی مولا علی ؛ خلقتش از نور الهی بود و قبل از خلقت عالم و آدم و عیسی خداوند را تقدیس و عبادت می کرد که خلقت نوری مولا علی را شیعه و سنی با اسناد مختلف نقل کرده اند که روایات صحیح در بین آن موجود می باشد — بحارالانوار ج ۳۵ ص ۲۹ ح ۲۵

دوم : مولا علی به امر خداوند در خانه کعبه بدنیا آمد ولی عیسی را نگذاشتند در بیت المقدس بدنیا بیاید و خداوند به مادر عیسی امر فرمود از بیت المقدس خارج شود؛ سوم : وقتی حضرت عیسی در رحم مادر قرار گرفت ؛ خداوند ، تورات و انجیل را به او تعلیم داد و در شکم مادر خواند بطوری که مادرش صدای او را شنید ولی مولا علی بالاتر از آن را انجام داد. بحار الانوار ج ۳۵ ص ۱۱ ؛

چهارم : عیسی وقتی به دنیا آمد در دستان مادرش حضرت مریم بود و برای مبراء ساختن تهمت بنی اسرائیل به مادر مطهرش به قدرت خداوند به سخن آمد و گفت به مادرم تهمت نزنید من بنده خدا هستم و خداوند به من کتاب آسمانی داده است.

پنجم : حضرت عیسی با اجازه و اذن خدا در گهواره گفت ؛ خداوند درباره نماز و زکات به من سفارش کرده ولی خداوند درباره شان والای بی نظیر او (امام علی) آیه ۵۵ سوره مائده (آیه ولایت) را نازل کرد ؛ که ولی و سرپرست شما در دین و دنیا و آخرت ؛ خداوند و رسول اسلام و علی و ۱۱ فرزند او هستند و مولاـ علی نماز و زکات را با هم جمع کرد و آیه بی نظیر ولایت در شأن و جلالت او از سوی حق ذوالجلال نازل شد .

ششم : عیسی بن مریم علیه السلام خودش سلام خدا بر خودش خواند ؛ سلام خدا بر من روزی که دنیا آمدم و روزی که می میرم و روزی که زنده می شوم ؛ درود و سلام خداوند بر مولا علی بالاتر و افضل تر است چرا که عیسی خود بر خود ؛ درود و صلوات می فرستد اما خداوند رحمان بر مولا علی درود و صلوات می فرستد و می فرماید سلام بر آل یاسین ؛ یاسین نام مبارك رسول اسلام و آل یاسین ؛ مولا علی و خانواده اش می باشد .

هفتم : خداوند ؛ حدود ۳۰ سال به حضرت عیسی وحی نازل کرد و چون یهودیان قصد کشتن او را داشتند ؛ خداوند بوسیله روح القدس او را به آسمان برد و از شهادت

و کشته شدن نجات داد اما مولا علی ؛ امامتش ۳۰ سال بطول انجامید و در سن ۶۳ سالگی بدست شقی ترین فرد در مسجد کوفه به شهادت رسید و این شهادت امتیاز بسیار بزرگی است که عیسی این امتیاز را به دست نیاورد .

هشتم : برای عیسی یکبار مائده و خوراک بهشتی از آسمان نازل شد .

برای مولا علی و خانواده او ؛ بارها ؛ سفره غذا و طبق میوه از آسمان نازل شد ؛

نهم : خداوند به حضرت عیسی علم ؛ تورات و انجیل عنایت کرد ولی به مولا علی ؛ علم تمام کتب آسمانی تفضل کرد ؛

دهم : حضرت عیسی به اجازه خداوند ؛ مرده را زنده می کرد و بیماران جسمی را ؛ شفاء می داد ولی مولا علی بالاتر از شفای جسمی ؛ بیمار دلان را شفاء می داد ؛ عیسی مردگان را زنده می کرد ولی مولا علی هم آنان را زنده می کرد و به دین اسلام دعوت می نمود و باعث رسوایی دشمنان می شد که در داستان تکلم او با اصحاب کهف و امثالهم در روایات اشاره شده ؛

یازدهم : عیسی فقط بشارت دهنده و مژده دهنده به آمدن نبی اسلام بود ولی مولا علی ؛ یاری کننده و وصی و جانشین ؛ داماد و پسر عمو و برادر آن حضرت بود ؛

دوازدهم : عیسی برای حفظ جان خود از بنی اسرائیل از شهری به شهری از روی ترس جان و حفظ جان ؛ متواری بود و زمانی که می خواستند او را به قتل برسانند فرار کرد و جبرئیل او را بسوی آسمان عروج داد ؛ ولی مولا علی با اخلاص کامل بدون هیچ چشم داشتی و پاداشی از خدا و رسول ؛ نفس و جان خود را طبق اخلاص هدیه کرد به نبی اسلام در شب هجرت تا ایشان با خیال آسوده هجرت بکنند و آیه لیله المبیت در شأن ایشان نازل شد ... برای اطلاع بیشتر به کتاب برترین پیامبر و بهترین امت نوشته دانشمند محترم استاد شیخ نعمت الله صالحی حاجی آبادی ص ۳۲۸ الی ص ۳۵۲ چاپ انتشارات گل های بهشت تاریخ نشر ۱۳۸۹ رجوع فرمائید .

از عایشه نقل شده که گفت از نبی اسلام شنیدم : که می فرمود : ای مردم بدترین خلق خدا ؛ بهترین خلق خدا و بهترین خلیفه و آن کسی که نزدیک ترین فرد به خدا و پیامبر است را به قتل می رساند — بحار ج ۳۸ باب ۵۶ ص ۹ ؛ ابوبکر خلیفه اول می گوید : علی علیه السلام ؛ همانند نبی اکرم ؛ مردم به او محتاج هستند

و همین برای او فضیلت و کمال است و بر مردم واجب است از او اطاعت نمایند ... آرزوکنندگان آرزو می کنند ای کاش خاک پای پسر ابی طالب بودند زیرا ؛ او در قیامت صاحب پرچم حمد محمد صلی الله علیه و آله و سلم و صاحب و ساقی حوض کوثر است ؛ او واسطه بین مومنین در پیشگاه خدا و رسولش است – بحارالانوار ج ۲۹ ص ۴۹ الی ص ۵۰ ؛ خلیفه دوم عمر ابن الخطاب می گوید : علی پسر ابوطالب ؛ خداوند به او ؛ ۱۲ فضیلت داده که به احدی از خلائق و جهانیان نداده اول : تولد در کعبه دوم : ازدواج آسمانی با فاطمه سوم : تنها همسر فاطمه چهارم : حسن و حسین دو سرور جوانان اهل بهشت از فرزندان او ؛ پنجم : مولای بعد از نبی در غدیر خم معرفی شد ؛ ششم : نسبت علی به پیامبر بمنزله هارون نسبت به موسی ؛ هفتم : بسته شدن درب تمام صحابه به مسجد مگر درب خانه علی ؛ هشتم : نبی اکرم فرمود : اگر کسی به مدت ۹۵۰ سال تبلیغ نوح ؛ عبادت کند ولی ولایت علی را نپذیرد اعمالش باطل و جهنمی است ؛ نهم : ستاره ها در خانه او فرود می آمدند ؛ دهم : دو مرتبه خورشید برای خاطر او برگشت یازدهم : علی با مرده ها و حیوانات صحبت می کرد ۱۲: علی می تواند ۵۰ هزار نفر مانند عمر را با دست چپ خود بدون اینکه احتیاج به دست راستش داشته باشد بکشد – مواعظ العددیه باب ۱۲ فصل ۳ ص ۲۵۸ ؛ اما فضائل بی نظیر مولا علی از گفتار مقدس حضرت احدیت خداوند تبارک و تعالی ؛ خداوند راجع به سخت گیری خود می فرماید : همانا براستی انتقام گرفتن و عذاب پروردگار بسیار سخت است – (برو ج – ۱۲) و درباره پیامبرش می فرماید : و کسانی که به او ایمان آورده اند و دوستی و عشق آنان به خدا از مشرکان نسبت به بت هایشان شدیدتر است (بقره ۱۶۵) خداوند راجع به رحمت و مهربانی خود می فرماید : بنام نامی آن خدایی که رحمان و رحیم (اول هر سوره) و درباره نبی اسلام می فرماید : ما تو را نفرستادیم مگر اینکه رحمت برای عالمیان باشی ؛ نور ۱۰ ، ۱۴ و ۲۰ و ۲۱ تفسیر فرات کوفی ص ۲۰۰ ؛ در المنشورج ۳ ص ۳۰۸ خداوند راجع به عزت و بزرگواری خود می فرماید : این قرآن از سوی خداوند عزیز و مقتدر می باشد – زمر آیه ۱ ؛ جاثیه (۲) ؛ احقاف (۲) – و درباره نبی اسلام می فرماید : بسوی شما آمد پیامبری که عزیز و بزرگوار است – توبه ۱۲۷ ؛ خداوند راجع به عظمت خود

می فرمایـد : پروردگار آن خدای با عظمت – بقره ۲۵۵ و درباره نبی اسـلام می فرماید : ای پیامبر به درستی که خلق تو عظیم است و دربـاره مولاـ علی می فرمایـد : آن هـا از خـبر بزرگ سوال می کننـد (یعنی امـامت مولاـ علی) ؛ خداونـد می فرمایـد : خداوند نور آسـمان ها و زمین است (نور آیه ۳۵) و درباره نور بودن نبی اکرم می فرماید : به تحقیق از جانب خداوند بر شـما نور (پیـامبر) و درباره مولا علی می فرمایـد متابعت کنیـد از نوری که با پیامبر نازل شـد یعنی علی – (مائـده ۱۵- اعراف ۱۵۷) تفسیر نور الثقلین ج ۲ ص ۸۵ ؛ و خداونـد درباره ولایت و رهبری خود و نبی اکرم و علی چنین می فرماید : ولی و سرپرست در امور شـما ؛ خـدا و پیامبر و کسانی که ایمان آورده انـد و نماز را بر پا می دارنـد و در حال رکوع زکات می دهند که تمام مفسـران سـنی و شـیعه می گوینـد زکات دهنـده در رکوع نماز ؛ مولا علی بوده – احقاق الحق ج ۲ ص ۳۹۹ الی ص ۴۱۰ – برترین پیامبر و بهترین امت ص ۱۹۹ و ص ۲۰۰ – ان عمربن الخطاب فی اول یوم صعد المنبر فی الخلافه قال و الله لقد اعطی ؛ علی ابن ابی طـالب اثنی عشـر فضـیله لم یکن لی ولاـ لاحـد من الناس مثلها و لا واحـده منها ؛ الاول ؛ مولـده فی الکعبه الثانی : زواجه من السـماء الثالث : زوجته فاطمه ؛ الرابع : الحسن و الحسـین اولاده ؛ الخامس : قول النبی بحضـرتی من کنت مولاه فعلی مولاـه اللهم و ال من والاـه و عـاد من عـاداه ؛ السادس : یوم غـدیر خم قال بحضـرنی یا علی انت منی بمنزله هرون من موسـی ؛ السابع : سـد ابواب الصـحابه ولـم یسد لعلی باب ؛ الثامن : قول النبی من عبدالله فی مثل مکه و المدینه الف سـنه الاخمسـین عاما کنوح فی قومه و صبر علی حر مکه و جوع المدینه و انفق ماله کجبل ابی قبیس و قاتل بین الصـفاء و المروه فی عامداً محتسباً و لم یـات بولایتک یا علی فکان عمله و زهـده و نفقته هباء منثورا ؛ التاسع : ان تهوی النجوم فی داره ؛ العاشـر : ردت له الشـمس مرتین مره بالمدینه و مره بالعراق و الحادی عشر انه تکلم مع الاموات و الاسد و الذئب و الغزاله و الثعبان و السمکه یوم الخاتم ؛ الثـانی عشـر : انه قـادر ان یقتـل عمر بشـماله دون یمینه و کان علی ابن ابی طالب حاضـراً فرفع راسه و قال اعترف بالحق قبل ان یشهد علیه – (الفصل الثالث ص ۴۲۳ و ص ۴۲۴ المواعظ العددیه ؛ تألیف آیه الله حاج میرزا علی مشـکینی ؛ اصل تألیف : من المحدث محمدبن الحسن الحسینی ناشر : المطبعه الهادی ۱۷

ص:۱۰۰

ربیع الاول ۱۴۱۹ ؛ الروضـه فی المعجزات و الفضائـل ج ۱ ص ۱۶۲ ؛ الروضه فی فضائـل امیرالمومنین علی ابن ابی طـالب ج ۱ ص ۲۳۸ و ص۲۳۹ ؛ ابن شاذان قمی ؛ – بحارالانوار جلـد ۲۹ ص ۹۹ باب ۱۰- اقرار ابی بکر بفضـل امیرالمؤمنین و خلافته بعد الغصب ؛ – ود المتمنون ان لو کـانوا تراب ابن ابی طـالب ... و جـامع کـل کرم و عـالم کل علم و الوسـیله الی الله و رسوله ... و لحاجه الناس الیه بعد نبیهم ...

رسول اکرم فرمود: اگر هفت آسـمان و زمین را در یـک کفه ترازو بگذارنـد و ایمـان علی را در کفه دیگر هر آینه ایمان علی رجحان پیدا می کند بر آن ها.

لو ان السموات السبع و الارضین السبع و ضعن فی کفه میزان و وضع ایمان علی فی کفه میزان لرجح ایمان علی(۱)

یک ضـربه شمشـیر مولا علی بالاتر است عبادت جن و انس تا روز قیامت و حفظ اصل اسلام و قرآن و حفظ جان پیامبر بر می گردد به فداکاری و جانبازی مولا علی به همین مقدار بسنده می کنم.

لضربه علی خیر من عباده الثقلین.(۲)

ص:۱۰۱

۱- ۱. .مناقب خوارزمی ص ۱۳۱ ح ۱۴۶ – کنزالعمال ج ۱۱ ص ۶۱۷ – تاریخ دمشق ج ۴۲ ص ۳۴۱ – الفردوس دیلمی ج ۳ ص ۳۶۳ – ذخائر العقبی ص ۱۰۰ – ریاض النضره ج ۳ ص ۲۰۶ – جواهر المطالب دمشقی ج ۱ ص ۲۶۸

۲- ۲. المعیار و الموازنه اسکافی ص ۹۱ – شرح المواقف جرجانی ج ۸ ص ۳۷۱

فصل چهارم:دلایل متعدد آیات و روایات در باب برتری حضرت علی علیه السلام بر پیامبران

ص:۱۰۲

«بسمه تعالی»

وکلا فضلنا علی العالمین

ما پیامبران را بر عالمیان برتری دادیم پس ائمه ۱۲ گانه شیعه بر پیامبران افضل نمی باشند!!!

پاسخی مختصر به محمد انصاری سلفی اموی راجع به آیه ۸۶ سوره انعام

مداح ابن مالک به لطف حق پاسخ می دهد: به طور قائده الهی، انبیاء و رجال الهی از کلیه مخلوقات خداوند اعم از جن، انس، ملائکه حیوانات افضل هستند ولی در بین انبیاء، باز فاضل و مفضول می باشد قرآن کریم در سوره ی بقره آیه ۲۵۳ می فرماید: ما بعضی از پیامبران را بر بعضی دیگر برتری دادیم و درجه ی بعضی از آنان بالاتر قرار دادیم

ای وهابی ملحد ؛ بدان علمای تفسیر قرآن اهل سنت در ذیل آیه ۸۶ سوره انعام نوشته اند این پیامبران مذکور ؛ در زمان و عصر خودشان افضل و برتر بوده اند – تفسیر سمرقندی ج ۱ ص ۴۶۵ وکلاً ـ فضلنا علی العالمین : بالرساله و النبوه فی ذلک الزمان ؛ تفسیر ثعلبی ج ۴ ص ۱۶۷ و کلاً فضلنا علی العالمین : یعنی عالمی زمانهم ؛ تفسیر الوسیط واحدی ج ۲ ص ۲۹۵ –

یعنی وکلاً من المذکورین ههنا علی عالمی زمانهم ؛ تفسیر غرائب القرآن ج ۳ ص ۱۱۳ –

وقیل : فضلنا هم علی عالمی زمانهم ؛ تفسیر ثعالبی ج ۲ ص ۴۸۹ – وکلاً فضلنا علی العالمین : معناه : عالمی زمانهم ، تفسیر بغوی ج ۳ ذیل آیه ۸۶ انعام – وکلاً فضلنا هم علی العالمین : ای عالمی زمانهم ؛ تفسیر المنار ؛ رشید رضا ج ۷ ص ۴۸۷

– جعله الله تعالی لکل نبی علی عالمی زمانه فتح القدیر شوکانی ج ۱ ذیل آیه مذکور – وکلا فضلنا علی العالمین : ای کل واحد فضلناه بالنبوه علی عالمی زمانه ؛ تفسیر ابن عاشور ج ۷ ص ۳۴۳ – والمراد تفضیل کل واحد منهم علی العالمین من اهل عصره ؛ تفسیر کبیر فخر رازی ج ۴ ص ۱۷۲ – قال ابن عطیه : معناه عالمی زمانهم ؛ فخر رازی در تفسیر کبیرش ذیل آیه مذکور می نویسد : حضرت داود افضل و برتر در زمان خودش بود – و قدم داود لتقدمه فی الزمان ؛ بعد می نویسد : منظور و من ذریته شامل امام حسن و امام حسین می شود چون ذریه پیامبر اسلام هستند ؛ پس این آیه شامل ائمه ما هم می شود ؛ جناب وهابی سؤال ؟ قرآن در سوره آل عمران آیه ۴۲ می فرماید : ما ؛ حضرت مریم را بر زنان عالمیان برتری دادیم آیا منظور این است که حضرت مریم بر تمام زنان مومن و مسلمانان و زنان اهل بهشت برای همیشه در همه اعصار؛ افضل و برتر بوده ؟! وقتی به تفسیر و روایات نگاه می کنیم می بینیم جواب منفی است ؛ نبی اکرم فرمود : مریم ؛ سیده و سرور ؛ زنان اهل و زمان خودش بود و فاطمه زهرا ؛ سیده و سرور ؛ زنان زمان خودش هست – تلک سیده نساء عالمها و انت سیده نساء عالمک – حلیه الاولیاء ج ۲ ص ۴۲ ؛ الاستیعاب ج ۴ ص ۱۸۹۵ ؛ تاریخ دمشق ج ۴۲ ص ۱۳۴ ؛ سیر اعلام النبلاء ج ۲ ص ۱۲۴ ؛ شرح مشکل الاثار ج ۱ ص ۱۴۲ ؛ مفسران سنی نوشته اند : در ذیل آیه ۴۲ آل عمران ؛ که حضرت مریم در زمان خودش برتر بوده است – و اصطفاک علی نساء العالمین قیل : علی عالمی زمانها – تفسیر بغوی ج ۲ ص ۳۶ ؛ در المنثور ج ۳ ص ۵۴۴ – عالم امتها – تفسیر بحر المحیط – خاص بنساء عالم زمانها – تفسیر ابن ابی حاتم – علی نساء ذلک الزمان الذی هم فیه – آلوسی در روح المعانی ج ۳ ص ۱۵۵ می نویسد :

حضرت فاطمه بتول برتر از زنان گذشته و آینده است چون پاره وجود نبی اسلام است – ان فاطمه البتول افضل النساء المتقدمات و المتاخرات من حیث انها بضعه رسول الله – تفسیر بحر المحیط ج ۲ ص ۴۵۶- مستدرک حاکم نیشابوری ج ۳ ص ۱۷۰ ح ۴۷۴۰ – یا فاطمه الا ترضین ان تکون سیده نساء العالمین و سیده نساء هذه الامه و سیده نساء المومنین – ان فاطمه سیده نساء اهل الجنه – مستدرک

حاکم ج ۳ ص ۱۶۴ ح ۴۷۲۱ – قرآن کریم در سوره قصص آیه ۳۴ از ؛ زبان حضرت موسی می فرماید : خدایا ؛ هارون ؛ برادرم را با من بفرست زیرا ؛ او زبانش فصیح تر از من است ؛ آیا این دلیل می شود که هارون از موسی افضل باشد ؟!! – و اخی هارون هو افصح منی لسانا –

.

{تلک الرسل فضلنا بعضهم علی بعض، و لقد فضلنا بعض النبین علی بعض}(۱)

قرآن کریم در سوره ی نمل از زبان حضرت سلیمان و داود می فرماید: سپاس خداوندی که ما را بر زیادی از عباد مؤمنین برتری و فضیلت داد،

و قالا الحمدالله الذی فضلنا علی کثیر من عباده المؤمنین (۲)پس ای انصاری سلفی طبق این آیه معلوم می شود، پیامبران بر تمام عباد مؤمنین افضل نیستند، قرآن کریم در سوره اسراء آیه ۷۰ می فرماید: ما فرزندان آدم را کرامت دادیم و بر زیادی از مخلوقات فضیلت دادیم

و لقد کرمنا بنی آدم...و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلا.

ای انصاری سلفی، آیا پیامبران و انبیاء جزء فرزندان آدم هستند یا نه؟ اگر هستند که هستند بر تمام مخلوقات فاضل نیستند، قرآن کریم در سوره بقره آیه ۴۷ و سوره جاثیه آیه ۱۶ می فرماید: ما قوم بنی اسرائیل را بر تمام عالمیان و جهانیان برتری دادیم سؤال: آیا تمام بنی اسرائیل جزء پیامبران بودند؟ اسرائیل لقب حضرت یعقوب است، آیا تمام پیامبران از نسل یعقوب بودند؟ حضرت پیامبر اسلام که افضل از تمام پیامبران و مخلوقات عالم هستی است، از نسل شریف حضرت اسماعیل است، اگر آیه ۴۷ بقره و ۱۶ جاثیه را در مقابل آیه ۸۶ انعام بگذاریم، ای انصاری سلفی چه جوابی داری؟

{و لقد آتینا بنی اسرائیل الکتاب و الحکم و النبوه و رزقنهم من الطیبات و فضلناهم علی العالمین یا بنی اسرائیل اذکروا نعمتی التی انعمت علیکم و انی فضلتکم علی العالمین}.اعراف ۱۴۰ وهو فضلکم علی العالمین

در قرآن کریم در سوره ی کهف آیات ۶۰ الی ۸۲ درباره همراهی حضرت موسی و

۱- ۱. اسراء۵۵

۲- ۲. آیه ۱۵ نمل

حضرت خضر، اشاراتی دارد، با این که موسی کلیم خدا، صاحب کتاب، صاحب شریعت و پیامبر اوالعزم و افضل از حضر بوده ولی خضر معلم موسی می شود آیا ای انصاری وهابی، این می تواند دلیل باشد که خضر افضل از موسی است؟!

{فوجدا عبداًمن عبدنا آتینا رحمه من عندنا و علمناه من لدنا علما...} قرآن کریم در سوره ی انعام آیه ۹۰ خطاب به پیامبر اسلام می فرماید: از هدایت پیامبران اقتداء و پیروی کن، آیا این دلیل می شود که پیامبر تابع پیامبران دیگر بوده و مقامش از آنان کوچک تر است، یا باید معتقد بود این آیات مذکور، توجیه و تفسیر و تأویل دارد که دارد.

{اولئک الذین هدی الله فبداهم اقتده، }

ای انصاری سلفی، ادامه آیه ۸۶ سوره انعام را مشاهده کن و ببین، وقتی خداوند نام چند تن از پیامبران را می برد می گوید آنان را بر عالمیان برتری دادیم و از پدران و فرزندان و برادران و آنانی که برگزیدیم، به خاطر این که معنای آیه ۸۷ انعام که ادامه آیه ۸۶ سوره انعام است بفهمیم به روایات مراجعه می کنیم، پیامبر اکرم می فرماید: فردای قیامت منادی از عرش ندا می دهد به من که خوب پدری است پدر تو، حضرت ابراهیم، و خوب برادری است برای تو، برادرت علی ابن ابی طالب.

ثم ینادی المنادی من عند العرش: نعم الاب ابوک ابراهیم و نعم الاخ اخوک علی فضائل الصاحبه (۱)

در این روایت، پیامبر اکرم می فرماید: پدر من ابراهیم است و برادر من علی است پس با این روایت مفهوم عبارت و من ابائهم و اخوانهم.

مشخص شد، که پدر پیامبر، ابراهیم جزء این آیه و برگزیده خداست و برتری بر عالمیان دارد و برادر پیامبر اسلام، علی ابن ابی طالب، نیز بر عالمیان برتری دارد چون آیه ۸۷ انعام می گوید و از برادران آنان (یعنی پیامبران) برتری دادیم بر جهانیان پس مولاـ علی طبق ظاهر آیه و حدیث مشهور و متواتر مواخاه جزء برتریان عالم می باشد، احادیث فراوانی در منابع حدیثی اهل سنت آمده که مولا علی، برادر پیامبر بودند آن هم برادر ویژه در دنیا و آخرت.

۱- ۱. احمد حنبل ج۲ ص۶۶۳ ح ۱۱۳۱، مناقب خوارزمی حنفی ص ۱۴۰ ح ۱۵۹،

والذی بعثنی بالحق نبیا ما اخرتک الا لنفسی فانت منی بمنزله هارون من موسی الا انه لانبی بعدی و انت اخی و وارثی فضائل الصحابه (۱)

و انت اخی و رفیقی مشکاه المصابیح (۲)،

انت اخی فی الدنیا و الاخره (۳)

قال علی: انا عبدالله و اخوررسول الله و.. لا یقولها بعدی الا کاذب خصائص نسائی (۴)

انت اخی و صاحبی(۵)...

ای انصاری سلفی-خداوند از آیه ی ۸۴ سوره انعام تا پایان آیه ۸۶ سوره انعام-حدود ۱۷ پیامبر را ذکر کرده و نام برده و بعد فرموده آنان را بر عالمیان برتری دادیم، آیا شما نام مقدس پیامبر اسلام، را در میان آنان می بینی، آیا پیامبر اسلام، جزء ناس و عالمیان هست یا نه؟ اگر این آیه را بدون توجه به تفسیر، تأویل قرآن و احادیث بخواهیم نگاه کنیم پس این چند پیامبر از حضرت محمد هم نعوذبالله افضل هستند، چون هم نام ذکر مقدس پیامبر اسلام در این ۲ آیه مذکور نشده و هم فرموده آنان را بر عالمیان برتری دادیم، و پیامبر اسلام هم جزء عالمیان هست، قرآن کریم در سوره ی بقره آیه ۱۲۴، بالا بودن مقام امامت را، از مقام نبوت را در داستان حضرت ابراهیم نشان می دهد، وائمه دوازده گانه ما، امام امامان هستندو قبل از ایجاد خلقت آنان امام بوده اند برتمام خلائق، امام رضا علیه السلام در تفسیر این آیه می فرماید: خداوند پس از پیامبری و دوستی امامت را در مرتبه ی سوم به ابراهیم خلیل اختصاص داد و این را فضیلتی قرار داد که او را بدان شرافت داد و با آن ستودش و فرمود: من تو را پیشوای مردم گردانیدم ابراهیم از سر شادی گفت: فرزندانم را هم؟ خداوند در پاسخ او فرمود: پیمان من، ستمکاران رادر بر نمی گیرد، بدین ترتیب این آیه، امامت هر ستمگری را تا روز قیامت باطل گردانید و امامت تنها در برگزیدگان خواهد بود، سپس خداوند او را چنین گرامی داشت که امامت در نسل او، که اهل طهارت و

۱- ۱. احمد ج۲ ص۶۳۸ مناقب خوارزمی ص ۱۵۰، کنز العمال ج۱۳ ص۶۰۵،

۲- ۲. ج۳ص ۱۷۲۰ سنن ترمذی ج۵ ص ۳۰

۳- ۳. مناقب ابن مغازلی ص۳۸، ریاض النضره ج۱ص۱۵،

۴- ۴. ص۳ تاریخ دمشق ج۱ ص ۱۱۷

۵- ۵. مسند احمد ج۱ص ۲۳۰، مستدرک حاکم ج۳ ص۳۵، اسنی المطالب ص ۶۲، حلیه الولیاء ج۲ ص۶۶، مجمع الزوائد ج۹ ص ۱۱۱، صواعق المحرقه ص ۷۲، نظم دررالسمطین ص۲۳، تفسیر ابن کثیرج۱ص۳۲۳، فرائدالسمطین ج ۱ص۶۸، کفایه الطالب ص۶۵، الطبقات الکبیر واقدی ج۱ ص۱، تاریخ طبری ج ۲ ص۲۱۷، مروج الذهب ج۲ ص۳۶، السیره ابن هشام ج۱ص۵۰۴، اخبارالدول ص ۱۰۲، انساب الاشراف ج۲ص۹۱، شذرات الذهب ج۱ص ۵۰، تاریخ خلفاء ص۱۵۵ و

برگزیدگی بودند قرار داد.

اکثر ؛ مفسران نامی اهل سنت در ذیل آیه ۱۲۴ سوره بقره نوشته اند و نظر داده اند منظور و مقصود «عهد» در آیه مذکور ؛ امامت الهی حضرت ابراهیم است ؛ شوکانی مفسر وهابی می نویسد : بعضی از مفسران گفته اند منظور از عهد در آیه نبوت یا امامت است اما قول بهتر این است که امامت است – فتح القدیر ج ۱ ص ۱۶۰ – و اختلف فی المراد بالعهد فقیل : الامامه و قیل النبوه – و الاول الاظهر کما یفیده سیاق – محاسن التاویل ج ۱ ص ۳۹۰ – ای الذی عهدته الیک بالامامه – زاد المسیر ج ۱ ص ۱۰۸ – و فی العهد ها هنا سبعه اقوال احدها : انه الامامه ... و الاول اصح ؛ تفسیر ثعالبی ج ۱ ص ۳۱۴ – قال مجاهد : الامامه – تفسیر ابن کثیر ج ۱ ص ۱۶۹ – و ان الله جعله اماما للناس – تفسیر بحر المحیط ج ۱ ص ۵۴۸ – ان العهد : هی الامامه – تفسیر بیضاوی ج ۱ ص ۳۹۷ – لاینالون الامامه لانها امانه من الله و عهد – تفسیر طبری ج ۱ ص ۷۳۸ .

ان الامامه خص الله بها ابراهیم الخلیل بعد النبوه و الخله، مرتبه ثالثه (۱)

ان الله اتخذ ابراهیم عبداً قبل ان یتخذه نبیاً و ان الله اتخذه نبیاً قبل ان یتخذه رسولاً و ان الله اتخذه رسولاً قبل ان یتخذه خلیلاً و ان الله اتخذه خلیلاً قبل ان یجعله اماماً، فلما جمع له الاشیاء قال: انی جاعلک للناس اماما (۲)

اما لفظ و عبارت و ذریاتهم در آیه ۸۷ سوره ی انعام، این ذریه و فرزندان پیامبران چه کسانی هستند که افضل عالمیان می باشند؟! در ذیل آیه ی ۱۲۴ سوره بقره در تفسیر آن در منابع اهل سنت آمده که آن ذریه منتخب الهی از انبیاء چه کسانی هستند؟ ابراهیم از خدا سؤال کرد آیا مقام امامت شماحال ذریه و فرزندان من می شود یا نه؟ خداوند فرمود به ظالمین از فرزندان تو نمی رسد، پیامبر اکرم در تفسیر آیه فرمود: من و علی دعوت پدرمان ابراهیم هستیم که من و علی هرگز سجده برای غیرخدا نکردیم، خداوند مرا به پیغمبری و علی را به وصایت و امامت بعد از من برگزید.

عن عبدالله ابن مسعود قال: قال رسول الله: انا دعوه ابی ابراهیم قلنا: یا رسول

۱- ۱. اصول کافی ج۱ص۱۹۹، کمال الدین ص ۶۷۶ ح۳۱، معانی الاخبار ص ۹۷،و...

۲- ۲. اصول کافی ج۱ ص۴۰۲ کتاب الحجه.

الله و کیف صرت دعوه ابیک ابراهیم؟ قال: اوحی الله عزوجل الی ابراهیم: انی جاعلک للناس اماماً فاستخف ابراهیم الفرح قال: یا رب و من ذریتی ائمه مثلی فاوحی الله الیه یا ابراهیم انی لا اعطیک عهداً لا افی لک به، قال یا رب ما العهد الذی لاتفی لی به؟ قال: لا اعطیک لظالم من ذریتک قال ابراهیم عندها: فاجنبنی نبیا و بنی ان نعبد الاصنام... قال النبی: فانتهت الدعوه الی و الی علی لم یسجد احدنا منا لصنم قط، فاتخذنی الله نبیا واتخذ علیاً وصیاً، (۱)

از جمله آیاتی که در قرآن کریم نشان می دهد، ائمه ۱۲ گانه شیعه جزء آن هستند و برگزیده ی عالمیان می باشند و بر تمام عالمیان برتری دارند و تفاسیر شیعه و سنی آن را تأیید وتأکید می کند،آیه ۳۳ و ۳۴ سوره سوره مبارکه آل عمران است.

{ان الله اصطفی آدم و نوحاً و آل ابراهیم و آل عمران علی العالمین ذریه بعضها من بعض}

عبدالله مامون لعنت الله علیه و العذاب از حضرت امام رضا علیه السلام سؤال کرد: آیا خدا، عترت پیامبر را بر دیگر مردم فضیلت بخشیده است؟ حضرت فرمود: خداوند فضیلت عترت پیامبر را در محکمات کتابش روشن فرموده است مأمون گفت: در کجای قرآن مشخص شده است؟ امام رضا فرمود: در این آیه ۳۳ سوره آل عمران

فقال الامون: هل فضل العتره علی سائر الناس؟ فقال ابوالحسن و فضل العتره علی غیرهم ثابت، فقال له المأمون: و این ذلک من کتاب الله؟ فقال له الرضا: لقول الله تعالی: ان الله اصطفی آدم... (۲)

–وآل عمران المومنون من آل ابراهیم وآل عمران و آل یاسین وآل محمد، احکام قرآن(۳)–

آل محمد الذین امر رسول الله بالصلاه علیهم معه والذین اصطفاهم من خلقه بعد نبیّه فانه یقول ان الله اصطفی آدم و نوحا وآل عمران علی العالمین فاعلم انه اصطفی الانبیاء وآلهم/ (۴)

در تفسیر عیاشی از امام باقر نقل شده است که حضرت پس از آن که این آیه شریفه را تلاوت کرد فرمود: ما هم از آنان هستیم و ما، باقی ماندگان از آن عترتیم.

---

۱ - ۱. مناقب ابن مغازلی شافعی ص۲۳۹ و ۲۴۰ ح ۳۲۲– المناقب المرتضوی محمد صالح الترمذی الکشی الحنفی ص ۴۱، العمده ابن بطریق ص ۳۵۴، شواهد التنزیل حاکم ابوالقاسم حسکانی حنفی ص ۱۷۲ ح ۴۳۵،

۲ - ۲. عیون الاخبار الرضا شیخ صدوق ج۱ ص ۲۰۷، نورالابصار شبلنجی ص۲۲۷ ینابیع الموده قندوزی ج۱ ص۲۷۲ صحیح بخاری ج ۴ ص ۱۱۴ باب ۴۴ ح ۳۴۲۸،کتاب احادیث انبیاء

۳– ۳. شافعی ج ا ص ۷۷

۴– ۴. طبری در تفسیرش ح ۶۸۵۱،تفسیر بحر المحیط ص ۴۵۴–

انه تلا هذه الایه فقال: نحن منهم و نحن بقیه تلک (۱)

امام حسین این آیه را تلاوت کرد و فرمود: به خدا قسم، محمد از آل ابراهیم است و امامان پس از او عترت و آل او هستند.

و الله ان محمداً لمن آل ابراهیم و العتره الهادیه لمن آل محمد امامی (۲)

ای انصاری وهابی، آیا حضرت محمد صلی الله علیه و آله بر تمام پیامبران برتر نیست؟ چون پیامبر اسلام از تمام مخلوقات و پیامبران بالاتر و افضل تر می باشد، اهل بیت معصوم و مطهر او که ۱۲ ائمه هدی باشند چون اهل، آل، عترت و خلفاء و اوصیاء و وارثان او هستند بر تمام پیامبران غیر از خودش آن هم در نبوت خاصه (خاتم الانبیایی) افضل هستند، منابع روائی و تفسیری اهل سنت و جماعت نقل کرده اند کلمه و عبارت آل محمد در آیه ۳۳ سوره آل عمران بوده و در مصحاف بعداً حذف گردیده

اخرج ابن جریر و ابن ابی حاتم، طریق علی عن ابن عباس فی قوله و آل ابراهیم و آل عمران قال هم المؤمنون من آل ابراهیم و آل عمران و آل یاسین و آل محمد عن شقیق قال قرات فی مصحف عبدالله و هو ابن مسعود ان الله اصطفی آدم و نوحا و آل ابراهیم و آل عمران و آل محمد علی العالمین (۳)

امام رضا علیه السلام فرمود: پیوسته امامت در نسل و ذریه حضرت ابراهیم بود تا این که سرانجام پیامبر اسلام آن را به ارث برد و خداوند فرمود: به راستی نزدیک ترین مردم به ابراهیم آنانند که از او پیروی کردند و این پیامبر و آنان که به این پیامبر ایمان آورده اند و خداوند ولی و سرپرست اهل ایمان است، پس امامت تنها اختصاص به او یافت و آن را به فرمان خدا به روشی که خود واجب کرده است بر عهده علی نهاد و از آن پس امامت در فرزندان برگزیده اش آنان که خداوند، علم و ایمانشان بخشید قرار گرفت و خداوند امامت را در اولاد علی تا روز قیامت قرار داد و مقرر داشت.مولا علی به امام حسن فرمود: منبر برو و خطبه بخوان . حضرت رفتند وخطبه خواندند

۱- ۱. العتره تفسیر عیاشی ج۱ صر۱۶۸،

۲- ۲. صدوق ص ۱۵۰

۳- ۳. الدر المنثور ج۲ص۵۱۲، شواهد التنزیل ج۱ ص۱۵۲، تفسیر ثعلبی ج۱ ذیل آیه، تاریخ بغداد ج۷ ص۴۲۴، فضائل الخمسه فیروزآبادی ج۲ص۷۷، تفسیر ابن ابی حاتم ج ۱ ص ۶۳۵ وح ۳۴۱۳و ۳۴۱۴

سپس پایین آمدند مولا علی فرمود: ذریه بعضها من (۱)

فلم تزل فی ذریته یرثها بعض عن بعض قرنا فقرنا، حتی ورثها النبی فقال الله عزوجل: ان اولی الناس بابراهیم للذین اتبعوه و هذا النبی و الـذین آمنوا و الله ولی المؤمنین فکـانت له خـاصه فقلـدها النبی علیاً بامرالله عزوجل علی رسم ما فرضـها الله فصارت فی ذریته الاصـفیاء الـذین آتـاهم الله العلم و الایمان بقوله عزوجل و قال الـذین اوتو العلم و الایمان... فهی فی ولـد علی خاصه الی یوم القیامه (۲)

امام حسن مجتبی در خطبه ای فرمود: ای مردم از پروردگار خود عقل بگیریـد و تعقل کنید به راستی که خداوند آدم و نوح و خانـدان ابراهیم و آل عمران را بر جهایان برگزیـد نژادی که بعضـی از آن ها از بعضـی دیگرند: ماییم از نژاد آدم و از خاندان نوح و برگزیـده از ابراهیم و از دودمان و نسل اسـماعیل و خانـدان و اهل بیت محمد، ماییم که در میان شـما هم چون آسـمان بلنـد و زمین گسترده و خورشـید تابنـده ایم مـاییم که هم چون درخت زیتون که نه شـرقی است و نه غربی و میوه اش مبـارکه گشته در میان شما قرار گرفتیم-

که پیـامبر اصـل و تنه آن درخت و علی فرع آن است مـا به خـدا سوگنـد، میـوه آن درخت هسـتیم که هرکس به شـاخه ای از شاخه های آن چنگ زند، نجات یافته و هرکس از آن تخلف ورزد، در آتش جهنم سرنگون شده است.

ایهـا النـاس اعقلوا عن ربکم: ان الله اصـطفی آدم و نوحا و آل ابراهیم و آل عمران...فنحن الـذریه من آدم، و الاسـره من نوح و الصفوه من ابراهیم و السلاله من اسماعیل و آل من محمد... النبی اصلها و علی فرعها و نحن و الله ثمره تلک الشجره، فمن تعلق بغصن من اغصانهانجا و من تخلف عنها فالی النار هوی (۳)

مولا علی به معاویه علیه الهاویه در نامه ای گوشـزد کرد و نوشت: تو امامت و خلافت مرا انکار کرده ای آیا سـخن خـدا را در قرآن دیـده ای که درباره ی خانـدان ابراهیم می فرماید: واصـطفاهم علی العالمین: خداوند آل ابراهیم را بر جهانیان فضـیلت و برتری بخشـیده است آیا تو می پنـداری که خودت یکی از مردم جهان نیستی؟ یا می پنـداری که ما از خاندان ابراهیم نیستیم؟ اگر این را انکار کنی، محمد را انکار کرده

ص:۱۱۱

۱- ۱. بعض در المنثور ج ۲ ص ۵۱۲ و ۵۱۳،تاریخ دمشق ج ۱۳ ص ۲۴۴

۲- ۲. احتجاج طبرسی ج۲ ص۴۷۷ و ص۴۷۸،

۳- ۳. بحار الانوار ج۴۳ ص۳۵۸،

ای که او از ما و ما از او هستیم، اگر می توانی میان ما و ابراهیم و اسـماعیل و محمد و آل محمد در کتاب خدا، جدایی افکنی پس چنان کن (۱)

قال علی: فنحن آل ابراهیم فقـد حسدنا کما حسد آباؤنا ثم حسد نبینا محمد ... فنحن اولی الناس بابراهیم و ونحن ورثناه ونحن ... آل ابراهیم ..واتبعوا آل ابراهیم واقتدوا بنا (۲)

قرآن کریم در سوره ی بینه آیه ۶ و ۷، مولا علی را بهترین مردم، معرفی کرده است.

ای انصاری وهابی، آیا پیامبران جزء مردم بوده اند یا نه؟ اگر بگویی نه منکر عقل و قرآن شده ای.

قرآن در سوره حج آیه ۷۵ می فرماید: خداوند از فرشتگان و مردم رسل و فرستادگان بر می انگیزد و انتخاب می کند.

{الله یصطفی من الملائکه رسلا و من الناس}

پس طبق این قائـده قرآنی مولا علی بهترین ناس است یعنی از تمام پیامبران الهی که از میان ناس و مردم از سوی خدا، انتخاب شدند برتر و بالاتر است به غیر از نبی اسلام

{اولئک هم خیرالبریه}

پیوسته و همیشه اصحاب پیامبر زمانی که حضرت علی می آمد می گفتند بهترین اهل عالم آمد

جاء خیرالبریه (۳)

پیـامبر اکرم فرمـود: علی خیر الـبریه= علی بهـترین مردم است (۴)رسـول اکرم فرمود: علی بهـترین بشـر است و هر کس شـک درباره ی این که او بهترین بشر است داشته باشد کافر است.

علی خیرالبشر من شک فیه فقد کفر، علی خیرالبشر لایشک فیه الاکافر، (۵)

ص:۱۱۲

۱- ۱. کن الغارات ص۱۲۲، امامت و خلافت شهیدی ج۱ ص۶۸۴.

۲- ۲. — احتجاج طبرسی ج ۱ص ۳۳۸ وص ۳۴۰ ،نهج البلاغه نامه ۲۸ ش ۳ ص ۵۱۲

۳- ۳. تاریخ دمشق ج ۴۲ ص۳۷۱، فتح القدیر ج۵ ص۴۴۷

۴- ۴. منابع مذکور-درالمنثور ج۶ ص۳۷۹، مناقب خوارزمی ص۱۲۲

۵- ۵. کفایه الطالب ص۱۱۹، کنزالعمال ج۶ص۱۵۹، تاریخ بغداد ج۵ ص۳۷،مناقب خوازمی ص۲۲۵، کنوز حقایق در حاشیه جامع الصغیر ج۲ص۱۶

علی خیر البشر فمن ابی فقد کفر، (۱)

پیامبر اکرم فرمود: هر کس نگوید علی بهترین مردم است همانا او کافر است

من لم یقل علی خیرالناس فقدکفر (۲)

علی خیرالبشر فمن امتری فقد کفر، (۳)

علی خیرالبشر من ابی فقد کفر و من رضی فقد شکر، (۴)

علی ذاک خیرالبشر و لایشک فیه الا منافق، (۵)

پیامبر اکرم فرمود: گروه و فرقه خوارج بر بهترین مردم یعنی علی خروج می کنند.

و یخرجون علی خیر فرقه من الناس، (۶)

هم شرالخلق والخلیقه یقتلهم خیرالخلق والخلیقه واقربهم عندالله الوسیله، (۷)

پیامبر اکرم فرمود: بهترین کسی که پس از من بر روی زمین راه می رود علی ابن ابی طالب است.

خیر من یمشی علی الارض بعدی علی ابن ابی طالب، (۸)

جناب انصاری سلفی، مخفی هم نماند در آیه ی ۸۴ و ۸۵ و ۸۶ سوره مبارکه ی انعام که اسامی مبارک این چند پیامبر بزرگ الهی را، خداوند حکیم ذکر کرده به ترتیب افضلیت نبوده است. حتی به ترتیب بعد زمانی هم خداوند حکیم به مصلحتی اسامی این پیامبران را ذکر نکرده–مثلاً– عیسی پیامبر اولالعزم، صاحب کتاب، افضل از یوسف، هارون، سلیمان، ایوب، داود،ذکریا و یحیی است ولی نام او را بعد از آنان ذکر کرده است،از جهت بعد زمانی، الیاس، اسماعیل، یسع و یونس و لوط قبل از عیسی بودند و.لی بعد از نام عیسی آنان را ذکر نموده است، ولی در سوره ی مبارکه احزاب، خداوند حکیم، نام مقدس پیامبر اکرم را قبل از نام نوح، ابراهیم، موسی و عیسی ذکر

۱- ۱. میزان الاعتدال ج۲ص ۲۷۱، تاریخ دمشق ج۲ص ۴۴۴، تاریخ بغدادج۳ص ۱۵۴، کنوز حقایق ص ۹۸
۲- ۲. کفر تهذیب التهذیب ج۹ ص۴۱۹، تاریخ دمشق ج۲ ح۹۵۴، کنزالعمال ج۶ ص۱۵۹،تاریخ بغدادج۳ص ۱۹۲
۳- ۳. تاریخ بغداد ج۷ص ۴۷۱
۴- ۴. تاریخ دمشق ج۴۲ص ۳۷۲
۵- ۵. مناقب ابن مردویه ص۳۵۷، مجمع الزوائد ج۹ ص۱۱۶، ریاض النضره ج۲ص ۲۲۰

۶- ۶. المندونه الکبری امام مالک ج۲ ص۴۹، العمده بطریق ص ۴۵۸ مجمع الزوائد ج۶ص۲۳۹

۷- ۷. مناقب علب ابن ابی طالب مناقب ابن مغازلی ص۱۰۰ح۷۹ السنن الکبری نسائی ج۵، خصائص نسائی ص ۱۳۸

۸- ۸. موسی (ابن مردویه اصفهانی) ص۱۱۱

کرده است، چون پیامبر افضل از این ۴ پیامبر اوالعزم است از جهت بعد زمانی پیامبر را قبل از آنان ذکر کرده ولی نام نوح، ابراهیم، موسی و عیسی را به ترتیب بعد زمانی نقل کرده است.

{واذ اخذنا من النبیین میثقهم و منک و من نوح و ابراهیم و موسی و عیسی ابن مریم و اخذنا میثقاً غلیظ}.

ای انصاری سلفی، ائمه ۱۲ گانه شیعه از ریشه وجود انبیاء هستند امام صادق علیه السلام فرمود: ائمه هدی از آل محمد، باقی مانده خلافت حضرت آدم به او رسیده و از بهترین دودمان نوح است، برگزیده خاندان ابراهیم و سلاله اسماعیل و انتخاب شده ای از عترت محمد صلی الله علیه و آله است.

نبی اسلام فرمود : ما ؛ فرزندان عبدالمطلب ؛ سرور و سید اهل بهشت هستیم – نحن بنو عبدالمطلب ساده اهل الجنه : انا وعلی و جعفر و الحسن و الحسین و المهدی – مستدرک حاکم حدیث ۴۹۴۰ هذا حدیث صحیح ؛ نبی اکرم فرمود : خداوند در شب معراج درباره علی، سه ، مطلب به من وحی کرد ؛ او امام پاکان و سید و سرور مسلمین است – فاوحی الی فی علی بثلاث انه امام المتقین و سید المسلمین – مستدرک حاکم ح ۴۶۱۲ – هذا حدیث صحیح الاسناد معرفه الصحابه ابی نعیم ج ۳ ص ۱۵۸۷ ؛ نبی اکرم فرمود : امام حسن و امام حسین فاضل و برتر در ؛ دنیا و آخرت هستند و پدر آن دو ؛ علی ؛ از آن ها برتر می باشد – مناقب خوارزمی حنفی ح ۲۷۹ – فان ولد یک فاضلان فی الدنیا و فاضلان فی الاخره و ابو هما خیر منهما –

و انتجبه لطهره بقیه من آدم و خیره من ذریه نوح و مصطفی من آل ابراهیم و سلاله من اسماعیل و صفوه من عتره محمد صلی الله علیه و آله (۱)،

امام رضا علیه السلام فرمود: امامت و منزلت پیامبران، ارث اوصیاء است. امامت همان خلافت از جانب خدا و رسول خدا و مقام امیرالمؤمنین و میراث حسن و حسین است.

ان الامامه هی منزله الانبیاء و وارث الاوصیاء، ان الامامه خلافه الله و خلافه

۱- ۱. اصول کافی ج۱ص ۴۷۰،کتاب الحجه ح۲

الرسول و مقام امیرالمؤمنین و میراث الحسن و الحسین (۱)

مولا علی فرمود: مائیم برگزیدگان از تمام خلق خدا و امام آن ها و امام هر امامی

نحن الخیار من البریه کلها... و امامها و امام کل امام، (۲)

نحن الخیار من البریه کلها و نظامها و زمام کل زمام (۳)

ای انصاری سلفی بدان تمام پیغمبران مقام امامت نداشتند، بعضی از آنان مقام امامت داشتند مثل حضرت ابراهیم و حضرت رسول اسلام، مولاـ علی می فرماید: ما اهل بیت پیامبر، امام بر تمام امام ها هستیم بغیر از پیامبر پس طبق این قائده و بیان مولا علی،ائمه ۱۲ گانه شیعه بر تمام پیامبران غیر از رسول اکرم افضل هستند

از جمله روایت مستند و متواتری که اشاره دارد ائمه ۱۲ گانه شیعه خصوصاً مولاـ علی و امام حسن و امام حسین بر تمام پیامبران غیر از رسول اسلام افضل و برتر هستند.

حدیث سید اشباب اهل الجنه است، پیامبر اکرم فرمود: حسن و حسین دو آقای جوانان اهل بهشت هستند و پدرشان (علی) از آن دو بهتر است –

یا علی انت سید فی الدنیا والآخره –(۴)

صحیح علی شرط شیخین انت سید فی الدنیا و سید فی الآخره –(۵)

الحسن والحسین سید الشباب اهل الجنه و ابوهما خیر منهما (۶)قال رسول الله: انا سید الاولین و الآخرین و انت یا علی سید الخلاءق بعدی –(۷)

ص:۱۱۵

۱- ۱. اصول کافی ج۱ص ۴۶۰ ح۱

۲- ۲. طرائف سیدابن طاووس ص۲۳۲ و ۲۳۳ به نقل از صحیح حمیدی.

۳- ۳. تاریخ دمشق ج ۴۲ ص ۵۲۱

۴- ۴. مسدرک حاکم ح ۴۶۹۵

۵- ۵. فضاءل الصحابه احمد ح ۱۰۹۲

۶- ۶. تاریخ بغدادج۱ص ۱۴۰، مستدرک حاکم ج۳ ص۱۶۷، کنزالعمال ج۶ص ۲۸۱، تاریخ دمشق ص ۴۵، المعجم الکبیر ج۳ص۳۵، ذخائر العقبی ص ۱۲۹، مجمع الزوائد ج۹ ص۱۸۲، حلیه الاولیاء ج ۴ ص۱۳۹، شذرات الذهب ج۱ ص ۸۵، اخبار القضاه ج۲ ص۲۰۰ وکیع، سنن ابن ماجه ج۱ ص۴۴، کفایه الطالب ص ۳۴۱، سنن ترمذی ج۵ ص ۶۶۰، مسند احمد ج۵ ص ۳۹۱، تاریخ الاسلام ذهبی ج۲ ص ۹۰، سیر اعلام النبلاء ج ۳ ص ۱۶۸، الاصابه ابن حجر ج۱ ص ۲۵۶، معجم الصحابه بغوی

ص ۲۲، تاریخ جرجان ص ۳۹۵ سهمی، الفتح الکبیر ج۲ ص ۸۰ نهبانی، صواعق المحرقه ص ۱۱۴، الجامع الصغیر سیوطی ج۱ ص ۳۷۹، فردوس الاخبـار دیلمی ج ۵ ص ۷۶، المصـنف ابن ابی شـیبه ج ۱۲ ص ۹۶، الخصـائص نسایی ص ۳۶، صحیح ابن حبان ج۱۵ ص۴۱۳، الانساب ج۳ ص۴۷۷ سمعانی، فیض القدیر ج۳ ص ۵۵۰ مناوی، سلسله الاحادیث الصحیحه آلبانی ج۲ ص ۴۲۴

۷- ۷. غایه المرام ج ۵ ص ۹

اگر انصاری وهابی بگوید درسته امام حسن و امام حسین سرور جوانان اهل بهشت اند ولی ابوبکر و عمر هم سرور پیران اهل بهشت هستند، علمای اهل سنت حدیث ابوبکر و عمر سید کهولان اهل جنت را، حدیثی ضعیف و ساختگی می دانند.

هذا الحدیث موضوع من عمل القصاص وضعه عمربن واصل او وضع علیه

ابن جوزی در کتاب الموضوعات ج۱ ص۲۹۹ درباره این حدیث می گوید: این حدیث از ساخته های قصه گویان است که یا عمرابن واصل ساخته و یا ساخته اند و به او نسبت داده اند. هیثمی درباره ی این روایت می گوید: این روایت را بزار و طبرانی روایت کرده اند و چون در سلسله سند آن علی بن عابس وجود دارد، ضعیف می باشد.(۱)

ثانیاً=پیامبر اکرم فرمود: اهل بهشت جوانانی هستند زیبا با بدن هایی بی مو، چشمانی زیبا و سرمه کشیده که جوانی و لباس هایشان فناپذیر است.

اهل الجنه جرد مرد کحل لایفنی شبابهم و لاتبلی ثیابهم، (۲)

یدخل اهل الجنه الجنه جردا مردامکحلین، رواه الطبرانی فی الاوسط و اسناده جید، ان الجنه لا تدخلها العجایز-لا یدخلها العجائز (۳)

زنی به نام اشجعیه نزد پیامبر اکرم بود، پیامبر فرمود: هیچ پیرزنی داخل بهشت نمی شود، پیرزن گریه کرد، رسول خدا فرمود، خداوند در قرآن سوره ی واقعه آیه ۳۵ الی ۳۷ می فرماید: آن ها (زنان) را ما در کمال حسن و زیبایی بیافریدیم و همیشه زنان را باکره گردانیده ایم و شوهر دوست، جوان و همسالان دلنواز (۴)،

فردای قیامت تمام مؤمنانی که شرایط رفتن به بهشت دارند منجمله، پیامبران همه به صورت شباب و جوانان وارد بهشت می شوند و جوانی آن ها پایدار و همیشگی است، وقتی که طبق روایت متواتر و مستند نبی اسلام، امام حسن و امام حسین سید و سرور جوانان اهل بهشت هستند و پدرشان علی ابن ابی طالب از آن دو بهتر است

۱- ۱. رواه البزار و الطبرانی فی الاوسط و فیه علی ابن عابس و هو ضعیف مجمع الزوائد ج۹ ص۵۳

۲- ۲. سنن ترمذی ج۴ ص۶۷۹ ح۲۵۳۹ باب ۸-مجمع الزوائد ج ۱۰ ص۳۹۹

۳- ۳. زادالمسیر ابن جوزی ج۵ص۲۵۱

۴ - ۴. طرائف سید ابن طاوس ص۱۱۴-بحارالانوار ج ۶۹ص۱۳۹،شرح احقاق الحق ج۳ ص۱۸۴، المناظرات فی الامامه ص۱۹۷، عیون الاخبارالرضا ج ۱ص۱۹۹، حکایت و مناظرات محمدرضا منصوری ص ۴۵۵- سرای دیگر شهید آیت الله دستغیب شیرازی ص۱۶۱، تفسیر منهج الصادقین ج۹ص ۱۴۸

معنایش این است که امام حسن و امام حسین و مولا علی و ائمه ۱۲ گانه شیعه از تمام پیامبران غیر از رسول اکرم افضل و برتر می باشند، مولا علی و ۱۱ فرزند خلفش که امام معصوم هستند یعنی ۱۲ ائمه معصوم شیعه از اهل بیت مطهر و خاص الخاص نبی اسلام هستند و هیچ کس با آنان قابل مقایسه و برابری نیست، یعنی ما، نباید، پیامبران، فرشتگان را با ائمه ۱۲ گانه ی شیعه مقایسه کنیم، فقط رسول اکرم از ائمه ۱۲ گانه شیعه برتر است آن هم در نبوت خاصه (یعنی خاتم الانبیایی)

پیامبر اکرم فرمود: ما، خاندان شجره نبوت و معدن رسالت هستیم و هیچ کس جزء من بر اهل بیتم برتری ندارد

نحن اهل بیت شجره النبوه و معدن الرساله لیس احد من الخلائق یفضل اهل بیتی غیری. (۱)

قال علی: نحن اهل بیت لا یوازینا احد – (۲)

پیامبر اکرم فرمود: ما خاندان و اهل بیتی هستیم که هیچ کس با ما، مقایسه و سنجیده نمی شود:

نحن اهل البیت لا یقاس بنا احد. (۳)

نبی اسلام فرمود: ما اهل بیتی هستیم که هیچ کس با ما برابر نهاد نمی شود.

نحن اهل البیت لایقابل بنا احد. (۴)

مولا علی فرمود: هیچ کس از این امت با خاندان و آل محمد مقایسه نمی شود و برابری نمی کند.

لایقاس بآل محمد من هذه الامه احد. (۵)

مولا علی فرمود: ما اهل بیتی هستیم که هیچ کس با ما مقایسه نخواهد شد.

ص:۱۱۷

۱- ۱. احقاق الحق ج۹ ص۳۷۸، الامالی للشجری ج۱ص۱۵۴ عن الامام علی، نقلاً عن المناقب ابن مغازلی، اهل بیت در قرآن حدیث ص ۳۳۶- ری شهری
۲- ۲. حلیه الاولیاءج ۷ ص ۲۰۱
۳- ۳. الفردوس دیلمی ج۴ص۲۸۳، ذخایرالعقبی ص۱۷، کنزالعمال ج۱۲ص۱۰۴، بحارالانوار ج۶۸ ص۴۵، معانی الاخبار ص۱۷۹، اهل بیت در قرآن و حدیث استاد ری شهری ص ۳۸۰
۴- ۴. ارشاد القلوب ص۴۰۴، معانی الاخبار ص۱۷۹، امالی الصدوق ص۵۶۳، بشاره المصطفی ص۱۵۱
۵- ۵. نهج البلاغه خطبه ی ۲ – غرر الحکم ج۶ص۴۳۲، عیون الحکم و المواعظ ص۵۳۵، بحارالانوار ج۲۳ ص ۱۱۷

نحن اهل البیت لا یقاس بنا احد. (۱)

مولا علی فرمود: ما خاندانی هستیم که با مردم مقایسه نمی شویم، مردی بلند شد و این خبر را به ابن عباس رساند، او گفت، علی راست گفته است، آیا چنین نیست که پیامبر اکرم با مردم مقایسه نمی شود، درباره ی علی نیز این آیه نازل شده اولئک هم خیرالبریه، آن ها بهترین مردم هستند.

قال لی علی: نحن اهل بیت لا نقاس بالناس(۲)

امام صادق علیه السلام فرمود: نحن اهل البیت لا یقاس بنا احد(۳)

با ما اهل بیت کسی قابل مقایسه و برابری نیست. (۴)عبدالله ابن عمر می گوید: علی علیه السلام از اهل بیت پیامبر است که احدی با او مقایسه نمی شود او با پیامبر در یک درجه است.

علی من اهل البیت لا یقاس به احد هو مع رسول الله فی درجته. (۵)

ای انصاری وهابی، وقتی پیامبر اکرم، مولا علی و امام صادق و سایر ائمه هدی و حتی ابن عمر شما می گویند احدی و شخصی با اهل بیت مطهر و خاص پیامبر اکرم، که همان ائمه ۱۲ گانه شیعه باشند برابری نمی کنند و نباید اصلاً با احدی آنان را مقایسه کرد چه برسد که پیامبران را از آنان بالاتر بدانی آیا غیر از رسول اسلام، انبیاء و پیامبران جزء آنان اشخاص و احدان هستند یا نه؟ که هستند، پس ۱۴ نور مقدس الهی را نباید با سایر خلق که انبیاء و فرشتگان جزء آنان هستند اصلاً مقایسه کرد، مولا علی می فرماید: خداوند به من ۱۰ چیز اعطا کرده و به هیچ کس دیگر لطف نکرده حتی پیامبران و فرشتگان، مولا علی فرمود: من ۱۰ چیز از پیامبر خدا، دریافت نمودم که به هیچ احدی پیش از من داده نشده و بعد از من نیز به هیچ کس داده

---

۱ - ۱. عیون الاخبار ج۲ص۶۶، شرح الاخبار ج۲ص۲۰۲، نهج الحق ص۲۵۳، کشف الغمه ج ۱ص ۳۰، بحارالانوار ج ۲۶ص۲۶۹

۲- ۲. . مناقب ابن شهر آشوب ج۳ص۶۷، ابونعیم در فیما نزل القرآن فی علی، بحارج۳۸ص۸

۳- ۳. احدکنز العمال ج ۱۲ ص ۱۰۴ ح ۳۴۲۰۱ – الفردوس الدیلمی ج ۴ ح ۶۸۳۸ ص ۲۸۳ – کنوز الحقائق ج ۲ص ۲۳۲ ح ۸۱۰۴ – ذخائر الاعقبی ص ۱۷ مناقب ابن مردویه ص ۲۱۳ ح ۲۹۴

۴- ۴. علل شرایع ص۱۷۷، بحارالانوارج۲۲ص۴۰۶

۵- ۵. جواهر المطالب ابن دمشقی۱ص۲۲۴،ریاض النضره ج ۲ ص ۲۰۸-شواهد التنزیل ج ۲ص ۲۷۱-مناقب امام احمد ،ابن جوزی ص ۱۶۳ – ینابیع الموده ج ۱ص ۴۵۹

نخواهد شد پیامبر به من فرمود: ای علی تو برادر من در دنیا و برادرم در آخرت هستی و در روز قیامت در میان همگان، نزدیک ترین موقف به من را خواهی داشت و خانه من و خانه تو در بهشت، روبروی یکدیگر است، مانند خانه دو برادر و تو وصی و ولی و وزیری، دشمن تو دشمن من و دشمن خداست و دوست تو، دوست من و دوست من دوست خداست

کان لی عشر من رسول الله لم یعطهن احد قبلی و لا یعطاهن احد بعدی قال لی یا علی انت اخی فی الدنیا و اخی فی الاخره و انت اقرب الناس منی موقفاً یوم القیامه و منزلی و منزلک فی الجنه متو اجهان کمنزل الاخوین و انت الوصی و انت الولی و انت الوزیر عدوک عدوی و عدوی الله و ولیک ولیی و ولیی ولی الله(۱)

مولا ـ علی فرمود: ای مردم مرا، از سوی پیامبر خدا، ۱۰ خصلت به یادگار است که آن ها نزد من محبوب تر از همه آن چه آفتاب به آن ها می تابند هست، پیامبر خدا به من فرمود:

تو برادر من در دنیا هستی

تو نزدیک ترین خلایق نسبت به من هستی

منزل تو رو به روی منزل من در بهشت می باشد

تو وارث منی

تو وصی من بعد از من هستی

تو حافظ اهل من به هنگام غیبتم هستی

تو امام و پیشوای امت من می باشی

تو قائم به قسط و عدل در امت من هستی

تو ولی من هستی و ولی ولی الله

دشمن تو، دشمن من و دشمن خدا می باشد.

شبیه این روایت را قندوزی حنفی در ینابیع الموده ج ۱ ص ۳۶۲ از جابر عبدالله انصاری نقل کرده که پیامبر اسلام فرمود در وجود علی خصلت هایی است که اگر یکی از آنها در کسی می بود برای شرف و برتری او کافی بود —لقد سمعت رسول الله

۱- ۱. امالی صدوق ص۱۳۲ مجلس ۱۸ح۸

یقول فی علی خصالا لو کانت واحده منها فی رجل اکتفی بها فضلا وشرفا قوله: من کنت مولاه و قوله علی منی کهارون من موسی و قوله: علی منی و انا منه وقوله: علی منی کنفسی طاعته طاعتی و معصیته معصیتی و قوله: حرب علی حرب الله وسلم علی سلم الله وقوله: ولی علی ولی الله وعدو علی عدوالله وقوله: علی حجه الله علی عباده و قوله: حب علی حب الله وبغضه کفر وقوله: حزب علی حزب الله و حزب اعداءه حزب الشیطان و قوله علی مع الحق والحق معه لا یفترقان وقوله: علی قسیم الجنه والنار وقوله من فارق علیا فقد فارقنی ومن فارقنی فقد فارق الله وقوله: شیعه علی هم الفائزون یوم القیامه

ایها الناس انه کان لی من رسول الله عشر خصال هن احب الی مما طلعت علیه اشمس قال لی رسول الله: یا علی انت اخی فی الدنیا و الاخره و انت اقرب الخلائق الی یوم القیامه فی الموقف بین یدی الجبار، و منزلک فی الجنه مواجه منزلی کما یتواجه منازل الاخوان فی الله، و انت الوارث منی، و انت الوصی من بعدی فی عداتی و امری و انت الحافظ لی فی اهلی عند غیبتی و انت الامام لامتی و القائم بالقسط فی رعیتی و انت ولی و ولی ولی الله و عدوک عدوی و عدوی عدوالله. (۱)

مولا علی فرمود: به من خصلت هایی داده شده که پیش از من به کسی داده نشده (یعنی تمام خلائق حتی پیامبران به غیر از رسول اسلام) از مرگ و اجل مردمان آگاهم، نژادها و احکام مطابق با واقع آن را می دانم، علم گذشته و آینده به من داده شده و از دستم نرفته به اذن خدا مژده می دهم و به مردم ابلاغ می نمایم، همه اینها به عنایت خاصه خداست که به علم خود مرا به آن قدرت داده است.

و لقد اعطیت خصالاً ما سبقنی الیها احد قبلی، علمت المنایا و البلایا و الانساب و فصل الخطاب فلم یفتنی ما سبقنی. (۲)

اوتیت ثلاثا یوتهن احد ولا انا اوتیت صهرا مثلی ولم اوت انا مثلک و اوتیت زوجه صدیقه مثل ابنتی و لم اوت مثلها زوجه و اوتیت الحسن والحسین من صلبک ولم یات من صلبی مثلها .. یا علی اعطیت ثلاثا لم یجتمعن لغیرک مصاهرتی و زوجک و ولدیک –(۳)

حافظ ابوجعفر احمدبن عبدالله معروف به محب طبری در کتاب ریاض النضره ج۲ص۲۰۲ از ابو سعید نقل کرده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به مولا علی فرمود: خداوند به تو ۳ نعمت داده که به من نداده اول پدر زنی چون من به تو داده و به من چنین

۱- ۱. امامی شیخ مفید ص۲۴۲ مجلس ۲۲ح۴،

۲- ۲. اصول کافی ج۱ص۴۵۲ باب ان الائمه هم ارکان الارض ح اول

۳- ۳. ریاض النضره ج ۳ ص ۱۷۳ – المناقب المرتضویه کشفی ترمزی حنفی – مناقب ابن مردویه ص ۱۸۰

پدرزنی نداده، دوم: این که به تو همسری چون فاطمه داده که صدیقه است و چنین همسری به من نداده، سوم: این که به تو فرزندانی چون امام حسن و امام حسین داده و از صلب به من نداده،

انصاری وهابی، وقتی که رسول مکرم اسلام افضل تمام مخلوقات می گوید: ای علی این ۳ امتیازی که تو داری من ندارم، چگونه پیامبران دیگر بر مولاـ علی افضل می توانند باشند، ای انصاری وهابی طبق روایاتی که از منابع سنی و شیعه رسیده، هفت خصلت ویژه پیامبر و اهل بیت مطهرش داشته اند که احدی از خلائق نه قبل از آنان و نه بعد از آنان همانند و مثل آنان نداشته است، پیامبر اکرم خطاب به حضرت زهرا فرمود: ای فاطمه، ما اهل بیت هفت خصلت ویژه داریم که به هیچ کس غیر از ما از گذشتگان و آیندگان داده نشده است چه قبل از ما و چه قبل از سایر پیامبران (در این حدیث پیامبر اسلام، اهل بیت مطهرش را که همان ائمه ۱۲ گانه شیعه باشد در کنار و ردیف و رتبه خود ذکر کرده است)

پیغمبر ما، برترین پیغمبران است و آن پدر توست

وصی ما، برترین اوصیاء است و آن شوهر توست

شهید ما، برترین شهداء است و آن حمزه (عموی من) است

و از ما می باشد کسی که به دو بال عطاء شده و در بهشت با آن دو بال، هرجا که بخواهد پرواز می کند و او جعفر پسر عموی توست

و از ما هستند دو سبط و دو سرور جوانان اهل بهشت و آن دو فرزندان تو (حسن و حسین) می باشند

و قسم به خدایی که جان من در دستان اوست از ما است مهدی این امت

یا فاطمه انا اهل الابیت اعطینا سبع خصال لم یعطها احد من الاولین و الاخرین قبلنا و قبل الانبیاء و لا یدرکها احد من الاخرین غیرنا، نبینا افضل الانبیاء و هو ابوک، و وصینا افضل الاوصیاء و هو بعلک و شهیدنا خیرالشهداء و هو حمزه و منا من له جناحان یطیر بهما فی الجنه حیث یشاء و هو جعفر ابن عمک و مناسبط هذه الامه و هما ابناک و منا و الذی نفسی بیده مهدی هذه الامه. (۱)

۱ - ۱. مناقب ابن مغازلی ص۱۰۱ ح ۱۴۴ العمده ابن طریق ص۲۶۷، مجمع الزوائد ج۹ص۱۶۵، تاریخ دمشق ج۴۲ص۱۳۰، المعجم الکبیر ج۳ص۵۷، نهج الایمان ابن جبر ص۲۲۸، الخصال ص۴۱۲ ح۱۶،ح ۱۴۹۶۸ – مجمع الزوائد ج ۹ باب مناقب امام علی کرواه الطبرانی و فیه قیس بن الربیع و هو ضعیف و قد وثق و بقیه رجاله ثقات

پیامبر اکرم فرمود: به ما اهل بیت، هفت ویژگی داده شـده است که به هیـچ کس پیش از ما، یا پس از ما داده نشـده و نخواهد شد زیبایی، گشاده زبانی، گذشت، دلیری، بردباری، دانش، دوست داشتن زنان

اعطینا اهل البیت سبعه لم یعطهن احد قبلنا و لا یعطها احد بعدنا، الصاحبه، و الفصاحه، و السـماحه و الشجاعه و الحلم و العلم و المحبه من نساء. (۱)

پیامبر اکرم فرمود: خداوند، ۱۰ فضـیلت در ما جمع کرده که نه به گذشـتگان داده و نه به آیندگان عطا کرده است در ماست: حکمت، بردبـاری، دانش، نبوت، گـذشت، دلیری، میـانه روی، راستی، پـاکی و پاکـدامنی، مـاییم که خداونـد به دوستی با ما، فرمان داده است.

جمع الله عشـر خصـال لم یجمعهـا لاحـد قبلنـا ولاـتکون فی احـد غیرنـا، فینا الحکم والحلم والعلم والنبوه والسـماحه والشـجاعه والقصـد والصـدق والطهور والعفاف و نحن کلمه التقوی و سـبل الهـدی والمثل الاعلی والحجه العظمی والعروه الوثقی والحبل المتین و نحن الذین امرالله لنا بالموده(۲)

مولاـ علی راجع به فضائـل اهـل بیت عصـمت و طهارت که ائمه ی ۱۲ گانه باشـند می فرمایـد: آیات مدح درباره ی ایشان در قرآن نازل شده و آنان گنج های خداوند هسـتند اگر سـخن بگویند راست گویند و دیگران بر آنان پیشی و سبقت نمی توانند بگیرند.

فیهم کرائم القران و هم کنوز الرحمن،ان نطقوا صدقوا و ان صمتوا لم یسقبوا (۳)

امام رضا فرمود: ما خانـدان محمـدیم و بر راه میانه ای قرار داریم که نه تنـد رو به ما می رسد و نه آن که از پس می آید از ما پیشی می گیرد.

نحن آل محمد النمط الاوسط الذی لا یدرکنا الغالی و لا یسبقنا التالی، (۴)

امـام سـجاد در مجلس یزیـد ملعون فرمود: ای مردم به ما ۶ سـرشت بخشیده شده و به ۷ امر فضـیلت داده شـده ایم، به ما، علم، بردباری، گذشت، گشاده زبانی، دلیری و

۱- ۱. مناقب ابن مغازلی۲۵۹، ذخایر العقبی ص۴۵،

۲- ۲. . الخصال ص۴۳۳، تفسیر فرات ص۳۰۷، بحارالانوار ج۲۶ ص۲۴۴

۳- ۳. نهج البلاغه خطبه ی ۱۵۴

۴- ۴. بحار ج۴ص ۴۰ ح۱۸

محبت در دل مؤمنان بخشیده شده است، و برتری داده شده ایم به این که پیامبر برگزیده، محمد از ماست و صدیق از ماست و طیار از ماست و شیرخدا و شیر پیامبر از ماست، و سرور بانوان جهان، فاطمه بتول از ماست، و دو نوه این امت و سالار جوانان بهشتی از ماست.

یا ایها الناس اعطیناستا و فضلنا بسبع، اعطینا العلم و الحلم و السماحه و الفصاحه و الشجاعه و المحبه فی قلوب المؤمنین و فضلنا بان منا النبی المختار محمداً و منا الصدیق منا الطیار و منا اسدالله و اسد الرسول و مناسیده نساء العالمین فاطمه البتول و مناسبط هذه الامه و سید اشباب اهل الجنه. (۱)

مولا علی فرمود: هر آن چه پیامبران تا خاتم الانبیاء بدان فضیلت داده شده اند در خاندان و عترت محمد صلی الله علیه و آله است.

وجمیع ما فضلت به النبیون الی خاتم النبیین فی عتره محمد.(۲)

پیامبر اکرم فرمود: علی بن ابی طالب سید و سرور تمام مؤمنان و امام و پیشوای تمام پرهیزگاران است،

ای انصاری سلفی و وهابی آیا، پیامبران جزء مؤمنان و با تقوایان هستند یا نه؟ بله که هستند پس طبق این فرمایش نبی اسلام، علی ابن ابی طالب علیه السلام بر تمام پیامبران و فرشتگان به غیر از رسول اکرم افضل، برتر و امام می باشد

ان الله تبارک و تعالی اوحی الی فی علی ثلاثه اشیاء لیله اسری بی انه سید المؤمنین و امام المتقین و قائد الغر المحجلین. (۳)

و.. .فیقول عیسی انت اولی بالصلاه فیصلی عیسی وراء

نماز خواندن حضرت عیسی پشت سر، حضرت مهدی در آخرالزمان هنگام ظهور مهدی موعود، دلیل بر این است که، ائمه ۱۲ گانه شیعه بر تمام پیامبران غیراز رسول اکرم افضل هستند ان عیسی یصلی خلفنا و هو نبی الا ونحن افضل منه (۴)

یجتمع المهدی و عیسی بن مریم فیجی وقت الصلاه فیقول المهدی لعیسی تقدم، فیقول انت اولی بالصلاه فیصلی عیسی وراء بالصلاه ماموماً. (۵)،

۱- ۱. مقتل الحسین خوارزمی ج۲ص۶۹
۲- ۲. الارشاد ج۱ص۲۳۲
۳- ۳. مستدرک حاکم ج۳ص۱۳۷، تاریخ بغدادج۱۱ص۱۱۴
۴- ۴. بحار ج ۲۴ ص ۳۲۹
۵- ۵. تذکره الخواص ابن جوزی ص۴۷۹

فیتاخر الامام ای المهدی فیقدمهعیسی و یصلی خلفه علی شریعه محمد و یقول: انتم اهل البیت لا یتقدمکم احد (۱)

عیسی با امام زمان بیعت می کند و می گوید: نماز برای تو بسته شده من به عنوان وزیر برانگیخته شده ام –

فیقول انما اقیمت الصلاه لک انما بعثت وزیرا و لم ابعث امیرا (۲)

ابن جوزی می گوید: اگر مهدی پشت سر عیسی نماز بخواند به دو دلیل درست نیست

زیرا وی به عنوان امام قیام می کند اگر پشت سر عیسی نماز بخواند از امام بودن بیرون می آید و تابع می گردد

چون پیامبر فرمود: پیامبری پس از من نیست زیرا وی تمام شرایع را نسخ فرمود، بنابراین اگر پشت سر عیسی نماز بخواند، چهره لانبی بعدی: یعنی پیامبری پس از من نیست را غبار شبهه می پوشاند– (۳)

قلت فلو صلی المهدی خلف عیسی لم یجز لوجهین احدهما لانه یخرج عن الامامه بصلاته و ماموما فیصیر تبعا والثانی: لان النبی قال لا نبی بعدی و قد نسخ جمیع شرائع فلو صلی عیسی بالمهدی لتندس وجه لا نبی بعدی بغبار والشبهه (۴)

صل بنا فیقول: لاان بعضکم علی بعض امراءتکرمه لهذ الامه (۵)

و کیف یکون فخر هذه الامه و عیسی روح الله یصلی وراء امامهم

یلتفت المهدی و قد نزل عیسی بن مریم کانما یقطر من شعره الماء فیقول المهدی: تقدم وصل بالناس فیقول عیسی بن مریم: انما اقیمت الصلاه لک فیصلی عیسی خلف رجل من ولدی...

مهدی می بیند که عیسی فرود آمده و گویا آب از موهایش می چکد پس به او می گوید: جلو برو، به نماز بایست، عیسی پاسخ می دهد: نماز برای تو به پا شده و آن گاه پشت سر مهدی به نماز می ایستد. (۶)

ینزل عیسی بن مریم فیقول امیرهم صل لنا فیقول... کیف انتم اذا نزل فیکم ابن

۱- ۱. یوم الخلاص ص ۳۴۶

۲- ۲. – منتخب الاثر ص ۳۱۶

۳- ۳. عمده القاری ج ۱۶ ص ۴۰ – فتح الباری مساله ۳۲۶۵

۴- ۴. صحیح ابن حیان ج ۱۵ ص ۲۱۳ – فیض القدیر ج ۵ص ۷۴

۵- ۵. – الدر المنثور ج ۲ص ۲۴۳

۶- ۶. مقدسی شافعی در عقد الدرر ص۲۹۲

مریم و امامکم منکم، منا الذی یصلی عیسی بن مریم من خلفه. (۱)

ابن حجر در صواعق ص۹۹ می نویسد: احادیث نماز خواندن عیسی پشت سر مهدی متواتر است، (۲)

تواترات الاخبار بان المهدی من هذه الامه و ان عیسی یصلی خلفه- (۳)

و فی صلاه عیسی خلف رجل من هذه الامه مع کونه فی آخر الزمان ...دلاله للصحیح من الاقوال ان الارض لا تخلو عن قاءم الله بحجه (۴)

لان نزول عیسی بن مریم لقتل الدجال یکون فی زمانه و یصلی خلف المهدی کما جاءت به الاحادیث. (۵)

فان صلی عیسی خلف المهدی ثابته فی عده احادیث باخبارالرسول- الحاوی،

پیامبر اکرم فرمود: مهدی از نسل من است و چون خروج کند، عیسی ابن مریم نازل می شود برای یاری او، و پشت سر او نماز می خواند.

صلاه عیسی خلف المهدی یدل علی الفضیله المهدی علی عیسی، (۶)

من ذریتی المهدی اذا خرج نزل عیسی بن مریم لنصرته فیقدمه و یصلی خلفه. (۷)

پیامبر اکرم فرمود: ائمه و امامان بعد ازمن ۱۲ نفر از اهل بیت من هستند اول آنان علی، اوسط آنان محمد و آخرین نفر آنان محمد، مهدی این امت است، که عیسی بن مریم پشت سر او نماز می خواند.

ان الائمه بعدی اثنا عشر من اهل بیتی علی اولهم و اوسطهم محمد و آخرهم محمد مهدی هذه الامه الذی یصلی عیسی بن مریم خلفه. (۸)

از جمله ادله حدیثی که، سخنان واهی، انصاری وهابی را رد می کند، حدیث معروف و مشهوری است که شیعه و سنی نقل کرده اند از کلام رسول اکرم که فرمود:

ص:۱۲۵

۱- ۱. صحیح مسلم ج ۱ ص ۹۵، مسند احمد حنبل ج۱ ص۹۵، فتح الباری ج ۶ ص ۳۵۸، سنن الکبری ج ص، الدیباج علی مسلم، ج ۱ ص ۱۷۹، تعلیق التعلیق ج ۲ ص ۴۰،

۲- ۲. الحاوی للفتاوی ج ۲ص ۲۰۲-

۳- ۳. فتح الباری. مساله ۳۲۶۵

۴- ۴. — تهذیب التهذیب ابن حجر ج ۹ص ۱۲۹ عمده القاری ج ۱۶ ص ۴۰

۵- ۵. جواهر العقدین علامه سمهودی ص۲۶۲،

۶- ۶. صحیح مسلم ج ۲ ص ۱۳۳.

۷- ۷. احتجاج طبرسی ج۱ ص ۹۸

۸- ۸. کفایه الاثر ص ۷۹، اصول دین مقدس اردبیلی ص۱۷۰

علمای عامل امت من از پیامبران بنی اسرائیل افضل هستند!! ای انصاری سلفی مگر نمی گویی تمام پیامبران از تمام مردم جهان افضل هستند و دلیل از قرآن هم می آوری با این حدیث چه می کنی، شاید بگویی این حدیث معارض باکلام خداست و کلام خدا (قرآن) افضل از حدیث است ولی وقتی ما به روایت متواتر سنی و شیعه در ذیل تفاسیر قرآن نگاه می کنیم می بینیم منظور این عالم امت که افضل از پیامبران بنی اسرائیل است، عالمان آل محمد و وارثان علوم الهی پیامبر، ائمه ۱۲ گانه شیعه هستند که پیامبر اکرم درباره ی یکی از آنان که مولا علی باشد فرمود: من شهر علم هستم و علی درب آن است،

من سره ان یحی حیاتی و یموت مماتی و یسکن جنه عدن التی غرسها ربی فلیو ال علیاً من بعدی و لیقتد بالائمه باهل بیتی من بعدی فانهم عترتی، خلقوا من طینتی و رزقوا فهما و علماء (فهی و علمی(۱)

قال رسول الله: انا مدینه العلم و علی بابها. (۲)

هذا حدیث صحیح الاسناد و لم یخرجاه قال النبی: علماء امتی کانبیاء بنی اسرائیل، علماء امتی افضل من انبیاء بنی اسرائیل. (۳)

برای مثال در پیامبران، حضرت عیسی بدون پدر دنیا آمده، مرده زنده کرده، در گهواره حرف زده، از مجسمه گل، پرنده ی زنده خلق کرده، از غیب خبر داده حتی از خفیات شخصی مردم در منازلشان عروج به آسمان کرده و در هنگام ظهور مهدی موعود، از بهشت به عالم دنیا نزول می کند، آیا این دلیل می شود چون بعضی از این صفات و اعمال و خصائص در نبی اکرم نبوده، عیسی بر او افضل و برتر باشد؛؟! از جمله روایاتی که نشان می دهد مولا علی از تمام پیامبران غیر از رسول اسلام افضل می باشد، حدیث علم دار و صاحب لواء الحمد بودن مولا علی است- یعنی حضرت علی پرچم دار و صاحب لواء الحمد، نبی اسلام است و زودتر از تمام پیامبران وارد بهشت می شود حتی از رسول اسلام زودتر وارد جنت الهی می گردد.

اول من یدخل الجنه من النبیین و الصدیقین علی ابن ابی طالب، بلی ولکن اما علمت ان حامل لواء القوم امامهم و علی حامل لواء الحمد یوم القیامه بین یدی و

ص:۱۲۶

۱- ۱. مستدرک حاکم ج۳ ص۱۲۸، معجم الکبیر ج۵ ص ۲۲۰ و...

۲- ۲. مستدرک حاکم ج۳ ص۱۳۷ ح۴۵۷۴

۳- ۳. فیض القدیر مناوی ج۱ ص۲۱، المحصول فخر رازی ج۵ ص۷۱، تفسیر بیضاوی ج۳ ص۱۴۹

هو صاحب رایتی فیدخل الجنه قبلی.

مولاـ علی می فرمایـد: رسـول اکرم به من فرمـود: ای علی تو اولین نفر هسـتی که وارد بهشت می شود عرض کردم: ای رسول خدا، آیا پیش از شما وارد بهشت می شوم؟ فرمود: آری زیرا تو پرچم دار من در آخرتی، هم چنان که در دنیا پرچمدار و علم دار من هستی و پرچم دار پیشرو است. (۱)پیامبر اکرم فرمود: تو ای علی در دنیا و آخرت پرچم دار منی.

و انت صاحب لوائی فی الدنیا و الاخره. (۲)

پیـامبر اکرم فرمود: ای علی فردای قیـامت لوا و پرچم حمـد در دست توست و بـا آن میان دو صف راه می روی، آدم و تمامی آفرید گان در روز قیامت زیر سایه ی لوای من گرد می آیند.

فیدفع الیک لوائی و هو لواء الحمد، فتسیر به بین السماطین و ان آدم و جمیع من خلق الله یستظلون بظل لوائی یوم القیامه. (۳)

عبدالله بن سلام می گوید: به پیامبر اکرم عرضه داشتم که مرا از لواء حمد و صفات آن باخبر کن، پیامبر اکرم ویژگی های آن لواء و پرچم رابیـان فرمود سـپس فرمودنـد حمل کننـده آن در دنیا جزء علی ابن ابی طالب نیست و زیرا آن لواء مؤمنان، اولیاء الله، پیروان خدا و پیروان من و دوستان من و شیعه علی و دوستان علی و یاوران او، قرار می گیرند.

یحملها الذی یحمل لوائی فی الدنیا علی ابن ابی طالب

انصاری سـلفی، آیا پیامبران، اولیاء و دوستان خدا نیستند؟ پس طبق این حدیث انبیاء زیر لوا و پرچم مولا علی باید قرار بگیرند و غیر از رسول اکرم، سایر پیامبران بر علی و ائمه هدی افضل نیستند. (۴)

جابر بن سمره از پیامبر اکرم سؤال شد صاحب لواء و پرچم شما در آخرت کیست؟ رسول خدا فرمود: صاحب لواء و پرچم من در آخرت، صاحب لواء و علم دار

۱- ۱. علل شرایع ج۱ ص۱۷۲–امالی صدوق ص۳۵۴ ح۴۳۲

۲- ۲. کنزالعمال ج۱۱ باب سوم ص ۶۱۲ ح۳۲۹۶۵ و ص۶۱۵ ح۳۲۹۸۳

۳ – ۳. الفضائـل الاحمـد حنبـل ج۲ ص۶۶۳ ح۱۱۳۱، منـاقب خـوارزمی ص۱۴۰ح۱۵۹- ینـابیع المـوده قنـدوزی ج۲ باب۵۰ ص۳۷۶ح۱

۴- ۴. ریاض النضره طبری ج۲ ص۲۰۱، موده القربی همدانی ص۲۱، الغدیر امینی ج۲ ص۴۶۵

من در دنیا علی بن ابی طالب است، یعنی همان طور که علی علیه السلام در دنیا علم دار من است در آخرت نیز صاحب لواء و علم دار من است.

عن جابربن سمره قال: قیل یا رسول الله من صاحب لواک فی الاخره؟ قال: صاحب لوای فی الدنیا علی ابن ابیطالب. (۱)

علی ابن ابی طالب امینی غداً فی القیامه و صاحب رایتی فی القیامه کفایه الطالب گنجی شافعی ص۳۲۸ الباب اسادس و الخمسون، (۲)

عن جابربن سمره قال قیل: یا رسول الله من یحمل رایتک یوم القیامه؟ قال: من عسی ان یحملها الامن حملها فی الدنیا علی ابن ابی طالب. (۳)

حضرت علی علیه السلام به این حدیث در محفل و مجلس اعضای شوری، احتجاج فرموده است-حضرت فرمود: شما را به خدا سوگند می دهم آیا جزء من کسی در میان شماست که رسول خدا به او فرموده باشد: که تو صاحب علم و رایت من در دنیا و آخرتی؟ گفتند: نه

نشدتکم بالله هل فیکم احد قال له رسول الله: انت صاحب رایتی فی الدنیا و صاحی لوائی فی الاخره غیری؟ قالوا: لا . (۴)

طبرانی در کتاب های المعجم الکبیر و المعجم اصغیر المعجم الاوسط حدود ۷۹ حدیث در باب صاحب پرچم بودن رسول الله توسط مولا علی (یعنی علم دار بودن) نقل کرده است، ابن عباس می گوید: همانا علی علیه السلام همیشه صاحب پرچم پیامبر و علمدار رسول الله بود در کل مواطن

ان علیاً کان صاحب رایه رسول الله(۵)

از جمله روایاتی که برتری مولاـ علی را بر تمام پیامبران به غیر از رسول اکرم، به طور واضح نشان می دهد، حدیث شجره است—رسول اکرم: ای علی، مردم از درخت های مختلف و گوناگون می باشند ولی من و تو از یک درخت می باشیم.

یا علی، الناس من شجرشتی و انا و انت من شجر واحده

۱- ۱. مناقب ابن مغازلی ح۲۳۷ ص۱۹۲، عمده القاری عینی ج۱۶ ص۲۱۵

۲- ۲. حلیه الاولیا ابونعیم ج۱ ص۶۶، تاریخ بغداد ج۱۴ ص۹۹، تاریخ دمشق ابن عساکر ج۴۲ ص۳۲۹

۳- ۳. کفایه الطالب الباب الخامس و التسعون ص۵۴۶-تاریخ دمشق ج۴۲ ص۷۴ مناقب کوفی ج۱ص۵۸۶، المعجم الکبیر ج۲ ص۲۴۷و...

۴- ۴. احتجاج طبرسی ج۱ ص۲۸۳

۵- ۵. ...المعجم الکبیر ج۱ ح۹۴۱، المعجم الاوسط ج۱ ح۵۵۹، و...

ای انصاری وهابی، آیا طبق قائده این حدیث پیامبران جزء ناس و مردم نمی باشند؟! وقتی مولا علی و پیامبر با هم از یک ریشه واحده و مساوی هستند، انبیاء هم که جزء مردم می باشند از یک شجره نبوت، جداگانه هستند و این حدیث برتری مولا علی را بر تمام ناس و انبیاء را به غیر از رسول اسلام می رساند.

خلق الناس من اشجارشتی و خلقت انا و علی من شجره واحده فانا اصلها و علی فرعها، انا و علی من شجره و الناس من اشجارشتی، خلقت انا و انت من شجره فانا اصلها و انت فرعها.(۱).

انا وعلی من شجره الواحدهو سائر الناس من شجر شتی –(۲)

حاکم نیشابوری از جابر بن عبدالله روایت می کند که گفت: از رسول خدا شنیدم که به علی می فرمود: یا علی، مردم هر یک از یک شجره اند ولی من و تو از یک شجره هستیم آن گاه این آیه را تلاوت فرمود:

و جنات من اعناب و زرع و نخیل صنوان و غیر صنوان یسقی بماء واحد(رعد ۴) نبی اکرم به مولاـ فرمود: خیر الاولین والآخرین من اهل السماوات والارضین (۳)

هم چنین حاکم نیشابوری می گوید: این حدیث از احادیثی است که سندش صحیح است که سیوطی و ابن مردویه هم آن را نقل کرده اند. (۴)

پیامبر اکرم فرمود: ما پیامبران برادریم و من افضل پیامبرانم و محبوب ترین برادران نزد من علی ابن ابی طالب است و او نزد من از تمام پیامبران افضل و برتر است پس هر که خیال کند، پیامبران از علی افضل و برترند مرا از انبیاء کوچکتر دانسته و هر کس مرا، از پیامبران کوچکتر شمارد کافر شده است زیرا من علی را برادر خود قرار دادم به دلیل فضیلتی که در او سراغ داشتم و دستوری که پروردگارم

۱- ۱. مناقب ابن مغازلی ص۱۲۲ ح۱۳۳، کفایه الطالب گنجی ص۱۷۸، میزان الاعتدال ذهبی ج۳ص۴۱، لسان المیزان ابن حجر ج۴ص۱۴۴، مقتل الحسین خوارزمی ص۱۰۸، کنزالعمال ج۱ ص۲۳۴، کنوزالحقائق فی احادیث خیر الخلائق، مناوی ص۱۵۵، ذخایر العقبی طبری

۲- ۲. المعجم الوسط ج ۵ ص ۸۹ ج۴۱۶۲

۳- ۳. – بحا ج ۲۷ ص ۳۰۶

۴- ۴. مستدرک الصحیحین ج۲ ص۲۴۱ و ج۳ ص۱۶۰، الدر المنثور ج۴ ص۴۴، تاریخ دمشق ج۱ ص۱۴۲، مجمع الزوائد ج۹ ص۱۰۰، شواهد التنزیل ج۱ ص۳۷۵ عن عائشه عن النبی: خیر اخوتی علی – صواعق المحرقه ابن حجر ص ۱۷۳–مناقب ابن مغازلی ح ۵۸ – الاصابه ابن حجر ج ۲ص ۲۳۴ اسد الغابه ج ۲ ص ۷۲

داده بود، (۱)

انا معاشـرالانبیاء اخوه و انـا افضـلهم و لاـحب الاـخوه الی علی ابن ابی طـالب. فهو عنـدی افضل من النبیاء فمن زعم ان الانبیاء افضل منه فقد جعلنی اقلهم ومن جعلنی اقلهم فقد کفر لانی لم اتخذ علیا اخا الا لما علمت من فضله

نبی اکرم فرمود: کسی را برعلی برتری ندهید که مرتد ودروغگو می شوید ولا تفضلوا علیه احدا فترتدوا (۲)

رسول اکرم صـلی الله علیه و آله و سـلم فرمود علی از من ومن از علی هستم و هر کس علی را با سایرن مقایسه کند به من ظلم کرده و هر کس به من ظلم کند مرا آزار داده و لعنت خدا برکسی که مرا آزار دهد

—علی ابن ابی طـالب منی و انـا منه فمن قاسه بغیره فقـد جفانی و من جفانی فقـد آذانی و من آذانی فعلیه لعنه ربی —(۳) و دفع فضله فقد تنقصنی :هر کس برتری علی را رد کند از من کم کرده امالی صدوق ص ۲۰۵

و حدیث مواخاه و اخوت که فراوان در منابع حدیثی اهل سـنت آمده این حدیث را تأیید می کند؛ پیامبر اکرم فرمود: ای علی، تو برادر منی و من برادر تو هستم، پس اگر کسی از تو بپرسد بگو بنده خدا و برادر رسول خدا هستم و هر کس جزء تو، چنین ادعائی بکند درغگوست.

انت و اخی و انا اخوک فان ذاکرک احد فقل: انا عبدالله و اخو رسول الله لایدعیها بعدک الا کذاب. (۴)

پیامبر اکرم فرمود: بر در بهشت نوشـته شـده است، محمد پیامبر و رسول خداست و علی برادر رسول خداست و این عبارت دو هزار سال قبل از خلقت آسمان ها نوشته شده است.

مکتوب علی باب الجنه «محمد رسول الله،علی اخو رسول الله» قبل ان یخلق الله السموات بالفی عام. (۵)

---

۱ – ۱. تفسیر برهـان علاـمه سید هـاشم بحرانی ج۴ ص۱۴۸، تأویـل الایات علامه سید شـریف الـدین ج۲ ص۵۶۴، الصراط المستقیم ج۱ ص۲۱۱

۲– ۲. بشاره المصطفی ص ۱۲۸ ح ۶۳ طرزالوفاء فی فضائل آل مصطفی ص۱۴۳مصری شافعی

۳– ۳. مائه منقبه ابن شاذان ص ۱۳۰ منقبه ۶۷

۴– ۴. مسند احمد حنبل ص۴۵، مناقب احمد حنبل ج۲ ص۱۶۸، ریاض النضره، طرائف سید ابن طاووس ص ۱۷۱

۵– ۵. منـاقب ابن مغـازلی شـافعی ح۱۳۴ص۱۲۲، حلیه الاولیـاء ج۷ص۲۵۶، تاریـخ بغداد ج۷ ص۳۸۷، میزان الاعتـدال ذهبی ج۱ص۲۶۹، لسـان المیزان ابن حجر ج۱ ص۴۵۷ و ج۴ ص۴۸۱، ذخـایر العقبی طبری ص۶۶، مسند احمد ج۵ ص۳۵۱، مجمع الزوائد ج۹ ص۱۱۱، الترمـذی ج ۵ص ۳۰۰ بـاب الفضل علی علیه السـلام ح۳۸۰۴ ،منتخب کنزالعمال ج۵ ص۳۵، موده القربی همدانی ص ۲۰، محب الدین طبری، مناقب خوارزمی ص۸۷، فیض القدیر ج۴ ص۳۵۵، شمس الاخبار ص ۳۵

می گوید: بزرگترین دلیل عظمت مقام علی نزد پیامبر اسلام، رفتار پیامبر در مورد برادری با اوست، هنگامی که پیامبر آغاز کرد که هر کدام از اصحابش را با همپایه و هم شکلش بپیوندد تا جایی که بین ابوبکر و عمر، پیوند برادری برقرار کرد، علی را برای خودش ذخیره گذارد و او را به خودش اختصاص داد، آیا هیچ افتخاری و فضیلتی می تواند با این فضیلت همپایه شود؟ (۱)

در روایتی دیگر آمده است که پیامبر، پیمان برادری میان هر دو نفر آن ها انداخت تا به یاری همدیگر و همکاری نسبت به هم ترغیب شوند و هر کدام را برادر کسی قرار داد که درجه اش در شکل و اندازه به او نزدیک تر بود. (۲)

عبدالفتاح المقصود در الامام علی ابن ابی طالب ص۷۳ می نویسد: پیامبر، برادری خود را تنها به علی اختصاص داد نه دیگران و علی به عنوان برادر دینی خود برگزید از طرح برادری خود با ابوبکر، عمر و حمزه آن شیر خدا و شیر پیامبر دریغ کرد ولی برای این برادر معنوی غیر از برادر هم خونی، جوانی را که تربیت شده ی دامن خودش بود، برگزید و او را بر هر دوستی دور یا نزدیک مقدم داشت(۳)

محمد بن اسحاق گوید: رسول خدا میان اصحابش از مهاجر و انصار عقد برادری برقرار کرد و در آن چه به ما رسیده است فرمود: به خدا پناه می برم از چیزی که نگفته است بر او بندم هر دو نفر با هم برادر شوید آن گاه دست علی ابن ابی طاالب را گرفت و گفت: این برادر من است، در نتیجه رسول خدا، که سید المرسلین امام متقین و رسول رب العالمین است واحدی به عظمت و بزرگی مقام او در میان بندگان خدا نیست، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و علی ابن ابی طالب برادر یکدیگر شدند. (۴)

۱- ۱. الریاض النضره ص۲۱۲، فرائد السمطین باب ۲۰- الفصول المهمه ص۲۲، الغدیر امینی ج۳ ص۱۶۲
۲- ۲. الصواعق ص ۷۳، تاریخ الخلفاء ص۱۱۴، الاصابه ج۲ ص۵۰۷، المواقف ج۳ ص۲۷۶، شرح المواهب ج۱ ص۳۷۳
۳- ۳. . الغدیر ج۳ ص۱۶۳
۴- ۴. تاریخ ابن هشام ج۲ ص۱۳۲، تاریخ ابن کثیر ج۳ ص۲۲۶، السیره الحلبیه ج۲ ص۱۰۱، الغدیر ج۳ ص۱۶۵

در حدیث لیله المبیت، خداوند به جبرئیل و میکائیل وحی فرستاد، چرا شما مثل علی ابن ابی طالب نشدید که میان او و محمد برادری افکندم. الغدیر ج۳ ص ۱۷۰

ذلک فاحی الله الی جبرئیل و میکائیل انی اخیت بینکما... فاحی الله الیهما افلا کنتما مثل علی ابن ابی طالب آخیت بینه و بین نبیی محمد رسول الله و آله و سلم(۱)

فاحی الله الیهما انی آخیت بین علی ولیی و بین محمد نبیی...

پس ای انصاری وهابی این عقد اخوت و برادری بین مولا علی و پیامبر اسلام از سوی خدا و به امر الهی بوده است، در حدیث معراج از نسفی و دیگران از قول جبرئیل آمده است که او گفت: خدای متعال بر زمین نظری افکند و از میان خلقش ترا به پیغمبری خود برگزید آن گاه بار دیگر نظر افکند و برای تو برادری و وزیری و مصاحبی برگزید، دخترت فاطمه را به ازدواجش در آور گفتم: ای جبرئیل کیست این مرد؟ گفت برادرت در دنیا و آخرت که پسر عموی نسبی تو، علی ابن ابی طالب است.(۲)

عبدالله عمر گوید: پیامبر اکرم در بیماری اش گفت: برادرم را فرا بخوانید، ابوبکر را صدا زدند تا نزد پیامبر آمد، پیامبر، صورت از او برگردانید، دوباره پیامبر فرمود: برادرم را بخوانید، عمر ابن الخطاب را صدا زدند تا آمد پیامبر عمر را دید روی برگردانید بار سوم فرمود: برادرم را صدا بزنید، عثمان را صدا زدند تا آمد، پیامبر، صورت از او برگردانید، علی ابن ابی طالب را صدا کردند هنگامی که وی آمد، پیامبر او را به پارچه ای پوشانید و سینه اش را به سینه ی خود چسبانید(۳)عایشه به مردی از قبیله ی ضبه که زمام شتر او را گرفته بود گفت: تو علی ابن ابی طالب را در کجا می بینی؟ گفت این است که ایستاده و دستش را به سوی آسمان برداشته است او نگاه کرد و گفت: چقدر او به برادرش شبیه است؟ مرد گفت: برادرش کیست؟ عایشه گفت: رسول الله، مرد گفت دیگر کسی مرا نخواهید دید که با مردی بجنگم که برادر پیامبر

۱- ۱. ...اسدالغابه ابن اثیر ج۴ ص۲۵، احیاء العلوم غزالی ج۳ ص۳۷۹، شواهد التنزیل ح۱۳۳ ص۵۲، ینابیع الموده ج۲ ص۸۸، نورالابصار شبلنجی ص۷۷

۲- ۲. نزهه المجالس ج۲ ص۲۲۳، الغدیر امینی ص ۱۷۰ ج۳

۳- ۳. . الغدیر امینی ج۳ ص ۱۷۰، تاریخ ابن کثیر ج۷ ص۳۵۹

است، آن گاه مهار ناقه را از دست انداخت و به سوی علی رفت(۱)

زید بن وهب می گوید: شنیدم علی علیه السلام بر منبری گفت: من بنده خدا و برادر رسول اویم کسی این جمله را قبل از من نگفته است و پس از من نیز نخواهد گفت مگر بسیار دروغگوی و دروغساز، مردی بلند باشد و گفت: من نیز چنین ادعایی دارم، (یعنی مدعی ام که برادر پیامبرم) ناگهان نقش بر زمین شد، کسانش فرا رسیدند و او را با پارچه ای پوشانیدند از آن ها سؤال شد که آیا قبلاً نیز چنین عارضه ای داشته است؟ گفتند: نه. (۲)

ابوالطفیل عامربن واثله، ضمن حدیث محاجه مولا علی در روز شورا، گوید که او می گفت: شما را به خدا قسم می دهم آیا بین شما کسی هست که رسول خدا، میان او و خودش در روز برادری عمومی مسلمانان، پیمان برادری افکنده باشد جز من، همه گفتند، خدا شاهد است که نه. (۳)

نشدتکم بالله هل فیکم احد قال له رسول الله: انا اخوک و انت اخی، غیری؟ قالوا: لا.(۴)

ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه ج۳ ص۱۷ می نویسد: حدیث این که به پیامبر نسبت می دهند که فرموده اگر دوستی برای خود می گرفتم، ابوبکر را انتخاب می کردم، حدیثی مجهول است و طرفدارن ابوبکر آن را در مقابل حدیث مواخات ساخته اند.

ولو کنت متخذا خلیلاً من امتی لا تخذت ابابکر.(۵)

اولاً این جمله به صورت شرطیه بیان شده و بر وقوع چنین رویدادی دلالت نکرده و نهایتاً بر شرطی دلالت دارد که اتفاق می افتاد چنین می شد، پس بر خلاف اعتقاد استنادکنندگان، هیچ فضیلتی برای ابوبکر نیست اضافه این که در ادامه حدیث، پس از نفی اخوت و دوستی با ابوبکر، تنها دوستی در اسلام را معتبر می داند.

۱- ۱. . المحاسن و المساوی ج۱ ص۳۵، الغدیر ج۳ ص۱۷۲

۲- ۲. فرائد السمطین باب ۴۴، کنزل العمال ج۶ ص۳۹۶، الاستیعاب ابن عبد البر ج ۲ ص ۴۶۰، الغدیر امینی ج۳ ص۱۷۲

۳- ۳. الاستیعاب ج۲ص ۴۶۰، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج۲ص ۶۱، الغدیر ج۳ص۱۷۳

۴- ۴. احتجاج طبرسی ج۱ ص۲۸۴

۵- ۵. صحیح بخاری ج۳ ص۱۴۱۷

ولکن اخوه الاسلام و مودته

اگر ابوبکر برادر الهی پیامبر بود، در جریان ابلاغ سوره ی توبه، پیامبر او را برنمی گردانید و نمی فرمود: این سوره را کسی ابلاغ می کند مگر آن که من از او باشم و او از من باشد.

الارجل منی و انا منه. (۱)

کان احب النساء الی رسول الله فاطمه و من الرجال علی –هذ حدیث صحیح الاسناد.(۲)

ماخلق الله کان احب الی رسول الله من علی ابن ابی طالب

عایشه به پیامبر می گفت: به خدا قسم من می دانم که جایگاه علی برای تو از جایگاه من و پدرم بالاتر است

و الله لقد عرفت ان علیاً احب الیک من ابی و منی(۳)

شاید انصاری وهابی بگوید: ابن ابی الحدید که گفته حدیث برادری ابوبکر با پیامبر، ساخته دست دوستان ابوبکر است، شخص او (ابن ابی الحدید) یک شخص شیعی بوده، خود ابن ابی الحدید در کتاب شرح نهج البلاغه ج اول در مقدمه کتابش می نویسد: حمد مخصوص خدایی است که مفضول را بر فاضل برتری داد، یعنی ابوبکر را بر علی، نعوذبالله

الحمدالله الذی قدم المفضول علی الفاضل

اگر ابن ابی الحدید شیعه بود، طرفداری از ابوبکر نمی کرد،

ثانیاً او مذهب معتزلی داشته و معتزله یکی از فرق اهل سنت است و در ۱۹ فرقه منسوب به شیعه فرقه ای به نام معتزلی ما نداریم، حافظ دارقطنی روایت کرده

۱- ۱. مسند احمد ج۱ ص ۳۳۰

۲- ۲. خصائص الامام ءنسائی ح ۱۰۵ و ۱۰۷ و ۱۰۸ مستدرک حاکم با تلخیص ذهبی ح ۴۷۳۵ –

۳- ۳. . مسند احمد ج۴ ص۲۷۵ ح۱۸۴۴۴، شبهات غدیر ج۳ ص۴۰۴ عصیری. مجمع الزوائد ح ۱۵۱۹۴ مساله الجزءالتاسع کتاب مناقب فاطمه – رواه احمد و رجاله رجال صحیح – البحر ازخار (مسند بزاز)ح ۳۲۷۵ – فتح الباری ابن حجر مساله ۳۴۶۲ در حاشیه رقم ۱–والنسائی بسند صحیح – فضائل الصحابه احمد ج ۱ص ۷۵: اسناده حسن – الجامه الحیح ترمذی ص ۱۰۰۶ح ۳۸۷۷ ،مستدرک حاکم ج ۳ ص ۱۶۸ ح ۴۷۳۵ ،سنن الکبری نسائی ج ۵ص ۱۴۰ ،معجم الوسط ج ۸ ص ۱۳۰ ،تاریخ دمشق ج ۲ ص ۲۶۰ ،نظم درر السمطین ص ۱۰۰ ،اسد الغابه ج ۵ص ۵۲۲ ،کفایه الطالب ص ۳۲۴ ،ذخائر العقبی ص۳۵ ،التحاف بحب الشراف ص ۳۱ ،ینابه الموده ج ۲ ص ۳۹ ،صواعق المحرقه ص ۱۲۱ ،مناقب خوارزمی ص ۷۹ مطالب السوول

است که عمر، جویای علی شد، پرسید علی کجاست؟ گفتند به سوی مزرعه اش رفته، گفت: ما را نزد او راهنمایی کنید، آن گاه علی در حالی که در زمین خودش مشغول به کار بود، ملاقات کرد، ساعتی با او به کار پرداخت، سپس نشست و با وی گفتگو کرد، در میانه ی سخن علی به عمر، فرمود: اگر گروهی از بنی اسرائیل بیایند و یکی از آن ها به تو بگوید: من پسر عموی موسی هستم آیا او را بر یارانش ترجیح می دهی؟ عمر گفت بله علی فرمود: پس به خدا قسم من برادر پیامبر و پسر عموی اویم، عمر، عبایش را از دوشش در آورد و بر روی زمین پهن کرد و به علی گفت: به خدا قسم از اینجا نباید بنشینی تا از هم جدا شویم، علی روی عبای عمر نشسته بود تا از هم جدا شدند. (۱)

عدی بن حاتم می گوید: اگر مقام علی را به اسلام بسنجیم همانا او برادر پیامبر و رأس اسلام است. (۲)

حسن بصری درباره ی مولا علی می گوید: رسول خدا بین اصحابش پیمان برادری افکند و میان علی و خودش برادری برقرار کرد، پس چنان که پیامبر خودش از همه برتر است، برادرش (علی) نیز از همه برتر است. (۳)

آخی رسول الله بین المهاجرین و الانصار و کان یواخی بین الرجل و نظیره ثم اخذ بید علی فقال: هذا اخی(۴)

عن ابیه حذیفه بن الیمان قال: آخا رسول الله بین اصحابه الانصار و المهاجر فکان یواخی بین الرجل و نظیره ثم اخذ بید علی ابن ابی طالب فقال: هذا اخی

حذیفه می گوید: پیامبر اسلام، بین اصحابش از مهاجر و انصار، پیمان اخوت و برادری قرار داد بین آن هایی که شبیه و نظیر و هم پایه هم دیگر بودند سپس دست علی را گرفت و فرمود: این است برادر من، یعنی هم پایه و هم مرتبه ی من. (۵)

ای انصاری وهابی، پیامبر اکرم فرمود: ای علی، اگر بنده ای، خدا را عبادت کند

۱- ۱. الصواعق ص۱۰۷، الغدیر ج۳ ص۱۷۴

۲- ۲. جمهره الخطب ج۱ ص۲۰۲، الغدیر ص۱۷۵ ج۳

۳- ۳. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج۱ ص۳۶۹، الغدیر امینی ج۳ ص۱۷۶

۴- ۴. مناقب ابن مغازلی ص۳۸ ح۶۰- غایه المرام ص۳۳ باب ۱۲ ح ۸، ینابیع الموده ج۱ ص۳۷۲

۵- ۵. البدایه و النهایه ابن کثیر ج۳ ص۲۲۶، ارجح المطالب ص۴۲۴، السیره النبویه ابن هشام ج۱ ص۵۰۴، امالی طوسی ص۲۳

بعد شک کند درباره تو و اهل بیت تو به این که شما افضل از همه ی مردم هستید یا نه، جایگاه او در آتش می باشد.

یا علی لو ان احد عبدالله حق عبادته ثم شک فیک و اهل بیتک فی انکم افضل الناس کان فی النار(۱).

ای انصاری وهابی، یک ضربت زدن شمشیر مولا ـ علی در جنگ خندق افضل از عبادت جن و انس بوده است چگونه می گویی علی، افضل خلائق بعد از رسول اسلام نیست و بر تمام پیامبران غیر از رسول اسلام، برتر نمی باشد.قاضی ایجی در المواقف ج ۳ص ۶۲۸ می نویسد: روایت ثواب ضربت علی در خندق متواتر است

لضربه علی خیرمن عباده الثقلین وتواتر وقائعه؛

تفتازانی می نویسد این قضیه مشهور است – وهی مشهوره ... فخر رازی می نویسد:

لمبارزه علی علیه السلام مع عمر بن عبدود افضل من عمل امتی الی یوم القیامه فلم یقل مثل عمله بل قال: افضل کانه یقول: حسبک هذا من الفضل والبا قی جذاف

ضربه علی یوم الخندق افضل من عباده الثقلین

آیا پیامبران جزء ثقلین و جنس انس می باشند یا نه؟!

حتی قال علیه السلام یوم الاحزاب، لضربه علی خیر من عباده الثقلین، لمبارزه علی ابن ابی طالب، لعمر بن عبدود یوم الخندق افضل من اعمال امتی الی یوم القیامه. (۲)

فقال النبی: ابشریا علی فلو وزن الیوم عملک بعمل امه محمد لرجع عملک بعملهم و ذلک انه لم یبق بیت من بیوت المشرکین الا و قد دخله وهن بقتل عمرو، و لم یبق بیت من بیوت المسلمین الا و قد دخله عز بقتل عمرو. (۳)

۱- ۱. . موده القربی سید همدانی شافعی موده۷ ،ینابیع الموده ج۲ ص۲۹۸ ح۸۵۳ باب۵۶، شب های پیشاور ج۲ ص۶۵۴ تحقیق درایتی

۲- ۲. مستدرک حاکم ج۳ ص۳۴ ح۴۳۲۷ کتاب المغازی، تاریخ بغداد ج۱۳ ص۱۹، تاریخ دمشق ج ۵۰ ص۳۳۳، فرائد السمطین ج۱ ص۲۵۶، شواهد التنزیل ج۲ص۱۴، تفسیر الکبیر فخر رازی ج۳۲ ص۳۱، الفردوس دیلمی ج۳ ص۴۵۵، شرح المقاصد ج۲ ص۳۰۱، مناقب خوارزمی ص۱۰۷ ح۱۱۲، مقتل الحسین ج۱ص۷۸، ینابیع الموده ج۱ ص۴۱۲ ح۵ السیره الحلبیه ج ۲ ص۳۲۰، المعیار و الموازنه ص۹۱، شرح المواقف ج۸ ص۳۷۱، مقصد۵، سعدالسعود ص۱۳۹، بحارالانوار ج۳۹ ص۲، مناقب ابن شهر آشوب ج۳ ص۱۸، کنزالعمال ج۱۱ ص۶۲۳ – سیوطی در جامع الاحادیث ج ۷ص ۱۰۸ به نقل ذهبی می گوید: این روایت صحیح است قال ذهبی: صح

۳- ۳. شواهد التنزیل ص۲۴۳ ح۶۳۴ و ح۶۳۶ – تفسیر غرائب القرآن نیشابوری ج ۶ ص ۵۳۸،شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید

ج ۱۹ ص ۲۶ -خصال صدوق ص ۵۸۰ – طرائف سید ابن طاوس ص ۶۰ وص ۵۱۴ ،منهاج الکرامه حلی ص ۹۱ ،مستدرک سفینه البحار ج ۷ص ۴۳۹

ذیل آیه ۲۵ سوره ی احزاب، پیامبر اکرم فرمود: افضل مردان عالم در زمان من این علی است.

افضل رجال العالمین فی زمانی هذا علی(۱)

ایمان مولا علی از تمام خلائق و پیامبران غیر از رسول اسلام بیشتر بوده و به این سبب و دلیل او از همه پیامبران و خلائق اعم از جن، ملک و انس افضل و برتر است غیر از رسول اسلام

لو ان السموات السبع و الارضین السبع وضعت فی کفه و وضع ایمان علی فی کفه لرجح ایمان علی، لو ان السموات و الارض وضعتا فی کفه و ایمان علی فی کفه لرجح ایمان علی، لو ان السموات و الارضین وضعتا فی کفه و وضع ایمان علی فی کفه لرجح ایمان علی.

پیامبر اکرم فرمود: اگر هفت آسمان و زمین را در یک کفه ی ترازو بگذارند و ایمان علی را در کفه ی دیگر، هر آینه، ایمان علی، رجحان و سنگینی می نماید بر آن ها، (۲)

قلت: هذا حدیث حسن ثابت، رواه الجوهری فی کتاب فضائل علی، عن شیخ اهل الحدیث الدار قطنی

زمانی که مولا علی رهسپار جنگ با عمر ابن عبدود شد، پیامبر اکرم فرمود: تمام ایمان در مقابل تمام شرک قرار گرفت.

برزالایمان کله الی الشرک کله(۳)

پیامبر اکرم فرمود: فضیلت و برتری علی ابن ابی طالب بر سایر خلایق همانند برتری جبرئیل بر سایر ملائکه هست.

فضل علی علی سائر الناس کفضل جبرئیل علی سائر الملائکه. (۴)

۱- ۱. موده القربی همدانی موده۷، ینابیع الموده ج۲ ص۲۹۸ ح۸۵۲

۲- ۲. مناقب ابن مغازلی شافعی ص۲۸۹ ح ۳۳۰، مناقب خوارزمی ص۱۳۱ ح۱۴۵، ینابیع الموده ج۲ ص۱۸۸، تاریخ دمشق ابن عساکر ج۴۲ ص۳۴۱، کفایه الطالب ص۲۵۸، الفردوس دیلمی ج۳ ص۳۶۳ ح ۵۱۰۰، کنزالعمال ج۱۱ ص۶۱۷ ح۲۲۹۹۳، ذخایر العقبی ص۱۰۰، ریاض النضره ج۳ ص۲۰۶، مناقب ابن شهر آشوب ج۲ ص۹، جواهر المطالب ابن دمشقی ج۱ ص۲۶۸، شرح الاخبار مغربی ج۲ ص۳۲۱، مناقب آل ابی طالب ج۲ ص۴۱۲

۳- ۳. . امالی ابن سمعون ج۲ ص۲۷۵، اسماعیل بن عنبس بغدادی، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج۱۳ ص۱۵۸، العثمانیه جاحظ ص۳۲۴، ینابیع الموده ج۱ ص۲۸۱، فضایل امیر المؤمنین، ابن عقده کوفی ص۲۰۹، وسیله النجاه مولوی محمد مبین الهندی ص۸۴، آل محمد؛ حسام الدین المردی الحنفی ص۲۱، شرح احقاق الحق ج ح۱ ص۴۰۴

۴- ۴. کفایه الطالب گنجی شافعی ص۵۱۴

قلت: هذا حدیث حسن عال

قال رسول الله: مثلی و مثل علی مثل شجره انا اصلها و علی فرعها فاطمه لقاحا والحسن والحسین ثمرها (۱)

پیامبر اکرم فرمود: همانا، خداوند، پیامبران را از درخت ها و ریشه های مختلف و جداگانه آفرید و من و علی را از یک درخت واحد آفرید که اصل آن من و فرع آن علی می باشد،(۲)

ان الله خلق الانبیاء من اشجارشتی و خلقنی و علیاً من شجره واحده، فانا اصلها و علی فرعها. (۳)

قلت: هذا حدیث حسن عال، رواه الطبرانی فی معجمه کما اخرجناه سواء و رواه محدث الشام فی کتاب بطرق شتی. ان الله خلق النبیاء من اشجار شتی و خلقنی من شجره واحده فانا اصلها وعلی فرعها فاطممه لقاحها والحسن والحسین ثمرها –(۴)،

یاعلی انت و العترهمن ولدک ائمه الهدی .. والشجره التی انا اصلها و انتم فرعها (۵)

استاد توفیق ابوعلم، وکیل اول وزارت دادگستری مصر می نویسد: این عمل به طور آشکار فضیلت علی را بر همه مردم روشن می سازد و دلالت دارد بر این که کفو و مثلی برای رسول خدا به جزء علی نیست

و فی ذلک من ابانه فضله علی الکافه و الدلاله علی انه لا کفوا لرسول الله سواه(۶)،

استاد عبدالکریم خطیب درباره ی حدیث برادری بین مولا علی و پیامبر می نویسد: این حدیث دلالت بر فضایل و کمالاتی دارد بر کسی که پیامبر، او را به اخوت و برادری با خود، اختصاص داده است، کاری که بدون جهت و سر خود نبوده بلکه امری از امر خداوند و فضلی از فضل الهی بوده است

۱- ۱. میزان الاعتدال ذهبی ج ۲ص ۲۸۱ – لسان المیزان ابن حجر ج ۶ص ۲۴۳ – تاریخ دمشق ج ۲ص ۴۷۳

۲ - ۲. مسترک حاکم ج ۲ ص ۲۴۱ ،الکامل ابن عدی ج ۶ ص ۴۵۹ ،تفسیر ثعلبی ج ۵ ص ۲۷۰ ،مناقب ابن مغازلی ص ۹۰،الاصلیه ج ۶ص ۳۰۶،نظم درر السمطین ص ۷۹

۳- ۳. کفایه الطالب گنجی شافعی ص۵۱۴، تاریخ دمشق ج۴۲ ص۶۵ بسند طبرانی، تاریخ دمشق ج۴۱ ص۳۳۵، شواهد التنزیل ج۲ ص۲۴۳

۴- ۴. تاریخ دمشق ج ۱۲ ص ۱۴۳

۵- ۵. المسترشد طبری ص ۹

۶- ۶. الامام علی بن ابی طالب ص ۴۲ چاپ مصر

و ما فی هذه الدلالات من شواهد الفضل و الاحسان لمن اختصه النبی باخوته لاعن محاباه و انما عن امر من الله و فضل من فضله الذی یوتیه من یشاء. (۱)

گنجی شافعی در کفایه الطالب باب ۴۷ ح۱۲۲ ص۲۹۶ فی تخصیص علی بمواخاه الرسول می نویسد: این حدیث حسن و عالی و صحیح است که ترمذی در جامعش نقل کرده است و اگر خواستی که نزدیکی منزلت حضرت علی را نزد، رسول خدا بدانی، در عملکرد، رسول خدا در عقد اخوت بین صحابه نظر کن که چگونه هم شکل را با هم شکل و مثل را با مثل ضمیمه کرده و بین آن ها الفت برقرار نموده تا این که بین ابوبکر و عمر عقد اخوت بست ولی علی را برای خود، اختصاص داد و بس است تو را به این عمل از فضیلت و شرف برای حضرت علی-تروذی این روایت را نیکو شمرده-هذا حدیث حسن —سنن ترمذی ج ۵ص ۳۰ ح۳۸۰۴

فاذا، اردت ان تعلم قرب منزلته من رسول الله تامل صنیعه فی المواخاه بین الصحابه جعل یضم الشکل الی الشکل والمثل الی المثل فیولف بینهم الی ان آخابین ابی بکر و عمر و ادخر علیاً لنفسه و اختصه باخوته و ناهیک بها من فضیله و شرف. (۲)

از جمله آیاتی که در قرآن کریم، هم رتبه بودن مولا علی با پیامبر اسلام به غیر از نبوت خاصه را در تفسیر آیه نشان می دهد، آیه ۲۱ سوره طور است.

{والذین امنوا و اتبعهم ذریتهم بایمان الحقنابهم ذریتهم}

ابومالک از ابن عباس نقل می کند که گفت این آیه درباره، پیامبر و علی و فاطمه و حسن و حسین نازل شده است ابن عمر گفت: وقتی ما شمارش می کنیم می گوییم: ابوبکر، عمر، عثمان، مردی به او گفت: ای ابوعبد الرحمن پس علی را چرا نمی شمرید؟ ابن عمر گفت: وای بر تو، علی از اهل بیت است و کسی با آن قیاس نمی شود، علی در رتبه خود همراه با پیامبر است، فاطمه در رتبه خود با پیامبر همراه است و علی با هر دوی آنها همراه است.

عن ابی مالک عن ابن عباس فی قوله تعالی و الذین امنوا و اتبعتهم ذریتهم الایه قال: نزلت فی النبی و علی و فاطمه و الحسن و الحسین. (۳)

ص:۱۳۹

۱- ۱. علی ابن ابی طالب بقیه النبوه و خاتم الخلافه ص ۱۱۰،

۲- ۲. امام شناسی، اصغر رضوانی ج۲ ص۴۹۸ — نهج الیمان ص ۴۱۳ — ابن جبر

۳- ۳. شواهد التنزیل ص۳۱۶ ح۹۰۳

قال ابن عمر: انا اذا عـدﺩنا قلنا: ابوبکر و عمر و عثمان فقال له رجل: یا ابا عبدالرحمن فعلی؟ قال ابن عمر: و یحک علی من اهل البیت لایقاس بهم علی مع الرسول الله فی درجته. (۱)

پیـامبر اکرم فرمـود: منزلـت، رتبـه و مقـام علی هماننـد من است الاـ در نبـوت، علی هماننـد نفس و روح من است بین من و او تفاوتی نیست مگر در نبوت و پیامبری، ای انصاری وهابی وقتی، رسول اکرم با صـراحت بیان می کند علی همانند من است در رتبه و جایگـاه الهی و حـدیث منزلت و آیه مبـاهله تأییـد کننـده این حـدیث است؛ چگونه می گویی که پیامبران غیر از رسول اسلام بر علی افضل است؛

علی کنفسی لا فرق بینی و بینه الا النبوه، رجلا له عندالله منزله کمنزلتی و مقام کمقامی الالنبوه. (۲)

و هو فیکم بمنزلتی فیکم. (۳)

پیامبر اکرم فرمود: ما من نبی الا وله نظیر فی امته و علی نظیری

هیچ پیامبری نیست مگر اینکه برای او درامت همانندی است و علی همانند من است (۴)

امـام بـاقر فرمود: مـا، بر مردم، برتری و فضـیلت داریم، چون مـا، ذریه و فرزنـدان مطهر، حضـرت رسول اسـلام و اهـل بیت آن حضرتیم و در این موضع هیچ کس با ما، شریک و برابر نیست.

فلنا فضل علی الناس لانا ذریه محمد صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیته خاصه و عترته لا یشرکنا فی ذلک غیرنا. (۵)

پیامبر اکرم فرمود: ای علی، تو و فرزنـدان پاکت، ائمه هدی و ریسـمان محکم و درختی که من اصل آن و شـما فرع آن هستید که هر که بدان تمسک جست نجات یافت و هر که تخلف کرد، نابود شد و شمایید که، خدا، مودت و ولایت شما را، واجب

---

۱ – ۱. شواهـد التنزیل ص۳۱۷ ح۹۰۴، الریاض النضـره ج۲ ص۲۰۸، خصـائص الوحی المـبین ص۱۳۱، النورالمشـتعل ص۲۷۷ ح۷۷، جواهر المطالب ابن دمشـقی ج۱ ص۲۲۴ باب۳۶، موده القربی همـدانی شافعی موده۷، ینابیع الموده ج۲ ص۲۹۷ ح۸۵۰، ولایت امیرالمؤمنین در قرآن و سنت، عبد الصمد ساکی ج۲ ص۱۳۴۹

۲– ۲. الموسوعه الکلمات الرسول ج۴ ص۳۷۰، الصراط المستقیم ج۱ ص۲۵۲

۳– ۳. احتجاج طبرسی ج۱ ص۳۳۴ ح۵۶ سیمای امیرالمؤمنان در قرآن، سید جواد رضوی ص۷۲ – پ

۴– ۴. – ذخائر العقبی

۵– ۵. بشاره المصطفی لشیعه المرتضی، عمادالدین طبری ص۲۴۹

ساخته و در قرآنش یاد نموده و برای بندگانش این چنین توصیفتان نموده که فرزندانی هستند برخی از نسل برخی دیگر، پس شمایید که برگزیده از آدم و نوح و ابراهیم و آل عمران و خانواده اسماعیل و اهل بیت هدایت گر محمدید.

یا علی انت و العتره من ولدک ائمه الهدی و العروه الوثقی و الشجره التی انا اصلها و انتم فرعها فمن تمسک بها، نجا ومن تخلف عنها هوی و انتم الذین اوجب الله مودتکم و ولایتکم و ذکرکم فی کتاب و وصفکم لعباده فقال: ذریه بعضها من بعض، فانتم صفوه الله من آدم و نوح و ابراهیم و آل عمران اسره من اسماعیل و العتره الهادیه من محمد. (۱)

امام صادق علیه السلام فرمود: امامان هدایت از آل محمد، از بهترین فرزندان و ذریه حضرت آدم، نوح، ابراهیم و اسماعیل و برگزیدگان الهی از عترت حضرت محمد صلی الله علیه و آله می باشند.

ائمه من الله یهدون بالحق و به یعدلون و خیره من ذریه آدم و نوح و ابراهیم و اسماعیل و صفوه من عتره محمد. (۲)

از جمله آیاتی که در قرآن کریم در ذیل تفسیر آن، تأکید و اشاره دارد که ائمه هدی (امامان ۱۲ گانه شیعه) از تمام پیامبران غیر از رسول اسلام، افضل و بالاتر هستند، آیه ۲۸۵ سوره مبارکه بقره است معروف به آیه آمن الرسول، اخطب الخطباء موفق بن احمد مکی صدرالائمه معروف به خوارزمی حنفی در کتاب مقتل الحسین ص۹۵ و ص۹۶ از ابی سلیمان راعی پیامبر اکرم نقل کرده که گفت شنیدم پیامبر اکرم فرمود: شبی که مرا، به آسمان بردند، خداوند این آیه را بر من نازل کرد: رسول ما، به آنچه که به سوی او از پروردگارش نازل شده، ایمان آورده است؛ عرض کردم: پروردگارا و مؤمنان چطور؟ فرمود: راست گفتی ای محمد؛ مؤمنان نیز کسانی هستند که من آن ها را در امت تو قرار داده ام و آن ها نیز ایمان آورده اند؛ عرض کردم: پروردگارا، بهترین مؤمنان از امت من چه کسی است؟ فرمود: علی ابن ابی طالب، عرض کردم؛ بلی ای پروردگار من، فرمود: ای محمد، من زمین را وارسی کردم و از روی آن تو را برگزیدم و برای تو اسمی از اسم های خود را مشتق نمودم، پس من در جایی ذکر نمی شوم مگر آن که تو هم با من ذکر می شوی پس من محمود هستم و

۱- ۱. المسترشد ابن جریر طبری ص۹، تأویل الایات ج۱ ص۱۰۶، بحارالانوار ج۲۳ص۲۲۲، الدر الثمین حافظ رجب برسی حلی ص ۵۰

۲- ۲. بصائر الدرجات ص۱۹۷، غایه المرام ص۵۳۸، ینابیع الموده ج۱ ص ۱۷۰

تو احمد هستی، سپس بار دیگر زمین را وارسی نمودم و علی را از روی آن برگزیدم و برای او هم اسمی را از اسم های خودم مشتق نمودم، پس من اعلی هستم و او علی است، ای محمد، همانا من تو را و علی و فاطمه را و حسن و حسین و امامان دیگر از ذریه حسین را، از نوری از نور خود آفریدم و ولایت خودم را بر اهل آسمان و زمین عرضه نمودم پس هر کس که آن را پذیرفت در نزد من از مؤمنان است، و هر کس که نپذیرفت، از کافران خواهد بود، ای محمد، اگر بنده ای از بندگان من، مرا، تا آخر عمرش عبادت کند تا همانند پوست کهنه و پوسیده گردد اما به نزد من بیاید در حالی که ولایت شما را انکار می کند و او را نخواهیم بخشید تا آن که به ولایت شما اقرار کند، ای محمد، آیا دوست داری آن ها را در عرش ببینی؟ عرض کردم: بلی ای خدای من؛ پس فرمود: به جانب راست عرش توجه کن؛ پس من توجه نمودم و دیدم هر یک از علی و فاطمه و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفربن محمد، و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی، و علی بن محمد و حسن بن علی و محمد بن حسن را که در هاله ای از نور به نماز ایستاده اند و حضرت مهدی در وسط آن ها همانند ستاره ی پرنور می درخشید؛ و پروردگار متعال فرمود: ای محمد آن ها حجت های من هستند و او طالب از عترت توست و به عزت و جلالم سوگند که او حجت واجب بر اولیای من و انتقام گیرنده از دشمنان من است.

لیله اسری بی الی السماء قال لی الجلیل جل جلاله: آمن الرسول بما انزل الیه من ربه، فقلت: و المؤمنون قال: صدقت یا محمد من خلقت فی امتک؟ قلت، خیرها؛ قال: علی ابن ابی طالب؟ قلت: نعم یا رب... قال یا محمد انی اطلعت الی الارض اطلاعه فاخترتک منها فشققت لک اسما من اسمائی فلا اذکرفی موضع الا ذکرت معی، فانا المحمود و انت محمد، یا محمد، ثم اطلعت الثانیه فاخترت منها علیاً و شققت له اسما من اسمائی فانا الا علی و هو علی، یا محمد انی خلقتک و خلقت علیا و فاطمه و الحسن و الحسین و الائمه من ولده من نور من نوری، و عرضت ولایتکم علی اهل السماوات و الارض فمن قبلها کان عندی من المؤمنین و من لم یقبلها کان من الکافرین، یا محمد؛ لو ان عبداً من عبیدی عبدنی حتی ینقطع او یصیر کالشن البالی ثم اتانی جاحداً لولایتکم، ما غفرت له حتی یقر بولایتکم؛ یا محمد تحب ان تراهم؟ فقلت: نعم یا رب؛ فقال لی: التفت عن یمین العرش؛ فالتفت فاذا بعلی و فاطمه و الحسن و الحسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد، و موسی بن جعفر و علی بن موسی، و محمد بن علی، علی بن محمد و

حسن بن علی و محمد بن الحسن الحجه المهدی فی ضحضاح من نور قیاماً یصلون و هو فی وسطهم یعنی المهدی؛ کانه کوکب دری و قال: یا محمد؛ هولاء الحجج و هو الثائر من عترتک و عزتی و جلالی، انه الحجه الواجبه لاولیائی و المنتقم من اعدائی. (۱)

ابن اثیر در اسد الغابه می گوید: ابوسلمی، چوپان شتران رسول خدا بود، نامش را حریث گفته اند؛ ابن حجر نیز در الاصابه: چنین گفته است؛ ناگفته نماند حدیث فوق را در فرائد از خوارزمی نقل کرده است؛ در نسخه ی فرائد «شبح» و در نسخه ی «مقتل خوارزمی» «من سنخ نور من نوری» است؛ شیخ الاسلام حموئی شافعی در فرائد السمطین ج۲ ص۳۱۹ ح۵۷۱ این حدیث را نقل کرده است؛ جوینی یا حموئی شافعی، استاد شمس الدین ذهبی بوده است و او درباره ی امام حموئی جوینی می گوید: جوینی، امام، پیشوا، محدثی یگانه و کامل، مایه افتخار اسلام و شخصی با دیانت و صالح است؛

الامام المحدث الاوحد الاکمل، فخرالاسلام... دین و صالح، الامام المحدث الاوحد الاکمل فخر الاسلام صدرالدین ابراهیم بن محمد بن الموید بن حمویه الخراسانی الجوینی... و کان شدید الاعتناء بالروایه...(۲)

همان طور که در تفسیر آیه اشاره شد و هم ظاهر آیه والمؤمنون منظور ۱۴ نور مقدس الهی هستند و، وقتی به ظاهر آیه هم توجه می کنیم عبارت والمؤمنون قبل از ملائکه و کتبه و رسله ذکر شده است، یعنی ائمه ۱۲ گانه شیعه مقدم و فاضل بر تمام پیامبران و ملائکه به غیر از رسول اسلام هستند.

{آمن الرسول بما انزل الیه من ربه و المومنون کل امن بالله و ملائکه و کتبه و رسله.}

پیامبر اکرم فرمود: ای علی، خدواند، پیامبران را بر فرشتگان برتری داد و من را بر تمام پیامبران تفضیل داد و برتری و افضلیت بعد از من برای تو و امامان بعد از توست، زیرا، اول موجوداتی که خداوند آفرید، ارواح ما بود، پس از آفریدن آن را به توحید گویا ساخت؛ سپس ملائکه را آفرید، یا علی اگر ما نبودیم، خداوند آدم و حوا را نمی آفرید، بهشت و جهنم را ایجاد نمی کرد، آسمان و زمین را پدید نمی آورد؛

۱- ۱. ینابیع الموده قندوزی حنفی ج۳ ص ۳۸۰ ح۲، بحارالانوار ج۲۷ ص ۲۰۰ ح۶۷، الغیبه طوسی ص۱۴۸

۲- ۲. تذکره الحفاظ ج ۴ص۱ رقم۱ و ۲۴،

یا علی ان الله تبارک و تعالی؛ فضل انبیاء المرسلین علی ملائکه المقربین و فضلنی علی جمیع النبیین و المرسلین و الفضل بعدی لک یا علی للائمه من بعدک؛ لولا نحن ما خلق الله آدم و لاحواء ولا الجنه ولاالنار ولاالسماء ولا الارض...(۱)

العله التی من اجلها صارت الانبیاء و الرسول و الحجج افضل من الملائکه

عن عائشه قالت: قال رسول الله لما حضرته الوفاه: ادعو الی حبیبی، فدعوا له ابابکر فنظر الیه ثم وضع راسه، ثم قال: ادعوالی حبیبی، فدعو اله عمر. فلما نظر الیه وضع راسه، ثم قال: ادعوا الی حبیبی، فدعوا، له علیاً، فلما راه ادخله معه فی الثوب الذی کان علیه، فلم یزل، یحتضنه حتی قبض و یده علیه.(۲)...

یکی از دلایلی که مولا علی از تمام پیامبران برتر است به غیر از رسول اسلام، حدیث معروف و متواتر و صحیح-صدیق اکبر است پیامبر اکرم فرمود: بزودی بعد از وفات من فتنه و آشوبی رخ خواهد داد شما ملازم و همراه علی ابن ابی طالب باشید زیرا او جدا کننده حق از باطل و همانا او صدیق اکبر است (یعنی راستگوی بزرگ)- قرآن کریم صفت صدیق را از القاب و خصائص پیامبران الهی می داند- سوره یوسف، آیه ۴۶: یوسف ایها الصدیق. سوره مریم آیه ۴۱. انه کان صدیقاً نبیاً. وقتی رسول اکرم می فرماید علی صدیق اکبر است، یعنی از کل صدیقین که پیامبران باشند به جز رسول اسلام افضل است.

عن ابی ذر قال سمعت رسول الله: یقول لعلی: انت الصدیق الاکبر. (۳)

عن علی قال: انا عبدالله و اخو رسوله و انا الصدیق الاکبر لا یقولها بعدی الا کاذب.(۴)

قال علی: انا الصدیق الاکبر آمن قبل ان یومن و ابوبکر و اسلمت قبل ان یسلم ابوبکر. (۵)

قال علی: انا عبدالله، و اخو رسوله و انا الصدیق الاکبر لا یقولها بعدی الا کذاب

ص:۱۴۴

۱- ۱. علل شرایع شیخ صدوق ج۱ ص۴۲ باب هفتم.

۲- ۲. طبقات الکبری ج۲ ص۲۶۳، میزان الاعتدال ج۴ ص۱۷۴، سیر اعلام النبلاء ج۸ ص۲۴، مسند احمد ج۱ ص۳۵۶ ح۳۳۵۵، طرز الوفاء فی فضائل آل المصطفی مصری شافعی ص۱۵۲ و

۳- ۳. ذخایر العقبی محب الدین طبری ص۵۶، کفایه الطالب گنجی ص۱۸۸ باب۴۴

۴- ۴. مستدرک حاکم ج۳ ص۲۱ ح۴۵۸۴، تاریخ دمشق ابن عساکر ج۴۲ ص۴۱، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج۱۳ ص۲۲۸، ریاض النضره ج۳ ص۱۰۶، کنزالعمال ج۱۱ ص۶۱۶ ح۳۲۹۹۰، فرائدالسمطین ج۱ ص۱۴۰، ینابیع الموده ج۲ ص۱۴۴، المعجم الکبیر ج۶ ص۲۶۹، الاربعین المنتقی ح۲۸ باب۲۱ مسند شمس الاخبار ج۱ ص۹۴، المواقف ایجی ص۴۰۹، نزهه المجالس صفوری ج۲ ص۲۰۵

۵- ۵. المعارف ابن قتیبه ص۱۶۹

مفتر. (۱)

قال النبی: صدیق هذه الامه امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب و هو الصدیق الاکبر. (۲)

قرآن کریم در چند آیه شریفه این حدیث شریف را تأیید می کند، قرآن کریم در سوره مبارکه ی توبه آیه ۱۱۹ می فرماید:

{یا ایها الذین آمنوا اتقوالله و کونوا مع الصادقین}

ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا بترسید و با صادقین و راستگویان باشید؛ در تفاسیر شیعه و خصوصاً منابع آقایان اهل سنت آمده منظور از صادقین در این آیه، پیامبر و مولا علی است.

عن ابن عباس فی قوله اتقوالله و کونوا مع الصادقین قال نزلت فی علی ابن ابی طالب خاصه، عن ابن عباس و کونوا مع الصادقین قال: مع علی و اصحاب علی، عن جعفربن محمد... و کونوا مع الصادقین قال یعنی مع محمد و علی، عن ابی جعفر... و کونوا مع الصادقین قال: مع آل محمد، عن عبدالله ابن عمر...اتقوالله: قال: امرالله اصحاب محمد با جمعهم ان یخافوا الله ثم قال لهم و کونوا مع الصادقین یعنی محمداً و اهل بیته(۳)

از جمله آیه کریمه دیگر قرآن کریم، که صدیق اکبر بودن مولا علی را ثابت می کند آیه ۸۴ سوره ی شعرا و آیه ۵۰ سوره ی مریم است، که حضرت ابراهیم از خداوند می خواهد که لسان و زبان راستگویی در نسل او برای او قرار دهد که در منابع تفسیری شیعه وسنی آمده منظور آن لسان راستگو و صدیق، علی ابن ابی

۱- ۱. المصنف ابن ابی شیبه ج۱۲ ص۶۵، خصائص نسائی ص۲۵ ح۷، السنن الکبری ج۵ ص۱۰۷، السنه ابی عاصم ص۵۸۴، معرفه الصحابه ج۱ ص۳۰۱، سنن ابن ماجه ج۱ ص۴۴، تاریخ طبری ج۲ ص۳۱۰، الکامل فی التاریخ ابن اثیر ج۱ ص۴۸۴، طبقات الکبری ابن سعد ج ۲ ص ۶۰، طبقات شعرانی ج۲ ص۵۵، مناقب خوارزمی ص۱۰۵، اسدالغابه ج۶ ص۲۶۵، الاستیعاب ابن عبدالبر ج۴ ص۳۰۷، الاصابه ابن حجر ج۷ ص۲۹۴، مناقب کوفی ج۱ ص۲۸۴، ابن شجری امالی ج۱ ص۱۴۴، میزان الاعتدال ذهبی ج۱ ص۴۱۷، مجمع الزوائد ج۹ ص۱۰۲، فیض القدیر مناوی ج۴ ص۵۸، صواعق المحرقه ص۷۴

۲- ۲. شواهد التنزیل ج۲ ص۲۲۳، مناقب المرتضویه کشفی ترمذی ص۹۲، علامه عینی در مناقب سیدنا علی، ص۱۶ ش۲۵، لسان المیزان ابن حجر ج۲ ص۴۱۴، انساب الاشراف بلاذری ص۱۱۸، نظم درر السمطین زرندی حنفی ص۸۱

۳- ۳. شواهد التنزیل حاکم حنفی ص۱۴۷ و ص۱۴۸ ح ۳۵۰ الی ۳۵۷، کشف الغمه ج۱ ص۳۵۳، فرائد السمطین ج۱ ص۳۷۰، درالمنثور ج۳ ص۲۹۰، خصائص الوحی المبین ص۱۳۶، مناقب خوارزمی ص۱۹۸، مناقب آل ابی طالب ج۳ ص۹۲، الکشف و البیان ثعلبی ج۵ ص۱۰۹، تاریخ دمشق ابن عساکر ج ۴۲ ص۳۶۱، مناقب ابن مردویه ص۳۱۴ ح۵۱۸

طالب است.

و اجعل لی لسان صدق فی الاخرین(۱)

ابـن مردویه در منـاقب علی ابن ابی طـالب ص۲۸۷ ح۴۵۲ از علاء بن فضـیل روایت کرده است که می گویـد: از امـام صادق دربـاره ی ایـن آیه ۸۴ سـوره شـعرا پرسـیدم حضـرت فرمـود: منظور از لسـان صـدق علی ابن ابی طـالب است که ولاـیت او بر حضرت ابراهیم عرضه شد و او گفت: خدایا علی را از فرزندان من قرار ده و خدا نیز دعای او را مستجاب کرد(۲)

سالت اباعبدالله جعفر بن محمد عن هذه الایه قال: لسان صدق هو علی ابن ابی طالب ان ابراهیم عرضت ولایته علیه، فقال: اللهم اجعله من ذریتی ففعل الله ذلک

از جمله آیه دیگر قرآن کریم که حدیث صدیق اکبر، که لقب مقدس و خاص، مولا علی است که خداوند و رسول بر او نهاده اند تأیید و تأکید می کند آیه ۳۳ سوره مبارکه زمر است.

{والذی جاء بالصدق و صدق به.}

در خبر است که چون شب معراج، پیامبر را به آسـمان بردند و ملکوت آسمان ها را بر او عرضه کردند، خطاب به او رسید که برو و قوم خود را به آن چه مشاهده کرده ای خبرده؟ گفت: خداوندا قومم مرا تصدیق نخواهد کرد از جانب خدا، خطاب آمد که

یصدقک علی و هو الصدق الاکبر

علی ابن ابی طالب تو را تصدیق خواهد کرد زیرا او صدیق اکبر است. (۳)

منظور از الذی جاء بالصدق، پیامبر است و منظور از صدق به، علی است. (۴)

ص:۱۴۶

۱- ۱. . تفسیر جامع ج۵ ص۶۶، تفسیر الصافی ج۴ ص۴۰، انوار درخشان ج۱۲ ص۴۸، تأویل الایات ج۱ ص۳۰۴، البرهان ج۵ ص۱۲۵، مناقب ابن شهر آشوب ج۳ ص۱۰۷، تفسیر قمی ج۲ ص۹۹

۲- ۲. . توضیح الدلائل ایجی ص۱۶۳، کشف الغمه ج۱ ص۳۲۰

۳- ۳. ذخائر العقبی طبری ص۵۶، درالمنثور ج۵ ص۳۲۸

۴- ۴. تاریـخ دمشق ج۲ ص۴۱۹، العمـده ابن طریق ص۱۸۴، خصـائص الوحی المبین ص۱۱۱، زادالمسـیر فی علم التفسیر ج۴ ص۱۸، الجامع لاحکام القرآن ج۱۶ ص۲۵۶، التفسیر الحدیث ج۴ ص۳۲۶، بیان المعانی ج۳ ص۵۴۰، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز ج۴ ص۵۳۱، مناقب ابن مغازلی ص۲۶۹، مناقب ابن مردویه ص۳۱۴ ح۵۱۸، تفسیر روح المعانی ج۱۲ ص۲۵۹، بحر المحیـط ابی حیان ج۷ ص۴۱۲، فتـح القدیر شوکانی ج۴ ص۴۶۳، کفـایه الطالب ص۲۳۳ باب۶۲، مـا نزل من القرآن فی

علی، ابونعیم با استفاده از النور المشتعل ص۲۰۴ ح۵۶، شواهد التنزیل ص۲۸۴ ح۸۱۰ الی ۸۱۵

از جمله آیه دیگر قرآن که صدیق اکبر بودن مولا علی را ثابت و روشن می کند آیه ۲۳ سوره احزاب است

من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه

امام صادق فرمود: این آیه در شان والای علی نازل شده که منابع شیعه و سنی هم در ذیل تفسیر آیه مذکور، در شان و منقبت مولاـ علی ذکر کرده اند. العصامی در ترجمه امیرالمؤمنین از کتاب سمط النجوم ج۲ ص۴۶۹، ابن حجر در الصواعق المحرقه ص۸۰، فیروزآبادی در فضائل الخمسه ج۲ ص۲۸۷، از ضحاک و ابن عباس روایت کرده که این آیه در شأن علی نازل شده است، شواهد التنزیل ص۲۴۲ ح۶۲۷

در کتاب های روائی و تفسیری اهل سنت از رسول اسلام روایت کرده اند که آیه ۱۹ سوره الحدید درباره ی مولا علی نازل شده که این آیه اشاره دارد به صدیق بودن حضرت

{والذین آمنوا بالله و رسله و اولئک هم الصدیقون و اشهداء عند ربهم لهم اجرهم و نورهم }

حتی احمد حنبل در کتاب فضائل الصحابه ج۲ ص۶۲۷ و ح۱۰۷۲ و ابونعیم اصفهانی در، ما نزل من القرآن ذیل ایه ۱۹ سوره الحدید با استفاده از النور المشتعل ص۲۴۷ ح۶۷ می گوید: این آیه در شان و مقام علی نازل شده است(۱)

از جمله آیه دیگر در تأیید صدیق اکبر بودن مولا علی، آیه ۶۹ سوره ی نساء است، ابن عباس گفت و من یطع الله: یعنی کسی که خدا را در واجباتش اطاعت کند و الرسول و پیامبر را در سنتش فاولئک مع الذین انعم الله علیهم من النبیین: یعنی محمد و الصدقین یعنی علی و او نخستین کسی بود که، پیامبر را تصدیق کرد، حذیفه ابن الیمان گفت: روزی نزد پیامبر رفتم و این آیه (۶۹ سوره نساء) بر پیامبر نازل شده بود، پیامبر این آیه را به من یاد داد گفتم: ای پیامبر خدا، پدر و مادرم فدای تو باد، اینان

۱- ۱. العمده ابن بطریق ص۱۳، مناقب مرتضوی، الکشفی ترمذی ص۵۵، ینابیع الموده ص۱۲۴، مناقب ابن مغازلی ح۲۹۳، فخر رازی در تفسیر الکبیر ج۲۷ ص۵۷ ذیل آیه ۲۸ سوره غافر ثعلبی در الکشف و البیان ذیل آیه ۲۷ سوره یس، در المنثور سیوطی ج۵ ص۴۹۲ ذیل آیه ۲۹ سوره یس، الفردوس دیلمی ج۲ ص۴۲۱، شرح نهج البلاغه ج۹ ص۱۷۲، صواعق المحرقه ص۱۲۵ ح۳۰، فیض القدیر ج۴ ص۳۱۳، کنزالعمال ج۱۱ ص۶۰۱، جامع الصغیر سیوطی ج۲ ص۱۱۵، شواهد التنزیل ص۳۲۶ ح۹۳۸

چه کسانی هستند که من خدا را به اینان مهربان می بینم فرمود: ای حذیفه من از پیامبرانی هستم که خدا به آنان نعمت داده است، من اولین آنان در نبوت و آخرین آنان در مبعوث شدن هستم و از صدیقان علی ابن ابی طالب است که چون خداوند مرا به رسالت خود مبعوث نمود او نخستین کسی بود که مرا تصدیق کرد.

و الصدیقین یعنی علی ابن ابی طالب و کان اول من صدق برسول الله، و من الصدیقین علی ابن ابی طالب و لما بعثنی الله عزوجل برسالته کان اول من صدق به..(۱)

از جمله روایاتی که متواتر و مستندی که در منابع روایی اهل سنت آمده و برتری مولا علی را بر تمام پیامبران غیر از رسول اسلام، مبرهن و روشن می سازد، حدیث طیر است، روزی زنی مرغی بریان، جهت خوردن رسول اکرم هدیه آورد، پیامبر اکرم قبل از آن که مرغ کباب شده را، بخورد، دست نیاز به سوی خداوند بلند فرمود و عرض کرد: بار خدایا، بفرست نزد من، محبوب ترین خلق خودت را نزد تو و نزد من، تا بخورد با من از این مرغ بریان، در آن حال علی آمد و خورد با آن حضرت از آن مرغ بریان، انس خادم پیامبر می گوید: پیامبر مشغول دعا بود ۳ مرتبه علی در خانه آمد، من عذر آوردم و او را پنهان نمودم، مرتبه سوم با پا به در زد، رسول اکرم فرمود: واردش کن، همین که علی وارد شد پیامبر فرمود: چه چیز تو را بازداشت از من عرض کرد ۳ مرتبه بر در خانه آمدم حضرت فرمود: ای انس چرا ۳ مرتبه جلو ورود علی به منزل را گرفتی؟ عرض کرد: دوست داشتم یک نفر از قوم و قبیله من باشد.

اللهم ائتنی باحب خلقک الیک یاکل معی هذا الطیر، اللهم ائتنی باحب خلقک الیک و الی رسولک، اللهم ائتنی باحب الخلق الیک و الی یاکل معی من هذا الفرخ، اللهم ائتنی باحب خلقک الیک یاکل معی من هذا الطعام، اللهم ائتنی باحب خلقک الیک یاکل معی من هذا الطائر.

در برخی از نقل ها آمده که پیامبر اکرم فرمود: خدایا محبوب ترین و آبرومندترین آفریده ات را نزد من بفرست

اللهم ائتنی باحب خلقک الیک و اوجهم عندک: کتاب الطیر ابن مردویه، (۲)

ص:۱۴۸

۱- ۱. شواهد التنزیل ص۸۶ و ص۸۸

۲- ۲. نفحات الازهار ج۱۴ ص۲۲۴

فقیه شافعی مذهب ابن مغازلی در کتاب المناقب ص ۱۷۱ ح ۲۰۰، از پیامبر اکرم نقل کرده که فرمود: خداوندا، محبوب ترین آفریدگانت را نزد من از میان اولین و آخرین، پیش من بفرست.

اللهم ادخل علی احب خلقک الی من الاولین و الاخرین. (۱)

هذا حدیث صحیح علی شرط الشیخین و لم یخرجاه. (۲)

ابن کثیر می گوید: این حدیث بیش از ۹۰ سند داشته و درباره ی آن کتاب ها نگاشته شده است.

الجمیع بضعه و تسعون نفساً... و قد جمع الناس فی هذا الحدیث مصنفات مفرده.(۳)

عایشه گفت: خلق نفرموده خداوند خلقی را که محبوب تر باشد به سوی، رسول خدا، از علی ابن ابی طالب

ما خلق الله خلقاً کان احب الی رسول الله من علی ابن ابی طالب. (۴)

از جمله آیاتی که در قرآن کریم اشاره دارد ائمه و امامان ۱۲ گانه شیعه از دودمان حضرت ابراهیم و از برگزیدگان و منتخبان الهی هستند آیه ۵۴ سوره نساء است. حضرت علی می فرماید: من از حسودی که مردم درباره ام داشته اند به پیامبر شکایت کردم آن بزرگوار فرمود: یا علی، آیا راضی نیستی یکی از آن ۴ نفر باشی که زودتر از همه داخل بهشت می شوند زیرا، اولین کسی که داخل بهشت می شود، من و تو و حسن و حسین هستیم و آیا راضی نیستی که برادر و وزیر من باشی.

قال علی شکوت الی رسول الله حسد بنی امیه و الناس ایای فقال: اما ترضی یا علی، انک اخی و وزیری و اول اربعه یدخلون الجنه انا و انت و الحسن و

۱- ۱. مستدرک حاکم نیشابوری ج۳ ص ۱۴۱ ح ۷۱۸۶

۲- ۲. البدایه و النهایه ابن کثیر ج۷ ص ۳۵۱، المطالب العالیه ابن حجر ج۱۶ ص ۱۰۸

۳- ۳. البدایه و النهایه ج۷ ص۳۵۳، فضائل الصحابه احمد حنبل ج۲ ص ۵۶۰، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج۳ ص۲۶۴، فصول المهمه ابن صباغ ج۱ ص ۲۱۰ و ص۲۰۷، ینابیع الموده ج۱ ص۱۷۵، تذکره الخواص ص۴۴، مروج الذهب ج۲ ص۴۲۵، خصائص المؤمنین، نسایی ص۵۱، کفایه الطالب گنجی ص ۱۵۰، مطالب السول ص۷۷، تاریخ دمشق ج۳۴ ص۴۰۶، حیاه الحیوان ص۳۳۸ ج۲، ذکر الاخبار اصفهان ابونعیم ج۱ ص۲۳۲، حلیه الاولیاء ج۶ ص۳۳۹، کنوزالحقایق ج۱ ص۹۴، کنز العمال ج۱۳ ص۱۶۶، فرائد السمطین ج۱ ص ۲۱۰، تاریخ بغداد ج۳ ص ۱۷۱، جامع الاصول ج۹ ص ۴۷۱، تاریخ الکبیر بخاری ج۲ ص۳ ح۱۴۸۸، مجمع الاوسط ج۲ ص۴۴۳، التاج الجامع للاصول ج۳ ص۳۳۶، مناقب خوارزمی ص۱۰۷، مشکاه المصابیح ص۵۶۴، الیواقیت و الجواهر ج۲ ص ۲۰، ریاض النضره ج۳ ص۱۱۵

۴- ۴. تاریخ دمشق ج۴۲ ص ۲۶۰، اسدالغابه ج۵ ص ۵۲۲، مستدرک حاکم ج۳ ص۱۵۴، ذخائر العقبی ص ۳۵

الحسین...(۱)

امام باقر فرمود: به خدا سوگند مائیم آن قومی که به ما حسادت بردند

فی قوله تعالی: ام یحسدون الناس علی ما آتاهم الله من فضله قال: نحن الناس. (۲)

عن جعفر بن محمد فی قوله تعالی: ام یحسدون الناس... قال: نحن المحسودون... قال: نحن و الله هم، نحن و الله المحسودون. (۳)

از جمله آیاتی که در قرآن کریم، برگزیدگی ائمه ۱۲ گانه شیعه را، از طرف خدا نشان می دهد آیه ۷۷ سوره مبارکه حج است، مولا علی، خطاب به گروه مهاجر و انصار فرمود: شما را به خدا قسم می دهم آیا می دانید که خداوند این آیات را در سوره حج نازل کرد.

{یا ایها الذین آمنوا، ارکعوا و اسجدوا و اعبد اربکم و افعلوا الخیر} الی آخر السوره

پس سلمان فارسی، بلند شد و گفت: ای پیامبر خدا، این گروهی که تو بر آنان گواهی و آنان بر مردم گواهند کیانند؟ کسانی که خداوند، ایشان را برگزیده و در دین برایشان سختی قرار نداده وآیین پدرشان ابراهیم نیز چنین بوده است، پیامبر فرمود: من و برادرم علی و ۱۱ تن از فرزندانم، گروه مهاجر و انصار گفتند: درست می گویی ای علی.

فقام سلمان فقال: یا رسول الله من هولاء الذین انت علیهم شهید و هم شهداء علی الناس الذین اجتباهم الله... قال: عنی بذلک ثلاثه عشر رجلاً خاصه قال سلمان: بینهم یا رسول الله: قال: انا و اخی علی و احد عشر من ولدی. (۴)

امام صادق فرمود: امت وسط و میانه ما اهل بیت هستیم و ماییم گواهان بر خلقش و حجت هایش در روی زمین عرض کردم: مراد از ملت پدرتان ابراهیم چیست؟ فرمود: تنها ما را اراده نموده است

نحن الامه الوسطی و نحن شهداء الله علی خلقه و حججه فی ارضه؛ قلت: قول

۱- ۱. تفسیر ثعلبی ج۸ ص۳۱۱ و ج۴ ص۳۲۸، تذکره الخواص ص۳۲۳، صواعق المحرقه ص۹۳، العمده ابن بطریق ص۳۱۷

۲- ۲. مناقب ابن مغازلی ص۲۳۴ ح۳۱۴، رشفه الصادی ص۳۷، ۰صواعق ص۱۵۰، ینابیع الموده ص۱۲۱، الدر المنثور ج۲ ص۱۷۳

۳- ۳. شواهد التنزیل ص۷۹ و ص۸۰ ح۱۹۵ الی ۱۹۸

۴- ۴. فرائد السمطین ج۲ ص۳۱۲ ح۲۵۰، ینابیع الموده ج۲ ص۲۲۸

الله عزوجل مله ابیکم ابراهیم؟ قال: ایانا عنی خاصه هم سماکم المسلمین من قبل(۱)

آیه ۷۷ سوره حج برتری چهارده معصوم بر انبیاء را نشان می دهد زیرا رسول اسلام درذیل این آیه فرمود:که عترت من در دنیا همانند آنان مثلی ونظیری ندارند یعنی انبیاءنمی توانند همانند آنان بشوند در مقام ورتبه الهی(۲)

آیه ۷۸ سوره حج ؛ برتری بی نظیر حضرات ۱۴ معصوم بر انبیاء و خلائق را ترسیم می کند چون نبی اسلام در ذیل تفسیر آن فرمود : عترت من در دنیا و عالم خلقت هم پایه و نظیر و مانندی ندارند یعنی انبیاء و سایر خلائق نمی توانند همانند آنان در مقامات و درجات الهی باشند – کتاب سلیم بن قیس هلالی ص ۲۰۱ ؛ در ذیل آیه هوسماکم المسلمین من قبل ؛ خداوند شما اهل بیت را در کتب پیشین و قبل از خلقت انبیاء مسلمان نامید ؛ دال بر برتری بی نظیر اهل بیت بر انبیاء است – تفسیر نمونه ج ۱۴ ص ۱۸۳ و آیه خاص ۱۴ معصوم است – البرهان ج ۳ ص ۹۱۲ ح ۷۴۳۳ ؛ ثلاث رسائل لنکرانی ج ۱ ص ۴۰ ؛ ینابیع الموده ج ۱ ص ۳۴۵ ؛ کتاب سلیم ج ۱ ص ۲۵۳ – ثلاثه عشر رجلا من ولد اسماعیل ... هم خیر من خلق الله و احب من خلق الله الی الله.

۱- ۱. . اصول کافی، کلینی رازی ص۴۳۸ ج اول، کتاب الحجه باب فی ان الائمه شهداء الله عزوجل علی خلقه.

۲- ۲. -سلیم بن قیس ص ۲۰۱

فصل پنجم: آیه ۴۷ سوره حجر و فضیلت امام علی علیه السلام و دشمنی معاویه با وی

ص:۱۵۲

«بسم الله الرحمن الرحیم»

پاسخی به شبهه و مغلطه محمد انصاری مدیر شبکه وهابی وصال ناحق درباب دفع مناقب اهل بیت

آیه ۴۷ سوره حجر در آن جا که می فرماید و نزعنا ما فی صدورهم من غل: هرگونه غل یعنی کینه، حسد و دشمنی را از سینه و قلب افراد مؤمن در بهشت پاک می کنیم منظور معاویه و حضرت مولا علی علیه السلام است چون در دنیا وکینه و نزاع با هم داشتند معاویه را می بخشیم و وارد بهشت می کنیم و کینه و دشمنی بین او و مولا ـ علی علیه السلام را پاک می کنیم!!! تلا رسول الله: {اخوانا علی سرور متقابلین: المحتاجون فی الله ینظر بعضهم الی} (۱)

قال لعلی انت اخی و رفیقی ثم تلا هذه الآیه: اخوانا علی سرور متقابلین: الاخلاء فی الله ینظور بعضهم الی بعض (۲)

قال رسول الله : انت معی و شیعتک فی الجنه ثم قرأ رسول الله : اخوانا علی سرر متقابلین لاینظر احدهم فی قفا صحابه – انت معی فی قصری فی الجنه و انت اخی و رفیقی ثم تلاء رسول الله : اخوانا علی سرر ... – المعجم الاوسط ج ۷ ص ۳۴۳ ح ۷۶۷۵ تذکره الخواص ص ۲۳ ؛ سیر اعلام النبلاأ ج ۱ ص ۱۴۲ ؛ الثقات ابن حبان ج ۱ ص ۱۴۲ ؛ ریاض النضره ج ۳ ص ۱۸۲ ؛ تاریخ دمشق ج ۴۲ ص ۵۳ و ج ۲۱ ص ۴۱۶ ؛ المناقب المرتضویه ص ۵۸ الکامل فی الضعفاء ج ۴ ص ۱۶۳ ؛ الحاد و المثانی

ص:۱۵۳

۱- ۱. بعض (بحار ج ۳۸ ص ۳۴۶ ،فضائل الصحابه ح ۱۰۸۵ احمد حنبل ج ۲ ص ۵۳۸ ح ۱۰۱۸ ح ۱۱۳۷،کنزالعمال ج ۱۳ ص ۶۰۵ ،مناقب خوارزمی ص ۱۵۰ ح ۱۷۸

۲- ۲. المعجم الکبیر طبرانی جزء الخامس ج ۵ ص ۲۲ ش ۴۸۸ ح ۵۱۴۶ ،مناقب ابن مردویه ج ۱ ص ۲۷۰ و ۲۷۱

ج ۵ ص ۱۷۰ – مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می نویسد در ذیل آیه مذکور : استشهاد رسول خدا به آیه از باب تطبیق کلی بر مصداق است نه اینکه آیه فقط درباره اهل بیت نازل شده باشد زیرا ؛ سیاق آیه با این اختصاص نمی سازد ؛ غل در اصل بمعنای نفوذ مخفیانه چیزی است به همین جهت به کینه و حسد که بطور مرموز در جان انسان نفوذ می کند غل گفته می شود – تفسیر نمونه ج ۶ ص ۲۱۵ ؛ جناب وهابی روایتی که شما در ذیل آیه ۴۷ سوره حجر ؛ می آوری که این آیه درباره مولا علی و مخالفینش می دانی بعدها ؛ خداوند در آخرت این غل و کینه را از مولا علی و مخالفینش زدوده می کند ؛ دارای مناقشه و نقص فراوان است ؛ مراد از غل را همان سیاهی جاهلیت می دانند که در روایت تفسیر در المنثور ج ۵ ص ۸۵ آمده غافل از اینکه تمام اهل سنت معترفند که امام علی هیچ گاه جاهلیت را درک نکرد و به این خاطر برای ایشان عبارت کرم الله وجهه بکار می برند ؛ ای غل هو ؟ قال : غل الجاهلیه در میان راویان این حدیث در ذیل تفسیر این آیه مذکور ؛ راویان اهل سنت یا غیرشیعه که مذهب زیدیه داشته اند یا شیعه بوده ولی منصب حکومتی داشته اند که حمل بر تقیه است در مورد محمدبن اسماعیل الزبیدی که در روایت ذیل آیه ۴۷ سوره حجر وجود دارد در شمار ؛ رجال شیعه ذکر نشده در مورد کثیر النواء هم چنین آمده است – قاله الشیخ الطوسی و الکشی و قال البرقی انه عامی – جامع الرواه ج ۲ ص ۲۸ محمدعلی اردبیلی ؛

مداح ابن مالک پاسخ می دهد: ابن مغازلی شافعی در کتاب مناقب خود بدون سند از زید بن ارقم روایت کرده است که گفت: بر رسول اسلام وارد شدم پیامبر فرمود: من می خواهم میان شما عقد اخوت برقرار کنم همان گونه که میان ملائکه برادری برقرار است آن گاه به علی بن ابی طالب فرمود: تو برادر و دوست من هستی سپس آیه شریفه اخوانا علی سرر متقابلین را خواند و فرمود: دوستانی که دوستیشان برای خداست بعضی به بعضی نگاه می کنند در تفسیر البرهان از حافظ ابونعیم سنی با سلسله راویان از ابوهریره روایت شده است که گفت علی ابن ابی طالب از پیامبر اسلام پرسید: ای پیامبر خدا کدام یک از ما در دل تو محبوب تریم من یا فاطمه؟ حضرت فرمود: فاطمه محبوب تر است ولی تو از او عزیزتری و گویا تو و او را می بینم

که در کنار حوضم مردم را از آن دور می کنی و کنار آن حوض به تعداد ستارگان جام و کوزه هایی است و تو و حسن و حسین و جعفر و حمزه در بهشتید و چون برادرانی در برابر هم بر تخت ها قرار دارید و تو و شیعیانت با من هستید سپس نبی اکرم این آیه را قرائت فرمود: و نزعنا فی صدورهم و فرمود: آن چنان در برابرهم هستید که به پشت سر یکدیگر نمی نگرید علامه طباطبایی علیه الرحمه در ذیل این آیه می گوید: کنایه این است که در آنجا یعنی بهشت همانند دنیا در پی عیب جویی یکدیگر نیستند چون کینه ها از دل شان بیرون رفته است و عیب جویی به علت کینه درونی است(۱)

.در ضمن آیه ما نزعنا فی صدورهم امام صادق در ذیلش به ابو بصیر فرمود: بخدا قسم که جزء شیعیان ما را خدا اراده نکرده والله ما اراد بهذا غیرکم (۲)

یکی از چشمه های در بهشت چشمه مطهره است قرآن در این باره می فرماید: وسقهم ربهم شرابا طهورا امام باقر علیه السلام در این مورد فرمود: چشمه ای پاک و پاکیزه قرار دارد در بهشت افرادی که می خواهند وارد بهشت شوند قدری از آب آن چشمه را به ایشان می نوشاند تا قلب آنان از حسد و بخل خالی گردد و تمام موهای بدنشان به وسیله آن ریخته شود.

امام صادق فرمود: وقتی بهشتیان از آن شراب آشامیدند قلب آنان از همه چیز پاک می شود مگر از عشق به خدا که علاقه به او قلب انسان را پر از نور و صفا نموده است.

ابوقلابه می گوید: خداوند هر وقت بخواهد به اهل بهشت خوراکی بخوراند اول شرابی به آنان می نوشاند تا شکمشان پاک و خوشبو گردد و هنگام هضم غذا، آن شراب عرق شود و از بدنشان بیرون آید، بوی آن مانند مشک و عنبر می باشد مرتبه

۱- ۱. .(تفسیر البرهان ج۴ ص۴۰۱ ح۱۰-ما نزل من القرآن فی علی ابونعیم اصفهانی ص۲۷۰ ح۴۱۹ – مقتل خوارزمی فصل۵ ص۶۹ – ح ۱۵۰۱۶ مجمع الزوائد ج۹ ص۱۷۳ – ینابیع الموده ص۱۳۲ – شواهد التنزیل ج۱ح۴۳۶ – احقاق الحق ج۳ ص۴۵۴ – کشف الغمه ج۱ ص۳۲۵ – کشف الیقین علامه حلی ص۳۸۲) یا علی انت اخی و صاحبی و رفیقی فی الجنه تاریخ بغداد ج ۱۲ ص ۲۶۳

۲- ۲. روضه کافی ج ۸ ص ۳۵ ح ۱ تاویل الآیات ج ۱ ص ۲۴۹

دوم شکم ایشان خالی شده و با میل و علاقه فراوان غذا خورده و باز عرق شود و از بدنشان خارج گردد.(۱)

مؤمن در دنیا اهل کینه و کدورت نیست و با ریاضت نفسانی کینه ها را می شوید اگر کمترین کینه ای هم در دل ها باشد پروردگار آن ها را از سینه او می زداید.

امام باقر علیه السلام در ذیل آیه ۴۷ سوره حجر فرمود:

العداوه تنزع منهم ای من المومنین فی الجنه

دشمنی از آن ها برطرف می شود یعنی از مؤمنین در بهشت (۲)

قرآن در سوره شعرا آیه ۸۹ و ۹۰ می فرماید:

{ یوم لا ینفع مال و لابنون الامن اتی الله بقلب سلیم}

و در سوره انعام آیه ۱۲۱ می فرماید: لهم دارالسلام عند ربهم بهشت جای افرادی است که قلب سالم از تمام آلودگی و معاصی داشته باشند.

و یکی از نام های بهشت دارالسلام است یعنی خانه افراد سالم از گناه پس مؤمن بهشتی که با کینه می میرد باید سال ها در برزخ یا مواقف قیامت بماند و گرفتار باشد تا از این آلودگی پاک شود و بتواند به بهشت رفته از این جا است که در قرآن مجید فرموده که بهشتیان را پیش از بهشت رفتن از گناه بزرگ کینه پاک می کنند و می فرماید: کینه و عداوتی که در سینه هایشان بوده جدا کردیم، نبی اسلام فرمود: راستی بنده بر یک گناه خود ۱۰۰ سال زندانی باشد در جهنم و به چشم خود ببیند که همسرانش در بهشت در ناز و نعمتند(۳)

از شرایط قطعی پیامبران و ائمه هدی عصمت است و همه آن ها از آلو دگی به هر گناهی صغیره و کبیره پاکند بلکه فکر گناه هم نمی کنند زیرا خداوند آن ها را جهت تزکیه و پاک کردن نفوس بشری از هر آلودگی فرستاده پس خودشان پاک کرده خدائی هستند تا بتوانند دیگران را پاک کنند اگر پیغمبری و امامی خود حسود باشد و کینه ای باشد چگونه می تواند مردم را از این بیماری مهلک قلبی و روحی نجات

ص:۱۵۶

۱- ۱. تفسیر صافی ج۲ص۷۷۴ – تفسیر ابو الفتوح ج۵ ص۴۵۰ – انسان در بهشت ودوزخ نوشته صالحی حاجی آبادی ص ۲۱۵

۲- ۲. تفسیر صافی ج ۱ ص ۵۷۸

۳- ۳. اصول کافی باب الذنوب ح ۱۹ – قلب سلیم شهید دستغیب ص۶۲۷

دهد .

پس به طور یقین این قسمت آیه ۴۷ سوره حجر و نزعنا ما فی صدورهم من غل درباره مولا علی و پیامبر به اعتراف موافق و مخالف و ادله عقلی و قرآنی نیست.((۱)

حال به آیاتی در قرآن راجع به دشمنی معاویه علیه الهاویه با مولا علی علیه السلام و اصلاً دشمنی و عداوت قوم بنی امیه با آل هاشم و آل رسول می باشد به طور اختصار اشاره ای می شود:

از جمله آیاتی که در قرآن کریم راجع به عداوت و دشمنی ابدی بین اهل بیت آل رسول و قوم بنی امیه است آیه ۱۹ سوره حجر می باشد.

هذان خصمان اختصموا فی ربهم

اینان دو گروه هستند که درباره پروردگارشان به مخاصمه و جدال پرداختند.

امام حسین علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود: مقصود از این آیه ما و بنی امیه هستیم که درباره خدا به ستیز پرداختیم آنچه خدا فرموده حق است و بنی امیه گفتند خدا دروغ گفته است پس تا قیامت ما با بنی امیه دشمن خواهیم بود.

فقال: نحن و بنوامیه اختصمنا فی الله تعالی قلنا صدق الله و قالوا: کذب فنحن الخصمان یوم القیامه.(۲)

مولاـ علی علیه السلام فرمود: من اولین کسی هستم که روز قیامت قیام می کنم و با دشمنان خدا و پیامبر مخاصمه و اظهار دشمنی می کنم معاویه تا در دنیا بود دشمن درجه یک مولا علی علیه السلام و شیعیان خاصش مثل مالک اشتر و عمار یاسر و محمد بن ابی بکر بود.

پس طبق این آیه مذکوره و ادله فراوان دیگر مولاـ علی مقابل معاویه به عنوان مخاصمه قیام می کند آقای سلفی چگونه به عقیده شما آیه ۴۷ سوره حجر درباره صلح و آشتی مولا علی و معاویه در بهشت هست اصلاً معاویه بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد.

عن علی ابن ابی طالب انه قال: انا اول من یجثو بین یدی الرحمان للخصومه

۱- ۱. قلب سلیم شهید دستغیب ص ۶۹۰

۲- ۲. تفسیر نورالثقلین ج۵ ص۱۴ – تفسیر البرهان ج۵ ص ۲۷۰ح۲ – خصال صدوق ص۴۲)

یوم القیامه. (۱)

از جمله آیات دیگر در قرآن کریم که دشمنی و اختلاف ابدی بین اهل بیت عصمت با قوم ستمگر بنی امیه را نشان می دهد آیه ۲۱ سوره جاثیه است.

ام حسب الذین اجترحوا السیئات ان نجعلهم کالذین امنوا و عملوا الصالحات سواء محیا هم و مماتهم.

ان نجعلهم کالذین امنوا در خصوص بنی هاشم و ام حسب الذین اجترحوا السیئات درمورد بنی عبدالشمس و بنی امیه نازل شده است.

قرآن در این آیه می فرماید آیا ما مرگ و زندگی کسانی که مرتکب کارهای بد شدند با کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند مساوی قرار می دهیم؟ نه این طور نیست چه بد داوری و حکم می کنند .

در روایتی مولا علی علیه السلام فرمود: و ام حسب الذین اجترحوا بنی امیه هستند،کالذین امنوا و عملوا الصالحات ما اهل بیت پیامبر هستیم.

عن ابن عباس فی قوله تعالی: ام حسب الذین اجترحوا یعنی بنی امیه ان نجعلهم کالذین امنوا النبی و علی و حمزه و الحسن و الحسین و فاطمه علیهم السلام اجمعین(۲)

از جمله آیات دیگر در قرآن که تضاد و دشمنی ابدی بین اهل بیت عصمت با قوم بنی امیه را متذکر می شود آیات ۲۹ و ۳۰ سوره مطففین می باشد .

{ان الذین اجرموا کانوا من الذین امنوا یضحکون و اذ امروا بهم یتغامزون.}

ان الذین اجرموا منافقین قریش و گروهی از بنی امیه بودند که چون مولاـ علی با جمعی از کنار آنان می گذشت با چشم و ابرو به حضرت اشاره می کردند و مسخره می کردند.

عن ابی عبد الله فی قوله تعالی ان الذین اجرموا قال نزلت فی علی و الذین استهزوا به من بنی امیه ان علیاً مر علی نفر من بنی امیه و غیرهم من المنافقین فسخروا منه عن ابن عباس فی قوله تعالی ان الذین اجرموا قال: هم بنوعبد الشمس.

---

۱ - ۱. شواهد التنزیل ج۱ ص۵۰۴ – شرح نهج البلاغه ج۱ ص۴۵۴ – معجم الکبیر ج۱ ص۱۴۴ – اسباب النزول ص۲۳۱ – سمط النجومج۲ ص۴۷۳ – جامع البین العلم ابن عبد البرج۲ ص۱۲۵ – الدر المنثور ج۴ ص۳۴۸ – تفسیر القرآن ابن کثیر ج۵ ص۳۵۶ – صحیح بخاری ج۱۷ ص۲۱۶و ...

۲ - ۲. .(شواهد التنزیل ص۳۰۰ح۸۷۵ – روح المعانی ج۱۳ ص۱۴۹ – تاویل الایات ج۲ ص۵۷۷ ح۶ – البرهان ج۷ ص۱۸۰

پس مؤمن و منافق یعنی امیر مؤمنان علی علیه السلام با منافقی چون معاویه فرزند هند جگر خوار در بهشت با هم جمع نمی شوند منافق در اسفل السافلین جای دارد و بدتر از کفار و مشرکین است(۱)

از جمله آیات دیگر در قرآن کریم راجع به دشمنی ابدی و جدایی ابدی بین مولا علی علیه السلام و شجره بنی امیه می باشد آیات ۳۴ الی ۳۶ سوره مطففین است.

{فالیوم الذین امنوا من الکفار یضحکون}

از ابن عباس روایت شده است که مراد از ان الذین اجرموا بنی عبد الشمس و بنی امیه می باشد که وقتی مولا علی علیه السلام از کنار آنان عبور می کرد از روی مسخره به او لبخندی می زدند لذا خداوند، رسول اسلام را از این ماجرا آگاه کرد و فرمود: بشارت بده به علی علیه السلام که روز قیامت در حالی که آنان در جهنم عذاب می شوند شما به آنان نگاه می کنید و می خندید.

از امام چهارم روایت شده مولا علی، کفار و منافقین بنی امیه را در جهنم مشاهده می کند که می گویند ای علی وصی پیامبر ما را شفاعت کن پس مولا علی بر سخنان بی فایده آنان لبخند می زند. (۲)

از جمله آیاتی که در قرآن تضاد و دشمنی ابدی بین اهل بیت عصمت و قوم ستمگر بنی امیه را متذکر می شود آیات ۲۱ و ۲۳ سوره مبارکه محمد صلی الله علیه و آله است.

فهل عسیتم ان تولیتم ان تفسدوا فی الارض و تقطعوا ارحامکم عن ابن عباس فی قوله تعالی فاذا عزم الامر یقول: جدالامر و امروا بالقتال فلو صدقوا الله نزلت فی بنی امیه ...

ابن عباس می گوید: این آیه درباره بنی امیه و بنی مغیره نازل شده و مراد از و تقطعوا ارحامکم قطع ارحام رسول اکرم و اهل بیت او می باشد مولا علی علیه السلام فرمود: در سوره محمد آیه ای درباره ما و آیه ای درباره بنی امیه وجود دارد.

---

۱ - ۱. .(شواهد التنزیل ج۲ ص۴۲۶ – روح المعانی ج۱۵ ص۲۸۳ – الجامع الاحکام القرآن ج ۲۰ ص۲۶۷ – مفاتیح الغیب ج۳۱ ص۹۴ – الکشف و البین عن تفسیر القرآن ج ۱۰ ص۱۵۷و...)

۲ - ۲. شواهد التنزیل ج۲ ص۴۲۸ – روح المعانی ج۱۵ ص۲۸۳ – فضائل الخمسه فیروز آبادی از تفسیر فخر رازی و کشاف در این مورد نقل کرده تاویل الایات ج ۲ص۷۸۱ و...

عن علی علیه السلام قال: سوره محمد آیه فینا و آیه فی بنی امیه(۱)

امام باقر علیه السلام فرمود: منظور کسانی که کافر شدند بنی امیه هستند و منظور از و مردم را از راه خدا بازداشتند یعنی از راه ولایت علی ابن ابی طالب بازداشتند .

و ابی جعفر فی قوله تعالی: الذین کفروا یعنی بنی امیه و صدوا عن سبیل الله عن ولایه علی ابن ابی طالب(۲)

از جمله آیات دیگر قرآن کریم که جدایی ابدی و تضاد همیشگی مولا علی و اهل بیت عصمت و قوم بنی امیه را تأکید دارد آیه ۳۰ سوره محمد صل الله علیه و آله و سلم است.

و لتعرفنهم فی لحن القول

منابع کثیری از اهل سنت از قول ابن عباس نقل کرده اند که این آیه در شأن مولا علی و مذمت منافقان و دشمنان علی علیه السلام که یکی دسته از آن قوم بنی امیه هست نقل کرده اند آیا معاویه دشمنی خودش را با مولا علی را صادر نکرد(۳)

عن ابی سعید خدری فی قوله جل و عز و لتعرفنهم فی لحن القول قال: ببغضهم علی ابن ابی طالب

از جمله آیات کریمه دیگر مصحف شریف که بی ایمانی معاویه و مذمت او را یادآور می شود آیه ۹ سوره حجرات است.

{و ان طائفتان من المومنین اقتلوا فاصلحوا بینهما فان بغت احدهما علی الاخری}

عبد الله ابن عمر گفت این آیه از قرآندلم را گرفته برای اینکه چرا من با لشکر ظلالت و گمراهی (یعنی لشکر معاویه) نجنگیدم و علی علیه السلام را یاری ننمودم و امر خدای را اطاعت نکردم

در روایت دیگر دارد پسر عمر ابن الخطاب در آخر عمرش می گفت: از دنیا هیچ اندوهی ندارم جزء این که با لشکر ظلالت و گمراهی معاویه و اصحابش نجنگیدم.

عبدالله پسر عمروعاص در روایت دارد می گفت ای کاش با پدرم عمر عاص در

ص:۱۶۰

۱- ۱. شواهد التنزیل ص ۳۰۲ح۸۷۶ ص۳۰۵ح ۸۸۲

۲- ۲. مناقب شهر آشوب ج ۳ ص۷۱- تفسیر البرهان ج ۷ ص ۲۰۵ ح۶

۳- ۳. لسان المیزان ابن حجر ج۴ ص۳۶۸ – تاریخ دمشق ابن عساکر ج۲ ص ۴۲۱ – مناقب ابن مغازلی ص۳۱۵ – در المنثور ج۶ ص۶۶ – الاستیعاب ج۲ ص۴۲۴ – کنز العمال ج۲ ص۱۵۲ – روح المعانی ج۲۶ ص ۷۱و...

جنگ صفین شرکت نکرده بودم با اینکه او در جنگ شمشیری علیه مولا نزده بود ولی باز با تأسف می گفت: ای کاش ۲۰ سال قبل از جنگ صفین مرده بودم(۱)

ما وجدت فی نفسی من شی ء من امر هذه الایه یعنی و ان طائفتان... الا ما وجدت فی نفسی انی لم اقاتل هذه الفئه الباغیه کما امرنی الله تعالی.(۲)

ربما ندم بعضهم علی ترک ذلک کعبد الله ابن عمر فانه ندم علی تخلفه عن نصره علی ابن ابی طالب رضی الله عنه فقال عند موته: ما آسی علی شیء ما آسی علی ترکی قتال الفئه الباغیه یعنی فتنه معاویه و هذا هو الصحیح ان الفئه الباغیه اذا علم منها البغی قوتلت.(۳)

مردی از ابن عباس سؤال کرد قاسطان چه کسانی هستند؟ ابن عباس فرمود: قاسطان عبارتند از معاویه و اصحابش

ان رجلاً سال ابن عباس... و القاسطون: معاویه و اصحابه.(۴)

حال به روایاتی که در مذمت و عدم ایمان معاویه و اصحابش می باشد از منابع اهل سنت به طور اختصار اشاره می شود:

یکی از جنایات معاویه جنگ با امیرمؤمنان علی علیه السلام و کشتن عمار یاسر صحابی جلیل القدر نبی اکرم بود که از دامن سیاه معاویه هیچ وقت پاک نخواهد شد.

صحیح بخاری، کتاب الصلاه باب تعاون فی بناء المسجد از نبی اکرم روایت کرده که فرمود: امان از مصیبت عمار که گروهی ظالم او را به قتل می رساند، او آنان را به بهشت دعوت می کند ولی آنان او را به دوزخ راهنمایی می کنند.

و یح عمار تقتله الفئه الباغیه یدعوهم الی الجنه و یدعونه الی النار یدعوهم الی الله و یدعونه الی النار.(۵)

ابن حبان به سندش از امه سلمه نقل کرده که رسول اکرم فرمود: عمار را گروهی ظالم و گمراه خواهند کشت

۱- ۱. مستدرک حاکم ج۳ ص۱۱۵ – طبقات کبری ابن سعد ج۴ ص۱۳۶ – هیثمی در مجمع الزوائد ج۳ ص۱۸۲ – ریاض النضره ج۲ ص۲۴۲ – استیعاب ج۱ ص۳۰۷

۲- ۲. مستدرک حاکم ج۲ ص۴۶۳ – کتاب التفسیر – السنن الکبری – کتاب قتال اهل البغی ج۸ ص۱۷۲

۳- ۳. التذکره فی احوال الموتی و امور الاخره ص ۶۵۵ قرطبی

۴- ۴. المحاسن و المساوی بیهقی ص۶۶

۵- ۵. صحیح بخاری کتاب الجهاد و السیر باب مسح الغبار

تقتل عماراً الفئه الباغیه(۱)

ابوسعید خدری از رسول اکرم روایت کرده است که فرمود: امان از مصیبت فرزند سمیه او آنان را به بهشت دعوت می کند ولی آنان او را به جهنم دعوت می کنند .

حذیفه می گوید: نبی اکرم به ما فرمود: با کتاب خدا دور بزنید هر جا کتاب خدا رفت با او بروید عرضه داشتم اگر مردم اختلاف کردند با چه کسی باشیم؟ فرمود: ببینید ابن سمیه با کدام جمعیت است داخل آن جمع شوید چون او با کتاب خدا دور می زند من از میان جمع پرسدم ابن سمیه کیست؟ فرمود: مگر او را نمی شناسی؟ عرضه داشتم بیان فرما، فرمود: عمار بن یاسر چه من از رسول اکرم شنیدم که به عمار فرمود: ای ابا الیقظان تو نمی میری مگر وقتی که حزب گمراه تو را به قتل برساند.(۲)

خزیمه بن ثابت می گوید من در جنگ صفین حاضر بودم ولی دست به شمشیر مقابل علی مرتضی نبردم تا ببینم تکلیف عمار چه می شود وقتی لشکر معاویه او را کشتند حق برایم آشکار شد خزیمه می گوید: ظلالت به من نزدیک شده شمشیر را از غلاف در آورد و به یاری علی ابن ابی طالب جنگید تا کشته شد(۳)

در این باب روایات در منابع اهل سنت فراوان است، مولا علی علیه السلام قبل از آن که برای مقابله با معاویه آماده شود خطبه ای بر اهل عراق ایراد فرمود: با کسی بجنگید که با خدا و رسولش به ضدیت پرداخته و می خواهد تا نور خدا را خاموش کند پس با افراد خطاکاری که گمراه شده و ظالمند و نه قاری قرآن و نه فقیه در دین و نه عالم به تأویل و نه به جهت سبقت در اسلام برای این کار اهلیت دارند بجنگید به خدا سوگند اگر آنان بر شما سلطه یابند همانند کسری و هرقل حکومت کنند.

قاتلوا من حادالله و رسوله و حاول ان یطفی نورالله فقاتلوا الخاطئین الضالین القاسطین الذین لیسوا بقراء قرآن و لا فقهاء فی الدین و لا علماء فی التاویل و لا لهذ الامر باهل فی سابقه الاسلام و الله لو و لوا علیکم لعلموا فیکم باعمال کسری

۱- ۱.الاحسان ج۸ ص ۲۶۰ – ج۹ ص ۱۰۵

۲- ۲. صحیح ترمذی ج۲ ص۱۴۸مناقب عمار – مستدرک حاکم ج۳ ص۳۸۵

۳- ۳. .طبقات الکبری ابن سعد ج۳ ص۱۸۵ – مستدرک حاکم ج۳ ص۳۸۷

و هرقل.یریدون ان یطفوا نور الله بافواههم والله متم نوره ولو کره الکافرون (۱)

رسول اکرم فرمود: هر کس با علی علیه السلام بر سر خلافت جنگید و او را به قتل برسانید هر که می خواهد باشد.

نبی اکرم فرمود: ای عمار گروه ظالمی تو را خواهند کشت قاتل تو در جهنم است.

من قاتل علیاً علی الخلافه فاقتلوه کائناً من کان(۲)

تقتلک الفئه الباغیه قاتلک فی النار (۳)

رسول اکرم فرمود: چون معاویه را بر روی منبرم مشاهده کردید او را به قتل برسانید.

اذا رایتم معاویه علی منبری فاقتلوه(۴)

اذا رایتم معاویه یخطب علی منبری فاضربوا عنقه(۵)

رسول اکرم فرمود: خدایا شکم معاویه را از غذا سیر مکن و شکمش را با خاک پر کن.

اللهم العنه و لاتشبه الا بالتراب لا اشبع الله بطنه(۶)

معویه بر اثر گرسنگی شدید و خوردن زیاد آنقدر چاق شده بود که نمی توانست ایستاده خطبه بخواند و نشسته می خواند

اول من خطب جالسا معویه و ذالک حین عظم بطنه و کثر شحمه (۷)

در روایت دارد معاویه هر روز ۷ مرتبه غذا می خورد و می گفت سوگند به خدا سیر نمی شوم تنها خسته می شوم.

وقد کان معویه لا یشبع بهدها...انه کان یاکل فی الیوم سبع مرات طعاما بلحم و کان یقول: والله لا اشبع(۸)

ص:۱۶۳

۱- ۱. الکامل ابن اثیر ج۳ ص۳۳۹

۲- ۲. کنوز الحقایق مناوی ج۲ ص۱۱۴

۳- ۳. تاریخ دمشق ج۱۲ ص۶۲۲ – کنزالعمال ج ۱۱ ص۷۲۵ ح۳۳۵۴۹

۴- ۴. کتاب المجروحین ج۲ ص۱۷۲- انساب الاشراف ج۵ ص۱۳۶-الکامل ابن عدی ج ۲ ص ۱۴۶ – تاریخ بغداد ج ۱۲ ص ۱۷۸ – تاریخ طبری ج ۸ ص ۱۸۶ – البدایه و النهایه ج ۸ ص ۱۴۱ – سیر اعلام النبلاء ج۳ ص۱۴۹

۵- ۵. وقعه الصفین ص۲۱۶ – شرح نهج البلاغه ج۴ ص۳۲

۶- ۶. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج۸ ص۲۵۶ – ح ۴۷۱۳صحیح مسلم ج۸ ص۲۷ – اسد الغابه ج۴ ص۳۸۶ – سیر اعلام

النبلاء ج۵ ص۳۸۸ و ...

۷- ۷. سیر اعلام النبلاء ج ۱۳ ص ۴۵۸ – فتح الباری ج ۲ ص ۴۰۱

۸- ۸. البدایه و النهایه ابن کثیر ج۶ ص۱۸۹

رسول اکرم فرمود: هر گاه معاویه و عمر عاص را با هم دیدید میان آن ها جدایی اندازید که آن ها هرگز بر کار خیر جمع نخواهند شد.

اذا رایتم معاویه و عمرابن العاص مجتمعین ففرقوا بینهما فانهما لن یجتمعا علی خیر(۱)

ابن عباس می گوید: در سفری همراه نبی اکرم بودیم که صدای آواز و ترانه خوانی دو مرد شنیدیم پیامبر اکرم فرمودند: ببینید چه کسانی هستند؟ گفتند معاویه و عمر عاص حضرت رسول دست ها را بالا بردند و فرمودند: بار خدایا آنها را کاملاً وارونه گردان و به حالات گذشته برگردان و به زور آن ها را وارد آتش جهنم کن.

اللهم ارکسهما رکساً و دعهما الی النار دعاً (۲)

ابوذر غفاری به معاویه گفت از رسول اکرم شنیدم که می فرمودند: است معاویه فی النار مقعد و نشیمنگاه معاویه در آتش جهنم است.

ان معویه فی تابوت من نار فی اسفل درک منها (۳) معویه فی تابوت مقفل علیه فی جهنم (۴)

روزی رسول اکرم به اصحابش فرمود: ازاین دره مردی از امت من بالاـ می آید که در قیامت بر غیر دین من محشور خواهد شد و ناگهان معاویه ظاهر شد .مولا علی در باره معویه می گوید: معویه ولشکرش اسلام را قبول نکردند بلکه به ظاهر تسلیم شدند و کفر خود را پنهان کردند و زمانی که یارانی یافتند آن را آشکار کردند

نامه ۱۶ نهج البلاغه ما اسلموا و لکن استسلموا و اسرو الکفر ولما وجدوا اعوانا علیه اظهروه

یطلع من هذا الفج رجل من امتی یحشر علی غیر ملتی (۵)

رسول اکرم ابوسفیان را سوار بر مرکب به همراه معاویه و برادرش یزید دیدند حضرت فرمودند: الهم العن القائد والسائق والراکب خدایا آن که افسار را به دست

۱- ۱. وقعه الصفین ص۲۱۸

۲- ۲. ح ۱۰۹۷۰(معجم الکبیر ج۱۱ ص۳۲

۳- ۳. ینادی تاریخ طبری ج ۱۱ ص ۵۸ و ۳۵۸ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج۸ص۲۵۸

۴- ۴. انساب الاشرف ج ۲ ص ۱۲۱

۵- ۵. تاریخ طبری ج ۱۰ ص ۵۸ و ج۱۱ ص ۳۵۸ (تاریخ طبری ج۸ ص۱۸۶ – وقعه الصفین ص۲۱۹ – شرح نهج البلاغه ج۱۵ ص)۱۷۶

دارد و آن که مرکب را از پشت می راند و کسی که سوار بر مرکب هست لعنت کن.

مات والله معاویه علی غیر الاسلام (۱)

در فضایل معاویه احادیث فراوان و کتاب های مستقل نوشته شده که اهل دانش حدیث هیچ یک از آن ها را صحیح نمی دانند.

قد روی فی فضائل معاویه احادیث کثیره و صنف فی ذلک مصنفات و اهل العلم بالحدیث لایصححون لاهذا و لاهذا.

بدرالدین عینی شارح صحیح بخاری در ج ۱۶ ص ۲۴۹ کتاب شرح صحیح بخاری می نویسد: در این باب از کتاب بخاری سخن درباره معاویه است در حالی که هیچ فضیلتی برای معاویه وجود ندارد اگر کسی بگوید در فضیلت معاویه روایات زیادی وجود دارد در پاسخ می گویم: بله روایات فراوانی وارد شده اما در هیچ یک از آن ها حتی یک روایات با سند صحیح وجود ندارد.

و لکن لیس فیها حدیث یصح من طریق الاسناد نص علیه

ابن تیمیه می گوید: گروهی برای معاویه فضایلی تراشیده و آن ها را به نقل از پیامبر روایت کرده اند که همه آنها کذب است.

شوکانی می گوید در فضیلت معاویه هیچ حدیث صحیحی وجود ندارد.

سیوطی هم همانند شو کانی و ابن تمیمه رد کرده تمام احادیث جعلی درباره فضیلت معاویه

طائفه وضعوا المعاویه فضائل و رووا احادیث عن النبی فی ذلک کلها کذب.(۲)

لا یصح فی فضل معاویه حدیث

مولا علی معاویه را شیطان معرفی می کند فانها هو الشیطان (۳)

قرآن در سوره نساء آیه ۹۵ می فرماید: هر کس مؤمنی را عمداً بکشد برای همیشه در جهنم خواهد بود و معاویه افراد شریفی چون امام حسن، عمار، حجربن عدی، مالک اشتر محمد بن ابی بکر را به شهادت رسانید(۴)

۱- ۱. مساءل امام حنبل ج ۲ ص ۱۵۴ ،الضعفاء الکبیر للعقیلی ج ۴ص ۲۵۹

۲- ۲. منهاج السنه ج۴ ص ۴۰۰

۳- ۳. نامه ۴۴ نهج البلاغه (الفوائد المجموعه فی احادیث الموضوعه ج۱ ص۴۰۷شوکانی – اللالی المصنوعه فی احادیث

الموضوعه سیوطی ج۱ ص۳۸۸

۴- ۴.سیوطی در تاریخ خلفاءص ۱۹۲-استیعاب ج۱ ص۳۸۹

و قالت طائفه کان ذلک منها تبدیس معاویه الیها(۱)

فرده معاویه الی زیا دان یقتله فدفنه حیاً فکان الذین قتلوا، حجربن عدی و...(۲)

فخرج الاشتر یتهجز الی مصر(تاریخ طبری ج۴ ص۷۱– مقتل محمد ابن ابی بکر(۳)

از جمله جنایات معاویه قتل عام ۳۰ هزار تن از مسلمانان مؤمن به دستور معاویه به وسیله بسربن ارطاه(۴)

از جمله خلاف های عظیم معاویه لعن به مولا علی و جعل حدیث بوده است.

کان فی ایام بنی امیه اکثر من سبعین الف منبر یلعن علیها علی ابن ابی طالب بما سنه لهم معاویه(۵)

کان لا یقوم احد من بنی امیه الاسب علیاً(۶)

کانوا بنی امیه غضب الله تعالی علیهم یجعلونه فی اواخر خطبهم من سب علی کرم الله وجهه(۷)

پیامبر اکرم فرمود: علی را دشنام ندهید هر که علی را دشنام دهد مرا دشنام گفته و هر که مرا دشنام دهد خدا را دشنام داده و کسی که خدا را دشنام دهد خداوند او را عذاب خواهد کرد.

و لا تسبوا علیاً فان من سب علیاً فقد سبنی و من سبنی فقد سب الله و من سب الله عذبه الله(۸)

پیامبر اکرم فرمود: علی را جزء فرد مؤمن دوست نمی دارد و جزء منافق دشمن نمی دارد.

۱- ۱. الکامل فی التاریخ ابن ثیر ج۳ ص۴۸۶
۲- ۲. ...الکامل فی تاریخ ج۳ ص۳۵۳
۳- ۳. تاریخ طبری ج۴ ص ۷۱ – مقتل محمد ابن ابی بکر
۴- ۴. تاریخ طبری ج۴ ص۱۰۷ – سیر اعلام النبلاء ذهبی ج۳ ص۱۳۷
۵- ۵. النصاح الکافیه ص۱۰۵
۶- ۶. حلیه الاولیاء ج ۵ص ۳۲۲
۷- ۷. روح المعانی ج۱۴ ص۲۲۰
۸- ۸. کنز العمال ج۱۱ ص۲۶۲ – مسند احمد ج۶ ص۳۲۳ – البدایه و النهایه ج۷ ص۳۹۱ – تاریخ اسلام ذهبی ج۳ ص۶۳۴و ...) خصائص نسائی ص ۹۹، تاریخ دمشق ج ۴۲ص ۲۶۶،مناقب خوارزمی ص ۱۴۹ ،جواهر الطالب ابن دمشقی ج ۱ ص ۶۶

ان المنافقين فی الدرک السفل من النار نساء آیه ۱۴۴،لا یحبنی الا مومن ولا یبغضنی الا منافق (۱)۱۱

(۲)

جمعی از صحابه نقل کرده اند که ما در زمان پیامبر منافقین را نمی شناختیم مگر به دشمنی با علی

ما کنا نعرف المنافقین علی عهد رسول الله الا ببغضهم لعلی علیه السلام (۳)

رسول اکرم فرمود: من در ستیزم با کسی که با شما در ستیز باشد (یعنی علی، فاطمه، حسن و حسین) و آشتی ام با کسی با شما آشتی باشد.

قال نظر النبی الی علی و الحسن و الحسین و فاطمه فقال انا حرب لمن حاربکم و سلم لمن سالکم(۴)...

ابن حجر در صواعق المحرقه ص ۲۴۰ می نویسدرسول اکرم فرمود: کسی که دشنام دهد به اهل بیت من مرتد شده از دین خدا و اسلام و کسی که عترت مر ا اذیت کند لعنت خدا بر او باد.

من سب اهل بیتی فانما یرتد عن الله والاسلام

پس معـاویه بـا فحش دادن، جنگیـدن، کشـتن شـیعیان، و دشـمنی با مولا علی، کفر، نفاق و ارتـداد خود را ثابت کرده پس در پست ترین درجات دوزخ خواهد بود نه اینکه بعد از مدتی از جهنم بیرون بیاید و در بهشت کنار امیر مؤمنان علی قرار بگیرد و کینه و دشـمنی او بـا مولاـ علی مبـدل به دوستی شود چون بـا اعمال خلاف و کفر آمیز خودش در دنیا جهنم ابـدی خودش را آمـاده و مهیـا کرده است از جمله معاصـی نابخشودنی معاویه، نصب کردن یزیـد ملعون بود برای حکومت چون معاویه مریض شـد و مرگش فرا رسـید فرزنـدش یزیـد را خواست و به او گفت: ای فرزنـدم همه چیز برای تو آماده کرده و خلافت را برایت هموار نمودم و دشمنانت را سرکوب کرده و

۱- ۱. سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۴۲ ح ۱۱۴ باب

۲- ۲. صحیح مسلم ج۱ ص۸۶ ح ۷۸) صحیح ابن حبان ج ۱۵ ص ۳۶۷ ،المصـنف ابن ابی شیبه ج ۷ ص۴۹۴،السنه ابن عاصم ص ۵۸۴

۳- ۳. جامع الاحکام القرآن قرطبی ج۱ ص۲۶۷و...

۴- ۴. مستدرک حاکم ج۳ ص۱۴۹ – مسند احمد ج۲ ص۴۴۲) مجمع الزوائد ج ۹ ص ۱۶۹،صحیح ابن حبان ج ۱۵ ص ۴۳۴ ،البدایه و النهایه ج ۸ ص ۲۲۳ ،سیر اعلام النبلاءج ۲ص ۱۲۲ ،تاریخ اسلام ج ۳ ص ۴۵

گردن های عرب را برایت خاضع نمودم و همه را به نفع تو مجتمع ساختم.

ان المعاویه لما مرض مرضته التی هلک فیها دعا یزید ابنه فقال: یا بنی انی قد کفیتک الرحله و الترحال و وطات لک الاشیاء و ذللت لک الاعداء و اخضعت لک اعناق العرب...(۱)

خطبه حضرت زینب کبری÷ در کاخ یزید ملعون، ماهیت قوم جلاد بنی امیه و ال ابوسفیان معاویه ویزید را به وضوح و جلا نشان می دهد که آن ها در دنیا و آخرت نمی توانند مساوی و همنشین با اهل بیت مطهر آل رسول باشند در دنیا و عقبی ای یزید این همه طغیان تو بر اثر این است که تو انکار خدا ورسالت پیامبر کردی از تو تعجب نیست این همه جنایات چون جده ات جگر سید شهیدان حمزه را دهان کرده و بیرون افکنده و گوشت شما بنی امیه با خون پاکان آل رسول روییده و زاییده کینه دیرینه شما با پیامبر و خاندانش می باشد.(۲)

وقتی که معاویه ملعون وارد کوفه شد بر منبر رفت و خطاب به مردم این چنین گفت: به خدا قسم من برای این با شما نجنگیدم که نماز را بخوانید وروزه بگیرد و حج بروید و زکات بدهید زیرا قطعاً شما این کارها را انجام می دادید و می دهید بلکه من تنها برای این با شما جنگیدم که بر شما حکومت کنم.

و الله انی ما قاتلتکم لتصوا و لا لتصوموا و لا لتحجوا و لا لتزکوا انکم لتفعلون ذلک و انما قاتلتکم لاتامر علیکم(۳)

اصلاً جنگ مولا علی با معاویه به دستور نبی اکرم بوده است معاویه اگر مسلمان و مؤمن بود رسول اکرم اجازه جنگ با او را صادر نمی کرد.جاهد الکفار والمنافقین واغلظ علیهم (۴)

عن علی قال عهد الی رسول الله فی قتال الناکثین و القاسطین و المارقین(۵)

ابن حجر در تلخیص الحبیر فی احادیث الرافعی الکبیر ج ۴ ص ۴۴می نویسد: اهل جمل، صفین و نهروان همه متجاوز و ستمگر بودند زیرا جنگ با این ۳ گروه به

۱- ۱. ریخ الامم و الملوک طبری ج۳ ص ۲۶۰
۲- ۲. بلاغات النساء ابن طیفور ص ۲۱
۳- ۳. شرح نهج البلاغه ج۱۶ ص۴۵
۴- ۴. تحریم آیه ۹ توبه آیه ۳۷
۵- ۵. مسند ابویعلی ج۳ ص۱۹۴ – مجمع الزوائد ج۷ ص۲۳۸ – مسند بزاز ج۳ ص۲۶ – مجمع الکبیر ج ۱۰ ص ۹۱

فرمان پیامبر بود که به علی فرمود: با این ۳ گروه می جنگی

ثبت ان اهل الجمل و صفین و النهروان بغاه...

و این حدیث مشهور با آیه ۴۱ سوره زخرف مطابقت دارد

فاما نذهبن بک فانا منهم منتقمون

پس ای پیامبر اگر ما تو را از دنیا ببریم، قطعاً از آنان انتقام می کشیم .

منابع اهل سنت می گویند این آیه در مقام و منزلت مولا علی نازل شده که به وسیله علی علیه السلام بعد از وفات رسول اکرم از ناکثین و قاسطین و مارقین انتقام گرفته می شود(۱))

رسول اکرم فرمود: بعد از من کافر می شوید و گردن یکدیگر را می زنید و خدا به وسیله علی علیه السلام انتقام می گیرد.

قال: لا الفینکم ترجعون بعدی کفاراً یضرب بعضکم رقاب بعض و ایم الله لئن فعلتموها لتعرفنني فی الکتیبه التی تضاربکم ثم التفت الی خلفه فقال: او علی او علی ثلاثا... فاما نذهبن بک فانا منهم منتقمون بعلی بن ابی طالب.

از جمله آیات دیگری که درباره دشمنان مولا علی علیه السلام در قرآن اشاره شد آیه ۵۸ سوره احزاب است.

{والذین یوذون المومنین و المومنات... ان الذین یوذون الله و رسوله لعنهم الله فی الدنیا و الاخره}

گفته شده که این آیه درباره علی ابن ابی طالب نازل شده و این زمانی بود که جمعی از منافقان او را اذیت می کردند و بر او دروغ می بستند.

یقال نزلت فی علی ابن ابی طالب و ذلک ان نفراً من المنافقین کانوا یوذونه و یکذبون علیه(۲)

رسول اکرم فرمود: هر کس علی را اذیت کند مرا اذیت کرده و هر کس مرا اذیت کند خدا را اذیت کرده و کسی که خدا و رسول را اذیت کند طبق آیه مذکور جایش در جهنم است

آقای انصاری سلفی آیا معاویه، مولا علی را اذیت کرد یا نه ؟

۱- ۱. .مناقب ابن مغازلی ص ۲۷۴ ح۳۲۱ – در المنثور سیوطی ج۶ ص۱۸ – شواهد التنزیل ج۲ ص۲۱۶ – المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز ج۵ ص۵۶ – مسند احمد ج۱ ص۳۸۴

۲- ۲. شواهد التنزیل ص ۲۷۱ ح۷۷۵

من آذی علیاً فقد آذانی

ان الذین یوذن الله ورسوله لعنهم الله فی الدنیا و الآخره و اعد لهم عذابا مهینا (۱)

در حدیثی دیگر رسول اکرم فرمود:

یا ایها الناس من آذی علیاً بعث یوم القیامه یهودیاً او نصرانیاً.

ای مردم هر کس علی علیه السلام را اذیت کند روز قیامت یهودی یا مسیحی مشهور می شود(۲)

معاویه در دنیا با زبان و کردار بدش مولا علی را اذیت کرده چگونه لیاقت پیدا می کند که پیامبر شفاعت او کند و اصلاً مسلمان محشور نمی شود تا راهی به سوی نجات و بهشت داشته باشد رسول اکرم فرمود: همانا خداوند بهشت را بر ظالمین و قاتلین و کسانی که از یاری دادن به اهل بیت من خودداری کنند و به آنان فحش و ناسزا بگویند حرام کرده است.

ان الله حرم الجنه علی من ظلم اهل بیتی او قاتلهم او اعان علیهم او سبهم(۳)

از جمله آیاتی که در قرآن راجع به محبت به مولا علی و اخطار به بنی امیه ملعونه در عدم دوستی به حضرت نازل شده آیه ۹۶ سوره مریم است .

ان الذین آمنوا و عملو الصالحات سیجعل لهم الرحمن ودا

کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند به زودی خداوند برای آنان محبتی قرار خواهد داد.

ابن مردویه و دیلمی از براء روایتکرده اند که گفت رسول اکرم به علی علیه السلام فرمود:

اللهم اجعل لی عندک عهداً و اجعل لی عندک ودا و اجعل لی فی صدور المومنین موده

رسول اکرم به مولا علی فرمود: یا علی بگو خدایا محبت مرا در دل های مؤمنان

۱- ۱. احزاب آیه ۵۷(تاریخ کبیر بخاری ج۶ ص۳۰۷ – البدایه والنهایه ج۵ ص ۱۲۱ – اسد الغابه ج۴ ص۱۱۴ – مسند احمد ج۳ ص۴۸۳ – فیض القدیر ج۶ ص۲۴ – الاصابه ج۴ ص۵۳۴ – الجرح و التعدیل رازی ج۷ ص۵۰۲ – الصمنف ابن ابی شیبه ج۷ ص۵۰۲ – الثقات ابن حبان ج۳ ص۲۷۳ – مناقب خوارزمی ص۱۴۹ ح۱۷۶ –مناقب ابن مغازلی ص۵۲ – مجمع الزوائد ج۹ص ۱۲۹)ذخائر العقبی ص ۶۵ ،ینابع المده ج ۲ص ۱۵۵،شواهد التنزیل ج ۲ ص ۱۴۵

۲- ۲. .مناقب ابن مغازلی ص۵۲) جواهر المطالب ج ۱ ص ۶۳ ،مناقب ابن مردویه ص ۸۰ ،نظم درر السمطین زرندی حنفی ص ۱۰۵

۳- ۳. جواهر العقدین سمعودی ج۲ ص۲۶۱)صواعق المحرقه ج ۲ ص ۶۸۸ – هو یبغض آل بیت محمد دخل النار

بینداز. جابر ابن عبد الله می گوید این آیه درباره علی علیه السلام نازل شده است ابورافع گفت: پیامبر خدا فرمود به خدای کعبه قسم که چنین شد ابن عباس درباره آیه ۹۶ سوره مریم گفته منظور محبت به علی است هیچ مؤمنی را ملاقات نمی کنی مگر این که در قلب او محبتی برای علی علیه السلام وجود دارد.

عن جابر ابن عبدالله قال: قال رسول الله لعلی بن ابی طالب: یا علی قل رب اقذف لی الموده فی قلوب المومنین رب اجعل لی عندک وداً فانزل الله تعالی ان الذین امنوا و عملوا الصالحات سیجعل لهم الرحمن ودا فلا تلقی مومنا و لا مومنه الاوفی قلبه ود لاهل البیت یا علی قل اللهم ثبت لی الود فی قلوب المومنین و اجعل لی عندک ودا و عهد فقالها علی فقال رسول الله: ثبتت و رب الکعبه ثم نزلت ... عن ابن عباس فی قوله سیجعل لهم الرحمن ودا قال محبه لعلی...

ابن عباس درباره کلام خدا در سوره مریم آیه ۹۶ {سیجعل لهم الرحمن} گفت: در خصوص علی ابن ابی طالب نازل شده لتبشر به المتقین نیز در خصوص علی نازل شده و تنذر به قوماً لداً درباره بنی امیه و بنی مغیره نازل شده است.

لتبشره المتقین نزلت فی علی خاصه و تنذر به قونا لدا نزلت فی بنی امیه و بنی المغیره

منابع تفسیر و حدیثی زیادی از اهل سنت این آیه و تفسیر آیه را در شأن مولای متقیان علی علیه السلام نقل کرده اند: (۱)

قرطبی مفسر نامی اهل سنت در ذیل تفسیر و نزعنا ما فی صدور هم می نویسد : غل به معنای کینه کامل در سینه و ذهن است و خداوند در بهشت از مومنان خارج می کند به این معنا که حسادت نورزند بعضی از مومنان در بهشت از درجات عالیه بهشتی مومنان دیگر بخاطر درجات و مراتب آنان در بهشت – الحقد الکامن فی الصدر ... و قیل نزع الغل فی الجنه الا یحسد بعضهم بعضا فی تفاضل منازلهم ؛ جالب است در روایات اهل سنت آمده که معاویه و اصحابش آیت و نشانه اهل جهنم هستند – مجمع الزوائد میثمی ج ۹ ص ۴۰۵ و ص ۴۰۶ ح ۱۶۱۲۸ – هذا و قومه آیه النار

ص:۱۷۱

۱- ۱. شواهد التنزیل ج۱ ص ۴۶۴ – مناقب ابن مغازلی ح۳۷۴ ص۳۲۷ – الکشاف زمخشری ج۳ ص۴۷ – در المنثور سیوطی ج۴ ص۲۸۷ – مجمع الزوائد هیثمی ج۲ ص۱۲۵ – ریاض النضره ج۲ ص۲۰۷ – صواعق المحرقه ص۱۰۲ – نورالابصار شبلنجی ص۱۰۱ – الجامع الاحکام القرآن ج۱۱ ص۱۶۱ – خصائص الوحی المبین ابن الطریق ص۷۱ فصل ۷ – مناقب ابن مردویه در مناقب علی و ...

المعجم الاوسط ؛ طبرانی ج ۴ ح ۴۰۸۱ – ففررت من آیه النار الی آیه الجنه و تری بنی امیه قاتلی بعد هذا ؟ ... علی در کتب اهل تسنن ص ۴۸۲ آیه الله سید محمدباقر موسوی همدانی ؛ اسدالغابه ج ۵ ص ۲۶۷ ؛ مستدرک حاکم ج ۳ ص ۳۸۵ – علی در کتب اهل تسنن ص ۴۱۸ و ص ۴۱۹ – فقال عمربن العاص : و الله ان یختصمان الا فی النار – مستدرک حاکم ج ۳ ص ۴۳۴ ؛ اسدالغابه ج ۴ ص ۱۲۲ ح ۳۸۰۴ – عمروبن حمق می گوید : رسول خدا به من فرمود : ای عمرو ؛ می خواهی آیت بهشت را نشانت دهم که در بازارها راه می رود گفتم : آری و ایشان ؛ علی را نشان من داد ؛ دوباره فرمود : دوست داری نشانه اهل جهنم را نشانت دهم که در بازارها راه می رود گفتم : آری و اشاره کرد به مردی که نشناختم بعد از نبی اسلام که فتنه شد به یاد سخنان ایشان افتادم که بخدا قسم اگر در شکم سنگی بروم بنی امیه مرا می کشند و من از آنان (بنی امیه) که آیت جهنم هستند فرار کردم .

پس نتیجه این شد این قسمت آیه ۴۷ سوره حجر ونزعنا ما فی صدورهم من غل درباره مؤمنان عادی است در بهشت که نسبت به درجات عالیه دیگر مؤمنان غبطه غصه و حسادت نخورند یا درباره محبان وشیعیان مولا علی است که در دنیا و آخرت بغض و کینه نسبت به اهل بیت نداشته اند کانه خداوند هرگونه بغض و حسادت و کینه نسبت به اهل بیت عصمت از آن ها زدوده و مبرا ساخته البته روایاتی در منابع شیعه است که گروهی وارد جهنم می شوند و بعد ازمدتی به واسطه رحمت و شفاعت از جهنم خارج می گردند که به آن ها جهنمیون گفته می شود پس این ها در بهشت به این نام می شناسند پس آن ها به شفاعت کنندگان می گویند همانطور که شما دعا کردید، خداوند ما را از جهنم نجات داد و بیرون آورد دعا کنید این نام را از ما بردارد حق تعالی به واسطه دعای شفیعان بادی را امر می کند که بر دهان اهل بهشت بوزد و آن نام را فراموش کنند در روایت دیگر دارد که آن ها در چشمه ای به نام عین الحیوه یا نهر حیوان قرار می دهند که گوشت و پوست تازه بر بدن آنها می روید و چهره سیاه شده آنان را از آتش جهنم برطرف می شود، پس یکی از مصادیق معنای این آیه

ونزعنا ما فی صدورهم من غل همین حدیث مذکور است. (۱)

مخالفین شیعه به امام صادق علیه السلام ایراد گرفتند چگونه یک جهنمی از جهنم خارج می شود و در میان اهل بهشت مساوی قرار می گیرد پس آن کسی که ایمان آورده و یک گناه نکرده و با این مجرمان چه تفاوتی دارد که همه آن ها در بهشت در یک رتبه جمع باشند؟ امام صادق فرمود: آن گناهکاران مؤمن را که از جهنم به شفاعت شافعین خارج می کنند و وارد بهشت می کنند با افراد صالح در یک رتبه و منزل جا نمی دهند آیا نخوانده ای در قرآن و من دونها جنتان، پایین تر از دو بوستان مقربان و صالحین دو بوستان است یعنی آن ها در دو بوستان اصحاب یمین می برند(۲)

امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: مؤمن را حسود و کینه توز و بخیل نخواهنی یافت .

لا تلقی المومن حسودا و لا حقودا و لابخیلا (۳)

بهشت جایگاه مؤمنان است و با دل پر از کینه و حسادت نمیشود وارد شد و اگر مؤمن مقداری از این معایب را به طور اندک داشته باشد تا در عالم برزخ و مواقف قیامت و در طبقه اول جهنم به وسیله عذاب الهی تزکیه و مبراء نشود وارد بهشت نمی گردد.

۲ نکته لطیف مفسران در باب ونزعنا ما فی صدورهم من غل نقل کرده اند گفته اند نزعنابه شدت کندن چیزی و ثانیاً آن قدر روح مؤمنان در بهشت لطیف و نورانی است که کوچکترین خطور وسوسه ای در ذهن و فکرشان از جهت کینه و حسادت نسبت به سایر مؤمنان پیدا نمی شود.

قرآن در سوره نساء آیه ۵۴ می فرماید ما به آل ابراهیم کتاب و حکمت و ملک عظیم دادیم اما مردم به آن حسادت ورزیدند.

در تفاسیر شیعه و سنی آمده منظور از آل ابراهیم ائمه ۱۲ گانه شیعه است و منظور از ملک عتظیم امامت خاصه الهی است و منظور از کسانی که حسادت به اهل بیت ورزیدند قوم بنی امیه بودند.

و در آیه ۵۵ می فرماید:

۱- ۱. صحیح بخاری ج ۷، ص ۳۹، ح ۶۵۶۰، کتاب رقاق- فلیلقون فی نهرالحیاه.
۲- ۲. .نورالثقلین ج۵ ص ۲۰۰ – بهشت جاویدان آیه الله دستغیب ص۳۵۲ – حق الیقین علامه مجلسی ص۵۳۵فصل ۱۸
۳- ۳. غررالحکم ح۷۹۹۶ ص ۶۵۲

{و کفی بجهنم سعیرا}

جهنم برای آنان کافی است.

قال علی: شکوت الی رسول الله حسد بنی امیه و الناس فقال: اما ترضی یا علی انک اخی و وزیری و اول اربعه یدخلون الجنه انا و انت و الحسن و الحسین و ذریتنا خلف ظهورنا (۱)

قرطبی مفسر نامی اهل سنت در تفسیر ونزعنا فی صدو رهم می نویسد:غل به معنی کینه کامل در سینه وذهن است و خداوند در بهشت از مومنان خارج می کند این معنا که حسادت نورزند بعضی از مومنان در بهشت از درجات عالیه بهشتی مومنان دیگر بخاطر مراتب آنان

الحقد الکامل فی الصدر ...وقیل نزع الغل فی الجنه الا یحسد بعضهم بعضا فی تغاضل منازلهم –تفسیر قرطبی ج ۷ ذیل آیه

فصل ششم: ائمه و امامان

ص:۱۷۴

۱- ۱. مناقب ابن مغازلی ص۲۶۷ح ۳۱۴ – تفسیر ثعلبی ج۴ ص۳۲۸ – تذکره الخواص ابن جوزی ص۳۲۳ – صواعق ابن حجر ص۹۳ – العمده ابن طریق ص۳۱۷ – فرائد السمطین حموئی ج ۲ص۲ – سمط النجوم ج۲ ص۴۹۴ العصاصی – احمد بن مالک القطیعی ۱۹۰ فضائل امیر المومنین ص۱۲۸ – شواهد التنزیل ج۱ ص۱۸۳

از جمله آیاتی که در قرآن کریم اشاره دارد ائمه و امامان ۱۲ گانه شیعه از دودمان حضرت ابراهیم و از و منتخبان الهی هستند آیه ۵۴ سوره نساء است حضرت علی می فرماید: من از حسودی که مردم درباره ام داشته اند به پیامبر شکایت کردم آن بزرگوار فرمود: یا علی، آیا راضی نیستی یکی از آن ۴ نفر باشی که زودتر از همه داخل بهشت می شوند زیرا، اولین کسی که داخل بهشت می شود، من و تو و حسن و حسین هستیم و آیا راضی نیستی که برادر و وزیر من باشی.

«قال علی شکوت الی رسول الله حسد بنی امیه و الناس ایای فقال: اما ترضی یا علی، انک اخی و وزیری و اول اربعه یدخلون الجنه انا و انت و الحسن و الحسین ...»(۱)

امام باقر فرمود: به خدا سوگند مائیم آن قومی که به ما حسادت بردند.

«فی قوله تعالی: ام یحسدون الناس علی ما آتاهم الله من فضله قال: نحن الناس. مناقب ابن مغازلی»(۲)

«عن جعفر بن محمد فی قوله تعالی: ام یحسدون الناس ... قال: نحن المحسودون .... قال: نحن و الله هم، نحن و الله المحسودون.»(۳)

از جمله آیاتی که در قرآن کریم، برگزیدگی ائمه ۱۲ گانه شیعه را، از طرف خدا نشان می دهد آیه ۷۷ سوره مبارکه حج است، مولا علی، خطاب به گروه مهاجر و انصار فرمود: شما را به خدا قسم می دهم آیا می دانید که خداوند این آیات را در سوره حج نازل کرد:

۱- ۱. تفسیر ثعلبی ج ۸ ص ۳۱۱ و ج۴ ص ۳۲۸، تذکره الخواص ص ۳۲۳، صواعق المحرقه ص ۹۳، العمده ابن بطریق ص ۳۱۷

۲- ۲. ص ۲۳۴ ح ۳۱۴، رشفه الصادی ص ۳۷، ... صواعق ص ۱۵۰، ینابیع الموده ص ۱۲۱، الدر المنثور ج ۲ ص ۱۷۳

۳- ۳. شواهد التنزیل ص ۷۹ و ص ۸۰ ح ۱۹۵ الی ۱۹۸

{یا ایها الذین آمنوا، ارکعوا و اسجدوا و اعبداربکم و افعلوا الخیر الی آخر السوره}

پس سلمان فارسی، بلند شد و گفت: ای پیامبر خدا، این گروهی که تو بر آنان گواهی و آنان بر مردم گواهند کیانند؟ کسانی که خداونـد، ایشان را برگزیـده و در دین برایشان سـختی قرار نـداده و آیین پدرشان ابراهیم نیز چنین بوده است، پیامبر فرمود: من و برادرم علی و ۱۱ تن از فرزندانم، گروه مهاجر و انصار گفتند: درست می گویی ای علی

«فقام سلمان فقال: یا رسول الله من هولاء الذین انت علیهم شـهید و هم شهداء علی الناس الذین اجتباهم الله... قال: غنی بذلک ثلاثه عشر رجلاً خاصه قال سلمان: بینهم یا رسول الله: قال: انا و اخی علی و احد عشر من ولدی.»(۱)

امام صادق فرمود: امت وسط و میانه ما اهل بیت هستیم و ماییم گواهان بر خلقش و حجت هایش در روی زمین.

عرض کردم: مراد از ملت پدرتان ابراهیم چیست؟ فرمود: تنها ما را اراده نموده است.

«نحن الامه الوسطی و نحن شـهداء الله علی خلقه و حججه فی ارضه؛ قلت: قول الله عزوجـل مله ابیکم ابراهیم؟ قـال: ایانـا عنی خاصه هم سماکم المسلمین من قبل.»(۲)

از جمله منـاقب بی نظیری که مولاـ علی دارد و برآن اساس از تمام پیامبران افضل است غیر از رسول خـدا؛ ساقی حوض کوثر بـودن و صـاحب حوض کوثر بودن مولاـ علی است؛ منـاوی از طبرانی نقـل کرده که پیـامبر فرمود: علی صـاحب حوضـی یوم القیـامه: علی علیه السـلام ، صـاحب حوض من در روز قیـامت است؛(۳) اولاً این خصـیصه شامل هیـچ پیامبری و مقرب عنـدالله نشده، فردای قیامت تمام خلائق نیازمند این حوض و آب کوثر هسـتند و به امر و دستور مولا علی به خلائق آب کوثر داده می ود؛ و آن ۱۲۴ هزار پیـامبر، محتاج و نیازمنـد آن حوض و آب کوثر هسـتند پس چگونه آنان بر مولا علی برتری دارنـد؛ پیامبر اکرم فرمود: ای علی همراه تو در روز قیامت عصایی از عصاهای

۱- ۱. فرائد السمطین ج ۲ ص ۳۱۲ ح ۲۵۰، ینابیع الموده ج ۲ ص ۲۲۸

۲- ۲. اصول کافی، کلینی رازی ص ۴۳۸ ج اول، کتاب الحجه باب فی ان الائمه شهداء الله عزوجل علی خلقه

۳- ۳. کنوز الحقائق مناوی ج ۲ ص ۱۷ به نقل از طبرانی در المعجم الاوسط

بهشت است که با آن منافقان را از کنار حوض من دور می کنی؟

«یا علی معک یوم القیمه عصی من عصی الجنه تذود بها المنافقین عن الحوض»(۱)

از جمله فضائل بی نظیر مولاـ علی بر پیامبران غیر از رسول اسلام این است که مولاـ علی منزلش در بهشت با منزل پیامبر در یک مکان است و درخت بزرگ طوبی در منزل او و پیامبراست. این درخت بزرگ بهشت و بهشتیان را پوشش می دهد_ پیامبر اکرم فرمود: درخت طوبی درختی است که ریشه آن در خانه من و شاخه آن بر اهل بهشت است و آن در خانه علی است همانا خانه من و علی در بهشت در یک مکان است؛

«طوبی شجره اصلها فی دار علی ابن ابی طالب و فی دار کل مومن منها غصن؛ ان داری و دار علی غداً واحده فی مکان واحد ان داری و دار علی فی الجنه بمکان واحد»(۲)

ابوسعید خدری از پیامبر اسلام روایت کرده که پیامبر فرمود: ۵ چیز به علی عطاء شده که برای من از دنیا و ما فیهای دنیا بهتر است یکی از آن ۵ چیز فرمود: این است که علی کنار حوض من می ایستاد و هر کس از امت من را که می شناسد آب کوثر می دهد _ اعطیت فی علی خمساً هن احب الی من الدنیا و ما فیها....

و انا الثالثه: فواقف علی حقر حوضی یسقی من عرف امتی؛ یا علی معک یوم القیامه عصا من عصی الجنه تذوربها المنافقین عن الحوض (۳) لتجده قائماً علی حوض رسول الله یذود عنه رایات المنافقین بیده عصاً من عوسج(۴)

روایاتی در باب ساقی حوض کوثر بودن مولا علی علیه السلام از ائمه هدی نقل کرده است:

انه ساقی الحوض و حامل اللواء، یا علی انک غدا علی الحوض خلیفتی و انت اول من یرد علی الحوض و انت تزود المنافقین عن حوضی؛ انت یا علی علی حوضی، تزود المنافقین ان النبی قال لعلی: انت الذائد عن حوضی یوم القیامه تذود

۱- ۱. صواعق المحرقه ص ۱۰۴
۲- ۲. شواهد التنزیل ج ۱ ص ۳۹۶، تفسیر ذیل آیه ۲۹ سوره رعد _ طوبی لهم و حُسن ماب؛ _ شواهد التنزیل ج ۱ ص ۳۹۶، تفسیر ثعلبی ج ۵ ص ۲۹۰، احقاق الحق ج ۳ ص ۴۴۱، مناقب ابن مغارلی ح ۳۱۵ ص ۲۳۴، الدر المنثور ج۴ ص ۵۹؛ تفسیر قرطبی ج ۹ ص ۳۱۷
۳- ۳. ذخائر العقبی ص ۹۱، ریاض النضره ج۲ ص ۲۱۱، مجمع الزوائد ج۹ ص ۱۳۵؛ فردوس الاخبار ج ۵ ص ۳۱۷ _ مستدرک حاکم ص ۱۳۸
۴- ۴. هذا حدیث صحیح الاسناد با مرحوم علامه مجلسی در ج ۳۹ بحار الانوار باب ۸۵

عنه الرجال کما یذاد الاصید البعیر الصادیای الذی به الصید و الصید داء یلوی عنقه

در فائق زمخشری آمده است که پیامبر به مولا علی گفتند: تو هستی که از حوض من در روز قیامت دور میکنی دور میکنی و میرانی از آن مردمان منافقین را همانطور که شتر دگر را ساربانان از میان شترها دور میکنند یا علی انت صاحب حوضی(۱) یکی دیگر از برتری های مولا علی بر پیامبران، متولد شدن ایشان در جوف و درون خانه کعبه است اما چون وهابیت کوردل نمی تواند فضائل مولا علی را مشاهده کند می گوید تولد و دنیا آمدن علی ابن ابی طالب در داخل کعبه امتیاز نیست، چون آنزمان محل کعبه و درون کعبه پُر شده از اصنام و بُت های قریش بوده !! اولاً از جهت تاریخی بطور تواتر و صحت است که مولاـ علی در درون خانه، پا به عرصه وجود عالم خاکی دنیا گذاشته است؛ حاکم نیشابوری می نویسد: روایات متواتری در باب ولادت امیر مومنان علی ابن ابی طالب توسط فاطمه بنت اسد در داخل کعبه وارده شده است ـ فقد تواترت الاخبار ان فاطمه بنت اسد ولدت امیرالمومنین علی ابن ابی طالب کرم الله وجهه فی جوف الکعبه(۲)محمود عقاد در جواب شبهه وهابیت هم باید گفت کعبه ذاتاً مکان مقدسی بوده و هست و با خلاف خلافکار ـ تقدس ذاتی خودش را از دست نمی دهد و از نظر سند تاریخی و روایی متقن نرسیده آنزمانی که مولا علی در درون کعبه بدنیا آمده کعبه پُر از بت بوده است(۳) آلوسی وهابی در شرح قصیده عینیه عبدالباقی آفندی ص ۱۵ می نویسد: تو آن علی هستی که مقام والایت از عُلو هم بالاتر رفت هنگامی که در مکه و در درون خانه زاده شدی ـ انت العلی الذی فوق

---

۱ – ۱. امالی صدوق مجلس ۵۰ ج ۱۴ ب فسالت ربی ان تسقی امتی من حوضی و اعطانی ـ کنز العمال ج ۱۳ ص ۱۵۲ ح ۳۶۴۷۶ ـ مناقب خوارزمی ص ۲۹۳ ح ۲۸۰ ب فرائد السمطین ج ۱ ص ۱۰۵ ح ۷۵ ب المعجم الکبیر ج ۳ ص ۸۱ ح ۲۷۲۶؛ جواهر العقدین ص ۳۴۲؛ اسعاف الراغبین، تاریخ بغداد ج ۱۴ ص ۹۸؛ استیعاب عبدالبر ج ۲ ص۴۵۷، حلیه الاولیاء ج ۱۰ ص ۲۱۱

۲ – ۲. مستدرک علی الصحیحین ج۳ ص ۵۵۰، تذکره الخواص ابن جوزی ص ۲۰؛ مروج الذهب مسعودی شافعی ج ۱ ص۳۱۳، کفایه الطالب ص ۴۰۷ باب ۷، الفصول المهمه ابن صباغ مالکی ج ۱ ص ۱۷۱؛ سیره الحلبی ج ۱ ص۲۲۶؛ از اله الخفاء عن خلافه الخلفاء ج ۴ و ج ۶ ص ۲۵۱ ـ دهلوی عبقریه الامام علی ج ۷ ص ۴۳

۳– ۳. نزهه المجالس صفوری ج ۲ ص ۲۰۴

العلی رفعا به ببطن مکه عند البیت اذ وضعا (۱) یکی دیگر از برتری های مولا علی بر پیامبران غیر از رسول اسلام دانش و علم سرشار لدنی و الهی ایشان بوده است. پیامبر اکرم فرمود: حکمت ۱۰ جزء است که خداوند ۹ جزء آنرا به علی علیه السلام داده و با بقیه مردم در یک جزء شریک است ای وهابی کور از حقائق آیا پیامبران جزء الناس و مردم هستند یا نه؟ که جواب مثبت است پس مولاـ علی طبق این روایت از آنان افضل است و حدیث مدینه هم تاکید و تائید بر این مطلب است و این حدیث مذکور را توثیق می کند قسمت الحکمه عشره اجزاء فاعطی علی تسعه اجزاء و الناس جزءاً واحداً و و علی اعلم بالواحد منهم (۲) انا مدینه العلم و علی بابها فمن اراد العلم فلیات(۳) هذا حدیث صحیح الاسناد و لم یخرجاه و ابوالصلت ثقه مامون از فضائل بی نظیر مولاـعلی که هیچ پیامبری و بنی بشری غیر از رسول اسلام ندارد این حدیث مشهور است که پیامبر اسلام خطاب به مولاـ علی فرمود: گوشت علی، گوشت من است و خون علی، خون من است این تعبیر راه پیامبر راجع به هیچ کس جزء مولاـعلی نفرموده است وقتی که مولا علی گوشتش و خونش و تمام وجودش همانند پیامبر است؛ چگونه پیامبران غیر از رسول اسلام می توانند بر او برتری و ارجحیت داشته باشند ــ هذا علی ابن ابی طالب لحمه لحمی و دمه دمی ولیاتم بالاوصیاء من بعده فانهم عترتی من للحمی و دمی(۴)

هذا علی ابن ابی طالب لحمه لحمی و دمه دمی مناقب خوارزمی حنفی(۵) پیامبر

ص:۱۷۹

۱- ۱. نورالابصار شبلنجی ص ۸۵
۲- ۲. مناقب ابن مغازلی ح ۳۲۸ ؛ حلیه الاولیاء ج ۱ ص۶۴ ــ میزان الاعتدال ذهبی ج ۱ ص۱۲۴ ــ لسان المیزان ابن حجر ج ۱ ص۲۳۵ مناقب خوارزمی مناقب ۴۹؛ مقتل الحسین خوارزمی ص ۴۳ ؛ کنزالعمال ج ۶ ص ۱۵۴ تاریخ دمشق ج ۲ ص ۴۸۱ ــ فرائد السمطین ج ۱ ص ۹۴ ؛ شواهد التنزیل ح ۱۴۶ الی ۱۵۴ استیعاب عبدالبر ج ۲ ص ۴۴۲، اسدالغابه ج ۴ ص ۲۲؛ ــ یا علی انا مدینه العلم و انت الباب کذب من زعم انه یصل الی المدینه الا من الباب
۳- ۳. المستدرک علی الصحیحین حاکم نیشابوری ج ۳ ص ۱۳۷ ح ۷۴ب ۴۵ چاپ بیروت
۴- ۴. بحار ج ۲۳ ص ۱۳۸ ج ۴۴ ص ۲۵۹
۵- ۵. ص ۱۴۲ ح ۱۶۳، ینابیع الموده ج ۱ ص ۶۵ مجمع الروائد ج ۹ ص ۱۱۱ ــ علی کجلدی، علی کلحمی، علی عظمی، علی کدمی ــ علی عروقی ــ تفسیر فرات ص ۱۵۲ ــ ؛ کفایه الطالب ص ۱۶۸ ؛ تاریخ بغداد ج ۱۴ ص ۳۲۱ ــ دمه دمی و لحمه لحمه و عظمه عظمه المعجم الکبیر ج ۱۲ ص ۱۴، تاریخ دمشق ج ۴۲ ص ۴۲ ؛ ان علیا لحمه من لحمی و دمه من دمی ــ کنز العمال ج ۱۱ ص ۶۰۷ ؛ ذخائر العقبی ص ۹۲، کنوز الحقائق ص ۱۶۱ ؛ فرائد السمطین ج ۱ ص۳۳۱ و ج ۲۴۳ ح ۵۱۷

اکرم فرمود:

علی از من است مثل سر به بدن من یعنی وجود جسمی و روحی مولاـ علی همانند پیامبر اکرم است؛ و این امتیاز بی نظیر را هیچ پیامبری و رسلی و رجالی از رجال الهی غیر از رسول اسلام و مولا علی ندارند پس، پیامبران غیر از رسول اسلام نمی توانند با این خصائص عالیه و بی نظیری که مولا علی دارد بر او برتر و بالاتر و افضل تر باشند ـ علی منی مثل راسی من بدنی؛ علی منی کراسی من بدنی(۱) علی منی بمنزله راسی من بدنی؛ انت منی بمنزله رأسی من جسدی علی منی بمنزله راسی من جسدی؛ یکی دیگر از فضائل بی نظیر مولا علی بر پیامبران این است که ایشان به امر الهی، تقسیم کننده بهشتیان و جهنمیان هستند و در این باب روایات در منابع شیعه و سنی فراوان است؛ بدان ای وهابی؛ وقتی اهل جنت و نار؛ بدست با برکت مولا علی باید جدا و تقسیم شوند؛ پیامبرانی که بهشت رفتن آنان و تقسیم شدن آنان در بهشت به امر مولا علی است چگونه بر او می توانند افضل باشند؛ مولا علی فرمود: من تقسیم کننده جهنم هستم ـ انا قسیم النار(۲) از احمد حنبل سوال شد حدیث تقسیم کردن بهشت و جهنم بدست مولا علی آیا صحیح است گفت: بله مگر پیامبر اکرم نفرموده: حب و دوستی علی، ایمان است و دشمنی با علی نفاق است گفتند بله: پس احمد حنبل دوباره گفت: جای مومن در بهشت و جای منافق در جهنم است پس علی تقسیم کننده بهشت و جهنم است. کنا عند احمد بن حنبل فقال له رجل یا ابا عبدالله ما تقول فی هذا الحدیث الذی روی ان علیاً قال: انا قسیم النار ... فقال الیس ان النبی قال لعلی لایحبک الامومن ولا یبغضک الامنافق؟ قلنا: بلی ... قال: فعلی قسیم الجنه والنار(۳) مولا علی فرمود: من به جهنم می گویم این را بگیر

ص:۱۸۰

۱- ۱. مناقب ابن مغازلی شافعی ح ۱۳۵ و ۱۳۶؛ مناقب خوارزمی مناقب ۸۹ و ۸۶ ؛ الجامع الصغیر سیوطی ج ۲ ص ۱۴۰ صواعق المحرقه ابن حجر ص ۷۵ ؛ کنزالعمال ج ۱ صص ب۳۰، ریاض النضره طبری ج ۲ ص۱۶۲ ؛ ذخائر العبی ص ۶۳ ؛ تاریخ بغداد ج ۷ ص ۱۲ ـ تاریخ دمشق ج ۴۲ ص ۳۴۳، جواهر المطالب ج۱ ص ۵۸ ؛ سبل الهدی و الرشاد صالحی ج۱۱ ص۲۹۷؛ ینابیع الموده ج۲ ص۷۷ و ص۹۷

۲- ۲. الفایق فی غریب الحدیث زمخشری ج۳ ص ۹۷؛ شرح نهج البلاغه ج ۲ ص ۲۶۰ ؛ البدایه و النهایه ج ۷ ص ۳۹۲

۳- ۳. طبقات الحنابله ص ۳۲۰ رقم ۴۴۸ ؛ المنهج الاحمد فی طبقات اصحاب احمد ج ۱ ص ۱۳۰؛ کفایه الطالب ص ۲۲؛ ـ سمعت علیاً یقول انا قسیم النار ـ کنز العمال ج ۱۳ ص ۱۵۲؛ الکامل ابن عدی ج۶ ص ۴۱

و آن را رهـا کن ــ عن علی ابن ابی طـالب انه قال: انا قسـیم النار یوم القیامه اقول: خـذی ذاوذری ذا ــ ... اقول هـذا لی و هـذا لک ... قلت: هذا لک و هذالی(۱) پیامبر اکرم فرمود: ای علی تو تقسـیم کننده بهشتیان و جهنمیان هستی ــ فانت قسیم الجنه و النار؛ یا علی انک قسیم الجنه و النار؛ ــ (۲)؛ مولا علی به اهل شورا فرمود آیا در میان شـما کسی هست که پیامبر اسلام درباره او فرموده باشـد تو تقسـیم کننـده بهشت و جهنمی اهـل شورا گفتنـد: نه ــ فانشـدکم بالله هل فیکم احـد قال له رسول الله: انت قسیم النار و الجنه غیری؟ قالوا: اللهم لا (۳) پیامبر اکرم فرمود: فردای قیامت رضوان خزانه دار بهشت تمام کلیـدهای بهشت را بمن می دهد و من به علی می دهم سپس مالک، خزانه دار جهنم می آید و تمام کلیدهای جهنم را بمن می دهد و من آنها را به علی می دهم؛ در آنروز (فردای قیـامت) جهنم از علی اطـاعت می کنـد هماننـد برده ای که از اربـابش اطـاعت می کنـد. ــ فلجهنم یومئـذ اشـد مطاوعه لعلی فیما یا مرها به من رق احدکم لصـحابه(۴) شـافعی در دیوانش ص ۳۲ چاپ مصـر می گوید: علی حُبه جنه؛ امام الناس و الجنه؛ وصـی المصـطفی حقا؛ قسـیم النار و الجنه، از فضائل بی نظیر مولا علی این است که خداوند در شب معراج، با زبان و صـدای علی با پیامبرش حرف زد. ابن عمر می گوید شـنیدم که از پیامبر سؤال کردند در شب معراج پروردگارت با چه زبانی با تو حرف زد؟ پیامبر فرمود: پروردگارم با زبان علی ابن ابی طالب با من حرف زد و به من الهام کرد گفتم بار خدایا تو با من حرف زدی یا علی؟ خداوند فرمود: ای

---

۱ – ۱. تاریـخ مـدینه دمشق ابن عساکر ج ۴۲ ص ۲۹۸و ص ۲۹۹ و ص ۳۰۱؛ مناقب خوارزمی ص۴۰ هو امیرالمومنین... قسیم الجنه و النار؛ مناقب خوارزمی ص ۲۹۴؛ ینابیع الموده ج ۱ ص ۹۰ و ص ۲۴۹ الی ص ۲۵۵

۲ – ۲. مناقب ابن مغازلی ص ۶۷ ح ۹۷

۳ – ۳. جواهر العقدین سمعهودی ج۲ ص۳۵۳

۴ – ۴. فرائـد المسـطین حموئی شافعی ج۱ ص ۱۰۶؛ الصواعـق المحرقه ج۲ ص ۳۹۶ ص ۱۲۶؛ غریب الحـدیث ابن قـتیبه ج ۱ ص۳۷۷، النهایه فی غریب الحدیث ج ۴ ص ۶۱؛ المعرفه و التاریخ، الفسوی ج۲ و ۳ ص ۷۶۴ و ص ۱۹۲، الدار قطنی در العلل ج ۶ ص ۲۷۳ فردوس الاخبـار دیلمی ج۳ ص ۹۰ ؛ الشـفاء ج۱، ص ۲۵۲ ؛ قاضـی عیـاض ؛ جمع الجوامع سـیوطی ج۱ حرف العین؛ کنـوز الحقـائق ص ۹۸، تـاج العروس زبیـدی ج۹ ص ۲۵؛ مفتـاح النجا؛ البدخشـی ص ۴۶؛ المناقب المرتضویه الکشـفی الترمذی ص ۹۱ مستدرک حاکم ج۳ ص ۱۲۷

محمـد من چیزی هسـتم نه همانند اشـیاء و نه با مردم مقایسه می شوم تو را از نور خودم آفریدم و علی را از نور تو، از رازهای دل تـو آگـاهی دارم و در دل تـو کسـی را محبوبـتر از علی نیـافتم و به همین دلیـل بـا زبـان او بـا تو سـخن گفتم تـا دلت آرام گیرد(۱) خـاطبنی ربی بلغه علی و الهمنی ان قلت یـا رب خـاطبتنی انت ام علی؟ فقـال یا محمـد انا شـی لا کالاشـیاء و لا اقاس بالنـاس... خلقتـک مـن نـوری و خلقـت علیاً من نـورک و اطلعت علی سـرائر قلبـک فلم اجـد فی قلبـک احب الیـک من علی فخاطبتک بلسانک کیما یطمئن قلبک ــ از جمله فضائل بی نظیر مولا علی این است که هیـچ احدی غیر از او ندارد و به همین دلیـل از تمـام پیـامبران افضـل است بغیر از رسول اسـلام که فردای قیـامت او، دومین نفری است که از زمین خـارج می شود و همراه با پیامبر، نشـر و محشور می گردد و اولین کسـی است که زنده می گردد با پیامبر اسلام و اولین کسی است که پوشانده می شود ــ یا علی اول من تنشق الارض عنه محمد ثم انت و اول من یحیا محمد ثم انت و اول من یکسی محمد ثم انت(۲)

یـا علی انـا اول من یـدعی به یوم القیامه ثم یـدعی بک هـذا لقرابتک منی و منزلتک عنـدی(۳) الا ـ وانی ابشـرک یا علی انک تـدعی اذا دعیت و تکسی اذا کسـیت و تحیـا اذا حییت ــ از جمله فضائـل بی نظیر مولا علی این است که پیامبر خطاب به مولا علی فرمود: ای علی خداونـد متعال تو را به زیوری زینت داده و آراسـته و آرایش کرده که هیـچ کـدام از عباد و بنـدگانش را زینت نـداده؛ و عبـادالله خداونـد؛ بطور اکمـل و اخص، انبیاء و مرسـلین هسـتند پس طبق این حـدیث شـریف مولا علی از تمام پیـامبران افضـل است غیر از رسول اکرم؛ یـا علی ان الله تعالی زینک زینه لک یزین العباد(۴) پیـامبر اکرم فرمود: ای علی، تو ۴ خصلت و ویژگی داری که احدی ندارد، تو اولین نمازگزار با من از میان عرب و عجمی؛ تو کسی هستی که در تمام جنگ ها و

۱- ۱. ینابیع الموده ج ۲ ص ۳۶ مناقب خوارزمی به نقل از ابن شیرویه دیلمی (مناقب خوارزمی ص ۷۸ ح ۶۱)

۲- ۲. فرائد السمطین ج ۱ ص ۱۸۴، مناقب خوارزمی ص ۱۱۳ ح ۱۲۳ ؛ ینابیع الموده ج۲ ص ۳۶۶ باب ۴۹

۳- ۳. فضائل احمد حنبل ج۲ ص ۶۶۳ ح ۱۱۳۱، مناقب خوارزمی ص ۱۴۰ ح ۱۵۹، ینابیع الموده ج ۲ باب ۵۰ ص ۳۷۶

۴- ۴. ینابیع الموده ج ۲ ص ۴۰۰، مناقب خوارزمی ص ۱۱۶ ح ۱۲۶؛ ذخائر العقبی ص ۱۰۰، مناقب ابن مغازلی ص ۱۰۵ ؛ حلیه الاولیاء ج۱ ص ۷۱؛ مجمع الزوائد ج ۹ ص ۱۲۱، کنز العمال ج۵ ص ۳۵، اسدالغابه ج ۴ ص ۲۳؛ الریاض النضره ج ۲ ص ۲۲۸

غزوات با منی؛ تو کسی هستی که هیچ وقت از جنگ ها فرار نکردی و تو تنها کسی هستی که مرا غسل می دهی و دفن می کنی؛ _ کانت لعلی اربع خصال لیست احد؛ هو الاول عربی و عجمی صلی مع رسول الله و هو الذی کان لواوه معه فی کل زحف والذی صبر معه یوم المهراس و هو الذی غسله و ادخله قبره(۱) ای وهابی از خدا بی خبر آیا با این حدیثی که حاکم نیشابوری در مستدرک نقل کرده از رسول اکرم که خطاب به علی می فرماید احدی این چند خصلت تو را ندارند آیا انبیاء می توانند بر او فضیلت داشته باشند؟ پیامبر اکرم به حضرت فاطمه فرمود: علی ابن ابی طالب ویژگی و برتری اختصاصی دارد که هیچکدام از اولین و آخرین خلائق نمی توانند دست به آنها پیدا کنند؛ او یگانه برادر من در دنیا و آخرت است و کسی جز او چنین نیست، تو ای دخترم سرور و بزرگ زنان اهل بهشت همسر و عیال او هستی؛ دو سبط رحمت؛ امام حسن و حسین فرزندان اویند؛ جعفر طیار برادر اوست و در هر جای بهشت که بخواهد می تواند پرواز کند؛ علم اولین و آخرین نزد اوست، جز اولین کسانی است که بمن ایمان اورده و آخرین کسی است که با من عهد و پیمان بست؛ او جانشین من وارث برنده از تمام اوصیاء گذشته است؛ یا فاطمه ان لعلی ثمانیه اضراس قواطع لم یجعل لاحد من الاولین و الاخرین مثلها هو اخی فی الدنیا و الاخره و لیس ذلک لاحد من الناس و انت یا فاطمه سیده نساء اهل الجنه زوجته و سبطاالرحمه سبطای ولداه و اخوه المزین بالجناحین فی الجنه مع الملائکه حیث یشاء و عنده علم الاولین و الاخرین و هو اول من آمن بی و آخر الناس عهداً بی و هو وصیی و وارث الوصیین _ الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد _ (۲)؛ و من ذلک ما جاء فی فضله؛ پیامبر اکرم به مولا علی فرمود: ای علی با هفت ویژگی که داری و کسی با تو در آنها شریک و برابر نیست؛ به جنگ دشمنانت خواهی رفت و تو اولین ایمان آورنده ناب به بمن هستی؛ برترین جهاد کنندگانی و آگاهترین مردم به روزهای خدا هستی و با وفاترین مردم به عهد و پیمان الهی و مهربانترین مردم با زیردستان و عادلترین آنان در تقسیم مال؛ و بلند مرتبه ترین مردم نزد خدا هستی _ یا علی انک تخاصم فتخصم بسبع خصال لیس لا حد مثلهن؛

۱- ۱. مستدرک حاکم نیشابوری ج۴ ح ۱۸۰۲

۲- ۲. شیخ مفید ص ۴۷ الی ص ۴۹ فصل دوم

انـت اول المـومنين معی ایمانـل و اعظمهـم جهـاد اواعلمهم بایـام الله و اوفـاهم بعهـد الله و ارافهم بـالرعیه و اقسـمهم بـالسویه و اعظمهم عند الله مزیه(۱)

یکی از فضائل بی نظیر مولا علی بر پیامبران بغیر از رسول اسـلام این است که حـذیفه از پیامبر اسـلام نقل می کنـد که فرمود: اگر مردم می دانسـتند چه زمانی علی را به امیری مومنان انتخاب کردند برتری او را انکار نمی کردند او زمانی امیرمومنان شـد که آدم بین روح و جسد بود؛ خداوند می فرماید: و هنگامی که پروردگارت از فرزندان آدم از پشت های ایشان نسل ایشان را بیرون آورد و ایشان را شاهد بر خویش گرفت که آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: چرا؛ پس فرمود: من پروردگار شمایم، محمـد پیامبر شـما و علی امیر شـما جناب وهابی بی سواد؛ وقتی مولا علی در عالم ذر بر آدم و تمام فرزندان آدم که انبیاء جزء آنان بودنـد، امیر و امام از سوی خـدا بوده چگونه پیامبران غیر از رسول اسـلام بر او برتری دارند؟! _ لو علم الناس متی سـمّی علی امیرالمومنین ما انکروا فضـله؛ سـمی امیرالمومنین و آدم بین الروح و الجسـد قال الله تعالی: واذ اخـذ ربک من بنی آدم من ظهورهم ذریتهم و اشـهدهم علی انفسهم الست بربکم قالت الملائکه بلی فقال: انا ربکم، محمد نبیکم؛ علی امیرکم(۲) یکی از افتخـارات و فضائل بی نظیر مولا علی بر انبیاء غسل دادن و کفن کردن و دفن کردن پیامبر اسـلام توسط ایشان است؛ چون فرد معصوم را معصوم بایـد غسل دهـد و دست هر ناپاکی و هر ناکسـی به بـدن مبارک رسول اسـلام نبایـد برسد؛ مولا علی در منا شده و احتجاجش بر مهاجر و انصار فرمود: آیا در بین شما کسی هست همانند من که پیامبر را غسل داده باشد گفتند نه _ هل فیکم احـد غسـل رسول الله غیری؟ قـالوا: اللهم لا (۳) امـام کـاظم فرمود: امیرمومنـان علی به تنهایی پیامبر اسـلام را غسل داد و کفن کرد _ قال علی: غسـلت رسول الله انا وحـدی و هو فی قمیصـه(۴) چون زمان خروج روح مقـدس پیامبر اسـلام از بدنش نزدیک شد به مولا علی فرمود: ای علی سر

۱- ۱. ارشاد مفید ص ۴۸ فصل دوم

۲- ۲. فردوس الاخبار دیلمی ج ۳ ص۳۹۹ احقاق الحق ج ۴ ص ۲۷۵ و ص ۴۸۲، علامه محمد صالح کشفی حنفی ترمذی در المناقب المرتضویه ص ۱۰۲

۳- ۳. امالی طوسی ص ۵۵۵

۴- ۴. مستدرک الوسایل نوری ج ۲ ص ۱۹۸ ؛ شرح الاخبار قاضی نعمان مغربی ج۲ ص ۴۱۸

مرا بر روی دامنت بگذار امر خدا نزدیک شده و می خواهم از دنیا بروم هنگامی که جان من از بدنم خارج شد آنرا به دست خود بگیر و به صورت بکش؛ سپس مرا رو به قبله کن و مرا غسل بده و تو اولین کسی باش که به بدن من نماز می خوانی و تا وقتی مرا دفن نکرده ای از من جدا مشو و در تمام کارهای خود از خدا کمک بخواه.... هنگامی که علی خواست بدن مطهر پیامبر اسلام را غسل بدهد از فضل بن عباس کمک خواست اول چشم های فضل را بسته و به او دستور داد تا آب به بدن حضرت بریزد، علی، پیامبر را غسل داد، حنوط و کفن کرد و بعد از غسل پیامبر، علی به تنهایی بر او نماز خواند _ فلما قرب خروج نفسه قال له ضع راسي يا علي في حجرک ... تول امری وصل علی اول الناس و لا تفارقنی حتی توارینی فی رمسي؛ فلما اراد امیرالمومنین غسله استدعی الفضل بن العباس فامره ان يناوله الماء لغسله بعد ان عصب عينيه(۱) مولا علی می فرماید: رسول خدا در حالی که سرش بر روی سینه ام بود قبض روح گردید و جان او در کف من روان شد آنرا بر چهره خویش کشیدم؛ متصدی غسل پیامبر من بودم و فرشتگان مرا یاری می کردند، گروهی از فرشتگان فرود می آمدند و گروهی دیگر به آسمان پرواز می کردند؛ گوش من از صدای آهسته آنان که بر آن حضرت نماز می خواندند پُر بود تا آن هنگامی که او را دفن کردیم؛ _ و لقد قبض رسول الله و ان راسه لعلی صدری و لقد سالت نفسه فی کفی فامررتها علی وجهی ولقد و لیت غسله و الملائکه اعوانی فضجت الدار و الافنيه ملا يهبط و ملايعرج و ما فارقت سمعی هینمه منهم (۲) مولا علی فرمود: پیامبر بمن وصیت کرد که غیر از خودت کسی مرا غسل ندهد زیرا هر کسی عورت مرا ببیند کور می شود و مولا علی به فضل بن عباس با چشمانش که بسته بود امر کرد آب بیاورد _ اوصی النبی ان لایغسله احد غیری فانه لایری احد عورتی الاطمست عيناه(۳) امام حسین از مولا علی روایت کرده که رسول اکرم وصیت کرد، تنها علی او

۱- ۱. ارشاد مفید ج۱ ص ۱۸۶؛ اعلام الوری ج ۱ ص ۲۶۷

۲- ۲. نهج البلاغه خطبه ۱۹۷ ص ۴۱۲ ش ۲

۳- ۳. طبقات ابن سعد ج ۲ ص ۶۱، مجمع الزوائد ج۹ ص ۳۶، کنزالعمال ج۷ ص ۱۷۶، الشفاء قاضی عیاض ج۱ ص ۵۴، البدایه و النهایه ج۵ ص ۲۶۱ خصائص الکبری سیوطی ج۲ ص ۲۷۶؛ النویری فی نهایه الارب ج ۱۸ ص ۳۸۹ _ لایحل لمسلم یری مجردی او عورتی الا علی _ مناقب ابن مفازلی ح ۱۳۷ و ۱۳۸ _ طرائف سید ابن طاوس ح ۲۴۵

را غسل دهـد و در این کار فرشـتگان او را یاری می کنند(۱) پیـامبر اکرم فرمود: ای علی تو مرا غسـل می دهی و ابن عباس بر بدن من آب می ریزد و جبرئیل که سومی شـماست کمک کارتان می باشـد(۲) پیامبر به مولا علی فرمود: مرا غسل بـده، مولا علی فرمود چه کسـی بمن کمـک می کنـد، پیـامبر فرمود: برای اجرای این دسـتور یاران غیبی به تو کمک می کننـد مولا علی فرمود: بخـدا قسم هر عضوی از اعضای پیامبر را که می خواسـتم غسل دهم بگو نه ای بود که خود آن عضو برمی گشت و جا به جا می شد(۳) ابن سـعد به سـند خود از یزید بن بلال نقل می کند که مولا علی فرمود: پیامبر اکرم بمن وصـیت کرد که جز تو نبایـد دیگری مرا غسل دهـد مبادا چشم کسـی به عورت و بـدن من بیفتـد که بلافاصـله کور خواهد شد این بود که فضل و اسـامه از پس پرده بمن آب می دادنـد و در عین حـال بـا پارچه چشم های خود را بسـته بودند(۴) علی متقی در کنزالعمـال از شریک از ابوالاسـحاق از علی علیه السـلام روایت کرده است که از رسول خدا شـنیدم که می گفت: درباره علی ۵ خصلت از ناحیه خدا بمن عنایت شده که قبل از من به هیچ پیغمبری داده نشده است علی قرض مرا می پردازد و هنگام غسل بدن مرا می پوشاند؛ ۲) دشـمنانم را از آب حوض کوثر دور می کند؛ ۳) در راههای محشـر چراغ من است ۴) در روز قیامت لوای من که آدم و فرزنـدان او در زیر آن قرار می گیرند در دست اوست ۵) بیمی نـدارم که پس از من با وجود عفتی که دارد گناه کند و یا پس از ایمان بخدا، کافر شود(۵) یکی از آیـات کریمه قرآن کریم که برتری مولا علی بر پیامبران الهی بغیر از رسول اسـلام را نشان می دهد(۶) هنالک الولایه لله الحق؛ امام باقر در تفسیر این آیه فرمود: منظور از ولایت خدا در این آیه

۱- ۱. کنوز الحقایق ص ۱۸۸، ریاض النضره ج۲ ص۱۷۸؛ کنز العمال ج۴ ص ۵۴

۲- ۲. حیله الاولیاء ج۴ ص ۷۳ الی ص ۷۹ _ سنن بیهقی ج۳ ص۳۸۸ _ فضائل الخمسه ج۳ ص ۴۹، قصص الانبیاء ثعلبی ص ۵۹

۳- ۳. ریاض النضره ج ۲ص ۱۷۸

۴- ۴. طبقات ابن سعد ج ۲ ص ۲۷۸

۵- ۵. کنز العمال ج ۱۳ ص ۱۵۴ ح ۳۶۴۷۹

۶- ۶. آیه ۴۴ سوره کهف

ولا‌یت امیر مومنان علی است که هیچ پیامبری مبعوث به رسالت و نبوت نشده مگر به تبلیغ ولا‌یت علی؛ وقتی که پیامبران مامور به تبلیغ از ولایت علی هستند چگونه بر او برتر می باشند اصلاً سبب پیامبر شدن آنان بخاطر تبلیغ از ولایت و امامت علی بوده است اگر پیامبران پیامبر و نبی شدند به برکت امامت و ولا‌یت علی بوده است ـ تلك ولایه امیرالمومنین التی لم یبعث نبی قط الابها (۱) از جمله آیات کریمه دیگر در قرآن که برتری مولا علی بر پیامبران نشان می دهد آیه ۲۵ سوره انفال است ـ و اتقوا فتته لاتصیبن الذین ظلموا منکم خاصه؛ ابن عباس می گوید چون آیه نازل شده پیامبر اکرم فرمود: هر کس به علی در نشستن وی به جای من پس از وفاتم ظلم کند گویا نبوت من و پیامبران گذشته را انکار و رد کرده است ـ من ظلم علیاً مقعدی هذا بعد وفاتی فکانما جحد نبوتی و نبوه الانبیاء قبلی (۲) من ظلم علیاً مجلس هذا کمن جحد نبوتی و نبوه من کان قبلی(۳) طبق این آیه و تفسیر آیه؛ مولا‌ـ علی به تنهایی برابر است با تمام پیامبران و از آنها برتر است و فقط در نبوت خاصه بر پیامبر اسلام برتر نمی باشد؛ از جمله آیاتی که در قرآن کریم ـ برتری مولا‌ـ علی بر پیامبران را نشان می دهد آیه ۱۲ سوره مبارکه مجادله است؛ یا ایها الذین امنوا اذا نجیتم الرسول فقدموا بین یدی نجواکم صدقه؛ مولا علی در ذیل تفسیر این آیه می فرماید: در کتاب خدا آیه ای نازل شد که هیچکس قبل و بعد از من بدان عمل نکرد و نمی کند و این آیه نه پیش از من در حق کسی نازل شده و نه در حق کسی بعد از من نازل می شود ـ ان فی کتاب الله لایه لا عمل بها احد قبلی و لا یعمل بها احد بعدی؛ بی خفف الله عن هذه الامه و لم تنزل فی احد قبلی و لم تنزل فی احد بعدی؛ ان فی کتاب الله آیه ما عمل بها احد قبلی و لایعمل بها احد بعدی و هی، یا ایها الذین آمنوا اذا ناجیتم؛ ما عمل بهذه الایه غیری(۴)

۱- ۱. شواهد التنزیل حاکم حسکانی حنفی ص ۱۹۱

۲- ۲. شواهد التنزیل ص ۱۱۷ ح ۲۶۹

۳- ۳. طرائف سید ابن طاوس ص ۱۲۴

۴- ۴. تفسیر ثعلبی ج ۹ ص ۲۶۲ [۴] ؛ المعجم الاوسط ح ۶۷۱۴ معجم الکبیر ح ۲۶۰۷ و ۳۹۴۰ و ۱۰۹۹۷ و ۱۰۹۹۸؛ معرفه الصحابه ابی نعیم ح ۴۵۳۶؛ تاریخ بغداد ح ۱۴۲۱ و ۱۴۲۲ و ۱۴۲۳ ـ تاریخ دمشق ح ۴۳۹۶۱ و ح ۴۳۹۷۶ و ح ۴۳۹۷۴ و ح ۴۳۹۷۵ ـ مکتبه اسلام ویب ـ کنزالعمال با سندحسن ـ ج ۱۳ ص ۱۰۸ و ۱۰۹ ح ۳۶۳۵۵ العمده ابن بطریق ص ۲۸۵؛ خصائص نسایی ص ۵۶؛ تفسیر طبری ج۲۸ ص۱۴؛ احکام القرآن جصاص ج ۳ ص ۵۲۶؛ مستدرک حاکم ج ۲ ص ۴۸۱ ؛ تفسیر فخررازی ج ۲۹ ص ۲۷۱ ؛ فتح القدیر شوکانی ج ۵ ص ۱۸۶؛ اسباب النزول واحدی ص ۳۰۸، جامع الاصول ابن اثیر ج۲ ص ۴۵۲، روح المعانی آلوسی ج ۱۴ ص ۲۲۵؛ الدرالمنثور ج ۶ ص ۱۸۵؛ تفسیر القرآن ابن کثیر ج۸ ص ۸۰

ـ ان الله عزوجل اطلع الی اهل الارض فاختار رجلین

احـدهما ابوک و الاـخر بعلک و .... مولا علی بخاطر اینکه با پیامبر اسـلام نجوا بگویـد. بیش از ۱۰ بار در راه خـدا؛ صدقه می دهـد؛ به این عمل هیـچ بنی بشـری مفتخر نشـده و نخواهد شد مگر مولا علی، پس طبق این آیه و تفسـیر آن، مولا علی بر تمام پیـامبران الهی افضل هست بجزء رسول اسـلام؛ عن علی: قال: والله ما عمل بهـذه الایه غیری (۱)یکی دیگر از آیـاتی که برتری مولاـ علی را بر پیامبران الهی نشان می دهـد؛ آیه ۷ سوره کهف است؛ انا جعلنا ما علی الارض زینه لها؛ ابن مسـعود؛ در تفسـیر این آیه فرمود: زینت زمین مردان است و زینت مردان علی ابن ابی طـالب است؛ و پیامبران از مردان بودنـد و مولا علی هم شاه مردان و زینت مردان است پس طبق این قائـده صـغری و کبری؛ مولا علی بر پیامبران افضل است؛ ـ زینه الارض الرجال و زینه الرجال علی ابن ابی طالب(۲) مولا علی در حدیثی به صـراحت می فرماید: به غیر از رسول کسی از من برتر و افضل نمی باشد ـ جز آنکه او بنام پیامبری خوانـده شـده است؛ ـ لایتقـد منی احـد الا احمـد و انی و ایاه لعلی سبیل واحـد الا انه هو المدعو و باسمه(۳) از جمله آیاتی که در قرآن برتری مولا علی بر پیامبران را به ما نشان می دهد در ذیل تفسـیرش آیه ۶۸ سوره قصص می باشـد؛ و ربک یخلق ما یشاء و یختار ما کان لهم الخیره ... محمـد بن مومن معروف به ابوبکر شـیرازی از علمای اهل سـنت در کتـاب رساله اعتقادش ذیل این آیه با سـند از انس بن مالک روایت کرده که پیامبر اکرم فرمود: خداونـد آدم را از هر گِل هر طوری که می خواست آفریـد سپس فرمود: خداونـد مرا و اهل بیت مرا بر جمیع خلائق، اختیار کرد و برگزیـد مرا و پیغمبر کرد و علی را وصی و جانشین من کرد؛ باز طبق این تفسیر آیه ما فی هدایه مذکور؛

۱- ۱. ینابیع الموده ج۲ ص ۱۳۷ و ص ۱۳۸، غایه المرام ص ۳۵۰ باب ۵ ح۲

۲- ۲. شواهد التنزیل ص ۱۹۲ ح ۴۸۵

۳- ۳. الکافی ج ۱ ص ۱۹۸

ائمه هـدی بر تمـام خلائق که انبیاء و پیامبران نیز جزءاش هسـتند برتری دارنـد، _ ان الله اختار نی و اهل بیتی علی جمیع الخلق فانتجنـا فجعلنی الرسول و جعـل علی ابن ابی طالب الوصـی(۱) در منـابع روایی اهل سـنت قیـد و ذکر شـده که مولا علی علیه السـلام ؛ دومین شخصـیت برگزیده شده از میان خلائق بعد از پیامبر اسـلام است ای وهابی ملحد؛ وقتی مولا علی بعد از پیامبر اسـلام افضـل خلاـئق است؛ چگونه پیـامبران غیر از رسول اسـلام بر او برتری و افضـلیت دارنـد _ پیامبر اکرم فرمود: ای فاطمه خداونـد توجهی به اهل زمین کرد و پدرت را برگزید و پیامبر کرد؛ توجهی دیگر به زمین نمود و شوهرت علی را برگزید و به من وحی کرد که تو را به نکـاح او درآورم و او را وصـی خودم قرار دهم؛ زیرا، علی؛ بـاحلم و با صبر تراز همه است و از همه نسـبت به اوامر و نواهی خدا تسـلیم تر است و علمش از همه خلائق افزون تر می باشد _ یا فاطمه ان الله تعالی اطلع الی الارض اطلاـعه فاختار منها اباک فبعثه نبیاً ثم اطلع الیها الثانیه فاختار منها بعلک فاوحی الله الی الارض اطاعه فاختار منها اباک فبعثه نبیاً ثم اطلع الیهـا الثـانیه فاختـار منهـا بعلـک فـاوحی الله الی فـانحکته ایاک و اتخـذته وصـیاً اما علمت ان لکرامه الله ایاک زوجک اعظمهم حلما واقدمهم سـلما و اعلمهم علما(۲) از جمله فضـایلی که مولا علی دارد و به سـبب آن از تمام پیامبران افضل و برتر می باشد این است که؛ فردای قیامت کسـی نمی تواند از پل صـراط عبور کند مگر؛ جواز عبور داشته باشد؛ و جواز عبور از پل صراط بـدست مولاـ علی است و چـون پیـامبران طبـق آیه ۴۵ سـوره زخرف که توضـیح اش گـذشت قبـل از خلقت ظـاهری و فیزیکی مولاـ علی تبلیغ از ولاـیت علی در دنیا کرده انـد؛ فردای قیامت جواز عبور خود را از مولا علی دریافت می کننـد، پس وقتی که عبور از صـراط بـدست مولا علی است و انبیاء همماننـد سایر خلائق بایـد از آن عبور کننـد و جواز عبورشان بدسـت علی است چگونه بر او فضیلت و برتری دارند چون قرآن کریم در سوره مریم آیه ۷۱ می فرماید هیچ کس نیست مگر

۱- ۱. بحار الانوار ج۳۶ ص ۱۶۷؛ احقاق الحق ج۳ ص ۵۴۶ طرائف سید ابن طاوس ص ۲۱۴

۲- ۲. منـاقب ابن مغازلی ص ۱۰۱ ج ۱۴مستدرک حاکم ج۳ ص ۱۲۹ _ تاریخ بغداد ج۴ ص ۱۹۵؛ اسدالغابه ج۴ ص ۴۲ _ کنزالعمال ج۶ ص ۱۲۲ مجمع الزوائد ج۹ ص ۱۶۵ ج۸ ص ۲۵۳ ج۱۴۵۹۵ و رجاله ثقات _ ح ۱۴۵۹۶ _ صحیح الاسناد _ ص ۱۰۱ ح ۱۴۴ ؛ العمده ابن بطریق ص ۲۶۷؛ تاریخ مدینه دمشق ج ۴۲ ص ۱۳۰، المعجم الکبیر طبرانی ج ۳ ص ۵۷؛ نهج الایمان ابن جبر ص ۲۲۸

اینکه بایـد از آتش جهنم عبور کنـد و ان منکم الا ـ واردها؛ پیامبر اکرم فرمود: احـدی نمی توانـد از پل صـراط عبور کنـد مگر اینکه برات عبور ولایت علی و ولایت اهل بیت او داشته باشـد ـ لایجوز احـد الصـراط الاومعه براه بولایته و ولایه اهل بیته(۱) اذا کـان یوم القیامه و نصب الصـراط علی ظهرانی جهنم لایجوز و لایقطعها الا من کان معه جواز بولایه علی ابن ابی طالب (۲) از پیـامبر اکرم سوال شـد جواز عبور از صـراط چیست؟ فرمود: دوستی علی ابن ابی طالب ـ هل للنار جواز؟ قال: نعم قلت و ما هو؟ قال: حب علی ابن ابی طالب(۳)

پیامبر اکرم فرمود: هر مومنی که حب علی در قلبش ثابت باشد فردای قیامت قدمش بر پل صراط ثابت است ـ ما ثبت الله حب علی فی قلب مومن فزلت به قدم الاثبت الله قدمه یوم القیامه علی الصـراط(۴) پیامبر اکرم فرمود: احدی نمی تواند از پل صراط فردای قیامت عبور کنـد مگر اینکه نامه و جوازی از دست علی داشـته باشـد ـ لایجوز احد الصـراط الامن کتب له علی الجواز (۵)؛ اذا جمع الله الاولین و الاخرین یوم القیامه و نصب الصـراط علی جسـر جهنم ما جازها احـدحتی کانت معه براه بولایه علی بن ابی طالب(۶) از پیامبر اکرم سوال شد معنای برات صـراط چیست؟ پیامبر فرمود: لا اله الا الله، محمد رسول الله علی ولی الله ـ ما معنی براه علی؟ قال: لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله(۷) پیامبر اکرم فرمود: برای هر چیزی جوازی است و جواز عبور از پل صـراط، حب و دوستی علی ابن ابی طالب است ـ لکل شـی جواز و جواز الصـراط حب علی ابن ابی طالب(۸) اذا کان یوم القیامه و نصب

۱- ۱. مناقب خوارزمی ص ۳۱، فرائد السمطین ج۱ ص ۲۹۲

۲- ۲. اخبار اصبهان ابو نعیم ج ۱ ص ۳۴۲، فرائد السمطین ج۱ ص ۲۸۹

۳- ۳. تاریخ دمشق ابن عساکر ج۲ ص ۱۰۴ رقم ۶۰۸

۴- ۴. معارج العلی فی مناقب المرتضی ص ۷۴

۵- ۵. ذخائر العقبی ص ۷۱ ریاض النصره ج۳ ص ۱۷۵؛ صواعق المحرقه ص ۷۵ ح ۴۰ تحفه المحبین بمناقب الخلفاء الراشدین (محمد بن رستم) ص ۱۹۷ مفتاح النجاء ص ۷۳؛ ان علی الصـراط لعقبه لایجوزها احد الابجواز من علی ابن ابی طالب ـ لسان المیزان ج ۴ ص ۱۱۱

۶- ۶. ریاض النضره ج۳ ص ۱۶۷؛ تاریخ بغداد ج ۱۰ ص ۳۵۵ تاریخ دمشق ج۴۴ ص ۲۵۴ کنزالعمال ج ۱۱ ص ۶۲۱

۷- ۷. مناقب ابن شهر آشوب ج۲ ص ۷ و ص ۱۵۶

۸- ۸. بحار الانوار ج ۳۹ ص ۲۰

علی شـفیر جهنم لم یجز علیه الا من معه کتاب بولایه علی ابن ابی طالب(۱) لم یجز علی الصـراط الا من معه جواز من علی ابن ابی طالب(۲) تمام پیامبران از اکمل مومنان هسـتند؛ رسول اکرم می فرمایـد: صـحیفه و نامه مومن، حب و دوستی علی ابن ابی طالب است؛ پس پیامبرانی که نامه و صحیفه آنان حب علی است، جواز عبور از پل صراط آنان بدست علی است؛ تقسیم شدن و رفتن آنان به بهشت بـدست مولا علی است نمی تواننـد بر او برتری داشـته باشـند ــ عنوان صـحیفه المومن حب علی ابن ابی طالب(۳) از جمله فضـایلی که مولا علی دارد و به دلیل آن بر تمام مخلوقات و پیامبران غیر از رسول اکرم افضل و بالاتر اسـت علم و دانش الهی و فراوان او می باشد؛ در روایت دارد شخصـی ملعون و پست به مولا علی فحش و ناسزا گفت، سعد ابن ابی وقاص آنجا بود سـعد گفت به کسی فحش دادی که اولین مسلمان، اولین نمازگزار با پیامبر و زاهدترین مردم و اعلم ترین و با دانش ترین فرد مردم است؛ فقـال: یـا هـذا علی مـا تشـتم علی ابن ابی طالب الم یکن اول من اسـلم، الم یکن اول من صـلی مع رسـول الله الم یکن از هـد النـاس، الم یکن اعلم النـاس(۴) علی ابن ابی طـالب اعلمکم بالسـنه؛ پیـامبر اکرم به حضـرت فـاطمه فرمود: آیا راضی نیستی که همسر تو علی از همه زودتر اسلام آورده و زیاد علم دارد ــ اما ترضین ان زوجتک اقدم امتی سلما و اکثرهم علما(۵) صـحیح الاسـناد و رجـاله ثقـات از جمله فضـایـل مولا علی که سـبب آن بر تمام مخلوقات و پیامبران غیر از رسول اسـلام افضل می باشـد این است که خداونـد نام مقـدس او را از نام مبارک خودش مشـتق و جـدا کرده و گرفته؛ پیامبر اکرم می فرماید: خداوند در شب معراج بر من وحی نمود و فرمود همانا من علی اعلی هستم و نام علی

۱- ۱. طرائف سید ابن طاوس ص ۱۹۶ مناقب ابن مغازلی ح ۲۱۹ ص ۲۴۲

۲- ۲. مناقب ابن مغازلی ص ۱۱۹ ــ ذخائر القبی ص ۷۱

۳- ۳. مناقب ابن مغازلی ح ۲۹۰؛ تاریخ بغداد ج۴ ص ۴۱۰، لسان المیزان ابن حجر ج ۴ ص ۴۷۱، تاریخ دمشق ج۳ ص ۱۱۳ ؛ الجامع الصغیر ج۲ ص ۱۴۵

۴- ۴. مستدرک حاکم ج۳ ص ۵۷۱ کتاب معرفه الصحبه ح ۱۱۲۱ ــ ۱۷۱۹ ــ در پاورقی آمده که ذهبی آنرا صحیح دانسته ــ قال فی التلخیص علی شـرط البخاری و السـلم ــ واقفه الذهبی علی التصـحیح؛ عایشه گفت: علی ابن ابی طالب دانشمندترین و عـالم ترین مردم به سـنت پیامبر اکرم بود ــ علی اعلم الناس بالسـنه ــ تاریـخ کبیر بخاری ج۱ ــ ص ۲۵۵ ــ تاریـخ دمشق ص ۴۰۸ ــ الاستیعاب ج۳ ص ۱۱۰۴ الکامل ابن عدی ج۷ ص ۲۳۷

۵- ۵. مجمع الزوائد ح ۱۴۵۹۵ ج ۹ ص۱۰۱ ح ۱۴۵۹۶

ابن ابی طالب را از نام های خودم مشتق کردم و او را علی نامیدم _ فانی انا العلی الاعلی اشتقفت له من اسمائی اسماً فسمیته علیاً(۱) خداوند به حضرت آدم فرمود: ۵ تن از اولاد تو (یعنی خمسه طیبه) کسانی هستند که اسماء و نام های آنان را از نام خودم مشتق کردم من محمودم و این محمد است من عالیم و او علی است من فاطرم و او فاطمه است؛ من صاحب احسانم و او حسن هست من محسنم و او حسین است _ هولاء خمسه شققت لهم خمسه اسماء من اسمایی انا العالی و هذا علی(۲) خداوند در شب معراج به پیامبر اکرم خطاب کرد و فرمود: در مرتبه دوم که به اهل زمین نظر کردم علی ابن ابی طالب را برگزیدم و شکافتم برای او اسمی از اسماء خودم پس من اعلی هستم و او علی می باشد؛ و شققت له اسما من اسمائی فانا الا علی و هو علی(۳) خداوند متعال، نام هیچ پیامبری بغیر از رسول اسلام را از نام اعظم و مقدس خودش مشتق نکرد بجزء مولا علی و پیامبر اسلام و فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین و به این دلیل مولا علی از تمام پیامبران بغیر از رسول اسلام افضل و برتر می باشد؛ از جمله فضایلی که مولا ـ علی دارد و به سبب آن بر تمام پیامبران افضل و برتر می باشد این است که نسل و ذریه پیامبر از صلب و پشت و نطفه مبارک او می باشد پیامبر اکرم فرمود: همانا خداوند قرار داد نسل و ذریه و فرزندان هر پیامبری را از صلب و کمر او، ولی ذریه و نسل مرا در صلب علی ابن ابی طالب قرار داد _ ان الله عز وجل جعل ذریه کل نبی فی صلبه و جعل ذریتی فی صلب علی ابن ابی طالب (۴) از جمله فضایلی که مولا علی دارد و به سبب آن بر تمام پیامبران غیر از رسول اسلام افضل می باشد بالا رفتن ایشان از دوش مبارک رسول اسلام و شکستن ۳۶۰ بت بر بام کعبه است، رسول اکرم به مولا علی نگاه کرد و به او گفت: یا علی یا تو بر دوش من سوار شو یا من بر دوش تو سوار می شوم تا هبل را از

۱- ۱. شواهد التنزیل ص ۱۹۳ ح ۴۸۸ ذیل آیه ۵۰ سوره مریم

۲- ۲. فرائد السمطین ج ۱ ص ۳۶ و ص۳۷

۳- ۳. مقتل الحسین خوارزمی حنفی ج۱ ص ۹۵ و ص۹۶ _ مقتضب الاثر ص ۷۶، اثبات الهداه ج۳ ص۱۹۸؛ اصول دین، مقدس اردبیلی ص ۱۵۹ فرائد السمطین ج۲ ص ۳۱۹ ح ۵۷۱، ینابیع الموده ج ۳ ص ۳۸۰

۴- ۴. صواعق المحرقه ص ۱۲۴، معجم الکبیر ج۳ ص ۴۳؛ کنزالعمال ج۱۱ ص ۶۰۰، تاریخ بغداد ج۱ ص ۳۱۶؛ کفایه الطالب ص ۳۷۹

کعبه برداریم، مولاـ علی می گوید به پیامبر اکرم گفتم یا رسول الله شما سوار شوید و چون پیامبر بر پشت من نشست بخاطر سنگینی رسالت نتوانستم او را حمل کنم و گفتم یا رسول الله بگذار من سوار شوم، پیامبر خندید و پائین آمد و پشت خود را بطرف من کرد و من بر آن قرار گرفتم و بت ها را شکستم(۱) محمد بن حرب هلالی از امام صادق علیه السلام سوال کرد؛ چرا علی ابن ابی طالب، طاقت نیاورد که رسول خدا را هنگام پایین آوردن بت ها از بام کعبه بلند کند با اینکه نیرومند بود و در خیبر را بر کند و آنرا بر روی خندق انداخت و این در را ۴۰ نفر نمی توانستند بردارند و پیامبر، استر یا الاغی را سوار می شد و آن حیوان او را بر می داشت پس چگونه علی نتوانست او را بلند کند؟ امام صادق فرمود: پیامبر اسلام به این سبب پایش را بر دوش علی گذاشت که بگوید آن دو از یک نور آفریده شده اند که یک جزء، جزء دیگر را برمی دارد همانگونه که علی گفت من نسبت به احمد (پیامبر) چون کف دست نسبت به دست، ذراع نسبت به بازو، و روشنایی نسبت به روشنایی ام، سپس امام صادق فرمود: آیا نمی دانی که پیامبر اکرم در غدیر خم، دست علی را بالا برد تا آنجا که مردم سفیدی زیر بغل او را دیدند و او را به سرپرستی مردم برگزید؛ پیامبر، حسن و حسین را که در باغ بنی نجار خواب بودند، بر دوش سوار کرد و گفت: چه خوب سوار کارانی هستند و پدر آنها بهتر از آنهاست؛ نیز آنحضرت با اصحابش نماز می گذارد و سجده اش را طولانی می کرد و می فرمود: فرزندم سوار شده و من دوست ندارم که سرم را بردارم تا وی با اختیار خودش فرود آید، پیامبر این کار را کرد تا بزرگواری و عظمت قدر آنان را در پیشگاه خدا آشکار سازد و علی را بر پشت خود برداشت تا بگوید: او پدر فرزندانش و امامانی است که از صلب او هستند؛ و اعلام کند کسی که معصوم را بر دوش سوار می کند همو معصوم است؛ و نیز خواست پیامبر اعلام کند که او ریشه درخت و حسن و حسین شاخه های آن است؛ سپس امام صادق فرمود: به همین دلیل پیامبر فرمود: علی جانم و برادر من است؛ پس او را اطاعت کنید؛ امام شافعی این ابیات را سروده است؛ بمن گفتند، علی را ستایش کن که یاد او آتش فرا گیر را

۱- ۱. مستدرک حاکم ج ۲ ص ۳۶۶، تاریخ دمشق ج ۱۳ ص ۱۱۰، خصائص نسائی ح ۱۲۲ ص ۲۲۵

خاموش می کند؛ گفتم: نمی توانم مردی را ستایش کنم که خردمندان گمراه شده اند تا آنجا که او را پرستیدند؛ پیامبر برگزیده برای ما گفت: چون در شب معراج بالا شدم خداوند دستش را پشتم نهاد و قلب من سردی آنرا احساس کرد علی، پاهایش را در جایی نهاد که خداوند دستش گذارد(۱) و علی واضع اقدامه .... فی محل وضع الله یده.

البته این نظر شافعی که خداوند در شب معراج دستش را بر پشت پیامبر گذاشته از دیدگاه قرآن و شیعه و ائمه هدی تجسیم برای خدا مردود و کفر است؛ بهترین قول همان نظر امام صادق بود در این فضیلت که از نظر شما گذشت(۲) چون نامی از جناب امام شافعی آمد ۲) مورد از فضایلی که ایشان در کتاب دیوانش برای خلفاء ذکر و نقل کرده در رد وهابیون که منکر برتری مولاـ علی بر پیامبران هستند ذکر می کنم، ایشان در کتاب دیوانش ص ۸۶ باب شهادت حق، قافیه الصاد، در اشعارش می نویسد: و ان ابابکر خلیفه ربه؛ همانا ابابکر خلیفه خدا بود؛ شما آقایان سنی و وهابی که قائل به خلافت الهی برای ابوبکر و عمر و عثمان نیستید و خلافت را شورایی می دانید، پس چرا امام شافعی می گوید، ابوبکر خلیفه از سوی خداست؟! (۳)

یعنی ابوبکر و عمر و عثمان از تمام پیامبران غیر از رسول اسلام افضل هستند؟! _ قال الربیع: سمعت الشافعی یقول افضل الناس بعد رسول الله؛ ابوبکر ثم عمر ثم عثمان ... این مطلب در منابع روایی اهل سنت بطور کثیر آمده _ اجماع اهل السنه علی ان افضل الناس بعد رسول الله _ ابوبکر ثم عمر ثم عثمان(۴) خیر هذه الامه بعد نبیّها ابوبکر و عمر (۵) خیر الناس بعد رسول الله ابوبکر و عمر!!! _ از جمله

۱- ۱. ینابیع الموده ج۲ ص ۳۶۲ الی ص ۳۶۴

۲- ۲. علل شرایع ج۱ ص ۲۰۹ ؛ غایه المرام ص ۶۵۰ باب ۱۰۴ ح ۱؛ جمع الفوائد ج ۲ ص ۲۶، اعیان الشیعه ج۲ ص ۵۱۶ _ مناقب آل ابی طالب ج ۱ ص ۳۹۹ _ تاریخ بغداد ج ۱۳ص ۳۰۲؛ مسند احمد ج ۱ ص ۸۴؛ ذخائر العقبی ص ۸۵؛ الریاض النضره ج ۳ ص ۲۱۷؛ مناقب خوارزمی ص ۷۱؛ کنزالعمال ج۱۵ ص ۱۵۱؛ انیس الجلیس سیوطی ص ۱۸۴؛ تذکره الخواص ص ۳۱

۳- ۳. در ص ۱۲۱ دیوانش در پاورقی آمده: افضل ترین مردم بعد از پیامبر، ابوبکر، عمر و عثمان هستند.

۴- ۴. تاریخ الخلفاء سیوطی ص ۴۴

۵- ۵. تاریخ بغداد ج۱ ص ۳۴۳ _ معجم الاوسط ج۱ ص ۲۹۷ و ج۵ ص ۹۴ ؛ طبقات المحدثین ابن حبان ج۳ ص ۴۲۵، مصنف ابن ابی شیبه ج۸ ص ۵۷۳

فضایلی ساختگی و جعلی که آقایان اهل سنت برای خلیفه اول ابوبکر نقل کرده اند و طبق این حدیث مقام ابوبکر همانند پیامبر از تمام خلائق افضل می کند این روایت است که پیامبر اکرم فرمود: من در یک کفه ترازو و امت من در کفه دیگر ترازو قرار گرفتند من از آنها سنگین تر بودم، سپس ابوبکربجای من نشست او نیز مثل من از همه امت سنگین تر بود(1) انارایت کان میزانا نزل من السماء فوزنت انت و ابوبکر، فرجحت انت بابی بکر؛ ان روح القدس جبرئیل اخبرنی آنفا: ان خیر امتک بعدک ابوبکر الصدیق (2) ابوبکر الصدیق خیر الناس الا ان یکون نبیاً (3) پیامبر اکرم فرمود: ابوبکر برای شما بهتر است ازآنچه خورشید بر آنها طلوع و غروب کردها _ یعنی ابوبکر از تمام مخلوقات دنیا و درون دنیا افضل و بالاتر است که پیامبران هم جزء آنان هستند؛ _ ان ابابکر خیر ممن طلعت علیه الشمس او غربت (4) هیثمی نقل می کند که پیامبر اکرم اشرف مخلوقات پشت سر ابوبکر نماز خوانده ان رسول الله صلی خلف ابی بکر(5) از قول پیامبر اکرم نقل کرده که فرموده: ابوبکر و عمر، چشم و گوش من هستند؛ یعنی بقول حاکم نیشابوری، ابوبکر و عمر جزئی از وجود پیامبر هستند؛ در روایت دیگر حاکم نیشابوری می نویسد که پیامبر اکرم فرموده: ابوبکر اولین کسی است که وارد بهشت می شود؛ یعنی بقول حاکم نیشابوری در المستدرک؛ ابوبکر زودتر از تمام پیامبران بخصوص اعظم پیامبران و اشرف مخلوقات رسول اسلام وارد بهشت می شود؛ می گردد؟!! _ اما انک اول من یدخله من امتی(6) در روایت پوچ دیگر حاکم نیشابوری می نویسد: که نعوذبالله پیامبر اکرم فرموده: فردای قیامت؛ خداوند بر تمام بندگانش بصورت عموم تجلی می کند ولی برای جناب ابوبکر بطور خاص!!! _

یتجلی الله لعباده فی الاخره عامه و یتجلی لابی بکر خاصه؛ از جمله روایات

۱- ۱. مجمع الزوائد ج ۵ ص ۵۹ ؛ مسند احمد ج ۵ ص ۲۵۹ الغدیر ج ۷ ص ۴۴۲ ؛ مسنداحمد ج۵ ص ۲۵۹؛ تاریخ بغداد ج ۱۴ ص ۷۸ المستدرک حاکم جزء ۴ ح ۴۴۹۴ ش ۱۷۴۴

۲- ۲. مجمع الزوائد ح ۱۴۳۱۶ باب مناقب ابی بکر

۳- ۳. مجمع الزوائد ح ۱۴۳۱۵

۴- ۴. مجمع الزوائد ح ۱۴۳۱۴

۵- ۵. مجمع الزوائد ح ۱۴۳۳۰؛ حاکم نیشابوری در المستدرک ج ۴ ح ۴۴۸۹

۶- ۶. مستدرک ح ۴۵۰۱ ش ۱۷۴۵ مساله الجزء الرابع کتاب معرفه الصحابه

جعلی و ساختگی که برای ابوبکر، جاعلان و ناقلان حدیث جعل کرده اند و ساخته اند این است که غلام و نوکر ابوبکر؛ زودتر از پیامبر اکرم و تمام پیامبران، وارد بهشت می شود؛ لذا گفته اند که پیامبر اکرم فرمود: وقتی داخل بهشت شدم ناگاه متوجه صدای کفشی شدم نگاه کردم دیدم بلال غلام ابوبکر، زودتر از من به بهشت رفته

دخلت الجنه فسمعت خفق نعلین فاذا بلال مولی ابی بکر قد سبقنی الی الجنه (۱) آقایان اهل سنت با ذکر این روایت نشان داده می شود که غلام و نوکر ابوبکر؛ افضل است نعوذ بالله از پیامبر اکرم چرا؟ چون سبقت از ایشان می گیرد در بهشت رفتن به روایات فراوانی از منابع عامه، مرحوم علامه امینی در کتاب شریف الغدیر مجلد هفتم درباره فضائل جعلی و خنده آور، خلیفه اول ابوبکر نقل کرده که برای رفع خستگی، بد نیست نقل شود(۲) نعوذ بالله از لسان پیامبر اکرم نقل کرده که پیامبر فرمود: هر گاه مشتاق بهشت می شوم ریش ابوبکر را می بوسم ـ کان اذا اشتاق الی الجنه قبل شیبه ابی بکر؛ حقیر آن روایات جعلی که در باب فضایل خلفاء خصوصاً جناب ابوبکر و عمر از منابع اهل سنت نقل شده و دلیل برتری آنان حتی بر پیامبر معظم اسلام تلقی می شود را بطور اختصار نقل می کنم و بعد دوباره رجوع می کنم به ادله برتری مولا علی بر پیامبران از دیدگاه قرآن و روایات، یافعی در روض الریاحین ص ۴۴۳ نقل کرده که فقیری کور در مسجد پیامبر آمد و تقاضای کمک کرد؛ پیامبر اسلام و ابوبکر هم در مسجد حضور داشتند؛ ابوبکر حوائج فقیر کور، را برآورده کرد بعد فقیر کور گفت: یک حاجتی دیگر دارم و آنکه دستم را در میان ریش های تو کنم، پس ابوبکر برخاست و ریش خود را در دست کور نهاد و گفت ریش مرا در راه دوستی محمد بگیر؛ پس؛ خداوند در همان لحظه بینایی را به او باز داد؛ پس جبرئیل بر پیامبر نازل شد و گفت محمد؛ خداوند ترا، سلام می رساند و می گوید که به عزت و جلال او، اگر همه کوران وی را به حرمت ریش ابوبکر قسم می دادند البته بینایی شان را به ایشان

ص:۱۹۶

۱- ۱. مسند احمد ج۵ ص ۲۹۵ فضائل الصحابه احمد ص ۳۹؛ صحیح بخاری ج۴ ص ۱۹۸؛ سنن ترمذی ج ۵ ص ۲۸۲؛ سنن الکبری نسایی ج ۵ ص ۶۶

۲- ۲. عجلونی در کشف الخفاء ج۲ ص ۴۱۹

باز می گردانیم(۱) آیا پیامبر اکرم افضل هست یا نعوذ بالله ابوبکر؛ چرا فقیر اگر مسلمان بود به وجود مقدس پیامبر که رحمت للعالمین است متوسل نشده آیا ریش ابوبکر از دعای نافذ پیامبر، موثرتر و نافذتر می باشد؟!! عجلونی(۲) نقل کرده که ابوبکر و حضرت ابراهیم علیه السلام هر کدام در بهشت، یک ریش و محاسن مخصوص به خود دارند(۳) در روایت اهل سنت آمده: هیچ کس در بهشت پا نگذارد مگر بی موی باشد البته به جزء موسی بن عمران که ریش او تا ناف وی است(۴) یعنی این روایت تقابل و برابری ابراهیم خلیل با ابوبکر را در بهشت نشان می دهد و این خلاف عقل و قرآن و سیره الهی است، چون افراد عادی و کسانی که برگزیده الهی نیستند در حد درجه و رتبه پیامبران نیستند؛ و با این روایت القاء می شود که ابوبکر دومین پدر امت اسلام هست چون قرآن کریم؛ ابراهیم پدر مسلمین نامیده و این روایت جعلی، برتری ابوبکر بر پیامبر اسلام را نشان می دهد؛ در روایت اهل سنت آمده وقتی که رسول اکرم به قاب قوسین رسید هراسی و ترسی او را فرا گرفت که صدا و آوای ابوبکر را شنید و دلش آرام گرفت و به آوای دوستش انسی پیدا کرد؛ اولاً چرا طبق این حدیث اهل سنت، وقتی پیامبر اکرم به قرب وصال حق تعالی در شب معراج می رسد باید بترسد و نگران باشد؛ خداوند می فرماید: آگاه باشید که تنها با یاد و ذکر خدا، دلها و قلب ها، آرام می شود؛ ثانیاً؛ جبرئیل امین وقتی نزدیک به قاب قوسین ادنی رسید به پیامبر اکرم فرمود: من دیگه قادر نیستم با تو همراهی کنم زیرا بالهایم می سوزد: چگونه آوا و ندای ابوبکر به پیامبر رسیده؟! آیا ابوبکر همراه پیامبر بوده؟ آیا پیامبر را در شب معراج مشاهده می کرده(۵) در روایت دیگر علمای اهل سنت نقل کرده اند که مردی در مدینه مُرد، و پیامبر خواست بر او نماز بخواند؛ جبرئیل امین نازل شد و گفت: ای محمد بر وی نماز نخوان حضرت هم از خواندن نماز بر او خودداری کرد؛ پس ابوبکر آمد و گفت: ای پیامبر

۱- ۱. الغدیر علامه امینی ج ۷ ص ۳۴۹ و ص ۳۵۰

۲- ۲. در کشف الخفاء ج۱ ص ۲۳۳

۳- ۳. الغدیر امینی ج۷ ص ۳۵۱

۴- ۴. السیره الحلبیه ج۱ ص ۴۲۵

۵- ۵. عمده التحقیق ص ۱۵۴ الکامل ج۲ ص ۲۱؛ السیره الحلبیه ج۱ ص ۴۳۱؛ الغدیر ج۷ ص ۴۲۲

خـدا؛ بر وی نماز بخوان که من جزء خوبی از او سـراغ نـدارم؛ پس جبرئیل آمد و گفت: ای محمد بر او نماز گزار که گواهی ابوبکر بر گواهی من مقدم است(۱) سوال؟ آیا جبرئیل از طرف خود این مطلب را به پیامبر رسانده یا از مصدر وحی؛ آیا کلام و نظر ابوبکر؛ بر نظر خـدا و جبرئیل و پیامبر؛ برتری دارد؟!! (۲) ان لا براهیم الخلیل و ابی بکر الصـدیق لحیه فی الجنه(۳) فقال فقبض الاعمی لحیه ابی بکر فقال یا رب اسـئلک بحرمه شـیبه ابی بکر الارددت علیه بصـری فقال فرد الله علیه بصـره لوقته فنزل جبرئیل علی النبی فقال یا محمد السلام یقرئک السلام و یخص بالتحیه و الاکرام و یقول لک و عزتی و جلاله لو اقسم علیه کل عما بحرمه شیبه ابی بکر لرددت علیه بصره (۴) و ما ترکت علی وجه الارض اعمی، و هذا کله ببرکتک و علو قدرک و شانک عنـد ربـک بلغنـا ان النبی لمـا کـان قاب قوسـین اوادنی اخـذته وحشه فسـمع فی حضـره الله تعالی صوت ابی بکر فاطمان قلبه و اسـتانس بصـوت صـاحبه؛ از جمله احـادیث جعلی که اهـل غلو و افراط دربـاره ابوبکر نقـل کرده انـد این است که خداونـد از ابوبکر حیـاء می کنـد؛ انس بن مالک روایت کرده که گفت زنی از انصار آمـد نزد پیامبر اسـلام و گفت ای پیامبر همسـرم در مسـافرت است و من در خواب دیـدم که نخـل و درخت خـانه ام افتـاده، پیامبر فرمود: بایـد صبر کنی، زیرا دیگر او را نخواهی دیـد؛ زن با حالت گریه از منزل پیامبر خارج شـد و ابوبکر را دید و قضـیه خواب خودش را برای او گفت ابوبکر گفت ای زن نگران نباش برو خانه، همین امشب همسـرت در کنار توست؛ چون شب شد؛ همسر زن بیامد؛ پس زن نزد پیامبر آمد و او را از آمـدن شوهرش بـاخبر کرد، جبرئیـل نـازل شـد و گفت: ای محمـد آنچه تو گفتی راست بود ولی چون ابوبکر گفت: او همین امشب در کنار تو خواهـد بود خدا از او شـرم داشت که بر زبان او دروغی گفته شود چون او صدیق است و از همین روی بود که برای پاسداری از

۱- ۱. مصباح الظلام ج۲ ص ۲۵؛ نزهه المجالس۲ ص ۱۸۴

۲- ۲. الغدیر ج۷ ص ۳۵۵

۳- ۳. کشف الخفاء و مزیل الالباس للمفسر المحدث الشیخ اسماعیل بن محمد العجلونی متوفی ۱۱۶۲ هـ‍ ج۱ ص ۲۳۳ و ص ۷۱۴ ؛ قسطلانی در المواهب ج۲ ص ۲۸ با حاشیه العرائس (ثعلبی) ص ۴۴۳

۴- ۴. زرقانی فی شرح المواهب ج ۳ ص ۱۵۷، مفتاح السعاده ج۱ ص ۲۱۷، مراه الجنان عفیف الیافعی الشافعی ج۱ ص ۲۴۷

آبروی ابوبکر آن مرد را زنده کرد(۱) و قال یا محمد الذی قلته هوالحق و لکن لما قال الصدیق: انک تجتمعین به فی هذه اللیله استحیاالله منه ان یجری علی لسانه الکذب لانه صدیق فاحیاه کرامه له _ در همین روایت جعلی پیامبر با تاکید و نفی ابد فرموده هیچ وقت او را نخواهی دید چرا پس زنده شد و زن او را دید؛ ثانیاً: خداوند از هیچ کس از جهت حق و حقیقت حیا نمی کند: ان الله لایستحیی من الحق شیئاً (احزاب) ثانیاً: خداوند اختیار را از هیچ کس نمی گیرد و آیا ابوبکر علم غیب داشت که به زن گفت شوهرت امشب نزد توست. با این حدیث نعوذ بالله دروغگو بودن پیامبر و راستگو بودن ابوبکر را ثابت کردید.

برگردیم به اصل بحث و موضوع خود که اثبات برتری مولاـ علی بر پیامبران (بغیر از رسول اسلام) بود؛ یک دلیل و برهان روائی و قرآنی دیگر از هزاران ادله و براهین بر افضلیت و ارجحیت و برتری مولاـ علی بر انبیاء و پیامبران؛ حدیث نجوم یا معروف به امان است که بطور کثیر و فراوان در منابع حدیثی تشیع و خصوصاً منابع حدیثی برادران اهل سنت و جماعت بعنوان حدیث صحیح نقل و ذکر شده است رسول اکرم فرمود: ستاره گان و نجوم مایه امن و امنیت برای اهل آسمان هستند و زمانی که ستارگان نابود شدند اهل آسمان نابود می شوند؛ و اهل بیت من؛ امان برای امت اسلام و اهل زمین هستند؛ زمانی که اهل بیت من از بین رفتند؛ اهل کره خاک نابود می شوند و از بین می روند این حدیث شریف در (۳) جای کتاب المستدرک علی الصحیحین حاکم نیشابوری که از علمای بزرگ اهل سنت هست با الفاظ و عبارات مختلف و مشابه نقل و ذکر شده است

علامه مناوی در فیض القدیر ج ۶ ص ۲۹۷ می نویسد : حدیث امان از سلمه بن الاکوع نیز روایت شده است و دلیل بر حسن و نیکو بودن روایت است با اینکه طبرانی و ابن شیبه و مسدد با اسانید ضعیف حدیث امان را نقل کرده اند ولی طرق متعدد حدیث آنرا نیکو و حسن می کند – عن سلمه بن الاکوع رمز لحسنه ... لکن تعدد طرق ربما یصیره حسناً – سیوطی در جامع الاحادیث ج ۲۲ ص ۳۰۱ به نقل از

۱- ۱. نزهه المجالس ج۲ ص ۱۸۴

حاکم سند روایت را صحیح دانسته ؛ صنعانی در التنویر شرح الجامع الصغیر ج ۱۰ ص ۵۲۴ روایت را نیکو شمرده – رمز المصنف لحسنه – مناوی در التیسیر بشرح الجامع الصغیر ج ۲ ص ۴۶۴ سند روایت را حسن شمرده است – عن سلمه بن الاکوع و اسناده حسن –

_ النجوم امان لاهل الارض من الغرق و اهل بیتی امان لامتی _ هذا حدیث صحیح الاسناد(۱) طبق سایت مکتبه الاسلامیه (سلفی ها) _ النجوم امان لاهل السماء فاذا ذهب اتاها ما یوعدون و انا امان لاصحابی ما کنت فاذا ذهبت اتاهم ما یوعدون و اهل بیتی امان لامتی ذهبت اهل بیتی آتاهم ما یوعدون(۲) النجوم امان لاهل السماء فان طمست النجوم اتی السماء مایوعدون و انا امان لاصحابی فاذا قبضت اتی اصحابی مایوعدون و اهل بیتی امان لامتی فاذا ذهب اهل بیتی اتی امتی مایوعدون(۳) جالب این است که حاکم و ذهبی در مقابل این حدیث سکوت اختیار کرده اند و سکوت نشانه رضایت و قبول این حدیث است _ در پاورقی کتاب مستدرک ذیل حدیث آمده _ سکت عنه الذهبی من التلخیص با اینکه ذهبی؛ (۲) حدیث از (۳) حدیث امان را که مستدرک نقل کرده، رد کرده و جهلی خوانده ولی به این حدیث مذکور که رسیده سکوت رضایت اعلام نموده(۴) قال صحیح: قلت: بل(۵) قال صحیح قلت: واه فی اسناده ضعیفان؛ مناوی عالم دیگر اهل سنت در فیض القدیر(۶) این حدیث را نقل کرده و در پاورقی مفصل شرح و توضیح داده و این حدیث شریف را انکار نکرده _ النجوم امان لاهل السماء و اهل بیتی امان لامتی شرح مشکاه المصابیح(۷) النجوم امان لاهل السماء فاذا ذهبت النجوم ذهب اهل السماء و اهل

۱- ۱. مساله الجزء الرابع ش ۱۸۵۷ ح ۴۶۷۹

۲- ۲. مستدرک حاکم رقم الحدیث ۳۶۷۶ _ ح ۳۶۳۴ _ صحیح الاسناد، کتاب التفسیر سوره زخرف

۳- ۳. مستدرک حاکم ج ۳ ص ۵۱۷ کتاب معرفه الصحابه ح ۵۹۲۶ ذکر مناقب المنکدر بن عبدالله ابی محمد القرشی

۴- ۴. تلخیص ذهبی ج۳ ح ۵۸۰ ص ۱۵۴۶

۵- ۵. موضوع در پاورقی آمده: الحدیث صححه الحاکم _ المستدرک ج۳ ص ۱۴۹ ؛ تلخیص ذهبی ج۵ ص ۲۴۴۷ ح ۸۳۷

۶- ۶. ج۶ ص ۲۹۷ ح ۹۳۱۳

۷- ۷. کتاب المناقب و الفضائل مساله ۶۱۸۳ الحاشیه رقم ۶۱۸۳

بیتی امـان لاـ هل الارض فاذا ذهب اهل بیتی ذهب الارض(۱) باب ذکر انهم امان لامته محمدصـلی الله علیه واله علیه السـلام ؛ ذهبی درباره طبری گفته؛ شـیخ الحرم، الفقیه، الزاهـد، المحـدث و کان شـیخ الشافعه و محدث الحجاز(۲) حـدیث امان را نقل کرده و یکی روای آنرا متروک خوانده _ النجوم جعلت اماناً لاهل السماء و ان اهل بیتی امان لامتی؛ رواه الطبرانی و فیه موسی بن عنیـده الزبـدی و هـو مـتروک ابن حجر در صواعق المحرقه آیه ۷ ذیل آیه ۳۳ سوره انفـال این حـدیث را نقل کرده و می نویسـد: جمـاعتی به اسـناد ضـعیف این حـدیث را نقل کرده انـد و حاکم نیشابوری در صـحیح خود آنرا نقل کرده و این طرق مختلف و نقل زیاد این روایت باعث می شود این حـدیث تقویت شود . احمد حنبل در کتاب فضائل الصـحابه (۳) این حدیث را در بـاب فضایـل و منـاقب اهـل بیت رسـالت نقـل کرده ولی محقق کتـاب آنرا موضوع و جعلی دانسـته _ النجوم امـان لاهل السـماء اذا ذهبت النجوم ذهب اهل السماء و اهل بیتی امان لاهل الارض فاذا ذهب اهل بیتی ذهب الارض؛ جالب است سیوطی در کتـاب الجـامع الصـغیر با تحقیق آلبانی این حـدیث را نقل کرده با این تفاوت که اصـحاب و یاران پیامبر اکرم امان و امنیت برای اهل زمین هسـتند و آلبانی آنرا حدیث حسن و صـحیح دانسـته ما از آلبانی و سـیوطی سوال می کنیم؛ چگونه اصـحاب و یاران پیامبر امان برای امت هستند و با اینکه خودشان از دنیا رفته اند پس معلوم می شود؛ حدیث امان درباره اهل بیت صحیح و معقول هست؛ النجوم امنه للسـماء فاذا ذهبت النجوم اتی السـماء ما توعدوانا امنه لاصحابی فاذا ذهبت اتی اصحابی مایوعدون و اصـحابی امنه لامتی؛ فاذا ذهب اصـحابی اتی امتی ما یوعـدون(۴) می نویسـد: ابن شـیبه و مسدد در کتابهای مسـند خویش و حـاکم در مسـتدرک و حکیم ترمزی در نـوادر الاـصول و ابویعلی و طـبرانی از سـلمه ابن اکوع نقـل کرده انـد که پیـامبر اکرم فرمود: ستارگان

۱- ۱. نظم در رالسمطین زرندی حنفی ج۱ ص ۲۳۴؛ فرائد السمطین جوینی شافعی ح ۵۱۵ الباب السابع و الاربعون ؛ طبری در ذخائر العقبی ص ۴۹ حدیث امان را نقل کرده و رد نکرده

۲- ۲. هیثمی در مجمع الزوائد ج۹ ص ۱۹۸ ح ۱۵۰۲۵

۳- ۳. ج ۲ ح ۱۱۴۵ ص ۶۷۱

۴- ۴. کتاب مختصر الجامع الصغیر سیوطی با تحقیق آلبانی ص ۳۶۳ ح ۴۹۲۱ ش ۶۸۰۳ سیوطی در کتاب احیاء المیت ح ۲۱

امان آسمانیان و اهل بیت من امان امتم می باشند؛ علوی حضرمی در رشفه الصادی (۱) این حدیث را در باب مخصوص نقل کرده _ اهل بیتی امان لاهل الارض کما ان النجوم امان لاهل السماء؛ النجوم امان لاهل السماء و اهل بیتی امان لاهل الارض فاذا ذهب اهل بیتی جاء الارض من الایات ما کانوا یوعدون (۲) حدیث امان را درباره صحابه نقل کره است(۳) فی ان النجوم امان لاهل السماء و اهل بیتی امان لامتی(۴) حدیث نجوم درباره اصحاب نقل کرده؛ جالب است حدیث امان را هم درباره قریش نقل کرده و گفته قریش اهل خدا هستند و امان برای امت هستند _ امان الارض من الغرق القوس و امان امتی من الاختلاف الموالاه لقریش؛ قریش اهل الله؛ ثلاثاً(۵) حدیث امان را درباره اهل بیت نقل کرده(۶) ؛ شرح صحیح مسلم؛ ابوذکریا النووی کتاب فضائل الصحابه و معنی الحدیث ان النجوم مادامت باقیه و فالسماء باقیه فاذا انکدرت النجوم و تناثرت فی القیامه... فانفطرت و انشقت و ذهبت(۷) باب بیان ان بقاء النبی امان لاصحابه و بقاء اصحابه امان للا مه؛ مسلم در حاشیه رقم ۱: می نویسد: معنی حدیث نجوم این است که مادامی که ستاره در آسمان باقی است و کدر نشده و روز قیامت در او تاثیر نگذاشته ابن منظور الجزء الاول (امن)(۸)، ممکن

۱- ۱. ص ۱۳۱

۲- ۲. نهبانی در الفتح الکبیر فی ضم الزیاده الی الجامع الصغیر ج ۳ ص ۲۶۷ حرف النون ؛ متقی هندی در کنز العمال ج ۷ ص ۳۹۸ ح ۱۹۴۸۰ و ح ۱۹۴۸۱؛

۳- ۳. حکیم ترمذی در نوادر الاصول فی احادیث الرسول ج ۳ ص ۶۱ و ۶۲

۴- ۴.، طبرانی در معجم الاوسط ص ۳۶۰ ح ۷۴۶۷ و ۷۶۶۳؛ ح ۶۶۸۷ ح ۶۷۰۹

۵- ۵. طبرانی در معجم الکبیر ج۷ ص ۲۲

۶- ۶. مسند الرویانی ج ۲ ص ۲۵۴ معجم ابن الاعرابی؛ المطالب العالیه ابن حجر باب المناقب فضل اهل البیت تاریخ مدینه دمشق ج ۴۰ ص ۲۰ النصاح الکافیه محمد بن عقیل ص ۴۵؛ جواهر العقدین ص ۹۴؛ استجلاب ارتقاء الغرف سخاوی ج۲ ص ۴۷۷ ح ۲۱۱ ؛ جواهر البحار ج۱ ص ۳۶۱؛ اسعاف الراغبین در حاشیه نورالابصار ص ۱۲۸ کنوز الحقائق ص ۱۳۳ ؛ مرقاه المفاتیح ج۵ ص ۶۱۰

۷- ۷. ح ۲۵۳۱ ص ۶۶

۸- ۸. مسند احمد حنبل ج ۴ ص ۳۹۹ ح ۱۹۰۷۲؛ البحر الزخار (البزار) مساله الجزء الثامن ح ۳۱۰۲ فتح الباری شرح صحیح بخاری ابن حجر ح ۶۶۵۷؛ المصنف ابن ابی شیبه مساله الجزء السابع ح ۴۷۶۲ ص ۵۴۸ ؛ صحیح مسلم ح ۲۵۳۱ کتاب فضایل صحابه مساله ۴۵۹۶؛ التخلیص الحبیر مساله الجزء الرابع ح ۲۵۹۲ احمد بن علی محمد الکنانی (العسقلانی) کتاب القضاء ؛ امالی شجری ج۱ ص ۱۵۳؛ مقتل خوارزمی ج۱ ص ۱۰۸ ؛ الفردوس دیلمی ج ۴ ص ۳۱۱؛ مشارق الانوار ص ۱۰۹؛ کشف الخفاء ج۲ ص ۱۳۵؛ الفوائد المجموعه ص ۳۹۷

است علمای وهابی بگویند این حدیث شریف با آیه ۳۳ سوره مبارکه انفال؛ تضاد و مخالفت دارد پس این حدیث جعلی و مورد اشکال عمیق است؛ بالعکس علمای حدیث اهل سنت همین آیه ۳۳ سوره انفال دلیل بر صحت و درست بودن این حدیث شریف نقل کرده اند؛ مناوی (۱)در ذیل و شرح این حدیث می نویسد: و یحتمل ان المراد مطلق اهل بیته و هو الاظهر لانه سبحانه و تعالی لما خلق الدنیا لاجل المصطفی جعل دوامهابدولته ثم بدوام اهل بیته؛ احتمال دارد مراد و منظور مطلق اهل بیت در این حدیث این است که خداوند دنیا را برای حضرت محمد آفرید و خلق کرد؛ و دوام و پایداری دنیا را به سبب وجود مقدس پیامبر اکرم و اهل بیتش قرار داده، ابن حجر در صواعق المحرقه (۲) حدیث امان را نقل کرده و بعد می گوید: مراد و منظور این حدیث این است که خداوند دنیا را برای پیامبر آفرید و دوام آنرا به وجود پیامبر و دوام وجود اهل بیت قرار داده ؛

علامه سمهودی سنی در ذیل این روایت شریف می نویسد: اگر زمین از وجود مقدس اهل بیت پیامبر؛ خالی شود؛ کره زمین و اهل کره خاک، از بین می روند و نابود می شوند و این هنگام مرگ و مُردن حضرت مهدی است است که پیامبر اکرم خبر ظهور او را داده است ــ اذا خلت الاضـ منهم جاء اهل الارض من الایات ما کانوا یوعدون و ذهب اهل الارض و ذلک عند موت المهدی الذی اخبر به النبی ــ رشفه الصادی حضرمی (۳)می نویسد: آیه هفتم که خداوند در آیه ۳۳ سوره انفال می فرماید: خداوند شما را عذاب نمی کند تا مادامی که ای پیامبر تو در میان آنان هستی؛ و این آیه اشاره دارد به وجود مقدس اهل بیت پیامبر زیرا؛ آنان امان و امنیت برای اهل زمین هستند همانطور که پیامبر اکرم فرمود: من برای شما هستم و این در روایت زیاد آمده است؛ الایه السابعه قوله تعالی و ماکان الله لیعذبهم و انت فیهم اشاره صلی الله علیه و اله و سلم؟ الی وجود ذلک المعنی فی اهل بیته و انهم امان لاهل الارض کما کان هو صلی الله علیه و سلم امانا لهم و فی ذلک احادیث کثیره ....

۱- ۱. در فیض القدیر ج۶ ص ۲۹۷ ح ۹۳۱۳ باب حرف النون

۲- ۲. ص ۲۱۲ و ص ۲۱۳ آیه هفتم ذیل آیه ۳۳ سوره انفال

۳- ۳. ص ۷۸ و ص ۱۳۱ علوی حضرمی، ابن حجر در صواعق المحرقه ص ۲۱۲

علوی حضرمی سنی در رشفه الصادی (۱)درباره معنا و تفسیر این حدیث می نویسد، احتمال دارد منظور این حدیث که پیامبر اکرم فرمود: اهل بیت من امان برای امتم هستند این باشد که چون، خداوند، دنیا را برای پیامبر آفریده و دوام و برقراری دنیا به سبب وجود پیامبر و اهل بیتش است؛ چون فخر رازی گفته؛ اهل بیت با پیامبر در ۵ چیز، شریک هستند و خداوند در سوره انفال آیه ۳۳ فرمود: ای پیامبر تا تو در میان آنان هستی؛ خداوند آنان را عذاب نمی کند؛ و وجود اهل بیت همانند وجود پیامبر می باشد برای امت؛ چون پیامبر اکرم فرمود: خدایا من از اهل بیت هستم و اهل بیت از من هستند؛ و قد قال الله و ما کان الله لیعذبهم و انت فیهم فالحق الله وجود اهل بیته نبیه فی الامه بوجوده فجعلهم امانا کما سبق من قوله صلی الله علیه و اله و سلم انهم منی و انامنهم .... ترمزی در نوادر الاصول فی احادیث الرسول (۲)در ذیل تفسیر حدیث امان (نجوم) می نویسد همانا اهل بیت پیامبر؛ امان برای این امت هستند و اگر اهل بیت روی زمین نباشند و بمیرند؛ زمین فاسد و خراب می شود و این قول شریف خداوند در قرآن است ـ فهولاء اهل بیت امان هذه الامه فاذا؛ ماتو فسدت الارض و خربت الدنیا ولولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لفسدت الارض (۳)روایات زیبایی در این رابطه در منابع شیعه و سنی نقل شده که خدمت موافق و مخالف عرضه می شود؛ حضرت مهدی فرمود: من امان برای اهل زمین هستم همانطور که ؛ستارگان امان برای اهل آسمان هستند ـ انی امان لاهل الارض کما ان النجوم امان لاهل السماء(۴) اهل بیتی امان الارض فاذا اهلک اهل بیتی جاء الارض من الایات ما کانوا یوعدون ـ معجم الاحادیث امام مهدی(۵) امام سجاد فرمود: ما برای اهل زمین امان هستیم همانطور که ستارگان امان هستند برای اهل آسمان و اگر ما روی زمین نباشیم زمین نابود می شود ـ و نحن امان لاهل الارض کما ان

۱- ۱. ص ۱۳۱ و ص۱۳۲

۲- ۲. ج ۳ ص ۶۱ و ص۶۲

۳- ۳. سوره بقره آیه ۲۵۱

۴- ۴. بحار الانوار ج ۷۸ ص ۳۸۰

۵- ۵. ج ۵ ص ۷۴

النجوم امان لاهل السماء ... و لو لا مافی الارض منالساخت باهلها(۱) امام صادق از قول پیامبر فرمود: همانا خداوند قرار داد؛ اهل بیت من را امان برای امتم و اگر اهل بیتم از بین روند وعده الهی (قیامت) به وقوع می پیوندد ــ جعل اهل بیتی امان لامتی فاذا اذهب اهل بیتی جاء امتی ما کانوا یوعدون(۲) در روایات شریف اهل تشیع آمده؛ یک لحظه امام معصوم روی زمین نباشد؛ زمین اهلش را فرو می برد و همانند موج دریا به اضطراب و لرزش شدید می آید؛ ولو خلت یوماً بغیر حجه لماجت باهلها کما یموج البحر باهله(۳) لوخلت طرفه عین لساخت باهلها(۴) لو بقیت الارض یوماً بلا امام منا لساخت باهلها و لعذبهم الله باشد عذابه(۵) در روایت دارد اگر امام معصوم از اهل بیت روی زمین نباشد؛ زمین تمام محتویاتش را بیرون می ریزد ــ لولاـ من علی الارض من حجج الله لنفضت الارض ما فیها والقت ما علیها (۶) لو ان الامام رفع من الارض ساعه ... لما جت الارض باهلها کما یموج البحر باهله (۷) لبقاء العالم علی صلاحه و ذلک ان الله عزوجل یرفع العذاب عن اهل الارض اذا کان فیهم نبی او امام قال الله عزوجل و ما کان الله لیعذبهم و انت فیهم ــ پیامبر اکرم به مولا علی فرمود: من و تو و ۱۱ فرزندم (یعنی ائمه) به منزله و همانند لنگرهای زمین و میخ ها و کوه های زمین هستیم که خداوند بوسیله ما؛ زمین را استوار کرده و هنگامی که ۱۲ امام از بین روند؛ زمین اهلش را فرو می برد ــ انی واحد عشر من ولدی و انت یا علی زر الارض؛ اعنی اودتادها و جبالها ــ بنااوتدالله الارض ان تسیخ باهلها فاذا ذهب الاثناعشر من ولدی ساخت الارض باهلها(۸) پیامبر اکرم فرمود: دین اسلام از بین نمی رود تا اینکه ۱۲ نفر از قریش بیایند و زمانی که این ۱۲ نفر از بین رفتند زمین نابود می شود ــ لن یزال هذا الدین قائماً الی اثنا عشر من قریش فاذا مضوا

۱- ۱. فرائد السمطین ج۱ ص ۴۵ . اکمال الدین ج ۱ ص ۲۰۷، بحار الانوار ج۲ ص ۳۱۷

۲- ۲. اکمال الدین ج۲ ص ۲۰۲

۳- ۳. اکمال الدین ج ۲ ص ۲۰۲

۴- ۴. اکمال الدین ج۱ ص ۲۰۴

۵- ۵. اکمال الدین ج۱ ص ۲۰۴

۶- ۶. اکمال الدین ج۱ ص ۲۰۲

۷- ۷. غیبت نعمانی ص ۱۹

۸- ۸. غیبت طوسی ص ۱۳۹ بحار ج ۳۶ ص ۲۰۹

ساخت الارض باهلها(۱) پیامبر اکرم فرمود: ۱۲ نفر به عدد نقبای موسی بعد از من می آیند و مهدی از میان امت از آنان است؛ زمین از آنان خالی نمی شود مگر اینکه زمین نابود می شود. _ اثنا عشر عدد نقباء بنی اسرائیل و منا مهدی هذه الامه ...

لا یخلوا الارض منهم الاساخت باهلها (۲) پیامبر اکرم فرمود: من از میان شما می روم ولی ۲ چیز گرانبها برایتان باقی می گذارم اول؛ کتاب خدا(قرآن) و عترت از اهل بیتم؛ زمین از وجود آنان خالی نمی شود مگر اینکه زمین و اهل زمین نابود و متلاشی می شوند

انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی .... لا تخلوا الارض منهم و لو خلت اذا لساخت باهلها(۳) پیامبر اکرم فرمود: این دین اسلام از بین نمی رود مگر اینکه ۱۲ نفر از قریش بیایند و زمانی که این ۱۲ نفر از بین رفتند؛ زمین و اهل زمین نابود می شوند

لن یزال هذا الدین قائماً اثنی عشر من قریش فاذا هلکوا ماجت الارض باهلها(۴) امام صادق فرمود: اگر حجت الهی (امام معصوم) روی زمین نباشد؛ زمین نابود می شود.

لو لا الحجه لساخت الارض باهلها (۵) لو بقیت الارض بغیر امام لساخت(۶) اهل بیتی کالنجوم پیامبر اکرم فرمود: اهل بیت من همانند ستارگان هستند (۷) پیامبر اکرم به مولا علی فرمود: همانا خداوند ما را همانند ستارگان قرار داده که اگر ستاره ای غروب کرد؛ ستاره دیگر طلوع می کند

قد خلقنا بمنزله النجم کلما غرب نجم طلع نجم آخر (۸)؛ مولا علی می فرماید: آگاه باشید همانا مثال وجود اهل بیت و آل محمد همانند ستارگان آسمان هست؛ زمانی

۱- ۱. اعلام الوری ص۳۶۴

۲- ۲. کفایه الاثر ص ۸۹

۳- ۳. کفایه الاثر ص ۱۶۳ ینابیع الموده ج۱ ص ۷۴

۴- ۴. کنز العمال هندی ج ۱۲ ص ۳۴ ح ۳۳۸۶۱

۵- ۵. اصول کافی ج۱ ص ۱۳۷ح۱۰

۶- ۶. اصول کافی ج۱ ص ۱۳۷

۷- ۷. مستدرک حاکم ج۳ ص ۱۴۹

۸- ۸. بحار الانوار ج۲۴ باب ۳۰

که ستاره ای غروب؛ ستاره دیگر طلوع می کند؛ یعنی امامت در اهل بیت تا قیامت استقرار دارد و زمین از وجود مقدس آنان خالی نیست.

الا ان مثل آل محمد کمثل نجوم السماء اذا خوی نجم طلع نجم (۱) مولا علی فرمود: من و اهل بیتم (ائمه هدی امان برای اهل زمین هستیم همانطور که ستارگان امان برای اهل آسمان هستند؛

انا و اهل بیتی امان لا-هل الارض کما ان النجوم امان لاهل السماء (۲) آلوسی مفسر معروف اهل سنت (۳)می نویسد. این خلافت الهی همواره در انسان کامل تا قیام قیامت ثابت است؛ اگر انسان کامل از بین برود؛ عالم نابود می شود؛ یعنی هستی عالم وابسته بوجود انسان کامل است؛ انسان کامل روح عالم هستی است که قوام و پایداری عالم هستی به او بستگی دارد و او پایه معنوی برای آسمان و دنیا است؛ انسان کامل اسم جامع الهی در آن تجلی کرده؛ این انسان کامل؛ خلافت الهی به تن کرده و تدبیر عالم بدست اوست به اذن الهی،

و لم تزل تلک الخلافه فی الانسان الکامل الی قیام الساعه و ساعه القیام بل متی فارق هذا الانسان العالم مات العالم لانه الروح الذی به قوامه فهو العماد المعنوی للسماء و الدار الدنیا جارحه من جوارح جسد العالم الذی الانسان روحه و لما کان هذا الاسم الجامع قابل الحضرتین بذاته صحت له الخلافه و تدبیر العالم

جابر بن یزید جعفی می گوید از امام باقر سوال کردم برای چه به پیامبر و امام نیاز هست؟ حضرت فرمود: برای اینکه عالم بر صلاح باقی باشد چه آنکه خداوند عزوجل تا مادامی که نبّی یا امام در بین مردم می باشند عذاب را از اهل زمین بر می دارد و شاهد بر این کلام فرموده خداوند در آیه ۳۳ سوره انفال است؛ و رسول خدا فرمود: ستارگان امان برای اهل آسمان بوده و اهل بیت من امان برای اهل زمین هستند؛ هنگامی که ستارگان زائل شوند به اهل آسمان مکروه وارد آید و زمانی که اهل بیت من نباشند به اهل زمین مکروه متوجه می گردد مقصود از اهل بیت پیامبر ائمه ۱۲ گانه شیعه هستند که حق تعالی طاعت ایشان را مقرون با طاعت خدا و پیامبرش قرار

ص:۲۰۷

۱- ۱. خطبه ۱۰۰ نهج البلاغه ش ۳ ص ۱۸۶ ترجمه محمد دشتی
۲- ۲. فرر الحکم ص ۳۰۴ ح ۳۷۶۵ پرتوی از امامت در قرآن و سنت ص ۲۱۹ ح۶۴، نوشته مداح ابن مالک
۳- ۳. در روح المعانی ج۱ ص ۲۲۰

داده و فرموده از صاحبان امر اطاعت کنید و مقصود از صاحبان امر، ائمه هدی و معصومین بوده که از هر آلودگی پاک هستند و هیچ گاه مرتکب گناه نمی شوند؛ بواسطه ایشان بندگان روزی خورده و بلادشان آباد گشته و قطرات باران از آسمان می بارد؛ و نیز ایشان واسطه روییدن و خارج شدن برکات از زمین هستند و به برکت ایشان خدا به اهل معاصی مهلت داده و در عقوبتشان عجله نمی کند، روح القدس (جبرئیل امین) از ایشان جدا نمی شود و ایشان از او مفارقت نمی کنند از قرآن جدا نبوده و قرآن نیز از آنان جدا نمی باشد (۱)

و قال النبی: النجوم امان لاهل السماء و اهل بیتی امان لاهل الارض؛ فاذا ذهبت النجوم اتی اهل السماء مایکرهون و اذ ذهب اهل بیتی اتی اهل الارض مایکرهون؛ یعنی باهل بیته الائمه الذین قرن الله طاعتهم بطاعته ... بهم یرزق الله عباده و بهم تعمر بلاده و بهم ینزل القطر من السماء و بهم یخرج برکات الارض و بهم یمهل اهل المعاصی ولا یعجل علیهم بالعقوبه و العذاب .... (۲) ا

اگر وهابیت به این روایت اشکال بگیرد که خداوند بواسطه اهل بیت به ما روزی می دهد و زمین را از بلاء و فناء حفظ می کند شرک و کفر است؛ در خودِ منابع روایی اهل سنت آمده که ۴۰ نفر یا ۳۰ نفر به اختلاف روایات مردانی بنام ابدال روی زمین هستند که خداوند بواسطه آنان باران نازل می کند و بوسیله آنان دشمنان اسلام را نابود می کند و بوسیله آنان بلاء و نابودی را از اهل زمین برمی دارد و بعضی از علمای وهابی این حدیث را صحیح می دانند؛ ابن عساکر در کتاب تاریخ مدینه دمشق باب ابدال

ان الابدال بالشام یکونون و هم اربعون رجلاً بهم تسقون الغیث و بهم تنصرون علی اعدائکم و یصرف عن اهل الارض البلاء و الغرق؛ حدیث ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، و یصرف بهم عن الارض البلاء ... ثلاثون رجلاً علی مثل یقین ابراهیم خلیل الرحمن یدفع الله بهم المکاره عن اهل الارض و البلایا عن الناس

(۳)، مفسر نامی اهل سنت امام قرطبی می نویسد: ۳۰ مرد هستند روی زمین که

۱- ۱. علل شرایع شیخ صدوق ج۱ ص ۴۲۴باب ۱۰۳ ــ سر احتیاج به پیامبر و امام ح ۱

۲- ۲. امالی صدوق ص ۱۸۶، طرائف سید ابن طاوس ص ۲۹۳

۳- ۳. جامع الاحکام القرآن قرطبی ج۴ ص ۲۵۰

قلب و روحشان همانند یقین و ایمان حضرت ابراهیم هست و خداوند بواسطه آنان بلاء را از اهل زمین دور می کند؛ بهم یدفع البلاء عن هذه الامه(۱) سیوطی (۲)می گوید: رجال و راویان حدیث ابدال؛ صحیح هستند؛ و ابدال از این امت زائل نمی شود آنان ۳۰ نفر می باشند، قوام و پایداری کره خاک، به آنان هست ـ لایزال الابدال فی امتی ثلاثون بهم تقوم الارض؛ فهو من الابدال الذین بهم قوام الدنیا و اهلها.(۳)

گر ابدال روی زمین نباشند اهل زمین نابود می شوند و روز قیامت به پا می شود؛

لو لا ذلک هلکت الارض و من علیها؛ فاذا جاء الامر قبضوا کلهم فعند ذلک تقوم الساعه ح ۶۱۸؛ تاریخ مدینه دمشق طبق تفسیر آیه ۳۳ سوره انفال و حدیث نجوم که از مفسران و محدثان اهل سنت خدمت شما ارائه شد؛

یکی از فضایل بی نظیر مولا علی بر پیامبران بغیر از رسول اسلام؛ این آیه مذکور و حدیث امان است؛ که خداوند، دنیا را بخاطر وجود مقدس پیامبر و ائمه هدی آفریده و دوام دنیا را به سبب وجود اقدس آنان قرار داده؛ وقتی که تمام موجودات

۱- ۱. مرقاه المفاتیح ج۱۱ ص ۴۰۹

۲- ۲. در الحاوی للفتاوی ص ۲۴۲ باب الخبر الدال علی وجود القطب و الاوتاد و النجباء و الابدال

۳- ۳. الحاوی للفتاوی ج ۲ ص ۲۴۶ و ص ۲۴۸؛ هیثمی در مجمع الزوائد ج۱۰ ص ۶۳ سند ورجال ابدال را صحیح و حسن دانسته ـ اسناده حسن ح ۱۶۶۷۴ رواه احمد و رجاله رجال صحیح ش ۱۶۶۷۲حاکم نیشابوری در مستدرک ج۴ ص ۵۵۳ ح۸۷۰۱ مساله ۳۵۸۲ ص ۵۹۶۱ حدیث ابدال را صحیح دانسته است فلا تسبوا اهل الشام ... فان فیهم الابدال ـ هذا حدیث صحیح الاسناد؛ سیوطی در النکت البدیعات ص ۲۴۰ خبر و حدیث ابدال را صحیح دانسته؛ خبر الابدال صحیح؛ امام احمد حنبل آنرا در مسندش نقل کرده و آنرا صحیح دانسته؛ و هو حدیث صحیح ثابت؛ فضایل الصحابه ج ۲ ص ۹۰۵ مسند العشره العشرین بالجنه ـ علی ابن ابی طالب ح ۸۹۸ ج۱ مسند احمد ص ۱۱۲؛ شوکانی وهابی در الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه ج۱ ص ۲۴۹؛ آنرا حدیث صحیح، حسن ص ۲۴۷؛ ابن تیمیه ناصبی در مجموعه الفتاوی ج۱۱ ص ۴۳۳؛ حدیث ابدال را رد می کند و در ج ۳ ص ۱۵۹ آنرا تائید می کند ـ و فیهم ابدال الائمه الذین اجمع المسلمون علی هدایتهم و درایتهم؛ شرح العقیده الواسطیه ابن تیمیه ص ۲۰۲ و فیهم الابدال و هم الاولیاء و العباد؛ حدیث ابدال در منابع روایی و تاریخی اهل سنت به کثرت نقل شده ـ الخلال احمد حنبل ج۱ ص ۱۱۲، معجم الکبیر طبرانی ج۱۸ ص ۶۵ ح ۱۲۰؛ الکامل ابن عدی ج۵ ص ۱۸۶۲؛ الفردوس ج۲ ص ۳۶؛ تهذیب ابن عساکر ج۱ ص ۶۰؛ کنزالعمال ج۱۲ ص ۱۸۶ فیض القدیر ج۳ ص ۱۶۸؛ مقاصد الحسنه سخاوی ج۱ ص ۹؛ تلخیص ذهبی ج۴ ص ۵۹۶؛ عمده القاری ج۱۳ص۱۲۳؛ حلیه الاولیاء ج۱۰ ص ۳۰۵؛ نوادر الاصول ج۱ ص ۲۰۹؛ مسائل الامام ابن باز ص ۴۹؛ الدرر السینه ج۱ ص ۱۷ لسان المیزان ج۳ ص ۵۵۳ تاریخ الکبیر بخاری ج۷ قسم اول جزء رابع ص ۱۲۷ ش ۵۷۲؛ سلسه الاحادیث صحیحه آلبانی ص ۵۵۲؛ المزی در تهذیب الکمال ج۲۳ ص ۱۷۳؛ مجالس قطب الارشاد محمد عمر سربازی ج ۱ ص ص ۲۶۱ مجلس ۲۱؛ الجامع الصغیر ج۲ ص ۳۰۲، الدر المنثور ج۱ ص ۷۶۶؛ سبل الهدی و الرشاد ج۱ ص ۱۲۵۶

خصوصاً پیامبران بغیر از پیامبر اسلام؛ بخاطر ائمه هدی وجود پیدا کرده اند و به دنیا آمده اند چگونه آنان بر ۱۴ نور مقدس الهی برتری دارند؟!!

الابدال فی امتی ثلاثون بهم تقوم الارض و بهم تمطرون و بهم تنصرون(۱) پس آن اهل بیتی که الان روی زمین هست و به سبب وجود مقدس و مبارک او؛ خداوند زمین و اهل زمین را نابود نمی کند کیست؟ به عقیده ما و لفظ روایات سنی و شیعه؛ آن شخص حضرت مهدی امام زمان است چرا؟ چون پیامبر در خطبه غدیر خم و حدیث ثقلین و در معرفی ۱۲ امام فرمود مهدی از اهل بیت و از فرزندان من و از فرزندان حضرت فاطمه است

المهدی من ولد فاطمه(۲) المهدی من عترتی من ولد فاطمه _ المهدی منا اهل بیت _ (۳)؛ مسند العشره العشیرون بالجنه؛ المهدی من عترتی من ولد فاطمه (۴)

ابن حجر در این زمینه نکات لطیفی نقل کرده در اثبات وجود مقدس اهل بیت در حدیث ثقلین؛ در احادیثی که به پیروی از اهل بیت اشاره دارد این نکته قابل توجه است که تمسک فرد به اهل بیت بایستی تا روز قیامت باشد؛ همانگونه که قرآن عزیز است و به این سبب آنها (اهل بیت) به عنوان هدیه و آرامش هستند بر روی زمین ؛همانگونه که خبر قبلی آنرا تایید می کند که در هر زمان فرزندی از اهل بیت من است و اینکه شایسته ترین فرد امام و پیشوای آنان علی ابن ابی طالب است؛ ابوبکر گفت در مورد عترت پیامبر کسانی که تاکید شده است بر پیروی از آنان و آن فردی

۱- ۱. جامع الصغیر ج۱ ص ۲۱۲

۲- ۲. کتب تخریج الحدیث آلبانی (صحیح) رقم الحدیث ۲۳۰۱ نص الحدیث ۴۰۷۶ صحیح الجامع آلبانی رقم الحدیث _ مستدرک حاکم (کتاب الفتن و الملاحم) ح ۸۶۷۰ هذا حدیث صحیح؛

۳- ۳. مسند احمد ح ۶۱۰

۴- ۴. الجامع الصغیر سیوطی ج ۲ ص ۶۷۲ ح ۹۲۴۱؛ المهدی منا اهل البیت ح ۹۲۴۳؛ المهدی منی ح ۹۲۴۴، الجامع الصغیر سیوطی ج۲ ص ۶۷۲ ح ۹۲۴۱؛ المهدی منا اهل البیت ح ۹۲۴۳؛ المهدی منی ح ۹۲۴۴، المهدی رجل من ولدی ح ۹۲۴۵؛ الدر المنثور ج۶ ص ۵۸ کتاب الفتن ابن ماجه _ خروج المهدی ح ۴۰۷۵ یسنن ابی داود باب المهدی ح ۳۷۳۶؛ ابشر و بالمهدی رجل من قریش من عترتی _ کنزالعمال ج ۱۴ ص ۲۶۱ الی ص ۲۶۳ ح ۳۸۶۸۲؛ طبقات المحدثین باصبهان _ المهدی منا اهل البیت _ الطبقه الثالثه ش ۱۱۹ باب الالف ش ۵۸۱، مسند البزار ح ۵۸۵؛ سبل الهدی و الرشاد ج ۱۰ ص ۱۷۱؛ خلاصه این روایت و مشابه آن در ۲۴۶مصدر روایی اهل سنت و وهابیت آمده است؛

را که در روز غدیر خم مشخص کرد

و فی احادیث الحث علی التمسک باهل البیت اشاره الی عدم انقطاع متاهل منهم للتمسک به الی یوم القیامه کما ان الکتاب العزیز کذلک و لهذا کانوا اماناً لاهل الارض کما یاتی و یشهد لذلک الخبر السابق فی کل خلف من امتی عدول من اهل بیتی الی آخره

ثم احق من یتمسک به منهم امامهم و عالمهم علی ابن ابی طالب کرم الله وجهه .... ثم قال ابوبکر علی عتره رسول الله ای الذین حث علی التمسک بهم فخصه لما قلنا و لذلک خصه بمامر یوم غدیر خم(۱) یکی از روشن ترین پیام های حدیث ثقلین؛ بقای اهل بیت است؛ زیرا اگر اهل بیت پیامبر تا قیامت باقی خواهد ماند یکی از امامان اهل بیت نیز تا قیامت حیات خواهد داشت و در کنار قرآن خواهد بود؛ پیامبر اکرم و مولاعلی؛ حدیث ثقلین را برای ما معنا و تفسیر کرده اند؛ پیامبر اکرم فرمود: ای مردم علی و اولاد معصومش ثقل اصغرند و قرآن مجید ثقل اکبر است و هر کدام از آن دو موید و موافق دیگری خواهد بود و هرگز از همدیگر جدا نخواهند شد تا روز قیامت کنار حوض کوثر بمن برسند

معاشر الناس: ان علیاً والطیبین من ولدی هم الثقل الاصغر و القرآن الثقل الاکبر فکل واحد منبی عن صاحبه و موافق له، لن یفترقا حتی یردا علی الحوض(۲) اهل بیت از دیدگاه قرآن و سنت نوشته مداح ابن مالک(۳)؛ از مولا علی سوال شد منظور از حدیث ثقلین چیست؟ حضرت فرمود: من و امام حسن و امام حسین و ۹ نفر از ائمه هدی از صلب امام حسین

قال؛ سئل امیرالمومنین عن معنی قول رسول الله انی مخلف فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی من العتره فقال: انا و الحسن و الحسین و الائمه التسعه من ولدالحسین تاسعهم مهدیهم و قائمهم؛ مولا علی فرمود: نهمین فرزند از صلب حسین که جزء ثقلین است؛ حضرت مهدی قائم می باشد؛ (۴) ترمذی می گوید: منظور پیامبر؛ درباره چنگ زدن در حدیث ثقلین؛ امامان از اهل بیت است نه غیر آن

ص:۲۱۱

۱- ۱. صواعق المحرقه ص ۹۰

۲- ۲. احتجاج طبرسی ج۱ ص ۱۳۱

۳- ۳. ص ۴۸ و ص۴۹

۴- ۴. عیون الاخبار ــ شیخ صدوق ج۱ ص ۴۶ باب ۶ ح ۲۵؛ اهل بیت و آل محمد از دیدگاه قرآن نوشته ابن مالک ص ۵۲ و ص ۵۳

واقع علی الائمه منهم الساده لاعلی غیرهم (۱) پس یکی از فضایل بی نظیر مولا علی بر پیامبران بغیر از رسول اسلام خلق شدن موجودات و عالم هستی بخاطر وجود اقدس و مبارک آنان است و پایداری و حفظ عالم هستی هم بوجود مقدس آنان است؛ که این حدیث نجوم و آیه ۳۳ سوره انفال و حدیث ثقلین وجود مقدس امام زمان حضرت مهدی را ثابت می کند؛ ابوهریره از پیامبر اکرم نقل کرده که فرمود: زمانی که خداوند؛ حضرت آدم را آفرید به او فرمود: اگر محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین نبودند تو را و نه بهشت و نه جهنم و نه عرش، نه کرسی نه آسمان و نه زمین، و نه ملائکه و نه جن و انس را خلق نمی کردم

لولا هم ما خلقتک ... لو لا هم ما خلقت الجنه و لا النار و لا العرش و لا الکرسی و لا السماء و لا الارض و لا الملائکه و لا الجن و لا الانس ... (۲)؛ قال رسول الله، لما ان خلق الله آدم و نفخ فیه من روحه عطس آدم فقال: الحمد لله فاوحی الله تعالی الیه: حمدنی عبدی و عزتی وجلالی. لو لا عبد ان ارید ان اخلقهما فی دارالدنیا ما خلقتک قال الهی فیکونان منی؟ قال: نعم یا آدم ارفع راسک و انظر فرفع راسه فاذا هو مکتوب علی العرش: لا اله الا الله محمد رسول الله نبی الرحمه، علی مقیم الجنه.... (۳) ممکن است جناب وهابی نادان بگوید؛ خداوند در قرآن آیه ۳۲ سوره عنکبوت می فرماید: ما حضرت لوط و قوم با ایمانش را از عذاب که می خواست بر زمین نازل شود نجات دادیم و هر جا که پیامبران الهی باشند؛ خداوند آنجا را مورد نزول عذاب قرار نمی دهد برای اینکه پیامبرش و اهل ایمان آنجا هستند

قالوا انا مهلکوا اهل هذه القریه ان اهلها کانوا ظالمین قال ان فیها لوطاً قالوا نحن اعلم بمن فیها لننجینه و اهله الا امراته کانت من الغابرین؛

یا اینکه خداوند در سوره قصص آیه ۵۹ می فرماید ما؛ قریه و شهری را نابود و هلاک نمی کنیم مگر اینکه در میان آنان پیامبران را مبعوث کردیم که آیات ما را بر آنان تلاوت کنند؛ در این (۲) آیه شریفه که ذکر شد همه بحث منطقه و شهر و قریه است و از آیات و روایات که حقیر در ذیل آیه ۳۳ سوره انفال و حدیث نجوم و حدیث

۱- ۱. نوادر الاصول ج۱ ص ۲۵۴

۲- ۲. فرائد السمطین ج۱ ص ۳۶ و ص ۳۷

۳- ۳. مناقب اخطب خوارزمی حنفی ح ۳۲۰ ص ۳۱۸

ابـدال در الزام خصم آوردم بحث حفظ کل عالم هستی به برکت وجود پیامبر و خلفای پیامبر که مولا علی و ۱۱ فرزند خلفش باشـد مورد نظر و ذکر است نه یـک منطقه و یـک شـهر یـا شایـد وهـابی ها؛ (۲) سوال و شـبهه در اینجا مطرح کننـد بگوینـد؛ خداونـد؛ دنیـا و خلائق را برای عبادت خودش؛ خلق فرمود بخاطر اشـخاص شـریف مثل ۱۴ نور مقـدس الهی نیافریده زیرا در سوره الذاریات آیه ۵۶ می فرماید: ما جن و انس را نیافریدیم مگر برای عبادت؛ و ما خلقت الجن و الانس الا لیعبدون؛ و شبهه دوم که وهـابی هـا، امکان دارد مطرح کننـد علیه ادله ما؛ این است که؛ چون پیامبران در دنیا بودنـد و مامور تبلیغ الهی بودنـد؛ خداونـد کـل اهل زمین را نابود نمی کنـد و در اجل موعود که قیامت می شود اهل زمین نابود می گردنـد؛ اما پاسـخ به شـبهه اول: در حدیث قدسی آمده ای بشر من دنیا را برای تو آفریدم ولی تو را برای خودم آفریدم

خلقت الاشیاء لاجلی و خلقت لاجلک

ابن تیمیه ملعون ناصبی (۱)می نویسـد: پیـامبر اسـلام خاتم مخلوقات و جامع و کامل مخلوقات است و از تمام مخلوقات برتر و فاضـل است بطور مطلق و همیشـگی؛ محمـد صـلی الله علیه و سـلم، انسـانی که چشم عـالم هستی است و قطب این چرخ گیتی است و او آخرین هـدف و غایت مخلوقات و سـبب ایجاد مخلوقات است؛ یعنی خداونـد به سبب و به احترام او؛ عالم را ایجاد کرده

فـاذا کـان الانسـان هو خاتم المخلوقات و آخرها و هو الجامع لما فیها و فاضـله هو فاضل المخلوقات مطلقاً و محمـد انسان هـذا العین و قطب هذه الرحی، و اقسام هذا الجمع کان کانها غایه الغایات فی المخلوقات؛ فما ینکران یقال؛ انه لاجله خلقت جمیعاً و انه لولاه لما خلقت، فاذا فسـر هذا الکلام و نحوه بما یدل علیه الکتاب و السـنه قبل ذلک(۲)؛ قرآن کریم در سوره بقره آیه ۲۹ می فرمایـد: اوست خـدایی که خلق کرد تمـام زمین را برای شـما؛ هو الـذی خلق لکم مـا فی الاـرض جمیعا؛ و در سوره جاثیه آیات ۱۲ و ۱۳ می فرماید: اوست خدایی که دریاها و آنچه در زمین و آسـمان است مسخر شما کرد و در سوره نباء آیه ۷ می فرماید: ما کوه ها را همانند میخ برای عالم دنیا قرار دادیم در ذیل این آیه می گویند، اگر این کوه ها نبودند بر اثر حرکات

۱- ۱. در کتاب مجموعه الفتاوی خودش ج ۱۱ ص ۹۷ و ص ۹۸

۲- ۲. المنهج القوی ج۵ ص ۵۱۶، علم الیقین ج۱ ص ۳۸۱، المواعظ العددیه ص ۲۵۵ باب ۱۲

وضعی و انتقالی که کره زمین دارد زود نابود و متلاشی می شد و طبق روایات خصوصاً در منابع شیعه آمده؛ وجود ائمه هدی همانند وتد (یعنی کوه) برای اهل زمین و زمین از جهت معنوی است اگر امام و خلیفه خدا؛ روی زمین نباشد زمین و اهل زمین نابود می شوند و اهل بیت و ائمه ۱۲ گانه شیعه قبل از خلقت موجودات بوجود آمده اند و در صلب پیامبران بوده اند؛ اگر ابراهیم در آتش نسوخت به احترام وجود نوری محمد و آل محمد بود که در صلب او بودند؛ اگر نوح در کشتی با اهلش غرق نشد چون اهل بیت و امامان معصوم شیعه در صلب او بودند و ... در ضمن روایات صحیحی در منابع اهل سنت آمده که خداوند به حضرت آدم و حضرت عیسی وحی فرمود: اگر حضرت محمد صلی الله علیه و آله نبود دنیا و ما فیها را خلق نمی کردم شما را نمی آفریدم؛ حاکم نیشابوری در المستدرک ج۲ ص۶۱۳ ح ۴۱۵۹ش ۶۱۵؛ حدیث قدسی (بنقل از سایت وهابی مکتبه الاسلامیه اسلام ویب) خداوند به حضرت آدم فرمود: مرا بحق محبوبترین خلقم (یعنی حضرت محمد) خواندی همانا تو را بخشیدم و اگر بوجود محمد نبود تو را خلق نمی کردم

انه لاحب الخلق الی ادعنی بحقه فقد غفرت لک و لو لا محمد ما خلقتک؛

حاکم نیشابوری می نویسد: سند این روایت صحیح است؛ هذا حدیث صحیح الاسناد؛ سایر منابع روایی اهل سنت این روایت را نقل کرده اند(۱)و... حتی ابن تیمیه ناصبی؛ طراح افکار وهابی ها در مجموعه الفتاوی ج ۲ ص ۹۵و ص ۱۵۱ به نقل مکتبه اسلامیه؛ حدیث توسل حضرت آدم به ذات نوری پیامبر اسلام را؛ صحیح خوانده(۲) خداوند به عیسی فرمود: اگر به احترام وجود مقدس پیامبر اسلام نبود؛ آدم را نمی آفریدم و اگر به احترام وجود محمد نبود؛ بهشت و جهنم را خلق نمی کردم آقای وهابی؛ اگر خدا دنیا، بهشت، جهنم و بشر، ملاک و جن را آفریده که خدا را عبادت کنند به احترام ۱۴ نور مقدس الهی بوده؛ اگر ۱۴ نور مقدس اهل بیت رسالت

---

۱ - ۱.. المعجم الاوسط ح ۶۶۷۶؛ المعجم الصغیرح ۹۹۰؛ ؛ المعجم الصغیرح ۹۹۰؛ دلائل النبوه ح ۲۲۵۱، الشریعه للاجری ح۹۷۳ ؛ امالی ابی مطیع المصری ح۹ البدایه و النهایه ج۱ ص۹۱ ؛ مجمع الزوائد ج۸ ص۲۵۳؛ الدرالنثور ج۱ ص ۵۸ و ص ۶۰

۲- ۲. فهذا الحدیث یوید الذی قبله و هما کالتفسیر لاحادیث الصحیحه

نبودند؛ دنیا و هدف از خلقت دنیا و موجودات معنا نداشت؛ پیامبر اکرم فرمود: من اولین پیامبر در خلقت و آخرین آنان در بعثت بودم

انا اول الانبیاء فی الخلق و آخرهم فی البعث(۱)

پیامبر اکرم فرمود: من پیامبر بودم و آدم بین آب و گلِ بود (یعنی خلقتش کامل نشده بود) _ (۲)؛

کنت اول الانبیاء الناس فی الخلق و آخرهم فی البعث (۳)عن میسره الفخر قال قلت لرسول الله متی کنت نبیاً قال و آدم بین الروح و الجسد (۴) و هذا سند قوی ... تائید این حدیث شریف که پیامبر اکرم قبل از آفرینش آدم؛ پیامبر بوده آیه ۷ سوره احزاب است، و اذا اخذنا من النبین میثاقهم و منک ... امام قرطبی در تفسیرش ذیل این آیه شریفه از قول قتاده و ابوهریره از پیامبر اکرم نقل کرده که من اول موجود در خلق و آخرین در بعثت بودم

قال: کنت اولهم فی الخلق و آخرهم فی البعث؛ جامع الحکام القرآن مساله الجزء الرابع عشر؛ تفسیر ابن کثیر مساله الجزء السادس ذیل آیه _ قال النبی: کنت اول النبیین فی الخلق و آخرهم فی البعث(۵) ان نبی الله کان یقول: کنت اول الانبیاء فی الخلق و آخرهم فی البعث... (۶)؛ کنت اول الناس فی الخلق و آخرهم فی البعث(۷)؛ اما توضیح درباره اینکه وجود مقدس ائمه اطهار در روی زمین برای حفظ عالم هستی همانند و تد یعنی کوه ها است، مفسران اهل سنت قائلند در ذیل آیه هفتم سوره نباء و الجبلال اوتاداً؛ که خداوند کوه ها را همانند میخ محکم برای خیمه دنیا قرارا داده که اهل زمین با سکون و آرامش بر آن زندگی کنند

۱- ۱. الشفاء (قاضی عیاض سنی) ج۱ ص ۳۲ ؛ ینابیع الموده قندوزی حنفی ج۱ ص ۱۳۶.

۲- ۲. مناقب آل ابی طالب ج ۱ ص ۱۸۳

۳- ۳. کنز العمال ج۱۱ ص ۴۵۲؛ جامع الصغیر ج۲ ص ۱۶۲؛ طبقات الکبری ج۱ ص ۱۱۹؛ الفردوس دیلمی ج۳ ص ۲۸۲، الوفاء باحوال المصطفی ص ۳۶۱؛ خصائص الکبری ج۱ ص ۳.

۴- ۴. هذا حدیث صحیح الاسناد _ المستدرک ج۲ ص ۶۰۸؛ مجمع الزوائد ج۸ ص ۲۲۳؛ الدر المنثور ج۵ ص ۱۸۴، فتح القدیر ج۴ ص ۲۶۷؛ الاصابه ابن حجر ج ۶ ص ۱۸۹.

۵- ۵. تفسیر طبری ص ۲۱۳ مساله الجزء العشرون.

۶- ۶. تفسیر بغوی ص ۳۲۱ مساله الجزء السادس.

۷- ۷. طبقات الکبری ج۱ ص ۱۴۹؛ السنه الخلال ج۱ ص ۱۸۷.

قال قرطبی: و الجبال اوتاداً ای لتسکن و لاتنکفأ باهلها(۱) ای ثبتنا الارض بالجبال کما یثبت البیت بالاوتاد (۲)؛ امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند ما ائمه هدی، ارکان زمین قرار داده تا ساکنانش را نلرزاند

جعلهم الله ارکان الارض ان تمید باهلها ـ (۳)؛ پیامبر اکرم در توصیف ائمه هدی فرمود: یکی از خصائص ائمه هدی از اهل بیت من این است که به برکت وجود آنان ـ خداوند ـ زمین را از لرزش و نابودی حفظ می کند

و بهم یحفظ الله الارض ان تمید باهلها(۴) امام زین العابدین فرمود: خداوند، بوسیله ما زمین را حفظ کرده تا زمین اهل خود را نلرزاند

و بنایمسک الارض ان تمید باهلها (۵) امام باقر فرمود که پیامبر اسلام به مولا علی فرمودند: ای علی من و تو و ۱۱ فرزند از صلب تو همانند میخ و کوه های زمین هستیم، خداوند بواسطه ما زمین را میخ کوب قرار داد و زمانی که دوازدهمین فرزندم (امام زمان حضرت مهدی) از دنیا برود زمین نابود می شود

انی واثنی عشر من ولدی و انت یا علی زر الارض یعنی اوتادها و جبالها بنا اوتدالله الارض ان تسیخ باهلها فاذا ذهب الاثنا عشر من ولدی ساخت الارض باهلها (۶)؛ با دقت و تامل در این روایت می یابیم که پیامبر درصدد معرفی ۱۲ امام نیست بلکه می خواهد از جایگاه ۱۴ معصوم سخن بگوید، پیامبر می فرماید: من و ۱۲ نفر از فرزندانم که منظور حضرت زهرا و ۱۱ امام از نسل ایشان و تو یا علی مایه استقرار و آرامش زمین هستید اما یکی از فضائل بی نظیر ائمه ۱۲ گانه شیعه که دلیل برتری و افضلیت آنان بر تمام خلائق و پیامبران بغیر از رسول اسلام؛ است؛ خلقت و آفرینش نوری آنان است یعنی ۱۴ معصوم علیهم السلام ؛ به اختلاف روایات ۲۴ هزار

۱- ۱. الجامع الاحکام القرآن ج ۱۹ص ۱۵۱.

۲- ۲. تفسیر بحر المحیط ج ۱ ص ۳۸۴.

۳- ۳. اصول کافی ج۱ ص ۴۵۲ باب ان الائمه هم ارکان الارض.

۴- ۴. کمال الدین ص ۲۸۵ح ۲، احتجاج ج۱ ص ۱۶۸، کفایه الاثر ص ۱۴۵؛ بحارالانوار ج۳۶ص ۲۵۲.

۵- ۵. امالی صدوق ص ۲۵۳ح ۲۷۷، کمال الدین ص ۲۰۷، بحار ج۲۳ ص ۶، مناقب ابن شهر آشوب ج۴ ص ۱۶۷، روضه الواعظین ص ۲۲۰.

۶- ۶. اصول کافی ج ۲ کتاب الحجه ح ۱۷ باب ما جاء فی الاثنی عشر و النص علیهم ص ۶۴۴.

سال یا ۱۴ هزار سال یا هفت هزار سال یا دو هزار سال قبل از خلقت عالم و آدم بوجود آمده اند و سبقت در عبادت و خلقت بر تمام موجودات داشتند و اگر بواسطه محبتی که خداوند به آنان داشت عالم و خلائق را بوجود نمی آورد؛ آقای سلفی اموی مسلک وقتی تمام موجودات به احترام وجود مقدس آنان بوجود آمده اند چگونه بر آنان برتری می توانند داشته باشند؛ پیامبر اکرم فرمود: من و علی بصورت نور در نزد خدا بودیم و خداوند را تسبیح و تقدیس می کردیم قبل از آنکه حضرت آدم خلق شود بمدت ۱۴ هزار سال، زمانی که حضرت آدم خلق شد، خداوند آن نور را در صلب و پشت او بصورت امانت قرار داد و من و علی که بصورت نور بودیم و هیچ وقت از هم جدا نشدیم تا اینکه در صلب عبدالمطلب از هم جدا شدیم، خداوند در من نبوت و در علی، خلافت و امامت قرار داد.

کنت انا و علی نوراً بین یدی الله یسبح الله ذلک النور و یقدسه قبل ان یخلق الله آدم باربعه عشر الف عام خلق آدم اودع ذلک النور فی صلبه فلم یزل انا و علی فی شی واحد افتر قنافی صلب عبدالمطلب ففی النبوه و فی علی الامامه (الخلافه)(۱) کنت انا و علی نوراً عن یمین العرش بین یدی الله _ (۲) خلقت انا وانت من نور الله

کنت انا و علی نوراً بین یدی الله مطیعاً یسبح الله ذلک النور و یقدسه(۳)

شخصی بنام ابوعقال از پیامبر سوال کرد شما افضلید یا حضرت آدم، شیث، ادریس، نوح، هود، صالح، لوط، موسی، هارون، ابراهیم، اسماعیل، یوسف، یعقوب، ایوب، یونس، داود، سلیمان، زکریا، یحیی، یسع، ذالکفل، یا عیسی؟! رسول اسلام فرمود: من از همه آنان برترم و بعد از من علی ابن ابی طالب از تمام آنان برتر است و

۱- ۱. ینابیع الموده ج ۱ ص ۱۰۲، مناقب ابن مغازلی ص ۸۸ح ۱۳۰؛ الفردوس دیلمی ج۳ ص ۲۸۳ ح ۲۴۸۵۱.
۲- ۲. مناقب خوارزمی ح ۱۶۹ ص ۱۴۵ فضائل الصحابه احمد حنبل ج۲ ص ۶۶۲، فرائد السمطین ج۱ ص ۴۰ ح ۴؛ کفایه الطالب باب ۷۸ ص ۳۱۵، میزان الاعتدال ذهبی ج۱ ص ۲۳۵، لسان المیزان ابن حجرج۲ ص ۲۲۹، موده القربی موده ۸؛ شرح نهج البلاغه ج ۹ ص ۱۷۱ خطبه ۱۵۴ تذکره الخواص ص ۵۱ باب ۲؛ تاریخ دمشق ابن عساکر ج۴۲ ص ۶۷، مقتل الحسین خوارزمی ص ۱۴۵ح ۱۶۹ فصل ۱۴؛ مناقب ابن مردویه ص ۲۸۵ ح ۴۰۵؛ جواهر المطالب ابن دمشقی ص ۶۱ باب ۱۰، العمده ابن بطریق ص ۴۴؛ ریاض النضره طبری ج ۲ ص ۱۶۴.
۳- ۳. گنجی شافعی در کفایه الطالب باب ۸۷ ح ۲۷۰.

از تمام آنان علی را بیشتر دوست دارم زیرا من و علی از یک نور خلق شده ایم در پایان حدیث؛ گنجی شافعی می نویسد: این حدیث حسن و صحیح می باشد؛ لانی خلقت انا و علی من نور واحد ...

یـا رسول الله فمن افضـل النـاس بعـدک؟ فـذکر له نفرا من قریش ثم قـال: علی ابن ابی طـالب، فقلت: یـا رسول الله فایهم احب الیک؟ قال: علی _ قلت: هذا حدیث حسن عال.(۱) ۴۱ منبع اهل سـنت را نقل می کند که به حدیث خلقیت نوری مولا علی و پیامبر اسلام نقل و ذکر کرده اند_

خلقت انا و علی ابن ابی طالب من نور واحد نسـبح الله عزوجل فی یمنه العرش قبل خلق الدنیا و لقد سکن آدم الجنه و نحن فی صلبه و لقد رکب نوح السفینه و نحن فی صلبه، و لقد قذف ابراهیم فی النار و نحن فی صلبه؛

ادامه روایت جالب است؛ پیامبر اکرم می فرماید من و علی که بصورت یک نور بودیم در صـلب آدم در بهشت بودیم، سپس منتقل شدیم به صـلب نوح و با نوح در کشتی بودیم، سـپس منتقل شدیم به صـلب ابراهیم و با ابراهیم بودیم(۲) اما ادله درباره خلقت نوری سایر ائمه ۱۲ گانه شـیعه در کتب اهل سـنت و تشیع؛ یکی از ادله های قرآنی و تفسیری درباره خلقت نوری ائمه ۱۲ گانه شیعه؛ آیه ۳۵ سوره مبارکه نور است(۳) ابن بطریق در العمده از قول شـریف امام کاظم در ذیل تفسـیر آیه ۳۵ سوره نور نقل کرده اند که فرمود: منظور از مشـکاه در این آیه یعنی حضـرت فاطمه؛ مصـباح یعنی امام حسن و امام حسین؛ نور علی نور یعنی امامی بعد از امامی

قـال: المشـکاه: فـاطمه، و المصـباح: الحسن و الحسـین (الزجـاجه) کانهـا کوکب دری قـال: کـانت فـاطمه کوکبا دریا من نساء العالمین... نور علی نور، قال فیها امام بعد امام؛ مولا علی در تفسیر آیه مذکور فرموده: مشکاه پیامبر است؛

فیها مصباح من هستم و فی الزجاجه: حسن و حسین است؛ کوکب دری:

علی ابن الحسین یوقد من شجره مبارکه _ محمد بن علی؛ لولم تمسسه النار: علی بن محمد نور علی نور: حسن بن علی، یهدی الله لنوره من یشاء: مهدی

۱- ۱. در کتاب نفحات الازهار ج۵ خلاصه کتاب عبقات الانور با نوشته آیت الله میلانی.

۲- ۲. مناقب ابن مردویه ص ۸۸ زین الفتی فی تفسیر هل اتی.

۳- ۳. ابن مغـازلی شافعی در مناقب ص ۳۱۶ ح ۳۱۶، حضرمی در رشفه الصادی ص ۲۹ و ص ۶۴، علامه سمهودی در جواهر العقدین ص ۲۴۴.

است(۱) خداوند در شب معراج به پیامبر اسلام فرمود: ای محمد من تو را و علی را و فاطمه و حسن و حسین و امامان از فرزندان تو را از سنخ نوری از نور خودم خلق کردم

یا محمد انی خلقتک و خلقت علیاً و فاطمه و الحسن و الحسین و الائمه من ولده من نور من نوری(۲) حضرت آدم در ساق عرش؛ ۵ نور را دید بصورت اشباح؛ خداوند به آدم فرمود: اگر این ۵ تن نبودند هیچ مخلوقی را حتی تو را نمی آفریدم و این ۵ نور مقدس حضرت محمد و امام علی و حضرت فاطمه و امام حسن و امام حسین هستند التفت آدم یمینه العرش فاذا فی النور خمسه اشباح ... قال هولاء خمسه من ولدک لولا هم ما خلقتک(۳)پیامبر اکرم فرمود: من و اهل بیتم بصورت نور بودیم ۱۴ هزار سال قبل از خلقت آدم

انی واهل بیتی کنا نوراً یسعی بین یدی الله قبل ان یخلق الله آدم باربعه عشر الف سنه(۴) پیامبر اکرم فرمود:

من از نور خدا آفریده شده ام و اهل بیت من از نور من خلقت شده اند

خلقت من نور الله و خلق اهل بیتی من نوری (۵) سبط بن جوزی حنفی در کتاب تذکره الخواص (۶)خطبه ای از مولا علی نقل کرده که حضرت به خلقت نوری پیامبر اسلام و ائمه هدی؛ اشاره و تاکید فرموده به خلاصه این خطبه زیبا توجه فرمائید: چون اراده خداوند تعلق گرفت بر اینکه خلائق را بیافریند، خلایق را پیش از گستردن زمین و برافراشتن آسمانها بصورتی استوار ساخت آنگاه پرتوی از نور عزت خویش افاضه نمود پس شعله ای از روشنایی آن درخشیدن گرفت و بالا رفت و بعد در آن صورت گرد آمد؛ در حالی که شکل پیامبر ما در آن صورت بود؛ پس خدا به او فرمود:

۱- ۱. تفسیر البرهان ج ۵ ص ۳۹۲ ح ۱۷.
۲- ۲. مقتل الحسین ؛ خوارزمی حنفی ص ۹۵ و ص ۹۶.
۳- ۳. فرائد السمطین ج۱ ص ۳۶ و ص ۳۷.
۴- ۴. فرائد السمطین ج ۲ ص ۳۱۲ ح ۲۵۰ ینابیع الموده ج۲ ص ۲۱۲، غایه المرام باب ۵۹ ح ۴ ص ۲۶۶ کتاب سلیم ص ۱۰۱.
۵- ۵. ینابیع الموده ج۱ ص ۱۰۰؛ بحار الانوار ج۱۵ ص ۲۰.
۶- ۶. ص ۱۲۸ و ص ۱۲۹.

تو بر گزیـده ای و د نزد تو انواری به امانت نهـاده شـده است؛ اهـل بیتت را، پرچم هـدایت و اسـرار خود را بصورت امـانت به ایشان دادم ... و آنها را بر تمام مخلوقاتم حجت قرار دادم آنگاه خداونـد آنان را به پروردگاری خود گواه و بر وحدانیت خود از ایشـان اقرار گرفت و این که امـامت در میـان ایشـان و این نـور به همراه آنهـاست؛ بعـد خداونـد سـایر موجـودات را بعـد از آفرینش اهـل بیت آفریـد؛ نور وجود اهـل بیت از اصـلاب شـامخه و ارحـام مطهره منتقل می شود، و در باطن ما نورافشانی می کنـد؛ از این رو، مـا انوار آسـمانها و زمین هـا و کشتی نجات هستیم... و بوجود مهـدی ما حجت های الهی؛ پایان می گیرد؛ و اوست خاتم ائمه و نجات دهنده امامت و پایان بخش نور

لما اراد الله ان ینشیء المخلوقات و یبدع الموجودات اقام الخلایق فی صوره قبل دحو الارض و رفع السموات ثم افاض نوراً من نور عزه فلمع قبسا من ضـیائه و سـطح ثم اجتمع فی تلک الصوره و فیها هیئه نبینا صـلی الله علیه و آله و سـلم فقال له تعالی انت المختار و عندک مستودع الانوار و انت المصطفی المنتخب الرضا المنتخب المرتضی ... و انصب اهل بیتک علماً للهدایه واودع اسـرارهم من سـری ... واجعلهم حجتی علی بریتی .... ثم اخـذ الحق سـبحانه علیهم الشـهاده بـالربوبیه والاـقرار بالوحـدانیه و ان الامـامه فیهم و النور معهم ... و نصب العوالم و موج المـاء و اثار الزبـد و اهاج الـدخان و فطفا عرشه علی الماء ثم انشا الملائکه من انوار ابتداعها ... ثم خلق الله الارض و ما فیها .... و لم یزل ینتقل من الاصـلاب الفاخره الی الارحام الطاهره الی ان وصل الی عبدالمطلب ثم الی عبدالله ثم الی نبیه... ثم لم یزل ذلک النور ینتقل فینا و یتشعشع فی غرایزنا ــ فنحن انوار السموات و الارض و سـفن النجاه ... و بمهدینا تقطع الحجج فهو خاتم الائمه و منقد الامه و منتهی النور(۱) حضرت فاطمه درباره مولا علی فرمود: اوست امام ربانی و هیکل نورانی

و هو الامام الربانی و الهیکل النورانی(۲)

مولا علی درباره خصوصیات امام معصوم می فرماید: و الامام بشر ملکی و جسد سماوی ... و نور جلی امام بشری فرشته صفت و دارای جسـد آسـمانی و نـوری آشکار و تابـان است؛ همه این ویژگی هـا مخصوص آل محمـد است و هرگز کسـی در این امتیازات با آنها شریک نیست... خداوند عالم آنها را از نور عظمت خود آفریده

۱- ۱. خطبه فی مدح النبی و الائمه مروج الذهب ج۱ ص ۳۳؛ بحارالانوار ج۷۷ ص ۳۰۰.

۲- ۲. الریاحین الشریعه ج۱ ص ۹.

و هذا کله لال محمد لایشارکهم فیه مشارک ... خلقهم الله من نور عظمته(۱) از حدیث خلقت نوری مولا علی دفاع کرده می گوید: اگر کسی بگوید این حدیث را ضعیف شمرده اند پاسخ این است که حدیثی را که ضعیف دانسته اند؛ الفاظ و اسنادش با این حدیث تفاوت دارد... و حدیثی را که ما روایت کرده ایم از نظر لفظ و عبارت متفاوت و از نظر سلسله سند راویانش موثق می باشند اما بررسی راویان حدیث خلقت نوری مولا علی ۱) عبدالرزاق صنعانی که مورد وثوق اهل سنت است؛ وی از بزرگترین مشایخ حدیثی احمد بن حنبل است؛ ۲) محمد بن راشد ابوعروه ازدی که از رجال ترمذی، نسایی، ابن ماجه و ابوداود است(۲) ۳) زهری؛ ابن حجر در حق او گفته؛ فقیه و حافظ است و علماء بر جلالت او اتفاق دارند(۳) ۴) خالد بن معدان؛ ذهبی می گوید: او فقیه بزرگ و مخلص است(۴)۵) عجلی؛ ابن جریر و نسایی او را توثیق کرده اند (۵) ۶) زاذان، که ذهبی او را ثقه معرفی کرده(۶) شاید آقایان وهابی بگویند سبط ابن جوزی عالم شیعه بوده که در لباس اهل سنت بوده و حرف و نظرات او اعتباری ندارد؛ شمس الدین ذهبی عالم رجالی اهل سنت درباره سبط بن جوزی می نویسد: یوسف بن قزعلی حنفی، پیشوا فقیه، تاریخ دان و در سخنوری یگانه بود، در تاریخ و سرگذشت، علامه و در نزد مردم بسیار قابل احترام و محبوب بود... فاضل، دانشمند و نکته سنج بود و با دولتمردانی که کارهای ناپسندی می کردند، مخالفت می کرد و همگان او را قبول داشتند

یوسف بن قزغلی بن عبدالله: الامام، الواعظ، المورخ، شمس الدین؛ ابوالمظفر الترکی، ثم البغدادی العونی الحنفی؛ سبط الامام جمال الدین ابی الفرج ابن الجوزی، نزیل دمشق؛ ولد سنه احدی و ثمانین و خمسمائه ... و کان اماماً فقیهاً، واعظاً، وحیداً فی الوعظ، علامه فی التاریخ و السیر، وافر الحرمه، محبا الی الناس... و کان فاضلاً عالماً، ظریفاً، منقطعاً، منکراً علی ارباب الدول ما هم علیه من

۱- ۱. بحار الانوار ج ۲۵ ص ۱۶۹؛ و ص ۱۷۲ سبط بن جوزی حنفی در کتاب تذکره الخواص ص ۶۹.

۲- ۲. تهذیب التهذیب ج۱ ص ۲۴۳.

۳- ۳. تقذیب التهذیب ج۲ ص ۲۰۷.

۴- ۴. الکاشف ج۱ ص ۲۷۴.

۵- ۵. تقریب التهذیب ج۱ ص ۲۱۸ تهذیب التهذیب ج۳ ص ۱۱۸.

۶- ۶. الکاشف ج۱ ص ۲۷۴.

المنکرات متواضعاً صاحب قبول تام(۱) خلقت نوری ۱۴ معصوم علیهم السلام بطور کثیر در روایات شیعه اشاره شده برای نمونه؛ امام چهارم فرمود: همانا خداوند پیامبر اسلام و علی و ۱۱ فرزند از صلب او را از نور عظمت خودش آفرید قبل از خلقت خلائق و آنها، خداوند را تسبیح و تقدیس می کردند

ان الله خلق محمداً و علیاً واحد عشر من ولده من نور عظمته ... یعبدونه قبل خلق الخلق یسبحون الله و یقدسونه و هم الائمه من ولد رسول الله(۲)

امام صادق فرمود: همانا خداوند؛ ۱۴ هزار سال پیش از آنکه مخلوقات را آفرینش کند، ۱۴ نور آفرید که ارواح ما بود یعنی روح پیامبر و علی و فاطمه و حسن و حسین و ائمه از صلب حسین

ان الله تبارک و تعالی خلق اربعه عشر نوراً قبل خلق الخلق باربعه عشر الف عام فهی ارواحنا ... فقال: محمد و علی و فاطمه و الحسن و الحسین و الائمه من ولدالحسین؛ _ (۳)و موید این مطلب تفسیر آیه ۳۷ سوره مبارکه بقره است که حضرت آدم متوسل به ذات نوری؛ ائمه هدی شد و این آیه ۳۷ سوره بقره، دلیل برتری ائمه هدی بر پیامبران بغیر از رسول اسلام دارد؛ وهابی مذکور که با او مباحثه کردم می گفت در تفسیر هیچ عالم سنی نیامده که حضرت آدم به خمسه طیبه و ۵ تن آل عبا که بصورت انوار یعنی نورها بودند متوسل شد و سبب قبولی توبه آدم به توسل؛ ذات نوری ائمه طاهرین نبوده است؛ جهت نمونه در دفع این شبهه منابعی و مطالبی از عالمان بزرگ اهل سنت در توسل آدم به ائمه هدی نقل می کنم؛ صفوری شافعی در کتاب نزهه المجالس (۴) باب مناقب امام حسن و امام حسین؛ از امام صادق علیه السلام روایت کرده که حضرت در ذیل آیه ۳۷ سوره بقره فرمود: که حضرت آدم سر را بسوی قبه در بهشت بلند کرد؛ دید که ۵ اسم مکتوب و نوشته شده به قلم نور؛ من محمودم و این محمد، من اعلی هستم و این علی؛ من فاطر هستم و این فاطمه من محسن هستم و این حسن، من احسان هستم و این حسین، سپس جبرئیل گفت: ای ادم این

۱- ۱. تاریخ الاسلام ج۴۸ ص ۱۸۳ چاپ دارالکتاب العربی، لبنان.

۲- ۲. اصول کافی ج۱ ص ۵۳۰ ح ۶.

۳- ۳. اکمال الدین شیخ صدوق ج۲ باب ۳۳ ص ۷ ح ۷.

۴- ۴. ص ۴۱۹.

اسماء را حفظ کن که محتاج به آن می شوی؛ سپس آدم هبوط کرد و ۳۰۰ سال گریه و زاری کرد و سپس دعا کرد به این اسماء و گفت: ای خدا، بحق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین، مرا بیامرز، وحی رسید: ای آدم اگر برای جمیع ذریه ات، چنین دعا کرده بودی همه آنان را می آمرزیدم؛

قال جعفر الصادق رضی الله عنه فی قوله تعالی فتلقی آدم من ربه کلمات .... کان آدم حواء جالسین فجاء هما _ جبرئیل و اتی بهما الی قصر من ذهب و فضه شرفاته من زمرد اخضر فیه سریر من الیاقوت احمد و علی السریر قبه من نور، فیها صوره فاطمه و علی راسهاقا ج و فی اذنیها قرطان من لولوء فی عنقها طوق من نور فتعجب حواء من نورها و تعجب آدم من نورها حتی نسی حسن حواء فقال ما هذه الصوره قال: فاطمه و التاج ابوها و الطوق زوجها و القرقان الحسن و الحسین قرفع آدم راسه الی القبهفوجد خمسه اسماء مکتوبه من النور؛ انا المحمود و هذا محمد و انا الاعلی و هذا علی، و انا الفاطر و هذه الفاطمه و انا المحسن و هذا الحسن و منی الاحسان و هذا الحسین فقال جبرئیل یا آدم احفظ هذه الاسماء فانک تحتاج الیها، فلما هبط آدم بکی ثلثمائه عام ثم دعا بهذه الاسماء و قال یا رب بحق محمد و علی و فاطمه و الحسن و الحسین یا محمود یا اعلی یا فاطر یا محسن اغفرلی و تقبل توبتی فاوحی الله الیه یا آدم سالتنی فی جمیع ذریتک لغفرت لهم؛ حاکم حسکانی نیشابوری حنفی(۱) نقل کرده؛ زمانی که حضرت آدم دچار خطیئه شد و خارج شد از جوار رب العالمین؛ جبرئیل نزد آدم آمد و گفت؛ خدای خودت را بخوان آدم گفت چگونه خدای خودم را بخوانم؛ جبرئیل گفت: بگو ای خدا؛ بحق ۵ تنی که از صلب من در آخر الزمان خارج می کنی توبه مرا بپذیرد و مرا بیامرز و آن ۵ تن، محمد پیامبر اسلام و علی وصی او و فاطمه دختر پیامبر و حسن و حسین دو سبط پیامبر؛ پس آدم به حق ۵ تن خداوند را خواند و خداوند توبه او را بپذیرفت؛ و هیچ بنده ای نیست که خداوند را به حق ۵ تن آل عبا، قسم دهد مگر اینکه خداوند دعای او را مستجاب می کند

لما نزلت الخطئیه بآدم واخرج من جوار رب العالمین اتاه جبرئیل فقال یا آدم ادع ربک قال: یا حبیب جبرئیل و بما ادعوا؟ قال یا رب اسالک بحق الخمسه الذین تخرجهم من صلبی فی آخر الزمان الاتبت علی و رحمتنی .. قال محمد النبی و علی الوصی و فاطمه بنت النبی، والحسن و الحسین سبطی النبی فدعا بهم آدم فتاب الله

۱- ۱. در کتاب شواهد التنزیل ج۱ ص ۱۰۲ ح۴۹۲.

علیه و ذلک قوله تعالی فتلقی آدم من ربه کلمات .... و ما من عبد یدعوا بها الا استجاب الله له؛ دیلمی؛ شیرویه بن شهردار (۱) نقل کرده؛ خداوند در زمانی که آدم هبوط کرد از بهشت او را به هند فرستاد و حوا همسرش را به جده تبعید کرد و زمانی که وقت توبه او فرا رسید؛ جبرئیل به او وحی کرد به این کلمات خداوند را بخوان که او توبه پذیر و آمرزنده گناهان است و آن کلمات اینچنین بود؛ خدایا بحق محمد و آل محمد که تو پاک و منزه از هر نقصی و جز تو خدایی نیست من به نفسم ظلم کردم و تو غفور و مهربانی بحق محمد و آل محمد توبه مرا بپذیر؛ و این کلمات و دعاها بود که به حضرت آدم القاء و تلقین شد

فتلقی آدم من ربه کلمات فتاب علیه ... قال فعلیک بهذه الکلمات التی اعلمکهن فان الله قابل توبتک و غافر ذنبک قال و ما هن قال قل اللهم انی اسئلک بحق محمد و آل محمد سبحانک لا اله الا انت عملت سوء او ظلمت نفسی و اغفرلی انک انت الغفور الرحیم اللهم انی اسئلک بحق محمد و آل محمد سبحانک لا اله الا انت عملت سوء او ظلمت نفسی تب علی انک انت التواب الرحیم فهولاء الکلمات التی تلقی آدم

ابن النجار از ابن عباس روایت کرد که از او سول شد آن کلماتی که به آدم تلقین شد و به سبب آن کلمات توبه آدم قبول شد آن کلمات چه بود؟ ابن عباس گفت؛ آدم؛ خداوند را به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین خواند خداوند توبه او را بپذیرفت(۲) علامه متقی هندی (۳) تفسیر آیه ۳۷ سوره بقره را نقل کرده، مولا علی از پیامبر سوال کرد آن کلماتی که آدم بر زبان خواند و به سبب آن توبه آدم قبل شد آن کلمات چه بوده؟ پیامبر اسلام فرمود: آدم بحق محمد و آل محمد، خداوند متعال را خواند و خدا توبه او را بپذیرفت

عن علی قال سالت النبی عن قول الله فتلقی آدم من ربه کلمات، فصل فی التفسیر سوره البقره؛ قال فعلیک بهذه الکلمات فان الله قابل توبتک و غافر ذنبک قل: اللهم انی اسئلک بحق محمد و آل محمد... اللهم انی اسئلک بحق محمد و آل محمد عملت سوء و ظلمت نفسی فتب علی انک التواب الرحیم فهولاء الکلمات التی تلقی آدم _ امام ثعلبی در تفسیر الکشف و البیان ذیل آیه ۳۷ سوره بقره روایات

۱- ۱. در کتاب الفردوس بما ثور الخطاب ج۳ ص ۱۵۱ ح، ۴۴۰۹ فصل فی تفسیر در ذیل آیه ۳۷ سوره بقره.

۲- ۲. شواهد التنزیل حاکم حسکانی حنفی ج۱ ص ۱۰۲ و ص ۱۰۳.

۳- ۳. در کنزالعمال ج۲ ص ۳۵۸ح ۴۲۳۷ از مولا علی.

متفاوتی نقل کرده و در پاورقی ج۱ ص ۱۸۴ ش ۵ _ تذکره الموضوعات ج۱ ص ۹۸، تنزیه الشریعه ج۱ ص ۱۹۵ _ اللالی المصنوعه ج۱ ص ۳۶۹ روایت متقی هندی از کنزالعمال در باب توسل آدم به ۵تن آل عبا را نقل کرده است؛ ابوبکر سیوطی در تفسیر الدرالمنثور ج۱ ص ۳۲۳ و ص ۳۲۴ این تفسیر را نقل کرده است _ شوکانی در الفوائد المصنوعه ص ۳۹۴ ح ۱۲۳؛ صنعانی در الانصاف فی حقیقه الاولیاء ص ۹۷؛ سیوطی در اللالی المصنوعه ص ۴۰۴ ابن تیمیه ناصبی در المنهاج السنه ج ۷ص ۱۳۰؛ محب الدین طبری در الریاض النضره و ابن حجر در صواعق ج۱ ص ۲۳۷ از انس بن مالک یا تفاوت متن و محتوا با توسل آدم نقل کرده به این تفاوت که آدم به پیامبر و مولا علی و ابوبکر و عمر و عثمان متوسل شد تا توبه اش قبول شد _ عن انس بن مالک قال:

سمعت رسول الله یقول اخبر نی جبرئیل ان الله تعالی لما خلق آدم و ادخل الروح فی جسده امرنی ان اخذ تفاحه من الجنه فاعصرها فی حلقه فعصرتها فی فمه خلقک الله من النقطه الاولی انت یا محمد و من الثانیه ابابکر و من الثالثه عمر و من الرابعه عثمان و من الخامسه علی؛ فقال آدم من هولاء الذین کرمتهم؟ فقال الله: هولاء خمسه اشباح من ذریتک و قال هولاء اکرم عندی من جمیع خلقی قال: فلما عصی آدم ربه فقال: رب بحرمه اولئک الاشباح الخمسه الذین فضلتهم الاتبت علی فتاب علیه؛

از روایت محب الدین طبری سُنی؛ معلوم می شود که جاعلان حدیث آنرا جعل کرده اند و ساخته اند تا فضیلتی برای خلفاء ثلاثه خود (ابوبکر و عمر و عثمان) بسازند در مقابل حدیث توسل آدم به ۵ تن آل عبا؛ قندوزی حنفی (۱) نقل کرده؛ استاد ذهبی؛ امام جوینی شافعی در فرائد السمطین ج۱ ص ۳۶ و ص۳۷؛ توسل آدم به ۵ تن آل عبا را ذکر کرده _ خداوند به حضرت آدم فرمود: هر گاه حاجتی داشتی به این ۵ تن متوسل شو

فاذا کان لک الی حاجه فبهولاء توسل؛ اصل روایت توسل حضرت آدم به ۵ تن آل عبا، فقیه شافعی اهل سنت، ابن مغازلی در کتبش با سلسه سند نقل کرده؛ البته،

۱- ۱. در ینابیع الموده ج۲ ص ۱۱۲ باب ۲۴ ح ۴ و ۵ و ۶؛ حدیث توسل آدم به ۵ تن آل عبا ذیل آیه ۳۷ سوره بقره.

سیوطی، دیلمی، متقی هندی، شوکانی، ابن تیمیه، صنعانی این حدیث را موضوع و جعلی خوانده اند اما طبق قائده طرق و تعدد حدیث؛ این حدیث را تقویت می کند چون این روایت را هم بطور کثیر منابع شیعه نقل کرده اند _ ابن مغازلی (۱) نقل کرده عن ابن عبدالله بن عباس قال: سئل النبی عن الکلمات التی تلقی آدم من ربه فتاب علیه قال: ساله بحق محمد و علی و فاطمه و الحسن و الحسین الاتبت علی فتاب علیه؛ سمعانی در الانساب ص ۱۴۶ درباره شخصیت ابن مغازلی شافعی می نویسد: همانا او فاضل عارف و آشنا به رجال و علم حدیث و حریص به شنیدن حدیث و طالب علم بوده است.فتح الربانی شوکانی ج ۱ص ۲۸۸،تذکره الموضوعات ج ۱ص ۹۸ حدیث توسل آدم به پنج تن را نقل کرده اند

کان فاضلاً عارفاً برجالات واسط و حدیثهم و کان حریصاً علی سماع الحدیث و طلبه؛ زبیدی در تاج العروس(۲) درباره ابن مغازلی شافعی می نویسد: او عالم مورخ بود؛ _ و ابوالحسن علی بن محمد بن محمد بن الطیب الجلابی عالم مورخ ... علامه شیخ جمال الدین محمد بن احمد حنفی در (۳) بحرالمناقب می نویسد: ای آدم اگر این اسماء ۵تن آل عبا نبود، زمین و آسمان را نمی آفریدم؛

قال یا آدم لولا هذه الاسما لما خلقت سماء مبینه و لا ارضاً مدحیه ذهبی؛ حدیث توسل آدم به خمسه طیبه را در الموضوعات ابن جوزی (۴) بعنوان حدیث موضوع نقل کرده

و لا ملکا مقربا و لا نبیاً مرسلا و لا خلقتک یا آدم فقال الهی و سیدی فبحقهم علیک الاغفرت لی خطیئتی فکنا نحن الکلمات التی قال الله فتلقی آدم من ربه کلمات(۵) به نقل از احقاق الحق (۶) نقل شده که آدم گفت بحق محمد و آلش مرا بیامرز _ اسالک بحق محمد و آله الاغفرت لی الی قوله و لو لا هو ما خلقتک؛ (۷)؛ امام

۱- ۱. در کتاب المناقب ح ۸۹ ص ۱۰۴ حدیث توسل آدم را با سلسه سند.

۲- ۲. ج۱ ص ۱۸۶.

۳- ۳. ص ۲۶۵.

۴- ۴. ح ۳۳۱.مناوی بعنوان منقبت حدیث توسل آدم را نقل کرده – اتحاف السائل ج ۱ص ۷۶

۵- ۵. مفتاح النجاء البدخشی ص ۱۶.

۶- ۶. ج۳ ص ۷۷ از تفسیر اللوامع ج۱ ص ۲۱۵ از عمر ابن الخطاب.

۷- ۷. محمد بن سلیمان یمنی در مناقب امیرالمومنین۴ ح ۴۹۲

مالک این حدیث را در باب توسل حضرت آدم به پیامبر اسلام؛ تائید و تاکید کرده به خلیفه عباسی منصور دوانیقی لعنت الله علیه امام مالک به منصور دوانیقی ملعون گفت: پیامبر اسلام وسیله تو و وسیله پدرت حضرت آدم است. _

ولم تصرف وجهک عنه وهو وسیلتک و وسیله ابیک آدم _ الشفاء قاضی عیاض ج۲ ص ۴۱، جوهر المنظم ج۱ ص ۲۴۸ قد روی هذا بسند صحیح؛ تفسیر ثعلبی ج۱ ص ۱۸۴؛ تاریخ مدینه دمشق ج ۷ ص ۳۸۶؛ فتوح الشام و اقدی ج۱ ص ۱۸۰؛ سبل الهدی والرشاد ج۱۲ ص ۳۹۵؛ الوفاء وفاء ج۱ ص ۵۱؛ ابن تیمیه ناصبی در مجموعه الفتاوی ج۲ ص ۹۵ و به نقل سایت وهابی مکتبه اسلامیه (اسلام ویب) حدیث توسل حضرت آدم به پیامبر را با تائید صحیح بودن روایت نقل کرده

فلما غرهما الشیطان تابا واستشفعا باسمی الیه لما اصاب آدم الخطیئه رفع راسه فقال یا رب بحق محمد الاغفرت لی؛ از جمله آیاتی که در قرآن کریم؛ فضیلت و برتری بی نظیر مولا علی بر تمام خلائق و پیامبران بغیر از نبی اسلام ثابت و اشاره می کند؛ آیه ۵۸ سوره مبارکه یونس است؛ در تفسیر این آیه ابن عباس می گوید: فضل خدا، پیامبر و رحمت خداوند؛ علی است؛ و تمام خلائق و پیامبران الهی؛ بغیر از نبی اسلام؛ به فضل و رحمت خدا؛ نیازمند هستند و جلوه رحمت و فضل خدا؛ پیامبر اسلام و علی مرتضی هستند و به همین دلیل؛ مولا علی بر تمام خلائق و پیامبران بغیر از رسول اسلام افضل و برتر می باشد؛

عن ابن عباس: فی قوله تعالی: قل بفضل الله و برحمته: الایه قال: بفضل الله: النبی و برحمه علی _ شواهد التنزیل ح ۳۶۵، تاریخ بغداد ج۵ ص ۱۵، تاریخ دمشق۲ ص ۴۲۶، الدر المنثور ج۳ ص ۳۰۹؛ اصلاً ائمه هدی در ۵ چیز به اقرار علمای اهل سنت با پیامبر اسلام؛ مساوی، شریک و برابر هستند؛ ای ناصبی کور از حقائق قرآن و سنت وقتی ائمه ۱۲ گانه شیعه و حضرت زهرا؛ با پیامبر اکرم رحمت للعالمین در ۵ صفت مهم برابر هستند؛ چگونه پیامبران بر آنان برتری می توانند داشته باشند؛ آیا مگر رسول اسلام بر تمام خلائق سید و سرور نیست که هست؟!! فخر الدین رازی می گوید: اهل بیت در ۵ چیز با پیامبر مساوی هستند ۱) در سلام که گفت اسلام علیک ایها النبی و برای اهل بیتش فرمود سلام علی آل یاسین؛ ۲)

در صلوات بر پیامبر و خاندان او ۳) در طهارت و پاکیزگی به پیامبر فرمود (طه) و به خانـدانش فرمود یطهرکم تطهیرا ۴) حرام کردن صدقه بر پیامبر و آل او از جانب خدا ۵) و در دوستی که فرمود هر که مرا دوست دارد از پیامبر متابعت کند و فرمود ای پیامبر بگو من از شما مزد رسالت نمی خواهم مگر دوستی خاندانم

جعل الله اهل بیت النبی مساوین له فی خمسه اشیاء وعدها ان اهل بیته یساوونه فی خمسه اشیاء؛ ان الله تعالی جعل اهل بیت نبیه مطابقاً له فی اشیاء کثیره... فی السلام قال: السلام علیک ایها النبی و قال سلام علی آل یاسین؛ و فی الصلاه علیه و علیهم فی التشهد و فی الطهاره قال تعالی ظه یا طاهر و قال یطهرکم تطهیرا و فی تحریم الصدقه و فی المحبه قال تعالی: قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله و قال قل لا اسئلکم علیه اجراً الاالموده فی القربی ـ صواعق المحرقه ص ۱۴۹ باب ۱۱ فصل ۱، آیه ۳؛ جواهر العقدین ج۲ ص ۱۶۶؛ ینابیع الموده ج۱ ص ۲۷۰، شبهای پیشاور ج۱ ص ۲۵۳ با تحقیق شیخ عبدالرضا درایتی؛ اهل بیت از دیدگاه قرآن و سنت ص ۳۳ و ص ۳۴ نوشته ابن مالک؛ قبل از آنکه یکی دیگر از برتری ائمه هدی بر پیامبران را به شما خوانندگان عرضه بدارم این مطلب را مبرهن کنم که تمام انبیاء بغیر از رسول اسلام به ۱۴ معصوم؛ توسل و تمسک داشته اند؛ پیامبر اکرم فرمود: چون آدم ترک اولی انجام داد توبه اش این بود که گفت: خداوندا تو را می خوانم به محمد و آل محمد که بر من ببخشایی ـ ان آدم لما اصاب الخطیئه کانت توبته ان قال:

اللهم انی اسألک بحق محمد و آل محمد لما غفرت لی فغفرالله له؛ چون حضرت نوح بر کشتی سوار و از غرق شدن ترسید فرمود: خدایا تو را به محمد و آل محمد می خوانم که از غرق شدن حفظم کنی و خداوند حفظش کرد؛ ـ

و ان نوحاً لما رکب فی السفینه و خاف الغرق قال: اللهم انی اسالک بحق محمد و آل محمد لما انجیتنی من الغرق فنجاه الله منه و حضرت ابراهیم چون در آتش انداخته شد فرمود: خدایا تو را به محمد و آل محمد می خوانم که نجاتم دهی و خدا آتش را بر او سرد و سالم کرد؛

ان ابراهیم لما القی فی النار قال: اللهم انی اسالک بحق محمد لما نجیتنی منها؛ فجعلها الله علیه برداً و سلاماً ـ و موسی چون عصایش را افکند و در جانش ترسید فرمود: خدایا تو را به محمد و آل محمد می خوانم که محافظتم کنی. پس خدا فرمود

نترس که تو برتری

ان موسی لما القی عصاه و اوجس فی نفسه خلیفه قال: اللهم انی اسالک بحق محمد و آل محمد لما امنتنی(۱)؛

امام رضا فرمود چون حضرت نوح در آستانه غرق قرار گرفت، خدا را به حق ما خواند و خداوند نجاتش داد و چون حضرت ابراهیم در آتش انداخته شد، خدا را به حق ما خواند و خدا آتش را بر او سرد و سالم قرار داد و چون موسی راه دریا را گرفت، خدا را بحق ما خواند و آن راه برایش خشکی شد و چون یهود کشتن عیسی را بنا نهادند، خدا را بحق ما خواند، خدا او را نجات داد و نزد خود برد.

لما اشرف نوح علی الغرق دعا الله بحقنا فدفع الله عنه الغرق و لما رمی ابراهیم فی النار دعا الله بحقنا فجعل الله النار علیه برداً و سلاماً و ان موسی لما ضرب طریقاً فی البحر دعا الله بحقنا فجعلها یبسا و ان عیسی لما اراد الیهود قتله دعا الله بحقنا فنجی من القتل فرفعه الیه؛ (۲)

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند هزار سال پیش از خلقت اجسام ارواح را آفرید و برترین آنها ارواح محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین و ائمه بعد آنها قرار داد؛ جبرئیل به آدم و حوا فرمود: خداوند را به نام هایی که بر عرش الهی می بینید بخوانید تا شما را بیامرزد؛ پس گفتند؛ خداوندا تو را بحق بزرگواران نزد تو می خوانیم محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و ائمه که بر ما ببخشی و بر ما رحم کنی، پس خداوند بر آنها بخشید.(۳)

ان الله تبارک و تعالی خلق الارواح محمد و علی و فاطمه و الحسن و الحسین و الائمه بعدهم... قال جبرائیل لآدم و حواء: فسلا ربکما بحق الاسماء التی رایتموها علی ساق العرش حتی یتوب علیکما فقالا: اللهم انا نسالک بحق الاکرمین علیک: محمد و علی و فاطمه و الحسن و الحسین و الائمه الا تبت علینا و رحمتنا فتاب الله علیهما انه هو التواب الرحیم؛

آاز جمله فضایلی که مولا علی و ائمه هدی و ۱۴ معصوم علیهم السلام بر تمام پیامبران دارند این است که خداوند حق خمس مال یک پنجم مال را به آنان اختصاص داده و این

۱- ۱. روضه الواعظین ص ۲۷۲، الدر الثمین حافظ رجب برسی حلی ص ۳۵

۲- ۲. بحار الانوار ج۲۶ ص ۳۲۵ و ج ۱۶ ص ۳۶۶، الدر الثمین حافظ رجب ص ۳۵؛

۳- ۳. معانی الاخبار ص ۱۱۰ باب معنی الامانه، بحار الانوار ج۱۱ ص ۱۷۲

حق الهی را به هیچ نبی و پیامبری سابقه از امم سلف نداده است _ امام رضا علیه السلام در ذیل آیه ۴۱ سوره انفال فرمود: خداوند در این آیه سهم خویشاوندان پیامبر را با سهم خود و رسولش همراه کرده است پس این سخن خدا؛ نیز فضیلت برای آل پیامبر است، به همین دلیل در غنیمت از خودآغاز کرده و سپس به ستایش رسول اسلام و آل محمد پرداخته و آنچه برای خود پسندیده برای آنان هم پسندیده،

انما غنمتم من شی فان الله خمسه و للرسول ولذی القربی ... فقرن سهم ذی القربی بسهمه و بسهم رسوله فهذا؛ فضل ایضاً للال دون الامه ...(۱)

امام زین العابدین در هنگام ورود به دروازه شام به مرد شامی فرمود: آیا این آیه را در سوره انفال درباره خمس نخوانده ای؟! مرد شامی گفت بله: امام زین العابدین فرمود: منظور این آیه درباره خمس در مورد ما اهل بیت است

قال علی بن الحسین رضی الله عنه لرجل من اهل الشام: اما قرأت فی الانفال: واعلموا انما غنمتم من شیء فان لله خمسه و للرسول ... الایه قال: نعم قال نحن هم قال: فانکم لانتم هم قال: نعم(۲)

پیامبر اکرم فرمود: برای شما اهل البیت هیچ چیز از صدقات را حلال و روا نمی دانم زیرا یک پنجم (خمس) برای شما کافی است

لا احل لکم اهل البیت من الصدقات شیئاً و لا غساله الایدی ان لکم فی خمس الخمس ما یکفیکم(۳)

امام محمد بن ادریس شافعی در کتاب الامام ج۲ ص ۱۰۶ و ص ۱۰۷ کتاب قسم الصدقات درباره خمس آل محمد می نویسد: به آل محمد که خداوند خمس را در عوض صدقه برای آنها معین نموده نباید از صدقات واجبه کم یا زیاد به آنها داده شود و بر آنها حلال نیست که اخذ صدقه کنند منع نمودن حق خمس از آنها سبب حلال شدن صدقه بر آل محمد نمی شود

و اما آل محمد الذین جعل لهم الخمس عوضاً من الصدقه فلا یعطون من

۱- ۱. ینابیع الموده قندوزی حنفی ج۱ ص ۲۹۶، عیون الاخبار الرضا، شیخ صدوق ج۱ ص ۲۰۷ نور الابصار شبلنجی ص ۲۲۷؛ الدر المنثور ج۳ ص ۲۳۸

۲- ۲. تفسیر طبری ص ۵۱۰ ذیل آیه، تهذیب التهذیب ج۱۱ ص ۴۲۵ مسند احمد حنبل ج۱ ص ۲۴۸

۳- ۳. المعجم الکبیر طبرانی ج ۱۱ ص ۱۷۳ ح ۱۱۵۴۳؛ مجمع الزوائد ج۳ ص ۹۱ جواهر العقدین ج ۲ ص ۱۵۰، ینابیع الموده قندوزی حنفی ج۱ ص ۲۶۴

الصدقات المفروضات شیئاً قل اوکثر لایحل لهم ان یاخذوها و لایجزی عمن یعطیهموها اذا عرفهم و لیس منعهم حقهم فی الخمس یحل لهم ما حرم علیهم من الصدقه

بعضی از علمای اهل سنت مثل زمخشری در الکشاف ج ۲ ص ۲۱۴ ذیل آیه ۴۱ انفال می نویسد: بنی هاشم در زمان پیامبر، خمس مال دریافت می کردند ولی بعد از وفات پیامبر اکرم از آنها ساقط شد

و اما بعد رسول الله فسهمه ساقط بموته(۱)؛ _ و منع فاطمه و اهل البیت عن خمسهم و لم یکن ذلک فی زمن النبی؛ مولا علی درباره آیه ۴۱ سوره انفال فرمود: خمس مخصوص ماست و ما را در صدقه سهمی نیست این کرامتی است که خداوند؛ پیامبر خود و خندان او را با آن گرامی داشته و ما را از چرکهای دستهای مسلمین برتری داده است

عن علی ابن ابی طالب فی قول الله تعالی و اعلموا انما غنمتم من شی ء الایه قال: لنا خاصه و لم یجعل لنا فی الصدقه نصیباً کرامه اکرم الله تعالی نبیه و آله بها و اکرمنا عن اوساخ ایدی المسلمین (۲)

مجاهد گفت: برای پیامبر و اهل بیت معصوم او صدقه حلال نبود پس برای آنها خمس مال قرار داد

عن مجاهد قال: کان النبی و اهل بیته لاتحل لهم الصدقه فجعل لهم الخمس(۳)

از جمله ادله برای برتری مولا علی بر پیامبران بغیر از رسول اسلام این است که پیامبر اکرم فرمود: و برای خویش چیزی از خدا نخواستم مگر آنکه آنرا برای تو ای علی نیز خواستم

و ما سالت لنفسی شیئاً الاسالت لک (۴)،

و خداوند فضل و کرم و لطف بی دریغ و فراوان بر نبی اسلام داشته و دارد و آنچه به پیامبر اکرم عطاء و فضل روز قیامت کند که راضی و خشنود باشد و او را به مقام محمود و پسندیده فائز فرموده همان مقامات فضل الهی عالیه؛ را خداوند و

۱- ۱. شرح تجرید قوشچی ص ۳۷۴ مقصد ۵

۲- ۲. شواهد التنزیل حاکم حسکانی حنفی ص ۱۲۸ ح ۲۹۲

۳- ۳. شواهد التنزیل ص ۱۳۰ ح ۲۹۶

۴- ۴. خصائص نسایی ج۱ ص ۱۵۶، سنن الکبری نسایی ج۵ ص ۱۵۱، تاریخ مدینه دمشق ج۴۲ ص ۳۱۱

رسول اسلام به مولاـ علی، چون نفس پیامبر اسلام است، لطف و عنایات ویژه کرده و به همین دلیل هم مولاـ علی بر تمام خلائق و پیامبران بغیر از رسول اسلام افضل و برتر می باشد؛ ان فضله کان علیک کبیرا(۱)

عسی ان یبعثک ربک مقاماً محموداً (۲)

و لسوف یعطیک ربک فترضی (۳)

از جمله فضائل بی نظیر مولا علی و ائمه هدی این است که اسماء و نامهای مقدس و مبارک آنان در ساق عرش قبل از خلقت جن و انس، زینت بخش عرش الهی بوده است و این فضیلت بی نظیر شامل هیچ پیامبر و نبی و رسولی بغیر از رسول اسلام و ائمه هدی نشده؛ پیامبر اکرم می فرماید: هنگامی که به آسمان عروج کردم و بالا رفتم دیدم بر عرش نوشته شده خدایی جز خدای یکتا و بی همتا نیست، محمد رسول و فرستاده اوست او را با علی پشتیبانی و حمایت کردم ـ لما اسری بی الی السماء فاذا علی العرش لا اله الا الله محمد رسول الله ایدته بعلی (۴)

ابوالحسین عبدالباقی بن قانع رسول اکرم می فرماید: هنگامی که به سوی آسمانها عروج کردم دیدم بر روی درب بهشت چنین نوشته: خدایی جز خدای یگانه نیست، محمد فرستاده اوست، او را دو هزار سال پیش از خلقت آسمانها و زمین با علی حمایت کردم

مکتوب علی باب الجنه: لا اله الا الله محمد رسول الله ایدته بعلی قبل ان یخلق السموات و الارض بالفی سنه(۵)

مکتوب علی باب الجنه محمد رسول الله، علی اخو رسول الله قبل ان یخلق الله السموات بالفی عام.(۶)

پیامبر اکرم فرمود: بر در بهشت نوشته است ـ محمد پیامبر خدا و علی برادر

۱- ۱. سراء آیه ۸۷
۲- ۲. اسراء آیه ۷۹
۳- ۳. سوره ضحی آیه ۵
۴- ۴. شمس الاخبار ص ۳۵، مصباح الظلام ج۲ ص ۵۶، فیض القدیرج۴ ص ۳۵۵ ـ معجم الکبیر طبرانی ج ۲۲ ص ۲۰۰، تاریخ بغداد ج۱۱ ص ۱۷۳، معجم الصاحبه۳ ص ۲۰۲
۵- ۵. تاریخ مدینه دمشق ج۴۲ ص ۳۳۶، میزان الاعتدال ذهبی ج۱ ص ۴۳۳
۶- ۶. المناقب ابن مغازلی ص ۹۱ ذخائر العقبی طبری ص ۶۶

رسول خداست و این از (۲) هزار سال قبل از خلقت آسمانها نوشته و مکتوب شده است؛ پیامبر اکرم فرمود: آن شبی که مرا به آسمانها بردند، دیدم بر سر در بهشت نوشته شده، نیست معبودی جز الله، محمد رسول خدا، علی حبیب خدا، حسن و حسین برگزیدگان خدا _ فاطمه کنیز خدا، بر دشمنانشان لعنت خدا

لا اله الا الله محمد رسول الله، علی حبیب الله الحسن و الحسین صفوه الله، فاطمه امه الله، علی باغضیهم لعنه الله (۱)؛

رایت لیله اسری بی الی السماء علی العرش مکتوباً: لا اله الا انا وحدی لاشرک لی و محمد عبدی و رسولی ایدته بعلی فذلک قوله: هو الذی ایدک بنصره و بالمومنین _ (۲)مکتوب علی باب الجنه قبل ان یخلق السماوات و الارض بالفی عام: لا اله الا الله محمد رسول الله ایدته بعلی ..(۳)

مکتوب علی العرش: لا ـ اله الا ـ الله محمد رسول الله هو نبی الرحمه و علی مقیم الحجه؛ پیامبر اکرم می فرماید؛ شبی که بسوی آسمان عروج کردم و بالا رفتم دیدم بر ساق عرش مکتوب و نوشته شده؛ معبودی جزخدای یکتا نمی باشد؛ محمد پیامبر من هست، بوسیله علی او را یاری کردم سپس بوسیله حسن و حسین دیدم نام ۳ علی و دیدم نام ۲ محمد و نام جعفر و موسی و حسن و حجت که ۱۲ اسم مکتوب به قلم نور بود؛ سوال کردم: خدایا این نام های نورانی مکتوب شده در ساق عرش چیست؟! خداوند فرمود: ای محمد اینان امامان بعد از تو هستند که از پاکان و نیکان ذریه و نسل تو می باشند

لما عرج بی الی السماء رایت مکتوباً علی ساق العرش بالنور: لا اله الا الله؛ محمد رسول الله؛ ایدته بعلی بن ابی طالب و نصرته به، ثم الحسن و الحسین و رایت علیاً علیاً علیاً ثلاث مرات و رایت محمداً محمداً مرتین و جعفراً و موسی و الحسن و الحجه؛ اثنی عشر اسماً مکتوباً بالنور فقلت: یا رب اسماء من هولاء

۱- ۱. میزان الاعتدال ذهبی ج۲ ص ۲۱۷ سیوطی در در المنثور ذیل آیه اول سوره اسرا، حلیه الاولیاء ج۳ ص ۲۶؛ کنزالعمال ج۱۵ ص ۱۵۸جزء ۶، فرائد السطین ج۱ ص ۲۴۰ ص ۲۳۹ح ۱۸۶

۲- ۲. شواهد التنزیل حاکم حسکانی حنفی ح ۲۹۹ و ح ۳۰۰ ح ۳۰۱ و ۳۰۲ و ۳۰۳ _

۳- ۳. نظم در رالسمطین زرندی حنفی ص ۱۲۰، مجمع الزوائد ج۹، ص ۱۲۱؛ ینابیع الموده ص ۱۱ و ص ۹۴؛ مناقب خوارزمی ص ۸۸، مقتل الحسین خوارزمی ج۱ ص ۳۸ تذکره الخواص ص ۲۲؛ مسند احمد حنبل ج۵ ص ۴۶، موده القربی ص ۱۹؛ _

الذین قد قرنتهم بی؟ فنودیت یا محمد؛ هم الائمه بعدک و الاخیار من ذریتک(۱)

از جمله فضائل بی نظیر مولاـ علی که برتری او را بر تمام پیامبران و خلائق بغیر از رسول اسلام می رساند این است که نبی اکرم فرمود: من و علی، حجت خدا بر تمام عبد و بندگان خدا هستیم؛ پیامبران، فرشتگان هم مصداق حقیقی عباد و بندگان خداوند هستند و به همین دلیل پیامبر اسلام و مولا علی بر آنان حجت، گواه، شاهد و دلیل هستند

قال رسول الله: انا و علی حجه الله علی عباده (۲)

از جمله فضایل و برتری های بی نظیر ائمه ۱۲ گانه شیعه بر پیامبران و خلائق بغیر از رسول اسلام این است که خداوند متعال؛ دوستی، محبت، مودت به آنان را مزد و اجر رسالت پیامبر اسلام قرار داده است، امام رضا علیه السلام فرمود: سخن خداوند در سوره شوری آیه ۲۳ خصوصیتی است برای پیامبر اسلام و خاندان او تا روز قیامت نه برای دیگران؛ خداوند فقط به این دلیل دوستی اهل بیت را واجب قرار داد که می دانست آنان هرگز از دین خدا جدا نمی شوند و هرگز به گمراهی باز نمی گردند ... این دوستی از سوی خدا بر همه مومنان واجب است؛ بعضی گفتند منظور از خویشاوندان پیامبر تمامی قوم عرب و امت او هستند در هر حال می دانیم که منظور از دوستی که خداوند واجب قرار داده دوستی خویشاوندان و هر کدام از این خویشاوندان که به آن حضرت نزدیکتر باشد به دوستی سزاوارتر است و دوستی به اندازه نزدیکی خویشاوندی است

هذه خصوصیه للنبی الی یوم القیامه و خصوصیه للآل دون غیرهم ... و لم یفرض الله تعالی مودتهم الا و قد علم انهم لایرتدون عن الدین ابداً و لایرجعون الی ضلال ابداً: ... فای فضیله وای شرف یتقدم هذا او یدانیه؟... فهذه الموده فریضه من الله تعالی علی کافه المومنین... فقد علمنا ان الموده هی للقرابه فاقربهم من

۱- ۱. کفایه الاثر ص ۱۰۵ و ص ۱۰۶ اصول دین مقدس اردبیلی ص ۱۷۲؛ الانصاف ص ۹۷ ح ۸۳؛ حدیقه الشیعه؛ مقدس اردبیلی ص ۴۸۸؛ پرتوی از امامت در قرآن و سنت ص ۱۵۲ نوشته مداح ابن مالک؛ کفایه الاثر ص ۲۴۵؛ سوالات ما، استاد حسین تهرانی ص ۷۷۴ الغدیر علامه امینی ص ۱۶۷ج ۳

۲- ۲. کنزالعمال ج۱۱ ص ۶۲۰ ح ۳۳۰۱۳، تاریخ بغداد ج۲ ص ۸۸؛ کنوز الحقایق ص ۴۶؛ المناقب لابن مغازلی ص ۴۵ ح ۶۷ تاریخ دمشق ج ۴۲ ص ۳۰۹؛ انا و هذا (علی) حجه علی امتی یوم القیامه؛ ریاض النضره طبری ج۲ ص ۱۹۳؛

النبی اولاهم بالموده... (۱)

اما شان نزول آیه مودت (آیه ۲۳ سوره شوری) درباره چه کسانی است؟! ابن عباس می گوید وقتی آیه ۲۳ سوره شوری نازل شد از پیامبر سوال کردم آن اقربا و خویشان که دوستی و محبت به آنان واجب است چه کسانی هستند؟ فرمود: علی و فاطمه و پسرانش

عن ابن عباس قال: لما نزلت (قل لا اسالکم علیه اجراً الا الموده فی القربی) قالوا: یا رسول الله من قرابتک هولاء الذین و جبت علینا مودتهم؟ قال: علی و فاطمه و ابناءهما(۲)

جناب وهابی؛ هیچ پیامبری برای خودش از امتش درخواست مزد و اجر و پاداش نکرد و گفت مزد من با خداست با ولی خداوند به پیامبر اسلام؛ افضل خلائق دستور می دهد بگو مزد رسالت نمی خواهم مگر دوستی خاندانم؛ و دوستی این خاندان مطهر و دوستی پیامبر اسلام وصل و متصل است به دوستی خداوند قرآن کریم در سوره آل عمران آیه ۳۱ می فرماید: بگو ای پیامبر اگر خدا را دوست دارید از من (پیامبر) پیروی کنید تا خدا دوستتان بدارد

قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله (۳)

از ابن عباس روایت کرده که گفت: رسول خدا فرمود: خدا را دوست بدارید بخاطر نعمتهایش و مرا دوست بدارید به خاطر خدا و اهل بیتم را دوست بدارید به خاطرمن

من احبوا الله تعالی یغذوکم به من نعمته و احبونی لحب الله تعالی واحبّوا اهل بیتی لحبّی (۴)

۱- ۱. ینابیع الموده ج۱ ص ۲۸۸

۲- ۲. الکشف و البیان ثعلبی ج۸ ص ۳۱۰، معجم الکبیر طبرانی ج۳ ص ۳۹، صواعق المحرقه ص ۱۷۰، جامع البیان طبری ج۱۳ ص ۳۳، تاریخ دمشق ابن عساکر ج ۴۱ ص ۳۳۵؛ تفسیر الکبیر رازی ج۲۷ ص ۱۶۶، تفسیر بیضاوی ج۴ ص ۹۱؛ غرائب القرآن الدر المنثور ج۵ ص ۷۰۱، تفسیر کشاف ج ۴ ص ۲۱۳ _ تفسیر القرآن ابن کثیر ج ۴ ص ۱۰۱، المستدرک حاکم ج۳ ص ۱۸۹ _ تفسیر الوسیط و احدی ج۴ ص ۵۲ ینابیع الموده ج۱ ص ۳۱۵، فرائد المسطین ج۲ ص ۱۳؛ مطالب السوول ص ۴۰؛ مناقب ابن مغازلی ص ۳۰۹؛ نورالابصار ص ۲۲۷؛ مناقب ابن مردویه ص ۳۱۶، الاتحاف ص ۱۷، احیاء المیت ص ۸؛ فصول المهمه ج۱ ص ۱۵۵؛ کفایه الطالب ص ۹۱؛ شواهد التنزیل ج۲ ص ۱۸۹ ح ۸۲۲؛ مسند احمد ج۱ص۱۹۹

۳- ۳. ترمذی در صحیح خود ج ۲ ص ۳۰۸

۴- ۴. محمد اسماعیل بخاری در کتاب الصحیح البخاری ج ۶ ص ۳۷ ذیل آیه ۲۳ سوره شوری از ابن عباس روایت کرده که منظور از قربی آل محمد است؛ ذخائر العقبی ص ۲۵؛ مجمع الزوائد ج۷ ص۱۰۳، قرطبی در تفسیرش ج۸ ص ۴۳ نظم در رالسمطین ص ۲۳۱؛ تاریخ الاسلام ذهبی ج ۱۰ ص ۲۹۶؛ الجامع الصغیر سیوطی ج۱ ص ۳۹ الکامل ابن عدی ج۷ ص ۱۱۲؛

جامع الاصول ابن اثیر ج۲ ص ۴۱۵؛ حلیه الاولیاء ج۳ ص ۲۰۱؛ تفسیر ابن ابی حاتم ج۱۰ ص ۳۲۷۵؛ و ...

یکی دیگر از فضائل و برتری ائمه ۱۲ گانه شیعه بر پیامبران الهی؛ بغیر از بر رسول اسلام؛ آیه ۵۵ سوره مائده است که معروف به آیه ولایت می باشد و این آیه شریفه یکی از آیات امامت و ولایت است و بقول علمای شیعه محکم ترین آیه قرآن راجع به امامت خاصه الهی ائمه ۱۲ گانه شیعه؛ آیه ۵۵ سوره مائده است که معروف به آیه ولایت می باشد و این آیه شریفه یکی از آیات امامت و ولایت است و بقول علمای شیعه محکم ترین آیه قرآن راجع به امامت خاصه الهی ائمه ۱۲ گانه شیعه، همین آیه کریمه است؛ سائل و گدایی از کنار پیامبر اسلام عبور کرد و در دستش خاتم و انگشتری بود؛ پیامبر اکرم از او سوال کرد این انگشتر را چه کسی به تو عطاء کرد، گدا گفت: آن آقایی که در حال رکوع بود و او علی ابن ابی طالب بود که داشت در مسجد نماز می خواند سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: سپاس خداوندی که قرار داد این فضیلت را در من و در اهل بیت من سپس آیه ولایت نازل شد همانا ولی شما تنها خداوند است و رسول او (حضرت محمد) و کسانی که ایمان آورده اند و در حال رکوع زکات می دهند

مرّ سائل بالنبی و فی یده خاتم فقال: من اعطاک هذا الخاتم؟ قال ذاک الراکع؛ و کان علیٌ یصلی؛ فقل النبی؛ الحمدلله الذی جعلها فی و فی اهل بیتی (انما ولیکم الله و رسوله) الایه و کان علی خاتمه الذی تصدق به، سبحان من فخری بانی له عبد؛ (۱)

نزول آیه الولایه؛ همانطور که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ذیل این آیه شریفه فرموده این فضیلت و برتری فقط درباره ائمه ۱۲ گانه شیعه جمع شده و سایر پیامبران به این فضل و فیض نائل نشدند و به همین دلیل محکم، ائمه ۱۲ گانه ما؛ بر تمام پیامبران بغیر از رسول اسلام ارجح و افضل هستند، درباره این آیه شریفه دشمنان اهل بیت و نواصب گذشته و عصر حاضر، زیاد شبهه و مغلطه اشاعه داده اند که بطور توان و

۱- ۱. مناقب ابن مغازلی شافعی ص ۲۶۱ ح ۳۵۶

اختصار به تمام شبهات آنان، پاسخ مختصر داده می شود؛ از جمله عبادت مالی و بدنی در یک وقت از مولا علی صادر گردید و جامع این دو صفت عظیم و بی نظیر در حالت واحد؛ علی ابن ابی طالب است.(۱)

مرحوم علامه امینی نجفی علیه الرحمه و الرضوان در کتاب پرارزش الغدیر ج۳ از ص ۲۲۱ الی ص ۲۲۶ نام ۶۶ نفر از مفسران، محدثان شارحان و متکلمان نامی اهل سنت و جماعت را ذکر می کند که آیه ۵۵ سوره مائده معروف به آیه ولایت در شان والای مولا علی نازل شده است؛ مرحوم آیت الله سید محمد سلطان الواعظین شیرازی در کتاب پرارزش شبهای پیشاور ج۲ ص ۷۳۸ جلسه ششم؛ باتحقیق و ویرایش جدید؛ حاج شیخ عبدالرضا درایتی چاپ انتشارات دلیل ما؛ چاپ سال ۱۳۸۹ حدود ۴۰ منبع و مصدر اهل سنت را ذکر کرده که آیه ۵۵ سوره مائده (معروف به آیه ولایت) را در شان والای مولا علی نقل کرده اند از جمله منابع اهل سنت که آیه ۵۵ سوره مائده را نقل کرده اند به این شرح هست (۲)

۱- ۱. الخصائص الوحی المبین ابن بطریق ص ۸۲

۲- ۲. تفسیر الکبیر فخر رازی ج۱۲ ص ۲۶؛ الکشف والبیان ثعلبی ج۴ ص ۸۰؛ الکشاف زمخشری ج۱ ص ۶۳۵؛ جامع البیان طبری ج۴ ص ۳۸۹ ح ۹۵۲۲؛ الجامع لاحکام القرآن قرطبی ج ۶ ص ۲۲۱؛ مدارک التنزیل، محمود نسفی ج۱ ص ۳۲۸؛ غرائب القرآن فاضل نیشابوری ج۶ ص ۱۶۷، اسباب النزول واحدی ص ۱۳۳؛ احکام القرآن جصاص ج ۴ ص ۱۰۲؛ انوار التنزیل بیضاوی ج۱ ص ۴۳۹ در المنثور سیوطی ۲ ص ۵۱۹؛ فتح القدیر شوکانی ج۲ ص ۵۳؛ روح المعانی آلوسی ج۳ ص ۳۳۴؛ معالم التنزیل بغوی ج۲ ص ۴۷؛ مطالب السوول طلحه شافعی ص ۱۲۵ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۱۳ ص ۲۷۷؛ تفسیر الخازن علاء الدین بغدادی ج۲ ص ۵۶ ینابیع الموده ج۲ ص ۱۷۷ تاریخ دمشق ابن عساکر ج۴۲ ص ۳۵۷ رقم ۴۹۳۳؛ تذکره الخواص ابن جوزی ص ۲۴؛ شرح المواقف جرجانی ج۸ ص ۳۶۰ فصول المهمه ابن صباغ مالکی ج۱ ص ۵۸۰؛ معجم الاوسط طبرانی ج۷ ص ۱۳۰ مناقب ابن مغازلی ص ۳۱۱؛ کفایه الطالب گنجی شافعی ص ۲۲۹؛ شرح تجرید قوشچی ص ۳۶۸؛ نور الابصار شبلنجی ص ۱۵۸، ریاض النضره ج ۳ ص ۱۷۸ کنز العمال ج ۱۳ ص ۱۰۸؛ الوسیط واحدی ج۲ ص ۲۰۱؛ البحر المحیط ابوحیان اندلسی۳ ص ۵۲۵، المحرر الوجیز ابن عطیه اندلسی ج۲ ص ۲۰۸، معرفه علوم الحدیث حاکم نیشابوری ص ۱۰۲ نوع ۲۵؛ شواهد التنزیل حاکم حسکانی ج۱ ص ۲۰۹ تفسیر القرآن ابن کثیر ج۲ ص ۶۴؛ نظم در رالسمطین ص ۸۶ سمط ۱؛ فرائد السمطین حموئی ص ۱۸۷ ج۱؛ المنار؛ رشید رضا ج ۶ ص ۴۴۲؛ تفسیر ابی السعود ج ۳ ص ۵۲ النکت و العیون ماوردی ج۲ ص ۴۹ شرح المقاصد تفتازانی ج ۵ ص ۲۷۰ مقصد ۶؛ التبر المذاب، بن محمد الخافی الحسینی الشافعی ص ۴۸؛ مجمع الزوائد ج۷ ص ۱۷؛ مناقب خوارزمی ص ۱۸۷، لباب النقول سیوطی ص ۹۰؛ جامع الاحادیث، الشریف عباس احمد سقر ج ۴ ص ۴۲۲؛ بیت الصدیق شیخ محمد توفیق الصدیقی ص ۲۷۳ التسهیل لعلوم التنزیل حافظ محمد بن احمد جزی کلبی ج۱ ص ۱۸۱؛ جمع الجوامع ج۶ ص ۳۹۱، الصواعق المحرقه ابن حجر ص ۲۴؛ تقریب المرام فی شرح تهذیب الکلام، شیخ عبدالقادر بن محمد سعید کردستانی ج ۲ ص ۳۲۹؛ تفسیر ابن ابی حاتم ج۴ ص ۱۱۶۲،جامع الاصول ابن اثیرج۹ص۴۷۸-الکافی الشاف فی تخریج احادیث لکشافص ۵۶ ابن حجر

انما ولیکم الله و رسوله والـذین امنوا: قال: الله و رسوله و الـذین امنوا : علی ابن ابی طالب قاضـی عضـد الـدین ایجی در کتاب المواقف ج ۳ ص ۶۰۱ می نویسد: تمام پیشوایان تفسیر قرآن اجماع دارند بر این که این آیه (۵۵ سوره مائده) درباره امام علی نازل شـده است ـ واجمع ائمه التفسـیر ان المراد علی و للاجماع علی ان غیره غیر مراد؛ سـعدالدین تفتازانی در شـرح المقاصـد ج۲ ص ۲۸۸ می نویسد: این آیه (۵۵ سوره مائـده) در حق علی ابن ابی طالب بعد از آنکه در حال رکوع نماز به سائل انگشتر داد نازل شده است؛

نزلت باتفاق المفسـرین فی علی ابن ابی طالب رضی الله عنه حین اعطی السائل خاتمه و هو راکع فی صلاته و کلمه انما للحصر بشهاده النقل و الاستعمال

شهاب الدین آلوسی در تفسیر روح المعانی ج۶ ص ۱۶۷ می نویسد: غالب واکثر اهل اخبار و حدیث عقیده دارند این آیه (۵۵ سوره مائـده) درباره امام علی نازل شده است و غالب الاخباریین علی انها نزلت فی علی کرم الله وجهه، آلوسـی در ج ۶ تفسیر روح المعانی ص ۹۳ مجـدد درباره این آیه (۵۵ سوره مائـده) می نویسـد: نزد معظم و بزرگان اهل حدیث این آیه (۵۵ سوره مائده) درباره امام علی نازل شده است

انما ولیکم الله و رسول ... والایه عند معظم المحدثین نزلت فی علی کرم الله تعالی وجهه

جصاص در تفسیر احکام القرآنش ج ۴ ص ۱۰۲ می نویسد: این آیه (۵۵ سوره مائده) درباره امام علی نازل شد و امام علی در حـالت رکوع نمـاز به فقیر، انگشترش صـدقه داد ـ انهـا نزلت فی علی ابن ابی طـالب حین تصـدق بخاتمه و هو راکع؛ شـجری جرجانی در کتاب الامالی الخمیسه ج۱ ص ۱۸۱ بیش از ۱۰ سند ذکر کرده که این آیه (۵۵ مائده) درباره امام علی نازل شده است ـ ح ۶۷۱

عن علی علیه السـلام انه تصـدق بخاتمه و هو راکع فنزلت فیه هـذه الایه: انما ولیکم الله و رسوله .... ح ۶۷۲ عن ابن عباس، انما ولیکم الله ... نزلت فی علی ....

ابن کثیر می نویسد: پیامبر از منزل بسوی مسـجد خارج شد؛ مردم در مسجد در حال رکوع و سجده؛ ایستاده و نشسته بودند؛ و مسکینی در مسجد گدایی می کرد؛

رسول خدا بر او وارد شد از او سوال کرد آیا کسی چیزی به تو داد؟ گفت بله؛ پیامبر فرمود چه کسی به تو کمک کرد؛ سائل گفت: این آقایی که ایستاده؛ پیامبر اکرم فرمود: در چه حالتی به تو کمک کرد؛ فقیر گفت: در حالت رکوع و او علی ابن ابی طالب بود؛ پیامبر اکرم تکبیر گفت:

خرج رسول الله الی المسجد و الناس یصلون بین راکع و ساجد و قائم و قاعد؛ و اذا مسکین یسال فدخل رسول الله فقال: اعطاک احد شیئاً؟ قال: نعم قال من قال ذلک الرجل القائم قال: علی ای حال اعطا که؟ قال: و هو راکع؛ قال و ذلک علی ابن ابی طالب قال: فکبر رسول الله(۱)

وکان علی فی الصلاه فی الرکوع و فی یمینه خاتم فاشار الی السائل بیده حتی اخذه؛ (۲)_ انما ولیکم الله و رسوله الایه قال نزلت فی علی ابن ابی طالب

یکی از شبهاتی که دشمنان اهل بیت درباره این آیه و شان نزول آن دارند این است که منظور ولایت و ولی در آیه دوستی و محبت و نصرت می باشد و به معنای سرپرستی و اولویت و امامت نمی باشد؟!! راغب اصفهانی در المفردات ج۱ ص ۵۳۳ در معنای ولایت می نویسد: ولایت به کسر و او به معنای سرپرستی بکار می رود، حقیقت معنای ولایت همان سرپرستی است؛

والولایه: تولی الامر و قیل: الولایه و الولایه نحو الدلاله و الدلاله و حقیقته: تولی الامر؛ (۳) الوالی و هو مالک الاشیاء جمیعاً، المتصرف فیها...

ابن منظور در لسان العرب ج۱۵ ص ۴۰۷ ذکر کرده اند؛ اصلاً رسول اکرم؛ معنای ولایت را تفسیر فرموده اند . پیامبر اکرم فرمود: خداوند مولای من است؛ سزاوارتر به من از خودم می باشد با وجود او امری برای من نیست و من مولای مومنان هستم که سزاوارتر به آنان از خودشان هستم با وجود من امری بر آنان نیست و هر که من مولای اویم که سزاوارتر به او از خود او هستم، علی مولای اوست که سزاوارتر به او از خودش می باشد و امری برای او با وجود علی نیست _

الله مولای اولی بی من نفسی لا امرلی معه و انا مولی المومنین ؛اولی بهم من

ص:۲۳۹

۱- ۱. . .. تفسیر القرآن العظیم ج۲ ص ۷۲ _ قرطبی در الجامع الحکام القرآن ج ۶ ص ۲۲۱ _
۲- ۲. جلال الدین سیوطی در لباب النقول ج۱ ص ۹۳
۳- ۳. این معنا را جزری در النهایه فی غریب الحدیث والاثر ج۵ ص ۲۲۶

انفسهم لا امرلهم معی و من کنت مولاه اولی به من نفسه لا امرله معی فعلی مولاه اولی به من نفسه لا امرله معه.(۱)

سلمان فارسی از پیامبر اکرم سوال کرد، ولایت علی به چه معنا است؟ پیامبر اکرم فرمود: ولای او مانند ولای من است هر کس که من اولی به او از خودش می باشم، علی نیز اولی به او از خود او می باشد

قال: ولاء کولای من کنت اولی به من نفسه فعلی اولی به من نفسه (۲)

علمای اهل سنت در ذیل آیه ۶ سوره احزاب که قرآن می فرماید: پیامبر اولی بر مومنان از جان های آناست برای نمونه آلوسی می نویسد: پیامبر نسبت به مومنان اولی است یعنی سزاوارتر و نزدیکتر از مردم به خودشان است؛ بغوی شافعی می گوید: منظور نفوذ حکم در آنها و وجوب اطاعت آنهاست؛ ابن عباس گفته: چون پیامبر چیزی از آنها بخواد اما خودشان به چیز دیگری تمایل داشته باشند، اطاعت از آن حضرت؛ واجب و سزاوارتر است؛ شوکانی می نویسد: اگر پیامبر از مسلمانان چیزی بخواهد و نفس آنها امر دیگری کند بر آنها واجب است که دستور پیامبر را مقدم بدارند وبر آنها واجب است که اطاعت از آنحضرت را برتر از خواست خود بدانند و اطاعت ایشان را بر خواهش های نفسانی خود مقدم بدارند ــ

النبی اولی بالمومنین ــ ای احق و اقرب الیهم من انفسهم او اشد ولایه و نصره (۳)فی نفوذ حکمه فیهم و وجوب طاعته علیهم و قال ابن عباس و عطاء: یعنی اذا دعاهم النبی و دعتهم انفسهم الی شی کانت طاعه النبی اولی بهم من انفسهم (۴)

امام صادق علیه السلام ، مولا و ولی را در این آیه (۵۵ سوره مائده) به معنای اولی و سزاواری و سرپرستی امت اسلام معنا و تفسیر فرموده: امام صادق علیه السلام فرمود ولی در این جا: یعنی سزاوارتر به شما و کارهای شما و جان و مال شما، خدا و رسول او و علی و اولاد او که ائمه هدی می باشند هستند تا روز قیامت؛ پس هر یک از اولاد علی که امام هستند به درجه امامت الهی برسند مانند خود او همین صفت را دارد که در حال

۱- ۱. علی بن حمید قرشی در شمس الاخبار ص ۳۸ به نقل از کتاب صلوه العارفین جرجانی
۲- ۲. فرائد السمین حموئی شافعی ج۲ ص ۳۱۲ ح ۲۵۰؛ ینابیع الموده قندوزی حنفی ج۲ باب ۳۸ ص ۲۱۲
۳- ۳. روح المعانی ج۱۶ ص ۴۲،
۴- ۴. معالم التنزیل ج ۳ ص ۵۰۷ ــ فتح القدیر ج۴ ص ۲۶۱

رکوع، تصدق می دهد و آن سائلی که از امیرمومنان تقاضا کرد از ملائکه بود و آنها که از ائمه اولادش سوال کنند از فرشتگان هستند

یعنی اولی بکم ای احق بکم و باموركم من انفسكم و اموالكم الله و رسوله و الذین امنوا یعنی علیاً و اولاده ائمه الی یوم القیامه وصفهم الله عزوجل ... وصیر نعمه اولاده بنعمته فكل من بلغ من اولاده مبلغ الامامه یکون بهذه النعمه مثله فیتصدقون و هم راکعون و السائل الذی سأل امیر المومنین من الملائکه و الذین یسألون الائمه من اولاده یکونون من الملائکه _ (۱)

؛ زمانی که مولا علی در حال رکوع صدقه داد و آیه ولایت بر پیامبر نازل شد؛ پیامبر اکرم تکبیر گفت و فرمود: علی بعد از من بر شما ولی و سرپرست است، سپس مسلمانان گفتند: راضی شدیم به خدایی الله؛ و نبوت محمد و ولایت و امامت علی پسر ابوطالب

فکبر النبی و کبر اهل المسجد فقال النبی علی ولیکم بعدی قالوا: رضینا بالله و بمحمد نبینا و بعلی بن ابی طالب ولیّا (۲)

عبارت و واژه ولی در کلام ابوبکر خلیفه اول و در کلام عمر ابن الخطاب و در کلام عایشه آمده که به معنای رهبری و سرپرستی امت اسلام که خدمت موافق و مخالف عرضه می شود؛ خلیفه اول ابوبکر چون به خلافت رسید برای مردم سخنرانی کرد و گفت: من ولی و رهبر شما شده ام ولی بهتر از شما نیستم

ایها الناس فانی قدولیت علیکم ولست بخیرکم _ (۳)و هذا اسناده صحیح؛(۴)

انی ولیت علیکم ولست بخیرکم (۵) فانی ولیت هذا الامر وانا له کاره

عمر ابن الخطاب گفت: پس از وفات پیامبر، ابوبکر گفت من ولی و جانشین رسول خدا هستم، پس از مرگ پیامبر و ابوبکر من ولی و جانشین پیامبر وابوبکر شدم از عمر بن خطاب درباره جانشین سوال شد؛ عُمر گفت: اگر عبیده ابن جراح را درک می کردم ولی و سرپرست می کردم صحیح مسلم ج ۳ص ۱۳۷۸ ح ۱۷۵۷ –انا ولی

۱- ۱. اصول کافی ج ۱ ص ۲۸۸ ح ۳

۲- ۲. تفسیر البرهان ج۱ ص ۴۸۰؛

۳- ۳. البدایه و النهایه ابن کثیر ج ۶ص۳۰۱

۴- ۴. تاریخ طبری ص ۲۳۷؛ فانی ولیت هذا الامر و انا له کاره ... تاریخ الخلفاء سیوطی ج۱ ص ۷۱؛

۵- ۵. تاریخ یعقوبی ج ۲ ص ۱۲۷

رسول الله و ولی ابوبکر

لوادرکت ابا عبیده بن الجراح لوالیته (۱)

قال فیه عمر ابن الخطاب کلا ما معناه لوکان سالم مولی ابی حذیفه حیا لولیته الخلافه(۲)

عایشه گفت: وقتی ابوبکر ولی و سرپرست شد

عن عائشه قالت لما ولی ابوبکر (۳)

قلت: و اسناده هذا صحیح رسول اکرم به عبارات و واژه های مختلف و گوناگون ولایت مولا علی را برای امت اسلام بیان فرموده که در منابع اهل سنت آمده (۱)

علی ولی کل مومن بعدی: پیامبر اکرم فرمود علی بعد از من ولی و سرپرست هر مومنی است (۴)

حاکم نیشابوری در المستدرک علی الصحیحین ج ۳ ص ۱۴۳ ح ۴۶۵۲ می نویسد: سند این روایت صحیح است؛ ذهبی در المستدرک بتعلیق ذهبی ج۳ ص ۱۴۳ کتاب معرفه الصحابه می گوید این روایت صحیح می باشد و آلبانی در سلسه الصحیحه ج۵ ص ۲۲۲ آنرا تائیده کرده است _ انت ولی کل مومن بعدی و مومنه ... هذا حدیث صحیح الاسناد ابن حجر در الاصابه ج۴ ص ۵۶۹ می گوید این حدیث با سند قوی نقل شده

واخرج الترمذی باسناده قوی ...(۵)

ص:۲۴۲

۱- ۱. تاریخ المدینه ابن شبه ج۲ ص ۶۱، حلیه الاولیاء ج۱ ص ۲۲۹

۲- ۲. تفسیر بحر المحیط ج ۴ ص ۳۱۴؛ مقدمه ابن خلدون ج۱ ص ۱۹۴ تاریخ المدینه ابن شبه ج۲ ص ۶۱، حلیه الاولیاء ج۱ ص ۲۲۹

۳- ۳. الطبقات الکبری ج۳ ص ۱۸۵، ارواء الغیل ج۸ ص ۲۳۲ ناصر الدین آلبانی الجزء الثامن ص ۲۳۲

۴- ۴. المصنف ابن ابی شیبه ج۶ ص ۳۷۲ (۲) هو ولی کل مومن من بعدی: مسند احمد حنبل ج۴ ص ۴۳۷ (۳) انت ولی کل مومن بعدی _ مسند ابی داود طیالسی ج۱ ص ۳۶۰ ح ۲۷۵۲؛ (۴) انت ولی کل مومن بعدی و مومنه _ فضائل الصحابه ج۲ ص ۶۸۴ ح ۱۱۶۸، (۵) انت ولیی فی کل مومن بعدی _ مسند احمد ج۱ ص ۳۳۰؛ (۶) فانه ولیکم بعدی _ الاصابه ابن حجر ج۶ ص ۶۲۳ (۷) ان علیاً ولیکم بعدی _ البدایه و النهایه ابن کثیر ج۷ ص ۲۴۶؛ (۸) هذا ولیکم بعدی _ السنن الکبری نسائی ج۵ ص ۱۳۳ (۹) و انت خلیفتی فی کل مومن من بعدی _ السنه ابن ابی عاصم ج۲ ص ۵۶۵ (۱۲) فهو اولی الناس بکم بعدی _ المعجم الکبیر طبرانی ج۲۲ ص ۱۳۵انک ولی المومنین من بعدی – تاریخ بغدادج۴ص ۳۳۸

۵- ۵. ذهبی در تاریخ الاسلام ج۳ ص ۶۳۰ و در سیر اعلام النبلاء ج۸ ص ۱۹۷ سند آنرا حسن معرفی کرده و ...

از جمله شبهات و اشکالاتی که نواصب به آیه ولایت درباره شان نزولش در مورد امام علی می گیرند این است که این ضمیر جمع بکار برده و علی یک نفر بیشتر نبوده و این آیه شامل عموم مومنان می شود اولاً اولین عبارت آیه کلمه انما دارد که افاده حصر است؛ یعنی ولایت در این آیه اختصاصی و ویژه گروه خاصی است نه تمام مومنان آلوسی می گوید: تعظیم فاعل برای این که این فعل مهم را انجام داده و همانگونه که خداند در حق ابراهیم فرمود بدرستی که ابراهیم یک امت بوده بخاطر ترغیب مردم در انجام مثل این عمل، بزرگ جلوه قرار دادن فعل تا این عمل او الگو برای همه مومنین باشد_(1)؛ زمحشری می گوید: این که در چنین مواردی لفظ جمع آورده شده به این جهت است که بقیه مردم به انجام دادن این کار تشویق شوند و توجه مردم را به این نکته معطوف سازد که مومن باید تا این حد به احسان فقرا حریص باشد که حتی در حال نماز از کمک رسانی و احسان به مستمندان غافل نشود و این چیزی است که از تمامی مومنان خواسته شده است به همین جهت این آیه بصورت لفظ جمع بکار برده (2)یکی دیگر از شبهاتی که وهابی ها علیه فضیلت مولا علی در این آیه (۵۵ سوره مائده) اشاعه می دهند این است که؛ کمک کردن امام علی به فقیر در حالت رکوع نماز؛ فعل اضافی است و حرکت اضافی در نماز، نماز را باطل می کند و این عمل، با افعال عبادی و روحی امام علی که در اوج مناجات با خدا بوده حتی تیر در پای علی می رودوقتی به نماز می ایستد درد آنرا احساس نمی کند و در حال نماز، تیر را از پای او درمی آوردند؟!! قابل تضاد است اولاً این آیه در مدح و تمجید مولا علی نازل شده و خداوند او را در لفظ آیه مدح و ثنا کرده می گوید ولی شما خدا و پیامبر و مومنانی است که در حال رکوع صدقه می دهند اگر این مدح خداوند نیست پس چیست؟! صحیح بخاری در ج۱ ص ۱۵۰ ح ۳۷۵ از عایشه نقل کرده که گفته من بین دو دست رسول خدا بودم و هر دو پای من بسوی قبله رسول خدا بود، وقتی پیامبر سجده می کرد پایم را منگوش (کنجیر) می گرفت وقتی بلند

۱- ۱. روح المعانی ج۶ ص ۱۶۸، المجلد الثالث ص ۲۳۴

۲- ۲. _تفسیر کاشف ج ۱ ص ۶۴۹ _ همانند سوره آل عمران آیه ۱۸۱، ممتحنه آیه ۸، آل عمران آیه ۱۷۳؛ آل عمران آیه ۶۱

می شدم پایم را دوباره دراز می کردم

کنت انام بین یدی رسول الله و رجلای فی قبلته فاذاسجد غمزنی فقبضت رجلی فاذا قام بسطتهما

ای وهابیون اگر فعل و عمل اضافی در نماز، نماز را باطل می کند پس چرا طبق قول صحیح بخاری، پیامبر اکرم با انگشتش پای عایشه را فشار می داده که پایش را جمع کند و نماز او باطل نبوده؟!! عایشه نقل می کند که رسول خدا نماز می خواند و من نزدیک پیامبر و قبله او خوابیده بودم از برای من حاجتی پیش آمد، مایل به نشستن نبودم؛ رسول خدا، مرا اذیت می کرد و من از نزدیک پاهای حضرت فرار کردم(۱)_ فاوذی النبی فانسل من عند رجلیه، رسول خدا، امامه دختر ابوالعاص را در حال نماز روی شانه خود سوار کرد در بعضی از روایات آمده، پیامبر او را روی شانه خود می گرفت و می ایستاد و وقتی سجده می کرد آن دختر کوچک را روی زمین می گذاشت و سجده می کرد و باز هنگام بلند شدن، بچه را بغل می کرد و می ایستاد.(۲)

رایت النبی یوم الناس و امامه بنت ابی العاص وهی ابنه زینب بنت النبی علی عاتقه فاذا رکع وضعها و اذا رفع من السجود اعادها؛ ان رسول الله کان یصلی و هو حامل امامه بنت زینب بنت رسول الله و لابی العاص بن ربیعه بن عبدالشمس فاذا سجد وضعها و اذا قام حملها

راوی می گوید: وقتی با رسول اکرم نماز عشاء خواندیم، هنگامی که رسول اکرم به سجده می رفت امام حسن و امام حسین می آمدند و پشت رسول اکرم؛ سوار می شدند؛ وقتی پیامبر از سجده بلند می شد آن دو را آرام می گرفت و روی زمین می گذاشت و وقتی پیامبر دوباره به سجده برمی گشت آن دو نیز پشت پیامبر سوار می شدند تا اینکه نماز؛ پیامبر تمام شد و آن دو را روی زانویش نشاند (۳)_

کنا نصلی مع رسول الله العشاء فاذا سجد و ثب الحسن و الحسین علی ظهره فاذا رفع راسه اخذهما بیده من خلفه اخذا رفیقا، فیضعهما علی الارض فاذا عاداعادا؛ حتی قضی صلاته؛ ابوبکر جصاص در احکام القرآن ج۴ ص ۱۰۲ می نویسد: پیامبر اسلام در نماز، نعلین را درمی آورده ریشش را مسح می کرد و با

۱- ۱. صحیح بخاری ج۱ ص ۱۹۲ ح ۵۱۴ کتاب الصلاه

۲- ۲. صحیح مسلم ج۲ ص ۷۳ح ۱۱۰۰، صحیح بخاری ج۱ ص ۱۳۱ ح ۵۱۶، سنن ابی داود ج۱ ص ۲۰۹

۳- ۳. مسند احمد ج۲ ص ۵۱۳ ح ۱۰۶۶۹، مستدرک حاکم ج۳ ص ۱۶۷

دستش اشاره می کرد.

وقد روی عن النبی اخبار فی اباحه العمل الیسیر فیها فمنها انه خلع نعلیه فی الصلاه و منها انه مس لحیته و انه اشار بیده؛ رسول خدا و اصحابش در حال نماز؛ انگشتر و نعلیشان را درمی آوردند_

ان النبی خلع خاتمه _ فخلعوا خواتیمهم و انه خلع نعلیه فی الصلاه فخلعوانعالهم (۱)

قرطبی درالجامع لاحکام القرآن ج۶ ص ۲۲۱ می نویسد: مقداری اشاره کردن امام علی در حالت رکوع به سائل که انگشتر را از دست او دربیاورد سبب باطل شدن نماز نمی شود

و هذا یدل علی ان العمل القلیل لایبطل الصلاه قان التصدق بالخاتم فی الرکوع عمل جاء به فی الصلاه و لم تبطل به الصلاه...

حال ممکن است وهابی ها سوال کنند از منابع اهل سنت در تفسیر این آیه چگونه ثابت می شود که راجع به امامت امام علی علیه السلام است؟! حاکم حسکانی حنفی در شواهد التنزیل ص ۹۱ روایات زیادی در ذیل آیه ۵۵ سوره مائده ذکر کرده در ح ۲۳۱ از عمار یا سر نقل می کند که گفت: سائلی نزد علی ابن ابی طالب توقف کرد و او را در حال رکوع نماز مستحبی بود، او انگشتر خود را درآورد و به آن سائل داد؛ پس پیامبر خدا آمد و جریان را به او گفت و این آیه نازل شد؛ پیامبر فرمود: هر کس که من مولای او هستم علی مولای اوست؛

فنزل علی النبی هذه الایه انما ولیکم الله و رسوله الی آخر الایه؛ فقال رسول الله: من کنت مولاه فان علیاً مولاه

اعرابی زمانی که مولا علی در حال نماز، انگشتر خود را به او داده ابیاتی سرود که اشاره به خلافت و امامت حضرت علی دارد _ یا ولی المومنین کلهم ... و سید الاوصیاء من آدم؛ قد فزت بالنفل یا اباحسن؛ اذجادت الکف منک بالخاتم؛ فالجود فرع و انت مغرسه، وانتم ساده لذا العالم

ای ولی همه مومنان و سرور اوصیاء از آدم؛ ای ابوالحسن (حضرت علی) به کار نیکویی موفق شدی؛ هنگامی که دست تو انگشتر را بخشید، سخاوت شاخه ای است

۱- ۱. _ شرح صحیح البخاری ابن بطال ج۱۰ ص ۳۴۶

و تو ریشه آن هستی و شما سروران این عالمید_ (۱)؛ حسان بن ثابت؛ شاعر معروف زمان رسول اکرم نیز در این باب اشعاری سروده که در تاریخ ضبط و ثبت گشته

فانزل فیک الله خیر ولایه:

ای علی تو کسی هستی که در حال رکوع زکات دادی جانم فدایت ای بهترین رکوع کنندگان پس خدا درباره تو بهترین نوع ولایت را نازل کرد؛ _ (۲)

در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هم مولا علی را بسیار تشویق و تمجید نمود زمانی که این آیه (۵۵ سوره مائده) بر او نازل گشت؛ پیامبر اکرم گفت؛ گوارا باد بر تو ای ابوالحسن خداوند درباره تو این آیه (۵۵ سوره مائده) را نازل فرموده

هنیئاً لک یا اباالحسن قد انزل الله فیک آیه من القرآن (انما ولیکم الله و رسوله)

پیامبر به مولاـ علی فرمود: همانا، امروز که در حالت رکوع، انگشتر به سائل دادی، خداوند بوسیله تو بر فرشتگانش مباهات کرد. بخوان

انما ولیکم الله و رسوله ... _ فقال النبی لعلی: لقد باهی الله بک ملائکه الیوم؛ اقرا (انما ولیکم الله و رسوله) (۳)

مفسر نامی اهل سنت امام ثعلبی در تفسیر الکشف و البیان عن تفسیر القرآن ج۴ ص ۸۰ و ص ۸۱ طبق برنامه مکتبه شامله؛ از ابوذر غفاری نقل می کند که می گوید خودم از پیامبر اکرم شنیدم و اگر دروغ بگویم گوشهایم کر باد؛ که فرمود: علی امام و رهبر نیکان و قاتل کفار است؛ خداوند یاری کند هر کس او را یاری کند و ذلیل کند کسی که او را تها بگذارد ما با پیامبر اکرم در یکی از روزها هنگام ظهر نماز می خواندیم گدایی وارد مسجد شد و کسی چیزی به او نداد؛ گدا، دستهایش بسوی آسمان بلند کرد و گفت: خدایا شاهد باش در مسجد پیامبرت؛ اظهار نیاز کردم ولی کسی چیزی به من نداد؛ علی ابن ابی طالب در حال رکوع بود؛ انگشتر خود را به سائل نشان داد و سائل آمد؛ انگشتر را از دستان علی؛ بیرون آورد و زمانی که پیامبر از نماز فارغ شد؛ دستهایش را بسوی آسمان بلند کرد و گفت خدایا همانا برادرم موسی از تو درخواست کرد؛ که سینه ام را بگشا و کارم را آسان کن و قرار بده از

۱- ۱. شواهد التنزیل ص ۹۶ح۲۳۴
۲- ۲. شواهد التنزیل ۲۳۷ ص ۱۰۰ و ص ۱۰۱؛
۳- ۳. شواهد التنزیل ح ۲۲۱ ص ۹۲ و ح ۲۲۳ ص ۹۳؛

خانـدام برایم وزیری که او هارون باشـد برادرم و بوسـیله او پشـتم را محکم کن خدایا من محمد پیامبر تو از تو می خواهم که صعـه صـدر به من عنـایت کنی و کـارم را آسـان کنی و از خانـدانم برایم وزیری قرار دهی که علی باشـد که بوسـیله او پشـتم محکم گردد بعد جبرئیل نازل شد و آیه ۵۵ سوره مائده را بر پیامبر نازل کرد یعنی طبق تفسـیر ثعلبی سنی و سایر روایات شیعه و سنی؛ امامت و خلافت الهی؛ مولا علی از این آیه شریفه و کریمه ثابت می شود

سمعت رسول الله بها تین و الاصـمتا و رایته بهاتین و الافعمیتا یقول: علی قائـده البرره و قاتل الکفره؛ منصور من نصـره، مخذول من خـذله اما انی صـلیت مع رسول الله یوما من الایام صـلاه الظهر فدخل بسائل فی المسـجد فلم یعطه احد فرفع السائل یده الی السـماء و قال: اللهم اشـهد انی سألت فی مسجد رسول الله فلم یعطنی احد شیئا و کان علی علیه السلام راکعا فاومی الیه بخنضره الیمنی و کان یتختم فیها فاقبل السائل حتی اخذ الخاتم و ذلک بعین النبی فلما فرغ النبی من الصلاه فرفع راسه الی السماء و قال: اللهم ان اخی موسـی سألك فقال رب اشـرح لی صدری و یسرلی امری... واجعل لی وزیرا من اهلی هارون اخی اشدد به ازری الایه... اللهم و انا محمد نبیك وصـفیك اللهم اشـرح لی صدری ویسـرلی امری... واجعل لی وزیرامن اهلی علیاً اشدد به ظهری (۱)

طبق مکتبه شـامله: وقتی آیه ولایت (۵۵ سوره مائـده) بر نبی اسـلام نازل شد؛ پیامبر اکرم آیه را بر اصـحابش قرائت فرمودند و سپس فرمودند: هر کس من مولا و سرپرست او هستم علی مولا و سرپرست اوست

واخرج الطبرانی فی الاوسط و ابن مردویه عن عمار بن یاسـر قال: وقف بعلی علیه السـلام سائل و هو راکع فی صلاه تطوع فنزع خـاتمه فاعطـاه السائـل فـاتی رسول الله فاعلمه ذلک فنزلت علی النبی هـذه الایه (انما ولیکم الله و رسوله و الـذین آمنوا یقیمون الصـلاه و یوتون الزکاه و هم راکعون) فقرا رسول الله علی اصحابه ثم قال: من کنت مولاه فعلی مولاه اللهم و ال من والاه و عاد من عاداه (۲)

از امام صادق علیه السلام سوال شد؛ اطاعت از ائمه واجب است یا نه؟ امام صادق علیه السلام فرمود:

۱- ۱. شواهد التنزیل حاکم حسکانی حنفی ص ۹۷ و ص ۹۸ ح ۲۳۵؛ ذخائر العقبی ص ۸۸؛ جامع الاصول ص ۴۷۸؛ کنزالعمال ج ۶ ص؛ ۳۹۱ جلال الدین سیوطی در تفسیر الدر المنثور فی التفسیر بالماثورج۳ ص ۱۰۵فتح القدیر ج ۲ص ۵۰ اسباب النزول ص ۱۴۸

۲- ۲. منـاقب ابن مردویه باب ما نزل من القرآن فی علی ص ۲۳۵ح ۲۳۹ ش ۴۶۳؛ معجم الاوسط ج۶ ص ۲۱۸ح ۶۲۳۲؛ مجمع الزوائدج۷ ص ۱۷-تفسیر عیاشی ج۱ص ۳۲۷

بله آنان کسانی هستند که خداوند در آیه ۵۹ سوره نساء امر به اطاعت آنان کرده و همچنان در آیه ۵۵ سوره مائده معروف به آیه ولایت فرموده: همانا ولی و سرپرست شما؛ خدا و پیامبر و کسانی هستند که ایمان آورده اند و نماز اقامه می کنند و در حالت رکوع زکات می دهند؛ سپس طبق این روایت شریف از امام صادق علیه السلام ؛ آیه ۵۵ سوره مائده راجع به امامت و ولایت اهل بیت رسالت است(۱)

قلت لابی عبدالله؛ الاوصیاء طاعتهم مفترضه؟ فقال: هم الذین قال الله: اطیعوا الله و اطیعوالرسول و اولی الامر منکم؛ و هم الذین قال الله: انما ولیکم الله و رسوله و الذین قال الله: اطیعوا الله و اطیعواالرسول و اولی الامر منکم؛ و هم الذین قال الله: انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلاه...(۲)

در ضمن لفظ و عبارت آیه ۵۵ سوره مائده آنجا که می فرماید:

الذین یقیمون الصلاه؛ کسانی که نماز را اقامه می کنند و بر پا می دارند؛ ابن عباس در تفسیرش می گوید:

یعنی یتمون وضوءها و قراءتها و رکوعها و سجودها و خشوعها فی مواقیتها _ یعنی وضوء و قرائت و رکوع و سجود و خشوع آنرا در اوقات آن کامل می کنند _ (۳)؛ یعنی مولا_ علی حقیقت و اصل و روح نماز؛ را اقامه کرده است؛ قبل از آنکه به سایر شبهات وهابیت علیه آیه ولایت جواب دهم و آنرا مطرح کنم؛ مقداری درباره شبهه فعل کثیر (حرکت اضافی در نماز) از منابع اهل سنت که اعتقاد دارند اگر کسی شپش و مار و عقرب در حال نماز بکشد؛ باعث باطل شدن نماز نمی شود؛ در مقابل آن شبهه و مغلطه ای که وهابیت علیه نماز مولا_ علی و دادن انگشتر در حال رکوع به فقیر؛ ایراد و اشکال می گیرند به موافق و مخالف مطالبی عرضه بدارم مجدداً (۴)

نقل شده که خلیفه دوم عمر ابن الخطاب؛ شپشی را در حال نماز کشت که خون شپش بدست او جاری شد،

ان عمر بن الخطاب یقتل القمله فی الصلاه حتی یظهر دمها علی یده؛

۱- ۱. الاختصاص شیخ مفید ص ۲۷۷ج۱؛ به نقل سایت مکتبه کتابخانه مدرسه فقاهت؛ پرتوی از امامت در قرآن و سنت نوشته مداح ابن مالک ص ۲۶

۲- ۲. البحار ج۷ ص ۶۲؛انما ولیکم الله ورسوله..قال :هم الائمه – البرهان جلد ۲ ص ۴۸۳

۳- ۳. شواهد التنزیل حاکم ابوالقاسم حسکانی حنفی ص ۹۱ ح ۲۲۱

۴- ۴. ابن ابی شیبه استاد محمد اسماعیل بخاری در کتاب المصنف ج۳ ص ۳۵۳ کتاب الصلاه باب ۶۹۷ ح ۷۵۴۸؛

ابن قدامه مقدسی در کتاب معتبر الکافی فی فقه ابن حنبل ج۱ ص ۳۹۳ می نویسد: کشتن شپش اشکالی ندارد؛ چرا که عمر ابن الخطاب در حال نماز شپش می کشت _ ولا باس بقتل الحیه و العقرب لان النبی امر بقتل الاسودین فی الصلاه؛ الحیه و العقرب و ان قتل القمله فلا باس لان عمر کان یقتل النمل فی الصلاه ابن تیمیه

در شرح العمده فی الفقه ج ۱ می نویسد: به درستی از عمر، معاذ و ابی الدرداء و ابن مسعود و ابی امامه روایت شده که آنها شپش در حال نماز می کشتند؛

و قدر روی عن عمر و معاذ و ابی الدرداء و ابن مسعود و ابی امامه انهم کانوا یقتلون القمل فی الصلاه فخرالدین زیعلی حنفی

در تبیین الحقائق شرح کنز الدقائق ج ۱ ص ۱۶۷ می نویسد که عمر و انس شپش را می کشتند. ابن حزم گفته است که کشتن شپش در حال نماز در نظر من محبوبتر از دفن آن است _ ابوحنیفه از دفن شپش در زیر حصیر حمایت کرده است؛ این مطلب از ابن مسعود نقل شده است؛ ابویوسف هر دو روش کشتن و دفن کردن را مکروه دانسته است زیرا ابویوسف از آزار شپش نمی ترسیده؛ عمر و انس شپش را می کشتند

و کان عمر و انس یقتلان القمل _ تبیین الحقائق شرح کنزالدقائق ج۱ ص ۱۶۷؛ محمد عرفه الدسوقی در حاشیه الدسوقی علی الشرح الکبیر ج۱ ص ۳۳۳ می نویسد: کشتن شپش در حال نماز مکروه است. اگر بیش از ۳ شپش در حال نماز کشته شود نماز باطل می شود

نعم قتل القمل فی الصلاه مبطل لها ان کثر بان زادعلی الثلاث؛ ابن عبدالله در کتاب الاستذکار الجامع لمذاهب فقها ج۱ ص ۱۶۸ می نویسد: اکثر اصحاب ما (مالکی ها) می گویند: اگر شپش و کک در غذا بیفتند و بمیرند از آن خوراک نباید خورد زیرا هر دوی آنها نجس می باشند

و اما القمله و البرغوث فاکثر اصحابنا یقولون لا یوکل طعام ما تافیه او احدهما لانهما نجسان و هما من الحیوان الذی عیشه من دم الحیوان (۱)

۱- ۱. حیاه الحیوان الکبری دمیری ج۲ ص ۳۵۸

حال سوال ما این است کشتن شپش در حال نماز مخالف خشوع و خضوع هست یا نه؟ کشتن آن نجس می باشد یا نه؟ در عبارت لفظ حدیث کان عمر آمده که فعل استمرار است یعنی عمر ابن الخطاب همیشه در حال نماز که شپش او را اذیت می کرده به کشتن آن همت داشته است با اینکه علمای فقیه اهل سنت می گویند؛ شپش نجس است و بیش از (۳) شپش کشتن در حال نماز؛ نماز را باطل می کند؛ عایشه می گوید: پیامبر اسلام در خانه نماز می خواند؛ دراز داخل قفل بود من آمدم و در زدم؛ پیامبر حرکت کرد و در را برای من باز کرد سپس به محل نمازش برگشت

کان رسول الله یصلی فی البیت و الباب علیه مغلق فجئت فاستفتحت فمشی ففتح لی ثم رجع الی الصلاه(۱)

مسند احمد از ابوهریره روایت شد که پیامبر به کشتن عقرب و مار در حال نماز امر فرمودند

ان رسول الله امر بقتل الاسودین فی الصلاه العقرب و الحیه

المغنی ابن قدامه کتاب الصلاه؛ (۲)همانا رسول اکرم در حالت نماز، عقرب را کشت به برادران عزیز اهل سنت و جماعت ضاله وهابیت؛ اگر انگشتر دادن مولا علی در حالت رکوع نماز به فعل کثیر و حرکت اضافی و سبب باطل بودن نماز اوست با اینکه آیه ۵۵ سوره مائده در فضیلت او نازل گشته؛ پس با این روایات مذکور چه می کنید و چه جوابی دارید؟! ثانیاً صدقه دادن مولا علی در نماز؛ برای امور دنیوی و خود محوری نبوده؛ برای کمک به سائل، و ناامید نکردن او، و انجام دستور خدا بوده، خداوند می فرماید: گدا وسائل درمانده را از خود مران {و اما السائل فلا تنهر}(۳)

ثالثاً؛ حضرت علی؛ در نماز مستحبی بوده و طبق قائده شما وهابی ها؛ حضرت علی علیه السلام ؛ اجتهاد دینی کرده و لازم دانسته در نماز مستحبی خود با یک فعل قلیل،

۱- ۱. سنن ترمذی ج ۲ ص ۴۹۷؛ شرح السنه بغوی ج ۳ ص ۲۰۷ _ مساله ۱۸۳۱ سنن دار قطنی

۲- ۲. نیل الاوطا رساله الجزء الثانی ج ۸۶۰ _ المغنی ابن قدامه کتاب الصلاه؛ نیل الاوطارماله الجزء اثانی ج ۸۶۰ _ فروع الفقه المالکی بن ادریس القرافی؛ مساله الجزء الثانی ص ۱۴۵؛ ان رسول الله قد قتل العقرب و هو یصلی _ التمهید ابن عبد البر ص ۹۴ _ سنن الکبری بیهقی ج ۲ ص ۳۳۳۸_ معجم الکبیر طبرانی ج۱ ص ۳۱۸ ح ۹۴۰؛ سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۳۹۵؛فتح الباری ج ۶ص ۳۷۲

۳- ۳. سوره ضحی آیه ۱۰

بخـاطر اینکه فقیر ناامیـد نشود و دست خالی از مسـجد خارج نگردد؛ او را متوجه خود کنـد و به او صـدقه بدهـد؛ یک روایت جالبی؛ حاکم حسـکانی حنفی در شواهد التنزیل ص ۳۱۳ ح ۹۰۰ ذیل آیه ۳۷ سوره مبـارکه «ق» نقل کرده که مربوط به بحث نماز خواندن امام علی است؛ ابن عباس گفت؛ به پیامبر اسـلام؛ دو شتر بزرگ هدیه داده شد؛ پس به اصـحاب خود نظر کرد و گفت: آیـا در میـان شـما کسـی هست که دو رکعت نمـاز بخوانـد و در آن به کـار دنیـا توجه نکنـد و قلب او جزء به یاد خـدا نباشـد؟ اگر چنین باشد یکی از این دو شتر را به او می دهم؛ امام علی برخواست و نماز خواند وقتی سـلام نماز را داد؛ جبرئیل نازل شـد و گفت: یکی از این دو شتر را به او بده؛ پیامبر گفت: او در تشـهد نماز به این فکر افتاد که کدام یک از این دو شتر را بگیرد؛ جبرئیـل گفت: علی به این فکر بود که کـدام یـک از آنهـا چـاق تر است که آنرا بگیرد تا آنرا بکشـد و در راه خـدا صـدقه بدهـد؛ بنـابراین فکر او برای خـدا بود نه برای خودش یـا برای دنیا؛ پیامبر هر دو شتر را به او داد و خـدا این آیه را نازل کرد؛

ان فی ذلک لذکری لمن کان له قلب؛ یعنی در نماز علی؛ موعظه ای برای هر کسـی است که عقل داشته باشد «او القی السمع» یعنی با دو گوش خود به آنچه با زبان تلاوت می کنـد گوش بدهـد«و هو شـهید» یعنی قلب او برای خـدا؛ حضور داشـته باشـد پیامبر خدا فرمود: بنده ای نیست که دو رکعت نماز بخواند و در آن راجع به چیزی از امور دنیا فکر نکند مگر اینکه خداوند از او راضی می شود و گناهان او را می بخشد؛

فکان تفکره لله لا لنفسه و لا للدنیا؛ ابن عبدالبر در کتاب الاستذکار الجامع لمذاهب فقهاء الامصار(۱)

حـدیث عایشه را نقل می کنـد که پیامبر نماز می خوانـد و در قلف بود من آمـدم و در زدم، پیامبر حرکت کرد و در راه برای من بـاز کرد سـپس به محـل نمـازش برگشت بعـد از نقل این حـدیث در ص ۳۱۹ ح ۹۱۸۹ می نویسـد: رسول اسـلام در نماز اینگونه بود که صـدای گریه طفـل کوچکی را می شـنید؛ پس به نمـاز رسول اکرم هم ایراد وارد کنیـد که بخـاطر گریه اطفال کوچک؛ نماز را کوتاه می کرده و حواسش به گریه اطفال

۱- ۱. مساله الجزء السادس ص ۳۱۲ و ص ۳۱۳ باب جامع الصلاه

بوده که مراعات آنان بکند

و قد کان رسول الله ربما یسمع و هو فی الصلاه _ بکاء الطفل فتجوز فی صلاته و خفف و قرأ بالسوره القصیره

شهاب الـدین احمد بن ادریس القرافی در کتاب الذخیره فروع الفقه المالکی ج۲ ص ۱۴۵ نقل می کند؛ صهیب از کنار پیامبر اسلام عبور می کرد و به پیامبر سلام می کرد و پیامبر در حال نماز بود و با انگشت به او اشاره می کرد بعنوان جواب سلام او

مررت بالنبی فسلمت علیه و هو یصلی فرد علی اشاره باصبعه

قبل از نقل این مطلب می نویسد: رد و جواب دادن سـلام بوسـیله سـرو دست در نماز واجب و مستحب مورد اتفاق امام شافعی است

یردالسلام براسه او بیده فی الفرض و النفل؛ و وافقه الشافعی

یکی از شـبهات دیگر که مخالفین امامت ائمه هـدی راجع به آیه ولایت _ القاء می کننـد این است که اگر قبول کنیم این آیه درباره امامت علی علیه السـلام بایـد قبول کنیم این امامت بعـد از وفات نبی اکرم است نه در زمان رسول اسـلام و امامت علی هم بعـد از امـامت ابوبکر و عمر و عثمـان است چون آیه زمـان امامت را دقیق معین نکرده؟! بعکس ولایت و امامت مولا علی؛ در زمـان رسول اکرم هم فعلیت داشـته، چون رسول اکرم فرمود: علی به منزله هـارون برای من است همـانطور که هارون برادر موسی وزیر خلیفه و جانشین او در زمان حیات موسی بود؛

الا ترضی ان تکون منی بمنزله هارون من موسی الا انه لیس نبی بعدی (۱)

هر مراتب و منـازل و مقامات که حضـرت هارون در زمان حضـرت موسـی داشـته، آن مراتب و مقامات نیز مولا علی در زمان پیامبر اسلام و بعد از وفات بنی اکرم داشته است

۱) مقـام وزارت _ واجعل لی وزیر امن اهلی هارون اخی؛ وجعلنا معه اخاه هارون وزیرا ۲) مقام خلافت _ و قال موسی لاخیه هارون اخلفنی فی قومی ۳) اخوت و برادری؛ ابن عمر گفت: پیامبر بین تمام صحابه عقد اخوت و برادری ایجاد کرد و پیامبر به مولا علی فرمود: تو در دنیا و آخرت برادر منی _ یا علی انت اخی فی

۱- ۱. صحیح بخاری ج۴ ص ۱۶۰۲؛ صحیح مسلم ج۴ ص ۱۸۷۰ ح ۲۴۰۴؛ الیسره النبویه ابن هشام ج۵ ص ۱۹۹

الدنیا و الاخره.(۱)

{هارون اخی ۴) اشدد به ازری _ ۵) واشر که فی امری ۶) فاتبعونی و اطیعوامری}؛

شاید وهابی ها بگویند: زمانی که پیامبر حدیث منزلت را خواند زمانی بوده که پیامبر؛ علی را در مدینه بطور موقت به مصلحتی خلیفه خود قرار دادند؛ اولاً پیامبر اکرم بطور مطلق فرمودند و این حدیث افاده عموم می کند و پیامبر اسلام در امکنه و از منه مختلف این حدیث را بیان فرمودند؛ رسول اکرم (۱) در عقد اخوت؛ حدیث منزلت را اشاره فرمودند _ (۲) نبی اکرم؛ خلافت مولا علی را بطور کل و عموم برای تمام مومنان از جانب خداوند اعلام فرمود

انت خلیفتی یعنی فی کل مومن من بعدی.(۳)

نبی اکرم فرمود: ای علی تو خلیفه منی یعنی خلیفه بر تمام مومنان.

و انت خلیفتی فی کل مومن من بعدی _ السنه(۴)

یکی دیگر از اشکالاتی که مخالفین امامت مولا علی به ما می گیرند این است که چرا امام علی به این آیه ۵۵ سوره ولایت که بقول شما شیعیان راجع به امامت امام علی است؛ خودش احتجاج و استشهاد نکرد؟!!! مولاـ علی در شوری (۶) نفره بعد از وفات عمر ابن الخطاب؛ به این آیه؛ احتجاج فرمودند؛ حضرت علی به اهل شورا؛ خطاب کردند و فرمودند: آیا در میان شما کسی هست که در حال رکوع زکات داده

۱- ۱. المستدرک حاکم ج۳ ص ۱۵

۲- ۲. معجم الکبیر ج ۵ ص ۲۲۱ ح ۵۱۴۶؛ الثقات ابن حبان ج۱ ص ۱۴۱؛ تاریخ دمشق ج۲۱ ص ۴۱۵ ش ۲۵۹۹؛ الدر المنثور ج۴ ص ۶۶۹ کنزالعمال ج ۹ ص ۱۷۰ ح ۲۵۵۵۵ _ (۲) در هنگام تولد امام حسن و امام حسین؛ پیامبر اکرم؛ حدیث منزلت را ذکر فرمودند _ مقتل الحسین ج ۱ ص ۱۳۶ ج ۲ حدیث منزلت در هنگام نهی رسول اکرم از خوابیدن در مسجد _ تاریخ مدینه دمشق ج ۴۲ ص ۱۳۹ ش ۴۹۳۳ (۵) حدیث منزلت در ذیل حدیث سدالابواب _ مناقب ابن مغازلی ص ۲۵۴ح ۳۰۳؛ (۶) حدیث منزلت در حالی که رسول اکرم بر امام علی تکیه فرموده بود _ کنز العمال ج۱۳ ص ۱۲۲ ح ۳۶۳۹۲؛ ذخائر العقبی ص ۵۸ (۷) حدیث منزلت در خانه ام سلمه _ تاریخ مدینه دمشق ج ۴۲ ص ۱۶۹؛ معجم الکبیرج۱۲ ص ۱۵ ح ۱۲۳۴۱؛ (۸) حدیث منزلت در قضیه دختر حمزه _ خصائص امیرالمومنین؛ نسائی ص ۸۸ _ (۹) حدیث منزلت در غدیر خم _ وفیات الاعیان ج ۵ ص ۲۳۰ _ (۱۰) حدیث منزلت در کلام پیامبر با عقیل _ تاریخ دمشق ج۴۱ ص ۱۸ ش ۴۷۳۵؛ کنزالعمال ج۱۱ ص ۷۴۰ ح ۳۳۶۱۶؛

۳- ۳. خصائص؛ شیعیب نسایی ج۱ ص ۵۰

۴- ۴. عمر و بن ابی عاصم الضحاك الشیبانی ج۲ ص ۶۰۳ با تحقیق محمد ناصر الدین آلبانی

باشد و این آیه درباره او نازل شده باشد اهل شورا گفتند: نه ـ

فهل فیکم احـد آتی الزکاه و هو راکع و نزلت فیه انما ولیکم الله و رسوله و الـذین امنوا الذین یقیمون الصـلاه و یوتون الزکاه و هم راکعون غیری؟ قالوا: اللهم لا(۱)

مولاـ علی به خلیفه اول ابوبکر فرمود: تو را بخـدا قسم می دهم آیـا در این آیه پرداخت انگشتری به عنوان زکات، ولایت من همراه با ولایت رسول خدا از طرف خداوند مطرح شده یا ولایت تو؟ ابوبکر گفت ولایت تو

انشدک بالله الی الولایه من الله مع ولایه رسول الله فی آیه زکاه الخاتم ام لک قال: بل لک (۲)

مولا علی می فرماید: من در مسـجد مشغول نماز بودم، ناگهان گدایی آمد و اظهار نیاز کرد و من در حالت رکوع؛ انگشترم را به او دادم خداوند به موجب این کارم آیه ولایت (۵۵ سوره مائده) را نازل فرمود

فـانی کنت اصـلی فی المسـجد فجاء سائل فسال و انا راکع فنا ولته خاتمی من اصـبعی فانزل الله تبارک و تعالی فی: انما ولیکم الله و رسوله والذین آمنوا الذین یقیمون الصلاه ویوتون الزکاه و هم راکعون (۳)

مولاـ علی در منـا شـده با مهاجر و انصار؛ در زمان خلافت عثمان به آیه ولایت؛ احتجاج و ادله فرموده انـد؛ حضـرت خطاب به آنان فرمود: شـما را بخـدا سوگند می دهم آیا می دانید هنگامی که آیه ولایت (آیه ۵۵ سوره مائده) نازل شد؛ مردم از رسول خـدا؛ پرسیدند آیـا این آیه به عـده ای از مومنـان اختصاص دارد یا شامل همه مومنان می شود؟ پس خداونـد، پیامبر را مامور کرد؛ که متولیـان امور مومنـان را به آنان بشـناساند و همانطور که نماز، زکات و حـج آنان را برای ایشان بیان کرده، ولایت را نیز شرح دهد؛ در پی این مسائل، پیامبر مرا در غدیر خم، بعنوان رهبر و متولی امور مسلمین برای مردم منصوب کرد

فانشدکم بالله اتعلمون حیث نزلت: انما ولیکم الله و رسوله والذین امنوا ... قال

۱- ۱. الامالی طوسی ج۲ ص ۱۶۲؛ احتجاج طبرسی ج۱ ص ۱۹۷ الدرر النظیم بن حاتم الشافی ص ۳۳۲
۲- ۲. الخصال صدوق ج۲ ص ۳۲۷، بحار الانوار ج۲۹ ص ۷؛ احتجاج ج۱ ص ۱۶۱؛
۳- ۳. الخصال شـیخ صدوق ج(۲) ص ۸۸۴ باب ۷۰ گـانه ح ۱۱۸۲ ش ۱؛ ابواب السـبعین پرتوی از امـامت در قرآن و سـنت (مداح ابن مالک) ص ۲۰۸؛

الناس: یا رسول الله اخاصه فی بعض المومنین ام عام لجمیعهم؛ فامر الله عزوجل؛ نبیّه ان یعلمهم ولاه امرهم و ان یفسر لهم من الولایه ما فسر لهم من صلاتهم و زکاتهم و صومهم و حجهم؛ فنصبنی للناس علماً بغدیر خم.(۱)

فخر رازی می گوید: عبارت انما در اول آیه ولایت دلالت بر حصر نمی کند؛ یعنی آیه مخصوص درباره امام علی نازل نشده؛ اما همین فخررازی در التفسیر الکبیرش ج۲۲ ص ۲۰۱ذیل آیه ۱۰۸ سوره انبیاء می نویسد: انما دلالت بر حصر می کند _ نسفی درباره معنای انما می نویسد: از کلمه انما، استفاده می شود که فقط افراد نامبرده شده ولایت دارند _ (۲)

وانما یفید اختصاصهم بالموالاه؛ جالب است که نفسی در همان صفحه تفسیرش می نویسد: این آیه دلالت دارد بر جواز صدقه در نماز و این فعل قلیل، نماز را باطل و فاسد نمی کند

والایه تدل علی جواز الصدقه فی الصلاه و علی ان الفعل القلیل لایفسد الصلاه؛ یکی از شبهات دیگر وهابیت و نواصب علیه این آیه این است که زکات بر صدقه مستحب اطلاق نمی گردد اما جواب، زکات در اصطلاح قرآن به هر انفاقی که در راه خدا باشد؛ اطلاق شده است؛ مال باشد یا تلاش و کردار و عمل، واجب باشد یا مستحب، قرطبی می نویسد: از این آیه استفاده می شود که بر صدقه مستحب نیز کلمه زکات اطلاق می گردد، زیرا؛ علی علیه السلام ، انگشتر خود را در حال رکوع صدقه داد (۳)

یدل علی ان صدقه التطوع تسمی زکاه؛ فان علیاً تصدق بخاتمه فی الرکوع و هو نظیر قوله تعالی و ما اتیتم من زکاه تریدون وجه الله فاولئک هم المضعفون (۴)

وقوله تعالی و یوتون الزکاه و هم راکعون یدل علی ان صدقه التطوع تسمی زکاه لان علیاً تصدق بخاتمه تطوعا

مخالفین ولایت و امامت عقیده دارند لفظ راکعون که در آیه ولایت آمده به معنای خضوع و خشوع است، خلیل بن احمد فراهیدی درباره معنای رکوع می نویسد، هر

۱- ۱. احتجاج طبرسی ج۱ ص ۳۱۲ باب ۵۸؛بحار ج ۱ ص ۴۱۰؛ ینابیع الموده ج ۱ ص ۳۴۶؛ فرائد السمطین ج ۱ ص ۳۱۲
۲- ۲. تفسیر النسفی ج۱ ص ۴۵۶ الجزء ۶،
۳- ۳. الجامع لاحکام القرآن ج۶ ص ۲۲۱ _
۴- ۴. احکام القرآن الجصاص ج۴ ص ۱۰۲

چیزی که با صورت بسوی زمین روی آورد؛ خواه زانوهایش به زمین برسد یا نرسد در حالی که سر را به زیر انداخته است راکع خوانده می شود _ وکل شی ینکب لوجهه فتمس رکبته الارض اولاتمس ها؛ بعدان یطاطیء راسه فهو راکع(۱)

پیامبر از فقیری که امام انگشترش را به او بخشیده بوده پرسید: در چه حالی انگشتر را به تو داد؟ گفت: در حال رکوع آنرا به من داد؛ اگر رکوع به معنای خضوع باشد؛ این امر نیاز به سوال نداشت زیرا در نماز دو حال وجود ندارد یک حالت خضوع و یک حالت غیر خضوع؛ هم راکعون در آیه ولایت به معنای خضوع نیست بلکه جمله حالیه و فعل معین در نماز است؛

ان النبی سأل السائل؛ سأل ذلک المسکین الذی اعطاه الامام خاتمه سأله قائلاً: علی ای حال اعطا که ای الخاتم؟ قال: اعطانی و هو راکع (۲)

امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند متعال رسولش را به ولایت علی ابن ابی طالب امر کرد و بر او، آیه ۵۵ سوره مائده؛ نازل فرمود

امر الله عزوجل _ رسوله بولایه علی ابن ابی طالب و انزل علیه: انما ولیکم الله و رسوله والذین امنوا _ (۳)، پیامبر اکرم در خطبه شریفه غدیر خم؛ راجع به امامت امام علی با استدلال به آیه ۵۵ سوره مائده، اشاره و تاکید کردند و فرمودند: همانا علی بعد از خدا و من؛ ولی و سرپرست شماست و خداوند متعال آیه ۵۵ مائده در این باره نازل فرمود؛ همانا علی ابن ابی طالب؛ نماز را اقامه می کند و در حالت رکوع زکات پرداخت می نماید، او پیوسته و همیشه به یاد و ذکر خداست

و هو ولیکم بعد الله و رسوله و قد انزل الله تبارک و تعالی؛ علی بذلک آیه من کتابه: انما ولیکم الله و رسوله و الذین امنوا ... و علی ابن ابی طالب اقام الصلاه و آتی الزکاه و هو راکع یرید الله عزوجل فی کل حال(۴)

از جمله ادله دیگر که ثابت می کند مولا امام علی بر تمام پیامبران افضل و برتر هست و فقط بر پیامبر اسلام افضلیت ندارد؛ آیه ۶۲ سوره یونس می باشد؛

۱- ۱. کتاب العین ج۱ ص ۲۰۰؛ جمهره اللغه ج۲ ص ۷۷۰ معجم مقاییس اللغه ج۲ ص ۴۳۴

۲- ۲. الدرالمنثور سیوطی ج ۳ ص ۱۰۵

۳- ۳. اصول کافی ج۱ ص۲۸۹

۴- ۴. احتجاج به شیخ طبرسی ج۱ ص ۱۲۶ و ص ۱۲۷؛ تفسیر نورالثقلین ج۱ ص ۶۴۴

الا ان اولیاء الله لاخوف علیهم ولا هم یحزنون

ازابوهریره ذیل این آیه شریفه نقل شده که گفت رسول اسلام فرمود: از بندگان خدا، کسانی هستند که پیامبران به آنان غبطه و غصه می خورند از مقام عالی آنان در نزد خدا؛ آنها بدون داشتن مال و متاع دنیا، با رحمت خدا، یکدیگر را دوست دارند و چهره هایشان نورانی است و چون مردم می ترسند آنها نمی ترسند و چون مردم اندوهگین می شوند آنها اندوهگین نمی شوند آیا می دانید آنان کیانند؟ گفتیم: نه ای پیامبر خدا؛ فرمود: آنان علی ابن ابی طالب و حمزه بن عبدالمطلب و جعفر طیار و عقیل هستند سپس آیه ۶۲ سوره مبارکه یونس را قرائت فرمود _

عن ابی هریره قال: قال رسول الله: ان من العباد عباداً یغبطهم الانبیاء تحابوا بروح الله علی غیر مال و لاعرض من الدنیا؛ وجوههم نور؛ لایخافون اذا خاف الناس و لایحزنون اذا حزنوا؛ اتدرون من هم؟

قلنا: لا ـ یا رسول الله؛ قال: هم علی ابن ابی طالب و حمزه بن عبدالمطلب و جعفر و عقیل ثم قرأ رسول الله؛ {الا ان اولیاء الله لاخوف علیهم و لا هم یحزنون } (۱)

و ان الله لیعوضک بذلک الیوم ما یغبطک به کل نبی و رسول و صدیق و شهید (۲)

_ فقال علی علیه السلام من هم یا رسول الله قال: هم شیعتک و انت امامهم؛ (۳)

ان علیاً و ذریته و محبیهم السابقون الاولون الی الجنه و هم جیران الله و اولیاء الله، جالب است اکثر مفسران و محدثان نامی اهل سنت؛ این حدیث را در ذیل آیه ۶۲ سوره مبارکه یونس نقل کرده اند ولی آن قسمتی که حاکم حسکانی حنفی در شواهد التنزیل درباره اسامی افراد مصادیق آیه شریفه را؛ که مولا علی؛ جزء آنان است؛ حذف و سانسور شده نقل کرده اند؛ (۴)و این حدیث و تفسیر آیه ۶۲ سوره

۱- ۱. شواهد التنزیل حاکم حسکانی حنفی ص ۱۵۲ح ۳۶۶؛

۲- ۲. مائه المنقبه ص ۱۰۴ منقب ۴۷ _ الاصول السنه عشر؛ عده محدثین ج۱ ص ۱۰۷

۳- ۳. بحار الانوار ج۶۸ ص ۶۸؛ بحارالانوار ج۷ ص ۱۸۰؛ غایه المرام ج۴ ص ۲۶۶؛ مناقب اخطب خوارزمی حنفی ص ۷۲ح ۵۰

۴- ۴. سنن ابی داود ح۳۰۶۳ مسند احمد حنبل ح ۲۲۲۹۸ صحیح ابن حبان ح ۵۷۳؛ مستدرک حاکم ح ۷۳۸۲ سنن الکبری نسائی ح ۱۰۷۲۲؛ مسند ابویعلی ح ۶۰۶۵؛ کشف الاستار هیثمی ح ۱۳۳؛ مصنف ابن ابی شیبه ح ۳۳۴۰۲؛ المعجم الکبیر طبرانی ح ۳۳۵۶؛ العلو للعلی؛ ذهبی ح ۱۸۰؛ اسناده صالح؛ شعب الایمان بیهقی ح ۸۴۲۴؛ تفسیر ابن ابی حاتم ح ۶۹۱۵ و ...

یونس؛ برتری مولا علی علیه السلام را بر تمام پیامبران بغیر از رسول اسلام؛ نشان می دهد؛ چرا؟ چون وقتی که تمام پیامبران فردای قیامت به مقام و درجه و جایگاه امام علی در نزد خدا، غصه و غبطه و حسرت می خورند؛ معنایش این است که پیامبران الهی؛ آن رتبه حضرت علی را؛ دارا نمی باشند که غبطه مقام والای حضرت علی را می خورند؛ مولا علی در ذیل تفسیر آیه ۶۲ سوره یونس فرمود: آیا می دانید اولیاء الله (دوستان خدا) چه کسانی هستند؟ مردم گفتند کیستند ای علی؟ مولا علی فرمود: همانا اولیاء الله ما و پیروانمان هستیم

در ضمن ابن حجر مکی اصل این روایت با سند جید (نیکو و خوب) در صواعق المحرقه ص ۱۸۹ فصل دوم ؛ الباب الحادی عشر از احمد حنبل نقل کرده – ینابیع الموده ج ۴ ص ۵۳۲ باب ۵۹ ترمذی نیز با سند حسن و نیکو این حدیث را متذکر و ناقل شده است – سنن الترمذی ج ۵ ص ۲۴۴ کتاب المناقب باب ۲۰ حدیث ۳۶۸۶ باب ۲۰- ینابیع الموده ج ۱ باب دوم ص ۱۱۲

قال امیرالمومنین: الا ان اولیاء الله لاخوف علیهم و لا هم یحزنون؛ ثم قال: تدرون من اولیاء الله؟ قالوا: من هم یا امیرالمومنین؟ فقال: هم نحن و اتباعنا (۱)در خبر است که از پیامبر اسلام سوال کردند ولی خدا (یعنی دوست خدا) کیست؟حضرت رسول اسلام؛ دست مبارك بر کتف مولا علی علیه السلام نهاد و فرمود این ولی و دوست ویژه خداست؛ با علی؛ دوستی کن اگر چه وی قاتل پدر و برادرت باشد

فمن ولی الله عزوجل حتی او الیه و من عدوه حتی اعادیه؟ فاشارله رسول الله الی علی علیه السلام و قال: اتری هذا؟ فقال: بلی قال: ولی هذا ولی الله فواله وعدو هذا عدوا الله فعاده؛ وال ولی هذا ولو انه قاتل ابیک و ولدك (۲)

طبق سایت کتابخانه مدرسه فقاهت یکی دیگر از برتری های مولا علی بر پیامبران بغیر از رسول اسلام؛ آیه شریفه ۱۳ سوره مبارکه حجرات است؛ مرحوم شیخ طوسی در کتاب شریف امالی ص ۶۰۶ الی ص ۶۰۸ ح ۱۲۵۴؛ مجلس الثامن و العشرون؛ حدیث زیبایی در تفسیر این آیه شریفه نقل کرده که رسول اسلام؛ خطاب به حضرت

۱- ۱. تفسیر عیاشی ج۲ ص ۱۲۴؛ تفسیر البرهان _ ج۱ ص ۱۹۰ تفسیر صافی ج۱ ص ۷۵۷؛
۲- ۲. امالی؛ شیخ صدوق ج۱ ص ۶۱

زهرا فرمود: همانا خداونـد؛ مخلوقات را آفریـد و آنها را دو قسم قرار داد؛ من و علی را از قسم های نیکو گردانیـد چنانچه می فرماید اصحاب الیمین ما اصحاب الیمین؛ پس از آن ایشان را قبایل مختلف گردانید و آن قبایل را خانه هایی قرار داد و من و علی را از بهترین خانه ها گردانید و درباره ما، آیه تطهیر را نازل نمود؛ خداوند مرا از بین اهل بیت؛ بعنوان پیامبر برگزید سپس علی را بعنوان امام بعد از من و همچنین حسن و حسین تا مهدی قائم را؛ طبق آیه ۱۳ سوره حجرات، مولا علی؛ با تقواترین فرد بعد از پیامبر اسلام است و در بهترین بیت و خانه عصمت که آیه تطهیر درباره آنان نازل شده؛ خداوند او را قرار داد، که هیچ پیامبری را؛ بجز رسول اسلام؛ قرار نداده و به همین دلیل او از تمام انبیاء بغیر از رسول اسلام؛ افضل و بالاتر می باشد

ان الله خلق الخلق فجعلهم قسمین فجعلنی و علیاً فی خیر هما قسماً و ذلک قوله: و اصحاب الیمین ما اصحاب الیمین؛ ثم جعل القسمین قبائل فجعلناها فی خیرها قبیله و ذلک قوله: و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا؛ ان اکرمکم عند الله اتقاکم ثم جعل القبائل بیوتا فجعلنا فی خیرها بیتا فی قوله: انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا: ثم ان الله اختارنی من اهل بیتی و اختار علیاً و الحسن و الحسین و ...

البته این روایات با یک عبارت جالب تر، دیگر در منابع تفسیری، تاریخی و روایی اهل سنت و وهابیت آمده است؛ رسول اکرم فرمود: من با تقواترین فرزند آدم و باکرامت ترین فرد؛ نزد خدا هستم و هیچ گونه فخر و تکبری ندارم سپس خداوند قرار داد برای قبائل بیوت و خانه ها و مرا در بهترین بیت قرار داد که آیه تطهیر درباره او نازل فرموده؛ من و اهل بیتم از تمام گناهان؛ پاک و مطهر و معصوم هستیم ـ

فانا اتقی ولد آدم و اکرمهم عندالله و لافخر ثم جعل القبائل بیوتا فجعلنی فی خیرها بیتاً فذلک قوله تعالی: انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا فانا و اهل بیتی مطهرون من الذنوب (۱)

۱- ۱. ینابیع الموده الموده قندوزی حنفی ج۱ ص ۱۲۴ ح۹ دلائل النبوه بیهقی ص ۱۷۱؛ البدایه و النهایه ابن کثیر ج۲ ص ۲۵۷؛ الدر المنثور سیوطی ج۶ ص ۶۰۶؛ تفسیر روح المعانی آلوسی ج۱۱ ص ۱۹۴ طبق سایت مکتبه شامله؛ تفسیر فتح القدیر شوکانی ذیل آیه تطهیر؛ مناقب علی ابن ابی طالب، ابن مردویه ج۱ ص ۳۰۵؛ المعرفه و التاریخ؛ یعقوب بن سفیان الفسوی ج۱ ص ۴۹۸ شیخ محمد خضر مالکی قمع اهل الزیغ و الالحاد ص ۱۵۱ این روایت در منابع شیعه، با اندکی تفاوت در عبارات ذکر شده ـ امالی صدوق ص ۷۲۹ ح ۹۹۹؛ مجمع البیان ج۹ ص ۲۰۷؛ اعلام الوری ج۱ ص ۴۹؛ بحارالانوار ج۱۶ ص ۳۱۵ ح ۴

ممکن است وهابی ها؛ بگویند ابن کثیر و شوکانی و ابن ابی حاتم در العلل ح ۲۶۶۶ به این حدیث فوق اشکال سندی گرفته اند پس ارزشی ندارد؛ اولاً بر اساس قائده طرق حدیث ولو اینکه ضعیف باشد طرق دیگر حدیث چون متعدد نقل شده آن را تقویت می کند

ثانیاً؛ مفسران نامی اهل سنت؛ چون سیوطی؛ طبری و آلوسی گفته اند؛ منظور آیه تطهیر این است که آنان اهل بیتی هستند که خداوند آنان را پاک و مطهر قرار داده و روایات متعددی چون حدیث ثقلین عصمت اهل بیت پیامبر که حضرت فاطمه و مولا علی و امام حسن و امام حسین تا امام زمان هستند بعنوان اهل بیت معصوم؛ تائید و تاکید می کند

نحن اهل بیت طهرهم الله؛

رسول اکرم فرمود: ما خاندانی هستیم که خداوند پاکشان گردانیده و معصوم قرار داده (۱)

ابن جریر طبری و جلال الدین سیوطی از قتاده نقل کرده اند که گفت: که آنان اهل بیتی هستند که خداوند ایشان را مطهر قرار داده

هم اهل بیت طهرهم الله من السوء و اختصهم برحمته (۲)

طبری می گوید: خداوند بدی و فحشاء را از اهل بیت محمد دور کرده و آنان را پاک و مطهر قرار داده از گناهانی که اهل گناه انجام می دهند _ یقول: انما یرید الله لیذهب عنکم السوء و الفحشاء یا اهل بیت محمد و یطهرکم من الدنس الذی یکون فی اهل معاصی الله تطهیرا (۳)

بیضاوی و فخر رازی نیز همانند قول طبری در تفاسیرشان نقل کرده اند

انما یرید الله لیذهب عنکم السوء و الفحشاء یا اهل بیت الرسول و یطهرکم من دنس الفسق و الفجور الذی یعلق با (رباب الذنوب و المعاصی) (۴)

۱- ۱. الدر المنثور سیوطی ج ۶ ص ۶۰۶؛ صواعق المحرقه ص ۲۳۸؛

۲- ۲. تفسیر طبری ج۲۰ ص ۲۶۲ _ در المنثور ج۵ ص ۱۹۹

۳- ۳. تفسیر طبری ج۲۰ ص ۲۶۲ طبق سایت مکتبه اسلامیه

۴- ۴. تفسیر بیضاوی ج۲۲ ص ۷؛

و هی ان الرجس قد یزول عیناً و لایطهر المحل ای یزیل عنکم الذنوب (۱)

رسول اکرم فرمود: همانا خداوند؛ هر گونه بدکاری پنهان و پیدا را از ما اهل بیت؛ دور کرده است

انا اهل بیت قد اذهب الله عنا الفواحش ما ظهر منها و ما بطن (۲)

مولا علی فرمود: همانا؛ خداوند با منت خویش ما اهل بیت را برتری داده است آنجا که می فرماید: خداوند اراده کرده است که پلیدی را؛ تنها از شما خانواده بزداید و شما را کاملاً پاک کند؛ خداوند ما را از پلیدیهای پنهانی و پیدا و هر پستی و آلودگی مبرا قرار داده است

ان الله قد فضلنا اهل بیته بمنه حیث یقول: انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت... فقد طهرنا من الفواحش ما ظهر منها و ما بطن و من کل دنیه و کل رجاسه.(۳)

رسول اکرم فرمود: من و علی و حسن و حسین و ۹ فرزند از صلب حسین؛ همگی مطهر و معصوم هستیم

انا و علی و الحسن و الحسین و تسعه من ولدالحسین مطهرون و معصومون (۴)

امام حسن علیه السلام در خطبه ای فرمود: ما از اهل بیت مطهر و طیب هستیم _

و نحن اهل بیته الطیبون (۵)

امام حسین علیه السلام فرمود: من از اهل بیت طهارت و پاکی هستیم

و انی من اهل بیت الطهاره قد انزل الله فینا

انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت (۶)؛ پیامبر اسلام به مولا علی فرمود: ای علی تو جانشین من و امام هستی و پدر ۱۱ امام که همگی معصوم و مطهرند _

۱- ۱. تفسیر کبیر رازی ج۲۵ ص ۲۰۹؛

۲- ۲. مناقب ابن شهر آشوب ج۲ ص ۱۷۶؛ کشف الغمه ج۱ ص ۵۳؛ بحار الانوار ج۲۳ ص ۱۱۶، الفردوس دیلمی ج۱ ص ۵۴ ح۱۴۴، الدعاء للطبرانی ص ۴۲۳ ح ۱۴۳۰؛

۳- ۳. المسترشد ص ۴۰۰ ح۱۳۳؛ تاویل الایات الظاهره ج۲ ص ۴۵۸ ح ۲۲؛ بحارالانوار ج۲۵ ص ۲۱۳ح۴؛

۴- ۴. فرائد السمطین حموئی شافعی ج۲ ص ۱۳۲ح ۴۳۰؛ ینابیع الموده قندوزی حنفی ج۳ ص۲۹۱ ح۹؛ کفایه الاثر ص ۱۹

۵- ۵. ینابیع الموده ح ۱ ص ۱۵۶؛

۶- ۶. مقتل خوارزمی حنفی ج۱ ص ۱۸۴

یا علی انت وصی و انت الامام، ابوالائمه الاحد عشر الذین هم المطهرون المعصومون (۱)

رسول اکرم فرمود: من و علی و فاطمه و حسن و حسین؛ معصوم و پاک از گناه هستیم

ان النبی قال: خمسه منا معصومون انا و علی و فاطمه و الحسن و الحسین _ مناقب علی ابن ابی طالب (ابوبکر احمد بن موسی ابن مردویه ص ۲۱۳؛ شوکانی در فتح القدیر در ذیل عبارت یطهرکم تطهیرا می نویسد: یعنی خداوند آنان را تطهیر کامل کرده است _ و یطهرکم تطهیراً ای یطهرکم من الارجاس ... ان تطهیراً کاملا ..

ابن حجر در صواعق المحرقه ص ۲۰۱ می نویسد: انما در آیه تطهیر مفید حصر و انحصار است که خداوند هر گونه گناه و نقص و اخلاق بد و پست را از شما اهل بیت دور کرده

انما المفید لحصر اراته تعالی فی امرهم علی اذهاب الرجس الذی هو الاثم او الشک فیما یجب الایمان به عنهم و تطهیرهم من سائر الاخلاق و الاحوال المذمومه؛ علامه سمهودی می نویسد: عبارت انما؛ برای حصر است و نشان می دهد که اراده خداوند منحصر بر پاک کردن آنان است و تاکید این پاکی به مفعول مطلق نشانگر آن است که پاکی آنان پاکی کامل و در بالاترین درجه پاکی قرار دارد (۲)

کلمه انما للحصر تدل علی ان ارادته تعالی منحصره علی تطهیرهم و تاکیده بالمفعول المطلق دلیل علی ان طهارتهم طهاره کامله فی اعلی مراتب الطهاره

عبارت و لفظ؛ انما که در اول آیه تطهیر آمده مفید حصر است یعنی آیه بطور اختصاصی درباره اهل بیت عصمت و طهارت نازل شده و شامل زنان و همسران پیامبر اسلام نمی شود

قال جماهیر العلماء من اهل العربیه و الاصول و غیرهم لفظه انما موضوعه للحصر(۳)

جصاص در احکام القرآن ص ۳۳ می نویسد: احتمال دارد تطهیر در آیه تطهیر؛

۱- ۱. ینابیع الموده ج۱ ص ۹۷
۲- ۲. جواهر العقدین ج۲ ص ۱۳۵، ینابیع الموده ج۲ ص ۱۸۰
۳- ۳. شرح نووی ج۱۳ ص ۵۴؛ البدر المنیر _ (المقن) ج۱ ص ۶۶۳

تطهیر از گناه باشد ــ یحتمل التطهیر من الذنوب؛ ثعالبی و آلوسی می نویسند: منظور تطهیر از رجس در آیه تطهیر؛ پاک قرار داده شدن اهل بیت از گناهان و عذاب و نجاسات و نقائص هست؛

و قیل: ــ و الرجس فی الاصل یطلق عل کل شی مستقذر (۱)

ان الرجس یقع علی الاثم و علی العذاب و علی النجاسات و علی النقائص (۲)

آلوسی می نویسد: الف و لام؛ البیت در آیه تطهیر؛ الف و لام؛ عهد می باشد؛ یعنی این بیت؛ یک بیت مشخص و معلوم می باشد و آل فی البیت للعهد؛ والمعنی انما یرید سبحانه لیذهب عنکم الرجس یصونکم من المعاصی

وهابیت در مقابل آیه تطهیر و لفظ و عبارت؛ یطهرکم تطهیرا؛ آیه ۱۱ سوره انفال؛ را حجت و دلیل می آورند و ادعا می کنند؛ تطهیر در آیه ۱۱ سوره مبارکه انفال؛ با تطهیر در آیه ۳۳ سوره احزاب هیچ تفاوتی ندارد؟!! شان نزول آیه ۱۱ سوره انفال درباره واقعه غزوه بدر می باشد نکات جالبی فخرالدین رازی از علمای متعصب اهل سنت در کتاب تفسیر کبیرش ذیل آیه ۱۱ سوره انفال مطرح فرموده که مشت محکمی است به وهابیت؛ فخررازی می گوید و می نویسد: تطهیر در آیه ۱۱ سوره انفال درباره تطهیر و پاکی ظاهری است؛ مسلمانان در واقعه غزوه بدر، تشنه بودند و تعدادی هم جنب شده بودند؛ لذا؛ خداوند متعال باران شدیدی نازل کرد؛ صحابه پیامبر، مرکب های خود را سیراب کردند و هم خود از آب برای خوردن استفاده نمودند و همچنین خود را از پلیدی منی؛ پاک کردند؛ منظور تطهیر در آیه ۱۱ سوره انفال، تطهیر و پاک شدن از خباثت منی و حصول طهارت شرعی و بدنی بوده است و عصمت و پاکی ذاتی و روحی برای صحابه قلمداد نمی شود؛ با اینکه آیه تطهیر عصمت ذاتی و روحی و عملی؛ ائمه هدی را ثابت می کند، که حقیر مجدداً روایاتی در باب عصمت ائمه هدی ارائه خواهم داد

و قوله: لیطهرکم به: ای: من حدث اصغرا و اکبر و هو تطهیر الظاهر

فامطرالله علیهم مطرا شدیداً فشرب المسلمون و تطهروا ... و سقوا الرکاب و

۱- ۱. تفسیر و سیط ج۱۱ ص ۲۰ ؛ فصل کلمه انما تفید الحصر ص ۴۶۱ و یفید الاختصاص

۲- ۲. تفسیر ثعالبی ص ۳۴۶؛ تفسیر روح المعانی ج۲۲ ص ۷ سایت مکتبه اسلامیه

اغتسلوا من الجنابه فجعل الله ذلک طهوراً _ و عطش المومنون و خافوا و اعوزهم الماء للشرب و الطهاره و اکثرهم احتملوا و اجنبوا _ قلنا: قوله لیطهرکم: معناه لیزیل الجنابه عنکم _ المراد من قوله: لیطهرکم: حصول الطهاره الشرعیه _ و المراد من قوله: و یذهب عنکم رجزا الشیطان ازاله جوهر المنی عن اعضائهم فانه شی مستخبث (۱)

وهابیت باز وارد شیطنت می شود و یک شبهه و اشکال دیگر وارد می کند؛ می گویند: فرض بگیریم که آیه تطهیر؛ عصمت را برای امام علی و حضرت فاطمه و امام حسن و امام حسین؛ ثابت می کند شما می گوئید؛ انما که ابتدای آیه تطهیر آمده؛ انمای حصر است، چگونه با افاده حصر، عصمت را برای بقیه ائمه ۱۲ گانه خودتان ثابت می کنید؛ حصر در آیه اضافی است نه حقیقی؛ حصر اضافی نسبت به عده ای خاص است و حصر مطلق نمی باشد، در مورد آیه تطهیر حصر به لحاظ همسران پیامبر و افراد غیرمعصوم است یعنی این ۵ تن مشمول آیه تطهیرند و این منافات ندارد با این که افرادی از قبیل همین ۵ تن مشمول آیه تطهیر باشند؛ همانگونه؛ که رسول اکرم، کلمه اهل بیت را در حدیث ثقلین بطور عموم بکار برده است، در زمان نزول آیه از ۱۴ معصوم؛ همین ۵ تن بیشتر نبودند، از آنجا که در هر زمان احتیاج به امام معصومی است؛ لذا افراد دیگر از معصومین مشمول آیه تطهیرند که در عصمت همانند این ۵ نفرند، البته رسول اکرم بعنوان مفسر و معلم قرآن فرمودند: این آیه منحصراً درباره من و دخترم و علی و دو فرزندم و ۹ تن از فرزندان حسین نازل شده است _

انما نزلت فی و فی ابنتی و فی اخی علی ابن ابی طالب و فی ابنی و فی تسعه من ولد ابنی الحسین خاصه لیس معنا فیها لاحد شرک (۲)

انما انزلت فی و فی اخی علی و فی ابنتی فاطمه و فی ابنی و فی تسعه من ولد الحسین خاصه لیس معنا احد غیرنا (۳)

از پیامبر اسلام سوال شد اهل بیت شما چه کسانی هستند؟ فرمود: علی و دو نوه ام و ۹تن از فرزندان حسین که امامانی امین و معصوم اند

۱- ۱. التفسیر الکبیر امام فخرالدین رازی شافعی ذیل آیه ۱۱ انفال _ مکتبه اسلامیه _ (سایت)

۲- ۲. فرائد السمطین ج۱ ص ۳۱۲ ح ۲۵۰ _ ینابیع الموده ج۲ ص ۲۲۰؛

۳- ۳. احتجاج طبرسی ج۱ ص ۳۰۹؛

قیل: فمن اهل بیتک یا نبی الله؟ قال: علی و سبطای و تسعه من ولد الحسین، ائمه امناء معصومون، الا انهم اهل بیتی و عترتی من لحمی و دمی (۱)

پیامبر اکرم، خطاب به مولا علی فرمود: ای علی (آیه تطهیر) در حق تو و دو نوه ام و امامان از نسل تو، نازل شده _ و قد نزلت هذه الایه

انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت... فقال رسول الله: یا علی هذه الایه نزلت فیک و فی سبطی و الائمه من ولدک(۲)

پیامبر اکرم فرمود: اهل بیت من، دو فرزند علی و فاطمه و ۹ فرزند از صلب حسین هستند که ائمه ابرار از عترت من هستند

اهل بیتی من ولد علی و فاطمه و تسعه من صلب الحسین ائمه ابرارهم عترتی(۳)

زمانی که رسول اکرم، حدیث ثقلین را قرائت کرد؛ عمر ابن الخطاب از پیامبر اسلام، با حالت غضب و ناراحتی سوال کرد آیا باید به تمام اهل بیت تو متوسل شد؟! رسول اکرم فرمود: نه، اهل بیت من اوصیاء و جانشینان من هستند که اول آنها برادرم و وزیرم و وارثم و خلیفه امتم و ولی هر مومنی بعد از من علی، سپس دو پسرش حسن و حسین و سپس ۹ فرزندان حسین یکی بعد از دیگری

فقال عمر ابن الخطاب شبه الغضب فقال: یا رسول الله اکل اهل بیتک؟ قال: لا ولکن اوصیائی منهم، اولهم اخی و وزیری و وارثی و خلیفتی فی امتی و ولی کل مومن بعدی هو اولهم ثم ابنی الحسن ثم ابنی الحسین ثم تسعه من ولد الحسین (۴)رسول اکرم فرمود: ای اصحاب من؛ مثال اهل بیت من در میان شما همانند کشتی حضرت نوح و باب حطه بنی اسرائیل پس به اهل بیت من از ائمه راشد از فرزندان من متوسل شوید؛ صحابه سوال کردند: ای پیامبر ائمه و امامان بعد از شما چند نفرند؛ حضرت رسول فرمود: دوازده نفر از اهل بیت و عترت من

یا معاشر اصحابی: ان مثل اهل بیتی فیکم مثل سفینه نوح و باب حطه بنی اسرائیل فتمسکوا باهل بیتی، الائمه الراشدین من ذریتی فانکم لن تضلوا ابداً،

۱- ۱. کفایه الاثر ص ۱۷۱، بحار الانوارج۳۶ ص ۳۴۱

۲- ۲. کفایه الاثر ص ۱۵۶؛

۳- ۳. کفایه الاثر ص ۹۱،

۴- ۴. ینابیع الموده ج۲ ص ۲۲۰ _ فرائد السمطین ج۱ ص ۳۱۲ ح ۲۵۰،

فقیل: یا رسول الله الائمه بعدک؟ قال: اثنی عشر من اهل بیتی، اوقال: من عترتی (۱)

ابوذر غفاری از نبی اسلام سوال کرد؛ تعداد، ائمه و امامان بعد از شما چه مقدار است؟ رسول اسلام فرمود: به تعداد نقباء و امینان قوم بنی اسرائیل، ابوذر دوباره سوال کرد: آیا این ۱۲ امام از اهل بیت شما هستند؟ حضرت رسول فرمود: کل این ۱۲ نفر از اهل بیت من هستند

فقال: یا رسول الله فکم الائمه بعدک؟ قال: عدد نقباء بنی اسرائیل، فقال: کلهم من اهل بیتک؟ قال: کلهم من اهل بیتی، تسعه من صلب الحسین و المهدی منهم _ (۲)

ان الائمه بعدی اثناعشر من اهل بیتی، علی اولهم و اوسطهم محمد و آخرهم محمد، مهدی هذه الامه (۳)

همانطور که این روایات شریف از دیدگان شما عزیزان عبور کرد، نبی اسلام بعنوان معلم و مفسر واقعی، قرآن کریم، اهل بیت را، حضرت فاطمه و حضرت علی و امام حسن و امام حسین تا حضرت مهدی معرفی فرمودند و آیه تطهیر (آیه ۳۳ سوره احزاب) را انحصار و مخصوص و ویژه بودنش را فقط و فقط در خودش و حضرت فاطمه و مولا علی تا حضرت مهدی بیان داشتند، یعنی آیه تطهیر در شان ۱۴ معصوم بطور اختصاصی نازل شده و بس در خلال روایات اهل سنت و اهل تشیع اثنی عشر، در موضوع اینکه این اهل بیت (۱۴معصوم) با اهل بیت عادی و نامعصوم، پیامبر اسلام، که زوجات و زنان و فرزندانش بودند چه تفاوتی و فرقی دارد، روایات و احادیثی از مخالف (سنی) و موافق (شیعه) رسیده، که به ما کمک می کند، اهل بیت در آیه تطهیر چه کسانی هستند؟!

امام صادق علیه السلام فرمود: ما اهل بیت، معدن و کانون نبوت و جایگاه رسالت الهی و محل آمد و رفت فرشتگان هستیم

۱- ۱. مسند الفردوس به نقل از بخش حدیث ثقلین، عبقات الانوار ص ۹۸۰ چاپ اصفهان، سوالات ما، استاد حسین تهرانی، پرتوی از امامت در قرآن و سنت، مداح ابن مالک ص ۱۲۴، کفایه الاثر ابن خزاز قمی ص ۳۳ و ص ۳۴، اصول دین، علامه مقدس اردبیلی ص ۱۶۷؛

۲- ۲. کفایه الاثر ص ۷۳ و ص۷۴

۳- ۳. کفایه الاثر ص ۷۹ و ص ۸۱

ـ نحن معدن النبوه و موضع الرساله و مختلف الملائکه (۱)

مولا علی فرمود: ما درخت نبوت و جایگاه رسالت و محل نزول و صعود فرشتگان هستیم

نحن شجره النبوه و محط الرساله و مختلف الملائکه (۲)

رسول اسلام فرمود: ما اهل بیت، درخت نبوت و معدن رسالت هستیم و هیچ یک از مردم بر اهل بیتم برتری ندارد غیر از خودم

نحن اهل بیت شجره النبوه و معدن الرساله لیس احد من الخلائق یفضل اهل بیتی غیری ـ(۳)

پیامبر اکرم فرمود: ما اهل بیتی هستیم که خداوند ما را از هر گونه عصیانی مطهر و پاک قرار داده از درخت نبوت و مرکز رسالت و محل رفت و آمد فرشتگان و خانه رحمت و معدن علم نحن اهل بیت طهرهم الله من شجره النبوه و موضع الرساله و مختلف الملائکه و بیت الرحمه و معدن علم (۴)

امام زین العابدین فرمود: بخدا قسم ما درخت نبوت و خانه رحمت معدن علم و محل رفت و آمد فرشتگان هستیم

فنحن و الله شجره النبوه و بیت الرحمه و معدن العلم و مختلف الملائکه ـ (۵)،

قال الباقر: ... فانها شجره النبوه و بیت الرحمه و مفتاح الحکمه و معدن العلم و موضع الرساله و مختلف الملائکه و موضع سر الله و ودیعته (۶)

امام زین العابدین در یکی از صلواتهایش اینگونه صلوات بر محمد و آل محمد می فرستاد

اللهم صل علی محمد و آل محمد، شجره النبوه و موضع الرساله و مختلف

۱- ۱. فرائد سمطین حموئی شافعی ج۲ ص ۲۵۳ ح ۵۲۳، ینابیع الموده قندوزی حنفی ج۱ ص ۱۶۰

۲- ۲. نهج البلاغه ص ۱۵۸ خطبه ۱۰۹ ینابیع الموده ج۱ ص ۱۷۸ ـ

۳- ۳. احقاق الحق ج۹ ص ۳۷۸،

۴- ۴. الدر المنثور سیوطی ج۵ ص ۱۹۹ ـ الدرالمنثور ج۶ ص ۶۰۶، جامع الاحادیث سیوطی ج۱۳ ص ۶۵ و ج ۱۶ ص ۲۱۸

۵- ۵. اصول کافی ج۱ ص ۲۲۱، بحارالانوار ج۲۶ ص ۲۴۶

۶- ۶. بحار الانوار ج۲۳ ص ۲۴۵ ح ۱۶؛

الملائکه و معدن العلم و اهل بیت الوحی(۱)

امام حسن مجتبی بعد از شهادت مولا علی، خطبه ای در معرفی اهل بیت رسالت خواند از جمله فرمود: ما از اهل بیتی هستیم که همیشه جبرئیل و فرشتگان بر ما نازل می شوند و از نزد ما بالا می روند

و انا من اهل بیت الذی کان جبرئیل ینزل الینا و یصعد من عندنا (۲)

پس طبق این روایات مذکوره، هم ثابت شد، منظور، اهل بیت در آیه تطهیر، اهل بیت رسالت و نبوت و مهبط وحی و محل نزول فرشتگان هستند، نه اهل بیت عادی و غیر معصوم پیامبر که زنان و زوجاتش باشند

انا اهل البیت اهل بیت الرحمه و شجره النبوه و موضع الرساله و مختلف الملائکه و معدن العلم (۳)

نحن شجره العلم و نحن اهل بیت النبی و فی دارنا مهبط جبرئیل ...

لا یفارقهم روح القدس و لا یفارقونه (۴)

ممکن است جناب وهابی و وهابی ها بگویند با رحلت جانسوز نبی اسلام، وحی و نزول فرشتگان برای همیشه قطع و زائل شد، شما شیعیان امامیه، چگونه این روایات را، در باب اینکه اهل بیت پیامبر اسلام، اهل بیت وحی و محل نزول فرشتگان و جبرئیل بوده اند را نقل می کنید مگر ائمه ۱۲ گانه شما، پیامبر و جزء انبیاء بوده اند که به آنان وحی شود و جبرئیل و ملائکه بر آنان نازل شوند؟!! ادله ما، شیعیان اثنی عشری در این موضوع، سوره مبارکه قدر و تفاسیر مربوطه آن خصوصاً آیه ۴ سوره قدر و آیات ۱ الی ۴ سوره دخان و سایر آیات مربوطه که اشاره می شود، ملائکه بر ائمه نازل می شوند در سوره مبارکه قدر آیه ۴ که می فرماید: فرشتگان و روح در آن شب با اذن خداوند برای تقدیر هر کاری نازل می شوند، تنزل بصورت مضارع که دلالت بر دوام و استمرار دارد، خصوصاً آنکه باب «تفعل» نیز این معنا را می رساند؛

۱- ۱. مصباح المتهجد ص ۳۶۱

۲- ۲. مستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری ج۳ ص ۱۸۸ ح۴۸۰۲، کتاب معرفه الصحابه باب مناقب امام حسن

۳- ۳. اسدالغابه ج۳ ص ۲۹۲

۴- ۴. باب ۱۰۳ _ امالی صدوق ص ۳۸۳، بشاره المصطفی ص ۵۴، اعلام الوری ج۱ ص ۵۰۸ بحار الانوار ج ۲۳ _ علل شرایع ص ۱۲۲

یعنی در هر سال ماه مبارک رمضان، شب قدر وجود دارد و نزول فرشتگان و روح (بزرگترین فرشته) هم تا روز قیامت خصوصاً در چنین شبی (شب قدر) ادامه دارد و مستمر است، در زمان پیامبران، خصوصاً رسول اسلام، ملائکه و روح در شب قدر، بر آنان نازل می شدند و اسرار الهی را به آنان وحی می کردند؛ و عرض شد، تنزل عبارت آیه ۴ سوره قدر، فعل و عبارتش دال بر دوام و استمرار است، سوال می کنیم از منکرین امامت ائمه هدی، در زمان و عصر ما ملائکه و روح در شب قدر بر چه کسی نازل می شوند؟ آیا بر افراد عادی نازل می شوند؟ بر خلیفه الله و جانشین الهی و واقعی نبی اسلام نازل می شوند و اسرار الهی را به او عرضه می دارند، به روایات و احادیثی که اشاره و تاکید دارد، ملائکه و روح القدس در شب قدر بر حجت خدا و انسان کامل الهی یعنی ائمه هدی، نازل می شوند بطور اختصار نظر شما را معطوف می کنم؛ امام باقر علیه السلام فرمود: ای گروه جماعت شیعه بوسیله سوره قدر با دشمنان ما، مجادله و مناظره کنید که پیروز می شوید، بخدا قسم این سوره بعد از وفات پیامبر، حجت بر بندگان است و هر آینه این سوره سرور دین شماست و هر آینه این سوره نهایت علم ماست

یا معشر الشیعه خاصموا بسوره «انا انزلناه» تفلجوا فوالله انها لحجه الله علی الخلق بعد رسول الله و انها لسیده دینکم و انها لغایه علمنا (۱)

امام باقر فرمود: خداوند عظیم تر از آن است که در شب قدر و تفریق کلیه امور، فرشتگان و روح را بسوی کفار و فساق بفرستد و اگر مخالف ما، بگوید به خلیفه پیامبر نازل می شوند، این حرف خلاف است زیرا ملائکه و روح بر خلیفه ناحق نازل نگردند و اگر بگویند بر کسی نازل نمی شوند این غیر ممکن است، زیرا، لازمه نزول این است که بر کسی نازل گردند و اگر بگویند شب قدر، اصلاً وجود ندارد، پس در گمراهی سختی افتاده اند _ (۲)، کتاب الحجه _ ائمه هدی بعد از بنی اکرم، حکم محدث دارند، یعنی ملائکه بر آنان نازل می شوند و با آن گفتگو دارند، خصوصاً در شب قدر، مولا علی به ابن عباس فرمود: شب قدر در کلیه سالهای ماه رمضان هست،

۱- ۱. اصول کافی ج۱ ص ۵۶۶ح ۶

۲- ۲. اصول کافی ج۱ ص ۵۷۶ ح۹

و در شب قـدر، تقـدیرات و برنامه زنـدگی امور یکساله، انـدازه گیری می شود و این برنامه بعد از پیامبر، صاحبان امر و عهده دارانی دارد که من و ۱۱ امام محدث از صلب و نسل من هستند و هستیم _ (۱)، در کتب برادران اهل سنت خصوصاً در کتاب صحیح، محمد اسماعیل بخاری روایات زیادی نقل شده از زبان مبارک نبی اسلام، که فرموده اند: هر کس جویای درک شب قدر است در هفت شب یا ده شب آخر ماه مبارک رمضان آنرا طلب کند

فمن کان متحر بها، فلیتحرها فی السبع الا و آخر(۲)،

ممکن است وهـابی ها بگوینـد، فرشـتگان فقط بر پیامبران نازل می شـده و امکان نـدارد بر غیر از پیامبران و اوصـیاء انبیاء نازل شوند؟! در کتاب صحیح بخاری ج۴ ص ۲۴۵ ح ۳۶۸۹ باب مناقب عمر ابن الخطاب، از نبی اسـلام روایت شده که قبل از شما افرادی بودند که پیامبر نبودند ولی فرشـتگان بر آنان نازل می شدند و با آنان حرف می زدند و اگر در امت اسـلام کسی باشد که فرشتگان با او حرف می زدند او عمر ابن الخطاب است.(۳)

لقد کان فیمن کان قبلکم من نبی اسرائیل رجال یکلمون من غیر ان یکونوا انبیاء فان یکن من امتی منهم احد فعمر..

البته مخفی نماند ما این روایاتی که آقایان اهل سنت نقل کرده اند بطور کامل قبول نداریم؛ چون طبق آیات قرآن، هر روحی و نفسـی و جانی، توانایی و لیاقت کامل ندارد با روح القدس و فرشتگان الهی در ارتباط کامل و عمیق باشد، خداوند در سوره غـافر آیه ۱۵، سوره نحـل آیه۲، سـوره شوری آیه ۵۱و ۵۲، سوره انبیـاء آیه ۷۳، اشـاره و تاکیـد فرموده، خداونـد بر هر کس بخواهد، فرشـتگان را نازل می کند و خواست، خداوند، همراه با حکمت و برگزیدگی و امتیاز خاص آن شخص است، ممکن است در طول تاریـخ گذشـته و حال افراد صالـح و بسـیار باتقوا باشـند که ملائکه را مشاهده کنند ولی ملك را نشناسـند و آن ملك بعنوان نصیحت مطلبی به آنان ارائه بدهد _ ینزل

ص:۲۷۰

۱- ۱. اصول کافی ج۱ ص ۵۳۲ح ۱۱

۲- ۲. صحیح بخاری ج۲ ص ۴۴۲ ح ۲۰۱۴، کتاب فضل لیله القدر

۳- ۳. صحیح بخاری ج۳ ص ۱۲۷۹ ح ۳۲۸۲، کتاب الانبیاء باب ۵۲ صحیح مسلم ج۴ ص ۱۸۶۴ح ۲۳۹۸

الملائکه بالروح من امره علی من یشاء من عباده، امام صادق در ذیل آیه ۴ سوره دخان فرمود: آن شب، شب قدر است، در آن شب، گروه حاجیان، تقدیر مرگ و زندگی، از اطاعت و معصیت، مقدر و تقدیر می شود، سپس آنرا به صاحب زمین می رساند، راوی سوال کرد: صاحب زمین کیست؟ فرمود: امام شما (۱)، در منابع روایی و تاریخی و فتوایی اهل سنت و حتی وهابیت بطور فراوان آمده، که یکی از صحابه نبی اسلام، بنام: عمران بن حصین خزاعی، با ملائکه و فرشتگان در ارتباط کامل بوده!!! حتی ملائکه با او مصافحه و روبوسی می کردند و با او احوالپرسی و سلام و علیک داشته اند، حتی عمران بن حصین فرشتگان را مشاهده می کرده و بعضی از علمای اهل سنت قائلند او همانند فرشتگان بوده و لقب شبیه الملائکه به او داده بودند

انه کان یری الحفظه و کانت تکلمه _ کانت الملائکه تصافحه(۲)

و کانت الملائکه تسلم علی عمران بن حصین؛ کانت الملائکه تسلم علیه؛ کانت الحفظه تکلمه؛ کانت الملائکه تسلم علیه و یراهم عیناً؛ عمران بن حصین، شبیه الملائکه صارکانه ملک یحیا بین الملائکه یحادثونه و یحادثهم و یصافحونه و یصافحهم.(۳)

از جمله کسانی که آقایان اهل سنت، قائلند، محدث بوده یعنی فرشتگان بر او نازل می شوند و با او حرف می زدند؛ ابو المعالی صالح، متوفی ۴۲۷ است؛ ابن جوزی و ابن کثیر نقل کرده اند: که ابوالمعالی در ماه رمضانی گرفتار بیچارگی شدیدی شد و تصمیم گرفت؛ پیش یکی از اقوامش برود تا مقداری قرض بکند می گوید همین که داشتم می رفتم، پرنده ای روی شانه ام نشست و گفت: ای ابوالمعالی من فلان فرشته

۱- ۱. بصائر الدرجات ص ۲۲۱ح ۴

۲- ۲. مرقاه المفاتیح ج۱ ص ۱۷۲، الاستیعاب ج۳ ص ۲۲ و ص ۱۲ ش ۱۹۶۹، الاصابه ص ۲۶ و ج۴ ص ۷۵۰، سیر اعلام النبلاء ج۲ ص ۵۰۸، المجموعه الفتاوی ابن تیمیه، مساله الحادی عشر ص ۲۷۶، الحاوی للفتاوی مساله ۷۰ ص ۳۰۹، تهذیب الاسماء و اللغات ج۲ ص۳۶

۳- ۳. رجال حول الرسول ج۱ ص ۴۰۳؛ صفه الصفوه ج۱ ص ۲۸۳، تهذیب التهذیب ج۸ ص ۱۲۶ البدایه و النهایه ج ۸ ص ۶۰؛ شذرات الذهب ابن عماد ج۱ ص ۵۸؛ البدایه و النهایه ج۸ ص ۶۰؛ شذرات الذهب ابن عماد ج۱ ص ۵۸؛ طرح التثریب ج۱ ص ۹۰؛ خلاصه تهذیب الکمال ص ۲۵۰؛ (با استفاده از سایت مکتبه شامله، مکتبه الاسلامیه و کتاب شریف الغدیر علامه امینی ج۵ ص ۶۵)

ام به آنجا نرو، من او را پیش تو خواهم آورد، فردای آنروز همان مرد پیشم آمد

و نزلت طائره فجلس منکبی فقال یا ابا المعالی انا الملک فلانی ...

در مسند احمد حنبل ج۵ ص ۳۹۵ آمده که حذیفه ابن الیمان با ملائکه صحبت می کرده و همچنین، آلوسی در تفسیر روح المعانی ج۲۲ ص ۴۰ نوشته، جبرئیل با ابن ابی کعب حرف زده و در کتاب فتح الباری ج۲ ص ۶۳ آمده، که عمر ابن الخطاب صدای _ جبرئیل را شنید، نقل شده که روزی حذیفه نزد رسول اسلام آمد و عرض کرد: من در حال نماز بودم، شنیدم که گوینده ای می گفت: اللهم لک الحمد، پیامبر فرمود: آن شخص ملکی بوده که آمده به شما یاد دهد چگونه خداوند را سپاس بگویید

عن حذیفه بن الیمان انه اتی النبی فقال بینما انا اصلی اذ سمعت متکلما یقول اللهم لک الحمد ... فقال النبی: ذاک ملک اتاک یعلمک تحمید ربک _ قال ابی بن کعب لادخلن المسجد فلا صلین و لاحمدن الله بمحامد لم یحمده بها احد فلما صلی و جلس لیمحدالله ویثنی علیه اذهو بصوت عال من خلف یقول: اللهم لک الحمد... فاتی رسول الله فقض علیه فقال ذاک جبرئیل ...

نخستین کسی که در آسمان دنیا، اذن گفت، جبرئیل بود و عمر ابن الخطاب و بلال آنرا شنیدند

اول من اذن بالصلاه جبرئیل فی سماء الدنیا فسمعه عمر و بلال(۱) ، ان لکل امه محدثاً و ان محدث هذه الامه عمر ابن الخطاب(۲) ، آلوسی مفسر معروف اهل سنت می نویسد: روایات فراوانی وارد شده که برخی از صحابه؛ ملائکه را می دیده و سخن آنها را می شنیده اند و بهترین دلیل برای تائید آن آیه ۳۰ سوره فصلت است که در این آیه از نزول ملائکه بر غیر پیامبران در دنیا و سخن گفتن با آنان خبر داده و هیچ کس ادعا نکرده که لازمه این سخن نبوت است و الاخبار طافحه برویه الصحابه للملک و سماعهم کلامه و کفی دلیلاً لما نحن فیه قوله سبحانه

ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل علیهم الملائکه ... فان فیها نزول الملک علی غیر الانبیاء فی الدنیا و تکلیمه ایاه و لم یقل احد من الناس ان ذلک یستدعی النبوه _ ج۱۱ ص۲۱۸ ذیل آیه ۶ سوره احزاب _ روح المعانی ج۲۲ ص

۱- ۱. عمده القاری ج۵ ص ۱۰۷، سیره الحلبیه ج۲ ص ۳۰۲

۲- ۲. تاریخ دمشق ج۴۴ ص ۹۵

۴۰ _ ملا قاری در مرقاه می نویسد: ملائکه با آنان حرف می زند نه بعنوان وحی

ویجوزان یحمل علی ظاهره بان تحدثهم الملائکه لابوحی(۱) _ یکی از ادله و براهین قوی که مشخص و روشن می کند؛ اهل بیت معصوم و مخصوص نبی اسلام چه کسانی هستند حدیث مشهور و متواتر؛ ثقلین است؛ این روایت شریف با عبارات مختلف در منابع شیعه و سنی آمده است؛ که نبی اکرم می فرمود: من از میان شما می روم ولی دو چیز سنگین و پرارزش برایتان باقی می گذارم اول قرآن و دوم اهل بیتم که هیچ وقت این دو (قرآن و اهل بیت) از هم جدا نمی شوند تا در روز قیامت در کنار حوض کوثر بر من وارد و نازل شوند و اگر به این دو (قرآن و اهل بیت) توسل و تمسک بجوئید هیچ وقت گمراه نمی شوید

و انا تارک فیکم ثقلین اولهما کتاب الله فیه الهدی و النور فخذوا بکتاب الله و استمسکوا به فحث علی کتاب الله و رغب فیه ثم قال: و اهل بیتی اذکرکم الله فی اهل بیتی(۲) _ ، انی تارک فیکم ما ان تمسکتم به لن تضلوا بعدی احدهما اعظم من الاخر، کتاب الله حبل ممدود من السماء الی الارض و عترتی اهل بیتی و لن یتفرقا حتی یردا علی الحوض فانظروا کیف تخلفونی فیهما (۳) _ هذا حدیث حسن _ یا ایها الناس انی ترکت فیکم ما ان اخذتم به لن تضلوا؛ کتاب الله و عترتی اهل بیتی(۴): ابن کثیر می نویسد: در سند صحیح آمده که پیامبر، مردم را به کتاب خدا و عترت توصیه کرده است

و قد ثبت فی الصحیح ان رسول الله فی خطبه بغدیر خم: انی تارک فیکم الثقلین؛ کتاب الله و عترتی و انهما لم یفترقا حتی یردا علی الحوض(۵)

ابن کثیر در البدایه و النهایه ج۷ ص ۶۶۸ می نویسد: استاد من، ذهبی می گوید این روایت صحیح است

قال شیخنا ابوعبدالله الذهبی و هذا حدیث صحیح ناصر الدین آلبانی می گوید:

۱- ۱. مرقاه المفاتیح شرح مشکاه المصابیح علی بن سلطان محمد القاری، مساله ۴ باب مناقب عمرابن الخطاب ص ۳۸۹۳ _ ص ۲۱ طبق سایت مکتبه الاسلامیه (اسلام ویب)

۲- ۲. صحیح مسلم ج ۴ ص ۱۸۷۳، مسند احمد ج۲۳ ص ۱۰

۳- ۳. سنن ترمذی ج۵ ص ۶۶۳ اسدالغابه فی معرفه الصحابه ج۲ ص ۱۳ ابن اثیر؛ الدر المنثور سیوطی ج۷ ص ۳۴۹

۴- ۴. سنن ترمذی ج۵ ص ۶۶۳، کنزالعمال ج۱ ص ۱۷۲؛ المصنف ابن ابی شیبه ج۶ ص ۳۰۹

۵- ۵. تفسیر القرآن العظیم ابن کثیر ج۷ ص ۱۸۵

حدیث ثقلین صحیح است _ انی ترکت فیکم الخلیفتین الکاملتین کتاب الله و عترتی _ ح۲۴۵۷ صحیح الجامع الصغیر ج۱ ص ۴۸۲ _ صحیح و ضعیف الجامع الصغیر و زیادته ج۱ ح ۴۲۲۲ و ۴۲۲۳ و ۵۲۴۸ و ۵۵۴۳ و ۸۲۳۹

_ انی تارک فیکم خلیفتین کتاب الله حبل ممدود ما بین السماء و الارض و عترتی اهل بیتی و انهما لن یتفرقا حتی یردا علی الحوض (صحیح) هیثمی در مجمع الزوائد ج۱ ص ۱۷۰ و ج۹ ص ۱۶۳ و ج ۱۰ ص ۳۶۳ حدیث ثقلین و راویان را موثق می داند و عن زیدبن ثابت عن رسول الله قال: انی ترکت فیکم خلیفتین، کتاب الله و اهل بیتی و انهما لن یتفرقا حتی یردا علی الحوض: رواه الطبرانی فی الکبیر و رجاله ثقات ح۷۸۴؛ حاکم نیشابوری در المستدرک علی الصحیحین ج۳ ص ۱۱۸ ح ۴۵۷۷ ش ۱۷۵، حدیث ثقلین را ذکر کرده و آنرا صحیح شمرده است

ایها الناس انی تارک فیکم امرین لن تضلوا ان اتبعتموهما کتاب الله و اهل بیتی عترتی...(۱)

فانی سائلکم حین تردون علی عن الثقلین فانظروا کیف تخلفونی فیهما الثقل الاکبر کتاب الله سبب طرفه بیدالله و طرفه بایدیکم فاستمسکوا به لا ـ تضلو اولا تبدلوا و عترتی اهل بیتی؛ الصواعق المحرقه ابن حجر ص ۴۴۰ _ می نویسد: بدانید برای حدیث ثقلین طرق بسیاری می باشد که نقل گردیده و بیش از ۲۰ نفر صحابه پیامبر آنرا نقل کرده اند و نبی اسلام در مواطن کثیره به این حدیث تاکید فرموده:

اعلم ان لحدیث التمسک بالثقلین طرقاً کثیره وردت عن نیف و عشرین صحابیاً و لاتنافی اذ لامانع من انه کرر علیهم ذلک فی تلک المواطن و غیرها اهتماماً بشان الکتاب العزیز و العتره الطاهره (۲)

۱- ۱. و حدیث بریده الاسلمی صحیح _ المستدرک حاکم ج۳ ص ۱۶۱: انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و اهل بیتی و انهما لن یتفرقا حتی یردا علی الحوض _ هذا حدیث صحیح الاسناد _ مسند احمد حنبل ج۱۷ ص ۱۷۰ و ص ۲۱۱ و ص ۳۰۹ و ج۱۸ ص ۱۱۴: و انی تارک فیکم الثقلین، کتاب الله عزوجل وعترتی ح ۱۱۱۳۱؛ حلیه الاولیاء ج۱ ص ۳۵۵

۲- ۲. سنن ابی داود ج۲ ص ۱۸۵ح ۱۹۰۵؛ خصائص امیرالمومنین (نسایی) ص ۹۳، تذکره الخواص ص ۲۹۰، الجمع بین الصحیحین ج۱ ص ۵۱۵ معجم الکبیر طبرانی ج۳ ص ۶۵، تلخیص المستدرک ذهبی ج۳ ص ۱۰۹عقد الفرید ابن عبد ربه ج۴ ص ۱۲۶، مطالب السوول ص ۳۹، ینابیع الموده ج۱ ص ۹۷، شرح نهج البلاغه ج۹ ص ۱۳۳، نور الابصار ص ۱۱۹، فصول المهمه ج۱ ص ۲۳۷؛ فرائد السمطین ج۲ ص ۲۳۳؛ الکشف و البیان ثعلبی ج۸ ص ۴۰؛ مناقب ابن مغازلی ص ۲۳۴ ح ۲۸۱؛ کفایه الطالب ص ۵۳ باب ۱، طبقات الکبری ابن سعد ج۲ ص ۱۵۰؛ تفسیر الکبیر رازی ج۸ ص ۱۶۳

ابن تیمیه رهبر فکری وهـابیت در کتاب منهاج السـنه النبویه ج۴ ص ۵۶۱ می نویسـد: در روایات صـحیح ثابت و وارد شده که نبی اسلام در غدیر خم بین مکه و مدینه این حدیث را خواند _

و قـد ثبت فی الصـحیح عن النبی انه خطب النـاس بغـدیر یـدعی خما بین مکه و مـدینه فقال: انی تارک فیکم الثقلین احـدهما کتاب الله ... ثم قال و عترتی اهل بیتی(۱)؛ والذی رواه مسلم انه بغدیر خم قال: انی تارک فیکم الثقلین ... المطالب العالیه(۲)

و قد ترکت فیکم ما ان اخذتم به لن تضـلوا کتاب الله تعال سـببه بیدی و سببه بایدیکم و اهل بیتی(۳): علامه کبیر، مرحوم میر حامـد حسـین هنـدی از نوابغ علمـای شـیعه، این حـدیث ثقلین را، از بیش ۵۰۰ عـالم سـنی، نقـل کرده است _ حـدیث ثقلین، عصـمت و امـامت الهی ائمه هـدی را و همچنین برتری آنـان بر تمام پیامبران بغیر از رسول اسـلام ثابت و روشن می کنـد؛ ابن حجر می نویسـد: علت نامگـذاری ثقلین بـدان جهت است که ثقـل بـا دو فتحه هر چیز نفیس و گرانبهائی است که از هر گونه دسـتبردی مصـون و محفوظ می باشـد و شـکی نیست که این دو (قرآن و اهـل بیت خـاص پیـامبر) از هر گونه خطـاء و اشـتباه محفوظ هستند

سمی رسول الله؛ القرآن و عـترته ... لاـن الثقـل کـل نفیس خطیر مصون و هـذان کـذلک اذ کـل منهمـا معـدن للعلوم اللـدنیه و الاسـرار و الحکم العلیه و الاحکام الشـرعیه... و قیل سیما ثقلین وجوب رعایه حقوقهما.(۴) استاد توفیق ابوعلم؛ نویسنده مشهور مصری سُنی در کتاب اهل البیت ص ۷۵ می نویسد: دلالت حدیث مزبور بر عصمت ظاهر و آشکار دارد چون در قرآن باطل و کجی نفوذ و راه نـدارد در اهل بیت معصوم پیامبر هم، باطل نفوذ نـدارد چون پیامبر اکرم، خبر از پیوسـتگی آنان با هم و عدم جدایی آنان داده است

ان النبی قرنهم بکتاب الله العزیز الذی لایاتیه الباطل من بین یدیه و لامن خلفه

۱- ۱. منهاج السنه ج۷ ص ۳۱۸

۲- ۲. ابن حجر ج۱۶ ص ۱۴۲ح ۳۹۴۳

۳- ۳. هذا اسـناده صـحیح، فضائل الصاحبه احمد حنبل ج۲ ص ۶۰۳ ح ۱۰۳۲؛ مسـند ابن ابی شیبه ج۱ ص ۱۰۸ح ۱۳۵؛ السنه ج۲ ص۳۵۱، فیض القدیر ج۳ ص ۱۴؛ سنن بیهقی ج۲ ص ۱۴۸؛ سنن دارمی ج۲ ص ۴۳۱؛ انسان العیون ج۳ ص ۳۰۸ حلبی؛ ذخائر العقبی طبری ص ۱۶؛ مصابیح السنه بغوی ج۲ ص ۲۰۵

۴- ۴. صواعق المحرقه ص ۲۱۰

فلا یفترق احـدهما عن الاخر و من الطبیعی ان الصدور آیه مخالفه لاحکام الدین تعد افتراقاً عن الکتاب العزیز و قد صـرح النبی بعـدم افتراقهما حتی یردا علی الحوض؛ فـدلالته علی العصـمه ظاهره جلیه ـ تفتازانی می نویسـد: آیا نمی بینی که چگونه پیامبر اهـل بیـت خـود را به کتـاب خـود مقرون سـاخته این نیست مگر به جهت تمسـک به کتـاب و عـترت که انسـان را از ضـلالت وگمراهی نجات خواهد داد، یعنی در قرآن و اهل بیت باطل و ظلالت راه ندارد)

الاتری انه قرنهم بکتاب الله تعالی فی کون التمسک بهما منقذا عن الضلاله(۱)

نبی اسلام و ائمه هدی، حدیث ثقلین را برای ما، تفسیر و معنا کرده اند و امام صادق علیه السلام ، حدیث ثقلین دال بر عصمت ابـدی ائمه هدی می داند؛ از مولا علی سوال شد معنا و مفهوم حدیث ثقلین چیست؟ حضـرت فرمود: من و حسن و حسـین و ۹ امام از فرزنـدان حسـین و نهمین فرزنـد حسـین، مهـدی قائم است که هیچ وقت اینان از کتاب خدا، جدا نمی شوند تا اینکه در کنار حوض کوثر، بر پیامبر نازل شوند ـ سئل امیرالمومنین عن معنی قول رسول الله:

انی مخلف فیکم الثقلین؛ کتاب الله و عترتی من العتره؟

فقال: انا و الحسن و الحسـین و الائمه التسـعه من ولد الحسـین، تاسـعهم مهدیهم و قائمهم لایفارقون کتاب الله و لایفارقهم حتی یردوا علی رسول الله حوضه، (۲)

پیامبر اکرم در خطبه شـریف غدیر خم راجع به حدیث ثقلین فرمود: ای مردم، علی علیه السلام و اولاد مطهرش، ثقل اصغرند و قرآن ثقل اکبر است و هر کـدام از آن دو مویـد و موافق دیگری خواهد بود و هرگز از همدیگر جدا نخواهند شد تا روزی که در جانب حوض به من رسند

ان علیاً و الطیبین من ولـدی هم الثقل الاصـغر و القرآن الثقل الاکبر فکل واحـد منبی عن صاحبه و موافق له لن یفترقا حتی یردا علی الحوض (۳)، نبی اکرم فرمود: علی علیه السـلام بـا قرآن و قرآن با علی است و هیـچ وقت از هم جـدا نمی شونـد، که این روایت با سند صحیح در منابع مهم اهل سنت آمده است

علی مع القرآن و القرآن مع علی، لن یفترقا حتی یردا علی الحوض ـ علی مع

ص:۲۷۶

۱- ۱. شرح المقاصد ج۲ ص ۲۲۲

۲- ۲. الکافی ج۱ ص ۵۳۳، الارشاد ج۲ ص ۳۴۷، الخصال ص ۴۱۹ ح ۱۲

۳- ۳. احتجاج طبرسی ج۱ ص ۱۳۱

الحق و القرآن و الحق و القرآن مع علی(۱)

در ضـمن به اقرار بعضـی از علمای اهل سـنت، آیه تطهیر؛ عبارت و واژه انما که در ابتـدای آیه تطهیر آمده دلیل بر برتری ائمه ۱۲ گانه شـیعه بر تمام پیامبران بغیر از رسول اسلام و دلیل بر مساوی بودن مقام و رتبه ائمه ۱۲ گانه شیعه با رسول اسلام است؛ ابن منظور، لغت شناس معروف اهل سنت در کتاب لسان العرب ج۱۳ ص ۳۱ درباره عبارت انما می نویسد: کلمه انما مفهومی را برای آنچه که بعد از او آمده است اثبات می کند مانند: این سـخن که کسـی بگوید: من و مانند من از شرف و حیثیتم دفاع می کنم یعنی در واقع می گوید: فقط من و مثل من چنین هستیم نه فردی دیگر

_ و معنی انما اثبات لما یـذکر بعـدها و نفی لما سواه کقوله: و انما یـدافع عن احسابهم انا اومثلی المعنی: ما یدافع عن احسابهم الا انا او من هو مثلی....

ابن حجر هیثمی در صواعـق المحرقه ج۲ ص ۴۲۵ می نویسـد: این آیه (تطهیر) منبع همه فضائـل و برتری های خانـدان نبوت است و توجهی خاص به اهل بیت دارد

_ ثم هذه الایه منبع فضائل اهل البیت النبوی لاشتمالها علی غرر من ماثرهم و الاعتناء بشانهم

ابن ابی الحدید معتزلی می نویسد: ما معتقدیم که در امر خلافت حضرت علی به دلیل برتری که نسبت به دیگران داشت برای تصدی آن دارای حق بود و نسبت به دیگران اولویت داشت؛ چرا که برترین بشر بعد از پیامبر اسلام است _ نقول انه کان اولی بالامر و احق لا علی وجه النص بل علی وجه الافضلیه فانه افضل البشر بعد رسول الله (۲)

آلوسی مفسر معروف اهل سنت در تفسیر روح المعانی درباره اهل بیت معصوم

۱- ۱. مسـتدرک حاکم نیشابوری ج۳ ص ۱۳۴ ح ۴۶۲۸ _ هذا حدیث صـحیح الاسـناد _ مسـتدرک حاکم ج۳ ص ۱۳۰ ح ۴۶۱۴؛ مجمع الزوائدج۷ ص ۲۳۵، تاریخ بغداد ج۱۴ ص ۳۲۲؛ البـدایه و النهایه ابن کثیر ج ۷ ص ۳۹۸؛ مسند ابویعلی ج۲ ص ۳۱۸ ح ۱۰۵۲، تاریـخ مدینه دمشق ج ۴۲ ص ۴۴۹؛ محاضـرات الادباء ج۳ ص ۴۶۴ حد ۲۰؛ کشف الاسـتار عن الزوائد البزاز هیثمی ج۴ ص ۹۶ ح ۳۲۸۲؛ ذهبی در تلخیص مسـتدرک ح ۴۶۲۸ این حدیث را صـحیح دانسته _ قال فی التلخیص: صحیح؛ ربیع الابرار ج۱ ص ۸۲۸، فرائد السـمطین ج۱ ص ۱۷۷؛ المعجم الاوسـط ج۵ ص ۱۳۵ المعجم الصـغیر ج۱ ص ۲۵۵؛ صواعق المحرقه ص ۱۲۴؛ مناقب خوارزمی ص ۱۷۷ح۲۱۴؛ فیض القدیر ج۴ ص ۳۵۶ حرف العین؛ سبل الهدی والرشاد ج۱۱ ص ۲۹۷؛ کنز العمال ج۱۱ ص ۶۰۳؛

۲- ۲. شرح نهج البلاغه ج۱ ص ۱۴۰

نبی اکرم می نویسد: اهل بیت معصوم نبی اسلام کسانی هستند که هم وزن و برابر با قرآن کریم می باشند و همسران نبی اسلام در حدیث ثقلین داخل نیستند یعنی زنان پیامبران؛ جزء آن اهل بیتی نیستند که پیامبر اکرم فرمود: دوم: عترت از اهل بیتم که از قرآن هیچ وقت جدا نمی شوند تا اینکه در کنار حوض کوثر فردای قیامت بر من نازل و وارد شوند

و انت تعلم ان ظاهر ما صح من قوله: انی تارک فیکم خلیفتین و فی روایه ثقلین؛ کتاب الله حبل ممدو ما بین السماء والارض و عترتی اهل بیتی و انهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض یقتضی ان النساء المطهرات غیر داخلات فی اهل البیت الذین هم احد الثقلین؛ شخصی از امام کاظم علیه السلام سوال کرد معنای عصمت امام چیست؟ امام موسی بن جعفر فرمود: معصوم شخصی است که بواسطه چنگ زدنش به ریسمان الهی و جدا نشدنش از آن هرگز به گناهی آلوده نگردد و رشته محکم الهی خدا؛ قرآن است که آن دو تا روز قیامت از یکدیگر جدا نگردند و تا رستاخیر امام هدایت می کند به قرآن و قرآن راهنمائی می نماید به امام و این است فرموده خداوند:

ان هذا القرآن یهدی للتی هی اقوم _ فما معنی المعصوم؟ فقال: هو المعتصم بحبل الله و حبل الله هو القرآن لایفترقان الی یوم القیامه و الامام یهدی الی القرآن و القرآن یهدی الی الامام (۱)

از جمله ادله دیگر در برتری مولاـ امام علی علیه السلام بر پیامبران و خلائق بغیر از بر رسول اکرم، آیه ۱۹ و ۲۰ سوره توبه است،

{اجعلتم سقایه الحج و عماره المسجد الحرام کمن آمن بالله و الیوم الاخر و جهاد فی سبیل الله باموالهم و انفسهم اعظم درجه عندالله ...}

مولا علی علیه السلام شخصیتی است که خداوند در سوره توبه آیه ۲۰ درباره او فرموده: بزرگترین درجه و مقام نزد پیشگاه خداوند دارد، شان نزول این دو آیه از این قرار بوده که عباس بن عبدالمطلب و طلحه بن شیبه با مولا علی علیه السلام در مقام مفاخرت برآمدند، طلحه می گفت: که اختیار بیت الله در دست من است و کلید خانه خدا نزد من است پس من بر تمام عالمیان برتری دارم؛ عباس گفت: من صاحب سقایه ام و به حجاج آب می دهم پس من افضل و اشرف می باشم مولا علی فرمود: شما چه

۱- ۱. معانی الاخبار _ شیخ صدوق ج۱ ص ۳۰۷ باب معنی عصمه الامام _ ح۱

می گوئید زیرا که من ایمان آورده ام به پیامبر و تصدیق کرده ام خدا را و با نبی اسلام نماز گزاردم قبل از جمیع مردم بمدت ۶ ماه در زمانیکه همه بعبادت بتها و متابعت شیطان بودید بعد از این گفتگو و مناظره مولا علی با عباس و شیبه آیه ۱۹ و ۲۰ سوره توبه در برتری مولا علی و عظمت درجه و مقام او نزد خدا، بر پیامبر اسلام نازل شد؛ منابع تفسیری اهل سنت این قضیه و شان نزول را در ذیل آیه ۱۹ و ۲۰ سوره توبه درباره مولا علی نقل کرده اند

قال افتخرالعباس بن عبدالمطلب فقال: انا عم محمد و انا صاحب سقایه الحاج و انا افضل من علی و قال شیبه بن عثمان: انا اعمر بیت الله و صاحب حجابته و انا افضل فسمعهما علی و هما یذاکران ذلک فقال: انا افضل منکما؛ انا المجاهد فی سبیل الله فانزل الله فیهم: اجعلتم سقایه الحاج: یعنی العباس و عماره المسجد الحرام یعنی: شیبه کمن آمن بالله و الیوم الاخر الی قوله: اجر عظیم: ففضل علیاً علیهما

امام باقر علیه السلام فرمود: آیه شریفه {الذین امنوا و هاجروا کلمه تا فائزون} در حق امیرالمومنین علی نازل شده است(۱)

فصدق الله علیا فی دعواه و شهدله بالایمان و المهاجره و الجهاد... و رفع قدره فیه و اعلاه و کم له من المزایا التی لا یبلغها احد سواه (۲)

از جمله برتری های دیگر مولا علی بر پیامبران بغیر از بر رسول اسلام؛ آیه ۳ سوره مبارکه توبه است؛ در ذیل این آیه مفسران، محدثان و مورخان محترم اهل سنت و جماعت نوشته اند؛ پیامبر اکرم؛ جناب ابوبکر را با ده آیه ابتدایی سوره توبه به جانب مکه فرستاد چون به ذوالحلیفه رسید؛ کسی را دنبال او فرستاد و او را بر گردانید و گفت: آن را جزء مردی از من (یعنی همانند من) و اهل بیت من نبرد، پس مولا علی را فرستاد، و این تفسیر آیه شریفه با لفظ صریح نبوی، اثبات می کند که مولا علی،

---

۱ - ۱. تفسیر قمی ج۲ ص ۲۸۴، سدی درباره آیه ۱۹ تا ۲۰ سوره توبه می گوید درباره مولا علی نازل شده است ـ شواهد التنزیل حاکم حسکانی حنفی ح۳۳۵؛ تفسیر امام قرطبی ج۸ ص ۲۹؛ تفسیر ابن کثیرج۴ ص ۱۲۲؛ تفسیر طبری ج۱۴ ح۱۶۵۶۳؛ تفسیر بغوی ج۴ ص ۲۲ و ص ۲۳؛ تفسیر کشاف ذیل آیه، در المنثور سیوطی ج۷ ص ۲۷۰ و ص ۲۷۱ و ص۲۷۲؛ تفسیر آلوسی ج۱۰ ص ۶۷؛ تفسیر المنار؛ رشید رضا ج۱۰ ص ۱۹۵؛ تفسیر نسفی ذیل آیه ش ۱۹؛ تفسیر ابن ابی حاتم رازی ص ۱۷۶۷ ح ۱۰۰۶۴ و ح ۱۰۰۶۵ تفسیر زادالمسیر ابن جوزی ج۳ ص ۴۱۰؛ مناقب ابن مغازلی ح۳۶۷ اسباب النزول ـ ص ۱۲۹

۲- ۲. واحدی ص ۱۸۲؛ الکشف و البیان ثعلبی ج۵ ص ۲۰، تفسیر سمعانی ج۲ ص ۲۹۴،

رتبه و مقام و جایگاهش همانند، نبی اسلام است، و وقتی مولا علی، طبقه آیه مباهله (آیه ۶۱ سوره آل عمران) و تفسیر ذیل آیه (۳) برائت (سوره توبه) همانند پیامبر اسلام است؛ چگونه سایر پیامبران بر مولا علی؛ برتری می توانند داشته باشند؟

لایذهب به الارجل من اهل بیتی فبعث علیاً!! _ لا ینبغی ان یبلغ هذا الارجل منی من اهلی فدعا علیاً فاعطاه ایاها (۱)

و لکن جبرئیل جاء نی فقال: لن یودی عنک الا انت او رجل منک (۲)

نزلت «براءه» فبعث بها رسول الله؛ ابابکر ثم ارسل علیاً فاخذها منه فلما رجع ابوبکر قال: هل نزل فی شیء؟ قال: لا ولکنی امرت ان ابلغها انا او رجل من اهل بیتی (۳)

لا یودی عنی الا رجل من اهل بیتی ثم دعا؛ علی ابن ابی طالب (۴)

لاینبغی لاحدان یبلغ هذا، الارجل من اهلی (۵)

لایبلغ عنی الارجل منی _ انه لایودی عنی الا انا او رجل منی _ لایودی عنی الا

ص:۲۸۰

۱- ۱. شواهد التنزیل ح ۳۱۰
۲- ۲. صحیح محمد اسماعیل بخاری ج۶ ص ۴۰۴ ح۱۰۸۱؛ کتاب التفسیر؛ سنن الکبری بیهقی ج ۵ ص ۱۱۱ کتاب الحج؛ الجامع الصحیح ترمذی ص ۸۲۰ کتاب التفسیر ح ۳۰۹۰ مناقب خوارزمی ص ۱۶۵ فصل ۱۵ ح ۱۹۶؛ فتح القدیر شوکافی۲ ص ۳۳۴؛ مناقب ابن مغازلی ص ۲۲۷ح ۲۷۲ مطالب السئول، بن طلحه شافعی ص ۸۴ فصل ۵؛ ینابیع الموده قندوزی ج۱ ص ۲۶۱ باب ۱۸؛ ریاض النضره محب طبری ج۲ ص ۱۳۳ باب ۴؛ ذخائر العقبی ص ۶۹؛ تذکره الخواص ابن جوزی ص ۴۳ باب؛ خصائص نسایی ص ۹۰؛ البدایه و النهایه ابن کثیر ج۷ ص ۳۹۴ ذیل حوادث سال ۴۰ هجری؛ الاصابه ابن حجر ج۴ ص ۴۶۷ ش ۵۷۰۴ در المنثور سیوطی ج۳ ص ۳۷۸؛ جامع البیان طبری ج۶ ص ۸۴ ح ۱۲۷۲؛ الکشف و البیان ثعلبی ج۵ ص ۸ تفسیر القرآن ابن کثیر ج۲ ص ۲۸۸؛ تفسیر روح المعانی آلوسی ج۱۰ ص ۴۴ صواعق المحرقه ابن حجر ص ۱۲۲ ح ۶ باب ۹ فصل مجمع الزوائد ج۳ ص ۲۳۸ کتاب الحج؛ کفایه الطالب گنجی شافعی ص ۲۵۳، مسند احمد حنبل ج۱ ص ۳ مسند ابی بکر؛ المستدرک علی الصحیحین حاکم نیشابوری ج۳ ص ۵۳ ح ۴۳۷۴؛ کنز العمال هندی ج۲ ص ۴۳۱ ح ۴۴۲۰؛ فتح الباری ابن حجر ج۸ ص ۳۱۸ کتاب التفسیر؛ تاریخ طبری ج۲ ص ۳۸۳؛ الثقات ابن حبان ج۹ ص ۲۹ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج۶ ص ۱۶۸ خطبه ۷۳؛ تاریخ دمشق ابن عساکر ج ۴۲ ص ۳۴۶ شرح حال علی ابن ابی طالب
۳- ۳. تفسیر طبری ذیل آیات اول سوره توبه ح ۱۶۳۷۲ طبق سایت مکتبه اسلامیه
۴- ۴. ح ۱۶۳۷۷ ص ۱۰۸ تفسیر طبری (سایت مکتبه اسلامیه) _ و لکن لا- یبلغ عنی غیری او رجل منی _ ح ۱۶۳۷۸ تفسیر طبری ص ۱۰۹ (سایت مکتبه اسلامیه) _ تفسیر بغوی ج۴ ص ۱۰
۵- ۵. (بنقل از سایت مکتبه اسلامیه) _ تفسیر کشاف ج۳ ص ۷ _ لایودی عنی الارجل منی؛ تفسیر المنار رشید رضا ج۱۰ ص

۱۴۱؛ تفسیر کبیر امام فخر رازی ذیل آیه اول سوره برائت ص ۱۷۴

انا او علی(۱).

شیخ مفید در مسار الشیعه ص ۱۷ می نویسد: عزل ابوبکر از آسمان و ابلاغ ولایت و امامت علی علیه السلام از آسمان بود عملکرد نبی اکرم بوسیله وحی آسمان در قضیه فرستادن مولا علی به جای ابوبکر برای ابلاغ آیات سوره برائت

و کان ذلک عزلاً لابی بکر من السماء و ولایه لامیر المومنین علیه السلام من السماء

این آیه ۳ سوره توبه و تفسیر آن؛ در حین اینکه برابر بودن مقام الهی مولا علی با نبی اسلام را نشان می دهد و تاکید دارد بر اینکه مولا علی علیه السلام خلیفه و جانشین نبی اسلام است از قول شریف ایشان رسیده که شجاعت بی نظیر او را هم ترسیم می کند، مولا علی می فرماید: نبی اسلام مرا از ماموریت بسوی مکه و مشرکان مکه باخبر ساخت و نامه اش را همراه من بسوی مکه روانه کرد، مردم مکه، که به خون من تشنه و حاضر بودند همه امکاناتشان را بکار گیرند تا مرا قطعه قطعه کنند و پاره های بدنم را در میان کوه ها پراکنده سازند مرا در میان خود یافتند، پیام خدا و رسول را به آنان ابلاغ کردم و نامه را خواندم، همگی مرا تهدید کردند و آثار کینه و دشمنی در چهره هایشان آشکار شد ولی من هراسی به دل راه ندادم و شجاعانه ماموریت خویش را به فرجام رساندم و به مدینه بازگشتم

ـ فاتیت مکه و اهلها من قدعرفتم لیس منهم احد الا ولو قدر ان یضیع علی کل جبل منی ارباً لفعل و لو ان یبذل فی ذلک نفسه و اهله و ولده و ماله فبلغتهم رساله النبی و قرات علیهم کتابه فکلهم یلقانی بالتهدد و الوعید و یبدی الی البغضاء و یظهر الشحناء من رجالهم و نسائهم فکان منی ذلک ما قد رایتم ـ (۲)

۱- ۱. انساب الاشراف بلاذری ج۱ ص ۳۱۶ و ص ۱۵۴ الاموال ابن سلام ص ۲۱۵و سنن دارمی ج ۲ ص ۶۷؛ جامع الاصول ابن اثیر ج۲ ص ۲۳۳؛ الجامع الصغیر سیوطی ج۲ ص ۹۸؛ التیسیر مناوی ج۲ ص ۹۸ مصابیح السنه بغوی ج ۲ ص ۲۰۲؛ نور الابصار شبلنجی ص ۸۸؛ اخبار اصبهان ابونعیم ج۱ ص ۲۵۳؛ تذکره الحفاظ ترجمه حوید بن سعید، تاریخ الاسلام ذهبی ج۲ ص۱۹۵؛ تاریخ الخلفاء سیوطی ص ۱۶۹ فیض القدیر مناوی ج۴ ص ۳۵۷؛ فرائد السمطین حموئی ج۱ ص ۳۲۸؛ البیان و التعریف ابن حمزه ج۱ ص ۱۶۸ تهذیب الاسماء و اللغلت نووی ج۱ ص ۳۴۸ عمده القاری عینی ج۸ ص ۶۳۷؛ ارشاد الساری قسطلانی ج۷ ص ۱۳۷؛ شرح المواهب اللدنیه زرقانی ج۳ ص ۹۱؛ امتاع الاسماع مقریزی ص ۴۹۹، السیره النبویه زینی دحلان ج ۲ ص ۳۵۶؛ السیره النبویه ابن هشام ج۴ ص ۲۰۳؛ تفسیر مراغی ج۴ ص ۵۶ و ..

۲- ۲. خصال صدوق ج۲ باب۷ ص ۳۶۹ح۵۸؛ اختصاص مفید ص ۱۶۸، سیمای امیرمومنان در قرآن، سید جواد رضوی ص ۱۹۹

یکی دیگر از فضائل بی نظیر مولا علی بر پیامبران بغیر از بر رسول اسلام به اقرار علمای اهل سنت این است که ذکر و یاد مولا علی، عبادت است که با سند حسن و صحیح در منابع معتبر اهل سنت ذکر شده از قول ۱۸ نفر از صحابه، رسول اکرم فرمود: نگاه کردن به چهره علی، عبادت است.

النظر الی وجه علی عباده (۱)

عمر ابن شاهین بعد از نقل این روایت می نویسد: تنها علی ابن ابی طالب این فضیلت را داشته و هیچ کس دیگر در آن شریک نیست

تفرد علی بهذه الفضیله لم یشرکه فیها احد شرح المذاهب اهل السنه و معرفه شرائع الدین و التمسک بالسنن. (۲)

ابو نعیم اصفهانی هم می گوید: این فضیلت مخصوص مولا علی است و هیچ احدی با او در این فضیلت شریک نیست

ـ ذکر فیضله اخری لامیر المومنین علی رضی الله عنه لم یشرکه فیها احد؛ کتانی در نظم المتناثر من الحدیث المتواتر ص ۲۴۳ می نویسد: این حدیث متواتر است ـ حدیث النظر الی علی عباده ورد من روایه احد عشر صحابیاً بعده طرق قال السیوطی فی التعقبات و تلک عده التواتر فی رای جماعه؛ عایشه از نبی اسلام نقل کرده که فرمود: یاد و ذکر علی علیه السلام عبادت است

عن عائشه قالت: قال رسول الله: ذکر علی عباده(۳)

مولا علی نه تنها عبد مخلص الهی است بلکه نگاه کردن به چهره او و ذکر و یاد او، عبادت الهی است چون خداوند در قرآن پیامبران را عبد خود خوانده ولی نه در قرآن و در نه در روایات شیعه و سنی نیامده که ذکر پیامبران، عبادت است و به

۱- ۱. المعجم الکبیر ج۱۰ ص ۷۶ ح ۱۰۰۰۶؛ فضائل الخلفاء الراشدین ابونعیم اصفهانی ج۱ ص ۶۶؛ مستدرک حاکم ج۳ ص ۱۵۲ ح ۴۶۸۲ تاریخ الخلفاء سیوطی ج۱ ص ۱۷۲، صواعق المحرقه ج۲ ص ۳۶۰

۲- ۲. ج۱ ص ۱۴۵ ابن شاهین

۳- ۳. مناقب ابن مغازلی ح۲۴۳۷؛ مناقب خوارزمی ص ۲۵۲؛ البدایه النهایه ابن کثیرتاریخ دمشق ابن عساکر ج۴۲ ص ۳۵۶ و ج۲ ص ۴۰۸ ح ۹۱۴؛ الجامع الصغیر سیوطی ج ۱ ص ۵۸۳؛ فیض القدیر ج ۳ ص ۵۶۵ ـ صواعق المحرقه ص ۷۴ کنوز الحقائق ص ۷۳؛ سبل الهدی و الرشاد ج ۱۱ ص ۲۹۳

همین دلیل، مولاـ علی از پیامبران افضل است بغیر از بر رسول اسلام؛ نبی اکرم فرمود: ذکر خداوند عبادت است و ذکر من عبادت است و ذکر علی، عبادت است و ذکر امامان از فرزندان او عبادت است

ذکر الله عباده و ذکری عباده و ذکر علی عباده و ذکر الائمه من ولده عباده (۱)

امام صادق و امام باقر فرمودند: ان ذکرنا من ذکر الله یا دما اهل بیت، یاد خداست _ ان ذکرنا من ذکر الله _(۲)؛ از جمله برتری های دیگر مولاـ علی بر پیامبران و خلائق بغیر از بر رسول اسلام؛ آیه ۱۰ سوره مبارکه واقعه است {و السابقون السابقون}، مفسران شیعه و خصوصا اهل سنت بر این اعتقاد هستند که منظور از سابقون، علی ابن ابی طالب است که بر تمام خیرات و نیکی ها و خوبی ها، سبقت گرفته و جلو افتاده، وقتی که مولا علی به اقرار قرآن و مفسران نامی قرآن به دلیل ذیل آیه ۱۰ سوره واقعه؛ از تمام خلائق از جهت عبادی، علمی، خلقتی و هر ابعادی پیشی گرفته تمام پیامبران و خلائق بغیر از رسول اسلام؛ چگونه می توانند بر او برتری و تقدم داشته باشند؛ مجاهد از ابن عباس نقل می کند از رسول خدا؛ درباره آیه ۱۰ سوره واقعه سوال کردم؛ پیامبر فرمود: جبرئیل به من گفت: منظور از سابقین علی و پیروان او هستند که بسوی بهشت سبقت خواهند گرفت و مورد کرامت و قرب الهی هستند _

و السابقون السابقون؛ اولئک المقربون فی جنات النعیم فقال لی جبرئیل؛ ذلک علی و شیعته هم السابقون الی الجنه، المقربون من الله بکرامته لهم (۳)

از جمله منابع روایی و تفسیری اهل سنت که گفته اند منظور از سابقون، امام علی علیه السلام است به این شرح می باشد؛ ابن جوزی در تذکره الخواص ص ۲۱؛ طبری در الریاض النضره ص ۱۸۵، ابن کثیر در تفسیر القرآن العظیم ج۴ ص ۲۸۳، ابن حجر در صواعق المحرقه ص ۱۲۳؛ قندوزی در ینابیع الموده ص ۶۰؛ سیوطی در

۱- ۱. بحارالانوار علامه مجلسی ج۳۶ ص ۳۰۷؛ فضائل الخمسه، فیروزآبادی ج۲ ص۱۴۵

۲- ۲. لکافی ج۲ ص ۴۹۶ ح۲؛ عده الداعی ص ۲۴۱، بحار الانوار ج۷۵ ص ۴۶۸ ح ۲۰

۳- ۳. شواهد التنزیل حاکم حسکانی حنفی ح ۹۲۷؛ تفسیر البرهان ح ۷ ص ۴۰۸، امالی طوسی ج۱ ص ۷۰؛ امالی مفید ص ۲۹۸ح۷

درالمنثور ج۶ ص ۱۵۴؛ ابن مغازلی در المناقب ح ۳۶۵ ص ۳۲۰؛ آلوسی در روح المعانی ج ۲۷ ص ۱۱۴؛ محمد صالح ترمذی در مناقب مرتضوی ص ۴۹؛ شوکانی در فتح القدیر ج۵ ص ۱۴۸ نکته لطیفی امام صادق علیه السلام در ذیل آیه ۱۰ سوره واقعه فرموده اند که خدمت شما خوانندگان عرضه می شود، داود بن کثیر رقی از امام ششم علیه السلام درباره این آیه سوال کرد؛ امام فرمود: خداوند این کلام و السابقون السابقون را دو هزار سال؛ پیش از آنکه مخلوقاتش را پدید آورد؛ در عالم میثاق فرمود.

هنگامی که خدای متعال خواست مخلوقاتش را بیافرند؛ آنان را از گِلی پدید آورد، سپس آتشی برای آنان برافروخت و امر فرمود: که بدان داخل شوید اول کسانی که داخل آن آتش شدند، پیامبر اسلام و علی و حسن و حسین و ۹ نفر امام از صلب حسین بودند که هر یک امام پس از دیگری می باشند؛ بخدا قسم منظور سبقت گیرندگان در این آیه ائمه هدی و پیامبر اسلام می باشند؛ که سبقت در خلقت و عبادت الهی داشتند؛

ان الله جل و عزلما اراد ان یخلق الخلق خلقهم من طین و رفع لهم ناراً فقال ادخلوها فکان اول من دخلها محمد رسول الله و امیرالمومنین و الحسن و الحسین و تسعه من الائمه امام بعد امام ... فهم و الله السابقون _ الغیبه؛ (۱)، نبی اکرم نیز با عبارتی معنای والسابقون السابقون را برای ما معنا می کند، می فرماید: ما از تمام خلائق خصوصاً فرشتگان، سبقت گرفتیم در معرفت و شناخت خدا و تسبیح و تقدیس نمودن باری تعالی زیرا اولین مخلوقات ها بودیم (بصورت نور)

و قدسبقنا هم الی معرفه ربنا و تسبیحه و تهلیله و تقدیسه (۲)

واخرج ابن ابی حاتم و ابن مردویه عن ابن عباس فی قوله تعالی: و السابقون السابقون: قال: یوشع بن نون، سبق الی موسی و مومن آل یس سبق الی عیسی و علی ابن ابی طالب سبق الی محمد _ (۳)، و علی ابن ابی طالب و کل رجل منهم سابق

۱- ۱. نعمانی ص ۱۲۴ باب ۴

۲- ۲. علل شرایع صدوق ج ۱ ص ۴۲ باب ۷

۳- ۳. تفسیر القرآن الدر المنثور جلال الدین سیوطی، مساله الجزء الرابع عشر ص ۱۷۹ مکتبه اسلامیه _ تفسیر ابن کثیر، مساله الجزء السابع ص ۵۱۴ طبق سایت مکتبه الاسلامیه

امته و علی افضلهم سبقاً (۱)ـــ تفسیر والسابقون السابقون (مکتبه اسلامیه) ـ موید و تائید کننده آیه ۱۰ سوره واقعه، آیه ۱۰۱ سوره انبیاء است، که مولا علی خودش در تفسیرش فرمود: من از این جماعتم که عنایت الهی برای ایشان سبقت گرفته (۲)

عن ابن مردویه عن ابی سعید فی قوله تعالی: ان الذین سبقت لهم منا الحسنی قال: قال علی بن ابی طالب: انا منهم (۳)ـــ روی ان علیاً رضی الله عنه قرأه هذه الایه ثم قال: انا منهم (۴)

از جمله ادله و آیات دیگر قرآن و تفاسیر که نشان می دهد ائمه ۱۲ گانه شیعه بر تمام پیامبران الهی، بغیر از بر رسول اسلام، افضلیت و برتری دارند آیه ۱۱۰ سوره مبارکه آل عمران است، {کنتم خیر امه اخرجت للناس تامرون بالمعروف و تنهون عن المنکر}؛ امام صادق علیه السلام در ذیل تفسیر این آیه فرمود: بطور مسلم این آیه در شان مقام والای رسول اسلام و جانشینان وی (ائمه ۱۲ گانه شیعه) بطور خاص نازل شده قسم بخدا که این آیه را جبرئیل نازل کرد و مقصودی غیر از حضرت محمد صلی الله علیه و آله و جانشینان او نداشت(۵)

امام باقر علیه السلام در ذیل تفسیر این آیه فرمود: اگر هزار بار جبرئیل بر پیغمبر نازل می شد منظوری جز آن نداشت که حضرت محمد و علی و جانشینان بعد از او را مطرح فرماید (۶)

عن الصادق علیه السلام : قال: انما انزلت هذه الایه علی محمد صلی الله علیه و آله و سلم فیه وفی الاوصیاء خاصه ... والله نزل بها جبرئیل و ما معنی بها الا محمد و

---

۱ – ۱. فتح القدیر شوکانی ص ۱۴۴۵؛ مساله الجزء الاول سوره واقعه، طبق سایت مکتبه الاسلامیه ـ تفسیر روح المعانی سید محمود آلوسی مساله الجزء السابع و العشرون

۲ – ۲. بحار الانوار ج۳۶ ص ۱۲۷؛ بیشتر منابع اهل سنت این حدیث را از مولا علی نقل کرده اند ـ الدر المنثور ج۴ ص ۳۳۹، زاد المسیر فی علم التفسیر ج۳ ص ۲۱۵، تفسیر المظهری ج۶ ص ۲۴۱؛ تفسیر ابن ابی حاتم ج۸ ص ۲۴۶۹؛ تفسیر ابن کثیر ج۵ ص ۳۳۲؛ انوار التنزیل و اسرار التاویل ج۴ ص ۶۱؛ الکشافج ۳ ص ۱۳۷

۳– ۳. مناقب علی ابن ابی طالب ص ۲۷۹ ح ۴۳۶ ابن مردویه

۴– ۴. تفسیر کشاف مساله الجزء الرابع ص ۱۶۸ مکتبه الاسلامیه؛ درالمنثور ص ۳۹۱ مساله الجزء العاشر مکتبه الاسلامیه؛ تفسیر ابن کثیر ص ۳۷۸ مساله الجزء الخامس (مکتبه الاسلامیه) ـ تفسیر زاد المسیر ابوالفرج ابن جوزی ـ مساله الجزء الخامس ص ۳۹۳ مکتبه اسلامیه

۵– ۵. تفسیر کنزالدقائق ج۲ ص ۲۰۰

۶– ۶. تفسیر صافی ج۱ ص ۲۷۱

اوصیائه ـ (۱)؛ عن الباقر علیه السلام ، با لاف نزل بها جبرئیل و ما عنی بها الا محمدا و علیا و الاوصیاء من ولده ـ تفسیر الصافی ج۲ ذیل آیه، مفسر نامی اهل سنت جلال الدین سیوطی در تفسیر الدر المنثور، مساله الجزء الثالث ص ۷۲۷ ذیل آیه مذکور؛

از امام باقر علیه السلام نقل کرده، که بهترین ناس و مردم؛ اهل بیت پیامبر اکرم هستند ـ و اخرج ابن ابی حاتم؛ عن ابی جعفر؛ کنتم خیر امه للناس: قال: اهل بیت النبی؛ تفسیر ابن ابی حاتم ج۳ ص ۷۳۳ ح ۳۹۷۴: عن ابی جعفر: کنتم خیر امه للناس قال: اهل بیت النبی؛ تفسیر ابن ابی حاتم ج۳ ص ۷۳۳ ح ۳۹۷۴: عن ابی جعفر: کنتم خیر امه للناس: قال: خیر اهل بیت النبی؛ یکی دیگر از برتری های مو لا علی علیه السلام بر تمام پیامبران بغیر از بر رسول اسلام، آیه ۴ سوره مبارکه تحریم است؛ ـ {فان الله هو مولاه و جبریل و صالح المومنین}ـ تفسیر در المنثور او صالح المومنین قال: الانبیاء ـ نبی اکرم فرمود: صالح المومنین، علی ابن ابی طالب است، (۲)، نویسنده روح البیان بعد از نقل این روایت از مجاهد می گوید: موید این حدیث، حدیث معروف منزلت است که پیامبر اسلام به علی فرمود: تو به منزله هارون من موسی برای من هستی زیرا، عنوان صالحین در آیات قرآن برای پیامبران آمده است از جمله در آیه {و کلاـ جعلنا صالحین} (سوره انبیاء آیه ۷۲) و در آیه {الحقنا بالصالحین} (یوسف آیه ۱۰۱) می باشد که در اولی عنوان صالح به جمعی از پیامبران و در دومی به حضرت یوسف اطلاق شده است، و هنگامی که علی به منزله هارون باشد؛ او نیز مصداق صالح است؛ طرائف سید ابن طاوس ص ۲۱۷؛ اما دلیل برتری مولا علی بر پیامبران بغیر از بر رسول اسلام در این آیه، مراد به صالح، اصلح است به دلالت عرف که هرگاه گویند، فلان عالم قوم است مراد و منظور اعلم است و عرب چون گویند: فلان شجاع القوم، غرض آن است که اشجعهم، یعنی فلانی شجاع قوم است یعنی از

۱- ۱. تفسیر البرهان ج ۲ ذیل آیه

۲- ۲. شواهد التنزیل ج۲ ص ۳۴۱، الکشف و البیان ثعلبی ج۹ ص ۳۴۸، تفسیر ابن کثیر ج۴ ص ۳۴۰، کفایه الطالب گنجی ص ۱۳۷ باب ۳۰، کنزالعمال هندی ج۲ ص ۵۳۹، فرائد السمطین ج۱ ص ۳۶۳، تاریخ دمشق ابن عساکر ج۴۲ ص ۳۶۱، مناقب ابن مغازلی ص ۲۶۹؛ در المنثور سیوطی ج۶ ص ۳۷۴؛ فتح القدیر شوکانی ج۵ ص ۲۵۳، الجامع الاحکام القرآن، قرطبی ج۱۸ ص ۱۸۹، نظم در رالسمطین

همه شجاع تر است، و وقتی خداوند در این آیه می گوید ای رسول ما، من (خدا) و جبرئیل و صالح المومنین که علی ابن ابی طالب باشد، یار و مددکار تو هستیم، البته منظور آنکس که اصلح و اقوی و اشرف خواهد بود؛ می باشد؛ (۱)

و قوله و صالح المومنین: نزلت فی علی خاصه؛ ... لقد عرف رسول الله علیاً اصحابه مرتین اما مره حیث قال: من کنت مولاه فعلی مولاه و اما الثانیه فحیث نزلت هذه الایه: فان الله هو مولاه الایه: اخذ رسول الله بید علی فقال: ایها الناس هذا صالح المومنین ..(۲)

از جمله آیاتی که در قرآن کریم؛ برتری بی نظیر مولا علی بر تمام پیامبران و خلائق بغیر از بر رسول اسلام، را نشان می دهد، قسمتی از آیه ۱۵۷ سوره مبارکه اعراف است؛ واتبعوا النور الذی انزل معه؛ پیروی کنید از نوری که با پیامبر اسلام بود؛ آیه نمی گوید: نوری که به پیامبر نازل شد؛ بلکه می گوید: نوری که در معیت و همراه رسول اسلام بود، در تفسیر اهل بیت و منابع شیعه ذیل این آیه مذکور است؛ مراد و منظور از این نور؛ در این آیه، علی ابن ابی طالب است، حق تعالی فرمود: رسیدن به رحمت من موقوف است بر متابعت دستورات علی ابن ابی طالب که نور او با نور پیغمبر از عرش نازل شده و در صلب آدم قرار گرفت و از آنجا منتقل شد از اصلاب طاهره به ارحام مطهره تا به صلب عبدالمطلب دو نصف شد؛ نصفی در عبدالله و نصفی در ابوطالب انتقال یافت (۳)

فی تفسیر العیاشی عن ابی بصیر فی قول الله: فالذین امنوا ... واتبعوا النور الذی معه: قال ابوجعفر علیه السلام : النور: علی علیه السلام ، _ و فی الکافی: عن الصادق علیه السلام : النور فی هذا الموضع، علی والائمه علیهم السلام ؛ از جمله آیات دیگر؛ قرآن کریم که اشاره و تاکید دارد؛ مولا علی علیه السلام برتر از تمام خلائق و پیامبران هست بغیر از بر رسول اسلام، آیات ۱ الی ۴ سوره مبارکه نباء است، عم یتسألون، عن النباء العظیم، مولا علی در تفسیر این آیه فرمود: برای خداوند، آیه ای که بزرگتر از من باشد؛ نیست و برای خداوند

۱- ۱. تفسیر بحر المحیط ج۸ ص ۲۹۱، تذکره الخواص ص ۲۶۷، تفسیر روح المعانی ج ۲۸ ص ۱۳۵؛ جمع الجوامع سیوطی ج۲ ص ۱۲۱

۲- ۲. فتح الباری ج ۱۳ ص ۲۷ المحرر الوجیز ج۵ ص ۳۳۲

۳- ۳. تفسیر صافی ج۱ ص ۲۴۲، تفسیر المیزان ج ۸ ص ۳۷۷، تفسیر نورالثقلین ج ۲ ص ۷۸؛

خبری عظیم تر از من نیست _ ما الله آیه هی اکبر منی ولا ـ لله من نباء اعظم منی (۱)؛ کان علی یقول لاصحابه: انا و الله النباء العظیم الذی اختلف فی جمیع الامم بالسنتها و الله ما لله نبأ اعظم منی و لا لله آیه اعظم منی _ (۲)؛ خداوند نازل کرد آیه اول سوره نباء را یعنی سوال کردند اهل مکه از خلافت و امامت علی علیه السلام ، از رسول اسلام؛ _ فانزل الله (عم یتسالون) یعنی یسألک اهل مکه عن خلافه علی (۳)

پیامبران آیات و نشانه های قدرت الهی بودند و بزرگترین آیه و نشانه قدرت الهی، مولا علی و پیامبر اسلام هستند و به همین دلیل آنان از تمام خلائق و رسولان الهی؛ برتر و افضل هستند؛ یکی دیگر از ادله قرآنی که نشان می دهد؛ ۱۴ معصوم علیهم السلام ؛ از تمام پیامبران؛ افضل و برتر هستند، بخشی از آیه ۷۵ سوره مبارکه ص (صاد) است، ام کنت من العالین، ابن بابویه علیه الرحمه از ابی سعید خدری روایت کرده گفت، حضور نبی اسلام بودم، شخصی معنای آیه مذکور، را سوال کرد که منظور از عالی مقامان چه کسانی هستند؟ چه اشخاصی می باشند که از فرشتگان برتر و بالاترند؟

و خداوند قبل از پیامبران، مقام عالی رتبه گان در نزد پیشگاه قدسی خود، به آنان داده است؟! نبی اسلام فرمود: من و علی و فاطمه و حسن و حسین هستیم که در سوادق (ساق) عرش پروردگار مشغول تسبیح خداوند تعالی بودیم و فرشتگان از تسبیح ما؛ پروردگار را تسبیح می نمودند، پیش از آنکه آدم را دو هزار سال بیافریند و چون آدم آفریده شد؛ فرشتگان به سجده کردن آدم امر نشدند مگر برای خاطر تکریم ما، خداوند در مقام توبیخ به شیطان فرمود: آیا مگر تو از آن اشخاصی بودی که نامشان در سرداق عرش نوشته شده است؛ (۴)

حدیث هفتم _ اذا قبل الیه رجل فقال یا رسول الله اخبرنی عن قوله عزوجل لابلیس (استکبرت ام کنت من العالین) فمن هو یا رسول الله الذی هو اعلی من

۱- ۱. الکافی ج۱ ص ۱۶۱ح۳؛ البرهان ج۸ ص ۱۹۴ح۱، نورالثقلین ج۸ ص ۹۱ ح۵؛ قال امیرالمومنین: ما الله نباء اعظم منی و ما الله آیه هی اکبر منی _ تفسیر قمی ج۲ ص ۳۹۴؛ تفسیر البرهان ج۸ ص ۱۹۴ ح۴؛ تفسیر نور الثقلین ج۸ ص ۹۲ ح۷

۲- ۲. شواهد التنزیل؛ حاکم حسکانی حنفی ح۱۰۷۲

۳- ۳. شواهد التنزیل ح۱۰۷۵

۴- ۴. فضائل الشیعه صدوق ص ۷

الملائکه فقال رسول الله: انا و علی و فاطمه و الحسن و الحسین کنافی سرداق العرش نسبح الله و تسبیح الملائکه بتسبیحنا قبل ان یخلق الله عزوجل آدم بالفی عام فلما خلق الله عزوجل آدم امر الملائکه ان یسجدوا له و لم یامرنا بالسجود فسجدالملائکه کلهم الاـ ابلیس فانه ابی و لم یسجد فقال الله (استکبرت ام کنت من العالین) عنی من هولاء الخمسه المکتوبه اسما و هم فی سرادق

یکی دیگر از فضائل بی نظیر مولاـ علی بر پیامبران بغیر از بر رسول اسلام، آیه ۵۶ سوره مبارکه زمر؛ است؛ ان تقول نفس یا حسرتی علی ما فرطت فی جنب الله مراد و منظور از جنب الله؛ مولا علی و ائمه هدی است؛ نبی اکرم در فرازی از خطبه شریف غدیر خم فرمود: ای گروه مردم علی علیه السلام ، جنب و رحمت خدای عالم است؛ ویل و حسرت و ندامت و خسارت و غرامت و ذلت بر مفرط آنست

معاشر الناس انه جنب الله الذی ذکر فی کتابه فقال تعالی: ان تقول نفس یا حسرتا علی ما فرطت فی جنب الله (۱)

امام کاظم علیه السلام فرمود: منظور از جنب الله؛ امیرمومنان و جانشینان آن حضرت تا آخرشان (امام زمان) هستند که دارای مقام بلندی نزد؛ خداوند هستند _ جنب الله امیرالمومنین و کذلک ما کان بعده من الاوصیاء بالمکان الرفیع الی ان ینتهی الامر الی آخرهم؛ (۲)

امام صادق علیه السلام فرمود: منظور از جنب الله علی علیه السلام است که در روز قیامت؛ حجت خدا بر مردم خواهد بود _ جنب الله علی و هو حجه الله علی الخلق یوم القیامه(۳)

مولا علی علیه السلام فرمود: من جنب الله هستم؛

انا جنب الله (۴)

ان امیرالمومنین قال: انا علم الله و انا قلب الله الواعی و لسان الله الناطق و عین الله و جنب الله و انا یدالله (۵)

انا جنب الله الذی یقول: ان تقول نفس یا حسرتی علی ما فرطت فی جنب الله

جنب در زبان عرب به معنای اطاعت است، گفته می شود: این در جنب خدا

۱- ۱. احتجاج طبرسی ج۱ ص ۱۳۰

۲- ۲. الکافی ج۱ ص ۱۴۵ ح ۹؛ تفسیر البرهان ج۶ ص ۵۴۸ ح۲؛ تفسیر نورالثقلین ج۶ ص ۳۰۳ ح ۸۵؛

۳- ۳. مناقب ابن شهر آشوب ج۳ ص ۲۷۳؛

۴- ۴. مناقب ابن شهر آشوب ج۳ ص ۲۷۳

۵- ۵. توحید شیخ صدوق ص ۲۳۸ باب معنی جنب الله توحید _ صدوق ص ۲۳۹

کوچک است، یعنی در راه خدا کم است پس معنای فرمایش مولا علی که می فرماید من جنب الله هستم، یعنی ولایت من اطاعت خداست (۱)، جنب در لغت به معنی پهلوست و در این جا، مجاز است، اکثر مفسران گفته اند: مراد تقصیر در طاعت یا قرب خداست؛ مولا علی در معنا و تفسیر جنب الله فرمود: مراد و منظور از جنب الله، برگزیدگان و دوستان خدایند که خواسته است برای قرب منزلت خلیفه ی خدا _ بر ایشان در قرآن حجتی قرار دهد نمی بینی می گویند: فلان شخص در پهلوی فلان کس می نشیند؟ یعنی در نزد او خیلی مقرب است، پس این رمزی ست در قرآن برای بیان قرب ایشان نزد حق تعالی؛ تمام، پیامبران، ملائکه و رسولان الهی، مقربان درگاه ملکوتی الهی بودند ولی طبق این آیه شریفه و تفسیرش از مصدر مقدس اهل بیت وحی، قرب و آبروی ۱۴ معصوم علیهم السلام از همه انبیاء بیشتر و عمیق تر بوده و به همین دلیل قرآنی و تفسیری، آنان از همه رسولان الهی، افضل تر می باشند _ (۲)، بیضاوی از مفسران نامی اهل سنت در تفسیرش می نویسد: جنب الله به معنای قرب و نزدیک بودن به خداست

و قیل: فی قربه من قوله تعالی: و الصاحب بالجنب _ (۳)_ والعرب تسمی الجنب جانبا _ قال علی: ان تقول نفس یا حسرتی علی ما فرطت فی جنب الله؛ تعریفاً للخلیفه قربهم الا تری انک تقول: فلان الی جنب فلان اذا اردت ان تصف قربه منه؟ (۴)

از نبی اکرم سوال شد وصی و جانشین شما کیست؟ نبی اکرم آیاتی را تلاوت فرمود من جمله آیه ۵۶ سوره مبارکه زمر؛ را و فرمود: وصی من جنب الله است؛ گفتند: جنب الله چیست؟ فرمودند: همان است که خداوند درباره اش می فرماید: روزی که ستم کار؛ دستهای خود به دندان گزیده و بگوید: ای کاش با پیامبر راهی را در پیش گرفته بودم، این همان راه وصی من است، و هم اوست که پس از من راه

۱- ۱. توحید صدوق ص ۲۴۰
۲- ۲. حیات القلوب علامه مجلسی ج۲ ص ۱۶۸۶ فصل ۳۹ تاویل جنب الله (چاپ نشر آفرینه سال ۱۳۸۹) _ احتجاج طبرسی ج۱ ص ۵۹۵، تفسیر قمی ج۲ ص ۲۵۰
۳- ۳. تفسیر بغوی ج۷ ص ۱۳۰
۴- ۴. احتجاج طبرسی ج۱ باب احتجاجه علی زندیق جاء الیه مستدلا بای من القرآن متشابهه ص ۵۶۳

رسیدن به من است و بعد حضرت رسول، امام علی را به مردم نشان دادند

یا رسول الله من وصیک؟ فقال: هو الذی انزل الله فیه: ان تقول نفس یا حسرتی علی ما فرطت فی جنب الله فقالوا: یا رسول الله و ما جنب الله هذا؟ فقال: هو الذی یقول الله فیه (ویوم یعض الظالم علی یدیه یقول یا لیتنی اتخذت مع الرسول سبیلا؛ هو وصیی و السبیل الی من بعدی ...(۱)

یکی دیگر از آیات قرآنی که نشان می دهد، ۱۴ معصوم علیهم السلام بر تمام پیامبران و کل خلائق، برتری دارند، آیه ۱۴۹ سوره مبارکه انعام است؛ قل فلله الحجه البالغه: بگو برهان رسا ویژه خداست، امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود: ما ائمه هدی، حجت بالغه و رسا، خداوند بر تمام مخلوقات زمین و آسمان هستیم _ تفسیر عیاشی ج۱ ص ۳۸۳؛ امام باقر علیه السلام فرمود: ما حجت تمام و برهان رساییم بر هر که در پائین آسمان است و هر که در بالای زمین است، مراد، جن و انس هستند، بنابراین معنی فلله الحجه البالغه این است که برای خدا، امامانی است که آنها حجت تامه بر انس و جن هستد (۲)

نحن الحجه البالغه علی من دون السماء و فوق الارض _ قال الرضا علیه السلام : نحن حجج الله فی ارضه و خلفائه فی عباده _ (۳)امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: ما حجت الهی بر خلائق هستیم و جده ما، فاطمه زهرا، حجت خدا بر ماست _ نحن حجج الله علی خلقه وجد تنا فاطمه حجه الله علینا (۴)نبی اکرم فرمود: من و علی، حجت خدا بر خلقش هستیم _ انا و هذا حجه الله علی خلقه(۵)

انا و علی حجه الله علی عباده _ (۶)،کنت عند النبی فرای علیاً مقبلا فقال یا انس لبیک قال: هذا المقبل حجتی علی امتی یوم القیامه (۷)_ انا و هذا حجه علی امتی یوم

۱- ۱. الغیبه، کاتب نعمانی ص ۴۲ الباب الثانی

۲- ۲. تفسیر البرهان ج۲ ص ۴۹۲، نورالثقلین ج۱ ص ۷۷۵، صافی ج۲ ص ۱۶۸،

۳- ۳. بحار الانوار ج۲۶ ص ۱۹۰؛

۴- ۴. تفسیر اطیب البیان ج۱۳ ص ۲۲۵

۵- ۵. تاریخ مدینه دمشق ابن عساکر ج۴۲ ص ۳۰۹؛

۶- ۶. تاریخ دمشق ج ۴۲ ص ۳۰۹، اللالی المصنوعه سیوطی _ کنوز الحقائق مناوی ص ۴۳، تاریخ بغداد ح ۳۷۰، ج۲ ص ۸۸

۷- ۷. الفوائد المجموعه شوکانی ح۹۲۶

القیامه (۱)

نبی اکرم فرمود خداونـد متعال، علی و همسـرش فاطمه و فرزنـدان او را حجـج الهی برای خلقش قرار داد _ ان الله جعل علیاً و زوجته و ابناه حجج الله علی خلقه (۲)

نبی اکرم فرمود، جبرئیـل به من خبر داد که خداونـد به ملائـکه راجع به علی ابن ابی طـالب مباهات فرموده و گفته ای ملائکه من نگاه کنید بسوی علی، که حجت من در زمین بعد از پیامبر اسلام هست

و قال ملائکتی انظروا الی حجتی فی ارضی علی عبادی بعد نبیی (۳)

مولا علی علیه السلام فرمود: من حجت خدا هستم _ انا حجه الله (۴)

در فرازهایی از خطبه شـریف غـدیر خم، نبی اکرم، مولا علی علیه السـلام را، حجت بالغه نامیده اند برای نمونه، جبرئیل بر نبی اسـلام نازل شد و گفت خداوند می فرماید: ای پیامبر ما، تمام میراث انبیاء از سـلاح و علم به حجت بالغه بر خلقم علی ابن ابی طالب بسپار _ فسلمه الی وصیک و خلیفتک من بعدک، حجتی البالغه علی خلقی، علی ابن ابی طالب _ (۵)و مولی کل مومن و مومنه علی عبدی و وصی نبیی و الخلیفه من بعده و حجتی البالغه علی خلقی (۶)

تمام انبیاء و رسولان الهی، حجت خـدا بودنـد ولی طبق آیه ۱۴۹ سوره انعام، ۱۴ معصوم علیهم السـلام ، حجت بالغه و حجت بودن آنان در نزد خدا از همه پیامبران رساتر و اعلاءتر می باشد و به دلیل قرآنی از تمام پیامبران افضل هستند.

از جمله آیـاتی که در قرآن کریم در ذیـل تفسیر و تـاویلش اشـاره دارد، مولاـ علی علیه السـلام از تمام پیامبران بغیر از رسول اسلام برتری و افضلیت دارد؛ آیه ۵۴ سوره فرقان است؛

۱- ۱. مناقب ابن مغازلی ح ۲۳۳ ص ۱۹۰، مناقب ابن مغازلی ح۶۷ ص ۹۳-ریاض النضره ج ۲ص ۲۵۴ – ذخائر العقبی ص ۷۷

۲- ۲. شواهد التنزیل حاکم حسکانی ح۸۹ ص ۳۴

۳- ۳. مناقب اخطب خوارزمی ح ۳۲۲

۴- ۴. امالی صدوق ص ۶۲ مجلس ۹ ح۹

۵- ۵. احتجاج _ شیخ طبرسی ج۱ ص ۱۲۰

۶- ۶. احتجاج طبرسی ج۱ ص ۱۲۱

و هو الذی خلق من الماء بشراً فجعله نسباً و صهراً و کان ربک قدیرا

از انس بن مالـک روایت شـده که به رسول اسـلام گفت، ای رسول خـدا، آیـا علی برادر شـماست نـبی اکرم فرمود: آری، او برادر من است؛ انس گوید گفتم: ای رسول خدا؛ چگونه علی، برادر شماست، رسول خدا فرمود: خداوند، ۳ هزار سال پیش از خلقت آدم، آبی را آفریـد و آنرا در ظرفی از لؤلؤ، سبز زیر عرش خود قرار داد، که علم آن مخصوص به ذات مقدس او بود و چون آدم را آفریـد آن آب را در صـلب او جاری ساخت و چون آدم را قبض روح کرد، آنرا به صـلب وصـی او، شـیث منتقل کرد، پس در هر زمانی از صـلبی به صـلب دیگر منتقل شد تا اینکه در صـلب عبدالمطلب قرار گرفت و پس از عبدالمطلب آن را دو نصف کرد، نصف آن را در صـلب پـدر من، عبدالله قرار گرفت و نصف دیگر آن در صـلب ابوطالب و من از نصف آن آفریـده شـدم و علی از نصـف دیگر آن، پس علی، برادر مـن در دنیـا و آخرت است، آنگـاه نـبی اکرم آیه ۵۴ سوره فرقـان را تلاوت فرمود: اوست خـدایی که از آب انسـان را آفریـد آنگـاه او را نسب و سـبب قرار داد، ـ فانا من نصف الماء و علی من النصف الاخر، فعلی اخی فی الدنیا والاخره ثم قرأ رسول الله و هو الذی خلق من الماء بشراً(۱)

در این روایت شـریف، پیوسـتگی عمیق خلقتی و فیزیکی، مولا علی و نبی اسـلام نشان داده شد، وقتی مولا علی با نبی اکرم از جهت خلقتی هم اشتراک دارد و از یک نور و از یک آب آفریـده شـده انـد، چگونه انبیاء الهی دیگر بر مولا علی می تواننـد، فضیلت داشته باشند(۲) برخی از مفسـران و محدثان نامی اهل سـنت و جماعت، در ذیل این آیه شـریفه، نوشته اند که راجع به مولا علی و پیامبر نازل شده است

عن السـدی فی قوله: و هو لـذی خلق من الماء بشـراً قال: نزلت فی النبی و علی ـ (۳)نزلت هـذه الایه فی الخمسه اهل العباء ثم قال: المراد من الماء نورالنبی الذی

ص:۲۹۳

۱- ۱. ... بحار الانوار ج۱۷ ص ۳۶۲، تفسیر البرهان ج۵ ص ۴۶۵ تفسیر صافی ج۵ ص ۲۹۹؛

۲- ۲. ، امالی طوسی ص ۵۰۰، معانی الاخبار ص ۵۹،

۳- ۳. شواهد التنزیل حاکم حسـکانی حنفی ح۵۷۳، تفسیر امام ثعلبی ج۷ ص ۱۴۲، نظم در رالسـمطین زرندی حنفی ص ۹۲، نورالابصار شـبلنجی ص ۱۰۲، منـاقب ابن مردویه ج۱ ص ۱۷۹ منـاقب خوارزمی ص ۳۰۹ ح ۳۰۶؛ منـاقب ابن مردویه ج۱ ص ۲۸۵، توضیح الدلائل ایجی ص ۱۶۳، تفسیر قرطبی ج۱۳ ص ۶۱، تفسیر ابوحیان اندلسی ج۶ ص ۵۰۷ ینابیع الموده ص ۱۱۸ ـ

کـان قبل خلق ثم او دعه فی صـلب آدم ثم نقله من صـلب الی صـلب وصل صـلب عبـد المطلب فصار جزئین-جزئ الی صـلب عبدالله فولد النبی و جزئ الی صـلب ابی طالب فولد علیاً ـ و قال ابن سیرین: نزلت هذه الایه فی النبی و علی رضی الله عنه؛ لانه جمعه نسب و صهر؛(۱)

از جمله فضائل و برتری بی نظیر؛ ۱۴معصوم علیهم السـلام بر پیامبران و خلائق این است که خلقت آنان از طینت و گِل بهشتی واحـد می باشـد، طینت به معنـای سـرشت، فطرت، خلقت، طبع، خمیره، آب و گل، نهاد، عادت، ذات، تعبیر و تفسـیر شـده در لسـان عربی و فارسـی، نـبی اکرم فرمود: علی ابن ابی طـالب، از طینت من آفریـده شـده است ـ ان علیـا منی و انـا منه خلق من طینتی (۲)

نبی اکرم فرمود: فرزندان فاطمه حسن و حسین از عترت من و از طینت من خلق شده اند و هم عترتی خلقوا من طینتی (۳)

نبی اکرم فرمود: هر کس دوست دارد هماننـد من زنـدگی کنـد و بمیرد و وارد بهشت عدن شود باید ولایت علی و فرزندانش که ائمه بعـد از من هسـتند و از عترت من می باشـند و از طینت من خلق شده اند و از علم من روزی گرفته اند بپذیرد ـ ولیقتد بالائمه من بعدی فانهم عترتی خلقوا من طینتی (۴)

امام زین العابدین فرمود: خداوند علیین را آفرید و طینت ما را از علیین قرار داد ـ ان الله خلق علیین و خلق طینتنا منها (۵)

امام صادق علیه السـلام فرمود: خداوند ما را از نور عظمت آفرید و خلقت ما را از طینت پاک عرش قرار داد و بشرهای نورانی هسـتیم واحـدی بـا مـا در این خلقت اشـتراک نـدارد ـ ان الله خلقنـا من نور عظمته ثم صور خلقنـا من طینه مخزونه مکنونه من تحت العرش فاسکن ذلک النور فیه؛ فکنا نحن خلقا و بشرا نورانیین لم یجعل لاحد فی مثل الذی خلقنا منه نصیبا (۶)

۱- ۱. ینابیع الموده ج۲ ص ۳۰۴
۲- ۲. مساله ۱۴۷۳۳ مجمع الزوائد ج۹ ص ۱۲۸، معجم الاوسط ج۷ ح۶۰۸
۳- ۳. تاریخ دمشق ابن عساکر ج ۳۶ص ۳۱۳
۴- ۴. تاریخ دمشق ج۴۲ ص ۲۴۰، حلیه الاولیاء ج۱ ص ۸۶، کنزالعمال۱۲ ص ۱۰۳، تاریخ بغداد ج۴ ص ۴۱۰
۵- ۵. تاریخ دمشق ج۴۱ ص ۲۵۵ جامع الاحادیث سیوطی ج۷ ص ۲۲۹، اصول کافی ج۱ ص ۲۰۸
۶- ۶. اصول کافی ج۱ ص ۳۸۹، کفایه الاثر ص ۱۷۴

نبی اکرم فرمود: ۱۲ امام بعد از من، می آیند که از علم من به آنان عطاء شده و طینت آنان از طینت من است _ اعطاهم علمی و فهمی، طینتهم من طینتی (۱)

خداوند به رسول اکرم فرمود: ای محمد، همانا اوصیاء و ائمه بعد از تو، خلقت و طینتشان از طینت توست _ یا محمد انهم هم الاوصیاء و الائمه بعدک، خلقتهم من طینتک (۲)

نبی اکرم فرمود: ۱۲ نفر از اهل بیت من که خداوند به آنان عطاء کرده، فهم و علم و حکمت من و از طینت من خلق شده اند

اثنا عشر من اهل بیتی اعطاهم الله فهمی و علمی و حکمتی و خلقهم من طینتی (۳)

نبی اکرم به مولا علی فرمود: من و تو از نور واحد و از طینت واحد، آفریده شده ایم _ انا و انت من نور واحدو طینه واحده _ (۴)

ان علیا منی و انا منه خلقه الله من طینتی(۵)

یا علی انت منی و انا منک روحک من روحی و طینتک من طینتی (۶)

یا علی انت و الائمه من ولدک بعدی حجج الله علی خلقه... خلقتم من طینتی و انا منکم (۷)

ان علیا منی و انا من علی، خلق من طینتی (۸)

ان علیا منی روحه من روحی و طینته من طینتی (۹)

انه اخی و وزیری و مخلوق من طینتی (۱۰)

۱- ۱. کفایه الاثر ج۱ ص ۱۷۶

۲- ۲. کفایه الاثر ج۱ ص ۱۳۸

۳- ۳. عیون الاخبار الرضا، (شیخ صدوق) ج۱ ص ۶۶ح۳۲،

۴- ۴. بحار الانوار ج ۲۵ ص ۴

۵- ۵. بحار الانوار ج۳۷ ص ۲۳۵_

۶- ۶. بحارالانوار ج۶۸ ص ۷، ینابیع الموده ج۱ ص ۳۵۰ ح ۵، بحارالانوار ج۹۶ ص ۳۵۸، بحار ج۳۹ ص ۲۵۹، بحار ج۴۰ ص ۸۳، بحار ج۲۳ ص ۱۲۳

۷- ۷. بحار ج۲۳ ص ۹۷،

۸- ۸. بحار الانوار ج۳۷ ص ۱۰۹

۹- ۹. بحار الانوار ج ۳۶ ص ۲۲۶

۱۰- ۱۰. بحار ج۳۸ ص ۱۱۲ امالی صدوق مجلس ۲۷ ح۸

نبی اکرم فرمود: خداوند من و اهل بیت مرا از طینتی خلق کرد که احدی را از آن نیافریده

خلقنی و اهل بیتی من طینه یخلق منها احد اغیرنا (۱)

رسول اکرم فرمود: من و تو ای علی و فاطمه و حسن و حسین، آفریده شدیم از طینت واحد و یک سرشت

انا و انت و فاطمه و الحسن و الحسین، خلقنا من طینه واحده (۲)

وقتی مولا علی و حضرت فاطمه تا امام دوازدهم، طینت و سرشت و خمیر مایه خلقتی آنان برابر با نبی اسلام می باشد، چگونه پیامبران دیگر بر مولا علی و ۱۱ فرزند معصومش برتری و فضیلت دارند؟!! یکی دیگر از فضائل بی نظیر مولا علی بر پیامبران این است که نبی اکرم فرمود: ای علی مثال تو همانند کعبه مستوره هست نظر بسوی کعبه عبادت و حج و زیارت کعبه، فریضه و واجب اسلامی است،

مثل علی فیکم او قال فی هذه الامه _ کمثل الکعبه المستوره، النظر الیها عباده والحج الیها فریضه، (۳)

فمثلک کمثل بیت الله الحرام یوتونک الناس و لا تاتیهم (۴)

یا علی انما انت بمنزله الکعبه توتی و لاتاتی(۵)

یا علی انت منی بمنزله الکعبه (۶)

یا علی انت بمنزله الکعبه (۷)

از فضائل بی نظیر مولا علی این است که هم شبیه به کعبه است و هم نگاه کردن

۱- ۱. بحار الانوار ج۱۶ ص ۳۷۵

۲- ۲. بحار الانوار ج۷ ص ۲۴۱ح۸

۳- ۳. تاریخ مدینه دمشق ج۴۲ ص ۳۵۶

۴- ۴. اثبات الهداه ج۳ ص ۴۹۳،

۵- ۵. بشاره المصطفی ص ۷۹۴ح ۵۷۷، مناقب ابن مغازلی ح ۱۴۹، اسدالغابه ج۴ ص ۳۱، الفردوس دیلمی ج۵ ص ۳۱۵، فصول المهمه ابن صباغ ص ۱۲۶ کنوز الحقایق ص ۱۸۸، منهاهج الفاضلین ص ۱۸۰، ارجح المطالب ص ۴۸۰، کشف الیقین علامه حلی ص ۳۱۶

۶- ۶. احتجاج طبرسی ج۱ ص ۴۱۱، بحارالانوار ج۳۳ ص ۳۸۰ و ج۳۹ ص ۴۸ و ج ۴۰ص ۷۸؛ مناقب آل ابی طالب ج۳ ص ۳۸، مناقب علی، عینی ص ۳۰، آل محمد، حسام الدین حنفی ص ۶۲۴ غایه المرام ص ۷۲

۷- ۷. ینابیع الموده ۲ ص ۸۵ باب۵۶

به او همانند نگاه به کعبه عبادت محسوب می شود و هم در جوف و درون کعبه پا به عرصه گیتی می گذارد که این فضایل بی نظیری را هیچ احدی از بشر و ملک و جن ندارد با این حساب جناب وهاب ناصبی، چگونه پیامبران بر مولا علی برتری می توانند داشته باشند؟!! نبی اکرم فرمود: ای علی علیه السلام در هفت خصلت از تمام مردم بالاتری که هیچ کسی توان مقابله با تو را در این هفت خصلت نخواهد داشت، تو اولین مومنین ایشان و از همه ایشان به عهد خدا باوفاتر و به امر خدا پایدارتر و در تقسیم مال از همه بامساوات تر و در بین رعیت از همه عادل تر و درباره ی قضاوت از همه بیناتر و در نزد خدا در روز قیامت از همه سزاوارتر خواهی بود

و تخصم الناس بسبع لایحاجک فیهن احد من قریش: انت اولهم ایماناً بالله و اوفاهم بعدالله و اقومهم بامرالله و اقسمهم بالسویه و اعدلهم فی الرعیه و ابصرهم فی القضیه و اعظمهم عندالله یوم القیامه مزیه(۱)

واعظمهم عندالله مزیه ... نبی اکرم فرمود: علی علیه السلام ، پیشگام ترین فرد در اسلام و تسلیم امرالهی، عالم ترین فرد، صحیح ترین فرد در دین، افضل ترین فرد در یقین و ایمان، کاملترین فرد در حلم، با سخی ترین فرد در سخاوت و شجاع ترین فرد در شجاعت می باشد ـ اقدم امتی سلماً و اکثرهم علماً و اصحهم دینا و افضلهم یقیناً و اکملهم حلماً و اسمحهم کفاً و اشجعهم قلباً علی (۲)

نبی اکرم فرمود: ای علی تو را هفت خصلت است که در روز قیامت کسی بر تو در اینها برتری نیابد، تو اولین مومن به خدا هستی، تو از همه به عهد خدا وفادارتری ـ تو از همه در مورد امر خدا، ثابت قدم تری، تو از همه نسبت به رعیت مهربان تری، تو در تقسیم اموال بطور مساوی از همه سرتری، در علم قضاوت از همه عالم تری و در روز قیامت از همه در سنجش اعمال حسنه، ترازوی تو سنگین تر است،

یا علی لک سبع خصال لایحاجک فیهن احد یوم القیامه انت اول المومنین بالله ایماناً و اوفاهم بعهدالله و اقومهم بامرالله و ارافهم بالرعیه و اقسمهم بالسویه و اعلمهم بالقضیه و اعظمهم مزیه یوم القیامه (۳)

۱- ۱. مناقب اخطب خوارزمی حنفیح۱۱۸ ص ۱۱، کفایه الطالب، گنجی شافعی ص ۲۳۷،

۲- ۲. .... ینابیع الموده قندوزی ج۱ ص ۲۰۲،

۳- ۳. جامع الاحادیث، جلال الدین سیوطی۹ ح، ۲۷۸۸۸ ص ۱۸ میزان الاعتدال ذهبی ج۱ ص ۳۱۳ کنز العمال ج ۱۱ ص ۶۱۷ ـ صواعق المحرقه ج ۲ ص ۳۷۲ ـ

در این روایات که شیعه و سنی نقل کرده اند ملاحظه فرمودید که نبی اکرم فرموده: علی علیه السلام ، هفت خصلت بی نظیر دارد که هیچ احدی و بشری ندارد، پیامبران جزء افراد ممتاز و برتر بشری بودند ولی مولا علی در این صفات عالی معنوی و الهی از تمام پیامبران و فرزندان آدم برتر است (۱)

فعلی اشجع الناس قلبا و اعلم الناس علما و احلم الناس حلما؛ و اقدم الناس اسلاماً و اسمحهم کفاً و احسن الناس خلقاً(۲)

از جمله آیاتی که در قرآن، اشاره به فضیلت بی نظیر مولا علی بر تمام خلائق بغیر از رسول اسلام دارد بخشی از تفسیر آیه ۲۹ سوره فتح می باشد

{والذین آمنوا و عملوا الصالحات لهم اجرهم و نورهم؛ یعنی السابقین الاولین و اهل الولایه وقوله: والذین کفروا و کذبوا بآیاتنا، یعنی بالولایه بحق علی و حق علی الواجب علی العالمین،}

نبی اکرم در تفسیر آیه ۲۹ سوره فتح فرمود: کسانی که کافر شدند و تکذیب کردند آیات ما را یعنی به ولایت علی کافر شدند؛ و حق ولایت و امامت علی ابن ابی طالب، واجب و فرض الهی بر تمام عالمیان است؛ و تمام پیامبران و خلائق عالم بغیر از نبی اسلام، باید زیر بار ولایت علی بروند و نبی اسلام؛ افضل و برتر است، چون ولایت و امامت علی علیه السلام بر تمام خلائق و پیامبران، فرض و واجب بوده و هست ــ (۳)، از جمله فضایل بی نظیر ائمه هدی بر پیامبران، بغیر از بر رسول اسلام، آیه ۷۲ سوره احزاب است؛

{انا عرضنا الامانه علی السموات و الارض و الجبال فابین ان یحملنها و اشفقن منها }... ما امانت را بر آسمان و زمین و کوه ها، عرضه کردیم؛ پس همه سر بر تافتند و از آن هراسیدند؛ امام صادق علیه السلام می فرماید: منظور از امانت در این آیه، ولایت امیرالمومنین علی علیه السلام است؛

۱- ۱. مناقب ابن مغازلی شافعی ح۱۸۸ ص ۱۶۰

۲- ۲. تاریخ مدینه دمشق ابن عساکر ج۴۲ ص ۵۸ رقم ۴۹۳۳ مطالب السئوول ص ۱۳۳ باب ۱، فصل ۷؛ بن طلحه شافعی حلیه الاولیاء ص ۶۶؛

۳- ۳. شواهد التنزیل حاکم حسکانی حنفی ح۸۸۷، مناقب ابن مغازلی شافعی ص ۲۶۷ ح ۳۶۹؛ مناقب ابن مردویه ص ۳۲۳ ح ۵۳۷؛ امالی طوسی ج۱ ص ۳۸۷، احقاق الحق ج۳ ص ۴۷۱

انا عرضنا الامانه ... قال: هی ولایه امیرالمومنین(۱)

امام رضا علیه السلام فرمود: مراد و منظور از امانت در این آیه، ولایت است و هر کس بدون حق مدعی آن شود، کافر خواهد بود،

فقال: الامانه الولایه من ادعاها بغیر حق کفر (۲)

امام باقر علیه السلام فرمود: مقصود از امانت، ولایت است، که آسمانها و زمین از ترس کفر، آنرا قبول نکردند و مراد از حملها الانسان، آن انسان ابوفلان بود که آنرا پذیرفت و او به ولایت بسیار ستمکار و جاهل بود

قال: الولایه ابین ان یحملنها کفراً و حملها الانسان و الانسان الذی حملها ابوفلان (۳)

مولاـ علی می فرمایـد: خداونـد، امـامت مرا بر زمیـن عرضه کرد؛ پس هر بقعه ای که به ولاـیت من ایمـان آورد، آن را طیب و پاکیزه گردانید و گیاه و میوه اش را شیرین و خوشمزه نمود و آبش را صاف و شیرین ساخت و هر بقعه ای که امامت و ولایت مرا انکار کرد آن را شوره زار گردانید و گیاهش را تلخ و میوه اش را عوسج و حنظل کرد و آبش را، شور و تلخ ساخت (۴)

و ان الله عرض امـانتی علی الارضـین فکـل بقعه آمنت بولاـیتی جعلها طیبه زکیه و جعل نباتها و ثمرها حلوا عـذبا و جعل ماوها زلالا و کل بقعه جحـدت امامتی و انکرت ولایتی جعلها سبخا و جعل نباتها مرا علقما و جعل ثمرها العوسـج و الحنظل و جعل ماءها ملحا اجاجا(۵)

نبی اکرم فرمود: خداوند درباره ولایت و حبّ عل ابن ابی طالب، پیمان گرفت از بشر، درختان، میوه جات: دانه و گیاهان و هر کس ولایت علی را قبول کرد، پاکیزه و خوشمزه شد و هر کس قبول نکرد؛ خبیث و بی مزه شد

ان الله اخذ حبک علی البشر و الشجر و الثمر و البذر، فما اجاب الی حبک عذب

۱- ۱. الکافی ج۱ ص ۳۴۰، البرهان ج۶ ص ۳۱۸

۲- ۲. تفسیر نورالثقلین ج۶ ص ۸۷؛ معانی الاخبار ص ۱۱۰

۳- ۳. بصائر الدرجات ج۲ ص ۹۶

۴- ۴. مناقب ابن شهر آشوب ج۲ ص ۳۵۰

۵- ۵. مناقب آل ابی طالب ج ۲ ص ۱۴۲ کتابخانه مدرسه فقاهت؛

و طاب و مالم یجب خبث و مر(۱)

خداوند در شب معراج به نبی اسلام فرمود: ولایت شما، (۱۴ معصوم) بر اهل آسمان و زمین، عرضه کردم هر کس قبول کرد نزد من از مومنان حساب می شود و هر کس ولایت شما را رد کرد از کافران است، و عرضت ولایتکم علی اهل السماوات و الارض فمن قبلها کان عندی من المومنین و من لم یقبلها کان من الکافرین (۲)

بی اکرم فرمود: زمانی که خداوند، آسمان و زمین را خلق فرمود آنان را خواند، آنها دعوت خدا را اجابت کردند، سپس خداوند، نبوت من و ولایت علی ابن ابی طالب را بر آسمانها و زمین ها، عرضه کرد، آنها پذیرفتند سپس خلائق را آفرید لما خلق الله السموات و الارض دعا هن فاجبنه فعرض علیهن نبوتی و ولایه علی ابن ابی طالب فقبلتا هما ثم خلق الخلق (۳)

نبی اکرم فرمود: خداوند، قرارداد، حب و ولایت علی را فرض و واجب بر اهل آسمان و اهل زمین

ان الله افترض حب علی، علی اهل السموات و الارض (۴)

نبی اکرم فرمود: جبرئیل بر من نازل شد و یک برگ سبز از درخت آس آورد که به قلم سفید بر آن نوشته شده بود: من (خدا) واجب کردم، محبت علی بر تمام خلائق، ای پیامبر، آنرا، ابلاغ کن

جاءنی جبرئیل من عندالله عزوجل بورقه آس خضرا مکتوب فیها ببیاض: انی اقترضت محبه علی ابن ابی طالب علی خلقی عامه فبلغهم ذلک عنی (۵)

نبی اکرم فرمود: خداوند، دوستی علی و فاطمه و ذریه او را بر خلائق عرضه کرد، هر کس از خلائق که زودتر، ولایت اهل بیت رسالت را، اجابت کرد، از پیامبران الهی شدند و بعد از انبیاء، شیعیان خالص، ولایت اهل بیت را بپذیرفتند

۱- ۱. الریاض النضره فی مناقب العشره، محب الدین طبری ج۲ ص ۱۹۱ مکتبه شامله،

۲- ۲. ینابیع الموده ج۳ ص ۳۸۰، فرائد السمطین ج۲ ص ۳۱۹، مقتل الحسین خوارزمی ص ۹۵_

۳- ۳. مناقب خوارزمی حنفی ص ۸۰، مقتل الحسین ج۱ ص ۴۶، مائه منقبه، منقبه ۷،

۴- ۴. اربعین، محمد بن ابی الفوارس ص ۱۹

۵- ۵. مناقب اخطب خوارزمی ج۱ ص ۶۶ ح۳۷

ان الله له الحمد عرض حب علی و فاطمه و ذریتها علی البریه فمن بادر منهم بالاجابه جعل منهم و الرسل و من اجاب بعد ذلک جعل منهم الشیعه _(۱)

ان الله عرض ولایتنا علی اهل السموات و اهل الارض من الجن و الانس و الثمر و غیر ذلک فما قبل منه ولایتنا طاب و طهر و عذب و مالم یقبل منه خبث.... (۲)

از جمله موجوداتی که ولایت و امامت مولا علی و فرزندانش را پذیرفته، سنگ عقیق می باشد، رسول اکرم فرمود: جبرئیل نزد من آمد و گفت انگشتر عقیق را در دست کن، زیرا، اولین سنگی است که به وحدانیت خداوند، و نبوت تو و به وصایت علی و امامت اولاد علی، شهادت داده است

تختموا بالعقیق فانه اول حجر شهدلله بالوحدانیه ولی با لنبوه و لعلی بالوصیه و لولده بالامامه (۳)_ بالعقیق الاحمر فانه جبل اقرالله بالوحدانیه، ولی بالنبوه و لک بالوصیه ولولدک بالامامه

طبق آیه ۷۲ سوره احزاب و تفاسیر در ذیلش از شیعه و سنی که تقدیم شما خوانندگان شد، ۱۴ معصوم بر تمام خلائق و پیامبران، افضل و برتر هستند، چون ولایت ائمه هدی بر آنان عرضه شده و هر کس از پیامبران، که زودتر ولایت ۱۴ معصوم را پذیرفته، به مقام پیامبری نائل شده، اگر پیامبران، پیامبر شدند به امر الهی بخاطر، پذیرفتن ولایت و امامت ائمه هدی بوده است، جناب سلفی، با این صغری و کبری آیه ۷۲ سوره احزاب و تفاسیر ذیلش، چگونه پیامبران بر ۱۴ معصوم، برتری می توانند داشته باشند؛ از جمله آیاتی که در قرآن کریم، اشاره دارد، مولا علی از تمام پیامبران، بغیر از بر رسول اسلام، برتر می باشد آیه ۶ و ۷ سوره قارعه است، فاما من ثقلت موازینه فهو فی عیشه راضیه؛ ابن عباس گفت: نخستین کسی که کفه حسنات او در ترازوی روز قیامت برتری پیدا می کند؛ علی بن ابی طالب است و این بدان جهت است که در ترازوی او جزء حسنات وجود ندارد و کفه ی بدی ها، خالی است و چیزی در آن نیست؛ چون او به اندازه یک چشم به هم زدن گناه نکرده است، وقتی

۱- ۱. مناقب المرتضویه، محمد صالح کشفی ترمذی حنفی ص ۱۰۲،

۲- ۲. بحارالانوار ج۲۷ ص ۲۸۳

۳- ۳. ابن مغازلی ح۳۲۶ اربعین ابن ابی الفوارس ص ۱۴۹، مناقب خوارزمی ص ۲۲۸، احقاق الحق ج۴ ص ۸۸، علل الشرائع ج۲ ص ۱۵۳ بحارالانوار ج۲۷ ص ۲۸۳

که مولا علی، عملش ثقیل و سنگین تر از تمام خلائق که پیامبران، جزء خلائق هستند، هست، بغیر از رسول اسلام آن هم در نبوت خاصه، فقط از ایشان برتری دارد می باشد، چگونه انبیاء بر مولا علی می توانند برتری داشته باشند(۱)

فاما من ثقلت موازینه فهو فی عیشه راضیه قال نزلت فی علی ابن ابی طالب (۲)

اول من ترجح کفه حسناته فی المیزان یوم القیامه علی ابن ابی طالب و ذلک ان میزانه لا یکون فیه الاالحسنات و تبقی کفه السیئات فارغه لاسیئه فیها، لانه لم یعص الله طرفه عین فذلک قوله: فاما من ثقلت موازینه فهو فی عیشه راضیه،

یکی دیگر از فضائل بی نظیر مولا علی بر خلائق و پیامبران بغیر از بر رسول اسلام، آیه ۴۴ سوره اعراف است،

فاذن موذن بینهم ان لعنه الله علی الظالمین،

وقتی که اهل بهشت در بهشت مستقر شدند و اهل جهنم در جهنم قرار گرفتند از (۲) گروه سوال می شود آیا وعده های الهی را حق دانستید هر دو گروه می گویند: بله، پس منادی از طرف خدا، فریاد می زند، لعنت خدا بر ظالمین باد، وقتی به تفسیر این آیه مراجعه می کنیم می بینیم حتی مفسران و محدثان نامی اهل سنت می نویسند این موذن و ندا دهنده از طرف خدا، مولا علی علیه السلام است، حاکم حسکانی حنفی در شواهد التنزیل ص ۱۱۵ ح ۲۶۱ از مولا علی نقل شده در ذیل این آیه که می فرماید: موذن و ندا دهنده من هستم _ فانا ذلک الموذن، ابن عباس گفت: برای علی ابن ابی طالب در کتاب خدا، نام هایی است که مردم آنها را نمی شناسند از جمله آنهاست سخن خداوند، فاذن موذن، او همان موذن (ندا دهنده) است که می گوید: آگاه باشید لعنت خداوند بر کسانی که ولایت مرا تکذیب کردند و حق مرا سبک شمردند

فهو موذن بینهم یقول: الا لعنه الله علی الذین کذبوا بولایتی و استخفوا بحقی _ (۳)

آلوسی مفسر مشهور اهل سنت در تفسیر روح المعانی ج۸ ص ۱۰۷ از ابن عباس نقل می کند که گفته موذن حضرت علی است

ص:۳۰۲

۱- ۱. شواهد التنزیل حاکم حسکانی حنفی ح۱۱۴۹

۲- ۲. تاویل الایات ج۲ ص ۸۴۹، تفسیر البرهان ج۸ ص ۳۷۰ ح۴، مناقب آل ابی طالب ح۲ ص ۱۵۱،

۳- ۳. شواهد التنزیل ح ۲۶۲

الموذن علی کرم الله وجهه، (۱)قال علی: و انا الموذن فی الدنیا و الاخره،

چگونه ثابت می شود که این آیه فضیلت برای مولا علی محسوب می شود، جواب: موذن می خواهد به فرمان الهی مطلبی را اعلام کند، پس او پیام آور الهی است و وظیفه خطیر و سنگین سخنگوی خداوند را دارد، بنابراین سخنگو باید شخص مهمی باشد که مطلب و پیام خدا را خوب بیان کند، آن هم پیامی که در روز قیامت بیان می شود و با توجه به محتوای پیام، که شامل لعنت خداوند بر ظالمین است، خود پیام آور، نباید در دنیا آلوده به ظلم شده باشد و گرنه هیچ کس خودش را لعنت نمی کند، بنابرایم، مقام موذن در روز قیامت یک مقام معمولی و عادی نیست که هر کس بتواند عهده دار آن باشد و کسی که این مقام را بدست آورد، فضیلت بزرگی نصیبش شده است.

از جمله فضائل و خصائص ویژه و بی نظیر و بی مانند ائمه ۱۲ گانه شیعه، این است که آنان اصحاب اعراف هستند که قرآن کریم در سوره اعراف آیه ۴۶ به آن اشاره فرموده و مفسران نامی شیعه و سنی روایاتی در ذیل آن نقل کرده اند ــ و علی الاعراف رجال یعرفون کلّاً بسیماهم؛ اصبغ بن نباته گفت: نزد مولا علی نشسته بودم که ابن کواء آمد و گفت: یا امیرالمومنین، مرا از این سخن خداوند و علی الاعراف رجال، خبر بده، فرمود: وای بر تو ای ابن کواء ما در روز قیامت میان بهشت و جهنم می ایستیم پس هر کس ما را یاری کرده به چهره اش می شناسیم و او را وارد بهشت می کنیم و هر کس که ما را دشمنی کرده او را به چهره اش می شناسیم و او را وارد جهنم می کنیم

نحن نوقف یوم القیامه بین الجنه و النار فمن ینصرنا عرفناه بسیماه فادخلناه الجنه و من ابغضنا عرفناه بسیماه فادخلناه النار ــ (۲)عن علی قال: نحن اصحاب الاعراف من عرفناه بسیماه ادخلناه الجنه (۳)

۱- ۱. ینابیع الموده ص ۱۰۱، مناقب مرتضوی ص ۶۰ محمد صالح کشفی ترمذی مناقب ابن مردویه ج۱ ص ۲۴۳ ح ۳۵۴،
۲- ۲. شواهد التنزیل حاکم حسکانی حنفی ح۲۵۶ ص ۱۱۳ ــ ابن مردویه،
۳- ۳. مناقب علی ابن ابی طالب، ابن مردویه ج۱ ص ۲۴۳ ح۳۵۵، مفتاح النجاء ص ۳۸ ینابیع الموده قندوزی حنفی ص ۱۰۲، صواعق المحرقه ابن حجر ص ۱۶۷، الکشف و البیان امام ثعلبی ج۴ ص ۲۳۶

اعراف موضعی مرتفع از صراط است، که مولا علی ابن ابی طالب روی آن قرار دارد

الاعراف موضع عال من الصراط، علیه العباس و حمزه و علی ابن ابی طالب و جعفر ذوالجناحین یعرفون محبیهم بیاض الوجوه و مبغظیهم سواد الوجوء

نبی اکرم فرمود: ای علی تو و جانشینانت (ائمه هدی)، اعراف بین بهشت و جهنم هستید کسی وارد بهشت نمی شود مگر اینکه شما را بشناسند و شما او را بشناسید و کسی وارد جهنم نمی شود مگر اینکه شما را نشناسند و شما او را نشناسید

یا علی انک والاوصیاء من ولدک اعراف بین الجنه و النار، لایدخل الجنه الا من عرفکم و عرفتموه و لا یدخل النار الا من انکر کم و انکرتموه (۱)

مولاـ علی فرمود: ما اعراف هستیم و ما انصار خود را به صورتهایشان می شناسیم و ما اعراف هستیم و ما انصار خود را به صورتهایشان می شناسیم و ما اعراف هستیم که کسی خدا را نمی شناسد مگر به راه معرفت ما ــ نحن الاعراف و نحن نعرف انصار نا بسیماهم و نحن الاعراف الذین لایعرف الله الا بسبیل معرفتنا (۲)

نبی اکرم فرمود: به آن خدایی که جانم درید قدرت اوست عمل هیچ عبد و بنده خدایی به او نفع و سود نمی رساند مگر اینکه ما اهل بیت را بشناسد

و الذی نفسی بیده لا ینفع عبداً عمله الا بمعرفه حقنا (۳)، لایقبل الله لعبد عملًا .... حتی یوالیهم باخلاص الولاء (۴)

اعجب ما رایت، (۵)، انما الائمه قوام الله علی خلقه و عرفاه علی عباده ولا یدخل الجنه الا من عرفهم و عرفوه (۶)

از آیه ۴۶ سوره اعراف و تفاسیر در ذیلش، استفاده می شود، که پیامبران الهی به اندازه وسع وجود خودشان باید، موقعیت و جایگاه الهی، ۱۴ معصوم را بشناسند و

۱- ۱. ینابیع الموده ج۱ ص ۳۰۴

۲- ۲. ینابیع الموده ج۱ ص ۳۰۴،

۳- ۳. مجمع الزوائد ج۹ ص ۱۷۲، ینابیع الموده ج۲ ص ۷۰، الشرف الموبد ص ۹۶، رشفه الصدی ص ۴۳، صواعق المحرقه ص ۱۷۳ المعجم الاوسط ج۲ ص ۳۶۰ ح ۲۲۳۰، الاتحاف بحب الاشراف ص۱۱۱

۴- ۴. (قطعه ای از شهر عبدی کوفی به نقل کتاب شریف الغدیر علامه امینی ج۲ ص ۴۲۵ ر ص ۴۴۱

۵- ۵. محمد سلیمان محفوظ ج۱ ص ۸

۶- ۶. نهج البلاغه فیض ص ۲۷۰ خطبه ۱۵۲

شناختند اگر نمی شناختند، پیامبر نمی شدند، امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ پیامبری منزلت نیافت مگر پس از این که به حق ما معرفت یافت و برتری ما را بر غیر ما و همگان پذیرفت

ما نبی قط الا بمعرفه حقنا و بفضلنا علی من سوانا(۱)

نبی اکرم فرمود: معرفه آل محمد براه من النار، شناخت آل محمد، نجات از آتش جهنم است، و حب آل محمد جواز علی الصراط و الولایه لال محمد امان من العذاب _ (۲)

_ فکذلک معرفه آله معرفه حقه و معرفه حق الله و معرفه الله براء من النار، موسوعه الفرق المنتسبه للاسلام (۳) نزهه المجالس ج ۲ص ۱۰۵

از جمله فضائل بی نظیر مولا ـ علی بر تمام خلائق این است که جبرئیل در روز جنگ احد بین زمین و آسمان ندا داد، هیچ جوانمردی همانند علی و هیچ شمشیری همانند ذوالفقار نیست، _ لاسیف الا ذوالفقار و لافتی الا علی (۴)

عمد ابن الخطاب می گوید: بخدا قسم اگر شمشیر علی نبود، پرچم اسلام برافراشته نمی شد (۵)

نبی اکرم با صدای بلند فرمود: ای مسلمین این علی، برادرم و پسر عمویم،

۱- ۱. بحار الانوار ج ۲۶ ص ۲۶۷ الی ص ۳۱۸،

۲- ۲. جواهر العقدین سمهودی ج۲ ص ۲۵۲ فرائد السمطین ج۲ ص ۲۵۶، الشفاء قاضی عیاض ج۲ ص ۴۷، ینابیع الموده ج۱ ص ۱۶۴، الاتحاف بحب الاشراف، شبروای ص ۳۶ _ بحر الفوائد ج۱ ص ۳۷۰ _ ؟؟؟ صواعق المحرقه ص ۱۳۹، رشفه الصادی ص ۴۵۹، بحرالفوائد المسمی نمعانی الاخیار للکلا باذی ح۲۵۳ مکتبه اسلام ویب الحاوی للفتاوی ج ۲ص ۳۹

۳- ۳. الدرر السنیه ج۸ ص ۱۸۵ مکتبه شامله

۴- ۴. کنز العمال ج۵ ص ۷۲۳، الهواتف ابن ابی الدنیا ص ۲۰کشف الخفاء عجلونی ج۲ ص ۳۶۳، السیره ابن هشام ج۳ ص ۶۱۵، البدایه و النهایه ابن کثیر ج۴ ص ۵۴ و ج۶ ص ۶ و ج۷ ص ۲۵۰، السیره النبویه ابن کثیر ج۳ ص ۹۴ و ج۴ ص ۷۰۷، ذخائر العقبی طبری ص ۷۴، تاریخ طبری ج۲ ص ۱۹۷، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدیدج ۲ ص ۲۱۱ و ج ۷ ص ۲۱۹ و ج۱۰ ص ۱۸۲ و ج۱۱ ص ۲۱۷ و ج۱۳ ص ۲۹۳، نظم در رالسمطین ص ۱۲۰ و ص ۱۲۱ تاریخ مدینه دمشق ج۳۹ ص ۲۰۱ و ج۴ ص ۷۱، مناقب ابن مردویه ص ۱۵۱، الکامل فی التاریخ ابن اثیر ج۲ ص ۱۵۴، وقعه الصفین ابن مزاحم ص ۳۱۵، مناقب خوارزمی ص ۳۷، جواهر المطالب ابن دمشقی ج۱ ص ۱۸۹، السیره الحلبیه ج۲ ص ۵۱۷ ینابیع الموده ج۱ ص ۲۳۹

۵- ۵. شرح نهج البلاغه ج۱۲ ص ۵۱ _ و الله لو لا سیفه لما قام عمود الاسلام، امالی صدوق ص ۲۰۳ ح۱۷

گوشتش گوشت من و خونش خون من و مویش موی من است او پدر دو سبط من حسن و حسین سید و سرور جوانان اهل بهشت است، او مشکل گشای سختی از من و او شیر خدا و شمشیر خدا در زمین در مقابل دشمنان خداست

هذا مفروج الکروب عنی هذا اسدالله و سیفه فی ارضه علی اعدائه _ (۱)_ علی سیف الله علی اعدائه و وارث علم انبیائه...(۲)

قال امیرالمومنین: انا سیف الله علی اعدائه و رحمته علی اولیائه (۳)

قال علی لاهل الشوری، انشدکم بالله هل تعلمون ان جبرئیل قال: لاسیف الا ذولفقار ولافتی الا علی قالوا: نعم (۴)

نبی اکرم فرمود: علی ابن ابی طالب، شمشیر خدا و شمشیر من است _ و سیف الله و سیفی _ (۵)، یکی دیگر از فضائل بی نظیر مولا علی که به سبب آنان بر تمام خلائق و پیامبران، بغیر از بر رسول اسلام، افضل و برتر می باشد، لقب خاص الهی، امیر مومنانی است، نبی اکرم فرمود: ای علی تو، امیر در آسمان، امیر در زمین، امیر گذشتگان و امیر آیندگانی، هیچ امیری بعد از تو نیست و پیش از تو نیز نبوده، چرا که جایز نیست احدی را که خداوند به این نام نخوانده به این نام خوانده شود

فانت یا علی امیر من فی السماء و امیر من فی الارض و امیر من مضی و امیر من بقی، فلا امیر بعدک و لا امیر قبلک لانه لایجوز لاحد ان یسمی بهذا الاسم من لم یسم الله تعالی (۶)

نبی اکرم فرمود: خداوند در شب معراج بمن فرمود، علی، حقیقتاً امیرالمومنین است که کسی قبل از علی ابن ابی طالب و احدی بعد از علی، به مقام والای اختصاصی امیرالمومنین نرسیده و نخواهد رسید

ص:۳۰۶

۱- ۱. ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، محب الدین طبری (سنی) ج۱ ص ۹۲

۲- ۲. امالی صدوق ج۱ ص ۶۱، ثواب الاعمال ص ۳۷، روضه الواعظین ص ۳۳۱ بحارالانوار ج۳۸ص ۹۰

۳- ۳. بحار ج۳۵ ص ۶۱، مناقب ابن مغازلی شافعی ح۲۳۴ و ۲۳۵، میزان الاعتدال ذهبی ج۲ ص ۳۱۷، لسان المیزان ابن حجر ج۴ ص ۴۰۶، تذکره الخواص ابن جوزی ص ۳۰، مفتاح النجاء ص ۲۵

۴- ۴. ینابیع الموده ج۱ ص ۴۳۴، میزان الاعتدال ج۳ ص ۳۲۴

۵- ۵. مائه منقبه، ابن شاذان قمی ص ۳۶ منقبت ۱۴

۶- ۶. مائه منقبه ص ۶۲ منقبت ۲۶

و هو امیرالمومنین حقاً لم ینلها احد قبله و لیست لاحد بعده (۱)

نبی اکرم در فرازی از خطبه غدیر فرمود: آگاه باشید که غیر از علی برادرم احدی امیرالمومنین نیست و حلال نیست بغیر از علی کسی، امیرمومنان نامیده شود ــ الا انه لیس امیرالمومنین غیر اخی و لا تحل امره المومنین بعدی لاحد غیره (۲)

مولا علی فرمود: رسول اکرم امر فرمود که در دوران حیاتش و بعد از وفاتش امیر مومنان خوانده شوم و به جزء من کسی را به این لقب نخواند .

فان رسول الله امران ادعی بامره المومنین فی حیاته و بعد موته و لم یطلق ذلک غیری (۳)

نبی اکرم، دستهای مقدس، مولا علی را گرفت و فرمود: این علی، امیر نیکان و ابرار می باشد، تمام پیامبران جزء ابرار و نیکان بودند طبق این حدیث صحیح السند، مولا علی بر تمام پیامبران، امیر و سرور هست بغیر از بر رسول اسلام

هذا امیر البرره قاتل الفجره، ــ هذا حدیث صحیح الاسناد (۴)

یکی دیگر از فضایل بی نظیر مولاــ علی و برتری او بر تمام پیامبران بغیر از بر رسول اسلام این است، که ملک الموت (عزرائیل) مامور است از طرف خداوند، ارواح تمام موجودات که تمام پیامبران جزء آنان هستند بگیرد و قبض کند، ولی روح شریف نبی اسلام و مولا علی را خداوند قبض می کند و می گیرد؛ و این امتیاز بزرگی است که نبی اسلام و مولا علی دارند

وکلنی الله بقبض ارواح الخلائق ما خلا روحک و روح ابن عمک علی ابن ابی

ص:۳۰۷

۱- ۱. مناقب اخطب خوارزمی حنفی ص ۳۰۳ح۲۹۹

۲- ۲. احتجاج طبرسی ج۱ ص ۱۳۱

۳- ۳. خصال صدوق ج۲ ص ۸۸۴، بحار الانوار ج۳۱ ص ۴۴۵،

۴- ۴. المستدرک حاکم نیشابوری، کتاب معرفه الصحابه، مساله ۱۸۲۷، حدیث ۴۶۹۹، سایت اسلام ویب، الجامع الصغیر سیوطی ج۲ ص ۱۷۷، کنزالعمال ج۱۱ ص ۶۰۲، معجم ابن المقری ح۱۷۵، شواهد التنزیل حاکم حسکانی ج۱ ص ۲۲۹فتح الملک العلی، مغربی ص ۵۷، تاریخ بغداد ج۳ ص ۱۸۱، تاریخ مدینه دمشق ج۴۲ ص ۲۲۵ و ص ۳۸۲ و ص ۳۸۳، میزان الاعتدال ذهبی ج۱ ص ۱۰۹ ح۴۲۹، مناقب خوارزمی ص ۱۷۷ و ص۱۹۹، ینابیع الموده ج۱ ص ۲۱۹ و ج۲ ص ۷۸ و ص ۲۲۹ ــ علی امام البرره، قائد البرره، فیض القدیر مناوی ج۴ص ۳۵۶ ح ۵۵۹۱، صواعق المحرقه ج۲ ص ۳۶۵ح۳۳ مکتبه شامله،

طالب فان الله یتوفا کما بمشیئته(۱)

از جمله فضایل بی نظیر مولا علی این است که خداونـد او را دابه الارض نامیـده و در آخرالزمان هنگام ظهور، امام مهـدی، از زمین خارج می شود و زنده می گردد و رجعت می کند، و کافر و مومن را مشخص می کنـد_ (و او منتقم الهی است که ظاهر می شود) مولا علی فرمود: ۶ خصـلت به من داده شده، علم مرگ، علم بلاها، علم اوصـیاء، علم به واقع، صاحب عصاء و نشانه گذاری هستم و جنبده ای که با مردم حرف می زند

و لقـد اعطیت الست، علم المنایا و البلایا و الوصایا و فصل الخطاب و انی لصاحب الکرات و دوله الدول و انی لصاحب العصاء و المیسم و الدابه التی تکلم الناس (۲)

قال علی: انا قسیم الجنه و النار... و الدابه التی تکلم الناس

مولا علی فرمود: من آن دابه ای هسـتم که با مردم صـحبت می کنـد (۳)، ابن نباته می گویـد بر مولا علی وارد شدم، مشـغول خوردن نـان و سـرکه بود، عرض کردم منظور دابه الارض در قرآن کیست؟ فرمود: او دابه ای است که نان و سـرکه می خورد _قـال هی دابه تاکل خبزاً و خلاً و زیتاً (۴)رسول خدا در حالی به مولا علی برخورد نمود که مشتی ریگ جمع کرده و سـرش بر آن نهـاده، پاهـای علی را تکـان داد و فرمود: ای دابه الارض برخیز یکی از اصـحاب گفت: روا نیست، نبی اکرم فرمود: این نـام تنهـا به او اختصاص دارد، او همان دابه ای است که خـدا در قرآن از او یاد کرده، سپس فرمود: ای علی، چون آخرالزمان شود، خداوند تو را به نیکوترین صورت بیرون می آورد و با تو داغه ای است که دشمنانت را با آن نشانگذاری می کنی

انتهی رسول الله الی امیرالمومنین و هو نـائم فی المسـجد قـد جمع رملاً و وضع راسه علیه فحرکه برجله ثم قال: قُم یا دابه الله ... فقال: لا و الله ما هو الا له خاصه

۱- ۱. ریاض النضره ج۳ ص ۸۳ محب الدین طبری شافعی، مناقب آل ابی طالب ابن شـهر آشوب ج۲ ص ۷۵؛ الحاوی للفتاوی ج ۲ ص ۴۹؛ نزهه المجالس ج ۲ ص ۴۱۸؛سمط النجوم ج ۳ص ۳۱

۲- ۲. (اصول کافی ج۱ ح ۳ کتاب الحجه)

۳- ۳. الکافی ج۱ ص ۱۹۷ _ بصائر الدرجات ص ۲۰۰ _ انا دابه الارض بحار ج۳۹ ص ۲۴۳، کنزالفوائد ج۵۳ ص ۱۱۰، تاویل الایات ص ۳۹۹

۴- ۴. تفسیر البرهان ج۴ ص ۲۲۹، بحار ج۵۳ ص ۴۶ ص ۴۸

و هو دابه الارض الـذی ذکر الله فی کتابه: و اذا وقع القول علیهم اخرجنا لهم دابه من الارض تکلمهم ... ثم قال: یا علی اذا کان آخر الزمـان اخرجک الله فی احسن صوره و معک میسم تسم به اعـداءک _ (۱)نبی اکرم فرمود: خداونـد به من وحی کرد که علی آخریـن کسـی اسـت کـه قبض روحش خـواهم کرد و او دابـه ای اسـت کـه بـا مردم حرف خواهـد زد _ وهی دابـه الـتی تکلمهم(۲)

امـام رضا فرمود: تتبعها الرادفه، اشاره به زلزله ای است که در پی آن دابه ای از زمین خارج می شود که با مردم حرف می زند و او علی است

قال: زلزله الارض فاتبعتها خروج الدابه ..(۳)

واژه ی دابه بر گرفته از ریشه دب به معنای راه رفتن خفیف است و در مورد هر حیوانی بکار می رود و اسم عام است برای هر حیوانی که سوار می شونـد، چنان ابوهلال آورده است: این کلمه در اصل بر تمام جنبدگان و صاحبان جان دلالت می کند در حالی که در عرف نامی برای برخی از جنبدگان است و نیز بر اسب اطلاق می گردد (۴)

مقدسی در البدء و التاریخ ج۲ ص ۲۰۲ می نویسد: معنای دابه اسمی است که بر جنس حیوان و انسان و چهارپایان و پرندگان بطور مطلق نامیـده می شود، همانطور که خداونـد در قرآن می فرمایـد: خداونـد خلق کرد تمام دابه و جنبـدگان را از آب، که بعضـی از آنان روی شـکم راه می روند و بعضـی بر روی دو پا و بعضـی بر روی چهارپا و فرمود: هیچ دابه و جنبده ای نیسـت مگر اینکه ما روزی او را می دهیم؛ شـرورترین جنبـدگان در نزد خدا کسانی هسـتند که تعقل نمی کنند، و دابه کنایه به انسان است، و روایت از علی ابن ابی طالب شـده که فرموده من دابه الارض و جنبـده زمین هسـتم و بعضـی گفته اند عبدالله ابن زبیر هم دابه الارض است

و امـا الـدابه فهو اسم یقع علی مـا دابه و درج من اجنـاس الحیوان من انسـان و سـبع و بهیمه و طائر و هامه و قال الله تعالی و الله خلق کل دابه فی الارض الا علی

۱- ۱. تفسیر قمی ج۲ ص ۱۳۰،

۲- ۲. بصائر الدرجات ص ۵۱۴ بحار ج ۵۳ ص ۶۸،

۳- ۳. مناقب آل ابی طالب ج۳ ص ۱۰۲

۴- ۴. المفردات ص ۳۰۶، العین ج۸ ص ۱۳، لسان العرب ج۱ ص ۳۶۹،

الله رزقها و قال: ان شر الدواب عندالله الصم البكم الذین لایعقلون ... و روی ان علیاً صلوات الله علیه و سلامه: انا دابه الارض.. وقیل عبدالله بن الزبیر دابه الارض (۱)

نبی اکرم به عمرو فرمود: آیا دیده ای دابه الجنه را، که هم می خورد و هم می آشامد و هم در بازارها راه می رود، بعد حضرت رسول، اشاره به مولا علی ابن ابی طالب فرمودند:

هل رایت دابه الجنه تاکل الطعام و تشرب الشراب و تمشی فی الاسواق؛ هذا دابه الجنه و اشار الی علی ابن ابی طالب (۲)

از دیگر فضائل بی نظیر مولا علی و برتری او بر تمام خلائق این است که پیامبر اسلام فرمود: ای علی تو مصاحب (همنشین) و رفیق من در بهشت هستی،

یا علی انت صاحبی و رفیقی فی الجنه، (۳)

از جمله خصائص و ویژگی های بی نظیر مولا علی در بهشت این است که وجود مقدسش همانند ستاره صبح برای اهل دنیا، نور افشانی می کند، یعنی روشنی و زیبایی بهشت به وجود منور علی ابن ابی طالب است

علی یزهر فی الجنه ککوکب الصبح لاهل الدنیا (۴)

از جمله فضائل بی نظیری که منابع اهل سنت برای مولا علی، نقل کرده اند این است که دست علی و پیامبر اسلام در دست هم هست و با هم وارد بهشت می شوند ــ یا علی یدک فی یدی یوم القیامه حتی تدخل حیث ادخل (۵)

از جمله فضائل بی نظیری که مولا علی دارد این است که فردای قیامت بر ناقه ای از ناقه های بهشتی سوار است و رهبر و قائد تمام مومنان بسوی بهشت هست، نبی

۱- ۱. سایت مکتبه شامله،
۲ - ۲. کنز العمال هندی ج۱۱ ص ۶۲۶ ح ۳۳۰۵۴ مجمع الزوائد هیثمی ج۹ ص ۱۱۸ ح۱۴۶۹۲، معارج العلی فی مناقب المرتضی ص ۱۳۱ محمد صدر العالم هندی دهلوی
۳- ۳. تاریخ دمشق ج۱ ص ۱۲۲۰ رقم ۱۶۸، اسنی المطالب ص ۱۴
۴- ۴. نورالابصار شبلنجی ص ۹۳، مناقب ابن مغازلی ح۱۸۴ ص ۱۴۰ صواعق المحرقه ابن حجر ص ۷۵، کنزالعمال ج۱۱ ص ۶۱۱، فرائد السمطین ج۱ ص ۲۹۵، فیض القدیر مناوی ج۴ ص ۲۵۸ بحار الانوار ج۳۹ ص ۲۳۰، الجامع الصغیر ص ۱۴۱
۵- ۵. کفایه الطالب ص ۲۸۰ باب ۴۱، تاریخ دمشق ج ۴۲ ص ۳۲۸،

اکرم فرمود: فردای قیامت ما ۴ نفر فقط سواره هستیم، من بر مرکبم براق سوارمی شوم و برادرم صالح پیامبر بر ناقه خودش که آنرا پی کردند و عمویم حمزه بر ناقه من عضباء و برادرم علی بر ناقه ای از ناقه های بهشت

یاتی علی الناس یوم ما فیه راکب الانحن اربعه

.... واخی علی ابن ابی طالب علی ناقه من نوق الجنه..(۱)

از جمله فضائل بی نظیر مولاـ علی، این است که منزل او در بهشت، مقابل قصر و منزل نبی اکرم در بهشت است، فان منزلک فی الجنه مقابل منزلی (۲)

از جمله فضائل بی نظیر مولاـ علی و حضرت فاطمه و امام حسن و امام حسین این است که فردای قیامت در قبه ای زیر عرش خداوند در کنار، رسول اکرم هستند،

انا و علی و فاطمه و الحسن و الحسین، یوم القیامه فی قبه تحت العرش (۳)

انا و فاطمه و علی و الحسن و الحسین فی حظیره القدس فی قبه بیضاء، سقفها عرش الرحمان (۴)

از جمله ادله حدیثی برای برتری مولاـ علی و سایر ائمه هدی بر خلائق و پیامبران بغیر از بر رسول اسلام این است که با نبی اسلام فرمودند: خداوند در باب معجزات به حضرت موسی، عصایی که اژدها می شد، عنایت کرد، آتش عظیم نمرودی بر حضرت ابراهیم سرد و سالم کرد، به حضرت عیسی، کلماتی آموخت که بوسیله آنان، مرده ها را زنده می کرد و معجزه من علی ابن ابی طالب است، هر پیامبری، آیه و نشانه ای برای ثابت شدن نبوتش دارد و آیه و نشانه پروردگار من، ائمه طاهرین از فرزندان علی ابن ابی طالب هستند

و ان الله اعطی موسی العصا و اعطی ابراهیم النار المطفئه و عیسی الکلمات التی کان یحیی بها الموتی و اعطانی هذا، ولکل نبی آیه و هذا آیه ربی و الائمه

۱- ۱. کفایه الطالب گنجی شافعی باب ۴۲ ص ۲۸۱، تاریخ دمشق ابن عساکر ج۴۲ ص ۳۲۶، تاریخ بغداد ج۱۳ ص ۱۲۲، مناقب خوارزمی ص ۳۵۹

۲- ۲. کفایه الطالب باب ۶۰ ص ۳۵۱، فرائد السمطین ج۱ ص ۱۰۳، کنزالعمال ج۱۱ ص۶۴۷، البحر الزخار ج۸ ص ۲۷۸

۳- ۳. کفایه الطالب باب ۸۵ ص ۵۰۵، مجمع الزوائد ج۹ ص ۱۷۴، فرائد السمطین ج۱ ص ۴۹،کنز العمال ج ۱۲ ص ۱۰۰ مناقب خوارزمی ص ۳۰۳

۴- ۴. شرح الاخبار، قاضی نعمان ج۳ ص ۳

الطاهرون من ولده آیات ربی (۱)

از جمله آیاتی که اشاره دارد، ائمه هدی و ۱۴ معصوم علیهم السلام بر پیامبران، برتری دارند، آیه ۸۳ سوره صافات است، و ان من شیعته لابراهیم ــ جابربن یزید جعفی تفسیر این آیه را از امام صادق علیه السلام سوال کرد؛ آنحضرت در جواب او فرمود: چون خداوند ابراهیم را خلق فرمود، پرده از برابر چشمش برداشت و ابراهیم، پیرامون عرش را نظر کرده نوره هایی دید، در شگفت شد و عرض کرد، خدایا این چه نوری است؟

خطاب رسید این نور حبیب من محمد است، نور دیگری در کنار آن نور بود، فرمود: این نور علی یاری کننده دین من است و این سه نور، دیگر، نور فاطمه و فرزندانش حسن و حسین و آن نه نور دیگر، انوار، فرزندان علی و فاطمه، از صلب حسین هستند، و اسامی تمام چهارده نور پاک، را خداوند، یکی یکی برای حضرت ابراهیم بیان فرمود؛ ابراهیم عرض کرد، نورهای بیشماری در اطراف این انوار مشاهده می کنم که تعداد آنان معلوم نیست؟ خطاب رسید، ای ابراهیم، این انوار شیعیان علی می باشند، اینجا بود که ابراهیم از خداوند، درخواست کرد که خدایا من را از شیعیان علی، قرار بده، وقتی که ابراهیم اوالعزم و صاحب کتاب، از خداوند در خواست می کند که پیرو، امام علی باشد، چگونه می تواند بر او برتری داشته باشد؟! (۲)

ان الله سبحانه لما خلق ابراهیم کشف له بصره، فنظر فرأی نورا الی جنب العرش، فقال: الهی ما هذاالنور؟ فقال: هذا نور محمد صفوتی من خلقی، و رای نورا من جنبه فقال الهی ما هذاالنور؟ فقال: نور علی ابن ابی طالب، ناصر دینی .... فقال ابراهیم: الهی و سیدی ارای انوار احدقوا بهم لایحصی عدد هم الا انت فقیل: یا ابراهیم شیعتهم شیعه امیرالمومنین علی ابن ابی طالب، ... فعند ذلک قال ابراهیم: اللهم اجعلنی من شیعه امیرالمومنین (۳)

از جمله فضائل و خصائص بی نظیر مولاـ علی بر خلائق و برتری او بر پیامبران، غیر از رسول اسلام، آیه ۱ الی ۴ سوره زلزله است، و قال الانسان ما لها، در روایت

۱- ۱. موده القربی همدانی شافعی موده دهم ص ۹۷، المناقب المرتضویه، محمد صالح کشفی ترمذی ص ۱۳۰ ینابیع الموده ص ۳۰۸،

۲- ۲. الصراط المستقیم ج۳ ص ۷۶

۳- ۳. بحار الانوار ج۳۶ ص ۱۵۲

است در زمـان ابـوبکر، زلزله شدیـدی در مـدینه رخ داد بطـوری که عموم مردم ترسـیدند و نزد ابوبکر و عمر رفتنـد، مشاهـده کردنـد آن دو نفر از شدت ترس با عجله حضور مولا علی می روند مردم هم به تبعیت آنها حضور آن حضـرت رسـیدند، مولا علی از منزل خارج شدنـد، ابوبکر و عمر و مردم مـدینه در عقب مولا علی رفتند تا رسـیدند به روی تبه ای، آنحضـرت بر روی زمین نشـست مردم هم اطراف او نشسـتند، دیوارهای مدینه همانند گهواره حرکت می کرد، اهل مدینه از شدت ترس به ناله و گریه فریـاد زدنـد یـا علی به فریـاد ما برس، آنحضـرت با دست مبارك بر زمین زد و فرمود: ای زمین آرام و قرار بگیر زمین به اذن خدا، ساکت و آرام شد، مولا علی فرمود: من همان انسانی هستم که به زمین می گویم تو را چه شده است؟

بمن بگو چه اعمـالی در روی تو انجـام شـده، پس از آن فرمود: اگر این لرزه همـان لرزه روز قیـامت بود، حتمـاً زمین اخبـار و حوادث خودش را برای من بیان می کرد ولی این زلزله آن زلزله عظیم قیامت نیست، (۱)،

هی هی الان مالك اسکنی اما و الله انی انا الانسان الذی تنبئه الارض اخبارها .... و انی انا الذی تحدثه الارض اخبارها (۲)

و ضرب الارض بیده ثم قال مالك اسکنی فسکنت ثم قال: انا الرجل الذی قال الله تعالی: اذا زلزلت الارض... فانا الانسان الذی اقول لها مالك؟ یومئذ تحدث اخبارها ایای تحدث (۳)

روز قیامت روزی است که صـدا و نفس ها از ترس صـحرای محشـر و وحشت روز قیامت گرفته می شود و کسـی بدون اجازه خـدا نمی توانـد حرف بزنـد _ سـوره طه آیه ۱۰۸: {و خشـعت الاـصوات للرحمن فلاـ تسـمع الاـ همسا}؛ سوره نباء آیه ۳۸ _ {لایتکلمون الا من اذن له الرحمن و قال صوابا }

امام صادق علیه السـلام در ذیل تفسیر آیه ۳۸ سوره نباء فرمود: بخدا قسم ما فردای قیامت اجازه سـخن گفتن داریم، سوال شـد درباره چه حرف می زنید؟ امام فرمودك خدا را

۱- ۱. دلائل الامامه طبری ص ۶۶، _ قال: انا الانسان و ایای تحدث اخبارها، بحار الانوار ج۴۲ص ۱۷

۲- ۲. بحار الانوار ج۱ ص ۲۷۱

۳- ۳. بحار الانوار ج۲۵ ص ۳۷۹، بحار ج۴۱ ص ۲۵۴، علل الشرایع ج۲ ص ۲۴۲ شیخ صدوق، بحار ج۹۱ ص ۱۵۱ بحار ج ۶۰ ص ۱۲۹،

تمجید می کنیم و درود بر پیامبر اسلام می فرستیم و پیروان خود را شفاعت می کنیم و خدا، حرف ما را رد نمی کند ـ نحن والله الماذون لهم یوم القیامه (۱)

؛ نبی اکرم فرمود: ای مردم آیا میدانید خبرهای زمین چیست که برای علی ابن ابی طالب بیان می کند؟ عرض کردند: خدا و رسول داناتر هست فرمود: گواهی می دهد بر مرد و زن به آنچه بر پشت آن عمل کردند و می گوید این شخص کار نیکو بجا آورده و آن دیگری مرتکب اعمال زشت شده ـ (۲)؛ از جمله فضائل بی نظیر مولاـ علی بر تمام خلائق و برتری او بر جمیع پیامبران، غیر از رسول اسلام این است که ایشان عین الله (چشم خدا) و یدالله (دست خدا) هستند، به این معنا که چشم و دست او الهی و قدرت خدایی از طرف خدا به اذن الله دارد، در روایت دارد، مردی به طواف کعبه مشغول بود، در همان جا به زن نامحرمی نگاه شهوتی می کرد، حضرت علی او را در آن حال دید و با دست مبارک، ضربه ای به او زد او در حالی که دستش را بر صورتش نهاده و بسیار ناراحت بود، بعنوان شکایت از مولا علی، نزد خلیفه دوم عمر ابن الخطاب آمد و ماجرا را گفت: عمر در پاسخ او گفت: قد رای عین الله و ضرب یدالله، چشم خدا دید و دست خدا زد، یعنی اینکه چشم علی آنچه می بیند خطا نمی کند زیرا چشم او چشمی است که آمیخته با اعتقاد به خداست و چنین چشمی اشتباه نمی کند.

و دست علی نیز جزء در راه رضای خدا حرکت نمی کند(۳)

البته این روایت با کمی تفاوت از زبان خلیفه دوم، عمر ابن الخطاب در منابع اهل سنت ذکر شده، ان لله فی الارض عیون و ان علی من عیون الله، اصابتک عین من عیون الله عمر بن الخطاب گفت: برای خداوند در زمین چشم هایی است و این علی

۱- ۱. تفسیر مجمع البیان طبرسی ج ۱۰ ص ۲۴۸

۲- ۲. مجمع البیان ج۱۰ ص ۴۱۹

۳- ۳. النهایه ابن اثیر ج۳ ص ۳۳۲، المصنف عبدالرزاق ج۱۰ ص ۴۰، کنزالعمال ج۵ ص ۴۶۲، تاریخ دمشق ج۱۷ ص ۴۲، جواهر المطالب ج۱ ص ۱۹۹، جامع الاحادیث ج۲۶ ص ۲۹، جامع معمر بن راشد ج۱ ص ۱۴۴، لسان العرب ج۱۳ ص ۳۰۹، المداخل فی اللغه عبدالواحد ص ۶۹، الانباء المستطابه ص ۶۲، سمط النجوم العوالی ج۲ ص ۲۸، و ج ۳ ص ۶۹ مختصر تاریخ دمشق ج۳ ص ۶۶، البصائر و الذخائر ج۱ ص ۱۲۶

چشمی از چشم های خداست ـــ (۱)ـــ اذهب عین من عیون الله اصابتک، ضربک بحق اصابته عین من عیون الله عزوجل، فقال لقد وقعت علیک عین الله،

امام باقر فرمود: ما حجت خدا

، و زبان خدا و صورت خدا و چشم خدا در میان خلق هستیم

نحن حجه الله، و نحن باب الله و نحن لسان الله و نحن وجه الله و نحن عین الله فی خلقه (۲)

مولا علی فرمود: من چشم خدا و دست خدا هستم،

انا عین الله و انا یدالله، (۳)

قال علی: انا عین الله و لسانه الصادق و یده ... و انا یدالله المبسوطه: (۴)

انا علم الله .... و عین الله الناظره، (۵)

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند، آفریدگانی دارد که آنها را از نور و رحمت خود برای رحمت آفریده است، آنها چشم بینای خدایند و به اذن او، گوش شنوا و زبان گویا در میان مردم هستند، راوی سوال کرد آنان چه کسانی هستند؟ فرمود: اوصیای پیامبر (یعنی ائمه هدی)

ان لله عزوجل خلقاً من رحمته خلقهم من نوره و رحمته من رحمته لرحمته فهم عین الله الناظره و اذنه السامعه و لسانه الناطق فی خلقه باذنه (۶)

شاید وهابی بگویند این کفر است مگر می شود کسی چشم خدا بشود؛ خداوند که چشم ندارد و چشم کسی نمی شود و در کسی حلول نمی کند، منظور این حدیث این است که خود منابع معتبر روایی اهل سنت آنرا از قول شریف نبی اکرم نقل کرده اند که خدا فرمود: بنده من بوسیله انجام نوافل بجایی می رسید از لحاظ تقرب و نزدیکی معنوی به من تا اینکه محبوب من می شود و من می شوم گوش او که با آن می شنود

---

۱ – ۱. نوا در الاصول فی احادیث الرسول، ترمذی ج۴ ص ۵۷ ـــ فقال عُمر: اصابتک عین من عیون الله تعالی و ان لله فی الارض عیونا ـــ نوادر الاصول ج۲ ص ۲۳۶ و ج ۳ ص ۳۱۱، تهذیب اللغه، الازهری ج۳ ص ۱۳۱

۲– ۲. اصول کافی ج۱ ص ۱۴۵ ح۷،

۳– ۳. اصول کافی ج۱ ص ۱۴۵ ح۸، انا عین الله فی ارضه ـــ بحار الانوار ج۲۷ ص ۳۴

۴– ۴. بحار ج ۳۹ ص ۳۳۹، بحار ج۲۶ ص ۲۴۶، بحار ج۲۵ ص ۳۸۴

۵- ۵. بحار ج ۲۴ ص ۱۹۸ و ص ۱۹۹، بحار ج۳۹ ص ۳۴۷؛

۶- ۶. کتاب التوحید _ مرحوم شیخ صدوق ص ۲۴۳ باب ۲۴ باب معنی العین و الاذن و اللسان

و می شوم، چشم او که با آن نگاه می کند و می شوم دست او که با آن می گیرد و می شوم پای او که با آن راه می رود و هر گاه از من چیزی بخواهد به او می دهم و هر گاه به من پناه ببرد او را پناه می دهم

و ما یزال عبدی یتقرب الی بالنوافل حتی احبه فاذا احببته کنت سمعه الذی یسمع به و بصره الذی بیصربه و یده التی یبطش بها و رجله التی یمشی بهاوان سالنی لاعطینه(۱)

یعنی وجود او الهی و قدسی می شود و با این چشم و گوش می تواند حقائق و اسرار خلقت را مشاهده کند و محرم اسرارالهی بـا اذن الهی شود، (۲)، برای نمونه بنی اکرم فرمود: هر کس نگـاه به نـامحرم نکنـد بخاطر خداونـد، عجائب و آن چیزهایی که ندیده می بیند، یعنی باطن و ملکوت عالم را مشاهده می کند.

غضو ابصارکم ترون العجائب(۳)

امام زین العابدین فرمود: هر بنده ای، چهار چشم دارد، دو چشم در سر و صورت و دو چشم که بوسیله آن امر آخرتش را می بیند و خداوند به هر کس اراده خیر داشته باشد چشم او را به عالم غیب باز می کند

فاذا، اراد الله بعبد خیراً فتح له العینین اللتین فی قلبه فابصر بهما الغیب فی امر آخرته(۴)

پس نتیجه این شد چون ۱۴ معصوم علیهم السلام ، عبادت و اطاعت و قرب و منزلتشان نزد خدا بیشتر از همه خلائق و پیامبران بوده، پس از تمام انبیاء و موجودات افضل و برتر می باشند در روایت و حدیث قدسی آمده: ای بنده من، اطاعت از من بکن تا همانند من شوی که هر گاه به چیزی بگویی باش همان دم موجود شود ــ عبدی اطعنی تکن مثلی تقل للشی کن فیکون (۵)

۱- ۱. صحیح بخاری مساله الجز الخامس ص ۲۳۸۵ ح۶۱۳۷ کتاب الرقاق باب التواضع
۲- ۲. فتح الباری ش ۹۷۲۳ ص ۳۵۲، سنن الکبری بیهقی ش ۲۰۳۸، مرقاه المفاتیح محمد بن سلطان القاری مساله ۲۲۶۶
۳- ۳. (مصباح الشریعه ص۹
۴- ۴. الخصال صدوق ج۱ ص ۲۴۰
۵- ۵. مستدرک الوسایل ج۱۱ ص ۲۵۸ بحار الانوار ج۹۳ ص ۳۷۶، شجره طوبی، محمد مهدی حائری ج۱ ص ۳۳، ابوطالب حامی الرسول، نجم الدین عسکری، ص ۱۸۵

عبدی اطعنی حتی اجعلک مثلی، یا عبدی انا اقول للشیء کن فن فیکون اطعنی اجعلک تقول للشی کن فیکون یا عبدی انا الحی الذی لا ـ یموت اطعنی اجعلک حیاً لاتموت ـ (۱)، یابن آدم انا حی لاموت اطعنی فیما امرتک حتی اجعلک حیا، یابن آدم انا اقول للشی کن فیکون، اطعنی فیما امرتک، اجعلک تقول للشی کن فیکون(۲)

از جمله فضائل بی نظیر مولا علی این است که خداوند، شدت محبت و علاقه به ایشان دارد، عباس عموی پیامبر از نبی اکرم سوال کرد آیا علی را دوست داری؟! نبی اکرم فرمود: ای عمو، بخدا قسم، خداوند به شدت، علی را از من بیشتر دوست دارد ـ یا عم رسول الله و الله، لله اشد حباً له منی(۳)

از جمله فضائل بی نظیر و بی همانند، مولا علی بر کل امت اسلام و دلیل برتری او بر تمام پیامبران، غیر از رسول، این است که رسول اکرم فرمود: حق علی ابن ابی طالب بر کل مسلمین (که پیامبران هم جزء مسلم و مسلمین) هستند همانند حق پدر بر فرزند است؛ پدر معنوی، علمی، عقلی، الهی، تمام پیامبران غیر از رسول اکرم و تمام عامه مسلمین علی ابن ابی طالب است، با این حساب، چگونه انبیاء و مسلمین، بغیر از رسول اکرم، بر مولا علی می توانند، برتری و افضلیت داشته باشند؟!!

حق علی، علی کل مسلم حق الوالد علی ولده، و روی انه قال لعلی: انا و انت ابوا هذه الامه: (۴)ـ حق علی بن ابی طالب علی هذه الامه کحق الوالد علی ولده، حق علی، علی کل المسلمین کحق الوالد علی الوالد، (۵)

از جمله فضائل بی نظیر و بی مانند مولا ـ علی این است که ایشان، امام و قائد و مقتدای تمام خلائق و پیامبران بغیر از رسول اسلام و نور جمیع کسانی است که خدا

ص:۳۱۷

۱- ۱. مجموع فتاوی ابن تیمیه لعنت الله علیه، مساله الجزء الرابع ص ۳۷۷ مکتبه اسلام ویب

۲- ۲. عده الداعی ابن فهد حلی ص ۲۹۱، مستند الشیعه نراقی، ج۱، ص۵، الفوائد العلیه، سید علی بهبهانی ج۲ ص ۳۹۴ الفوائد الرجالیه، بحرالعلوم ج۱ ص ۳۸، فتاوی الازهر ج۸ ص ۱۱۶ مفتی عطیه صقر؛

۳- ۳. کفایه الطالب گنجی شافعی اب ۷ ح۲۹ ص ۱۲۷، تاریخ بغداد ج۱ ص ۳۱۶

۴- ۴. روح المعانی ج ۲۲ ص ۳۱، کفایه الطالب باب ۶۲ ص ۴۰۹ ح ۲۰۸، تاریخ دمشق ج ۴۲ ص ۳۰۷، فرائد السمطین ج۱ ص ۲۹۷؛ فردوس الاخبار ج۲ ص ۲۱۰، حق علی، علی المسلمین کحق الوالد علی ولده ـ مناقب ابن مغازلی ص ۹۴ ح ۷۰، لسان المیزان ابن حجر ج۴ ص ۳۹۹، میزان الاعتدال ذهبی ج۲ ص ۳۱۳، کنوز الحقائق منادی ص ۶۹، ینابیع الموده ج۴ ص ۳۶۹

۵- ۵. ینابیع الموده ج۱ ص ۳۶۹ و ج۲ ص ۲۳۸ و ح ۲ ص ۷۶ و ج۱ ص ۳۷۰

را اطاعت می کنند ـ نبی اکرم فرمود: در شب معراج، خداوند به من فرمود: همانا علی امام اولیاء من و نور جمیع کسانی است که مرا اطاعت می کنند

ان رب العالمین عهد الی عهداً فی علی ابن ابی طالب، انه رایه الهدی و منار الایمان و امام اولیائی و نور جمیع من اطاعتی (۱)

از جمله آیـاتی که در قرآن اشاره دارد، مقام، درجه و رتبه، مولا علی، از تمام موجودات و خلائق و انبیاء غیر از رسول اسـلام، افضل و بالاتر است؛ آیه ۲۷ سوره مبارکه روم است،

وله المثل الاعلی فی السموات و الارض،

نبی اکرم به مولا علی فرمود: ای علی تو مثل اعلاء و برتر در آسمان و زمین هستی

و انت الصراط المستقیم و انت المثل الاعلی(۲)

مولا علی فرمود: من مثل اعلی هستم،

انا الحجه العظمی و الایه الکبری و المثل الاعلی، (۳)

مثل به معنای، ماننـد، صـفت، شبیه، نظیر، حجت و نمونه است، خداونـد متعال، ائمه هـدی و ۱۴ معصـوم را از جهت دارا بودن مقـام رفیع انسـانیت و تمـام مراتب فضائـل و کمالاـت نفسانیه و صـفات عالی از دیگران ممتازه کرده و آنها را برترین نمونه ی خلقت برای بشریت قرار داده است و چون از هر جهت نمونه هستند به عنوان مثل اعلای تجسم سنت از رب هستند،

فنحن کلمه التقوی و سبیل الهدی و المثل الاعلی(۴)

یکی دیگر از فضائل بی نظیر حضـرات چهارده معصوم بر انبیاء و مومنین آیه ۱۸۹ سوره بقره است، قرآن کریم در این آیه می فرماید: نیکی آن نیست که از دیوار به

۱- ۱. کفـایه الطالب ص ۳۲۸، منـاقب ابن مغازلی ص ۹۷، منـاقب خوارزمی منقب ۳۱۲، ینابیع الموده ج۲ ص ۴۸۵ و ج۱ ص ۳۹۷ و ج۱ ص ۲۳۸، حلیأ الاولیا ج۱ ص ۶۶، ینابیع الموده ج۱ ص ۴۰۱، مناقب ابن مردویه ج۱ ص ۱۸۵، ارجح المطالب ص ۲۹ ـ تاریخ بغداد ج۱۴ ص ۱۰۲ تاریخ دمشق ج۴۷ ص ۲۹۱ و ص ۳۳۰ و ص ۲۷۰

۲- ۲. عیون الاخبار الرضا، شیخ صدوق ج۱ ص ۹،

۳- ۳. امالی صدوق ج۱ ص ۹۲

۴- ۴. بحار الانوار ۳۹ ص ۳۵۱ و ج۲۶ ص ۲۴۴ ج۱۶ ص ۳۷۶

منزل وارد شد بلکه آن است از درها به خانه ها وارد شد، مولا ـ علی در تفسیر این آیه فرمود: ما آن خانه هایی هستیم که خداوند دستور داده از درب بسوی آن خانه وارد شد و ما اهل بیت درب خانه خدا هستیم و هر کس اقرار به امامت ما کند به باب و خانه خدا، وارد شده و هر کس تخلف کند از ما از خداوند دور شده، تمام خلائق و انبیا و مومنین باید از باب ولایت و مودت عبور کنند تا به خدا برسند که انبیاء الهی و مومنین واقعی از این درب عبور کردند که پیامبر شدند و جزء مومنین واقعی پذیرفته شدند، (۱)

نحن البیوت التی امر الله ان توتی من ابوابها، نحن باب الله و بیوته التی یوتی منه فمن بایعنا و اقربولایتنافقداتی البیوت من ابوابها، (۲)

از جمله فضائل بی نظیر و بی مانند اهل بیت و چهارده معصوم علیهم السلام ، آیه ۶۸ سوره زمر می باشد قرآن کریم در این آیه شریفه می فرماید: روزی که در نفخه و صور و شیپور (اماته) جناب اسرافیل می دمد تمام خلائق که در آسمان و زمین هستند از بین می روند و هلاک می شوند الا کسانی که خدا بخواهد و آنها به امر خدا، نابود و هلاک نمی شوند،{ و نفخ فی الصور فصعق من فی السموات و من فی الارض الا من شاء الله }

از امام صادق علیه السلام سوال شد راجع به آیه ۸۸ سوره قصص که می فرماید: تمام موجودات هلاک و نابود می شوند الا وجهه و صورت پروردگار، و در آیه ۲۶ سوره الرحمن هم خداوند می فرماید: تمام موجودات فانی می شوند و باقی می ماند، صورت خداوند، امام صادق علیه السلام در ذیل تفسیر آیه ۸۸ سوره قصص فرمود: ما وجه و صورت خدا هستیم یعنی (صورت دین خدا) چون خداوند جسم و شکل نیست و صورت و قیافه ندارد و مبرا و پاک از تشبیه به جسم و مخلوقات هست، امام صادق علیه السلام فرمود: ما هرگز روز قیامت هلاک و نابود نمی شویم (بعد از نفخه احیا)

نحن و الله وجهه الذی قال و لن یهلک یوم القیامه(۳)

۱- ۱. بحار الانوار ج۲۴ ص ۲۴۸
۲- ۲. بحار ج ۴۰ ص ۲۰۵ و ج۲۵ ص ۳۸۴ و ج۲۶ ص ۲۴۶
۳- ۳. بحار الانوار ج۲۴ ص ۲۰۰ ح ۳۰ بحار ج۴ ص ۵، بحار ج۲۴ ص ۱۹۳

نحن وجه الله الذی لایهلک(۱)

امام صادق فرمود: خداوند بزرگتر از این است که بگوئیم صورت دارد مقصود از وجه و صورت در این آیه و آیات مشابه این است که هر چیزی نابود می شود مگر دین خدا،

ان الله عزوجل اعظم من ان یوصف بالوجه و لکن معناه کل شیء هالك الا دینه، (۲)

دیگر فرمود: منظور از دین خدا، نبی اکرم و امیرمومنان علی هستند، آنان وجه او و چشم او و در میان بندگانش هستند... امام صادق فرمود: ما وجه خدا هستیم که باید از جانب ما به خدا نزدیک شد

و کان رسول الله و امیرالمومنین دین الله و وجه و عینه فی عباده ... و نحن الله الذی یوتی منه لن نزال فی عباده ... (۳)،

و وجهه الذی یوتی منه و بابه الذی یدل علیه،

یکی دیگر از فضائل بسیار درخشان و بی نظیر و بی مانند مولاـ علی که به سبب آن از تمام خلائق و پیامبران، غیر از رسول اسلام، افضل و بالاتر، نشان می دهد، آیه ۱۲ سوره مبارکه حاقه است، و تعیها اذن و اعیه، در تفسیر این آمده که روزی نبی اکرم به مولاـ علی فرمود: یا علی، خداوند به من امر کرده تا تو را نزدیک کنم و دور نگردانم و تو را بیاموزم و تو یادگیری و بر خدا واجب است که تو یادگیری یعنی به تو، توفیق عطاء کند تا حفظ کنی، پس از سخنان نبی اسلام، جبرئیل نازل شد و آیه مذکور، را بر پیامبر اسلام نازل کرد، خداوند در این آیه شریفه می فرماید، گوش علی ابن ابی طالب، گوش گیرا و ضبط کننده و شنوای اسرار الهی و اسرار نبوی است، و هیچ گوش و سمعی همانند مولا علی، در طول تاریخ بشریت و در میان پیامبران گذشته نبوده و نیست، که تمام اسرار علوم نبوی را حفظ کند و خداوند با او نجوا و مناجات خصوصی داشته باشد،

۱- ۱. توحید ـ شیخ صدوق باب ۱۲ ص ۲۰۹

۲- ۲. توحید صدوق باب ۱۲ ح۱ ص ۲۰۸، ؟؟؟

۳- ۳. توحید صدوق ص ۲۱۰ باب ۱۲ ح۷

سألت ربی ان یجعلها اذن علی(۱)

ان الله امرنی ان اعینـک ان ادینـک و لا اقصـیک و ان اعلمک و ان تعی و حق علی الله ان تعی قال و نزلت (فنزلت): وتعیها اذن واعیه، ... یـا علی ان الله امرنی ادنیـک و اعلمـک لتعی و انزلت هـذه الا ـیه و تعیهـا اذن و اعیه: فـانت اذن واعیه لعلمی، ... و فی شرح المواقف قوله تعالی (وتعیها اذن و اعیه ای حافظه، اکثر المفسرین علی انه علی علیه السلام ... در غزوه طائف نبی اکرم در گوش با مولا علی، صحبت طولانی نمود تا حدی که یکی از اصحاب گفت امروز چقدر با پسر عمویش علی، حرف می زند آنهم در گوشـی، نبی اکرم از اعتراض حرف این صـحابی آگاه شد فرمود: من با او نجوا نکردم در حقیقت، خداوند با او نجوا کرد

اما انی ما انتجیته ولکن الله انتجاه ــ (۲)

ما انا ناجیته ولکن الله ناجاه، ما انا انتجیته و لکن الله انتجاه،

از جمله فضائل بی نظیر مولا علی و ائمه هـدی این است که در قیامت با هم در یک مکان و با هم وارد بهشت می شونـد و در بهشت هم با هم می باشند

ان اول من یـدخل الجنه انـا و فاطمه و الحسن و الحسـین (۳)فی الجنه درجه تدعی الوسـیله، قالوا یا رسول الله من یسـکن معک فیها، قال: علی و فاطمه و الحسن و الحسین (۴)

مولا علی فرمود: منزل و کاشانه، رسول اکرم در بهشت عدن که در وسط بهشت ها قرار دارد می باشد و بهشت عدن بالاترین، درجات و طبقات بهشت است و نزدیک به عرش خداوند و در این بهشت عدن که بالاترین طبقه بهشت هست ۱۲ امام معصوم

۱- ۱. تفسیر ابن کثیر ج۴۸ ص ۴۴۱، تفسیر قرطبی، ج۱۸ ص ۲۶۴ تفسیر درالمنثور ج۶ص ۲۶۰، فرائد السمطین ج۱ ص ۱۹۹، سبل الهـدی و الرشاد ج۱۱ ص ۲۸۹، ینـابیع الموده ج۱ ص ۳۶۰ اسـباب النزول ص ۲۹۴، تاریـخ دمشق ج۴۲ ص ۳۶۱، جامع البیـان طبری ج ۲۹ ص ۶۹، کنزالعمـال ج۱۳ ص ۱۷۷، شواهـد التنزیل ج۲ ص ۳۷۷، تفسـیر کبیر رازی ج۸ ص ۲۸۲، تفسیر کشاف ج۴ ص ۴۸۱، المعیـار و الموازنه اسـکافی ص ۳۱۴، شـرح نهج البلاغه ج۱۸ ص ۳۷۵، کفـایه الطالب ص ۱۱۱، سمط النجوم ج۲ ص ۵۰۴، انساب الاشراف ص ۳۱۹، تفسیر روح المعانی ج۲۹ ص ۴۳، مناقب ابن مغازلی ص ۳۱۸، نورالابصار ص ۱۰۵، تفسیر ابن ابی حاتم ج۱۰ ص ۳۳۶۹، تفسیر ثعلبی ج۱۰ ص ۲۸

۲- ۲. مشکاه المصابیح ج۳ ص ۱۷۲۱، المعجم الکبیر ج۲ ص ۱۸۶، مناقب خوارزمی ح۱۵۵، مناقب ابن مغازلی ح۱۶۲، کفایه الطالب باب ۹۲، ینابیع الموده ج ۱ ص ۳۸۱ باب ۱۰، شرح نهج البلاغه ج۲ ص ۴۵۱، اسدالغابه ج۴ ص ۱۰۷، ذخائر العقبی ص ۸۹، الریاض النضره ج۲ ص ۲۶۵، البدایه و النهایه ابن کثیر ج۷ ص ۳۵۶، تاریخ بغداد ج۷ ص ۴۰۲

۳- ۳. مستدرک حاکم ج۳ ص ۱۶۴ ح ۴۷۲۳،

۴- ۴. تفسیر ابن کثیر ج۳ ص ۹۸، انی و ایاك و هذا الراقد فی مکان واحد یوم القیامه _ مسند احمد ج۱ ص ۲۱۷ح ۷۹۲

با نبی اسلام، هم مسکن و هم درجه می باشند که اولین از این دوازده امام من هستم و آخرین (یعنی دوازدهمین امام) هم حضرت مهدی است

ینزل محمد صلی الله علیه و آله و سلم فی جنه عدن و هی وسط الجنان و اعلاها و اقربها من عرش الرحمن ... قال علی: والذی یسکن معه فی الجنه هولا الائمه الاثنا عشر، اولهم انا و آخرنا القائم المهدی (۱)

یکی دیگر از آیات کریمه قرآن که اشاره به یکی دیگر از فضائل و برتری بی نظیر مولاـ علی و ائمه طاهرین بر انبیا و خلائق دارد، آیه ۱۸۰ سوره اعراف است، ولله الاسما الحسنی فادعوه بها، برای خداوند، نام های نیکو است، خداوند را به آن نام ها بخوانید، امام صادق علیه السلام در تفسیر و تشریح این آیه شریفه فرمود: بخدا قسم، ما آن اسماء حسنای الهی هستیم، که بدون معرفت ما، عبادت هیچ کس، پذیرفته نمی شود، بنابراین خدا را با اسمای حسنایش بخوانید

نحن والله، الاسماء الحسنی الذی لایقبل من احد طاعه الا بمعرفتنا قال: فادعوه بها،(۲)

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: هر گاه دچار گرفتاری و ناراحتی زیاد شدید، با واسطه قرار دادن ما، خدا را بخوانید چنانکه، خداوند در قرآن می فرماید: خدا را با نام های نیکویش بخوانید

اذا نزلت بکم شدید، فاستعینوا بنا علی الله عزوجل و هو قوله: ولله الاسماء فادعوه بها؛

مولا علی فرمود: من نام نیکوی خداوند هستم که امر فرموده مرا با آن نام های نیکو بخوانید:

انا الاسماء الحسنی التی امران یدعی بها، _انا الاسماء الحسنی و الکلمات العلیا _(۳)،

ممکن است وهابی ها بگویند خداوند متعال در سوره حشر آیه ۲۲ الی ۲۴ اسماء و

۱- ۱. ینابیع الموده، خواجه قندوزی حنفی ج۳ ص ۲۸۶ ح۳، گروه رستگاران (فرقه ناجیه)، آیه الله سید محمد سلطان الواعظین شیرازی ج۲ ص ۱۶۶۴ پرتوی از امامت در قرآن و سنت (نوشته مداح ابن مالک) ص ۹۹ حدیقه الشیعه، مقدس اردبیلی ص ۴۸۲،

۲- ۲. تفسیر عیاشی ج۲ ص ۴۲ ح ۱۱۹،

۳- ۳. مشارق الانوار الیقین، حافظ رجب برسی حلی ص ۵۰۷ و ص ۵۴۶، بحار الانوار ج۳۹ ح ۲۰

نـام های نیکوی خود را ذکر کرده که مختص به ذات اوست، یا در آیه ۱۱۰ سوره اسـراء می فرماید: بگو خدا (الله) را بخوانید یا رحمن را هر کـدام را بخوانیـد برای اوست اسم ها و نام های نیکو، پس طبق این تفسـیر شـما شـیعیان ۱۲ امـامی در ذیل آیه ۱۸۰ سوره اعراف، مشـرک و کافر هستیـد، چون چهارده معصوم را خـدا و جزء اسـماء الحسـنی قلمـداد کرده ایـد؟!! قابل ذکر است، یعنی چهـارده معصوم آیت الله و نشـانه قـدرت خـدا و علامـت دین خـدا هسـتند، و در روایت گذشـته خصوصاً در توبه حضـرت آدم و توسل انبیاء الهی همانند نوح، ابراهیم، موسی، ... اشاره شد، که متوسل به اهل بیت و چهارده معصوم می شدند چون آنها کلمات الله و اسما حسنی الهی هستند، یعنی نشانه دین خدا هستند (۱)

نحن الاسم المخزون المکنون، نحن الاسـماء الحسـنی التی اذا سـئل الله عزوجل بها اجاب، نحن الاسماء المکتوبه علی العرش ـ (۲)ـ واشـتق لکل واحد منهم اسـماء من اسـمائه المنزله فهو الحمید و سمانی محمدا و هو الاعلی وسمی امیرالمومنین علیا، و له الاسماء الحسنی ...

نبی اکرم به جابر فرمود: هر گاه اراده کردی خدا را بخوانی و تو را اجابت کند اسـما علی و فاطمه و حسن و حسـین را بخوان زیرا، نام و اسما آنها، نزد خدا، بهترین نام ها و اسماء نیکو هست ـ

یا جابر اذا، اردت ان تدعوالله، فیستجیب لک فادعه باسمائهم فانها احب الاسماء الی الله عزوجل(۳)

به همین مقـدار، در باب آیات و روایات کلیـدی در موضوع دلیل افضـلیت و برتری حضـرات چهارده معصوم علیهم السـلام بر پیامبران بسنده و اکتفاء می کنم و مطالب آخر کتاب را، اختصاص می دهم به پاسخ شبهاتی که جناب وهابی اموی مسلک در باب بعضی از فضائل مولا علی، که برایش قرائت کردم و با مغلطه عبث و واهی آنرا، رد کرد، اولاً

۱- ۱. بهشت جاودان (تفسیر سوره الرحمن) آیت الله دستغیب شیرازی ص ۳۶۷ ـ الاختصاص شیخ مفید ص ۲۲۳، تفسیر جامع ج۲ ص ۴۸۹، تفسیر المیزان ج۸ ص ۴۴۷ اصول کافی ج۱ ص ۱۴۳، بحارالانوار ج۹۴ ص ۶

۲- ۲. بحار الانوار ج۲۷ ص ۳۸، بحار ج۳۷ ص ۶۳

۳- ۳. البحار مجلسی ج۶ ص ۷۸۴ و ج۹۴ ص ۲۱ ح ۱۶ و ج۳۷ ص ۷۷، تفسیر البرهان ج۲ ص ۵۲، تفسیر صافی ج۱ ص ۶۲۸

بـدانیم که رسول اکرم فرمود: ای علی، خداوند متعال را نشـناخت به جز من و تو، و ای علی، کسـی مقام والای تو را نشـناخت آنگونه که حق شناخت توست، جز خداوند متعال و من

یـا علی ماعرف الله حق معرفته غیری و غیرک و ما عرفک حق معرفتک غیر الله و غیری _ (۱)یا علی لایعرف الله تعالی الا انا و انت و لا یعرفنی الا الله و انت و لا یعرفک الا الله و انا، (۲)_ ما عرفک یا علی حق معرفتک الا الله و انا(۳)

حال پاسخ دهم بلطف حق تعالی به شـبهاتی که وهابیون ناصبی علیه بعضـی از فضائل بی نظیر، مولا علی و حضرات ائمه هدی که برای آنان قرائت کردم، از جمله فضائل و خصائص بی نظیر، مولا علی علیه السلام ، که برای وهابیون رسانه ای خواندم و با تمسـخر آنرا رد کردند تفسیر آیه ۱۰۹، سوره کهف بود، قل لو کان البحر مـداداً لکلمات ربی لنفـذ البحر قبل ان تنفـذ کلمات ربی و لو جئنـا بمثله مـددا، بگو، اگر دریـا برای نوشـتن کلمـات پروردگـارم، مرکب شود، پیش از آنکه، کلمـات پروردگارم، پایان پذیرد، فقط دریا، پایان می یابد، هر چند نظیرش را به مدد آن بیاوریم، در اخبار شـیعه و سنی از ائمه هدی و رسول اکرم روایت شده، منظور از کلمات خدا، چهارده معصوم علیهم السـلام هستند، امام صادق علیه السلام فرمود: ما کلمات خدا هستیم که پایان نمی پذیرند و فضیلت های، ما درک نمی شوند،

نحن کلمات الله التی لاتنفذ و لا تدرک فضائلنا (۴)

ابن عباس از نبی اکرم نقل فرموده که ایشان خطاب به علی علیه السـلام فرمود: اگر درختان عالم تبـدیل به قلم و مـداد شونـد، دریاها، تبـدیل به مرکب گردند، جن و انس کاتب و نویسـنده شوند، نمی توانند تمام فضائل و مناقب، تو را، احصا و شـمارش کنند لو ان

۱- ۱. مناقب ابن شهر آشوب ج۳ ص ۶۰، روضه المتقین، مجلسی (محمد تقی) ج۱۳ ص ۲۷۳_

۲- ۲. ارشاد القلوب مرحوم دیلمی ج۲ ص ۱۰

۳- ۳. بحار الانوار ج۳۹ ص ۸۴،

۴- ۴. تحـف العقول ج۱ ص ۴۷۹، الاختصاص ص ۹۴، احتجاج ج۲ ص ۴۹۹، المناقب ابن شـهر آشوب ج۴ ص ۴۰۴، تاویل الایات الظاهره ج۱ ص ۴۴۰، بحار الانوار ج۲۴ ص ۱۷۴ ح۱، اهل بیت در قرآن و حدیث ص ۴۰۲ ح ۴۱۷ فصل دوم (ویژگی جامع ایشان) محمدی ری شهری، بحار الانوار ج۴ ص ۱۵۱ ح۳ و ج۱۰ ص ۳۸۹ و ج۲۴ ص ۱۷۴ و ج۵۰ ص ۱۶۶

الشجر اقلام و البحور مداد و الانس و الجن کتاب و حساب ما احصوا فضائل امیرالمومنین علی (۱)

لو ان البحر مداد و الغیاض اقلام والانس کتاب و الجن حساب ما احصوا فضائلک یا اباالحسن(۲) _ عن عمربن الخطاب، لو ان البحر مـداد و الریـاض اقلام والانس کتاب و الجن حساب ما احصوا فضائلک یا ابالحسن، (۳)ولو کانت البحار مدادا، والاشجار اقلاما و السموات صحافا و الانس و الجن کتابا، لنفذ المداد و قلت الصحف و کلت الاقلام، لم یکتبوا عشر معاشر فضائل علی ابن ابی طالب،

نبی اکرم در حدیث جالب دیگر فرمود: اگر دریا ها، مرکب شوند ودرختان مداد گردند و آسمانها کاغذ شوند و جن و انس شمارش نمایند تمام آنها تمام می شود ولی نمی تواند یک دهم، فضائل تو را، ای علی شمارش نمایند (۴)

لو ان الغیاض اقلام و البحر مداد و الجن حُساب و الانس کُتاب، ما احصوا فضائل علی ابن ابی طالب (۵)

عمر ابن الخطاب می گوید: هیچ کس همانند علی بن ابی طالب فضائل کسب نکرده _ مااکتسب مکتسب مثل فضل علی، (۶)نبی اکرم فرمود: خداوند برای برادرم، علی فضائلی قرار داده که قابل شمارش و اندازه گیری نمی باشد

ان الله جعل لاخی، علی، فضائل لاتحصی (۷)

ابن عساکر در تاریخ دمشق ج۴۲ ص ۱۴ می نویسد: فضائل علی ابن ابی طالب، آنقدر زیاد و فراوان است که قابل شمارش و اندازه گیری نیست

و فضائله اکثر من ان تحصی، (۸)

ص:۳۲۵

۱- ۱. تذکره الخواص سبط بن جوزی حنفی ص ۱۳ باب ۲، مناقب اخطب خوارزمی حنفی ص ۳۲
۲- ۲. ، ینابیع الموده قندوزی حنفی ج۱ ص ۳۶۴ ح ۵ موده القربی، میرسید علی همدانی شافعی موده ۵
۳- ۳. کفایه الطالب، گنجی شافعی ص۲۵۱ باب ۶۲،
۴- ۴. اثنا عشر ج ۸ ص ۱۳۱، غایه المرام ج۵ ص ۱۴۹
۵- ۵. کفایه الطالب ح۱۹۱ ص ۳۹۰ باب ۶۲؛ فضال الخمسه ج۱ ص ۱۶۷؛
۶- ۶. ریاض النضره، (طبری ج۲ ص ۲۱۴)
۷- ۷. میزان الاعتدال ذهبی ج۳ ص ۴۶۷، لسان المیزان ابن حجر ج۵ ص ۶۲ مناقب خوارزمی ج۱ ص ۳۲ ح۲، ینابیع الموده قندوزی ج۱ ص ۳۶۴، تذکره الخواص باب ۲ ص ۲۳
۸- ۸. تاریخ بغداد ج۱ ص ۱۴۳

خطیب بغدادی می نویسد: مناقب علی مشهور و معروف می باشد که بخواهیم یادآوری کنیم و فضائلش قابل شمارش و نوشتن از زیادی و کثرت نیست از بس فضیلت زیاد دارد که نمی توان گفت و نوشت _ ومناقبه اشهر من ان تذکر و فضائله اکثر من ان تحصر، عایشه، همسر نبی اسلام می گوید: کثرت و زیادی فضائل علی ابن ابی طالب، قابل شمارش و قابل حساب و اندازه دقیق نیست

ما احدثک و هی اکثر من ان تحصی،(۱)

آنچه از تفاسیر شیعه و برخی از منابع روایی اهل سنت بر می آید منظور، کلمه و کلمات در قرآن کریم، اسامی و نام ائمه هدی، ولایت و امامت، ایمان بخدا، توحید و کلمه طیبه لا اله الا الله، خمسه طیبه (۵ تن آل عباء) فضائل و علم ائمه هدی، فضائل مولا علی، تقدیرات الهی و عمل صالح می باشد برای اطلاع بیشتر، عزیزان خواننده به کتاب شریف حیاه القلوب مرحوم علامه مجلسی (کتاب سوم، تاریخ ائمه اطهار) فصل ۳۶ ص ۱۶۷۷، مراجعه فرمائید، ممکن است، وهابی ها بگویند نمی شود که چهارده معصوم، کلمه الله باشند، ما می گوئیم، خداوند، انسان کاملی همانند حضرت عیسی علیه السلام را در قرآن، کلمه الله، خوانده، پس اهل بیت (۱۴ معصوم) چون مقامشان بالاتر از عیسی است حتماً کلمه الله هستند آن هم کلمه اللهی که خداوند در آیه آخر، سوره کهف، از آنان تمجید و تعریف کرده است

{انما المسیح عیسی بن مردیم، رسول الله و کلمته} _ سوره نساء آیه ۱۷۱، سوره آل عمران آیه ۴۵ _{ ان الله یبشرك بکلمه منه اسمه المسیح، }

منظور، کلمات الله در آیه ۱۰۹ سوره کهف، علم خدا نیست چون علم خداوند، محدود نیست، قرآن هم نیست، چون قرآن در چند صحفه جا شده تفاسیر قرآن هم نیست چون در چند صدهزار صفحه جا شده، اگر فرضاً حقائق و مکنونات قرآن باشد، باز در سینه و لوح دل، امام معصوم من عندالله می باشد _{و کل شی احصیناه فی امام مبین }(سوره یس آیه ۱۲) _ (سوره عنکبوت آیه ۴۹،{بل هو ایات بینات فی صدور الذین اوتوالعلم،} سوره رعد آیه ۴۳، وعنده علم الکتاب، در منابع روایی اهل

۱- ۱. زین الفتی ج۲ ص ۲۷۴، شواهد التنزیل حسکانی ج۱ ص ۳۱، فرائد السمطین، ج۱ ص ۳۶۴، کنزالفوائد ص ۱۲۹،

سنت و شیعه، اشاره شد، که مولا علی، کلمه الله است، یعنی کلمه ای است (یعنی انسان کامل و امامی معصوم) که متقین ملزم به آن شده اند که مطیع او باشند

و هو الکلمه التی الزمته المتقیمن (۱)

والزمهم کلمه التقوی قال: هی ولایه امیرالمومنین (۲)

قال علی: ... اناالعروه الوثقی و کلمه التقوی (۳)، ابوطفیل گفت: بعضی از صحابه پیامبر می گفتند: برای علی ابن ابی طالب، فضائل و سوابقی بود که اگر یکی از آنها را میان مردم تقسیم می کردند از لحاظ خیر، همه آنها را فرا می گرفت

لقد کان لعلی بن ابی طالب من السوابق مالو ان سابقه منها قسمت بین الخلائق لا وسعتهم خیرا،

ابن عباس گفت: برای علی ابن ابی طالب، سابقه هایی بود که اگر یکی از آنها میان خلائق تقسیم می شد همه آنها را فرا می گرفت

لقد سبقت لعلی من السوابق مالو ان واحده منها قسمت بین جمیع الخلائق لا وسعتهم خیرا_ (۴)، لقد سبق لعلی بن ابی طالب من المناقب مالوان واحده منها قسمت بین الخلق وسعتهم خیرا (۵)

جناب وهابی این آیه ۱۰۹ سوره کهف و تفاسیر در ذیلش هیچ جای تعجبی ندارد چون مولا علی، خودش و زندگی اش را بطور کامل در راه خداوندف وقف کرده، خداوند به او، فضال و ثواب سرشار و عظیم عنایت می کند، خداوند در قرآن آیه ۳۷ سوره آل عمران می فرماید: ان الله یرزق من یشاء بغیر حساب، خداوند به هر کس بخواهد، روزی بی اندازه و بی حساب می دهد و روزی خداوند، محدود به نعمت های مادی تنها نمی شود؛ در آیه ۱۰ سوره زمر می فرماید:

ص:۳۲۷

۱- ۱. المناقب اخطب خوارزمی حنفی، فرائد السمطین ج۱ ص ۲۴۴، ینابیع الموده ج۱ ص ۲۳۴ و ج ۱ ص ۴۰۱ و ج۱ ص ۲۳۸ و ج۲ ص ۴۸۵، حلیه الاولیاء ابونعیم ج۱ ص ۶۷، تاریخ مدینه دمشق ج۴۲ ص ۲۹۱ و ج۴۲ ص ۲۷۰، بحار الانوار ج ۴۰ ص ۴۹ و ج ۳۶ ص ۵۶ و ج۲۴ ص ۱۸۱

۲- ۲. بحار ج۳۶ ص ۵۵

۳- ۳. بحار الانوار ج۳۹ ص ۲۳۵، مناقب ابن مغازلی شافعی ج۱ ص ۹۶مناقب ابن مردویه ج۱ ص ۱۸۵، ارجح المطالب ص ۲۹

۴- ۴. شواهد التنزیل حاکم حسکانی حنفی ح۱۰ و ح۱۱ ص ۱۵

۵- ۵. تاریخ دمشق ج۳ ص ۸۲ شواهد التنزیل ص ۱۴ ح۶

انما یوفی الصابرون اجرهم بغیر حساب

، خداوند به اهل صبر، بی اندازه، اجر و ثواب می دهد، و مولا علی در تمام ابعاد زندگی مقدسش، صبر در راه خدا داشته است خداوند در سوره نحل آیه ۱۸ می فرماید: وان تعدوا نعمت الله لاتحصوها، چنانچه بخواهید، نعمت های خدا را شمارش کنید، نمی توانید و نعمت معنوی و حقیقی خداوند، نعمت ولایت و امامت ائمه هدی است که در تفاسیر شیعه و سنی و آیات کریمه قرآن، ذکر شده، امام صادق علیه السلام در روایتی فرمود: بخدا قسم، نعمت خدا، که بوسیله آن بندگانش را مورد لطف خود قرار داده مائیم نحن والله نعمه الله التی انعم بها علی عباده (۱)

مولا علی در خطبه ای فرمود: آن نعمتی که خداوند بر بندگان خود، ارزانی داشته ماییم، _ نحنه النعمه التی انعم الله بها علی عباده _ (۲)امام صادق در ذیل تفسیر آیه ۸ سوره تکاثر فرمود: نعمت ها ما هستیم که فردای قیامت، خداوند از شما درباره آن سوال و مواخذه می کند

عن جعفر بن محمد فی قوله تعالی: لتسألن یومئذ عن النعیم قال: نحن النعیم (۳)

عن ابی حفص الصائغ عمر بن راشد عن جعفر بن محمد فی قوله عزوجل: ثم لتسئلن یومئذ عن النعیم، قال: عن ولایه علی ابن ابی طالب (۴)، ما نزل من القرآن فی علی، ابونعیم اصفهانی (۵)

نبی اکرم فرمود: فردای قیامت بنده ای قدم از قدم بر نمی دارد تا اینکه ۴ سوال از ۴ نعمت از او بشود، اول، عمرت را در چه راهی فنا کردی، دوم: جوانی ات را در چه چیزی فرسوده کردی سوم: مالت را از کجا بدست آوردی و در کدام راه خرج کردی و چهارم: از دوستی و محبت ما، اهل بیت از شما سوال می شود

۱- ۱. تفسیر صافی ج۳ ص ۱۴۹

۲- ۲. الکافی ج۱ ص ۲۱۷،

۳- ۳. شواهد التنزیل حاکم حسکانی حنفی ص ۳۹۹ ح ۱۱۵۰

۴- ۴. ینابیع الموده قندوزی ج۱ ص ۳۳۲ ح ۶ باب ۳۷

۵- ۵. با استفاده از النور المشتعل ص ۲۸۵ ح۷۹، عیون الاخبار الرضا ج۲ باب ۳۵، تفسیر البرهان ج۸ ص ۳۷۵، تفسیر نورالثقلین ج۸ ص ۳۰۷ _ ولکن النعیم حبنا اهل البیت و موالاتنا یسأل الله عباده عنه بعد التوحید و النبوه، امالی طوسی ص ۲۷۲ مناقب آل ابی طالب ج۴ ص ۳۰۸، تاویل الایات الظاهره ج۲ ص ۵۸۱، حیاه القلوب مجلسی ج۲ ص ۱۶۲۷

اذا کان یوم القیامه لم تزل قدما عبد حتی یسال عن اربع ... و عن حبنا اهل البیت (۱)

ـ والذی نفسی بیده لایزول قدم عبدعن قدم عبدعن قدم یوم القیامه حتی یسأل الله، عن عمره فیما افناه ... و عن حبنا اهل البیت(۲)

در حدیث است که بعد از خداوند بزرگتر و بالاتر از قرآن، در عالم موجودی نیست و سوره حمد مطابق با کل قرآن است و این سوره مخصوص اهل بیت رسالت است در آنجا که می فرماید: خدایا ما را به راه مستقیم هدایت کن، صراط مستقیم، صراط محمد و آل محمد است و صراط کسانی که به آنان نعمت داده شد که منظور، نعمت عظیم خداوند است و آن هم نعمت محبت و امامت ائمه هدی است. ج۱ ص ۱۳۷ احتجاج طبرسی

معاشر الناس: انا صراط الله المستقیم الذی امرکم باتباعه ثم علی من بعدی ثم ولدی من صلبه ائمه یهدون بالحق ... ثم قرء الحمدلله رب العالمین الی آخر ما و قال: فی نزلت و فیهم نزلت ـ

خلاصه، جناب وهابی اموی مسلک، تفسیر آیه ۱۰۹ سوره کهف و تفاسیر مربوطه ذیل آن، هیچ جای شگفتی برای تو نباید داشته باشد، چون ائمه هدی، نعمت الله هستند آن هم نعمتی که نمی توان آنرا حساب و اندازه گیری کرد که به آیه ۱۸ سوره نحل در این مورد اشاره شد، در ضمن یک روایتی اهل سنت در مورد مناقب، خلیفه دوم، عمر ابن الخطاب نقل کرده اند که شما جناب وهابی اگر ایراد و اشکال می خواهی بگیری به فضائل مولا علی به این روایت که در باب فضیلت خلیفه دوم، عمر ابن الخطاب هم آمده باید، ایراد وارد کنی؟!! اهل سنت از عمار یاسر نقل کرده اند و ایشان از نبی اسلام نقل فرموده که فرمود: جبرئیل بر من نازل شد و گفت: ای رسول خدا، اگر کسی به اندازه مکث و تبلیغ حضرت نوح در میان قومش، فضائل و مناقب عمر ابن الخطاب را بگوید، باز فضائل عمر ابن الخطاب به اتمام نمی رسد و عمر ابن الخطاب، حسنه ای از حسنات ابوبکر است

ص:۳۲۹

---

۱ - ۱. معجم الکبیر طبرانی ج۱۱ ص ۸۳ ح ۱۱۱۷۷، مجمع الزوائد ج۱۰ ص ۳۴۶ فرائد السمطین ج۲ ص ۳۰۱، مناقب ابن مغازلی ح ۱۵۷ مناقب خوارزمی ح ۵۹ ـ کفایأ الطالب ص ۳۲۴ باب ۹۱، جواهر العقدین ج۲ ص ۲۴۶، سنن الترمذی ج۴ ص ۴۶ ح ۲۵۳۲،

۲ - ۲. ینابیع الموده ج۲ باب ۳۷ ص ۱۹۴ الی ص ۲۱۱،

یا محمد لو حدثتک بفضائل عُمر منذما لبث نوح فی قومه، الف سنه الاخمسین عاماً ما نفدت فضائل عمر و ان عمر لحسنه من حسنات ابی بکر (۱)

ــ یکی از فضائل بی نظیر، مولا علی علیه السلام که خواندم برای جناب وهابی و شبهاتی علیه آنرا مطرح کرد، آیه شراء (آیه ۲۰۷) سوره مبارکه بقره است، اما شبهات جناب وهابی درباره این آیه شریفه که در فضیلت بی سابقه و بی نظیر مولا علی نازل شده است، اول: معلوم و ثابت نیست این آیه درباره علی ابن ابی طالب نازل شده باشد، اما جواب: بعضی از علمای منصف و شهیر و موثق اهل سنت، اعتقاد دارند آیه ۲۰۷ سوره بقره درباره مولا علی نازل شده است (۲)

ص: ۳۳۰

۱- ۱. اخرجه ابویعلی و الطبرانی فی الکبیر و الاوسط، مسند ابی یعلی موصلی ح ۱۵۹۲، مسند الرویانی ح۱۳۴۸، مطالب العالیه ابن حجرح۴۰۱۸؛ المقصد العلی فی زوائد ابی یعلی ح ۱۱۶۳، معجم الاوسط طبرانی ح۱۵۹۹، جزء ابن عرفه ح۳۳، الفوائد الشهیر، ابی بکر شافعی ح۱۱۵، احادیث ابی محمد عبدالخالق بن احمد ح۶، مجلس یوم الجمعه ح ۱۱، امالی ابن منده ح ۱۸، الشریعه للاجری ح ۱۳۸۷، شرح مذاهب اهل السنه لابن شاهین ح ۱۳۱، مسیر السلف الصالحین، بن محمد الاصبهانی ح ۲۳، تاریخ دمشق ح ۲۹۸۷۶، فضال الصحابه احمد حنبل ح ۵۶۸، فضائل الخلفاء الراشدین ابی نعیم ح ۷۰، و .... (بنقل از سایت اسلام ویب وهابی ها)

۲- ۲. طبرانی در معجم الاوسط ج۳ ص ۳۸۹ ح ۲۸۳۶، طبرانی در معجم الکبیر ج۱۱ ص ۳۲۲، ابن اثیر در اسدالغابه ج ۴ ص ۲۵، ابن صباغ مالکی در فصول المهمه ج۱ ص ۲۹۳، ثعلبی در الکشف والبیان ج۲ ص ۱۲۵، نظام الدین نیشابوری در غرائب القرآن ج۲ ص ۲۹۱، فخر رازی در التفسیر الکبیر ج۵ ص ۲۰۴، سیوطی در الدرالمنثور ج۳ ص ۳۲۷ مناقب خوارزمی ص ۱۲۷ ح ۱۴۱، حموینی در فرائد السمطین ج۱، ۳۳۰ گنجی در کفایه باب ۶۲ ص ۲۳۹، مسند احمد حنبل ج۱ ص ۳۴۸، تاریخ طبری ج۲ ص ۱۰۰، سیره ابن هشام ج۲ ص ۱۲۶، غزالی در احیاء العلوم ج۳ ص ۳۷۹، ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه ج۱۳ ص ۲۶۲، تذکره الخواص ابن جوزی ص ۴۱ مستدرک حاکم ج ۳ ص ۵ ح ۴۲۶۳، شواهد التنزیل ج۱ ص ۱۲۳، فتح الباری ابن حجر ج۷ ص ۲۳۶، المصنف صنعانی ح ۹۷۴۳، تاریخ بغداد ج۱ ص ۱۹۱، تفسیر ابن کثیر ج۲ ص ۲۶۳، البدایه و النهایه ج ۳ ص ۴۲۱ فتح القدیر شوکانی ج ۲ ص ۳۰۴، تاریخ دمشق ج۴۲ ص ۶۷، نور الابصار ص ۱۷۵، اخبار البشرابی الفداء ج۱ ص ۱۲۶؛ کشاف زمخشری ج۲ ص ۲۰۸، معالم التنزیل بغوی ج۲ ص ۲۴۴، تفسیر قرطبی ج۳ ص ۲۱. جواهر المطالب دمشقی ج ۱ ص ۲۱۷، ینابیع الموده ج۱ ص ۲۷۳، خصاص نسایی ح ۲۳ ص ۶۱، مسندابی داود طیالسی ص ۳۶۰، بلاذری در ح ۴۱ از ترجمه امیرالمومنین، تفسیر طبری ج۲ ص ۱۴۱، مواهب قسطلانی ص ۳۷۷، مخفی نماند؛ بعضی از مفسران و محدثان نامی اهل سنت؛ قضیه خوابیدن مولا علی در بستر نبی اکرم در شب هجرت ایشان از مکه به مدینه، در ذیل آیه ۳۰ سوره مبارکه انفال، نیز نقل کرده اند ــ تفسیر قرطبی ذیل آیه ۳۰ سوره انفال، ابن کثیر در تفسیرش ج۴ ص ۴۴، تفسیر طبری ج۱۳ ص ۴۹۷ و ص ۴۹۸ ح ۱۵۹۶۷ و ۱۵۹۶۸ تفیر بغوی ج۳ ص ۳۵۰، تفسیر فخر رازی ذیل آیه ۳۰ سوره انفال ص ۱۲۵، فتح القدیر شوکانی ذیل آیه ۳۰ سوره انفال ص ۵۳۶، تفسیر آلوسی ج۹ ص ۱۹۸، تفسیر در المنثور سیوطی ج۹ ص ۹۵ الی ص ۱۰۲، تفسیر کشاف ج۲ ص ۵۷۶، تفسیر بیضاوی ذیل آیه ۳۰ سوره انفال، تفیسر نسفی ج۱ ش ۳۰ ص ۶۴۱ و ص ۶۴۲، تفسیر ابن عطیه اندلسی ج۴

ص ۱۷۲، تفسیر ابی السعود ج۴ ص ۱۹، تفسیر زادالمسیر، ابوالفرج جوزی ج۳ ص ۳۴۷، تفسیر قاسمی ص ۲۹۸۲ و ص ۲۹۸۳
به نقل از سایت اسلام ویب (متعلق به وهابیت)

و قـد روی المفسـرون کلهم ان قول الله تعـالی: و من النـاس من یشـری نفسه ابتغـا مرضـات الله، انزلت فی علی علیه السـلام لیله المـبیت علی الفراش؛ .... عن ابن عبـاس قـال: بـات علی لیله خرج رسـول الله الی المشـرکین علی فراشه لیعمی علی قریش و فیه نزلت هـذه الایه و من الناس من یشـری نفسه ابتغاء مرضات الله؛ ... وقیل نزلت فی علی علیه السـلام حین ترکه النبی علی فراشـه لیله خرج الی الغـار...؛ قـال ابن عبـاس: نزلت فی علی ابن ابی طالب حین هرب النبی من المشـرکین الی الغار... و نام علی، علی فراش النبی،

امـا شـبهات دیگر این وهابی ناصبی درباره آیه ۲۰۷ سوره بقره که در شـان مولا علی نازل شـده است، این آیه فضـیلت علی را ثابت نمی کند خصوصاً بر پیامبران بغیر از رسول اسـلام، علی می دانست چون کشـته نمی شود جای پیامبر خوابید به این علت که خداونـد و پیامبر به او ضـمانت قطعی کرده بودند که کشـته نمی شود و علی در حقیقت، خود را در بستر پیامبر، به مُردگی زد و نعوذ بالله نمایش بازی کرد، قبل از آنکه به شبهات و مغلطه های واهی این وهابی کور از حقائق قرآن، پاسخ دهم، توهین وهـابیت نـاصبی دربـاره قضـیه ی خوابیـدن مولا علی در بستر پیامبر اکرم، خـدمت موافق و مخالف، ارائه بـدهم که چگونه می خواهنـد عمـل و فضـیلت بی نظیر مولاـ علی را، خفیـف و بی ارزش، جلوه دهنـد، بـا اینکه خداونـد متعـال در آیه ۲۰۷ بقره از حضـرت، بـا عظمت و شـکوه، تجلیـل و تکریم نموده است، در چـاپ جلـد ۴ ص ۲۵ کتـاب اسـدالغابه ابن اثیر جزری، چـاپ چاپخـانه وهبیه مصـر، جمله بـات علی فراشه، (یعنی علی در رختخواب پیـامبر خوابیـد) به بـال علی فراشه!!! (یعنی علی در بستر پیـامبر بول و ادرار کرد، تعبیر داده انـد نعوذ بـالله، دسـتکاری و توهین قلمی نشـان از روح شـیطانی و نـاصبی وهـابیت مزدور و ملعون است خصوصاً در این مورد که ذکر شد.

اولاًـ ترجمه تحت لفظی آیه ۱۰۷ سوره بقره می فرمایـد: بعضـی از مردم، جـان خود را بخاطر خشـنودی و رضای خداونـد می فروشند، یعنی خود لفظ عربی و ترجمه فارسی، اشاره مبرهن و روشن دارد، که مولا علی فقط و فقط بخاطر جلب رضای

خداوند، جان خودش را به خطر انداخت و در طبق اخلاص برای فروش در راه محبت خدا و رسول قرار داد، از خود وجود مقدس امام علی علیه السلام نقل و روایت شده که به اصحاب اهل شو را در زمان عثمان فرمود: آیا در میان شما صحابه پیامبر اکرم، کسی هست که در رختخواب نبی اکرم، خوابیده باشد و با جانش و خون قلبش او را محافظت کرده باشد به غیر از من، اهل شورا گفتند: بغیر از تو کسی این کار را نکرده ــ حین اضطجعت علی فراشه و وقیته بنفسی و بذلت له مهجه دمی؟ قالوا: اللهم لا(۱)

اشعاری در مورد شب خوابیدن مولا علی در بستر نبی اسلام از زبان مبارک خودِ حضرت علی علیه السلام از منابع اهل سنت سروده شده که تقدیم محبان کوی ولایت حضرتش می شود، مولا علی در اشعارش راجع به قضیه خوابیدنش در شب هجرت پیامبر از مکه به مدینه فرمود: من با جانم از بهترین کسی که بر روی سنگ ریزه ها، گام نهاده، حفاظت کردم و کسی که به دور خانه خدا و حجر الاسود، طواف کرده است، رسول خدا ترسید که حیله ای بر او، وارد کنند، لذا، خدای بخشنده از حیله نجاتش داده، رسول خدا در غار با امن و امان شب را تا به صبح آرمید و در حفظ خدا و پناه او بود، من شب را تا به صبح بیدار بوده و منتظر بودم که چه وقتی مرا قطعه قطعه می کنند و لذا خودم را برای کشته شدن و اسیری آماده کردم بودم

وقیت بنفسی خیر من و طی الحصا... و بت اراعیهم متی ینشروننی و قد وطنت نفسی علی القتل و الاسر (۲)

امام زین العابدین می فرماید: اولین کسی که جان خود را در برابر خشنودی های خداوند، فروخت، علی ابن ابی طالب بود

ان اول من شری نفسه ابتغاء مرضاه الله، علی ابن ابی طالب ــ (۳)مولا علی به ابوبکر فرمود: ای ابوبکر تو را به خدا، قسم و سوگند می دهم، آیا هنگام خروج نبی اکرم از مکه به مدینه، آیا من جان فدای او شدم یا تو؟ ابوبکر گفت: البته شما

فانشدک بالله یا ابابکر ــ انا وقیت رسول الله بنفسی یوم الغار ام انت؟

۱- ۱. تاریخ مدینه دمشق ابن عساکر ج ۴۲ ص ۴۳۵، مناقب خوارزمی ص ۳۱۵،

۲- ۲. مستدرک حاکم نیشابوری ج۳ ص ۴ تذکره الخواص ابن جوزی ص ۳۵، شواهد التنزیل حاکم حسکانی حنفی ص ۵۶ ح ۱۴۱،

۳- ۳. شواهد التنزیل حسکانی ص ۵۶ ح ۱۴۰،مسترک حاکم ج ۳ ص ۵ ح ۴۲۶۳

قال: بل انت (۱)

نشدتکم بالله: هل فیکم احد اضطجع علی فراش رسول الله حین اراد ان یسیر الی المدینه و وقاه بنفسه من المشرکین اراد و قتله غیری؟ قالوا: لا _ (۲)

ابوسعید خدری روایت کرده که چون نبی اکرم، شبانه از مکه خارج شد و می خواست بسوی غار ثور، برود، علی ابن ابی طالب در بستر او خوابید، خداوند متعال به جبرئیل و میکائیل وحی کرد، همانا من شما دو نفر، را برادر هم قرار داده ام و عمر یکی از شما را از دیگری طولانی تر کرده ام، پس کدام یک از شما دیگری را به زنده بودن بر می گزیند؟ هر دو تای آنان، زندگی را انتخاب کردند و آنرا برای خود خواستند، پس خداوند به آنان وحی کرد که چرا شما همانند علی ابن ابیطالب نیستید، او را با پیامبر خودم محمد صلی الله علیه و آله ، برادر کردم، پس او در بستر، پیامبر اسلام، خوابید تا او را با جان خود، حفظ کند، شما به زمین نازل شوید و او را از دشمنش حفظ کنید، پس جبرئیل نزد، سر او و میکائیل نزد پاهای او قرار گرفتند و جبرئیل ندا می داد: آفرین به کسی مانند تو که خداوند با وجود تو به فرشتگان افتخار می کند.

فاوحی الله الی جبرئیل و میکائیل: انی قد آخیت بینکما و جعلت عمر احدکما اطول من الاخر فایکما یوثر صاحبه بالحیاه؟ فکلاهما اختارها واحبا الحیاه فاوحی الله الیهما افلا کنتما مثل علی ابن ابی طالب آخیت بینه و بین نبیی محمد؛ فبات علی فراشه یقیه بنفسه .... و جبرئیل ینادی: بخ بخ من مثلک یا ابن ابی طالب؛ الله عزوجل یباهی لک الملائکه.... (۳)

حسان بن ثابت از شعرای معاصر، رسول خدا، فداکاری و جانثاری بی نظیر، مولا علی در شب هجرت را، بصورت اشعار سروده، می گوید: چه کسی بود که در آن شب تاریخی (لیله المبیت) بر بستر پیامبر خوابید در حالی که پیامبر، اسیر چنگال دشمن، و در محاصره آنان بود و قصد غار ثور، را داشت

من کان بات علی فراش محمد... و محمد اسری یوم الغارا (۴)

ص:۳۳۳

۱- ۱. احتجاج طبرسی ج۱ ص ۲۶۴

۲- ۲. احتجاج طبرسی ج۱ ص ۲۹۲،

۳- ۳. تفسیر ثعلبی _ شواهد التنزیل حسکانی حنفی ح ۱۳۳، اسدالغابه ابن اثیر ج۴ ص ۲۵، تفسیر کبیر فخر رازی ج۵ ص ۲۰۴ _ احیاء العلوم، محمد غزالی ج۳ ص ۳۷۹؛ بحارالانوار ج۱۹ ص ۸۵

۴- ۴. الغدیر علامه امینی ج۲ ص ۴۷؛ امالی جرجانی ج ص ۱۸۲

پس طبق لفظ آیه و روایات مربوطه و اقرار مولا علی، ثابت و روشن شد، مولا علی جان شریف خودش را به خطر انداخته در راه خدا و جان مقدس خودش را نه به طمع بهشت و نه به ترس از عقاب الهی با خداوند فقط، معامله کرده و فروخته یکی از شبهاتی که وهابی های اموی علیه این آیه و فضیلت مولا علی، ارائه می دهند این است که خدا و رسول به او تضمین سلامتی داده بودند؟!! جواب: اگر خداوند و رسول به مولا علی وعده حتمی سلامتی صد در صد در این واقعه داده بودند دیگر تعریف و تمجید از ایثار و فداکاری او و نازل شدن آیه در شان والای او، معنا و مفهومی نداشته و ندارد؛ روایاتی آمده که آنحضرت اطلاع داشت که در این حادثه، صدمه ای به او نمی رسد و طبق این حدیث، پیامبر اکرم، سلامتی ایشان را تضمین فرمودند؛ این روایات مرسله است و سندی ندارد؛ مرحوم علامه امینی این حدیث را بصورت مرسل از تفسیر ثعلبی نقل کرده است و چون سندی ندارد نمی توان به آن اعتماد کرد و بر فرض هم که سند و راوی داشته باشد چون مخالف آیه ۲۰۷ سوره بقره و سایر تفاسیر معتبره و خلاف دلائل عقلی و نقلی است باطل می باشد؛ ابوجعفر اسکافی، استاد ابن ابی الحدید درباره این اشکال می نویسد: این سخن دروغی صریح است و درآنچه از پیامبر نقل شده، چنین مطلبی نیامده است این روایت از مجعولات شخصی بنام ابوبکر الاصم است (۱)، علوم ائمه هدی نسبت به غیب و آینده، علوم ارادی بوده است، یعنی هر چه را، اراده می کردند می دانستند و آنچه را اراده نمی کردند نمی دانستند و حضرت علی زمانی که می خواسته در بستر نبی اکرم بخواهد از علم غیب خود استفاده نکرده و علم غیب ائمه، استقلالی نسیت افاضه الهی است و اگر حضرت علی، از علم غیب خود استفاده کرده بود و خدا هم اجازه داده بود که از علم غیب خود بهره ببرد، نعوذ بالله عمل او، فاقد ارزش بود و ایثار و جانفشانی محسوب نمی شد، چون می دانست کشته و شهید نمی شود، واگر بر فرض مثال به قول شما جناب وهابی، حضرت علی، نعوذ بالله خودش را به مُردگی زده بود و در بستر پیامبر، باز هم شهامت و جرات فراوان می خواهد که هیچ گونه ترس و لرزی به او سرایت

۱- ۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج۱۳ ص ۲۶۳

نکند وقتی حس کند چهل شمشیر زن، سفاک عرب او را در کنار رختخواب محاصره کرده اند.

ابن عباس می گوید: علی ابن ابی طالب علیه السلام ، ۱۰ ویژگی و خصلت بی نظیر، دارد که احدی ندارد، اول اینکه نبی اکرم در روز فتح خیبر درباره او فرمود: فردا، پرچم اسلام را به کسی می دهم که خدا و رسول او را دوست دارند و او نیز خدا و رسول را دوست دارد و خداوند هیچ وقت او را خوار و ذلیل نمی سازد و بعد رسول اکرم فرمود: علی کجاست و پرچم اسلام را به او داد با اینکه چشم درد، داشت و با آب دهان مقدس نبی اکرم، شفاء پیدا کرد و تا آخر عمر به چشم درد مبتلا نشد و رفت و قلعه خیبر یهودیان را فتح کرد دوم: نبی اکرم جناب ابوبکر با سوره توبه فرستاد بسوی اهل مکه و سپس علی ابن ابی طالب را در عقب ابوبکر فرستاد وسوره توبه را از او گرفت و گفت: رسول اکرم فرموده این سوره را خودم یا فردی همانند خودم باید ابلاغ کند، سوم اینکه رسول اکرم، درباره علی ابن ابی طالب فرمود: علی در دنیا و آخرت ولی و جانشین من است، چهارم: علی اولین فرد، در میان مردان بود که به پیامبر، ایمان آورد و اظهار ایمان کرد، پنجم: آیه تطهیر بر پیامبر اسلام، نازل شد و ایشان عبای خود را بر علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام اجمعین انداختند و آیه تطهیر را قرائت کردند ششم: پیامبر درباره علی فرمود: منزلت علی نزد من همانند منزلت هارون نزد موسی است، هفتم: علی ابن ابی طالب ولی و سرپرست هر مرد و زن مومنی است، هشتم: نبی اکرم درب منازل تمام صحابه را به سوی مسجد خودش بست غیر باب خانه علی ابن ابی طالب، نهم: نبی اکرم فرمود: هر کس من مولای او هستم، علی مولا و سرپرست اوست و دهم: که محل شاهد بحث و موضوع ماست؛ علی ابن ابی طالب در شب هجرت نبی اکرم در بستر و رختخواب ایشان خوابید تا رسول اکرم از مکه به مدینه هجرت کنند، شبی که مولا علی در بستر نبی اکرم، خوابید مشرکین مکه، سنگ ها بسوی علی پرتاب می کردند و خیال می کردند که پیامبر در بستر خوابیده و مولا علی استقامت می کرد تا اینکه صبح شد؛ مولا علی را احاطه کردند و به مولا علی گفتند: صاحب تو (یعنی رسول اکرم) کجاست؟ و مولا علی فرمود: مگر به من او را سپرده بودید، جناب وهابی این حدیث شریف را، مستدرک علی الصحیحین حاکم

نیشابوری در ج ص ۴۳ ح ۴۶۵۲ نقل کرده و آنرا صحیح دانسته، حتی شمس الدین ذهبی، عالم علم رجالی اهل سنت آنرا تائید کرده، آیا این ۰ فضیلت بی نظیر در فرشتگان، اجنه، پیامبران غیر از رسول اسلام، وجود داشته یا نه؟! که جواب منفی است، پس طبق این حدیث صحیح السند، علی ابن ابی طالب بر تمام مخلوقات و پیامبران غیر از رسول اسلام، افضلیت و برتری تام دارد و جالب اینکه فضیلت خوابیدن مولا علی در بستر پیامبر در شب هجرت یکی از فضایل ۱۰ گانه اوست طبق نقل قول ابن عباس از مستدرک حاکم، رجل له بضع عشره فضائل لیست لاحده غیره.... قال ابن عباس:

و شری علی علیه السلام نفسه فلبس ثوب النبی ثم نام فی مکانه (۱)

اتفاقی علماء مسلمین است که احدی از بشر به فضیلت خوابیدن، علی علیه السلام در فراش پیامبر نرسیده است

قال علماء المسلمین ان فضیله علی علیه السلام تلک اللیله لانعلم احداً من البشر نال مثلها (۲)

جناب وهابی، هیچ مخلوقی و هیچ پیامبری این افتخار عظیم نصیبش نشد، در جای پیامبر اسلام بخوابد و جان شریف و عظیم اشرف رسل و مخلوقات را حفظ و صیانت کند جزء مولا علی و این فضیلت بی نظیر شامل مولا علی شد و این فضیلت یک دلیل از هزاران فضایل بی نظیر مولا علی و برتری او بر تمام پیامبران، غیر از رسول اسلام است؛ اجماعی علمای عرب است بر اینکه خوابیدن علی علیه السلام در شب هجرت در فراش نبی اکرم، افضل بود از بیرون رفتن او با آن حضرت، زیرا که خود را در جای آنحضرت قرار داد و زندگانی خود را فدای آنحضرت نمود و به این وسیله شجاعت خود را بین اقران ظاهر نمود

علماء العرب اجمعوا علی ان نوم علی علیه السلام علی فراش رسول الله، افضل من خروجه معه و ذلک انه و طن نفسه علی مفاداته لرسول الله و آثر حیاته و اظهر شجاعته بین اقرانه (۳)

۱- ۱. . . ... [التعلیق ــ من تلخیص الذهبی] ــ ۴۶۵۲ ــ صحیح ــ المکتبه الشامله

۲- ۲. شرح نهج البلاغه ابن الحدید ج۳۱ ص ۲۶۰

۳- ۳. کفایه الطالب ص ۲۴۰ باب ۶۲،

در ضمن در روایات آمده، وقتی که صبح شد، مشرکین مکه، بر سر بستر مولا علی آمدند وقتی دیدند که علی در جای پیامبر، خوابیده، متحیر و سرگردان شدند که علی را بکشند یا رها کنند؟ گفتند محمد کجاست، حضرت علی فرمود: مگر او را به من سپرده بودید که سراغش را از من می گیرید؟ ابوجهل لعین گفت: این جوان را رها کنید محمد او را فریب داده و برای حفظ جان خویش، او را در بستر خود، خوابانیده است!! مولاـ علی وقتی این توهین ابوجهل را شنید فرمود: ابوجهل آیا سادگی و خامی را به من نسبت می دهی؟ خداوند آنقدر به من عقل و خرد داده که اگر بین تمام احمق های عالم، تقسیم شود، همه آنها صاحب عقل و خرد می شوند و آنقدر خداوند بمن قوت و قدرت عطا کرده که اگر بین تمام ضعیفان عالم تقسیم شود، همگی نیرومند می شوند و آنقدر خداوند به من شجاعت داده که اگر بین ترسوهای جهان تقسیم شود همه از شجاعان خواهند شد (۱)ابوجعفر اسکافی، استاد ابن ابی الحدید می نویسد: حدیث خوابیدن علی در بستر پیامبر بطور تواتر، ثابت شده و قابل انکار نیست بنابراین جزء انسان دیوانه و مجنون یا کسی که با مسلمانان معاشرتی ندارد، هیچ کس چنین روایتی را انکار نمی کند

قد ثبت بالتواتر حدیث الفراش .... ولا یجحده الا مجنون او غیر مخالط لاهل المله....(۲)

برخی می گویند: از آنجا که امام علی از غیب مطلع بوده و می دانسته که از این واقع جان سالم به در می برد، لذا نمی توان آنرا فضیلت و منقبتی برای حضرت دانست؟!! پاسخ: اولاًـ این واقعه قبل از امامت حضرت علی، تحقق یافته، ثانیاً علم غیب پیامبر و امام، تعلیقی است، یعنی هر گاه که بخواهند از علم غیب مطلع شوند می دانند، نه این که همیشه قضایا نزد آنان حاضر باشد؛

ثالثاً: این اعتراض در حقیقت، اجتهاد در مقابض نص آیه ۲۰۷ سوره بقره است، زیرا آیه در مقام مدح است، پس در نتیجه این عمل، قطعاً فضیلت بوده و در خور

۱- ۱. بحار الانوار ج۱۹ ص ۸۳، آیات ولایت در قرآن آیه الله مکارم شیرازی ص ۲۸۸،

۲- ۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج۱۳ ص ۲۶۱، آیات ولایت در قرآن (آیه الله مکارم شیرازی ص ۲۷۴)

ستایش است، (۱)

شیخ محمد حسن مظفر می گوید: و اما دلالت آیه بر امامت مولا علی به این جهت است که نزول آیه در مورد با حضرت کاشف از افضیلت او و امتیاز او در معرفت و اخلاص دارد؛ زیرا چه بسیار از مسلمانان که جان خود را در جهاد ها، بذل کردند و رسول خدا را حفظ کرده، نشر دعوت او نمودند ولی به مقامی که مولا علی به آن نایل شد، نرسیدند، که آن شهادت خداوند بر عمل با اخلاص و با نیت پاک او بود.

او تنها کسی بود که در نهایت اخلاص و تنها به جهت جلب رضای الهی، جان خود را در طبق اخلاص قرار داد، تا جایی که خداوند به عمل او بر بزرگان از ملائکه مباهات کرده و عقد اخوت بین او و پیامبر بست و جمله من مثلک که جبرئیل به حضرت علی گفت: دلالت دارد بر این که عمل او هیچ نظیری در بین مردم نداشته و نخواهد داشت و می دانیم که افضل افراد، لیاقت امامت را دارد_ (۲)، عبدالکریم خطیب از رجال مصر می نویسد: این کاری که در شب هجرت، پیامبر از طرف علی انجام گرفت، هر گاه با تامل و دقت در آن نظر شود به انسان این مطلب را گوشزد می کند که این تدبیری که در آن شب، اندیشیده شد، امری عارضی و اتفاقی برای علی نبوده است، بلکه از روی حکمتی انجام گرفته و آثار و پیامدهایی نیز داشته است، زیرا، برای ما جای سوال باقی می گذارد که از خود بپرسیم آیا این توجه خاص پیامبر به علی که در آن شب هجرت او را بجای خود قرار می دهد، اشاره به این نکته ندارد که بین پیامبر و علی غیر از جنبه خویشاوندی که هست، جهت و جامع دیگری نیز وجود دارد؟ آیا ما از این عملکرد پیامبر استفاده نمی کنیم که هر گاه شخص پیامبر از میان مردم غایب شد و از دنیا رفت تنها علی آن شخصیتی است که قابلیت دارد که به جای ایشان بنشیند و خلیفه ایشان گردد؛ و تنها اوست که نماینگر شخصیت پیامبر و قائم مقام او می باشد؟ من گمان می کنم که هیچ کس قبل از ما به این قضیه و واقعه این گونه که ما نظر کردیم، نگاه نکرده است و هیچ کس، همانند ما این نوع تامل و

ص:۳۳۸

۱- ۱. امام شناسی علی اصغر رضوانی ج۱ ص ۴۳۸

۲- ۲. دلائل الصدق ج۲ ص ۱۲۹ امام شناسی ج۱ ص ۴۳۴، استاد علی اصغر رضوانی

توقفی که در این واقعه کرده ایم نداشته است، حتی شیعیان علی علی ابن ابی طالب (۱)، چون نبی اکرم به امر، خداوند عزم هجرت را از مکه فرمود: علی ابن ابی طالب را فرا خواند: عمر آنحضرت ۲۱ سال بود، فرمود: یا علی قریش اتفاق نموده که امشب بسر من آیند و مرا بکشند _ حکم خدا آن است که تو در بستر من بخوابی و برد سبز مرا روی خود پوشانی تا من بیرون روم، مولا علی عرض کرد: اگر من بجای شما بخوابم آیا آسیبی به شما نخواهد رسید؟

قضیهٔ خوابیدن مولا علی در بستر نبی اکرم در شب هجرت ایشان مورد تأئید سایت ها و کتاب های مورد قبول وهابیت و اهل سنت است که برای نمونه و اختصار اشاره می شود- ۱) کتاب صحیح لسیره النبویه للعلی ج۱ ص۱۲۰ حدیث ۱۵۵ نوشته ابراهیم العلی چاپ دارالنفائس اردن) سال ۱۴۱۵- (سایت الوقفیه) ۲) ارشیف ملتقی الحدیث (۲) ج۵۷ ص ۲۹۷ و ج۵۳ ص۴۳۵ مکتبه شامله: خبر نوم علی ابن ابی طالب فی فراش النبی من حیث السند: صحیح و هذا مرسل صحیح... و هذا یشد ما رواه ابو بلج فی قصه نوم علی رضی الله عنه فی فراش النبی و انا لا ـ اشک ان عکرمه اخذه عن ابن عباس و علی کل حال هو شاهد مرسل قوی ... و روی البیهقی فی دلائل النبوه بسند الصحیح... ۳) سایت اسلام ویب مرکز الفتوی رقم الفتوی ۱۸۹۰۶۹ فی الحجه ۱۴۳۳: الحکمه من نوم علی فی فراش النبی لیله الهجره: امام علی امر و دستور رسول خدا را اجراء و امتثال کرد و جان ارزشمند خود را فدای نبی اکرم ساخت و ایشان را از غدر و مکر کفار حراست نمود و این کار بر هر مسلمانی واجب است و هیچگونه اشکالی نیست انسان مسلم نفس و جان خود را در راه خدا و جهاد- در هلاکت و مخاطره بیفکند و علی علیه السلام با طیب خاطر و اخلاص تمام نفس خود را فدای نبی اکرم نمود و علی اولین جوانی بود در اسلام که خود را فدایی پیامبر کرد و این جوانمردی و شجاعت او را ثابت می کند: فما قام به علی رضی الله عنه اولا و قبل کل شیء هو امتثال امر رسول الله و فداوه بالنفس و وقایته من غدر الکفار و مکرهم و هذا واجب کل مسلم و لیست التعرض للمخاوف و القاء النفس فی المهالک فی سبیل الله الّا من اخص الجهاد و افضله... فسمع علی لما اشار به رسول الله و اطاع طیبه بذلک نفسه و بذلک کان اول فدائی شاب فی السلام فقد وقی رسول الله بنفسه... بینما هو الفتی الشجاع علی رضی الله عنه- السیره النبویه علی ضوء القرآن و السنه ج۱ ص۴۷۵ محمّد ابوشهبه- (مبیت علی علی فراش

ص:۳۳۹

۱- ۱. عبدالکریم خطیب ص ۱۰۵، امام شناسی ج۱ ص ۴۳۴ رضوانی

النبی) - ۴) سایت الجامعه الاسلامیه بالمدینه المنوره- المنهاج الدراسیه- المستوی الثالث- (الهجره الی المدینه المنوره)- ۵: سایت صید الفوائد- مرویات العنکبوت الغار- الطریق الاولی- تحسین بعض العلماء للقصه- (من دروس الهجره النبویه)- عقیل بی عقل وهابی، حضرت علی اگر با علم غیب خود هم در جای پیامبر در شب هجرت خوابیده باشد هیچ ضرری به فضیلت او در این قضیه وارد نمی سازد چون امتثال امر رسول خدا نموده و شجاعت خود را با دست خالی در حلقه چهل شمشیر به دست سفاک کفار عرب ثابت کرده و عمل او عین ایثار و اخلاص است و اصلاً خودکشی و هلاکت نیست چون شهادت در راه خدا نابودی نیست و همیشه به علم غیب عمل کردن هم فضیلت نیست —خود را برای نبی اکرم به خطر انداختن و اطاعت محض از او کردن هیچگونه هلاکت و نابودی نیست- فخر رازی در ذیل آیه ۲۰۷ سوره بقره می نویسد: این آیه مصداق بذل تمامی دنیا و جان در مقابل دین می داند← تفسیر کبیر ج ۵ ص۱۷۳ برای اطلاع بیشتر به مقاله: آیا لیله المبیت برای امیر المؤمنان فضیلت است؟ در سایت حضرت ولی عصر- مقاله شبهه ای در مورد فضیلت علی علیه السلام در لیله المبیت سایت پورتال جامع پژوهه (تبلیغ)- مقاله: آیا خوابیدن حضرت علی با علم لدنی در رختخواب پیامبر فضیلت است؟ (سایت پایگاه تخصصی شبهه)- مقاله: آگاهی امام علی از زنده ماندن در لیله المبیت← سایت پایگاه امام علی- کلیپ: لیله المبیت علم به کشته شدن یا نشدن؟ (آیت الله میلانی) در آپارات- عقیل بی عقل در قضیه لیله المبیت مولا علی وظیفه اش انجام دادن امر رسول خدا بوده نه عمل کردن به علم غیب خودش حاکم نیشابوری در المستدرک ج۳ ص۵ ح۴۲۶۳ حدیث خوابیدن مولا علی در رختخواب نبی اکرم را صحیح دانسته← شری علی نفسه و لبس ثوب النبی ثم نام مکانه- هذا حدیث صحیح الاسناد- ذهبی حدیث شناس معروف اهل سنت این حدیث را تائید و قبول می کند← المستدرک ج۳ص۵ الرقم ۴۲۶۳ مکتبه شامله- هیثمی در مجمع الزوائد ج۹ ص۱۲۰ ح۱۴۶۹۶- این حدیث را صحیح قلمداد می کند← و رجال احمد رجال الصحیح- مسند احمد بن حنبل ج۳ ص۳۸۹ ح۳۲۵۱- تحقیق احمد شاکر- قرآن می فرماید: هر کس در راه خدا کشته شود یا بمیرد مورد مغفرت خداست← و لئن قتلتم فی سبیل الله و متم لمغفره من الله← سوره آل عمران آیه ۱۵۷ و قاتلوا و اقتلوا لاکفرن عنهم سیائتهم- آل عمران ۹۵- هر کس در راه خدا بجنگد و کشته یا پیروز شود اجر عظیم به او داده می شود← نساء آیه ۷۴ و من یقاتل فی سبیل الله فیقتل او یغلب فسوف نوتیه اجرا عظیما- پس ای عقیل بی عقل- مولا علی با استفاده از علم غیب خود یا

استفاده نکردن از آن علم غیب این آیه ۲۰۷ سوره بقره در فضیلت اوست اگر بدانست کشته می شود شهید راه خدا و رسول بود اگر از علم غیب خود استفاده نمی کرد و کشته می شد باز هم شهید راه خدا رسول بود و به علم غیب او خدشه ای وارد نمی شود چون علم امام علی استقلالی نیست و هر گاه اراده کند از آن علم غیب آگاه می شود- خود ابن تیمیه با صراحت گفته امام علی علم غیب داشته← منهاج سنه ج۸ ص۱۳۵ و ص۱۳۶← و اما الاخبار ببعض الامور الغائبه فمن هودون علی یخبر بمثل ذلک فعلی اجل قدر امن ذلک- مرحوم کلینی در کافی ج۱ ص۲۵۸ بابی نوشته و روایاتی از ائمه هدی آورده که ائمه طاهرین اگر اراده کنند می دانند← باب: ان الائمه اذا شاووا ان یعلموا علموا- جالب است عقیل بی عقل علمای شما نوشته اند خلیفه دوم عمر ابن الخطاب علم غیب داشته- سؤال؟ اگر عمر علم غیب داشت چرا مسجد رفت تا او را بکشند و همیشه از علم غیب خود استفاده نمی کرد؟!

قرطبی نوشته: مسلمه گفته است محدثون طبق قرائت ابن عباس همپای نبوتند زیرا آنان از امور عالی غیبی خبر می دهند و به حکمت باطنی سخن می گویند و گفتارشان با واقع مطابقت دارد و در گفتارشان معصوم از خطاء و دروغ می باشند همانند عمر بن الخطاب در داستان ساریه و براهین عالیه ای که بدان تکلم کرده است← الغدیر ج۵ ص۶۵- الجامع الاحکام القرآن قرطبی ج۱۲ ص۷۹← قال مسلمه: فوجدنا المحدثین معتصمین بالنبوه علی قراءه ابن عباس لانهم تکلموا بامور عالیه من انباء الغیب خطرات و نطقوا بالحکمه الباطنه فاصابوا فیما تکلموا و عصموا فیما نطقوا کعمر بن الخطاب فی قصه ساریه- ابن اثیر در النهایه ج۱ ص ۳۵۰ می نویسد: عمر ابن الخطاب از برگزیدگان الهی بود چون محدث بود و از غیب خبر می داد← و هو نوع یختص به الله عز و جل من یشاء من عباده الذین اصطفی مثل عُمر- مناوی می نویسد: محدث کسی است که گویا از عالم غیب به او خبر داده می شود و این کرامتی است که خداوند هر کدام از بندگانش را که بخواهد بدان گرامی می دارد← فیض القدیر ج۴ ص۵۰۷ ح۶۰۹۷← و القی فی روعه من عالم الملکوت فیظهر علی نحو ما وقع له - عقیل بی عقل وهابی- صحابه با داشتن علم غیب طبق روایات خودتان سم می خوردند با اختیار خود و می دانستند کشته می شوند؟! حارث بن کلده به ابوبکر گفت ای خلیفه پیامبر از این غذا دست بردار زیرا در /ان سم یکساله است و من و تو در یک روز خواهیم مرد او هم دست برداشت آن دو همواره علیل بودند تا آن سال به آخر رسید و هر دو در یک روز مردند← المستدرک حاکم ج ۳ ص۶۶ ح ۴۴۱۱-

صفه الصفوه ج۱ ص۹۹← ارفع یـا خلیفه رسول الله و الله ان فیها لسم سـنه و انا و انت نموت فی یوم واحـد... امامان معصوم از وقوع شـهادت و مرگ خود به اذن الهی و تعلیم نبی اکرم خبر داشـتند ولی به ایشان از سوی خـدا اختیار داده شـده و خودشان اختیار می کردند مقدرات الهی را و شهادت در راه خدا- به مقاله: آیا امام علی از شهادت خود خبر داشت؟

در سـایت مؤسـسه تحقیقـاتی ولی عصـر- گزیـده دانش نـامه امیر المؤمنین- محمـدی ری شـهری ص۵۸۸ الی ص۵۹۵ رجوع فرمائیـد← ذلک کان و لکنه خُیّر فی تلک اللیله لتضـمی مقادیر الله عزوجل- جلاء العیون ج۱ ص۳۰۰- مرحوم علامه مجلسی می فرماید : که اینها (علم به شهادت معصومین) از اسرار قضاء و قدر است و تفکر در اینها موجب لغزش است و تکالیف انبیاء و اوصـیاء مانند تکالیف دیگران نیست و باید دانست که آنچه ایشان می کنند موافق شریعت و عین صلاح و حکمتست- عقیل بی عقل وهابی خداوند علام الغیوب است آیا صحیح است که از خداوند ایراد بگیریم تو که علام الغیوبی چرا شیطان رجیم را آفریـدی که عـده ای را گمراه و جهنمی کنـد؟! تو که علام الغیوبی می دانستی عـده ای بهشتی و جهنمی می شوند باز آنها را در عـالم تکلیف و امتحـان دنیـا آوردی و بسوی آنان انزال کتب و ارسال رسل کردی؟! آن آیه ای که وهابیت در رد فضـیلت شهادت ائمه هدی ادله می کنند یعنی آیه ۱۹۵ سوره بقره مربوط به انفاق است ولی شـهادت و کشته شدن در راه خدا بدست دشمنان خدا- هلاکت و نابودی نمی باشد- واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات ص۲۷۴ علی اصغر رضوانی- جالب است ابن کثیر شـاگرد ابن تیمیه ملعون در البـدایه و النهایه ج۴ ص۴۵۰ قضـیه خوابیـدن مولا علی در رختخواب پیامبر را نقل می کند با سـند حسن- البدایه و النهایه ج۳ ص۱۸۱ مکتبه فقاهت و مکتبه شامله- ابن حجر در فتح الباری ج۷ ص۲۳۶ با سند حسن (نیکو) این روایت را ذکر کرده← فـاطلع الله نـبیه علی ذلـک فبـات علی علی فراش النبی- (مکتبه شـامله)- گفتی که آیه ۲۰۷ سوره بقره مکی نیست مـدنی است؟ جواب: اشـکالی نـدارد این آیه شان نزولش در مکه بوده و ابلاغش در مـدینه شـده مدنی به حساب آید- به اتفاق مفسرین و متخصصین علوم قرآنی ترتیب قرآن و جمع آن بر اساس ترتیب نزول نبوده و لذا مشاهده می کنیم که اغلب سوره های مکی خالی از آیات مدنی نیست و همچنین بیشتر سوره های مدنی خالی از آیات مکی نیست← امام شناسی رضوانی ج۱ ص۴۳۷

فرمود: بله، جناب وهابی، پیامبر اسلام فرمود ای علی اگر تو در رختخواب من بخوابی از طرف کفار به من آسیبی نمی رسد نه اینکه خداوند و رسول ضمانت

ص:۳۴۲

صددرصد ولو یک درصد به مولا علی داده باشند که ای علی به تو هم اصلاً صدمه ای و لطمه ای وارد نخواهد شد!!! اگر مولا علی با اطمینان کامل از عدم صدمه از جانب خدا و رسول در بستر نبی اکرم خوابیده بود، آیه ۲۰۷ سوره بقره در فضیلت جانفشانی و ایثار بی نظیر او نازل نمی شد، مولا علی چون بشارت پیامبر اسلام را شنید گفت: الان مرگ برای من گوارا شده مولا علی در رختخواب پیامبر خوابید، قریش خانه را محاصره کردند در آن شب سنگ زیادی از هر طرف به خوابگاه پیامبر انداختند و مولاـ علی اصلاً حرکتی ننمود وقت صبح همه به یکباره با شمشیرهای برهنه به خوابگاه وارد شدند نزدیک که رسیدند مولاـ علی فریاد و نهیبی بر آنان زد و با شمشیر حمله نموده، تمام قریش هراسان شدند، ابوجهل و خالد بن ولید و روسای قریش چون صلابت علی را دیدند گفتند: یا علی ما را با تو کاری نیست مقصود ما پسرعموی تو محمد است بگو کجا رفته؟ فرمود: هر جا تشریف برده در امان خداست پس ناامید برگشتند.

بعد خداوند جبرئیل و میکائیل را بر مولا علی نازل کرد، جبرئیل با لای سر حضرت و میکائیل پائین پای حضرت ایستادند و در حالیکه جبرئیل می گفت: بشارت باد تو را ای پسر ابوطالب کیست مثل تو و به مقام مرتبه تو، که حق تعالی به تو مباهات نمود بر ملائکه و حاملان عرش و خطاب فرماید: کجاست چنین بنده مطیع، _ (۱)، اهل دل و عرفان می گویند: تسلیم بودن علی در آن شب و رها نمودن نفس نفیس خود را به قتل، درخشان و عالی است و بالاـتر و افضل تر از تسلیم و اطاعت حضرت اسماعیل از برای ذبح در دست پدرش ابراهیم خلیل است زیرا که او امیدوار بود، بشفقت پدری و مرحمتی که پدر را نسبت بفرزند می باشد و رقت قلبی که معصوم را می باشد با جانب و خویشان که از قتل فرزند خود درگذرد یا آنکه خداوند بعین مرحمت و مکرمت در ابراهیم نگرد و او را از ذبح قره العین او منع کند چنانکه واقع شد؛ ولی علی ابن ابی طالب با وجود شدت خذلان و قلت اعوان و انصار و اعراض

۱- ۱. اثبات ولایت امیرالمومنین در قرآن و سنت ج۱ ص ۱۹۲ و ص ۱۹۳ عبدالصمد ساکی، تفسیر امام ثعلبی ج۲ ص ۱۲۵، امالی طوسی ص ۲۵۳

نزدیکان و اجانب از او تسلیم امر مصطفی نمود و حضرت با اطمینان قلبی به تسلیم در امر خدا، بدون ظمانت حفظ جانش از جانب خدا و رسول، سبب نجات نبی اکرم و جان شریف ایشان گردید؛ از جمله آیاتی که برتری ائمه هدی بر تمام پیامبران بغیر از رسول اسلام را نشان می دهد آیه ۵۶ سوره احزاب است

{ان الله و ملائکه یصلون علی النبی یا ایها الذین امنوا صلوا علیه و سلموا تسلیما،}

همانا خداوند و فرشتگان بر پیامبر اسلام؛ صلوات و درود می فرستند ای کسانی که ایمان آورید بر پیامبر اسلام، صلوات و درود بفرستید، جناب وهابی به این فضیلت بی نظیر و بی همانند ائمه طاهرین که آیه ۵۶ سوره احزاب معروف به آیه صلوات است، شبهاتی و اشکالاتی واهی و عبث مطرح کرد، کجای این آیه گفته به امام علی در کنار، پیامبر صلوات بفرستید؟ این آیه درباره درود و صلوات است و هیچ نشانی از برتری ائمه شیعه بر تمام پیامبران غیر از رسول اسلام را نشان نمی دهد؟!! صلوات و درود شامل تمام صحابه و همسران پیامبر اسلام می شود و تنها شامل ائمه ۱۲ گانه شیعه نیست؟!! بلطف حق تعالی و انوار بی کران قرآن کریم و روایات شریف نبی اسلام و ائمه هدی و کلام علماء و بزرگان فریقین به این شبهات شیطانی جناب وهابی اموی مسلک جواب مختصر می دهم، از میان علمای اهل سنت امام فخررازی و ابن حجر مکی، اعتراف کرده اند: آیه صلوات دلیل برتری ائمه هدی بر تمام خلائق و مساوی بودن مقام الهی ائمه هدی با نبی اسلام است بغیر از در مقام نبوت خاصه، امام فخر رازی شافعی می نویسد: دعای صلوات خصوصاً در تشهد نماز، منصب و مقام عظیم و بزرگ برای محمد و آل محمد است و این تعظیم و مقام بزرگ الهی برای هیچ کس در غیر آل محمد نیست

ان الدعاء للآل منصب عظیم ولذلک جعل هذا الدعا خاتمه التشهد فی الصلاه هو قوله اللهم صل علی محمد و آل محمد و ارحم محمد و آل محمد و هذا التعظیم لم یوجد فی حق غیر الآل (۱)

ص:۳۴۴

---

۱ – ۱. تفسیر الکبیر فخر رازی ج۲۷ ص ۱۶۶ ذیل آیه ۲۳ سوره شوری، شبهای پیشاور، آیت الله سید محمد سلطان الواعظین شیرازی ج۱ ص ۵۳۰ چاپ جدید با تحقیق درایتی

ابن حجر مکی از عالمـان متعصب اهل سـنت در کتاب صواعق المحرقه ص ۱۴۶ باب ۱۱ فصل یک آیه ۲ می نویسد: خاندان مطهر پیغمبر در این امر قام مقام پیغمبرند، زیرا مقصود از صلوات بر رسول مزید تعظیم اوست و بزرگداشت خاندانش نیز مزید تعظیم او خواهـد بود و به همین دلیل است که آن چنانکه گفتیم وقتی ایشان در زیر کساء گرد آمدند، پیغمبر فرمود: بار خدایا اینهـا از مـن و مـن از ایشـان هسـتم پس درود و رحمـت و آمرزش و خشـنودی خـود را بر مـن و آنـان برقرار دار؛ و ایـن دعـا، مسـتجاب شد و خداوند بر آنان همراه با درود بر پیغمبر صـلوات فرستاد و در اینجا نیز از مومنین خواست تا همراه با صلوات بر پیغمبر بر خاندان او، نیز درود فرستند

و انه اقـامهم فی ذلک مقام نفسه لان القصـد من الصـلاه علیه مزیـد تعظیمه و منه تعظیمهم، و من ثم لما ادخل من مرفی الکساء قال: اللهم انهم منی و انا منهم فاجعل صـلاتک و رحمتک و مغفرتک و رضوانک علی و علیهم و قضـیه استجابه هذا الدعاء ان الله صلی علیهم معه فحینئذ طلب من المومنین صلاتهم علیهم معه

ابن حجر از قول امام فخررازی نقل کرده است که اهل بیت معصوم پیامبر در ۵ چیز باوی موازی و مساوی و برابر هستند، یکی از آن صـفات و اشتراکات الهی اهل بیت نبوت با رسول اسـلام که با آن صـفت با او برابرند، ذکر صلوات بر پیامبر و آل او در تشهد نماز هستند

فی السلام قال: السلام علیک ایها النبی و قال سلام علی آل یاسین و فی الصلاه علیه و علیهم فی التشهد (۱)

امام رضا علیه السـلام ، آیه مباهله را تلاوت کردند وفرمودند مراد و منظور از لفظ انفسنا در آیه ۶۱ سوره آل عمران علی علیه السـلام و این خصوصـیتی منحصـر به علی، که او نفسـش همانند نفس و روح و باطن نبی اکرم است که هیچ بنی بشری به این خصوصـیت بی نظیر نرسـیده است، از جمله این دلایل آن است که ثابت شده است رسول خدا، نفس مقدس و بزرگ خویش را در آل خود وارد کرد و به همین دلیـل کسـی که بر آل آن حضـرت درود فرسـتد یـا سـلام کنـد، گویی بر خود او، درود و سلام فرستاده چه او از

۱- ۱. صواعق المحرقه ص ۱۴۹ باب ۱۱ فصل ۱ آیه ۳ جواهر العقدین سمهودی ج۲ ص ۱۶۶، ینابیع الموده ج۱ ص ۲۷۰

آنان است و آنان از او کسی که بر پیامبر اسلام درود و سلام بفرستد بطور حتم با پیوست آل او، درود و سلام فرستادن بر او را کامل کرده است

فمن هذه الدلائل ثبت انه ادخل نفسه المقدسه المکرمه المبارکه فی آله فمن صلی او سلم علی آله کانه صلی و سلم علیه، لانه منهم و هم منه ... (۱)

امام رضا علیه السلام دلیل برتری ائمه هدی بر تمام پیامبران غیر از رسول اسلام در باب صلوات و آیه صلوات چنین بیان می دارد، می فرماید: خداوند فضیلت بزرگی به حضرت محمد صلی الله علیه و آله داده است زیرا بر آل هیچ یک از پیامبران سلام نکرده جز آل محمد که فرموده سلام علی آل یاسین، اگر مقصود، خداوند حضرت الیاس بود بطور حتم می فرمود: سلام علی الیاس _ ان الله اعطی محمداً صلی الله علیه و آله و سلم فضلاً عظیماً و ذلک انه لم یسلم علی آل احد من الانبیاء الا آل محمد فقال: سلام علی آل یاسین، (۲)

امام رضا فرمود: خداوند، محمد و آل محمد را فضیلتی بخشیده که هیچ کس به حقیقت آن نمی رسد مگر اینکه آنرا درک کرده باشد، چرا، که خداوند بر کسی جزء پیامبران سلام نکرده و فرموده: سلام بر نوح، سلام بر موسی و هارون ولی نگفته سلام بر آل نوح، سلام بر آل ابراهیم، سلام بر آل موسی و هارون

ولی فرمود: سلام بر آل یاسین یعنی بر آل محمد و بر آل هیچ پیامبری جزء آل او سلام نکرد

فان الله اعطی محمداً و آل محمد من ذلک فضلاً لایبلغ احد کنه وصفه الا من عقله و ذلک ان الله لم یسلم علی احد الا علی الانبیا فقال الله: (سلام علی نوح فی العالمین) ... و لم یقل سلام علی آل نوح... و قال الله تعالی: سلام علی آل یاسین: یعنی آل محمد و لم یسلم علی آل احد من الانبیاء سواه(۳)

شاید جناب وهابی بگوید، این دلیل بر برتری ائمه شیعه بر تمام پیامبران غیر از رسول اسلام نمی شود؛ اولاً به اقرار ابن حجر و فخررازی از عالمان متعصب اهل سنت اشاره شد که گفته اند، درود فرستادن بر آل پیامبر دلیل بر بزرگترین مقام و منصب

۱- ۱. ینابیع الموده ج۱ ص ۹۶، عیون الاخبار ج۲ ص ۲۱۰

۲- ۲. ینابیع الموده ج۱ ص ۸۶

۳- ۳. ینابیع الموده ج۱ ص ۲۹۶

آنـان است، آنان در ۵ چیز بـا او مسـاوی و برابرنـد، یکی در صـلوات، پیـامبر راجع به اهـل بیت کساء و عبا فرموده من از آنان هسـتم و آنان از منند یعنی با پیامبر مساوی و برابرند فقط رسول اکرم در نبوت خاصه از آنان افضـلیت دارد؛ در روایت شیعه و سنی آمـده هر کس در نماز بر محمـد و آل محمـد صـلوات نفرسـتد، نمازش باطل می باشد و پیامبر نهی فرمودند از فرسـتادن صلوات ابتر و ناقص و آن صـلواتی است که بر آل محمـد، درود و صـلوات فرسـتاده نشود؛ شایـد جناب وهابی بگوید، زنان و صحابه پیامبر هم آل او حساب می شونـد، برای روشن شدن مطلب خوب و بجا است به تفاسـیر و روایات مسـتند، رجوع کنیم، ببینیم آل محمـد بطور خـاص و بطور عام چه کسانی هسـتند؟! رسول اکرم فرمود: اهل بیت من علی و فاطمه و حسن و حسـین هسـتند، وقتی آنان آمدند، رسول اکرم، عباء و کسای خود را بر آنان انداخت و سـپس دسـتهایش را بلند کرد و فرمود: خدایا، اینـان آل محمـد هسـتند پس بر محمـد و آل محمـد درود فرست و بعـد آیه تطهیر نـازل شـد، بعـد از نقـل این حـدیث، حاکم نیشابوری از عالمان بزرگ اهل سنت می نویسد: از روایات زیاد استفاده می شود اهل بیت و آل محمد علی و فاطمه و حسن و حسین هستند

قـال: اهـل بیتی علیاً و فاطمه و الحسن و الحسـین، فجی بهم فالقی علیهـم النبی ثم رفع یـدیه ثم قال: اللهم هولاء آلی؛ فصل علی محمد و علی آل محمد و انزل الله: انما یرید الله لیذهب ... (۱)_ و انما خرجته لیعلم المستفیذ ان اهل البیت و الآل جمیعاً هم؛ _ ان رسول الله قـال لفـاطمه یـا بنیه ائتینی بزوجـک و ابنیه فجاءت بهم فالقی رسول الله علیهم کساء فـدکیاً ثم وضع یـده علیهم ثم قال: اللهم ان هولا آل محمد فاجعل صـلواتک علی محمد و آل محمد (۲)؛ اسـناده حسن یده علیهم ثم قال: اللهم ان هولاء آل محمد فاجعل صلواتک علی محمد و آل محمد (۳)

امام فخررازی می نویسد: و من می گویم آل محمد کسانی هسـتند که امورشان واگذار به پیامبر اکرم است و هر کدام از آنان که پیوندشان با پیامبر شدیدتر و کامل

۱- ۱. مستدرک علی الصحیحین باب معرفه الصحابه ص ۱۲۹ مساله ۱۸۵۴ ح ۴۷۶۳ و ۴۷۶۴

۲- ۲. فضایل الصاحبه ج۲ ص ۶۰۲ _ ح۱۰۲۹

۳- ۳. مسند احمد ج۶ ص ۳۲۳ معجم الکبیر طبرانی ج۳ ص ۴۷، مجمع الزوائد ج۹ ص ۱۹۴ شواهد التنزیل ص ۲۶۳ ح ۷۴۷

تر باشد او آل خواهد بود و هیچ شکی نیست که پیوند میان فاطمه و علی و حسن و حسین، با پیامبر از شدیدترین و کامل ترین پیوندها است و این مطلب معلوم و متواتر است پس واجب است که آل محمد اینها باشند

و انا اقول آل محمد هم الذین یوول امرهم الیه فکل من کان امرهم الیه اشد و اکمل کانوا هم الآل و لاشک ان فاطمه و علیاً و الحسن و الحسین کان التعلق بینهم و بین رسول الله اشد التعلقات و هذا کالمعلوم بالنقل المتواتر فوجب ان یکونوا هم آلال ایضاً(۱)

راوی می گوید: از امام صادق علیه السلام سوال کردم، ما می گوئیم، خدایا بر محمد و آل محمد صلوات و رحمت فرست و گروهی می گویند: آل محمد مائیم، حضرت فرمود: جزء این نیست که آل محمد آن شخصی است که خداوند ازدواج او را بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله ، حرام کرده است

انما آل محمد، من حرم الله عزوجل علی محمد نکاحه(۲)

در روایت دیگر، امام صادق فرمود: آل محمد دودمان و ذریه او هستند _ قلت لابی عبدالله من آل محمد؟ قال: ذریته (۳)امام صادق فرمود: شخصی که بر پیامبر اکرم، صلوات می فرستد مفهومش و معنایش آن است که من بر سر پیمان خود باقی هستم و به بلی که در عالم ذر به سوال الست بربکم (آیا من پروردگار شما نیستم _ اعراف آیه ۱۷۲) گفته ام وفا دارم؛

من صلی علی النبی فمعناه انی انا علی المیثاق و الوفاء الذی قبلت حین قوله: الست بربکم قالوا بلی (۴)

مولا علی در تفسیر آیه ۵۶ سوره احزاب می فرماید: برای این آیه، ظاهری و باطنی هست، ظاهر آن این است که بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله صلوات بفرستید و باطن آن سلموا تسلیما، است یعنی تسلیم وصی و خلیفه او، که جامع فضل و عمل کننده به عهد و پیمان اوست، باشید

ص:۳۴۸

۱- ۱. تفسیر الکبیر ج۲۷ ص ۱۶۶

۲- ۲. معانی الاخبار صدوق ج۱ ص ۲۲۱

۳- ۳. معانی الاخبار ج۱ ص ۲۲۴، عیون الاخبار الرضاه شیخ صدوق ج۱ ص ۶۹ و ص ۷۰؛

۴- ۴. معانی الاخبار ج۱ ص ۲۶۹ باب ۵۰

والباطن قوله: وسلموا تسليما: ای سلموا لمن وصاه واستخلفه علیکم فضله و ما عهد به الیه تسلیما (۱)روایاتی از منابع شیعه و سنی در باب فضیلت، صلوات و درود به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و آل محمد علیهم السلام نقل کرده اند که خدمت موافق و مخالف عرضه می شود، رسول اکرم فرمود: هر گاه یکی از شما به تشهد نماز می پردازد بر او لازم و واجب است که صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد _ (۲)؛ نبی اکرم فرمود: دعای دعا کننده به هدف اجابت نمی رسد مگر اینکه پیش از آن بر محمد و آل محمد، درود و صلوات بفرستد _ (۳)جابر بن عبدالله انصاری می گفته است: هر گاه من نمازی بخوانم که در آن نماز بر محمد و آل محمد صلوات نفرستم، گمان ندارم که آن نماز مقبول درگاه الهی قرار بگیرد _

عن جابر: انه کان یقول لوصلیت صلاه لم اصل فیما علی محمد و علی آل محمد ما رایت انها تقبل(۴)

از ابومسعود روایت کرده که گفته است: هر گاه نماز می گزارم و در آن نماز بر محمد و آل محمد درود نفرستم یقین دارم که نماز کاملی به جا نیاورده ام، رسول خدا فرمود: کسی که نماز بخواند و در آن نماز بر من و اهل بیتم، درود و صلوات نفرستد، نمازش قبول نخواهد بود _ (۵)_ من صلی صلوه و لم یصل فیها علی و علی اهل بیتی لم تقبل منه، ... لا یقبل صلاه الا بطهور و بالصلاه علی الدعاء (۶)محجوب حتی یصلی علی محمد و آله _ و لا صلاه لمن لم یصل علی النبی _ (۷)_ الدعاء موقوف بین السماء و الارض لایصعد حتی یصلی علی (۸)شافعی در دیوان اشعارش می نویسد: ای اهل بیت پیامبر محبت شما بعنوان یک فریضه واجب در قرآن نازل شده است، در

۱- ۱. احتجاج طبرسی ج۱ ص ۵۹۶، تفسیر نور الثقلین ج۶ ص ۸۱،

۲- ۲. مستدرک حاکم نیشابوری ج۱ ص ۲۶۹

۳- ۳. صواعق المحرقه ابن حجر ص ۱۴۸،

۴- ۴. ذخائر العقبی طبری ص ۱۹، بیهقی در سنن ج۲ ص ۳۷۹ و ج۳ ث ۳۴۹

۵- ۵. سنن دار قطنی ج۱ ص ۱۳۶، صواعق المحرقه ص ۲۳۳

۶- ۶. امتاع الاسماع مقریزی ج۱۱ ص ۱۱۰، رشفه الصادی ۲۹ مسند احمد ج۲ ص ۴۴۲، اسدالغابه ج۳ ص ۱۱ _ مجمع الزوائد ج۹ ص ۱۶۹ و ج۱۰ ص ۱۶ _ مجمع الاوسط ج۱ ص ۲۲۰ _ رشفه الصادی، سید ابوبکر علوی حضرمی ص ۲۹ الی ص ۳۵ باب ۲، الدعاء

۷- ۷. تفسیر ابن کثیر ج۶ ص ۴۵۷

۸- ۸. ینابیع الموده ج۲ ص ۴۳۴؛

عظمت مقام شما همین بس است که، هر که بر شما صلوات نفرستد، نمازش باطل است

یـا اهل بیت رسول الله حبکم .... فرض من الله فی القرآن انزله ... کفاکم من عظیم القـدر انکم .... من لم یصل علیم لاصـلوه له (۱)

هیچ دعایی نیست مگر آن که بین آن و خدای تعالی، حجابی است تا آنکه بر محمد و آل محمد صـلوات بفرستند که در این هنگـام آن حجـاب پـاره می شود و دعا به هـدف اجابت می رسـد، و اگر صـلوات نفرسـتند دعا برمی گردد ـ (۲)ـ امام فخر رازی در تفسـیر کبیر خودش ذیل آیه ۲۳ سوره شوری می نویسـد: بهترین دعا درود بر پیامبر و آل او است الشـفاء ج۲ ص۶۴، سبل الهدی و الرشاد ج۱۱ ص ۱۰؛ ابن اثیر در نهایه ج۳ ص ۵۰ می نویسد: مکرر، کلمه صلوه و صلوات در قرآن کریم آمده و آن در شـرع مقـدس نـام عبـادتی است مخصوص؛ اصل صـلوه در لغت به معنای دعاست و چون نماز، حاوی دعاست، مجموع این عبادت به نام جزئی از آن خوانده شده است، بعضی گفته اند اصل صلوه در لغت به معنای تعظیم است و این عبادت از آن جهت صلوه نامیده شده که تعظیم باری تعالی را در بر دارد؛ پس صلوات خداوند و ملائکه و امر، صلوات به امت اسلام تعظیم و تجلیل و تکریم از مقام حضرت محمد و آل محمد است و این احترام مخصوص خداوند به حضرت محمد و آل محمد است که شامل سایر پیامبران الهی نشده و به همین دلیل محکم، ائمه ۱۲گانه شیعه و حضرت فاطمه و رسول اسلام بر تمام پیامبران و خلائق افضـلیت دارنـد ـ نبی اکرم فرمود: خداونـد فرمود ای محمد هر کس بر تو و آل تو یکبار صـلوات بفرسـتد من در ازای آن، ۱۰ بار بر او صلوات می فرستم و ۱۰ گناه از او پاک می کنم و ۱۰ حسنه برای او می نویسم ـ (۳) انبیاء الهی هم از سوی خداونـد، مـامور و موظف بودنـد که بر محمـد و آل محمـد، صـلوات و درود بفرسـتند چون مقـام محمـد و آل محمـد از تمام موجودات و پیامبران، افضل تر و بالاتر است، امام حسن عسکری می فرماید: خداوند، سبحان به چند دلیل،

ص:۳۵۰

۱- ۱. صواعق المحرقه ص ۸۸

۲- ۲. کنزالعمال هندی ج۱ ص ۱۷۳

۳- ۳. تفسیر مجمع البیان ج۸ ص ۱۸۰،

حضرت ابراهیم را خلیل و دوست خاص خود گرفت، یکی از آن دلائل معنوی آن بود که ایشان، زیاد بر محمد و آل محمد صلوات و درود می فرستاد

انما اتخذالله ابراهیم خلیلاً لکثره صلاته علی محمد و اهل بیته (۱)

نبی اکرم فرمود: هر کس بر من و آل من یکبار صلوات بفرستد خداوند ۱۰ بار بر او صلوات می فرستد (۲)، نبی اکرم فرمود: بخیل کسی است که نام من در نزد او ذکر و یاد شود ولی او بر من درود و صلوات نفرستد _ (۳)خداوند متعال در شب معراج احکام اذن و نماز، را به پیامبرش آموخت همچنین در نحوه تشهد خواندن نماز به او فرمود: ای محمد بر خودت و بر اهل بیتت صلوات بفرست و پیامبر اسلام نیز بر خودش و اهل بیتش صلوات فرستاد

ثم اوحی الله الیه یا محمد صل علی نفسک و علی اهل بیتک فقال صلی الله علی و علی اهل بیتی (۴)

در داستان حضرت یوسف آورده که چون روز چهارم شد؛ جبرئیل نزدش آمد و پرسید: ای پسر چه کسی تو را در این چاه انداخت؟ گفت: برادرانم که همه از یک پدرند . پرسید چرا؟ گفت: چون بر من حسد می بردند که چرا نزد پدر محبوبتر از ایشانم گفت: می خواهی از این چاه نجات پیدا کنی؟ گفت: بله جبرئیل این دعا را به او تعلیم داد که ذکر صلوات محمد و آل محمد در اواخر آن است، یعنی یوسف پیامبر با ذکر صلوات بر محمد و آل محمد از چاه نجات پیدا می کند

یا صانع کل مصنوع و یا جابر کل مکسور و یا حاضر کل ملاء و یا شاهد کل نجوی و یا قریباً غیر بعید و یا مونس کل وحید و یا غالبا غیر مغلوب و یا علام الغیوب و یا حیاً لایموت و یا محیی الموتی لا له الا انت، سبحانک اسالک یا من له الحمد یا بدیع السماوات و الارض یا مالک الملک یا ذالجلال و الاکرام ان تصلی علی محمد و علی آل محمد و ان تجعل لی من امری و من ضیقی فرجاً و مخرجاً و ترزقنی من حیث احتسب و من حیث لا احتسب

یوسف پیامبر این دعا را که ذکر صلوات محمد و آل محمد زینت بخش آن است

۱- ۱. بحار الانوار ج۱۲ ص ۴

۲- ۲. صحیح مسلم ج۱ ص ۳۰۶ کتاب الصلاه باب الصلاه النبی، کنزالعمال ج۱ ص ۴۳۶

۳- ۳. مسند احمد ج۱ ص ۲۰۱، سنن ترمذی کتاب دعا، باب قول رسول،

۴- ۴. اصول کافی ج۳ ص ۴۸۶؛ ثعلبی در قصص الانبیاء ص ۱۵۷

خواند، از چاه نجات پیدا کرد و عزیز مصر شد با اینکه تصورش را نمی کرد (۱)

رسول اکرم فرمود: نزدیکترین افراد، در روز قیامت به من کسانی هستند که در دنیا زیاد بر من صلوات فرستاده باشند، و بطور یقین انبیا گذشته بخاطر اینکه به خداوند و رسول اسلام، تقرب بجویند، زیاد بر پیامبر اسلام، صلوات فرستاده اند و شرط قبولی و کاملی صلوات بر پیامبر صلوات بر آل پیامبر است که مصداق کامل و برتر آن ائمه هدی هستند و این دلیل کامل و واضح بر برتری حضرات چهارده معصوم بر تمام خلائق و پیامبران است در ذیل آیه ۵۶ سوره احزاب

ان اولی الناس بی یوم القیامه اکثرهم علی الصلاه (۲)ـ ان اقربکم منی یوم القیامه فی کل موطن اکثرکم علی صلاه فی الدنیا، نبی اکرم فرمود: بر من صلوات ناقص و بریده نفرستید، صحابه عرض کردند ای پیامبر، صلوات ناقص کدام است؟ فرمود اینکه بگوئید خدایا بر محمد درود بفرست بلکه بگوئید خدایا بر محمد و آل محمد درود بفرست ـ

لاـ تصلوا عل الصلاه البترا؛ فقالوا و ما الصلاه البترا؟ قال، تقولون: اللهم صل علی محمد و تمسکون بل: قالوا: اللهم صل علی محمد و علی آل محمد (۳)

چون آیه ۵۶ سوره احزاب بر نبی اکرم نازل شد، صحابه سوال کردند ای رسول خدا طریقه سلام کردن بر شما را دانستیم چگونه بر شما صلوات و درود بفرستیم؟ نبی اکرم فرمود: بگوئید: خدایا بر محمد و آل محمد درود بفرست (۴)

یا رسول الله قد علمنا کیف نسلم علیك، فکیف نصلی علیك، قال: فقولوا اللهم صل علی محمد و علی آل محمد ..(۵)

ص:۳۵۲

۱- ۱. علی در کتب اهل تسنن ص ۶۵ ـ آیه الله موسوی همدانی
۲- ۲. تفسیر بغوی ج ۶ ص ۳۷۲، تفسیر ابن کثیر ج۶ ص ۴۶۴، الدر المنثور ج ۱۲ ص ۱۲۹
۳- ۳. صواعق المحرقه ص ۱۴۶ باب ۱۱ فصل ۱، آیه ۲؛ رشفه الصادی علوی حضرمی ص ۶۷، سنن ابی داود ج۱ ص ۲۵۷ ح ۹۷۶ کتاب الصلاه، السنن الکبری نسایی ج۶ ص ۱۷ ح ۹۸۷۵، مسند احمد حنبل ج۴ ص ۱۱۸، فتح الباری ج۱۱ ص ۱۵۹، تدریب الراوی ص ۳۲۴ سیوطی، المصنف ابن ابی شیبه ج۲ ص ۳۹۰، الفردوس دیلمی ج۳ ص ۲۰۱ ح ۴۵۶۶؛ فیض القدیر ج۴ ص ۶۹۱ ح۶۱۶۲، سنن الکبری بیهقی ج۲ ص ۱۴۶؛ المصنف عبدالرزاق ج۲ ص ۲۱۲ ح۳۱۰۵، المستدرك حکم ج۳ ص ۱۶۰ ح ۴۷۱۰
۴- ۴. صحیح بخاری ج۷ ص ۴۳۴ ح ۱۲۲۶ کتاب الدعوات، باب الصلاه علی النبی
۵- ۵. . صحیح مسلم ج۱ ص ۳۰۵ ح۶۵، ینابیع الموده ج۲ ص ۴۳۳ ح ۱۹۳ باب ۵۹، صواعق المحرقه ص ۱۴۶، تفسیر کبیر رازی ج۲۵ ص ۲۲۷

خداوند در آیه ۱۳۰ سوره صافات می فرماید: سـلام بر آل یاسین، اکثر مفسران شیعه و سنی نوشته اند منظور از آل یاسین، آل محمد می باشد، امام رضا علیه السلام فرمود: مراد از یس، حضرت محمد است و ما آل یاسین می باشیم (۱)

امام صادق علیه السـلام فرمود: منظور از یس حضـرت محمد و ما اهل و آل یس هستیم (۲) مولا علی علیه السلام فرمود: یس محمد است و ما آل یاسین هستیم (۳)

فقد نقل جماعه من المفسـرین عن ابن عباس ان المراد بذلک سلام علی آل محمد (۴) عن علی فی قوله سلام علی آل یاسین: قال یاسین محمد و نحن آل یاسین .... _ قال بعض المتکلمین فی معانی القرآن: آل یاسین آل محمد (۵)

جنـاب وهابی اموی مسـلک، وقتی که ما وظیفه داریم هنگام ذکر نام مقـدس رسول اسـلام بر او و بلافاصـله بر آل طاهرین او، صلوات بفرستیم و بـدون ذکر صـلوات بر محمـد و آل محمد، نماز تمام مسـلمین و مومنین؛ باطل و بی ارزش می شود؛ نمازی که ستون دین اسلام است و از واجبات اولیه دین اسلام می باشد، و به اقرار ابن حجر مکی اهل بیت معصوم پیامبر، قائم مقام و همانند رسول اسـلام هسـتند خصوصاً در سلام و درود صلوات، این خودش به روشنی بیانگر این است که ائمه ۱۲ گانه شیعه و حضرت فاطمه زهرا، در مقامات عالی و الهی با رسول الله، برابر و مساوی و شریک و همتا هستند به جز در مقام نبوت خاصه و خـاتم الانبیـا ئی، یکی دیگر از فضائـل بی نظیر مولا ـ علی که برای جنـاب وهابی خوانـدم و با پاسـخ های واهی و عبث آنرا رد کرد، آیه ۷ و ۸ سوره بینه است، اما شبهات جناب وهابی علیه این آیه و فضیلت مولا علی، ۱) این آیه درباره کفر و ایمان است و ربطی به فضـیلت و برتری علی بر پیامبران نـدارد؟!! ۲) در آیه ۷ سوره بینه لفـظ جمع بکار برده کسانی که ایمان آوردنـد و عمل

ص:۳۵۳

۱- ۱. امالی صدوق ص ۵۵۸

۲- ۲. معانی الاخبار ص ۱۲۲

۳- ۳. شواهد التنزیل ج۲ ص ۱۶۵؛ الدر المنثور ج۵ ص ۳۲۲۵، تفسیر ابن کثیر ج۷ ص ۳۳، تفسیر روح المعانی ج۱۲ ص ۱۳۵، رشفه الصادی ص ۵۶، مناقب ابن مردویه ص ۳۱۲، صواعق المحرقه ص ۱۴۶

۴- ۴. ص ۱۴۸، تفسیر کبیر رازی ج۲۶ ص ۱۶۲، ما نزل من القرآن فی علی، ابونعیم النور المشتعل ص ۲۰۰

۵- ۵. تفسیر قرطبی ج۱۵ ص ۱۰۷ مکتبه اسلام و ریب _ بحار الانوار مجلسی ج۲۳ ص ۱۶۷

صالـح انجـام دادن (یعنی مومنان) و این آیه شامل تمام مومنان است!!!۳) در هیچ از منابع تفسیری و روایی اهل سـنت در ذیل آیه ۷و ۸ سوره بینه درباره اینکه علی بهترین بشـر و شـیعیان او، بهترین پیروان هستند، مطلبی نیامده!!! ۴) ما شیعیان علی هستیم (منظور جنـاب وهـابی این است که وهـابیت و سـلفیت و اموی هـا و پیروان سـقیفه بنی ساعـده و اتباع ابوبکر و عمر و عثمان و معاویه و یزید شیعه مولا علی هستند؟!!!

اما جواب بلطف باری تعالی: لفظ ظاهری آیه این است که کسانی که ایمان بخـدا دارنـد و عمل صالـح؛ انجام می دهنـد آنان بهترین مردم هسـتند؛ تمام پیامبران فرشتگان و اجنه مومن و ائمه شیعه و اهل ایمان از افراد عادی همه اهل ایمان هستند و ایمان و اهل ایمان درجات و مراتبی دارد و دارند و این آیه شان نزول داشته یعنی به علتی و سببی این آیه بر قلب قدسی پیامبر اسلام نازل شـده و این آیه می خواهـد بگوید ـ علی ابن ابی طالب بعنوان خلیفه جانشـین امام بعد از نبی اکرم از حیث ایمان و عمل صالح از تمام اهل ایمان و صالحین که پیامبران بغیر از رسول اسلام، جزء آنان هستند و علی ابن ابی طالب از تمام اهل ایمان و مومنان افضل و برتر است بغیر از بر رسول اسـلام، در این آیه ۷ و ۸ سوره بینه علی علیه السـلام بعنوان بهترین بشر و مخلوق و آفریده خداوند و شیعیان و پیروان علی ابن ابی طالب بعنوان بهترین پیرو و تابعین هستند؛ اما روایات و تفاسیری که علمای اهل سنت در ذیل آیه ۷ و ۸ سوره بینه در فضـیلت مولا علی و شـیعیانش نقل کرده اند ـ رسول اکرم فرمود: ای علی تو و پیروانت در بهشت بسـر خواهیـد برد ـ یا علی انت و شـیعتک فی الجنه(۱)پیـامبر اکرم در رابطه با تفسیر این آیه شـریفه خطاب به امیر مومنان علی علیه السلام کرد و فرمود: یا علی هم انت و شیعتک(۲)

۱- ۱. حلیه الاولیاء ابونعیم ج۴ ص ۳۲۹، میزان الاعتدال ذهبی ج۱ ص ۴۲۱ ح ۱۵۵۱

۲- ۲. شواهـد التنزیل ج۲ ص ۳۵۶، منـاقب خوارزمی ص ۶۲، فصـول المهمه ابن صـباغ ص ۱۰۷، نظم در رالسـمطین زرندی حنفی ص ۹۲، تاریخ مدینه دمشق ابن عساکر ج۲ ص ۴۴۲ ح ۹۵۱، ینابیع الموده قندوزی ص ۶۲، نور الابصار شبلنجی ص ۷۱، صواعق المحرقه ص ۹۶، تفسـیر در المنثور سیوطی ج۶ ص ۳۷۹، تفسیر طبری ج ۳۰ ص ۱۴۶، تذکره الخواص ابن جوزی ص ۱۸ فتح القدیر شوکانی ج۵ ص ۴۷۷، تفسیر روح المعانی آلوسی ج ۳۰ ص ۲۰۷، فرائد السمطین حموئی ج۱ ص ۱۵۶

والذی نفسی بیده ان هذه و شیعته لهم الفائزون یوم القیامه _ (۱)تاتی یوم القیامه انت و شیعتک راضین مرضیین یاتی عدوک غضاباً مقمحین _ (۲)_ اما ترضی انک معی فی الجنه و الحسن و الحسین و ذریتنا خلف ظهورنا و ازواجنا خلف ذریتنا و شیعتنا عن ایماننا و شمائلنا _ (۳)، یا علی انک ستقدم علی الله انت وشیعتک مرضین، و تقدم اعدواک غضاباً مقمحین (۴)، یا علی ان الله قد غفرلک و لذریتک و ولدک و لاهلک ولشییعتک ولمحبی شیعتک (۵)

حاکم ابوالقاسم حسکانی حنفی در شواهد التنزیل بیش از ۲۰ روایت در ذیل آیه خیر البریه (آیه ۷ و ۸) سوره مبارکه بینه در فضیلت مولا علی نقل کرده است عادت و روش اصحاب پیامبر اسلام، بعد از نزول آیه ۷ و ۸ سوره بینه این شده بود که هر گاه مولا علی بر آنان وارد و حاضر می شد می گفتند _ بهترین بشر و بهترین مردم آمد _ فکان علی، اذا اقبل اصحاب محمد: قد اتاکم خیر البریه بعد رسول الله (۶)، جاء خیر البریه، از جمله اخباری که اشاره دارد مولا علی طبق آیه ۶۱ سوره آل عمران معروف به آیه مباهله و آیه ۷ و ۸ سوره بینه، بهترین انسان و بهترین فرد عالم هستی بعد از رسول اسلام است؛ روایتی است که نبی اکرم فرمود: خوارج خروج می کنند بر بهترین فرقه مردم، آنگاه ابوسعید گفته است: شهادت می دهم که من حدیث را از رسول خدا شنیدم و شهادت می دهم که علی ابن ابی طالب با آنها جنگ نمود و من هم با آن

ص:۳۵۵

۱- ۱. کنوز الحقائق مناوی ص ۸۲،

۲- ۲. کنز العمال ج۱۵ ص ۱۳۷

۳- ۳. صواعق المحرقه ابن حجر ص ۱۵۹

۴- ۴. صواعق المحرقه ص ۱۵۲

۵- ۵. النهایه ابن اثیر ج۳ ص ۲۷۶، امالی صدوق ص ۲۵۱، بحار ج۳۸ص ۵ مناقب اهل البیت، شیروانی ص ۷۸، الغدیر علامه امینی ج۲ ص ۵۸، اعیان الشیعه سید محسن امین ج۱ ص ۳۱، فضائل امیرالمومنین ابن عقده کوفی ص ۲۱۹، تفسیر فرات کوفی ص ۵۸۳؛ امالی شیخ طوسی ص ۲۵۱، تفسیر نورالثقلین حویزی ج۵ ص ۶۴۴، بشاره المصطفی ص ۱۴۹ عماد الدین طبری، مناقب آل ابی طالب ج۲ ص ۲۶۷؛ گروه رستگاران آیت الله سلطان الواعظین شیرازی ج۲ ص ۱۵۹۳، جواهر العقدین سمهودی ج۲ ص ۱۷۸، عقد دوم ذکر هشتم، تاریخ بغداد ج۱۲ ص ۲۸۹ الفردوس دیلمی ج۵ ص ۳۲۹، المعجم الکبیر طبرانی ج۱ ص ۳۱۹ح ۹۵، مناقب ابن مغازلی ص ۲۹۳، لسان المیزان ابن حجر ج۴ ص ۳۵۴، مروج الذهب ج۳ ص ۷، مجمع الزوائد ج۹ ص ۱۳۱، انساب الاشراف ج۲ ص ۱۸۲ موده القربی ص ۹۰، الاغانی، ابوالفرج اصفهانی ج۱۸ ص ۹۰،

۶- ۶. شواهد التنزیل ح ۱۱۳۹

حضرت بودم و منظور از بهترین بشر که با گروه گمراه خوارج، جهاد می کند به امر خدا و رسول علی ابن ابی طالب است ــ و یخرجون علی خیر فرقه من الناس (۱)

اما پاسخ به شبهه جناب وهابی که گفت ما شیعه علی هستیم نه شما؟!! اما جواب: ابی حاتم رازی در کتاب الزینه ص ۲۵۹ ذکر القاب الفرق فی الاسلام، معنی الشیعه می نویسد: در زمان خود پیغمبر صحابه خاص آنحضرت را شیعه می خوانند؛ اولین نامی که در اسلام در زمان رسول خدا، بوجود آمد نام شیعه بوده است و چهار تن از صحابه دارای این لقب بودند ــ ۱) ابوذر غفاری، سلمان فارسی مقداد ابن اسود و عمار بن یاسر،

ان الشیعه لقب لقوم کانوا قد الفوا امیرالمومنین علی ابن ابی طالب فی حیاه رسول الله و عرفوا به، مثل سلمان الفارسی و ابی ذرالغفاری و المقداد بن الاسود و عمار بن یاسر و غیرهم ... کان یقال لهم شیعه علی و اصحاب علی، فیروزآبادی در قاموس المحیط ج۳ ص ۴۹ لغت شیع؛ می نویسد: غالب شده است اسم شیعه بر هر کس که دوست بدارد علی علیه السلام و اهل بیت او را، تا آنکه گشته است شیعه مخصوصاً اسم از برای ایشان شهرستانی می گوید: شیعه کسانی هستند که بطور خاص از علی، پیروی کرده و به امامت و خلافت ایشان به نص و وصیت قائل شده اند ــ الملل و النحل ج۱ ص ۱۰۷؛ ابن خلدون می گوید: شیعه در لغت به معنای مصاحبان و پیروان است و در عرف فقها و متکلمین از خلف و سلف، بر پیروان علی و فرزندان او، اطلاق می شود ــ مقدمه ابن خلدون ص ۱۳۸؛ میرسید شریف جرجانی می نویسد: شیعه کسانی هستند که از علی پیروی کرده و قائل به امامت او بعد از رسول خدا هستند و معتقدند که امامت از او و اولادش خارج نمی شود ــ التعریفات حرف شین ص ۵۷؛ ابن خلدون می نویسد: جماعتی از صحابه، شیعه علی بودند و او را سزاوار خلافت می دانستند (۲) فرید و جدی می گوید: شیعه کسانی هستند که علی را در

۱- ۱. مجمع الزوائد ج ۶ ص ۲۳۹ ــ مناقب ابن مغازلی؛ هم شرالخلق و الخلیفه یقتلهم خیر الخلق و الخلیفه ح ۷۹ ــ المدونه الکبری، امام مالک ج۲ ص ۴۹ السنن الکبری؛ نسائی ج۵ ص ۱۵۹، خصائص امیرالمومنین، نسائی ص ۱۳۸، لسان العرب ج۱۱ ص ۲۹۸ معجم الاوسط ج۴ ص ۵۵۵

۲- ۲. تاریخ ابن خلدون ج۳ ص ۳۶۴،

امامت پیروی کرده و معتقدند که امامت از اولاد او خارج نمی گردد و نیز معتقد به عصمت امامان از گناهان کبیره و صغیر اند و قائل به تولی و تبری در قول و فعلند مگر در حال تقیه _ (۱)؛ استاد محمد کردعلی می گوید: گروهی از اکابر صحابه، معروف به مواليان علی در عصر رسول خدا بودند از آنجمله سلمان فارسی است که می گفت: ما با رسول خدا بیعت کردیم بر خیرخواهی مسلمانان و اقتدا به علی ابن ابی طالب (۲)دکتر صبحی صالح می نویسد: در میان صحابه حتی در عصر؛ پیامبر اکرم، برای علی، پیروان و شیعیانی بوده است از آنجمله ابوذر غفاری، مقداد، جابر بن عبدالله، ابی بن کعب، ابوالطفیل بن واثله، ... النظم الاسلامیه ص ۹۶؛ ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه ج۱۸ ص ۳۹ می نویسد: سلمان فارسی از شیعیان و پیروان و اصحاب خاص، عل ابن ابی طالب بود _ و کان سلمان من شیعه علی و خاصته، دائره المعارف ج ۱۴ ص ۵۸؛ ابن عبدالبر در الاستیعاب ج۳ ص ۴۰ می نویسد: شیعه پیرو اهل بیت است، شیعیان طبق هدایتها و رهبری های اهل بیت عمل می کنند و به آثار و سنت آنان پایبندند

ان الشیعه یتبعون اهل البیت و یهندون بهم و یقتفون آثار هم و یحتجون بالسنه المنقوله الیهم،

شیعیان مولا علی کسانی هستند که در سقیفه بنی ساعده می گفتند: ما جزء با علی بیعت نمی کنیم لانبایع الاعلیاً (۳)

الفصل السادس الشیعه الذین شایعوا علیاً رضی الله عنه علی الخصوص و قالوا بامامته و خلافته نصاً و وصیه، اما جلیا و اما خفیا و اعتقدوا ان الامامه لاتخرج من اولاده....(۴)

الشیعه هم الذین شایعوا علیاً رضی الله عنه قالوا: انه الامام بعد رسول الله و اعتقدوا ان الامامه لاتخرج عنه و عن اولاده (۵)

۱- ۱. دائره المعارف ج۵ ص ۴۲۴

۲- ۲. خطط الشام ج۵ ص ۲۵۱؛

۳- ۳. تاریخ طبری ج۳ ص ۲۰۲، کامل، ابن اثیر ج۳ ص ۳۲۵،

۴- ۴. الملل و النحل شهرستانی ج۱ ص ۱۶۹

۵- ۵. التعریفات جرجانی ج۱ ص ۱۲۹

ابن حجر مکی در کتـاب صواعق المحرقه ج۲ ص ۴۴۹طبق سایت مکتبه شامله می نویسد: شـیعیان علی همان اهل سنت هستند زیرا، آنهـا هسـتند که علی را آنطور که خـدا و رسول فرمـان داده دوست دارنـد و امـا غیر از اهل سـنت همه دشـمنان علی می باشند زیرا محبتی که خارج از شرع بوده و از راه هدایت انحراف دارد، در حقیقت بزرگترین دشمنی است

و شیعته هم اهل السنه لانهم الذین احبوهم کما امر الله و رسوله و اما غیر هم فاعداوه فی الحقیقه لان المحبه الخارجه عن الشرع

اولاً این سخن، ابن حجر مکی، شبیه کلام و حرف، جناب وهابی است که به من گفت: ما شیعه و پیرو علی علیه السلام هستیم، امـا جـواب، حرف ابـن حجر و جنـاب وهـابی، بـدان کلمه و عبـادت شیعه در لغت به معنـای، پیرو هست نه به معنـای مُحب و دوست، ثانیاً: این معنا با معنای اصـطلاحی شیعه نیز، سازگاری ندارد، زیرا شـیعه در اصطلاح به گروهی اطلاق می شود که از اهـل بیت عصـمت و طهـارت، پیروی کرده و قائل به امامت و وصایت آنها می باشـند، که اقوال بعضـی از مورخین اهل سـنت دربـاره لفظ شیعه در طول تاریـخ که پیروان مولا علی، معمولاً اطلاق می شود از نظر شـما گـذشت، ثالثاً: به ابن حجر و جناب وهابی می گوئیم اگر شـیعیان علی همان اهل سـنت هستند که محب او هستند، آنگونه که در کتاب و سنت آمده؛ پس چرا در مـدح دشـمنان مولا علی، کتاب تالیف کرده و آنها را می سـتایند؟! مگر خودِ ابن حجر نیست که در رساله مسـتقلی در دفاع از معـاویه بنـام، تطهیر الجنـان تـالیف کرده است؟ آیا دشـمنی معاویه نسـبت به امام علی برای ابن حجر، معلوم نبوده است؟! شـما چگونه اهل بیت عصـمت را دوست دارید در حالی که بزرگانتان امثال محمد اسـماعیل بخاری صاحب کتاب صحیح البخاری از نواصب و دشـمنان مولاـ علی، ازجمله عمران بن حطان روایت نقل می کنـد ولی نسـبت به اهل بیت یا بی توجهی کرده و یا اصـلاً روایتی نقـل نمی کنـد؟! امـا پاسـخ به شـبهه و کـذب دیگر جناب وهابی گفتی چون بیشترین روایت را از مولا علی نقل کردیم مـا شـیعه علی هستیم نه شـما که یـک روایت صـحیح از اهل بیت نقل نکردیـد؟! بـدان ای جناب وهابی اموی مسلک، بیشترین روایات شما، از ابوهریره حدیث ساز و حدیث جعل کن هست، ابوهریره از جهت نقل حدیث گوی سبقت را از

همه صحابه ربوده است و بعضی از منقولات او را به ۵۳۷۴ ــ ۵ هزار و سیصد و هفتاد و چهار، حدیث تحدید نموده اند و بخاری از آنها فقط ۴۴۶ حدیث انتخاب و نقل نموده است؛ اما مجموعه احادیثی که اهل سنت از مولا علی نقل کرده اند ۵۸۶ حدیث است ــ (۱)جالب است، ابوهریره بیش از ۳ سال با پیامبر اکرم نبوده، چندین هزار حدیث از نبی اسلام نقل کرده ولی مولا علی از دوران خردسالی تا زمانی که سر مبارک پیامبر در دامنش بوده و رحلت کرده فقط از ایشان ۵۸۶ حدث نقل کرده اید، آیا این با منطق عقل و تاریخ و قرآن سازگار است؟! ــ (۲)ــ در تاریخ اهل سنت آمده که ابوهریره شخصی کذاب و افتراء زن به پیامبر اسلام بود و حتی خلیفه دوم عمر ابن الخطاب، با تازیانه او را می زد و می گفت کمتر دروغ نسبت به پیامبر بده، ابوهریره می گفت: سفره و غذای معاویه چرب تر و نماز پشت سر علی خواندن افضل است تا آنکه معروف شد به شیخ المضیره، مضیره، خوراکی است که با شیر، درست می کنند و غذایی بود، مخصوص معاویه ــ (۳)از جمله کسانی که از طرف معاویه، حدیث در مذمت و طعن، مولا علی، وارد می ساختند، ابوهریره بوده است (۴)، ابوهریره از جمله کسانی بود که با بسربن ارطاه در ظلم و کشتن شیعیان، شرکت و همکاری داشته است(۵)

اما منابعی که اشاره کرده اند، جناب خلیفه دوم، عمر ابن الخطب، ابوهریره را تازیانه زد، جهت کثرت روایات نقلی و جعلی که نسبت به نبی اکرم می داد ــ (۶)

ص:۳۵۹

۱- ۱. الاصابه ابن حجر ج۴ ص ۲۰۵

۲- ۲. صحیح بخاری ج ۴ ص ۱۷۵ (در بخش آنچه ابوهریره درباره خود روایت کرده است باب علامات النبوه)

۳- ۳. ربیع الابرار، زمخشری ج۳ ص ۳۷۰

۴- ۴. شرح نهج البلاغه ج۴ ص ۶۳ خطبه ۵۶

۵- ۵. تاریخ طبری ج۴ ص ۱۰۶، الکامل ابن اثیر ج۳ ص ۳۸۴ تاریخ ابن خلدون ج۳ ص ۴ و ص۵ شرح نهج البلاغه ج ۱ ص ۳۴۰ خطبه ۱۵، برای اطلاع از شرح حالات ابوهریره که چه زمانی اسلام آورده و کی وفات کرده و چقدر حدیث جعلی نقل کرده به این منابع مراجعه فرمائید ــ طبقات ابن سعد ج۱ ص ۲۶۵، اصابه ابن حجر ج۷ ص ۳۵۹، صحیح بخاری ج۵ ص ۴۲ ح ۱۱۹ کتاب المناقب؛ اصابه ابن حجر ج۷ ص ۳۶۲ ش ۱۰۶۸۰ مستدرک حاکم ج۳ ص ۵۸۱ ح۶۱۵۴ کتاب معرفه الصحابه، استیعاب ابن عبدالبر ج۴ ص ۱۷۷۲ ش ۳۲۰۸

۶- ۶. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۱۶ ص ۱۶۵ خطبه ۴۰، طبقات الکبری ابن سعد ج۴ ص ۲۵۰ ش ۵۲۰؛ الاصابه ابن حجر ج۷ ص ۳۶۰ ش ۱۰۶۸۰، عقد الفرید ابن عبدالبر ج۱ ص ۳۴، صحیح مسلم ج۱ ص ۶۰ ح ۵۲ کتاب الایمان، تاریخ دمشق ابن عساکر ج ۵۰ ص ۱۷۲ ش ۵۸۱۷؛ کنزالعمال هندی ج ۱۰ ص ۲۹۱ ح ۲۹۴۷۲؛

یا عدوالله و عدو کتابه اسرقت مال الله؛ _ فقال عدوالله و للاسلام او قال عدو الله و لکتابه سرقت مال الله، ...

مولا علی فرمود: بدانید که دروغگوترین مردم به رسول خدا، ابوهریره دوسی می باشد _ الا ان الکذب الناس او قال اکذب الاحیاء علی رسول الله، ابوهریره الدوسی _ (۱)، مکرر، عایشه همسر نبی اکرم، ابوهریره را طرد می نمود و می گفت: ابوهریره کذاب است و از قول رسول خدا، بسیار جعل حدیث می نماید (۲)

و کانت عائشه اشدهم انکاراً علیه لتطاول الایام بهاوبه(۳)

خود ابوهریره حدیث جعل کن راوی منابع حدیثی اهل سنت می گوید: من نیز چون فقیر و گرسنه بودم، برای پُر کردن شکم خود دنبال رسول خدا راه افتاده بودم (۴)

و کنت امراً مسکینا الزم رسول الله علی ملءٍ بطنی

بدان ای جناب وهابی، روایات اهل سنت به اقرار، ابن خلدون و ابن کثیر پر از احادیث اسرائیلیات برگرفته از تورات از مطالب بی اساس و دروغ بوده است (۵)دارقطنی می گوید: احادیث صحیح میان، احادیث دروغ به اندازه موی سفید در پوست گاو سیاه است _ (۶)ذهبی می گوید: سه چهارم احادیث موجود؛ دروغ است (۷)ذهبی می نویسد: کعب الاحبار، دانشمند آگاه یهودی بود که در دوران حکومت عمر ابن الخطاب مسلمان شد و از اسرائیلیات خود برای صحابه نقل روایت کرد _ (۸)؛ جناب وهابی این هم پاسخ به شبهه شما که فرمودی ما وهابیت و اهل سنت شیعه علی هستیم چون زیاد از ایشان روایت نقل کردیم پس معلوم شد شماها از چه کسی بیشتر روایت نقل

۱- ۱. شرح نهج البلاغه ج۴ ص ۶۸ خطبه ۵۶ و ج ۲۰ ص ۲۴ کلمات قصار ۴۱۳

۲- ۲. تاویل مختلف الحدیث ابن قتیبه ص ۸۹

۳- ۳. ، مستدرک حاکم ج۳ ص ۵۸۲ ح ۶۱۶۰؛ تلخیص المستدرک ذهبی ج۳ ص ۵۰۹، صحیح مسلم ج۴ ص ۱۹۴۰ ح ۱۶۰

۴- ۴. صحیح بخاری ج۱ ص ۵۵ ح ۱۱۸ کتاب العلم

۵- ۵. مقدمه ابن خلدون ج ۱ ص ۴۳۹، تفسیر القرآن العظیم ج۴ ص ۱۸ و ج ۳ ص ۳۶۷؛

۶- ۶. حیات محمد از محمد حسین هیکل ص ۴۹،

۷- ۷. سیر اعلام النبلاء ج۷ ص ۲۲۶،

۸- ۸. سیر اعلام النبلا ج۳ ص ۴۸۹

گردید و او چه شخصیتی داشته و وضع روایات شما چگونه است!!! قبل از آنکه پاسخ دهم بلطف حق، به شبهه و شبهات دیگر شما، به این اشکالی که به فضیلت مولا علی در ذیل آیه ۱۰۹ سوره کهف گرفتی، که گفتی این حدیث مسخره هست مثلاً اگر خلیج فارس پر از مرکب شود و درختان ایران تبدیل به قلم شوند نمی توانند مثلاً فضائل صحابه یا مثلاً فضائل صحابه یا علی را بنوسیند، قابل قبول برای عقل نیست؟! بدان در روایات شما، مولا علی، در ذیل آیه ۱۹ سوره مبارکه الرحمن، تعبیر به دریا شده است، دریای فضائل، دریای کرامات و ... جای تعجب نباید باشد که وجود مبارک و مقدس مولا علی از دریای ظاهری و دنیوی فراتر است ــ عن جویبر عن الضحاک فی قوله تعالی (مرج البحرین یلتقیان)

قال: علی و فاطمه (بینهما برزخ لایبغیان) قال: النبی (یخرج منهما اللؤلؤ و المرجان) قال: الحسن و الحسین ــ (۱)؛ ؛ و اخرج ابن مردویه عن ابن عباس فی قوله: مرج البحرین یلتقیان قال: علی و فاطمه ... (۲)ــ عن جعفر الصادق علیه السلام : فی تفسیر هذه الایه قالوا: علی و فاطمه بحران عمیقان لایبغی احدهما علی صاحبه و بینهما برزخ هو رسول الله، یخرج منهما اللؤلؤ و المرجان هما الحسن و الحسین (۳)

یکی دیگر از فضائل بی نظیر مولاـ علی که برای جناب وهابی خواندم و با تمسخر تمام آنرا رد کرد قسمتی از آیه ۴۷ سوره حجر و تفسیر ذیل آن است، اما با تحقیق کوچکی که حقیر از کتب معتبر و مهم اهل سنت نمودم بیش از ۱۵ منابع روایی و حدیثی اهل سنت آنرا نقل کرده اند، در بخشی از این ۴۷ آیه سوره حجر، خداوند می فرماید: همانند برادر بر روی سریرها و تخت های زربافت و مجلل بهشتی در مقابل

۱- ۱. شواهد التنزیل حاکم حسکانی ج۲ ص ۲۸۴ ح ۹۱۸، مناقب ابن مغازلی ص ۳۳۹ح ۳۹۰، مناقب ابن مردویه ص ۳۲۸ ح ۵۴۷؛ تفسیر در المنثور سیوطی ج۶ ص ۱۹۵ نور الابصار شبلنجی ص ۲۲۶، ینابیع الموده قندوزی ج۱ ص ۳۵۴؛ الکشف و البیان ثعلبی ج۹ ص ۱۸۲؛ تذکره الخواص ابن جوزی ص ۲۱۲؛ مقتل الحسین خوارزمی ج۱ ص ۱۶۸؛ تفسیر روح المعانی آلوسی ج۱۴ ص ۱۰۶؛ فصول المهمه ابن صباغ مالکی ج۱ ص ۱۵۰ ما نزل من القرآن فی علی ابونعیم با استفاده از النور المشتعل ص ۲۳۶؛ تفسیر روح البیان ج۹ ص ۲۹۶؛ غایه النهایه ج۱ ص ۵۴۷ الجزری

۲- ۲. الدر المنثور سیوطی ج۱۴ ص ۱۱۶ و ص۱۱۷ مکتبه اسلام ویب (وهابی ها) تفسیر روح المعانی ج۱۷ ص ۱۰۷، سایت اسلام ویب وهابی ها

۳- ۳. مناقب آل ابی طالب ج ۳ ص ۳۱۸، تفسیر فرات الکوفی ص ۴۶۰ ح ۶۰۰ غایه المرام ص ۴۱۳ باب ۱۵۳ح۴، توضیح الدلائل ایجی ص ۱۶۶، کشف الغمه ج۱ ص ۳۲۳، کشف الیقین ص ۳۹۶

یکدیگر، تکیه می زند خودِ نبی اکرم بعنوان مفسر قرآن کریم می فرماید: ای علی من تو را به عنوان برادر معنوی برگزیدم و منزلت تو پیش من همانند منزلت و رتبه هارون پیش موسی است و تو وارث من می باشی؛ مولا علی از نبی اکرم سوال کرد من چه چیزی از شما به ارث می برم؟ رسول اکرم فرمود: کتاب خدا و سنت من، ای علی تو در بهشت با من هستی در قصر و کاخ من همراه با دخترم فاطمه زهرا، و تو برادر و رفیق من در بهشت هستی و بعد نبی اکرم قسمت مورد نظر آیه ۴۷ سوره حجر را تلاوت فرمود که می فرماید: برادرانه رو به روی هم بر تخت های بهشتی نشسته اند _ والذی بعثنی بالحق ما اخرتک الا لنفسی فانت عندی بمنزله هارون من موسی و وارثی فقال: یا رسول الله ما ارث منک؟ قال: ما اورثت الانبیا قال: و ما اورثت الانبیاء قبلک؟ قال: کتاب الله و سنه نبیهم و انت معی فی قصری فی الجنه مع فاطمه ابنتی و رفیقی ثم تلا رسول الله الایه: اخوانا علی سرر متقابلین؛ الاخلاء فی الله ینظر بعضهم الی بعض (۱)_ قال علی ابن ابی طالب: یا رسول الله ایما احب الیک انا ام فاطمه؟ قال: فاطمه احب الی منک و انت اعز علی منها و کانی بک و انت علی حوضی تذود عنه الناس و ان علیه لاباریق مثل عدد نجوم السماء و انی و انت والحسن و الحسین و فاطمه و عقیل و جعفر فی الجنه اخوانا علی سرر متقابلین و انت معی و شیعتک فی الجنه ثم قرأ رسول الله: اخوانا علی سرر متقابلین لاینظر احدهم فی قفاء صحابه (۲)

و انت اخی و رفیقی ثم تلا رسول الله: اخوانا علی سرر متقابلین، (۳)

و این آیه و تفسیرش که نظر شما گذشت فضیلت بی نظیر مولا علی است و هیچ پیامبری غیر از رسول اسلام با او در این فضیلت شریک نیست، نبی اکرم فرمود: علی برادر من است و هر کس غیر از او این ادعا را بکند دروغگو است و علی در دنیا و

۱- ۱. المعجم الکبیر؛ طبرانی ج۵ ص ۲۲۰ ح ۵۱۴۶ _ (مکتبه شامله و اسلام ویب) المعجم الاوسط، طبرانی ج۷ ص ۳۴۳ ح ۷۶۷۵

۲- ۲. فضائل الصحابه احمد حنبل ج۲ ص ۶۳۸ ح ۱۰۸۵ و ج۲ ص ۶۶۶ ح ۱۱۳۷ الثقات ابن حبان ج۱ ص ۱۴۲، سیر اعلام النبلاء ذهبی ج۱ ص ۱۴۲، ریاض النضره طبری ج۳ ص ۱۸۲

۳- ۳. المناقب المرتضویه، محمد صالح کشفی ترمذی حنفی ص ۸۵، تاریخ مدینه دمشق ابن عساکر ج۴۲ ص ۵۳ و ج۲۱ ص ۴۱۶، مناقب خوارزمی ص ۱۵۲ ح ۱۷۸؛ ینابیع الموده قندوزی ج۱ ص ۳۹۵ و ص ۱۶۰ و ص ۱۷۸؛ مناقب ابن مردویه ج۱ ص ۲۷۰؛ تذکره الخواص ابن جو.زی ص ۲۳ الکامل فی ضعفاء الرجال، ابن عدی ج۴ ص ۱۶۳، الاحاد و المثانی، ابن ابی عاصم ج۵ ص ۱۷۰ مجمع الزوائد هیثمی ج۹ ص ۱۷۳ ح ۱۵۰۱۶ _ و بقیه رجاله ثقات

آخرت برادر من می باشد؛

ان النبی آخی بین النـاس و ترک علیاً حتی بقی آخرهم لاـیری له اخاً فقال: یا رسول الله، آخیت بین الناس و ترکتنی؟ قال: ولم ترانی ترکتـک؟ انما ترکتک لنفسـی، انت اخی و انا اخوک، فان ذاکرک احـد فقل: انا عبـدالله و اخو رسوله؛ لایـدعیها بعـد الا کذاب (۱)

اولاً بدان ای وهابی ناصبی طبق آیه تطهیر و حدیث ثقلین ؛ روایات در باب عصـمت اهل بیت و ادله فراوان دیگر از کتب شیعه و سنی ؛ آثار و آلودگی ها و نجاسات ظاهری و باطنی عصر جاهلیت به خاندان عصمت و اهل بیت رسالت اصابت نکرده که مفسران نامی شما در ذیل آیه ۴۷ سوره حجر نوشته اند ؛ امام علی علیه السلام غل جاهلیت با صحابه داشته است برای اینکه مطلب برای جناب وهابی مبرهن و روشن شود به سخنان گهربار ؛ خاندان عصمت و رسالت توجه می کنیم بطور اختصار – به سند معتبر از نبی اسلام روایت شده است که فرمود : حق تعالی من و علی و فاطمه و حسن و حسین را هفت هزار سال پیش از خلقت دنیا آفریـد ؛ معاذ گفت : ای پیامبر کجا بودیـد ؟ حضـرت فرمود : در عرش بودیم و خـدا را تسبیح و تمجید می کردیم پرسید به چه صورت بودید ؟ فرمود : ابتدا ، اشباحی از نور بودیم اما هنگامی که خداوند خواست صورتمان را خلق کند ما را به شکل ستونی از نور در صلب آدم جای داد و آنگاه از صلب های پدران و رحم مادران بیرون آورد و نجاسات شرک و زنا و کفر به ما نرسید – علل الشرایع صدوق ج ۱ ص ۶۷۶ باب ۱۵۶ حدیث ۱۱ – ولا یصبنا نجس الشرک و لاسفاح الکفر – امام صادق علیه السلام فرمود : تطهیر ما از آلودگی ها جاهلیت بوده و هیچ وقت به نجاسات جاهلیت آلوده نشده ایم – انما تطهیرا من میلاد الجاهلیه – لم ینجسنی الجاهلیه بانجاسها – بحارالانوار ج ۹۲ ص ۱۱۰ و ج ۱۵ ص ۱۱۸ ؛ تفسیر تبیان ج ۴ ص ۱۷۵ ؛ در زیـارت وارث می خوانیم ای ابـا عبـدالله شـهادت می دهم تو نوری بود در کمرهای شامـخ و ارحام مطهرات که هیـچ وقت آلوده به نجاسات عصـر جاهلیت نه خودت و نه آبا و امهاتت نشدنـد – اشـهد انک کنت نوراً فی الاصـلاب الشامخه و الارحام المطهره لم تنجسک

۱– ۱. فضائل الصحابه، احمد بن حنبل ج۲ ص ۶۱۷ ح ۱۰۵۵

الجاهليه بانجاسها – اصلاً ای وهابی کور دل ؛ مردم عصر جاهلیت عرب که خلفای ثلاثه شما هم قبل از اسلام آوردنشان جزء آنان بودند بوسیله پیامبر و اهل بیت پیامبر ؛ رهنمون به نور اسلام و قرآن شدند و به ظاهر از جاهلیت و نجاسات جاهلیت عرب دست کشیدند ؛ مولا علی به گروه مهاجر و انصار فرمود : ای طایفه قریش به سبب چه کسی خداوند فضیلت (مسلمانی) را به شما داده است ؟ گفتند : بوسیله حضرت محمد و اهل بیتش ؛ خداوند ما را هدایت کرد – فرائد السمطین جوینی ج ۲ ص ۳۱۲ ح ۲۵۰ – ینابیع الموده ج ۲ باب ۳۸ ص ۲۱۲ – فانا أسألکم یا معشر – قریش و الانصار بمن أعطاکم الله هذا الفضل ... قالوا : بل اعطانا الله و من علینا بمحمد و عشیرته – مولا علی می فرماید : خداوند بوسیله عترت پیامبر ؛ پشت خمیده ی دین اسلام را ؛ راست نمود و لرزش و اضطراب آن را از میان برداشت زیرا عترت پیامبر ؛ جایگاه اسرار خداوندی و پناهگاه فرمان الهی و مخزن علم خدا و مرجع احکام اسلامی و نگهبان کتاب های آسمانی و کوه های همیشه استوار دین خدایند – نهج البلاغه خطبه (۲) شماره ۴ و ۶ ص ۴۳ الی ص ۴۵ – بهم اقام انحناء ظهره و اذهب ارتعاد فرائصه – مولا علی فرمود : شما مردم بوسیله ما از تاریکی های جهالت نجات یافته و هدایت شدید و به کمک ما به اوج ترقی رسیدید – نهج البلاغه خطبه ۴ ص ۴۹ شماره ۱ – بنا اهتدیتم فی الظلماء و تسنمتم ذروه العلیاء و بنا افجرتم عن السرار – نهج البلاغه خطبه ۸۷ ص ۱۴۹ – و هم ازمه الحق و اعلام الدین و السنه الصدق – نهج البلاغه خطبه ۹۴ ص ۱۷۷ ش ۳- عترته خیر العتر و اسرته خیر الاسر – خطبه ۱۰۹ ش ۸ ص ۲۰۹ – نحن شجره النبوه و محط الرساله و مختلف الملائکه و معادن العلم و ینابیع الحکم – خطبه ۱۴۴ ش ۲ ص ۲۶۵ مولا علی می فرماید : خداوند ما اهل بیت پیامبر را بالا آورد ... ما را در حریم نعمت های خویش داخل کرد ... که مردم راه هدایت را با رهنمودهای ما می پویند و روشنی دل های کور ؛ را از ما می جویند – ان رفعنا الله ... و اعطانا ... و ادخلنا... بنایستعطی الهدی و یستجلی العمی – خطبه ۱۵۲ ص ۲۸۱ ش ۲- خطبه ۱۵۴ ص ۲۸۵ ش ۱ – نحن الشعار و الاصحاب و الخزنه و الابواب ... فیهم کرائم القرآن و هم کنوز الرحمن ... خطبه ۱۶۱ ص ۳۰۳ ش ۱ ؛ خطبه ۲۳۹ ص ۴۷۵ – هم عیش العلم و موت الجهل

ص:۳۶۴

... مولا علی فرمود: اهل بیت پیامبر هیچ وقت با حق مخالفت نکردند و در آن اختلاف ندارند آنان ستون های استوار دین و پناهگاه مردم هستند حق بوسیله آنان به جایگاه خویش بازگشت و باطل از جایگاه خویش رانده شد – لایخالفون الحق – نامه ۱۷ ش ۲ ص ۴۹۶

مولاعلی به معاویه لعین فرمود : فضیلت نبوت در اختیار ماست که با آن عزیزان را ذلیل و خوارشدگان را بزرگ کردیم و آن گاه خداوند امت عرب را فوج فوج به دین اسلام درآورد – فضل النبوه التی اذ للنابها العزیز و نعشنابها الذلیل – خطبه ۴ ش ۲ ص ۴۹ – ما شککت فی الحق مذاریته – جناب وهابی مفسران سنی و وهابی در ذیل آیه ۴۷ سوره حجر ؛ دچار تناقض فراوان و جدی هستند گفته اند که این آیه درباره امام علی و ابوبکر و عمر و عثمان نازل شده که در عصر جاهلیت غل و سیاهی جاهلیت با هم داشته اند طبق متون تاریخی ، حدیثی و قرآنی از کتب شیعه و سنی و اهل تفسیر ؛ مولا علی ؛ مبراء بوده از نجاسات و سنت های آلوده عصر جاهلیت و از دوران کودکی و خردسالی با نبی اکرم رشد و نمو کرده است و زیر نظر و تحت اشراف منور نبی اسلام بوده است ؛ مولا علی می فرماید : پیامبر مرا در اتاق خویش می نشاند در حالی که کودک بودم مرا در آغوش خود می گرفت و در بستر مخصوص خود می خوابانید ؛ بدنش را به بدن من می چسباند و بوی پاکیزه خود را به من می بویاند و گاهی غذایی را لقمه لقمه در دهانم می گذارد هرگز دروغی در گفتار من و اشتباهی در کردارم نیافت ... و من همواره با پیامبر بودم چون فرزند که همواره با مادر است ؛ پیامبر هر روز نشانه تازه ای از اخلاق نیکو را برایم آشکار می فرمود و به من فرمان می داد که به او اقتداء نمایم پیامبر چند ماه از سال را در غار حراء می گذراند ؛ تنها من او را مشاهده می کردم و کسی جز من او را نمی دید ... من نور وحی و رسالت را می دیدم و بوی نبوت را می بوییدم ... پیامبر فرمود : ای علی تو آنچه را من می بینم می بینی و آنچه را من می شنوم می شنوی جزء آنکه تو پیامبر نیستی بلکه و زیر من بوده و به راه خیر می روی – نهج البلاغه خطبه ۱۹۲ ش ۱۷ ص ۳۹۹ و ش ۱۸ ص ۴۰۰ – انک تسمع ما اسمع و تری ما اری الا انک لست بنبی و لکنک لوزیر و انک لعلی خیر – و ش ۱۹ ص ۴۰۱- در کتب حدیثی و تاریخی و

لغوی اهل سنت آمده ؛ امیر مومنان علی ؛ جدا شده و دور شده و منزء و مبراء بوده از شرک و آلودگی های جاهلیت – النهایه ابن اثیر ج ۵ ص ۴۲ الا نزع من الشرک – تذکره الخواص ابن جوزی ج ۱ ص ۱۱۸ و یسمی الا نزع لانه کان انزع من الشرک بحار ج ۳۵ ص ۵۳ ؛ مناقب ابن مغازلی ج ۱ ص ۴۶۷ ح ۴۵۵ – فابشر فانک الا نزع البطین ؛ المنزوع من الشرک ؛ لوامع الانوار البهیه ج ۲ ص ۳۳۵ سفارینی ؛ مطالب السوول فی مناقب آل الرسول ابن طلحه شافعی ج ۱ ص ۶۷ ؛ مطالبی جالب در این زمینه ابن طلحه شافعی دارد که نظر شما را به آن معطوف می کنم ؛ آن حضرت (امام علی) چون تحت تربیت مستقیم نبی اسلام قرار داشت و از راه و روش او پیروی می نمود ؛ شبانه روز گوش به فرمان پیامبر بود و جامه پیروی او را به تن داشت و همه کوشش و توجه خود را در پیروی آن حضرت بکار می برد اگر می خواهی در مورد شخصیت فردی اطلاع پیدا کنی از رفیق و همنشین او سوال کن و از خودش نپرس زیرا که هر همنشینی در اعمال و رفتار به همنشین خود اقتداء می کند ؛ خداوند از انوار نبوت که در آفاق منتشر شده بود ؛ در او تابید و او را جانی پاکیزه بخشید و به خاطر صفایی که نفس پاک او داشت خداوند قابلیت پذیرش همه خوبی های پسندیده و کرامت های اخلاقی را به او عطاء نمود و با داشتن نوری چنین از نزدیک شدن به کدورت کفر و ناخالصی و آلودگی به نفاق پاک ماند ؛ و بدان پاکیزگی از ظلمات شرک و آلودگی های دروغ و افتراء به کلی جدا مانده لذا وقتی که نفس پاکش به واسطه دوری از گناهان و اشتیاق به خوبی ها برتری یافت شایسته ملقب شدن به صفت انزعیت شد و بدان لقب معروف گردید – و نزعت نفسه عن ارتکاب السیئات ... اغتدی احق بصفه الا نزعیه ... لفظه الا نزع من المدائح ... خصه الله من انوار النبوه المنتشره فی الافاق بنفس زکیه ... فنزعت لطهارتها عن ظلمات الشرک ... – مطالب السوول ج ۱ ص ۶۸ و یکی از صفاتی که خود برادران اهل سنت به مولا علی نسبت می دهند صفت کرم الله وجه هست یعنی خداوند کرامت گذاشته بر وجود و جمال علی علیه السلام یعنی حضرت از تمام آلودگی جاهلیت عرب همانند بت پرستی و توجه به غیر خدا ؛ مبراء و منزه بوده اند – الفتاوی الحدیثیه ابن حجر هیثمی ج ۱ ص ۴۱ – حکمه ذلک ان علیاً کرم الله وجهه و رضی عنه لم یسجد

لصنم قط ... او الکنایه عن الذات ای حفظه عن ان یتوجه لغیرالله فی عبادته – حاکم نیشابوری در المستدرک در ج ۳ ص ۶۶۶ ح ۶۴۶۳ ؛ جریان کفالت نبی اکرم از مولا علی را نقل کرده است که اهل تحقیق به آدرس مذکور ؛ رجوع فرمایند – فاخذ رسول الله علیاً فضمه الیه ... فلم یزل علی مع رسول الله حتی بعثه الله نبیاً فاتبعه و صدقه – صواعق المحرقه ص ۱۲۰ باب ۹ فصل ۱ – علی بن ابی طالب لم یعبد الاوثان قط لصغره ای و من ثم یقال فیه کرم الله وجهه – نبی اکرم فرمود : سبقت گیرندگان در کل ملت ها ۳ نفر بودند ؛ صاحب یاسین و مومن آل فرعون و علی ابن ابی طالب که یک چشم بهم زدن کافر و مشرک نشد و علی افضل از آن دو نفر است – سابق الامم ثلاثه لم یشرکوا بالله طرفه عین : علی ابن ابی طالب ... و علی ابن ابی طالب و هو افضلهم – کفایه الطالب ص ۱۲۳ باب ۲۴ ؛ تفسیر قرطبی ج ۱۵ ص ۲۰ ذیل آیه ۲۷ یس ؛ تفسیر ثعلبی ج ۸ ص ۱۲۶ ؛ در المنثور ج ۵ ص ۴۹۲ روح المعانی ج ۱۱ ص ۳۹۷ ؛ تفسیر کشاف ج ۴ ص ۱۰

وهابیت بی انصاف، بخاطر اینکه به عللی این منقبت بی نظیر مولا علی را رد کند می گوید: عبارت قبل از{ اخوانا علی سرر متقابلین} در آیه ۴۷ سوره زخرف می گوید؛ ما غل و کینه و عداوت را از دل اهل بهشت پاک می کنیم و بعد همانند برادر روی تخت ها، مقابل یکدیگر، تکیه می زنند، پس عبارت و نزعناما فی صدورهم من غل، این حدیث و تفسیر مذکور، در ذیل آیه ۴۷ سوره حجر را باطل می کند؛ اما جناب سلفی مباحثی کوتاه و ناقصی که با او داشتم اظهار داشت و گفت: چه غل و کینه ی نعوذ بالله بین علی و پیامبر اسلام بوده که این آیه را در فضیلت علی برای ما آوردی؟!! اما جواب: اولاً طبق آیه تطهیر و آیه مباهله و عصمت و طهارت روحی و الهی، پیامبر اسلام و مولا علی بین ایشان بفرموده قرآن و عقل و روایات کثیره هیچ کینه و عدواتی نبوده و نخواهد بود چون حضرات چهارده معصوم همگی مبرا از نقصی و آلودگی و خباثت روحی و عملی و قولی هستند و هیچ تنازع و اختلافی بین آنها نبوده و نخواهد بود حتی بین تمام پیامبران هیچ گونه اختلاف و تنازع و کینه ای نبوده تمام فرق اسلام و عقلای اسلام این مطلب را قبول دارند، ثانیاً یک قسمت آیه ۴۷ سوره حجر؛ درباره فضیلت مولا علی و پیامبر اسلام است آنجا که می فرماید:

برادرانه رو به روی یکدیگر در بهشت تکیه می زنند: ثالثاً: امام صادق علیه السلام می فرماید: بخدا قسم در این قسمت آیه ۴۷ سوره حجر آنجا که خداوند می فرماید: ما غل و کینه از دل و فکر اهل بهشت پاک و مبرا کردیم؛ منظور، شیعیان و محبان ما اهل بیت است؛ _ والله ما اراد بهذا غیرکم _ (۱)، با کینه و عدوات شیطانی و نفسانی نمی تواند به دار السلام بهشت راه پیدا کرد، منظور آیه این است که مومن بدون کینه از برادر مومن وارد بهشت می شود ولی چون ممکن است بر اثر خطورات نفسانی، ناراحت شود از مقامات عالیه سایر مومنین و کینه آنان به دل بگیرد، خداوند خودش این خطورات و ناراحتی های روحی را از کل مومنین دفع می کند چون بهشت محل آسایش و آرامش روحی و بدنی است، جناب وهابی عقیده دارد ابتدای آیه ۴۷ سوره حجر که می گوید ما غل و کینه را از دل اهل بهشت می زدایم؛ منظور معاویه و مولا علی هستند که در دنیا جنگ قتال، درگیری و دشمنی با هم داشتند، در آخرت و بهشت، این دشمنی تبدیل به دوستی می شود، اولاً شما ثابت کن که حتماً معاویه با این جنایاتی که داشته اهل بهشت است ثانیاً قرآن کریم در سوره زخرف آیه ۶۷ می فرماید: در روز قیامت عده ای از دوستان با هم دشمن می شوند مگر افراد متقی _ الا خلاء یومئذ بعضهم لبعض عدو الا المتقین

سوماً نباید جناب وهابی مولا علی امام متقین و جانشین الهی پیامبر، را با معاویه مقایسه کنی، مولا علی با هیچ احدی کینه و عدوات شخصی و نفسانی نداشته بلکه عدوات و دشمنی او با بعضی از افراد الهی بود، از دیدگاه منطق قرآن و اسلام ما باید دوستی خدا و اولیای خدا را بپذیریم از سوی دیگر باید دشمنی شیطان و دوستان شیطان را هم بپذیریم، دستگیره ایمان دوستی برای خدا و دشمنی برای خداست، معاویه و امثال او، مثل ، دشمنان خدا و رسول و مولا علی بودند و معنا ندارد فردای قیامت و در بهشت با هم زندگی کنند، روز قیامت، روز فصل و جدایی بین مومنان و کافران است _ سوره یس

{وامتزوا الیوم ایها المجرمون } (۲)

۱- ۱. روضه کافی، کلینی رازی ج۸ ص ۳۵ ح۱

۲- ۲. آیه ۵۹، سوره حج آیه ۱۷

{ ان الله یفصل بینهم یوم القیامه}، (۱) _ سایت مکتبه شامله، { _ سایت مکتبه شامله، {ان الشیطان لکم عدو فاتخذوه عدوا،} جناب وهابی طبق تفاسیر سنی و سلفی قسمت آیه ۴۷ سوره حجر که می فرماید و نزعنا ما فی صدورهم من غل، ما کینه و دشمنی را از اهل بهشت می زدائیم درباره مولا علی، نعوذ بالله و معاویه علیه الهاویه نیست بلکه مفسران اهل سنت متاسفانه نوشته اند؛ درباره ابوبکر و عمر و علی و عثمان و ابن مسعود و طلحه و زبیر و عبدالرحمان و سعد و سعید و طایفه قریش از بنی هاشم و بنی تیم و بنی عدی می باشد؛ اولاً؛ با این تفسیر غلط، دشمنی خلفای ثلاثه ابوبکر و عمر و عثمان را نسبت به مولا علی ثابت می کنید و حضرت فاطمه زهرا، با آن مقام رفیع عصمت که خداوند از غضب او غضب می کند و از رضایت او، راضی می شود طبق روایات صحیح اهل سنت، از ابوبکر و عمر ناراحت بوده و با آنان حرف نزد و قهر کرد تا از دار دنیا رفت و به مولا علی فرمود، دوست ندارم آن دو نفر (ابوبکر و عمر) در تشیع جنازه من حاضر شوند

و نزعنا ما فی صدورهم من غل ... فی ثلاث بطون من قریش بنی هاشم و بنی تیم بن مره و بنی عدی بن کعب منهم .... عن الکلبی فی قوله و نزعنا ما فی صدورهم من غل قال: ابوبکر و عمر و عثمان و علی و طلحه و الزبیر و عبدالرحمان و سعد و سعید و عبدالله ابن مسعود....(۲)

وهابیت و اهل سنت به دروغ و مغلطه از قول مولا علی و امام زین العابدین نقل کرده اند که ما امیدواریم دشمنانمان که در جاهلیت با آنان دشمن بودیم در بهشت در کنار هم جمع شویم، به استعانت خداوند متعال ابتداً ادله از کتب اهل سنت نقل می شود که دشمنان و مخالفین اهل بیت نمی توانند اصلاً به بهشت راه پیدا کنند که خداوند در بهشت کینه و غل را از آنان دفع کند و ثانیاً نظر مولا علی، درباره ابوبکر و عمر و عثمان و معاویه و اصحاب جمل نقل می شود تا به مغلطه جناب وهابی، پاسخ کافی و مختصر داده شده باشد _ و قال علی ابن الحسین: نزلت فی ابی بکر و عمر و علی و الصحابه یعنی ما کان بینهم فی الجاهلیه من الغل _

ص:۳۶۹

۱- ۱. سوره فاطر آیه ۶

۲- ۲. شواهد التنزیل حاکم حسکانی حنفی ص ۱۷۴ ح ۴۳۶ الی ۴۴۴

و قال علی رضی الله عنه: ارجوان اکون انا و طلحه و الزبیر من هولا (۱)

حال به نظر برخی از ائمه هدی می پردازیم درباره دشمنان حربی مولا علی؛ در روایت دارد مردی از اهل بصره زد، امام زین العابدین آمد و گفت: ای علی ابن الحسین، جد شما، علی ابن ابی طالب، اهل ایمان را به قتل رساند، با این سخن، اشک در چشمان امام سجاد جمع شد و بعد فرمود: نه بخدا قسم اینگونه نیست؛ علی علیه السلام هیچ مومنی را نکشت و خون هیچ مسلمانی را نریخت، آنان اهل اسلام نبودند؛ بلکه در دل کافر و در ظاهر مسلمان بودند و زمانی که بر کفر خود یار و اعوانی یافتند آنرا، آشکار ساختند، حال اینکه اهل خبره و حافظان آل محمد، نیک آگاهند که اصحاب جمل و صفین و نهروان بر زبان رسول خدا، لعن شده اند پس رسوا باد آنکه افترای بر خدا و رسول بست، شیخی از اهل کوفه گفت: ای علی بن الحسین، جد تو علی می گفت: برادرانمان بر ما ستم کردند، امام سجاد فرمود: مگر این آیه را تلاوت نکرده ای: و به قوم عاد برادرشان هود را فرستادیم (اعراف آیه ۶۵) قوم عاد نیز مانند همان برادرانی است که در کلام امیرمومنان آمده، خداوند هود و یارانش را نجات داد و قوم عاد را به بادی عظیمی هلاک ساخت (۲)

لا ـ و الله ما قتل علی مومناً و لا قتل مسلماً و ما اسلم القوم و لکن استسلموا و کتموا الکفر و اظهرو الاسلام، فلما وجدوا علی الکفرا عواناً اظهروه ... (۳)

در روز جنگ جمل، مردی از مولا علی، سوال کرد: ای علی با این مردم (یعنی اصحاب جمل) با مادر گفتن تکبیر و تحلیل و خواندن نماز همراهند، پس روی چه اصلی با آنان جنگ می کنیم؟ مولا علی فرمود: بنابر آیه ای از قرآن گفت: کدام آیه؟ فرمود: آیه ای در سوره بقره (آیه ۲۵۳) پس مراد از اهل ایمان در این آیه مائیم و کافران دشمنان و مخالفین ما را تشکیل می دهند؛ پس آنمرد گفت: به خدای کعبه که این مردم کافر شدند، سپس بر آنان یورش برده تا به شهادت رسید؛ جناب وهابی

۱- ۱. تفسیر قرطبی ج۱۰ ص ۳۱ مکتبه اسلام ویب؟ تفسیر ابن کثیر ج۴ ص ۵۳۸؛ تفسیر طبری ج۱۷ ص ۱۰۸، تفسیر کبیر فخر رازی ذیل آیه ۴۷ سوره حجر، تفسیر آلوسی ج۱۴ ذیل آیه مذکور، الدر المنثور ج۸ ص ۶۲۶ الی ص ۶۳۰؛ تفسیر نسفی ج۲ ص ۴۷ ص ۱۹۲

۲- ۲. احتجاج طبرسی ج۲ ص ۱۲۹ و ص ۱۳۰

۳- ۳. بحار الانوار ج۳۲ ص ۳۴۳

مگر می شود کافر و مومن در بهشت باهم جمع شوند، دل کافر هیچ گاه از کفر و نفاق و کینه پاک نخواهد شد؛ چون خودش اسباب هدایت و حیات معنوی و روحی بر اساس عمل به دستورات خدا و رسول فراهم نکرده است _ (۱)

فنحن الـذین آمنا و هم الذین کفروا، فقال الرجل، کفر القوم و رب الکعبه .... شخصـی از مولا علی در هنگام قتال با اصـحاب جمل سوال کرد، شـما از طرف خـدا و رسول مامور هستیـد با این قوم قتال کنید یا نه؟ مولا علی فرمود: جوابت را می دهم، در زمان حیات پیامبر اسـلام، گروهی از مشـرکان خـدمت پیامبر آمدنـد و اسـلام آوردند؛ سـپس ابوبکر بلند شد و از پیامبر اجازه خواست نزد قوم خود برویم و اموال خود را از آنان بگیریم؛ پیامبر اجازه فرمود؛ در اینجا، عُمر گفت: ای رسول خدا، نکند این گروه از اسـلام به کفر برگردند؛ رسول خدا فرمود: چه می دانی شاید با افراد بیشتری نزد ما بازگشـته و آنان نیز مسلمان شوند؛ سپس ایشان در سال بعد نیز توسط ابوبکر از آنحضـرت درخواست مرخصی نمودند و پیامبر نیز با آن موافقت فرمود و عمر باز همان حرفها را تکرار کرد سـپس پیامبر ناراحت شـده و فرمود: بخـدا قسم دست از این حرفها بردارید تا اینکه خداوند فردی از قریش را بر شما گسیل دارد که شما را به خداوند بخواند و شما در اختلاف با او همچون گوسفند وحشی که از گله جدا شده پراکنـده شویـد؛ ابوبکر و عمر گفتنـد: آیـا ما آن فرد هستیم؟ فرمود: نه، عمر گفت، ای رسول خـدا پس آن فرد کیست؟ پیامبر اشـاره به من فرمود که مشـغول دوخت کفش آنحضـرت بودم و فرمود: او همـان خـاصف النعـل در میـان شـما، پسـر عمویم و برادرم و دوسـتم، بری کننده ذمه ام، همو است که دین مرا، اداء و وعده هایم را عملی می سازد او مبلغ رسالت من است و بعد از من معلم مردم است، همو است که پس از من مبیّن و تاویل کننده آیاتی از قرآن است که هیچ کس از آن باخبر نیست (۲)

والله ما اراکم تنهون حتی یبعث الله علیکم رجلاً من قریش یدعوکم الی الله فتختلفون عنه اختلاف الغنم الشرد و ... هو خاصف النعل عندکما ابن عمی ... و المبلغ عنی رسالاتی و معلم الناس من بعدی و مبینهم من تاویل القرآن مالا یعلمون

ص:۳۷۱

۱- ۱. احتجاج طبرسی ج۱ ص ۳۶۶ و ص ۳۶۷ ح ۸۴

۲- ۲. احتجاج طبرسی ج۱ ص ۳۶۷ الی ص ۳۶۹ ح ۸۵

_ حدیث خاصف النعل را منابع اهل سنت نقل کرده اند (۱)

یا معشر قریش و الله لیبعثن الله علیکم رجلا منکم قد امتحن الله قلبه بالایمان، فلیضربنکم علی الدین او یضرب بعضکم (۲)

نبی اکرم فرمود: ای گروه قریش، سوگند بخدا، که می فرستد خداوند بر شما مردی از خودتان (یعنی از قریش) که به تحقیق امتحان کرده است، خداوند دل او را به ایمان، البته می زند شما را برای دین یا گردن می زند بعضی را، جمعی از شما را، ابوبکر و عمر گفتند: آیا آن مرد ما هستیم؟ فرمودند: نه او کسی است که دارد کفش من را می دوزد و وقتی نگاه کردند دیدند علی ابن ابی طالب است، (۳)

ما انتم بمنتهین حتی ابعث الیکم رجلا یضرب رقابکم علی الدین ... (۴)

نبی اکرم فرمود: از شما می باشد ای اصحاب، کسی که جنگ می کند بر تاویل و باطن قرآن، هم چنان که من جنگ کردم با مشرکین و کفار بر تنزیل و ظاهر قرآن، ابوبکر و عمر گفتند: آیا آن شخص ما هستیم فرمود: نه و لکن آن شخص دوزنده نعلین است وقتی توجه کردند دیدند علی دراد کفش پیامبر را دارد می دوزد _ ان منکم من یقاتل علی تاویل القرآن کما قاتلت علی تنزیله، قال ابوبکر اناهویا رسول الله؟ قال: لا ـ قال عمر انا هو؟ قال: لا و لکنه خاصف النعل: و کان اعطی علیا نعله یخضفها (۵)

۱- ۱. مسند احمد حنبل ج۳ ص۳۳ و ص ۸۳، خصائص نسایی ص ۶ ح ۳۱

۲- ۲. سنن ترمذی ج۵ ص ۲۹۸ ح ۳۷۹۹؛ مستدرک حاکم ج۲ ص ۱۳۸ و ج ۴ ص ۲۹۸، مجمع الزوائد ج۹ ص ۱۳۳؛ المصنف ابن ابی شیبه ج۷ ص ۴۹۸ ح ۱۸؛ سنن الکبری نسایی ج۵ ص ۱۲۸ ح ۱۴۵۷ مسند ابی یعلی ج۲ ص ۳۴ ح ۱۰۸۶؛ المعجم الاوسط ج۴ ص ۱۵۸؛ البدایه و النهایه ج۷ ص ۳۳۸، تاریخ دمشق ج۴۲ ص ۳۴۲، تاریخ بغداد ج۱ ص ۱۴۴ و ج ۸ ص ۴۳۳، اسدالغابه ج۳ ص ۲۸۲؛ کنزالعمال ج۷ ص ۳۲۶؛ تذکره الخواص ص ۴۰، صحیح ابن حبان ج ۱۵ ص ۳۸۵؛ ذخائر العقبی ص ۷۶

۳- ۳. مناقب خوارزمی ص ۴۰، الاصابه ابن حجر ج۴ ص ۲۴۵، مجمع الزوائد ج۹ ح۱۴۷۶۳ مکتبه اسلام ویب _ مسند احمد مساله ۱۱۳۶۴، مستدرک حاکم مساله ۴۶۷۹ هذا حدیث صحیح، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر مساله الجزء الثانی ص ۳۸، المعجم الاوسط طبرانی ج۴ ح۳۸۷۴ ص ۵۱۴

۴- ۴. سنن ترمذی ج۵ ح۳۷۱۵ ص ۵۹۳ _ سایت اسلام ویب وهابی ها _ البدایه و النهایه الجزء الحادی و عشر ص ۱۰۲ اسلام ویب

۵- ۵. الکامل ابن عدی ج۳ ص ۳۲۷ طرق حدیث من کذب علی (طبرانی) ص ۴۲، سبل الهدی و الرشاد صالحی شامی ج ۱۰ ص ۱۵۰، حلیه الاولیاء ج۱ ص ۶۷ شرح نهج البلاغه ج۲ ص ۲۷۶؛ مستدرک حاکم ج۳ ص ۱۳۲ ح ۴۶۲۲

پس جناب وهابی، جنگ مولا علی با اصحاب جمل وصفین و نهروان به امر خدا و رسول بوده و آنان کفار و منافقین این امت بوده اند اگر مسلمان واقعی بودند خدا و رسول امر قتال با آنان را بوسیله مولا علی صادر نمی کردند، اصحاب جمل و صفین و نهروان، اگر مولا علی را دوست داشتند به جنگ مولا علی نمی رفتند، رسول اکرم فرمود: علی را دوست نمی دارد مگر فرد مومن و دشمن نمی دارد مگر افراد کافر ـ پس جای کافر، فردای قیامت در جهنم است نه در بهشت ـ لایحب علیاً الامومن و لا یبغضه الا کافر (۱)ـ لایحبک الا مومن و لا یبغضک الا، منافق او کافر(۲)ـ لایحبنی کافر و لا یبغضنی مومن، (۳)ـ الا و من مات علی بغض آل محمد مات کافرا(۴)

مولا علی فارق و جدا کنند حق از باطل است هر کس پیرو و دنبال رو، دستورات مولا علی بوده و هست، پیرو حق و قرآن و پیامبر اسلام بوده و هر کس پیرو مولاـ علی نبوده مثل اصحاب جمل و صفین و نهروان در راه باطل و ظلالت و کفر و نفاق است، نبی اکرم فرمود: بزودی بعد از من فتنه هایی در امت من رخ می دهد پس شما ملازم و همراه علی ابن ابی طالب باشید زیرا علی جدا کننده حق از باطل است ـ فانه الفاروق بین الحق و الباطل ... انت الفاروق الذی یفرق بین الحق و الباطل ... و هو الفاروق بین الحق و الباطل ...(۵)

اخذ رسول الله بید علی فقال: ان هذا اول من آمن بی و هو اول من یصافحنی یوم القیامه و هذا الصدیق الاکبر و هذا فاروق هذه الامه یفرق بین الحق و الباطل

ص:۳۷۳

۱- ۱. ینابیع الموده ج۲ ص ۲۷۶، ریاض النضره طبری ج۳ ص ۱۲۳ ج۹ ص ۲۸۸؛ تاریخ دمشق ج ۴۲ص ۲۸۰

۲- ۲. ، تاریخ دمشق ج ۴۲ ص ۲۷۰؛ مناقب ابن مغازلی شافعی ص ۱۸۸ ح ۲۳۰

۳- ۳. الکشف و البیان ثعلبی ج۸ ص ۳۱۴

۴- ۴. الکشاف زمخشری ج۴ ص ۲۲۵ ح ۹۹۲؛ تفسیر کبیر رازی ج۲۷ ص ۱۴۳، تفسیر قرطبی ج۱۶ ص ۲۳، تفسیر الثعالبی ج۸ ص ۳۰۴

۵- ۵. ینابیع الموده ج۲ ص ۲۳۴باب ۵۶، ذخائر العقبی ص ۵۶، کفایه الطالب باب ۴۴ ص ۱۸۸، اسدالغابه ج۵ ص ۲۸۷ مناقب خوارزمی ص ۱۰۵ ح ۱۰۸، الاصابه ابن حجر ج۷ ص ۲۹۴؛ کنزالعمال ج۱۱ ص ۶۲؛ تاریخ دمشق ج۴۲ ص ۴۵۰ رقم ۴۹۳۳، شرح نهج البلاغه ابی الحدید ج۱۳ ص ۲۲۸ خطبه ۲۳۸، ریاض النضره ج۳ ص ۱۰۶، فرائد السمطین ج۱ ص۱۴۰ المعجم الکبیر ج۶ ص ۲۶۹ ح ۶۱۸۴؛ الاربعین المنتقی ح ۲۸ باب ۲۱ ابن اسماعیل طالقانی، مسند شمس الاخبار ج۱ ص ۹۴ قرشی، نزهه المجالس صفوری ج۲ ص ۲۰۵، و انت الفاروق الذی تفرق بین الحق و الباطل امالی شجری ج۱ ص ۱۴۴، مناقب کوفی ج۱ ص ۲۸۴؛ الاستیعاب ابن عبدالبر ج۴ ص ۱۷۴۴ میزان الاعتدال ذهبی ج۱ ص ۱۸۸ مجمع الزوائد ج۹ ص ۱۰۲ فیض القدیر مناوی ج۴ ص ۳۵۸

نبی اکرم فرمود: هر کس از علی جدا شود از من جدا شده و هر کس از من جدا شود، از خدا جدا شده است، آیا اصحاب جمل و صفین و نهروان با آن همه ظلم و جنایت که در حق مولا علی و یارانش کردند از مولا علی جدا نشدند؟! چون از مولا علی جدا شدند از قرآن و پیامبر و خدا، جدا شدند و هر کس بطور کامل از علی فاصله گرفته از اسلام و مسلمانی و ایمان به حق برای همیشه فاصله گرفته که در این صورت یا کافر است یا مشرک یا منافق و گمراه ابدی، پس با این ادله نمی توان دیگر در بهشت راه پیدا کند

یا علی انه من فارقنی فقد فارق الله و من فارقک فقد فارقنی (۱)

نبی اکرم فرمود: علی با حق و قرآن هست و حق و قرآن با علی هستند، یعنی معیار پیرو خدا و قرآن بودن بعد از نبی اکرم، مولاـ علی است و ۱۱ فرزند معصوم ایشان، پس طبق این حدیث صحیح که منابع اهل سنت آنرا، نقل کرده اند مولا علی معصوم و واجب الطاعه است چون قرآن و دستوراتش واجب است و مولا علی و قرآن لازم و ملزوم همدیگر هستند

علی مع القرآن و القرآن مع علی لا یفترقان حتی یردا علی الحوض ــ الحق لن یزال مع علی و علی مع الحق ــ انی مخلف فیکم کتاب الله و عترتی اهل بیتی ثم اخذ بید علی، فرفعها؛ فقال هذا علی مع القرآن و القرآن مع علی لایفترقان حتی یردا علی الحوض فاسئلهما ما خلفت فیهما (۲)

۱- ۱. فضائل الصحابه احمد حنبل ج۲ ص ۹۶۱ ح ۹۶۲، مستدرک حاکم ج۳ ص ۱۳۳ ح ۴۶۲۴، مجمع الزوائد ج۹ ص ۱۳۵، البحر الزخار (مستد البزار) ج۹ ص ۴۵۵ ح ۴۰۶۶ ــ صحیح الاسناد

۲- ۲. تاریخ بغداد ج۱۴ ص ۳۲۱ رقم ۷۶۴۳؛ مناقب ابن مردویه ص ۱۱۳ ح ۱۳۲، الفردوس دیلمی ج۳ ص ۲۳۰ ح ۴۶۷۸ مجمع الزوائد ج۷ ص ۲۳۵؛ الامامه و السیاسه ج۱ ص ۷۳؛ المستدرک علی الصحیحین حاکم ج۳ ص ۱۳۴ و ص ۱۳۵ ح ۶۲۸ معجم الاوسط ج۵ ص ۴۵۵ ح ۴۸۷۷، مناقب خوارزمی ص ۱۰۴، تفسیر کبیر رازی ج۱ ص ۲۰۵، جامع الصغیر سیوطی ج۲ ص ۱۷۲، صواعق المحرقه ص ۱۲۴ باب ۹ فصل ۲ و ص ۱۲۶، ینابیع الموده ج۱ ص ۲۶۹، تاریخ الخلفاء سیوطی ص ۱۷۳، فیض القدیر مناوی ج۴ ص ۴۷۰ ح ۵۵۹۴؛ کفایه الطالب ص ۲۶۵ باب ۶۲، اجمال الاصابه فی اقوال الصحابه ج۱ ص ۵۵ حافظ علائی، محاضرات الادباء راغب اصفهانی ج۳ ص ۴۶۴ حد ۲۰ البدایه و النهایه ابن کثیر ج۷ ص ۳۹۸؛ مسند ابی یعلی ج۲ ص ۳۱۸؛ کنزالعمال ج۱۱ ص ۲۸۵، کشف الاستار عن الزوائد البزار ج۴ ص ۹۶ ح ۳۲۸۲، تاریخ مدینه دمشق ج۴۲ ص ۴۴۹، نورالابصار شبلنجی ص ۷۵، ربیع الابرار، زمخشری ج۱ ص ۱۲۸ الجامع الصحیح ترمذی ج۵ ص ۵۹۲ ح ۳۷۱، جامع الاصول ابن اثیر ج۵ ص ۵۹۲ ح ۳۷۱۴، نزل الابرار بدخشانی ص ۵۸ فتح القدیر، شوکانی ج۴ ص ۳۵۶، فرائد السمطین ج۱ ص ۱۷۷ ح ۱۴۰؛ نهایه الاقدام شهرستانی ص ۴۹۳، المعیار و الموازنه، اسکافی ص ۱۱۹؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج۱۸ ص ۲۴

اطاعت و فرمانبرداری از مولا علی، طبق دستور الهی و نبی اکرم بر تمام مسلمین واجب بوده و هست و اصحاب جمل و صفین و نهروان باید مطیع تمام اوامر و نواهی مولا علی می شدند و با این گردنگشی و درگیری با مولا علی، معصیت بزرگ، خدا و رسول و قرآن کردند ـ نبی اکرم فرمود: هر کس از من اطاعت و پیروی کند از خدا پیروی کرده و هر کس تخلف و عصیان از دستورات من کند؛ تخلف و نافرمانی از دستورات خداوند کرده و هر کس از علی اطاعت کند از من اطاعت کرده و هر کس از علی نافرمانی کند از خداوند نافرمانی کرده است

من اطاعنی فقد اطاع الله و من عصانی فقد عصی الله و من اطاع علیاً فقد اطاعتی و من عصی علیاً فقد عصانی (۱)

طبق مبنای برادران اهل سنت، هر کس بر حاکم و سلطان و امیر زمان مسلمین خروج و قیام کند، عمل عصر جاهلیت انجام داده و اگر با این حال بمیرد به مرگ جاهلی از دنیا رفته یعنی از اسلام و مسلمانی خارج شده است پس سوال می کنیم از جناب وهابی، اصحاب جمل و صفین و نهروان بر مولاـ علی، قیام و خروج کرده اند با اینکه حضرت علی، خلیفه چهارم مسلمین در آنوقت بوده، پس طبق این مبنا، مخالفین و دشمنان مولا علی یعنی اصحاب جمل و صفین و نهروان خصوصاً معاویه و یاورانش، جز خارج شدگان از اسلام هستند، پس جناب وهابی، معاویه نمی تواند اصلاً به بهشت راه پیدا کند که بخواهد خداوند، دلش را از کینه و حقد نسبت به مولا علی پاک کند ـ مسلم به سندش از رسول اکرم نقل کرده که فرمود: هر کس که از امیرش در چیزی کراهت دارد باید بر آن صبر کند، زیرا هر کس به اندازه وجبی از فرمان سلطانش خارج شود و با آن حال بمیرد به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است

من کره شیئاً فلیصبر علیه، فانه لیس احد من الناس خرج من السلطان شبراً فمات علی ذلک الامات میته جاهلیه (۲)

۱- ۱. مستدرک حاکم ج۳ ص ۱۳۱ ح ۴۶۱۷، کنزالعمال ج۱۱ ص ۶۱۴ ح ۳۲۹۷۳، تاریخ دمشق ج۴۲ ص ۲۷۰، ریاض النضره ج۳ ص ۱۲۳، سمط النجوم العوالی ج۳ ص ۳۳، معجم اسامی شیوخ ابی بکر الاسماعیلی ج۱ ص ۴۸۵، من حدیث خیثمه بن سلیمان ج ۱ ص ۷۲

۲- ۲. صحیح مسلم، کتاب الاماره، باب وجوب ملازمه جماعه المسلمین

نبی اکرم به مولا علی فرمود: ای علی زود است که گروهی ظالم با تو قتال کنند در حالی که تو بر حقی پس هر کس تو را در آن روز یاری نکند از من نیست

یا علی ستقاتلک الفئه الباغیه و انت علی الحق، فمن لم ینصرک یومئذ فلیس منی (۱)

نبی اکرم فرمود: زود است که بعد از من، قومی بیایند که با علی، مقاتله و جنگ می کنند، برخداست جهاد و مقابله با آنها، پس هر کس که قدرت مقابله با آنها را به دستش ندارد باید به زبانش جهاد کند و کسی که قدرت جهاد با زبانش را ندارد با قلبش جهاد کند و غیر از این چیزی نیست

سیکون بعدی قوم یقاتلون علیاً، علی الله جهادهم فمن لک یستطع جهادهم بیده فبلسانه، فمن لم یستطع بلسانه فبقلبه، لیس وراء ذلک شی (۲)

جناب وهابی، آیا، خداوند و رسول، حکم جهاد و مقابله با افراد از مسلمین می دهد یا نه؟ که جواب بطور حتم منفی است، اگر اصحاب جمل و صفین و نهروان، مسلمان واقعی بودند به جنگ مولا علی نمی رفتند و پیامبر نمی فرمود؛ هر کس علی را در جنگ با مخالفینش یاری و نصرت نکند از من نیست (یعنی مسلمان و مومن نیست) پس افرادی چون معاویه لعین اسلامش ثابت نیست چگونه می تواند به بهشت راه پیدا کند که تازه بخواهد نعوذ بالله در بهشت هم درجه با مولا علی شود و بعد خداوند کینه علی از دل معاویه بردارد و روبروی مولا علی در بهشت بگو و بخند داشته باشد، پس معاویه و امثال او، با این بغض و کینه ای که به اهل بیت و مولا علی، داشته اند، اصلاً وارد بهشت نمی شوند بلکه وارد آتش جهنم می شوند، نبی اکرم فرمود: به آن خدایی که جانم درید قدرت اوست هر کس بغض ما اهل بیت را در دل داشته باشد، خداوند او را وارد آتش جهنم می کند

و الذی نفسی بیده لایبغضنا اهل البیت احد الا ادخله الله النار (۳)

لایبغضن اهل البیت رجل الا ادخله الله النار (۴)

۱- ۱. تاریخ دمشق ج۱۲ ص ۳۷۰، کنزالعمال ج۱۱ ص ۶۱۳ ح ۳۲۹۷۰

۲- ۲. المعجم الکبیر ج۱ ص ۳۲۱ ح ۹۵۵، مجمع الزوائد ج۳ ص ۱۳۴

۳- ۳. مستدرک حاکم ح ۴۶۶۱ _ هذا حدیث صحیح، صحیح ابن حبان ح ۷۱۳۶

۴- ۴. اتحاف المهره ح ۵۳۹۲ _ (طبق سایت اسلام ویب)

نبی اکرم فرمود: خداونـد، حرام کرده بهشت را بر افراد که به اهل بیت من ظلم کننـد و آنها را بکشـند و آنها را مورد تاخت و تاز قرار بدهند و به آنها فحش و ناسزا بگویند

ان الله حرم الجنه علی من ظلم اهل بیتی اوقاتلهم او غار علیهم اوسبّهم (۱)

حرمت الجنه علی من ظلم اهل بیتی و آذانی فی عترتی (۲)

نبی اکرم فرمود: وای بر ستمگران به اهل بیت من آنان به همراه منافقین در پست ترین درجه جهنم، عذاب می شوند

الویل لظالمی اهل بیتی عذابهم مع المنافقین فی الدرک الاسفل من النار (۳)

نبی اکرم فرمود: پست ترین درجه جهنم محـل افرادی است دشـمنی ما اهل بیت در دلش باشـد و با دست و زبانش بر ضـد ما یاری رساند

وفی اسفل درک من النار من ابغضنا بقلبه و اعان علینا بلسانه و یده (۴)

مولا علی فرمود: هر آنکس که در دلش دشـمنی و بغض ما را داشته باشد و دستش بر ضد ما و علیه ما باشد او به همراه دشمن ما در آتش جهنم است ــ من ابغضنا بقلبه و اعان علینا بلسانه و یده فهو مع عدونا فی النار (۵)

نبی اکرم فرمود: زود است که اهل بیت من بعـد از من ملاقات می کننـد از امت من کسانی را که آنها را می کشـند و پراکنده می کنند و به درستی که بغض و کینه و دشمنی بنی امیه و بنی امغیره و بنی مخزوم، نسبت به ما شدیدتر است.

ان اهل بیتی سیلقون بعدی من امتی قتلاً و تشریداً و ان اشدّ قومنا لنا بغضاً بنو امیه و بنو المغیره و بنو مخزوم (۶)

۱- ۱. ذخائر العقبی طبری ص ۵۴، ینابیع الموده ج۲ ص ۱۱۹ ح ۳۴۴

۲- ۲. تفسیر قرطبی ج۱۶ ص ۲۲، تفسیر کشاف ج۳ ص ۴۰۲ تفسیر ثعلبی ج۸ ص ۳۱۲ح ۱۷۸؛ سعد السعود ص ۱۴۱،

۳- ۳. مناقب ابن مغازلی ص ۶۶ ح ۹۴، مقتل الحسین خوارزمی ج۲ ص ۸۳

۴- ۴. بحارالانوار ج۲۷ ص ۹۳ ح ۵۳

۵- ۵. بحار الانوار ج ۲۷ ص ۸۹

۶- ۶. المستدرک حاکم نیشابوری ج۴ ص ۵۲۶ ح ۸۴۷۷ کتاب الفتن و ص ۵۳۴ ح ۸۵۰۰ ــ کان ابغض الاحیا الی رسول الله بنو امیه ــ مسـتدرک حاکم ج۴ ص ۵۲۸ ح ۸۴۸۲ کتـاب الفتن؛ الصواعق المحرقه ابن حجر ملی ص ۸۱باب ۱۱ فصل ۱ مقصد ۵، فیض القـدیر مناوی ج۲ ص ۷۶ ح ۳۲۶ حیـاه الحیوان دمیری ج۲ ص ۴۲۲ کلمه الوزغه، کنزالعمال هنـدی ج۱۱ ص ۱۶۹ح ۳۱۰۷۴، ینابیع الموده قندوزی ج۲ ص ۴۶۹ح ۳۰۵ باب ۵۹؛ ابن تیمیه

ابن تیمیه -رهبر فکری وهابیت با صراحت و روشنی در کتاب منهاج السنه النبویه ج ۷ ص ۱۳۷ می نویسد: اکثر صحابه پیامبر و تابعین، علی ابن ابی طالب علیه السلام را دشمن می داشتند و او سبّ می کردند (یعنی فحش می دادند) و با او مقاتله و جنگ کردند _فان کثیراً من الصحابه و التعابین کانوا، یبغضونه و یسبونه و یقاتلونه،

جناب وهابی اموی مسلک، اصحاب جمل و صفین و نهروان، خصوصاً معاویه، هم با او مولا علی جنگیدند، هم سالهای متمادی بر منبر و خطبه های جمعه به ایشان سب کرد و فحش داد و هم بغض و دشمنی او به دل داشت، پس معاویه چون بغض مولا علی داشته، بوی بهشت به مشامش نخواهد رسید بهشت را به بهاء می دهند نه به بهانه، نبی اکرم فرمود: هر کس خیال کند من را دوست دارد ولی با علی ابن ابی طالب، دشمنی کند، دروغ گفته است، کذب من زعم انه لیحبنی و یبغض هذا (۱)

_من زعم انه یحبنی وابغض علیاً فقد کذب (۲)

نبی اکرم فرمود: غضب و سخط و خشم الهی شدت پیدا می کند در مورد کسانی که اهل بیت و عترت مرا، اذیت و آزار دهند _ اشتد غضب الله علی من آذانی فی عترتی _ (۳)_ ابن تیمیه در منهاج السنه ج۳ ص ۱۵ می نویسد: و اما حدیث سعد، چون معاویه او را به دشنام و فحش دادن دستور داد و گفت: چه چیز تو را مانع شده که علی ابن ابی طالب را فحش دهی؟!!

و اما حدیث سعد لما امره معاویه بالسب فابی فقال ما منعک ان تسبّ علی ابن ابی طالب؟

پس جناب وهابی، معاویه نمی تواند محب و دوست مولا علی باشد، چون حضرت علی را فحش و سب می کرده با او وارد قتال و جنگ و خونریزی شده، شیعیان و محبان حضرت را به شهادت رسانده، حتی در قتل و شهادت سید و سرور جوانان اهل بهشت امام حسن مجتبی فرزند مولا علی شریک بوده، کسی که قاتل فرزند؛ تقسیم کننده، بهشت و جهنم مولا علی است و امام حسن سرور، جوانان اهل بهشت، چگونه

۱- ۱. لسان المیزان ج۴ ص ۳۹۹ _ مناقب ابن مغازلی ح ۷۵
۲- ۲. میزان الاعتدال ج ۱ ص ۲۵۱ _ ابن حجر _ ج۱ ص ۲۵۱ _
۳- ۳. الجامع الصغیر ج۱ ص ۱۵۸ ذخائر العقبی ج۱ ص ۳۹

قاتل او راهی به بهشت می تواند داشته باشد؟! معاویه علیه الهاویه مخفیانه پیام به همسر امام حسن، (جُعده ملعونه) داد که اگر شوهرت امام حسن را مسموم کنی، ۱۰۰ هزار درهم جایزه به تو می دهم (۱)

انما دس الیها معاویه فقال سمی الحسن و از وجک یزید واعطیک مائه الف درهم؛ معاویه بوسیله شربت زهر آلودی که برای همسر امام حسن فرستاد، حضرت را به شهادت رساند _ (۲)_ و کان عند معاویه کما قیل دهاء فدس الی جعده، قرطبی حنفی در التعریف بالانساب ج۱ ص ۳ می نویسد: امام حسن علیه السلام ، مسموم از دنیا رفت، همسرش با حیله معاویه او را مسموم کرد

و مات الحسن مسموماً سمته زوجته ... دسه الیها معاویه؛ (۳)

جعل معاویه لجعده ... امراه الحسن مائه الف حتی سمته ... (۴)احمد نکری حنفی در دستور العلماء ج ۴ ص ۵۰ می نویسد: معاویه ملعون با حیله بوسیله دستمال زهرآلود که برای همسر امام حسن فرستاد و به او وعده و وعید داده بود، امام حسن را مسموم و شهید کرد _ قد ارسله معاویه و معه مندیل ملطخ بالسم (۵)

ان الحسن مات سموما و ان معاویه وعد زوجه الحسن .. (۶)

در روایت و کتب تاریخی اهل سنت آمده وقتی که معاویه ملعون با خبر شد، امام حسن مجتبی، به شهادت رسیده از خوشحالی سجده کرد

فلما بلغ معاویه موته سمع تکبیره من الخضراء ... فقال: و الله ما کبرت شماته

ص:۳۷۹

۱- ۱. تذکره الخواص ابن جوزی حنفی ص ۱۹۱

۲- ۲. عیون الانبا فی طبقات الاطباء ج۱ ص ۱۷۴ السعدی الخزرجی

۳- ۳. نهایه الارب ج۲۰ ص ۲۰۱ النویری، ربیع الابرار؛ زمخشری ج۱ ص ۴۳۸

۴- ۴. انساب الاشراف بلاذری ج۱ ص ۳۸۹

۵- ۵. نهایه الارب النویری ج۵ ص ۱۹۳

۶- ۶. مقاتل الطالبین ابوالفرج اصفهانی ج۱ ص ۱۳ و ص ۲۰؛ الفتوح بن اعثم کوفی ج۴ ص ۳۱۹، الجوهره فی نسب النبی، انصاری تلمسانی ج۱ ص ۲۸۲؛ الاستیعاب ابن عبدالبر ج۱ ص ۳۸۹ مروج الذهب ج۱ ص ۳۴۶ مسعودی شافعی شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج۱۶ ص ۷، البدء و التاریخ، المقدسی ج۶ ص ۵ اخبار البشر، ابوالفداء ج۱ ص ۱۲۷، سیر اعلام النبلاء ذهبی ج۳ ص ۲۷۴، تاریخ ابن الوردی ج۱ ص ۱۵۸، اسدالغابه ابن اثیر ج۲ ص ۱۵، تهذیب الکمال مزی ج۶ ص ۲۵۲، الفصول المهمه ابن صباغ مالکی ص ۲۴۳، عیون الانبا فی طبقات الاطباء ابن ابی اصیبعه ینابیع الموده ج۲ ص ۴۲۷، الوافی بالوفیات صفدی ج۱۲ ص ۶۸

بموته و لکن استراح قلبی (۱)

و لما بلغ معاویه موت الحسن بن علی، خرساجداً لله .(۲)

اظهر فرحا و سرورا؛ حتی سجد و سجد من کان معه، جناب وهابی اموی مسلک، آیا معاویه با چنین جنایاتی در حق سید و سرور جوانان اهل بهشت می تواند بسوی بهشت پاک با این دل شیطانی و پر از کینه و شهوات راه پیدا کند؟!!! انس از نبی اکرم نقل کرده که فرمود: بزرگترین کبائر و گناهان شرک به خدا و عقوق والدین و قتل نفس و گفتار دروغ است ـ(۳) نبی اکرم فرمود: به آن خدایی که جانم درید قدرت اوست، کشتن مومن نزد خدا، بزرگتر است از نابود کردن تمام دنیاست

والذی نفسی بیده لقتل مومن اعظم عندالله من زوال الدنیا (۴)

والذی نفسی بیده لقتل مومن اعظم عندالله من زوال الدنیا (۵)

نبی اکرم فرمود: هر گناهی را امید است که خدا، بیامرزد مگر مردی که کافر از دنیا برود یا مردی که مومنی را از روی عمد و تعمد بکشد

کل ذنب عسی الله ان یغفره الا الرجل یموت کافرا او الرجل یقتل مومنا متعمداً (۶)

نبی اکرم فرمود: بخدا قسم اگر اهل آسمان و اهل زمین جمع بشوند بر کشتن مومنی و راضی به آن باشند، خداوند همه آنها را، داخل جهنم می کند

والذی نفسی بیده لواجتمع علی قتل مومن اهل السما و الارض و رضوابه لادخلهم الله جمیعاً جهنم (۷)

جناب وهابی، معاویه دوست، معاویه ملعون، امام حسن، سید و سرور جوانان اهل

۱- ۱. امالی ابن سمعون ج۱ ص ۱۶۵، ربیع الابرار زمخشری ج۱ ص ۴۳۸و ص۴۳۱، وفیات الاعیان ابن خلکان ج۲ ص ۶۶؛ الامامه و السیاسه ابن قتیبه ج۱ ص ۱۴۲، جمهره الخطب العرب ج۲ ص ۹۹، العقد الفرید ابن عبد ربه ج۲ ص ۱۲۵

۲- ۲. محاضرات الادباء راغب اصفهانی ج۲ ص ۲۲۴، حیاه الحیوان دمیری ج۱ ص ۵۱

۳- ۳. سنن نسایی ج۷ ص ۸۹؛

۴- ۴. فتح الباری ابن حجر ج ۱۲ کردن تمام دنیا-ص ۱۶۶

۵- ۵. فتح الباری ابن حجر ج ۱۲ ص ۱۶۶، المستدرک حاکم ج۴ ص ۳۵۱، عمده القاری عینی ج۱۸ ص ۱۸۳، تفسیر ابن کثیر ج۱ ص ۵۲۱،

۶- ۶. مسند احمد ج۴ ص ۹۹

۷- ۷. کنزالعمال ج ۱۵ ص ۳۴، المستدرک حاکم ج۴ ص ۳۵۲ ـ ح ۸۱۰۷

بهشت را تعمداً با دسیسه به شهادت می رساند و از شهادت امام حسن، اظهار فرح و خوشحالی می کند، پس جای معاویه برای همیشه در آتش جهنم است و راهی بسوی بهشت به هیچ وجه ندارد

لا یبغضنا اهل البیت احد الا اکبه الله عزوجل علی وجهه فی النار (۱)

راه نجات از آتش جهنم و قبولی طاعات و عبادات محبت به اهل بیت عصمت و رسالت، خصوصاً مولا علی علیه السلام است، نبی اکرم فرمود: دوستی علی، حسنه ای است که با بودن آن هیچ معصیتی به آن ضرر نمی رساند و بغض و دشمنی به علی، گناه و سیئه ای است که با بودن آن هیچ حسنه ای به آن سود نمی رساند

حبّ علی حسنه لایضر معها سیئه و بغض علی سیئه لاتنفع معها حسنه (۲)

حب علی بن ابی طالب یا کل الذنوب کما تاکل النار الحطب؛ دوستی علی می خورد گناهان را همچنان که آتش هیزم را می خورد؛(۳)

نبی اکرم فرمود: تنها راه دوری از آتش جهنم، دوستی علی است ــ برائه من النار حبّ علی (۴) از پیامبر اکرم سوال شد، جواز عبور از پل صراط چیست؟ فرمود: دوستی علی ابن ابی طالب ــ یا رسول الله للنار جواز؟ قال: حب علی ابن ابی طالب (۵)

نبی اکرم به مولا علی فرمود: ای علی، خوشا بحال کسی که تو را دوست بدارد و وای بحال کسی که تو را دشمن بدارد

یا علی طوبی لمن احبک و صدق فیک و ویل لمن ابغضک (۶)

عایشه می گوید از رسول خدا شنیدم که به علی می فرمود: همین تو را بس که

۱- ۱. الطیوریات ح ۲۷۲، لو ان اهل السماء و اهل الارض اشترکوا فی دم مومن لاکبهم الله فی النار ــ جامع ترمذی ح ۱۳۱۴، سنن الکبری بیهقی ح ۱۴۵۸۵، مسند الربیع بن حبیب ح ۸۴۲، کشف الاستار ح ۳۱۳۴ المعجم الکبیر طبرانی ح ۵۶۶، تاریخ بغداد ح ۳۸۹۰، حلیه الاولیاء ح ۶۴۸۱، شعب الایمان ح ۴۹۵۰

۲- ۲. مناقب خوارزمی ص ۷۶ ح ۵۶، ینابیع الموده ج۱ ص ۲۷۰ ح۴ باب ۲۰، کنوز الحقائق مناوی ج۱ ص ۲۵۵ ح ۳۲۴۵؛ ذخائر العقبی طبری ص ۹۱، تاریخ دمشق ابن عساکر ج۱۳ ص ۵۲ رقم ۱۳۱۷، الفردوس دیلمی ج ۲ ص ۱۴۲ ح ۲۷۲۲، کنزالعمال ج۱۱ ص ۶۲۱ ح ۳۳۰۲۱؛ ریاض النضره ج۳ ص ۱۹۰ باب ۴

۳- ۳. تاریخ بغداد ج۴ ص ۱۹۴ و ج۳ ص ۱۶۱

۴- ۴. مستدرک حاکم ج۲ ص ۲۴۱

۵- ۵. تاریخ بغداد ج۳ ص ۱۶۱

۶- ۶. مستدرک حاکم ج۳ ص ۱۳۵، تاریخ بغداد ج۹ ص ۷۲، ریاض النضره ج۲ ص ۲۱۵، ذخائر العقبی ص ۹۲

محبّ و دوستدارت در دم مرگ، از مُردن حسرتی و در قبرش وحشتی و در قیامت فزعی ندارد

حسبک ما لمحبک حسره عند موته و لا وحشه فی قبره و لافزع یوم القیامه (۱)

نبی اکرم فرمود: هر کس علی را دوست بدارد مرا دوست داشته و هر کس علی را دشمن بدارد مرا دشمن داشته و هر کس مرا دشمن بدارد، خدا را دشمن داشته است(۲)

وال من والاه و عاد من عاداه نبی اکرم فرمود: اگر مردی بین صفا و مروه، همیشه در حال نماز و روزه باشد و با آن حال خدا را ملاقات کند ولی دشمن اهل بیت محمد باشد وارد آتش جهنم می شود (۳)

رجلا صفن بین الرکن و المقام فصلی و صام ثم لقی الله و هو مبغض لاهل بیت محمد دخل النار _ هذا حدیث حسن صحیح (۴)

من احب علیاً فقد احبنی و من احبنی فقد احب الله و من ابغض علیا فقد ابغضنی فقد ابغض الله _ حدیث ۴۵۸۵، _ هذا حدیث صحیح، (۵)، نبی اکرم فرمود: سعید و خوشبخت در دنیا و آخرت کسی است که در دنیا و آخرت علی را دوست بدارد (یعنی با محبت علی از دنیا برود) و شقی و بدبخت کسی است که در دنیا دشمنی علی داشته باشد و با دشمنی علی از دنیا برود

ان السعید حق السعید من احب علیاً فی حیاته و بعد موته و ان الشقی کل الشقی من ابغض علیاً فی حیاته و بعد موته (۶)

جناب وهابی اموی مسلک، معاویه با دشمنی مولا علی زندگی کرد و با دشمنی مولا

۱- ۱. تاریخ بغداد ج۴ ص ۱۰۲

۲- ۲. مستدرک حاکم ج۳ ص ۱۲۷، تاریخ بغداد ج ۴ ص ۴۰، ریاض النضره ج۲ ص ۲۶۶، کنزالعمال ج۶ ص ۱۵۷، مجمع الزوائد ج۹ ص ۱۲۹، خصائص نسائی ص ۲۸

۳- ۳. مستدرک حاکم ج۴ ص ۴۷۶۶

۴- ۴. المعجم الکبیر طبرانی ج۱۱ ح ۱۱۴۱۲، مجمع الزوائد هیثمی ج۹ ص ۱۷۲ ح ۱۵۰۰۶ _ (سایت اسلام ویب)

۵- ۵. اتحاف المهره ح ۵۷۲۴، معجم الکبیر ح ۹۴۰ و ح ۱۹۳۷۷؛ الفوائد المجموعه شوکانی ح ۹۷۳، تاریخ دمشق ابن عساکر ح ۴۴۳۲۸، تاریخ بغداد ح ۴۳۴۱ الشریعه للاجری ح ۱۴۸۹، امالی الخمیسیه للشجری ح ۴۸۴، مجمع الزوائد ج۹ ص ۱۳۲ ح ۱۴۷۵۷ و اسناده حسن

۶- ۶. مجمع الزوائد ج۹ ص ۱۳۲ ح ۱۴۷۵۸

علی مُرد و او با این بغض و کینه اش دشمن خدا و رسول خدا بود، چگونه او راهی بسوی بهشت می تواند داشته باشد، بهشت بر دشمنان خدا و رسول، حرام است، نبی اکرم فرمود: اگر کسی هزار سال و هزار سال بین رکن و مقام، خدا را عبادت کند تا حدی که همانند مشک پوسیده شود ولی با بغض آل محمد، خدا را ملاقات کند؛ خداوند او را با صورت وارد آتش جهنم می کند

و لو ان عابدا، عبدالله بین الرکن و المقام الف عام و الف عام حتی یکون کالشن البالی لقی الله مبغضاً لال محمد اکبه الله علی منخره فی نار جهنم (۱)

نبی اکرم فرمود: ای علی، اگر بنده ای به اندازه عمر، حضرت نوح خدا را عبادت کند و هم وزن کوه احد در راه خدا، انفاق کند و هزار سال هر ساله پیاده به مکه رفته و حج گذارد و نهایتاً بین صفا و مروه، مظلومانه، کشته شود اما تو را دوست نداشته باشد، هرگز بوی خوش بهشت به مشامش نخواهد رسید و وارد بهشت نخواهد گردید

لو ان عبدا، عبدالله مثل ما قام نوح فی قومه و کان له مثل احد ذهبا فانفقه فی سبیل الله و مدفی عمره حتی یج الف عام عل قدمیه ثم قتل بین الصفاء و المروه مظلوما و لم یوالک یا علی لم یشم رائحه الجنه و لم یدخلها (۲)

نبی اکرم فرمود: اگر تمام مردم بر دوستی علی جمع بشدند، خداوند، آتش جهنم را خلق نمی کرد

لو اجتمع الناس علی حب علی ابن ابی طالب لما خلق الله النار (۳)

نبی اکرم فرمود: ای مردم، هر کس بغض و کینه و دشمنی ما اهل بیت را داشته باشد، روز قیامت یهودی و نصرانی محشور می شود، ولو اینکه نماز خوانده باشد و روزه گرفته باشد و خیال کند مسلمان است

ایها الناس من ابغضنا اهل البیت حشره الله یوم القیامه یهودیاً فقلت: یا رسول الله و ان صام و صلی؟ قال: و ان صام و صلی و زعم انه مسلم(۴)

۱- ۱. تاریخ بغداد ج۱۳ ص ۱۲۴

۲- ۲. الفردوس دیلمی ج۳ ص ۳۶۴ ح ۵۱۰۳ _ سمط النجوم العوالی ج۳ ص ۶۷ ح ۵۲، مناقب اخطب خوارزمی ح ۴۰ ج۱ ص ۶۷، مناقب ابن مردویه ج۱ ص ۷۳، ینابیع الموده قندوزی ج۲ ص ۲۹۳؛

۳- ۳. مناقب خوارزمی ج۱ ص ۶۷ ح ۳۹، فردوس الاخبار ج۳ ص ۴۰۹

۴- ۴. مجمع الزوائد هیثمی ج۹ ص ۱۷۲ ح۱۵۰۰۹، المعجم الاوسط طبرانی ج۵ ح۴۰۱۴

نبی اکرم فرمود: ای علی هر کس با بغض و دشمنی تو بمیرد، یهودی و نصرانی مُرده است یعنی از اسلام خارج است و یهودی ها و نصرانی ها راه به بهشت ندارند پس معاویه یهود این امت است، جناب وهابی چگونه می گویی او اهل بهشت است؟!

یا علی لایبالی من مات و هو یبغضک مات یهودیاً او نصرانیاً (۱)

یا ایها الناس من آذی علیا بعث یوم القیامه یهودیا او نصرانیا (۲)

نبی اکرم فرمود: احدی ما را دشمن نمی دارد مگر آنکه در قیامت با تازیانه های آتشینی از رحمت خدا، رانده و دور می شود (۳)_ لایبغضنا و لایحسدنا احد الا ذید عن الحوض یوم القیامه بسیاط من نار (۴)

نبی اکرم فرمود: هر کس با علی دشمنی کند با خداوند، دشمنی کرده است

عادی الله من عادی علیاً (۵)

جناب وهابی، معاویه و امثال او، با مولا علی، دشمنی کردند پس دشمن خدا هستند و جای دشمن خدا بهشت نیست جهنم می باشد.

معاویه ملعون و امثال او، اگر می خواستند اهل بهشت و نجات از عذاب الهی باشند باید محبت و مودّت و دوستی مولا علی و خاندان علی و دوستان علی، را در قلب و دل خود جا می دادند؛ قرآن کریم در سوره نمل آیه ۸۹ و ۹۰ می فرماید: هر کس کار نیکی بکند برای او بهتر از آن داده می شود و آنان از ناراحتی روز قیامت در امان خواهد بود و هر کس کار بدی کند به رو در آتش سرنگون شوند، مولا علی در دنیا ذیل تفسیر آیه مذکور فرمود: منظور از حسنه در این آیه دوستی ما اهل بیت وسیئه (گناه)، بغض و دشمنی به ما اهل بیت است

۱- ۱. مناقب ابن مغازلی ح ۷۴ میزان الاعتدال ذهبی ص ۲۳۶، لسان المیزان ابن حجر ج ۴ ص ۲۵۱؛ ینابیع الموده ص ۲۵۱،

۲- ۲. مناقب ابن مغازلی ح ۷۶، بحر المناقب ابن حسنویه ص ۴۶،

۳- ۳. مجمع الزوائد ج۴ ص ۲۷۸ و ج۹ ص ۱۷۲

۴- ۴. تفسیر درالمنثور سیوطی ج ۱۳ ص ۱۴۵ ذیل آیه مودت، المعجم الاوسط ج ۳ ح ۲۴۲۶، نبی بسیاط من نار _ تفسیر در المنثور سیوطی ج۱۳ ص ۱۴۵ ذیل آیه مودت؛ المعجم الاوسط ج۳ ح ۲۴۲۶

۵- ۵. صحیح الجامع الصغیر ص ۷۳۵ ح ۳۹۶۶، آلبانی این حدیث را صحیح اعلام کرده است، کنزالعمال ج۱۱ ص ۶۰۱ ح ۳۲۸۹۹، الاصابه ج۱ ص ۱۹۱، فیض القدیر ج۴ ص ۲۹۸ بمعرفه الصحابه ابی نعیم ج۲ ص ۱۰۴۳، اسدالغابه ج۲ ص ۲۳۸، جامع الاحادیث سیوطی ج۱۴ ص ۱۶۵

الحسنه حبّنا اهل البیت و السیئه بغضنا(۱)

رسول خدا فرمود: یا علی اگر امت من آنقدر، روزه بگیرند که مانند میخ، لاغر شوند و آنقدر نماز بخوانند که مانند گیاه شوند، آنگاه تو را دشمن بدارند، خداوند آنان را بر روی دماغ در آتش سرنگون می کند؛

یا علی لو ان امتی صاموا حتی صاروا کالاوتاد و صلوا حتی صاروا کالحنایا، ثم ابغضوک لاکبهم الله علی مناخرهم فی النار (۲)

نبی اکرم فرمود: من به شما سفارش می کنم که هر چه بیشتر و بهتر با اهل بیتم به نکوئی رفتار کنید که اگر فردای قیامت من به جانبداری از آنها به دشمنی با شما خواهم برخاست و کسی که من به دشمنی او برخیزم از او دادخواهی خواهم نمود؛ و کسی که من از او دادخواهی نمایم؛ جایگاهش جهنم است

استوصوا باهل بیتی خیراً، فانی اخاصمکم عنهم غداً و من اکن خصمه اخصمه و من اخصمه دخل النار (۳)

جناب وهابی معاویه، فرعون امت بوده و جای فرعون و فرعونها، آتش جهنم است، نبی اکرم فرمود: برای هر امتی یک فرعون بوده و فرعون امت من، معاویه بن ابوسفیان است

لکل امه فرعون و فرعون هذه الامه معاویه بن ابی سفیان (۴)

معاویه بن حدیج می گوید که معاویه بن ابوسفیان، مرا نزد امام حسن مجتبی علیه السلام ، فرستاد تا دخترش و یا خواهرش را جهت یزید خواستگاری کنم، من نزد آنحضرت آمدم و قصه را گفتم، امام حسن فرمود: ما خاندانی هستیم که زنان خود را شوهر نمی دهیم مگر بعد از آنکه از خودشان اجازه بگیریم؛ من شخصاً نزد؛ دختر رفتم و از یزید تعریف کردم، دختر گفت: بخدا قسم چنین چیزی ممکن نیست مگر آنکه رفیقت(معاویه) در میان ما آن رفتاری را بکند که فرعون در بنی اسرائیل کرد،

ص:۳۸۵

۱- ۱. شواهد التنزیل حاکم حسکانی حنفی ح ۵۸۱
۲- ۲. شواهد التنزیل حاکم حسکانی حنفی ح ۵۸۳ ص ۴۲۷، ینابیع الموده قندوزی ج۱ ص ۲۷۰
۳- ۳. ذخائر العقبی ص ۱۸ صواعق المحرقه ص ۵۰ باب ۱۱ فصل ۱ آیه ۴، نورالابصار ص ۱۰۵ و ص ۱۲۶، ینابیع الموده ص ۳۲۷؛ اسعاف الراغبین ص ۱۲۰؛ احقاق الحق ج۹ ص ۴۳۲ و ج۱۸ ص ۴۹۰
۴- ۴. العلل المتناهیه ابن جوزی ح۴۴۲،

پسرانشان را کشت و دختران شان را زنده گذاشت، من نزد امام حسن آمده و گفتم مرا نزد آتش پاره یی فرستاده ای که معاویه را فرعون نامید... (۱)

و الله لایکون ذاک حتی یسیر فینا صاحبک کما سارفرعون فی بنی اسرائیل، یذبح ابناهم و یستحیی نساءهم، (۲)

مولا علی فرمود: دشمنان ما، بر روش و رویه و سنت فرعون و یارانش هستند

و ان عدونا یوم خلق السماوات و الارض علی سنه فرعون و اشیاعه (۳)

نبی اکرم فرمود: فرعون این امت، معاویه است فرعون هذه الامه و هو معاویه (۴)

حتی در کتاب شریف نهج البلاغه ج۲ ص ۳۶ خطبه ۱۵۱، مولا علی، غاصبان خلافت را، بر سنت و روش فرعونیان می دانسته

اذا قبض الله رسوله رجع قوم علی الاعقاب... و ذهلوا فی السکره علی سنه من آل فرعون ...

یکی از شرایط رفتن به بهشت جاودان، اطاعت از خدا و رسول اسلام است که بوسیله اطاعت از فرامین خدا و پیامبر، دارای حیات و زندگی طیبه و پاکی روحی و معنوی شود و بتواند از حیات طیبه بهشتی استفاده کند، قرآن کریم در سوره انفال آیه ۲۴ به این مطلب اشاره فرموده می فرماید: ای کسانی که ایمان آوردید زمانی که خدا و رسول شما را فرا می خوانند، اجابت کنید تا شما راه زنده کنند؛ امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه می فرماید: یعنی زمانی که شما را به ولایت و امامت علی علیه السلام می خواند چون معاویه علیه الهاویه، دارای حیات طیبه معنوی و الهی نبوده بر اثر عدم اجابت خدا و رسول و مولا علی، شرایط رفتن به بهشت ندارد

یا ایها الذین امنوا استجیبوالله و للرسول اذا دعام لما یحیکم ـ عن ابی جعفر الباقر قال: الی ولایه علی ابن ابی طالب کرم الله وجهه(۵)

ص:۳۸۶

۱- ۱. معجم الکبیر طبرانی ح ۲۷۲۶

۲- ۲. مجمع الزوائد ج۴ ص ۲۷۸ ح ۷۴۶۶ (مکتبه شامله)

۳- ۳. شواهد التنزیل حاکم حسکانی حنفی ص ۲۳۰ ح ۵۹۱،

۴- ۴. خصال صدوق ص ۸۷۶ باب ۷۰

۵- ۵. مناقب ابن مردویه ج۱ ص ۲۴۵، کشف الغمه ج۱ ص ۳۲۱، تاویل الایات الظاهره ج۱ ص ۱۹۱ کشف الیقین ص ۳۸۶؛ مناقب مرتضوی محمد صالح کشفی ترمذی حنفی ص ۵۶؛

نبی اکرم فرمود: هر کس حرمت و احترام ۳ چیز را رعایت کند، خداوند دین و دنیای او را حفظ و پاسداری می کند و هر کس این ۳ چیز را بی احترامی و ضایع کند، خداوند دین و دنیای او را حفظ نمی کند؛ اول: حرمت اسلام دوم: حرمت من، سوم: حرمت رحم و خاندان من، جناب وهابی، معاویه با حفظ نکردن این ۳ حرمت، دین و آخرتی برایش باقی نماند که بخواهد وارد بهشت شود

ثلاث من حفظهن حفظه الله له دینه و دیناه و من ضیعهن لم یحفظ الله له شیئا حرمه الاسلام و حرمتی و حرمه رحمی (۱)

دوباره برگردیم به نظر شریف مولاـ علی درباره اصحاب جمل، مولا علی بعد از فراغت از جنگ جمل پس از حمد و ثنای خداوند فرمود: ای اهل بصره، ای گروه منحرف و منقلب، ای دردمندان بی درمان، ای پیروان چهار پای، ای لشکر زن، شما به صدای چهارپایی جمع شدید و چون کشته شد پراکنده شدید، آب آشامیدنی شما تلخ و ناگوار و آئین شما نفاق است

یا اهل الموتفکه یا اهل الداء العضال، اتباع البهیمه، یا جند المرءه فاجبتم و عقر فهربتم ما و کم زعاق و دینکم نفاق

در ادامه همین روایت آمده وقتی سخنرانی مولا علی درباره اصحاب جمل به پایان رسید با اصحابش راه افتادند تا رسیدند به حسن بصری که در حال وضو گرفتن بود و به او گفتند: ای حسن خوب وضو می گیری او گفت: ای علی دیروز افراد کشتی که همگی مسلمان بودند و ۵ وقت نماز می خوانند و با تمام آداب وضو می گرفتند؛ مولا علی فرمود: اگر اینگونه بوده و تو شاهد آن بودی پس برای چه به یاری دشمنان ما نشتافتی؟ حسن بصری گفت: بخدا راست فرمودی ماجرا از این قرار بود که در روز اول جنگ بود که از خانه بیرون آمده غسل کردم و شمشیر را با خود برداشتم و من هیچ شک نداشتم که تخلف از ام المومنین عائشه کفر است.

ولی وقتی به خریبه (نام محلی است در بصره) رسیدم آوازی مرا ندا ساخت ای حسن کجا می روی؟ برگرد که قاتل و مقتول هر دو در این جنگ جهنمی هستند؛

ص:۳۸۷

---

۱ – ۱. احیاء المیت سیوطی ح ۵۹ صواعق المحرقه ص ۳۲۵، مجمع الزوائدج۹ ص ۱۶۸ ح ۱۴۹۸۳؛ المعجم الکبیر طبرانی ح ۲۸۸۱، المعجم الاوسط ج۱ ص ۱۶۳ مساله ۲۰۵،

پس با حالتی ترسان برگشتم و در خانه ام نشستم پس چون روز دوم رسید هیچ شک نکردم که تخلف از ام المومنین عائشه کفر است، پس همچون روز گذشته، غسل کردم و سلاح به کمر بسته و آماده رفتن به میدان جنگ شدم تا به همان محل مذکور، رسیدم دوباره همانند روز گذشته، صدایی از پشت سرم شنیدم که گفت: ای حسن دوباره کجا می روی که قاتل و مقتول هر دو اهل آتش جهنم هستند؛ مولا علی فرمود: راست گفتی آیا میدانی که آن صدا کننده که بود؟ گفت: نه فرمود: او برادرت ابلیس (شیطان) بود و راست گفت که قاتل و مقتول از آنان هر دو اهل جهنم هستند، حسن بصری گفت: ای علی اکنون دریافتم که این قوم در هلاکت و گمراهی هستند، (۱)

و صدقک ان القاتل و المقتول منهم فی النار

عجیب همین سخنی که حسن بصری از زبان شیطان شنیده که قاتل و مقتول هر دو آتش جهنم هستند، اسماعیل بخاری در کتاب صحیح بخاری باب کتاب الایمان ج۱ ص ۱۸ و ص ۳۵ ح ۳۱ نقل کرده که نبی اکرم فرمود: قاتل و مقتول هر دو در آتش جهنم هستند، راوی سوال کرد، دلیل جهنمی بودن قاتل معلوم است ولی مقتول چرا به جهنم خواهد رفت؟ فرمود: بدلیل اینکه او نیز آرزوی کشتن برادرش را دارد ـ اذا التقی المسلمان یسیفیهما فالقاتل و المقتول فی النار؛ فقلت یا رسول الله: هذا القاتل فما بال المقتول قال: انه کان حریصاً علی قتل صاحبه (۲)

پس اهل سنت و وهابیت که این حدیث را از زبان پیامبر اسلام نقل کرده اند پس باید بگویند صحابه که با هم وارد قتال و جنگ شده اند و تصمیم کشتن یکدیگر داشته اند و عده زیادی از آنان به دست هم کشته شده اند از هر دو گروه اصحاب جمل و صفین و نهروان و مولا علی و یارانش اهل جهنم هستند یا باید بگویند این حدیث دروغ و جعلی است یا اینکه سخن مولا علی را قبول کنند که در ذیل سخن

ص:۳۸۸

۱- ۱. احتجاج طبرسی ج۱ ص ۳۶۹ ح ۸۶

۲- ۲. عون المعبود ح ۴۲۶۸ عظیم آبادی؛ سنن الکبری بیهقی ص ۱۹۰ ج۸ ح ۱۶۲۸۳؛ المعجم الاوسط ماله ۸۵۶۹؛ سنن ابی داود ح ۴۲۶۸؛ صحیح مسلم ج۴ ح۲۸۸۸ ص ۲۲۱۴، مسند البزار ج۹ ح۳۶۳۷ مسند احمد حنبل مساله ۱۹۹۲۶؛ سنن نسایی مساله ۴۱۲۳، مصنف عبدالرزاق ماله ۲۰۷۲۸،

حسن بصری به نقل از کتاب احتجاج شیخ طبرسی فرمود: قاتل و مقتول اصحاب جمل و صفین و نهروان اهل آتش هستند، چون مولاـ علی خود محور حق و میزان حق و باطل است که روایاتش از منابع اهل سنت در صفحات گذشته از دید شما گذشت پس بنابراین قول مولا علی دشمنان و اهل قتال با ایشان اهل جهنم هستند و راهی به اندازه سوزن به بهشت و رحمت الهی ندارند، مولاـ علی با صدای بلند در جنگ جمل؛ زبیر را خواند و فرمود: ای ابا عبدالله نزد من بیرون آی و زبیر همراه طلحه نزد آن حضرت آمدند، پس روی به آنان نموده و فرمود: بخدا سوگند شما دو نفر و صاحبان علم از آل محمد و نیز عائشه همه و همه خوب می دانید که تمامی اصحاب جمل در لسان پیامبر لعن شده اند و هر که نسبت افتراء به پیامبر بندد از رحمت حق محروم بماند؛ آندو گفتند: چگونه چون مائی که از اصحاب بدر و اهل بهشتیم ملعون هستیم؟ حضرت فرمود: اگر من قبول داشتم که شما (طلحه و زبیر) اهل بهشتید هرگز، تن به جنگ با شما نمی دادم. زبیر گفت: مگر حدیث سعید بن عمر و بن نفبل را نشنیده ای که از رسول خدا نقل نموده که فرمود: ده نفر از افراد قریش اهل بهشتید؟

حضرت فرمود: این حدیث را از عثمان شنیدم که در ایام خلافت خود نقل می کرد، زبیر به او گفت: آیا گمان می کنی بر پیامبر، دروغ بسته است؟ حضرت فرمود: من هیچ نمی گویم تا تک تک آن افراد بهشتی را نام ببری، زبیر گفت: ابوبکر، عُمر، عثمان، طلحه، زبیر، عبدالرحمن بن عوف، سعد ابن ابی وقاص، ابوعبیده جراح، و سعید بن عمرو بن نفیل حضرت فرمود: ۹ نفر را نام بردی، دهمی کیست؟ زبیر گفت: دهمی شما هستید، حضرت علی فرمود: تو خودت با این حدیث اعتراف نمودی که من اهل بهشتم، ولی من آنچه نسبت به خود و یارانت قائلی منکرم و با بهشتی بودن شما مخالفم، زبیر گفت: آیا فکر می کنی که سعید بر پیامبر، دروغ بسته؟ حضرت فرمود: من تنها فکر نمی کنم بلکه بخدا سوگند به این مطلب یقین دارم، و افزود: بخدا قسم، که برخی از این ده نفر، را که نام بردی جایگاه هشان به روز قیامت در تابوتی قرار گرفته و آن در گوشه ای از چاهی عمیق در پست ترین درجات جهنم می باشد ... من این حدیث را از خود پیامبر شنیدم و اگر دروغ گویم، خداوند مرا بر

شما غالب و مظفر نگرداند و خون مرا به دست شما بریزد و اگر راست می گویم؛ خداوند مرا ظفر و نصرت داده، و هر چه زودتر ارواح شما و اصحاب و یارانتان را به آتش نزدیک کند (۱)

ان کل اصحاب الجمل ملعونون علی لسان محمد صلی الله علیه و آله و سلم ... فقال لهما علی علیه السلام : لو علمت انکم من اهل الجنه لما استحللت قتالکم... و عجل ارواحکم الی النار ...

نقل است که چون مولاـ علی بر جنازه طلحه در میان کشتگان جنگ جمل، عبور کرد فرمود: او را بلند کرده و بنشانید پس خطاب به او فرمود: هر چند که تو دارای سابقه بودی ولی متاسفانه شیطان در دماغ تو داخل شده و تو را روانه آتش ساخت ــ لکن الشیطان دخل فی منخریک فاوردک النار (۲)

و نیز نقل شده است که آنحضرت بر طلحه عبور کرده و فرمود: این همان کسی است که بیعت مرا شکست و فتنه و فساد را میان ملت برانگیخت و علیه من امت را شورانید و مردم را به کشتن من و اهل بیت من خواند، سپس فرمود: تا او را نشانده و گفت: ای طلحه بن عبیدالله، من آنچه را که خداوند وعده ام فرموده بود دریافتم، آیا تو نیز وعده های خدایت را درست و راست یافتی؟ سپس دستور داد تا او را بخوابانند و از او دور شد، یکی از یاران آنحضرت عرض کرد، چگونه با جسد طلحه، حرف زدی؟ فرمود: بخدا قسم که سخن من را شنید همانطور که کشتگان کافر اهل بدر، چون بچاه ریخته شدند، سخن رسول خدا، را در آنروز شنیدند و آنحضرت همین عمل را با کعب بن سور، قاضی که در میان کشتگان بود، تکرار کرده و فرمود: این همان کسی است که قرآن را از گردن خود آویخته بر ما شورش نمود و به خیال خود از ما در مومنان (عایشه) حمایت و طرفداری نموده و مردم را به قرآن فرا می خواند حال اینکه خود به حقایق آن جاهل و غافل بوده، این آدم از خدا مسالت نموده که مرا بکشد و خدا او را کشت(۳)

۱- ۱. احتجاج طبرسی ج۱ ص ۳۴۴ ح ۷۰

۲- ۲. احتجاج طبرسی ج۱ ص ۳۴۹ ح ۷۳،

۳- ۳. احتجاج طبرسی ج۱ ص ۳۵۰ ح ۷۴

اما و الله سمع کلامی کما سمع اهل القلیب کلام رسول الله یوم بدر... اما انه دعا الله ان یقتلنی فقتله الله

مولاـ علی در این حدیث که از نظ شما گذشت، اهل و اصحاب جمل و کشته های از سپاه عایشه و خود طلحه و زبیر را، همانند سپاه کفر در روز جنگ بدر با پیامبر، برابر و مساوی دانسته یعنی اصحاب جمل با کفار و منافقین برابرند و راهی به بهشت ندارند.

اما نظر شریف مولاـ علی درباره معاویه علیه الهاویه(بطور اختصار) _ مولا علی فرمود: معاویه، امامت مرا، انکار نموده و خیال می کند در خلافت از من برتر است او در این عملش، به خداوند و رسول خدا، جرات و جسارت نموده (۱)

و یجحدنی الامامه و یزعم انه احق بها منی؛ جراه منه علی الله و علی رسوله

جناب وهابی کسی که در مقابل خدا و رسول، عرض اندام می کند آیا وارد بهشت خواهد شد؟ مولا علی، معاویه را نه از اصحاب مهاجر و نه از اصحاب انصار قبول نداشته و ندارد، می فرماید: اسیران آزاده شده کفار جاهلیت و فرزندانشان را با امتیازات بین مهاجران نخستین و ترتیب درجات و تعریف طبقاتشان چه نسبت؟ هیهات خود را در صفی قرار می دهی که از آن بیگانه ای _ (۲)، مولا علی درباره معاویه می گوید: تو همان کسی هستی که همیشه در بیابان گمراهی سرگردانی و از راه راست و حد اعتدال منحرفی، جناب وهابی کسی که مثل معاویه از صراط مستقیم منحرف است آیا راهی به سوی رضوان الهی و بهشت برین دارد؟!

فانک لذهاب فی التنیه، رواغ عن القصد(۳)

مولا علی، معاویه را یکی از کسانی می داند که در کشته شدن خلیفه سوم (عثمان) اثر داشته می داند می فرماید: تو کسی هستی که عثمان از تو یاری خواست و تاخیر کردی تا مرگ بر سرش هجوم آورد و زندگی اش به سر آمد _ (۴)؛ مولا علی درباره معاویه می فرماید: ما ایمان آوردیم و شما به کفر و بی ایمانی خود باقی ماندید،

ص:۳۹۱

۱- ۱. احتجاج طبرسی ج۱ ص ۳۷۴

۲- ۲. احتجاج طبرسی ج۱ ص ۳۸۷ ح ۹۰

۳- ۳. احتجاج طبرسی ج۱ ص ۳۳۸،

۴- ۴. احتجاج طبرسی ج۱ ص ۳۹۱ و ص ۳۹۰

امروز، هم ما به راه راست می رویم و شما پیرامون فتنه هستید، آنها که از گروه شما، اسلام را پذیرا شدند، از روی میل و علاقه نبود بلکه در حالی بود که همه بزرگان عرب در برابر، رسول خدا، تسلیم شدند و در حزب او درآمدند؛ نوشته بودی که من، طلحه و زبیر را کشته و عایشه را تبعید کرده ام و در کوفه و بصره اقامت گزیده ام، این مربوط به تو نیست و لزومی ندارد عذر آنرا، از تو بخواهم و یادآور شده بودی که با گروهی از مهاجران و انصار به مقابله با من خواهی شتافت (کدام مهاجر و انصار؟) هجرت از آن روزی که برادرت (یزید بن ابوسفیان) روز فتح مکه، اسیر شده پایان یافت... بخدا سوگند می دانم تو مردی بی عقل و پوشیده دل هستی، سزاوار است درباره تو گفته شود؛ به نردبانی بالا ـ رفته ای که تو را به پرتگاه خطرناکی کشاند که به زیان توست نه به سود تو؛ ... چقدر به عموها و دائی های بت پرست خود، شباهت داری؟ همانها که شقاوت و تمنای باطل، وادارشان ساخت که پیامبر اسلام را انکار کنند (۱)

انا آمنا و کفرتم و الیوم انا استقمنا و فتنتم و ما اسلم مسلمکم الا کرهاً و بعد ان کان انف الاسلام کله لرسول الله حزبا... و الله ما عملت؛ الاغلف القلب المقارب العقل... و قریب ما اشبهت من اعمام و اخوال، حملتهم الشقاوه و تمنی الباطل(۲)

مولا علی به معاویه می گوید: تو مدام داری بسوی زیانکاری و جایگاه کفرورزی، حرکت می کنی، خواسته های دل تو را به بدی ها کشانده و در پرتگاه گمراهی قرار داده است و تو را در هلاکت انداخته و راه های نجات را بر روی تو بسته است

فقد اجریت الی غایه خسر و محله کفر (۳)

شما خاندان ابوسفیان، یا برای دنیا و یا از روی ترس در دین اسلام وارد شدید ــ کنتم ممن دخل فی الدین اما رغبه و اما رهبه (۴)

مولاـ علی می فرماید: ای معاویه، شیطان تو را نمی گذارد تا به نیکوترین کارت بپردازی، جناب وهابی وقتی شیطان نمی گذاشته، معاویه بسوی راه خدا و معنویت

ص:۳۹۲

۱- ۱. احتجاج طبرسی ج۱ ص ۳۹۳ و ص ۳۹۲

۲- ۲. .... احتجاج طبرسی ج۱ ص ۳۹۳

۳- ۳. نهج البلاغه ص ۵۱۸ و ص ۵۱۹ نامه ۳۰؛

۴- ۴. نهج البلاغه ص ۴۹۶ نامه ۱۷ ش ۲

برود؛ چگونه راهی به سعادت بهشت دارد (۱)

و اعلم ان الشیطان قد ثبطک عن ان تراجع حسن امورک: بنی امیه که معاویه جزء آنان است چون می شنیدند، نوزادی نام علی دارد او را می کشتند.

_ کانت بنو امیه اذا سمعوا بمولود اسمه علی قتلوه (۲)

وقتی معاویه و معاویه ها از نام مقدس مولا علی، تنفر داشتند و با مولا علی اینقدر کینه و عدوات داشتند که حاضر نبودند نام علی را بشنوند چگونه راهی به بهشت و رضایت الهی خواهند داشت؟! حتی معاویه ملعون از نام مقدس نبی اکرم، خوشش نمی آمد و دوست داشت نام او را از ماذن ها و از صفحه روزگار حذف کند (۳)

و ان ابن ابی کبشه لیصاح به کل یوم خمس مرات اشهدان محمداً رسول الله فای عمل یبقی؟ و ای ذکر یدوم بعد هذا لا ابالک؟ لا و الله الا دفناً دفناً (۴)

حکم نهایی قیام کنندگان (ناکثین و قاسطین، اصحاب صفین و جمل) در مقابل خلیفه پیامبر و خلیفه چهارم مسلمین در آنوقت _ اهل سنت از قول رسول اکرم نقل کرده اند که فرمود: هر فردی از افراد جامعه از جماعت مسلمین یک وجب جدا شود، داخل آتش جهنم می شود _ من فارق الجماعه شبراً دخل النار (۵)

نبی اکرم فرمود: اگر کسی به مقدار بند کمانی از جماعت مسلمین جدا شود، نماز و روزه او قبول نیست و بدن او هیزم جهنم خواهد بود

فمن فارق الجماعه قید قوس لم تقبل منه صلاه و لاصیام و اولئک هم وقود النار (۶)

چون اصحاب جمل و صفین، زیر بار دستورات مولا علی نرفتند و جماعت و وحدت مسلمین را به تفرقه و درگیری و خونریزی مبدل کردند،طبق قائده حدیثی

۱- ۱. نهج البلاغه نامه ۷۳ ص ۶۱۶ و ص ۶۱۷

۲- ۲. تاریخ دمشق ج۴۱ ص ۴۸۱، تهذیب الکمال مزی ج۲۰ ص ۴۲۹، سیر اعلام النبلاء ذهبی ج۷ ص ۴۱۳تهذیب التهذیب ج۷ ص ۲۸۰ ابن حجر

۳- ۳. الاخبار الموفقیات ص ۴۶۲ح ۳۷۵تالیف الزبیر بن بکار

۴- ۴. شرح نهج البلاغه ج۵ ص ۱۳۰

۵- ۵. مستدرک حاکم ج۱ ص ۱۱۸، المعجم الکبیر ج۶ ص ۵۳،

۶- ۶. مجمع الزوائد ج۵ ص ۲۱۷ و معجم الکبیر ج۳ ص ۳۰۲،

اهل سنت که ذکر شد، هیزم آتش جهنم هستند و راهی به سوی بهشت ندارند

من فارق الجماعه شبرا فقـد خلع ربقه الاسـلام من عنقه (۱) منهال بن عمرو گویـد: نزد امام زین العابـدین علیه السـلام رفته و عرضه داشـتم، چگونه صبح کردید؟ فرمود: گمان نمی کردم بزرگی از بزرگان شهر نداند حال ما چگونه است، حال که نمی دانی تو را آگاه می سازم، مادر بین قوم خویش، همچون بنی اسـرائیل در بین فرعونیان شده ایم که فرزندانشان را می کشتند و زنانشـان را زنـده می گذاردنـد و به خاطر نزدیکی به دشـمنان ما، بر منبرها از بزرگ و سـرور ما (علی بن ابی طالب) بـدگویی کرده به ایشان جسارت می کنند (۲)

اصـبحنافی قومنا بمنزله بنی اسـرائیل فی آل فرعون اذ کانوا یذبحون ابناءهم و یسـتحیون نسا هم و اصـبح شیخنا و سیدنا یتقرب الی عدونا بشتمه او سبه علی المنابر

برخورد و رفتار معاویه و معاویه ها، با خانـدان مولا علی و با مولا علی، همانند رفتار فرعون با قوم بنی اسـرائیل بوده که جوانان آنان را ذبـح می کرد و زنانشان را، نگه می داشت، پس معاویه هماننـد فرعون است و بایـد طبق عـدل الهی با فرعون در جهنم محشور شود.

ورموا بالنبال جنازته حتی سل منها سبعون نبلا _ حال بررسی می کنیم حالات خلیفه اول و دوم _ جناب ابوبکر و عُمر، که آیا خودشان قبول داشـتند که جزء عشـره مبشره و افراد صد در صد بهشتی هستند یا نه؟ در منابع روایی اهل سنت آمده که ابوبکر می گفت: بخدا قسم دوست داشـتم درختی در کنار راهی بودم و شتر رهگذری مرا می خورد سپس مرا بصورت مدفوع خارج می کردم و من هرگز بشر نبودم

والله لوددت انی کنت شـجره فی جانب الطریق مر علی جمل و فاخـذنی فادخلنی فاه فلا کنی ثم ازدردنی ثم اخرجنی بعراً و لم اکن بشرا (۳)

در ابتدای این روایت آمده که ابوبکر پرنده ای را بر روی درختی دید و گفت:

۱- ۱. مسند احمد ج ۵ ص ۱۸۰؛ سنن ابی داود ج۲ ص ۴۲۶، سنن ترمذی ج۴ ص ۲۲۶؛ المستدرک حاکم ج۱ ص ۱۱۷ فتح الباری مساله ۶۶۴۵، التلخیص الحبیر، کنـانی ج۴ مساله ۱۹۸۴، صـحیح ابن خزیمه ج۲ ص ۹۱۵، مصنف عبدالرزاق ج۳ مساله ۵۱۴۱

۲- ۲. طبقات الکبری ابن سعد ج۵ ص ۲۱۹

۳- ۳. مصنف ابن ابی شیبه ج۷ ص۹۱ ح ۳۴۴۳ تاریخ مدینه دمشق ج۳۰ ص ۳۳۰، تاریخ الخلفا سیوطی ج۱ ص ۱۴۲،

خوشا بحالت ای پرنده، بخدا قسم، من نیز دوست داشتم مثل تو پرنده بودم، زیرا، آزادانه پرواز می کنی و بر روی درختان می نشینی و از میوه های آنها می خوری و در روز قیامت نیز هیچ حساب و کتاب و عذابی نداری ـ رای ابوبکر طیراً واقعاً علی شجره فقال: طوبی لک یا طیر والله لوددت انی کنت مثلك، تقع علی الشجره و تاکل من الثمر ثم طیر و لیس علیك حساب ولاعذاب (۱)

در روایت دیگر از ابوبکر آمده که گفته ای کاش قوچی بودم و آنقدر مرا پرورش می دادند که چاق ترین قوچ می شدم و بعد مرا ذبح می کردند و مقداری از گوشتم را کباب می نمودند و سپس می خوردند و آنگاه بصورت مدفوع خارج می کردند ولی ای کاش بصورت آدم و بشر خلق نشده بودم ـ و الله لوددت انی کبش یسمننی اهلی ... و انی لم اکن خلقت بشرا

در روایت دیگر آمده که ابوبکر می گفت: ای کاش من موئی بودم در پهلوی بنده مومنی ـ وددت انی شعره فی جنب عبدمومن (۲)

سوال می کنیم از جناب وهابی و وهابی ها، اگر ابوبکر خلیفه اول، اطمینان کامل داشت جزء عشره مبشره هست و صددرصد بهشتی است، چرا آرزو می کرده که اصلاً ای کاش انسان به دنیا نیامده بود و پرنده ای آزاد بود و آرزو می کرده ای کاش موی بدن فرد مومنی بود، اگر ابوبکر، اطمینان کامل داشت قطعاً بهشتی است به رحمت واسعه خداوند و بشارت پیامبر و بشارت قرآن کریم به ادعای اهل سنت و وهابیت که ظاهر آیه می گوید مهاجرین و انصار بهشت برایشان آمده است، جای نگرانی نباید داشته باشد؟! سوره توبه آیه ۱۰۰ واعدلهم جنات، حال بررسی می کنیم علت اینکه خلیفه اول، جناب ابوبکر آرزو می کرده که ای کاش پرنده ای آزاد بودم و حساب و کتاب نداشتم، ای کاش قوچی بودم و مرا می خوردند و بصورت مدفوع خارج می کنند ولی بشر آفریده نشده بودم چه بوده؟

عبدالرحمن بن عوف می گوید، در بیماری ابوبکر برای عیادتش به خانه او رفتم،

ص:۳۹۵

۱- ۱. کنزالعمال ج۱۲ ص ۵۲۸، ریاض النضره طبری ج۱ ص ۱۳۴، منهاج السنه ابن تیمیه ج۳ ص ۱۲۰

۲- ۲. المنتظم ابن جوزی ج۴ ص ۶۳ الزهد ابن حنبل ص ۱۰۸، ریاض النضره طبری ج۲ ص ۱۳۷، جامع الاحادیث سیوطی ج۱۳ ص ۵۰، تاریخ الخلفاء ج۱ ص ۱۰۴، کنز العمال ج۱۲ ص ۵۲۸،

پس از گفتگوی زیاد گفت: ای کاش (۳) چیز را که انجام داده ام انجام نمی دادم، ای کاش ۳ چیز را که انجام نداده ام انجام می دادم، ... یکی از آن ۳ چیزی که انجام داده ام و آرزو می کنم ای کاش انجام نمی دادم این است که ای کاش پرده حرمت خانه حضرت فاطمه ٔپاره نکرده بودم و آنرا بحال خود وا می گذاشتم، هر چند برای جنگ بسته شده بود

وددت انی لم اکشف بیت فاطمه و ترکته و ان اغلق علی الحرب (۱)

علمای اهل سنت حدیث پشیمانی ابوبکر بخاطر حمله به خانه حضرت فاطمه زهرا، با سند صحیح تائید و نقل کرده اند _ (۲)، حمله ابوبکر و اصحابش به خانه دختر گرامی پیامبر اسلام که سیده و سرور زنان اهل بهشت است خلاف عمل افراد باایمان است که قرآن کریم در آیه ۲۷ سوره نور می فرماید: ای اهل ایمان بدون اجازه وارد خانه هیچ کسی نشوید؛

لاتدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتی تستانسوا

یکی دیگر از ادله ای که بهشتی بودن ابوبکر و عمر را زیر سوال میبرد، طبق منابع موثق اهل سنت، قهر کردن حضرت فاطمه از ابوبکر و عمر می باشد، حضرت فاطمه بر ابوبکر غضب نمود و با او قطع رابطه کرد تا اینکه وفات کرد و به مولا علی وصیت کرد که ابوبکر و عمر در تشیع و تدفین او حاضر نشوند و مولا علی، مخفیانه بدون اذن ابوبکر، شبانه حضرت زهرا، را دفن کرد

فوجدت فاطمه علی ابن بکر فی ذلک فهجرته فلم تکلمه حتی توفیت ... فلما توفیت دفنها زوجها علی، لیلا و لم یوذن بها ابابکر و صلی علیها (۳)

---

۱ – ۱. کنز العمال ج۵ ص ۲۵۲ ح ۱۴۱۱۳ الاموال، بن سلام ج۱ ص ۱۷۴ ح ۳۵۳؛ الامامه و السیاسه ج۱ ص ۲۱، ابن قتیبه، تاریخ طبری ج۲ ص ۳۵۳ العقد الفرید ج۴ ص ۲۵۴، مروج الذهب ج۱ ص ۲۹۰، تاریخ دمشق ج ۳۰ ص ۴۱۸، تاریخ الاسلام ج۳ ص ۱۱۸ذهبی مجمع الزوائد ج۵ ص ۲۰۲، سمط النجوم العوالی ج۲ ص ۴۶۵: معجم الکبیر طبرانی ج۱ ص ۶۲ ح ۳۴؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدیدج۲ ص ۴۶؛ جمهره النسب ج۲ ص ۹۴، جامع المسانید و السنن ابن کثیر ج۱۷ ص ۶۵، مسند فاطمه الزهرا، سیوطی ص ۳۴، الضعفاء الکبیر ج۷ ص ۱۱۷ عقیلی، لسان المیزان ابن حجر ج۲ ص ۱۸۵ و ج۴ ص ۱۸۹، السقیفه و فدک ص ۴۳ و ص ۷۳

۲ – ۲. الاحادیث المختاره مقدسی ج۱ ص ۹۰ _ قلت و هذا حدیث حسن عن ابی بکر، انساب الاشراف ج۳ ص ۴۰۶، جامع الاحادیث سیوطی ج۱۳ ص ۱۰۱ و ج۱۷ ص ۴۸_ انه حدیث حسن

۳ – ۳. صحیح بخاری ج۵ ص ۸۲، عمده القاری ج۷ ص ۲۵۸، صحیح ابن حبان ج۱۱ ص ۱۵۳ و ج۱۴ ص ۵۷۳، صحیح مسلم ج۵ ص ۱۵۳، سیراعلام النبلاء ذهبی ج۲ ص ۱۲۱، تاریخ المدینه نمیری ج۱ ص ۱۹۶، طبقات الکبری ابن سعد ج۲ ص ۳۱۵، السقیفه و فدک جوهری ص ۱۰۷، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج۱۶ ص ۲۱۸، صحیح بخاری ج۳ ص ۱۱۲۶ ح۲۹۲۶

فغضبت فاطمه بنت رسول الله فهجرت ابابکر فلم تزل مهاجرته حتی توفیت(۱)

هنگامی که ابوبکر و عمر در زمانی که بی بی دو عالم، در بستر بیماری قرار گرفته بودند بعد از حادثه هجوم به منزلش آمدند برای عیادت و طلب پوزش، حضرت فاطمه روی از آنها برگردانید و جواب سلام آنان را نداد و از آنان اقرار گرفت که شما را بخدا قسم می دهم آیا شما دو نفر از پیامبر نشنیدید که فرمود: خشنودی فاطمه، خشنودی من و ناراحتی او ناراحتی من است هر کس دخترم فاطمه را دوست بدارد و احترام کند مرا دوست داشته و احترام کرده است و هر کس فاطمه را ناراحت کند مرا ناراحت کرده است، ابوبکر و عمر گفتند آری ما از رسول خدا، اینگونه شنیده ایم، سپس صدیقه شهیده طاهره فرمود: پس من خدا و فرشتگان را شاهد می گیرم که شما دو نفر مرا اذیت و ناراحت کردید و در ملاقات با پدرم (پیامبر) از شما دو نفر شکایت خواهم کرد، بخدا قسم پس از هر نماز بر شما نفرین خواهم کرد

فانی اشهدالله و ملائکه انکما اسخطتمانی و ما ارضیتمانی و لئن لقیت النبی لاشکونکما الیه و الله لادعون الله علیک فی کل صلاه اصلیها (۲)

حال از منابع معتبر اهل سنت ملاحظه کنیم، ابوبکر و عمر، که حضرت زهرا، را آزرده خاطر و ناراحت کردند، دچار گناه بزرگ و خطرناکی شدند و چه سرنوشتی طبق آیات قرآن دارند، نبی اکرم فرمود: فاطمه پاره تن من است کسی که فاطمه را به غضب و ناراحتی در بیاورد مرا ناراحت کرده، دشمنی با فاطمه دشمنی با من و اذیت می کند مرا کسی که فاطمه را اذیت کند

فاطمه بضعه منی فمن اغضبها اغضبنی (۳)_ انما فاطمه بضعه منی یوذینی من آذاها _ (۴)نبی اکرم فرمود: ای فاطمه خداوند با خشم تو خشمگین و با خشنودی تو،

۱- ۱. صحیح بخاری ج۴ ص ۱۵۴۹ ح ۳۹۹۸ و ج۶ ص ۲۴۴۷ ح ۶۳۴۶

۲- ۲. الامامه و السیاسه، دینوری ج۱ ص ۱۷؛ اعلام النسأ ج۳ ص ۱۲۱۴

۳- ۳. صحیح بخاری ج۴ ص ۲۱۰

۴- ۴. صحیح مسلم ج۷ ص ۱۴۱ سنن ترمذی ج۵ ص ۳۶۰؛ المستدرک حاکم ج۳ ص ۱۵۹ _ انما بضعه منی یریبنی ما رابها و یوذینی ما آذاها _ سنن الکبری بیهقی ج۷ ص ۳۰۷ _ سنن الکبری نسایی ج۵ ص ۱۴۷؛ تفسیر ثعالبی ج ۵ ص ۳۱۶، عمده القاری ج۱۷ ص ۲۵۸ صحیح ابن حبان ج۱۱ ص ۱۵۳ _ البحر الزخار ج۲ ص ۱۵۹، غریب الحدیث ج۳ ص ۱۱۸۶ حلیه الاولیاء ابونعیم ج۲ ص ۴۱ فوائد ابی بکر النصیبی ص ۵۳، المصنف ابن ابی شیبه ج۶ ص ۳۸۸؛ مسند البزار ج۶ ص ۱۵۰؛ الحاوی الکبیر؛ ماوردی ج۱۷ ص ۱۶۴؛

خشنود می شود _ یافاطمه ان الله یغضب لغضبک و یرضی لرضاک (۱)

پس نتیجه این شد که ابوبکر و عمر مورد غضب و خشم و ناراحتی، سیده زنان عالم حضرت فاطمه زهرا بودند و حضرت از آنان راضی نشد تا از دار دنیا رفت، و خشم و غضب بی بی دو عالم برابر با خشم و غضب خدا و رسول است و قرآن کریم می فرماید: هر کس مورد غضب و خشم و غضب و خشم خدا و رسول قرار گرفت، در دنیا و آخرت مورد لعنت و عذاب الهی قرار می گیرد و راهی بسوی بهشت و رضوان الهی ندارد

{ان الذین یوذون الله و رسوله لعنهم الله فی الدنیا و الاخره واعدلهم عذابا مهینا }(۲)

_ آیه المنافق ثلاث: اذا حدث کذب و اذا وعد اخلف و اذا اوتمن خائن _ خودِ خلیفه دوم عمر ابن الخطاب می گوید: اگر منادی از آسمان ندا دهد ای مردم همه وارد بهشت شوید الایک نفر، من می ترسم که آن یک نفر من باشم و اگر منادی بگوید همه وارد جهنم شوید الا یک نفر، امیدوارم آن یک نفر من باشم

عن عُمر: لونادی مناد من السماء: یا ایها الناس انکم داخلون الجنه کلکم اجمعون الا رجلاً واحدا؛ لخفت ان اکون انا هو و لو نادی مناد: ایها الناس انکم داخلون النار الا رجلا واحدا لرجوت ان اکون انا هو (۳)

سوال از جناب وهابی و وهابی ها، اگر خلیفه دوم، اطمینان کامل داشته جزء

ص:۳۹۸

۱- ۱. مستدرک حاکم ج۳ ص ۱۵۴ و ص ۱۶۷، معجم الکبیر طبرانی ج۱ ص ۱۰۸، مجمع الزوائد ج۹ ص ۲۰۳ _ هذا حدیث صحیح الاسناد ... رواه الطبرانی و اسناده حسن، تاریخ مدینه دمشق ج۱ ص ۴۳۴ الاصابه ابن حجر ج۴ ص ۳۷۸؛ صواعق المحرقه ج۲ ص ۵۰۷، الاحاد و المثانی ابن ابی عاصم ج۵ ص ۳۶۳ ح ۲۹۵۹، تاریخ دمشق ج۳ ص ۱۵۶؛ الاصابه ابن حجر ج۸ ص ۲۶۶، میزان الاعتدال ذهبی ج۱ ص ۵۳۵ و ج۲ ص ۴۹۲، اسدالغابه ج۷ ص ۲۱۶ جزری، تاریخ بغداد ج۱۷ ص ۱۴۰

۲- ۲. سوره احزاب آیه ۵۷

۳- ۳. حلیه الاولیاء ج۱ ص ۵۳، محاضرات الادباء ج۲ ص ۲۲ سبل و الهدی و الرشاد ج۱۱ ص ۲۷۱؛ جامع الاحادیث سیوطی ج۱۳ ص ۳۱۸ح ۱۲۴۰، احیا العلوم غزالی ج۲ ص ۳۷۷، التخفیف من النار، ابن رجب حنبلی ج۱ ص ۲۳

عشره مبشره و افراد صددرصد بهشتی است چرا امید به بهشت رفتن نداشته و اگر ادامه روایت می گوید امید داشته آن یک نفر بهشتی فقط او می باشد که این حرفش خلاف قرآن و عدالت الهی است، یعنی بهشت این بزرگی فقط برای او آفریده شده و او از همه خلائق فقط برتر است و کسی لایق بهشت نیست فقط او، و اگر واقعاً یقین دارد که صددرصد بهشتی است جای هیچ خوف و ترسی از عدم به بهشت رفتن نباید داشته باشد، در روایت دیگر از منابع اهل سنت آمده که خلیفه دوم عمر ابن الخطاب، گیاهی و سبزی از زمین گرفت و گفت ای کاش من این علف و گیاه بودم، ای کاش من چیزی و موجودی نبودم، ای کاش مادرم مرا متولد نمی کرد، ای کاش برای همیشه فراموش می شدم

رایت عمر بن الخطاب اخذ تبته من الارض فقال یالیتنی کنت هذه التبنه لیتنی لم اک شیئاً لیت امی لم تلدنی، لیت کنت نسیامنسیا (۱)

اگر خلیفه دوم عمر ابن الخطاب، واقعاً صددرصد بهشتی بوده و هست و امید به رحمت واسعه الهی داشته، چرا واحسرتا و وایلاـ داشته که ای کاش تکه علف پوسیده ای بودم، ای کاش موجودی و چیزی نبودم، ای کاش مادرم مرا، انسان و آدم به دنیا نیاورده بود، تاریخ عمر بن الخطاب ابن جوزی ص ۱۴۸، سلیمان بن یسار می گوید: هنگامی که عُمر در بستر مرگ افتاده بود، مغیره به او گفت: گوارایت باد بهشت ای حاکم مسلمین، عُمر گفت: ای پسر مادر، مغیره تو چه می دانی اکنون من در چه وضعیتی هستم، قسم به آنکه جانم در دست اوست اگر بین مشرق و مغرب عالم از آن من بود آنرا می بخشیدم تا از وحشت قیامت در امان باشم(۲)

قال له المغیره بن شعبه: هنیئا لک یا امیرالمومنین الجنه قال: یا ابن ام المغیره و ما یدریک؟ والذی نفسی بیده لو کان لی ما بین المشرق و المغرب لافتدیت به من هول المطلع؛ عمر ابن الخطاب گفت: اگر برای من زمین پر از طلاـ شود، پیش از دیدن عذاب الهی آنرا برای نجات خویش فدیه می دادم(۳)

۱- ۱. کنزالعمال ج۱۲ ص ۶۱۹ و ص ۶۲۰ ح ۳۵۹۱۶ طبقات الکبری ج۳ ص ۳۶۰، مصنف ابن ابی شیبه ج۷ ص ۹۸، تاریخ الخلفاء سیوطی ج۱ ص ۱۲۹، شعب الایمان ج۱ ص ۴۸۶

۲- ۲. تاریخ المدینه المنوره ج۳ ص ۹۱۶

۳- ۳. صحیح بخاری ج۳ ص ۱۷ ح ۳۶۹۲ _

والله لو ان لی طلاع الارض ذهباً لافتدیت به من عذاب الله قبل ان اراه ــ فرزند عُمر می گوید: سر پدرم (عُمر) در وقت بیماری اش که در همان بیماری از دنیا رفت روی زانویم بود، گفت: سرم را روی زمین بگذار، سپس گفت: وای بر من و بر مادرم اگر خدا بر من رحم نکند ــ فقال: ویلی و ویل امی ان لم یرحمنی ربی (۱)

الویل لامی ان لم یغفر الله لی، فلم یزل یقولها حتی خرجت نفسه

عمر ابن الخطاب در آخرین نفس ها و لحظات عُمرش گفت: اگر به اندازه همه کوههای زمین طلا داشتم، آنها را می دادم تا از وحشت روز قیامت در امان باشم (۲)، عمر ابن الخطاب پیش از مردنش گفت: بخدا قسم اگر همه آنچه که خورشید بر آن می تابد، از آن من بود، آنرا می دادم تا از وحشت روز قیامت رهایی یابم (۳)

و الله لو کان لی ما طلعت علیه الشمس لافتدیت به من هول المطلع،

عمر ابن الخطاب گفت: ای کاش قوچ خاندانم بودم تا در حد توانشان چاقم می کردند و بعضی از بدنم را کباب و بعضی را خشك می کردند و می خوردند سپس بصورت مدفوع خارج می کردند و انسان آفریده نمی شدم

یالیتنی کنت کبش اهلی سمنونی ما بدالهم حتی اذا کنت کاسمن مایکون زارهم بعض من یحبون فذبحونی لهم فجعلوا بعضی شواء و بعضه قدیدا ثم اکلونی و لم اکن بشراً (۴)

حال بررسی کنیم علت خوف و ترس خلیفه دوم در هنگام مرگش چه بوده؟! و این واویلای او از دیدگاه قرآن کریم علت و سببش چیست؟ و نشانه و خصلت اخلاقی چه افرادی می باشد؟! ابن حجر می نویسد: علت ترس شدید، عُمر در هنگام مرگ، بخاطر کوتاهی ها در برآوردن حقوق مردم بوده است

۱- ۱. حلیه الاولیاء ج۱ ص ۵۲، شرح السنه بغوی ج۱۴ ص ۳۷۳، ربیع الابرار، زمخشری ج۱ ص ۱۱۶، طبقات الکبری ابن سعد ج۳ ص ۳۶۰، تاریخ عمر ابن الخطاب ابن جوزی ص ۲۰۳، تاریخ مدینه منوره ابن شبه ج۳ ص ۹۱۹،

۲- ۲. تاریخ الخلفاء سیوطی ص ۱۳۴

۳- ۳. کنزالعمال ج۱۲ ص ۶۷۷ شماره ــ ۳۷ ــ ۳۶

۴- ۴. شعب الایمان ج۱ ص ۴۸۵، جامع الاحادیث سیوطی ج۱۳ ص ۳۱۷، حلیه الاولیا ج۱ ص ۵۲، الزهد، امام هنادبن السری الکوفی باب ۴۸ ص ۲۵۸، تاریخ الخلفا سیوطی ص ۱۴۲کنزالعمال ج۱۲ ص ۶۱۹، تاریخ عمر ابن الخطاب، ابن جوزی ص ۱۴۸،

خشیه التقصیر فیما یجب علیه من حقوق الرعیه (۱)

در روایت دیگر عمر ابن الخطاب علت ترس و حسرتش هنگام مرگش را بیان می دارد می گوید: ای کاش ۳۰ سال قبل مرده بودم زیرا من دنیا را آباد کردم برای معایه و دین و ایمانم را تباه نمودم دنیا را گرفتم و آخرتم را از دست دادم

یا لیتنی مت قبل هذا الیوم بثلاثین سنه اصلحت لمعاویه دنیاه و افسدت دینی آثرت دنیای و ترکت آخرتی (۲)

یکی دیگر از علل ترس و وحشت فراوان، خلیفه دوم هنگام مرگش این بوده که حق مولا علی را غضب کرده بوده است، عُمر ابن الخطاب قبل از جان دادنش، پسرش را به دنبال مولا علی فرستاد که نزدش بیاید؛ وقتی مولاعلی بر بالین عُمر آمد؛ عُمر گفت: ای علی من اولین کسی هستم که برای تو، شر بپا کردم، دوست دارم مرا حلال کنی حضرت فرمود: به این شرط می پذیرم تا دو نفر شاهد باشند که تو چنین درخواستی داشتی و از من حلالیت نمودی، عُمر سرش را به طرف دیوار برگرداند و بعد از مدتی طولانی باز گفت: ای ابالحسن چه شد چه می گویی؟ حضرت فرمود: مطلب همان است که گفتم، عُمر گفت: ای علی پس آتش جهنم را بر ننگ و عار، ترجیح می دهم، پس از رفتن مولا ـ علی، پسر عُمر، از عُمر پرسید، چرا قبول نکردی؟ عُمر گفت: علی می خواهد کاری کند که دیگر کسی حاضر نشود بگوید خدا عُمر را بیامرزد (۳)

یا ابالحسن انی کنت ممن شغب علیك ... فاحب ان تجعلنی فی حل ... فقال: نعم، علی ان تدخل علیك رجلین فتشهدهما علی ذلك... قال: فحول وجهه الی الحائط، فمکث طویلا ثم قال: یا ابالحسن ما تقول؟ قال: هو ما اقول لك ... فمکث طویلا ثم قام فخرج قال قلت: یا ابت قد انصفك قال: یا بنی انما اراد ان لا یستغفرلی رجلان من بعدی... حال بررسی می کنیم حالات خلیفه سوم مسلمین، جناب عثمان بن عفان که آیا خودش را اهل بهشت می دانسته و با اعمال و افعالی که علیه صحابه و مسلمین داشته آیا راهی بسوی بهشت دارد یا نه.

ص:۴۰۱

۱- ۱. فتح الباری ج۷ ص ۴۳

۲- ۲. تاریخ یعقوبی (ایام عُمر) ج۲ ص ۱۶۱

۳- ۳. بحارالانوار ج ۳۰ ص ۱۴۲، مدینه المعاجز ج۲ ص۹۵

فانی سمعت رسول الله یقول یلحد رجل من قریش بمکه یکون علیه نصف عذاب العالم فلن اکون انا ایاه.... (۱)

ا گر عثمان جز عشره مبشره بود، چرا صحابه پیامبر جمع شدند و او را به قتل رساندند؟ طبری در تاریخش می نویسد: تمام صحابه پیامبر اکرم که در مدینه بودند، نامه نوشتند به صحابه ای که در خارج از مدینه بودند، که شما رفته اید به کشورهای دور دست برای جهاد کردن و احیاء دین پیامبر، در حالیکه خلیفه شما عثمان، دین پیامبر اکرم را به فساد کشانده است پس جمع شوید و بیائید تا دین پیامبر را بپا دارید، صحابه از تمام گوشه و کنار عالم آمدند و عثمان را کشتند

کتب من بالمدینه من اصحاب النبی الی ما بالافاق منهم ... انکم خرجتم ان تجاهد وافی سبیل الله تطلبون دین محمد، فان دین محمد قد افسد من خلفکم و ترک .. (۲)

حقیر قصد توهین و هتاکی به مقدسات برادران عزیز اهل سنت و جماعت ندارم هر مطلبی از زبان خلفاء نقل کردم در باب عدم دخول به بهشت از زبان خودشان و از منابع معتبر اهل سنت بوده است اگر نوشتن و گفتن این حقائق کفر و هتک حرمت است پس از کتب خودتان آنان را حذف کنید و اگر توهین و هتک حرمت به خلفای ثلاثه و صحابه نیست چرا بعنوان باب خوف و زهد خلفا نقل کردید؟! زبیر در حق عثمان می گوید: او را بکشید که دین شما را تغییر داد

اقتلوه فقد بدل دینکم (۳)

عبدالله ابن مسعود گفت: خون عثمان حلال است

ان دم عثمان حلال (۴)عمار می گوید: عثمان می خواست دین ما را تغییر بدهد و ما هم او را کشتیم _ اراد ان یغیر دیننا فقتلناه (۵)

۱- ۱. رواه احمد و رجاله ثقات فضائل الصحابه ج۱ ص ۴۸۵، مسند احمد ج۱ ص ۶۷، تاریخ دمشق ج۳۹ ص ۳۸۱، المقتل عثمان، ابی بکر اندلسی ج۱ ص ۱۶۹

۲- ۲. تاریخ طبری ج۳ ص ۴۰۱ تاریخ دمشق ج۳۹ ص ۴۰۹، کامل ابن اثیر ج۳ ص ۱۷۹؛ البدایه و النهایه ج۳ ص ۲۰۷؛ طبقات ابن سعد ج۳ ص ۷۴،

۳- ۳. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج۹ ص ۳۶،

۴- ۴. تاریخ طبری ج۳ ص ۳۴۱،

۵- ۵. وقعه صفین ابن مزاحم ص ۳۳۹، شرح نهج البلاغه ج۸ ص ۲۲،

عایشه همسر پیامبر اکرم می گفت: پیر احمق (عثمان) را بکشید

اقتلوا نعثلاً قتل الله نعثلا(۱)

معنای نعثل

النعثل الشیخ الاحمق و منه حدیث عائشه: اقتلوا نعثلاً ...: تعنی عثمان ...

منافقان به نام خدا قسم می خورند که چیز بدی نگفتند، آنان سخنان کفرآمیز برزبان آوردند و بعد از اسلام آوردن کافر شدند و تصمیماتی اتخاذ کردند که موفق به انجام آن نشدند

{یحلفون بالله ما قالوا و لقد کلمه الکفر و کفروا بعد اسلامهم و هموا بما لم ینالوا}(۲)

بسیاری از مفسران اهل سنت در تفسیر و هموا بمالم ینالوا، گفته اند که مراد کسانی هستند که قصد داشتند در بازگشت از جنگ تبوک، رسول خدا، را ترور نمایند هنگامی که رسول خدا با مسلمین از تبوک مراجعت می کرد و در راه مدینه به مسیر خود ادامه می داد، گروهی از اصحاب او اجتماع کردند و تصمیم گرفتند که آن جناب را در یکی از گردنهای بین راه بطور مخفیانه بکشند، آنها صورتهای خود را پوشاندند که شناخته نشوند و جلو راه را گرفتند، رسول اکرم به عمار فرمود: مهار شتر را بگیرد و حذیفه را هم سوق دهد، در این هنگام که راه می رفتند؛ صدای دویدن آن جماعت را شنیدند که از پشت سر، حرکت می کنند و آنان رسول خدا، را در میان گرفتند و قصد داشتند نبی اکرم را بکشند ولی حذیفه به آنان حمله کرد و از ترس شناخته شدن فرار کردند، یامبر از حذیفه سوال کرد آیا آنان را شناختی؟ گفت: فلانی و فلانی را شناختم، رسول اکرم فرمود: آنان قصد داشتند من را بکشند، حذیفه گفت پس ای رسول خدا امر کنید تا مردم گردن آنان را بزنند، رسول خدا فرمود: من دوست ندارم مردم بگویند که محمد، اصحاب خود را متهم می کند و آنها را می کشد؛

ص:۴۰۳

۱- ۱. المحصول فی علم اصول الفقه، امام فخر رازی ج۴ ص ۳۴۳؛ الفتوح ابن اعثم ج۲ ص ۴۲۱؛ روح المعانی آلوسی ج۲۲ ص ۱۱ الامامه و السیاسه ج۱ ص ۵۱، لسان العرب ابن منظور ج۱۲ ص ۶۶۹ و ص ۶۷۰

۲- ۲. سوره توبه آیه ۷۴،

سپس رسول خدا، آنها را معرفی کرد و فرمود شما آنرا مخفی بدارید _ (۱)

آیه ۷۲ در سوره فرقان درباره کسانی که دعا می کننـد ما را برای متقین امام قرار بده، کسانی هسـتند که توبه می کنند و عمل صالـح انجـام می دهنـد؛ پیـامبران که معصـوم هسـتند نیـازی به توبه ندارنـد؟! و کسـانی که شـهادت دروغین نمی دهنـد مگر، پیامبران، شهادت دروغین می دادند؟! شما که می گوئید آیات آخر سوره فرقان (آیات ۶۳ الی ۷۶) مخصوص آل محمد است این تضاد با قرآن کریم دارد؟! باید قرآن بفرمود و من اهل بیت محمد لایشهدون الزور

تامن نگویم منظور این آیه من و فرزنـدان من هسـتند، شـما هستیـد، بیننـدگان ما هسـتند خاطرم جمع می شد منظور این آیات ائمه آل محمـد هسـتند؟! دیگه هر کـاری دوست داشتیم انجـام می دادیم، بخـاطر اینکه آیه شامل ما نمی شود، قبل از آنکه به شبهات وهابیت در ذیل آیات آخر سوره فرقان که در رد امامت ائمه هدی بیان می کنند بلطف حق پاسخ دهم، شاید وهابی ها در رابطه با ترس و وحشت واویلای خلفای ثلاثه؛ خصوصاً ابوبکر و عمر که از منابع اهل سـنت ذکر و نقل شد بگویند و شبهه کنند بگویند که ترس و واویلای خلفاء خصوصاً ابوبکر و عمر از باب ترس خدا و قیامت بوده و این صـفات عالی افراد مومنان به خـدا و قیامت است، حال بررسـی می کنیم از خود آیات قرآن کریم که هر کس حرف آخر عمرش واویلا باشـد بدمسـیری در پیش دارد_ سوره فرقـان آیه ۲۷ و ۲۸ {یقول یـا لیتنی اتخـذت مع الرسول سبیلا؛ یویلتی لیتنی لم اتخـذ فلانا خلیلا}، فرقان آیه ۱۳ و ۱۴ {وادعوا ثبورا کثیرا _ دعوا هنالك ثبورا، لاتـدعوا الیوم ثبورا واحـدا }جهنمیان می گوینـد وای برما، ای کاش از رسول خـدا، پیروی کرده بودیم، به جهنمیان می گویند یکبار واویلا نگوئید زیاد واویلا و ای کاش بگوئید _ سوره نبا آیه ۴۰، اهـل عـذاب و جهنم می گوینـد: ای کـاش ماخـاك بودیم { و یقول الکـافر یا لیتنی کنت ترابا }_ قرآن در سوره زمر آیه ۴۷ {_ولو

---

۱ - ۱. دلائـل النبوه بیهقی ج۵ ص ۲۵۶ الدر المنثور ج۴ ص ۲۴۳، مسـند احمد حنبل ج۵ ص ۴۵۳، شرح نهج البلاغه ج۶ ص ۲۹۱، البـدایه و النهایه ج۵ ص ۲۶ تفسـیر ابن کثیر ج۲ ص ۳۲۲، سـنن الکبری بیهقی ج۹ ص ۳۳؛ تفسـیر کبیر رازی ج۱۶ ص ۱۳۶ تفسیر بحر المحیط ج۵ ص ۷۳؛ تفسیر ابی السعود ج۴ ص ۸۴؛ السـیره النبویه ابن کثیر ج۴ ص ۳۵۴ سبل الهدی و الرشاد ج۱۰ ص ۲۶۲، ابن حزم اندلسی در کتاب المحلی ج۱۱ ص ۴۲۲

ان للـذین ظلموا مـا فی الاـرض جمیعا و مثله معه لافتـدوا به من سوء العـذاب یوم القیامه} قرآن کریم اشاره دارد افراد با ایمان، هیچ خوف و غصه ای در دنیا و آخرت ندارند و بشارت الهی در دنیا و آخرت شامل آنان می شود

{ الا ان اولیاء الله لاخوف علیهم و لا هم یحزنون ... لهم البشری فی الحیوه الدنیا و فی الاخره }ـ سوره یونس آیات ۶۲ و ۶۳ و ۶۴، سوره فجر آیه ۲۷ الی آیه ۳۰ ـ برای نمونه بررسی کنیم مولاـ علی، امیرمومنـان، نمونه انسان کامل و خودِ ایمان و مومن تمـام عیار، هنگام شـهادت و مرگ چه فرموده، مولا علی به دخترش ام کلثوم فرمود: ای دخترم اگر آنچه من می بینم تو هم می دیـدی برای من گریه نمی کردی، راوی می گویـد، از حضـرت علی سـوال شـد شـما چه می بینیـد؟ فرمـود: اینجـا، گروهی از فرشـتگان و پیامبران، جمع شده اند و این هم رسول خداست که می فرماید، ای علی بشارت باد، آنچه در انتظار توست بهتر از چیزی است که هم اکنون داری(۱)

قال: هذه الملائکه و فود و النبیون و هذا محمد یقول یا علی ابشر فما تصیرالیه خیر ما انت فیه

در روایت دیگر مولا علی هنگام شـهادت و در بستر مرگ فرمود: رسول خـدا و حمزه و برادرم بر من وارد شـده اند و دربهای آسمان باز و فرشتگان نازل می شوند و به من سلام می کنند و به من بشارت می دهند و جایگاه من در بهشت است

و ابواب السماء مفتحه و الملائکه ینزلون یسلمون علی و یبشرون ... و هذه منازلی فی الجنه (۲)

مولا علی پس از ضـربت خوردن بدست اشـقل اشقیاء ابن ملجم مرادی، فرمود: بخدای کعبه به فیض و فلاح و رستگاری ابدی رسیدم ـ فزت و رب الکعبه (۳)حال بلطف خداوند، پاسخ دهم به شـبهات جناب وهابی در ذیل آیات ۶۳ الی ۷۶ سوره فرقان خصوصـاً آیه ۷۴ سوره فرقـان که جنـاب وهـابی می گویـد همه مومنان می تواننـد از خداونـد بخواهنـد آنان را امام و پیشوای متقیان قرار دهد پس چون امر خواستنی و

۱- ۱. اسدالغابه ابن اثیر ج۴ ص ۱۳۱

۲- ۲. ربیع الابرار، زمحشری ج۱ ص ۴۳۸،

۳- ۳. الاستیعاب عبدالبر ج۳ ص ۱۱۲۵، اسدالغابه ابن اثیر ج۴ ص ۱۳۱، تاریخ دمشق ج۴۲ ص ۵۶۱، انساب الاشراف ج۱ ص ۳۷۶،

شـدنی است درخواسـتش نتیجه می توان گرفت امامتی که شـیعه قائل است از قرآن و روایات بـدست خـدا و پیامبر نمی باشـد پس امامت امر الهی نیست امر شورایی و انتخابی و درخواست کردنی است بدست بشر؟! اولاً بدان ای وهابی اموی مسلک، هر آیه شان نزول دارد یعنی به سـببی و علتی آن آیه بر قلب مبارک و مقـدس نبی اکرم نازل شـده است اولاً شان نزول این آیه را از منابع شیعه و سنی بررسی می کنیم، حاکم ابوالقاسم حسکانی نیشابوری حنفی در کتاب شواهد التنزیل لقواعد التفضیل ص ۲۲۲ ح ۵۷۵ و ح ۵۷۶ ذیل آیه ۷۴ سوره فرقـان، از امام صادق علیه السـلام روایت کرده که فرمود: منظور این آیه ما اهل بیت هستیم

سالت جعفر بن محمد عن قول الله تعالی الذین یقولون ربنا هب لنا... واجعلنا للمتقین اماماً قال: نحن هم اهل البیت

پیـامبر اکرم بعنوان مفسر حقیقی قرآن و شخصـیتی که آیـات قرآن خصوصـاً این آیه بر او نازل گشـته از جبرئیل امین واسـطه وحی سوال کرد، ای جبرئیل منظور از همسـران ما کیست؟ گفت: خـدیجه کبری و منظور از فرزندان ما؟ گفت: فاطمه زهرا، و منظور از نور چشم ما؟ گفت: حسن و حسین، گفت:

واجعلنـا للمتقین امامـا علی ابن ابی طـالب است ــ قـال النبی قلت: یـا جبرئیل من ازواجنا؟ قال: خـدیجه قال و من ذریاتنا؟ قال: فاطمه و قره اعین؟ قال: الحسن و الحسین قال: واجعلنا للمتقین اماماً قال: علی علیه السلام (۱)

امام صادق علیه السلام فرمود: آیه ۷۴ سوره فرقان درباره اهل بیت نازل شده و ما پیشوای کل متقین هستیم

ثم قرات: واجعلنا للمتقین اماما، فقال: هذه فینا (۲)

امام باقر علیه السلام تمام آیات ۷۴ سوره فرقان را تلاوت نمود و بعد فرمود: یعنی ما را از هدایت کنندگان قرار ده که مردم به ما هـدایت بیابنـد این آیه مخصوص آل محمـد است ــ اماماً ای هـدا یهتـدی بنا و هذه لال محمد خاصه ــ (۳)، ابن عباس می گوید: این

۱- ۱. شواهد التنزیل حاکم حسـکانی ح۵۷۶، تفسیر قمی ج۲ ص ۹۳، تفسیر البرهان ج۵ ص ۴۸۰ ح۲؛ تاویل الایات ج۱ ص ۳۸۴ ح۲۴

۲- ۲. المحاسن خالد البرقی ج۱ ص ۱۷۰ تفسیر قمی ج۲ ص ۱۱۷

۳- ۳. تاویل الایات الظاهره سید شرف الدین ص ۱۸۰ج۱

آیه (۷۴ سوره فرقان) در شان والای علی ابن ابی طالب نازل شد _ عن ابن عباس و الذین یقولون ربنا هب لنا ... نزلت فی علی (۱)_ واجعلنا للمتقین اماماً قال لقد سالت ربک عظیما انما هی واجعل لنا من المتقین اماما و ایانا عنی بذلک (۲)

فتح الله کاشانی سعید بن جبیر در تفسیر آیه ۷۴ سوره فرقان می گوید: بخدا قسم این آیه در شان و منزلت مولا علی است و بس، بیشتر دعای آن حضرت این بود که می گفت: خدایا به من ازواجی مرحمت که فرزندان من مایه چشم روشنی من باشند منظور ازواجنا یعنی فاطمه زهرا و ذریاتنا یعنی امام حسن و امام حسین، مولا علی می فرماید: بخدا قسم از خداوند نخواستم که فرزند خوش رو و یا فرزند نیکو قامت به من بدهد، بلکه خواستم که فرزندانی به من عطا کند که مطیع خدا باشند و از خداوند بترسند پس چون فرزندان خود را مطیع خدا یافتم، دیده ام به آنها روشن شد و شاد شدم و بعد از آن گفت: واجعلنا للمتقین اماما، یعنی ما از پرهیزکارانی پیروی می کنیم که پیش از ما بوده اند (یعنی سنت الهی و رویه نبی اکرم) پس پرهیزکارانی که بعد از ما می آیند از ما پیروی کنند عن سعید بن جبیر فی قوله تعالی: والذین یقولون ربنا هب لنا من ازواجنا و ذریاتنا، الایه قال نزلت هذه الایه و الله خاصه فی امیرالمومنین علیه السلام قال کان اکثر دعاه یقول ربنا هب لنا من ازواجنا یعنی فاطمه و ذریاتنا یعنی الحسن و الحسین قره اعین قال امیرالمومنین: والله ما سألت ربی ولدا نضیرا الوجه و لاسالت ولدا حسن القامه و لکن سالت ربی ولداً مطیعین لله خائفین و جلین منه حتی اذا نظرت الیه و هو مطیع لله قرت به عینی قال: واجعلنا للمتقین اماما قال: نقتدی بمن قبلنا من المتقین فیقتدی المتقون بنا من بعدنا (۳)

امام صادق و امام باقر علیه السلام بعنوان مفسیر حقیقی قرآن آیات ۶۳ الی ۷۵ سوره فرقان را تفسیر و روشن کرده اند خداوند می فرماید: و عبادالرحمن الذین یمشون علی الارض هوناً بندگان خداوند رحمان کسانی اند که به آهستگی و همواری و سیکنه و وقار، روی زمین راه می روند نه از روی تکبر و غرور . امام باقر علیه السلام فرمود: این

ص:۴۰۷

۱- ۱. تاویل الایات ج۱ ص ۱۸۰

۲- ۲. زبده التفاسیر ذیل آیه ۷۴ فرقان

۳- ۳. مناقب آل ابی طالب ابن شهر آشوب ج۳ ص ۱۵۳، بحار الانوار ج ۲۴ ص ۱۳۵، کنزالفوائد ص ۲۱۴، بحار الانوار ج۲۴ ص ۱۳۴ و ص ۱۳۳ و ص ۱۳۲، بحار الانوارج۴۳ ص ۲۷۹ و ج۶۹ ص ۲۶۳

آیه و آیات بعد از این تا آخر سوره فرقان در شان امامان و اوصیاء نازل شده است که از بابت تقیه و احتیاط از دشمنان خود به آهستگی روی زمین راه می روند _ (۱)، و هر گاه جاهلان و نادانان ایشان را خطاب کنند در جواب آنان سلام می گویند در حدیث است که این نیز در شان ائمه هدی است که با دشمنان مدارا می کنند (۲)

و اذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما _ آنان که برای خدای خود، شب را به روز می آورند گاه در حال سجده هستند و گاهی در حالت قیام، در حدیث وارد شده که این صفت عالی در شان ائمه هدی است (۳)

{والذین یبیتون لربهم سجداً و قیاما }

از سلیمان بن خالد روایت شده است که در محمل سوره فرقان را می خواندم و به این آیه رسیدم

{والذین لایدعون مع الله الها آخر و لا یقتلون النفس التی حرم الله الا بالحق و لایزنون }...

امام صادق علیه السلام فرمود: این آیات در شان ما نازل شده است، بخدا سوگند، ما را پند داده و نصیحت و موعظه کرده است حال آنکه او می دانست که ما هرگز زنا نمی کنیم پس تا این آیه را خواندم:

{الا من تاب و آمن و عمل عملاً الحا فاولئک یبدل الله سیئاتهم حسنات} حضرت صادق فرمود: همین جا بایست این آیه در شأن شما شیعیان نازل شده است _به درستی که روز قیامت مومن گناهکاری را می آورند و او را نزد خداوند عالمیان باز می دارند و خداوند خود به حساب او رسیدگی می کند و یک یک گناهانش را بر او می شمارد و او اعتراف می کند که انجام داده ام تا آنکه خداوند می فرماید: این گناهان را در دنیا بر تو پوشانیدم و تو را رسوا نکردم؛ امروز همه را می آمرزم پس به ملائکه امر می کند، گناهان او را محو کنید و به جای آنها، حسنات بنویسید و این معنای آیه است؛ امالی طوسی ص ۷۳، محاسن برقی ج۱ ص ۱۷۰، رسول اکرم فرمود: خداوند در مورد پیروان علی علیه السلام یک خصلت را به من وعده داده است و آن این است که هر که

۱- ۱. تفسیر عیاشی ج۲ ص ۲۴۸ تفسیر فرات کوفی ص ۲۲۹، اختصاص مفید ص ۳۰۲

۲- ۲. اصول کافی ج۱ ص ۴۲۷، تاویل الایات ج۱ ص ۳۸۱؛

۳- ۳. تفسیر قمی ج۲ ص ۱۱۶

به او ایمان بیاورد و از ولایت دشمنان او، بپرهیزد، خداوند گناهان صغیره و کبیره ی ایشان را می آمرزد و به حسنات تبدیل می کند _ بصائر الدرجات ص ۸۳، سلیمان بن خالد می گوید پس من تتمه ی آیات را خواندم تا به این جا رسیدم (والذین لایشهدون الزورو اذا مروا باللغو مرو کراما؛

امام صادق فرمود: این آیه ها در شان ما و بیان صفت ماست؛ پس خواندم،

{والذین اذا ذکروا بایات ربهم لم یخروا علیها صما و عمیانا }

امام صادق فرمود: این آیه در شأن شما شیعیان است، که هر گاه آیات فضیلت ما را بر شما می خوانند، باور می کنید و شک نمی کنید و در آنها تفکر می کنید _ حیاه القلوب علامه مجلسی ج۲ ص ۱۶۶۰ کتاب سوم؛ تاریخ ائمه ی اطهار، فصل ۳۰ به دلایلی از ظاهر آیات ۶۳ الی ۷۵ فرقان ثابت می شود این آیات مخصوص آل محمد و ائمه طاهری (امامان ۱۲ گانه شیعه) است، و عبادالرحمن که ابتدای لفظ آیه ۶۳ سوره فرقان آمده منظور بندگان خاص خدای الرحمن هستندچرا بندگان خاص و ویژه، خداوند هستند به سبب اتصال عباد به الرحمن امام صادق علیه السلام فرمود: رحمان نام ویژه خداوند است و در خداوند برای صفت خاص یعنی رحمتی که ویژه اهل ایمانست گفته می شود؛ صفت غالبه است لذا، جایز نیست بر غیر خدا گفته شود بعین مانند الله است، الرحمن مختص بذات اقدس احدیت است اگر بکسی گفته شود باید قبل از آن کلمه عبداضافه کنند بگویند عبدالرحمن _ الرحمن اسم خاص نصفه عامه و الرحیم اسم عام لصفه خاصه _ بهشت جاودان اثر شهید محراب آیت الله دستغیب شیرازی ص ۲۰، دوماً: صفت عالی تقوا است که آنها امام متقیان هستند یعنی در تقوا و پاکی باطن و ظاهر جزء در ائمه طاهرین و امامان ۱۲ گانه شیعه بعد از نبی اکرم، یافت نمی شود؛ ثالثاً: این امامان تقوا و رهبر پاکان، بطور یقین اهل بهشت هستند و صفت صبر و بردباری و تحمل مشقات در راه خدا، در وجود و افعال آنان هویدا و بطور عالی و اعلا می باشد؛ خیلی از اهل تقوا، به سبب علائلی به عاقبت شر شدند و جای هیچ تضمینی نیست که تقوای ثابتی داشته باشند و تقوا و صبر آنها در راه خدا مورد قبول خدا، واقع شود و آنان را بهشتی کند؛ _

{ اولئک یجزون الغرفه بما صبروا و یلقون فیها تحیه و سلاماً}

از ابن مسعود روایت شده که نبی اکرم فرمود: ای پسر مسعود، بالا-ترین غرفه ها در بهشت مخصوص علی ابن ابی طالب و شیعیان او می باشد که از دشمنان دین بیزاری جسته و در مقابل آزار و اذیت دشمنان دین و بدخواهان علی، بردباری و شکیبایی، بخرج داده اند، سعید بن جبیر روایت نموده که،

{اولئک یجزون الغرفه بما صبروا، یعنی علی بن ابی طالب و الحسن و الحسین و فاطمه و ملائکه} با ایشان ملاقات می کنند به تحیت و سلام (۱)

جناب وهابی، مولا علی علیه السلام از جانب خداوند و رسول اسلام بعنوان امام المتقین، انتخاب و برگزیده شده که منابع موثق اهل سنت حتی وهابیت، روایتش را نقل کرده اند به الفاظ و عبارات متفاوت که به شما عرضه می شود؛ رسول اکرم فرمود: خداوند متعال به من وحی کرد و پیام داد که علی ابن ابی طالب علیه السلام ، سید و سرور تمام مسلمین و امام متقین و پاکان و رهبر پیشانی سفیدان می باشد

قال رسول الله اوحی الی فی علی ثلاث: انه سیدالمسلمین و امام المتقین و قائد الغرالمحجلین (۲)_

نبی اکرم فرمود: زمانی که بسوی آسمان و معراج رفتم رسیدم به قصری از مرجان و لووء که همانند طلا درخشش داشت به من وحی رسید و امر شد که در علی ابن ابی طالب، سه خصلت است او سید و سرور مسلمین و امام کل اهل تقواست

لما عرج بی الی السماء انتهی بی الی قصر من لولوء فراشه من ذهب یتلالا-فاوحی الله الی فی علی ثلاث خصال، انه سید المسلمین و امام المتقین _ اتحاف المهره(ابن حجر) ح ۲۲۰ و ح ۲۲۱_ ان الله عزوجل اوحی الی فی علی ثلاثه اشیاء لیله اسری بی انه سیدالمومنین و امام المتقین _ (۳)

لما انتهی بی الی السماء انتهی بی الی قصر من لولوه فراشه ذهب فاوحی الی ربی اوقال امرنی فی علی رضی الله عنه بثلاث خصال بانه سید المسلمین و امام المتقین _ (۴)

لیله اسری بی اذا بقصر یتلالا؛ فراشه نور، فاوحی الی او امرت فی علی

ص:۴۱۰

۱- ۱. اثنا عشر ج۹ ص ۳۸۲، مناقب ابن شهر آشوب ج۳ ص ۴۳۱، حیاه القلوب مجلسی ص ۱۶۶۲

۲- ۲. المستدرک علی الصحیحین حاکم نیشابوری _ هذا حدیث صحیح الاسناد

۳- ۳. المعجم الکبیر طبرانی ح۱۰۰۹

۴- ۴. معجم الصاحبه لابن قانع ح۹۹ و ح۸۸۹

بثلاث: انه سید المسلمین و امام المتقین (۱)__ انتهیت لیله اسری بی الی سدره المنتهی؛ فاوحی الی فی علی بثلاث؛ انه امام المتقین و سید المسلمین و قائدالغر المحجلین الی جنات النعیم (۲)

جناب وهابی، طبق این روایت صحیح مولا علی امام و پیشوای تمام متقین بغیر از برپیامبر اسلام است، و این حدیث در تائید آیه ۷۴ سوره فرقان است که منظور امام المتقین مصداق حقیقی و اصلی او، علی ابن ابی طالب است و این حدیث دلیل بر برتری مولا علی بر تمام پیامبران بغیر از بر رسول اسلام است چون پیامبران هم از متقین و پاکان هستند و مولا علی امام بر تمام متقین است بغیر از بر رسول اسلام شاید جناب وهابی بگوید، بیشتر منابعی که شما از اهل سنت نقل کردید در باب این حدیث که مولاـعلی امام متقین است، علمای اهل سنت این حدیث را از جهت راویان ضعیف دانسته اند؛ اولاً حاکم نیشابوری در المستدرک می نویسد این حدیث سندش صحیح است .

طبق بررسی علمای رجال، ابونعیم اصفهانی در معرفه الصحابه ج۳ ص ۱۵۸۷ با سند صحیح این روایت را نقل کرده ابونعیم اصفهانی از ۸ راوی این حدیث را از نبی اکرم نقل کرده بطور اختصار به بررسی سند و راویان این حدیث می پردازیم، راوی اول این حدیث محمد بن محمد بن احمد است خطیب بغدادی در تاریخش ج۳ ص ۲۲۱ او را ثقه دانسته (به شماره ۱۵۴۸) و کان ثقه، راوی دوم این حدیث محمد بن عبدالله حضرمی است ذهبی در تذکره الحفاظ ج۲ ص ۱۰ اوراثقه و مورد اعتماد دانسته (به شماره ۶۸۲) ثقه مطلقاً __ راوی سوم این حدیث این ابی شیبه است که از

۱- ۱. الطیوریات طیوری ح۴۲۴

۲- ۲. امالی ابی عبدالله المحاملی ح ۲۶، اوهام الجمع و التفریق؛ خطیب بغدادی ج۱ ص ۱۸۶ و ص ۱۸۵ و ص ۱۸۴ و ص ۱۸۳ و ص ۱۸۲ اخبار اصبهان، ابونعیم ح ۲۱۲۷؛ معرفه الصحابه ابونعیم ح ۸۷۳ و ح ۳۶۴۲ تاریخ دمشق ابن عساکر ح ۴۴۴۲۴ و ۴۴۴۲۵ و ۴۴۴۲۶ و ۴۴۴۲۷؛ اسدالغابه ج۱ ص ۶۹ ح ۴۲__ (طبق سایت مکتبه الاسلامیه اسلام ویب وهابیت) __ مناقب ابن مغازلی ح۱۴۶ ح ۱۴۷ ص ۱۳۱، مناقب ابن مردویه ج۱ ص ۵۸، مناقب خوارزمی ج۱ ص ۳۲۸ ح ۳۴۰؛ الریاض النضره طبری ج۳ ص ۱۳۸، ذخائر العقبی طبری ج۱ ص ۷۰؛ کنز العمال هندی ج۱۱ ص ۶۱۹ ح ۳۳۰۱۰ __ جواهر المطالب با عونی دمشقی ج۱ ص ۱۰۵؛ کشف الخفاء عجلونی ج۲ ص ۳۴۲ ح ۲۹۳۴، میزان الاعتدال ذهبی ج۴ ص ۳۹۸؛ مجمع الزوائد هیثمی ج۹ ص ۱۲۱ ح ۱۴۷۰۰ فرائد السمطین ح ۱۰۷، الاصابه ابن حجر ج۴ ص ۵ح ۴۵۴۶، ینابیع الموده ج۲ ص ۱۶۲؛ کفایه الطالب گنجی باب ۴۵ ح ۱۱۹

اساتید بخاری بوده، ذهبی در تذکره الحفاظ ج۲ ص ۸ (به شماره ۴۳۹) او را حافظ وثقه دانسته، راوی چهارم این حدیث احمد بن المفضل القرشی است، ذهبی او مورد اعتماد دانسته _ تاریخ الاسلام ج۱۶ ص ۵۴، راوی پنجم این حدیث جعفر بن زیاد الاحمر است؛ ابن حجر و ذهبی و العجلی و المزی او را مورد وثوق دانسته اند _ (۱)، ذکر اسماء من تکلم فیه و هو موثق ج۱ ص ۵۹، راوی ششم حدیث هلال بن ایوب الصیرفی است، ابن حبان در ثقات ج۷ ص ۵۷۲ بخاری در التاریخ الکبیر ج۸ ص ۲۰۷ از او حدیث نقل کرده اند، راوی هفتم این حدیث، افلح بن ابی ایوب ابوکثیر الانصاری _ است ابن حجر در تقریب التهذیب ج۱ ص ۱۱۴ او را توثیق کرده، راوی هشتم این حدیث هم که عبدالله بن اسعد بن زراره که صحابی پیامبر اکرم است؛ خوب است نظر محققان و مفسران اهل سنت و شیعه را درباره آیه ۷۴ سوره فرقان بدانیم و توجهی داشته باشیم، جناب وهابی بدان این آیه یکی از آیاتی است که دلیل بر جعل و نصب الهی امامت می باشد، این آیه به دنبال آیاتی واقع شده که مهم ترین اوصاف بندگان خالص خدا (عباد الرحمن) را بیان می کند و آخرین صفت آنها با توجه همت بلندشان این است که مقام امامت را از خداوند، درخواست می کنند، مرحوم طبرسی در تفسیر مجمع البیان ج۷ ص ۳۱۶ می نویسد: منظور آیه ۷۴ سوره فرقان این است که آنها دعا می کنند و می گویند بار خدایا، ما را از کسانی قرار بده که اهل تقوا به آنها تاسی می جویند آنها با این دعا، عزت را با تقوا نه با دنیا از خداوند درخواست کردند، ابن عباس گفته ما راپیشوایی پرهیزگاران قرار ده یعنی: پیشوایانی که به ما اقتدا کنند _ واجعلنا للمتقین اماما یقول ائمه یقتدی بنا _ تفسیر طبری ج۱۹ ص ۵۳، طبری از مجاهد نقل کرده که معنای آیه ۷۴ و اجعلنا للمتقین اماما یعنی این است که پرهیزکاران را پیشوایان ما قرار ده تا به پیشینیان ما اقتدا کنیم و ما پیشوایان بعد از خود باشیم

قال: ائمه نقتدی بمن قبلنا و نکون ائمه لمن بعدنا _ طبرسی می گوید: و گفته شده معنای جمله این است، اهل تقوا را پیشوای ما قرار ده که به آنها اقتدا کنیم و ما

۱- ۱. تقریب التهذیب ج۱ ص ۱۴۰

پیشوایان بعد از خود باشیم

قال: ائمه نقتدی بمن قبلنا و نکون ائمه بعدنا _ طبرسی می گوید: و گفته شده معنای جمله این است، اهل تقوا، را پیشوای ما قرار ده که به آنها اقتدا کنیم تا دیگران بعد از ما به ما اقتدا کنند

اجعلنا ناتم بمن قبلنا حتی یاتم ای: یقتدی بنا من بعدنا _ (۱)

طبری می گوید: خدایا ما را از برای پرهیزکارانی که از معاصی تو پروا می کنند و از عقاب تو می ترسند امام قرار بده تا در امر خیر به ما اقتدا کنند (۲)

{الذین یتقون معاصیک و یخافون عقابک اماما یاتمون بنا فی الخیرات؛}

در این آیه کلمه واجعلنا بکار رفته و توسط آن امامت بر متقیان از خداوند درخواست شده است از اینجا روشن می شود که مقام امامت یک مقام الهی است و جعل و نصب شخص نیز به این مقام بدست خدا، است زیرا اگر به دست انسان بود این درخواست از خدا معنی نداشت ابوالقاسم قشیری نیشابوری از مفسران اهل سنت صراحتاً اذعان نموده آن گروهی که مقام امامت بر متقیان را از خداوند خواسته اند؛ اختیار خودشان را در جعل و نصب به این مقام نفی کرده اند

ولم یدعوا فیها اختیارهم؛ فالامامه بالدعا لا بالدعوی (۳)

منظور از این که ما را برای متقین امام قرار بده، یعنی به ما توفیق بده تا در راه انجام خیرات و به دست آوردن رحمت از یکدیگر سبقت بگیریم در نتیجه دیگران که دوست دار تقوا هستند از ما بیاموزند و از ما پیروی کنند، گویا مراد از دعای مورد بحث این است که بندگان رحمان همه در یک صف مقدم بر صف سایر متقین باشند و به همین جهت کلمه امام را مفرد آورد و نفرمود واجعلنا للمتقین ائمه البته بعضی گفته اند این کلام قلب شده یعنی مقصد این است که متقیان را امام و پیشوای ما، گردان، گفتنی است، مقام امامت دارای مراتب است اگر چه ما نمی توانیم مقام امامت امامان معصوم را بخواهیم اما در خواست آنکه راهنمای دینی افرادی هر چند اندک

۱- ۱. مجمع البیان ج۷ ص ۳۱۶

۲- ۲. تفسیر طبری ج۱۹ ص ۵۳

۳- ۳. لطائف الاشارات ج۲ ص ۱۵۲،

شویم مشکلی ندارد، (۱)هر کسی یک وسعی دارد؛ اگر وسع دارد به ما گفتند سارعوا، یا سابقوا، این هم وسع ماست؛ یعنی اول معرفت بعد هجرت بعد سرعت بعد سبقت و بعد امامت، اینکه گفته می شود {واجعلنا للمتقین اماما،} این هم بهره برای همه ماست، اختصاصی به معدودی از انسانها ندارد؛ ممکن است کسی از اعضای خانواده که اهل تقواست، امام متقین باشد در محدود خانواده اگر یک مقداری وسیع تر بود، امام متقین باشد در محدوده محل و اهل مسجد و اگر وسیع تر بود در مرحله برتر، اینچنین نیست که همیشه ما مامور باشیم که دنباله رو باشیم به ما گفتند تا می توانید جلو بروید، نه دنباله رو، امام باشید نه ماموم، ماموم شدن که هنر نیست امام شدن هنر است، بخواهید و می شوید ما یک امام اصل دارم که امام همه است و آن وجود مبارک ولی عصر است در هر زمانی یکی از این ۱۲ امام، امام بودند آنها حسابشان جداست آن بر اساس الله اعلم حیث یجعل رسالته، نبوته ولایته، امامته به نص است و از حوزه ما خارج است؛ (۲)

در روایات متعددی می خوانیم که این آیه (۷۴ فرقان) درباره علی علیه السلام و ائمه اهل بیت وارد شده و یا در روایت دیگری از امام صادق می خوانیم که منظور از این آیه مائیم، بدون تردید ائمه اهل بیت از روشن ترین مصداقهای آیه می باشند اما این مانع از گسترش مفهوم آیه نخواهد بود که مومنان دیگر نیز هر کدام در شعاعهای مختلف، امام و پیشوای دیگران باشند، بعضی از مفسران از این آیه چنین استفاده کرده اند که تقاضای ریاست معنوی و روحانی والهی نه تنها مذموم نیست بلکه مطلوب و مرغوب نیز می باشد (۳)

جناب وهابی، خداوند در سوره بقره آیه ۱۲۴، جواب آیه ۷۴ سوره فرقان را به شما و امثال شما، داده است، اولاً حضرت ابراهیم با اینکه مقام نبوت آن هم نبوت اولعزمی داشت بعد از امتحانات سخت و مقام خلعت (دوستی با خدا) به مقام والای

۱- ۱. تفسیر المیزان ج۱۵ ص ۲۴۵؛ تفسیر ابوالفتوح رازی ج۱۴ ص ۲۹۱؛

۲- ۲. به نقل سایت روزنامه کیهان تاریخ انتشار ۱۴ تیر ۱۳۹۴، بیانات آیت الله جوادی آملی در جمع طلاب حوزه علمیه قم ۳/۳/۱۳۹۰

۳- ۳. تفسیر نمونه مکارم شیرازی ج۱۵ ص ۱۶۹

امامت رسید، ثانیاً: از خداوند درخواست و دعا کرد که به تمام فرزندان ذریه من منصب امامت همانند امامت من عنایت کن، خداوند فرمود: نمی شود، امامت، عهد و پیمان الهی است به فرزندان ظالم (و غیر معصوم) داده نمی شود، پس جناب وهابی، ما نمی توانیم دعا کنیم صاحب منصب امامت الهی همانند ابراهیم و آل ابراهیم که آل محمد و ائمه ۱۲ گانه شیعه هستند بشویم .

جناب وهابی در مباحثه ناقصی که با او داشتم به همین مطلب اقرار کرد و خودش جواب آیه ۷۱ سوره فرقان داده است که کلیپش بوسیله رسانه خودش در اینترنت وجود دارد و نمی تواند انکار کند ـ حضرت ابراهیم از میان پیامبران الهی به ابتلائات عجیب و غریب از جانب الله سبحانه و تعالی که آزمایش هایی بود که شاید در میان انبیاء کس دیگری به این اندازه آزمایش نشده؛ اول اینکه در سن پیری الله سبحانه و تعالی به ایشان فرزندی عطا کرد بعد این فرزند که جوان شد به سن رشد رسید، الله سبحانه و تعالی امر کرد که این فرزندت را ببر به قربانگاه سرش را ببر، قربانی بکن، قبل از قضیه قربانی، الله سبحانه و تعالی، ترک هاجر و اسماعیل را در مکه مکرمه در منطقه ای که اصلاً در آنجا کشت و زراعت و کشاورزی و آبی وجود نداشت، در آنجا ترک کردند، که این آزمایش و ابتلاء بزرگی بود، که خیلی کم از بندگان می توانند از این آزمایشات و ابتلائات سربلند بیرون بیایند، بعد قضیه افکندن در بین آتش، قضیه شکستن بت ها، و خیلی از امتحاناتی که در مورد بقیه پیامبران کمتر اتفاق افتاده این مسائل بعد از اینکه حضرت ابراهیم از بین این همه ابتلائات سربلند بیرون آمد، الله سبحانه و تعالی ایشون را، پیشوا امام، یعنی پیشوای متقین قرار داد (عین عبارات و سخنان جناب وهابی) پس خود جناب وهابی اقرار کرده، که خداوند بعد از امتحانات سخت او را امام متقین قرار داده است پس امام متقین یعنی ابراهیم و آل ابراهیم که محمد و آل محمد هستند که منابع تفسیری اهل سنت و حتی صاحب کتاب صحیح بخاری نقل کرده اند در ذیل آیه ۳۳ و ۳۴ سوره آل عمران، بعد دوباره جناب وهابی، مغلطه می کند و از حقیقت فرار می کند ـ پس دعای ابراهیم برای امامت و پیشوایی این نبود امامتی باشد به آن معنایی که شما در مورد علی رضی الله عنه ادعا می کنید؛ در سخنان دیگرش جناب وهابی می گوید: و این پیشوایی برای متقین همین است که

یوسف یعقوب موسی، عیسی، محمد مصطفی، پیامبرانی که در بین بنی اسرائیل همه اینها از نسل کی هستند؟ نسل ابراهیم هستند چون از ذریه ابراهیم، بیشترین تعداد پیامبران بودند چه از بنی اسرائیل و چه بقیه اقوام؟

در اینجا جناب وهابی دچار تحیر می شود، نبوت سایر پیامبران از نسل حضرت ابراهیم را، امام می داند، با اینکه خودش اقرار کرد، حضرت ابراهیم با اینکه پیامبر بود در سن پیری بعد از امتحانات دشوار، از جانب خدا، امام شد، پس مقام امامت بالاتر از نبوت است، و همه پیامبران امام نبودند همانند حضرن ابراهیم و رسول اسلام و... جناب وهابی گفتی که امامت ابراهیم علیه السلام ، همانند امامتی که شیعه برای علی ابن ابی طالب علیه السلام قائل است و اعتقاد دارد، نیست، بدان ای کوتاه فکر، امامت عهد و پیمان الهی است و امامت علی علیه السلام هم امامت الهی و آسمانی است، ابراهیم علیه السلام معصوم از تمام ظلم ها و گناهان می باشد مولا علی هم معصوم از تمام معاصی است، فرق اساسی امامت مولا علی با ابراهیم خلیل الرحمن در این است که مولاـ علی امامتش بر او بالاـتر است چون مولاـ علی و نبی اسلام، امام امامان هستند، اما گفتی که آیه ۷۰ و ۷۱ سوره فرقان می گوید، عبادالرحمان از گناهانشان توبه می کنند اگر این آیه مخصوص پیامبران و اوصیاء پیامبران و ائمه هدی بود نمی گفت که از گناهان توبه می کنند، مگر پیامبران مقام عصمت و پاکی ذاتی ندارند؟! وقتی معصوم هستند لازم نیست که توبه کنند، توبه برای کسانی است که دچار عصیان و معصیت می شوند، اما جواب: بدان ای جناب وهابی اموی مسلک طبق روایات صحیح کتب اهل سنت، نبی اکرم روزی ۱۰۰ بار و یا بیش از هفتاد بار، استغفار می کرده و از خداوند طلب آمرزش می خواسته، نبی اکرم می فرماید: من در قلبم (لیغان) حس می کنم و روزی ۱۰۰ مرتبه استغفار می کنم؛ یغان را معنا کرده اند یعنی، توقف از یاد خدا ــ انه لیغات علی قلبی و انی لاستغفر الله فی الیوم مائه مره (۱)

و الله انی لاستغفر الله و اتوب الیه فی الیوم اکثر من سبعین مره... فقال فانی

۱- ۱. مستدرک حاکم ج۲ ص ۱۹۱ ح۷۴۱ کتاب الدعاء صحیح مسلم ح ۲۷۰۲، سنن الکبری بیهقی مساله ۱۲۹۷۱، فتح الباری ح۵۹۴۸

اتوب الیه فی الیوم مائه مره... ، (۱)_ فانی اتوب فی کل یوم سبعین مره (۲)

توبه، توبه کاران سه قسم است، توبه عامه مردم عادی که از گناهان کبیره و صغیره است، توبه خواص که از مکروهات می باشد و توبه خاص الخاص که مخصوص پیامبران و ائمه هدی است و آن توبه از امورات مباح می باشد، از قول خود معصوم برای فهم این مطلب استفاده نمایم لابلای مناجات علی علیه السلام ، حقائق خوب روشن می شود

لیت شعری فی غفلاتی و کثره منامی کیف حالی انت معرض عنی ام ناظره الی»

ایشان نسبت بمقام شامخ علم و یقین، التفات بحضور خدا همیشه باید دائم الحضور باشند؛ چطور یقین دارد که خدا، مستحق عبودیت است چون دائم الربوبیه است عبد باید دائم العبودیه باشد، چطور پروردگارت، لحظه به لحظه بتو، مدد می رساند و ربوبیتش پاینده است اگر یک لحظه او را رها کند، نیست می شود تو هم باید همیشه بنده باشی؛ مراعات حضور او را بکنی اما بشر است ناچار است بخوابد، ناچار است اشتغالات متعدد داشته باشد، خواب مباح است اما آنچه امام علی می بیند و می داند، همین خواب را کمی و نقص برای عبادت و ذکرش می داند بخاطر اینکه استغراق تام ندارد، امام علی می فهمد حق خدا این است که استغراق تام در جمیع حالات داشته باشد آن استغراقی که در حال نماز دارد در حالات دیگر ندارد، غفلت مولا علی، نه غفلت من و تو است، نسبت به مقام شامخ خودش هست، پس گناه اولیاء قصور است نه تقصیر و انجام کبائر و صغائر و مکروهات و شبهات (۳)

ابن حجر عسقلانی در کتب فتح الباری فی شرح صحیح البخاری مساله ۵۹۴۸ باب استغفار النبی می نویسد: منظر از استغفار پیامبر از گناه خود این است که از دوام ذکر خدا در بعضی از امور مباح و حلال مثلا خوابیدن باز می ماند و پیامبران معصوم

۱- ۱. مسند بزار ج۶ ح ۲۲۵۰ مسند احمد مساله ۱۷۳۹۱

۲ - ۲. فی شرح منظومه الاداب ج۲ ص ۳۷۸، شرح ریاض الصالحین ج۶ ص ۷۱۳؛ مجموعه الفتاوی ابن تیمیه مساله الجزء الخامس عشر ص ۲۸۰

۳- ۳. کتاب توبه نوشته شهید محراب آیت الله دستغیب شیرازی ص ۴۸ و ص ۴۹

از گناهان کبیره و صغیره هستند، پیامبران شدت عمل در اجتهاد و عبادت و اطاعت خداوند دارند و این استغفار و آمرزش طلبی آنان از باب تقصیر در شکر حقیقی و کامل خداند هست و احتمال دارد از باب اشتغال به امور مباح و حلال از باب خوردن، آشامیدن، جماع کردن، خوابیدن، استراحت کردن، صحبت کردن با مردم باشد و این امور باعث می شود مقداری از آن ذکر و تضرع بسوی خدا، کوتاه و مختصر شود و این اعمال مباح و حلال را برای خود قصور و کوتاهی می بینند و از این باب استغفار می کند.

و الانبیاء و ان عصموا من الکبائر ... و یحتمل ان یکون لاشتغاله با الامور المباحه من اکل و شرب او جماع او نوم اوراحه او لمخاطبه الناس... فیری ذلک ذنبا بالنسبه الی المقام العلی ...

در این مورد روایاتی از ائمه طاهرین رسیده به جا و مناسب است ادله حضرت رضا علیه السلام در مورد توبه و استغفار پیامبران همانند حضرت آدم و حضرت موسی حضرت رسول اسلام علیهم السلام اجمعین خدمت شما خوانندگان تقدیم شود، عبدالله مامون لعنت الله علیه از امام رضا علیه السلام سوال کرد، معنا و مفهوم استغفار حضرت موسی هنگامی که یک نفر از فرعونیان را به قتل رساند چیست؟ امام رضا فرمود: منظورش این است که من با وارد شدن به این شهر خود را در شرائطی قرار دادم که نمی بایست در آن قرار می دادم پس مرا مورد غفران خود قرار بده یعنی مرا از دشمنانت مخفی فرما، تا نکند بر من چیره شده و مرا بقتل رساند، پس خداوند او را مورد غفران خود قرار داد، یعنی او را از دشمن مخفی داشت

قال المامون: فما معنی قول موسی رب انی ظلمت نفسی فاغفرلی، قال: یقول انی وضعت نفسی غیر موضعها بدخولی هذه المدینه فاغفرلی ای استرنی من اعدائک لئلا یظفروا بی فیقتلونی فغفرله ای ستره من عدوه

مامون علیه العنت و العذاب دوباره از امام رضا علیه السلام سوال کرد، منظور این آیه چیست که اگر برهان الهی نبود حضرت یوسف به ذلیخا میل کرده بود و آهنگ وی نموده بود؟! امام رضا فرمود: حضرت یوسف معصوم بود و فرد معصوم هرگز قصد خلاف و گناه نمی کند و آنرا انجام نمی دهد، زلیخا قصد زنا دادن به یوسف کرده، ولی یوسف تصمیم گرفت که آنکار را انجام ندهد، مامون سوال کرد ای ابوالحسن (امام رضا) نظر

شما درباره آیه ۲ سوره فتح چیست؟ تا خداوند گناه گذشته و آینده تو را بیامرزد، امام رضا علیه السلام فرمود: از نظر مشرکین مکه کسی گناهکار تر از رسول خدا نبود، پس هنگامی که خداوند شهر مکه را برای پیامبرش محمد فتح کرد بدو فرمود: ما برای تو گشایش و پیروزی نمایانی را بگشودیم تا خدا، گناه قبلی و بعدی تو را بپوشاند همان چیزی را که از نظر اهل مکه، بخاطر دعوت به توحید در گذشته و بعد از آن گناه محسوب می شد زیرا برخی از مشرکین مکه، مسلمان شدند و بعضی از مکه خارج گردیدند و آنان که ماندند، نتوانستند آن زمان که پیامبر مردم را به توحید دعوت می کرد در مورد یکتاپرستی نسبت به حضرتش ایراد بگیرند چه اینکه با غلبه حضرت برایشان هر آنچه از دید ایشان ذنب و گناه به حساب می آمد، پوشیده گشته و مورد غفران الهی واقع شد،

امام رضا علیه السلام راجع به گناه حضرت آدم فرمود: این قضیه قبل از نبوت حضرت آدم اتفاق افتاده و این گناه هم گناه کبیره نبود که آدم مستحق عذاب جهنم شود و این یک گناه صغیره بخشوده شده بود (یعنی ترک مستحب و انجام فعل مکروه) ولی وقتی خداوند او را برگزید و پیغمبر نمود، معصوم شد و هیچ گناهی چه صغیره و چه کبیره مرتکب نشد (۱)، مراد از ذنب (گناه) در آیه ۲ سوره فتح تبعات بد و آثار خطرناکی است که دعوت آن جناب (پیامبر اسلام) از ناحیه کفار و مشرکین به بار می آورد این آثار از نظر لغت ذنب است، ذنبی است که در نظر کفار، وی را در برابر آن مستحق عقوبت می ساخت، در تفسیر قمی روایت شده در ذیل این آیه، امام صادق علیه السلام فرمود: رسول اکرم، گناهی نداشتند حتی تصمیم بر گناهی هم نگرفتند ولیکن خدای تعالی گناهان شیعه اش را بر او حمل کرد و آنگاه آمرزید _ (۲)طبق سایت کتابخانه مدرسه فقاهت قرآن کریم در آیات متعدد راجع به توبه و استغفار پیامبران الهی اشاره و تاکید فرموده است برای نمونه در سوره بقره آیه ۳۷ _ {فتلقی آدم من ربه کلمات فتاب علیه}؛ سوره طه آیه ۱۲۲ _ {ثم اجتبه ربه فتاب علیه و

۱- ۱. احتجاج شیخ طبرسی ج۲ ص ۴۵۳ ح ۳۰۸

۲- ۲. تفسیر المیزان، علامه سید محمد حسین طباطبائی ج۱۸ ص ۴۰۴ و ج۱ ص ۴۹۴ و ج۶ ص ۵۲۸ ج۱۸ ص ۳۸۰ و ص ۳۷۷

هدی،} سوره صاد آیه ۲۴ {و ظن داود انما فتنه فاستغفر ربه و خرراکعاً واناب}؛ سوره قصص آیه ۱۶؛ {رب انی ظلمت نفسی فاغفرلی فغفرله،} سوره انبیاء آیه ۸۷ و ۸۸ _{ ان لا اله الا الله انت سبحانک انی کنت من الظالمین} سوره صاد آیه ۳۵ _ رب غفرلی وهب لی ملکاً _ سوره محمد صلی الله علیه و آله آیه ۱۹ _{ واستغفرلذنبک} سوره نوح آیه ۲۸ _{ رب اغفر لی ولولدی}، سوره ابراهیم آیه ۴۱ _ {ربنا اغفرلی ولولدی و للمومنین} سوره مومن آیه ۵۵ _ {واستغفر لذنبک} قرآن کریم، اهل استغفار و انا به را مدح فرموده برای نمونه در سوره ذاریات آیه ۱۸ _ و بالاسحارهم یستغفرون سوره آل عمران آیه ۱۷ _ {و المستغفرین بالاسحار }سوره ق (قاف) آیه ۸ و آیه ۳۳ _ و جاء بقلب منیب؛ و ذکری لکل عبدمنیب، سوره هود آیه ۷۵ {ان ابراهیم لحلیم اوه منیب،} سوره لقمان آیه ۱۵ _ {و اتبع سبیل من اناب الی}

اما پاسخ به شبهه جناب وهابی که گفت: قرآن در سوره فرقان آیه ۷۲ در صفات عبادالرحمن می گوید، شهادت به زور و دروغ نمی دهند مگر ائمه هدی شهادت دروغین می دادند و امکان داشته بدهند؟! جناب وهابی نادان؛ اولاً لفظ آیه می گوید: شهادت دروغین نمی دهند چرا آیه را درست نمی خوانی نمی فهمی؟! این آیه دلیل بر عصمت و تقوای عالی آنان است که سوی گناه کشیده نمی شوند، سوال می کنم از شما جناب وهابی کوردل، قرآن کریم در سوره آل عمران آیه ۱۶۱ می فرماید: پیامبر خائن نیست، آیا این دلیل می شود که ما بگوئیم امکان داشته پیامبر نعوذبالله خیانت کند و این صفت خیانت صفت کفار و مشرکان و منافقان است، چرا خداوند این صفات را به پیامبر اسلام داد و بعد از او تبراء و منتفی نموده است _ و ما کان لنبی ان یغل یا در سوره حاقه آیه ۴۴ و ۴۵ و ۴۶ و ۴۷ می فرماید: اگر ای پیامبر به ما قول نادرستی می بستی، رگ و تین، قلب تو را پاره می کردیم، مگر نعوذبالله پیامبر اسلام می خواسته دروغ و افترا به خداوند ببندد؟!! یا امکان داشته و درصدد بوده این افتراء را ببندد؟!!

ولوتقول علینا بعض الاقاویل؛ لاخذناه منه بالیمین ثم لقطعناه منه بالوتین

یا در سوره زمر آیه ۶۵ می فرماید: ای پیامبر اگر مشرک شوی عملت باطل می شود و از گروه خاسران خواهی بود؛ سوال؟ مگر نبی اکرم می خواسته مشرک شود

ص:۴۲۰

یا نعوذ بالله امکان شرک در او بوده است؟! این آیاتی که ذکر شده همه در اثبات عصمت نبی اکرم و اخطار به امت و افرادی است که این صفات را دارند، به توضیحی مختصر درباره آیات فوق و ذکر شده می پردازیم کلمه غل که مصدر یغل است به معنای خیانت می باشد، معنای این سیاق تنزیه ساحت مقدس رسول خدا، از بدیها، اعمال زشت و طهارت دامن آن جناب از هر آلودگی است، حاشا بر رسول خدا، که به خدا و یا به مردم خیانت کند، تفسیر المیزان ج۴ ص ۸۸، در کتاب مجالس از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: در جنگ بدر، این تهمت را به رسول خدا زدند که یک قطیفه سرخ رنگی را به خود اختصاص داد تا آنکه خدای تعالی آن جناب را به محل آن قطیفه که گم شده بود راهنمایی کرد و پیامبر خود را از تهمت خیانت مبرا ساخت. _ تفسیر المیزان ج۴ ص ۱۰۹ سیوطی در تفسیر الدر المنثور ذیل ۱۶۱ سوره آل عمران می نویسد: مردم، منافقین و صحابه به رسول اکرم تهمت دزدی زدند و خداوند از رسول صادق و امین اسلام در این آیه دفاع کرد

نزلت هذه الایه و ما کان لنبی ان یغل فی قطیفه حمراء افتقدت یوم بدر فقال بعض الناس: لعل رسول الله اخذها؛ فانزل الله و ماکان لنبی ان یغل... عن ابن عباس قال: اتهم المنافقن رسول الله بشیء فقد....

واخرج البزار و ابن ابی حاتم و الطبرانی عن ابی عباس و ما کان لنبی ان یغل قال: ما کان للنبی ان یتهمه اصحابه (۱)

اما منظور آیه ۴۴ سوره حاقه؛ اگر این پیامبر اکرم که ما رسالت خود را به دوش او نهادیم و با قرآن بسوی شما فرستادیم، پاره ای اقوال را از پیش خود بتراشد و به ما نسبتش دهد، ما او را مانند، مجرمین دست بسته می کنیم و یا با دست خود که همان قدرت ما است او را گرفته انتقام از او می ستانیم، سپس او را به جرم اینکه دروغ به ما بسته می کشیم این آیات تهدیدی است به پیامبر بر فرضی که آن جناب سخنی را که از خدا نیست به خدا نسبت دهد، و چگونه ممکن است این فرض تحقق یابد با اینکه او فرستاده ای است از ناحیه خدا و خداوند او را به مقام نبوت و رسالت گرامی داشته است، تهدید در آیه مورد بحث متوجه شخص رسول صادق است چنین

۱- ۱. تفسیر الدر المنثور الجز الرابع ص ۹۲

رسولی که ادعای رسالتش صادق است؛ اگر چیزی به دروغ به خدا نسبت دهد _ خدا با او چنین معامله ای می کند، نه تهدید به مطلق مدعیان نبوت و مفتریان بر خدا در ادعای نبوت _ (۱)اما منظور آیه ۶۵ سوره زمر، امام رضا علیه السلام در این باره به مامون ملعون فرمود: این آیه و امثال آن از قبیل به در می گویم دیوار گوش دهد می باشد با این آیه خداوند پیامبرش را مخاطب ساخته ولی قصد اراده اصلی او امت می باشد

فقال الرضا علیه السلام هذا مما نزل بایاک اعنی واسمعی یا جاره خاطب الله عزوجل بذلک نبیه و اراد به امته و کذلک قوله تعالی: لئن اشرکت لیحبطن عملک ... و قوله عزوجل و لو لا ان ثبتناک لقد کدت ترکن الیهم شیئا.... (۲)

حال توجه، جناب وهابی را به آیاتی که در قرآن کریم، دال بر این است که امامت و خلافت به نصب و اختیار مستقیم خداوند متعال می باشد معطوف می کنم؛ _ سوره بقره آیه ۱۲۴ {انی جاعلک للناس اماما، قال و من ذریتی قال لاینال عهدی الظالمین... لایکون اماما ظالما } (۳)، سوره صاد(ص) آیه ۲۶_ {انا جعلناک خلیفه فی الارض،}امام قرطبی مفسیر نامی اهل سنت از آیه استفاده و نتیجه گیری می کند و می نویسد؛ امامت و خلافت رکنی از ارکان دین است _ رکن من ارکان الدین _ (۴)، اسماعیل بروسی یکی دیگر از مفسران اهل سنت می نویسد: خلافت حقیقی اکتسابی نیست بلکه یک مقام اعطائی از جانب خداست، و به هر کسی بخواهد عنایت می کند.

چنانچه خداوند فرموده است من تو را خلیفه قرار دادم، یعنی به تو خلافت دادم _ ان الخلافه الحقیقه لیست بمکتسبه للانسان و انما هی عطاء و فضل من الله یوتیه من یشاء کما قال تعالی: انا جعلناک خلیفه ای اعطیناک الخلافه _ (۵)و جعلناهم ائمه یهدون بامرنا _ این آیه درباره حضرت ابراهیم و فرزندش اسحاق و نوه اش یعقوب است، حضرت ابراهیم طبق آیه ۱۰۰ سوره صافات از خداوند، درخواست کرد،

۱- ۱. تفسیر المیزان ج۱۹ ص ۶۷۶ ص ۶۷۵،

۲- ۲. احتجاج طبرسی ج۱ ص ۴۶۸

۳- ۳. تفسیر ابن جریر طبری ج۱ ص ۷۳۸

۴- ۴. الجامع لاحکام القرآن ج۱ ص ۲۶۵

۵- ۵. تفسیر روح البیان حقی بروسی ج۸ ص ۲۱، آیه ۷۲ و ۷۳ سوره انبیاء

پروردگارا، فرزندی صالح به من مرحمت کن، سرانجام وعده خداوند مستجاب شد، نخست اسماعیل و سپس اسحاق را به او مرحمت نمود که هر کدام پیامبر بزرگ خدا در جهت هدایت بندگان شدند، و در ضمن مقام امامت آنان را با جمله { وجعلناهم ائمه }اعلام می کند؛ آلوسی یکی از مفسران نامی اهل سنت در ذیل آیه مذکور می نویسد: مقام امامت از بخشش های الهی است و سزاوار این است که امام به امر خدا، نه از روی هوا و هوس خود، هدایت گر باشد

{ و قوله و جعلناهم ائمه یهدون بامرنا یشیرالی ان الامامه ایضامن المواهب و انه ینبغی ان الامام یکون هادیاً بامرالله لابالطبع و الهوی}(1)

{وجعلنا منهم ائمه یهدون بامرنا }_ امام صادق علیه السلام فرمود: امام در قرآن دو گونه است در یک جا، خداوند می فرماید: آنها را پیشوایانی قرار دادیم که به امر خدا هدایت می کنند نه به امر مردم و امر خدا را بر امر خودشان مقدم می شمارند و حکم او را بر تر از حکم خودشان قرار می دهند، ولی در جای دیگر می فرماید: ما آنها را پیشوایانی قرار دادیم که دعوت به جهنم می کنند فرمان خود را بر فرمان خدا مقدم می شمارند و حکم خویش را بر حکم خدا مقدم می دارند و مطابق هوا و هوس خود و بر ضد کتاب خدا عمل می کنند (2)

الائمه فی کتاب الله امامان قال الله وجعلنا منهم ائمه یهدون بامرنا، لابامر الناس یقدمون امر الله قبل امرهم و حکم الله قبل حکمهم...

محمد ابن عباس از امام باقر روایت کرده آیه مذکور (آیه ۲۴ سوره سجده) در حق فرزندان حضرت فاطمه زهرا، بطور خاص نازل شده که خداوند آنان را امام و پیشوا قرار داد که با امر او هدایت می کنند _ وجعلنا منهم ائمه یهدون بامرنا، قال: نزلت فی ولد فاطمه _ نزلت فی ولد فاطمه خاصه جعل الله منهم ائمه یهدون بامره (3)

امام باقر علیه السلام فرمود: مراد و منظور از ائمه در آیه ۷۲ و ۷۳ سوره انبیاء امامانی

۱- ۱. تفسیر روح المعانی ج۵ ص۵۰۲ آیه ۲۴ سوره سجده

۲- ۲. اصول کافی ج۱ ص ۲۱۶

۳- ۳. شواهد التنزیل حاکم حسکانی حنفی ح ۶۲۴ و ۶۲۵، تاویل الایات ج۲ ص ۴۴۳، اصول کافی ج۲ ص ۸۸،

هستند از ذریه حضرت زهرا ÷که بوسیله فرشته روح برایشان نازل می شود (۱)

فصبر فی جمیع احواله ثم بشر فی عترته بالائمه و وصفوا بالصبر... (۲)

ان رسول الله قال لی یوما یا جابر اذا، ادرکت ولدی الباقر فاقره منی السلام، فانه سمیی اشبه الناس بی؛ علمه علمی و حکمه حکمی و سبعه من ولده امناء معصومون ائمه ابرار السابع مهدیهم .... ثم تلاء رسول الله و جعلنا هم ائمه یهدون بامرنا ...

آیه ۵ سوره مبارکه قصص { و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین}؛ این آیه منحصر به بنی اسرائیل نیست زیرا در آیه کلمه، نرید، بصورت فعل مضارع آمده که معنای استقرار، را می رساند، مفضل بن عمر گفت از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: نبی اکرم به مولاعلی و امام حسن و امام حسین نگاه نمود و گریه کرد و فرمود: شما مستضعفان پس از من هستید، مفضل می گوید به او گفتم ای پسر پیامبر معنای این سخن چیست؟ گفت: معنایش این است که شما امامان پس از من هستید و این آیه تا روز قیامت درباره ما، جریان دارد_

ان رسول الله نظر الی علی و الحسن و الحسین فبکی و قال: انتم المستضعفون بعدی قال المفضل فقلت له ما معنی ذلک یا ابن رسول الله قال معناه انکم الائمه بعدی ...

فهذه الایه فینا جاریه الی یوم القیامه (۳)

{واجعل لی وزیراً من اهلی}، یکی از دلائل نصب و جعل الهی بودن مقام امامت آیه مذکور است که حضرت موسی وزارت و معاونت در برنامه هایش را برای برادرش هارون از خداوند، درخواست می کند، در منابع تفسیری و روائی اهل سنت آمده که رسول اسلام، همین آیه را تلاوت فرمودند و امامت و وزارت علی ابن ابی طالب را از خداوند برای بعد از خودشان درباره علی، خواستار شدند، که علی ابن ابی طالب، وزیر، خلیفه و جانشین ایشان از طرف خدا، باشند _ ابن عباس می گوید: رسول اسلام، دست علی ابن ابی طالب را گرفت و چهار رکعت نماز خواند سپس دستانش بسوی

۱- ۱. تفسیر نمونه ج۱۳ ص ۴۵۴، تفسیر جامع ج۴ ص ۳۴۶، تاویل الایات ص ۳۲۲

۲- ۲. بحارالانوار ج۷۱ ص ۶۱، بحارالانوار ج۳۶ ص ۳۶۰ ح ۲۳۰

۳- ۳. شواهد التنزیل حاکم حسکانی حنفی ج۱ ص ۵۵۵، آیه ۲۹ الی ۳۲ سوره طه

آسمان بلند کرد و گفت: خدایا همانطور که حضرت موسی از تو، درخواست کرد، که هارون برادرش وزیر و وصی او باشد برای من نیز وزیری قرار بده از اهل من که علی باشد و بوسیله او کمر مرا محکم کن و در امر من او را شریک کن (۱)

اللهم سألك موسی بن عمران و ان محمداً سالك ان تشرح لی صدری و تیسرلی امری و تحلل عقده من لسانی... واجعل لی وزیرا من اهلی؛ علیاً اشدد به ازری و اشرکه فی امری (۲)_ اخرج ابن مردویه و الخطیب و ابن عساکر عن اسماء بنت عمیس... واجعل لی وزیرا من اهلی علیاً اخی (۳)

ابوذر غفاری می گوید؛ بخدا قسم وقتی دعای پیامبر اسلام مبنی بر اینکه علی وزیر و جانشین او از طرف خدا شود آیه ولایت (آیه ۵۵ سوره مائده) نازل شد

قال ابوذر: فوالله ما اتم رسول الله هذه الکلمه حتی نزل جبرئیل فقال یا محمد اقراء انما ولیکم الله و رسوله (۴)

از جمله آیاتی که صراحت دارد، مقام امامت یک مقام انتصابی است و نصب وجعل آن فقط بدست خداست آیه مبارکه ۶۸ سوره قصص است،

{و ربک یخلق ما یشاء و یختار ما کان لهم الخیره،}

و پروردگار تو هر چه را بخواهد می آفریند و بر می گزیند و آنان اختیاری ندارند، امام صادق علیه السلام در ذیل تفسیر این آیه شریفه فرمود: یعنی خداوند، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیتش را بر گزید _ عن الصادق علیه السلام فی قوله:

یخلق ما یشأ و یختار قال: اختار محمدا و اهل بیته (۵)

ص:۴۲۵

---

۱ - ۱. مناقب ابن مغازلی ص ۳۲۸ ح ۳۷۵، الدر المنثور سیوطی ج۴ ص ۵۲۸، الکشف و البیان ثعلبی ج۴ ص ۸۱، تذکره الخواص ابن جوزی ص ۲۴ باب ۲، زرندی حنفی در نظم دررالسمطین ص ۸۷، شواهد التنزیل ج۱ ص ۲۳۰، تفسیر کبیر امام فخررازی ج۱۲ ص ۲۶؛

۲ - ۲. الریاض النضره ج۳ ص ۱۱۸ مکتبه شامله _ ج۲ ص ۱۶۳ و ص۲۱۵، سمط النجوم ج۳ ص ۳۰ مکتبه شامله _ ج۲ ص ۴۷۸، تاریخ دمشق ج۴۲ص ۵۲ ذخائر العقبی ج۱ ص ۶۳، مناقب ابن مردویه ج۱ ص ۲۷۷ _ مطالب السوول ص ۱۷۰، فصول المهمه ج۱ ص ۱۱۸؛ الدر المنثور سیوطی ج ۱۰ ص ۱۸۳ و ص ۱۸۴

۳ - ۳. سایت مکتبه اسلام ویب _ ینابیع الموده ج۱ ص ۲۵۸ تفسیر کبیر فخر رازی ذیل آیه ۵۵ سوره مائده ص ۲۳ مکتبه الاسلامیه؛ تفسیر غرائب و رغائب القرآن، نظام الدین نیشابوری ج۲ ص ۶۰۵، در ادامه تفسیر آیه ۵۵ ولایت و ذیل آیه ۳۲ سوره طه

۴- ۴. المعیار و الموازنه ابوجغفر اسکافی ص ۷۱؛

۵- ۵. بحار الانوار علامه مجلسی ج ۲۳ ص ۷۴ ح ۲۲

رسول اکرم فرمود: خداوند، حضرت آدم را به هر کیفیت که خواست خلق نمود و همانا خداوند من و اهل بیتم را از جمیع خلائق اختیار کرد و برگزید ان الله اختارنی و اهل بیتی علی جمیع الخلق

،سپس خداوند مرا، رسول و علی را وصی قرار داد و خداوند هر کس را بخواهد، اختیار می کند من و اهل بیتم از برگزیدگان الهی از میان خلق هستیم

فانتجبنا فجعلنی الرسول و جعل علی ابن ابی طالب الوصی؛ ثم قال: ما کان لهم الخیره، یعنی ماجعلت للعباد ان یختاروا، ولکنی اختار؛ من اشأ فانا و اهل بیتی صفوه الله و خیرته من خلقه (۱)

از جمله آیات دیگر، قرآن که دال بر جعل و نصب امام از سوی خداست آیه ۳۳ و ۳۴ سوره آل عمران است که در ابتدای کتاب، حقیر از منابع اهل سنت نقل کردم که آل محمد هم جزء این آیه شریفه هستند، حال بررسی می کنیم در روایات اهل سنت و اهل شیعه که آیا، امامت امر الهی است یا غیر الهی؛ ابن عباس نقل می کند؛ مسیلمه کذاب در زمان رسول اکرم می گفت: اگر محمد، امارت و خلافت بعد از خودش را برای من قرار دهد از او پیری می کنم، رسول خدا به او فرمود: هرگز؛ امر الله را در خود نخواهی دید، یعنی خلافت بعد از من به امر خدا و اختیار خداست ــ ولن تعدوامرالله فیک (۲)

ان الملک لله یجعله حیث یشاء ــ (۳)فاجعل الی بعض الامر... فقال: لو سألنی سیابه من الارض ما فعلت باد و بادمافی یده ــ الوفاء باحوال المصطفی(۴)

اما روایات شیعه درباره جعل و نصب امام از طرف خدا، امام صادق علیه السلام فرمود: بخدا قسم، تعیین امام در اختیار ما نیست این کار تنها بدست خداست

ص:۴۲۶

۱- ۱. بحار الانوار ج ۲۳ ص ۷۴ و ص۶۶ بحارالانوار ج۳۶ ص ۱۶۷، مناقب آل ابی طالب (ابن شهر آشوب) ج۱ ص ۲۲۰

۲- ۲. صحیح بخاری ج۳ ص ۱۳۲۵ح ۳۴۲۴، صحیح مسلم ج۴ ص ۱۷۸۰ ــ الامر لله یضعه حیث یشأ ــ السیره النبویه ابن کثیر ج۲ ص ۱۵۸، البدایه و النهایه ابن کثیر ج۳ ص ۱۷۱، الاصابه ابن حجر ج۱ ص ۵۲ السیره حلبی ج۲ ص ۱۵۴، مناقب الاسد الغالب ابن جزری ج۱ ص ۱۶۱؛ تاریخ الاسلام ذهبی ج۱ ص ۲۸۶ ــ لیس ذلک الی انما ذلک الی الله عزوجل یجعله حیث یشاء ــ تفسیر بغوی ج۳ ص ۹، تفسیر قرطبی ج۹ ص ۲۹۷، اسباب النزول واحدی ص ۱۸۴، تفسیر نیشابوری ج۴ ص ۱۴۸، تفسیر ثعالبی ج۵ ص ۲۷۶

۳- ۳. البدایه و النهایه ج۳ ص ۱۴۰، السیره النبویه ابن کثیر ج۲ ص ۱۵۹

۴- ۴. ، ابن جوزی ج۱ ص ۷۵۴

ماذاک الینا و ما هو الا الی الله عزوجل (۱)

در ذیل آیه ۵۸ سوره نساء مرحوم کلینی در اصول کافی ح۱ ص ۲۷۶ نقـل کرده، که امام رضا فرمود: اختیار، انتصاب امام به دست امام قبل نیست بلکه امام قبل موظف می باشد امر امامت را که یک امانت الهی است به امام تعیین شده از جانب خداوند و امین خدا و اهل آن واگذار نماید نه به شخص غیر منتخب

یودی الامام الامانه الی من بعده و لا یخص بها غیره و لایزویها عنه

امـام صـادق علیه السـلام فرمود: امر امـامت، عهـد و فرمانی از جانب خـدا و رسولش برای مردی پس از مردی؟ تا به صاحبش برسد، می باشد

ولکن عهد من الله و رسوله لرجل فرجل حتی ینتهی الامر الی صاحبه (۲)

ا مـام صـادق علیه السـلام فرمود: امامت، عهـد و پیمانی از جانب خـدای عزوجل است که برای مردانی نامبرده، واگـذار شـده است، امام حق ندارد آنرا، از امام بعد از خود؛ دور دارد و بگرداند _

ان الامـامه عهـد من الله عزوجل معهود لرجال مسـمین لیس للامام ان یزویها عن الـذی یکون من بعـده _ (۳)_ ولکنه عهد من رسول الله الی رجل فرجل _(۴)

ا مـام رضـا علیه السـلام فرمود: آیا امت، شان امامت و محل امامت را نسبت به امت می شناسـند؟ تا انتخاب امام برایشان جایز باشـد؟ همانا امامت یک مقام بلند و عظیم الشان است که مردم با این فکر و عقل ناقص خود نمی توانند به آن برسـند و به آرأ ناتمام خود و به اختیار خود امامی را نصب کنند _

هـل یعرفون قـدر الامـامه و محلهـا من الامه فیجوز فیها اختیار هم، ان الامامه اجل قـدراً و اعظم شاناً و اعلی مکاناً وامنع جانبا و ابعد غورا من ان یبلغها الناس بعقولهم او، ینالوها بآرائهم او یقیموا؛ اماماً باختیارهم (۵)

امام صادق علیه السلام فرمود: امامت؛ خلافت و جانشینی خداوند است و خداوند، خود،

۱- ۱. اصول کافی ج۱ ص ۲۷۹
۲- ۲. اصول کافی ج۱ ص ۲۷۸
۳- ۳. اصول کافی ج۱ ص ۲۷۹ ح۳
۴- ۴. اصول کافی ج۱ ص ۲۷۹
۵- ۵. عیون الاخبار الرضا _ (شیخ صدوق)ج۲ ص ۱۹۶

جانشین خود را، معرفی می کند و کارهای خداوند بر اساس حکمت و دلیل است و هیچ کس حق اعتراض به خدا، را ندارد که بگوید؛ چرا امامت را در صلب امام حسین قرار داد و در صلب امام حسن قررا نداد

و ان الامامه خلافه الله عزوجل فی ارضه و لیس لاحد ان یقول لم جعله الله فی صلب الحسین دون صلب الحسن (۱)

سعدبن عبدالله قمی گفت از حضرت صاحب الزمان که آنوقت در دامن پدرش نشسته بود سوال کردم چرا مردم نمی توانند امام را برای خودشان انتخاب کنند؟ حضرت مهدی فرمود: امام خوب یا بد؟ گفتم: امام خوب، حضرت مهدی علیه السلام فرمود: حضرت موسی با کمال عقل و دانشی که داشت و به او وحی می شد از میان قوم خود برای میقات خدا هفتاد نفر، را انتخاب کرد با اینکه یقین داشت مومن و مخلص هستند این انتخاب بر خلاف تصور او بر منافقین قرار گرفت، وقتی انتخاب پیامبری که خدا او را برگزیده بر شخص فاسدی قرار گیرد با اینکه او خیال می کرد صالح است می فهمیم اجازه انتخاب امام بدست خداست، زیرا او صالح را از مفسد، علم کامل دارد (۲)

علمنا ان لااختیار لمن لایعلم ما تخفی الصدور

حال ببینیم آن امامی که مورد نظر قرآن و رسول خدا و ائمه هدی است چه شخصیتی است و چه خصوصیاتی دارد، امام رضا علیه السلام فرمود: به راستی امامت زمام دین و نظام مسلمین و صلاح دنیا و عزت مومنین است، به راستی که امامت ریشه (اساس) نمو کننده اسلام و شاخه برافراشته آن است، با امام است که نماز، زکات، روزه، حج و جهاد به پایان می رسند و فی و صدقه ها، بسیار می گردند و حدود و احکام جاری می شوند و مرزها و نواحی در ایمنی می مانند؛ امام، حلال خدا را حلال و حرام خدا را حرام می کند و حدود الهی را به پای می دارد و از دین خدا، دفاع می نماید و با حکمت و موعظه حسنه و حجت بالغه، مردم را به راه الهی فرا می خواند، امام همانند، خورشید بر آمده برای دنیاست در حالی که در افق قرار دارد به گونه ای که دست ها و دیدگان به آن دست یابی ندارند، امام همانند ماه درخشان چراغ تابان و ستاره هدایتگر در تاریکی های شب و سرزمین های خشک و خالی و لجه های دریاست، امام، آب گوارا برای تشنگی راهنمایی برای هدایت و نجات دهنده از نابودی است، امام آتش برروی تپه ها و بلندی هاست، گرما برای آنان که به آن خود را گرم می کنند و راهنمای راه هاست، که هر که از آن جدا گردد، نابود گردد، امام، ابر باران زا، باران سیل آسا، خورشید فروزان، زمین پهناور، چشمه پر آب و برکه و باغ است، امام امین مهربان، پدر دلسوز، برادر شفیق، پناه بندگان در مصیبت هاست، امام امین خدا در زمین، حجت الهی بر بندگان، جانشین خداوند در بلاد فرا خواننده بسوی خدا

۱- ۱. کمال الدین صدوق ج۱ ص ۳۵۹ ح ۷۵؛ معانی الاخبار، صدوق ج۱ ص ۱۲۷الخصال ج۱ ص ۳۰۵،

۲- ۲. کمال الدین صدوق ج۲ ص ۴۶۲، بحارالانوار ج۲۳ ص ۶

و دفـاع کننـده از حرم الهی است؛ امام پاکیزه شـده از گناهان، مبرای از عیوب مخصوص به علم، موسوم به بردباری، نظام دین عزت مسـلمین خشم منافقین و نابوی کافرین است، امام یگانه و بی مانند روزگار خویش است که نه احدی به او نزدیک باشد و نه دانشمندی هم سنگ او ونه همانندی و نظیری با او برای او وجود دارد، او مخصوص به تمامی فضیلت هاست، بدون آنکه منزلت آنرا، طلب کند یا به دست آورد، بلکه آن اختصاصی است از جانب خداوند بنابراین چه کسی می تواند به شناختن امام برسـد یـا بتوانـد امـام را انتخـاب کنـد.... آنان گمان می کننـد که امام در غیر آل پیامبر یافت می شود، بخـدا قسم خودشان را تکـذیب کرده انـد، زیرا با آگاهی، امام را واگـذارده اند و شـیطان اعمال آنان را بر ایشان زینت ساخته، آنان از انتخاب خدا و انتخاب پیامبر خدا به انتخاب خویش رغبت کرده اند ....

پس آنان چگونه می تواننـد امام را انتخاب نماینـد؛ در حالی که امام دانای بدون جهل است، راعی(چوپان) بدون ترس است، معدن قدس و طهارت و عبادت و زهد و ذاتش عبادت است و مخصوص دعوت پیامبر است، امام از نسل مطهره بتول است که نه کسـی می توانـد در نسـبش طعنی وارد کند و نه هیچ صاحب حسبی به او نزدیک توان گشت، در خاندان از قریش در ذریه از هاشم در عترت از پیامبر و مورد رضایت خداوند است، شـرف شریفان، شاخه ای از عبدمناف، افزونگر دانش، بردبار کامل، دارای توان رهبری؛ آگاه از سیاست، اطاعتش واجب قائم به امر خدا، ناصح بندگان خدا، و حافظ دین خداست، به راستی که پیـامبران و امامان، توفیق الهی می یابنـد و خداونـد از دانش و حلم پنهان خویش چنان بهره ای به آنان می دهـد که به دیگران ارزانی نمی کنـد، بنابراین دانش و علم آنان از علم همه مردمان روزگار خویش بالاتر است، و خداوند در سوره یونس آیه ۳۵ می فرماید: آیا کسـی که به حق هدایت می کند؛ سـزاوار تر است که از او پیروی گردد یا کسی که هدایت نمی کند مگر این که هدایتش نمایند؟! و در سوره بقره آیه ۲۶۹ می فرماید: و هر که حکمت به او ارزانی گردد به تحقیق که خیر کثیری بدست آورده است، و همچنین در آیه ۲۴۷ سوره بقره در مورد طالوت می گوید:

به راستی که خداوند او را بر شما برگزید و به او گشایش در دانش و توانایی

ص:۴۲۹

جسـمانی داد، و همچنین در خصوص امامـان از اهـل بیت و عترت و ذریه پیامبر فرمود: آیا به مردم بخاطر آنچه که خداونـد از فضل خود به آنان بخشیده است حسد می ورزند؟ به تحقیق که به آل ابراهیم کتاب و حکمت و ملک عظیم ارزانی داشتیم ـ (سوره نسـاء آیه ۵۴) امـام معصوم و مویـد و موفق و مسـدد است، از خطاهـا و لرزش ها و لغزش ها در امان است خداونـد این خصوصـیات را به او بخشـیده است تا حجت الهی بر بنـدگانش و شاهـد خداونـد بر خلایق او باشد... بنابراین آیا آنان بر چنین شخصی توانایی دارند که انتخابش نمایند یا فرد انتخاب شده آنان، چنین صفاتی را دارد که او را مقدم دارند؟(۱)

امام رضا علیه السـلام فرمود: امام علائم و نشانه هایی دارد: امام در علم و حکمت و تقوا و صبر و شجاعت و سخاوت و عبادت از همه برتر است؛ امام مختون متولـد می شود؛ پاک و مطهر است، همانگونه که از مقابل می بیند از پشت سـر، نیز مشاهده می کنـد، سایه نـدارد، از بطن مادر، با دو کف دست بر زمین می افتـد و با صـدای بلند شـهادتین می گوید، امام محتلم نمی شود؛ چشـمش به خواب می رود ولی قلبش بیدار است، محدث است، زره پیامبر کاملاً اندازه اوست، بول و غائط او دیده نمی شود، زیرا، خداونـد زمین را مـامور کرده هر چه از او خـارج می شود را ببلعـد، شمشـیر امـام از مشـک خوشـتر به مردم از خودشـان سزاوارتر و بر آنـان دلسوزتر از پـدر و مادرشـان است، از تمام مردم در برابر خداونـد، متواضع تر و از همه بـدانچه امر می کند بیشتر عمـل می کنـد و از همه بیشتر در آنچه نهی می کنـد دوری می نمایـد، امـام دعایش مستجاب است بطوری که اگر دعا کند، صـخره ای دو نیم شود، همان خواهد شد، اسـلحه پیامبر و شمشـیر آنحضرت، ذوالفقار در نزد اوست؛ نزد امام صحیفه ای است که در آن نـام تمـام شـیعیان او تـا روز قیـامت مکتوب است و نیز نوشـته دیگری که اسامی تمام دشـمنانش تا روز قیامت مکتوب می باشد و کتاب جامعه و جفر اکبر و اصغر و مصحف فاطمه و جمیع علوم نزد او است (۲)؛ امام موید به روح القدس است و بین او، و خـدا، سـتونی از نور جود دارد که اعمـال مردم و هر چه را احتیاج دارنـد در آن می بینـد گاهی آن نور برای گسترده می شود و می داند و گاهی آن نور از او گرفته می شود و نمی داند (۳)

للامـام علامـات یکون اعلم النـاس و احکم الناس و اتقی الناس و احلم الناس و اشـجع الناس و اسـخی الناس و اعبـد الناس و... (۴)ـ للامام عشـر علامات ... امام کاظم علیه السـلام فرمود: امام معصوم، برگزیـده شـده از جانب خـدا را به چند خصـلت می توان شـناخت اول: آنکه امـام پیش از او، نص و بیـان بر امامت او کنـد، چنانچه، پیامبر بر امامت علی کرده دوم: هر چه از امام بپرسند جواب دقیق دهد و اگر از او نپرسند خود ابتدا کند سوم: مردم را به آینده خبر می دهد، چهارم: تمام لغت ها و زبانها را می دانـد و هر کس را به زبان خودش جواب می دهـد، پنجم: آنکه کلام و زبان هیـچ مرغ و حیوانی و موجودی بر او نامفهوم نیست. (۵)

ان الامام لایخفی علیه کلام احـد من الناس و لاطیر و لابهیمه و لاشـی فیه روح بهذا یعرف الامام فان لم یکن فیه هذه الخصال فلیس هو بامام... و یسال فیجیب و یسکت عنه فیبتدی و یخبر الناس بما فی غدویکلم الناس بکل لسان.... اما اولهن

---

۱ - ۱. امالی شـیخ صـدق مجلس ۹۷ ح اول ص ۱۱۵۰، عیون الاخبار الرضا (صـدوق) ج۱ ص ۱۹۲ باب ۲۰ ح اول، احتجـاج طبرسی ج۲ ص ۴۷۵ ح ۳۱۰

۲- ۲. احتجاج طبرسی ج۲ ص ۴۸۶ ح ۳۱۱

۳- ۳. عیون الاخبار الرضا ج۱ ص ۱۸۹ باب ۱۹ فی علامات الامام، من لایحضره الفقیه ج۴ ص ۴۱۸ ح ۵۹۱۴

۴- ۴. اصول کافی ج۱ ص ۳۸۸ ح ۸

۵- ۵. حق الیقین علامه مجلسی ص ۴۸ الی ص ۵۴، پرتوی از امامت در قرآن و سنت ص ۱۱۶ نوشته عبدالرضا یوسفی پور (ابن مالک مداح)، بحار الانوار مجلسی ج۴۸ الی ص۵۴، پرتوی از امامت در قرآن و سنت ص۱۱۶ نوشته عبدالرضا یوسفی پبور (ابن مالک مداح)؛ بحار الانوار مجلسی ج۴۸ ص ۴۷ و ج ۲۵ ص ۱۱۳ و ص۱۴۱

فشی تقدم من ابیه فیه و عرفه الناس و نصبه لهم علما حتی یکون حجه علیهم لان رسول الله نصب علیا و عرفه الناس...

مولا علی علیه السلام می فرمایـد: امامان و ائمه همگی از قریش که درخت وجودشان در سـرزمین وجود از هاشم (جد اعلای پیـامبر) بوجود آمـده است، مقام امامت به هیـچ وجه در خور صـلاحیت دیگران نیست و کسانی غیر از (بنی هاشم) شایسـتگی مقام امامت را ندارند (۱)

ان الائمه من قریش غرسوا فی هذا البطن من هاشم لاتصلح علی سواهم و لاتصلح الولاه من غیرهم

مولاـ علی در حـدیث دیگر در توصـیف صـفات امامـان معصـوم از آل محمـد می فرمایـد: امـام معصـوم برتر و بالاـتر از همه انسانهـاست و در نسب او، پیونـد خویشاونـدیش با رسول خـدا، جای هیـچ ابهام و ایراد نیست، او والاترین قریش، گرامی ترین بنی هاشم، بازمانـده ابراهیم خلیل، اوج قله شـرف عرب، از برترین چشـمه زلال پاکی و نجابت از جان و روان رسول خـدا و از شاخه های بلند از دودمان عبدمناف است که شـریفی از اشراف خاندان نبوت است؛ امام بشری فرشته صفت و جسدی آسمانی و امر خدایی و روح قدسی و مقامی بلند و نوری تابان و راز پنهان خداوند است که ذاتش ملکوتی و صفاتش الهی و حسناتش فراوان و آگاه به امور پنهان است که از طرف خـدا، تعیین شده و امامتش بوسـیله رسول خدا به مردم ابلاغ گردیده است؛ همه این ویژگی ها مخصوص آل محمـد است و هرگز کسـی در این امتیازات با آنها شـریک نیست زیرا آنها معـدن تنزیل و معنای تاویل و برگزیده خداوند می باشند که خانه شان محل نزول جبرئیل امین است،

خداوند آنها را از نور عظمت خود آفریده و سـرپرستی امور مملکت خود را به آنها تفویض فرموده است (به اذن الله) آنها سـر مخزون خدا و اولیا مقرب خدا و امر خداوند .... هسـتند که بسوی خدا، دعوت می کنند و از طرف خدا سـخن می گویند و به فرمـان خـدا، عمل می کننـد، علم پیامبران در برابر دانش و علم آنان و عزت اولیاء در برابر عزت آنهاماننـد قطره ای در دریا و همچون ذره ای در دل صحرا است... آنها سرّ

۱- ۱. نهج البلاغه فیض ص ۴۳۷ و صبحی صالحی ص ۲۰۱ خطبه ۱۴۴

خدای یگانه اند که احدی را نمی توان با آنان مقایسه کرد امامان، ستارگان درخشان بلند مرتبه ای هستند که از نور وجود علوی و تابش خورشید عصمت فاطمی در آسمان عظمت محمدی جلوه گر شده و شاخه های درخت تنومند نبوتند که در باغستان سرسبز احمدی روئیده اسرار مکنون الهی هستند که در هیاکل بشری به ودیعت گذارده شده و ذریه پاک و عترت هاشمی و راهنمایان هدایتگر و هدایت شده ای هستند که از بهترین آفریدگان خدای می باشند،

آنان ائمه طاهرین و عترت معصومین و ذریه اکرمین و خلفاء راشدین و بزرگان صدیقین و اوصیا برگزیده و راهنمایان هدایت شده و سفینه های پرخیر و برکت از آل طه و یس از اهل بیت رسول خدا و حجت های خدا بر اولین و آخرین هستند که نام هایشان بر تمامی سنگها و صخره ها، و برگهای درختان و پرهای پرندگان درهای بهشت و جهنم و عرش و افلاک و بالهای فرشتگان و بر حجاب جلال و سراپرده های عز و جمال نوشته شده است (۱)؛ مولا ـ علی علیه السلام درباره امامت الهی ائمه طاهرین (یعنی امامت خودش و فرزندان معصومش می فرماید: پس بخدایی سوگند که ما اهل بیت را به نبوت و خلافت گرامی داشته و حضرت محمد صلی الله علیه و آله را از میان ما به نبوت قرار داد و پس از او ما را به امامت اهل ایمان اکرام فرمود که جز ما هیچکس نمی تواند از آنحضرت تبلیغ کند و مقام امامت و خلافت، تنها در میان ما به اصلاح رسد و خداوند هیچ کسی را در امر ولایت با ما شریک و ذی نصیب نگردانیده... و خداوند ما را پس از رسول خدا، خلفای زمین و گواهان بر خلق خود قرار داده است و اطاعت ما را در کتاب خود، واجب ساخته و در چندین آیه ما را قرین خود و پیامبرش فرموده... (۲)

و الامام یا طارق، بشر ملکی و جسد سماوی و امر اللهی و روح قدسی و مقام علی، و نور جلی و سرخفی فهو ملک الذات، الهی الصفات، زائد الحسنات، عالم بالمغیبات خصاً من رب العالمین و نصامن الصادق الامین (۳)

و هذا کله لال محمد، لایشارکهم فیه مشارک لانهم معدن التنزیل و معنی التاویل

۱- ۱. بحار الانوار ج۲۵ ص ۱۶۹ الی ص ۱۷۴، الزام الناصب ج۱ ص ۲۶ الی ص ۳۰ مشارق الانوارالیقین ص ۱۱۴ الی ص ۱۱۸

۲- ۲. احتجاج شیخ طبرسی ج۱ ص ۳۱۸ ح ۵۶

۳- ۳. بحار الانوار ج۲۵ ص ۱۷۲

و خاصه الرب الجلیل و مهبط الامین جبرئیل ..(۱)

یا طارق الامام کلمه الله و حجه الله و وجه الله و نور الله و حجاب الله و آیه الله یختاره الله . (۲)

خلقهم الله من نور عظمته و ولاهم امر مملکته فهم سر الله المخزون و اولیاوه المقربون _(۳)الی الله یدعون و عنه یقولون و بامره یفعلون علم الانبیاء فی علمهم و سر الاوصیاء فی سرهم و عزالاولیاء فی عزهم کالقطره فی البحر... فلا یقاس بهم من الخلق احد_ (۴)_ فوالله الذی اکرمنا اهل البیت بالنبوه و الخلافه جعل منا محمد او اکرمنا بعده بان جعلنا ائمه للمومنین لایبلغ عنه غیرنا و لاتصلح الامامه و الخلافه الافینا و لم یجعل لاحد من الناس فیها معنا اهل البیت نصیباً و لاحقاً ... و جعلنا من بعد محمد خلفاء فی ارضه و شهدا علی خلقه و فرض طاعتنا فی کتابه.. (۵)

و الانوار العلویه المشرقه من شمس العصمه الفاطمیه فی سماء العظمه المحمدیه و الاغصان النبویه النابته فی دوحه الاحمدیه و الاسرار الالهیه المودعه فی الهیاکل البشریه و الذریه الزکیه و العتره الهاشمیه الهادیه المهدیه اولئک هم خیر البریه فهم الائمه الطاهرون و العتره المعصومون و الذریه الاکرمون و الخلفاء الراشدون و الکبراء الصدیقون و الاوصیاء المنتجبون و الاسباط المرضیون و الهداه المهدیون و الغرالمیامین من آل طه و یاسین و حجج الله علی الاولین والاخرین (۶)

شبروای شافعی از علمای اهل سنت درباره خصائص امامان آل محمد می نویسد: به راستی که اهل بیت همه فضایل را از علم و حلم و فصاحت و ذکاوت و سخاوت و شجاعت دارا بودند و علومشان درسی و تحصیلی نیست بلکه خداوند علم به آنان داده است و ... نور این سلسله هاشمی و خاندان پاک نبوی و جماعت علوی جهانی را روشن ساخته است و آنها دوازده امام اند؛ که فضایل و مناقبشان والا، صفاتشان عالی و ارجمند و خودشان شریف و بلند مرتبه و اصل و نسبشان بزرگوار و محمدی است و آنها عبارتند از محمد بن الحسن و حسن عسکری و علی هادی و تقی جواد و علی

۱- ۱. بحار الانوار ج۲۵ ص ۱۷۳

۲- ۲. بحار الانوار ج۲۵ ص ۱۶۹

۳- ۳. بحار ج۲۵ ص ۱۷۳

۴- ۴. بحار الانوار ج۲۵ ص ۱۷۳ و ص ۱۷۴

۵- ۵. بحار الانوار ج۳۱ ص ۴۲۰

۶- ۶. بحار الانوار مجلسی ج۲۵ ص ۱۷۴

رضا و موسی کاظم و جعفر صادق و محمد باقر و زین العابدین و امام حسین و امام حسن و علی بن ابی طالب

ان آل البیت حازوا الفضائل کلها علماً و حلماً و فصاحه و ذکاء و بدیهه جوداً و شجاعه ... (۱)

و قد اشرف نور هذه السلسله الهاشمیه و البیضه الطاهره النبویه و العصابه العلویه و هم اثنا عشر اماماً مناقبهم علیه و صفاتهم سنیه و نفوسهم شریفه ابیه وارومتهم کریمه محمدیه و هم محمدالحجه ابن الحسن الخالص بن علی الهادی بن محمد الجواد بن علی الرضا بن موسی الکاظم بن جعفر الصادق بن محمد الباقر بن علی زین العابدین ابن الامام الحسین اخی الامام الحسن ولدی اللیث الغالب علی ابن ابی طالب رضی الله تعالی عنهم اجمعین (۲)

حال به روایاتی می پردازیم بطور اختصار، که به امامت الهی ائمه طاهرین (۱۲ امام معصوم شعیه) از منابع حدیثی و تفسیری اهل سنت و شیعه اشاره روشنی شده است، نبی اکرم فرمود: امامان معصوم از فرزندان من هستند هر کس از آنان اطاعت کند از خداوند اطاعت کرده و هر کس از آنان تخلف بکند، معصیت خداوند کرده زیرا آنان ریسمان محکم الهی و وسیله بسوی خدا هستند

الائمه من ولدی فمن اطاعهم فقد اطاع الله و من عصاهم فقد عصی الله هم العروه الوثقی و الوسیله الی الله (۳)

نبی اکرم در قالب حدیث دیگر، امامان معصوم را از فرزندان مولا علی بر می شمارد و می فرماید: ای علی مثال تو و امامان از فرزندان تو همانند کشتی نوح است هر کس بر آن سوار شد نجات پیدا کرد و هر کس تخلف کرد نابود شد

مثلک و مثل الائمه من ولدک بعدی مثل سفینه نوح (۴)

و علی الائمه من ولدک عاملون ما امر الله ... و بما یامرهم اولوالامر من الائمه من ولدک بالقرآن و سنتی (۵)

۱- ۱. الاتحاف بحب الاسراف ص ۵۸ چاپ مصر

۲- ۲. الا تحاف بحب الاشراف ص ۳۸۱ الشبروای آخر باب ۵

۳- ۳. الموده القربی، شهاب الدین همدانی شافعی موده ۲؛ ینابیع الموده قندوزی حنفی ج۳ ص ۲۹۲

۴- ۴. ینابیع الموده ج۱ ص ۹۵، فرائدالسمطین حموئی شافعی ج۲ ص ۴۲۳ ح ۵۱۷؛ ینابیع الموده ج۲ ص ۳۱۸

۵- ۵. ینابیع الموده ج۱ ص ۳۹۸فرائد السمطین امام جوینی ج۱ ص ۳۰۹

یا علی انا و انت و الائمه من ولدک سادات فی الدنیا و ملوک فی الاخره (۱)

فلیوال علیاً بعدی ... و لیاتم بالائمه من لده فانهم خلفائی و اوصیایی حجج الله علی خلقه بعدی (۲)

یعتصم بحبل الله المتین فلیوال علیاً لیاتم بالهداه من ولده (۳)

فلیتول علیاً و ذریته الطاهرین ائمه الهدی و مصابیح الدجی من بعده (۴)

بالعقیق الاحمر فانه جبل امر لله بالوحدانیه... و لک بالوصیه ولولدک بالامامه (۵)

الائمه من ولدها امناء ربی (۶)

یا علی ... انت الامام ابوالائمه الاحدی عشر الذین هم المطهرون المعصومون (۷)

قال علی: انا ابوالائمه البرره (۸)

والائمه الطاهرون من ولده آیات ربی (۹)

نبی اکرم در قالب حدیث شریف دیگر، امامان معصوم بغیر از امام علی علیه السلام از نسل مبارک و از فرزندان بی بی دو عالم حضرت فاطمه زهرا، معرفی می کند، می فرماید: ای خدیجه جبرئیل به من خبر داد فرزندی که در شکم داری دختر می باشد و او دارای نسل مبارک و پربرکت می باشد و خداوند از نسل او، امامان را قرار داده که خلفای خدا هستند بعد از قطع شدن وحی بعنوان وحی نبوت و سیجعل من نسلها ائمه و یجعلهم خلفاء فی ارضه بعد انقضا وحیه (۱۰)

ابشری یا خدیجه هذه بنت جعلها الله ام احد عشر من خلفائی یخرجون بعدی و بعد ابیهم (۱۱)

در مصحف حضرت فاطمه زهرا÷ درباره اسامی ائمه طاهرین چنین آمده است ــ ای جابر این لوح را خداوند به رسولش هدیه فرموده است و درآن اسامی پدر و

۱- ۱. ینابیع الموده ج۱ ص ۳۷۰

۲- ۲. فرائد السمطین ج۲ ص ۲۴۳، ینابیع الموده ج۲ ص ۳۱۶، فرائد السمطین ج۳ ص۳۱۳ ح ۵۶۴

۳- ۳. شواهد التنزیل کم حسکانی حنفی ص ۷۱ و ص ۷۲ ذیل آیه ۱۰۳ سوره آل عمران

۴- ۴. مناقب اخطب خوارزمی حنفی ص ۷۹ ح ۵۵

۵- ۵. مناقب خوارزمی حنفی ص ۴۶۷ ح ۳۳۵؛ مناقب ابن مغازلی شافعی ص ۲۲۸

۶- ۶. ینابیع الموده ج۱ ص ۲۴۳، فرائد السمطین ج۱ ص ۱۷۹، مقتل الحسین خوارزمی ج۱ ص ۵۹ اربعین ابن فوارس ص ۱۴،

بحر المناقب ابن حسنویه ص ۱۰۶، مناقب زمخشری ص ۲۱۳

۷- ۷. ینابیع الموده ج۳ ص ۲۸۴ ینابیع الموده ج۱ ص ۲۵۳

۸- ۸. ینابیع الموده ج۳ ص ۲۰۷

۹- ۹. موده القربی همدانی شافعی موده ۱۰ ص ۹۷، المناقب المرتضویه کشفی ص ۱۳۰ ینابیع الموده ج۲ ص ۸۳،[۹]

۱۰- ۱۰. بحارالانوار ج۴۳ ص ۲ ح۱، امالی صدوق ص ۴۷۵ ح۱، عوالم ج۱۱ ص ۱۷ و ص ۱۱۱،

۱۱- ۱۱. عبقات الانوار ج۳ ص ۲۳۹ و ص ۲۴۰ ملحقات احقاق ج۱۰ ص ۱۲

شوهر و نیز دو پسرم و اسم اوصیای از فرزندانم نوشته شده است

فیه اسم ابی و اسم بعلی و اسم ابنی و سماء الاوصیاء من ولدی (۱)

ذکر تعیین ائمه، در روایت دیگر از حضرت باقر علیه السلام رسیده که فرمود: امامان از فرزندان حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه هستند که امامت آنان تا روز قیامت است الائمه من ولد علی و فاطمه الی ان تقوم الساعه (۲)

در روایت دیگر مولا علی علیه السلام در ذیل آیه ۲۸ سوره زخرف فرمود: خداوند تا روز قیامت، امامت را در نسل حسین علیه السلام قرار داده است (۳)

وجعلها کلمه باقیه فی عقبه ای جعل الامامه فی عقب الحسین الی یوم القیامه _ در حدیث مشهور ۱۲ خلیفه که منابع اهل سنت با الفاظ و عبارات مختلفه از نبی اکرم نقل کرده اند در بعضی از منابع آمده که تمامی آن ۱۲ خلیفه از بنی هاشم هستند و ائمه معصوم ۱۲ گانه شیعه همگی از بنی هاشم بودند و هستند _ بعدی اثنا عشر خلیفه...

قال کلهم من بنی هاشم (۴)

در کتاب ینابیع الموده فرائد السمطین مقتل الحسین خوارزمی، تاریخ اهل بیت من آل رسول الله (نصر بن جهضمی، تاریخ موالید و وفات اهل بیت و این دفنوا مقتل الحسین خوارزمی، تاریخ اهل بیت من آل رسول الله (نصر بن جهضمی، تاریخ موالید و وفات اهل بیت و این دفنوا (ابن خشاب) تذکره الخواص ابن جوزی؛ فصول المهمه ابن صباغ مالکی، مطالب السول ابن طلحه و... که از علماء و از منابع اهل سنت هستند اشاره روشن به اسامی امامان معصوم ۱۲ گانه شیعه، کرده اند برای نمونه به یک روایت اکتفاء می شود، رسول خدا فرمود: ای جابر، اوصیاء و امامان مسلمین بعد از من، اول علی ابن ابی طالب سپس حسن و حسین بعد از آنان علی بن الحسین، سپس محمد بن علی که نامش باقر است سپس جعفر بن محمد موسی بن جعفر علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و محمد بن الحسن که از دیدگان پنهان می شود _ (۵)، خواجه قندوزی حنفی، اعتراف می کند که منظور نبی اکرم در حدیث ۱۲ خلیفه درباره ۱۲ امام معصوم شیعه می باشد و با آن مطابقت دارد قندوزی چنین می نویسد: برخی از پژوهشگران گفته اند: احادیثی که دلالت دارد بر اینکه خلفای پیامبر ۱۲ نفرند از طرق بسیاری شهرت یافته است، اشتهار این احادیث به حدی است که آدمی به

ص:۴۳۶

۱- ۱. احتجاج طبرسی ج۱ ح۳۳

۲- ۲. عیون الاخبار الرضا ج ۱ ص ۱۳۹

۳- ۳. ینابیع الموده قندوزی حنفی ج۱ ص ۳۵۳، اصول کافی ج۱ ص ۴۳۲

۴- ۴. ینابیع الموده قندوزی حنفی ج۲ ص ۳۱۵

۵- ۵. ینابیع الموده ج۳ ص ۱۷۰ باب ۹۴ ینابیع الموده ج۳ ص ۱۰۱ باب ۷۶

روشنی درمی یابد که مراد رسول خدا از حدیث اثناعشر خلیفه امامان دوازده گانه از اهل بیت و عترت خود آنحضرت می باشد، زیرا ممکن نیست که این حدیث بر خلفای بعد از رسول خدا، از صحابه آن حضرت تطبیق نمود، چه آنکه خلفای بعد از پیغمبر کمتر از ۱۲ نفر بودند همچنین ممکن نیست که این حدیث بر سلاطین بنی امیه تطبیق نمود؛ زیرا که آنها بیش از دوازده نفر بودند و به علاوه ستمکار بودند به استثنای عمر ابن عبدالعزیز و آنها از بنی هاشم هم نبودند

زیرا نبی اکرم فرمود: که صدای خود را پائین آورده و آهسته فرموده است: همگی آنها از بنی هاشم اند، این حدیث را تایید می نماید، زیرا که آنها (یعنی قریش) خلافت بنی هاشم را خوش نداشتند. و نیز ممکن نیست این حدیث را بر ملوک بنی عباس، تطبیق نمود، چرا که شماره ملوک بنی عباس، بیشتر از ۱۲ نفر است، و آنها در دوران زمامداری خود توصیه خدا را درباره آیه مودت و حدیث کساء رعایت نکردند بنابراین چاره ای نیست جزاینکه این حدیث را بر امامان ۱۲ گانه از اهل بیت و عترت خود آنحضرت تطبیق نمود، برای آنکه آنان داناتر، باشخصیت تر باتقواتر از همه مردم زمان خود بودند و از نظر حسب و نسب بالاتر از همه مردمان در نزد خدا، بودند علوم و دانششان نیز از طریق پدرانشان و از وجود مقدس نبی اسلام به سبب وراثت و علم لدنی سرچشمه می گرفت و اینگونه اهل علم و تحقیق امامان ۱۲ گانه را معرفی کرده اند و حدیث ثقلین و احادیث فراوان دیگر بر این مطلب گواهی می دهد که مقصود رسول خدا، از خلفاء اثناعشر، امامان ۱۲ گانه از اهل بیت خود آنحضرت می باشند (۱)_

یاجابر ان اوصیائی و ائمه المسلمین من بعدی اولهم علی ثم الحسن ثم الحسین ثم علی ابن الحسین ثم محمد بن علی... ثم جعفر بن محمد ثم موسی بن جعفر؛ ثم علی بن موسی ثم محمد بن علی ثم علی بن محمد ثم الحسن بن علی ثم القائم... محمد بن الحسن بن علی ذاک الذی یغیب عن اولیائه _ ان خلفائی و اوصیائی و حجج الله علی الخلق بعدی اثنا عشر اولهم علی و آخرهم ولدی المهدی ... (۲)

لانهم کانوا اعلم اهل زمانهم و اجلهم و اورعهم و اتقاهم و اعلاهم نسبا و افضلهم حسبا و اکرمهم عندالله و کان علومهم من ابائهم متصلاً بجدهم و بالوراثه و اللدنیه کذا عرفهم اهل العلم و التحقیق و التوفیق

شاید جناب وهابی بگوید خواجه قندوزی صاحب کتاب ینابیع الموده از علمای اهل سنت نبوده، پس اعتراف او راجع به اثبات امامت ائمه ۱۲ گانه شیعه، هیچ اعتباری ندارد، خیر الدین زرکلی در کتاب قاموس تراجم و الاعلام ج۳ ص ۱۲۶ که

۱- ۱. ینابیع الموده ج۳ ص ۱۰۵ و ص ۵۳۵ باب ۷۷؛

۲- ۲. فرائد السمطین ج۲ ص ۳۱۲ ح ۵۶۲؛ ینابیع الموده ج۲ ص ۳۱۶ ح ۹۱۱

از علمای سرشناس اهل سنت می باشد؛ خواجه قندوزی را از علماء مشاهیر اهل سنت معرفی می کند _ سلیمان بن خواجه ابراهیم قبلان الحسینی الحنفی النقشبندی القندوزی فاضل من اهل بلخ مات فی القسطنطنیه له ینابیع الموده _ (به نقل از سایت مکتبه وقفیه)، جالب است ای جناب وهابی، بعضی از علمای معروف اهل سنت، امامت را از اصول دین بعنوان نیابت و خلافت از رسول خدا می دانند؛ ما شیعیان هم طبق ادله قرآنی و روایات ائمه هدی که بطور اختصار از دید شما گذشت، امامت و خلافت بعد از رسول اسلام را و قبل از رسول اسلام را، الهی و از جانب خدا، می دانیم، پس جناب وهابی، هر کس نمی تواند امام از جانب خدا شود؛ چون امامت بدست خدا و رسول خدا می باشد؛ بطور عام می توانیم دعا کنیم خدایا ما را پیشوا و امام پاکان قرار بده با شرایط و خصلت های خوبی که در خودمان بوجود می آوریم ولی نمی توانیم امامت خاصه الهی را کسب کنیم چون امرش بدست خداست و خدا ائمه الهی بعد از رسول خدا را، قبل از خلقت مخلوقات انتخاب کرده و برگزیده، ملا علی قوشچی از علمای اهل سنت می نویسد: امامت ریاست عمومی است در امور دین و دنیا به طریق خلافت از پیغمبر (۱)؛ بیضاوی در منهاج الاصول کتاب الثانی باب اول فصل دوم، الابهاج فی شرح المنهاج سبکی ج۲ ص ۲۹۵ می نویسند: امامت از بزرگترین اصول دین است _ و هی ریاسه عامه فی امور الدین و الدنیا خلافه عن النبی؛(۲)،

علمای شیعه همین معنای مذکور، را برای تعریف امامت الهی بیان کرده اند (۳) الامامه هی الرئاسه العامه الالهیه خلافه عن رسول الله فی امور الدین والدنیا

ابن حزم از علمای اهل سنت می نویسد: تمام و مرجئه و شیعه و خوارج بر واجب بودن امامت اتفاق نموده اند... قرآن و سنت تصریح به وجوب امامت دارند (۴) فخر رازی از علمای متعصب اهل سنت می نویسد: همانا نصب امام متضمن دفع ضرر از نفس

ص:۴۳۸

۱- ۱. شرح تجرید ص ۳۶۵ مقصد ۵

۲- ۲. احقاق الحق ج۲ ص ۳۰۴

۳- ۳. اللوامع الالهیه ص ۲۵۴ فاضل مقداد؛ کفایه الموحدین ج۲ ص

۴- ۴. الفصل فی الملل و النحل ج۴ ص ۸۷، مقالات الاسلامیین ج۲ ص ۱۳۳؛ الفرق بین الفرق ص ۳۲۳ الی ص ۳۴۱

است و دفع ضرر واجب است لذا، نصب امام واجب می باشد (۱)

قاضی ایجی از علمای اهل سنت می نویسد: امامت ریاست عمومی است در امور دین و دنیا برای شخصی از اشخاص به نیابت و جانشینی از پیامبر اسلام (۲)

تفتازانی و ملا علی قاری و خواجه نصیرالدین طوسی طبق حدیث معرفت به امام زمان که رسول خدا فرمود: هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد به مرگ جاهلیت مُرده است، امر امامت را واجب شرعی وعقلی می داند (۳)

الامامه موضوعه لخلافه النبوه فی حراسه الدین و سیاسه الدنیا (۴)

اتفق جمیع اهل السنه و جمیع المرجئه و جمیع الشیعه و جمیع الخوارج علی وجوب الامامه و ان الامام واجب علیها _ (۵)_ ان الامامه فرض واجب علی الامه لاجل اقامه الامام (۶)

یجب ان یعرف ان ولایه امر الناس من اعظم واجبات الدین بل لاقیام للدین الابها (ابن تیمیه حرانی) جناب وهابی، رهبر فکری تو، ابن تیمیه در کتاب السیاسه الشرعیه خودش می نویسد: واجب است که مردم بشاسند امر امامت را که از بزرگترین واجبات دینی است؛ ابن حزم اندلسی از قول نبی اسلام نقل می کند که فرمود: امامت واجب است و جایز نیست که یک شب انسان، بدون امام بماند و حتماً امام باید

ص:۴۳۹

۱- ۱. تلخیص المحصل ص ۴۰۷

۲- ۲. شرح مقاصد ج۵ ص ۲۳۴،

۳- ۳. شرح فقه الاکبر ص ۱۷۹، شرح مقاصد ج۵ ص ۲۳۹، تلخیص المحصل ص۴۰۷، رساله المسائل الخمسون فخررازی ص ۳۸۴، یواقت الجواهر ج ۲ ص ۲۳۴ مرقاه المفاتیح ملا علی قاری _ ج۴ ص ۱۲۳ و ج ۲ ص ۵۰۹

۴- ۴. الاحکام السلطانیه و الولایات الدینیه ج۱ ص ۵ ماوردی، الملل و النحل شهرستانی ج ۱ ص ۲۲۸ _ برقیه محمودیه ص ۲۷۶ ابن سعید خادمی حنفی، المسائل الخمسون فی اصول الدین مسئله ۴۷ فی نصب الامام _ الملل و النحل شهرستانی ج ۱ ص ۲۲۸ _ برقیه محمودیه ص ۲۷۶ ابن سعید خادمی حنفی _ مرقاه المفاتیح ملا علی قاری ج۶ ص ۲۳۹۸ ح ۳۶۷۴ کتاب الاماره شرح عقائد النسفیه ص ۳۲۸، شرح المقاصد فی علم الکلام ص ۲۳۹ فصل۴؛ النجاه فی القیامه فی تحقیق امرالامامه ص ۴۱ ابن میثم؛ المسلک فی اصول الدین، محقق حلی ص ۳۰۶؛ النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر ص ۹۳ علامه حلی؛ الهدایه فی الاصول و الفروع ص ۲۷صدوق

۵- ۵. الفصل فی الملل ابن حزم ص ۷۲ الکلام فی الامامه؛ الغدیر، علامه امینی ج۱۰ ص ۵۱۲ و ص۵۱۳، ازاله الخلفاء شاه ولی الله دهلوی ج۱ ص ۳

۶- ۶. الفرق بین الفرق؛ عبدالقاهر بن طاهر بن محمد البغدادی ص ۳۰۰؛ مقالات الاسلامیین ص ۱۴۹ش ۱۷۹ _ لابد من امام (شیخ اهل السنه و الجماعه امام ابی الحسن علی بن اسماعیل الاشعری) ادب الدنیا والدین ج۱ ص ۱۶۴ _ وجب اقامه امام،

(ماوردی) ـ السیاسه الشرعیه ج۱ ص ۱۳۶

قریشی باشد و یک نفر هم باشد

ان رسول الله نص علی وجوب الامامه و انه لایحل بقاء لیله دون بیعه و افترض علینا بنص قوله الطاعه للقرشی اماما واحد (۱)

نصب الامام عندنا واجب علینا (۲)

قرار دادن امام معصوم از طرف خدا، لطف و عنایت است و این لطف بر خدای لطیف و رحیم واجب است؛ (۳)

قال الرضا علیه السلام : ان الامامه زمام الدین و نظام المسلمین و صلاح الدنیا و عزالمومنین (۴)

پس ثابت شد تمام علمای اسلام از شیعه و سنی و حتی وهابیت قائل به وجوب امامت هستند، وقتی امت اسلام و مسلمین ضروری بودن امامت را درک می کنند آیا خدای حکیم و لطیف و نبی رحمت؛ نباید بعد از وفات رسول اسلام، امام عادل مطلق و معصوم و مبراء از تمام نواقص به امت اسلام معرفی می کردند که امت دچار گمراهی و هلاکت نشوند؟!

که طبق اعتقاد شیعه اثنی عشری، خداوند در قرآن و نبی اکرم در قالب تفاسیر آیات و روایات، وجوب امامت ائمه ۱۲ گانه شیعه را، برای امت اسلام، روشن کرده اند ولی ظلمت تعصب بی جا و شیطانی نمی گذارد این حقائق از روز با روشن تر، در بحث امامت ائمه طاهرین؛ اکثریت امت بغیر از شیعه امامیه، ملاحظه کنند؛ روایات از شیعه و سنی، رسیده که امامت الهی، مولا علی از واجبات مهم دینی و اسلامی است و بدون آن هیچ عملی مقبول نیست؛ مولا علی می فرماید: همانا ولایت و امامت من بر آسمانیان واجب است چنانچه بر زمینیان لازم می باشد

و ان ولایتی لتلزم اهل السماء کماتلزم اهل الارض(۵)

امام صادق علیه السلام فرمود: اینکه دارای ولایت امیر مومنانم نزد من، محبوبتر از آن است

۱- ۱. الفصل فی الملل ج۴ ص ۸۴

۲- ۲. المواقف ایجی ج ۳ ص ۵۷۴

۳- ۳. الغیبه طوسی ص ۴؛ قواعد المرام ص ۱۷۵؛ الذخیره ص ۴۰۹؛ حق الیقن مجلسی ص ۴۸ باب ۵

۴- ۴. امالی صدوق ص ۱۱۵۲ مجلس ۹۷

۵- ۵. مائه منقبه ابن شاذان قمی ح۳۲ ص ۷۰؛

که فرزند جسمانی (نسبی) او هستم، به جهت این که، ولایت و پیرویم از علی علیه السلام واجب است و مولود جسمانی بودنم از علی علیه السلام یک امتیاز و فضلی است ـ (۱)، ـ ولایتی لعلی بن ابی طالب احب الی من ولادتی منه؛ لان ولایتی لعلی بن ابی طالب فرض و ولادتی منه فضل (۲)

انی قد افترضت حب علی ابن ابی طالب و مودته علی اهل السماوات و اهل الارض، (۳)ـ و قد فرض الله عزوجل ولایتنافی کتاب (۴)

ا مام رضا علیه السلام فرمود: خداوند بر بندگان ۵ واجب را فرض کرده و قرار داده است، نماز، روزه، حج، زکات و ولایت

فان الله فرض علی العباد خمس فرائض، الصلاه، و الزکاه و الصیام و الحج و الولایه (۵) نبی اکرم فرمود: ای مردم بدانید ولایت و امامت علی ابن ابی طالب بر شما واجب و فرض است (۶)

معاشر الناس اعلمواان ولایه امیرالمومنین فرض علیکم

مولا علی فرمود: شیعیان من کسانی هستند که می شناسند فضل مرا و واجب بودن امامت من در کتاب خدا و سنت پیامبر

او قلیل من شیعتی الذین عرفوا فضلی و فرض امامتی من کتاب الله و سنه رسول الله (۷)

امام باقر علیه السلام فرمود: آخرین فریضه و واجب الهی که بر پیامبر اسلام؛ نازل شد، ولایت و امامت مولاعلی بود، در غدیر خم وکانت الولایه آخر الفرائض (۸)

در منابع برادران عزیز اهل سنت و جماعت هم آمده که ولایت و امامت علی علیه السلام از فرائض مهم و واجب دین اسلام هست؛ ابوسعید خدری می گوید: مردم به ۵ چیز

۱- ۱. بحارالانوارج۳۹ ص ۲۹۹

۲- ۲. بحار الانوار ج ۴۰ ص ۵۴

۳- ۳. بحار الانوار ج۸۳ ص ۱۰، بحار ج۵۷ ص ۳۴۱

۴- ۴. بحار ج۳۶ ص ۱۳۹، بحار ج ۳۰ ص ۱۶۲؛

۵- ۵. بحار ج ۸۱ ص ۳۴۴؛ عیون الاخبار الرضا ج۲ ح ۲۰ باب ۳۲

۶- ۶. بحار الانوار ج۳۹ ص ۲۳۲

۷- ۷. اصول کافی ج۸ ص ۵۹ ح ۲۱؛ بحارالانوار ج۳۴ ص ۱۷۳

۸- ۸. اصول کافی ج ۱ ص ۲۸۹

مامور شده اند که چهار تا را عمل کرده و یکی را رها کردند، مردی گفت: ای ابوسعید آن چهار امر چه چیزی است؟ گفت: نماز، زکات، حج و روزه، باز سوال کننده پرسید و آن یکی که مردم رهایش کردند چه بود؟ گفت: ولایت علی ابن ابی طالب؛ آن مرد با تعجب پرسید: یعنی ولایت و امامت علی نیز در کنار، حج و روزه و نماز و زکات واجب است؟ گفت: آری؛ آن سوال کننده گفت: پس اینگونه که مردم کافر شده اند. ابوسعید گفت: گناه من چیست

امر الناس بخمس فعملوا با ربع و ترکوا واحده؛ قال له رجل یا اباسعید ماهذه الاربع التی عملوا بها؛ قال: الصلاهو الزکاه والحج و الصوم قال: فما الواحده التی ترکوها؟ قال ولایه علی ابن ابی طالب قال: و انها مفترضه معهن؟ قال: نعم قال: فقد کفر الناس قال: فما ذنبی (۱)

جناب اموی وهابی؛ جواب شبهه شما، درباره آیه ۷۴ سوره فرقان

واجعلنا للمتقین اماماً؛ در سوره مبارکه فتح آیه ۲۶ آمده است و الزمهم کلمه التقوی و کانوا احق بها و اهلها

و خداوند مومنان را به حقیقت تقوا ملزم ساخت و آنان از هر کس شایسته تر و اهل آن بودند؛ در تفاسیر شیعه و سنی آمده که مولا علی کلمه و حقیقت تقوا است که متقین ملزم شده اند و بر آنان واجب شده که از او(علی) تبعیت کنند؛ یعنی این آیه واجب بودن امامت مولا علی و معنای امام المتقین در سوره فرقان آیه ۷۴ را، روشن می کند.

مولاـعلی علیه السلام خطاب به گروه مهاجر و انصار فرمود: آیا در میان شما کسی هست که پیامبر اکرم درباره او فرموده باشد: ای علی تو امام کسی هستی که مرا فرمان برد و روشنی دوستان منی و همان کلمه ای هستی که متقیان به آن پیوسته همراه اند نشدتکم بالله هل فیکم احد قال له رسول الله: انت امام من اطاعنی و نور اولیائی و الکلمه التی الزمتها المتقین غیری؟ (۲)

---

۱ – ۱. مناقب علی ابن ابی طالب، اثر، ابوبکر احمد بن موسی (ابن مردویه) ص ۷۲ و ص ۷۳ ج ۱، خطط الشام ج۶ ص ۲۴۵ باب الشیعه، محمد بن عبدالرزاق بن محمد کردعلی ـ (سایت مکتبه شامله) ذهبی از ابن مردویه در تذکره الحفاظ ج۳ ص ۱۶۹ ش ۹۶۵؛ بعنوان حافظ، علامه، صاحب تفسیر و تاریخ یاد کرده است. ابن مردویه الحافظ الثبت العلامه

۲ – ۲. (العلل متناهیه ج۱ ص ۲۳۹ ـ اللالی المصنوعه ج۱ ص ۳۳۲) خصال صدوق ص ۸۳۰ ال ص ۸۴۶ ج۲؛ المناقب خوارزمی حنفی ح ۲۹۹؛ مناقب ابن مغازلی شافعی ح۶۹ ص ۹۳ و ص ۹۴؛ مناقب ابن مردویه ج۱ ص ۱۸۵؛ تاریخ مدینه دمشق ابن عساکر ج ۴۲ ص ۲۹۱ و ص۲۷۰؛ ینابیع الموده قندوزی حنفی ج۱ ص ۲۳۴ و ص ۴۰۱ و ص ۲۳۸ و ج۲ ص ۴۸۵؛ حلیه الاولیاء ابونعیم ج۱ ص ۶۷؛ فرائد السمطین حموئی شافعی ج۱ ص ۲۴۴

جناب وهابی، اتفاقاً آیه ۸۴ الی ۸۶ سوره مبارکه انعام در مدح و دلیل برتری ائمه هدی شیعه بر تمام، پیامبران غیر از رسول اسلام است؛ در مناظره ای که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام با هارون الرشید ملعون داشت امام هفتم علیه السلام فرمود: ای هارون، پدر حضرت عیسی کیست؟ گفت: عیسی پدر ندارد؛ گفتم: پس ما او را از طریق مریم علیه السلام به سایر فرزندان پیامبران ملحق کردیم و به همین ترتیب ما نیز از طریق مادرمان فاطمه ÷به نسل رسول خدا، ملحق می شویم، بعد امام هفتم، آیه مباهله را برای او دلیل آوردند، که امام حسن و امام حسین، فرزندان و پسران رسول خدا هستند و علی ابن ابی طالب نفس پیامبر است

لیس لعیسی اب فقلت انما الحقناه بذراری الانبیاء من طریق مریم و کذلک الحقناه بذراری النبی من قبل اُمنا فاطمه علیها السلام ... ولم یدع احد انه ادخله النبی تحت الکساء عند المباهله للنصاری الا علی ابن ابی طالب و فاطمه و الحسن و الحسین فکان تاویل قوله تعالی ابناء نا الحسن و الحسین و نساء نا فاطمه و انفسنا علی ابن ابی طالب (۱)

چون ائمه طاهرین غیر از مولاـ علی که نفس پیامبر و داماد اوست بقیه ائمه ذریه طاهر و خاص پیامبر اسلام هستند، بر تمام خلائق و انبیاء غیر از رسول اسلام افضل و برتر می باشند _ امام باقر فرمود: ما بر مردم برتری داریم چون ما ذریه پیامبر اسلام هستیم و اهل بیت آن حضرتیم و در این مسئله هیچ کس با ما شریک نمی باشد

فلنا فضل علی الناس لا ناذریه محمد و اهل بیته خاصه و عترته لایشرکنا فی ذلک غیرنا _ (۲)؛ قال الصادق: فنحن ذریه رسول الله _ بشاره المصطفی؟ (۳)

چون ائمه هدی غیر از مولا علی که داماد پیامبر اسلام است جدشان چون نبی اکرم بوده و خلیفه و جانشین او بودند و آنان هم جزء آیه تطهیر هستند و از گوشت و خون پیامبر اسلام از جهت معنوی هستند، بر تمام پیامبران غیر از رسول خدا، افضل

۱- ۱. عیون الاخبار الرضا ج۱ ص ۷۰ و ص ۷۱

۲- ۲. بشاره المصطفی ص ۲۴۹

۳- ۳. الدین طبری ص ۳۵۹.

هستند، روزی رسول خدا، امام حسن را بر دوش راست خود و امام حسین را بر دوش چپ خود نهاد و سپس فرمود: ای مردم آیا شما را از کسی که بهترین جَد و جَده، را دارد آگاه نسازم؟ آیا شما را از کسی که بهترین عمو و عمّه را دارد آگاه نسازم؟ آیا شمارا از کسی که بهترین دایی و خاله را دارد آگاه نسازم؟ آیا شما را از کسی که بهترین پدر و مادر را دارد آگاه نسازم؟ آن دو، حسن و حسین هستند، جدشان پیامبر خدا، جده شان، خدیجه کبری، مادرشان فاطمه دختر پیامبر خدا، پدرشان علی ابن ابی طالب، عمویشان، جعفرطیار، عمه شان ام هانی، دایی شان قاسم پسر پیامبر و خاله هایشان زینب و رقیه و ام کلثوم، دختران پیامبر خدا هستند که همگی در بهشت می باشند (۱)

ایها الناس الاخبرکم بخیر الناس جداً و جده؟ ... هما الحسن و الحسین جدهما رسول الله ... فلیتول علی ابن ابی طالب... ولیسلم للاوصیاء من بعده فانهم عترتی من لحمی و دمی اعطاهم الله فهمی و علمی ـ (۲)ـ اللهم هولاء اهل بیتی و لحمی ... انما انزلت فی وفی اخی و فی ابنتی فاطمه و فی ابنی و فی تسعه من ولدالحسین خاصه...(۳)

جناب وهابی؛ آیا پیامبران الهی، غیر از رسول اسلام، جدی همانند نبی اسلام داشتند؟

ولی اهل بیت مطهر پیامبر، جدی همانند رسول اسلام داشتند که از گوشت و خون او هستند و وارث و خلیفه او می باشند؛ پس پیامبران مکرم الهی غیر از رسول اسلام؛ نمی توانند از ائمه طاهرین؛ افضل باشند در مناظره ای که سیعدبن جبیر با حجاج بن یوسف ثقفی ملعون در این باره داشت به او گفت: در صورتی که حضرت عیسی علیه السلام با اینکه پدر، ندارد بلکه پسر دختر ابراهیم است با فاصله دوری که از حضرت ابراهیم دارد؛ ذریه او محسوب می شود؛ پس امام حسن و امام حسین با فاصله نزدیکی که با رسول خدا، دارند سزاوارترند به رسول خدا، منسوب گردند (۴)ـ ان کان عیسی من

۱- ۱. المعجم الکبیر طبرانی ج۳ ص ۶۶ ح ۲۶۸۲

۲- ۲. بحار الانوار ج۴۴ ص ۲۵۹ ح ۱۰

۳- ۳. احتجاج طبرسی ج۱ ص ۳۰۹

۴- ۴. مقتل الحسین خوارزمی حنفی ج۱ ص ۸۹

ذریه ابراهیم ولم یکن له اب بل کان ابن بنت فنسب الیه علی بعده فالحسن و الحسین اولی ان ینسبا الی رسول الله لقربهما منه

امام فخر رازی صاحب تفسیر الکبیر می نویسد: آیه ۸۴ سوره انعام دلالت دارد بر اینکه حسن و حسین از ذریه پیامبر می باشند زیرا، خداونـد عیسـی را از ذریه ابراهیم شـمرده است؛ بـا اینکه حضـرت عیسـی تنها از طرف مادر به او ملحق می شود _ (۱)_ المساله الخامسه: الایه تدل علی ان الحسن و الحسـین من ذریه رسول الله (سایت اسـلام ویب وهابی ها) روایات زیادی در منابع روائی اهـل سـنت آمـده که رسول خـدا، امام حسن و امام حسـین؛ را، سـید؛ سـرور، گل خوش بوی خودش در دنیا و آخرت، فرزند و پسـر خودش سرور جوانان اهل بهشت نامیده است و به شدت به آنان علاقه داشته و حتی نماز واجب جماعت خودش را برای اینکه آنان در سن طفولیت از دوش او بالا می رفتند طولانی می کرده است.

جناب وهابی اموی، آیا پیامبران الهی غیر از رسول اسلام، جدی همانند پیامبر اسلام داشتند؟ آیا علاقه و محبت رسول اسلام به امام حسن و امام حسـین بیشتر بوده یا به تمام پیامبران؟! رسول خدا فرمود: پسرم حسن و سید و سالار و سرور است ان ابنی هذا سید (۲)

رسول اکرم فرمود: فرزندان حضرت فاطمه، فرزندان من هستند و من پدر و عصبه آنان هستم

۱- ۱. تفسیر الکبیر رازی ج۱۳ ص ۶۶

۲- ۲. صحیح بخاری ج۲ ح۲۵۵۷ _ ان ابنی هذا سید یعنی: الحسن بن علی _ سـنن الکبری بیهقی ج۷ مساله ۱۳۰۲۰ص ۶۳و ج۶ ح ۱۱۵۹۳ ص ۱۶۶ و مساله ۱۶۱۹۹؛ المستدرک حاکم نیشابوری ج۴ ص ۱۶۹ ش ۴۸۶۲و ۴۸۶۳ معجم الاوسط طبرانی ج۲ ص ۳۲۰ ح ۱۵۵۴ و ج۲ ص ۴۸۲ ح ۱۸۳۱ و مساله ۳۰۷۴؛ معجم الصغیر طبرانی ج۱ ص ۲۷۱ ح ۷۳۴؛ المعجم الکبیر طبرانی مساله ۲۵۸۸ و مسـاله ۲۵۹۰ _ انه ریحانتی من الـدنیا، ان ابنی هـذا سـید، المعجم الکبیر ص ۳۴ ج۳ ش۲۵۹۱ و مساله ۲۵۹۲ و ۲۵۹۳؛ التلخیص الحبیر ج۳ ح۱۵۷۴ ص ۲۹۸ الکنانی؛ سنن ابی داود ح۴۶۶۲ سنن نسائی مساله ۱۴۱۰؛ فتح الباری ابن حجر ح ۲۵۵۷؛ مجمع الزوائـد هیثمی مسـاله ۱۵۰۳۱، مسـند احمـد حنبل ج۵ ح ۱۹۸۷۹؛ البحر الزاخر (مسـند البزار) ج ۹ ح ۳۶۵۶غ المصنف ابن ابی شیبه ج۷ مساله ۴۷۲۹ ص ۵۱۲؛ مصنف عبدالرزاق صنعانی مساله ۲۰۹۸۱؛ الحسن و الحسین سیدا شباب اهل الجنه و ابوهمـا خیر منهمـا _ مجمع الزوائـد ح ۱۵۰۸۸ _ سـنن ترمـذی ص ۹۸۹ ح ۳۷۷۹؛ اسدالغابه ج۲ ص ۱۹؛ اصابه ج۲ ص۶۸؛ کنزالعمال ج۱۲ ص ۱۱۳ ح ۳۴۲۵۲؛ تاریخ دمشق ج۱۳ص ۲۰۲

ما خلاء بنی فاطمه فانی انا ابوهم و انا عصبتهم (۱)

لکل بنی انثی عصبه ینتمون الیه الاولد فاطمه؛ فانا ولیهم و انا عصبتهم ابن کثیر در تفسیر القرآن ج ۳ ص ۲۹۸ ذیل آیه سوره انعام می نویسد: امام حسن و امام حسین داخل در فرزندان و پسران رسول خدا هستند؛ (۲)

فسماه ابنا فدل علی دخوله فی الابناء؛ (۳)

هنگامی که مولا علی در یکی از روزهای جنگ صفین مشاهده کرد که فرزندش امام حسن، شتابان بسوی جنگ در حرکت است خطاب به اصحاب و یاران خود فرمود: این جوان را به شدت بگیرید و نگاهش دارید تا مرگ او، مرا درهم نکوبد، براستی که من نسبت به این دو، یعنی امام حسن و حسین در مورد مرگ بخل ورزم تا نسل رسول خدا، منقطع و بریده نشود(۴)

فاننی انفس بهذین یعنی الحسن و الحسین علی الموت؛ لئلا ینقطع بهما نسل رسول الله،

امام رضا علیه السلام به مامون لعین فرمود: ما بر همه پیغمبران و اهل زمانه خود برتری یافتیم هر پیغمبری در روزگار خود بهتر از امت خود می باشد؛ زیرا که حکیم تقدیم مفضول نکند بر فاضل چونکه این در حکمت زشت می باشد و اگر در یک روزگار، دو پیغمبر باشند ایشان هم بر یکدیگر برتر می باشند؛ چنانچه ابراهیم و لوط در یک روزگار بودند و ابراهیم فاضلتر بود از لوط، پس مراد آن است که ما هر یکی از ایشان تفضیل نهادیم بر امت ایشان (۵)

جناب وهابی، آیه ۸۶ سوره انعام می فرماید: ما این پیامبران را بر عالمیان و

۱- ۱. صواعق المحرقه ابن حجر ص ۱۵۶ باب ۱۱ فصل اول آیه ۹ الاتحاف بحب الاشراف ص ۱۹ احیاء المیت سیوطی ص ۳۰، مستدرک حاکم ج۳ ص ۱۷۹، معجم الکبیر ج۳ ص ۴۴، کنزالعمال ج۱۲ ص ۱۱۴ فیض القدیر ج۵ ص ۲۲؛ تفسیر کبیر ج۱۳ ص ۶۶؛ تاریخ دمشق ج۳۶ ص ۳۱۳، رشفه الصادی ص ۷۷ _ مجمع الزوائد مساله ۷۱۴۱

۲- ۲. تفسیر ابن کثیر ج۲ ص ۱۳۵

۳- ۳. تفسیر روح البیان بروسوی (اسماعیل حقی) ج۳ ص ۶۱ و ج۵ ص ۱۸۷؛

۴- ۴. نهج البلاغه کلام ۱۹۸ ص ۶۶۰ و صبحی صالحی کلام ۲۹۷ ص ۳۲۳

۵- ۵. بحارالانوار ج۲۵ ص ۲۳۲ با اندک اختلاف، اثبات ولایت امیرالمومنین از قرآن و سنت (نوشته عبدالصمد ساکی چاپ طوبای محبت قم) ص ۴۹۷،

جهانیـان برتری دادیم نگفته که مـا این پیـامبران را بر آل محمـد و اهـل بیت مطهر پیـامبر برتری دادیم؟!! قرآن کریم در سوره تحریم آیه ۱۱ دربـاره همسـر فرعون؛ آسـیه که به حضـرت موسـی ایمان آورد؛ مثال زده برای اهل ایمان سوال؟ جناب وهابی چون خداونـد برای کل اهل ایمان، ایمان حضـرت آسیه همسـر فرعون را مثال زده، دلیل می شود که آسـیه بر تمام اهل ایمان برتری دارد؟! چون خداوند از باب ایمان او به موسی و استقامت او در راه خدا برای کل اهل ایمان مثال زده و از کل مومنین و مومنـات برای نمونه و الگو برداری نـام او را ذکر کرده؟! چون پیـامبران نمونه بـارز اهـل ایمـان هسـتند، پس این آیه ۱۱ سوره تحریم دلیـل نمی شـود که آسـیه که پیـامبر نیست بر پیـامبران فاضـل و برتر باشـد {ضـرب الله مثلاًـ للـذین امنـوا امرات فرعـون } پیـامبران الهی بطور کل بر مردم عادی زمان خود و زمان ما و کل اعصار و قرون برتر هسـتند یعنی انبیاء بر مردم عادی و اجنه و فرشـتگان و آن پیامبرانی که بر آنان برتر نیسـتند برتری دارند چون همه پیامبران دارای یک رتبه و درجه و مقام نیستند، ولی پیامبران غیر از رسول اسـلام در هیچ زمانی بر ائمه ۱۲ گانه شـیعه و حضرت فاطمه زهراء، برتر نمی باشند، چون حضرت فاطمه زهرا÷، جزء آیه تطهیر می باشـد و انبیـاء چون حضـرت آدم به او متوسل شـده و ایشان مادر ۱۱ امام معصوم می باشـد و از نور مقدس الهی آفریده شده قبل از خلقت مخلوقات همراه با نبی اکرم و ائمه هدی که روایاتش در صـفحات قبل از دیدگان شـما گـذشت؛ امام بـاقر علیه السـلام فرمود: اطـاعت و پیروی از حضـرت زهرا بر همه مخلوقـات از جن هـا و انسـان هـا، پرنـدگان، حیوانات، انبیاء و فرشتگان واجب است

ولقد کانت طاعتها مفروضه علی جمیع من خلق الله من الجن و الانس و الطیر و البهائم و الانبیاء و الملائکه (۱)

از جمله دلائل افضلیت حضرت فاطمه زهرا بر پیامبران بغیر از بر رسول اسلام این است که اگر خداوند مولا علی را خلق نمی کرد، هم کفو از تمام خلائق برای ازدواج با او پیدا نمی شد یعنی ایشان هم شان مولا علی هست فقط در امر امامت

۱- ۱. دلائل الامامه ص ۱۰۶

الهی از ایشان برتر نمی باشد

لولا ان خلق الله امیرالمومنین لفاطمه لم یکن لها کفو من آدم فمن دونه _ (۱)؛ ولولا علی ما کان لفاطمه کفوا بداً (۲)، یا احمد لولاک لما خلقت الافلاک ولولا علی لما خلقتک ولولا فاطمه لما خلقتکما (۳)

ممکن است برای خواننده این سوال مطرح شود آیا ائمه ۱۲ گانه شیعه همه دارای یک مرتبه و مقام و درجه هستند یا نه؟! همین سوال از امام صادق علیه السلام شده ایشان فرمود: فضیلت اولین ما، امامان به فضیلت آخرین ما، پیونده خورده و فضیلت آخرین ما، بافضیلت اولین ما، پیوستگی دارد هر یک از ما، دارای فضلی است، امام صادق فرمود: ما از شجره ای هستیم که خدا ما را از یک طینت آفریده، فضیلت و برتری ما از جانب خداست؛ علم و دانش ما، نیز از نزد اوست؛ ما امنای خداوند بر خلقش هستیم و دعوت کنندگان به دین او و حاجب و واسطه میان او و خلق اوئیم. خلقت ما یکسان، دانش ما یکسان و فضیلت ما نیز یکسان است و همگی نزد خدای عزوجل یکی هستیم

ان فضل اولنا یلحق فضل آخرنا و فضل آخرنا یلحق فضل اوّلنا فکل له فضل... خلقنا واحد و علمنا واحد و فضلنا واحد وکلنا واحد عندالله الغیبه، (۴)

مولا علی فرمود: ما افضل و برتر از تمام مخلوقین و آفریده های خداوند هستیم، انبیاء هم جزء مخلوقین هستند، ۱۴ معصوم از تمام انان برتر و افضل هستند(۵)...فنحن افضل المخلوقین

مرحوم علامه طباطبائی در تفسیر المیزان ج۷ ص ۳۳۹ ذیل آیه ۸۶ سوره انعام،

---

۱ – ۱. مناقب ابن شهر آشوب ج۲ ص ۲۹، بحارالانوار ج۴۳ ص ۹۲ ح ۳ و ص۱۰۷ ح ۲۲ جنه العاصمه آیت الله میرجهانی اصفهانی ص ۳۶۳

۲ – ۲. بشاره المصطفی ص ۲۲۰بحار ج۴۳ ص ۵۷

۳ – ۳. به نقل از کتاب کشف اللالی، جنه العاصمه میرجهانی ص۳۶۴؛

۴ – ۴. کاتب نعمانی باب ۴ ص ۱۱۶ الی ص ۱۱۸ ح ۳۷ ش ۱۶

۵ – ۵. بحار الانوار ج۵۷ ص ۲۱۴؛ اثبات الوصیه مسعودی شافعی ص ۱۰ تاج الدین سبکی، نام مسعودی را درزمره علمای شافعی آورده و او را مورخ و صاحب فتوا و علامه می داند _ طبقات الشافعیه الکبری ج۳ ص۴۵۶، شذرات الذهب ج۲ ص ۳۷۱؛ الانس الجلیل بتاریخ القدس و الخلیل ج ۱ ص ۱۱_ علی بن الحسین بن علی المسعودی صاحب التواریخ کتاب مروج الذهب

مطالب جالبی دارد می نویسد: و اما اینکه فرمود: {وکلا فضلنا علی العالمین}معنای عالم، جماعتی از مردم است، مثلاً گفته می شود عالم عرب و عالم عجم و عالم روم و معنای برتری دادن و بر عالمین، مقدم داشتن به حسب مقام و منزلت است، ... ممکن هم هست برتری دادن آنان از این باب بوده که این طائفه انبیاء در میان سلسله بنی نوع بشر چه گذشتگان و چه آیندگان این امتیاز را داشته اند که هدایتشان برخلاف سایر افراد بشر، فطری بوده و به راهنمایی کسی هدایت نشده اند...

پس نامبردگان در آیه و همچنین انبیای گذشته و آینده بعد از ایشان روی هم مجتمعی هستند که بر سایر مجتمعات بشری فضیلت خدایی دارند... اگر غیر از سلسله انبیاء کسان دیگری هم از قبیل ملائکه و یا ائمه معصومین یافت شوند که هدایتشان فطری و غیراکتسابی باشد قهراً آن افراد نیز بر سایر افراد بشر همان فضیلت را خواهند داشت؛ در اینجا باید دانست که در ذکر اسمای هفده نفر از انبیاء در این سه آیه رعایت ترتیب نشده نه از جهت زمان و نه از جهت مقام و منزلت، برای اینکه می بینیم انبیای بعد از اسماعیل را قبل از وی ذکر نموده و همچنین عده ای از انبیاء را بر نوح موسی و عیسی که به نص؟ قرآن افضل از آنهایند مقدم داشته است؛ جناب وهابی بخاطر اینکه خود را از بن بست بی جوابی نجات دهد می گوید: خداوند رب العالمین است آیا آیه الحمدلله رب العالمین مخصوص همان عالمیان زمان نزول آیه بوده یا بطور مطلق و ابدی است؟!!

جناب وهابی این آیه چه ربطی به آیه ۸۶ سوره انعام دارد؟ حمد و ستایش مخصوص ذات اقدس خداوند عالمیان است؛ خداوند رب و پرورش دهنده کل موجودات و کل عالم هستی است، ثانیاً چرا ذات اقدس بی مانند وبی مثال احدیت را با مخلوقاتش مقایسه می کنی؟! انبیاء اگر فضلی داشته و دارند از فضل و کرم الهی بوده،

ثالثاً نام هفده پیامبر الهی در آیه ۸۴ الی ۸۶ سوره انعام ذکر شده آیا فقط و فقط این ۱۷ پیامبر عظیم الشان بر کل خلائق و انبیاء دیگر، افضل هستند و بقیه هیچ فضل و کراماتی ندارند؟! رابعاً: پس شما جناب وهابی، با این دو آیه (۸۴ و ۸۶ سوره

انعام) برتری خاتم الانبیاء و رحمت للعالمین حضرت محمد صلی الله علیه و آله را، برای همیشه نفی می کنی و زیر سوال می بری چون ابداً در این دو آیه ذکری از حضرت رسول اسلام نشده؟! جناب وهابی، کجای آیه ۸۶ سوره انعام آمده که علی الطلاق (بطور مطلق و ابدی) جماعت پیامبران بر تمام خلائق خصوصاً بر آل محمد افضل هستند؟! اگر باز بر حرف پوچ خودت لجاجت بورزی من باز از تو سوال می کنم پس بُت پرستان و گوساله پرستان قوم بنی اسرائیل که در سوره اعراف ایه ۱۴۰ می فرماید آنان را بر عالمیان برتری دادیم بطور مطلق بقول تفسیر به رای خودت برای همیشه از تمام جهانیان افضل هستند و با این حساب نعوذ بالله با پیامبران هم درجه می باشند

قال اغیر الله ابغیکم الهاً و هو فضلکم علی العالمین

با این تفسیر جاهلانه جناب وهابی امت اسلام و امت پیامبر اسلام و رسول اسلام، برای همیشه از قوم یهود و بنی اسرائیل تنزل پیدا می کنند، پس همه باید برویم گوساله پرست بشویم، چون آیه ۱۴۰ سوره اعراف می گوید: ما این گوساله پرستان را بر عالمیان برتری دادیم، این مطلب را هم تذکر دهم، همانطور که رسول اسلام فقط در مقام نبوت خاتم الانبیایی از مولا علی بالاتر می باشد و در سایر فضائل طبق آیه مباهله با هم یکسان می باشند مولا ـ علی در میان ۱۲ امام معصوم در مقام امیرالمومنینی از ۱۱ امام معصوم دیگر افضل می باشد، امام باقر علیه السلام فرمود: علی علیه السلام اولین امام از ما خاندان عصمت می باشد و افضل و برتر از ماست بعد از نبی اکرم

و علی اولنا و افضلنا و خیرنا بعد النبی _ الحسن و الحسین خیر اهل الارض بعدی و بعد ابیهما (۱)

رسول خدا فرمود: پس از من و علی، دو فرزندم حسن و حسین بهترین افراد اهل زمین هستند؛ الحسن الحسین سیداشباب اهل الجنه و ابوهما خیرمنهما(۲)

ابن عمر از رسول خدا رویات می کند که فرمود: حسن و حسین سرور جوانان اهل بهشت هستند و پدر آنان علی از آنان بهتر است؛ (۳)

۱- ۱. بحار الانوار ج۳۹ ص ۹۱ بحار ج۳۵ ص ۴۳۳، عیون الاخبار الرضاء ج۱ ص ۶۷ طبق سایت مکتبه فقاهت _ عیون الاخبار ج۲ ص ۴۶ باب ۳۱ ح ۲۵۲

۲- ۲. سنن ابن ماجه ج۱ ص ۴۴ ح ۱۱۸

۳- ۳. (طبق سایت مکتبه شامله) _ حکم آلبانی _ صحیح مستدرک حاکم ج۴ ح ۴۸۳۱ مساله ۱۸۸۲

فبشرنی ان الحسن و الحسین سیداشباب اهل الجنه و ابوهما افضل منهما (۱)

دشمنان اهل بیت در خلال این روایت صحیح و شریف تحریفاتی انجام داده اند نوشته اند حسن و حسین سرور جوانان اهل بهشت هستند مگر دو فرزند خاله، یحیی و عیسی الا ابنی الخاله یحیی و عیسی (۲)

این روایت دچار اشکال سندی می باشد؛ در سند این حدیث، اسباط بن نضر وجود دارد که مورد قدح و سرزنش بسیاری از رجالیین عامه است؛ ابوحاتم می گوید: از ابونعیم شنیدم که او را تضعیف می کرد، نسایی می گوید: او قوی نیست، ابن معین او را چیزی به حساب نیارده، ابن حجر اورا کثیر الخطاء معرفی کرده، احمد بن حنبل گفت: من از حدیث او درباره هیچ کس چیزی ننوشتم، ذهبی او را در جمله ضعفا آورده است، راوی دیگر این حدیث حکم بن عبدالرحمان وجود دارد که برخی از علمای رجال اهل سنت او را تضعیف کرده اند، ابن معین او را تضعیف کرده و ابن حجر او را بد حافظه معرفی نموده است. (۳)

حاکم نیشابوری در المستدرک ح ۴۸۳۲، این روایت را بدون تحریف و زیادی حدیث الا ابنی الخاله نقل کرده و آنرا صحیح دانسته، ثانیاً اگر حدیث تحریف شده امویان را بخواهیم بپذیریم که گفته اند حسن و حسین سید جوانان اهل بهشتند مگر بر دو نفر عیسی و یحیی، مقام نبی اکرم باز زیر سوال می رود چون تمام پیامبران و اولیاء و مومنان جوان وارد بهشت می شوند و اگر عیسی و یحیی سید جوانان اهل بهشت باشند؛ پیامبر زیر سوال می رود مقام و منزلتش چون ایشان هم جوان وارد بهشت می شوند و آنوقت نعوذ بالله عیسی و یحیی بر او سرور می شوند، حال ممکن است جناب وهابی بگوید، پس حسن و حسین با وجود پیامبر اسلام، سرور جوانان

۱- ۱. مجمع الزوائد ابوبکر هیثمی مساله ۱۵۰۸۷، کتاب المناقب باب فیما اشتراک فیه الحسن و الحسین رضی الله عنهما من الفضل و مساله ۱۵۰۸۸ و مساله ۱۵۰۸۹؛ المعجم الاوسط طبرانی ج۷ ح۶۵۳۶ ص ۲۷۷، معجم الکبیر طبرانی ج۳ ح ۲۶۷۵ص ۵۸ تاریخ بغداد ج۱ ص ۱۴۰

۲- ۲. المعجم الکبیر ج۳ ص ۳۵، مستدرک حاکم ج۴ ح ۴۸۳۱

۳- ۳. تهذیب التهذیب ج۱ ص ۲۱۲، تقریب التهذیب ص ۵۳؛ العلل و معرفه الرجال ص ۲۴۸، المغنی فی الضعفاء ج۱ ص ۶۶، دیوان الضعفاء و المتروکین ص ۱۶؛ الجرح و التعدیل ابن ابی حاتم ج۱ ص ۱۲۳، تهذیب التهذیب ج۲ ص ۴۳۱؛ تقریب التهذیب ج۱ ص ۱۹۱

اهل بهشتند؟! امام حسن و امام حسین بعد از نبی اکرم و مولا علی سرور جوانان اهل بهشت می باشند، چون در ادامه روایت آمده، پدر آنان علی ابن ابی طالب بهتر از آنان است و طبق آیه مباهله مقام علی و رسول خدا با هم برابر هست، نبی اکرم فرمود: من سرور و سید اولین و آخرین هستم و تو ای علی سید خلائق بعد از من هستی (نخستین ما چهارده معصوم از نظر مقام همانند آخرین ما و آخرین ما، همچون نخستین ماست

انا سید الاولین و الاخرین و انت یا علی سید الخلائق بعدی اولنا کاخرنا و آخرنا کاولنا(۱)

نبی اکرم فرمود: علی ابن ابی طالب، بالاترین و افضل ترین خلق خداست جزء بر من و حسن و حسین سرور جوانان اهل بهشت می باشند و پدرشان علی از آن دو بهتر است

ان علی ابن ابی طالب افضل خلق الله غیری ... (۲)

رسول خدا، نگاهی به مولا علی کرد و فرمود: علی بهترین اولین و آخرین از اهل آسمانها و اهل زمین است

نظر النبی الی علی ابن ابی طالب فقال: هذا خیر الاولین و خیر الاخرین من اهل السماوات و اهل الارضین (۳)

حضرت آدم به خداوند عرضه داشت آیا بهتر از من کسی را آفریدی؟ خداوند فرمود به ساق عرش نگاه کن وقتی نگاه کرد، نام ۵ تن آل عباء را مشاهده کرد آدم گفت: خدایا اینان از ذریه من هستند؟ خداوند فرمود از فرزندان تو هستند و از تو و از جمیع خلائق برترند و اگر آنها نبودند دنیا را نمی آفریدم ـ

من ذریتک و هم خیر منک من جمیع خلقی (۴)

قال رسول الله: فضلنی علی جمیع النبیین و المرسلین و الفضل بعدی لک یا علی و للائمه من بعدک ـ نبی اکرم فرمود: من از تمام پیامبران برترم و بعد از من،

۱- ۱. مائه منقبه ابن شاذان ح ۱

۲- ۲. مائه منقبه ح ۲

۳- ۳. مائه منقبه ح ۵۵

۴- ۴. بحارالانوار ج۱۶ ص ۱۶۲

برتری و افضلیت از تو و امامان از نسل تو (۱)زمانی که خداوند در شب معراج اسامی ائمه ۱۲ گانه را برای نبی اکرم معرفی نمود، فرمود: ای محمد، ایشان جانشینان تو و بهترین مخلوقات من بعد از تو هستند (۲)

و هم اوصیائک و خلفاوك و خیر خلقی بعدك (۳)

و لکن امرنی بالمباهله مع هولاء و هم افضل الخلق؛ وقتی حضرت آدم اشباح نورانی اهل بیت را دید، از خداوند سوال کرد، این اشباح چیست؟ خداوند فرمود: این اشباح بهترین خلق و آفریدگانم _ اشباح افضل خلائقی و بریاتی (۴)

و هولاء خیار خلقی و کرایم بریّتی(۵)

نبی اکرم فرمود: ای علی من و تو و امامان از فرزندان تو سادات و سروران در دنیا و پادشاه در آخرت هستیم

انا و انت و الائمه من ولدك سادات فی الدنیا و ملوك فی الاخره (۶)

نبی اکرم فرمود: علی ابن ابی طالب در میان مردم از پیامبران اولی تر و افضل تر می باشد _ و اولی الناس بالنبیین (۷)

نبی اکرم فرمود: حضرت آدم در روز قیامت به فرزندش شیث افتخار و مباهات می کند و من به علی ابن ابی طالب افتخار می کنم

یفتخر یوم القیامه آدم با بنه شیث و افتخر انا بعلی بن ابی طالب (۸)

اما پاسخ دهم به شبهات، اشکالات و مغلطه های جناب وهابی اموی مسلك درباره غدیر خم و آیاتی که در باب امامت مولا علی در غدیر خم نازل شده و دلیل برخلافت و امامت الهی او می باشد، اشکال اول جناب وهابی: بر اساس دلیل و منهج و

۱- ۱. علل الشرایع شیخ صدوق ج ۱ ص ۴۲ و ص ۴۳ باب ۷ ح اول
۲- ۲. علل الشرایع ج۱ ص ۴۶ ح۱
۳- ۳. ینابیع الموده قندوزی حنفی ج۳ ص ۳۷۷ و ج۲ ص ۲۶۶ _
۴- ۴. ینابیع الموده قندوزی حنفی ج۲ ص ۱۱۴
۵- ۵. ینابیع الموده ج۲ ص ۱۱۵،
۶- ۶. ینابیع الموده ج۲ ص ۲۶۸
۷- ۷. بحارالانوار ج۳۷ ص ۲۵۷
۸- ۸. بحار الانوار ج۳۹ص ۴۹

روش تفسیری خود شیعه ثابت کن که آیه ابلاغ (آیه ۶۷ سوره مائده و آیه اکمال، آیه ۳ سوره مائده) و بحث غدیر خم درباره امامت و خلافت الهی، علی ابن ابی طالب علیه السلام می باشد؟!!

اما جواب: تمامی علمای مکتب امامیه و شیعه بر این امر اتفاق قول و نظر دارند که آیه ۶۷ سوره مبارکه مائده درغدیر خم درباره امامت علی ابن ابی طالب نازل شده است، به برخی از روایات صحیح السند شیعه بطور مختصر اشاره می شود؛ امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند به پیامبر خود، دستور داد به ولایت و امامت علی ابن ابی طالب و آیه ۵۵ سوره مائده را به او نازل کرد و خداوند ولایت صاحبان امر، را واجب کرد و مردم ندانستن اولوالامر کیست و ولایت چیست؟ خداوند به حضرت محمد دستور داد برای آنها تفسیر کند ولایت را همانطور که نماز، روزه، زکاه و حج را تفسیر کرده بود، چون این فرمان از طرف خدا برایش آمده دلش طپیده و ترسید که مردم از دین برگردند و او را تکذیب کنند و دل تنگ شد و به خدا رجوع کرد، خدا به پیامبر اسلام وحی کرد، ای رسول من تبلیغ کن آنچه را به تو نازل شده از پروردگارت اگر نکنی تبلیغ رسالت او نکردی، خداوند تو را از مردم حفظ می کند و پیامبر خدا امر خدای تعالی را اعلام کرد و در روز غدیر خم، قیام کرد برای انجام ولایت علی (۱)

فاوحی الله عزوجل الیه: یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالته و الله یعصمک من الناس فصدع بامر الله تعالی ذکره فقام بولایه علی یوم غدیر (۲)

قول الله تعالی: یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک.... قال: هی الولایه (۳)

فنزلت یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک ... فاخذ رسول الله بید علی علیه السلام .... یا معشر المسلمین هذا ولیکم من بعدی فلیبلغ الشاهد منکم الغائب (۴)

نزل علیه جبرئیل فقال: یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک ... فنادی الناس فاجتمعوا ... ثم قال: یا ایها الناس من ولیکم و اولی بکم من انفسکم فقالوا الله و رسوله فقال من کنت مولاه فعلی مولاه

۱- ۱. اصول کافی، کلینی ج۱ ص ۲۸۹ ح ۴

۲- ۲. بصائر الدرجات ص ۵۱۶ و ص ۵۱۷

۳- ۳. اصول کافی ج۱ ص ۲۹۰ و ص ۲۹۱

۴- ۴. اصول کافی ج۱ ص ۲۹۳ الی ص ۲۹۶

امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا، زمانی که از حج الوداع بازگشت آیه ۶۷ سوره مائده بر او نازل شد، پس ندا داد، مردم جمع شوند و امر نمودند زیر درختان خار، را جاروب کردند و خارهای آن را بر گرفتند، سپس فرمود: ای مردم سرپرست شما و سزاوار تر از خود شما به شما کیست؟ گفتند: خدا و پیامبرش فرمود: هر که من سرپرست او و هستم پس علی مولا و سرپرست اوست، (۱)خداوند به نبی اکرم وحی نمود که من هیچ پیامبری مبعوث نکردم مگر اینکه برای او وزیر و جانشینی قرار دادم به راستی که تو فرستاده من هستی و علی وزیر توست. پیامبر خدا در شب معراج از آسمان به زمین فرود آمد اما دلش نمی خواست که مردم را آگاه سازد از آن جهت که ناخوش داشت او را متهم به دروغگویی کنند زیرا مردم تازه از دوران جاهلیت رها شده بودند تا اینکه ۶ سال گذشت پس خداوند آیه ۱۲ سوره هود را نازل کرد، پس شاید برخی از آنچه که بر تو وحی شده را ترک نمایی اما دلتنگ شده باشی تا اینکه آیه ۶۷ سوره مائده بر نبی اسلام نازل شد در این هنگام پیامبر خدا فرمود: این تهدید بعد از وعید است امر خدا را اجرا خواهم کرد؛ پس اگر مرا متهم نمودند و دروغگو خواندند برایم راحت تر است که خداوند مرا در دنیا و آخرت عقوبت کند، سپس پیامبر خدا به تک تک اصحابش دستور داد که بر امیری مومنان به علی سلام کنند سپس فرمود: ای بلال در میان مردم ندا داده که فردا هیچ کس باقی نماند جزء افراد ناتوان مگر آنکه به غدیر خم بیاید، (۲)، نبی اکرم فرمود: ای علی به راستی که خداوند آیه ۶۷ سوره مائده را بر من نازل کرد یعنی آنچه که در خصوص ولایت و امامت تو نازل شد و اگر آن امری که در خصوص ولایت تو بر من صورت گرفت را ابلاغ نکرده باشم، اعمالم بی اثر می گردد و هر کس خداوند را بدون ولایت تو، ملاقات کند به تحقیق که عملش بی اثر می گردد.(۳)

و لقد انزل الله عزو جل الی یا ایها الرسول بلغ ما نزل الیک من ربک یعنی فی ولایتک یا علی ... ولو لم ابلغ ما امرت به من ولایتک لحبط عملی و من لقی الله

۱- ۱. اصول کافی ج۲ باب الاشاره و النص علی امیرالمومنین حدیث سوم؛ امالی صدوق ص ۳۵۴ الی ص ۳۵۶ ح ۱۰، امالی صدوق ص ۴۹۴ و ص ۴۹۵ ح ۱۳

۲- ۲. امالی صدوق مجلس ۵۶ ح ۱۰ ص ۶۱۹

۳- ۳. امالی شیخ صدوق مجلس ۷۴ ح ۱۳ ص ۸۶۰

عزوجل بغیر ولایتک فقد حبط عمله...(۱)

و کـان رسول الله نازلاًـ بغـدیر فقال له یا محمـد قال الله: یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک ... و اخرج معه علیاً و قام قائماً و خطب خطبه بلیغه.... الا من کنت مولاه فهذا علی(۲)

و لقد انزل الله عزوجل الی: یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک: یعنی فی ولایتک یا علی(۳)

یـا ایهـا الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک.... نزلت فی علی علیه السـلام امر الله النبی ان یبلغ فیه فاخـذ النبی بیـد علی فقال: من کنت مولاه فعلی مولاه (۴)

فلما نزلت هذه الایه یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک... قال یوم غدیر خم من کنت مولاه فعلی مولاه،(۵)

یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک ... الایه فقام بذلک یوم غدیر خم، (۶)

فـاوحی الله الیه یـا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک ... فقام رسول الله بولایته یوم غـدیر خم ـ لما نزل جبرئیل علی رسول الله فی حجه الوداع باعلاـن امر علی ابن ابی طالب: یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک... مرحوم شـیخ مفیـد در ج۱ ص ۱۷۵ کتاب ارشاد می نویسد: سبب نزول آیه ۶۷ سوره مائده درباره نصب علی علیه السـلام برای خلافت بر امت اسـلامی بعد از نبی اکرم بوده و این آیه نص و دلیل قاطع بر امامت علی ابن ابی طالب است

و کان سـبب نزوله فی هـذا المکان نزول القرآن علیه بنصـبه امیر المومنین خلیفه فی الامه من بعـده ... یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیـک من ربـک یعنی فی اسـتخلاف علی ابن ابی طـالب و النص بالامامه علیه شـیخ طبرسـی در مجمع البیان ج۳ ص ۳۴۴ می نویسد: روایات زیادی از امام باقر و امام صادق رسیده که آیه تبلیغ راجع به استخلاف و امامت علی، نازل شده است، (۷)ـ امر رسول الله ان یبلغ ولایه

۱- ۱. جامع الاخبار للشعیری ص ۱۰ و ص ۱۱
۲- ۲. بشاره المصطفی طبری ج۲ ص ۱۲۹ ج۲ ص ۱۷۸ و ص۱۹۶
۳- ۳. بشاره المصطفی عماد الدین طبری ج۱ ص ۳۷۵؛
۴- ۴. بشاره المصطفی ج۲ ص ۱۹۶
۵- ۵. تفسیر عیاشی ج۱ ص ۳۲۸
۶- ۶. تفسیر عیاشی ج۱ ص ۳۳۱ و ص ۳۳۲
۷- ۷. لوامع صاحبقرانی ج۱ ص ۳۳ تفسیر اثناعشری ج۳ ص ۱۳۵، تفسیر الصافی ج۲ ص ۵۲، تفسیر جامع ج۲ ص ۲۳۷، تفسیر قمی ج۱ ص ۱۷۲تفسیر نورالثقلین ج۱ ص ۶۵۲، کشف الغمه فی معرفه الائـمه ج۱ ص ۲۳۸، نهـج الحق و کشف الصدق ص ۱۷۳، تفسیر فرات کوفی ج۱ ص ۱۲۹، تفسیر البرهان ج۲ ص ۳۳۴، اقبال الاعمال سید ابن طاوس ج۱ ص ۴۵۵

علی فانزل الله یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک ..(۱)

جناب وهابی بدان موضوع و حادثه جریان غدیر خم درباره امامت مولا علی در نزد علمای شیعه و سنی و حتی سلفی ها و وهابی ها بطور تواتر ذکر و یاد شده و انکار آن کفر است طبری از علمای بزرگ اهل سنت دو جلد کتاب فقط در جمع طرق حدیث غدیر نوشته، ابن کثیر می نویسد: کتابی از طبری دیدم که در آن احادیث غدیر خمرا در دو جلد جمع کرده بود ج ۱۴ ص ۸۴۹ البدایه و النهایه

قد رایت له کتابا جمع فیه احادیث غدیرخم فی مجلدین ضخمین، شمس الدین ذهبی از استوانه های بزرگ علمی اهل سنت می نویسد: یک جلد کتاب از طبری دیدم که درآن طرق حدیث غدیر را آورده بود و از کثرت طرق بسیار تعجب کردم (۲)

رایت مجلداً من طرق الحدیث لابن جریر فاندهشت له و لکثره تلک الطرق؛ آلبانی وهابی می نویسد: حدیث غدیر خم متواتر است و عبارت من کنت مولاه فعلی مولاه و اللهم وال من والاه صحیح است (۳)

بل الاول منه متواتر عنه کما یظهر لمن تتبع اسانیده و طرقه؛ ابن کثیر در البدایه و النهایه ج۷ ص ۶۸۱ از قول ذهبی نقل می کند که حدیث غدیر، متواتر است و عبارت اللهم وال من والاه از نظر سندی قوی می باشد

و صدر الحدیث متواتر اتقین ان رسول الله قاله و اما: اللهم و ال من والاه فزیاده قویه الاسناد:

مناوی از علمای بزرگ اهل سنت در فیض القدیر ج۶ ص ۲۱۷ می نویسد: حدیث غدیرخم متواتر است _ و قال المصنف: حدیث متواتر؛ امیر صنعانی از علمای بزرگ سنی ها می نویسد: و از جمله احادیث متواتر حدیث

من کنت مولاه فعلی مولاه می باشد که ۱۵۰ طریق دارد و علامه مقبلی بعد از

۱- ۱. اقبال الاعمال ج۱ ص ۴۷۴ و ص ۴۵۶، تفسیر نورالثقلین ج۱ ص ۵۸۸ و ص ۶۴۶ و ص ۶۵۴ و ص ۶۵۳ و ج ۴ ص ۳۳۴؛ تفسیر المیزان علامه طباطبائی ج۶ ص ۷۷

۲- ۲. تذکره الحفاظ ج۲ ص ۷۱۳

۳- ۳. سلسه الاحادیث الصحیحه ج۴ ص ۳۴۳

بیان بعضـی از طرق حدیث گفته است که اگر این حدیث قطعی و آشکار نباشد هیچ چیز در دنیا، قطعی و آشکار نخواهد بود و این حدیث را متواتر دانسته است (۱)

و من ذلک حدیث من کنت مولاه فعلی مولاه فان له مائه خمسین طریقاً قال العلامه المقبلی: بعد سردِ بعض طرق هذا الحدیث ما لفظه فان لم یکن هـذا معلوماً فما فی الـدنیا معلوم و جعل هـذا الحـدیث فی الفصول من المتواتر لفظاً صـنعانی از آخوندهای معروف سُنی می نویسد: ائمه ی اهل سنت، حدیث غدیر خم را متواتر دانسته اند(۲)

و قـد عـده ائمه من المتواتر ابوالفـداء عجلونی از علمای سـنی می نویسـد: حـدیث من کنت مولاه فعلی مولاه، حـدیثی متواتر و مشهور هست و بیش از ۳۰ نفر صحابه آنرا نقل کرده اند (۳)

امام جلال الدین سیوطی از علماء و مفسران نامی اهل سنت می نویسد: حدیث غدیر را ۲۰ نفر از صحابه پیامبر نقل کرده اند و ابن حمزه الحسـینی در البیان و التعریف فی اسـباب ورود الحـدیث الشـریف از قول سـیوطی می نویسـد که حدیث غدیر متواتر است(۴)

و قال السیوطی: حدیث متواتر، کتانی از علمای اهل سنت می نویسد: حدیث غدیر، متواتر است و بیش از ۲۰ صحابی آنرا نقل کرده اند (۵)_ و ممن صـرح بتواتره ... و اکثر اسانیدها صـحیح او حسن، ملا علی قاری از علمای معروف و بزرگ اهل سـنت می نویسـد: حـدیث من کنت مولاـه فعلی مولاـه حـدیثی است صـحیح و شـکی در آن نیست بلکه بعضـی از حفاظ آنرا متواتر دانسته اند و این حدیث را ۳۰ صحابی از پیامبر شنیده اند و برای علی ابن ابی طالب هنگامی که در ایام خلافتش نزاع رخ داده

۱- ۱. اجابه السائل شرح بغیه الامل ص ۹۸

۲- ۲. توضیح الافکار لمعانی تنقیح الانظار ج۱ ص ۲۴۳

۳- ۳. کشف الخفاء ج۲ ص ۳۶۱ ح ۲۵۹۱

۴- ۴. قطف الازهار المتناثره فی الاخبار المتواتر ص ۲۷۷ ش ۱۰۲ البیان و التعریف فی اسباب ورود الحدیث ج۲ ص ۲۳۰ ابن حمزه الحسینی حنفی دمشقی

۵- ۵. نظم المتناثر من الحدیث المتواتر ص ۱۹۴ ح ۲۳۲

به آن شهادت داده اند(۱)

والحاصل ان هذا حدیث صحیح لامریه فیه بل بعض الحفاظ عده متواتراً ـ

ملا علی قاری می نویسد: قول برخی که حدیث من کنت مولاه فعلی مولاه را موضوع و جعلی می دانند نادرست است و این عبارت از طرق مختلفی وارد شده که ذهبی بسیاری از آنها را تصحیح کرده است (۲)صنعانی در التنویر شرح الجامع الصغیر ج۱۰ ص ۳۸۷ ح ۸۹۸۱ می نویسد: حدیث غدیر بطرق زیاد و کثیر نقل شده و این حدیث متواتر است ـ قال الحافظ ابن حجر: حدیث کثیر الطرق جدا... عبدالعزیز الراجحی از علمای وهابی معاصر می نویسد: متن حدیث غدیر صحیح است(۳)

لکن متن الحدیث صحیح فالولایه ثابته لعلی رضی الله عنه سفیری شافعی می نویسد: حدیث من کنت مولاه فعلی مولاه حدیثی صحیح است همانطور که نووی در فتاوایش گفته است(۴)

من کنت مولاه فعلی مولاه حدیث صحیح کما قال النووی فی فتاویه

ابوالعلاء مبارکفوری از آخوندهای سنی است می نویسد: حدیث من کنت مولاه طرق جیده ای دارد که آنها را تنظیم نموده ام (۵)

و اما حدیث من کنت مولاه فله طرق جیده، ابن حجر عسقلانی از علمای معروف اهل سنت می نویسد: حدیث من کنت مولاه فعلی مولاه، را ترمذی و نسائی آنرا نقل کرده اند و طرق زیادی دارد و ابن عقده آنرا در کتابی جداگانه آورده و بسیاری از سندهای آن صحیح و حسن است (۶) ابن شاهین عالم سنی مذهب می نویسد: حدیث غدیر خم، حدیثی صحیح و غریب است که حدود ۱۰۰ نفر از نبی اکرم نقل کرده اند و در بین آنان عشره ی مبشره نیز وجود دارد و حدیثی ثابتی است و مشکلی در آن نمی بینم و علی ابن ابی طالب به این فضیلت تفرد کرده است واحدی در آن با او

۱- ۱. مرقاه المفاتیح ج۱۰ ص ۴۶۴

۲- ۲. مرقاه المفاتیح ج۱۰ ص ۴۷۶،

۳- ۳. شرح سنن ابن ماجه ج۷ ص ۱۱ مکتبه شامله

۴- ۴. شرح البخاری للسفیری ج۲ ص ۱۶۷

۵- ۵. تحفه الاحوذی بشرح جامع الترمذی ج۱۰ ص۳۲۵

۶- ۶. فتح الباری ج۸ ص ۴۲۵؛

شریک نیست (۱)

و هذا حدیث غریب صحیح و قد روی حدیث غدیر خم عن رسول الله نحو مائه نفس و فیهم العشره و هو حدیث ثابت لاءعرف له عله؛ تفرد علی بهذه الفضیله لم یشرکه فیها احد ترمذی در کتاب سنن خود می نویسد: حدیث من کنت مولاه فعلی مولاه، حدیثی حسن و صحیح هست (۲)

قال من کنت مولاه قال ابوعیسی: هذا حدیث حسن صحیح (۳)

اخرجه الترمذی و قال حدیث حسن صحیح قلت: و اسناده صحیح علی شرط الشیخین، (۴)

رواه البزار و رجاله ثقات (۵)

قال شیخنا ابوعبدالله الذهبی و هذا حدیث صحیح ـ امام ابوحامد غزالی می نویسد: به اتفاق تمام مسلمین پیامبر در خطبه غدیر خم فرمود: هر کس من مولای او هستم علی مولای اوست ـ و اجمع الجماهیر علی متن الحدیث من خطبه فی یوم عید غدیر خم باتفاق الجمیع و هو یقول من کنت مولاه فعلی مولاه (۶)

سبط من جوزی می نویسد: علمای تاریخ اسلام اتفاق دارند قصه غدیر پس از بازگشت پیامبر از سفر حجه الوداع در ۱۸ ذی الحجه روی داده است(۷)

اتفق علماء السیر علی ان قصه الغدیر کانت بعد رجوع النبی من حجه الوداع فی الثامن عشر من ذی الحجه، (۸)

قلت: جمع طرق حدیث غدیر خم فی اربعه اجزاء رایت شطره فبهرنی سعه روایاته و جزمت بوقوع ذلک

۱- ۱. شرح مذاهب اهل السنه ص ۱۰۳

۲- ۲. سنن الترمذی ج۵ ص ۶۳۳ ح ۳۷۱۳

۳- ۳. سلسه الاحادیث الصحیحه ج۴ ص ۲۴۹ ح ۱۷۵۰؛ محمد ناصر آلبانی

۴- ۴. سنن ابن ماجه ج۱ ص ۴۳ ح ۱۱۶ و سلسه الاحادیث الصحیحه آلبانی ج۴ ص ۲۴۹ ـ اخرجه ابن ماجه قلت و اسناده صحیح؛ السنه ابن ابی عاصم ج ۲ ص ۶۰۵ ح ۱۳۶۱ با تحقیق آلبانی ـ حسن ـ البحر الزخار ج ۴ ص ۴۱ ح ۱۲۰۳، مجمع الزوائد ج۹ ص ۱۰۷

۵- ۵. البدایه و النهایه ابن کثیر ج۵ ص ۲۰۹

۶- ۶. سر العالمین ج۱ ص ۱۸

۷- ۷. تذکره الخواص ص ۳۷

۸- ۸. سیر اعلام النبلاء ذهبی ج۱۴ ص ۲۷۷ رقم ۵

ذهبی می نویسد وقتی دیدم طبری اسناد حدیث غدیر خم را در ۴ جلد کتاب جمع آوری کرده از آن تعجب کردم و یقین کردم که این اتفاق روی داده است، ابن کثیر به نقل از ذهبی می نویسد: بخش نخست حدیث غدیر به حدی از تواتر رسیده که من یقین نمودم از پیامبر صادر شده است (۱)

وصدر الحدیث متواتر اتیقن ان رسول الله قاله: (۲)

هذا اسناد صحیح و حدیث غدیر خم قد اخرج النسائی من روایه ابی الطفیل عن زید ابن ارقم و ..

ابن حجر از علمای متعصب اهل سنت در صواعق المحرقه ج۱ ص ۱۰۶ می نویسد: در صحت حدیث غدیر خم، شکی نیست چرا که گروهی همچون ترمذی، نسایی و احمد حنبل آنرا با سندهای فراوان نقل کرده اند این روایت را ۱۶ نفر از اصحاب روایت کرده اند و در نقلی که احمد حنبل دارد؛ ۳۰ نفر از اصحاب در زمان خلافت علی به شنیدن این روایت از پیامبر شهادت دادند؛ بیشتر سندهای این حدیث صحیح و حسن است و سخنی کسی که به سند این حدیث ایراد بگیرد ارزش ندارد

انه حدیث صحیح لامریه فیه و قد اخرجه جماعه کالترمذی و النسائی و احمد و طرقه کثیره جدا... و کثیر من اسانیدها صحاح و حسان و لا التفات لمن قدح فی صحته،(۳)

آلبانی وهابی می نویسد: برای حدیث غدیر، سندهای فراوان ذکر شده که افراد زیادی مانند هیثمی در کتابش المجمع اسناد آنرا جمع آوری کرده اند با این وجود من اندکی از اسناد غدیر را که برایم امکان پذیر بود جمع آوری نمودم به شکلی که هر شخص آگاه و آشنا به اسناد روایات غدیر به صحت این حدیث یقین می کند _ (۴)شمس الدین جزری شافعی، حدیث غدیر را به ۸۰ طریق روایت کرده و رساله اسنی المطالب را در این باره نوشته و گفته است این حدیث به صورت متواتر از پیامبر و

۱- ۱. السیره النبویه ج۴ ص ۴۲۶

۲- ۲. البدایه و النهایه ج ۵ ص ۲۱۴؛ المطالب العالیه ابن حجر ج ۱۶ ص ۱۴۲ ح ۳۹۴۳

۳- ۳. التیسیر بشرح الجامع الصغیر؛ مناوی ج۲ ص ۴۴۲، تفسیر روح المعانی آلوسی ج۶ ص ۱۹۵

۴- ۴. سلسه الصحیحه ج۴ ص ۲۴۹

مولا علی نقل شده است (۱)

حافظ طحاوی در مشکل الاثار ج۲ ص ۳۰۸ پس از نقل حدیث غدیر گفته است: این حدیث از نظر سند صحیح است و بر هیچ یک از راویان آن اشکالی وارد نیست

هذاالحدیث صحیح الاسناد و لاطعن لاحد فی رواته؛ علاء الدین سمنانی متوفای ۷۳۶ در العروه لاهل الخلوه ص ۴۲۲ گفته است: این حدیث غدیر حدیثی است که صحتش مورد اتفاق است هذا حدیث متفق علی صحته زرقانی مالکی در شرح المواهب ج۷ ص ۱۳ گفته است: طبرانی و دیگران حدیث غدیر را با سند صحیح روایت کرده اند؛ ابن ابی الحدید معتزلی گفته است: حدیث غدیر یکی از روایات شایع در فضایل علی ابن ابی طالب است _ (۲)حافظ شهاب الدین ابو لفیض احمد ابن محمد بن صدیق غماری مغربی می گوید: حدیث من کنت مولاه فعلی مولاه به تواتر از پیامبر از طریق ۶۰ نفر نقل شده است _ (۳)؛ حلبی بعد از نقل حدیث غدیر می گوید: این حدیثی است صحیح با سندهای صحیح و حسن و هرگز به کسی که در صحت آن تشکیک کرده التفات نمی شود _ السیره الحلبیه ج۳ ص ۲۷۴؛ قرطبی درباره حدیث غدیر خم و مواخاه و اعطاء رایه می نویسد: تمام این روایات آثاری ثابت اند _ (۴)آلوسی در تفسیرش می نویسد: نزد ما ثابت شده که پیامبر در حق امیر در غدیر خم فرمود:

من کنت مولاه فعلی مولاه(۵)

ابن مغازلی شافعی پس از اینکه حدیث غدیر را با ۱۵ نقل و سند متفاوت ذکر می کند از قول استادش می نویسد: حدیث غدیر، حدیثی است که بطور صحیح از پیامبر خدا، نقل شده و راویان صحیح آن را نزدیک ۱۰۰ تن از اصحاب پیامبر

۱- ۱. اسنی المطالب ص ۴۸

۲- ۲. شرح نهج البلاغه ج۹ ص ۱۶۶ شرح خطبه ۱۵۴؛

۳- ۳. تشنیف الاذان ص ۷۷

۴- ۴. الاستیعاب ج۲ ص ۳۷۳ المواهب اللدنیه قسطلانی ج۳ ص ۳۶۵؛ وسیله المال فی مناقب الال ص۱۱۷ و ص ۱۱۸ با کثیر مکی؛ نزل؟ الابرار ص ۵۴ به نقل از میرزا محمد بدخشی، اسعاف الراغبین در حاشیه نورلابصار ص ۱۵۳ صبان شافعی؛ کفایه الطالب گنجی ص ۶۱،

۵- ۵. روح المعانی ج۶ ص ۶۱

تشکیل داده اند که از جمله آنها عشره مبشره هستند این حدیث ثابت و متقن بوده و من در آن عیب و ایرادی نمی بینم و اعتراف می کنم که این فضیلت از فضائل اختصاصی حضرت علی علیه السلام بوده و دیگران را در آن نصیبی نیست (۱)؛ اما پاسخ به شبهه و دروغ دیگر جناب وهابی؛ گفتنی که منابع تفسیری و تاریخی و روایی اهل سنت نقل نکرده اند که آیه ۶۷ سوره مائده معروف به آیه ابلاغ در روز غدیر خم درباره مولا علی نازل شده است؟!! اما جواب، بدان منابع و مصادر، زیادی از کتب معتبره اهل سنت ذکر کرده اند که آیه ۶۷ سوره مائده (آیه ابلاغ) در روز غدیر خم درباره امامت علی علیه السلام نازل شده است؛(۱) در المنثور جلال الدین سیوطی ج۲ ص ۵۲۸ ذیل آیه ۶۸ مائده _ اخرج ابن ابی حاتم و ابن مردویه و ابن عساکر عن ابی سعید خدری قال نزلت هذه الایه: یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک علی رسول الله یوم غدیر خم فی علی ابن ابی طالب، (۲) (۲)

عن ابی الجارود عن ابی حمزه قال: یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک نزلت فی شان الولایه و ص ۲۴۰؛(۳) تفسیر القرآن العظیم، ابن ابی حاتم رازی ج۴ ص ۱۱۷۲ ح ۶۶۰۹ _ نزلت هذه الایه یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک فی علی ابن ابی طالب، سند این روایت صحیح بوده و ابن ابی حاتم خود را ملزم به بیان روایات صحیح السند با متن صحیح نموده لذا در مقدمه تفسیرش می گوید: صحیح ترین اخبار؛ را از جهت سند و متن انتخاب کردم

فتحریت اخراج ذلک باصح الاخبار اسناداً و اشبهها متناً؛ ابن تیمیه حرانی، رهبر فکری وهابیت می نویسد: تفسیر ابن ابی حاتم از تفاسیر معتبری هست که از اقوال صحابه و تابعین با اسناد معتبر آمده، ابن ابی حاتم از دانشمندان بزرگی است که زبان راستگوی اسلام بود و محتوای تفسیرش مورد اعتماد است (۳)

و غیرهم من العلماء الاکابر الذین لهم فی الاسلام لسان صدق و تفاسیر هم

۱- ۱. مناقب ابن مغازلی ص ۲۶ _ ص ۷۸ ح ۳۹

۲- ۲. مناقب ابن مردویه ص ۲۳۹ ح ۳۴۵

۳- ۳. کتب و رسائل و فتاوی شیخ ابن تیمیه ملعون ج۵ ص ۴۱۳؛ منهاج السنه ابن تیمیه ج۷ ص ۱۷۹، کتب و رسائل و فتاوی ابن تیمیه ج۱۷ ص ۴۳ _ ابن ابی حاتم

متضـمنه للمنقولات التی یعتمد علیها فی التفسیر؛(۴) (۱)_ نزلت الایه فی فضل علی ابن ابی طالب و لما نزلت هذه الایه اخذ بیده و قال: من کنت مولاه فعلی مولاه(۶) (۲)

عن ابن عباس فی قوله یا ایها الرسول بلغ قال: نزلت فی علی رضی الله عنه امر النبی ان یبلغ فیه فاخذ بیدعلی و قال: من کنت مولاه فعلی مولا.... و قال ابوجعفر محمد بن علی: معناه: بلغ ما انزل الیک فی فضل علی ابن ابی طالب فلما نزلت الایه اخذ بید علی فقال: من کنت مولاه فعلی مولاه(۷) (۳)

ص:۴۶۴

۱- ۱. شواهد التنزیل حاکم حسکانی ج۱ ص ۲۵۶ با الفاظ و روایات متعدد؛ نقل کرده است؛(۵) تفسیر الکبیر امام فخر رازی ج۱۲ ص ۴۹

۲- ۲. الکشف و البیان امام ثعلبی ج۴ ص ۹۲

۳- ۳. فتح القدیر الجامع بین فنی الروایه و الدرایه؛ امام شوکانی سلفی ج۲ ص ۶۰ (۸) ما نزل من القرآن فی علی ابونعیم اصفهانی با استفاده از النور المشتعل ص ۸۶ ح ۱۶ (۹) فرائد السمطین جوینی ج۱ ص ۱۵۸ ح ۱۲۰ سمط ۱ (۱۰) مطالب السوول ابن طلحه ص ۷۹ باب ۱ فصل ۵ (۱۱) تفسیر غرائب القرآن؛ نظام الدین نیشابوری ج۶ ص ۱۲۹ و ج ۲ ص ۶۱۶ مکتبه شامله؛ (۱۲) تفسیر روح المعانی؛ محمود آلوسی ج۳ ص ۳۵۹ مکتبه شامله _ عن ابی عباس نزلت هذه الایه فی علی کرم الله وجهه، ... فاوحی الله تعالی الیه هذه الایه فقام بولایته یوم غدیر خم... (۱۳) اسباب النزول واحدی ج۱ ص ۲۰۲ (۱۴) ینابیع الموده قندوزی حنفی ج۱ ص ۳۵۹ و ج۲ ص ۲۴۹ (۱۵) تفسیر المنار ۶ ص ۱۱۶ رشید رضا _ فلما نزلت الایه علیه فی غدیر خم اخذ بیدعلی من کنت مولاه فعل مولاه؛ (۱۶) تاریخ مدینه دمشق ابن عساکر ج۴۲ ص ۲۳۷ (۱۷) تفسیر حبری ص ۶۲(۱۸) فتح البیان فی مقاصد القرآن ج۴ ص ۱۹ صدیق حسن خان القنوجی(۱۹) عمده القاری شرح صحیح بخاری ج۱۸ ص ۲۰۶ بدرالدین عینی؛ (۲۰) الولایه فی طرق حدیث الغدیر؛ طبری (به نقل از الغدیر امینی ج۱ ص ۳۸۲ (۲۱) حافظ ابوعبدالله محاملی در امالی؛ (۲۲) حافظ ابوبکر فارسی شیرازی در ما نزل من القرآن فی امیر المومنین (۲۳) حافظ ابوسعید سجستانی در الولایه، (۲۴) ابوالفتح نطنزی در الخصایص العلویه (۲۵) حافظ عزالدین رسعنی _ شرح المواهب ج۷ ص ۱۴(۲۶) سید علی همدانی شافعی در موده القربی (۲۷) کمال الدین میبدی در شرح دیوان امیرالمومنین ص ۴۱۵؛ (۲۸) سید عبدالوهاب بخاری م ۸۶۹ اخبار الاخیار ص ۲۰۶ (۲۹) سیدجمال الدین شیرازی در اربعین خود(۳۰) محمد محبوب العالم در تفسیر شاهی (۳۱) میرزا محمد بدخشانی در مفتاح النجاه (۳۲) ارجح المطالب عبیدالله الحنفی ص ۶۶ و ص ۶۷ و ص ۶۸(۳۳) مناقب مرتضوی محمد صالح کشفی ترمذی حنفی ص ۳۸؛ حدیث غدیر را، صدوده تن از صحابه و ۸۴ تن از تابعین و بیش از ۳۶۰ تن از دانشمندان اهل سنت نقل کرده اند _[انساب الاشراف ج۱ ص ۱۵۶؛ بلاغات النساء ص ۷۲ _ تفسیر طبری ج۳ ص ۴۲۸] حلیه الاولیاء ج۵ ص ۳۶۴ رقم ۳۲۴؛ تاریخ الکبیر اسماعیل بخاری ج ۱ ص ۳۷۵ رقم ۱۱۹۱؛ صحیح مسلم ج۴ ص ۱۸۷۳ ح ۳۶؛ الجامع الصحیح ترمذی ص ۹۷۸ ح ۳۷۲۲ الولایه ابن عقده ص ۲۰۶؛ [التمهید باقلانی ص ۱۷۱ _ الجمع بین الصحاح ص ۴۵۸؛ حیاه الصحابه ج۲ ص ۷۶۹] البدایه و النهایه ابن کثیر ج۵ ص ۲۳۰ کتاب حجه الوداع؛ مسند احمد حنبل ج۴ ص ۲۸۱ [روضات الجنات زمجبی ص ۱۵۸؛ الشرف الموبد نبهانی ص ۵۸ _ طبقات ابن سعد ج۳ ص ۳۳۵؛ عمده الاخبار ص ۱۹۱] مسند براء بن

عازب؛ سر العالمین غزالی ص ۲۱ مقاله ۴؛ استیعاب ابن عبدالبر ج۳ ص ۱۰۹۹ مطالب السوول ابن طلحه ص ۷۸؛ [المروج الذهب ج۲ ص ۱۱؛ مسند طیالسی ص ۱۱۱ ـ معجم الابلدان ج۲ ص ۳۸۹] مناقب ابن مغازلی ص ۲۲ ح ۳۱ فصول المهمه ابن صباغ ج۱ ص ۲۳۸؛ مصابیح السنه، بغوی ج۲ ص ۱۹۹ مناقب خوارزمی ص ۱۳۴ ح ۱۵۰؛ جامع الاصول ابن اثیر ج۹ ص ۴۶۸؛ خصائص نسائی ص ۹۴؛ سنن الکبری نسایی ج۵ ص ۴۵ ح ۸۱۴۵؛ ینابیع الموده ج۱ ص ۹۸ ح ۱۱ باب ۴؛ صواعق المحرقه ابن حجر ص ۴۲ باب ۱ فصل ۵؛ سنن ابن ماجه ج۱ ص ۴۵ ح ۱۲۱؛ المستدرک حاکم نیشابوری ج۳ ص ۱۱۹ ح ۴۵۷۸؛ معجم الاوسط ج۳ ص ۶۹ ح ۲۱۳۱؛ اسدالغابه ج۱ ص ۳۶۷؛ تذکره الخواص ص ۳۶ عقد الفرید ج ۵ ص ۵۸؛ جواهر العقدین ج۲ ص ۸۸؛ منهاج السنه ابن تیمیه ج۷ ص ۳۱۹؛ فتح الباری ج۷ ص ۷۴؛ تهذیب التهذیب ج۷ص ۲۸۶ رقم ۴۹۲۵؛ ربیع الابرار زمخشری ج۱ ص ۸۵؛ اربعین فخررازی ص۴۷۳؛ تاریخ الخلفاء سیوطی ص ۱۶۹؛ موده القربی همدانی موده ۵؛ فیض القدیر مناوی ج۱ ص ۶۹ ح ۱۰؛ شرح المقاصد ج۲ ص ۲۱۹، المورود فی شرح سنن ابی داود ج۱ ص ۲۱۴ اشفاء ج ۲ ص ۴۱ کفایه الطالب گنجی ص ۵۵؛ تهذیب الاسماء و اللغات النووی ج۱ ص ۱۲۷ رقم ۴۲۹؛ فرائد السمطین ج۱ ص ۶۳ ح ۲۹؛ الملل و النحل شهرستانی ج۱ ص ۱۴۵ باب ۶؛ تاریخ بغداد ج۷ ص ۳۷۷ رقم ۳۹۰۵؛ تاریخ دمشق ج۴۲ ص ۲۳۰ رقم ۴۹۳۳، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج۳ ص ۲۰۸ خطبه ۴۸؛ تاریخ ابن خلدون ج۱ ص ۱۹۷ فصل ۲۷؛ کنزالعمال ج۱۳ ص ۱۳۳ح ۳۶۴۲۰؛ اسنی المطالب جزری ص ۴۹؛ شرح المواقف ج۸ ص ۳۶۰ مرصد ۴ مقصد ۳؛ کشف الخفاء عجلونی ج۲ ص ۲۷۴؛ البشاره و الاتحاف؛ السقاف ص ۲۸؛ مجمع الزوائد ج۹ ح ۱۴۶۱۰؛ المعجم الصغیر طبرانی ج۱ ص ۶۵؛ البحر الزخارج ۲ ص ۱۳۴ ح ۴۹۲ المصنف ابن شیبه ح ۵۵ ج ۷ کتاب الفضائل علی ابن ابی طالب؛ نظم در رالسمطین ص ۷۷؛ الجامع الصغیر سیوطی ج۲ ص ۱۷۷ امالی المحالی ص ۸۵؛ صحیح ابن حبان ج ۱۵ ص ۳۷۶؛ مسند ابی یعلی ج۱ ص ۴۲۹؛ تفسیر قرطبی ج۱ ص ۲۵۴ الغیاثی غیاث الامم؛ ابوالمعالی جوینی ج۱ ح ۴۴ص ۳۸؛ تفسیر فتح القدیر ج۱ تفسیر سوره احزاب ص ۱۱۵۶ و ص ۱۱۵۸؛ المطالب العالیه ابن حجر ج ۱۶ ص ۱۴۲ ح ۳۹۴۳؛ تفسیر روح المعانی ص ۱۹۵ ج ۶؛ مرقاه المفاتیح ج۱۱ ص ۲۴۷ و ص ۲۴۸ توضیح الافکار؛ صنعانی ج۱ ص ۲۴۳؛ تاریخ الاسلام ذهبی ج۳ ص ۶۳۲ المعجم الکبیر ج۵ ص ۱۶۶؛ شرح مشکل الاثار طحاوی ج۵ ص ۱۸؛ الشریعه الاجری ج۴ ص ۲۰۴۹ امالی جرجانی ج۱ ص ۱۹۲؛ الاحادیث المختاره مقدسی ج۲ ص ۱۰۶؛ تهذیب الکمال ج۱۱ ص ۹۰؛ تفسیر ثعالبی ج۴ ص ۹۲؛ السیره النبویه ابن کثیر ج۴ ص ۴۱۶؛ فضائل الصحابه احمد ج۲ ص ۶۱۰ و ص ۶۸۲ مراه الجنان یافعی ج۱ ص ۱۰۹؛ تخریج الاحادیث و الاثار ج۲ ص ۲۳۴؛ موارد الظمان الی زوائد ابن حبان ج۱ ص ۵۴۴؛ جامع الاحادیث سیوطی ج۵ ص ۴۰۰؛ الدر المنثور ج۳ ص ۱۰۵ و ص۱۹؛ سیره الحلبیه ج۳ ص ۳۳۶؛ سمط النجوم العوالی ج۳ ص ۳۶؛ السلسه الصحیحه آلبانی ص ۲۴۹ ح ۱۷۵۰ ج۴؛ السنه ابن ابی عاصم ج۲ ص ۶۰۵ ح ۱۳۶۱؛ میزان الاعتدال ذهبی ج۴ ص ۲۳۵؛ جواهر المطالب ابن دمشقی باعونی ج۱ ص ۸۴ و ص ۸۳ و ص ۲۱۲ و ص۷۶؛ الریاض النضره (طبری) ج۳ ص ۱۲۶ و ص۱۲۷ و ص ۱۲۸ مکتبه شامله؛ ذخائر العقبی طبری ج۱ ص ۶۷؛ زیدابن ارقم؛ براء بن عازب؛ ابوهریره؛ ابوسعید خدری، جابر عبدالله انصاری؛ ام سلمه؛ حبشی بن جناده؛ حذیفه بن اسید الغفاری، عمر ابن الخطاب؛ ابن عباس؛ ابن مسعود؛ انس بن مالک؛ و زیادی از صحابه رسول اکرم ـ واقعه و حادثه غدیر خم را درباره مولا ـ بودن مولا ـ علی نقل کرده اند با الفاظ و عبارات مختلف

ـ عن البراء بن عازب قال: کنا مع رسول الله فی سفر فنزلنا بغدیر خم فنودی فینا الصلاه جامعه و کسح لرسول الله تحت شجرتین فصلی الظهر و اخذ بیدعلی فقال الستم تعلمون انی اولی بالمومنین من انفسهم؟ قالوا: بلی ... قال فاخذعلی فقال: من کنت مولاه فعلی مولاه ـ (متن مسند احمد حنبل) قام رسول الله یوما فینا خطیباً بما یدعی خماً بین مکه و المدینه ـ(عبارت صحیح مسلم) قال زید بن ارقم و

ص:۴۶۵

انا اسمع نزلنا مع رسول الله منزلاً یقال له وادی خم ... فمن کنت مولاه فان علیاً مولاه ـ (متن البدایه و النهایه)

براء بن عازب وزید ابن ارقم گفتند: ما با پیامبر اسلام در منطقه غدیرخم که بین مکه و مدینه هست فرود آمدیم، ایشان در میان مردم ندا کرد، نماز جماعت و میان دو، درخت را پاک کردند حضرت نماز ظهر را خواند سپس خطبه ای خواند دست های علی ابن ابی طالب را گرفت و گفت: هر کس من مولای او هستم علی نیز مولای اوست؛ ابن حجر می نویسد: جریان واقعه غدیر خم بعد از مراجعت نبی اکرم باصحابه از حجه الوداع بوده است و سه بار از صحابه اعتراف و اقرار گرفت که آیا من بر نفوس شما از خود شما اولی به تصرف هستم یا نه؟ تمام صحابه گفتند آری سپس دستان علی را بلند کرد تا حدی که سفیدی زیر بغل هر دو آشکار شد و فرمود: هر کس من مولای او هستم علی مولای اوست(۱)

قوله یوم غدیر خم مرجعه من حجه الوداع بعد ان جمع الصحابه و کرر علیهم الست اولی بکم من انفسکم ثلاثاً و هم یجیبون بالتصدیق والاعتراف ثم رفع یدعلی و قال: من کنت مولاه فعلی مولاه ـ (۲)ـ اخذ رسول الله بید علی بغدیر خم فرفعها حتی راینا بیاض ابطه فقال من کنت مولاه فعلی مولاه؛ (۳)

ثم دعا الناس الی علی فاخذ بضبعه فرفعها حتی نظر الناس الی بیاض ابطه، تعداد و میزان نفراتی که از جمع صحابه با نبی اکرم به سفر حجه الوداع غدیر خم، عزیمت کرده بودند مورخان و محدثان اهل سنت بالغ بر ۱۲۰ هزار نفر نوشته اند (۴)

جمع الصحابه و کانوا ماه و عشرین الفاً (۵)ـ و مع ذلک کان معه جموع لایعلمها الا الله قیل کانوا اربعین الفاً و قیل کانوا سبعین الفاً و قیل کانوا تسعین الفاً و قیل کانوا مائه الف و اربعه عشر الفاً و قیل عشرین الفاً و قیل کانوا اکثر من ذلک... هنگام حرکت نبی اکرم از مدینه بسوی مکه برای انجام اعمال حج الوداع، بیماری

۱- ۱. صواعق المحرقه ص ۴۲ باب ۱ فصل ۵

۲- ۲. جواهر العقدین سمهودی ج۲ ص ۸۸ باب ۴

۳- ۳. مناقب خوارزمی ج۱ ص ۱۳۵ ح ۱۵۲، ینابیع الموده ج۱ ص ۱۲۴ و ص ۴۲۲ و ص ۱۰۹؛ مناقب ابن مردویه ج۱ ص ۲۳۲ ح ۳۳۲

۴- ۴. تذکره الخواص ص ۳۷ باب ۲

۵- ۵. السیره الحلبیه ج۳ ص ۲۵۷ باب حجه الوداع

حصبه(وبا) مدینه را فرا گرفته بود و بسیاری از خانواده ها مشغول مداوای بیماران خود بودند؛ عده زیادی از مسلمانان نتوانستند؛ نبی اکرم را همراهی کنند؛ (۱)

و عند خروجه اصاب الناس بالمدینه جدری....

او حصبه منعت کثیراً من الناس من الحج معه(۲)؛ امام باقر علیه السلام فرمود: اصحابی که پیامبر به غدیرخم رفتند ۷۰ هزار نفر از اهل مدینه و اطراف آن بودنند همان تعداد نفری که حضرت موسی از آنان برای هارون بیعت گرفت ـ و بلغ من حج مع لرسول الله من اهل المدینه و اهل الاطراف و الاعراب؛ سبعین الف انسان (۳)

محدثان اهل سنت نقل کرده اند؛ زمانی که رسول خدا؛ با اصحاب وارد، صحرای غدیر خم شدند، هوا به شدت گرم و داغ بوده، تفتازانی می نویسد: روزی صاف و آفتابی بود به حدی که انسان باید از شدت گرما بخشی از لباس خود را به زیر پا و بخشی از آنرا به سر کشد ـ (۴)، زیدابن ارقم می گوید: روز غدیر به حدی گرم بود که ما تا آن هنگام روزی به آن گرمی تجربه نکرده بودیم (۵)ـ و کان یوما صائفاً حتی ان الرجل لیضع رداءه تحت قدمیه من شده الحرّ؛ ... فی یوم ما اتی علینا یوم کان اشد حراً منه (۶)ـ فخرجنا الی رسول الله فی یوم شدید الحروان منا لمن یضع رداءه علی راسه و بعضه علی قدمیه من شده الرمضا

جناب وهابی، آیا معقول است نبی اکرم در شدت هوای گرم، غدیر خم، ۱۲۰ هزار صحابه را معطل کند و خطبه ای طولانی بخواند فقط بگوید؛ علی را دوست بدارید؟!! نبی اکرم بعنوان مفسر حقیقی قرآن کریم، آیه ابلاغ (۶۷ سوره مائده) را تفسیر کرده درباره خلافت و امامت علی علیه السلام ـ فقال: یا محمد ان الله یقروک السلام و یقول لک: یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک: فی علی

جبرئیل بر من نازل شد و گفت ای محمد خداوند به تو سلام می رساند و می گوید:

۱- ۱. سبل الهدی و الرشاد ج۸ ص ۴۵۰ السیره الحلبیه ج۳ ص ۳۰۸

۲- ۲. ؛ ارشاد الساری ج۶ ص ۳۲۹

۳- ۳. احتجاج طبرسی ح۱ ص ۱۱۹ ح ۳۲

۴- ۴. شرح المقاصد ج۲ ص ۲۹۰

۵- ۵. مستدرک حاکم ج۳ ص ۶۱۳ ح ۶۲۷۲؛ المعجم الکبیر ج۵ ص ۱۷۱ ح ۴۹۸۶

۶- ۶. .... مناقب ابن مغازلی شافعی ح ۲۳ ص ۶۷

ای رسول ما ابلاغ کن آنچه از سوی خدا تو نازل شده درباره علی (۱)

فاوحی الی: یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک فی علی: یعنی فی الخلافه لعلی بن ابی طالب (۲)

رسول اکرم فرمود: سبب و علت نزول آیه ۶۷ سوره مائده برای شما مسلمین بیان می کنم؛ همانا جبرئیل سه مرتبه بر من فرود آمده و از طرف خداوند به من دستور داده است که در این محل) (غدیر خم) و در حضور همه بپا خیزم و هر سفید وسیاهی را آگاه کنم که علی ابن ابی طالب، برادر، وصی، جانشین و امام بعد از من است (۳)

و انا مبین لکم سبب نزول هذه الایه ان جبرئیل هبط الی مراراً ثلاثاً یا مرنی عن السلام ... ان اقوم فی هذا المشهد فاعلم کل ابیض و اسودان علی ابن طالب اخی و وصیی و خلیفتی و الامام من بعدی امام باقر علیه السلام فرمود: او را چه شده است؛ خدا، نمازش را قبول نکند (منظور امام، حسن بصری که منکر بوده که آیه ابلاغ درباره مولا علی نازل شده و گفته راجع به امامت علی ابن ابی طالب نیست) جبرئیل بر پیامبر نازل شد و عرض کرد: خداوند به شما امر می کند امتت را، راهنمایی کن که ولیشان کیست پیامبر هم بپا خاست و دست علی را گرفت و فرمود: هر کس من مولای او و هستم علی مولای اوست ــ (۴)ابن مردویه از ابن مسعود نقل کرده که ما در زمان حیات رسول خدا آیه ابلاغ را می خواندیم و بعد می گفتیم همانا علی مولای مومنان است ــ اخرج ابن مردویه عن ابی مسعود قال: (۵)رسول اکرم با تدبیر الهی در صحرای غدیر خم، توقف دادند مردم را برای اعلام امامت و خلافت علی علیه السلام ، امام شعیب نسائی از علمای بزرگ اهل سنت در کتاب خصائص امیرالمومنین ج۱ ص ۱۰۶ نقل می کند: که سعد گفت ما با رسول خدا، در راه مکه بودیم پس هنگامی که به غدیر خم رسیدیم؛ پیامبر؛ دستور داد تا مردم متوقف شوند و امر فرمود تا کسانی که رفته

۱- ۱. احتجاج طبرسی ج۱ ص ۱۲۲
۲- ۲. احتجاج طبرسی ج۱ ص ۱۲۶
۳- ۳. احتجاج طبرسی ج۱ ص ۱۲۶
۴- ۴. بحار الانوار ج۳۷ ص ۱۴۰ ح ۳۴؛
۵- ۵. کنا نقرأ علی عهد رسول الله: یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک . ان علیاً مولی المومنین و ان لم تفعل فما بلغت رسالته ــ تفسیر الدر المنثور ج۲ ص ۵۲۸؛ فتح القدیر شوکانی ج۲ ص ۶۹، روح المعانی آلوسی ج۳ ص ۳۵۹، فتح البیان ج۴ ص ۱۹ مناقب ابن مردویه ج۱ ص ۲۳۹،

بودند را، بازگردانند و صبر کرد تا عقب مانده ها به او رسیدند

کنـا مع رسول الله بطریق مکه الی المـدینه و هو متوجه الیهـا؛ فلما بلغ غـدیرخم وقف الناس ثم رد من مضـی ولحقه من تخلف، فلما اجتمع الناس الیه .... (۱)ــ ان رسول الله نزل بخم فتنحی الناس عنه و نزل معه علی ابن ابی طالب فشق علی النبی تاخر الناس فامر علیاً فجمعهم فلما اجتمعوا قام فیهم ..

رسول خدا، افرادی که زودتر از آنان جلو افتاده بودند را دستور داد برگرداندند و عقب ماندگان را همه جمع نمودند همه را در منزل غدیرخم دور هم گرد آوردند... در آن مکان درختهایی بود که بدستور؛ نبی اکرم زیر آنها، جاروب شده و از سنگها به شکل منبر استفاده گردیـد تا آنحضرت بر روی آن رفته و بر همه مشرف باشـد و تمام مسلمین از پیش و روی راه در آن مکان اجتماع کرده (۲)

و یرد من تقدم منهم و یحبس من تاخر؛ اما پاسخ به شبهه دیگر، جناب وهابی اموی مسلک؛ کجای آیه ۶۷ سوره مائده راجع بـه امـامت الهی علی ابن ابی طـالب است؟ کجـا در این آیه ۶۷ سوره مائـده امـامت آسـمانی و الهی، علی ابن ابی طـالب و ۱۱ اولادش که شیعه مدعی است امام هستند از سوی خدا، ثابت و روشن می شود؟!! اما جواب نقدی به این شبهه و اشکالی واهی آقـای وهـابی؛ امـام صـادق فرمود: آیـا نمی دانی رسول خـدا در روز غـدیرخم دست علی را گرفت و بلنـد نمود تـا جـایی که سفیـدی زیر بغـل هر دو را مردم دیدنـد و در همـان روز، امیرالمومنین را مولاـی مسـلمین و امام ایشان قرار داد ــ اما علمت ان رسول الله رفع یدعلی علیه السلام ، بغدیر خم حتی نظر الناس الی بیاض ابطیهما فجعله مولی المسلمین و امامهم (۳)

از امـام سـجاد علیه السـلام سوال شـد معنـای من کنت مولاـه چیست؟ فرمود: پیـامبر خبر داد که علی علیه السـلام امـام بعـد از خودش می باشد ــ ما معنی قول النبی من کنت مولاه فعلی مولاه؟ قال: اخبرهم انه الامام بعده (۴)

امام باقر علیه السلام فرمود: معنای مولا در غدیر خم آن است که خداوند بوسیله آن همانطور

۱- ۱. مناقب ابن مغازلی شافعی ح ۳۷

۲- ۲. احتجاج طبرسی ج۱ ص ۱۲۲ و ص۱۲۳

۳- ۳. علل الشرایع شیخ صدوق ج۱ ص ۵۶۸ باب ۱۳۹ و ص ۵۷۲؛ معانی الاخبار؛ شیخ صدوق ج۱ ص ۱۳۵ باب معنی حمل النبی و عجز علی عن حمله؛ تاویل الایات ج۲ ص ۵۹۲ ح ۲

۴- ۴. بحارالانوار ج۳۷ ص ۲۲۳، معانی الاخبار ص ۱۵۱ باب ۲۹، امالی صدوق ص ۱۸۵ ح ۱۹۱

که اطاعت از پیامبر؛ را واجب کرده بود، اطاعت علی را نیز واجب کرد _ ان الله عزوجل له به علی الامه ما جعله لرسول الله علیها من السمع و الطاعه (۱)

امام کاظم علیه السلام فرمود: معنای من کنت مولاه یعنی ولایت دینی _ و نحن ندعی ذلک لقول النبی یوم غدیر خم من کنت مولاه یعنی بذلک و لاء الدین (۲)

امام رضا علیه السلام فرمود: پیامبر در غدیر خم، علی علیه السلام را بعنوان نشانه و امام قرار داد.

و اقام لهم علیا علما و اماماً_ عیون الاخبار الرضا؛ (۳)امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: معنای من کنت مولاه به این اراده بود که حزب خدا، بوسیله، علی در هنگام اختلاف شناخته شود _ اراد بذلک ان یجعله علماً یعرف به حزب الله عند الفرقه (۴)

امام باقر علیه السلام فرمود: معنای من کنت مولاه در غدیر خم، یعنی علی علیه السلام قائم مقام و نماینده و جانشین نبی اکرم است _ اعلمهم انه یقول فیهم مقامه (۵)

در روایت دیگر فرمود: یعنی با وجود مقدس علی علیه السلام امارتی و حکومتی و امر و نهی برای کسی نیست _ و علی ولی من کنت ولیه و لا اماره معه (۶)

مولا علی علیه السلام در قالب اشعاری اشاره دارد که در روز غدیر خم، نصب به امامت الهی از سوی خدا و رسول شده می فرماید: در قرآن ولایت من و اطاعت از من، فرض و واجب است همانند اطاعت از حضرت هارون برادر، حضرت موسی علیه السلام زیرا من برادر نبی اکرم هستم و رسول خدا، مرا از سوی خدا، امام بعد از خودش قرار داد و این امامت را، در روز غدیر خم به مردم خبر داد

و فی القرآن الزمهم ولائی و اوجب طاعتی فرضاً بعزم کما هارون من موسی اخوه، کذلک انا اخوه و ذاک اسمی، لذاک اقامنی لهم اماماً و اخبرهم به بغدیر خم (۷)

مولا علی علیه السلام فرمود: این امر، خلافت عجیب است که حکومت و ولایت احدی را مثل ولایت من مبغوض نداشتند، دلیل من بر ولایت این است که صاحب اختیار

۱- ۱. شرح الاخبار ح۲ ص ۲۶۳ ح ۵۶۶

۲- ۲. بحارالانوار ج۴۸ ص ۱۴۷ ح ۲۱

۳- ۳. شیخ صدوق ج۱ ص ۲۱۲؛ الکافی ج۱ ص ۱۹۸ ح ۱،

۴- ۴. بحار الانوار ج۳۷ ص ۲۲۳

۵- ۵. معانی الاخبار، شیخ صدوق ج۱ باب ۲۹ ص ۱۵۱،

۶- ۶. معانی الاخبار ص ۱۵۲ ج۱ باب ۲۹،

۷- ۷. دیوان امیرالمومنین علیه السلام ، میبدی، ینابیع الموده قندوزی حنفی ج۱ ص ۲۱۲، بحار الانوار ج۳۴ ص ۴۴۱

مردم فقط من هستم نه قریش، چرا که پیامبر ولایت این امت را داشت و من بعد از او اختیارات او را دارم .... به دلیل گفته و فرموده نبی اکرم که در روز غدیر خم فرمود: هر کس من مولای او هستم؛ علی مولای اوست(۱)

فکان النبی ولاء هذه الامه و کان لی بعده ماکان له... بقول النبی یوم غدیر خم من کنت مولاه فهذه علی مولاه،

مولاـ علی علیه السلام به سلمان فارسی فرمود: اولین کسی که با ابوبکر در مسجد بیعت کرد شیطان بود زیرا شیطان و فرزندانش در غدیر خم حضور داشتند و شاهد بودند که نبی اکرم به امر خدا مرا برای مردم نصب کرد و به آنان خبر داد که من، اولی از نفوس آنان هستم، و شیاطین جن، اظهار داشتند مسلمین امام و پناهگاه بعد از پیامبرشان را شناختند و ما باید آنان را اغواء و گمراه کنیم تا امر خدا و طاعت الهی و رسول خدا، را ترک کنند.ـ

ولا لنا علیهم سبیل قداعلموا؛ امامهم و مفرعهم بعد نبیهم ... حتی ترکوا؛ امر الله و طاعته و ما امرهم به رسول الله(۲)

مولا علی علیه السلام در روایت دیگر که درباره بیعت ابوبکر و عمر، در غدیر خم، بیاناتی دارد، تاکید می کند معرفی من در غدیر خم و معنای من کنت مولاه فعلی مولاه، در مورد خلافت و اطاعت ایشان است.

مولاـ علی علیه السلام فرمود: عُمر، بود که در روز غدیرخم وقتی پیامبر مرا برای ولایت نصب کرد به رفیقش گفت: در اینکه کار، پسر عمویش را بالا ببرد، هیچ کوتاهی نمی کند؛ و دیگری گفت: در اینکه بازوی پسر عمویش را بلند کند هیچ کوتاهی نمی کند، همچنین در حالی که منصوب شده بودم به رفیقش گفت: این واقعاً کرامت بزرگی است، رفیقش با تندی به او نگاه کرد و گفت: نه بخدا قسم ابداً سخن او، را گوش نمی دهم و از او اطاعت نمی کنم، سپس به او، تکیه داد و با تکبر به راه افتادند و رفتند، خداوند هم در مذمت آنان آیات ۳۱ الی ۳۵ سوره قیامت را نازل کرد ـ (۳)جناب وهابی، تعدادی از علمای اهل سنت و جماعت، اقرار کرده اند که نبی اکرم؛

۱- ۱. بحار الانوار ج۳۰ ص ۱۴

۲- ۲. اصول کافی ج۸ ص ۳۴۳ ح ۵۴۱

۳- ۳. کتاب سلیم ح ۲۴۰

مولا علی، را در روز غدیر خم به امامت و خلافت از سوی خدا و خودش، نصب کرد و برای امت معرفی نمود؛

(۱) امام ابوحامد غزالی از علمای بزرگ اهل سنت می نویسد: به اتفاق همه مسلمانان پیامبر اسلام در خطبه غدیر خم فرمود: هر که من مولای اویم، پس علی مولای اوست؛ عمر ابن الخطاب پس از شنیدن این سخن به علی این گونه تبریک گفت: افتخار، افتخار، ای ابالحسن، زین پس تو مولا- و رهبر من و هر مولای دیگر هستی، این سخن عُمر حکایت از رضایت او به انتخاب علی علیه السلام به رهبری امت دارد، اما پس از گذشت آن روزها، عُمر تحت تاثیر هوای نفس و حب ریاست قرار گرفت و استوانه خلافت را از مکان اصلی آن تغییر داد(۱)

واجمع الجماهیر علی متن الحدیث من خطبه فی یوم عید یزحم باتفاق الجمیع و هو یقول: من کنت مولاه فعلی مولاه، فقال عمر: بخ بخ یا ابالحسن لقد اصبحت مولای و مولی کل مولی؛ فهذا تسلیم و رضی و تحکیم ثم بعد هذا غلب الهوی تحب الریاسه و حمل عمود الخلافه،

شمس الدین ذهبی از استوانه های علمی و رجالی اهل سنت درباره امام غزالی می نویسد: غزالی شیخ امام دریای علم نشانه اسلام، اعجوبه زمان، صاحب کتابها و انسانی باهوش فراوان و زیرک بود (۲)

(۲) محمد بن طلحه شافعی از علمای بزرگ اهل سنت در قرن هفتم هجری می نویسد: معنای حدیث غدیر آن است که هر که من نسبت به خود او، سزاوارتر در تصرف یار، یاور، وارث و یا پشتیبان و دوست صمیمی او هستم علی هم برای او چنین است و این کلام در تخصیص علی به این فضیلت بزرگ صریح بوده و جایگاه او را نسبت به دیگران همچون جایگاه خود قرار داده و چنین خصوصیتی برای هیچ کس دیگر وارد نشده، این حدیث از اسرار سخن خدای تعالی است.

... و مضمون آن در آیه مباهله آمده، همانا علی از همه بر مومنان اولی و سزاوارتر

۱- ۱. مجموعه رسائل امام غزالی ص ۴۸۳ _ مکتبه التوفقیه مصر ... سرالعالمین و کشف ما فی الدارین ج ۱ ص ۱۸ امام غزالی

۲- ۲. سیر اعلام النبلاء ذهبی ج۱۹ ص ۳۲۲ _ الغزالی الشیخ الامام البحر؛ حجه الاسلام اعجوبه الزمان زین الدین... سیر اعلام النبلاء ج۱۴ ص ۲۲، میزان الاعتدال ذهبی ج۲ ص ۲۴۸ رقم ۱۸۷۵؛ قال ابوحامد غزالی فی کتاب سرالعالمین لسان المیزان ابن حجر ج۲ ص۹۴۵ رقم ۹۵، سیر اعلام النبلاء ج۱۹ ص ۳۲۸

است و یار، یاور و آقای مومنان است، هر معنایی که امکان استفاده از لفظ مولی برای پیامبر باشد همان برای علی می باشد و پیامبر این مرتبه بلند، منزلت دست نیافتنی، درجه عالی و جایگاه بالا را فقط به علی علیه السلام اختصاص داده و نه به هیچ کس دیگر، از این روست که روز غدیر، روز عید و موسم سرور برای دوست داران علی است _ (۱)_ فیکون معنی الحدیث: من کنت اولی به او ناصره او وارثه او عصبته اوحمیمه او صدیقه فان علینا منه کذلک و هذا صریح فی تخصیصه لعلی بهذه المنقبه العلیه و جعله لغیره کنفسه ... بما لم یجعله لغیره و لیعلم ان هذا الحدیث هو من اسرار قوله تعالی فانه اولی بالمومنین و ناصر المومنین و سید المومنین و کل معنی امکن اثباته مما دل علیه لفظ المولی لرسول الله فقد جعله لعلی علیه السلام و هی مرتبه سامیه و منزله شاهقه و درجه علیه و مکان رفیعه خصه بها دون غیره

(۳) سبط بن جوزی حنفی می نویسد: دهمین معنای واژه مولی در حدیث: من کنت مولاه اولی و برتر است... و چون ثابت شد که مولی به معنای اولی است، فهمیده می شود که معنای کلمه مولی در نهایت بازگشت به وجه دهم آن دارد که جمله آیا من بر جان مومنان برتر از خودشان نیستم؟ تصریح آشکاری است بر اثبات امامت و پذیرفتن طاعت و پیشوایی _

فاما قوله من کنت مولاه ... و العاشر بمعنی الاولی ... فتعین الوجه العاشر و هو الاولی و معنا من کنت اولی به من نفسه فعلی اولی به ... فعلم ان جمیع المعانی راجعه الی الوجه العاشر و دل علیه ایضا قوله، الست اولی بالمومنین من انفسهم و هذا نص صریح فی اثبات امامته و قبول طاعته (۲)

(۴) گنجی شافعی می نویسد: اگر چه از ظاهر این حدیث بر می آید که رسول خدا، جانشین تعیین نکرده ولی حدیث غدیر خم، دلیل بر تعیین سرپرست است که به معنای جانشین رسول خدا است

و هذا الحدیث و ان دل علی عدم الاستخلاف لکن حدیث غدیرخم دلیل علی التولیه و هی الاستخلاف (۳)

علامه للزرکلی در کتاب الاعلام درباره گنجی شافعی می نویسد: محمد بن یوسف بن محمد ابوعبدالله بن الفخر الکنجی، محدث از شافعی مذهب ها و اهل کنجه بین

۱- ۱. مطالب السوول فی مناقب آل الرسول ص ۴۵ _ ص ۴۴ کمال الدین محمدبن طلحه الشافعی

۲- ۲. تذکره الخواص ص ۳۷؛

۳- ۳. کفایه الطالب ص ۱۶۶ باب ۳۶،

اصفهان و خوزستان بود، به دمشق رفت(۱)

شوکانی سلفی در کتاب الفتح الربانی _ اقوال گنجی استناد کرده و او را شافعی می دان (۲)

حاجی خلیفه از علمای اهل سنت، محمد بن یوسف گنجی، را از علمای شافعی معرفی می کند (۳)

عمر رضا کحاله از علمای معاصر اهل سنت در معجم المولفین ج۳ ص ۷۸۷، گنجی را از علمای شافعی می داند، عبدالعزیز بن فیصل الراجح از علمای وهابی عربستان سعودی، محمد بن یوسف گنجی، را از علمای شافعی می داند (۴)

ذهبی در تذکره الحفاظ ج۴ ص ۱۵۶، گنجی را از علمای شافعی مذهب معرفی می کند _ والمحدث المفید فخر الدین محمدبن یوسف الکنجی قتل بجامع دمشق لدبره و فضوله... در کتاب الرساله للشافعی ص ۶۱ و ص ۶۸ نام گنجی در ردیف گروه علمای شافعی ذکر شده است؛

(۵) ابراهیم بن سیار، مشهور به نظام معتزلی می گوید: امامت محقق نمی شود مگر با نص و سخن روشن از طرف خدا و یا پیامبر، این در حالی است که رسول خدا، در موارد گوناگون آن هم به صورتی آشکار و واضح که امر بر مردم متشبه نشود بر امامت علی علیه السلام ، تصریح کرد، ولی عمر ابن الخطاب آنرا در روز سقیفه که روز بیعت گرفتن بر خلافت ابوبکر بود انکار کرد(۵)

وقد نص النبی علی علیٍّ رضی الله عنه فی مواضع و اظهر اظهاراً لم یشتبه علی الجماعه الا ان عمر کتم ذلک و هو الذی تولی بیعه ابی بکر یوم السقیفه

(۶) تقی الدین مقریزی می نویسد: در روز ۱۸ ذی الحجه سال ۳۶۲ هجری قمری که روز عید غدیر است گروهی از اهالی مصر و مغرب زمین و به اتفاق آنها عده ای دیگر برای دعا دور هم گردآمدند؛ زیرا آن روز عید بود و رسول خدا در آن روز

۱- ۱. الاعلام زرکلی ج۷ ص ۱۵۰؛

۲- ۲. الفتح الربانی من فتاوی الامام شوکانی ج۱ ص ۹۷۳،

۳- ۳. کشف الظنون ج۲ ص ۴۹۷

۴- ۴. قمع الدجاجله الطاعنین فی معتقد ائمه الاسلام الحنابله ص ۱۲۲

۵- ۵. الملل و النحل ج۱ ص ۵۷ عبدالکریم شهرستانی

امیرالمومنین علی ابن ابی طالب را برگزیـد و او را خلیفه و جانشـین خود قرار داد ــ (۱)ــ و فی یوم ثمانیه عشـر من ذی الحجه سنه ۳۶۲ و هو یوم الغدیر ... لانه یوم عید لان رسول الله عهد الی امیرالمومنین علی ابن ابی طالب فیه و استخلفه

(۷) سـعد الـدین تفتـازانی یکی از دیگر علمـای اهل سـنت می نویسـد منظور نبی اسـلام از عبارت من کنت مولاه فعلی مولاه، امامت علی ابن ابی طالب، بعـد از خودشان است به قسـمتی از سـخنان او توجه می کنیم او می نویسـد: مولی در این حدیث به معنی اولی و سـرپرست است... و سزاوار است که در حدیث غدیر از کلمه مولا همین معنا (یعنی اولی به تصرف) اراده شود تا با صـدر حـدیث مطابقت پیدا کند .... زیرا معنا ندارد که پیامبر مردم را در آن گرمای طاقت فرسا و چنان مکانی برای این معنا جمع کرده باشـد که فقط علی را دوست بداریـد!!! و مخفی نمانـد که ولایت بر مردم سـرپرستی و مالکیت تـدبیر امور مردم و تصرف در شئون زندگی آنان همانند منزلت پیامبر با معنای امامت سازگاری دارد

ولاخفاء فی ان الولایه بالناس التولی و المالکیه لتدبیر امرهم و التصرف فیهم بمنزله النبی هو معنی الامامه (۲)

(۸) سـید امیر محمـد یمنی در کتاب الروضه النـدیه در شـرح التحفه العلویه پس از ذکر طرق حـدیث غـدیر از فقیه حمیـد نقل نموده که لفظ مولی که در جمله من کنت مولاه فهـذا علی مولاه به کار رفته است در صورتی که بـدون قید و مطلق اسـتعمال شود دارای قرینه نباشد به معنی مالک در تصرف در امور مردم خواهد بود

من کنت مولاه فهذا علی مولاه و المولی اذا اطلق من غیر قرینه فهم منه انه المالک و المتصرف

(۹) شـیخ احمد عجیلی شافعی در کتاب ذخیره المال شـرح جواهر الال فی فضایل المال پس از نقل حدیث غدیر می نویسد: و این از محکم ترین دلیـل هـا می باشـد بر اینکه علی علیه السـلام ، سـزاوارتر به امـامت و خلافت و صـداقت و یاری و تبعیت از جهت احوال و اوقات و خصوص و عموم است

و هو من اقوی الادله علی ان علیاً رضی الله عنه اولی بالامامه و الخلافه و الصداقه و النصره و الاتباع ...

۱– ۱. المواعظ و الاعتبار یذکر الخطط و الاثار ج۲ ص ۲۲۲

۲– ۲. شرح المقاصد المقصد السادس فی الامامه ج۳ ص ۵۰۴ شرح المقاصد ج ۲ ص ۲۹۰.

(۱۰) ابن حجر مکی در صواعق المحرقه ص ۹۰ بعد از ذکر حدیث ثقلین و حدیث امان و عدم جدایی اهل بیت از قرآن، می نویسد: و اینکه شایسته ترین فرد، امام و پیشوای آنان، حضرت علی ابن ابی طالب است اینکه ما از علمش و نکته سنجیهای ظریفانه اش سخن گفتیم، سپس ابوبکر گفت: علی علیه السلام از عترت رسول خداست و علی کسی است که تاکید شده از او پیروی کنیم و اوست که در روز غدیرخم مشخص شد جهت پیروی که علی ابن ابی طالب باشد

ثم احق من یتمسک به منهم امامهم و عالمهم علی ابن ابی طالب کرم الله وجهه لما قدمناه من مزید علم و دقائق مستنبطاته و من ثم قال ابوبکر: علی عتره رسول الله، ای الذین حث علی التمسک بهم فخصه لما قلنا و لذلک خصه بمامر یوم غدیر خم

۱۱_ ابوالمجد مجدود بن آدم معروف به حکیم نسائی، او در مدح حضرت امیر می گوید: نائب مصطفی به روز غدیر... کرده بر شرع خود مرا او را میر _ حدیقه الحقیقه

۱۲_ عطار نیشابوری در اشعارش می نویسد: چون خدا، گفته است در خم غدیر.. با رسول الله زآیات منیر.... مرتضی والی در این ملک من است.... هر که این سر را نداند او زنست...

۱۳ _ سعید الدین فرغانی او در شرح یک بیت از ابن فارض که می گوید: و اضح بالتاویل ما کان مشکلاً .... علی یعلم ناله بالوصیه: می نویسد: در این شعر به این مطلب اشاره شد که علی کسی است که مشکلات کتاب و سنت را بیان کرد به توسط علمی که به او رسیده است واضح خواهد کرد زیرا پیامبر او را وصی و قائم مقام خود قرار داد آن هنگام که فرمود: من کنت مولاه فعلی مولاه _ شرح ثانیه ابن فارض، فرغانی _ جعله النبی وصیه و قائما مقام نفسه بقوله من کنت مولاه فعلی مولاه و ذلک کان یوم غدیر خم

۱۴_ شهاب الدین دولت آبادی می نویسد: حدیث غدیر بر خلافت و نیابت علی از سوی پیامبر و نیز بر وجوب اطاعت و تبعیت از او دلالت دارد _ ان حدیث الغدیر یدل علی خلافه امیر المومنین و نیابته عن رسول الله و انه یدل علی وجوب اطاعته علی و لزوم اتباعه(۱)

۱- ۱. هدایه السعداء خطی _ نفحات الازهار میلانی ج ۹ ص ۲۱۱

۱۵ _ مولوی محمد اسماعیل دهلوی برادر زاده دهلوی معروف می نویسد: از جمله این امور در معنای حدیث غدیر، ثبوت ریاست است، یعنی همان گونه که پیامبران الهی نوعی از ریاست را نسبت به امت خویش داشته و می توانستند در امور دنیایی امت های خود دخالت کنند برای رسول خدا، چنین اختیاری وجود دارد؛ همانگونه که در سخن خداوند آمده النبی اولی بالمومنین من انفسهم، همین طور، برای امام نیز همین اختیارات وجود دارد، یعنی همان ریاست بر امت در امور دنیا و آخرت وجود دارد؛ لذا، پیامبر در روز غدیر فرمود: آیا من بر مومنان از نفوس آنان اولی و سزاوارتر نیستم گفتند: بله سپس فرمود: هر کس من مولای او هستم پس از من علی مولای اوست.

و منها: ثبوت الرئاسه... کذلک الامام فانه یکون له مثل تلک الرئاسه علی تلک الامه فی الدنیا و الاخره؛ فان النبی قال: الستم تعلمون انی اولی بالمومنین من انفسهم؟ قالوا: بلی فقال: اللهم من کنت مولاه فعلی مولاه (۱)

حسان بن ثابت «شاعر معروف زمان رسول اکرم» در واقعه غدیر خم؛ حضور داشت با اجازده و اذن نبی اکرم، اشعاری در مدح مولا علی در غدیر خم، سرود که اشاره صریح به امامت و خلافت مولا علی علیه السلام دارد، ترجمه بعضی از اشاره او این است می گوید: پیامبر مسلمانان روز غدیر در وادی خم به آنان ندا داد، پس به ندای رسول خدا، گوش دهید فرمود: چه کسی مولا و نبی شماست؟ ایشان نیز حق او را انکار نکرده و به صراحت پاسخ دادند، مولای ما همان خدای توست، و تو هم (پیامبر)، مولای ما هستی و تا بحال عصیانی از ما ندیده ای پس پیامبر به علی فرمود: برخیز ای علی زیرا من از اینکه تو امام و هادی باشی راضی هستم

فقال له قم یا علی فاننی .... رضیتک من بعدی اماماً و هادیاً(۲)

عمر عاص لعنت الله علیه، از جمله کسانی است که در قالب اشعاری که معروف است به قصیده ی جلجلیه به واقعه غدیر خم اشاره کرده و تاکید صریح نموده که مولا

۱- ۱. نزهه الخواطر ج ۷ ص ۶ _ ص ۵۶

۲- ۲. المناقب اخطب خوارزمی حنفی ح۱۵۲ ص۱۳۵ مناقب ابن مردویه ص ۲۳۲ ح ۳۳۴؛ نظم در رالسمطین زرندی حنفی ص ۱۱۲، فرائد السمطین حموئی شافعی ج ۱ ص ۷۳، مقتل الحسین خوارزمی ص ۸۱ تذکره الخواص ص ۳۹؛ النور المشتعل ما نزل من القرآن فی علی ابونعیم ص ۵۷، کفایه الطالب گنجی شافعی ص ۶۴، الازهار سیوطی ص ۱۹، الغدیر علامه امینی ج۲ ص ۵۰

علی در روز غدیر خم به امامت اهل ایمان نصب شدند به امر خدا و رسول خدا (۱)

و کم قدسمعنا من المصطفی وصایا مخصصه فی علی، و فی یوم خم رقی منبرا یبلغ و الرکب لم یرحل؛ ... انت بکم منکم فی النفوس بـا ولی؟ فقالوا: بلی فافعل فانحله امرالمومنین من الله مستخلف المنحل: شـهی کز پیمبر بامر اله، شـد او بر همه سـرور و دادخواه، چه بسـیار در هر مقام که تصـریح فرمود او را بنام، بروز غدیر آن شه انبیاء به منبر آمد چون بدر سـماء که آیا نیم من سزاوارتر زجان شـما بر شـما سـر بسـر؟ بگفتند: آری تو اولی زما بما هستی ای سـرور و رهنما درآندم نمود آن شه ملک دین، علی را امیر همـه مـومنین،(۲)، نـبی اکرم در خطبـه شـریفه غـدیرخم بـا صـراحت و روشـنی بـه امـامت مولاـ علی و ۱۱ فرزند معصومش اشاره کرده برای نمونه

معاشر الناس... ان علی بن ابی طالب اخی ... و خلیفتی و الامام من بعدی. (۳)

فـاعلموا معاشـر الناس: ان الله قـد نصـبه لکم ولیا و اماماً مفترضاً طاعته علی المهاجرین و الانصار و علی التعابعین لهم باحسان و علی البـادی و الحاضـر و علی الاـعجمی و العربی و الحر و المملـوک و الصـغیر و الکـبیر و علی الاـبیض و الاـسود و علی کل موحـد....، ثم من بعـدی علی ولیکم و امامکم بامر الله ربکم ثم الامامه فی ذریتی من ولـده الی یوم تلقون الله و رسوله، و ما من علـم الاـعلمته علیاً و هـو الامـام المـبین...، معاشـر النـاس: انه امـام من الله ... ؛ معاشـر النـاس: هـذا علی اخی و وصـیی ...و امـام الهـادی....، اللهم انـک انزلت علیّ ان الامـامه بعـدی لعلی ولیـک، معاشـر النـاس: انمـا اکمل الله عزوجل دینکم بامامته، معاشـر الناس: انی ادعها امامه و وارثه فی عقبی الی یوم القیامه، معاشـر الناس: ... و هذا علی امامکم و ولیکم، وانهما سـید اشـباب اهل الجنه و انهما الامامان بعد ابیهما علی،

نبی اکرم فرمود: ای مردم بدانید که خداوند متعال علی ابن ابی طالب را بر شـما ولی و امام قرار داده و اطاعت او را به نیکویی بر تمام گروههای مهاجر و انصار و تابعین آنان و بر حاضر و غائب و عرب و عجم کوچک و بزرگ و عبد و آزاد و بر هر

۱- ۱. الغدیر علامه امینی ج۲ ص ۱۷۰

۲- ۲. لطائف الاخبار الدول، اسحاقی ص۴۱، مغنی اللبیب ازهری ج۱ ص ۸۲؛ المناقب ابن شـهر آشوب ج۳ ص ۱۰۱؛ الانوار النعمانیه ص ۴۳؛ خلاصه عبقات الانوار ج۴ ص ۲۰۳ النصاح الکافیه، محمـد بن عقیل ص ۱۱۴، کشف الغمه اربلی ج۱ ص ۵؛ اللئالی المنتظمه ص ۶۳، گروه رستگاران [فرقه ناجیه] آیت الله سلطان الواعظین شرازی ج۲ ص ۱۶۰۲ دو نسخه از این قصیده در دو مجموعه کتابخانه خدیوی مصر و در ج ۴ ص ۳۱۴ فهرست کتابخانه چاپی مزبور ضبط شده است، ابن ابی الحدید قطعه ای از آنرا در ج ۲ ص ۵۲۲ شرح نهج البلاغه روایت نموده، الغدیر امینی ج ۲ص ۱۷۰

۳- ۳. احتجاج طبرسی ج۱ ص ۱۲۶

خداپرست واجب فرموده است (۱)، احتجاج النبی یوم الغدیر علی الخلق کلهم و فی غیره من الایام بولایه علی ابن ابی طالب و من بعده من ولده من الائمه المعصومین، جناب وهابی، یکی دیگر از دلائل قرآنی و تاریخی و حدیثی که ثابت می کند واقعه غدیر خم، درباره امامت و خلافت مولا علی علیه السلام است، قضیه حارث بن نعمان فهری است، امام صادق علیه السلام از مولا علی نقل می کند که رسول خدا در روز غدیر خم، علی را به امامت نصب کرد و گفت: هر کس که من مولای او هستم علی مولای اوست، این جریان در شهرها، شایع شد، نعمان بن حارث نزد نبی اکرم آمد و گفت: به ما فرمان دادی که گواهی بدهیم معبودی جز خدا نیست و تو پیامبر خدا هستی و ما را به جهاد و حج و نماز و زکات و روزه فرمان دادی و ما آنها را از تو پذیرفتیم آنگاه راضی نشدی تا اینکه این جوان را به امامت نصب کردی و گفتی هر کس که من مولای او هستم علی مولای اوست، آیا این کار از جانب خودت بود یا امری از خدا بود؟ پیامبر گفت: امری از جانب خدا بود، نعمان برگشت و در حالی که می گفت: خدایا اگر این حق و از جانب توست، برای ما سنگی از آسمان بباران و یا عذابی دردناک به ما بفرست، پس خدا سنگی بر سر او فرود آورد و او را کشت و خداوند این آیه را نازل کرد سأل بعذاب واقع [سوره معارج آیه ۱ و ۲] (۲)جناب وهابی اگر منظور من کنت مولاه فعلی مولاه در غدیر خم فقط به معنای دوستی و محبت به مولا علی بود، چرا، حارث بن نعمان ناراحت شد و به پیامبر اعتراض کرد و تقاضای عذاب از خداوند

۱- ۱. الاحتجاج علی اهل اللجاج، احمد بن علی طبرسی ج۱ ص۱۱۸

۲- ۲. منابع روائی و تفسیری اهل سنت در ذیل آیه ۱ و ۲ سوره معارج این قضیه را نقل کرده اند _ الکشف و البیان ثعلبی ج۱۰ ص ۳۵، الجامع الاحکام القرآن ج ۱۹ ص ۲۷۸، روح المعانی آلوسی ج ۱۵ ص ۶۲، السمعانی در عنوان الشعرانی از کتاب الانساب ج۸ ص ۱۰۷؛ مراح لبید لکشف معنی القرآن المجید ج۲ ص ۵۶۱، نظم در رالسمطین ص ۹۳، فرائد السمطین ج۱ ص ۸۲، نورالابصار ص ۸۷ فیض القدیر ج۶ ص ۲۱۸، تذکره الخواص ص ۳۰، فصول المهمه ص ۴۱، جواهر العقدین ص ۱۷۹؛ ارشاد العقل السلیم ابوسعود عمادی ج۹ ص ۲۹، السراج المنیر، شمس الدین شافعی ج۴ ص ۳۸۰، الاربعین فی مناقب امیر المومنین ص ۴۰ سید جمال الدین شیرازی، السیره الحلبیه ج ۳ ص ۲۷۴، وسیله المال ص ۱۱۹ احمد بن با کثیر مکی شافعی، نزهه المجالس صفوری ج۲ ص ۲۰۹، شرح جامع الصغیر ج۲ ص ۳۷۸ شمس الدین حنفی شافعی، شرح المواهب اللدنیه ج۷ ص ۱۳ زرقانی مالکی، ینابیع الموده ص ۲۷۴، تفسیر المنار ج۶ ص ۴۶، تفسیر شفاء الصدور ذیل آیه، تفسیر غریب القرآن ذیل آیه، مرحوم علامه امینی در کتاب شریف الغدیر ج ۱ ص ۴۱۷، اسامی ۲۹ نفر از علمای اهل سنت را ذکر می کند که این قضیه حارث بن نعمان را نقل کرده اند

نمود؟

فقدم علی رسول الله النعمان بن الحرث الفهری فقال: امرتنا عن الله ان نشهد ان لا اله الا الله و انک رسول الله و امرتنا بالجهاد و الحج و الصلاه و الزکاه و الصوم فقبلنا ها منک ثم لم ترض حتی نصب هذا الغلام فقلت: من کنت مولاه فهذا مولاه، فهذا شیء منک اوامر من عندالله؟ قال: امر من عندالله... فولی النعمان و هو یقول: اللهم ان کان هذا هو الحق من عندک فامطر علینا حجاره من السماء اواد ائتنا بعذاب الیم، فرماها الله بحجر علی راسه فقتله فانزل الله تعالی [سأل سائل] (۱)

امام ثعلبی از مفسران نامی و معتبر اهل سنت در ذیل آیه ۱ و ۲ سوره معارج این قضیه فرود آمدن سنگ عذاب آسمانی بر منکر امامت مولا علی یعنی حارث بن نعمان را ذکر و نقل می کند و منکر نمی شود وقتی منکر این قضیه تاریخی و تفسیری نمی شود؛ دلیل بر قبول کردن اوست؛ یا قوت حمویی درباره ثعلبی می نویسد: بهترین دانشمند، دریای علم، ستاره درخشان آسمانها مایه زینت ائمه ۴ گانه، مایه افتخار، بلکه برتر از این اوصاف می باشد، تفسیر الکشف و البیان برای اوست _ (۲)ابن خلکان درباره ثعلبی می نویسد: و مفسری مشهور و بی همتا در زمان خود که کتاب تفسیرش سرآمد همه تفاسیرها گشت (۳)

_ و هذا السائل هو النضربن الحارث ... و قیل هو الحارث بن نعمان الفهری ...، موید این آیه و تفسیر در قرآن، آیه ۳۲ سوره مبارکه انفال می باشد: و اذا قالوا اللهم ان کان هذا هو الحق من عندک فامطر علینا حجاره من السماء او ائتنا بعذاب الیم:

به خاطر بیاور؛ هنگامی را که گفتند: خدایا اگر این سخن همان حق از سوی تو است، پس بر ما از آسمان، سنگ هایی باران یا عذابی دردناک بر سرما فرو فرست، در تفسیر لاهیجی ج۲ ص ۱۸۶، تفسیر اثنا عشر ج۴ ص ۳۳۳ تفسیر نمونه ج۷ ص ۱۵۲، اطیب البیان ج ۶ ص۱۱۱، جوامع الجامع ج ۲ ص ۱۷، تفسیر صافی ج۲ ص

۱- ۱. شواهد التنزیل حاکم حسکانی حنفی ح ۱۰۳۰ ص ۳۵۰

۲- ۲. معجم الادباء او ارشاد الاریب الی معرفه الادیب ج۳ ص ۵۶۱،

۳- ۳. و فیات الاعیان و انباء ابناء الزمان ج ۱ص ۷۹ _ احمد بن محمد بن ابراهیم ابواسحاق النیسابوری الثعلبی صاحب تفسیر المشهور و العرائس فی قصص الانبیاء کان او حد فی زمانه فی علم القرآن بارعا فی العربیه حافظ موثقا _ طبقات المفسرین _ سیوطی ج۱ ص ۲۸، سیر اعلام النبلاء ذهبی ج۱۷ ص ۴۳۵ شماره ۲۹۱ _ الامام، الحافظ العلامه شیخ التفسیر ... تفسیر قرطبی ج ۱۸ ص ۲۵۶ مکتبه اسلامیه فتح القدیر شوکانی سلفی ج۵ ص ۳۴۴ مکتبه شامله

۲۹۹ تفسیر نورالثقلین ج۲ ص ۱۵۱ و مرحوم علامه مجلسی در بحار الانوار ج ۳۷ ص ۱۷۳ ح ۶۰، قضیه عمر بن الحارث فهری را نقل می کنند در ذیل آیه ۳۲ سوره انفال و آیه ۱ و ۲ سوره معارج

فقام الاعرابی مسرعاً الی بعیره و هو یقول: اللهم ان کان هذا هو الحق من عندک فامطر علینا حجاره من السماء .... ابن مردویه از علمای بزرگ اهل سنت در المناقب خود ج۱ ص ۲۴۸ این قول و لفظ آیه ۳۲ سوره انفال را، از حارث فهری بعد از قضیه انتخاب شدن مولا علی در غدیر خم به امر نبی اکرم جهت خلافت نقل کرده(۱)

یکی دیگر از دلائل و قرائنی که نشان می دهد، معنای من کنت مولاه فعلی مولاه در غدیر خم، مسئله دوستی علی علیه السلام نبوده بلکه مسئله و موضوع امامت و خلافت و جانشینی او بوده تبریک جناب، عمر ابن الخطاب در واقعه غدیرخم به مولا علی بوده است پس از آنکه با مولا علی در غدیر خم، بیعت کرد گفت، به به ای پسر ابوطالب شادشدیم که تو مولای من و مولای هر زن و مرد مسلمانی تا روز قیامت شدی قال فلقیه عُمر بعد ذلک فقال له هنیاء یا بن ابی طالب اصبحت وامسیت مولی کل مومن و مومنه(۲)

ملا علی قاری درباره این سخن عُمر می گودید: این روایت را احمد در مسند خود نقل کرده است کمترین درجه این حدیث این است که حسن باشد پس سخن کسانی که به این روایت ایراد گرفته اند ارزش ندارد (۳)

فقال عُمر: بخ بخ لک یا اباالحسن لقد اصبحت مولای و مولی کل مومن و مومنه، قال عُمر لعلی علیه السلام بخ بخ یا علی اصبحت مولی کل مومن و مومنه الی یوم

ص:۴۸۱

۱- ۱. مناقب ابن مردویه ج ۱ ص ۳۴۰، ینابیع الموده ج۲ ص ۳۷۰

۲- ۲. مسند احمد حنبل ج۴ ص۲۸۱ ح ۱۸۵۰۲، فضائل الصاحبه احمد حنبل ج۲ ص ۵۹۶ ح ۱۰۱۶ و ج ۲ ص ۶۱۰ ح ۱۰۴۲، مصنف ابن ابی شیبه ج ۶ ص ۳۷۲ ح ۳۲۱۱۸، الشریعه ج ۴ ص ۲۰۵۱ ابی بکر اجری، الامالی الخمیسیه جرجانی ج۱ ص۱۹۰، تاریخ دمشق ابن عساکر ج۴۲ ص ۲۲۱، ذخائر العقبی طبری ج۱ ص ۶۷، تاریخ الاسلام ذهبی ج۳ ص ۶۳۲، البدایه و النهایه ابن کثیر ج ۷ ص ۳۵۰؛ الحاوی للفتاوی سیوطی ج ص۷۸

۳- ۳. مرقاه المفاتیح ج۱۱ ص ۷۸ تاریخ بغداد ج۸ ص ۲۸۹ سر العالمین غزالی ص ۲۱ اربعین فخررازی ص ۴۷۳، تفسیر کبیر رازی ج۱۲ ص ۴۹ کفایه الطالب گنجی ص ۵۵ باب ۱ تاریخ ابن خلدون ج۱ ص ۱۹۷، مناقب خوارزمی ص ۱۵۵ ح ۱۸۳، ینابیع الموده ج۲ ص ۲۸۴، غرائب القرآن نیشابوری ج۶ ص ۱۲۹

القیامه (۱)

از جمله دلائلی که نشان می دهد منظور نبی اکرم از عبارت من کنت مولاه فعلی مولاه، دوستی و محبت علی علیه السلام نبوده بلکه منظور امامت و خلافت مولا علی بوده، خودِ سخن شریف نبی اکرم در قالب خطبه غدیر خم است که منابع اهل سنت نقل کرده اند، نبی اکرم فرمود: ای مسلمین آیا من نسبت به مومنین از جانهای آنها اولی و سزاوار و برتر نیستم؟ مردم گفتند: آری ای رسول خدا، سپس رسول اکرم فرمود: آگاه باشید هر کس من مولای او هستم علی مولای اوست

و اخذ بیدعلی و قال: الست اولی بالمومنین من انفسهم؟ قالوا: بلی یا رسول الله فقال الا من کنت مولاه فعلی مولاه (۲)

قال ان اولی الناس بالمومنین اهل بیتی قال ذلک ثلاث مرات(۳)_ انهم سمعوا رسول الله یقول لعلی یوم غدیر خم الیس الله اولی بالمومنین؟ قالوا: بلی (۴)_ ایها الناس ان الله مولای و انا مولی المومنین و انا اولی بهم من انفسهم فمن کنت مولاه فهذا مولاه یعنی علیاً (۵)

الستم تعلمون انی اولی بکل مومن من نفسه... فانی من کنت مولاه فهذا مولاه

۱- ۱. علامه امینی در الغدیر ج۱ ص ۴۶۶ از ۶۰ منابع اهل سنت، قضیه تبریک، خلیفه دوم، عمر ابن الخطاب را به مولا علی ذکر نموده است؛

۲- ۲. اسدالغابه ابن اثیر جزری ج۱ص۳۶۷ صواعق المحرقه ابن حجر مکی ص ۴۲ باب ۱فصل ۵، ینابیع الموده قندوزی ج۱ ص ۹۸ ح ۱۱ باب۴؛ مناقب خوارزمی ص ۱۳۴ ح ۱۵۰؛ مسند احمد حنبل ج۴ ص ۲۸۱ مسند براء بن عازب ص ۳۷۰؛ فصول المهمه ابن صباغ ج ۱ ص ۲۳۸ فصل ۱

۳- ۳. ... البدایه والنهایه ابن کثیر ج۵ ص ۲۳۰ ص ۲۳۱ کتاب الحجه الوداع؛ المستدرک حاکم نیشابوری ج ۳ ص ۱۱۹ ح ۴۵۷۸ کتاب معرفه الصحابه؛ کنزالعمال متقی هندی ج۱۳ ص ۱۳۳ح ۳۶۴۲۰؛ اسنی المطالب جزری ص ۴۹ شرح مواقف جرجانی ج۸ ص ۳۶۰ مرصد ۴ مقصد ۳

۴- ۴. تذکره الخواص ابن جوزی ص ۳۸ باب ۲؛ مطالب السئوول ابن طلحه ص ۷۹ و ص ۸۰ باب ۱ فصل ۵؛ کفایه الطالب گنجی ص ۶۳ باب ۱، سنن ابن ماجه ج۱ ص ۴۳ ح ۱۱۶؛ فتح القدیر شوکانی ج۴ ص ۲۶۳ ذیل آیه ۶ سوره احزاب، در المنثور سیوطی ج۵ ص ۳۵۱ ذیل آیه ۶ سوره احزاب حلیه الاولیاء ابونعیم ج۹ ص ۶۴ ح ۴۱۵ سنن الکبری نسائی ج ۵ ص ۱۳۱ ح ۸۴۶۹ باب ۲۷ البحر الزخار المعروف بمسند البزار ج۴ ص ۴۲ ح ۱۲۰۳؛ المصنف ابن ابی شیبه ج۷ فضائل علی ابن ابی طالب ح ۵۵؛ مناقب ابن مغازلی ح ۳۴ و ۲۴ و ۳۶؛ مرقاه المفاتیح شرح مشکاه المصابیح؛ ملا علی قاری ج۹ ص ۳۹۴۳ ح ۶۱۰۳ مکتبه شامله؛ المعجم الکبیر طبرانی ج۳ ص ۱۸۰ مکتبه شامله

۵- ۵. مجمع الزوائد هیثمی ج ۹ ص ۱۶۴_ من کنت اولی به من نفسه فعلی ولیه ح ۱۴۹۵۹ _ مکتبه شامله و ح۱۴۹۶۶؛ جواهر العقدین سمهودی ج۲ ص ۷۹؛ خصائص امیرالمومنین النسائی ج۱ ص ۹۲

(۱)

یکی از دلائل که نشان می دهد، منظور نبی اکرم از عبارت من کنت مولاه فعلی مولاه، دوستی و موالات علی ابن ابی طالب به تنهایی نبوده بلکه مسئله مهم امامت الهی علی ابن ابی طالب بوده و هست، دستور نبی اکرم به مسلمین در وادی غدیر خم به اینکه به علی بعنوان امیر مومنان سلام کنید ــ وسلموا علی علی بامره المومنین (۲)

نبی اکرم در غدیر خم فرمود: ای مردم، همان که به شما گفتم بگویید و به علی با کلمه امیرالمومنین سلام کنید

معاشر الناس: قولوا الذی قلت لکم و سلموا علی علیً بامره المومنین؛

درغدیر خم مسئله نصب و قرار داده شدن مولا علی جهت خلافت و رهبری امت بعد از نبی اکرم بوده است، خلیفه دوم عمر ابن الخطاب می گوید: رسول خدا، علی ابن ابی طالب را علنی و آشکار، نصب کرد، در روز غدیر خم

قال عُمر: نصب رسول الله علیاً علماً (۳)

خداوند متعال نبی اکرم را امر کرد، که علی را نصب کند برای مردم ــ امر الله محمداً ان ینصب علیاً للناس (۴)

مولا علی فرمود: خداوند و رسول خدا من را در روز غدیر خم برای مردم نصب کردند ــ قال علی: بنصبی للناس بغدیر خم ــ (۵)فنصبی للناس بغدیر خم(۶)

ص:۴۸۳

۱- ۱. مناقب ابن مردویه ج۱ ص ۱۲۲، جواهر المطالب فی مناقب الامام علی، ابی البرکات الدمشقی ج۱ ص ۸۴ تاریخ دمشق ابن عساکر ج۴۲ ص ۲۲۸ و ص ۲۱۸ و ص ۱۸۷ و ص ۲۰۹ و ص ۲۱۶ و ص ۲۱۷ و ص ۲۱۹

۲- ۲. مناقب ابن مردویه ج۱ ص ۵۵ و ص ۵۱، تاریخ دمشق ابن عساکر ج ۴۲ ص ۲۰۳ المختصر تاریخ دمشق ابن منظور ج ۵ ص ۴۰۰ و ج ۱۷ ص ۳۷۶، شرح المقاصد ج۵ ص ۲۵۹، احتجاج طبرسی ج۱ ص ۱۴۴

۳- ۳. الغدیر علامه امینی ج۱ ص ۶۲۳،

۴- ۴. شواهد التنزیل حاکم حسکانی حنفی ح۲۴۹ ص ۱۰۸

۵- ۵. فرائد السمطین حموئی شافعی ج۱ ص ۳۱۲ ح ۲۵؛

۶- ۶. اکمال الدین صدوق ج۱ ص ۵۳۳ باب ۲۴ ح ۲۵، بحارالانوار ج ۳۱ ص ۴۱۰؛ کتاب سلیم ص ۱۹۳، التحصین ابن طاوس ص ۶۳۳، غایه المرام ج۱ ص ۱۳۸، ینابیع الموده ج۱ ص ۳۴۶، کتاب الاربعین ماحوزی ص ۴۴۱، جامع الاحادیث بروجردی ج۱ ص ۲۷، فنصبنی رسول الله بغدیر خم ــ الغیبه نعمانی ص ۹۰ ح ۲۹ ش۸، روضه کافی ج ۸ ص ۳۴۴، بصائر الدرجات ص ۴۵۵، نصب رسول الله ایای للناس بغدیر خم بامرالله عزوجل بحار الانوار ج۳۳ ص۱۴۷، ینابیع الموده قندوزی حنفی ج۱ ص ۳۴۳، لان الله و رسوله نصب الامام علماً لخلقه ــ بصائر الدرجات ج۱ ص ۴۳۳، اصول کافی ج۸ ص ۳۴۳، معانی الاخبار صدوق ج ۱ ص ۱۰۲

لاـن رسول الله نصب علياً و عرفه الناس باسـمه و عينه ... رسول اسـلام در وادی غـدیر خم، به صـحابه و مسـلمین حاضـر در آن وادی و بیابان، دسـتور داد و امر کرد با علی علیه السـلام و به نیت سایر ائمه هـدی از فرزنـدان علی بیعت زبانی و قلبی و دستی کننـد، جناب وهابی اگر واقعه غدیر خم، درباره دوستی علی علیه السـلام ، فقط و فقط بوده، معنا و مفهوم نداشت، نبی اکرم از مسـلمین برای خلاـفت و امـامت علی و اولاـد معصوم علی بیعت و پیمـان و تعهـد دینی بگیرد؟ نبی اکرم فرمود: بدانیـد پس از پایان خطبه ام، شـما را دعوت می کنم با من بیعت نموده با من دست دهیـد؛ سـپس همه با علی دست داده و بیعت نمایید پس هر که پیمان بشکند، بی شک به زیان خود، قدم برداشته

الاـ وانی عنـد انقضـاء خطبتی ادعوکم الی مصـافقتی علی بیعته و الاـقرار به ثم مصـافقته بعـدی الاـوانی قـد بایعت الله و علی قد بایعنی و انا اخذکم بالبیعه له عن الله (۱)

نـبی اکرم فرمود: ای مردم، تعـداد شـما، بیش از آن است که بـا من دست بیعت دهیـد و خداونـد مرا مـامور کرده تـا از شـما، درباره امارت علی ابن ابی طالب، و امامان پس از او که همه از صـلب من و اوینـد اقرار زبانی بگیرم پس همگی بگویید: گفته هایت را شـنیدم و به نصب علی وفرزنـدان صـلبی او به امارت مسـلمین راضـی و فرمانبرداریم و با تو در اینباره با قلبها و جان و زبان و دسـتهایمان بیعت می کنیم بر این عهـد زندگی می کنیم و می میریم و برانگیخته خواهیم شد و نه تغییر و تبدیلی در آن دهیم و نه هیـچ شـک و تردیـدی در آن کنیم و از عهـد خود بازنگردیم و زیر پیمان خود نزنیم و تا آخر مطیع خداونـد بوده و گوش بفرمان شما و علی امیرمومنان و امامان از نسل تو و صلب علی پس از حسن و حسین خواهیم بود... و نیز بگوئید در تمام مواردی که گفتی، خدا، را اطاعت می کنیم و گوش بفرمان تو و علی و حسن و حسـین و ائمه هستیم، این عهد و پیمانی اسـت که برای امارت مسلمین با قلب و جان و زبان نمودیم و با دست بیعت کردیم

معاشـر الناس: انکم اکثر من ان تصافقونی بکف واحـده و قد امرنی الله عزوجل ان اخذ من السـنتکم الاقرار بما عقدت لعلی من امره المومنین و من جاء بعده من الائمه منی و منه علی ما اعلمتکم ان ذریتی من صلبه فقولوا باجمعکم: انا

ص:۴۸۴

۱- ۱. احتجاج طبرسی ج۱ ص ۱۴۰

سـامعون مطیعون راضون منقـادون لمـا بلغت عن ربنـا و ربـک فی امر علی و امر ولـده من صـلبه من الائمه؛ نبایعک علی ذلک بقلوبنا و انفسـنا و السنتنا و ایدینا... _ (۱)وقولوا: اطعنا الله بذلک و ایاک و علیا و الحسن و الحسـین و الائمه الذین ذکرت عهداً و میثاقاً ماخوذ لامیر المومنین من قلوبنا و انفسنا و السنتنا و مصافقه ایدینا (۲)

نبی اکرم فرمود: ای مردم از خدا بترسید و با علی امیرالمومنان و حسن و حسین و امامان که مانند سخن پاکیزه و پایدارند بیعت کنید و بدانید خداوند پیمان شکنان را هلاک می کند و وفاداران را مشمول رحمتش قرار می دهد، ای مردم، پیشی گیرندگان به بیعت و دوستی او [علی و ائمه] و سـلام کنندگان به او به کلمه امیرالمومنین آنان رسـتگارانند در بهشت پرنعمت ... پس ندا از جماعت برخاست: با قلب و زبان و دسـتهایمان _ فرمان خـدا و رسول او را شـنیدیم و اطاعت نمودیم، سـپس بسوی پیامبر و علی هجوم آورده و با زدن دست به دست پیامبر با او بیعت نمودند و نخست اولی و دومی و سومی و چهارمی و پنجمی و پس از آنان دیگران بنابر مقام و منزلتشان بیعت کردنـد و این کار تا اقامه نماز مغرب و عشاء که با هم خوانـده شـد تا سه بار، ادامه یافت و رسول خدا در اثنای هر بیعت می فرمود: حمد و سـتایش مخصوص خداوندی است که ما را بر همه مردم برتری داد، و از همینجا، زدن دست هنگام بیعت سنت و رسم شد

معاشـر النـاس: فاتقوا الله و بایعوا علیاً امیرالمومنین و الحسن و الحسـین و الائمه کلمه طیبه باقیه، یهلک الله من غـدر و یرحم الله من وفی ...معاشـر النـاس: السـابقون الی مبـایعه و موالاـته و تسـلیم علیه بـامره المومنین؛ اولئک هم الفائزون فی جنات النعیم ... فناداه القوم: سـمعنا و اطعنا علی امر الله و امر رسوله بقلوبنا و السـنتنا ایدینا و تداکوا علی رسول الله و علی علیً؛ فصافقوا بایدیهم ... الی ان صـلیت المغرب والعتمه فی وقت واحـد و واصـلوا البیعه و المصافقه ثلاثا و رسول الله یقول کلما بایع قوم: الحمـد لله الذی فضلنا علی جمیع العالمین و صارت المصافقه سنه و رسما ... (۳)

مورخ شهیر، ابن خاوندشاه می نویسد: پس رسول خدا فرود آمد و در خیمه

۱- ۱. احتجاج طبرسی ج۱ ص ۱۴۲_

۲- ۲. احتجاج طبرسی ج۱ ص۴۳،

۳- ۳. احتجاج طبرسی ج۱ ص ۱۴۴ و ص۱۴۵؛ الغدیر علامه امینی ج۱ ص ۴۶۴ و ص ۴۶۵

مخصوص بنشست و فرمود: که امیرالمومنین علی در خیمه دیگر بنشیند بعد از آن طبقات خلایق را امر کرد به خیمه علی رفتند و زبان به تهنیت آن حضرت گشودند و چون مردم از این امر فارغ شدند، همسران پیامبر به فرموده رسول خدا، نزد علی رفته او را تهنیت گفتند (۱)

و جلس فی خیمته و امر علیا ان یجلس فی خیمه له بازائه ثم امر المسلمین ان یدخلوا علیه فوجا فوجا فیهنئوه بالمقام و یسلموا علیه بامره المومنین ففعل الناس ذلک کلهم ثم امر ازواجه و جمیع نساء المومنین معه ان یدخلن علیه و یسلمن علیه بامره المومنین ففعلن ـ (۲)مولا علی علیه السلام فرمود: روز غدیر خم، نبی اکرم، عمامه خودش را بر سر من گذاشت، یعنی روز غدیر خم روز تاجگذاری و نصب پادشاهی دینی، مولا علی است ـ عممنی رسول الله یوم غدیر خم بعمامه سدلها خلفی (۳)

پیغمبر اسلام، عمامه ای داشت سیاه رنگ بنام سحاب که آن را در روزهای مخصوصی چون فتح مکه به سر می بست و همان عمامه را در روز غدیر خم بر سر علی بست ـ (۴)؛ مولا علی فرمود: وقتی رسول خدا، عمامه خود را بر سر من بست فرمود رو به سوی من کن و علی رو به سوی او کرد و رسول خدا، متوجه اصحاب خود گردید و فرمود: تاجی را که فرشتگان بر سر خود دارند این چنین است (۵)، ابن عباس گفت: هنگامی که پیامبر خدا، عمامه سحاب را بر سر علی بست به او فرمود: عمامه به منزله تاج عرب است ـ (۶)؛ مطابق برخی از روایات، پیامبر اسلام، بعد از واقعه غدیر و تمام شدن خطبه اش به مردم امر کرد تا به او تهنیت و تبریک بگویند؛ رسول خدا فرمود: هنئونی هنئونی، ان الله خصنی بالنبوه و خص اهل بیتی بالامامه:

مرا، تبریک بگویید مرا تبریک بگویید، زیرا خداوند متعال مرا به نبوت و اهل بیت مرا به امامت اختصاص داد(۷)

۱- ۱. روضه الصفاء ج۲ ص ۵۴۱، کشف الظنون ج ۱ ص ۴۱۹

۲- ۲. ارشاد، مفید ج۱باب دوم ص۱۸۲،

۳- ۳. سنن الکبری ج۱۰ ص ۲۴ ح ۱۹۷۳۶ مسند طیالسی ص ۲۳ ح ۱۵۴؛ فرائد السمطین ج۱ ص ۷۶؛ فصول المهمه ص ۴۱، کنزالعمال ج۱۵ص ۴۸۲

۴- ۴. طبقات ابن سعد ج ۱ ص ۴۵۵، ریاض النضره ج۲ ص ۲۸۹و ج ۳ ص ۱۶۷ ح ۱۵۶۲

۵- ۵. کنزالعمال ج ۱۵ ص ۴۸۳ ح ۴۱۹۱۲

۶- ۶. کنزالعمال ج ۱۵ ص ۴۸۳، زاد المعاد ج۱ ص۱۲۱ابن قیم

۷- ۷. بحار الانوار ج۳۷ ص ۱۵۹ به نقل از کتاب شرف المصطفی، حافظ ابوسعید نیشابوری خرگوشی

یا علی، العمائم تیجان العرب ... گروهی از صحابه پیامبر حدیث

من کنت مولاه فعلی مولاه را به معنای امامت مولا علی قلمداد می کردند و می دانستند، گروهی از عرب در رحبه کوفه بر مولا علی وارد شدند و بر او سلام کردند، مولا علی فرمود: شما چه کسانی هستید؟ گفتند: ما موالیان تو هستیم مولا علی فرمود: چگونه شما موالیان من هستید در حالی که شما گروهی از عربید [نه از عجم که در آن زمان رسم بود که افراد غیرعرب تحت ولایت و حمایت فرد یا قومی از عرب قرار می گرفتند: آنان پاسخ دادند: ما روز غدیر خم شنیدیم که پیامبر؛ در حالی که دست تو را گرفته بود می گفت: ای مردم، آیا من نسبت به شما از خودتان سزاوارتر نیستم؟ آنان گفتند: چرا ای رسول خدا، پیامبر فرمود: خدا مولای من ومن مولای مومنانم و علی مولای کسی است که من مولای او هستم، ریاح بن ثابت که راوی حدیث است می گوید: آنان گروهی از انصار بودند ابوایوب انصاری نیز در میان آنان بود(۱)

جاء رهط الی علی بالرحبه فقالوا: السلام علیک یا مولا نا؛ قال: کیف اکون مولاکم و انتم قوم عرب؟ قالوا: سمعنا رسول الله یوم غدیر خم یقول: من کنت مولاه فان هذا مولاه(۲)

سوال ای جناب وهابی؟ آیا منظور این صحابه پیامبر اکرم؛ از عبارت مولانا نسبت به مولا علی؛ دوستی او بوده؟ مگر مولا علی قبلاً دشمن صحابه بوده اگر مولا را به معنای مودت و دوستی مطلق بگیریم؟ حتی حضرت علی علیه السلام از آنان سوال می کند چگونه من مولای شما هستم؟ آنان در جواب، سوال حضرت گفتند: خودمان در روز غدیر خم از پیامبر شنیدیم که فرمود: هر کس من مولای او هستم، علی مولای

۱- ۱. بحار الانوار ج۳۷ ص۱۷۷؛ مسند احمد حنبل ج۶ ص ۵۸۳ ۲۳۵۱ و ۲۳۵۲؛ جامع المسانید و السنن ابن کثیر ج ۱۳ ص ۲۵۷ ح ۱۰۵۲۷؛ مسند احمد ح ۲۳۵۶۳؛ اسناده صحیح ج ۳۸ ص ۵۴۱ فضائل الصحابه احمد حنبل ص ۷۳

۲- ۲. ؛ مسند احمد ج۵ ص ۴۱۹ رقم ۲۳۶۰۹؛ فضائل الصحابه ج۲ص ۵۷۲ رقم ۹۶۷؛ المعجم الکبیر ج۴ ص ۱۷۳ رقم ۴۰۵۳، مجمع الزوائد ج۹ ص ۱۰۳؛ المصنف ابن ابی شیبه ج۶ ص ۳۶۶ رقم ۳۲۰۷۳؛ تاریخ دمشق ابن عساکر ج۴۲ ص ۲۱۵؛ اسدالغابه ابن اثیر ج۱ص ۵۳۹؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج۳ ص ۱۲۰؛ السلسه الصحیحه آلبانی ج۴ ص۲۴۹؛ مسند احمد حنبل رقم الحدیث ۲۲۹۴۲ حدیث مرفوع؛ اتحاف المهره ابن حجر رقم ۴۲۲۴ المعجم الکبیر طبرانی رقم الحدیث ۳۹۴۵؛ الشریعه للاجری رقم ۱۵۰۸؛ مصنف ابن ابی شیبه رقم ۳۱۳۹۰ الاصابه ج ۱ ص۳۰۴؛ الریاض النضره ج ۳ ص ۱۰۹؛ البدایه و النهایه ج۵ ص ۲۳۱ و ج۷ ص ۳۸۴؛ تذکره الخواص ج۱ ص ۲۶۱؛ جواهر المطالب ابن دمشقی ج۱ ص۸۳؛ مسند البزار ج۳ ص۳۵

اوست؛ این روایت صحیح بخوبی نشان می دهد که منظور، پیامبر از عبارت من کنت مولاه فعلی مولاه، در روز غدیر خم مسئله و موضوع امامت الهی علی ابن ابی طالب بوده است؛ اگر منظور از من کنت مولاه فعلی مولاه، دوستی و محبت علی علیه السلام است چرا حضرت علی صحابه پیامبر اسلام، را قسم داد هر کس در روز غدیر خم، حاضر بوده شهادت دهد و هر کس گواهی نداد به نفرین مولا علی دچار شد و به بلاهای مختلف گرفتار شدند؛ جابر بن عبدالله انصاری می گوید: مولا علی بر ایمان خطبه خواند، ایشان حمد و ثنای الهی را به جا آورده سپس فرمود: ای مردم در مقابل این منبر چهار نفر از بزرگان صحابه رسول اکرم، حضور دارند که انس بن مالک، براء بن عازب، اشعث بن قیس و خالد بن یزید باشند، سپس به انس بن مالک رو نموده فرمود: ای انس اگر تو از پیامبر، شنیدی که می فرمود: هر کس من مولای او هستم پس علی مولای اوست، سپس امروز شهادت به ولایت من ندهی، خداوند تو را نمیراند؛ تا اینکه تو را مبتلا به پیسی گرداند که عمامه هم نتواند ترا بپوشاند و اما تو ای اشعث اگر تو از پیامبر خدا، شنیدی که می فرمود: هر کس من مولای اویم از این پس این علی مولای اوست.

سپس امروز اگر به ولایت من شهادت ندهی، خداوند تو را نمیراند تا آنکه چشمانت را از بین ببرد؛ و اما تو ای خالد اگر امروز به ولایت من گواهی ندهی، خداوند تو را به مرگ جاهلیت بمیراند و اما تو ای براء بن عازب اگر امروز به ولایت من شهادت ندهی، خداوند تو را نمیراند مگر در همان جایی که از آن هجرت کرده ای؛ جابر بن عبدالله می گوید: بخدا قسم، انس بن مالک را دیدم که مبتلا به پیسی شده بود و با عمامه آنرا می پوشاند؛ اما عمامه نمی توانست پیسی او را پنهان سازد و اشعث بن قیس را دیدم؛ که چشمانش کور شده بود و می گفت: سپاس خدایی را که نفرین امیرمومنان علی ابن ابی طالب بر من که مرا کور کرد و مرا نفرین ننمود که در آخرت عذاب شوم، که در آن صورت در آخرت عذاب می شدم، اما خالد بن یزید، او مُرد و خانواده اش می خواستند او را دفن کنند برایش قبری در منزل خود حفر نموده و او را دفن کردند این خبر به قبیله کنده رسیده، آنان نیز با اسب و شتر آمدند و جلوی درب خانه خالد، آنها را پی کردند پس او به مرگ جاهلیت از دنیا رفت؛ و اما براء بن عازب، معاویه ولایت یمن را به او سپرد، براء در یمن که از همان منطقه

ص:۴۸۸

هجرت کرده بود، از دنیا رفت(۱)

و کنتم فما فنوا من الـدنیا الاعموا و برصوا _ نشـد علی علیه السـلام الناس انشدالله رجلاً سـمع النبی یقول: من کنت مولاه فعلی مولاه.... فقام اثنا عشـر بـدر یا فشـهدوا بذلک قال زید: و کنت انا فیمن کتم فذهب بصـری فقال: ما منعک ان تقوم؟ قال یا امیر المومنین کبرت و نسیت فقـال: اللهم ان کـان کاذباً فاضـربه ببلاـء حسن قـال: فمامات حتی راینا بین عینه نکته بیضاء لاتواریها العمـامه ... فقـام نفر شـهدوا انهم سـمعوا ذلک من رسول الله و کتم قوم فماخرجوا من الـدنیا حتی عموا و اصابتهم آفه _ و کتم قوم فما فنوا من الدنیا حتی عموا و برصوا

اگر منظور سـخن پیامبر اسـلام در غدیر خم از عبارت من کنت مولاه فعلی مولاه، دوستی و محبت علی علیه السلام بوده هست و بس، پس چرا نبی اکرم در خطبه غـدیر خم فرمودند: ای مردم من امامت را در ذریه خودم تا روز قیامت باقی گذاشـتم و من هر چه آنچه گفتنی بود گفتم و ماموریتم را کاملا به انجام رسانـدم تا آنجا که برای هیچکس چه حاضـر و چه غایب، چه آنان که متولد شده اند و چه آیندگان جای عذر و بهانه ای باقی نماند، پس سـفارشات مرا به دیگران ابلاغ کنید حاضـر به غایب و پدر به فرزند خود تا روز قیامت برسانند

فلیبلغ الحاضر الغائب و الوالد الولد الی یوم القیامه (۲)

جنـاب وهـابی، اگر منظور نبی اکرم در واقعه غـدیر خم فقـط به اعلاـم دوستی و محبت علی علیه السـلام بوده لاـزم نبود پیامبر اسـلام در خطبه غـدیر خم تاکیـد بفرماید حاضـران به غائبان و پدران به فرزندان تا روز قیامت، پیام غدیر خم را برسانند، یکی دیگر از ادله هـای حـدیثی که ثـابت می کنـد، روز غـدیر خم روز معرفی مولاـ علی جهت رهـبری و امـامت امت اسـلام بوده، احادیثی است که در باب بزرگـداشت عیـد غـدیر خم در منابع شـیعه ذکر شـده است، امام صادق علیه السـلام فرمود: عید روز غـدیر خم روزی است که پیـامبر اسـلام، مولاـ علی را بلنـد کرد و او را راهنمـا و رهبر مردم قرار داد، راوی از امـام صادق علیه السلام ص:۴۸۹

۱- ۱. امالی شـیخ صدوق مجلس ۲۶ص۲۱۴حـدیث اول؛ احقاق الحق نورالله شوشتری ج۶ ص۳۳۱؛ گروه رستگاران آیت الله سلطان الواعظین شـیرازی ج۱ ص ۵۱۱ _ ان کنت کاذبـا فضـربک الله بهـا بیضـاء لاـمعه لاتواریهـا العمامه _ تاریـخ دمشق ابن عساکر ج۴۲ ص۲۰۸؛ کنزالعمـال ج۱۳ ص۱۳۱ح ۳۶۴۱۷؛ حلیه الاولیـاء ابـونعیم ج۵ ص۲۶ محاضـرات الادباء ج۲ ص ۴۱۵؛ المعارف ابن قتیبه ص ۵۸۰؛ اسدالغابه ج۳ ص۴۸۷ رقم ۳۳۸۸ انساب الاشراف ج۲ ص۳۸۶؛ المعجم الکبیر ج۵ ص۱۷۵ح۴۹۹۶؛ سیره الحلبیه ج۳ ص۲۷۴ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج۴ ص۷۴
۲- ۲. احتجاج طبرسی ج۱ص۱۳۵

سوال کرد، وظیفه ما، درآن روز چیست؟ حضرت فرمود: روزه ی آن روز به سبب قدردانی از خدا، چنانکه همه پیامبران به خلفاء و جانشینان خود، دستور دادند روز معارفه ی جانشین شدن را روزه بگیرند و آنروز را عید بدارند

فقال لی اعظمها و اشرفها یوم الثامن عشر من ذی الحجه و هو الیوم الذی اقام فیه رسول الله امیرالمومنین و نصبه للناس علما... و کذلک امرت الانبیاء اوصیاء ها.

ان یصوموا الیوم الذی یقام فیه الوصی یتخذونه عیدا (۱)

یوم اقیم امیرالمومنین فعقد له رسول الله الولایه فی اعناق الرجال و النساء بغدیر خم (۲) نبی اکرم فرمود: روز عید غدیر خم، برترین عید امت من است؛ و آن روزی است که خداوند به من فرمان نمود تا برادرم، علی ابن ابی طالب را بعنوان پرچمی برای امت خود برافرازم تا پس از من بوسیله او، هدایت گردند

قال رسول الله: یوم غدیر خم افضل اعیاد امتی و هو الیوم الذی امرنی الله تعالی ذکره فیه بنصب اخی علی ابن ابی طالب علماً لامتی یهتدون به من بعدی (۳)

از جمله دلائلی که نشان می دهد، منظور نبی اکرم از عبارت من کنت مولاه فعلی مولاه در سرزمین غدیر خم، امامت و خلافت علی ابن ابی طالب بوده است قسمتی از آیه ۳ سوره مبارکه مائده معروف به آیه اکمال است، بعضی از مفسران و محدثان نامی اهل سنت نوشته اند از قول ابی سعید خدری و ابوهریره، زمانی که نبی اکرم در بیابان غدیر خم به امر خداوند، علی ابن ابی طالب، را جهت رهبری امت اسلام، نصب و معرفی کرد، این آیه نازل شد، امروز دین شما کامل شد و نعمت خودم را بر شما تمام کردم و از اسلام شما راضی شدم سپس نبی اکرم فرمود: خداوند بزرگ است که دین اسلام را به کمال رسانید و نعمت را به اتمام و راضی شد خداوند به رسالت من و امامت و ولایت علی ابن ابی طالب

عن ابی سعید خدری ان النبی یوم دعا الناس الی غدیر خم، امر بما کان تحت الشجره من الشوک فقم و ذلک یوم الخمیس ثم دعا الناس الی علی، فاخذ بضبعه فرفعهما حتی نظر الناس الی بیاض ابطه ثم لک یتفرقا حتی نزلت؟ الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا: فقال رسول الله اکبر

۱- ۱. خصال صدوق ج ص ۶۶ باب الاربعه

۲- ۲. ثواب الاعمال صدوق ص ۱۶۰ ثواب صوم یوم غدیر خم، بشاره المصطفی عمادالدین طبری ص ۶۷۵ ح ۴۷۹

۳- ۳. امالی صدوق ص ۲۲۰ مجلس ۲۶ ح هشتم

علی اکمال الدین و اتمام النعمه و رضی الرب برسالتی و الولایه لعلی (۱)

شرح حال حبشون بن موسی الخلال ـ عن ابی هریره قال من صام یوم ثمان عشره من ذی الحجه کتب له صیام ستین شهراً و هو یوم غدیر خم لما اخذ النبی بید علی ابن ابی طالب فقال: الست ولی المومنین قالوا: بلی یا رسول الله قال: من کنت مولاه فعلی مولاه فقال عُمربن الخطاب: بخ بخ لک یا بن ابی طالب؛ اصبحت مولای و مولی کل مسلم فانزل الله: الیوم اکملت لکم دینکم(۲)ـ رفعه ابی هریره و قال فی آخر لما قال النبی: من کنت مولاه فعلی مولاه نزل قوله: الیوم اکملت لکم دینکم(۳)

عن ابی سعید خدری: ان رسول الله لما نزلت علیه هذه الایه: الله اکبر علی اکمال الدین و اتمام النعمه و رضا الرب برسالتی و ولایه علی بن ابی طالب من بعدی ثم قال: من کنت مولاه فعلی مولاه...

نبی اکرم به مولا علی فرمود: گوارا باد بر تو، ای ابوالحسن، همانا خداوند برای من آیه محکم و غیرمتشابهی نازل کرده که من و تو در آن بطور مساوی ذکر شده ایم، که خداوند فرمود: بوسیله پیامبر دینم را بر شما کامل کردم و بوسیله علی نعمتم را بر شما تمام کردم(۴)

طوبای یا علی، انزلت علی فی وقتی هذا آیه ذکری و ایاک فیها سواء: الیوم اکملت لکم دینکم.... قال: اکملت لکم دینکم بالنبی و اتممت علیکم نعمتی بعلی ... فقال: هنیئاً لک یا ابالحسن ان الله قد انزل علی آیه محکمه غیر متشابهه ذکری و ایاک فیها سواء: الیوم اکملت لکم دینکم (۵)ـ لما نصب رسول الله؛ علیاً یوم غدیر خم فنادی له بالولایه هبط جبرئیل علیه بهذه الایه الیوم اکملت لکم دینکم لما کان یوم غدیر خم و هو یوم ثمانی عشر من ذی الحجه قال النبی: من کنت مولاه فعلی

۱- ۱. مناقب خوارزمی حنفی ص ۱۳۵ ح ۱۵۲ فصل ۱۴ مقتل الحسین خوارزمی ج ۱ ص ۸۱ فصل ۴ ـ تاریخ بغداد ج۸ ص ۲۹۰ رقم ۴۳۹۲

۲- ۲. ... تذکره الخواص ابن جوزی حنفی ص ۳۶ باب ۲

۳- ۳. .. .. فرائد السمطین امام جوینی شافعی ج۱ ص۷۳ سمط اول باب ۱۲، تفسیر القرآن العظیم ابن کثیر ج۲ ص۱۵؛ الاتقان سیوطی ج۱ ص ۷۵ نوع ۲، در المنثور سیوطی ج۲ ص۴۵۷ و ص ۴۵۸، مانزل من القرآن فی علی، ابونعیم اصفهانی، با استفاده از النور المشتعل ص ۵۶ ح ۴؛ مناقب ابن مغازلی شافعی ح۲۴ ص۶۹؛ تاریخ مدینه دمشق ابن عساکر ج۴۲ ص۲۳۴؛ توضیح الدلائل ایجی [کتاب خطی]؛ الخصائص العلویه نطنزی [کتاب خطی] شواهد التنزیل حاکم حسکانی حنفی ح ۲۱۱ ص ۸۹ـ

۴- ۴. شواهد التنزیل حاکم حنفی ح ۲۱۴ و ح ۲۱۵ ص ۹۰

۵- ۵. ... فصول المهمه ابن صباغ مالکی ج۱ ص۲۴۵ محاسن التاویل ج۴ ص۳۳ ـ تفسیر روح المعانی آلوسی ج۳ ص۲۳۴؛ المولی و الولایه من جهات مشابهه علی للنبی از کتاب زین الفتی ص ۶۲۷به نقل از العاصمی؛ مناقب ابن مردویه ج۱ ص۲۳۳ و ص ۲۳۱

مولاه: فانزل الله الیوم اکملت لکم دینکم... الیوم اکملت لکم دینکم.... عن ابی سعید خدری: انها نزلت علی رسول الله یوم غدیر خم حین قال: لعلی من کنت مولاه فعلی مولاه (۱)

عن زید بن ارقم قال رسول الله: الا ادلکم علی ما ان سالمتم علیه لم تهلکوا؟ ان ولیکم و امامکم علی ابن ابی طالب ... حدیث الغدیر سیاتی ما یدل علیه فی نزول قوله تعالی: الیوم اکملت لکم دینکم (۲)

نزلت علی رسول الله فی مسیره الی حجه الوداع ... انها نزلت علی رسول الله یوم غدیر خم حین قال لعلی: من کنت مولاه فعلی مولاه ثم رواه عن ابی هریره و فیه انه الیوم الثامن عشر من ذی الحجه یعنی مرجعه صلی الله علیه و آله و سلم من حجه الوداع (۳)

شاید جناب وهابی به سند این روایت اشکال و ایراد بگیرد؛ چون سیوطی و ابن کثیر و آلوسی در سند این روایت که از ابوهریره و ابوسعید خدری نقل شده، خدشه وارد کرده اند، اما این روایت ۴ سند صحیح دارد که مورد بررسی قرار می دهیم؛ روایتی که احمد بن علی ابوبکر[خطیب بغدادی] در تاریخ بغداد ج۸ ص۲۸۹ ح۴۳۹۲ از ابوهریره نقل کرده بطور کامل سندش صحیح و بدون هر گونه ایراد می باشد؛ راوی اول: ابن بشر ان متوفی ۴۱۵؛ ذهبی او را صدوق و ثقه دانسته _ سیر اعلام النبلاء ج۱۷ ص۳۱۱؛ تاریخ الاسلام ج ۲۹ ص ۲۶۴ خطیب بغدادی در ج ۱۰ ص۱۴ رقم ۵۱۳۰ گفته: شنیده های او صحیح هست، راوی دوم: علی بن حافظ [دارقطنی] است؛ ذهبی در سیر اعلام النبلاء ج۱۶ ص۴۵۲ و خطیب در تاریخ بغداد ج۱۲ ص۳۴ او را تمجید کردند؛ راوی سوم: ابونصر حبشون ذهبی او را صدوق دانسته و خطیب بغدادی نیز او را توثیق کرده _ سیر اعلام النبلاء ج۱۵ ص ۳۱۷ راوی چهارم: علی بن سعید رملی؛ ذهبی تصریح به وثاقت او کرده _ میزان الاعتدال ج۴ ص۱۲۵ و میزان الاعتدال ج۵ ص۱۵۳؛ راوی پنجم: صمره بن ربیعه، او از رجال بخاری در کتاب المفرد و چهار کتاب صحیح دیگر از صحاح اهل سنت است؛ نسایی و ابوحاتم و محمد بن سعد او را ثقه دانسته اند _ تهذیب الکمال ج۱۳ ص۳۱۹؛ ذهبی

۱- ۱. مناقب ابن مردویه ج۱ ص۱۲۰

۲- ۲. ینابیع الموده قندوزی ج۱ ص۳۴۷ و ج۱ ص۳۴۳ تفسیر القرآن؛ محمد جمال الدین قاسمی ج۶ ص۱۸۳۴

۳- ۳. [محاسن التاویل] _ ج ۴ ص ۳۳ طبق سایت مکتبه شامله؛ البدایه و النهایه ابن کثیر ج۴ ص ۳۸۶ و ج۵ ص ۲۳۳؛ مفتاح النجاء بدخشی ص ۳۴ فصل ۱۱ باب ۳؛ مناقب المرتضویه؛ محمد صالح کشفی ترمذی حنفی ص ۴۰ باب اول

نیز او را مدح کرده است _ سیر اعلام النبلاء ج۹ ص۱۰۶ راوی ششم: عبدالله بن شوذب؛ او از رجال ابی داود و ترمذی و نسائی و ابن ماجه است ذهبی می گوید: جماعتی او را توثیق کرده اند ابن حجر او را صدوق عابد معرفی نموده است _ الکاشف ج۱ ص۳۵۶؛ تقریب التهذیب ج۱ ص۴۲۳؛ تهذیب التهذیب ج ۵ ص۲۵۵؛ ذهبی در سیر اعلام لنبلاء ج ۷ ص ۹۲ او را ستایش کرده است؛ راوی هفتم: مطروراق: او از رجال بخاری و رجال مسلم و چهار نفر دیگر از صاحبان صحاح است _ تهذیب الکمال ج۲۸ ص۵۵۱؛ تقریب التهذیب ج۲ ص۲۵۲؛ ذهبی درباره او می گوید: او پیشوای زاهد و راستگوست _ سیر اعلام النبلاء ج۵ ص۴۵۲ راوی هشتم: شهر بن حوشب: فوثقه _ شهر حسن الحدیث و قوی امره _ شهر بن حوشب شامی تابعی ثقه _ او از رجال بخاری در کتاب ادب المفرد و مسلم و چهار نفر دیگر از صاحبان صحاح به حساب می آید _ تاریخ الاسلام ذهبی ج۶ ص۳۸۷: سنن ترمذی ج۴ ص۴۳۴ _ معرفه الثقات عجلی ج ۱ ص ۴۶۱ رقم ۷۴۱ _ تهذیب الکمال ج۱۲ ص۵۷۸، تقریب التهذیب ج۱ ص۳۵۵، رسول اسلام و مولا علی و ائمه طاهرین، آیه اکمال [آیه ۳ سوره مائده] را به امامت و خلافت، تفسیر کرده اند، که جهت نمونه بطور اختصار ذکر می شود، نبی اسلام در خطبه غدیر خم فرمود: پس امروز دین شما را به کمال رساندم و نعمت خود را بر شما تمام کردم و اسلام را، بواسطه ولایت ولی خود و سرپرست مردان و زنان مومن، علی بنده ام و وصی پیامبرم و خلیفه پس از او،و حجت بالغه بر خلقم؛ برای شما راضی شدم و پسندیدم

فالیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا بولایه ولیی و مولی کل مومن و مومنه علیً عبدی و وصی نبیی و الخلیفه من بعده و حجتی البالغه علی خلقی (۱)

نبی اکرم فرمود: ای مردم، بی شک، خداوند دین خود را، با امامت او به کمال رساند _ معاشر الناس: انما اکمل الله عزوجل دینکم بامامته (۲)

مولا علی فرمود: من کسی هستم که دین خداوند، بوسیله من در روز غدیر خم کامل شد

ص:۴۹۳

۱- ۱. احتجاج طبرسی ج۱ ص۱۲۱

۲- ۲. احتجاج شیخ طبرسی ج۱ ص۱۳۲

انا الذی اکمل الله تعالی بی الدین یوم غدیر خم (۱)

مولا علی فرمود: به ولایت و امامت من، دین این امت کامل شد و نعمت بر آنان به اتمام رسید و خداوند از اسلام آنان راضی شد ــ وان بولایتی اکمل الله لهذه الامه دینهم و اتم علیهم النعم و رضی لهم اسلامهم اذ یقول یوم الولایه لمحمد؛ یا محمد اخبرهم انی اکملت لهم الیوم دینهم (۲)

مولا علی به اهل شورا، خطاب کرد و فرمود: شما را بخدا قسم می دهم وقتی آیه ۳ سوره مائده بر پیامبر نازل شد، رسول خدا، تکبیر گفت و فرمود: خداوند بزرگ است که کامل شدن دین خدا به اتمام نبوت من وولایت علی بعد از من است، ابوبکر و عمر، بلند شدند گفتند: ای رسول خدا آیا این آیات مخصوص علی است؟

فرمود: بله، مخصوص او و اوصیاء اوست تا روز قیامت... اهل شورا گفتند: ای علی تو راست فرمودی.

فانزل الله تعالی ذکره: الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا، فکبر النبی قال: الله اکبر تمام نبوتی و تمام دین الله ولایه علی بعدی فقام ابوبکر و عمر فقالا: یا رسول الله هولاء الایات خاصه فی علی؟ قال: بل فیه و فی اوصیائی الی یوم القیامه (۳)

مولا علی فرمود: گروهی اظهار داشتند که وارثان و جانشینان پیامبر ما هستیم، پس از اظهارات آنان پیامبر، برای آخرین مناسک حج، بیرون رفت تا در برگشتن به محل غدیر خم رسید؛ دستور داد چیزی شبیه منبر برای آن حضرت ترتیب دادند آنگاه بالای آن قرار گرفت و بازوی مرا بلند نمود تا حدی که سفیدی زیر بغلش دیده شد، سپس با صدای بلند و رسا در آن محفل فرمود: هر که من سرپرست او هستم پس علی سرپرست اوست... پس ولایت من، ولایت خداست سپس خداوند، آیه ۳ سوره مائده در آن روز نازل فرمود: پس ولایت من کمال دین و مورد رضای پروردگار قرار گرفت و خداوند این آیه اختصاصاً درباره من نازل کرد و مرا تکریم کرد

و انزل الله عزوجل فی ذلک الیوم: الیوم اکملت لکم دینکم ... فکانت ولایتی کمال الدین و رضا الرب جل ذکره و انزل الله تبارک و تعالی اختصاصاً لی و تکرما

۱- ۱. الموسوعه الکلمات الرسول ج۴ ص ۳۷۰

۲- ۲. امالی شیخ طوسی ح ۳۵۱ مجلس ۸

۳- ۳. ینابیع الموده قندوزی حنفی ج۲ ص۲۱۸؛ فرائد السمطین جوینی شافعی ج۱ ص ۳۱۲ ح ۲۵۰؛

نحلنیه و اعظاما(۱)

امام باقر علیه السلام فرمود: کمال الدین به ولایت و امامت علی ابن ابی طالب است

و کان کمال الدین بولایه علی بن ابی طالب (۲)

ممکن است جناب وهابی بگوید؛ چرا، امام علی به آیه ابلاغ درباره امامت خود، احتجاج نکرده است؟ اولاً رسول خدا در خطبه غدیر خم و امام باقر، که از نظر شما گذشت آیه ۶۷ سوره مائده، را درباره خلافت و امامت مولا علی، تفسیر کرده اند و بعضی ازعلمای اهل سنت، مثل ثعلبی، سیوطی ابن مردویه، ابن ابی حاتم و ... که در صفحات قبل اشاره شد اقرار کرده اند آیه ۶۷ سوره مائده در غدیر خم درباره مولا علی نازل شده است، جناب وهابی، بدان که سخنان و نظرات تمام چهارده معصوم علیهم السلام ؛ همانند هم می باشد وقتی امام باقر می فرماید؛ آیه ۶۷ سوره مائده درباره ولایت و امامت علی در غدیر خم نازل شده است نظر امام علی همین است؛ امام صادق علیه السلام فرمود: حدیث من حدیث پدرم و حدیث جدم و حدیث حسین و حدیث حسین حدیث حسن، و حدیث حسین؛ حدیث امیرالمومنین و حدیث امیرالمومنین، حدیث پیامبر و حدیث پیامبر حدیث خداوند است

حدیثی حدیث ابی و حدیث ابی حدیث جدی و حدیث جدی حدیث الحسین و حدیث الحسین حدیث الحسن و حدیث الحسن حدیث امیرالمومنین و حدیث امیرالمومنین حدیث رسول الله و حدیث رسول الله قول الله (۳) طبق روایت صحیح السندی که خطیب بغدادی ج۸ ص ۲۸۹ح ۴۳۹۲ از ابوهریره نقل کرده آیه اکمل [آیه ۳ سوره مائده] در روز ۱۸ ذی الحجه که روز پنج شنبه بوده، روایت صحیح مسلم و سنن نسایی را زیر سوال می برد که از خلیفه دوم عمر ابن الخطاب نقل کرده اند آیه اکمال در شب جمعه در صحرای عرفات نازل شده (۴)_ البته مخفی نماند اهل سنت در شان نزول آیه اکمال اختلاف دارند، طبرانی در معجم الکبیر ج۱۲ ص۲۳۷ ح ۱۲۹۸۴ نوشته آیه اکمال در روز دوشنبه بر پیامبر نازل شده، خطیب

۱- ۱. روضه من الکافی ص ۹۶ _ خطبه وسیله _ اصول کافی ج ۸ ص ۲۷

۲- ۲. اصول کافی ج ۱ ص ۲۹۰

۳- ۳. الکافی ج ۱ ص۵۳ ح ۱۴؛ منیه المرید ص ۳۷۳؛ الارشاد ج۲ ص۱۸۶؛ بحار الانوار ج۲ ص۱۷۹ ح ۲۸؛ روضه الواعظین ص ۲۳۳؛ الخرائج و الجرائح ج۲ ص۸۹۵

۴- ۴. صحیح مسلم ج۴ ص ۲۳۱۳ ح ۳۰۱۷ کتاب ۵۴ کتاب التفسیر

خوارزمی از ابوسعید خدری روایت کرده، که در روز پنج شنبه آیه اکمال نازل شده

یوم دعا الناس الی غدیر خم امر بما کان تحت الشجره من الشوک فقم و ذلک یوم الخمیس (۱)عن ابی هریره قال: من صام ثمانیه عشر من ذی الحجه کتب له صیام ستین شهراً و هو یوم غدیر خم لما اخذ النبی بیدعلی...

سلمان فارسی و مقداد و ابوذر و عمار گفتند: بخدا قسم هنوز از مکان غدیر خم نرفته بودیم که آیه ۳ سوره مائده نازل شد ــ فقال سلمان و المقداد و ابوذر و عمار بن یاسر و الله ما بر حنا العرصه حتی نزلت هذه الایه: الیوم اکملت لکم دینکم ... (۲)

رسول اسلام، سه مرتبه این آیه را تکرار نمود سپس فرمود: به راستی که کمال دین و تمامی نعمت و رضایت پروردگار؛ در گرو فرستادن من به سوی شماست که اعلام کنم ولایت پس از من از آنِ علی بن ابی طالب است

فکرر رسول الله ذلک ثلاثاً ثم قال ان کمال الدین و تمام النعمه و رضی الرب بارسالی الیکم بالولایه لعلی بن ابی طالب ــ؟ (۳)

ــ قال رسول الله: یوم غدیر خم افضل اعیاد امتی و هو الیوم الذی امرنی الله تعالی ذکره فیه بنصب اخی علی ابن ابی طالب علماً لامتی یهتدون به من بعدی و هو الیوم الذی اکمل الله فیه الدین و اتم علی امتی فیه النعمه و رضی لهم الاسلام دینا (۴)شبهه ای در مورد آیه اکمال، علمای سلفی و، وهابی، القاء می کنند، می گویند قبل از عبارت الیوم اکملت لکم دینکم، درباره حرمت، گوشت مُردار و خون و گوشت خوک و گوشت حیواناتی که به غیر نام خدا، ذبح شوند و گوشت حیوانات خفه شده و به زجر کشته شده و قربانی برای بُت ها و ... قرآن صحبت کرده، پس آیه اکملت لکم دینکم ربطی به غدیر خم ندارد؟ اولاً شان نزول این آیه از منابع شیعه و سنی در مورد مولا علی در غدیر خم ذکر شده که از دیدگان شما گذشت، ثانیاً: آیات قرآن و همچنین سوره های آن بر طبق تاریخ نزول جمع آوری نشده است؛ بلکه بسیاری از سوره هایی که در مدینه نازل شده مشتمل بر آیاتی است که در مکه نازل گردیده و بعکس آیات مدنی است که در لابلای سوره های مکی مشاهده می کنیم؛ البته طرز قرار گرفتن آیات هر سوره تنها به فرمان پیامبر اکرم بوده است؛ آری اگر آیات بر

۱- ۱. مناقب خوارزمی حنفی ص ۱۳۵ ح ۱۵۲؛ ــ تاریخ بغداد ج۸ ص۲۸۹ ح ۴۳۹۲ ــ

۲- ۲. امالی صدوق ص ۶۲۲ مجلس ۵۶ ح ۱۰

۳- ۳. صدوق ص ۶۲۴ مجلس ۵۶ ح ۱۰.

۴- ۴. امالی شیخ صدوق مجلس ۲۶ ح ۸ ص ۲۲۰

طبق تاریخ نزول جمع آوری شده بود، جای این ایراد بود؛ ثالثاً: ممکن است قرار دادن آیه اکمال در لابلای احکام مربوط به غذاهای حلال و حرام برای محافظت از تحریف و حذف و تغییر بوده باشد زیرا بسیار می شود که برای محفوظ ماندن یک شیء نفیس آن را با مطلب ساده ای می آمیزند تا کمتر جلب توجه کند، حکم خوردن خوراک های حلال و حرام در آیه ۱۴۵ سوره انعام که یک سوره مکی است و در آیه ۱۱۵ سوره نحل که قسمتی از آن در مکه و قسمتی از آن در مدینه نازل شده و همچنین در آیه ۱۷۳ سوره بقره که در اوائل هجرت در مدینه بر پیامبر نازل شد؛ حکم اضطرار آمده است؛ آیات قرآن مجید بصورت یک کتاب کلاسیک تنظیم نشده، بلکه به همان شکلی که نازل می گشت به دستور پیامبر ثبت می شد، بنابراین ممکن است صدر آیه مورد بحث بخاطر، سوالاتی که از پیامبر در مورد گوشت های حرام شده، قبل از واقعه غدیر نازل شده باشد و بعد از مدتی واقعه غدیر پیش آمده و آیه مورد بحث نازل گشته و کتاب و نویسندگان وحی آنرا به دنبال حکم گوشت های حرام ثبت کرده باشند _ آیات ولایت در قرآن ص ۶۱ آیت الله مکارم شیرازی؛ سوال از آقایان وهابی؟ آیا روزی که موجب ناامیدی کفار و مشرکین گردید

{الیوم یئس الذین کفروا من دینکم}

، مسلمانان در آن دیگر از کفار نترسند و فقط از خداوند بترسند

فلا تخشوهم و اخشون، روزی که دین اسلام در آن کامل گردید

{الیوم اکملت لکم دینکم}؛ روزی که در آن نعمت الهی تمام گردیده _ و اتممت علیکم نعمتی، خداوند در آن روز به دین اسلام راضی می گردد

{ و رضیت لکم الاسلام دینا } آیا در بیان احکامی چون حرمت خون، خوک، گوشت های حلال و حرام، ویژگی های بالا وجود دارد؟ (۱)؛ اگر مقصود از اکمال دین، اکمال تشریعی بود باید بعد از نزول آیه اکمال،حکمی بر پیامبر نازل نمی گشت با اینکه مطابق روایات بسیار آیه کلاله و آیه ربا و برخی دیگر از احکام بعد از آن روز بر پیامبر نازل شد طبری از براء بن عازب؛ نقل می کند که آخرین آیه ای که بر پیامبر نازل شد آیه ۱۷۶ سوره نساء است

۱- ۱. شبهات غدیر ج۲ ص۲۳۷ سید مجتبی عصیری

{ یستفتونک قل الله یفتیکم فی الکلاله }(۱)

طبق روایات شیعه و سُنی، ابلاغ از ولایت و امامت مولا علی در غدیر خم؛ توسط نبی اکرم، آخرین فریضه واجب الهی بوده که به سبب این واجب مهم الهی، دین اسلام کامل و به اتمام نعمت؛ امت اسلام رسیدند ولی مخالفان و منکران غدیر؛ قدر این واجب مهم الهی را ندانستند، امام باقر علیه السلام فرمود: آخرین فریضه و واجب الهی که بر پیامبر اسلام، نازل شد، ولایت علی علیه السلام بود، در غدیر خم (۲)

و کانت الفریضه تنزل بعد الفریضه الاولی کانت الولایه آخر الفرائض؛ فانزل الله: الیوم اکملت لکم دینکم؛

مولاـ علی فرمود: رسول اسلام، نماز و زکات و حج، را برای امت تفسیر کردند، و آیه ۵۵ سوره مائده در غدیر خم، تفسیر کردند که مردم، والیان و صاحبان امر، را بشناسند و رسول خدا، با انتصاب من برای مردم در غدیر خم، تفسیر نمود

فامر الله عز و جل ان یعلمهم ولاه امرهم و ان یفسر لهم من الولایه ما فسر لهم من صلاتهم و زکاتهم و حجّهم، بنصبی للناس بغدیر خم...(۳) ؛ یا ایها الناس ان الله امرکم فی کتابه بالصلاه فقد بینتها لکم و بالزکاه و الصوم و الحج فبینتها لکم و فسرتها و امرکم بالولایه و انی اشهدکم انها لهذا خاصه و وضع یده علی، علی ابن ابی طالب ثم لابنیه بعده ثم للاوصیاء من بعدهم... ایها الناس قد بینت لکم مفزعکم بعدی و امامکم و دلیلکم و هادیکم و هو اخی علی ابن ابی طالب و هو فیکم بمنزلتی فیکم فقلدوه دینکم و اطیعوه فی جمیع امورکم

نبی اکرم فرمود: ای مردم، خداوند در کتابش شما را به نماز دستور داده است و من آنرا، برایتان بیان کردم، نیز به زکات و روزه و حج که آنها را نیز برای شما بیان و تفسیر کردم و شما را به ولایت دستور داده است و من شما را، گواه می گیرم که ولایت ویژه این است، دستش را بر روی شانه علی نهاد و سپس برای دو فرزندش پس از او، آنگاه برای اوصیای پس از آنان از فرزند ایشان ... ای مردم، پناهگاه شما، امام شما، راهنمای شما و رهبر شما پس از خودم را، برایتان بیان کردم، او برادرم علی ابن ابی طالب است، او در میان شما، همانند من هست، بنابراین در دین خود از

ص:۴۹۸

۱- ۱. امام شناسی، علی اصغر رضوانی ج۱ ص۲۷۷؛
۲- ۲. اصول کافی ج ۱ ص۲۸۹، مناقب ابن مردویه ج۱ ص ۷۲ و ص ۷۳؛ خطط الشام ج۶ ص۲۴۵ محمد کرد علی
۳- ۳. فرائد السمطین امام جوینی شافعی ج۱ ص۳۱۲ح ۲۵

او تقلید کنید و در تمامی امورتان از او فرمان ببرید (۱)؛ امام باقر فرمود: پیامبر در حالیکه تمام شرایع و قوانین را بجز حج و ولایت ابلاغ فرموده بودند، عازم حج الوداع شد، جبرئیل بر پیامبر نازل شد و گفت: خداوند می فرماید: من هیچ پیامبری از پیامبران گذشته را قبض روح نکردم مگر پس از کمال دین و اتمام حجتم و برای تو، تنها دو موضوع باقی مانده که باید آندو را به مردم ابلاغ نمایی، یکی حکم حج و دیگری موضوع ولایت و خلافت بعد از خودت (۲)

و قد بلغ جمیع الشرائع قومه غیر الحج و الولایه ... و قد بقی علیک من ذاک فریضتان مما تحتاج ان تبلغهما قومک: فریضه الحج و فریضه الولایه و الخلافه من بعدک... جبرئیل به پیامبر اسلام نازل شد و گفت: همانا خداوند تو را امر می کند به نماز وادار کنی، پس به آن وارد کرد، سپس نازل شد و گفت: خداوند تو را فرمان می دهد که امت خود را به زکات وادار کنی پس به آن وادار کرد، سپس نازل شد و گفت: خداوند تو را فرمان می دهد که امت خود را به روزه و حج وادار کنی؛ پس به آن وادار کرد، سپس نازل شد و گفت: خدا تو را فرمان می دهد که امت خود را به ولی آنان راهنمایی کنی، همانگونه که به نماز، زکات، روزه و حج وادارشان کردی تا در همه اینها حجت بر آنان تمام شود(۳)

ان الله یامرک ان تدل امتک علی صلاتهم فدلهم علیها... ان الله یامرک ان تدل امتک علی صیامهم فدلهم .... ان الله یامرک ان تدل امتک علی حجهم ففعل ثم هبط فقال: ان الله یامرک ان تدل امتک علی ولیهم علی مثل ما دللتهم علیه من صلاتهم و زکاتهم و صیامهم و حجهم لیلزمهم الحجه فی جمیع ذلک

امام رضا علیه السلام فرمود: وقتی در حجه الوداع آیه سوم سوره مائده نازل، خداوند امر به امامت مولا علی کرد، چون امامت تمام دین است

وانزل فی حجه الوداع و هی آخر عمره صلی الله علیه و آله و سلم: الیوم اکملت لکم دینکم ... فامر الامامه من تمام الدین ـ کمال الدین صدوق ج۱ ص۶۷۶ احمد بن ابی یعقوب معروف به یعقوبی صاحب تاریخ معروف یعقوبی در فصلی بعنوان ما نزل من القرآن بالمدینه می گوید: گفته شده که آخرین آیه ای که بر پیامبر نازل شد آیه اکمال [آیه ۳ سوره مائده] است؛ روایت صحیح و ثابت و صریح نیز این مطلب را

۱- ۱. ینابیع الموده قندوزی حنفی ج۲ ص۲۱۸، فرائد السمطین امام حموئی شافعی ج۱ ص۳۱۲ح ۲۵۰
۲- ۲. احتجاج طبرسی ج۱ ص۱۱۸ـ
۳- ۳. شواهد التنزیل حاکم حسکانی حنفی ح۲۴۸ ص ۱۰۷

تایید می کند، نزول آیه در روز نص بر امیرمومنان علی ابن ابی طالب در غدیر خم است (۱)_

عن البراء قال: آخر آیه نزلت من القرآن: یستفتونک قل الله یفتیکم فی الکلاله (۲)

اما پاسخ به شبهه مغلطه دیگر جناب وهابی، گفتی که پیامبر اسلام طبق آیه ابلاغ، از مردم در غدیر خم برای تبلیغ امامت مولا علی، نگرانی و ترس نداشته، پیامبر اسلام شجاع و دلیر بوده فقط از خدا می ترسیده؟

پیامبر در قضیه وصیت نامه نوشتن [قرطاس] از عُمر ابن الخطاب و هیچ کس دیگر، ترس نداشته که وصیت خود را برای نگرانی از عُمر و اطرافیانش ننویسد؟ اما جواب مختصر، ترس و نگرانی یک غریزه و حالت طبیعی درونی در همه انسانهاست و در جود پیامبران هم بوده، ترس و نگرانی دو گونه است، ترس ممدوح و عقلانی و پسندیده و ترس زشت و غیرعقلانی و ناپسند، ترس و نگرانی پیامبر اسلام در تبلیغ از ولایت و امامت مولاعلی، پسندیده بوده و علل هایی داشته ولی وقتی خداوند، ضمانت کرد در آیه ۶۷ سوره مائده که نبی اکرم را از شر مردم و منافق حفظ می کند که بتواند با خیال آسوده در ودای غدیرخم خطبه بخواند و علی را برای امامت و خلافت معرفی کند، پیامبر اسلام ابلاغ کرده،

ثانیاً: جناب وهابی در کتب حدیثی شما به سند صحیح آمده، نبی اکرم از عُمر می ترسیده نعوذ بالله که ما این روایات را طبق قائده قرآنی و عقلی و حدیثی قبول نداریم؛ ثالثاً: مفسران سنی در ذیل آیه ابلاغ نوشته اند، نعوذ بالله، پیامبر اکرم بشدت از مردم مکه و مدینه می ترسیده _ که ما شیعیان این تفاسیر نادرست را نمی پذیریم؛ اما جواب عقلانی ما از تفاسیر صحیح، حاکم حسکانی حنفی در شواهد التنزیل ص ۱۰۷ و ص ۱۰۸ ح ۲۴۸ می نویسد: ابن عباس و جابر گفتند: خداوند، رسول اسلام را امر کرد که علی را برای مردم نصب کند تا ولایت او را به آنان خبر دهد، پیامبر اسلام از این ترسید که مردم بگویند از پسر عموی خودش طرفداری کرد و در این موضوع طعنه بزنند تا اینکه خداوند آیه ۶۷ سوره مائده را نازل کرد

فتخوف رسول الله ان یقولوا حابا ابن عمه و ان یطعنوا فی ذلک علیه،

۱- ۱. تاریخ یعقوبی ج۲ ص۳۵ چاپ مکتبه حیدریه سال ۱۳۸۳ هجری

۲- ۲. تفسیر ابن کثیر ج۲ ص ۴۸۳ تفسیر سوره نساء مکتبه اسلامیه، تفسیر طبری ص ۴۳۴ ح ۱۰۸۷۲ ج۹

وقتی جبرئیل امین از سوی خدا، به نبی اسلام، دستور داد، ولایت علی را اعلام کن، نبی اکرم فرمود: خدایا، قوم من به جاهلیت نزدیکترند و بین آنها تنافس و فخر فروشی است و مردی در میان آنان نیست مگر اینکه از علی، کینه به دل دارد و من می ترسم؛ زمانی که آیه ابلاغ نازل شد، پیامبر ابلاغ کرد

فقال رسول الله: یا رب ان قومی قریبوا عهد الجاهلیه و فیهم تنافس و فخر و ما منه رجل الا و قد وتره ولیهم و انی اخاف(۱)

نبی اکرم فرود آمد و دوست نداشت از این موضع به مردم سخن بگوید چون آنان به عصر جاهلیت نزدیک بودند تا ۶ روز گذشت و خداوند این آیه را نازل کرد، فلعلک تارک بعض مایوحی، پس پیامبر تعجیل کرد تا اینکه روز ۱۸ ذی الحجه شد و آیه ابلاغ نازل گردید؛ و بعد پیامبر برای مردم سخنرانی کرد و فرمود: ای مردم خداوند مرا، با پیامی بسوی شما فرستاده و من در آن درنگ می کردم از ترس آنکه مرا متهم و تکذیب کنید تا اینکه خداوند مرا وعید داد

یا ایها الناس ان الله ارسلنی الیکم برساله و انی ضقت بهاذرعاً مخالفه ان تتهمونی و تکذبونی حتی عاتبنی ربی فیها بوعید انزله علی بعد وعید (۲)

امام باقر علیه السلام فرمود: پیامبر نسبت به قوم خود و منافقین ترسان بود، که مبادا پر کنده شده و به جاهلیت و کفر دیگری بازگردند و همچنین از دشمنی آنان نسبت به علی آگاه بود

فخشی رسول الله قومه و اهل النفاق و الشقاق ان یتفرقوا و یرجعوا الی جاهلیه، لما عرف من عداوتهم و لما تنطوی علیه انفسهم لعلی من العداوه و البغضاء (۳)

پیامبر اسلام به جبرئیل گفت: می ترسم که مردم مرا، تکذیب نموده سخنم را درباره علی گوش نکنند

فقال یا جبرئیل انی اخشی قومی ان یکذبونی و لایقبلواقولی علی (۴)

نبی اکرم در خطبه غدیرخم فرمود: ای مردم بدانید که من در ابتدای امراز

۱- ۱. شواهد التنزیل ح۲۴۸ ص ۱۰۷

۲- ۲. شواهد التنزیل ح ۲۵۰

۳- ۳. احتجاج طبرسی ج۱ ص۱۲۱،

۴- ۴. احتجاج طبرسی ج۱ ص ۱۲۲

جبرئیل خواستم مرا، از ابلاغ ولایت علی به شما معذور دارد، زیرا به این نکته واقف بودم که تعداد اهل نفاق و دغل بر پاکان امتم غالبند و مسخره کنندگان اسلام را می شناسم و اگر بخواهم می توانم با نام آنها را بشمارم ولی این کار، شایسته من نیست و مورد پسند خدا نمی باشد

و سالت جبرئیل ان یستعفی لی عن تبلیغ ذلک الیکم ایها الناس لعلمی بقله المتقین و کثره المنافقین و ادغال الاثمین و ختل المستهزئین بالاسلام (۱)

ایها الناس ان الله ارسلنی برساله ضاق بها صدری و ظننت ان الناس مکذبنی فاوعدنی لابلغها او لیعذبنی (۲)

پس جناب وهابی، ترس نبی اکرم برای از بین رفتن جان مقدسش نبوده،

۱ــ ترس داشته مردم در تبلیغ ولایت علی او را تکذیب کنند و کافر شوند و زحمات رسالت هدر شود.

۲ــ به او طعنه بزنند که فامیل باز و فامیل پرست می باشد و می خواهد پسرعمو و دامادش علی را بر گردن عرب سوار کند.

۳ــ ترس داشته امتش متفرق و پراکنده شوند، خصوصاً در وادی غدیر

۴ــ ترس داشته، امتش یکباره مرتد و کافر شوند بر اثر نپذیرفتن ولایت علی چون تازه مسلمان بودند.

۵ــ از کینه و دشمنی ای که اکثریت تازه مسلمان از مولا علی داشته، نبی اکرم آگاه بود و می ترسید مولا علی را نپذیرند و او در وادی غدیر خم باشد و نگذارند پیامبر اسلام تبلیغش را انجام دهد.

قرآن کریم در موارد متعدد، نسبت ترس و خوف، به پیامبران الهی داده است ــ سوره احزاب آیه ۳۷ و تخفی فی نفسک ماالله مبدیه و تخشی الناس ــ سوره احزاب آیه ۳۷ و تخفی فی نفسک ما الله مبدیه و تخشی الناس: و از مردم می ترسیدی در حالی که خداوند سزاوارتر به ترس است؛ آلوسی مفسر معروف اهل سنت در ذیل این آیه می نویسد: پیامبر از ترس طعن دشمنان اقدام به ازدواج با زینب همسر، پسر خوانده اش نمی نمود

۱- ۱. احتجاج طبرسی ج۱ ص۱۲۷

۲- ۲. فرائد السمطین امام جوینی شافعی ج ۱ ص۳۱۲ ح ۲۵؛ تفسیر عیاشی ج۱ ص۳۳۱

مخافه طعن الاعداء فعوتب علیه (۱)

خداوند در قرآن، نسبت ترس به حضرت موسی هم داده است

{قال رب انی اخاف یکذبون}،

موسی گفت خدایا می ترسم که مرا تکذیب کنند _ سوره شعراء آیه ۱۰ الی ۱۲، سوره قصص آیه ۳۳ و ۳۴ _ انی اخاف ان یکذبونی؛ سوره طه آیه ۴۲ الی ۴۶ _ {اننا نخاف ان یفرط علینا او ان یطغی ... قال لاتخافا _ فاخاف ان یقتلونی؛ فاخاف ان یقتلون} _ سوره قصص آیه ۳۱ و ۳۴ و ۳۳ _ سوره شعراء آیه ۱۴، سوره طه آیه ۲۱ _ قال خذها و لاتخف، سوره طه آیه ۶۷ و ۶۸ _ خیفه موسی ... قلنا لاتخف؛ قصص آیه ۳۱ _ اقبل و لا تخف، سوره قصص آیه ۲۱_ فخرج منها خائف

در آیات قرآن آمده وقتی وحی رسید به موسی که سوی فرعون جهت انذار برو، گفت می ترسم مرا بکشند؛ وقتی عصای او به امر خدا، اژدهای عظیمی شد فرار کرد و ترسید؛ وقتی مومن آل فرعون خبر برای موسی آورد که فرعونیان می خواهند تو را بکشند، با ترس از مصر خارج شد، قرطبی مفسر نامی قرآن، اهل سنت می نویسد: خوف همراه، پیامبران بود، بخاطر معرفتی که به خدا داشته اند که فاعلی در عالم جز او نیست؛ زیرا، که گاهی خداوند هر که را بخواهد بر هر که مسلط می کند _ تفسیر قرطبی ج۱۳ ص ۹۲ و دل علی ان الخوف قد یصحب الانبیا و الفضلاء و الاولیاء مولا علی می فرماید: اگر کسی منکر، ترس موسی که در قرآن کریم آمده شود کافر است چون سخن خداوند را منکر شده

ففررت منکم لما خفتکم فان قال قائل: انه قال هذا لغیر خوف فقد کفر (۲)

نسبت خوف به حضرت هارون، سوره طه آیه ۹۲ الی ۹۴_ انی خشیت نسبت خوف به حضرت ابراهیم _ سوره هود آیه ۷۰، سوره ذاریات آیه ۲۴ الی ۲۸؛ _ و اوجس منهم خیفه قالوا لاـتخف _ ... نسبت خوف به زکریا، سوره مریم آیه ۵ _ و انی خفت الموالی من ورائی _ مقاتل در تفسیرش می نویسد: شان نزول آیه ابلاغ [آیه ۶۷ سوره مائده] این بود که پیامبر همیشه می ترسید که یهود، توطئه نموده و او را به

۱- ۱. روح المعانی ج۱۶ ص ۱۲۸

۲- ۲. احتجاج طبرسی ج۱ ص ۴۱۲

قتل برسانند _ ذلك انه كان يخشي ان تقاتله اليهود فتقتله (۱)

ابن عطيه مى نويسد: پيامبر اسلام گاهى از اوقات قبل نزول اين آيه از قوم يهود و كفار مى ترسيد _ و ربما خافهم احيانا قبل نزول هذه الايه _ (۲)، كلبى مى نويسد: خداوند، آيه ابلاغ را، نازل فرمود، چون پيامبر اسلام از دشمنانش مى ترسيد _ و كان رسول الله يخاف اعدا و يحترس منهم فى غزاوته و غيرها (۳)

خوف پيامبران الهى از تكذيب اصحاب (۴)

خافوا ان يكون من معهم يكذبونهم، عايشه گفت: هميشه سختى ها و دشوارى ها، همراه پيامبران بود، آنان مى ترسيدند كه از ناحيه مورد تكذيب قرار گيرند(۵)

و لولا ان قومك حديث عهدهم بالجاهليه فاخاف ان تنكر قلوبهم ...،

در روايات اهل سنت آمده، پيامبر اسلام، وقتى كه از قومى مى ترسيد؛ به خدا پناه مى برد _ كان اذا خاف قوما (۶)

طبق روايات سُنى ها؛ قبل از آنكه آيه ابلاغ بر نبى اسلام نازل شود از او حراست و نگهبانى مى شد ابن عباس گفت: هميشه از نبى اكرم، حراست مى شد و وقتى كه اين آيه يا ايها الرسول بلغ نازل شد، نگهبانى را ترك كرد كان النبى يحرس فلما نزلت هذه الايه يا ايها الرسول بلغ.... ترك الحرس (۷)

علاوه بر جريان نگهبان دايمى بر نبى اكرم، حتى در منابع اهل سنت اين گونه نقل شده كه اولين شبى كه پيامبر وارد مدينه شده بود، خوابش نمى برد و در روايت ديگر آمده كه عايشه گفت: بعد از آنكه سعد، محافظت از نبى اكرم، را به عهده گرفت، پيامبر خوابيد و صداى خُرخُر، پيامبر به گوش رسيد _ ليت رجلاً من اصحابى صالحاً

۱- ۱. تفسير مقاتل ج۱ ص ۳۱۱

۲- ۲. المحرر الوجيز، ج۲ ص ۲۱۸

۳- ۳. التسهيل لعلوم التنزيل ج۱ ص ۱۸۳

۴- ۴. صحيح بخارى ج۴ ص ۱۶۴۴

۵- ۵. صحيح بخارى ج۲ ص ۵۷۳

۶- ۶. سنن ابى داود ج ۲ ص۸۹؛ المستدرك حاكم ج۲ ص ۱۵۴؛ البحر الزخار ج۸ ص ۱۲۹؛ السنن الكبرى نسايى ج۵ ص۱۸۸ تفسير ابن كثير ج۴ ص ۷۸ و ..

۷- ۷. معجم ابى يعلى ج۱ ص۱۳۸؛ المستدرك حاكم ج۲ ص ۳۴۲، فتح البارى ج۶ ص ۸۲؛ منهاج السنه ابن تيميه ج۷ ص ۳۱۵؛ تفسير ابن كثير ج۳ ص ۳۵۳؛

یحرسنی الیه (۱)

فسمعت غطط رسول الله فی نومه (۲)

جناب وهابی، آیا این توهین به مقام نبوت نیست؛ که رسول اکرم اشرف و افضل مخلوقات را فرد ترسو و نادلیر، در قالب بعضی از روایات و تفاسیر اهل سنت و وهابیت، معرفی کرده اند و می کنید؟ به نمونه ای از شجاعت و دلاوری نبی اسلام در قالب روایات بطور مختصر می پردازیم ـ به مولا علی می فرماید: وقتی که جنگ و نبرد، شدت می گرفت و نبرد تن به تن آغاز می شد به رسول خدا، پناه می بردیم و او را سپر خویش قرار می دادیم و در این هنگام هیچ کدام از ما از او نزدیکتر به دشمن نبود ـ (۳)؛ عمر ابن حصین می گوید: پیامبر اسلام در برابر لشکری قرار نگرفت مگر اینکه او، اول کسی بود که ضربه میزد (۴)؛ انس بن مالک می گوید: پیامبر اسلام، زیبا روتر و بخشنده ترین و شجاعترین مردم بود ـ (۵)؛ از ابن عباس نقل شده، به خدا قسم از مادر نزایید، شجاعتر.... از رسول اسلام ـ (۶)، در غزوه حنین، هنگامی که ترس در دل مسلمانان افتاده بود و عده زیادی از آنها فرار کرده و بسیاری کشته و زخمی شده بودند، پیامبر اسلام، در جای خود، محکم ایستاد و از چپ و راست با شمشیرش به دشمن حمله می کرد (۷)ـ

کان رسول الله اشجع الناس و احسن الناس و اجود الناس ...(۸)

عن علی رضی الله عنه: لما کان یوم بدر؛ اتقینا المشرکین برسول الله و کان اشد الناس باسا (۹)

وروی ابوالشیخ عن عمر ان بن حصین: مالقی رسول الله کتیبه الاـ کان اول من یضرب.... وروی الدارمی عن ابن عمر: قال: مارایت احدا، انجدولااجود و لا اشجع

ص:۵۰۵

۱- ۱. صحیح بخاری ج۳ ص۱۰۵۷ و ج۶ ص۲۶۴۲

۲- ۲. مسند احمد ج۶ ص ۱۴۰

۳- ۳. دلائل النبوه بیهقی ج۳ ص۶۹

۴- ۴. سبل الهدی و الرشاد، صالحی ج۷ ص۴۷

۵- ۵. دلائل النبوه ج ۲ ص۳۲۵

۶- ۶. شرف النبی، حافظ خرگوشی ص ۱۲۰

۷- ۷. تاریخ طبری ج۳ ص۷۶

۸- ۸. بحار الانوار مجلسی ج۱۶ ص۲۳۲

۹- ۹. دلائل النبوه ج۳ ص ۷۰ مکتبه شامله

من رسول الله: (۱)

ما ولدت النسا افصح ولا اشجع ولا اسمح من رسول الله (۲)

نبی اکرم به زبیر فرمود: خداوند، شجاعت را دوست دارد ولو به کشتن مار و عقرب باشد

ویحب الشجاعه ولو بقتل الحیه و العقرب (۳)

روایات زیادی در منابع اهل سنت و شیعه درباره ترس و نگرانی ممدوح نبی اکرم از امت اسلام آمده که بطور اختصار اشاره می شود.

۱ـ نبی اکرم فرمود: بخدا قسم نمی ترسم که بعد از من مشرک شوید ولی می ترسم تنافس داشته باشید والله مااخاف علیکم ان تشرکوا بعدی و لکن اخاف علیکم ان تنافسوا: (۴)

۲ـ نبی اکرم فرمود: نمی ترسم که بعد از من مشرک شوید ولیکن می ترسم دنیا پرست شوید و انی لست اخشی علیکم ان تشرکوا و لکن اخشی علیکم الدنیا (۵)

۳ـ نبی اکرم فرمود: می ترسم برای امتم از امامان گمراهی

اخوف ما اخاف علی امتی الائمه المضلون

۴ـ نبی اکرم فرمود: من از شرک کوچک برای امتم می ترسم

ان اخوف ما اخاف علیکم الشرک الاصغر

۵ـ نبی اکرم فرمود: من می ترسم برای امتم از منافق قوی زبان

ان اخوف ما اخاف علی امتی کل منافق علیم اللسان

۶ـ نبی اکرم فرمود: من برای امتم از عمل قوم لوط می ترسم

ان اخوف ما اخاف علی امتی عمل قوم لوط

۷ـ ان اخوف ما اخاف علیکم ان یخرج الله لکم من زهره الدنیا،

۸ـ الا اخبرکم بما هو اخوف علیکم عندی من المسیح الدجال؟ قلنا: بلی قال الشرک الخفی

۹ـ فوالله لا الفقراخشی علیکم ولکن اخشی علیکم ان تبسط علیکم الدنیا: نبی

۱- ۱. سبل الهدی صالحی شامی ج۷ص ۴۷ مکتبه شامله

۲- ۲. شرف المصطفی ج۴ ص ۳۵۲ و ج۶ ص ۲۷۶

۳- ۳. شرف المصطفی ج۴ ص ص ۴۹۸

۴- ۴. آداب الشرعیه ص ۲۹۸ مقدسی

۵- ۵. فتح الباری ش ۳۸۱۶

اکرم فرمود بخدا قسم از فقر بر شما نمی ترسم و لیکن می ترسم دنیا بر شما گشوده شود.

۱۰ـ نبی اکرم فرمود: بر شما می ترسم از ریاکاری و شهوات مخفی

ان اخوف ما اخاف علیکم الریاء و الشهوه الخفیه ـ (۱)

۱۱ـ نبی اکرم فرمود: من برای امتم که در آخر الزمان هستند از ستاره پرستی و تکذیب قدر الهی و ظلم پادشاهان می ترسم و نگرانم ـ ان اخوف ما اخاف علی امتی فی آخر زمانها؛ النجوم و تکذیب القدر و حیف السلطان؛ (۲)

۱۲ ـ نبی اکرم فرمود: من از شهوات شکم و شرمگاه و فتنه هایی که به گمراهی می کشد برای امتم می ترسم

ان مما اخشی علیکم شهوات الغی فی بطونکم و فروجکم و مضلات الفتن (۳)؛

۱۳ـ نبی اکرم فرمود: از هیچ چیزی همانند فتنه زنان بر شما نمی ترسم ـ ما شی اخوف عندی من النساء (۴)

۱۴ـ ان اخوف ما اخاف علی امتی الکتاب و اللبن، نبی اکرم فرمود: من بر امتم از کسانی که قرآن را فرا می گیرند و تلاوت می کنند به آن شیوه ای که خدا نازل نکرده و ترک جماعات می کنند و قرآن را یاد می گیرند برای مجادله با اهل ایمان و تبعیت می کنند از شهوات و ضایع می کنند نماز، را (۵)

۱ ۵ ـ ان اخوف ما اخاف علیکم رجل قرأ القرآن حتی اذا رئیت بهجته علیه و کان رده الاسلام؛ انسلخ منه: ـ (۶)

۱۶ـ ان اخوف ما اخاف علیکم، اتباع الهوی و طول الامل

ـ نبی اکرم فرمود: بر شما از هواپرستی و آرزوی طولانی می ترسم (۷)

۱- ۱. تحفه الاحوذی ح۲۴۶۲؛ العلل ابن ابی حاتم ح ۱۸۱۷؛ الجواب الصحیح لمن بدل دین المسیح، ابن تیمیه ص ۳۲۷

۲- ۲. مجمع الزوائد ج۵ ص۲۳۷؛ مرقاه المفاتیح ح۳۷۱۲؛ کنزالعمال ج۱ ص ۱۲۶

۳- ۳. مسند احمد ح۱۹۳۲۹؛ البحر الزخار ح ۳۳۰۱ المعجم الصغیر ح ۵۱۲؛ السنه ابن ابی عاصم ح۱۳

۴- ۴. طبقات الکبری ابن سعد ح ۵۸۴۵؛ حلیه الاولیاء ص ۱۶۶

۵- ۵. مجمع الزوائد ح ۳۱۸۲؛ مستدرک حاکم ج۳ ص۱۲۷ ح ۳۴۶۹

۶- ۶. مطالب العالیه ابن حجر ح ۴۵۱۴

۷- ۷. احیا العلوم غزالی ج ۶ ص ۲۴۸۰، قصر الامل لابن ابی الدنیا ح۴۹ فتح الباری کتاب الرقاق ح ۹۶۰۵ باب فی الامل، صحیح مسلم ج۵ ص۲۷۱؛ مسند احمد ح ۲۳۹۸۲؛ صحیح بخاری ح ۳۱۵۸

۱۷_ اخاف علیکم ستاً، اماره السفهاء و سفک الدم و بیع الحکم و قطیعه الرحم و نشو یتخذون القرآن مزامیر و کثره الشرط(۱)

۱۸_ ان اخوف ما اخاف علیکم الاجوفان(۲)

نبی اکرم فرمود: من از شهوت شکم و فرج بر شما می ترسم

۱۹_ ان اخوف ما اتخوف علی امتی من بعدی هذه المکاسب المحرمه و الشهوه الخفیه و الرباء

نبی اکرم فرمود: من از کسب و کارهای حرام و ربا برای امتم نگرانم و می ترسم _ (۳)؛ اما گفتی پیامبر اسلام از هیچ کس خصوصاً از عمر ابن الخطاب نمی ترسیده، جناب وهابی، طبق روایات صحیح شما، نبی اسلام از خلیفه دوم، حساب می برده و می ترسیده که ما شیعیان این احادیث نامعقول را، ابداً قبول نداریم، عایشه می گوید: همواره از عمر ابن الخطاب می ترسیدم بعد از آنکه ترس پیامبر را از او دیدم؛ حریره درست کردم و نزد من سوده نشسته بود به او گفتم از آن بخور، او گفت: اشتها ندارم، به او گفتم از این غذا بخور یا آنرا بصورتت می مالم، پس غذا را به صورت او مالیدم، پیامبر اکرم در حالی که میان من و او نشسته بود خندید و از این غذا گرفتم و بصورت خودم هم مالیدم و رسول خدا، همچنان می خندید در این هنگام صدایی شنیدم که می گفت: ای عبدالله بن عمر، رسول خدا فرمود: پا شوید، صورتهایتان را پاک کنید چرا که عُمر وارد می شود (۴)

قالت عائشه: لاازل هائبه لعمر بعد ما رایت من رسول الله...

عایشه می گوید: از روزی که دیدم که رسول خدا، از قیافه و هیبت عمر ترسید، همیشه از عمر می ترسیدم

فمازلت اهاب عمر لهیبه رسول الله (۵)

۱- ۱. المعجم الکبیر ح ۱۴۵۵۰

۲- ۲. بحار الانوار ج ۷۱ ص۲۶۹

۳- ۳. بحار الانوار ج ۷۳ ص۱۵۸

۴- ۴. فضائل الصحابه احمد حنبل ج۱ ص ۳۴۹؛ مسند ابی یعلی ج۷ ص ۴۴۹

۵- ۵. حدیث هشام بن عمار ج۱ ص۲۴۶؛ مجمع الزوائد ج۴ ص۳۱۶ و حدیثه حسن رواه ابویعلی و رجاله رجال الصحیح، سبل الهدی و الرشاد ج۷ ص۱۱۴ و ج ۹ ص۷۰، تاریخ دمشق ج۴۴ ص۹۰؛ کنزالعمال ج۱۲ ص۲۶۵؛ جامع الاحادیث سیوطی ج۱۳ ص۳۰۲، سنن الکبری نسایی ح۸۵۹۵؛ المقصد العلی فی زوائد ابی یعلی کتاب النکاح؛ ح ۷۰۸؛ اتحاف الخیره المهره بزوائد المسانید العشره ح ۲۳۹۴؛ صفوه التصوف ح ۴۰۴؛ مداراه الناس، لابن ابی الدنیا ح ۱۵۹۰_ العیال ح ۵۶۱

ممکن است جناب وهابی بگوید خداوند در سره احزاب آیه ۳۹ می فرماید: پیامبران از احدی جز خداوند ترس و هراس نداشتند شما چه جوابی دارید؟ حقیر می گویم اعتقاد ما، اعتقاد قرآنی است، مرحوم علامه طباطبائی در تفسیر المیزان ذیل همین آیه مطالبی دارد خواندنی، می نویسد: اینکه خوف [ترس] به انبیاء نسبت داده می شود ولی خشیت از غیر خدا، از آنان نفی شده و کلمه خشیه به معنای تاثر مخصوصی در قلب است که از برخورد ناملایمات دست می دهد و ای بسا به آن چیزی هم که سبب تاثر قلب می شود خشیت بگویند مثلاً بگویند: خشیت ان یفعل بی فلان کذا: می ترسیدم فلانی با من فلان کار را بکند، و انبیاء از خدا می ترسند نه از غیر خدا، برای اینکه در نظر آنان هیچ موثری در عالم نیست مگر خدا، و این کلمه غیر از کلمه خوف است، زیرا، کلمه خوف به معنای توقع و احتمال دادن پیش آمد، مکروهی است ولی کلمه خشیت همانطور که گفتیم به معنای تاثر قلب از چنین احتمالی است و خلاصه کلمه خشیت به معنای حالت و امری است قلبی و کلمه خوف به معنای امری است عملی و به همین جهت خوف [ترس] را به انبیاء هم می توان نسبت داد، ولی خشیت از غیرخدا، را نمی توان به ایشان نسبت داد (۱)

ازجمله آیاتی که در قرآن، نگرانی نبی اکرم از تبلیغ برای ولایت مولا علی برای امت، در ذیل تفسیر آن نشان می دهد، آیه ۱۲ سوره هود می باشد؛ زید ابن ارقم گفت: شامگاه عرفه، روح الامین با ولایت علی بر نبی اکرم نازل شد، پیامبر از ترس اهل تهمت و نفاق، دلتنگ شد و گروهی از جمله مرا، دعوت کرد و با آنان در اینباره مشورت نمود، تا درموسم آنرا، ابلاغ کند، ما نمی دانستیم به او چه بگوییم پس پیامبر گریه کرد؛ جبرئیل به او گفت: یا محمد آیا از کار خدا ناراحت هستی؟ گفت: ای جبرئیل هرگز، ولی خدای من می داند که از قریش چه کشیدم؛ هنگامی که به پیامبری من اقرار نکردند، تا اینکه خدا، مرا به جهاد با آنان فرمان داد، پس چگونه پس از من به علی، اقرار، خواهند کرد، جبرئیل پیش پیامبر رفت و آیه ۱۲ سوره هود، را نازل کرد _ (۲)، امام صادق فرمود: سبب نزول این آیه این بود که نبی اکرم

۱- ۱. تفسیر المیزان ج۱۶ ص ۴۸۶

۲- ۲. شواهد التنزیل حاکم حسکانی حنفی ح ۳۶۸ ص ۱۵۴، مناقب ابن مردویه ج۱ ص ۲۶۰

خطاب به مولا علی فرمود: از خداوند خواستم تو، را وزیر خلیفه و وصی بعد از من برای امتم قرار دهد و خداوند قبول کرد تا اینکه مرد منافقی از اصحاب گفت: بخدا قسم اگر پیامبر اسلام، مشک کهنه ای می خواست که یک صاع خرما در آن بود، برای او بهتر از آن چیزی بود که طلب کرده است، این مطلب به گوش پیامبر رسید بر او گران آمد تا اینکه آیه ۱۲ سوره هود بر او نازل شد ـ شاید که تو برخی از آنچه را که بر تو وحی شده رها کنی و سینه ات به آن تنگ باشد از اینکه بگویند چرا به او گنجی نازل نمی شود یا همراه او فرشته ای نمی آید

سبب نزول هذه الایه ان رسول الله خرج ذات یوم فقال لعلی یا علی: انی سالت الله اللیله بان یجعلک وزیری ففعل و سالته ان یجعلک وصیی ففعل و سالته ان یجعلک خلیفتی فی امتی ففعل، فقال رجل من اصحابه المنافقین: والله لصاع من تمر فی شن بال احب الی مما سأل محمد ربه... قوله تعالی: فلعلک تارک بعض ما یوحی الیک وضائق به صدرک ... ـ ان جبرئیل الروح الامین نزول علی رسول الله بولایه علی ابن ابی طالب عشیه عرفه فضاق بذلک رسول الله مخافه تکذیب اهل الافک و النفاق ...

اما جناب وهابی گفتی که صحابه جلوی وصیت نامه پیامبر اسلام را در روز پنج شنبه نگرفتند؟ گفتی که آیا پیامبر اسلام از عمر ابن الخطاب و صحابه ترسیده که وصیت نامه جهت امامت علی برای امت ننوشته؟ اما جواب طبق صحیح ترین کتب اهل سنت، یعنی صحیح بخاری و صحیح مسلم به نقل از ابن عباس وقتی جریان جلوگیری صحابه از وصیت نامه نوشتن رسول خدا، را شرح می دهد می گوید: مصیبت و خسارت سنگین آن زمانی شروع شد که نگذاشتند رسول خدا، وصیت نامه را مکتوب کند

ان الرزیه کل الرزیه ماحال بین رسول الله و بین ان یکتب لهم ذلک من اختلافهم و لغطهم (۱)

اما گفتی که پیامبر اسلام، چه می خواسته در وصیت نامه بنویسد؟ اما جواب از کلام علمای اهل سنت، نووی شارح صحیح مسلم می نویسد: پیامبر می خواست صراحتاً بنویسد که خلیفه بعد از من کیست تا هیچ نزاعی و فتنه ای بعد از پیامبر

۱- ۱. صحیح بخاری، کتاب المرضی باب ۱۷ ح۱، صحیح مسلم، کتاب العلم باب ۳۹ ح ۴؛ کتاب المغازی باب ۸۴ ح۵؛ کتاب الوصیه باب ۶ ح ۸

برنخیرد(۱)

اراد ان ینص علی الخلافه فی انسان معین لئلا یقع نزاع و فتن، ابن حجر می نویسد: بلکه می خواست اراده کند بر تصریح اسامی جانشینان بعد از خود تا بین امت خویش اختلاف نیفتد

بل اراد ان ینص علی اسامی الخلفاء بعده حتی لایقع بینهم الاختلاف (۲)

امام غزالی می نوسید: نبی اکرم می خواست ذکر کند که چه کسی بعد از او استحقاق خلافت دارد

و اذکر لکم من المستحق لها بعدی (۳)

لاکتب لکم کتابا لاتختلفون فیه بعدی (۴)

بدرالدین عینی می نویسد: نبی اکرم می خواست تصریح بر امامت بعد از خودش کند _ انه اراد ان ینص علی الامامه بعده _ (۵)؛ قسطلانی می نویسد: می خواست اسامی امامان بعد از خودش را بنویسد اکتب لکم کتابا فیه النص علی الائمه بعدی (۶)

انه اراد ان یکتب اسم الخلیفه بعده لئلا یختلف الناس و لایتنازعوا (۷)

احمد امین مصری در یوم الاسلام ص ۴۱ می نویسد:

وقد اراد الرسول فی مرضه الذی مات فیه ان یعین من یلی الامر من بعده،

اما گفتی که آیا پیامبر اسلام به امامت علی علیه السلام در وصیت نامه تصریح و مکتوب کرد یا نه؟ اما جواب از دیدگاه اهل سنت نام مولا علی و اسامی ائمه هدی در وصیت نامه پیامبر اسلام مکتوب نشد ولی از منظر شریف اهل تشیع مکتوب شد و رسول خدا، تعدادی از کبار صحابه را برای این موضوع شاهد گرفت که عرضه می شود، عمر ابن الخطاب می گوید: پیامبر می خواست نام علی را جهت خلافت بنویسد من

۱- ۱. شرح صحیح مسلم، نووی ج ۱۱ ص ۹۰

۲- ۲. فتح الباری ج ۱ ص۲۰۹

۳- ۳. سرالعالمین ص ۲۱، المصنف ج ۵ ص ۴۳۸ ح ۹۷۵۷ سنن الکبری ج۳ ص ۴۳۳ ح ۵۸۵۲، البدایه و النهایه ج۵ ص ۲۷۱؛ طبقات الکبری ج۲ ص۱۸۷ جامع الاصول ج۱۱ ص ۳۸۷ح ۸۴۹۷، سیره الحلبیه ج۳ ص ۳۴۴

۴- ۴. مسند احمد ج۱ ص۲۹۳ _ عمده القاری ج۲ ص ۱۷۱.

۵- ۵. عمده القاری ج ۲ ص۱۷۱

۶- ۶. ارشاد الساری ج۱ ص۲۰۷

۷- ۷. الکوکب الدری فی شر صحیح بخاری، محمد بن یوسف کرمانی شمس الائمه

نگذاشتم برای دلسوزی دین اسلام و حفظ آن بخدا قسم می دانم که قریش بر امامت علی جمع نمی شوند

و لقد اراد فی مرضه ان یصرح باسمه فمنعت من ذلک اشفاقاً و حیطه علی الاسلام لاورب هذه البنیه لاتجتمع علیه قریش ابدا (۱)

ابن عباس پس از آرام شدن نزاع به پیامبر اکرم عرضه داشت؛ آیا من قلم و کاغذی بیاورم تا وصیت خود را بنویسید؟ حضرت فرمود: آیا پس از این نسبتی که به من دادند؟

فقیل له الا ناتیک بما طلبت قال او بعد ماذا قال؟(۲)

مولاـ علی فرمود: ای طلحه، مگر تو یادت نیست که پیامبر اکرم در زمان مریضی خود، تقاضای دوات و کاغذ و شانه نمود تا مبادا بعد از او امت به گمراهی افتند و رفیقت [عُمر] و قیحانه گفت: رسول خدا هذیان می گوید و با این کلام، پیامبر به خشم آمده و دست از آن کار کشید، گفت: آری من حاضر بودم، فرمود: وقتی شما خارج شدید، پیامبر مرا از مضمون آنچه می خواست بنویسد و جماعت عامه را بر آن گواه بگیرد باخبر ساخت که جبرئیل از جانب خداوند به او گفته است که قضای خداوند بر امت تو به اختلاف و تفرقه رقم خورده، سپس کاغذی طلبیده و آنچه قصد نوشتن آن را در استخوان شانه داشت بر من املاء فرمود و سه نفر را بر این کار به شهادت گرفت؛ سلمان، ابوذر، مقداد، و نام تمام امامان هدایت واجب الطاعه را تا روز قیامت نام برد؛ اول نام مرا، سپس دو فرزندم حسن و حسین و با دست به حسن و حسین اشاره فرمود؛ سپس نه نفر از اولاد فرزندم حسین را نام برد

فانکم لما خرجتم اخبرنی رسول الله بالذی اراد ان یکتب و یشهد علیه العامه فاخبره جبرئیل ان الله تعالی قد قضی علی امتک الاختلاف و الفرقه ثم دعا بصحیفه فاملی علیّ ما اراد ان یکتب فی الکتف و اشهد علی ذلک ثلاثه رهط: سلمان و اباذر و المقداد و سمّی من یکون من ائمه الهدی الذین امر الله بطاعتهم الی یوم القیامه؛ ثم ابنی هذین و اشاره بیده الی الحسن و الحسین ثم تسعه من ولد ابنی الحسین (۳)

۱- ۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید معتزلی ج۱۲ ص ۲۰ خطبه ۲۲۳

۲- ۲. طبقات الکبری ابن سعد ج۲ ص ۲۴۲،

۳- ۳. احتجاج طبرسی ج۱ ص۳۲۴

جناب وهابی فرمودی که در آیه ۶۷ سوره احزاب، خداونـد فرموده ای پیامبر، رسالت خود، را برسان و ابلاغ کن، بحث امامت در این مطرح نیست؟ رسالت پیامبر هدایت و راهنمایی مردم بوده نه امامت علی علیه السـلام ؟ اما جواب: بدان ای آقای سـلفی اموی مسلک همانطور که بعضی از مشاهیر تفسیری اهل سنت و اهل شیعه، گفته اند، آیه ۶۷ سوره مائده در مورد مولا علی در غدیر خم نازل شده، پس این آیه به سـند صحیح تفسیر بعضی از مورخان و بعضی از مفسران اهل سنت و شیعه، در مورد تبلیغ و ابلاغ نبی اکرم از امامت و خلافت علی علیه السلام است که از دید شما گذشت، ثانیاً: نبی اکرم و تمام پیامبران یک رسالت و یک تبلیغ در مسائل دینی و الهی به تنهایی نداشته اند، بلکه رسالات داشته اند، یعنی تبلیغ ها و پیام های متفاوت، قرآن کریم در سوره احزاب آیه ۳۹ می فرماید: کسانی که ابلاغ می کنند رسالت ها و پیام ها و دسـتور های خداوند را، یکی از مهم ترین رسالت های پیامبر اسـلام و تمام پیامبران گذشـته ابلاغ ولایت و امامت مولا علی بوده که بعضـی از مفسران اهل سنت در ذیل آیه ۴۵ سوره زخرف نقل کرده انـد که از دیـدگان شـما گذشت؛ در آیات قرآن کریم، نبی اسـلام بیشتر بعنوان، نذیر [هشدار دهنده] بشیر [مژده دهنده] شاهد [گواه]، دعوت کننده، خبر دهنده، فرستاده شده از سوی خدا، یاد و ذکر شده

{انا ارسلناک شاهداً و مبشراً و نذیراً و داعیاً الی الله _} (۱)

جناب وهابی، رسالت نبی اکرم و امامت علی وصل به هم می باشـد و طبق آیه ۶۷ سوره مائده و تفاسیر ذیل آن، اتمام و کمال رسـالت و نبوت نبی اکرم به ابلاـغ از امـامت و ولاـیت علی ابن ابی طالب بوده است که روایاتش در ذیل تفسـیر آیه ۶۷ سوره مائده از منابع سـنی و شـیعه از دیدگان شـما گذشت، گفتی که غیر از امام علی کسی دیگر به امامت نرسیده پس امامت کامل نشـده؟ جنـاب وهـابی، امـامت از دیـدگاه قرآن و احـادیث شـیعه و حتی روایت صـحیح اهل سـنت که از دیـدگان کور، شـما گـذشت، الهی و به نص و نصب خداونـد متعال است، امام معصوم چه حکومت ظاهری دنیوی بکنـد چه نکند، به حقیقت امام می باشـد و مخالفت مخالفین از او هیچ ضـرر و آسـیبی به امامت خاصه ی الهی او، وارد نمی سازد؛ قرآن کریم در آیه تطهیر، آیه

ص:۵۱۳

۱- ۱. سوره احزاب آیه ۴۵ الی ۴۷ _

ولایت، آیه اطاعت [آیه ۵۹ سوره نساء] آیه ۷ سوره رعد و آیه اکمال و آیه مباهله [آیه ۶۱ سوره آل عمران]و ... نبوت نبی اکرم و امامت مولا علی را، متصل و مکمل و لازم و ملزوم همدیگر، بیان فرموده که به جهت اختصار به تفسیر بعضی از آیات کریمه قرآن در این زمینه اشاره می شود مولا علی فرمود: از رسول خدا شنیدم که فرمود: اسلام بر ۵ خصلت بنا شده است بر شهادتین و قرینتین به حضرت عرض کردند، معنای شهادتین را می دانیم اما معنای قرینتین چیست؟ حضرت فرمود: نماز و زکات که هیچ کدام از این دو، جزء با دیگری پذیرفته نمی شود و روزه و حج خانه خدا، برای همه کسانی که توانایی داشته باشند و خدا، اینها را با ولایت ختم کرده است و خداوند آیه اکمال را نازل فرمود (۱)و در صفحات گذشته از منابع تفسیری و روایی اهل سنت، اشاره شد وقتی آیه اکمال نازل شد، رسول اکرم تکبیر گفت و فرمود الله اکبر از تمام و کامل شدن دین و اتمام نعمت و رضایت خدا، از رسالت من و ولایت علی بعد از من بناء الاسلام علی خمس خصال: علی الشهادتین و القرینتین قیل له: اما الشهادتان فقد عرفنا فما القرینتان؟ قال: الصلاه و الزکاه فانه لاتقبل احداهما الابالاخری و الصیام و حج البیت من استطاع الیه سبیلا و ختم ذلک بالولایه فانزل الله عزوجل الیوم اکملت لکم دینکم ...(۲)

فقال رسول الله: الله اکبر علی اکمال الدین و اتمام النعمه و رضی الرب برسالتی و الولایه لعلی _ (۳)و ... طوبای یا علی انزلت علی فی وقتی هذا، آیه ذکری و ایاک فیه سواء: الیوم اکملت لکم دینکم... قال: اکملت لکم دینکم بالنبی و اتممت علیکم نعمتی بعلی(۴)

عن ابن عباس فی قول الله تعالی: انما ولیکم الله و رسوله یعنی ناصرکم الله و رسوله یعنی محمدا ثم قال: والذین آمنوا: فخص من بین المومنین علی ابن ابی طالب (۵)

مولا علی می فرماید: پیامبر گفت: شریکان من کسانی که خداوند آنان را به خویشتن و به من نزدیک کرده و فرموده:

۱- ۱. المیزان ج۵ ص ۳۶۱

۲- ۲. سیمای امیرمومنان درقرآن _ سید جواد رضوی ص ۱۱۷، آیات الولایه مکارم شیرازی ص ۹۶ ح ۵

۳- ۳. مناقب خوارزمی حنفی ح ۱۵۲

۴- ۴. شواهد التنزیل حسکانی ح ۲۱۴ ص ۹۰

۵- ۵. شواهد التنزیل ح ۲۲۱ ص ۹۱

{یا ایها الذین امنوا اطیعواالله و اطیعو الرسول، }

اگر در کاری نزاع داشتید آنر به خدا و رسول و صاحبان امر، برگدانید، گفتم: آنان چه کسانی هستند ای پیامبر خدا؟ فرمود: اولین آنان تو هستی شرکائی الذین قرنهم الله بنفسه و بی و انزل فیهم: یا ایها الذین آمنوا؛ اطیعوا الله و اطیعو الرسول؛ الایه: .... قلت: یا نبی الله من هم؟ قال: انت اولهم (۱)

نبی اکرم خطاب به مولا علی فرمود: ای علی هر کس تو را بکشد مرا کشته و هر کس دشمنی تو داشته باشد من را دشمن داشته، هر کس به تو فحش دهد به من فحش داده تو همانند نفس من هستی، روح تو روح من است و طینت تو، طینت من است، خداوند من و تو را با هم خلق کرد و برگزید من را و مقام نبوت داد و تو را مقام امامت داد، هر کس منکر امامت تو شود همانا منکر نبوت من شده است

فمن انکر امامتک فقد انکر نبوتی (۲)و من انکر امامته فقد انکر نبوتی (۳)

پس طبق این حدیث شریف نبوت رسول اسلام با امامت مولا علی بهم گره خورده است گفتی که اکثریت مردم چون ولایت و امامت علی را نپذیرفته اند رسالت پیامبر کامل نشده؟ جواب: وظیفه نبی اکرم ابلاغ رسالت به روشنی بوده که ایشان با تمام وجود و روشنی ولایت و امامت مولا علی را به امت در زمانها و مکانهای مختلف، ابلاغ فرموده اند خصوصاً در واقعه غدیر خم، ثانیاً ملاک حق، پذیرفتن اکثریت یارای اکثریت نیست؛ قرآن کریم؛ اکثریت مردم را ناسپاس می شمارد و اکثر مردم عقل ندارند و تابع هوا و هوس خودشان هستند که آیاتش بطور اختصار، ارائه می شود؛

امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی رسول خدا، خطبه خود را در غدیر خم، به پایان رسانید در میان جماعت، مردی خوش سیما و معطر ظاهر شده و گفت بخدا سوگند هیچ وقت محمد را مانند امروز ندیده بودم تا این اندازه در معرفی پسرعمویش علی ابن ابی طالب و برای تثبیت امامت او اصرار و پافشاری نماید، و براستی جز کافر به خدا و پیامبرش، هیچکس قادر به مخالفت با آن قرار داد نیست (۴)

ص:۵۱۵

۱- ۱. شواهد التنزیل ح ۲۰۲ ص ۸۲؛ اکمال الدین شیخ صدوق ج۱ ص ۵۳۳ باب ۲۴ ح ۲۵

۲- ۲. امالی صدوق ج۱ ص۱۵۵

۳- ۳. امالی صدوق ج۱ ص ۱۹۴؛ ینابیع الموده قندوزی حنفی ج۱ ص ۱۶۷، بحارالانوار ج۳۶ ص ۲۲۸ و ج ۹۶ ص ۳۵۸ و ج ۴۲ ص ۱۹۱

۴- ۴. احتجاج طبرسی ج۱ ص ۱۴۵

فقال: تالله ما رایت محمـد کالیوم قط و ما یوکد لابن عمه؛ قرآن کریم در آیات متعدد می فرماید: پیامبران با ابلاغ رسالت را به روشنی و آشکار انجام می دادند _ سوره نحل آیه ۳۵

{فهـل علی الرسـل الاالبلاغ المبین} سوره نور آیه ۵۴؛ سـوره عنکبوت آیه ۱۸ سـوره یس آیه ۱۷، سـوره شوری آیه ۴۸ _ ان علیک الا البلاغ

جناب وهـابی گفتی که چون اکثریت مردم، امـامت علی، را نپـذیرفته انـد پس گمراه شـده انـد، پس پیـامبر اکرم در ابلاـغ و رسالتش موفق نبوده؟ جواب: پیامبر اسـلام و همه پیامبران وظیفه اشان فقط ابلاغ و رسانـدن پیام خـداست و هدایت بطور مطلق بدست خداست، قرآن در سوره قصـص آیه ۵۶ می فرمایـد { انک لاتهدی من احببت و لکن الله یهدی من یشاء}: ای پیامبر تو [بطور اسـتقلالی] نمی توانی هر کس را دوست داری هـدایت کنی و لکن خداونـد هر کس را بخواهـد هـدایت می کند، ولی قرآن در آیه ۵۲ سوره شوری می فرمایـد: و قطعاً تو نیز مردم را، به راه مسـتقیم هـدایت می کنی، یعنی هر کس طالب هـدایت هست با لطف الهی و ارشاد پیامبر اکرم هـدایت و رهنمون می شود ولی اگر خودش نخواهـد راه هـدایت را طی کند مشـخص است که به راه مستقیم هدایت نمی شود، حضرت نوح پیامبر؛ ۹۵۰ سال تبلیغ رسالت کرد چنـد نفر هدایت شدند: ۸۰ نفر؛ آیا نعوذبالله، تقصـیر در تبلیغات نوح نبی، بوده ابداً اشـکال در نپذیرفت قوم کافر برای رسیدن به هدایت بوده است قرآن کریم می فرماید: اکثر مردم اهل ایمان نیسـتند و اکثر مردم فاسقند و بی عقل و جاهل و ناشکر و نادان _ سوره بقره آیه ۱۰۰ _ {بل اکثر هم لاـیومنون؛} سوره آل عمران آیه ۱۱۰ _ {و اکثر هم فاسـقون؛} سوره مائده آیه ۱۰۳ _ {و اکثرهم لایعقلون؛} سوره انعام آیه ۳۷ { ولکن اکثرهم لاـیعلمون} انعام آیه ۱۱۱ _ {اکـثرهم یجهلون،} اعراف آیه ۱۷ _ و لا تجـد اکثرهم شاکرین، اعراف آیه ۱۰۲ و ۱۳۱؛ انعام آیه ۳۴، توبه آیه ۸، انعام آیه ۱۱۶ _ چون اکثر صحابه نبی اکرم ولایت و امامت آسمانی و الهی علی را قبول نکردنـد از ایمان مرتـد شدنـد فقط یک اسـلام ظاهری و پوشالی برای آنان باقی ماند امام صادق علیه السـلام فرمود: همه مردم بعد از رسول خدا، مرتد شدند مگر ۳ نفر یا ۷ نفر _

ص:۵۱۶

ارتد الناس بعد النبی الاثلاثه او سبعه (۱)

عایشه می گوید: پیامبر که از دنیا رفت همه عرب مرتد شدند و نفاق در میان آنها اوج گرفت

عن عائشه: قالت لما قبض رسول الله ارتد العرب قاطبه و اشرابت النفاق(۲)

مزی در تهذیب الکمال نقل می کند: زمانی که رسول خدا، از دنیا رفت غیر از ۵ نفر همه مردم کافر شدند

لما مات النبی کفر الناس الاخمسه (۳)

انک لاتدری ما احد ثو بعدک: هو الارتداد عن الاسلام

در حدیث حوض به نقل از کتاب صحیح بخاری آمده فردای قیامت تعداد بسیار زیادی از صحابه پیامبر را بسوی جهنم می برند، رسول خدا می گوید: مگر آنها چکار کرده اند؛ خطاب می آید: اینان بعد از تو مرتد شدند و به دوران جاهلیت باز گشتند ــ (۴)ــ انهم ارتد و ابعدک علی ادبارهم القهقری...

فلا اراه یخلص منهم الامثل همل النعم (۵)ــ انهم لم یزالو مرتدین علی اعقابهم منذ فارقتهم ....

ابوهریره می گوید: پیامبر که از دار دنیا رفت و ابوبکر به جای او نشست تعداد زیادی از عرب کافر شدند

لما توفی النبی و استخلف ابوبکر و کفر من کفر من العرب (۶)

فاقول: اصحابی اصحابی فیقال: انهم لم یزالو مرتدین علی اعقابهم منذفارقتهم ....

جناب وهابی بدان طبق آیات کریمه قرآن خصوصاً آیه ۷ سوره رعد، مولاـ علی، هادی امت و بشریت بعد از نبی اکرم می باشد و هر کس طالب هدایت باشد بوسیله

۱- ۱. اختصاص شیخ سفید ص ۶، مفتاح السعاده ج۷ ص ۹۶

۲- ۲. البدایه و النهایه ابن کثیر ج۶ ص ۳۶۶، نیل الاوطار شوکانی ج۱ ص ۳۵۸؛ تفسیر قرطبی ح ۸ ص۱۴۷؛ طبقات الکبری ج۴ ص۱۸۱؛ المستدرک حاکم ج۱ ص ۵۴۴، تاریخ دمشق ج ۳۰ ص ۳۱۴، لسان العرب ج۱ ص ۶۸۱؛

۳- ۳. تهذیب الکمال ج ۲۱ ص۵۵۷ البدایه النهایه ج ۸ ص۵۷۹؛ تهذیب التهذیب ابن حجر ج ۸ ص ۱۰؛ تاریخ الاسلام ذهبی ج۴ ص ۷۰۰؛ النهایه فی غریب الحدیث ج۲ ص۲۱۴ تفه الاحوذی ج۹ ص۷

۴- ۴. صحیح بخاری ج۸ ص ۱۲۱

۵- ۵. ... صحیح بخاری ج۴ ص۱۶۸

۶- ۶. صحیح بخاری ج ۲ ص۱۰۵ و ج۹ ص ۱۵، صحیح بخاری ج۸ ص۱۲۱ ح ۶۵۸۵ و ح ۳۳۴۹

او، هدایت می شود به دین خدا و صراط مستقیم، در تفسیر آیه ۷ سوره مبارکه رعد آمده که نبی اکرم دست بر سینه خودش گذاشت فرمود من انذار دهنده هستم و با دست اشاره به دوش علی کرد و فرمود: ای علی تو هادی و هدایتگر هستی، مهتدون بوسیله تو هدایت می شوند

واخرج ابن جریر و ابن مردیه و ابونعیم فی المعرفه و الدیلمی و ابن عساکر و ابن النجار عن ابن عباس قال: لما نزلت: انما انت منذر و لکل قوم هاد: وضع رسول الله یده علی صدره فقال انا المنذر و او ما بیده الی منکب علی فقال: انت الهادی یا علی بک یهتدی المهتدون من بعدی (۱)

نبی اکرم می فرماید: شبی که مرا به معراج بردند، ندا دهنده ای از پشت سر من نداد، داد ای محمد، همانا تو بیم دهنده هستی و برای هر قومی هدایت کننده ای است، گفتم من بیم دهنده ام، هدایت کننده کیست؟ گفت: علی، هدایت کننده و هدایت شده است و با رحمت من، رهبر امت پیشانی سفید و دست و پا سفید بسوی بهشت من است (۲)

قلت: انا المنذر فمن الهادی؟ قال: علی الهادی المهتدی؛ القائد امتک الی جنتی غراء محجلین برحمتی(۳)

نبی اکرم به عمار یاسر فرمود: اگر تمام مردم به راهی می روند و علی علیه السلام به راه دیگر، پس راهی را برو که علی می رود و بی نیاز شود از مردم، ای عمار، علی تو را از هدایت برنگرداند و دلالت بر هلاکت ننماید ای عمار، اطاعت علی اطاعت من است و اطاعت من اطاعت خداست.

سیکون فی امتی من بعدی هنات حتی یختلف السیف فیما بینهم و حتی یقتل بعضهم و حتی یبرا بعضهم من بعض فاذاء رایت ذلک فعلیک بهذا، الاصلع عن یمینی علی ابن ابی طالب و ان سلک الناس کلهم وادیاً و سلک علی وادیا فاسلک

ص:۵۱۸

۱- ۱. تفسیر الدر المنثور سیوطی ص ۳۷۵ ج ۸؛ تفسیر ابن کثیر ج۴ ص ۴۳۵؛ تفسیر طبری ج۱۶ ص۳۵۳ ح ۲۰۱۶۱ ـ تفسیر بحر المحیط ج۵ ذیل آیه؛ تفسیر کبیر فخررازی ذیل آیه، تفسیر ابن عطیه اندلسی ج۵ ص ۱۷۹ تفسیر ابن ابی حاتم ج ۷ ح ۱۲۱۵۲؛ قال علی: رسول الله المنذر و انا الهادی ـ المستدرک حاکم مساله ۴۷۰۲ کتاب معرفه الصحابه هذا حدیث صحیح الاسناد؛ تفسیر حبری ص ۲۸۱؛ المعجم الصغیر ج۱ ص ۲۶۱؛ تاریخ بغداد ج۱۲ ص۳۷۲؛ مجمع الزوائد ج۷ ص ۴۱؛ فتح القدیر ج۳ ص۶۶؛ تاریخ دمشق ج۲ ص۴۱۵؛ تاریخ بغداد ج۱ ص۱۲۶

۲- ۲. شواهد التنزیل حاکم حسکانی حنفی ح ۴۰۳ ص ۱۶۴

۳- ۳. الکشف و البیان ثعلبی ج۵ ص۲۷۲، کفایه الطالب گنجی ص ۲۳۳، تاریخ دمشق ج۴۲ ص ۳۵۹؛ نظم درر السمطین ص ۹۰

وادی علی و خل عن الناس، ان علیاً لایردک عن هدی و لایدلک علی ردی؛ یا عمار؛ طاعه علی طاعتی و طاعتی طاعه الله(۱)

اذا رایت علیاً سلک وادیاً و سلک الناس وادیاً غیره؛ فاسلک مع علی ودع الناس (۲) در روایات اهل سنت و شیعه در باب مخالفت مردم با ۱۲ ائمه هدی از لسان مقدس رسول اکرم و مولا علی آمده است که مخالفت، جدایی و دوری عامه مردم از آنان هیچ گونه ضرر و آسیبی به امامت الهی آنان وارد نمی سازد، بلکه این ضرر شامل حال مردم می شود؛ نبی اکرم فرمود: این امت ۱۲ و قیم سرپرست دارد که هر کس آنان را واگذارد؛ به آنان ضرر نمی رسد و تمام آنان از طایفه قریش هستند یکون لهذه الامه اثنی عشر قیماً لایضرهم من خذلهم کلهم من قریش_ (۳)

مولا علی فرمود: برای امت اسلام بعد از نبی اکرم، ۱۲ امام می باشد که مخالفت مخالفین ضرر و زیان به امامت و خلافت آنان وارد نمی سازد و از آن ۱۲ امام، اولین آنها من هستم و آخرین نفر آنها مهدی موعود است لهذه الامه بعد نبیّها اثناعشر اماماً لایضرهم خلاف من خالفهم ...هولاء الائمه الاثنا عشر اولهم انا و آخرنا القائم المهدی _ (۴)؛ قال علی: فان لهذه الامه اثنا عشر اماماً هادین مهدیین لایضرهم خذلان من خذلهم _(۵)، قال النبی لایعزنک جهل الجاهلین

نبی اکرم به جندل یهودی فرمود: جهل جاهلان نسبت به امامت ائمه ۱۲ گانه تو را به شگفتی نیاورد(۶)

بدان ای وهابی از قرآن و روایات و تاریخ اسلام بی خبر ؛ طبق کتب حدیثی و تاریخی و فتوایی علمای شما ؛ خلافت ابوبکر ؛ خلیفه اول در لوح محفوظ الهی و در آسمان ها ؛ نزد خداوند مکتوب و معلوم بوده و خلافت ابوبکر آسمانی بوده قبل از آنکه زمینی و دنیوی باشد؟!!!- ابن تیمیه حرانی ملعون ناصبی رهبر فکری وهابیت از

ص:۵۱۹

۱- ۱. المناقب اخطب خوارزمی حنفی ح ۲۳۲ فصل ۱۶ ص ۲۵۱ باب جهاد حضرت با اهل صفین و ۱۱۰ فصل ۸

۲- ۲. فراد السمطین امام جوینی شافعی ۱ ص۱۷۸ ح ۱۴۱ سمط ۱، باب ۳۶، ینابیع الموده قندوزی نفی ۱ ص۳۸۴ ۱۱ باب ۴۳ الفردوس دیلمی ج۵ ص۳۸۴ ۸۵۰۱ حرف الیاء، تاریخ دمشق ابن عساکر ج۴۲ ص ۴۷۲ رقم ۴۹۳۳ تاریخ بغداد ج۱۳ ص ۱۸۷ رقم ۷۱۶۵ شرح حال معلی بن عبدالرحمن الواسطی

۳- ۳. معجم الکبیر طبرانی ج۲ ص۱۹۶

۴- ۴. ینابیع الموده قندوزی حنفی ج۳ ص۲۸۵

۵- ۵. کمال الدین صدوق ج۱ ص۲۹۷

۶- ۶. ینابیع الموده ج ۳ ص ۲۸۵

قول امام ادریس شافعی ؛ رهبر دینی فرقه شافعی نقل می کند که شافعی گفت ؛ خلافت و رهبری ابوبکر صدیق !!! حق و قضای الهی در آسمان ها بوده – مجموعه الفتاوی ابن تیمیه ج ۵ ص ۵۳ ؛ شرح الفتوی الحمویه ج ۱۵ ص ۶ ؛ اثبات علو الله ج ۱ ص ۶۷ التوجیری ؛ العقیده الحمویه الکبری ابن تیمیه ص ۳ ؛ مجله البحوث الاسلامیه ج ۱۲ ص ۱۶۳ – و قال الشافعی : خلافه ابی بکر الصدیق حق قضاه الله فی السماء سؤال جناب وهابی ؟! چگونه ابوبکر در آسمان ها به امر و قضای خداوند ؛ خلافت می کرده جواب بده ؟ مرجوم علامه امینی در کتاب گران مایه الغدیر ج ۷ ص ۳۴۶ و ص ۳۴۷ از منابع روایی اهل سنت نقل کرده که نام ابوبکر بعنوان وزیر و جانشین نبی اکرم بر چهره کره خورشید حک شده بوده ؟!! – عمده التحقیق فی بشائر آل الصدیق ؛ عبیدی مالکی ؛ حاشیه روض الریاحین ص ۱۸۴ یافعی ؛ نزهه المجالس صفوری ج ۲ ص ۱۵۳ ؛ تحفه الصدیق ج ۱ ص ۱۰۵ ؛ در روایت جعلی دیگر آمده که خداوند در لوح محفوظ برای ابوبکر و عمر و عثمان پیمان گرفته که هیچ کس جزء مومن متقی شما را دوست ندارد – الغدیر ج ۷ ص ۴۲۹ ؛ در یک روایت جعلی دیگر که در توسل آدم به اشباح نورانی !! ابوبکر و عمر و عثمان آمده ؛ خداوند به آدم می فرماید : اینان از همه آفریدگانم نزد من گرامی هستند – ریاض النضره ج ۱ ص ۳۰- الغدیر ج ۷ ص ۴۳۱ ؛ در روایات اهل سنت آمده زمانی که خداوند ؛ ارواح را آفرید در میان ارواح ؛ روح ابوبکر را برگزید – ان الله لما اختار الارواح اختار روح ابی بکر – کشف الخفاء عجلونی ج ۲ ص ۴۱۹ ؛ سفر السعاده ص ۱۴۱ میزان الاعتدال ج ۲ ص ۲۵۹ و ص ۲۶۰ شماره ۱۹۰۷ – شب های پیشاور ج ۱ ص ۵۱۲ و ص ۵۱۳ و ص ۵۱۴ جلسه ۵ ؛ نبی اکرم بقول احادیث جعلی اهل سنت فرموده : من از نور خدا خلق شدم و ابوبکر از نور من خلق شده است – خلقنی الله من نوره و خلق ابابکر من نوری – الفوائد المجموعه ج ۱ ص ۳۳۱ – شرف المصطفی ج ۵ ص ۴۵۹ ح ۲۴۳۵ ؛ میزان الاعتدال ج ۱ ص ۱۶۶؛ الریاض النضره ج ۱ ص ۵۱- و قال هولاء اکرم عندی من جمیع خلقی ... رب بحرمه اولئک الاشباح الخمسه الذین فضلتهم – رسائل و مقالات ؛ سبحانی ج ۳ ص ۵۳۰ – و نقش علی وجه الشمس اسم وزیره ؛ اعنی ابابکر صدیق المصطفی – لیله عرج بی الی السماء فما مررت بسماء الا وجدت اسمی مکتوباً محمد رسول الله و ابوبکر الصدیق من خلفی ؛

خیر امتها من بعدی ابوبکر و عمر زینهما الله بزنیه الملائکه و جعل اسماء ها مع انبیائه و رسله فی دیوان السماء – اما جناب وهابی گفتی که اهل بیت رسالت ائمه طاهرین چگونه قبل از آمدن به عالم دنیای خاکی ؛ حکومت می کردند ؛ خوب است جواب شبهه و سوالت را از آلوسی مفسر نامی اهل سنت دریافت کنی – بسیاری از صوفیه (قدس الله اسرارهم) با استدلال به آیه ۵۵ مائده به خلافت بلافصل امام علی بعد از نبی اکرم استدلال می کنند اما مراد آن ها از خلافت و حکومت ؛ خلافت باطنی و معنوی است ؛ یعنی همان خلافت ارشاد و تربیت و یاری و تصرف روحانی نه خلافت ظاهری که اقامه حدود ظاهری ؛ تجهیز سپاه و غیره است ؛ زیرا خلافت ظاهری در نگاه آن ها همان نظر اهل سنت است و فرق بین خلافت ظاهری و باطنی مثل فرق بین پوست و مغز است ؛ پس خلافت باطنی مغز و اصل خلافت ظاهری است و با آن از حقیقت اسلام دفاع می شود در حالی که با خلافت ظاهری از صورت اسلام محافظت می گردد ؛ خلافت باطنی همان مرتبه قطب در هر زمان است و گاهی با خلافت ظاهری جمع می شود مثل زمانی که علی علیه السلام خلافت ظاهری هم داشته و همچنان که در مهدی جمع می شود ؛ خلافت باطنی و نبوت ؛ برادران رضاعی اند و سخن نبی اکرم که می فرماید : من و علی از نور واحد خلق شده ایم اشاره به همین دارد و این خلافت باطنی در علی کرم الله وجهه به نحو اتم وجود دارد – الخلافه الباطنه التی هی خلافه الارشاد و التربیه و الامداد و التصرف الروحانی ... و الفرق عندهم بین الخلافتین کالفرق بین القشر و اللب فالخلافه الباطنه لب الخلافه الظاهره و بها یذب عن حقیقه الاسلام ... و هی مرتبه القطب فی کل عصر و قد تجتمع مع الخلافه الظاهره کما اجتمعت فی علی کرم الله تعالی وجهه ایام امارته ... و هی و النبوه رضیعا ثدی و الی ذلک الاشاره بما یروونه عنه علیه الصلاه و السلام من قوله : خلقت انا و علی من نور واحد و کانت هذه الخلافه فیه کرم الله تعالی وجهه علی الوجه الاتم – روح المعانی ج ۳ ص ۳۵۲ ؛ شیخ عارف ابن معتوق مصری درباره مقامات اهل بیت اشعاری دارد من جمله می نویسد ؛ شما امامانی هستید که خداوند پیش از آفرینش خلق از خلق برایشان پیمان گرفت – ائمه اخذ الله العهود لهم ... علی جمیع الوری من قبل خلقهم – ینابیع الموده ج ۶ ص ۲۳۰ باب ۸۷- ینابیع الموده ج ۲ ص ۱۱۴ باب ۲۴- یا آدم هذه الاشباح ؛ اشباح افضل

خلائقی و بریاتی ... و هولاء خیار خلقی و کرایم بریتی –

ینابیع الموده ج ۲ ص ۱۱۶ باب ۲۴ – فقلت له : یا ابن رسول الله فما یعنی بقوله : فاتمهن ؟ قال : یعنی اتمهن الی القائم المهدی اثنی عشر اماماً تسعه من ولد الحسین – همانطور که اشاره شد از آلوسی سنی در روح المعانی که چون نور وجود نبی اکرم و علی از یک نور واحد خلق شده اند قبل از خلائق و آن دلیل ولایت و امامت باطنی علی علیه السلام است خود مولا علی هم به این نکته امامت و ولایت باطنی و قبل از خلقت مخلوقات که امامت داشته اشاره فرموده اند ؛ مولا علی فرمود : ای سلمان و ای جندب من و محمد یک نور بودیم که قبل از همه تسبیح می گفتیم قبل از مخلوقات اشراق داشتیم و خداوند ؛ آن نور ؛ را به دو قسمت کرد یک نصف آن پیامبر برگزیده و نصف دیگر وصی مورد رضایت – مشارق الانوار الیقین ص ۵۱۳- کنت و محمداً نوراً نسبح قبل المسبحات و نشرق قبل المخلوقات فقسم الله ذلک النور نصفین نبی مصطفی و وصی مرتضی ؛ امام ششم فرمود : آیا نمی دانی که محمد و علی ؛ نوری نزد ؛ پروردگار ؛ دو هزار سال قبل از آفرینش خلق بودند و همانا فرشتگان زمانی که نور ؛ را دیدند برای آن اصل و ریشه ای دیدند که از شعاعی درخشنده منشعب شده بود ؛ پس عرض کردند : معبود و سرور ما این نور چیست ؟ خداوند به آنان وحی فرمود : این نوری از نور من است اصلش نبوت و شاخه و فرعش امامت است اما نبوت و پیامبری برای محمد ؛ بنده و رسولم است و اما امامت پس برای علی ؛ حجت و ولیم است و اگر این دو نفر نبودند آفریدگانم را نمی آفریدم – الجوهر السنیه فی الاحادیث القدسیه باب ۱۲ ص ۴۱۱ و ص ۴۱۲ ان محمد و علیاً کانا نوراً بین یدی الله قبل خلق الخلق بالفی عام و ان الملائکه لمارات ذلک النور ؛ رات له اصلاً قد انشعب منه شعاع لا مع فقال : الهنا و سیدنا ما هذا النور ؟ فاوحی الله الیهم : هذا من نوری اصله نبوه و فرعه امامه ؛ اما النبوه فلمحمد عبدی و رسولی و الامامه فلعلی حجتی و ولیی ولو لا ـ هما ما خلقت خلقی – الجوهر السنیه ح ۵۸ باب ۱۲ ص ۴۱۲ – و اخرج من ذلک النور ائمه یقومون بامری و یهدون الی حقی و اجعلهم خلفائی فی ارضی بعد انقضاء وحیی – الجوهر السنیه ح ۷۰ ص ۴۲۲ باب ۱۲ – قال لبنی آدم : اقروا لله بالربوبیه و لهولاء النفر بالطاعه و الولایه – الجوهر السنیه ح ۸۰ ص ۴۳۲ باب ۱۲- فرفع راسه آدم فنظر الی ساق العرش فاذا علیه

مکتوب : لا اله الا الله محمد رسول الله علی ابن ابی طالب امیرالمؤمنین – الجوهر السنیه ح ۸۳ ص ۴۳۴ باب ۱۲- الجوهر السنیه ص ۵۰۰ ح ۱ باب ۱۳ ؛ الجوهر السنیه ص ۵۱۲ باب ۱۳ ح ۱۱ – لاقامت السماوات و الارض الابان کتب فیها : لا اله اله الله محمد رسول الله علی امیرالمؤمنین – الجوهر السنیه ص ۵۲۰ ح ۱۷ باب ۱۳ – اخذت ولایته علی الذر قبل خلق السماوات و الارض بالفی عام – فرائد السمطین جوینی شافعی ج ۱ ص ۳۶ و ص ۳۷ – یا آدم هولاء صفوتی من خلقی ... حضرت آدم بر ساق عرش نگاه کرد ؛ دید بر عرش نوشته شده است ؛ لا اله الا الله ؛ محمد رسول الله ؛ علی مقیم الجنه من عرف حق علی زکی و طاب و من انکر حقه ؛ لعن و خاب – مناقب خوارزمی حنفی مکی ح ۳۲۰ ؛ تفسیر آیه ۴۵ سوره زخرف که از منابع موثق اهل سنت در صفحات فصل اول کتاب ذکر شد ؛ تمام انبیاء الهی براساس امامت مولا علی مبعوث شده اند ؛ پس ایشان ذاتاً از سوی خداوند ؛ امام و پیشواء بوده اند که رسولان حق ؛ بر مبنای تبلیغ از امامت الهی ایشان مبعوث به رسالت و نبوت شده اند – اتانی ملک فقال یا محمد سل : من ارسلنا من قبلک من رسلنا : علی ما بعثوا ؟ قال : قلت : علی ما بعثوا ؟ قال : علی ولایتک و ولایه علی بن ابی طالب – مسعودی شافعی و سبط بن جوزی حنفی ؛ خطبه ای از مولا علی نقل کرده اند که اشاره دارد به امامت الهی اهل بیت قبل از خلقت موجودات – تذکره الخواص ص ۱۲۱ و ص ۱۲۲ باب ۶ – مروج الذهب ج ۱ ص ۲۶ ؛ نزهه المجالس ج ۲ ص ۹۶ – مشارق الانوار الیقین ص ۱۰۵ و ص ۱۰۶ و ص ۱۰۷ ؛ و عندک مستودع الانوار ... و انصب اهل بیتک علماً للهدایه و اودع اسرارهم ... و اجعلهم حجتی علی بریتی ... ثم اخذا الحق سبحانه علیهم الشهاده بالربوبیه ... و ان الامامه فیهم و النور معهم ... فنحن انوار السموات و الارض ... و بمهدینا تقطع الحجج فهو خاتم الائمه ... و منتهی النور ... اثبات الوصیه مسعودی ج ۱ ص ۹ ؛ بحار الانوار ج ۷۷ ص ۳۰۰ مرحوم علامه امینی در کتاب شریف الغدیر ج ۷ ص ۳۶۶ و ص ۳۶۷ اشعاری از علمای اهل سنت درباره خلقت مولا علی قبل از خلقت دنیوی که سروده اند نقل فرموده اند که حضرت معلم جبرئیل بوده است بسا هنگام که تو راهبر فرشتگان بودی و برای پاسداری از آبرو و آیین ایشان به راهنمایی پرداختی ؛ روزی که پروردگار آسمان ؛ جبرائیل را آواز داد و گفت : من کیستم ؟ او اندکی فکر کرد و اگر

تو نبودی پاسخی به آن نیکویی را نتوانست یافت – دیوان شیخ صالح تمیمی ص ۴ ؛ دیوان عبدالباقی افندی ص ۱۲۶ ؛ دیوان عمری ؛ - یوم نادی رب السماء جبرئیلا

* قائلا : من انا فروی قلیل و هو لولاک فاته الاهتداء – تحفه المجالس ص ۸۰- انوار النعمانیه ج ۱ ص ۱۵ (سایت شبکه الفکر للکتب الالـ کترونیه) – و روی صاحب بستان الکرامه ان النبی کان جالساً و عنده جبرائیل فدخل علی ؛ فقام له جبرائیل ؛ فقال النبی : اتقوم لهذا الفتی ؟ فقال له : نعم ان له علی حق التعلیم فقال النبی کیف ذلک التعلیم یا جبرائیل ؛ فقال : لما خلقنی الله تعالی سألنی من انت و ما اسمک و من انا و ما اسمی فتحیرت فی الجواب و بقیت ساکتاً ثم حضر هذا الشاب فی عالم الانوار و علمنی الجواب فقال : قل انت ربی الجلیل و اسمک الجلیل و انا العبد الذلیل و اسمی جبرائیل – انوار النعمانیه ج ۱ ص ۲۷ نور نبوی – مشارق الانوار ج ۱ ص ۱۱۲ ؛ غایه المرام ج ۳ ص ۱۹ ؛ کتاب دیوان عبدالباقی افندی (سایت بوابه الشعراء – (قصیده یا علیا به تباهی العلاء)

در این رابطه که اهل بیت رسالت و ائمه طاهرین معلم فرشتگان بوده اند با سند در کتب شیعه نقل شده است ؛ نبی اکرم فرمود : چگونه ما از فرشتگان برتر نباشیم در حالی که پیش از ایشان به پروردگارمان ؛ معرفت پیدا کرده و به تسبیح و تهلیل و تقدیسش پرداخته ایم زیرا ؛ اول موجودی که پروردگار عالمیان آفرید ارواح ما بود ؛ پس از آفریدن آنرا به توحید و تحمیدش گویا ساخت ؛ سپس فرشتگان را آفرید ؛ ایشان وقتی مشاهده کردند که ارواح ما یک نور است امر ما را بزرگ شمردند و ما برای اینکه فرشتگان بدانند ؛ مخلوق حضرت جلال هستیم و او از صفات ما مخلوقات مبراء است ؛ حضرتش را تسبیح و تنزیه نمودیم ؛ فرشتگان که چنین دیدند آن ها نیز با تسبیح ما به تسبیح حق پرداخته و نیز چون شان ما را با عظمت دیدند ؛ رای این که بدانند معبودی غیر از حق نیست و ما بندگان او بوده و آفریدگار نیستیم به تهلیل آن حضرت پرداخته و هر معبودی غیر از او را نفی نمودیم و وقتی فرشتگان چنین دیدند آنان نیز به گفتن لااله الا الله مبادرت ورزیدند ... پس فرشتگان به واسطه ما به یکتاپرستی و تسبیح و تهلیل و تحمید و تمجید نمودن باری تعالی ارشاد و راهنمایی شدند – علل الشرایع ج ۱ باب ۷ حدیث اول ص ۴۴ و ص ۴۵ – فقالت الملائکه : الحمدلله فبنا اهتدوا الی معرفه توحید الله و تسبیحه و تهلیله و

تحمیده و تمجیده ... فکیف لانکون افضل من الملائکه و قد سبقناهم الی معرفه ربنا و تسبیحه و تهلیله و تقدیسه ؛ لان اول ما خلق الله عزوجل خلق اروحنا فانطقنا بتوحیده و تحمیده ... در روایات و ادعیه ما شیعیان آمده از لسان شریف ائمه هدی که امامت ایشان قبل از خلق مخلوقات و موجودات و عالم هستی از جانب حق تعالی بوده است – المزار الکبیر المشهدی) ج ۱ ص ۵۴۱ – اسلام علیك یا من بدالله فی شانه – ای اراد الله امامته أو بدابها قبل خلقه – ملاذ الاخبار فی فهم تهذیب الاخبار ؛ علامه مجلسی ج ۹ ص ۲۱۲ ؛ بحار الانوار ج ۱۰۲ ص ۹ ؛ روایت جالبی اهل سنت نقل کرده اند نوشته اند خداوند دو لباس همزمان با خلقت آسمان ها و زمین آفریده و در روز قیامت بر بدن عثمان می پوشاند ؛ وقتی به قول شما وهابی ها از روز اول ؛ خداوند لباس کرامت برای عثمان ذخیره و تقدیر کرده برای روز قیامتش چگونه امامت و خلافت الهی ائمه طاهرین ما را که از کتب شیعه و سنی و آیات قرآن اشاره شد ؛ از قبل خلقت موجودات و خلائق ؛ تقدیر نکرده باشد و برای شما وهابی ناصبی ؛ مایه تعجب و شگفتی باشد ؟! – مختصر تاریخ دمشق ج ۱۸ ص ۳۰۵ ؛ نزهه المجالس ج ۲ ص ۱۶۵ ؛ الریاض النضره ج ۱ ص ۵۴ ؛ تاریخ دمشق ج ۴۴ ص ۱۹۱ – و یکسی عثمان حلتین فیقال له البسهما فانی خلقتهما و ادخرتهما حین انشات خلق السماوات و الارض – روایات جعلی دیگر متأسفانه در کتب برادران محترم اهل سنت موجود است که اشاره به خلافت و امامت خلفای ثلاثه قبل از آفرینش عالم خاکی دنیا دارد که مختصراً ؛ اشاره می شود ؛ نبی اکرم فرمود : هیچ درختی در بهشت نیست جزء آنکه بر هر ورقه ی آن نوشته شده : لا اله الا الله ؛ محمد رسول الله ؛ ابوبکر الصدیق ؛ عمر الفاروق ؛ عثمان ذورالنورین ؟!!! – المعجم الکبیر ج ۱۱ ص ۶۳ ؛ رسول اکرم فرمود : همانا خداوند برای ابوبکر در اعلاء علیین گنبدی از یاقوت سفید قرار داده ... برای آن چهار هزار درب است ؛ هرگاه ابوبکر مشتاق لقای خدا شد دری از آن باز می شود و به خدا ؛ نظاره می کند ؟!! – تاریخ بغداد ج ۵ ص ۴۴۱ ؛ ابوهریره نقل کرده : هنگامی که جبرئیل با رسول خدا بود ناگهان ابوبکر گذر کرد ؛ حضرت فرمود : این ابوبکر است ای جبرئیل آیا او را می شناسی ؟ گفت : همانا او در آسمان مشهورتر است تا در زمین ؛ ملائکه او را حلیم قریش می نامند – المجروحین ج ۱ ص ۱۳۰ ؛ نبی اکرم فرمود : خداوند و مومنان اباء دارنند جزء ابوبکر را – و یابی

الله و المومنون الاـ ابـابکر – صـحیح بخاری ج ۴ ص ۱۸۱۴ باب ۱۶- صـحیح مسلم ج ۴ ص ۱۸۵۷ ابن حجر و شارح عقیـده طحـاویه و ابـو نعیم به این حـدیث نیز برخلافت ابـوبکر اسـتدلال نمـوده انـد – صواعـق المحرقه ج ۱ ص ۵۸ ؛ شـرح العقیده الطحـاویه ص ۴۷۲ ؛ کتـاب الامـامه ص ۲۵۲ جنـاب وهـابی گفتی چون امـام علی و سـایر ائمه شـیعه ؛ بطور کامـل حکومت و خلافت دنیوی نداشـته انـد بخاطر عدم پیروی مردم و غصب خلافت ظالمین ؛ پس نعوذ بالله امامتشان (از جهت معنوی) به درد خودشـان می خورد ؟!! خوب است جواب این هرزه گویی وهـابی مزدور نو کیسه را از زبـان علمـای اهـل سـنت ارائه بـدهم ؛ هنگامی که علی علیه السـلام به کوفه درآمـد ؛ حکیمی عرب بر او ؛ وارد شـد و عرض کرد : ای علی بخـدا قسم تو خلافت را آراستی نه خلافت تو را و تو خلافت را والایی بخشـیدی نه اینکه خلافت تو را والایی بخشد و او به تو محتاج تر بود ؛ بیش از تو به آن – ینابیع الموده ج ۴ ص ۳۸۲ باب ۵۹ ؛ صواعق المحرقه فصل ۳ ص ۱۲۶ و ص ۱۲۷ من الباب الثامن فی فضائل الامام علی – لقد زینت الخلافه و ما زینتک الخلافه و رفعتها و ما رفعتک الخلافه و هی کانت احوج الیک منک الیها – احقاق الحق ج ۳۱ ص ۵۵۸ ؛ فیض القدیر ج ۴ ص ۳۵۶ – صواعق المحرقه ج ۲ ص ۳۷۴- اذمر ابوبکر فقال جبریل هذا ابوبکر فقال اتعرفه یا جبریل قال نعم انه لفی السـماء اشـهر منه فی الارض و ان الملائکه لتسمیه حلیم القریش – اللا لی المصنوعه ج ۱ ص ۲۷۰ – ان الله تعـالی ادخر لاـبی بکر الصـدیق فی اعلی علیین قبه من یاقوته بیضاء – تاریـخ بغـداد ج ۱۱ ص ۱۰۸ ح ۵۰۲۶- فی الجنه شجره او ما فی الجنه شـجره : ما علیها ورقه الا مکتوب علیها لا اله الا الله محمد رسول الله ابوبکر الصدیق ... – المعجم الکبیر ج ۱۱ ص ۷۶ ح ۱۱۰۹۳- الاـ بـانه الکبری ج ۹ ص ۵۷۶ ح ۱۴۷- سـمط النجوم ج ۲ ص ۴۳۲- کنز العمـال ج ۱۱ ص ۵۵۰ ح ۳۲۵۸۶- ان الله جعـل ابـابکر خلیفتی – لما خلق الله العرش کتب علیه بقلم من نور ... لا اله الا الله محمـد رسول الله ... و افضـلها ابوبکر الصدیق – کنز العمال ج ۱۱ ص ۵۵۰ و ج ۱۱ ص ۵۵۶ ح ۳۲۶۱۵-

لاتضرهم عدواه من عاداهم(۱)

جناب وهابی گفتی که چون اکثریت مردم، امامت علی علیه السلام را قبول نکردند، و همه ائمه ۱۲ گانه شیعه به حکومت ظاهری دنیوی نکرده اند، پس طبق عقیده شما شیعیان، رسالت پیامبر و دین خدا، کامل نشده و به سرانجام نرسیده؟ اما جواب: اولاً: طبق روایات شیعه و بعضی از منابع اهل سنت که ذکر شده، آیه ۳ سوره مائده در وادی غدیر خم بر، پیامبر نازل شد بعد از معرفی علی علیه السلام ولی جناب وهابی، طبق قول خلیفه دوم شما، جناب عمر ابن الخطاب، دین اسلام بعد از کامل شدن رو به نقصان است و ناقص می شود، بعضی از مفسران اهل سنت در ذیل آیه اکمال از قول عمر ابن الخطاب نوشته اند هیچ چیز کامل نمی شود مگر اینکه بطور یقین ناقص می شود

قال عمر: لم یکمل شیء قط الانقص (۲)

ما شیعیان امامیه طبق قول خداوند در قرآن ذیل آیه اکمال، قبول داریم، دین اسلام با معرفی مولا علی در غدیر خم بدست نبی اکرم، به کمال رسید و دین ناقص نمی شود، نقص از ما مسلمین است، نقصی و اشکالی در دین خدا نیست؛ پس جناب وهابی طبق اقرار، خلیفه دوم عمر ابن الخطاب، دین شما ناقص است، نه اسلام ما که با معرفی امام علی در غدیر خم بدست پیامبر به کمال رسید، جناب وهابی گفتی که رسول اسلام در یوم الدار؛ طبق اعتقاد و منابع شیعه، امامت علی، را بیان کرد، دیگر لازم نبود رسول اکرم در صحرای غدیرخم، دوباره امامت علی علیه السلام را بیان و تکرار کند، اما جواب جناب وهابی، بدان منابع شیعه قضیه یوم الدار و یوم النذار، را نقل نکرده اند، بلکه منابع مهم تفسیری حدیثی و تاریخی اهل سنت نقل کرده اند(۳)

عن البرا قال لما نزلت و انذر عشیرتک الاقربین جمع رسول الله بنی عبدالمطلب و هم یومئذ اربعون رجلاً....(۴)

ص:۵۲۷

۱- ۱. فتح الباری ج۱۶ ص ۳۳۸

۲- ۲. تفسیر در المنثور ذیل آیه، تفسیر طبری، مصنف ابن ابی شیبه ج۸ ص؟ ح ۱۰۷ کتاب الزهد

۳- ۳. مسند احمد حنبل ج ۱ ص۱۱۱ مسند علی بن ابی طالب و ج۱ ص۱۵۹؛ الکشف و البیان ثعلبی ج۷ ص ۱۸۲ ذیل آیه ۲۱۴ سوره شعراء

۴- ۴. مناقب خوارزمی ص ۱۳ ص۲۱۱ خطبه ۲۳۸؛ الکامل ابن اثیر ۲ ص۶۳؛ دلائل النبوه بیهقی ج۲ ص۱۷۹؛ المختصر فی اخبار البشر؛ ابی الفداء ج۱ ص ۱۱۶ فصل ۵؛ السیره الحلبیه ج۱ ص۲۸۵، خصاص نسائی ص۸۶، المستدرک علی الصحیحین حاکم نیشابوری ج۳ ص ۱۴۳ ح ۴۶۵۲؛ ینابیع الموده ج۱ ص ۳۱۲ باب ۳۱؛ کفایه الطالب گنجی ص ۲۰۵ باب ۵۱؛ تفسیر بغوی ج ۳ ص ۴۰۰؛ تاریخ دمشق ۶۷ ص ۱۶۳؛ کنزالعمال ج۱۳ ص۵۸ تفسیر خازن ج۵ ص۱۲۷؛ تاریخ ابن الوردی ج۱ ص ۹۹؛ الوفاء باحوال المصطفی ابن جوزی ج۱ ص۱۸۳ اللباب فی علوم الکتاب ج۱۵ ص۹۳ ابن عادل دمشقی و

ـ فایکم یوازرنی علی هذا الامر علی ان یکون اخی و وصی و خلیفتی فیکم... انا یا نبی الله اکون وزیرک علیه فاخذ برقبتی ثم قال: ان هذا اخی و وصی و خلیفتی فیکم.... انا یا نبی الله اکون وزیرک علیه فاخذ برقبتی ثم قال: ان هذا اخی و وصی و خلیفتی فیکم فاسمعوا له و اطیعوا ....

ثانیاً: جناب وهابی شان نزول آیه درباره انذار و دعوت رسول اکرم جهت انذار و ارشاد اقوام نزدیک خودش از جناب خداوند بوده و این دعوت بصورت خاص بوده نه عام، قضیه تبلیغ نبی اکرم درباره امامت مولا علی در غدیر خم برای نصب و معرفی عمومی مولا علی، برای تمام مسلمین بوده، ولی معرفی مولا علی در یوم الدار، جهت خلافت بعد از خودش در ضمن و خلال دعوت خاص نبی اکرم جهت ارشاد و انذار قوم نزدیکش به گواهی توحید و نبوت خودش بوده است؛ انذار در دعوت به توحید و نبوت خلاصه نمی شود؛ بله همه معارف و احکام اسلامی را شامل می شود و امامت یکی از معارف و احکام مهم اسلامی است، نبی اکرم به فرزندان عبدالمطلب فرمود: من بسوی شما بطور خاص و بسوی مردم بطور عام، فرستاده شدم

فقال: یا بنی عبدالمطلب انی بعثت الیکم خاصه و الی الناس عامه .... ان الله قد بعثنی الی الخلق کافه و بعثنی الیکم خاصه... و انذر عشیرتک الاقربین و انا ادعوکم الی کلمتین خفیفتین علی اللسان ثقیلتین فی المیزان: شهاده ان لا اله الا الله و انی رسول الله ... فلم یجبه احد منهم فقام علی فقام: انا یا رسول الله فقال: اجلس فانت اخی و وزیری و وصی و وارثی و خلیفتی من بعدی:

نبی اکرم در مکانها و زمانها و مناسبت های مختلف و متفاوت، ولایت و امامت مولا علی، را بیان و تشریح نموده من جمله در قضیه یوم الدار، با اینکه رسول اکرم در ازمنه و امکنه مختلف، امامت علی علیه السلام را به امت، تذکر داد ولی باز اکثر امت اسلام، زیر بار امامت حقه الهی حضرت نرفتند و از صراط مستقیم منحرف شدند، جناب وهابی گفتی که امامت علی علیه السلام ، قبل از خلقت مخلوقات از سوی خداوند، تقدیر نشده و این مسخره است که علی علیه السلام قبل از آفرینش موجودات، خلیفه خدا، باشد؛ آیا علی علیه السلام در آن زمان خلافت می کرده و امام بوده؟ اما جواب؛ جناب وهابی مسئله خلافت و امامت الهی تنها به خلافت ظاهری و دنیوی نیست، خلافت ظاهری یکی از شئونات امام

معصوم از جانب خداست، در این رابطه که مولاـ علی قبل از خلقت مخلوقات، خلیفه خدا و رسول اکرم بوده از منابع اهل سنت، خدمت شما جناب وهابی، احادیثی بطور اختصار، ارائه می شود؛ نبی اکرم بوده از منابع اهل سنت، خدمت شما جناب وهابی، احادیثی بطور اختصار، ارائه می شود؛ نبی اکرم فرمود: همانا براستی خداوند متعال نازل کرد، قطعه ای از نور و آنرا ساکن کرد در صلب کمر، حضرت آدم، بعد آن نور، را دو قسم کرد، قسمی در صلب عبدالله و قسمی را در صلب ابی طالب قرارداد سپس خارج کرد مرا پیامبر و خارج کرد علی را بعنوان وصی من

ان الله عزوجل انزل قطعه من نور فاسکنها فی صلب آدم فساقها حتی قسمها جزء ین جزء اً فی صلب عبدالله و جزءاً فی صلب ابی طالب، فاخرجنی نبیاً و اخرج علیاً وصیاً (۱)

نبی اکرم فرمود: من و علی نوری بودیم در پیشگاه خداوند و تسبیح و تقدیس می کردیم خداوند را، قبل از خلقت آدم به هزار سال، سپس خداوند، آدم را آفرید و آن نور، را در صلب او قرار داد و آن نور دو قسمت شد در صلب عبدالمطلب، یک قسمت نور نبوت من شد و یک قسمت نور خلافت در علی شد

کنت انا و علی نورا بین یدی الله عزوجل یسبح الله ذلک النور و یقدسه قبل ان یخلق الله آدم بالف عام؛ فلما خلق الله آدم رکب ذلک النور فی صلبه فلم یزل فی شیء واحد حتی افتر قنافی صلب عبدالمطلب، ففی النبوه و فی علی الخلافه (۲)

نبی اکرم فرمود: همانا زمانی که خداوند، آسمانها و زمین را آفرید، آنها را فراخواند و ایشان جواب دادند، پس نبوت من و ولایت علی ابن ابی طالب را بر آنها عرضه فرمود و آنها نیز پذیرفتند سپس خلق را آفرید ان الله لما خلق السموات و الارض دعاهن فاجبنه فعرض علیهن نبوتی و ولایه علی ابن ابی طالب فقبلتا هما ثم خلق الخلق (۳)

نبی اکرم فرمود خداوند به من فرمود: ای محمد همانا من تو را و علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان از صلب حسین را، از نوری از نور خودم آفریدم و ولایت آنان را بر اهل آسمان و زمین عرضه کردم هر کس پذیرفت نزد من از مومنان است و هر

۱- ۱. مناقب ابن مغازلی شافعی ۱۳۲ ص ۱۲۱

۲- ۲. مناقب ابن مغازلی شافعی ۱۳۰ ص ۱۲۰

۳- ۳. مناقب خوارزمی ح ۱۵۱، کنزالعمال ج۱۵ ص۱۲۷

کس قبول نکرد از کافرین است یا محمد انی خلقتک و خلقت علیاً و فاطمه و الحسن و الحسین من ولده من نوری و عرضت و لایتکلم علی اهل السماوات و الارض (۱)

نبی اکرم فرمود: اگر مردم می دانستند چه زمانی علی را به امیری مومنان انتخاب کردند، برتری او را انکار نمی کردند، او زمانی امیرمومنان شد که آدم بین روح و جسد بود و هنوز روح در بدن او وارد نشده بود، خداوند می فرماید: و هنگامی که پروردگارت از فرزندان آدم از پشت های ایشان، نسل ایشان را بیرون آورد و ایشان را شاهد بر خویش گرفت که آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: چرا، پس فرمود: من پروردگار شمایم؛ محمد پیامبر شما و علی امیر شما(۲)

لوعلم الناس متی سمّی علی امیرالمومنین ما انکر و افضله؛ سمّی امیرالمومنین و آدم بین الروح و الجسد . قالت الملائکه بلی فقال: انا ربکم، محمد نبیکم علی امیر کم (۳)

و انهما کانانوراً واحداً قبل خلق الخلق... (۴)

انی و اهل بیتی کنا نوراً نسعی بین یدی الله قبل ان یخلق الله آدم.... (۵)؛

خلقت من نور الله و خلق اهل بیتی من نوری ـ (۶)؛

خلقت من نور الله و خلق اهل بیتی من نوری ـ (۷)

ان قریشاً انت نوراً بین یدی الله قبل ان یخلق آدم بالفی عام ... (۸)

اما پاسخ به شبهه و توهین رکیک جناب وهابی، گفتی که طبق آیه ۳۶ سوره توبه که در تفاسیر شیعه آمده راجع به ۱۲ امام معصوم شیعه است آن چهار تا امام حرامی شما کیستند؟ اما جواب: در تفسیر البرهان ج۲ ص۱۲۳ منظور از ۱۲ ماه، ۱۲ امام معصوم شیعه است، امام صادق علیه السلام فرمود: مراد و منظور از ۱۲ ماه در مکتوب خدا این

ص:۵۳۰

۱- ۱. مقتل الحسین خوارزمی نفی ص ۹۵

۲- ۲. الفردوس الاخبار، دیلمی ج۳ ص ۳۹۹ ح ۵۱۰۴

۳- ۳. المناقب المرتضویه محمد صالح کشفی ترمذی حنفی ص ۱۰۲، ینابیع الموده ج ۳ ص ۳۸۰و ج ۱ ص۴۲۲

۴- ۴. فرائد السمطین امام جوینی شافعی ج۲ ص۲۳۳

۵- ۵. ینابیع الموده ج۱ ص۳۴۵

۶- ۶. ینابیع الموده ج۱ ص ۳۴۵

۷- ۷. ینابیع الموده ج ۱ ص ۱۰۰ باب اول

۸- ۸. الشفاء قاضی عیاض ج ۱ ص۸۳؛ ینابیع الموده ج۱ ص۱۲۸

هاست: امیرمومنان علی، حسن بن علی، حسین بن علی، علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و حجت بن الحسن جابر عبدالله انصاری از تعداد امامان از نبی اکرم سوال کرد، حضرت فرمود: از تمامی اسلام از من سوال کردی، تعداد امامان بعد از من به تعداد ماه های سال است چنانکه در قرآن آمده، تعداد امامان به تعداد چشمه هایی است که برای حضرت موسی جاری شد، تعداد امامان به تعداد نقیبان قوم بنی اسرائیل است، اول آنان علی ابن ابی طالب است و آخر آنان حضرت مهدی است (۱)_ طبق روایتی که علامه مجلسی در بحار الانوار ج۲۴ ص ۲۴۰ از الغیبه شیخ طوسی ص ۱۰۴ نقل کرده، منظور از ۴ ماه حرام که حرمت و احترام دارند مانند سایر ائمه هدی، مولا علی و علی زین العابدین و علی رضا و علی الهادی علیهم السلام اجمعین هستند، فیروز آبادی لغت دان بزرگ عرب بطور قطع شهور، را جمع کلمه ی شهر به معنای عالم می داند در لسان العرب نیز چنین آمده:

الشهور: العلماء

به علاوه در چندجای قرآن خداوند متعال کلمه ی اشهر را در جمع به معنای ماه آورده است نه کلمه شهور را، بنابراین منظور از ۱۲ شهور در واقع دوازده عالم است؛ (۲)، حضرت ابوطالب اشعاری دارد که عبارت الشهور، در آن آمده و به معنای عالمان است، من روز مواجه با صدای نفس اسب ها هستم که در پی آگاهان و عالمان را در بردارد

فاءنی و الضر وابح کل یوم و ماتتلو السفاء سره الشهور (۳)

و فی شهر ابی طالب یمدح سیدنا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فانی و الضوابح کل یوم .... و ما تتلوا السفاسره الشهور

شهور جمع شهر است ولی نه به معنای ماه، بلکه به معنای عالم و دانشمند، شهری که به معنای ماه است جمعش اشهر است در قرآن کریم، شش اشهر آمده که در تمام موارد به معنای ماه ها است ولی فقط یکبار، شهور آمده در قرآن کریم هر جا می خواهد شهر را به معنای ماه بیاورد اشهر می گوید مانند:

۱- ۱. مائه منقبه ابن شاذان قُمی منقبت ۴۱

۲- ۲. الانصاب فی النص علی الائمه ص ۷۳

۳- ۳. القاموس المحیط ج۲ ص۶۵، لسان العرب ج۴ ص۴۳۳

فاذا انسلخ الاشهر الحرام یا، الحج اشهر معلومات (۱)

والاربعه الحرم الذین هم الدین القیم، اربعه منهم یخرجون باسم واحد، علی امیرالمومنین و ابی علی بن الحسین، و علی بن موسی و علی بن محمد فالاقرار بهولاء هوالدین القیم ....

تاویل الایات ج۱ ص۹۸ح ۹۰، مرحوم نعمانی در کتاب الغیبه باب ۴ ص ۱۲۰ ح ۳۸ شماره ۱۷ می نویسد: پس تنها شناخت ماهها که محرم، صفر، ربیع و بعد از آن و ماه های حرام، رجب، ذوالعقده و ذی الحجه و محرم، است نمی تواند آئین پابرجای الهی باشد چون یهودیان و مسیحیان و مجوس و سایر ملل و ادیان همه مردم از موافق و مخالف اسلام این ماهها را می شناسند و آنها را با نامشان می شمارند، بلکه مقصود حضرات ائمه هدی هستند که بر پا دارندگان دین خدا هستند و منظور از آن ۴ ماه مورد احترام، مولا علی و علی زین العابدین و علی رضا و علی الهادی هستند که نامشان از نام خدا، مشتق شده است و در حقیقت با عبارت اربعه حرم، خداوند، خواسته اشاره به ۴ نام علی که در ائمه طاهرین هست اشاره کند،

فقام جابر بن عبدالله الانصاری فقال: یا رسول الله و ماعده الائمه؟ فقال: یا جابر سالتنی عن الاسلام با جمعه عدتهم عده الشهور و هی عندالله اثناعشر شهرا فی کتاب الله .... دشمنان خدا و اهل بیت عصمت، خصوصاً با مولا علی و نام علی بشدت متنفر و مخالف بودند، مورخین نوشته اند: بنی امیه چون می شنیدند، نوزادی نام علی دارد او را می کشتند(۲)

کانت بنوامیه اذا سمعوا بمولود اسمه علی قتلوه

اما در پایان ما سوالاتی بکنیم از جناب وهابی، شما که شیعه امامیه را تکفیر می کنید به علل مختلف که یکی از آن علل ها این است که شیعه، ائمه طاهرین را برتر از پیامبران غیر از رسول اسلام می داند، در کتب دسته اول حدیثی شما آمده که رسول اسلام که سید و سرور پیامبران و خلائق است حضرت موسی و یونس را از او برتر و بالاتر می دانید؟ آیا این احادیث شما، مخالف قرآن و روایات صحیح و قائده عقلی و دینی نمی باشد؟ با کمال تاسف می بینیم در کتاب صحیح بخاری ج۲ ص۸۴۹ ح ۲۲۸۰ کتاب ۴۹ روایتی نقل شده که نبی اکرم فرمود: من را بر موسی

۱- ۱. سوره بقره آیه ۱۹۷ بقره آیه ۲۲۶؛ بقره ۲۳۴؛ توبه آیه ۲ و ... الغیبه طوسی ج۱ ص ۱۴۹

۲- ۲. تاریخ دمشق ج۴۱ ص۴۸۱ تهذیب الکمال مزی ج۲۰ ص ۴۲۹، سیر اعلام النبلاء ذهبی ج۷ ص۴۱۳

برتری ندهید ــ چرا که چون قیامت برپا می شود؛ مردم که همه مرده انـد من اولین کسـی هسـتم که برخواهم خواست در این هنگـام موسـی در کنار عرش ایسـتاده خواهـد بود و من نمی دانم آیا او از کسانی است که مرده و زودتر از من برخواسـته و یا اصـلاً نمرده ــ لاتخیرونی علی موسـی؛ ابن حجر یکی از شارحان صـحیح بخاری بر این مطلب اعتراف می کند که این روایت می تواند بر افضـلیت و برتری حضـرت موسی بر پیامبر خاتم دلالت داشـته باشد ــ فهی فضیله ظاهره و ان کان ممن استثنی الله فلم یصعق فهی فضیله ایضاً (۱)؛ اسماعیل بخاری در بیش از هفت جا از کتاب خود مورد دیگری را درباره پیامبر اکرم نقل می کند: شایسته نیست من را بر حضرت یونس برتر بدانید ــ لاینبغی لعبد ان یقول انا خیر من یونس بن متی (۲)

و این روایات با قرآن کریم و روایات صحیح شیعه و سنی مخالف و در تضاد شدید است قرآن کریم در سوره بقره آیه ۲۵۳ و سوره اسراء آیه ۵۵ می فرمایـد: بعضـی از پیامبران را بر برخی دیگر برتری دادیم؛ نبی اکرم فرمود: من سـرور و سـید و بزرگ فرزنـدان آدم هسـتم [یعنی از تمام پیامبران افضل هسـتم] ــ انا سـید ولـد آدم (۳) نبـی اکرم فرمود: من سـرور و پیش رو تمـام پیامبران هسـتم ــ انا قائـد المرسـلین(۴)؛ انا سـید الناس(۵) ــ رسـول اکرم فرمود: من سـید و سـرور پیـامبران هسـتم ــ انـا سـید النبیین(۶) ــ انا سید الاولین و الاخرین (۷)جمله دلائلی که در قرآن اشاره دارد، رسول اسلام بر تمام پیامبران، برتری دارد، ۱ــ سوره اسراء آیه اول ــ ۲ــ رسیدن به مقام قاب قوسین ادنی ثم دنافتدلی فکان قاب قوسین او ادنی [سوره نجم ۸ و ۹] ۳ــ شاهد بودن بر انبیای دیگر امتها در پیشگاه خداوند ــ {فکیف اذا جنا من کل امه بشـهید و جئنابک علی هولاء شهیدا}ــ سوره نساء آیه ۴۱

۴ــ رحمه للعالمین بودن {و ما ارسلناک الارحمه للعالمین } [سوره انبیاء آیه

ص:۵۳۳

۱- ۱. فتح الباری ج۶ ص ۴۴۵

۲- ۲. صحیح بخاری ج۳ ص ۱۲۴۴ ح ۳۲۱۵ کتاب ۶۴

۳- ۳. صحیح مسلم ح ۴۲۳۰؛ الجامع ترمذی ح۳۰۹۲، سنن ابی داود ح۴۰۵۵، سنن ابن ماجه ح ۴۳۰۶

۴- ۴. سنن دارمی ح۴۹، مسند احمد ح۱۰۷۵۶، صحیح ابن حبان ح ۶۶۱۶؛ المستدرک حاکم ح ۴۱۲۰

۵- ۵. مستخرج ابی عوانه ح ۳۲۵

۶- ۶. بحارالانوار مجلسی ج۳۸ ص ۱۷و ج ۳۶ ص۲۴۳

۷- ۷. ــ بحارالانوار ج۲۶ ص۳۱۶

۱۰۷] ـ۵ـ عبودیت خاص و مطلق سوره کهف آیه ۱، سوره فرقان آیه ۱ ـ{ الحمدلله الذی انزل علی عبده الکتاب} ۶ـ بهره مندی از خلق عظیم {و انک لعلی خلق عظیم} [سوره قلم آیه ۴] ۶ـ نخستین مسلمان { و انا اول المسلمین }سوره انعام آیه ۱۶۲ ـ ۷ـ سوره احزاب آیه ۷ـ {واذا اخذنا من النبیین میثاقهم و منك}، و ... یکی از روایاتی که در منابع روائی اهل ست در مناقب عمر ابن الخطاب آمده و آن منقبت دلیل بر، برتری عُمر بر تمام پیامبران است که خلاف قرآن و عقل می باشد، این است که شیطان از سایه عُمر فرار می کرده جناب وهابی چه جوابی برای این روایات داری که بطور یقیین تا روز قیامت و روز قیامت جوابی نخواهی داشت؟

نبی اکرم به عمر ابن الخطاب فرمود: به آن خدایی که جانم در ید قدرت اوست هرگز شیطان تو را در راهی نمی بیند مگر آنکه راه دیگری می روی (۱)

والذی نفسی بیده ما لقیك الشیطان قط سالكافجاالا سلك فجاغیرفجك،

نبی اکرم فرمود: هر آینه، شیطان از تو می ترسد

ان الشیطان لیخاف منک یا عمر(۲)

رسول اکرم فرمود: من می بینم که شیاطین جن و انس از عُمر فرار کردند (۳)

انی لانظر الی شیاطین الجن و الانس قد فروا من عمر

نبی اکرم فرمود: ای عُمر همانا شیطان از تو جدا می شود و دور می گردد

. ان الشیطان لیفرق منک یا عمر(۴)

رسول اکرم فرمود: شیطان از صدا و سایه عُمر فررا می کند

ان الشیطان لیفرّمن حس عُمر(۵)

ا ین حدیث با آیات قرآن و قائده عقلی و نقلی، مخالف است، جناب وهابی در صورتی که به گفته شما، همان شیطان در قضیه ی غرانیق به زبان پیامبر انداخت که بگوید: انهن الغرانیق العلی آیا شیطان از عمر می ترسید ولی به زبان پیامبر، کفر جاری ساخت؟ شیطان از هیچ پیامبری و بنی بشری فرار نکرده و نخواهد کرد، حتی

۱- ۱. صحیح بخاری ج ۴ ص ۱۵۳ و ج ۵ ص ۱۳ و ج ۸ ص ۲۸؛ صحیح مسلم ج۴ ص۱۸۶۳

۲- ۲. سنن الترمذی ج۵ ص ۶۲۰،

۳- ۳. السنن الکبری نسایی ج۸ ص ۱۸۲

۴- ۴. مسند احمد حنبل ج۵ ص۳۵۳ و ج۶ ص ۴۸۵؛ سنن ترمذی ج۲ ص۲۹۳

۵- ۵. الریاض النضره طبری ج۲ ص۳۰۱

شیطان باعث اخراج آدم و حوا؛ از بهشت [دنیوی] شد، و ناله حضرت ایوب، را، بلند کرد که خدایا شیطان به من زیاد سختی رسانده به من رحم کن، قرآن کریم به پیامبر اسلام، دستور می دهد، هر وقت می خواهی قرآن بخوانی از شر شیطان به من پناه ببر که در مجلس تو حاضر نشود _ سوره اعراف آیه ۲۷ _ {لایفتننکم الشیطان کما اخرج ابوبکم من الجنه}؛ سوره صاد آیه ۴۱_ {واذکر عبدنا ایوب اذنادی ربه انی مسنی الشیطن بنصب و عذاب}؛ سوره صاد آیه ۴۱ _{ واذکر عبدنا ایوب اذ نادی ربه انی مسنی الشیطن بنصب و عذاب، }سوره فصلت آیه ۳۶ و سوره نحل آیه ۹۸ _{ فاذا قرات القرآن فاستعذ بالله من الشیطان الرجیم، }سوره مومنون آیه ۹۷ و ۹۸{ و قل رب اعوذبک من همزات الشیاطین و اعوذبک رب ان یحضرون }... سوره الناس آیه ۱ الی ۴؛ از جمله مناقبی که برای خلیفه دوم در کتب اهل سنت ذکر شده و مخالف قرآن و عقل و سنت نبوی است این روایت است که نبی اکرم نگاهی به عمر ابن الخطاب انداخت و فرمود: خداوند به عبادت بندگان بطور عموم و به عمر بطور خصوص فخر و مباهات می کند _ ان الله باهی بعباده عامه و بعمر خاصه (۱)

ان الله عزوجل باهی ملائکته بعبیده عشیه عرفه عامه با هی بعمربن الخطاب خاصه (۲)_ ان الله باهی ملائکته لیله عرفه باهل عرفه عامه و باهی بک خاصه (۳)؛

یعنی طبق این روایت مقام عمر ابن الخطاب از تمام پیامبران و خلائق افضل تر می باشد چرا؟ چون این روایت اشاره دارد که رحمت خاص و ویژه خداوند فقط و فقط شامل عُمر شود؛ با اینکه رسول اسلام رحمت للعالمین است بعکس روایاتی در منابع اهل سنت آمده که نبی اکرم فرمود: خداوند در شامگاه عرفه به همه شما مباهات نموده و همه را آمرزید و به علی به شکل خاص و ویژه مباهات نمود _ ان الله باهی بکم و غفرلکم عامه و لعلی خاصه (۴)_ در روایت دیگر نبی اکرم فرمود: خداوند به من و عمویم عباس و برادرم علی ابن طالب بر ساکنان آسمان و حاملان عرش و ارواح

۱- ۱. المعجم الاوسط طبرانی ح ۱۲۷۳

۲- ۲. المعجم الکبیر طبرانی ح ۱۱۲۷۴

۳- ۳. امالی جرجانی ح ۲۲۵؛ السنه ابن ابی عاصم ح ۱۰۶۵؛ معرفه الصحابه ابی نعیم ح ۵۶۸۲؛ تاریخ دمشق ابن عساکر رقم حدیث ۴۶۵۷۵؛ اسدالغابه ح ۱۲۲۳

۴- ۴. المعجم الکبیر طبرانی ج ۲۲ ص ۴۱۵ ح ۱۰۲۶، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج۹ ص ۱۶۹

پیامبران و ملائکه آسمانها مباهات نمود _(۱)

ان الله باهی بی و بعمی العباس و باخی علی ابن ابی طالب سکان الهواء و حمله العرش و ارواح النبیین و ملائکه سموات (۲)

از جمله فضایلی که برای خلیفه دوم عمر ابن الخطاب، منابع اهل سنت نقل کرده اند و دلیل بر برتری او بر تمام پیامبران است و خلاف قرآن و عقل می باشد این است که از قول نبی اکرم نقل کرده اند که نبی اسلام در روز بدر به عمر ابن الخطاب فرمود: اگر عذاب الهی فرود می آمد هیچ کس از ما جزء عمر، نجات نمی یافت

لونزل العذاب ما نجی الاعمربن الخطاب (۳)

لو نزل من السماء الی الارض عذاب ما نجامنه الاعمر (۴)

لو عذبنا فی هذاالامر یا عمر ما نجاغیرک(۵)

لو نزل من السماء نارلما نجامنها الاعمر(۶)

این حدیث جعلی و نامعقول و با آیه ۳۳ سوره انفال در تضاد است،

ما کان الله لیعذبهم و انت فیهم

ای پیامبر تا تو در میان امت باشی، خداوند آنها را عذاب نخواهد نمود، از جمله روایات جعلی که در منابع اهل سنت آمده این است که از زبان پیامبر اکرم به دروغ نقل کرده اند که پیامبر فرمود: اگر من مبعوث به رسالت نمی شدم عُمر، پیامبری می شد

لولم ابعث فیکم لبعث عمر(۷) ؛ لوکان من بعدی نبی لکان عمر ابن الخطاب (۸)

۱- ۱. کنزالعمال متقی هندی ج ۱۱ ص۴۵۴ح ۳۲۱۳۳ _
۲- ۲. تاریخ مدینه دمشق ابن عساکر ج ۲۶ ص ۳۲۳؛ جواهر المطالب ابن دمشقی ج۱ ص۱۰۱؛ فضائل الصحابه احمد ح ۲۴۳ ص ۱۷۲؛ مناقب ابن مغازلی ح ۱۵۶؛ فضائل الصحابه احمد ج۲ ص۶۵۸ ح ۱۱۲۱ مکتبه شامله
۳- ۳. ارشیف ملتقی اهل الحدیث ج۵۵ ص۳۱۸ ذیل آیه ۶۷ سوره انفال
۴- ۴. تفسیر طبری ذیل آیه ۶۷ سوره انفال ح ۱۶۳۱۹
۵- ۵. ریاض النضره طبری ج۲ ص۲۴۹ ح ۶۰۹
۶- ۶. تفسیر کشاف ج ۲ ص۶۰۰؛ جامع المسائل الحدیثیه کتاب القرآن ابی معاذ طارق بن عوض الله بن محمد ص ۳۲۵ معالم التنزیل ج ۳ ص ۳۷۷ [تفیسر بغوی] الحاوی الکبیر فی فقه مذهب الامام الشافعی ج ۱۶ ص ۴۸؛ الشفاء بتعریف حقوق المصطفی

ص ۸۱۹، تاویل المختلف الحدیث ابن قتیبه ص ۳۲۶؛ حاشیه محی الدین شیخ زاده، القوجوی الحنفی ص ۴۱۹؛
۷- ۷. الموضوعات الکبری ابن جوزی ح ۵۰۶.
۸- ۸. مسند احمد _ مسند الشامیین ح ۱۶۹۵۲ سنن ترمذی ح ۳۶۸۶ کتاب المناقب _ لوکان بعدی نبی لکان عمر، قال هذا حدیث حسن غریب المستدرک حاکم نیشابوری ح ۴۵۵۱_ هذا حدیث صحیح الاسناد، کنزالعمال ج۱۱ ص ۵۷۹ و ج ۱۲ ص ۵۹۴ المعجم الکبیر طبرانی ج۱۷ ص۲۹۸

به نقل از سایت موقع الاسلام الدعوی و الارشادی، اشراف معالی الشیخ: صالح بن عبدالعزیز بن محمد بن ابراهیم آل شیخ، و این روایت خلاف کلام خداوند در قرآن است چرا؟ زیرا خداوند در سوره نساء آیه ۱۶۳ می فرماید: ما بسوی تو وحی نمودیم، همانطور که به نوح و سایر پیامبران پس از وحی فرستادیم

{انا اوحینا الیک کما اوحینا الی نوح و النبین من بعده،}

و نیز خداوند در سوره احزاب آیه ۷ می فرماید: و ما از تو و پیامبرانی چون نوح و ابراهیم و موسی و عیسی، پیمان و میثاق محکم گرفتیم {و اذا اخذنا من النبیین میثاقهم و منک و من نوح.}..

آیا ممکن است کسی که از او پیمانی نگرفته اند مبعوث شود و آنکه از او پیمان گرفته شد برانگیخته نگردد؟ از جمله، روایات جعلی دیگر در باب منقبت عمر ابن الخطب در منابع سنی ها این روایت است که می گویند، نبی اکرم فرمود: عمر ابن الخطاب چراغ اهل بهشت است

عمر سراج اهل الجنه(۱)

معنی این حدیث این است که نور پرتو وجود، عمر ابن الخطاب بالاتر از انوار پیامبران است، علاوه بر آن اگر نور عُمر، بهشت را برای همه اهل بهشت روشن سازد، در حالی که پهنای بهشت به گستردگی آسمان و زمین است و روشنی او، روشنی تمام جهان خواهد بود و طبیعتاً تمام پیامبران نیازمند به نور او هستند و این حرف کمتر از آن نیست که بگویند او بالاتر از همه پیامبران است، عُمر چگونه چراغ اهل بهشت می شود در حال که انبیاء و در آن میان پیامبر خدا در بهشت می باشند؟ اصلاً مگر بهشت نیاز به چراغ دارد، این حدیث خلاف عقل و قرآن است، قرآن در سوره انسان آیه ۱۳ می فرماید: اهل بهشت دیگر نور خورشید را مشاهده نمی کنند، چه برسد اینکه عُمر، چراغ اهل بهشت باشد، لایرون فیها شمساً، از جمله روایات عجیب

۱- ۱. صواعق المحرقه ابن حجرص ۹۷؛ کشف الاستار هیثمی ح ۲۳۵۸، حلیه الاولیاء ابونعیم ح ۹۰۷۷، فضائل الصحابه احمد ح ۵۶۷، فضائل الخلفاء الراشدین ابی نعیم ح ۵۶، معرفه الصحابه ابی نعیم ح ۱۸۹؛ تاریخ بغداد ح ۳۹۹۸، الشریعه للاجری ح ۱۳۸۶، تاریخ دمشق ح ۴۶۷۰۱ شرح مذاهب اهل السنه ابن شاهین ح ۱۲۳؛ التدوین فی اخبار قزوین، رافعی ح ۱۴۰۳.

و غریب که اهل سنت نقل کرده اند، حاکم در المستدرکش (۱) در باب مناقب عمر ابن الخطاب می نویسد: اولین کسی که خداوند با او معانقه می کند در روز قیامت عمر است، اولین کسی که خداود با او مصافحه می کند روز قیامت عمر است، اولین کسی که خداوند، دستش را می گیرد و بسوی بهشت می برد عُمر است

اول من یعانقه الحق یوم القیامه عمر، و اول من یصافحه الحق یوم القیامه عمر و اول من یوخذ بیده فینطلق به الی الجنه عمر ابن الخطاب(۲)

این حدیث دارد اشاره می کند که خداوند جسم و هیکل است و با عمر، روبوسی و سلام و علیك می کند و با عمر دست می دهد، و خداوند از این توصیفات مبراء و منزه است، و این حدیث جعلی و نامعقول می خواهد بگوید رحمت ویژه خداوند در قیامت فقط شامل عمر می شود و عمر ابن الخطاب زودتر از تمام پیامبران به رحمت خاص و ویژه می رسد و نائل می گردد، نبی اکرم فرمود: هر گاه جبرئیل در نزول وحی، تاخیر می کرد من خیال می کردم که وحی را بر عمر نازل کرده است(۳)

ما ابطاعتی جبرئیل الاظننت انه بعث الی عمر

یعنی با مفهوم این حدیث اهل سنت ثابت می شود، نبی اکرم طبق قول راویان اهل سنت در نبوت و پیامبری خود، شك و تردید، داشته و عُمر را لایق تر از برای نبوت، نعوذبالله می دانسته، ابن تیمیه، رهبر فکری و اعتقادی، وهابیت و تکفیری ها خود را بالاتر از پیامبران و در حد انبیاء می داند؟ ابن تیمیه (۴)می نویسد: بینا کردن کور؛ شفا دادن بیماری برص، زنده کردن مُردگان و مانند این امور، را از خودمان بعید نمی دانیم و نحن لانحس من انفسنا عجزا عن ابراء الاکمه و الابرص و احیاء الموتی و نحو هذه الامور

ابن قیم جوزیه، شاگرد ابن تیمیه صراحتاً در رابطه با استادش ابن تیمیه می گوید: من بارها دیده ام که استادم ابن تیمیه از غیب خبر می داد؛ ایشان یکبار گفت که: وقتی مغول به طرف شام حمله می کند، یقین بدانید که اینها شکست می خورد، بعضی اعتراض کردند که جناب ابن تیمیه، آینده را جزء خدا نمی داند شما ۷۰ بار

۱- ۱. حدیث ۴۴۲۷.
۲- ۲. سنن ابن ماجه ح ۱۰۱ــ واول من یسلم علیه و اول من یاخذ بیده فیدخله الجنه، فضائل الصحابه احمد ح ۵۲۴؛ المعجم الاوسط ح ۴۴۴۲؛ السنه ابن ابی عاصم ح ۱۰۴۲، تاریخ دمشق ابن عساکر ــ ح ۴۶۶۸۰.
۳- ۳. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۱۲ ص۱۷۸
۴- ۴. در کتاب النبوات ج ۱ ص۳۲

قسم می خورید؟ لااقل بگو، ان شاءالله گفت نمی گویم گفتند: از کجا می دانی؟ گفت: در لوح محفوظ نگاه کردم و دیدم که نوشته شده، قوم تاتار، شکست می خورد(۱) ابن قیم می گوید: ابن تیمیه بارها به من می فرمودند: مردم که پیش من می آیند من باطن آنها را می بینم بعضی ها، چنین اند و بعضی ها چنان، ولی دهانم بسته شده و نمی توانم آنها را، بازگو کنم(۲)

یدخل علی اصحابی و غیرهم فاری فی وجوههم و اعینهم اموراً لا ـ اذکرها لهم .... فیقال له قل ان شاء الله فیقول: ان شاء الله تحقیقا لا تعلیقاً ـ قلت: لاتکثروا؛ کتب الله تعالی فی اللوح المحفوظ انهم مهزمون فی هذه الکره و ان النصر لجیوش الاسلام

ابن قیم جوزیه شاگرد، ابن تیمیه می گوید: چندین بار، ابن تیمیه از امور باطنی که من قصد داشتم تا آنها را انجام دهم، خبر داد، اما زمان وقوع آنرا، مشخص نساخت و من برخی از آنها را، با چشمان خود، دیدم و منتظر بقیه آن بودم و آنچه بزرگان از یاران او مشاهده کرده اند به مراتب بیش از آن است که من بیان کردم (۳) واخبرنی غیر مره بامور، باطنه تختص بی مما عزمت علیه و لم ینطق به لسانی و اخبرنی ببعض حوادث کبار تجری فی المستقبل و لم یعین اوقاتها و قد رایت بعضها....

در منابع اهل سنت آمده، پسر احمد حنبل می گوید بعد از مرگ پدرم احمد حنبل، ایشان در خوابم آمد، گفتم بابا، از آن دنیا چه خبر آیا نکیر و منکر سراغت آمدند گفت بله آمدند و گفتند خدای تو کیست؟ گفتم سبحان الله، آیا شما دو نفر خجالت نمکشید که درباره خدا، از من سوال می کنید نکیر و منکر گفتند: از تو عذر میخواهیم خدا بما چنین دستوری داده بود از این قضیه چنین قلمداد می شود که خدا و نکیر و منکر نباید از او سوال کنند و احمد حنبل خود را از خدا و نکیر و منکر افضل می داند که هیچ کس حتی خدا و ماموران خدا، نباید از او بازخواست کنند، (۴) قلت: جاءك منکر و نکیر؟ قال: نعم قالا لی من ربک؟ قلت: سبحان الله اما تستحیان منی؟ فقالا لی یا ابا عبدالله اعذرنا بهذا امرنا

قرآن کریم در سوره اعراف آیه ۶ می فرماید: به یقین هم از کسانی که پیامبران

۱- ۱. مدار ج السالکین ج ۲ ص۴۸۹

۲- ۲. مدارج السالکین ج ۲ ص ۴۹۰

۳- ۳. مدارج السالکین، محمد بن ابی بکر ایوب الزرعی ج ۲ ص ۴۹۰

۴- ۴. مناقب ابن جوزی در مناقب احمد ص۶۰۶ باب ۹۲

بسوی آنها فرستاده شدند سوال خواهیم کرد و هم از پیامبران سوال می کنیم فلنسئلن الذین ارسل الیهم و لنسئلن المرسلین (۱) لایسئل عما یفعل و هم یسئلون،

با این دلائل فراوان که حقیر از قرآن و روایات شیعه و سنی و حتی سایت های وهابیت آوردم، که اکثر آن روایت صحیح متواتر و مستفیظ بود.

در باب برتری ائمه ۱۲ گانه شیعه بر تمام پیامبران غیر از رسول اسلام، ولی باز رهبران عقیده ای وهابیت شیعه امامیه، را در این باب، غالی و مشرک می دانند _ ابن تیمیه (۲) می نویسد: رافضه [شیعیان] نسبت به پیامبران و ائمه شان، غلو کردند و آنها را بعنوان خدا، گرفتند و مساجد را تعطیل کرده به سر قبور ائمه شان می روند(۳)

باز می نویسد: شیعیان در مورد علی علیه السلام ادعای الوهیت می کنند و اینها از یهود بدترند، شیخ محمد بن عبدالوهاب می گوید: شیعیان ائمه شان را بالاتر از انبیاء و پیامبران می دانند و حتی ائمه، را در حد رسول اسلام یا برتر از او قرار داده اند (۴) وکذلک الرافضه موصوفون بالغلو عند الامه فان فیهم من ادعی الالهیه فی علی علیه السلام ، و هولاء شر من النصاری و فیهم من ادعی النبوه فیه و من اتبت نبیاً بعد محمد فهو شبیه باتباع مسیلمه الکذاب و امثاله من المتنبین الا ان علیاً رضی الله عنه بری من هذه الدعوه بخلاف من ادعی النبوه لنفسه کمسیلمه و امثاله(۵) و کذلک الرافضه علوا فی الرسل بل فی الائمه حتی اتخذوهم ارباباً من دون الله فترکوا عباده الله وحده لاشریک له التی امرهم بها الرسل.... و یعظمون المشاهد المبنیه علی القبور فیعکفون علیها مشابهه للمشرکین و یحجون الیها کما یحج الحاج الی البیت العتیق ... (۶)

کذلک غلاه الرافضه اطروا، اهل البیت حتی ساووهم بالانبیاء _ الرساله فی الرد علی الرافضه، شیخ محمد بن عبدالوهاب، به همین مقدار جواب در، رد، شبهات رسانه های تکفیری وهابی، بسنده می کنم، از خداوند و اهل بیت می خواهم این کتاب

۱- ۱. سوره انبیاء آیه ۲۳

۲- ۲. در منهاج السنه ج۱ ص۴۷۴

۳- ۳. در منهاج السنه ج۶ ص۱۸۷

۴- ۴. مجموعه المولفات ج ۶ص۶۷، کتاب فتاوی اللجنه الدائمه للبحوث و الافتاء ج۱ ص۱۰۷ فتواوی شماره ۷۹۷۲

۵- ۵. منهاج السنه ابن تیمیه ج۶ ص۱۸۷ مکتبه شامله

۶- ۶. منهاج السنه ج ۱ ص ۴۷۴ مکتبه شامله

را چراغی فروزان برای مسلمین خصوصاً نسل جوان شیعه در تاریکی های شبهات شیاطین جن و انس و رهزنان صراط مستقیم قرار دهد، امین یا رب العالمین بحق محمد و اله الطیبین و الطاهرین

۲۹/۱۰/۱۳۹۴ «مداح ابن مالک»

ص:۵۴۱

قبل از آنکه از کلیه عزیزانی که در تدوین و آماده سازی این کتاب حقیر را همیاری داده اند تشکر کنم اشاره کنم برادران محترم اهل سنت طبق روایت صحیحی که منابع مختلف حدیثی و تاریخی شما نقل کرده اند مولا علی از تمام پیامبران غیر از رسول اسلام افضل است توجهی عمیق به این روایت داشته باشید تا حق که روشن تر از آفتاب است بر شما طلوع بیشتری داشته باشد و پرده های ضخیم تعصب را از دیدگان شما کنار بزند – نبی اسلام فرمود: هر پیامبری وصی و جانشین دارد وصی و جانشین من علی ابن ابی طالب است همانا خداوند زمانی که از پیامبران که در صلب و کمر آدم بودند میثاق و عهد و پیمان گرفت من را سید و سرور پیامبران قرار داد و وصی من علی را سید الاوصیاء تاریخ دمشق ج ۴۲ ص۳۹۲ لکل نبی وصی و ان علیا وصی و وارثی – لما اخذ میثاق النبیین اخذ میثاقک فی صلب آدم فجعلک سید الانبیاء و جعل وصیک سید الاوصیاء علی ابن ابی طالب)العسل المصفی من تهذیب زین الفتی فی شرح سوره هل اتی (العاصمی) ج۱ ص۱۳۲ – معجم الکبیر ج۳ ص۵۷ – مجمع الزوائد ج۹ ص ۱۶۵ – مرحوم شیخ ابی الفتح الکراجکی در الرساله العلویه فی فضل امیر المومنین علی سائر البریه ج ۱ ص ۷۹ می نویسد: وصی حضرت آدم – شیث بود و شیث پیامبر بود وصی ابراهیم؛ اسماعیل بود و اسماعیل پیامبر بود وصی موسی – یوشع بود و یوشع پیامبر بود و در ضمن مولا علی وصی و جانشین و وارث نبی اکرم بوده و نبی اکرم افضل از تمام انبیاء است و وصی و جانشین او نیز افضل از پیامبران غیر از رسول اسلام است – اما بررسی سندی روایت ابن عساکر درباره وصی بودن امام علی

۱) ابوالقاسم اسماعیل بن احمد سمرقندی م ۵۱۶ تذکره الحفاظ ج ۴ ص ۱۲۶۳ حافظ وثقه است – سیر اعلام النبلاء ج۲۰ ص۲۸ کان مکثرا ثقه طبقات الشافعیه ج۷ص۴۶ ش۷۳۵ المخلصیات ج۳ ص۱۳۳ ۲) احمدبن عبدالله بن نقور

سیراعلام النبلاء ج۱۸ ص۳۷۲- ج۱۳ ص۴۷۰ ش ۴۲۷۲ الشیخ الجلیل الصدوق ۳) علی بن جراح وزیر سیراعلام النبلاء ج۱۶ ص۵۴۹ – تاریخ بغداد ج۱۱ ص۱۷۹ ش ۵۸۹۱ وکان ثبت السماع صحیح الکتاب – ۴) عبدالله بن محمد بغوی لسان المیزان ج۳ ص۴۱۶ ش ۴۷۵۷ – تذکره الحفاظ ج۲ ص۷۳۷ – سیراعلام النبلاء ج۱۴ ص۴۴۱ الحافظ الامام الحجه – ۵) محمدبن حمید رازی تهذیب التهذیب ج۹ ص۱۱۱ ش۱۸۱ بن حمید ثقه کتب عنه یحیی و روی عنه من یقول فیه هوا کبر منهم ۶) علی بن مجاهد کابلی تهذیب التهذیب ج۷ ص۳۳۰- الثقات ش ۴۵۹۸ علی بن مجاهد و هو عندی ثقه تهذیب التهذیب ش ۶۱۲ ج۷ ص۳۷۷ – ۷) محمدبن اسحق بن یسار تاریخ الثقات ص۴۰۰ ش ۱۴۳۳ الثقات ابن حبان ش ۱۰۵۳۴ – ۸) شریک بن عبدالله ابو عبدالله نخعی تقریب التهذیب ج۴ ص۲۹۴ الی ص۲۹۶- و هو ثقه ثقه الثقات ج۶ ص۴۴۴ ش ۸۵۰۷- ۹) ابوربیعه ایادی عمربن ربیعه تقریب التهذیب ج۲- ص۴۲۱ موسوعه رجال الکتب التسعه ج۴ ص۳۹۵ ش۱۱۳۱۷ الجرح و التعدیل رازی ج۴ – ص۳۶۷ شریک ثقه- الجرح و التعدیل ج۶ ص۱۰۹ ش ۵۷۵ کوفی ثقه (عمربن ربیعه)

۱۰) عبدالله بن بریده بن حصیب اسلمی الجرح و التعدیل ج۵ ص۱۳ ش ۶۱ عن یحیی بن معین: قال عبدالله بن بریده ثقه

۱۱) بریده بن حصیب اسلمی (صحابی) الاصابه ج۱ ص۱۴۶ ش ۶۳۲ – (ج۱ص۴۱۸) مکتبه شامله- در پایان و خاتمه کتاب- از جناب شیخ ایرج متقی زاده ریاست محترم نشر میراث ماندگار- جناب دکتر فهیمی که کار تایپ- حروفچینی – ویرایش و صفحه آرایی را به احسن وجه انجام دادند – از جناب شیخ وحید خورشیدی کارشناس پاسخ به شبهات شبکه ولایت که در بعضی از مطالب عربی و حدیثی کتاب بنده را مساعدت فرمودند از جناب خانم حق شناس- آزاده خاورانی و زهرا آبادی که تایپ های اولیه کتاب را با حوصله انجام دادند از همه این بزرگواران تقدیر و تشکر ویژه به عمل می آید.

مداح ابن مالک

(۲) محرم الحرام ۱۴۳۹- مهرماه ۱۳۹۶

منابع و ماخذ

۱_ سایت اسلام ویب [مرکز فتاوی _ تفسیر و حدیث وهابیت]

۲_ سایت مکتبه شامله [اهل سنت]

۳_ سایت مکتبه وقفیه اسلامیه _ [اهل سنت]

۴_ سایت مکتبه فقاهت [شیعه]

۵_ سایت حضرت ولی عصر علیه السلام [شیعه]

۶_ سایت تالار ندای شیعه

۷_ سایت موقع الاسلام الدعوی و الارشادی آل شیخ [وهابیت]

۸_ کتاب شبهای پیشاور [۳ جلدی با تحقیق عبدالرضا درایتی]

۹_ کتاب گروه رستگاران _ سلطان الواعظین شیرازی

۱۰_ امالی شیخ صدوق

۱۱_ علل الشرایع صدوق

۱۲_ توحید _ شیخ صدوق

۱۳ عیون الاخبار الرضا _ صدوق

۱۴_ سوالات ما _ حسین تهرانی

۱۵_ تفسیر المیزان _ علامه طباطبائی

۱۶_ تفسیر نمونه _ آیه الله مکارم شیرازی

۱۷_ طرائف _ سید ابن طاوس

۱۸_ حق الیقین _ علامه مجلسی

۱۹_ حیاه القلوب _ مجلسی

۲۰_ الغدیر _ علامه امینی

۲۱_ علی در کتب اهل تسنن _ آیه الله موسوی همدانی

۲۲_ کشف الیقین علامه حلی

۲۳_ احتجاج _ شیخ طبرسی

۲۴_ ارشاد _ مفید

۲۵_ شبهات غدیر _ سید مجتبی عصیری

۲۶_ خدای وهابیت _ عصیری

ص:۵۴۴

۲۷_ شبهات فاطمیه _ عصیری

۲۸_ مناقب اخطب خوارزمی حنفی

۲۹_ ینابیع الموده قندوزی حنفی

۳۰_ شواهد التنزیل _ حاکم حنفی

۳۱_ حدیقه الشیعه _ مقدس اردبیلی

۳۲_ امام شناسی _ رضوانی

۳۳_ براهین و نصوص امامت _ ربانی گلپایگانی

۳۴_ النصوص _ آقادادی

۳۵_ بشاره المصطفی _ طبری

۳۶_ اهل بیت در قرآن و حدیث _ ری شهری

۳۷_ دانش نامه امیرالمومنین _ ری شهری

۳۸_ مائه منقبه ابن شاذان

۳۹_ المراجعات _ سید شرف الدین

۴۰_ امامت و خلافت _ سید اسدالله هاشمی

۴۱_ آیات ولایت در قرآن _ آیه لله مکارم

۴۲_ اهل بیت از دیدگان قرآن و سنت [ابن مالک] از همین نویسنده

۴۳_ پرتوی از امامت در قرآن و سنت [ابن مالک] از همین نویسنده

۴۴_ جنه العاصمه _ آیه الله میرجهانی

۴۵_ جلاء العیون مجلسی

۴۶_ سایت مکتبه قائمیه اصفهان

۴۷_ معانی الاخبار _ صدوق

۴۸_ اصول کافی _ کلینی

۴۹_ روضه کافی _ کلینی

۵۰_ امام علی مظلوم تاریخ _ رضوانی

۵۱ _ نهج البلاغه _ دشتی

۵۲_ قرآن کریم

۵۳_ سیمای امیر المومنین در قرآن _ سید جواد رضوی

۵۴_ اثبات ولایت امیرالمومنین در قرآن و سنت [عبدالصمد ساکی]

۵۵_ سایت سنت [شیعه] و ....

ص:۵۴۵

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹